



هفتادمین سال تاسیس دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

۷۰ کنج از ۷۰ سال کنجیسهٔ دانشگاه تهران تلبین نام بی کهن کیابین دارویی با نام بی علی جلد اول ۱۲

#### ييشگفتار ناشر

گرچه دانشگاه تهران، هفتاد سال پیش پدید آمد، اما یک دهه و اندی پس از آن بود که انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵ خورشیدی از آن رویش باشکوه، جوانه زد و بر شاخسارش شکوفههای خرد و اندیشه شکفتند و در همان سال نیز به بار نشستند. دیری دیگر، هنگامی که دانشگاه تهران درختی تناور شد، گشن و پر شاخسار، بر سرتاسر ایرانزمین سایه گستراند. انتشارات نیز هم گام با آن رشد شتابآلود، پیشروی به عمق و درون را آغاز کرد تا بتواند از فرهنگ و دانش رهتوشهها به مشتاقان ارمغان کند.

اینک، که بیش از نیم سده از عمر انتشارات دانشگاه تهران، به مثابهٔ نخستین ناشر دانشگاهی ایران، میگذرد، مفتخریم اعلام داریم که در طول این سالها بسیاری از متون پارسی را به همت استادان فرهیختهای که از استوانههای علم و فرهنگ و ادب این سرزمین کهن بودهاند، از دهلیزهای تار تاریخ بیرون کشیدیم، به زیور چاپ آراستیم و به خواهندگان عرضه کردیم. همچنین میتوانیم ادعا کنیم و بر این ادعا پای بفشریم که این انتشارات دانشگاه تهران بود که سرآغازگر آشنایی مردم میهنمان با آثار فرهنگی، متون و نیز نوشتارهای دانش جهانی شد،

و در سلسلهٔ انتشارات دانشگاه تهران است که میتوان تاریخ تطور علوم جدید را در سرزمینمان و در نیم قرن گذشته جستجو کرد. تا آنجا که امروز، شمار عناوین کتابهای چاپ نخست انتشارات دانشگاه تهران، فزون از دوهزار و هفتصد عنوان است.

اینک به فرخندگی هفتادمین سال پدیداری دانشگاه تهران، این اثر را به همهٔ خواهندگان، به ویژه آنان که این شکوه ماندگاری، برآمدی بر تلاش سترگ آنان بود، ارمغان میکنیم.

باشد تا انتشار هفتادگنج از گنجینههای انتشارات دانشگاه تهران رهاورد پربار این سال باشد.

دکتر محمد شکرچیزاده سریرست مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

# تطبیق نام های کهن کیاهان دارویی با نام های علمی جلداول

- تاریخ گیاهان دارویی
- روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی
  - نام های کهن گیاهان دارویی
- واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان

احمد قهرمان استاد گیاهشناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران احمد رضا اخوت

عضو علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران



## انتشارات دانشگاه تهران

#### شمارة ۲۶۴۸

# شماره مسلسل ۴۸۰۸

تهرمان، احمد، ۱۳۰۷ -

تطبیق نامهای کهن گیاهان دارویی با نامهای علمی ... / احمد قـهرمان، احـمدرضا اخـوت. ــ تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳ -.

ج.: جدول ... (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۶۴۸)

۱SBN 964-03-4808-2 (۲. ج. ۱) ۸۵۰۰۰

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. گیاهان دارویی – - نامها – - واژه نامهها. ۲. گیاهان دارویی – - واژه نامهها – - چندزبانه.  $\pi$ . فارسی – - واژه نامهها – - چندزبانه.  $\pi$ . واژه نامههای چندزبانه. الف. اخوت، احمدرضا. ب. عنوان  $\pi$  و ق  $\pi$  آ /  $\pi$  و تابخانه ملی ایران

شایِک ۲-۳-۳-۳-۴۸۰۸ و ۱SBN 964-03-4808-2 و ۱SBN 964-03-4808-2 و المهای علمی عنوان: تطبیق نامهای کهن گیاهان دارویی با نامهای علمی تألیف: دکتر احمد قهرمان، احمدرضا اخوت ناشر: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۳ (چاپ اول) چاپ و صحافی: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است. مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

کلیه حقوی برای دانست ۱۳۰۰ د

بها: ۵۰۰۸ریال

يست الكترونيك: Press@ut.ac.ir - أدرس سايت: Press.ut.ac.ir

# فهرست

عنوان

پیش سخن
مقدمه
تاریخ شناخت گیاهان دارویی
روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی
۱ – ضرورت برگردان متون طبی کهن و تعیین معادل نام علمی آن ها
٢ – روش استفاده از متون قديم
۱ – ۲ – شناخت دوره های اوج طب در ادوار تــاریخ کــهن و تفکیــک ک
بجای مانده از این دوره ها
۲ – ۲ – عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار
۳ – ۲ – معادل یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی
٤ – ٢ – تفکیک عناوین و روش های تجربی و استدلالی در متون قدیم
۵ – ۲ – لزوم تصحیح ادبی نوشتاری متـون قدیمـی، دسـته بنــدی موضوء
مختلف آن ، برای آیجاد فرهنگ طب گذشته
۳ ــ روش شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن
٤ – نام ها، نشانه ها و واژگان گیاهان دارویی متون کهن
۰ – ٤ تفكيك و طبقه بندى نام ها در متون گذشته
آمار نام های محلی عربی و معرب
آمار نام های محلی غیر عربی
جدول ۱ – آمار نام های کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الا
جدول ۲ – آمار نام های گیاهان دارویی در کتاب جامع ابن بیطار
جدول ۳ – آمار نام های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه
۲ – ٤ – اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دار
۳ – ٤ – نگاهی بر تحول نام های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایِ

٤ – ٤ – نكاتى در مورد نام ها
٥ – ٤ – منابع مورد استفاده كتاب
ل اول : نام های کهن گیاهان دارویی با ترتیب الفبایی زیر
حرف الف
حرف ب
حرف ت
حرف ج
- حرف خ
حرف د
حرف ذ
حر <b>ف</b> ر
حرف ز
حرف س
حرف ش
حرف ص
حرف ض
حرف ط
حرف ظ
حرف ع
حرف غ
حرف ف
حرف ق
حرف ک
حرف ل
حرف م
حرف ن

	حرف ه
799	حرف ی
٣٠٢	فصل دوم : واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی
٣.0	۱ ـ تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی
٣.0	۱ – ۱ – نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی
٣.٥	۲ – ۱ – نگارش و آوانویسی درست حروف عربی ، فارسی، سریانی، بربری
۳.0	الف – نگارش حروف یونانی به حروف عربی، فارسی، سریانی ، بربری
٣.٦	ب ـ نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی
۳.٧	ج ــ معرب حروف لاتيني حسب كتاب ابن بيطار
۳۰۸	۳ - ۱ - فهرست نام های علمی با منشاء نام های یونانی
777	۲ – برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم
<b>TON</b>	ضمیمه ۱: فهرست نسام هسای کسهن گیاهسان دارویسی بسه ترتیسب حسروف الفبا
٤٤٤	و برا من المراح المراح المراج المراج المراجع ا
	ضمیمه ۲ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی در زبان های مختلف
887	١ - نام های عربی و معرب
£ £ 7 £ A 1	
	۱ – نام های عربی و معرب
٤٨١	۱ – نام های عربی و معرب
£11 £98	۱ – نام های عربی و معرب
£ 1 1 2 9 7 2 9 1 .	۱ – نام های عربی و معرب
£A1 £97° 01.	۱ – نام های عربی و معرب
2A1 29T 01. 010	۱ – نام های عربی و معرب
2A1 29T 01. 010 01A	۱ – نام های عربی و معرب
£A1 £97 01. 010 01A 07.	۱ - نام های عربی و معرب
£ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \	۱ – نام های عربی و معرب

# پیش سخن

در دو دههٔ اخیر استفاده از گیاهان دارویی به هر دلیل بیشتر شده است و کتابهای گیاهان دارویی بسیاری ، با ارزش های علمی متفاوت و غالبا کم محتوا ، چه در شناخت و چه در کاربری گیاهان دارویی تالیف یا ترجمه شده است. بررسی کتابهای گیاهان دارویی تالیفی و یا ترجمهای بازار، همه حاکی از چند گیاه دارویی شناخته شدهٔ معمولی، با محتوای یکسان و برگردان و یا برگرفته از کتابهای معمولی گیاهان دارویسی عرضه شده در پیشخوان سوپر مارکتهای اروپایی و آمریکایی است و فاقد اعتبار و یــا منــابـع علمي قابل ملاحظهاند. در حال حاضر بازار كتاب اشباع از اين قبيل كتابهاي گياهان دارویی است و هر از چند گاه نیز کتابهای دیگری با همان محتوا ، بــا شـکل و نحـوه تبلیغ تازه و با شرحی از فواید و خواص اغراق آمیز و معجزه آســای درمــان بــا گیاهـــان محتوای آنها انتشار می یابد. گذشته از این دسته کتب، کتابهایی نیز با عناوین گیاهان دارویی سنتی ، گیاهان شفابخش طب سینایی و از این قبیل، با ذکر نام گیاهانی که تقریبا در همه آنهاتکراری است و با مولفان مختلف و غالبا بدون ذکـــر منــابع مــورد اســتفاده، چاپ و عرضه می شود. انتشار این قبیل کتب ، همراه با تبلیغات و ذکــر شــواهد درمــانی گیاهان مذکور در آنها و پیدایش موسسات گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی و همچنین نهادهای دست اندرکار گیاهان دارویی و تجارت آن، باعث ظهور خودجـوش برخی تشکیلات مخفی و یا نیمه آشکار در خرید و فروش گیاهان دارویــی شــده اســت. عرضهٔ انواع گیاهان با عناوین دارویی، در بسته بندیهای رنگارنگ و یا بصورت عرقیات در سوپرمارکتها و یا دکانهایی با نام های طب علفی همگی سبب شدهاند تا افرادی بدون هیچ مدرک علمی خود را متخص درمان بوسیلهٔ این گیاهان دانســته و بــا بــرپــایی تابلوهای بزرگ و چراغ نئون، به تبلیغ بسیار گسترده و وسیع این دکان بپردازند و ذهــن برخی مردم بی اطلاع را با این تبلیغات غیر واقعی هدف ســودجویی خـود قــرار دهـنـد. متاسفانه هیچ کنترلی بر کار آنها نیست و چنان بازار آشفته مخفی از کاسبی و تجارت گیاهان با عناوین دارویی (که اغلب مستقیما از طبیعت برداشت می شوند) بوجود آمده است که هر سودجوی فرصت طلب و ناآشنا به طب و درمان و ناشناسای گیاهان دارویی خود را صاحب تجربه معرفی کرده و شیادانی نیز بساطی از گیاهان به عنوان دارویسی و

طب سنتی گسترده، از اعتماد و باور خلق ساده و غالبا کم در آمد استفاده میکنند و چشم به کیسه بضاعت بیماران لاعلاج و بستگان مستاصل آنها داشته باشند. ناگفته نماند موسسات علمی و پژوهشی و دانشگاهی یا غیر دانشگاهی و تحقیقاتی نیز وجود دارند که به کار تحقیق در خواص عصاره و ترکیبات و اثسر گیاهان دارویسی بدون هیچ تبلیغی مشغول هستند.

در حال حاضر بکارگیری تکنولوژی تهیهٔ دارو از گیاهان و شناخت مولکولهای موشر آن، باعث در آمدهای کلان کشورهای صاحب تحقیقات و تکنولوژی پیشرفته داروسازی شده است. این موسسات سالیانه ده ها میلیارد دلار فقط صرف تحقیقات این کار میکنند. همچنین موسسات کارتل مانندی برای تهیه دارو از گیاهان و تجارت آن در گوشه و کنار جهان وجود دارد. و هر روز مولکولهای موثری در گیاهان کشف و برای ساخت (کپی) آن الگو برداری می شود و با تغییر مولکولهای همین گیاهان گرانترین داروها را می سازند . مقایسه بهرهٔ ناچیز و روش ابتدایی و قدیمی ما از ایس گیاهان، نسبت به استفاده کلان اقتصادی همراه با تکنولوژی پیشرفته از گیاهان دارویی در دیگر کشورهای جهان که از نظر غنای این ثروت خدادادی در حد ما نیستند نشان از اتلاف آشکار ایس شروت عظیم کشور دارد و بسیار جای تاسف است، و تاسف بیشتر برداشت غیر شروت عظیم کشور دارد و نود فاجعهای است که باعث انهدام و انقراض آن در طبیعت میگردد، و خود فاجعهای است نا معقول در هدر رفتن ثروت ملی و بر هم خوردن شرایط تعادل زیست محیطی کشور، و این در حالی است که بهره گیری درست خوردن شرایط تعادل زیست محیطی کشور، و این در حالی است که بهره گیری درست

برداشتها از طبیعت توجه نکنند، در آن صورت باید پاسخگوی نسلهای آینده باشیم که بی شک فرهیخته تر از ما هستند.

استفاده از گیاهان دارویی در ایران سابقهٔ چند هزار ساله دارد و گذشته از دوران کهن در دوران اسلامی آثار گرانبهایی از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی در سرزمین ما جا مانده است. برخی از این آثار در یکی دو قرن اخیر، به زبان های اروپایی ترجمه گردیده است. به هر حال این حدیثی از سابقهٔ درخشان کاربرد گیاهان دارویی و فرهنگ گذشته ایران است. و اکنون باید متناسب با پیشرفت علم و تکنولوژی از گیاهان دارویسی بهره گرفت و اگر کسی ادعا کند در عصر حاضر هم باید از همان روش و شیوه بزرگان علم

طب گذشته ایران (همچون روش بوعلی سینا که به طب سینایی معروف است) از گیاهان دارویی استفاده کرد ، بی شک در خواب قرون باقی مانده است. البته جای شک نیست که توجه به تجربه نسلها در استفاده از گیاهان دارویی که پایه دانش این بورگان را تشکیل می داد، امروزه نیز بسیار ارزشمند است. اما پرسش اینست اگر پورسینا (بنیا به فرض) امروز هم میبود باز همان تجویز ده قرن پیش خود را داشت ؟! که بسیار بعید است.

در هر صورت طرح عناوین استفاده از گیاهان دارویی با همان تجویز طبیبان و بزرگان علم پزشکی قدیم در واقع بهانهای برای این مدعیان جهت برداشت گیاهان از طبیعت نیمه خشک ایران و دستبرد به این میراث طبیعی کشور و انهدام آنها است . این مدعیان که حتی نام گیاهان مورد کاربرد این بزرگان را نمی دانند، با عنوان نمودن استفاده از روش آنها، نه تنها به ساحت علمی این مفاخر طب گذشته ما بی احترامی میکنند بلکه برای جامعه علمی ما در این روزگار پیشرفت سریع علم و توسعهٔ تکنولوژی حقارت آمیز و بازگشت به قرون گذشته و تحقیر عقب ماندگی در خدشه دار کردن فرهنگ علمی حال و گذشته است. متاسفانه در این ماجرای ناخوشایند گاهی برخی با عنوان پزشک و داروساز و حتی با عناوین عضویت در دانشگاههای کشور به نحوی با آنها مشارکت دارند.

در سال ۱۳۷۰ که تب کاربرد گیاهان دارویی با عنوان درمان با روش طب سنتی تقریباً بالا گرفته بود و انواع بسته بندی گیاهان دارویی ، با تبلیغات وسیع در هر داروخانه و سوپر مارکت وحتی خواربار فروشی ها و بالاخره در بازارهای دارویی فروخته می شد . محققان و اعضلی هرباریوم مرکزی دانشگاه تصمیم به بررسی محتویات این بسته ها و مطابقت آن با نام روی بسته ها گرفتند. متاسفانه در همان ابتدای بررسی معلوم شد که محتوای بسته ها با نام علمی آنها مطابقت ندارد و خواص قید شده نیز مربوط به آن سانیست و در مواردی حتی گیاهان خرد شدهٔ داخل بسته ها ناشناخته بود . نتیجه مقدماتی این بررسی ها سبب شد تا بررسی دقیق آن موضوع طرح تحقیقاتی رسالهٔ کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی گیاهان دارویی بازار و عطاری ها" باشد و به عهده دانشجویی که سابقه ای در موسسهٔ تحقیقات گیاهان دارویی داشت قرار گیرد. مقایسه بررسی محتویات سابقه ای در موسسهٔ تحقیقات گیاهان دارویی داشت قرار گیرد. مقایسه بررسی محتویات بسته بندی های جمع آوری شده از بازار با اقلام خریداری شده با همان نام از عطاری های سنتی، نه تنها یکی نبود، بلکه با نام علمی آنها نیز در بیشتر موارد مطابقت

نداشت و غالباً دو چیز متفاوت بود. نتیجهٔ آماری این بررسیها بســیار هشــدار دهنــده و نشان از آشفتگی این بازار بود. لذا بررسی آشفتگی و هرج و مرج بازار گیاهان دارویسی، موضوع رسالهٔ کارشناسی ارشد دیگری شد تا اولاً معلوم شود نام گیاهان دارویسی مـورد شناسایی مثلاً بوعلی سینا یا ابن بیطار و دیگران در گذشته چه بوده است و چگونه و با مراجعه به چه منابعی تهیه کنندگان این بسته بندی ها آن نامها را روی بسته بندی های تهیه شدهٔ خود گذاشتهاند و همچنین منشا نامهایی را که عطاریها معمولاً سینه به ســـینه میشناخته و میشناسند چیست. پس از سه سال کار روی روشهای تطبیق نـــام گیاهـــان دارویی که در حد یک رسالهٔ کارشناسی ارشد بود، به این نتیجه رسیدیم که برای دستیابی به روش تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی با نام های علمی آنها که حداقــل ۲۳ قـرن سابقه مکتوب دارد. می باید کاری چند ساله را شروع کرد. خوشبختانه کار پژوهشی ســه ساله آقای احمد رضا اخوت برای مسائل مقدماتی این تحقیق آماده شد و بـــا ادامــه ایــن پژوهش اکنون ایشان اصلیترین همکار و شریک شایسته ایــن تحقیـق میباشــند. ضمنــاً می باید از سرکار خانم دکتر فریده عطار که در تمام موارد تطبیق نامهای علمی و جدا نمودن مترادفها و پژوهش نظام یافته در طبقه بندی موضوع کتاب با ما همکاری مـداوم داشتند و از استاد فاضل و دانشمند جناب آقای دکتر موسی ایرانشهر که همیشه راهنما و همکار و مشوق این تحقیق بودند تشکر نمایم ، همچنیـن از عضـو دیگـر هربـاریوم مرکزی دانشگاه آقای مهندس کاظم مهدیقلی که تجربه فراوان در کار گیاهان دارویسی و شناخت بازار آن داشته اند و از آقای دکتر غلامرضا امین که مشاور آقای احمد رضا اخوت در تهیهٔ رسالهٔ کارشناسی ارشد بودهاند و از همه عزیزانی که ما ار در این پژوهش همراهى نمودهاند، صميمانه تشكر نمايم

احمد قهرمان

#### مقدمه

نام هر کس یا هر چیز معرف هویت آن است . همه چیز با نام شناخته می شود. لفظ یا کلمه «نام» در هر زبانی ریشهٔ عمیق در پیدایش تمدن و تشکیل هر جمعیت دارد . با آنکه نامها در جوامع بدوی و کهن تاریخ، مفهوم گسترده کنونی را نداشته و آواهای ساده بیش نبودهاند، ولی افراد خانواده های ابتدایی تاریخ و یا جمعیتهای قبیله مانند انسانهای اولیه، با همان «آواهای نام گونه» یکدیگر و موجودات و اوضاع اطراف را می شناختند و مثلاً متوجه می شدند هر آوا نام کدام حیوان درنده و یا بی آزار و پرنده یا خزنده است و یا نام، مربوط به گیاهی خوراکی ، سمی، بدطعم و نامطبوع است و یا به عوامل محیطی و اوضاع اطراف مربوط می شود.

نامگذاری های اولیه به هر ضرورتی و به هر دورهای که مربوط باشد، آغاز راه انتقال آگاهی ها و ارتباط بین افراد خانواده ها و قبیله های بدوی بوده است.

شاید آغاز تکلم و ارتباط آوایی بین انسانهای روزگاران کهن و ما قبل تاریخ همین "آواهای نام گونه" بوده است. تاریخ پیدایش نام و نامگذاری و بررسی آن نیاز به تخصص زبان شناختی و شناخت جوامع اولیه انسانی دارد که در هر صورت خارج از تخصص ما است. اما همین آواهای نام گونه احتمالاً در جریان توسعه و پیشرفت جوامع اولیه در، مکان های مختلف جهان و پیدایش زبان در تمدنها موثر بوده است. نامها با پیشرفت فرهنگ در تمدنهای پراکندهٔ جهان به تدریج مفهوم عمیق و گسترده پیدا نمودند و بدیهی است در زبانهای متفاوت، هر شئی یا هر موجودی با ماهیت واحد نامی شناخته شده در آن تمدن و فرهنگ پیدا کرد و در عین حال نسبت به تعالی تمدن و زبان آن جمعیت، نام تداعی کنندهٔ بسیاری از خصوصیات و حتی ذات اصلی صاحب آن شد. در جهان کنونی نام اصلی ترین معرف هر چیز و هویت هر کس و تغییر ناپذیر است. با پیشرفت سریع و همه جانبهٔ علوم در زمینههای مختلف، به ویژه علوم طبیعی و تجربی، وجود نامهای گوناگون یک گیاه یا یک حیوان در زبانهای متفاوت جهان، انتقال آگاهیهای علمی و نشر دانش و پیشرفت جهانی علم را مشکل مینمود. لذا انتقال آگاهیهای علمی و نشر دانش و پیشرفت جهانی علم را مشکل مینمود. لذا دانشمندان علوم طبیعی (به ویژه لینه پدر نامگذاری علمی) از قرن هیجدهم به بعد با دانشمندان علوم طبیعی (به ویژه لینه پدر نامگذاری علمی) از قرن هیجدهم به بعد با طرح قواعد علمی نامگذاری (نوموکلاتور) و اصول رده بندی موجودات و تعریف گونه

به عنوان واحد رده بندی، باعث شدند تا، نام علمی و اصول نامگذاری بسرای گیاهان و جانوران و دیگر واژگان به مجامع علمی ارائه گردد. در عصر ما نیز هر چند سال یک بار کنگره ای با حضور دانشسمندان جهانی ایس علم در یکی از کشورهای جهان بسرای نامگذاری علمی و تعیین "کُد"های آن با عنوان مجمع جهانی (نوموکلاتور) معروف است.

اما نام های کهن گیاهان دارویی که خارج از این قواعد قرار دارد و تطبیق آن با نامهای علمی و یا معادل که موضوع کتاب حاضر است در زبانهای قومی و قبیلهای و تمدنها و فرهنگهای سرزمینهای مختلف سوابق چند هزار ساله دارد و در طول تاریخ با برخورد تمدنها و بروز جنگها از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر و ارد و در این تداخل گاه چنان دچار سایش از گویشهای قومی قرار گرفت و در پوششی از خاکستر قرون و ابر زمان فرو رفت که دست یابی به واقعیت و منشاء آن اگر ناممکن نباشد بسیار مشکل است.

البته از همان آغاز مشكلات این پژوهش برای ما كاملا محسوس و معلوم بود و ما با وقوف به آن با جمع آوری تمام منابع موجود مانند كتابهای خطی و مراجعه به كتابخانههای معتبر، مانند كتابخانهٔ مركزی دانشگاه تهران ، كتابخانهٔ آستان قدس رضوی و مطالعهٔ فهرست كتابهای كتابخانهٔ مجلس و مطالعات منابع دیگر را آغاز كردیم و رده مطالعهٔ فهرست كتابها و منابع خارج از ایران را برای هر قرن قبل و بعد از میلاد مسیح و دوران اسلامی تا قرن حاضر آغاز نمودیم و نام گیاهان دارویی را در متون مختلف از زبانی به زبانی دیگر غربال كردیم تا بتوانیم در حد امكان به نام اصلی و اولیه گیاه نزدیك شویم و از تغییرات آن در برخورد تمدنها و تداخل فرهنگها به ویژه فرهنگ شرق و غسرب در هر قرن آگاه گردیم و برگردان نامها را نیز در زبانهای این دورهها از نظر دور نداریم و به شرح گیاهان در متون مختلف كه غالباً غیر علمی و نا مفهوم و عجین با نام گیاه بوده جریان این پژوهش گاه ناچار به ترجمهٔ بخش بزرگی از كتسب قدیمی و یا تمامی آن كتب دارویی بشویم ، از آنجمله برگردان تمامی متن كتاب تفسیر دیسكورید و تنقیح كتب دارویی بشویم ، از آنجمله برگردان تمامی متن كتاب تفسیر دیسكورید و تنقیح كتب دارویی بشویم ، از آنجمله برگردان تمامی متن كتاب تفسیر دیسكورید و تنقیح الجامع ابن بیطار در متن این كتاب است كه جا به جا دیده می شود.

فهرست بقیهٔ منابع مورد استفاده در پایان کتاب ذکر شده است.

# تاريخ شناخت گياهان داروئي

آغاز شناخت گیاهان دارویی تمدن یونان و رم / غرب قدیم

اگر از دوران ماقبل تاریخ بگذریم تاریخ کهن شناخت گیاهان دارویی به عهد عتیق و به دوران ارسطو بر ميگردد.

ارسطو ( ٣٣٠ ق.م) اولين كسي است كه آثار و مطالبي مكتوب مربوط به شناخت گياهان دارد. البته

قبل از او در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م.) در «پاپیروس»ها (Papyrus) و «ابرز» (Ebers) مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آنها باقی مانده است. ولی ارسطو نخستین اندیشمندی است که از رشد و نموگیاهان، ماده سازی و از تفاوت آنها و چگونگی استفاده آنها از مواد خاک [سیاه خاک] مطالبی نوشته است. نوشتهٔ او بدون هیچ مبنای علمی تا چندین قرن بعد از او مورد قبول همه بود و

حتى تدريس مى شد. «تئوفراست» یا «تئوفراستوس» شاگرد ارسطو که در سالهای ۲۵۸-۳۷۰ قبل از میلاد طبیب بود او بعدها به او پدر گیاهشناسی گفتهاند]، علاوه بر آن که پیرو فلسفهٔ استاد خود ارسطو بــود تــحت تأثــیر

نظریات «پلاتو» (Plato)(۱) استاد ارسطو نیز قرار داشت. او رده بندی بسیار ابتدایی از روی ریختار یا قیافه [Habit] گیاهان، چرخه رشد، یک ساله یا چند ساله بودن، شکل گل آذین و نحوهٔ رشــد آن و همچنین وضع گلبرگهای گلها در کتابی به نام «هیستوریا پلانتاروم» (Historia Plantarum) بر مبنائی

اساس آن كاملاً دور از حقيقت و واقعيت است. متاسفانه اين نظر از ٣٠٠ سال قبل از ميلاد مسيح تا قرن ۱۸ ماخذ و مبنای نگارش کتابها و آثار بسیار دیگر بود. تثوفراست به مقتضای شغل خود از گیاهان برای درمان استفاده می کرد. [متاسفانه آثاری در این مورد از او باقی نمانده است]

مبهم و ناشی از استنباطات خود، دارد. او بر این مبنا و تفکر ۴۸۰گیاه را درکتاب مزبور ردهبندی نمودکه

بعد از تئوفراست باید از بقراط یا «هیپوکرات» (Hippokrates) بزرگترین پزشک جهان باستان و هم عصر تثوفراست (۱۳۱ ق.م) نام برد كه ادامهٔ مكتب او بعدها منجر به مكتب طب جالينوسي شد. از اين

دانشمند که از گیاهان برای درمان استفاده م*ی*کرد مطالب و آثاری از نحوهٔ درمان با گیاهان دارویی و یا توسط مواد گیاهی باقی مانده است. بعد از این دانشمندان عهد عتیق می باید در سالهای ۷۹ تا ۲۳ بعد از میلاد مسیح از «پلینی کهن» یا از

«كارينوس پلينوس سكوندوس» (Gaius Plinus Secondus) يادكنيم. او مجموعه آثاري در ٣٧ جلد به نام «تاریخ طبیعی» حاوی دانشها و اطلاعات عصر و زمان خود دارد. ۹ جلد از مجموعه آثار او مربوط

به گیاهان دارویی است که متأسفانه همه مطالب آنها غیر واقعی و دور از حقیقت است. و جای تأسف است که تا قرنهای بعد، یعنی تا پایان قرون وسطی آثار او سایهای سنگین و تاریک بر بروز و ظهور آثار علمي گياه شناختي انداخته و سبب ركود اين علم شده بود.

در همین عصر می باید از «دیوسکورید» [(پدانیوس دیوسکوریدس) (Pedanios Dioscorides)] طبیب و جراح، به ویژه جراح و طبیب ارتش روم در زمان نرون (در سالهای ۷۵–۴۵ بعد از میلاد مسیح) اشاره کنیم که پس از تئوفراست، مشهور ترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی دوران عتیق است. دیسکورید چون جراح ارتش امپراتوری روم بود همراه با ارتش مهاجم روم مسافرتهای بسیاری به خارج از روم داشت. و از موقعیت این سفرها توانست از خواص گیاهان دارویی متداول در نقاط مختلف جهان آن روز اطلاعات فراوانی کسب کند و مجموعهٔ اطلاعات و دانستههای خود را در کتابی معروف به نام «ماتریا مدیکا» (Materia Medica) که شامل شرح و خواص حدود ۲۰۰۰ گیاه دارویی است بنویسد. بعدها او با افزودن تصاویر جالب بر این کتاب کاربرد و معروفیت آن را بالا برد. نام ماتریا مدیکا [کتاب او] بتدریج کم رنگ و به نام خود او [دیسکورید] معروف شد. این کتاب در طول ۱۵ قرن به چنان شهرتی رسید که فقط گیاهان ذکر شده در آن اعتبار دارویی داشتند.

معروف ترین نسخه این کتاب پس از سالهای طولانی از تاریخ انتشار آن، برای «جولیانا» (Juliana) دختر امپراطور وقت روم «فلاویوس اولی بریوس آنیه یوس» (Flavius Olybrius Anieius) تهیه شد. نسخه های کلیشه ای این کتاب امروزه در کتابخانههای دنیا و نسخه اصلی و خطی آن در وین وجود دارد. در مورد این کتاب باید گفت با آن که خواص هر گیاه ذکر شده در آن فاقد هر گونه واقعیت علمی و پر از مطالب غیرواقعی است ولی تا یک قرن پس از هزاره میلاد مسیح همه آثار و کتب مربوط به گیاهان دارویی انتشار یافته در غرب غالباً ترجمهای از دیسکورید و یا برگرفته از آن بود که ذکر همه آنها باعث اطاله مطالب ما است.

#### پیشگامان و نامداران دانش شناخت گیاهان دارویی در شرق

هزاره اول میلاد مسیح دوران طلیعه دانش گیاه شناختی در شرق است که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه های کاربردی در درمان و تهیهٔ داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می شود. اما در عین حال بخشی از آن متأثر از شیوه های درمان غرب آن روز به ویژه روش دیسکورید و بخش عمدهٔ آن خاص شرق است. متأسفانه همه آگاهی ها و آشنایی ها به خواص داروها و گیاهان دارویی و همه دانستنی ها در مورد این گیاهان در شرق به علت عدم نشر آنها انسخه برداری های مکرر یا چاپ آ، در داخل قومها و قبایل دور از هم سرزمین های شرقی و در سینه طبیبان، به صورت بسته و محدود باقی ماند و کمتر از آن خارج شد. بشریت و قتی در پژوهشهای خود از این تجربیات گران قیمت قومی اطلاع یافت که جنگهایی بین تمدنهای ایران و روم، ایران و یونان و ایران و مصر و هندوستان و چین و سایر تمدنهای آن روزی پیش آمد و موجبات تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی در بین این تمدنها فراهم شد. مؤید این نظر، ریشههای متفاوت اسامی گیاهان دارویی است که گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی و غیره است. این اسامی به مرور زمان در هر کشور و در بین هر ملتی بر حسب زبان و حتی گویشهای آنها غالباً دچار تغییرات متفاوت کم و یا زیاد کلامی شدند و اسامی تغییر یافته به سرزمینهای دیگر یا حتی سرزمین منشاء منتقل گردید. در سرزمین ما متأسفانه در لشکرکشی اسکندر و حمله اعراب کتابخانه ها دوبار دچار آتش سوزی و انهدام شدند و همچنین کتابخانه مشهور اسکندریه در آتش سوزی عمدتاً نابود شد و بیشترین منابع و آثار و کتابهای

جمع آوری شده در آن سوخت و خاکستر شد، بدین ترتیب سوابق گیاهشناسی شرق کهن در دو تمدن ایران و مصر بر اثر این آتشسوزیها فاقد هرگونه مدارک دیرینهٔ شناخت گیاهان دارویی و خواص آنها گردید. متأسفانه بعدها نیز بر اثر تخریب قلاع فرقهٔ اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانههای آن به وسیلهٔ هلاکوخان مغول، بقیهٔ آثار مکتوب گیاهان دارویی که توسط این فرقه جمع آوری شده بـود از مـیان رفت. (۱)

آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی به خـصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشتهها و ترجمههای آثار بقراط، جالینوس و کتابهای دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی پیدا نمود مربوط می شود. زیراکارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمة» به عربی ترجمه شد. «بیت الحکمة» در سال ۳۳۲ هجري مطابق با ۸۴۷ میلادي، بوسیله «المامون» خلیفه عباسي در بغداد تأسيس شده بود و به وسيلهٔ جانشينانش به خصوص «المتوكل» مورد حمايت و توجه بيشتر قرار گرفت. منابع ترجمه شده «بیت الحکمة» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه بـه صورت نظری و چه به صورت عملی مورد استفاده قرارگرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی معرب شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمهٔ این آثار، یکی از منابع اصلی و مـهم مـورد اسـتفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهمترین ترجمه های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکورید است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی همیشه مورد استفاده قرار می گرفت و هنوز هم از آن استفاده می گردد. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حُنَین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود صورت گرفت. در کتاب الحشایش شرح حدود ۶۰۰گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند مذکور است و اسامی آنها به زبانهای دیگر نیز آمده است یکی از ویژگیهای این کتاب ذکر اختصاصات «ریخت شناختی» گیاهان دارویی است و خواص يزشكي آنها نيز ذكر گرديده است.

«علی ابن سهل ربن طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمة» را به نام «المتوکل» خلیفه عباسی تدوین نمود. او در این کتاب ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نمی شناختند، با نامهای فارسی و عربی ذکر میکند و بر آنچه دانشمندان یونانی نام برده بودند می افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصهٔ گیاه شناختی دارویی، میباید از «یبوحنا بین ماسویه» پزشک و گیاه شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور [به وسیله خسرو نوشیروان بنا شده بود] در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد. کارهای علمی و کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم عصر او مانند «عیسی بن ماسه» در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و همچنین «ابوزید ازجانی» و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس که پزشکان و دانشمندان بعد از آنها در آثار خود

۱- فرقه اسماعیلیه با صدور گیاهان دارویی به نقاط مختلف ایران و کشورهای جهان آنروز نوعی تجارت مخفی برای رفع
نیازهای مالی پیروان خود در نواحی مختلف داشت و به همین علت به آنها «حشاشیون» میگفتند. این نام به علت
ترورهایی که افراد این فرقه مرتکب می شدند بعدها در غرب به اساسین یا تروریست مشهور شد.

اشاراتی بر کارهای ارزنده آنها دارند و در برخی از تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با اهمیت خاصی نام می برند از جمله این دانشمندان «ابن بیطار» است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه والتغذیه» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان دارویی و مشتقات آنها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده اند و در آثار یونانی ها و پزشکان اسلامی دیده نمی شود، نام می برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران «محمد بن زکریای رازی» است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سالهای مربوط به گیاهان دارویی ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۹۲۵ تا ۹۲۵ میلادی) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژههایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه از دانشمندان شرق باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایرة المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و کتاب خلاصهٔ پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع لاغذیة و دفع مضارها» را نوشت. این کتابها و بقیهٔ آثار او مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه شناختی برای نسلهای متمادی در شرق و غرب بوده است. آثار این دانشمند به زبانهای دیگر به ویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانههای دانشگاههای غرب و حتی کتابخانههای کلیساهای معروف جهان باقی مانده است «محمد بن زکریای رازی» حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر

«علی بن عباس مجوسی ازجانی» از دیگر دانشمندان عالیقدر ایرانی است که پزشک مخصوص عضدالدوله بود. او در کتاب «کامل الصناعات الطبیه»، خود را شاگرد «ابوماهر موسیٰ بن یوسف بن سیار مجوسی» معرفی می کند. جالب ترین بحث این کتاب آن است که «ارّجانی» در آن از پزشکان یونانی و مقلد اسلامی آنها انتقاد کرده و به نظر او بسیاری از نظرهای فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آنها در کشورهای شرقی نامبرده اند قابل تشخیص و شناسایی نمی باشد. او شیوههای مداوا را که خود به کار می برده است، در این کتاب شرح داده و از داروهایی نام می برد که قبلاً مکرر به وسیلهٔ پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار می رفته است. «ازجانی» در این کتاب بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیلهٔ پزشکان یونان قدیم را مردود می شناسد. او می گوید پزشکان فارسی و عراقی آنها را مصرف نمی کنند. در کتاب و آثار مجوسی حدود ۳۳۳گیاه و مشتقات گیاهی دیده می شود که شرح مختصر آنها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده ترین آثار مجوسی نوعی رده بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کار شناسایی این گیاهان را عملی و آسان می سازد. او در واقع اولین بنیانگذار ده بندی نوع «کیمیو تاکزونومی» است. زیرا طبق خواص گیاهان، آنها را به ۱۳ گروه و یا طبقه تقسیم کرده است مانند:

۱ ـ سبزیجات (بقول) نظیر بادرنجبوه، (Melissa officinalis)، ریحان یا «بــارزوج» (Ocimum Sp.)، اسفناج (Spinach)

۲ ـ علِفيها يا «حشايش» مانند «برنجاسف» يا درمنه (Artimisia Vulgaris)، شاهتره (Fumaria Sp.)، شاهتره (Attimisia Vulgaris)، باداَورد (Volutarella divaricata)، پرسياوشان (Adianthum capillus veneris) و غيره

۳ ـ گیاهانی که بذرشان مصرف می شود، مانند پنج انگشتی (Vitex angus-castus)، سیاهدانه (Nigella) ۴ \_گیاهانی که دانههای مصرفی دارند (حبوب)، مانند «ماش» (Vicia) «کاکنج» یا عروسک پشت پرده (Physalis alkekengi)

۵ ـ سبزیهایی که میوههایشان مصرف می شود (سمار)، مانند بادمجان (Solanum melongena)، بطیخ هندی یا هندوانه (Citrulus vulgaris) و غیره.

۶ ـ درختان بلند و درختچهها، که شامل درختان باغ و درختان کاشته شده با میوههای خوراکی هستند، (شجر) نظیر فندق «فتق» یا پسته، گردو، نارگیل، اترج و غیره

۷ درختان و حشی که میوهٔ آنها قابل استفاده نیست، چون «گازمارچ» یاگز (Tamarix)، سپستان (۱۱)، شاه سلوط (۲) و غیره.

۸ ـگیاهانی که گلهایشان مورد استفاده قرار میگیرد، مانند: نسترن (.Rosa sp)، نیلوفر آبی (Nymphaea) و بید مشک (Salix aegyptica) و غیره.

۹ ـگیاهانی که برگهای مورد مصرف دارند، مانند آزاد درخت<sup>(۳)</sup>، سرو و زربین درخت.

۱۰ ـ گياهاني كه پوست و ريشهٔ قابل استفاده دارند، مانند «پِهِن» (Centaurea behen) نوعي گل گندم، ديودار، سورنجان (Colchicum) و غيره.

۱۱ ـگیاهانی که بن (ریشه، غده، پیاز و ریزوم) قابل استفاده دارند، مانند بصل یا پیاز، سلجم یا شلغم و غیره.

۱۲ ـ گیاهان روغنی که از آنها روغن می گیرند (دهـن)، مـانند یـاس زنـبقی (Jasminum sambac)، بالسان<sup>(۴)</sup> یا بالم و غیره.

۱۳ ـگیاهانی که انواع صمغها را از آنها می گیرند، مانند «افیون» (Opium)، انذروت (Sarcocolla) کهربا (عنبر زرد) و نیل و غیره.

«کتاب النبات ابوحنیفه دینوری»، (۲۸۳ه ق.) از جمله آثار ارزنده آن سال هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن واژه شناسی (ترمینولژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب او در کاربرد گیاهان، به ترمینولژی عربی و نامهای مترادف گیاهان توجهی خاص دارد. در قسمت اول و همچنین در فصل هایی از ایس کتاب در مورد قارچها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آنها برای تهیهٔ ریسمان، نساجی و یا موارد دیگر در صنعت استفاده می کنند، نام می برد. فهرست الفبایی این کتاب شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «شمل ۲۸۲ باب است که ۴۲۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه های گیاهی است. بقیهٔ بابهای این کتاب به مترادفها، منابع، موضوعات اصلی، اظهارنظرها و یادداشتهای کوتاه مربوط می شود.

م. حمیدالله ـ در واقع ویراستاری است که با افزودن ۱۴۵ باب به کتاب النبات، مجموع بابهای آن

۱- سبستان .Cordia myxa L و انبوه .Cordia dicotoma Boiss دارای میوه با لعاب داروئی هستند و در تهیه جسب نیز از آن استفاده میکنند.

۲- شاه بلوط .Casanea sativa Mill دارای میوه خوراکی است.

۳- میوه و دانههای آزاد درخت یا چریش با نام علمی دارویی Melia azadaracha L هستند و خاصیت حشره کش دارند.

۴- بالسام به ماده رزینی ازگیاه Abies balsama (که درکانادا میروید)گویند.

را به ۶۳۷ باب که ۵۰۷ باب آن به گیاهان و ۱۳۰ باب به مترادفها و منابع اختصاص دارد. «کتاب النبات» عمدتاً شامل گیاهان سرزمینهای عربی و ضمناً حاوی اطلاعاتی چند از گیاهان غیر بومی و خارج از فلات و گیاهان ایرانی و نامهایی معادل برای نامهای عربی است.

ابومنصور موفق هروی، (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم عصر با مجوسی است. به ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می آید. او ۴۵۰ گیاه و مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است. هروی در تألیف این کتاب معتقد است، تمام کتابهای فارماکولژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با کارهای برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نامهای هندی است که او آنها را به نامهای فارسی و یا معرب نام می برد. مانند اسامی فوفل، هل بویا، کبایه، قولنجان و زردچوبه و غیره.

«ابن سینا» (سالهای ۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری مطابق با ۹۸۰–۱۰۳۷ میلادی)، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی که در غرب او را به نام «اَوِیسینیا» می شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بوزگ ترین دانشمند جهان و به اشتباه عرب دانستهاند. (چون کتابهای او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «قانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام میبرد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آنها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت شناختی هستند. او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه و یا نزدیک به هم را (برای اجتناب اشتباه آنها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آنها، با ترتیبی خاص، معین و نظام یافته به شرح و تفصیل آنها می پردازد.

«ابوریجان بیرونی» (۳۶۲ تا ۴۴۰ هجری مطابق با ۹۳۷ تا ۱۰۴۸ میلادی)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سينا مؤلف كتاب معروف «صَيدَنِه في الطِب» است. كتاب صيدنه در نوع خود كتابي جامع و کامل است و در میان تمامی کتابها و نوشتههای دانشمندان و فرهنگهای دوره اسلامی به عنوان اثری بي نظير ذكر شده است. بيروني با اطلاعات وسيعي كه در شناخت گياهان داشته است، با بهره گيري از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنائی با «ماتریا مدیکا» دیوسکورید و دانشمندان هم عصر خود و باگلچین نمودن و اخذ چکیدهای از آنها و افزودن اطلاعات وسیع خود،کتاب «صیدنه» را تُدُوین و تألیف نمود. مواد پزشکی معرفی شده در صیدنه علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شدهٔ قبل از او حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است که بیرونی خود بر آن افزوده است. در صیدنه به جز برخی مترادفها (سینونیم) و ارجاعها (رفرنس) حدود ۷۷۰گیاه با مشتقات و صفات درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد صَیدنِه، فراوانی بیسابقهٔ نامها و اسامی معادل گیاهان است. بیرونی در صیدنه نه تنها نامهای معادل زبانهای سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سیریاک، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است. بلکه نامهای موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجههای محلی رایج عصر خود (مانند لهجههای بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نامهای هندی، سغدی را نیز جمع آوری نموده است. منظور بیرونی از ذکر نامهای محلی همراه با نامهای سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود که پیوسته از ترجمه نامهای گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سیریاک به عربی و یا از یونانی به سیریاک و عربی، از عربی به ایرانی و از ایرانی به زبانهای دیگر پیش می آمد و مرتباً نیز در ترجمهها

تکرار می شد. اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آنها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمند در ثبت نامهای محلی گیاهان دارویی در صیدنه آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب صیدنه از کتابهای لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده بهره گرفته است.

ضیاءالدین ابومحمد ابن بیطار المالقی معروف به ابن بیطار، متولد الماقه اندلس در نیمهٔ دوم قرن ششم هجری معروف از دانشمندان بنام در شناخت گیاهان دارویی و درمان با این گیاهان است. ابن بیطار دارای کتاب «الجامع ابن بیطار» است. از دیگر آثار او «تفسیر دیسکورید» و «تنقیح الجامع» است. ابن بیطار در کتاب الجامع به نقد دانش شناخت گیاهان دارویی دانشمندان قبل از خود پرداخته و آنها را نقد نموده است. ابن بیطار در اصل مدرس علم شناخت گیاهان دارویی به ویژه تدریس کتاب ماتریامدیکا دیسکورید و کتاب جالینوس در دمشق بود. او بسیار سفر می کرد و به زبانهای عربی و یونانی تسلط کامل داشت و نامهای یونانی را با همان تلفظ به شاگردان خود می آموخت. او وقتی گیاهی را در کتاب تفسیر دیسکورید نام می برد ولی خود آن را ندیده و نمی شناخته این عدم اطلاع و شناخت خود از آن گیاه را با صراحت یاد می کند.

قاسم ابوتصرهروی مولف «کتاب ارشاد الزراعه» (سال ۹۲۱ هجری مطابق ۱۵۱۵ میلادی)، تقریباً اولین ایرانی است که علاوه بر ذکر گیاهان دارویی در این کتاب، به گیاهان کشاورزی و زراعی و درختان میوه نیز در کتاب خود توجه کرده است. در کتاب ارشادالزراعه ۷۹ گیاه از غلات، سبزی ها، میوه ها، درختها، درختان زینتی ، گلها و گیاهان دارویی ذکر و شرح داده شده است. تحولی که در کتاب ارشادالزراعه نسبت به زمان خود دیده می شود، پایبندی هروی به مفهومی نزدیک به گونه یا نوع گیاه است که تا آن زمان تقریباً به طور مبهم وجود داشت. او گیاهان را به اقسام و جورهای (واریتهها) کاشته شده تقسیم کرده، سپس به تفصیل به شرح گیاهان کاشته شده که خود می شناخت می پردازد. هروی در نگارش شرحها دقت خاصی که معرف دید علمی او است مبذول می دارد. مثلاً برای انگور نزدیک به هندوانه ۶ جور یا واریته ذکر می کند. بدیهی است واریته یا جورهایی که او برای این گیاهان شرح می دهد همان ارزش واحدهای تاکزونومی امروز را ندارد.

«محمد مومن تنکابنی» (۱۰۷۷ تا ۱۰۷۵ هجری مطابق ۱۶۶۷ میلادی)، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی یکی از دانشمندان و شخصیتهای برجستهٔ تاریخ فارماکولژی گیاهی ایران است. تنکابنی در کتاب خود به نام «تحفقه المومنین» مواد پزشکی یونانی ـ اسلامی، را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ و بر آن مواد هندی را اضافه کرد و همهٔ آنها را با نتایج تجربیات و کشفیات خود تلفیق نمود و بر آنها با نظم الفبایی شرح نوشت. این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آنها تخصیص دارد. از ویژگیهای دیگر کتاب تحفة المومنین وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نامهای مترادف و مشابه گیاهی از زبانهای مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجهها و گرایش مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی و گیلکی (خزری)، ترکی و هندی و غیره در آن است. شرح گیاهان در این کتاب گاه کوتاه و گاهی نیز نسبتاً مفصل است. به ویژه وقتی گیاه مورد شرح، شباهت نزدیک باگیاهی دیگر داشته و یا چند رقم (واریته) مختلف داشته باشد، معمولاً دارای شرح و تفصیل بیشتری است تا در شناخت آن اشتباه

پیش نیاید. تنکابنی یک محقق بود و برای دریافت و کسب اطلاعات بیشتر از گیاه مورد نظر، مبادرت به کاشت آن می نمود. او در شرح ریختار (مورفولژی) گیاهان دقت خاصی داشت. به عنوان مثال او در شرح «جوز ماتل» (معادل عربی گیاه تاتوره) (۱۱) چنین می نویسد: «این گیاه هم وحشی است و هم کاشته می شود. ارتفاع یا قد آن به اندازه بو ته بادمجان ولی برگهای آن کمی از بادمجان کوچک تر است. گلهای آن سفید و شبیه گل نیلوفر ولی از آن کمی بزرگ تر است. میوه «جوز ماتل» به بزرگی گردو و مانند میوههای کوچک خاردار است. دانههای درون میوه مشابه دانهٔ سماق و همان بخش مورد مصرف گیاه و با طعم خوشمزه است». او همراه با شرح ریخت شناختی گیاه به تفصیل به شرح خواص دارویی گیاه می پردازد و سپس به نامهای مترادف آن مانند جوزقائم، جوزماتا و دها تورا (که نام هندی آن است) اشاره می کند.

محمد حسین عقیلی خراسانی (۱۱۸۳ هجری مطابق با ۷۰–۱۷۶۹ میلادی)، مؤلف آثاری ارزنده چون «مخزن الدویه» و «ذخایر الترکیب» است که مجموعاً به نام «قرابادین کبیر» شناخته می شود. این دو کتاب عقیلی مجموعاً فرهنگ بزرگ و جامعی در موضوعات فارماکولژی ایران تا آن زمان است که کتاب مخزن الدویه عقیلی تفصیلی نظام یافته (سیستمانیزه) از کتاب تحفة المومنین تنکابنی است که عقیلی اطلاعات دیگری از منابع دیگر راکه ظاهراً برای تنکابنی ناشناخته بود، بر آن افزوده است به طور مثال «الادویه القلبیه» ابن سینا و بعضی کارهای پس از تحریر تحفة المومنین و مواد پزشکی هندی را مانند «اکونیت» «بلادور» و «دیودار» و همچنین ذکر نظریات و مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده از این جملهاند. از ویژگیهای کار عقیلی در تألیف این کتاب، به کارگیری نامهای لاتینی و واژههای غربی است که با همان تلفظ غربی در آن آمده است. او نامها و واژههای لاتینی و علمی را برای شناسایی و تشخیص بهتر گیاهان به کار می گیرد. به کارگیری نامهای انگلیسی و علمی گیاهان دارویی توسط عقیلی توجه او را به کار دانشمندان انگلیسی که در آن زمان در هندوستان در امور فارماکولژی و گیاه شناسی فعالیت داشته اند می رساند و نشانی از وجود نوعی نشر دانش در آن زمان است.

#### دنسانس و آغاز تحول دانش شناخت گیاهان دارویی در غرب جدید

بعد از آثار این دانشمندان که در حقیقت دوران شکوفایی علم در شرق و عصر دوران فضای اندیشهٔ باز اسلامی در مقابل فضای بستهٔ تفکر قرون وسطی غرب (کلیسای اروپا) دارد. یکباره با پیدایش رنسانس و تحولات علمی در غرب، چنان جهشی در اروپا به وجود آمد که حتی کلیسا و کشیشها هم به علم تجربی، به ویژه به شناخت گیاهان دارویی و به مطالعه و پژوهش خواص آنها پرداختند. این گروه که عمدتاً همان حشاشین (هربالیست) غرب بودند برای درمان از گیاهان دارویی جمع آوری کرده از طبیعت استفاده می کردند و در بین همین هربالیستها، دانشمندان و محققان بزرگی برخاستند که انتشار آثار آنان سبب اعتلای علمی غرب یا اروپا شد. این دوره، آغاز تجربهٔ شناخت علمی گیاهان همراه با توصیف دقیق و همچنین آغاز شرح نویسی علمی برای انتقال بهتر آگاهیها و دانستهها از گیاهان بود و هر سال نیز این آگاهیها فزونی می یافت.

در سطور زیر روند توسعهٔ دانش شناخت گیاهان دارویی را در غرب با ذکر آغازگران تحول این دانش،

۱- نام علمي باتوره Datura stramonium و به احتمال زياد Datura innoxia است.

شیوههای آنان در بهره گیری از گیاهان دارویی، به ویژه نحوهٔ معرفی علمی این گیاهان توسط آنها را یادآورد می شویم.

«آلبرت ماگنیوس» (Albertus Magnus)، این کشیش که در نوشته ها به «آلبرت بوستادت» بیشتر معروف است. در سالهای ۱۲۸۰–۱۱۹۳ [بعد از ابنسینا و بیرونی در ایران] در بحران فکری قرون وسطی اروپا، در باره طب و تاریخ طبیعی و همچنین گیاه شناسی کتابی به نام رستنی ها [دو و ژِتابِلیس (De vegetabilis)] را نوشت. محتویات و نحوه نگارش این کتاب به خوبی نشان می دهد که آلبرت کبیر نیز تحت تأثیر شدید تئوفراست و دیگر دانشمندان و قدمای رم و یونان [مورد قبول کلیسا] قرار داشت و در عین حال برخی مشاهدات خود را نیز در این کتاب آورده است.

«اتوبرونفلس» (Otto Brunfels) (۱۴۶۴–۱۵۳۴م) این دانشمند ابتدا کشیش بود، بعد معلم شد و دومر تبه به کلیسا روی آورد و در آخر طبابت را انتخاب کرد. او برخی از گیاهان اطراف خود را جمع آوری نمود و به شناخت آنها پرداخت و با شرح و تصاویر آنها را منتشر کرد. شرح گیاهان در کتاب او بسیار ساده، عاری از هر گونه دیدگاه علمی است ولی حاکی از خواص درمانی، ارزش غذایی، طباخی، صنعتی و در واقع بیان سادهٔ جنبههای کاربردی و برخی خواص غیر عادی و یا دارویی گیاهان است. برونفلس را در غرب پدر حشاشین یا طبیبان علفی (Herbalist) و درمان کنندگان با گیاهان طبیعی می شناسند. از کارهای برجستهٔ او نگهداری نمونههای خشک کردهٔ گیاهان جمع آوری شده بود و در واقع نخستین پایه گذار هرباریوم در جهان است. هرباریوم برونفلس مجموعهای از گیاهان خشک شده، همراه با تصاویر بود و بیشتر گیاهان معرفی شده توسط تئوفراست، پلینی و دیوسکوریت را در برداشت. او در برجسته ترین آثار منتشر شدهٔ قرن شانزدهم اروپا (آلمان) است و شامل مطالبی در دسته بندی گیاهان بی گل و گلدار است.

«والریوس کوردوس» (Valerius Cordus) از اهالی آلمان از حشاشیون (هربالیستها) هم عصر اتوبرونفلس است (۱۵۴۴–۱۵۱۵ میلادی) کتاب «هیستوریا پلانتاروم» او علاوه بر داشتن نام ۴۴۶ گیاه دارویی، دارای شرح علمی و سیستماتیکی گیاهان است و ۲۰ سال پس از مرگ او چاپ شد.

«لئونارد فوکس» (Leonard Fucsia) از اهالی آلمان، از دیگر هربالیستها است و کتابی در مورد گیاهان بویژه گیاهان دارویی به نام «دو هیستوریا استیپریوم» (De historia stiprium) دارد که در آن علاوه بر شرح نسبتاً مبسوط گیاهان تصاویر آنها نیز برای شناسایی بهتر آنها دیده می شود. این کتاب یکی از ارزنده ترین آثار دورهٔ رنسانس است.

گذشته از او در این دوره باید از «ویلیام تورنر» (William turner) انگلیسی (۱۵۹۸–۱۵۱۰ میلادی) و از «رابرت دو دوئنس» (Rambert Dodoens) آلمانی (۱۵۱۷–۱۵۸۵ میلادی) و از «شارل دولکلوس» (Charles de l'Eclus) آلمانی (John Gerard) و «جان جرارد» (John Gerard) انگلیسی در سالهای (۲۹۵۳–۱۶۱۲ میلادی) نام برد که کار و آثار هر یک از آنها موجب شکوفایی علم گیاه شناختی در دوران رنسانس شد. از زمان این دانشمندان به بعد معرفی گیاهان دارویی همراه با شرح آنها، جنبه علمی تازهای پیدا کرد و به دانش وسیع تر یعنی علم گیاه شناسی منجر شد. به تدریج که بر تعداد گیاهان جمع آوری شده افزوده می شد تفکیک و تمایز آنها از هم دشوار تر شده و ضرورت طبقه بندی به طریق ویژه و با روش های علمی تازه با نام علم رده بندی (تاگزونومی) برای شناسایی گیاهان پیش آمد. از این پس تا زمان لینه و حتی بعد از او

نیز که گیاه شناسان طبیب و یا داروساز بودند، انگیزهٔ اصلی آنها شناسایی گیاهان دارویی بود. ولی از اتجا که تعداد گیاهان دارویی بسیار زیاد شده بود و مجموع گیاهان جمع آوری شده نیز به چند هزار می رسید. لذا پژوهش در ریختار و خصوصیات کل گیاه [جدا از دارویی بودن یا نبودن آنها] برای تفکیک آنها از یکدیگر، در امر رده بندی گیاهان مقولهای جدی و الزامی شد و از آن پس گیاه شناسانی که قبلاً فقط با گیاهان دارویی سرکار داشتند یا را فراتر نهاده پژوهش در نحوهٔ طبقه بندی گیاهان را در پیش گرفتند و این سرآغاز علمی مستقل به عنوان علم رده بندی گیاهان شد. از این پس برای دستیابی به یک رده بندی واقعی و کارآمد و شناسایی هر چه بهتر گیاهان توجه به کلیهٔ خصوصیات رستنی های سطح زمین امری ضروری و الزامی گردید و پژوهشگران این مسیر، به تدریج به مرزهای جدید و تازهای در علم گیاه شناسی رسیدند که هر یک از آنها سرآغاز رشته ای تازه شد و دانش ساده [فقط] شناخت نام و هویت گیاه ، تبدیل به علوم گیاهی گردید.

در پایان نیمه اول قرن بیستم، با رایج شدن مواد پزشکی ساخته شده (سنتتیک) و شناخت مواد مؤثر درمانی گیاهان و استخراج و تعیین فرمول آنها برای استفاده به عنوان دارو، ساخت مصنوعی این مواد وارد بازار شد و سبب تغییر در آموزش پزشکی گردید از این پس با پیشرفت علم درمان و فنون جراحی و به بازار آمدن داروهای گوناگون ساخته شده با تعیین «دز» مصرف، به ویژه تأثیر سریع آنها در درمان، همه سبب شد تا استفادهٔ مستقیم از گیاهان دارویی [روشهای طب قدیم (سنتی)] به تدریج به دست فراموشی سپرده شود.

#### تحولات طب در نیمهٔ دوم قرن بیستم

هر چند تحول اساسی در نحوه درمان و علم طب با شناخت علل پارهای از بیماریها از زمان پاستور آغاز گردید و موضوع کشف میکرب و باسیل و نقش آنها در ایجاد برخی از بیماریهای عفونی و به ویژه اهمیت واکسن و سرم در پیشگیری و درمان برخی از این امراض کاملاً مسلم شد و علم طب مرزهای تازهای پیدا کرد ولی، کشف آنتی بیوتیکها و اثر قاطع و معجزه آسای آنها در درمان فوری عفونتها [قبلاً علاج آنها اگر ممکن بود بسیار مشکل میسر می شد] مسیری دیگر بود و از آن پس دانش میکروبیولژی، بیوشیمی و شناخت آنزیمها و هورمونها توسعهای غیرقابل پیش بینی پیدا کرد و به مرزهای تازه رسید. الگوهای ساختار مولکولهای حیاتی و عوامل ژنتیکی برخی از بیماریهای مرزهای تازه در مر سرشتی، قابل پیش بینی شد و مسئله آگاهیهای جدید هر روزه پزشکی و درمان قطعی بیماریها چنان بعد حیرت آوری پیداکرد که تا دهههای پیش حتی تصور آن به ذهن نمی آمد. با کشف داروهای تازه در هر روز و چارههای جدید در درمان بیماریهایی که قبلاً کشتار می کرد و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ساخت دستگاههای پزشکی، چه در مورد معاینات و چه در اعمال جراحیهای حیرت آور، مرزهای تازه ای داره ای نازه که از علم طب را در مقابل پژوهشگران قرار داد.

طب ایران نیز در راستای تحولات جهانی علم طب از زمانی که اطبای تحصیل کرده ایرانی از خارج به وطن آمدند و با خود فرهنگی از طبابت غرب (طب جدید) و آموختههایی تازه آوردند. این ره آورد سبب شند تا طب سنتی ایران نیز مانند همه جای دیگر در آستانهٔ تحول و جذب پزشکی جدید و تأثیرات سریع آن قرار گیرد. پزشکان آمده از خارج غالباً معتقد به درمان با گیاهان دارویی نبودند و یا طلاعات لازم در باره آنها را نداشتند و یا حد و حدود مقدار مصرف این داروها را نمیدانستند، با

تجویز داروهای جدید سریع التاثیر و درمان محسوس و سریع امراض، روشهای سنتی درمان مستقیم با گیاهان شناخته شده دارویی به اطبای قدیم راکنار گذاشتند. با تأسیس دانشکده داروسازی و پزشکی و تربیت دکترهای داروساز و پزشک در این دانشکدهها که پس از فراغت از تحصیل در مراکز استانها و شهرهای ایران مشغول به کار شدند، روش قدیمی اطبای سنتی به جز در نقاط دور افتاده و در ایلها [که کم و بیش باقی مانده بود]، در شهرها فراموش شد و تقریباً همه به طب جدید مایل شدند.

زندگی ماشینی و دور شدن انسانها [به خصوص مردم کشورهای صنعتی] از طبیعت و گرایش بازگشت به اَن و مطرح شدن اثرات جنبی و نامطلوب برخی از داروهای سنتتیک و ایـن کـه مـصرف داروهای گیاهی و یا گیاهان دارویی کم زیان تر از داروهای سنتتیکاند و با جای گرفتن نظر مـزبور در اذهان عمومي و حتى در محافل علمي و پزشكي گوشه و كنار جهان، ناگهان مصرف گياهان دارويي و داروهای گیاهی مجدداً با تبلیغی وسیع، مسئلهٔ روز جهان شد. در این میان فرصت طلبان و سودجویان، بازار آشفتهای به وجود آوردند و با برانگیختن اذهان مردم عادی با عناوین طب سنتی سینایی، شفابخشی معجزه آسای گیاهان، جوی را باعث شدند که هر ناآگاهی خود را صاحب نظر در درمان با گیاهان دانست و متأسفانه رسانههای جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه نیز با آنها هم صدا شدند. معلوم نیست در این وضعیت چه باید کرد؟ و چگونه باید از گیاهان برای درمان بـهره گـرفت و راه درست اسـتفاده چیست؟ در زیر فشار تبلیغات غالباً غیرواقعی که باور مردم عادی را هدف قرار داده است چه باید کرد؟ و مهمتر از همه، چه نباید کرد؟ تا دچار اشتباه بزرگی در سلامت جامعه نشویم و یکباره همهٔ اعتماد عامه را که به گیاهان دارویی رو آوردهاند با سودجویی و عدم اطلاع و هزاران تبلیغ کاذب و دور از حقیقت و واقعیت، دچار آسیب جبران ناپذیر نسازیم. باید جلوی هرج و مرج و آشفتگی و بساط دروغین و پرفریب این کار در گوشه و کنار کشور گرفته شود و به وضع سواد و اطلاعات افرادی که به این کسب (که با سلامت مردم ارتباط دارد) رسیدگی گردد و از اشتغال چشم دوختگان به کیسه بیماران که علاوه بـر هستی و سلامت آنها با برداشت بی رویه گیاهان داروئی از طبیعت موجب انهدام آنها میگردد، جلوگیری شود و به این هرج و مرج بازار آشفتهٔ گیاهان دارویی خاتمه داده شود. واقعاً در این غوغای تبليغ و سودجوي چه بايد كرد و يا احياناً چه نبايد كرد؟

احمد قهر مان

# روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی

تاثیر و اهمیت گیاهان دارویی در زندگی روزانهٔ اقوام و ملت های مختلف سبب شد تا هر قوم و یا هر ملتی بر حسب توان، ادراک، تجربه و حتی حدس و گمان خود، از اثر درمانی گیاهان به روش های گوناگون استفاده کند. به تدریج انباشت دانسته ها و تجربه ها با گذشت زمان موجب پدید آمدن نظرها و مکتب هایی در ملل و اقوام جهان برای استفاده هر بیشتر از گیاهان دارویی، استخراج مواد پزشکی و یافتن اثر درمانی گوناگون آنها شد.

در مسیر طولانی تاریخ، از کتابها و متونی که حاکی از تجربهٔ گذشتگان برای بهره گیری از گیاهان دارویی است بسیار به جا مانده است. استفاده از این تجربیات نسلها می تواند رهیافتی به گنجینهٔ یر ارزشِ فرهنگ درمان بشر، در گذشته باشد.

برای بهره گیری از تجربیات گذشتگان، جمع آوری و طبقه بندی متون به جا مانده، برگردان آن ها و حتی دانستن اندوخته های تجربی نانوشته و مانده در سینهٔ نسلها نیز (که در حال حاضر در درون قومها و قبیله ها بکار درمان می آید) بسیار مفید و ارزشمند است.

بنابراین هر چه متون قدیمی بیشتر بررسی شود و مشکلاتی که برای ادراک مطالب آنها وجود دارد بر طرف شود واقعیت موجود این متون بیشتر معلوم میگردد.

# ۱ - ضرورت برگردان متون طبی کهن و تعیین معادل نام علمی آنها:

حکیمان و دانشمندان طب قدیم، با بهره گیری از دانش درمان و آگاهی از فلسفه و تجربیات خود و رجوع به تجربیات گذشتگان و یا دیگر حکمای هم عصر خود، فرهنگی غنی در شناخت گیاهان دارویی و درمان با آنها به وجود آوردند. توجه به نگاه عقلایی - تجربی این منابع و دانستن استدلال و چگونگی به کارگیری شیوهها و تجربههای طبیبان گذشته در درمان بیماریهای شایع عمومی و بیماریهای خاص، امروزه نیز بسیار با ارزش است.

برای نگاه به این منابع و مقایسهٔ آن با پیشرفت کنونی این علم، به ویژه مقایسهٔ تجربی - استدلالی طب قدیم در برابر بهره گیری از تکنولوژی جدید توجه به مطالب زیر سودمند از برد(۱)

۱- رجوع شود به کتاب مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین نوشته دکتر مصطفوی.

- در ایران تا اواخر دورهٔ قاجار پزشکی به همان شیوهٔ گذشته بود. در آخر این دوره پزشکان به تدریج به طب جدید روی آورده، از داروهای ساخته شده شیمیایی [در اصطلاح قدیمیها (جوهری)] استفاده کردند. این امر با همهٔ محاسنی که در برداشت ولی به علت جایگزین شدن به جای روش درمانی گذشته، موجب قطع یکبارهٔ ارتباط طب قدیم با طب جدید گردید. در حقیقت طب جدید همان تداوم طب قدیم نبود و پزشکان رسماً از مکتب جدید پیروی نمودند و اساس تعلیم و تربیت پزشکی نیز از این پس بر این رویکرد قرار گرفت و طب قدیم آشکارا حذف شد و فقط در بازارهای دارویی ردپایی از آن کم و بیش باقی ماند. همچنین به علت عدم پشتیبانی علمی، معنوی و مالی از طب کهن این طب با همه فرهنگ کهن خود به فراموشی سپرده شد و هرگز موقعیتی برای تداوم و پیشرفت و حتی تغییرات و دگرگونی مناسب (در مقابل طب جدید که مقوله ای جدا بود) پیدا نکرد و مراجعین خود را که عامهٔ مردم بودند از دست داد. (۱)

- متون گذشتهٔ به جا مانده از طب کهن، آن را یک طب استدلالی - تجربی نشان می دهد. عقلگرایی و منطق استدلال در این طب، با تمام محاسنی که داشته است در حل پارهای مسائل از قبیل تعلیم عامه در پیشگیری یا درمان قاطع بیماری های شایع ناگهانی ناتوان بود، و دست آورد قابل توجهی در ابداع تکنولوژی های و ساخت ابزارهای معاینه و جراحی نداشت و این ناتوانی عاملی برای دوری عامه از آن گردیده است. (۲)

- در کنار مبانی استدلالی - تجربی و جنبه های عقلایی، که مبانی بسیاری از متون پزشکی قدیم را تشکیل می دهند، ذهنیت های واهی و خرافات نادرست نیز در این متون کم و بیش دیده می شود که موجب تردید مراجعه به آنها می گردد. (۳) تفکیک موارد درست و نادرست در کتب قدیم می تواند موجب بهره گیری از بخش درست آن گردد.

- مطالب و محتوای استدلالی و تجربی متون قدیم می تواند با کمک تکنیکها و تکنولوژی پیشرفتهٔ کنونی موجب پیدایش یک مکتب یا دیدگاههای دیگر در طب جدید گردد و بحثی تازه به وجود آورد و حتی در زمینههای می توان از شیوه و روش تشخیص بیماری و درمان بیمار، شناسایی و تعیین دارو و تشخیص اثر آن از قیاس و استدلال پزشکان قدیم بهره جست. زیرا تمام سعی پزشکان قدیم بر آن بود تا از تمام اجزای طبیعت (کانی، گیاه، جانور) برای متعادل ساختن جسم و روح بیمار و بهبود وی استفاده نمایند. و در این شیوه گاه می شد طبیب آن روزگار حتی نام گیاه مورد تجویز خود را نمی دانست (۲)

- نگاه لطف آمیز و همدلی و توجه عاطفی طبیب به بیمار در طب قدیم در بهبود حال بیمار

۱- با نقد و بررسی فرهنگ طب قدیم باید انقطاع روند تاریخی آن را جبران نموده و زمینهٔ شکوفایی آن را فراهم آوریم. ۲- بهره گیری ابزار و تکنولوژی جدید در این طب می تواند موجب رونق و شکوفایی آن شده نـواقـص و کـمبودهای آن را حیبان کند.

۳- اگر سطح علم گذشته طب را با امروز مقایسه کنیم و ارتباط عاطفی بیمار با پزشک آن زمان را در نظر بگیریم گاه خواهیم
 دید خرافهها معمول در طب قدیم گاه اثر روانی مهم در بهبود بیمار داشته است و به هر حال می توان از بخشهای
 مختلف این طب امروزه نیز بخوبی بهره جست.

۴- رجوع شود به مقدمه كتاب الحاوى رازى جلد يك.

بسیار کارساز بود. توجه به این گونه ارتباط عاطفی در طب قدیم، میتواند مکمل شیوههای پیشرفته و تکنولوژی عظیم طب جدید در درمان بیماران باشد.

- معاینات بالینی پزشکان کنونی که غالباً با دستگاههای پیشرفته است چنانچه تا حدی همراه با پیش فرضهای طب قدیم باشد - که باری از تجربههای تاریخی و قیاسهای تجربی دارد -فواید بسیاری خواهد داشت.

- عوارض روش درمانی پزشکان جدید، روبروبودن ناگهانی بیمار (در معاینات) با دستگاههای هیولایی خودکار رباتی و آزمایشگاههای مختلفِ نامأنوس، خشک و بی روح و گاه خشن و ترس آوری است که خود عاملی برای ناکارایی درمان طب حاضر است. از طرفی گرانی حق پزشک، دارو و درمان موجب رویکرد عامه به طب گیاهی و به عبارت دیگر استفاده از متون و کتب قدیمی طب است.

اگر در برنامههای دانشگاهی سهم کمی نیز برای آشنایی با متون دارویی قدیم وجود میداشت بالاخره تکلیف شناخت این طب معلوم میشد، محتوای آن مورد نقد قرار می گرفت و به این صورت یکباره کهنه و خرافه معرفی نمی شد.

#### ۲ - روش استفاده از متون قدیم

برای بهره گیری از متون قدیم گیاهان دارویی، میباید آن را تصحیح نمود، برای تصحیح بهینهٔ متون قدیم رعایت نکات زیر لازم است:

۱ – ۲ – شناخت دورههای اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب مربوط به این دوره ها: همهٔ تمدنها در مسیر اعصار و قرون با فراز و نشیبهای بسیار روبرو بودهاند. اهمیت محتوای کتب و موضوعات متون پزشکی این تمدنها نیز با دورههای اوج یا فرود آنها مطابقت کامل دارد این دوره ها عبارتند از:

۱ - دوران قبل از اسلام

۲ – دوران ظهور اسلام تا قرن سوم هجری

۳ - دوران شکوفایی علمی شرق

۴ - دوران رکود علمی غرب

۵ – دوران رونق علمی غرب

۶ – دوران رکود رونق علمی شرق

۷ - دوران خواب و فراموشی شرق

۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار: همهٔ منابع قدیمی در دسترس ما، دارای یک اعتبار، دقت و موضوعات همسان نیستند. بنابراین ابتدا می باید عناوین موضوعات آنها را مشخص نمود مانند:

- قوانين استدلالي طب قديم
- روش تشخیص و درمان طب قدیم
- روش شناخت دارویی بودن گیاه، جانور، کانی و...
- شناخت ابزارهای مورد استفاده طبیب قدیمی در معاینه و درمان
  - دانستن نامهای گیاهان، جانوران و کانیهای مورد استفاده
  - چگونگی استفاده از گیاهان، جانوران و کانی ها در درمان

T - T - معادل یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی: انطباق درست واژگان متون قدیم با واژه های علمی جدید اگر مشکل نباشد ساده هم نخواهد بود. به هر حال این کار می باید صورت گیرد تا این واژگان در مجامع علمی و دانشگاهی جای خود را پیدا کنند. یافتن اینگونه معادل ها نیاز به دقت فراوان دارد تا معانی غیر واقعی از آن به ذهن نیاید و اختلاف نظرها بیشتر نشود و همچنین نامأنوس بودن برخی واژگان این متون که سبب عدم رجوع به آنها می شود برطرف گردد.

۴ - ۲ - تفکیک عناوین و روش های تجربی و استدلالی در متون قدیم: گر چه در طب قدیم، دستگاههای مدرن و ربوتیک کنونی وجود نداشت ولی طبیب آن روزگار با دانستههای استدلالی و تجربههای خود و با دانستن زیر و بم روابط عاطفی با بیمار در او ایجاد اطمینان می نمود که این خود برای درمان بیمار و رفع بسیاری از مسائل ظریف دیگر او تاثیر بسزا داشت (به همین علت به پزشکان قدیم حکیم می گفتند.) متأسفانه امروز مریض به جای عاطفه طبیب با دستگاههای آزمایشگاهی بی روح در معاینات سر و کار دارد و ارتباط عاطفی بین او و پزشک کمتر برقرار می شود.

۵ - ۲ - لزوم تصحیح ادبی نوشتارهای متون قدیمی، دسته بندی موضوعات مختلف آن، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته: با آنکه در حد خود در این مورد کوشش نموده ایم ولی از صاحبنظران انتظار داریم، با نقد و بررسی این زمینه و یا ویرایش ادیبانه، محتوای علمی این فرهنگ را اعتلا بخشند.

## ۳ - روشهای شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن:

ادبیات نامأنوس متون قدیمی، نارسا و ابتدایی بودن شرح گیاهان و پیچیدگی نوشتاری آن، به ویژه عدم طبقه بندی علمی گیاهان و نامشخص بودن شرح سیستماتیک آنها، کار شناخت گیاهان مذکور در متون قدیمی را بسیار مشکل میکند. به ویژه که نام اغلب آنها با گذشت زمان تغییر کرده و سبب شده تا مراجعه کنندگان به متون قدیم نتوانند نام واقعی و امروزی گیاهان این کتب را تعیین کنند و ناچار به بازار گیاهان دارویی روی آوردند و یا بیشتر به حدس و گمان متوسل شدند. در زیر به برخی نکاتی مهم و اساسی برای شناخت گیاهان دارویی متون قدیم

اشاره مي شود:

۱ - در قدیم همه یا غالب پزشکان و درمانگران خودگیاه شناس بودند و گیاهان را از روی خواص آنها و تقریباً بصورت عینی می شناختند. از اینرو از برداشتهای شخصی این پزشکان از گیاهان دارویی و استدلالهای آنها پیرامون خواص و کاربرد آن می توان برای شناخت نام کنونی گیاه دارویی متون کهن بهره جست. (۱)

ری ... ۲ - گیاهان دارویی متون قدیم را می توان در چهار گروه قرار داد: گروه کاملاً معروف، گروه کاملاً مجهول، گروهی نزدیک به گروه معروف و گروهی نزدیک به گروه مجهول(۲)

۲ – دانستن چگونگی تغییر نام گیاه از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر می تواند ما را در رمز گشایی نام آنها و شناخت گیاهان مذکور در متون قدیم یاری دهد.

T - 2رچه دانش گیاه شناسی قدیم مانند حال پیشرفته نبود ولی در حد خود دارای اصطلاحات و واژگانی برای شناخت گیاهان بود که توجه به آنها ما را به دانستن نوع و اساس طبقه بندی آن زمان کمک میکند و بدینوسیله بهتر می توانیم متوجه شرح گیاهان مذکور در متون قدیم شه به.

۴ - در متون گذشته علاوه بر شرح گیاه، گاهی تصاویری نیز با شرح آمده است. تصاویرِ مزبور می تواند تا حدی مکملِ شرح برای شناسایی بهتر و یافتن نام علمی آن باشد. (۴)

ی در همراه با نام گیاه در متون قدیم گاه مشخصات فیزیولوژیکی (۵)، اکولوژیکی، بعضاً اکوفیزیولوژیکی، جغرافیای زیستی و صفات ریختاری گیاه را هم میبینیم، توجه به این نکات می تواند در تشخیص نام علمی گیاه ما را یاری دهد.

9 - نام گیاهان مذکور در متون قدیم، معمولاً منشأ در منابع قدیمی تر دارد یا از منابع همان عصر استخراج شده و یا مربوط به خود نویسنده و یا نام رایج در بازار دارویی در زمان خود او بوده است، مؤلفان کتب قدیمی در ذکر نام گیاه، گاه خود نیز شک و تردید نموده، نسبت به نام برخوردهای متفاوتی داشته اند. از اینرو نام درست با منشأ نام و اعتبار مؤلف و دانش او ارتباط دارد. به عنوان مثال نام گیاهان مذکور در کتاب دیسکورید، در کتب مختلف دیگر نظیر کتاب جامع و مخزن و ...نیز آمده است. بنابراین در مواردی بهتر است به مرجع اصلی و یا منابع تکمیل کننده کتاب دیسکورید رجوع شود. (در فصل دوم کتاب حاضر نام تعدادی از گیاهان متون قدیم به همین صورت مورد تطبیق قرار گرفته است.)

در تطبیق نامها انجام بررسیهای زیر ضروری است:

ر حبیق و به منشأ نام یا نام اصلی و چگونگی انتقال آن از یک کتاب به کتاب دیگر و یا از یک زبان به زبان دیگر. زبان به زبان دیگر.

۱- در جلدهای بعد از نحوه استفاده شخصی پزشک و دیدگاههای او در مورد یک گیاه بطور مفصل صحبت خواهیم کرد. ۲- در جلد دوم کتاب فهرستی از این نامها آمده است.

۳- در جلد دوم این کتاب اصطلاحات گیاه شناسی و همچنین نوع دسته بندی گیاهان موجود در متون قدیم را خواهیم دید.

۴- برخی از این اشکال در جلد دوم آمده است. ۵- مطالب مربوط به فیزیولوژی گیاه عمدتاً تحت عنوان «طبیعت گیاه» با اصطلاحات مخصوصی ذکر شده است.

 ۲ - بررسی واژگان گیاه شناسی در متون قدیم و برگردان علمی آنها و همچنین شناسایی انواع طبقه بندی گیاهان در متون قدیم.

۳ - برگردان علمی واژگان فیزیولوژیکی، اکولوژی و جغرافیای زیستی در متون قدیم.

۴ -گروهبندی گیاهان متون قدیم از نظر پراکنش و جغرافیای زیستی.

۵ – گروهبندی گیاهان متون قدیم از نظر مشخصات اکولوژی.

۶ - شناسایی گیاهان متون قدیم با توجه به شرح ریختاری، مشخصات فیزیولوژیکی،
 اکولوژیکی و جغرافیای زیستی آنها در این کتب.

۷ - گمانه زنی نام اصلی گیاه از روی تفسیر تصاویر موجود از آنها در متون قدیم

## ه - نامها، نشانهها و واژگان گیاهان دارویی در متون کهن:

نام، واژگان و نشانه ها در واقع مدخل هر فرهنگ علمی اند. مطالعهٔ چگونگی انتقال واژگان از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نیاز به توجه و دقت فراوان دارد زیرا همانقدر که دانستن انتقال و یا دگرگونی دقیق نام ها می تواند در یافتن نام اصلی یا ریشه ای بسیار موثر باشد عدم توجه به آن نیز سبب پیچیدگی در تطبیق درست نام ها می گردد.

نام و واژگان موجود در هر علم اهمیت ویژه در بیان آن داشته معرّف و نشانگر بسیاری از ویژگی ها هستند. هر شیئی یا هر جانداری با نام آن شناخته می شود، به عبارت دیگر نام تعیین کنندهٔ هویت و ویژگی ها در شناخت هر موجود است و تغییر آن موجب حذف تمام ویژگی ها و هویت گذشتهٔ صاحب آن می شود. مثلاً نام گیاه «بادآور» بیان کنندهٔ بسیاری از صفات ریختاری، رویشی، خواص و اهمیت آن است. در تاکسونومی کنونی نیز نام گیاه همیشه بخش ثابت است و هیچگاه نام گیاه در جابجایی ها و دگرگونی های مرتبه های رده بندی عوض نمی شود. اصلیت نام گیاه در متون قدیمی نیز از همین اهمیت برخوردار است. بنابراین جستجوی نام های اصلی، گیاه در متون قذیمی نیز از همین اهمیت برخوردار است. بنابراین جستجوی نام های اصلی، تفکیک آن ها از نام های مترادف دیگر و یافتن ریشه آن ها در متون گذشته که غالباً دستخوش بسیاری از تغییرات به ویژه بر اثر تداخل یک زبان به زبان دیگر، یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و یک زمان به ادوار دیگر بوده اند کاری بسیار مشکل است ولی گاهی منجر به باز نمودن گره های کور در زمینهٔ شناخت گیاهان می شود.

۱ - ۴ - تفکیک و طبقه بندی نامها در متون گذشته: نام گیاهان دارویی متون قدیم را می توان به صور مختلف رده بندی یا گروه بندی نمود:

الف - ردهبندی آنهابه نامهای «مشهور» و «غیر مشهور»:

۱ - منظور از نام مشهور نامی است که علاوه بر نام گیاه، شرح و سایر اطلاعات مربوط به آن نیز در متون ذکر شده است، این قبیل نامها در واقع همان اهمیت نامهای علمی امروزی را دارا هستند و نامهای استاندارد زمان خود و معرّف مشخصات اصلی گیاه و در حکم نام ذاتی یا نام جنس گیاه (معمول امروزی) هستند.

۲ - نامهای غیر مشهور نامهایی هستند که در زبانهای مختلف به نام مشهور افزوده شده یا به جای آن آمدهاند. این نامها در کتب و ادوار مختلف، با زبانها و فرهنگهای گوناگون در کنار نامهای مشهور و مترادف با آن قرار گرفتهاند.

ب - نامهای مشهور از دو گروه نامهای اصلی و نامهای مترادف و تفسیری تشکیل شده اند: نامهای مشهور مترادف غالباً دارای نامهای مشهور مصلی، معمولاً بدون مترادف اند و نامهای مشهور مترادف غالباً دارای ترادفهایی در زبانهای دیگر می باشند. بعنوان مثال در کتاب ابن بیطار که از مهم ترین منابع طبی قدیم است ۲۳۵۳ نام مشهور دیده می شود که ۱۴۲۲ نام آن از گروه اول یعنی ۴۳/۶۰/۴ طبی قدیم است.

علت وجودی نامهای مشهور اصلی و مترادف در متون قدیمی ظاهراً مربوط است به:

- اختلاف نظر و شک مؤلفان در ذکر یک نام
- اتخاذ نام از منابع ، ترجمه ها و زبان های مختلف بدون ریشه یابی نام درست گیاه در متن اصلی
- بکارگیری نام اندامها یا بخشهای مهم و مورد استفاده گیاه به جای نام خودگیاه در متون ۳ - نام گیاهان متون قدیم را می توان بر اساس زبان های مختلف به نام های: عربی، فارسی، لاتینی (۱)، یونانی <sup>(۲)</sup>، رومی <sup>(۳)</sup>، بِربِری <sup>(۴)</sup> سریانی <sup>(۵)</sup>، نبطی <sup>(۶)</sup>، ترکی و هندی متمایز نمود.

۱- لاتینی: منسوب به لاتین یا در اصل مربوط به لاتیوم و لاتینیهاست و همچنین به کشورهایی چون فرانسه و ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است بکار می رود. در دوران جنگهای صلیبی به سکنه اروپای غربی در مقابل یونانی هاگفته می شد. (لغتنامه دهخدا)

رب در بر مر حزب عربی اروپا و در جنوب غربی شبه جزیره بالکان مشتمل بر جزایر پراکندهای در دریای اژه و در یونانی: کشوری در جنوب غربی اروپا و در جنوب غربی شبه جزیره بالکان مشتمل بر جزایر پراکندهای در دریای ایونی. یونان کنونی است که از نظر جغرافیایی با یونان قدیم فرق دارد و خیلی کوچکتر و محدودتر است کلمه یونان که در السنهٔ شرقی مشهور شده از کلمه یونیه که به قسمتی از سواحل آسیای صغیر می باشد گرفته شده است. (لغتنامه دهخدا)

۳- رومی: ژم در تداول مورخان اسلامی پایتخت ایتالیا است و در مواردی آسیای صغیر و توابع آن است، توضیح دیگر آن که دولتهای جمهوری و امپراطوری روم چون وسعت پیدا کردند و حتی آسیای صغیر را مسخر شدند از قرن پنجم میلادی به این طرف به غربی و شرقی منقسم شدند. بخش غربی آن همان ایتالیا به پایتختی رم و بخش شرقی آسیای صغیر به پایتختی استانبول بود. (لغتنامه دهخدا)

۲- یو پری در این از مردم بین حبشه و زنگبار را گویند. و بنا به قول دیگر ممالک شمال آفریقا عبارت از مغرب، ۴- پرپری: منسوب به پرپر و بربر مردم بین حبشه و زنگبار را گویند. و بنا به قول دیگر ممالک شمال آفریقا عبارت از مغرب، مصر، طرابلس، تونس، الجزایر و مراکش است. (لغتنامه دهخدا)

۵- سریانی: منسوب به سورستان (بلاد عراق) و نام قومی سامی نژاد منسوب به قوم آرامی و با لهجهای به همین نام است لهجه سریانی از لهجه های مهم آرامی شرقی است و در ایران به خود آرامی معروف تر و از آن متأخرتر است، لهجهٔ آرامی را رفته رفته از یادها زدوده و سریانی جانشین آن گردید. مرکز این لهجه در شمال عراق (بین النهرین) شهر ادسا یا ارها است. ارها در کتب اسلامی الرها خوانده شده و اکنون اورفا نامیده می شود و در قرن دوم میلادی این ناحیه از مراکز مهم عیسویان محسوب می شد. و در چند قرن پیش از آن یعنی زمان اسکندر و جانشینان وی سلوکس و انتیوخس شمال بین النهرین از مراکز زبان سریانی بوده و به واسطه مهاجرت گروهی از مردم مقدونیه و یونان به آن سرزمینها سریانی رنگ و روی خاصی بخود گرفت و لهجهٔ آن بر دیگر لهجههای آرامی برتری یافت و بسیار لغات یونانی با زبان سریانی در آمیخت و تغییری در آن پدید آمد. هنوز هم در بسیاری از سرزمینهای عربی زبان ، لهجه سریانی وجود دارد، لهجه آشوریها و تغییری در آن پدید آمد. هنوز و ایران سریانی است. (لغتنامه دهخدا)

۶- نبطی: به معنای منسوب به نبط گروهی از مردم بطایح میان عراقی عرب و عراقی عجم یا به سواد عراق ساکن بودهانــد و

 $^{4}$  – نامهای متون قدیم را می توان به نامهای «محلی» و «غیر محلی» تقسیم کرد، نامهای محلی نامهای متند که در یک شهر و یا مکان بکار می رفتند. بدیهی است نامهای مشهور در این گروه قرار ندارند. نام شهرها و محل های معروف (جدول شماره  $^{4}$  این کتاب) عبارتند از: در ایران: اصفهان، شیرازی، سجز یا سجستان (۱)، سمرقند، کرمان، همدان، یزد، زابل، سیستان، مکران، تنکابن، دیلم، گیلان، مازندران، ترمذ (۱)، بخار (۱)، طبرستان، بهر، ماوراء النهر، ری، خراسان، جرجان، نیشابور، سنجر، خوارزم (۱)، خوز (۵)، سغد (۱۹)، خوازنه در کشورهای دیگر: مغرب، اندلس، شام، دمشق، عراق، حجاز، موصل، عراق، بغداد، آفریقا، اسکندر، فاس (۱۷)

#### آمار نامهای محلی عربی و مُعَرَّب

جامع ابن بيطار	719	اندلس	١
جامع ابن بيطار	79+77	مغرب + آفريقا	۲
جامع ابن بيطار	٧۴	مصر	٣
جامع و مخزن	٧٣	شام – دمشق	۴
حديقه الازهار	۶۸	فاس	۵
جامع و مخزن	7+7+9+10	عراق + بغداد + موصل + بصره	۶
مخزن الادويه	٨	حجاز	٧
جامع	۶	اسكندريه	۸

اینان غیر عرب بوده که عربیت را برگزیدند و در بر آوردن آب ماهر و در کثرت فلاحت مشهور بودهاند.(لغتنامه دهخدا) ۱- منظور سیستان و اصل آن سگستان است. (کتاب صیدنه)

۲- ترمذ شهری است در ساحل نهر بلخ که آن را جیحون می خوانند. (لغتنامه دهخدا)

۳- بخارا شهری از ماوراء النهر و مشتق از بخارست به معنای علم بسیار است. (لغتنامه دهخدا)

۴- خوارزم نام ناحیهای است در سفلای جیحون و از ایام بسیار قدیم مهد قوم آریا بوده است لسترنج در جغرافیای تاریخی خود در مورد آن چنین میگوید: ایالت خوارزم در اوایل قرون وسطی دو کرسی داشت: یکی در جانب باختری یعنی جانب ایرانی رود جیحون موسوم به جرجانیه یا ارگنج و دیگری در جانب خاوری یعنی جانب ترکی آن رود موسوم به کاث و این کرسی اخیر در قرن چهارم هجری از ارگنج آبادتر شد. (لغتنامه دهخدا)

۵- منظور از خوزی مردم خوزستان است. زیرا «اهواز» را به فارسی «هورمشیر» میگفتند و نام آن «اخواز» بوده که پس از معرب شدن به آن اهواز گفتند. (زریاب در کتاب صیدنه)

۶- سغد نام شهری است در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند. گویند آب و هوای آن در نهایت لطافت باشد و آنُ به سغد سمرقند شهرت دارد آن را بهشت دنیا هم گویند. (برهان قاطع)

۷- فاس شهر مشهور و بزرگی بر کرانه دریای مغرب و بزرگترین شهر مراکش است. (لغتنامه دهخدا)

# آمار نامهای محلی غیر عربی

منبعی که بیشترین	تعداد نام	la val:	· ·
_		نام محل	ردیف
تکـــرار را داشــته			
است.			
اختيارات بديعي	149	شيراز	١
مخزن الادويه	٣٧	اصفهان	7
صيدنه	7+0+17+4	سجزی + زابل + سیستان +	٣
		مكران	
مخزن الادويه	V+11+1F+77	تنكابن + مازندران + ديلم +	*
		گيلان	
صيدنه	10	جرجان –گرگان	۵
صيدنه	7+17	خراسان + نیشابور	۶
صيدنه	٩	بلخ	٧
صیدنه و مخزن	٨	طبرستان	
مخزن و اختيارات	9	کرمان	٩
صيدنه	۶	بخارستان	1.
صيدنه	۶	خوارزم	11
صيدنه	۶	سغد	١٢
صيدنه	1+4	ترمذ + ماوراء النهر	١٣
صيدنه	1+4	سمرقند + هرات	14
صيدنه	٣	ری	10
مخزن و اختيارات	7 + 7	آذربایجان + تبریز	18
	1	اهواز، هرات، بستی، دامغان،	
	·	į.	١٧
		یزد، سنجر، هری، خوازنه،	

۵ - گستردگی زبان عمومی شرق (عربی) نقش موثری در پدید آمدن آثار و متون قدیم گیاهان دارویی داشته سبب فراوان اشاعهٔ نامهای تازی گیاهان گردید. نامهای تازی را می توان به دو گروه عربی و معرّب متمایز نمود. منظور از نام معرّب نامهایی هستند که ریشهٔ غیر عربی دارند ولی دارای اعراب این زبان هستند.

وی و حقق امار از نامهای مشهور و سایر نامها و درصد آنها در جداول و نمودارهای شماره ۱ و حقوضیح آمار از نامهای مشهور و سایر نامها و درصد آنها در جداول و نمودارهای شماره ۱ آمار نامهای گیاهان دارویی در کتب مختلف از دیسکورید تا مخزن الادویه در کتب مورد مطالعه است. و جدول ۲ آمار نامهای گیاهان مربوط به

کتاب ابن بیطار، و جدول ۳ آمار نامهای مشهور کتاب مخزن الادویه و صیدنه است. نامهای مشهور هندی در جدول شماره ۳ عمدتاً مربوط به کتاب مخزن الادویه است که به کتابهای طبی قرن ۱۱ و ۱۲ افزوده شد.

جدول ۱ - آمار نامها کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	وان	تعداد	درصد
عربی	0019	7.44	فارسى	1781	7.10
يوناني	1914	7.10	محلی	479	7.4
رومي و لاتيني	۲۹۵	7.4	هندي	٧٢١	7.0
سریانی	444	7.4	تركى	۵۲	7.0/8
بربری و نبطی	۲۳۰	7.4	متفرقه	1988	7.10

# جدول ۲ - آمار نامهای گیاهان در کتاب جامع ابن بیطار

درصد	تعداد	نام	درصد	تعداد	نام
۱ // کمتر	11	عبرى	7.00	١٢٧١	عربی
۱ // کمتر	٨	هندی	<b>%</b> Y•	404	فارسى
۱٪کمتر	۵	مرکب	7.14	471	يوناني
۱ // کمتر	١	مصر قديم	7.4	9.	لاتيني
۱ // کمتر	١	نبطى	7.4	40	سریانی
۱ // کمتر	١	سنسكريتي	7.1	79	ارامیه
۱ // کمتر	٩	مجهول	7.1	YV	بربری

## جدول ۲ - آمار نام های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه

ام	تعداد	درصد	وك	تعداد	درصد
عربی	4444	7.49	سریانی	474	. 7.4
فارسى	104.	7.14	بربری	110	7.1
يونانى	104.	7.14	تركى	۵۱	۱ // کمتر
رومي و لاتيني	۵۴۴	7.v	نبطى	۲۵	۱ // کمتر
هندی	۶۸۰	7.٨	متفرقه	1774	7.10

# ۲ ـ ۴ ـ اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ ها درگوناگونی نام گیاهان دارویی:

جابه جایی تاریخی نام گیاهان دارویی در زبانهای ملل، در جریان برخورد تمدنها و تداخل فرهنگهای متفاوت و تاثیر گویشهای مختلف این ملتها،گاه باعث دگرگونیهای عمیق و استحالهٔ آنها گردید، برای ادارک این گونه تغییرات کافی است به نامهای گیاهان دارویی از کتاب دیسکورید تاکتاب مخزن الادویه یاکتابهای دیگر برای مقایسه رجوع کنیم. در این مقایسه خواهيم ديد:

# (۱) نامهای یونانی:

شمار نامهای مشهور درکتاب دیسکورید: درکتاب ربرت<sup>(۱)</sup> ۶۶۵، و در شرح ابن بیطار ۴۳۳، شمار نامهای مشهور کتاب ابن بیطار<sup>(۲)</sup> به زبان یونانی: ۴۲۸ یعنی ۱۶ ٪ از کل نامهای مشهور گیاهان دارویی این کتاب است.

شمار نامهای مشهور درکتاب مخزن الادویه و صیدنه به زبان یونانی: ۱۱۸ یعنی ۱۴ ٪ ازکل نامهای مشهور در این دو کتاب است.

شمار نامهای یونانی آمده در کتب قدیم مورد مطالعه در حدود ۱۹۸۴ یعنی معادل ۱۵ ٪کل نامها است.

علت فزونی نام یونانی درکتب قدیمی برای افزایش گیاهان دارویی در آنها نیست بلکه تغییر نام گیاه بر اثر گویشها، ترجمهها و تغییر آنها در زبانهای مختلف است.(۳)

#### (۲) نامهای هندی:

شمار نامهای هندی درکتاب ابن بیطار مجموعاً ۸

شمار نامهای هندی در کتاب صیدنه و مخزن الادویه ۱۰۹ یعنی ۱۳ ٪ از نامهای مشهور آن

شمار نامهای هندی در کتب قدیم مورد مطالعه ۷۲۱ یعنی ۵ ٪کل نامهای این کتب است. نامهای هندی درکتاب مخزن الادویه شامل ۱۳٪ از نامهای مشهور آن است که به خوبی نشان دهندهٔ تداخل نامهای هندی در این زمان است.

## (٣) نامهای سریانی:

شمار نامهای سریانی در کتاب ابن بیطار ۴۷ یعنی ۲ ٪ از کل نامهای مشهور آن است.

شمار نامهای سریانی در صیدنه و مخزن الادویه ۱۸ یعنی ۲ ٪ از کل نامهای مشهور این کتاب مىباشد.

شمار نامهای سریانی درکتب قدیم مورد مطالعه ۴۴۳ یعنی ۳ ٪ ازکل نامهای موجود درکتب قديم است.

آمار فوق نشان می دهد که باگذشت زمان نامهای سریانی به تدریج اعتبار خود را در این کتب از

۱- نام گیاهان کتاب دیسکورید همراه با نام علمی پیشنهادی ربرت در فصل دوم کتاب آمده است.

۲- نام گیاهان دیسکورید با ترجمه ابن بیطار در قرن هفتم به همراه نام علمی پیشنهادی توسط ابن مراد در مقایسه با نام علمی پیشنهادی ربرت فصل دوم آمده است.

۳- علت بیشتر بودن نامهای یونانی در کتاب ابن بیطار نسبت به مخزن الادویه عمدتا بخاطر وجود نامهای مـترادف مشهور در كتاب ابن بيطار است.

دست داده فقط شامل ۳ / از کل نامها هستند. این کاهش بیانگر کم اعتباری این نامها در این برهه است.

#### (۴) نامهای عربی:

شمار نامهای مشهور عربی در کتاب ابن بیطار ۱۲۷۱ یعنی ۵۵٪کل نامهای مشهور آن است. شمار نامهای مشهور عربی در کتاب مخزن الادویه ۵۱۱ یعنی ۵۹٪کل نامهای مشهور آن است.

شمار نامهای عربی در کتب قدیم مورد مطالعه ۵۵۱۹ یعنی ۴۳ ٪ از کل نامهای موجود در این کتب است.

تحولات آماری در این مقایسه مؤید آن است که زبان عربی از دوران ظهور اسلام تا قرن ۱۳ عنوان اصلی را درکتب دارویی قدیم داشته است و با مرور زمان نه تنها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده بلکه بر اهمیت آن هر روز افزوده شد.

# ٣ - ٢ - نگاهي ديگر بر تحول نام هاي كهن گياهان دارويي در كتب فوق و نتايج آن:

۱ – هر نامی در این آثار دارای بار تاریخی و سابقه ای مربوط به خود است و از سابقهٔ آنها می توان نحوهٔ تغییر و انتقال این نامها، زمان و آغاز و تغییر و اهمیت کاربردگیاه مربوطه را در یک دوره یا یک مکان و یا محل پی برد.

۲ - افزایش یاکاهش نامهای مختلف به نام اصلی یا تغییر در تلفظ و گویش نامها، گاهی نشان از شکوفایی و یا افول کاربری گیاهان دارویی در یک زمان یا یک شهر و کشور و یا یک برههٔ تاریخی و تحولات اجتماعی را دارد.

۳ - شمار نام گیاهان تا حدودی تعیین کنندهٔ آن است که گیاه مربوط به آن فقط در این کتب نام برده شده بنابراین زمان تقریبی استفاده از گیاه را می توان تعیین کرد.

۴ - نام گیاه گاه گرفته شده از نام اندام مورد استفاده گیاه و دارویی بودن بخش خاصی از آن است مثلاً زیره نام میوهٔ گیاه است که گیاه را به آن می نامند و یا هویج که نام ریشه است برگیاه نیز اطلاق می شود.

۵ - نامهای گوناگون یک گیاه غالباً حاکی از اهمیت دارویی و کاربری فراوان آن است. هرچه نامهای گیاه متنوع و متفاوت و باگویشها و زبانهای گوناگون باشد نشان از اهمیت آن است.
 ۶ - تنوع نام یک گیاه گاه حاکی از انقطاع یا پیوستگی تاریخی یک روند اجتماعی است و اختلاف در نامها معمولاً نشان از عدم پیوستگی روند اجتماعی در آن مقطع تاریخی دارد.

#### ۴ - ۴ - نکاتی در مورد نامها:

توجه به نکاتی در نامها میتواند ریشه و علت برخی از ابهامات موجود در زمینهٔ گوناگونی و اختلافات و تشتت آنها را معلوم نماید:

۱ - برخی نامها به صورت مشترک استفاده می شدند که معمولاً نامهای غیر مشهور می باشند. ۲ - در تسمیهٔ برخی از نامها از دیر زمان اختلاف وجود داشته و تا امروز نیز ادامه دارد. ۳ - برخی از نامهای مذکور در متون تاریخی مربوط به گیاهان بازارهای دارویسی است و نویسنده خود هیچ گونه شناختی (جز خواص دارویی) از آن نداشته است. بنابراین نام این گیاهان هیچ کمکی به شناخت ریختاری گیاه نمیکند.

۴ - برخی از گیاهان در مناطق خاصی مورد استفاده بودهاند و با توجه به منابع همان مناطق رونویسی شده اند بنابر این نویسنده خود از گیاه و حتی آثار تجربی آن اطلاعی نداشته است. ۵ - نامهایی نیز مربوط به گیاهانی از منطقه ای معین با مصارف دارویی معین بوده اند اما پس از انتقال نام گیاه به نواحی دیگر به اشتباه یا دانسته آن نام به گیاهان مشابه با همان مصارف دارویی داده شده که خود موضوعی جالب برای پژوهش است.

# ۵ - منابع مورد استفاده در این کتاب

در تألیف مجموعهٔ حاضر دو نوع منبع برای استفادهٔ مستقیم و غیر مستقیم در دست بوده است:

منابع مستقیم مورد استفاده شامل کتابهایی هستند که در ۶ دورهٔ زیر<sup>(۱)</sup>، با مؤلفانی دقیق و ممتاز از سایرین انتخاب شدهاند این مولفان در زمینهٔ انتقال نامهای از منابع دیگر دقیق تر بودهاند.

منظور از منابع غیر مستقیم منابعی هستند که مورد استناد این منابع قرار داشتند.

کتاب های انتخابی نوع اول عبارتند از:

١ - كتاب ديسكوريد مربوط به قرن اول ميلاد [مربوط به دوران قبل از اسلام]

۲ - کتاب رازی (۲۵۱ هجری قمری) و الابنیه (۲) (۳۵۰ هجری قمری) [مربوط به دوران ظهور اسلام تا قرن چهارم]

۳ -کتاب صیدنه ابوریحان (۴۴۰ هجری قمری)(۳)وکتاب تنقیح الجامع ابن بیطار (۶۴۶ هجری

۱- به کتاب تاریخ طب اسلامی اثر ادوارد بروان و ترجمه مسعود رجب نیا رجوع شود.

۲- منابع مورد استفادهٔ ابو منصور على الهروى كه معتقد است «كتابهاى حكيمان قبلى و عالمان و طبيبان محدث همه
 بجستم و هر چه گفته بودند بتأمل نگه كردم. عبارتند از: جالينوس ، ديسكوريد، فولس، ماسرجويه، رازى، يوحنا.

۳- منابع مورد استناد ابوریحان در صیدنه:

<sup>-</sup> خوز یا خوزی که همان اطبای مکتب جندی شاپور (از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوم هجری در ایران و عراق) هستند. از کتب مورد استفادهٔ کتاب شوسمای یا کتاب کنّاش الخوز است که نظرات جمعی از پزشکان جندیشاپور به زبان سریانی که زبان علمی آن ها بوده، می باشد.

<sup>-</sup>کتاب اوریباسیون از پزشکان جندی شاپور

<sup>-</sup>كتاب العطر ابو عباس الخُشِّكي - خشِّك شهري است از نواحي كابل و نزديك تخارستان

<sup>-</sup> و کتاب جیب العروس تمیمی - احمد بن سعید تمیمی مقدسی پزشکی از بیت المقدس که در سال ۳۷۰ هجری در مصر اقامت داشته است.

<sup>-</sup> کتاب تفاسیر الادویه ابو معاذ جوانکانی (جوانکا یکی از شهر های جرجان یاگرگان است.) تقریبا هم عصر با بیرونی است. - کتاب کناش سجزی

<sup>-</sup> كتاب الجامع لاقوال القدماء و المحدثين من الاطباء و المتفلسفين في ادويه المفرده از ابوبكر حامد بن ابن سمجون از اطباى اندلس در قرن جهارم هجري

<sup>-</sup>كتاب الرسائل الطبيه از ابو سهل بشر بن يعقوب بن المتطّب السجزى ، مولف از سجستان يا سيستان بـوده حــدود (۴۰۰

۴ - کتاب حدیقة الازهار غسّانی (۱) (۸۹۸ هجری قمری) و کتاب اختیارات بدیعی (۱۰۲۳ هجری قمری) [مربوط به دوران نزول]

۵ - کتاب مخزن الادویه (۲) (۱۱۸۹ هجری قمری) [مربوط به دوران رکود و کمون]

سوم هجری)

ب - نام كتاب هايى كه از نظر گياهشناسى مورد توجه بوده است عبارتست از: ۱ - الانتخاب لابى حاتم السجستانى ۲ - العيان يا اعيان النبات ابى حنيفة الدينورى ٣ - الجمهره لابن دريد ۴ - البارع لابى على القالى البغدادى ٥ و ۶ - كتاب انشوطا و كتاب الاشجار از هرمس ٧ - هيولى الطب فى الحشايش و السموم از ديسقوريدس العين زربى ٨ و ٩ و ١٠ - كتابهاى تدبير الاصحاء و حلية البر و الميامر از جالينوس ١١ و ١٢ - كتابهاى الاعتماد و سمائم و سموم از ابن جزّار ١٣ - فردوس الحكمة ابى الحسن على بن سهل ربّن الطبرى (٢٣٠ ه) ١٢ - طب العرب لعبد الملك بن حبيب السلمى البيرى (٢٣٨ ه) ١٥ - التصريف لمن عجز عن التأليف لابى خلف بن عباس الزهراوى (۴٥۴ ه) ١٥ - الفلاحة النبطية ترجمه ابى بكر احمد بن وحشية (اواخر قرن سوم هجرى)

ج - منابعی که فقط نام مؤلف آن ذکر شده است و مؤلف آن نیز در زمینهٔ طب و گیاه شناسی صاحبنظر بوده است: ۱ - ابقراط ۲۰ اهران القس ۳ - بولش الاجانیطی ۴ - ابن سرابیون یوحنّا (قرن سوم هجری) ۵ - ابن ماسویه ابو زکریا (۲۴۲ هتی) ۶ - مسیح الدمشقی ابوالحسن عیسی بن الحکم (۱۷۰ هتی) ۷ - سابور بن سهل (۲۵۵ هتی) ۸ - ماسرجویه (قرن اول هجری) ۹ - اسحاق بن سلیمان الاسرایی لی (۳۲۰ هتی) ۱۰ - ابوالحسن احمد بن محمد الطبری (۳۶۰ هتی) ۱۱ - ابوعبدالله محمد بن سعید التمیمی ۱۲ - علی بن عباس المجوسی (۴۸۸ هتی) ۱۳ - عیسی بن علی (قرن سوم هجری) ۱۴ - محمد بن عبدون الجبلی العددی (۳۶۱ هتی) ۱۴ - ابن جلجل ابو داود سلیمان بن حسان (۴۸۴ هتی) ۱۵ - علی بن محمد ۱۶ ابن سمجون ابوبکر حامد (۳۹۲ هتی) علی بن سلیمان الحاسب الزهراوی ابوالحسن (قرن چهارم هجری) ۱۷ - ابن الهیثم عبدالله بن محمد الثقفی عبدالرحمن بن اسحاق القرطبی ۱۸ - عمر بن ابی عمران (قرن چهارم هجری) ۱۹ - السوسی عبدالله بن محمد الثقفی (۳۰ هتی) ۲۰ - ابن الکتانی ابو عبدالله محمدبن الحسن المذحجی (۴۲۰ هتی) ۲۱ - ابن البغونش ابو عثمان سعید بن محمد اللخمی (۴۲۰ هتی) ۲۲ - ابن وافد ابو المطرّف عبدالرحمن بن محمد اللخمی (۴۲۰ هتی) ۲۲ - ابن وافد ابو المطرّف عبدالرحمن بن محمد اللخمی (۴۲۰ هتی) ۲۳ - شیخ ابی الحسن اللونقه استاد مؤلف ۲۲ - البهودی مروان بن جناح (قرن پنجم هجری قمری)

۱- ابوالقاسم بن محمد الاندلسی الغسانی مشهور به وزیر در سال ۹۵۵ هجری قمری در شهر غرناطة اندلس متولد شد و در شهرهای فاس و مراکش به آموختن علوم طب و سایر علوم اشتغال ورزید. سه کتاب از او در زمینهٔ گیاهان دارویی به جا مانده است که عبارتند از: ۱ - روض المکنون در شرح ارجوزه ابن غررون - این کتاب به نظم و به منزله الفیه ابن سینا تألیف ابو موسی هارون بن اسحق بن غررون (۴۹۴ هجری - قمری) است. غسانی گیاهان این کتاب را در روض المکنون شرح داده است. ۲ - مغنی الطبیب عن کتب اعداد الحبیب که برگردان عربی کتابی در زمینه طب و گیاهان دارویی از یکی از زبانهای اروپایی است. ۳ - حدیقهٔ الازهار فی شرح ماهیهٔ العشب و العقار، وی در این کتاب نام گیاهان را با زبان روز تطبیق داده و اسامی را بر اساس حروف ابجد تنظیم نموده است در این کتاب از ۳۰گیاه و ۷ حیوان و کانی نامبرده است از امتیازات این کتاب برخورداری آن از نظام طبقه بندی است.

۲-کتابهای مورد استناد مخزن الادویه:

- تذكرة شيخ انطاكي معروف به تذكرة اولى الالباب

- تذكرة شيخ يوسف بغدادي موسوم به مالايسع اللطبيب جهله معروف به جامع بغدادي

– ارشاد شيخ اسماعيل هيبة الله

- ترجمه تذكرة ابوريحان معروف به سويدي

- مفردات نواب حكيم معتمد الملوك سيد علوي خان

- اختيارات قاسمي حكيم محمد قاسم ملقب به هندو شاه مشهور به فرشته

- مجربات افضلي حكيم مير محمد افضل

- حواشي حكيم مير عبد الحميد بر تحفه

- قانون ابن سينا

- جامع مالقی یا جامع ابن بیطار

۶ - کتابهای الموسوعه، تصحیح ابن مراد بر کتاب شرح دیسکورید ابن بیطار، تصحیح ربرت بر کتاب دیسکورید، تصحیح زریاب بر کتاب صیدنه، تصحیح طباطبایی بر الحاوی، دائرة المعارف گیاهان دارویی هند، دارونامهٔ پارسا، تصحیح خطابی بر کتاب حدیقه الازهار [مربوط به دوران جدیدو عصر حاضر]

در آثار این دوران حتی المقدور سعی شد تا حد امکان نام علمی رایج کنونی برای نام قدیمی گیاهان انتخاب شود. از منابع مزبور کتابهای شرح دیسکورید ابنبیطار و تنقیح الجامع تقریباً بطور کامل ترجمه شده و از کتب دیگر فقط نامهای گیاهان استخراج شده است.

<sup>-</sup> اختيارات بديعي

<sup>-</sup> تحفة حكيم مومن

# فصل اول

# **نامهای کهن گیاهان داروئی** در کتابهای:

مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
عمدة الطبیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
صیدینه (قرن پنجم هجری)
الابنیه (قرن چهارم هجری)
الحاوی (قرن سوم هجری)

#### نامهای کهن گیاهان داروئی

## مهمترین مطالب این فصل عبارتست از:

- ۱ نامهای کهن گیاهان داروئی از اوائل سالهای میلادی تا عصر حاضر به تفکیک منبع
  - ۲ تاریخ استفاده از گیاه و میزان اهمیت آن در قرون گذشته
    - ۳ تصحیح نامها با توجه به منشاء زبان وگویش آن
  - ۳ نامهای علمی پیشنهادی در برخی از منابع جدید برای این گیاهان

#### برای استفاده از کتاب به نکات زیر توجه شود:

۱ - در این کتاب سعی شده تقریباً همه نامهای اصلی و نامهای منتقل شده در منابع گوناگون قدیم از کتاب دیسکورید تا مخزن الادویه جمع آوری شده و بدون پیش داوری در اختیار محققان قرار گیرد.

۲ - برای بالا رفتن دقت و تصحیح گویشها و کامل شدن تاریخ گیاه سعی شده از هر قرن، کامل ترین منبع در زمینه نامهای گیاهان انتخاب شود. بنابراین عدم استفاده از منابع دیگر بخاطر هم پوشانی مطالب آن با کتب انتخابی است.

بعنوان مثال کتاب مخزن الادویه از نظر اسامی از کتاب تحفه حکیم مومن آبا توجه تشابه های زیاد این دو] کامل تراست و بعلاوه به دلیل متاخر بودن آن از امتیاز بیشتری برخوردار است.

۳ - در جمع آوری مطالب از منابع مختلف درستی یا نادرستی نام یا مطلب، مورد نظر نبوده است زیرا عدم تفکیک موارد درست و یا نادرست می تواند زمینه بیشتر اظهار نظر پژوهشگران بعدی را فراهم و پژوهش آنان را پربارتر سازد. بعنوان مثال اگر نامی با زبان خاص از منبعی در این کتاب ذکر گردید درستی یا نادرستی آن مورد نظر نبوده است، بنابراین منسوب کردن نام به یونانی، عربی، و ... فقط نقل قول از منابع است که ممکن است نادرست باشد. (۱) گاهی نیز نادرستی مطلب و واژگان در زمان خاص می تواند سرنخهای مطلوبی را در زمینه کشف قوانین دورهای از تاریخ فراهم آورد.

 ۴ - در فصل حاضر کوشش بر این بوده نامهای مشهور ذکر شده از منابع مختلف با یک شماره مشخص شوند مگر آنکه اختلافی بین نامها به نظر آمده باشد. بنابر این تکرار شماره برای نامها موید اختلاف آنها با نامهای مترادف است.

۵ – چنانچه قبلاً اشاره کردیم نام گیاهان با نام مشهور و غیر مشهور در کتاب متمایز شدهاند و نام مشهور ممکن است مربوط به منابع یکسان یا منابع مختلف باشد. در هر صورت نام مشهور بلافاصله بعد از شماره در کتاب آمده و نامهای بعدی آن با عنوان " سایر نامها" آمده و غیر مشهور یا مترادف بشمار می روند.

۱- به همین دلیل همه مطالب و نامها درکتاب با ذکر منبع آمده و برای هر منبع کلمه اختصاری انتخاب شده است.

۶ – در بخش پایانی کتاب نامهای گیاهان داروئی به زبانهای مختلف به تفکیک با ذکر صفحه، فهرست شدهاند تا با مراجعه به آن بتوان به تمام نامهای موجود بویژه نامهای مشهور در کتب قدیم دسترسی یافت. (۱) با استفاده از این فهرست و مراجعه به متن کتاب امکان دستیابی به گیاه مورد نظر در منابع قدیم فراهم می شود. بعنوان مثال چنانچه محققی در نظر داشته باشد در زمینه گیاه «اسفرزه» در متون قدیم اطلاعاتی را استخراج نماید با مراجعه به فهرست آخر کتاب به متن ارجاع داده شده و با عنوان «بزرقطونا» مواجه می شود بنابراین در کتبی که نام آنها به صورت اندیس روی نام گیاه آمده است می توان اطلاعات مربوط به «اسفرزه» را تحت عنوان «بزرقطونا» جستجو نمود.

۷ - نامهای علمی در جداول کتاب برای حفظ امانت به همان صورت کتاب است و به معنی تایید درستی آنها نیست، بدیهی است در ضمیمه شماره ۳کتاب نامهای اصلاح شده یا درست آنها آمده است.

٨ - البته امكان يافتن نام علمي برخي از نامهاي علمي به علت نبود منابع ميسر نگرديد.

۹ - برای هر گونه اظهار نظر در موردگیاه خاص باید حتماً به اندیس و فونت آن توجه نمود.

شایان ذکر است نشانه ها اتخاذ شده برای مشخص نمودن منابعی است که نام ها و مطالب از آن ها گرفته شده است. این نشانه ها عبار تند از:

نشانه حرف «م» مربوط به کتاب مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری) با فونت لوتوس ۱۴

نشانه حرف «ت» مربوط به کتاب اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری) با فونت ۱۰ یاقوت

نشانه حرف «غ» مربوط به کتاب حدیقه غسانی (قرن دهم هجری) با فونت بدر ۱۲

نشانه حرف هج، مربوط به کتب ابن بیطار (قرن هفتم هجری) با فونت ۱۲ زر ایرانیک

نشانه حرف دش، مربوط به كتاب عمدة الطبيب في معرفة النبات (قرن ششم هجري) با فونت ١٥

نشانه حرف دص، مربوط به کتاب صیدَنِه (قرن پنجم هجری) با فونت لوتوس سیاه ۱۲

نشانه حرف «ب» مربوط به کتاب الابنیه (قرن چهارم هجری) با فونت لوتوس ۱۰

نشانه حرف «ح» مربوط به کتاب الحاوی (قرن سوم هجری) با فونت میترا ۱۲

نشانه «Glo» مربوط به كتاب Relossary OF INDIAN MEDICINAL PLANTS) مربوط به كتاب

نشانه «دی.» یا «د.» مربوط به تصحیح ابراهیم بن مراد بر کتاب «تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار»

نشانه «زر.» یا «ز.» مربوط به کتاب تصحیح عباس زریاب بر کتاب «صیدنه»

نشانه «الم.» يا «ال.» مربوط به كتاب «الموسوعه في علوم الطبيعة»

نشانه «طبا.» یا «ط.» مربوط به تصحیح سید محمود طباطبائی برکتاب «الحاوی»

نشانه «خطا.» يا «خ.» مربوط به تصحيح محمد العربي الخطابي بركتاب «حديقة الازهار»

نشانه «صحا.» يا «صح.» مربوط به كتاب «الصحاح في اللغة و العلوم»

نشانه «یار.» یا «پ.» مربوط به کتاب «دارو نامه» احمد پارسا

برای روشن شدن مطالب فوق به مثال زیر اشاره میکنیم:

نام شماره ۱۸ این فصل بعنوان نمونه انتخاب می شود، که «اَس» نام دارد.

اً ۱۸ -آس'، آس" (نامی فارسی)، هَدَس" (نام دانه)، آس، آس، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس: نامهای دیگر آن:ریحان - سریانی:آسای آساسگدلنفسی ( به معنای جاء بک نفسه ) و کرلنفسا به معنای خصومت کننده با جان خود نامهای نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس - سریانی: مرسنین، مرسینی - حبشی:ازورا - هندی: ادهیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، فطساس، (بنک آسرا) منطر - نام گیاه

۱- بدین ترتیب پژوهشگران می توانند با مراجعه به صفحه مربوط نام مشهور گیاه را در منبع دلخواه خود پیدا و به آن مراجعه کنند مثلاگیاه «مورد» را باید در کتاب مخزن الادویه تحت عنوان «آس» جستجو نمایند.

در کتاب دیسکورید: مرسینس أیماروس<sup>ع</sup> - بنکه قیطس<sup>ت</sup>، غمار ، اسماروزند - مورد (۱)

#### در مثال فوق:

- نامهای مشهورگیاه عبارت است از: «آس، هَدَس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس» سایر شرحهای گیاه و خواص آن در کتابهای مورد نظر در ذیل این نامها آمده است.
  - برای بررسی این گیاه در کتب قدیم به نامهای زیر باید رجوع شود:
    - دركتاب الابنيه و جامع ابن بيطار و مخزن لادويه: اَس
      - در کتاب صیدنه: اس، هدس
    - در كتاب اختيارات بديعي: آس، قيطس، حب الاس، اسمار، اسفرم
  - سایر نامها و مطالب این گیاه در منابع مختلف در ادامه نامهای مشهور گیاه ذکر شده است.
- اگر نام «ازورا» بعنوان نامی مجهول در اختیار ما باشد با مراجعه به فهرست پایان کتاب به صفحه مربوط به «اَس» راهنمائی می شویم و برای مطالعه بیشتر به کتابهای مخزن الادویه، صیدنه، جامع، اختیارات بدیعی و الابنیه به کلمه «اَس» مراجعه خواهیم نمود.
- در این مراجعات به منشأ تاریخی نام گیاه نیز واقف خواهیم شد مثلاً این گیاه از زمان دیسکورید با نام «مرسینس ایماروس» مورد استفاده بوده و در زمانها، کشورها و فرهنگ های مختلف استفاده شده است، بنابراین به نظر میرسد امتداد تاریخی استفاده این گیاه از زمان دیسکورید تا قرن ۱۳ ادامه داشته است (زیرا در همه منابع قرون گذشته از آن نامبرده شده است).
  - از آنجاكه نام دانه گياه بصورت مستقل آمده مي توان نتيجه گرفت كه مصرف خاص داروڻي داشته است.
- نامهای گیاه در انتقال مؤلفان و کتب آنها دستخوش تغییر شده است که می توان بهترین گویش را انتخاب و واژهها و اصطلاحات بکار برده شده را اصلاح نمود و به منشاء نام تا حدودی بطور مستند نزدیک شد، مثلا نام یونانی این گیاه در کتاب مخزن «مرسا ایمارس» و در کتاب جامع «مرسینس ایمارس» است و با نام سریانی آن که مرسنین است تشابه زیادی دارد بنابراین نام «مرسینس ایمارس» نام یونانی قابل قبول تری برای آن است.
- استفاده گسترده از این گیاه در کشورهای مختلف مغرب، هند، ایران و ممالک دیگر از مواردی است که می توان با توجه به تعدد نامهای مختلف گیاه در زبانهای متفاوت به آن پی برد.

١- مجدداً يادآور مي شويم انديسهاي و تغيير فونت كلمات نشاندهنده مرجع مورد استفاده است.

# نامهای کهن گیاهان داروئی قبل از میلاد مسیح تا کنون در کتب قدیم

# حرف «الف»

#### ۱-آءس:

Aegiceras sp. River mangrove (E)	درختچه - آءه - سرحه	صحاح
Cadaba farinosa Forsk. Maerua crassifolia Forsk.	آء .	زرياب
Cadaba farrinosa Forsk. Maerua crassifolia F.	به درختی از آن " آءه "گویند.	الموسوعه

۲ -آبنوس، ابنوس، آبنوس، آبنوس، آبنوس، ابنوس، آبنوس، آبنوس، ابنوس، ابنوس، است. - نامهای دیگر آن: یونانی: سیفافیطوس، ابانون ، ابابوس – رومی: انکسینس، بابلس – فارسی: ابونس – عربی: ساسم – بربری: حَطب السودان، اسغارن امشاتن، اسغارن یزان (به معنای عود الاسود یعنی چوب سیاه) – سواحل زنج: مُنَیْکو شُوْحَط – سریانی: فیشو تا س – شجر الشیزی، نوعی «آبنوس» است.

أَأَ بانُس (Ebenos): أُبَنُوس ـ درختي معروف، بعضي هندي و برخي حبشي است .[بن يطار در ترجمه ديسكوريد ١ - ١٠٠]

Diospyros ebenum Kon.  Dalbergia melanoxylon G.D.R.	آبنوس	صحاح <i>GL</i>
Ebenus sp.	نام هندی : ابانس	الم
Ebenus sp.	اابانس	ديسكوريد

# ٣ - آبيل':

Abelia sp.	آبيليه	الم	
Abelia (E)- Haystack (E)			

# ۴ - آچينا:

- ۵ آدریس (ادریس)<sup>در</sup>: نام «عود السوس» یا به نقل صحیحتر گیاه «التاره» است.<sup>در</sup>
- ۲ ـ آذان الأرنب افزال الغزال المعلى ديگر آن: آذان الغزال الغزال و الميقاء (زيرا بذر آن به لباس مى چسبد) "غافقى" مى گويد:
   نام بربرى آن «آذان الشاة» است و همچنين به آن «آذان الغزال» و «لصيفى» هم مى گويند. عملى الشاق» است و همچنين به آن «آذان الغزال» و «لصيفى» هم مى گويند. عملى الشاق» است و همچنين به آن «آذان الغزال» و «لصيفى» هم مى گويند. عملى الشاق» ال
  - ۷ ـ آذان التیس<sup>۳</sup>: (نام گیاه در اندلس) نام دیگر آن به یونانی **«قوطو**لیدون» است.<sup>۳</sup>
- ۸ ـ آذان الجدى ، انان الجدى ": (نام گياه در دمشق و شام) نام ديگر آن ولسان الحمل الكبير، است. ور اندلس به نوع كوچك آن وآذان الشاق گويند. "
- ۹ ـ آذان الدبّ، انان الدبّ : یعنی شبیه به گوشهای خرس نامهای دیگر آن: یونانی: قلومش ّ بوصیر ّ نوعی گیاه که به یونانی به آن وظومس، گفته می شود و نام دیگر آن وبوصیر، است و وجه تسمیه آن برای برگهای پهن و تقریبا مدور آن است. ۱ - آذان العَنز ً، انان العنز ّ: در مفردات الشرف الادریسی این نام معادل ومزمار الراعی، آمده است. ّ ً ّ
- ١١ آذان الفارا، آذان الغار ، آذان الفار ، أذن الغار ، أذن الغار ، آذان الفار البستاني ، آذان الفار البريء، اذان الفار ، أذان الفار أنامي

عربی)، سمقشمحون ": آذان الفار جنسی از مرزنگوش است. " نامهای دیگر آن: حشیشة الزجاج " ـ یو نانی: مروش آ مهروش آ مطی به معنی اذان الفار " - هندی: چوهه کنی ا - اناغلس " - سمسق "، سمسر "، ریحان داود "، سمشیر "، عیسوب "، عنقر "، مردوش "، مرزنجوش "، مرزجوش "، حبق القنا " - فارسی: مرزنگوش " - اشبیلی " می گوید: چهار گیاه به دلیل شباهت برگهایشان به گوش موش - أذن الفار - به این نام مشهورند نام نوع اول «حشیشة الرجاج» و نوع دوم «أناغالیس» و نوع سوم «مرزنجوش» و نوع چهارم «البستنی» به معنی بستانی و با نام یونانی «ماوش أوطا» است. برخی آن را به اشتباه نوعی «هیوفاریقون» و یا نوعی «أناغالیس» می دانند در حالی که این نام به همه این گیاهان گفته می شود ولی به تنهائی برای آن ها استعمال نمی شود. " آذان الفار البری» در آفریقا به «عین الهدهد» معروف است. این گیاهان گفته می سوم اوطا ( Muos ota ) : "حنین ابن اسحق" در تفسیر «بنتوقس اوطا» آن را نامی برای «آذان الفار الرومی» می داند . در آفریقا آن را «عَین الهدهد» و همان «باذور د» می دانند . اینان در این نامگذاری دچار اشتباه شدهاند که در فصل ۴ به «اذان الفار حقیقی» اشاره می شود.

أُلْسِيني (Alsine): این نام «آذان الفار حقیقی» است و بیشتر در باغها روئیده می شود.[بن بیطار(در تنسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۲۴ و ۴ - ۲۷]

Myosotis sp.	اذان الفار	الموسوعه
Myosotis arvensis L.	اذان الفار بری	الموسوعه
M.stricta Roem & Schut.		
Myosotis alpestris Schm.	اذان الفار جبلى	الموسوعه
Myosotis palustris Lam.	اذان الفار المنقعي - عين الهدهد - لاتنسني	الموسوعه
Myosotis palustris Lam.	اذان الفار	صحاح
Myosotis palustris Lam.	اذان الفار	زرياب
Asperugo procumbens L.		
Myosotis palustris Lam.	اذان الفارالرومي	ديسكوريد
Parietaria cretica L.	اذان الفار الحقيقى	ديسكوريد
Parietaria officinalis L.	اذان الفار – گوش موش	پارسا
Asperugo procumbens L.	اذان الفار	طباطبائى
Anagallis arvensis L.	اذان الفار نبطى	ط.– زر.

۱۲ - آذان الفستيس": نام ديگر آن «قوطوليدون» است و نوعى از «حى العالم» است.

Cotyledon umbilicus L.	اذان القسيس	EN.

۱۳ ـ آذان الفيل<sup>ع</sup>: به آن **وقُلْقاس،** گفته اند اما ولوف الكبير، صحيح تر است. <sup>ع</sup>

۱۴ – آذربو یا آذربویه ، آذربوی ، آذربوا ، اصل العرطیثا : (نامی یونانی) نامهای دیگر آن: بیخ عرطینثا -سیطرمنون - شیرازی: یریک - تلاد ، بلاد ، گلیم شوی ، قصب شوی - قعیلاس - بخور مریم نوعی از آنست. نام ریشه آن عرطنیفه است. - عرطنیثا بپارسی داشبریون است و دتورم و دفلال نیز به آن کویند، پشم و کلیمها را با آن می شویند نام کیاه دآذربوی است. - «آذربوی» نام ریشه گیاهی است که به فارسی به آن «چوه صباغان» گویند !

10 – آذريون ، آذريون ، آذريون (معنا: آتش گون)، آذريون ، آذريون أ آذريون ، حَنْوَة ، ادام : نامهاى ديگر آن: عربى: حنوه ، حنوق من ، تاجر الاصفر ، ذهبى ، عبار السد (زيرا شكل آن عربى: حنوه ، عنوالعجم ، كفّ الاسد (زيرا شكل آن در هنگام ريزش كل مشابه كف پاى شير است.) ، ازريول (فاس) ، جَمرة (فاس) ، تاجر (فاس) وجه تسميه آن به تاجر بخاطر اينست كه كل آن با طلوع خورشيد باز و با غروب بسته مى شودو از اين جهت مشابه تاجر است. أ – فارسى: گل آفتاب پرست ، آذرگون – گل آن با طلوع خورشيد باز و با غروب بسته مى شودو از اين جهت مشابه تاجر است. عنومى از «اقحوانست» و اين خلاف است زيرا هندى: سورج مكهى است و بان عجمى: قلنبه فولة - بنابر قول صاحب جامع نوعى از «اقحوانست» و اين خلاف است زيرا

گل «اقحوان» زرد و سفید است، و گل آن زرد و سرخ است، و او گوید نبات آن به مقدار یک گز باشد اما نبات «آذریون» از یک وجب زیادت نباشد و برگ آن مطلقاً به برگ «اقحوان» ماند، اما گل وی بغایت سرخ رنگ باشد مانند آتش و میان گل وی سیاه رنگ است و از گل «اقحوان» کل «اقحوان» زرد بُود و برگهای (گلبرگهای) کنار آن سفید، اما در «آذرگون» (گلبرگهای) کنار آن سرخ با میان سیاه است، و این نوعی از «شقایق» است. "

Calendula arvensis L.	أذريون البري، أذريون الحقول، قُوقَحان، كحله	الموسوعه
Calendula officinalis L.	أذريون مخزني، أذريون الحداثق، قرقهان، زُبيده، حَهوان	الموسوعه
Calendula arvensis L. Calendula officinalis L.	آذريون	زریاب
Heliotropium europaeum	گل آفتاب پرست	پارسا
Calendula officinalis L.	<u>ا</u> َذريون	طبا.،خطا.

۱۶ –آذریونه"، فلار"، أذریون": نامهای دیگر آن عبارتست از: فارسی: گلیم شوی، صابون لباس و امثال آن –سریّانی: عرطینیثا، عقاراعرطینیثا – بلال"،فلار" – طالون – نام ریشه گیاه به رومی اطروکیا و لیطفورس است." "اسحاق بن عمران" میگوید آن نوعی «أُقْحُوان» است."

Cyclamen europaeum L.	فلار، آذریونه	زریاب
Leontica leontopetalum L.		
Cyclamen sp.	عرطَنِيْنا، شَكَع، بخورمريم، زَهْـرالمسـيح، وَكُـف، خُـبْزالمشـايخ، بَهْلاشس، رِكْفَه	الموسوعه

۱۷ – آرغیس، آارغیس<sup>۳</sup>: (نامی بربری) نامهای دیگر آن: دمشق و مصر: عود الریح، عود رنج – فارسی: پوست بیخ زرشک اصل امیرباریس به پوست درخت «برباریس» گفته می شود و در مصر به آن «عود الریح» گویند. ملا – آزاد درخت ، آزاد درخت ، آزادرخت ، ازادرخت ، عقاب الابیض ، شجرة الفارسیة سمرة الحرا، حریطه ، فالسیسبانة، علقم، لَبَخ ، عقاب الابیض ، شجرة الفارسیة سمرة الفارسیة ، تنکابن: داروان، زوباترس – جرجان: زهر زمین ، یونانی: فرسیا – مازندران: سیس بان – سند: نِم سور کرگان: زمین – شیرازی: طفک میرون درخته الله قارسی «حرالسحر» است. و شیرازی: درخت همنای فارسی «حرالسحر» است. و المهردی: درخته الله و المهردی و المهردی درخته الله و المهردی و المه

Melia azadarach L.	اِزْدَرَ خت	الموسوعه
Melia azadarach L.	آزاد درخت	زرطبا.
Melia azadarach L. Azadirachta india Juss.	هندی : نِم - سندی : نیمبا	Glo-in
Zelkowa crenata Spac.	درخت آزاد، توسه (شیراز)، نیل (استارا)، اقچه داغ (گردنه چناران)، ازدار (علی آباد، حاجی آباد)	پارسا

19 -آس'، آس ، آس ، آس نامی فارسی)، هَدَس نام دانه)، آس آس، آس آس اسفرم اسمار حب الاس قیطس آس، ریحان نامهای دیگر آن: ریحان نامهای دیگر آن: ریحان نامهای دیگر آن: ریحان نامهای دیگر آن: ریحان نامهای نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس – سریانی: معنای خصومت کننده با جان خود – نامهای نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس – سریانی: مرسنین مرسینی – حبشی: ازورا – هندی: ادهیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، فطساس، (بنکآسرا) منطر سانم مرسنین اسمان مرسنین اسمان مرسنین اسمان منطر استان اده استان اسمان اسما

گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینس أیماروس<sup>ع</sup> - بنکه قیطس مغمان استماروزند مورد و مِزتیه و مِرتُس میبربان و اردن مرسینوس میبربان و سه نوع بری مرسینوس و این دارد: دشتی، و بستانی و سه نوع بری است. اشبیلی میبربای میبربای دو نوع بستانی و سه نوع بری است که نام آنها عبارت است از: ۱ - نوع بستانی هاشمی با نام ایماروس ۲ - نوع بستانی مشرقی ۳ - نوع بری مشرقی ۴ - نوع بری هاشمی ۵ - نوع بری حملی در میبربای میبربای دری میبربای می

مَرْسینُس أیمارُس (Mursine he hemeros): به معنای " آس البستانی" است ، زیرا مرسینس یعنی آس و ایمارس به معنی بستان است . ـ میوه آن به سریانی «مُژدایانَج» و به لاتینی عمومی «مُژثان» (Myrtinus) و «مُژتَه» (Murta) است.

نام گل آن به بربری «أَقْمام» و در اندلس «ریحان» است. دیسکورید در همین ذیل به نام "مُنْطِیُذایُون" (Murtidanon)اشاره دارد که نام " بُنْکُه" یا مواد ترشحی از ساقه این گیاه است . [بن بیطار (در تغییر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]

Myrtus communis L.	آس جوّی، حَبْلاس، حِمْبلاس، مِرْسین، هَدَس، حُلْموش	الموسوعه
Myrtus spp.	أس - خَبْلاس - حمبلاس - ريحان	الموسوعه
Myrtus communis L.	هندی و پاکستانی: ویلایتی مِهندی – اردو: هَبولاس	Glo-in
Myrtus communis L.	هدس – اَس	زطب.
Myrtus communis L.	آس البستاني	ديسكوريد
Baccae murti (C)	حب الأس	يارسا
Myrtus communis L.	برگ مورد - مورد سبز	پارسا
Ruscus aculeatus L.	اَس	خطابی

 $^{\circ}$  - آس بری'، آس بری<sup>ع</sup>، آس بری<sup>ع</sup>، مورداسفرم<sup>ع</sup>، م<mark>ورداسفرم<sup>ه</sup>: نامهای دیگر آن: آس نبطی<sup>ه</sup> (ابیض و اسود)، فارسی: مورداسفرم<sup>ه</sup>، اسمار<sup>ه</sup>، مارمورد<sup>ه</sup>، ماهومورد<sup>ه</sup>، مورداسبرم<sup>ه</sup>،اس کرمانی – عربی: رندا<sup>ه</sup>، ریحان القبور<sup>ا</sup>، اسمادوسفرم<sup>۱</sup> – یونانی: مرسیا اغریا<sup>۱</sup> مرسیسا اغریا<sup>۱</sup> – تنکابن: جزا، عمار<sup>ه</sup> ـ دمشق و شهر های شام: قِف<sup>ع</sup>، انظر<sup>ع</sup> – عامه اندلس: خَیزران البلدی<sup>ع</sup> ـ نام گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینا آغریا<sup>۹</sup></mark>

Ruscus aculeatus L.	سَفْنَدَوْلاسِع	الموسوعه
Ruscus aculeatus L.	اَس بری	زرطبا.

۲۱ – آطریلال، ۱ اطریلال، آطریلال، الطریلال نامی بربری به معنای پای پرنده و پای کلاغ، برای مشابهت شاخههای آن با چنگ کلاغ، حرز الشیاطین، حشیشة البرص نامهای دیگر آن: عربی:حشیشة الارض، جرزالشیاطین، رجل الطیر ، رجل الغراب – ترکی:غازایاغی، – هندی:کال چنگی، (پای زاغ) ،مسی،

Carum ammioides Benth.	أطريلال - اطريال - سِرْفل - حشيشة البَرَص - حشيشة البَهاق - رِجْل الغُراب - جَزَر الشيطان	الموسوعه
Ptychotis verticellata Duby.	حشيشة البرص ( نام مشترك ) - اطريلال - اطويلال	ديسكوريد
Cochlearia coronopus L.	رجل الغراب - اطريلال -حشيشت البرص - قازياغي	پارسا
Peucedanum oreoseinum M.	اطريلال	EN.

۲۲ ـ أافشرو<sup>c</sup>: (نامی بربری) بعضی ازگیاهشناسان آن را بعنوان وقنطوریون الأصفر<sub>ه</sub> می شناسند در حالیکه "ابو عباس" نام آن را وقنطوریون<sub>ه</sub> نمی داند.<sup>c</sup>

۲۳ ـ آأکْثارُ<sup>ء</sup>ُ: (نامی بربری) نام دیگر آن تلغوطه است.<sup>ع</sup>

۲۴ \_ آکل نفسه ، اکل نفسه ": نام دیگر آن «فربیون» است. "

٢٥ - آلاء "، ألاء ": كَ طُبّاقة "، ارطى "، غشاة "

ſ				1
	Dalbergia volubilis Roxb.	Bobay: Alai	GLO.IN	
I	0	•		j

۲۶ - آلالاء: بنا به گفتهای نام دیگر «دفلی» است.

Ramnus alatemus L.	زَفْرين الجُرْد، نبق مترادف، آمليس، آمليليس، عودالقيسة	الموسوعه
	1 2 1 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2 2	

۲۸ ـ آأمليس<sup>ع</sup>: (نامي بربري)

٢٩ -آنِس النفس':

۳۰ - أباؤ<sup>ش</sup>: نام ديگر «قصب» است و گويند نام «حلفاء» نيز هست و سنبل آن «مقيل» ناميده مىشود و به «بردية» نيز «أباءة» گويند.<sup>ش</sup>

۳۱ - أَبَّج: نامهای دیگر آن: اسفودلوس یا خنثی م - فارسی: اشراس ی اشریس ی اشراز م - بلوط الارض م - ابجه م - بروق م - بربری: لاقلیشت م ایغرتی م

۳۷ \_ أبرة الراعی<sup>ع أ</sup>برة الراعی ابرة الراعی الم دیگر آن شكاعی است. الم علی است و گویند نام «انجیله» است كه این درست تر است و گویند نوعی «حَسَک» است. این گیاه نوعی از همای دیگر آن «أبرة الراهب» و «جحلق» است. ـ این گیاه نوعی از «حَسک» است و بعضی آن را به یونانی «لوقبسوس» گویند و نوعی از گیاهی با نام یونانی «غارانیون» است و برخی «أبرة الراعی» را همان «شكاعی» می دانند كه اشتباه است. ع

Geranium columbinum L.	غُرْنوق العِزهِل - جيرانيوم يماني - أبرة الراعي	الموسوعه
Geranium sp.	أبرة الراعى	صحاح

۳۳ - اُبْرُون یا ایزون آ ابرون (نامی یونانی)،حی العالم آحی العالم، حی العالم ؛ نامهای دیگر آن: حی العالم یعنی همیشه زنده - رومی:ایزویون که هندی:کززج که فارسی:همیشه بهار که عربی:حی العالم که نام گیاه در کتاب جالینوس:میشکجان گاملافیون گامیشهار که سیستان: میشناء که ایام دیگر آن در کتاب دیسکورید: ایزون الکبیر است و دارای سه نوع بزرگ، کوچک و نوع سوم را بعضی از مردم «بقلة حمقاء بری» می نامند. دارای سه نوع بزرگ، متوسط و کوچک است و این اسم بر همه انواع «عصاالراعی» گفته می شود زیرا این گیاه همیشه وجود دارد.

أيْزون الكبير (Aeizoon mega): به معناى هميشه زنده است ونام هاى ديگر آن عبارتست از: حى العالم الكبير على مشيان و مغرب در مصر رويش ندارد.

أَيْزُونَ الصغير (Aeizoon to mikron):نامهاى ديگر آن عبارتست از: حى العالم الصغير<sup>ع</sup>، عِنَب السَّقْفَ ـ مردم اندلس به زبان لاتينى: أُبِيلَه دِطَلْباطَهَ َ ـ اهالى آفريقا: بَزازِيل القِطَّهَ

" دیسکورید" با همین اسامی نوع سوم حی العالم را یادآور شده است که خاصیت گرم و خشک و سوزنده ای دارد.[بن بیطار ( در نرجمه دیسکورید ) ۴ - ۸۱ و ۸۲]

Sempervivum arborerum L.	ايزون الكبير	ديسكوريد
Sedum acre L.	ايزون الصغير	ديسكوريد
Sedum telephilum L.	نوع سوم حي العالم	ديسكوريد
Sempervivum spp. sedum spp.	حى العالم	صحاح
Sempervivum arborerum L.* Sempervivum tectorum L.*	ايزون	زریاب
Sedum sp.	حي العالم –حَيَون - وِذْنة	الموسوعه
Sempervivium tectorum Sempervivum arborerum	حى العالم	طباطبائى
Sedum telephium	حى العالم برى - طيلاس	طباطبائى
Sedum acre	حي العالم صغير -حي العالم رعونا - امرومن	طباطبائی
Pistia stratiotes L.	حى العالم الماء	طباطبائى
Sempervivum arborerum L.	حى العالم	خطابی

۳۴ –اَبْزِار '، ابزار "، انبوباریس": ن**امهای دیگر اَن**:نزار ' (عوام) – فارسی: زرشک "، زارج " –انبرباریس" –اثرا" –امبوبادیس " - درنک "

۳۵ - أبلِم ": گياهي در حجاز

۳۶ - أبلم<sup>س</sup>:

٣٧ - أبلَمة <sup>نن</sup>: شايد «أنجيلة» باشد. <sup>نن</sup>

٣٨ - ابن س، إبن الارض س، ابن الارض فن:

٣٩ - ابن أَوْبِر: نوعى كمأة <sup>م</sup>

۴۰ – ابو خلساً، ابوخلسا (نامى يونانى)،اروسا ، انجسا ، شجرة الدم : نامهاى ديگر آن: عربى: شجرةالدم ، حميرا ، حناء الغول ، خس الحمار ، اروسه ، رجل الحمامه ، شنجار ، شيفار ، سنجار ، شنغار ، شنغار ، شنغار ، شنغار ، شنخار ، شنكار - حميرا نظلخشقوق ، خرجكوك ، كوك يعنى خس يا كاسنى - هوفيلوس - شنقار - كملا - اثقليا - سريانى: حالوما - بالقس - كاهوجرنه - عاقرشمعا

الف ـ أَنْخُسًا (Ankhusa ): در بعضی از نسخ به آن وأَنْخُوسا، گویند و در بعضی از ترجمه ها به نام های وأبوحُلسا،، وخُسُّ الحِمار،، وشَنْکار،، وشَنقار،، وشَنْقال،، وشَنقال، معروف است و اهالی اندلس به آن وحُمَیْرا،، و ورِجْل الحَمامَه، گویند و نزد اهالی مصر به وحِنّاالغُولة، موسوم است. دیسکورید ذیل این نام به سه نوع از این گیاه اشاره می کند.

ب \_ لُوقَبْسون:(Lukapsos) (لوقسيون): از جنس شِنجار(سنجار) است. [بن يطار ( در ترجمه ديسكوريد ) ۴ - ٢٣ و ٢٦]

Alkanna tinctoria L.	انخسا	ديسكوريد
Lithospermum fruticosum L.		•
Echium diffusam L.		
Echium italicum L.	لوقبسون	ديسكوريد
Onosma spp.	شنجار	الموسوعه
Alkanna tinctoria Tausch.	شنجار البر	الموسوعه
Alkanna tinctoria Tausch. Anchusa tinctoria L.	اروسا	زریاب

Alkanna tinctoria Tausch.	شجرة الدم	طباطبائى

۴۱ –ابوقانس ٔ (یونانی)، أَبُّوفایس ٔ، اَبُوفایس ٔ ، أبوفسطُن ٔ ، قللجة ٔ : نوعی حَمْض - نامهای دیگر آن:ابوقاوس،اوقاس – عربی:غاسول رومی ٔ ـ نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابوفایس ٔ زیرا محل رویش آن «أبوفایس» نام دارد. ٔ إِبَّوفَسُطُن (Hippophaiston): نوعی از غاسول است. [بن یطار (در ترجه دیسکورید) ۴ ـ ۴۱)

Cirsium stellatum L.	ابوفسطن	ديسكوريد
Euphorbia spinosa L.		
Hippophae rhamnoides L.	غاسول (Hippophaes)	ديسكوريد

۴۲ - ابو قَسْطَس : «ابوفسطن ُ ، نوعی «أبو فایس» است. ُ ن

۴۳ → ابهٔ ل، آبهٔ ل "، آبهٔ ل"، آبهٔ ل"، آبهل"، آبهل"، آبهل "، آبهل "، قطران "، صفینة "، صفینه ": ثمر سرو کوهی - قسمی سرو کوهی اقطران مسنع «ابهل» است. تامهای دیگر آن: سرو کوهی " – عرعار ا – عربی عرعرائ، جوز العرعر – فارسی: تخم وهل "اورس ،ای رس ا وبرس غنچه " "،برس "،ورس " – ترکی: ارزوج ا – یونانی: براثی ا،ارقوس ایاارقولس ا ورمی: برون ا، بروتانون "، بروتون "،بزوثون ایابزوسیون ا – هندی: او هیر ا، آوهیر ا، هوبیر ا – سریانی: بزوثا ا،بروثا " یا بزوسیاء ا، دانه آن: وُرْس غُنْده " - «أبهل» بر خلاف نظر بعضی پزشکان «عرعر» نیست. " اسحاق بن عمران " «أبهل» دا نوعی «عرع» میداند. "

بَراثی (Brathu): أَبْهِل [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ٧٦]

Juniperus sabina L.	ابهل	دطخEN
Cuperessus sempervirens L. Cupressus horizontalis Mill.	سرو کوهی	پارسا
Cuperessus sempervirens L. var. fastigiata	زربین (منجیل، کوه درفک) - سور (شمال)	پارسا
Juniperus communis	Hendia: Araar - Dakan: Abhal Kashmir: Betar, Pethra - Sanskrit: Vapusha	Glo.in

۴۴ - ابهل هندی استره الله "، شجره الکه": نامهای دیگر آن: هندی: دیو دار " - صنوبر هندی " - ابهل هندی " ۴۵ - ابیغل ":

Melilotus officinalis Lam.	ابيغل	زریاب
Trygonella hamosa L.		
Trifolium fragiferum L.		

۴۶ - أَنِيَد نَّ: نام ديگر آن: بوراطاغونس تَّ

۴۷ - أثرُج ، اترج ، أثرُج ، اترج ، اترب ، الذهبي . - مصر: ريحان النعنع ، تمر الهندية ، تمر الذهبي . - سرياني : سرياني : سرياني : سرياني : اطرو غا ، عاقر شمعا ، حالو ما ، كحلا ، كحيلا ، هر قلو ، هيقلوس ، اطروكا س - شيراز : طوس - هند : بكاين - فارسي :

هوجویه اباذرنگ و وادرنگ (به معنای لا زال هذا اللون موجودا) وباذرنگ (یعنی لازال هذا اللون باقیا)، تُرُنگ (اهواز)، ترنج ت، قدرومیلا - افرنجی: برشیقا - عجمی: جطریا - بربری: تَرَنج - هندی: رتن جوت - سریانی: - عوام: طرنج - فاس: تُرنج - بربری: تَرنج - نام های میوه: حب العرعر - فارسی: تخم و هل - هندی: بجوژه - فارسی نوع کوچک): ترنج - نام میوه نوع بزرگ:بالنگ - فرنگی: مبدکه ماله ا - نام میوه نوع کوچک به فرنگی: لیمونیه ماله ا - نام نوعی از آن: نارنج ا ما فوی از آن: نارنج ا نام نوعی از آن: لیمون از آن: لیمون از آن: نارنج ا نام دیگر آن: لیمون از آن: لیمون از آن: لیمون از آن: لیم ا نوعی از آن: لیمون از آن عبارتست از: «اتوا الماهی از الماهی از المون از المون المو

Citrus medica L.	اترج – تفاح ماهی – مُتُک –کبّاد	الموسوعه
Citrus medica Risso. Var. Cedrata	اترج	ديسكوريد
Citrus medica	بالنگ - بادرنگه	پارسا
Citrus medica L.	اترج	زر <b>خط</b> .
Citrus aurantium	نارنج	خطابی
Citrus limonum	ليمون	خطابی

**۴۸** - أثاب ": أثل الم

#### ۴۹ -أَثَنة ":

Tamarix niloticaa Ehr & Bung.	14)	EN.
Tamarix articulata Vahl.	اثل	د.– ط.–خ.
Tamarix spp.	اثل - عَبْل - طرفاء	الموسوعه
Tamarix orientalis Forsk. Tamarix articulata Vahl.	عبل – اثل مفصلی	الموسوعه
Tamarix gallica L. var. mann	حب الاثل -گز خوانسار	يارسا
Tamarix orientalis Forsk. Tamarix articulata Vahl.	ائل	زریاب
Tamarix gallica Tamarix articulata Vahl.	کزمارک	طباطبائى

۵۲ –َأَثْلَقَ ،اثلق ﴿ نَامَى عربي )، اغنيس ۚ، أغْنِس ۚ (نامي يوناني به معناي طاهر)، بُنْج ٱنْكُشْت ۖ ،بنجنگشت ۗ ، فنجنكشت ۗ ،

۱- ماهي ببه معناى منسوب به " ماه " ، و أن منطقهاى است در دينور و نهاوند و همدان و نام واقعى أن "ميديا" است . - جهت اطلاعات بيشتر به كتاب " معجم البلدان " ياقوت الحموى ما حعد شود.

۲- "تفاح ماهی" در اصل "تفاح مای" بوده و صحیح آن "مادی" یا "میدی" است ، ابن بیطار هر دو واژه را بکار برده و میگوید منسوب به "ماه" است نه به "ماه" - نقل از ابن مراد

بنجنكشت ونامى فارسى)، بنجكشت ، بزر البنجنكشت ، حب الفقد ، فقد ، فقفل الصقالبه (بذر) :

نامهای دیگر آن: رومی:اغنوس،لوغیوس،سقاون - سریانی:خمساطرفی، "ارعاحورا، "قیمولیا" - فارسی: بنجگشت"، فنجنگشت - بذر آن:بیدمر - عربی: فوخمسة اوراق "، فوخمسة اجنحه ا یونانی: اغنیس" این نام به معنای طاهر و پاک است زیرا زهاد گمان می کردند ضعیف کننده باه و شکننده شهو تست و به همین دلیل در اعیاد در هنگام بهار آنرا در معابد فرش می کردند - فارسی: پنجنگشت انفلا بری " - هندی: سنبهالو ا - فرنگی: اسکی نان تو ا - لاتینی: ویطس ا - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اغنوس " (اغنس) "، فنطافیلن، "شجرة الطّهر " نام میوه آن: عربی: حب الفقد است و حب النسل یعنی قاطع نسل - فارسی: فلفل کوهی ا - شیرازی: دل اشوب انتخه دل آشوب " - هندی: رنیکا ا

ابن بیطار: «بنجنگشت» به معنای «ذو خمسة أصابع» است و معادل دانستن آن با نام «بنطفلون» اشتباه است. ع

أغُسُ (Agnos): دیسکورید: این نام به معنای طاهر (پاک کننده) است زیرا زنان زاهد با فرش نمودن این گیاه در معابد، شهوات را از خود دور می کردند. برخی آنرا «لِغُس» یا «لوغس» به معنای سخت شکننده و «شجرة ابراهیم (علیه السلام) دانسته و می پنداشتند خوابیدن روی این گیاه شهوات جنسی از آنها رفع می شود و به همین علت آنرا «شجرة المطهره» می گفتند. نام سریانی آن «أیلاقدیشا» و نام هندی آن «کفّ الجَذْما» سریانی آن «أیلاقدیشا» و نام هندی آن «کفّ الجَذْما» است و عموم اهالی مصر به آن «شجرة مریم» گویند و اهالی اندلس آن را با نام «شجرة الفُلفُل» و «فُلفُل الصَّقالِبه» (نامی مشترک بین چند گیاه) می شناسند، نام دانه آن «شُرُنبُله» و در مصر «حب الشجره» است و نزد عرب و پزشکان به «فَقَد، معروف است. این یطار (در ترجمه دیبکوریه)

Vitex agnus castus L.	بنجشگشت	د،، ز.، ط.
Vitex agnus castus L.	Persia: Panjangusht - Arabia: Athlak	GLO.IN.
Vitex agnus castus L.	پنج انگشت – فلفل نما – فلفل	پارسا

۵۳ – آجاص ، اجاص آبجاص ، أجّاص ، اجّاص ، اجّاص ، اجّاص نامهای نامهای در در بخارائی است. نامهای دیگر آن: آلو انجاص و فارسی: آلو ، آلو ، کرک سیاه و ، آلوی سیاه و سیانی: جاساآکاما و محرب و اندلس ترش آن راعین البقر و سیاد و دانند. – اهل اندلس: عیون البقر و سیاه و نانی: ادرک و سیاه و اندلس ترش آن راعین البقر و سیاه و سیام و سیاه و سی

دو نوع است سیاه و سفید، سیاه آن را «ممنون البقر» خوانند، و سفید آن را «شاهلوج»، و سیاه به فارسی آن را «آلوی سیاه» گویند. تُوقامیلا(Kokkumelea): نام های دیگر آن عبارتست از: شجرة الأِجّاص، شاهلوج، شاهلوک \_عموم اهالی مغرب: عَیْن البقر [بن پیطار(در ترجمه دیسکوریه) ۱ - ۱۳۰]

Prunus spinosa L.	اجاص	خطابی
Prunus communis L.	اجاص - کمثری - انجاص	الموسوعه
Prunus divaricata Led.	آلوچه (جنگلهای شمال)	پارسا
Prunus domestica L.	اجاص	ز.،ط.، د.،.E

۱- صیدنه فقد را دانه عرفج می داند. - فقد به معنای فاقد ساختن و از بین بر دن زیرا موجب فقدان نسل می شود.

ا- در عراق به میوه بزرگ سفیدگفته می شود

Prunus domestica L.	Hendia & Bengal: Alu-bokhara	GLO.IN.
Syn: Prunus commonis		

۵۴ - أُجْرِد  $^{4}$ : نام نوع ديگر آن «قصيص» است.  $^{4}$ 

Charthamus lanatus L.	أطرقطولس -عصفر البري - مرزجون	ديسكوريد
Charthamus tinctorius L.	عصفر	زرطبا.
Charthamus tinctorius L.	گل كافيشه - تخم كاجيره - قرطم	پارسا
Charthamus tinctorius L.	قَرْطُم الصبَاغين، تِرباض، عُصْفُر	الموسوعه

۵۶ - أحيرش<sup>دن</sup>:

۵۷ - اَحْيون ، أخيون ، اخيون : نامى يونانى به معناى سرافعى است، زيرا ميوه گياه به شكل سر افعى است ". نام ديگر آن رأس الأَفْعى است "

. آخیون (Ekhion): این نام به معنای سر افعی است زیراگیاه دارای میوهای مشابه سر افعی است . [بن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۷]

Echium rubrum L.	اخيون	ديسكوريد
Echium sp.	اخيون	EN.

٥٨ -أخَرْساج، أخرساج : ؟

۵۹ –آخیروس'، اخیروس'': نام دیگر آن: قمحالبری''

Camoanula ramosissima Sibth.	اخيروس	زرياب
	<i>5-97±</i> ·	<u></u>

۶۰ - أخليوس ": برخى آن را به اشتباه «شَيّان» ناميدهاند.

۶۱ - أَذْرَكُ : (نامي عربي) نام ديگر آن به فارسي آلوچه سلطاني است. ا

۶۲ – أدّ يرزا (أدّ ايرزا): گياهي منسوب به كوه «أيدّا»

اً فُوقونُن (Apokunon)<sup>(۱)</sup>: یعنی عِنَب الکِلاب، گیاهی کشنده، بذر آن در میوهای همانند خرنوب قرار دارد و نام دیگر آن قاتل الذئب است. [بن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۳]

Marsedenia erecta L.	قاتل الكلب	زریاب
Strychnos nux-vomica L.		
Barjonia racemosa Decne.		
Aconitum erectum L.		
Cynanchum erectum L.		

١- در كتاب جامع ابن بيطار نام أن معادل "افوقونن"، "قاتل الكب"، "خانق الكلب" أمده است.

Apocynum erectum Vell.	افوقونن	ديسكوريد

۶۴ - اِذْ خِرا، اذخرا، اذخرا، اذخرا، اذخرا، اذخرا، انخرا، انخرا، انخرا، العرب، خلال مامونی سجیوس ملیب العرب خلال مامونی سجیوس ملیب العرب خلام العرب الخريب العرب الخريب المخرب الموالي الخريب العرب العرب العرب المخرب المخرب الموالي العرب العرب العرب العرب العرب العرب العرب الموالي العرب العرب الموالي العرب العرب العرب الموالي الموالي

سْخِيَّنُوس (Skhoninos): إَذْخِر ـ تِبْن مكه [ابن بيطار(در ترجمه ديسكوريد) ١٠-١٧]

Andropogon schoenanthus L.	سخينوس – اذخر – تبن مكه	ديسكوريد
Andropogon schoenanthus L. Andropogon lanigera Desf.	اذخر	زرخ.
Andropogon schoenanthus L.	اذخر - تبن مكه -طيب العرب	الموسوعه
Andropogon schoenanthus L.	کور گیاه – کاه مکه – گربه دشتی	پارسا
Andropogon schoenanthus L. Cymbopogon schoenathus Spreng.	اذخر	طبا.، .EN
Cymbopogon jawarancusa Sch. Syn: Andropogon jawarancusa Jo.	Bombay: Azkhir	GLO.IN.

۶۵ -اُذُنالْحِمار ": أونوما: یعنی ساقط کننده جنین. نوعی از گیاه "خسّالحمار" است، عموم اهالی اندلس آن را «رِجُل الْحَمامَه» می نامند و داروئی بنام "أونوما" در اندلس وجود دارد و گیاهشناسان و پزشکان اندلسی به آن «أُذُن الحِمار» گویند و "جالینوس" آن را با نام «انوسما» می شناسد. [بن پیمار(در ترجه دیسکورید) ۳ - ۲۲۱]

Onosma echinoides L.	أونوما – اذن الحمار	دى. ⊣لم.
Onosma echinoides L.	اذن الحمار	زرياب
Symphytum officinale L.		

۶۶ - أذن الوطواط<sup>ش</sup>:

۶۷ - اَراقَق ، اراتوا "؟ نامهای دیگر آن: فارسی:سیهک "

۶۸ -آراک اراک و آراک و آراک و اراک و ارک و

Salvadora persica Gaertn.	اراک	ال.،ط.،ز.،.E
Salvadora persica - S. indica	درخت مسواک	پارسا

۲۹ گاربیان<sup>c</sup>: (نام گیاه در شام) اینگیاه نزد "البکری" نوعی از «بابونج» است که به یونانی به آن «فکتلمن» گویند و آن نام «بهار» است.<sup>c</sup> و غیر از "بکری" «أربیان» را نامی برای «جراد بحری» می دانند که به آن «روبیان» هم گویند.<sup>c</sup>

۰ ۷ ـ أرجان<sup>ت</sup>: (نامی بربری)

٧١ ـ أَرْجِنقة عَ: رنگرزان به آن «أَرْجِيقن» كويند. عَ

۲۷ -اُرْجُوان'، ارجُوان '، ارجُوان '، ارجُوان '، ارجُوان ' نامی معرب ازارغوان ' یااُرْگُوان – نامهای دیگر آن: فارسی: رغدا'،داذاروان ' دارارون ' د

Cercis spp.	أرجوان – ارجوان العرب	الموسوعه
	ارغوان خِزريق - سجريق - شجرةاليهود	
Cercis siliquastrum L.	ارغوان – ارجوان	زر.– پا.
Sophora mollis Gr.	Arabia & Persia: Arghavan	GLO.IN.

٧٣ -إِرْدَقْ ناقي الرزااردفناقي : (نامي يوناني)؟

Oryza sativa L.	ارز - رز	الموسوعه
Oryza sativa L.	ارز	زر خط.

۷۵ -اُرْزْ/،اَرْزُهْ ": نامهای دیگر آن: درخت صنوبر بی بارا - رومی:اغروسطوس "،مروسیا" - سریانی: یبلا"،شعیعادیما" - فارسی:فِرزدجویبار " - عربی:حشیشه" - نزد صاحب نظران عرب «اَرْز، نام «صنوبر نر» و «فرزدجویبار» نام «ثیل» است. "

قوفی (Peuke): به معنای دُخْنه و نوعی تنوب است، نام دیگر آن «شجره الأُرْز» است. [ابن بیطار(در ترجمه دیسکوریه)]

Cedrus libani Bar. Pinus halepensis Mill. کاشته شده	ارزه	زریاب
Picea exelsa Link. * کاشته شده	قوفي - شجرة الارز	ديسكوريد

۷۶ -ارطی ۳: بنا به قولی نام «طرفاء» و بنا به قول دیگر نام «رمث» است و نام هندی آن«مَهَت» است. ۳

Calligonum comosum L.	ارطی	زر <b>یاب</b>
Calligonum spp.	ارطی	الموسوعه

۷۷ -اَرْغامونی ٔ أرغامونی ، ارغامونی ، ماشیا ین نام دیگر آن به فارسی «مامیثای سرخ» است. ا

Argemone sp.	ارغوان خشخاشيه	الموسوعه
Papaver argemone L.	ارغامونى	EN.

# ٧٨ - اَرْقيطون ، أرقطيون عن معرب ارقيسون يوناني انام ديگر اَن «قروسوقيون» است. ا

Arctium lappa L. = Lappa major	اراقيطون – ريشه بابا اَدم	پارسا
Arctium lappa L. Arctium tomentosum Arctium bardana Willd.	ارقيطون	الموسوعه
Lappa major	ارقيطون	EN.

۷۹ –اَرْقَطیون'، اْرقطیون آخر<sup>ع</sup>: **نام دیگر آن**: ارقطون' ـ اُرَقْطِیون(*Arktion*): به زبان عربی آن را "حربان"<sup>(۱)</sup> گویند. اَرَقْطیون اخر: به زبان عربی آن را "حربان" گویند و دارای دو نوع بری و بستانی است . [بن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۹۴ ر ۹۵]

Arctium tomentosum Shk.	ارقيطون	ديسكوريد
Arctium lappa L.	ارقيطون اخر	ديسكوريد

۸۰ - ارماط ": نامهای دیگر آن: درخت کدز " - کاوی "

۸۱ -اَرُمال ٔ واُرمالک، اَرْمالک، اَرْمالک، اُرماک ، ارمال : بوست جوبی است که چوبی سمی است و خوش بو ت - نامهای دیگر اَن: سریانی:ارمالی ٔ -یوست درخت کاذی ٔ

Pandanus sp.	کاذی	الموسوعه
	350	الموسوف

۸۲ – اَرْمنین ، آرمنیس ، ارمنین ت : (نامی یونانی) "ابن جلجل" پنداشته این گیاه «قلقل» و «قلقلان» است ولی مشخصات این گیاه با «قلقلانی» که در عراق به این نام مشهور است، متفاوت است. الله این گیاه با در کتاب حسّان معتقد است نام گیاه "حبُّ الْقِلْقِل" و "قِلقال" و "قُلاقلی" است ولی صرف نظر از نام معروف آن بند عرب، به آنچه مورد نظر /کتاب شرح دیسکورید /است نرسیدم. ت – نام این گیاه در کتاب جالینوس " قُومیُون" است . این

Salvia horminum L.	ارمنين	ديسكوريد
Horminum pyrenaicum L.	ارمنين	EN.

#### ۸۳ -ارمیس<sup>س</sup>:

بیطار (در ترجمه دیسکورید)۳ - ۱۲۴]

۸۴ اریدبرید <sup>س</sup>، اُرتدبرید ٔ، ارید برید ٔ: پیازی که از سجستان جمع اَوری می شود ٔ سُود ٔ سه نظر "غافقی" به احتمال زیاد این گیاه همان «دِلْبوث» است ٔ

Gladiolus communis L.	اريدبريد	زرياب
Gladiolus segetum Ker.		

۸۵ ـ أُزرود، ازرود : (نامي بربري) نزد بربرهاي آفريقا نام «حندقوقا» است.

١- حربان بدون نقطه در رسم الخط أمده كه مجهول مي باشد.

۸۶ - اَرُوسَه : (نامی هندی) ؛ نامهای دیگر آن: وانسه و بانسه

۸۷ – اسارون اسارون اسارون (نامی رومی)، اسارون استی تکرا اسارون است و این خلاف است، زیرا «ناردین» ریشه «سنبل رومی» است.

أَسارون(Asaron): گیاه معروفی است. بعضی از مردم به آن "ناردین بری" گویند. <sup>(۲)</sup> [بن بیطار(در ترجمه دیسکورید)، ۱۰-۱

Asarum europaeum L.  Valeriana hardwickii Wal.	اسارون Hend & Bengal: Taggar/Kumaon: Asrun	دی. – طبا. . <i>GLO.IN</i>
Asarum europaeum L.	ناردین بری – اسارون	الموسوعه
Asarum europaeum L.	اسارون – اسارون شامی	زر پا.

۸۸ -اسبیذمرد": نام دیگر آن: فلفل ابیض

باباری (Peperi): فُلْفُل ـ به درخت آن "دار فُلْفُل" و "فلفل الأبيض" گويند. [بن بيطار(درترجمه ديسكوريد)٢ - ١٣٢]

Piper aromaticum Lam.	اسبيذمرد	ديسكوريد
Piper nigrum L.		

۸۹ - استِب<sup>دن</sup>: (نامی عربی) نام گروه انواع مختلفی از گیاهان است<sup>دن</sup>: نامهای نوع اول عبارتند از: یونانی: قستوس - رومی: شقواصة - فارسی: قسثارون - بربری: تیرحله، وتورلّت - عجمی: برتلاقش، برتقش - نام میوه: جُلْجل - نام نوع دیگر: ورد الحمار - یونانی: ایذون - نام نوع دیگر: فارسی: شقاص - یونانی: سطوبی - نام نوع دیگر: رشال الاحمر - یونانی: قلوماثی، برطوماش - عجمی: رشّاله - سریانی: قلومامش - کواکب - نام نوع دیگر: حَطّبه، قرغار

۹۰ - استبرق ":

۹۱ - أستن: طوبة<sup>ش</sup>

٩٣ \_ أُسْحُفان ، أَسْحُفان :

۹۴ -اِسْجِل<sup>(۳)س</sup>:

Asaro -1

أريقَى (Æreike): از انواع "أسجل" است و اهالى مغرب به آن "شجر الخَلَنْج" گويند، زنبور عسل اگر از شهد آن استفاده كند عسل آن تلخ خواهد بود. [بن يطار(درترجمه ديسكوريد) ١ - ٩٠]

Erica arborea L.	أريقي - شجر الخلنج	ديسكوريد

۹۵ -اسد الارض ٔ اسدالارض ٔ أسدالارض ٔ اسدالارض ٔ اسدالارض ٔ نوعی از طراثیث ٔ نامهای دیگر آن: بزوالزیتون البری ، مازریون ٔ بغضی گویند «اسدالارض» نباتیست که به یونانی خامالاون مالس گویند و معنی آن مازریون سیاه است. برخی از مترجمان آن را «مازریون» میدانند ولی آنها اشتباه کرده اند و در حقیقت نام آن «حرباء» و به یونانی «خامالاون» است و

۲- در کتاب تنقیح ابن بیطار عین این عبارت ذکر شده است.

۳- ابوحنیفه این گیاه را درختی مشابه "آثل" می داند که از چوب سخت آن در ساختن رحل استفاده می نمایند. به یکی از آن "أسحله" گویند.

همازریون» به یونانی «خامالیون» است، و همین نزدیک بودن دو واژه منشاء ابهام و اشتباه آن بوده است. و بعضی از متأخرین نام یونانی وأسد الأرض» را «خامالان مالس» میدانند و «مالس» به معنای سیاه است زیرا در اطراف آن گیاه دیگری نمیروید به همین دلیل عموم مردم مغرب به آن وأداد الوحید» که به عربی همان وأشخیص» است می گویند.<sup>ع</sup>

Chamaeleo vulgaris	اسد الارض	زرياب
Cardopatium corymbosum	اسدالارض	الموسوعه

۹۶ ـ اسد العدس<sup>e</sup>: وجه تسمیه آن بخاطر اینست که هرگاه در مزرعه «عدس» روید آنها را از بین می برد.<sup>e</sup> ن**امهای دیگر آن**: جحفیل<sup>e</sup> ـ یونانی: أوروبنخی<sup>e</sup>

Orobanche sp.	اسدالعدس	طباطبائى
•		

٩٧ -إشرار، أسرار؛ (نامي مغربي)؟

۹۸ ـ أسطراأطيقوس<sup>ع</sup>: "ابن وافد" به اشتباه نام آن را «قرصعنه» پنداشته است.<sup>ع</sup> "ديسكوريد" به نقل از "جالينوس" نام ديگر آن را «قرسيون» آورده كه مشتق از نام «حالب» است.<sup>ع</sup>

	*1( 1. (	EN.
Aster atticus Pall.	ا اسطيراطيقوس	L11.
71500, 0000000 = 0000		

۹۹ ـ أسطراغَلُس نامهای دیگر آن: یونانی: برکینه "، برکیره"، اسطراغالیس" گیاهشناسان اندلس به آن «مخلب العقارب الأبیض» گویند.<sup>ع</sup>

Astragalus sesameus L.	اسطراغالس	EN.

۱۰۰ - أسطخودوس، اسطوخودوس، اسطوخودوس، أسطوخودس، اسطوخودس، اسطوخودوس، اسطوخودوس، الطوخودوس، (نامي يوناني)، مشيك الأرواح، ضريم، ممسك الارواح - است. و است. و ابن جزّاد مي گويد به معناي موقف الأرواح - محل توقف ارواح - است. المارواح، ممسك الارواح، ممسك الارواح، ممسك الارواح، ممسك الارواح، ممسك الارواح، ممسك الارواح، محد فُرم فاس و مغرب: حَلحال من ومي: ستوخس (نام اصلى از اين نام گرفته شده است .) - سند:

شتُخادِس(Stoikhas): "اصطفن بن بسیل" این را معادل نام "اسطوخودوس" دانسته در حالیکه اینچنین نیست زیرا صفات و خصوصیات "اسطوخودوس" با خصوصیات این گیاه مطابقت ندارد و در ماهیت و خواص نیز با آن متفاوت است. از طرفی "ستخادس" درشهرهای اندلس و مغرب یافت می شود و غیر از گیاه "اسطوخودوس" است و معروف به "یَژبَه فَشوشُکه" است. اما در مورد گیاه "اسطوخودوس"، این گیاه بسیار فراوان در شهرهای اندلس و غیر آن می روید، و عامه مردم ما به آن "حَلْحال"، "سُمَیْره"، "ثُمَیّلَه"، "حائن"، "لطِییّ آرشِمیَسة" به معنای مَوْقِف الارواح (محل توقف روح ها) گویند.[بنیطر(در ترجمه دیسکورید)۲۔

Lavandula stoechas L.	اسطوخودوس	زطدخ.
Lavandula stoechas L.	اسطوخودوس –خزامی –شاه اسپرم رومی	الموسوعه
Lavandula stoechas L.	اسطوخدوس	يا.، .EN
Lavandula dentata L.		

#### ۱۰۱ -**اسطوماخوس**":

Lithospermum officinnle L.	اســــطوماخوس	زریـــاب

۱۰۲ - آشفاقِش ع: نامهای دیگر آن: عجمی: شامبه عنه - یونانی: شالبیت عربی: ثغامة عنه (زیرا بسیار سفید است.)، سالمة عنه مُفْصِحة (زیرا معتقدند هر کس از آن بخورد زبانش فصیح می شود.) عنه معتقدند هر کس از آن بخورد زبانش فصیح می شود.) عنه می شود.

Salvia officinalis	اشفاقش	خطابی

۱۰۳ - اِسفاناخ، اِشفاناخ، اسفاناخ، اسفاناج، اسفاناج، بقلة دستيه، نامهاى ديگر آن: فارسى:اسفناج، اسپناج، اسباناج - يونانى:سوناخيوس، سوسانفوسوخيوس، صنجيس - رومى:ابرقيا - فرنگى:اسپنس - هندى:پالک (همان اسفناج رومى يا قطف است)

Spinacia oleracea L.	هندی، پاکستانی :پالک	Glo-in
Spinacia oleracea L.	اسفناج	پارسا
Spinacia oleracea L.	اسفاناخ	EN.

## ۱۰۴ اسفلياطيقوس ": نامهاي ديگر آن:خُرَّم " - اسطراطيقوس، استراتيكو به معناي ستاره اتيكاست.

Aster atticus Pall. Aster amellus		زریـــاب
Aster tripolium L.	اسطراطيقوس – نُحرَام	الموسوعه
Aster atticus Pall.	اسطيراطيقوس	EN.

۵۰۱ - اِسْفَلیناس، أسقلبیاس؛ "حنین" در مفردات "جالینوس" این نام را معادل «قنابری» گرفته که اشتباه است زیرا «قنابری» گیاهی است که همه اهالی شام آن را میشناسند و مشخصات آن با «أسقلبیاس» همخوانی ندارد و همچنین نام «قنابری» را جالینوس و دیسکورید هم ذکر نکردهاند.

أَسْفَلَينُس (Asplenos): سقُولُوفَنْدَريون ـ عامه اندلس: حشيشةالدُّوديه، حشيشةالذَّهبيه، گياهشناسان اندلسى: عُقْرُبان[بن بيطار(در ترجمه ديـكوريد)٣ - ١٧٩]

Scolopendrium vulgare Sw.	اســـــفلینس	ديسكـــوريد
	·	

۱۰۶ - أسفند د. (نامی فارسی) نوعی حرمل است. این نام برای «حَرْمل» و «حُرْف ابیض» بصورت مشترکی بکاررفته است. برخی آن را به اشتباه «سذاب بری» معرفی کردهاند. د. - نام دیگر آن: یونانی: مولی د

۱- در کتاب دیسکورید و ابن بیطار "نوم الحیه" و "نوم بری" نام گیاه دیگری است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

أُشْقُرُوْ يِن (Skordion): اين گياه را "ثوم" (پياز) می نامند چون دارای بوثی چون بوی پياز است، جالينوس آن را "ثوم بری" ناميده است، ولی نام "ثوم الحيّه" برای اين گياه صحيح نيست، نام های ديگر آن "حافظ الاجساد" و "حافظ الموتی" است و عامه اندلس به آن "مَطْر" و گياهشناسان اندلسی "حشيشة الثوميه" گويند.[بن يطار(در ترجمه ديسكوريد)٣ ـ ١٠٦]

Teucrium scordium L.	اشـــــــقرذين	ديسكــوريد
Teucrium scordium L.	اسقورديون	زر. طبا.

۱۰۸ - اسقولوقَنْدُریون ، اسقولوفندریون (۱۰ سقولوفندریون ، شقولوقندریون ، سقولوفندریون ، اسقولوقندریون ، اسقولوقندریون ، سقولوقندریون ، به معنای اسقولوقندریون ، سقوقندیون ، به معنای مزقل الصفّار ، کاوی السپرز (زائل کننده و بر طرف کننده سپرز است. و آن ریشه کبرالرومی است. و اندلس:ابرنان، عقربان – مصر: کف النسر ، شیرازی: دنبی دارو ، زنگی دارو – یونانی: اسفلیس ، سفلیون ، المیّون ، فطاریقا ، سقولوفندریا ،

Scolopendrium vulgaris Sw.	اســـــــقولوفنذريون	زط-خ.
Ceterach officinarum L.	•	

۱۰۹ - اِسْقیل اسقیل اسقیل اسقیل اسقیل اسقیل اسقیل اسقیل اسقیل اسقیل استان اسقیل استان اسقیل اسقیل استان اسقیل استان اسقیل استان است

Scilla maritima L.	اســــــــــــــــــــــــــــــــــــ	زخEN
Urgenia maritima Baker.		
Scilla maritima L.	اشقيل – سقيلا	ديسكوريد
Scilla maritima L.	پیاز عنصل	پارسا

# ١١٥ -اسكتو ، زَلَم ": نام هاى ديگر آن: تنكابن:سعد ا - عربى:حب الزلم "

Cyperus esculentus L.	زلم	زریـــاب
Cyperus esculentus L.	حب الزلم -حب العزيز - زُلَم - شغد مأكول	الموسوعه

۱۱۱ –إسكنده': (نامي هندي)

۱۱۲ –آسُل'، أسل<sup>ع</sup>، اسل<sup>غ</sup>، اسل<sup>ن</sup>، كولان<sup>دن</sup>:(نام*ی عربی) نامهای دیگر آن*: عربی:كولان'، دیس<sup>در</sup> – هندی:كسرافی' "ابو حنیفه" میگوید: «أسل» از همان «سمار» گرفته شده و از حصیر هاست و نباید با انواع «أذخر» اشتباه شود.<sup>ع</sup>

١- در كتاب ديسكوريد اين نام همراه با "اسفليناس" أمده است.

"دیسکورید" «سخیونس الأجامی» (أسل) را دو نوع می داند، نوعی به نام «أوکسجونس» که خود از دو نوع دارای میوه و بدون میوه است و نوع دیگر آنرا «أوکسجونوس» نام می برد.<sup>ع</sup> سْخُونُس لَیّا (Skhoinu heleias): نام انواع «سَمار» است و عامه اندلس به آن «دیس» و «أَسْل» هم می گویند. [بن یطار(در ترجمه دیمکرید)۳ - ۲۲]

Juncus sp.	أَسْل – سَمار	الموسوعه
Juncus acutus	أشل كولاني	الموسوعه
Juncus arabicus Pos.	سخونس ليا - سمار	ديسكوريد
Juncus acutus	أشل	خطابی
Juncus sp.	أشل	EN.

۱۱۳ ـ أسليح<sup>ع</sup>، اسليح<sup>ت</sup>: ابوحنيفه نام آن را «رثيث» يا «ليرون» مىداند. د "غافقى مى كويد: «ليرون» است كه رنگرزان از آن استفاده مى كنند.<sup>ع</sup>

١١٢ -إسْلَنْج ؛ نام ديگر آن:ذنب الخيل

أفورس (Hippuris): به معناى ذَنَب الخَيْل، جالينوس: أيفورِس [بن يطار(در ترجمه ديسكوريد)۴ - ۴۲]

Equisetum arvense L.	افورس – ذنب الخيل	ديسكـــوريد
Equisetum ramosissimum Desf.	ریش بز - قنطریون - دم اسب	پارسا

۱۱۵ - أسنام ": این نام به گیاهانی که دارای سنبلهای مشابه سنبلههای ذرت و اذخر باشد گفته می شود و گویند نام گیاهی به نام «قارج» است. " ۱۱۶ - اَسْنان الذِقْب ": نام های دیگر آن: رومی: اورغیون، هوارغون " - فارسی: دندان گرگ " - سریانی: سنّت ذیبی " -عربی: بقلة الیهود"

Eryngium creticum Lam. Eryngium campestre L.	اسنان الذئب، بقلة اليهود	زریاب
Sonchus oleraceus L. Sonchus ciliatus L.	بقله اليهود - تفاف معروف - سبزُتک	الموسوعه

۱۱۷ - اسنولوس : نام های دیگر آن: اباسیا - قفر الیهود

۱۲۰ - أَشْتُرغار ، اشترغاز "، اشترغاز"، اشترغار "، اصل الانجدان خراسانی ": معرب اشترخار است، و برگردان آن به عربی شوک الجمال " است العجم از نجبیل عربی خزاب "، محروث "زنجبیل العجم از نجبیل الفارس المحروت است کانی فرانی محروث را الفارس المحروت استکتاره "فرازی محروث را ریشه انجدان یا همان گز انگدان خوش که به سندی هنکفار " (یا شاید اونت کتاره به معنای خار شتر) می داند. و حنزاب را نیز قُتیبی "جزربری " می داند. "

۱۱۸ - أسيدار ": نوعى صفصاف با نام غُرَّب است. "

۱۱۹ ـ أشبرتاله <sup>در(۱)</sup>: نامهای دیگر آن: سنبل الکلاب د عرفج

Ferula assadulcis	اشترغار	زریـــاب
Ferula assafoetida L.		

۱۲۱ - اِشْخیص ، اِشْخیص ، اشخیص ، اشخیص (نامی عربی)، بشکرانی و (نامی اندلسی)، شوک العلک ، اداد ، اداد نامی عربی اداد الدات (نامی بربری)، خامالاون لوقس (اشخیص سفید)، خامالان مالش (اشخیص اسود)، شوکة العلک تنوعی مازریون تامهای دیگر آن: عربی: بشکرانیه نه فسله نه فسله نه شوک العلک ، شوکة العلک ته فلتان (نام سرشاخه) نه دبق (نام صمغ) سورازی: دیگر آن: عربی: بشکرانیه نه فسله نه سوک العلک ، شوکة العلک تالوجه آلو جبلی آلوکشته بتر و درخت دبق خالادل لوقس و اقسیا و و شی مینس ، روشنی پیش و نیشوف و فلاسی: خامالان لوقس ، خامالان لوقس به معنای مختلف الالوان است زیرا به حسب مکان های گوناگون برگ آن سفید و سرخ و آبی می شود و "لوفش «لوقس» به معنای سفید است. نامهای دیگر خامالان مالش عبارتند از: مالیون آ، کمالیون آ، خانق النمر است . و عرع دیگر اشخیص با نام یونانی «خامالان او نمالس» و «خامالان مالیس» است، که "مالس به معنای سیاه است . برخی از مردم به آن «أقسیا» گفته اند زیرا در برخی مکان ها همراه با آن «أقسوس» که همان «دبق» است می روید و به همین دلیل به آن «دبقی» گویند. و خامالاون لُوفُس (داوله که که مان «دبق» است می روید و به همین دلیل به آن «دبقی» گویند. و خامالاون لوفش که همان «دبق» است می دارس سفید (لوقس) است و عموم اهالی مغرب به آن «داد الأبیض» گویند و خامالاون لُوفُس (داد دار الله به معنای سفید (لوقس) است و عموم اهالی مغرب به آن «داد الله بیض» گویند و

خامالاوُن لُوفُس (Khamaileon leukos): به معنای سفید (لوقس) است و عموم اهالی مغرب به آن «داد الأبیض» گویند و اهالی اندلس به زبان لاتینی عامی آن را «بِشْکَرانْیُه<sup>(۱)</sup>» و «شجرالعِلْک» و «مُحْقیرة» مینامند و ریشه های گیاه در بازار عطاری شهر های مصر خرید و فروش می شود و از آن در بخورات استفاده می کنند. (بن یطار(در ترجمه دیسکورید)۳ ـ ۸)

خامالاون مالَس (Kh.melas): به معنای سیاه (مالس) و نوعی از گیاه قبلی است، در مغرب به نام «داد الأسود» است و عموم اهالی اندلس به آن «بِشْکَرایِن الاسود»گویند و اهالی آفریقا آن را با نام «داد الوحید» و «وَغْد» میشناسند، علت این نامگذاری برای رویش آن گیاه در منطقهای خالی از رویش گیاهان دیگر است.(بن یطار(در ترجمه دیسکورید)۳ - ۹}

Atractylis gummifera L.Q	خامالان لوقس - شجر العلک	ديسكوريد
Cardopatium corymbosum Pers.	خامالان مالس	ديسكوريد
Cardopatium corymbosum Pers.	خامالان	طباطبائى
Cardopatium corymbosum		

۱۲۲ -اِشْراس ٔ واَشراس ٔ اُشراس ٔ اُشراس ٔ اشراس (نامی مغربی)، غِری : نام فارسی آن سریش است و آن غیر از خنثی است ع<sup>مل</sup>.

Ornithagalum sp.	اشراس -صاصل -صَوصَلا	الموسوعه
Asphodelus damascenus Boiss.	سريش	پارسا
Ornithagalum umbellatum L.	اشراس	EN.

Dorema spp.	دَوْرَم - اشق	المـــوسوعه
Gummi-resina ammoniacum Dromea ammonicum Don.	اشق	زرياب
Dorema ammoniacum	اشق	طبا. – خطا.
Ferula marmarica	اشق	En.
Gum ammoniacum	اشبج	En.

١٢۴ - أُشِّق الابلة: نوعى مُقل

۱۲۵ - اشموسات نوعي مرو

۱۲۶ -اُشنان'، آشنان<sup>۲</sup>، آُشنان<sup>۶</sup>، اشنان<sup>۶</sup>، اشنان محمض<sup>۳</sup>، حرض من حرض (نامی عربی)، غاسول نوعی حمض نامهای دیگر آن: حُرض اسن منای شوینده است ، زیرا لباس رابا آن می شویند)'.

نامهای اشنان تازه:قاقل <sup>س</sup>،زاثا س – رومی:اذرررقوس <sup>س</sup>،اذرقیس س – سریانی:حلادقاصری س – فارسی:اشنان گازران س اشنان چهار قسم است: سپید و زرد و سبز و و قسم دیگر آن هندی است. وی را «فندق هندی» و نیز «حُرْض صینی» گویند و ژنّه. <sup>س</sup> أشنان دارای انواع متعددی است و همگی نوعی «حُمْض» هستند. ۳

Salicornia sp.	اشنان	الموسوعه
Salicornia fruticosa L.	اشــنان ابـوساق - غـاسول - غسّـول - ابـوطَسا	الموسوعه
Salicornia heracea L.	اشنان القلى – قلى	الموسوعه
Salsola kali L.	قَلْي، شوك أحمر، أشنان القصارين، حرض	الموسوعه
Salsola kali L.	اشنان	ز.،ط.،خ.،.E
Salsola soda L.	اشنان	پارسا پارسا
Salsola tragus L.	علف شوره	پارسا

۱۲۷ - اشنان العربي ": نوعى حمض است. **نامهاى ديگر اَن**:رجل الفروج "، أشنان القصّارين "

۱۲۸ - أشنان فارسى ش: طروج

۱۲۹ ـ أشنان داودع: نام ديگر آن: زوفاي يابس

۱۳۰ - اشنه ، شببة العجوز ، مسواک القرود ، اشنه ، اشنه ، نامهای دیگر آن: رومی: برواه ، توننه - يونانی: ابر ديون ، ابر ويون ، بريون - عربی: شببة العجوز ، مسک القرود ، دواه المسک - فارسی: دواله ، دوالک ، دوالی ا - هندی: چهريله ، چريره ، اکسير ، سيخ ، سيلبوا - سجزيه: ژالکه - فاس: جوز القرود - بربری: تام کلیت ، تيفورا - اندلس: شيب العجوز - بربودا - بربوث - بنتومة - شيب الشجر ، جوزة القرود ، آفواه - نام نوعی از آن: يونانی: دويطارس

بَرْيون (Bruon): أُشْنَة، شُیْب العَجوز <sup>۱</sup>، سِواک الْقرود (هنگام مسواک زدن موجب رنگی شدن دهان می شود.) [بن یطار(در ترجمه دیسکرریه)۱ - ۲۰]

usenea barbata Ach.	بريون - أشنه - شيب العجوز - سواك القرود	ديسكوريد
Evernia prunastri (L.) Ach.	دواله - اشنه - (نوعی ګلسنګ)	پارسا
usenea sp.	اشنه	الموسوعه

۱ – ابن بیطار(در ترجمه دیسکورید۳ – ۲۳) "شَیْب العَجوز" را نامی مشترک برای "أویشنٹی یا افسنتین" و "أشنه" می داند، که بیشتر برای "أشنه" بکار برده می شود.

usenea articulata	اشنه	طباطبائى
Muscus arboreus	اشنه	خطابی
Lichen	اشنه	EN.
Muscus sp.		

۱۳۱ اصابع الصفر'، اصابع الصفر"، اصابع الصفر"، أصابع الصفر"، اصابع الصفر": نام هاى ديگر آن: فارسى: انگشت زرد (در شرح اين گياه اختلاف نظر وجود دارد.) كف العايشه ، كف مريم" - هندى: هنس بدى ا

Vitex agnus castus L.  Memecylon tinctorium L.	اصابع الصفر	زرياب
Curcuma longa Ra. Curcuma tinctoria Gui.	اصابع الصفر - کُرْکُم صباغی - هُرْد عَقید هندی - مامیران	الموسوعه
Curcuma longa Ra. Curcuma zedoarria Rox. Curcuma zerumbet Rox.	زردچوبه	پارسا
Curcuma domestica Valet.	کرکم	پارسا
Curcuma zedoarria Rox. Curcuma zerumbet Rox.	زرمیاد	پارسا

## ۱۳۲ اصابع اللَّصوص ": نامهای دیگر آن: هندی:جورانکلی "

۱۳۳ ط**صابع العَذارى**، أصابع العذرى ، أصابع العذرى نن نوعى از «عنب الطوال» -

۱۳۴ \_أصابع القَينات م أصابع القينات في: نوعى «عنب» كه در عراق مى رويد. "ابو حنيفه" مى گويد: كياه خوشبوئى كه به فارسى به آن «فَرَنْجِمِشْك» گويند. ع

۱۳۵ ـ أصابع هُرمس<sup>ع</sup>، اصابع هرمس ، شنبلين<sup>ع ،</sup> فقاح السورنجان : فقّاح السورنجان <sup>عد ،</sup> صاحب جامع مى گويد: «شنبليد» هم فقاح (شكوفه) «سولنجان» است. تصاحب منهاج مىگويد: «شنبليد» ورق (برگ) «سورنجان» است. "

۱۳۶ -اصطرک'، اصطرک'، اصطرک ''اُبُنی''، اِضطَرَکْ'، اُصطرک' اصطرک' اصطرک' : ؟ جنسی از «میعه است. بنابه قولی نامی هندی است. نامهای دیگر آن: میعه یابسه '' - سریانی:اسطرکایبشا '' - فارسی:قناروخشک''،کنارهوشه '' - سندی:شلها - جالینوس:فلیاون '' - سطرکا

شطّی رکس (Sturax): أَصْطُرَک، عَسَل اللّبْنی \_ سریانی: شطرکا ا \_ عسل رومان، لبنی رومان (منسوب به رومانی که از شهر های روم است.) \_ لبنی رهبان (منسوب به راهبان است که در معابد خود آن را فراوان به صورت بخور استفاده می کردند.) ابن یطار(در ترجه دیکوریه) ۱ - ۱۵

Styrax officinale L. Liquidambar orientalis Mill.	اصطرک	EN. زر.،
Styrax officinale L.	اصْطُرک -لَبنی -میعه	الموسوعه
Styrax officinale L.	اصطرک	دیطبا.

ے از نام «أزاز» است و ب	انهم دانند متافظ	الأنام بيدي همثنا	المنت خالة	والتحالية والقادا	محبيدين ممادناها،	. "   40".	١٣١ أملم

گمان من نام دیگر «مازریون» است.<sup>نن</sup> ۱۳۸ ـ أصطفلین<sup>ت</sup>: (نام کیاه در شام) نام دیگر آن: جَزَر<sup>ت</sup>

Daucus carota L.	اصطفلين	EN.

۱۳۹ ـ أصفورْنَ<sup>ء</sup>َ: "دیسکورید" میگوید: برخی مردم به آن «فاسیلون» گویند زیراگیاه آن مشابه «فاسیلس»(لوبیای سفید) است.<sup>ء</sup>

١٤٠ - اصل السوسن الابيض : نام ديگر آن: بيخ سوسن سفيد "

۱۴۱ - أضحيان: بنا به گفتهاى نوعى «مشكطرامشير» است و گويند نوعى «بابونج» است كه درستتر است و همچنين گويند نام «بُبُلْيه الاصفر» است. <sup>در</sup>

١٤٢ \_أضراس الكلب، اضراس الكلب : نام ديكر آن: بسفايج - كفته شده نام «بسفايج» است.

۱۴۳ –اَطراطیقوس'(نامی یونانی)، حالبی معنای شبیه الکواکب'، یونانی: استراطیقوس می به معنای شبیه الکواکب'،خرّم س – عربی:حالبی (جهت ورمهای حالب مفید است.) – رومی:اسقلیطاس ماسقلیاطیقوس م، بنولیون می السقلیط می می وید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

Aster amellus L.	خرّم - اسقليطاس	زرطبا.
Aster atticus Pall.	·	

۱۴۴ - أطاء<sup>تی</sup>: 'اشبیلی' میگوید: برخی آن را به اشتباه «خلاف» میدانند. و 'اسحاق بن عمران' آن را نوعی از «صُفیراء» گفته است.<sup>تی</sup> ۱۴۵ –اَطَرْماله'، اُطرمالّة'، أطرمالّة <sup>در ۱</sup>:؟ ن**امهای دیگر اَن: مُ**دَبَّقَة <sup>تن</sup> – مُطَبَّقة <sup>تن</sup> – حلّیلة <sup>تن</sup>

۱۴۶ -اَطْمُوط من اطْمَط به أطماط من أطماط الطماط الطماط المعلى ويكر آن: بندق هندى الله وفل الله وقل النعام من المهود القينات الله والكافور الكه والمواط الله والكه والك

Caesalpinia bonducella Fleming	اطموط	زرياب
Areca catechu L.		·

۱۴۷ - اَظْفار الجن ؛ نام ديگر آن: به هندي: كرنبات است. ً

۱۴۸ ـ أغالوجن<sup>ع</sup>، اغالوجن<sup>ع</sup>: نام ديگر اَن: عود البخور<sup>ع</sup>

Agallochum sp.	اغالوخن	EN.

۱۴۹ -اغافت"، اغافث، ترمانان مصیش الغافت : نامهای دیگر آن: رومی: فطریون (یاابوفاطریوس) - سریانی: عُقارادبشکرا و تریامان واغفت – جالینوس عصاره آن را«ابوفاطریوس» و صهاربخت هیوفاطاریقون می داند. "

Agrimonia eupatoria L.	اغانت	زرطبا.

۱۵۰ -اغیراطون می اغیراطین اغراطن : به معنای لایشیخ است یعنی پیر نشدنی می زیراگل آن مدت زمان طولانی با طراوت و پایا باقی میماند به آن «أغراطین» هم میگویند. اگیراتون در یونانی به معنای پیر نشو است. آ اَغیراطُن (Ageraton): به معنای "الذی لایَتَشَنَّج زَهرُه" (دارای گلی بادوام و با شکل ثابت)، نوعی از أقحوان است. [بن یطار (در ترجه دیکورید)]

Achillea ageratum L.	اغيراطون	زر،.EN
Achillea ageratum L.	أغيراطن	ديسكوريد

١٥١ ـ أغيرس، اغيرس : (نامي يوناني) نام ديگر آن: حَور الرومي عَنْ

۱۵۲ – افتیمون افیمون آنیمون آ

Cuscuta epithymum Murr.	افثيمون	ز.،ط.،خ.،،E.
Cuscuta epithymum Murr.	افتيمون -كشوث السعتر	الموسوعه
Cuscuta epithymum Murr.	افتيمون	پارسا
Cuscuta europea		

۱۵۳ - أفاني ": نام هاي ديگر آن: حَماط "، خَمْط"

Galium aparine L.	افادینی ؟	EN.

۱۵۴ - اَفَرْبيون ، اَفْربيون ، افربيون ، افربيون ، صمغى است از انواع «مازريون» است. نام هاى ديگر آن: فربيون، ابرفيون ، ابربيون - رومى: افنين بدونون - عربى: اكل نفسه ، قاتل نفسه ، حافظ النحل ، حافظ الاطفال ، كروش الغنم - يونانى: لاحاس ، تاكوب - مغربى: بستانه ، لبن السودا ،

أُفُوْيِيوَن( Euphorbion): فُوْيِيُون ـ بربری: تاکوت<sup>(۱)</sup> – اهالی مصر: لُوبانَة [بن بیطار(در ترجمه دیسکورید)۳ ـ ۷۸]

Euphorbia spp.	أفربيون – فربيون	ديسكوريد

۱۵۵ –اَفْسَنْتین ٔ، افسنتین ٔ انستین ٔ ، افسنتین ٔ افسنتین ٔ افسنتین ٔ افسنتین ٔ افسنتین ٔ زنامی یونانی کنوعی «برنجاسف کوهی» است و گفتهاند نوعی «درمنه» است. ٔ نوعی قیصوم است. – نامهای دیگر آن: عربی:خَتْرَق ٔ ٔ ،شیب العجوز(فاس) ﷺ رومی:انسیتون<sup>۱</sup>،افسنثیون م فارسی:مروه م – مصر: (نوع زبون آن را) دسیسه ، (نوع جبلی آن را) ربُل – هندی:مجتری ،شتاور ا – زابل:مَستار م ،شیح رومی م کشوث رومی م

بنا به نظر "رسائلی" دارای انواع نبطی، فارسی، خراسانی و سوری است. " - «انسنتین» رومی و نبطی است. "

أوبْشَنْبى (Apsinthion): أفْسَنْتَين با نام لاتينى «نَشانسُه (۱)» در بعضى از ترجمه ها نام آن "كُشوث الرومى" نام دارد و داراى انواع مختلفى است كه بهترين آن ها ـاز نظر پزشكى ـ نوع رومى آن است. عامه اندلس و نقاط دور مغرب به آن «أفستين الساحلى» و «شَيْب العَجُوز» گويند و «شيب العجوز» نامى مشترك است و بيشتر براى گياه "أشنه" بكار مى رود.

ساریفون (Seriphon): نام دو نوع "شِیْح"، "شیح الارمنی" و "شیح المصری" است. شیح المصری به أفسنتین البحری مشهور است. و "دیسکورید" این دو نوع افسنتین\_ساحلی و بحری \_را با عنوان کلی أفسنتین شرح داده است.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید)۳ ـ

77.47

Artemisia absinthium L.	أوبــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	ديسكوريد
Artemisia maritima L.	ساريفون - شيح المصري - أفسنتين البحري	ديسكوريد
Artemisia absinthium L.	أَبْسَنت، أفسنتين، دَمسيسه، شيح رومي، خُترُق	الموسوعه
Artemisia absinthium L.	أفسنتين	ز.،ط.،خ.،.E
Artemisia absinthium L.	عربی و فارسی: أفسنثین	GlO.IN.
Artemisia maritima L.	عربی و فارسی: شیح	GLO.IN.
Artemisia siversiana Eh.&Wi.	عربى: أفسنتين	GLO.IN.

۱۵۶ –اَفْلُنْجَه٬۱ اَفْلُنْجَه٬ النجه ، فلنجه ، فلنجه ، فلنجه ، فلنجه و النجه النجم النجم النجه النجه النجم النجم النجم النجم النجم النجم

Cuscuta epithymum Mur.	فلنجه	زر. – طبا.
Piper cubeba L.		

١٥٧ -أفْنيقون ؛ (نامي يوناني)

مِ۱۵۸ –افیقرون٬٬ افیغؤون٬ (افیغوون)٬٬ نام رومی آنبیقرون به معنای تلخ است.٬٬

أَفِيقُيون (Hupekoon): به یونانی «ااوبیقواون» نام دارد و بر این گمانند نوعی "جُلبان البری" با خاصیت تخدیری و خواب آور است که احتمالاً درست است. [بن بیطار(در ترجمه دیسکوریه)۴ - ۲۲]

Hypecoum procumbens L.	افيقرون	زرياب
Hypecoum procumbens L.	أنيقيون	ديسكوريد
Hypecoum procumbens L.	هَيْبَتُمُونَ – افيقوون – جُهَيْره	الموسوعه
Hypericum quadrangulum L.	اسقيرن	EN.

١٥٩ - اَفيقَطُس ، أفيفقطس ؛ نامي يوناني به معناي محلل

۱۶۰ - افیلون<sup>۳</sup>: **نام دیگر** آن: شیع جبلی ٔ

۱۶۱ - أفيمارون د. نوعي از سورنجان

۱- اصل أن Acienzo ۱- فِلْجَه (با معادل نام اصلی Filix) همراه با واژه "بطارس" و "كيلدارو" أمده است.

۱۶۲ –اَفیمیدون'، اُفیمیدیون<sup>، ب</sup>افیمیدیون<sup>د</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن:فافبوس<sup>،</sup> اُفیمِذیون(Epimedion): جالینوس نیز این گیاه به این نام ذکر کرده است ولی من ـ ابن بیطار ـ آن را نمی شناسم . [بن یطار(در ترجه دیسکوریه)۲ - ۱۱]

Epimedium alpinium L.	أفيميذيون	ديسكوريد

۱۶۳ –اَفْیوس'، اُفیوس<sup>ء</sup>: (نامی یونانی) نامهای دیگر اَن: فافیوس الحدقی'، چون شبیه حدقه است، خامالانس'، فجل بری ٔ ـ " دیسکورید" میگوید: برخی مردم آن را «رابانس أزغْریا» (به معنای فجل بری) نامیدهاند. ع اَّفْوس(Apios): کُمَّتری البُستانی [بن یطر(در ترجمه دیسکوریه)]

Pyrus communis L.	أفيوس -كمثري البستاني	ديسكوريد
Euphorbia apios L.	أفيوس - اشخاص - شلجم بري - رُحْل	الموسوعه

 $^{1}$  افیون $^{3}$ ، افیون $^{3}$ ، افیون  $^{4}$ : فاس: عفیون

۱۶۵ ح**اقاقالیس**": أقاقالیس(Akakallis): شجرالأَثْل، نام میوه آن به فارسی "کَزْمازَک" است و در کتب طبی "کَزمازَج" و "کَزمازق" و به زبان عربی "عَذَبَة" نامبرده شدهاست.[بن بیطاردر ترجیه دیسکورید) ۱ ـ ۹۱]

|--|

۱۶۶ – اقاقیا، اقاقیا ، اقاقیا ، اقاقیا ، اقاقیا ، اتنا ابنه ، نامهای دیگر آن: مصر: سط ، ضط – فارسی: کره ، فلفل تر – عربی: سِبْت ٔ – "رازی" میگوید: صمغ شبدر ۴ست و "بولیس" این واژه را برای رب شبدر بکار برده ولی من آن را به معنی صمغ زیتون یافته ام ، – نام عصاره قرظ و قرفا و آن گیاهی مصری است. "

Acacia arabica	اقاقيا	خطابی	

۱۶۷ - اُقْحُوان، اقحوان من اَفْحُوان من اقحوان من اقعوان من العداق المرضى من احداق المرضى من خبز الغراب : (نامى عربى) نوعى بابونه بابونه بابونه عربى بابونه بابوری بابونه بابونه بابونه بابوری بابوری بابونه بابوری بابونه بابوری بابوری بابونه بابوری بابوری

<sup>-</sup> شيره خشخاش سياه

اختلاف است برخی آن را نوعی «بابونج» میدانند و عدهای میگویند نام دیگر «بابونج» است و نزد بعضی همان «بُبُلیُه» میباشد نامهای دیگر آن عبارتست از: یونانی: قربانیون، برثانیون، آمارقون، اماریقون، لوقیموس - مقرجالة و اقحوان و به نظر من «اقحوان» دارای انواعی است و «ببلیه» نوعی از آن است که خود به چهار گروه تقسیم میشود نامهای نوع اول آن عبارتست از: بُبُلییره - اماریقون، امارقن - سقندوقس، سندوقس نامهای نوع دوم عبارتست از: امارنطون - اماراقوا و نام نوع دیگر «ارجل الجراد» است و نوع آخر آن را «اربیان» گویند. از انواع دیگر اقحوان «بابونج» است که خود دارای هفت گروه است: گروه اول «بابونج الطلبطلی» است، گروه دوم دارای گلی بزرگتر از گل آن است، گروه سوم را «خبزالغراب»، «بابونج الاسود» و «بابونج الرومی» مینامند، گروه چهارم «بابونج الجبلی» است، گروه پنجم گلی آبی دارد و در اشبیل میروید و گروه ششم «بابونج الخریفی» است.

فَرْثَانُونِ (Parthenion): أُقْحُوانِ إِن يطارِ (در ترجمه ديسكرريد) ٣ - ١٣٣]

Anthemis arvensis	أقحوان	خطابی
Anthemis arvensis	أقحوان اصفر - عَيْن القط - بهار حقلي	خطابی
Anthemis spp.	أقحوان	الموسوعه
Anthemis tinctoria L.	اقحوان الصباغين، بهارالصباغين، بابونج اصفر، عين القور	الموسوعه
Anthemis nobilis	بابونج	الموسوعه
Matricaria chamomilla L.  Matricaria parthenium L.  Chrysanthemum parthenium Pers.	اقحوان – بابونج – قراص	زریاب
Matricaria chamomilla L. Matricaria aurea Sch. Chrysanthemum parthenium Pers.	اقحوان – بابونه	پارسا
Matricaria chamomilla L. Matricaria aurea Sch. Chrysanthemum parthenium Pers.	اقحوان - بابونه	پارسا
Chrysanthemum parthenium Per.	أقحوان	ديسكوريد
Matricaria parthenium L.	أقحوان	EN.

۱۶۸ ـ أقسوس عن نامهاى ديگر آن: شجرة الدب من جنا الاحمر من دبق من الدب المعالى ديگر آن: افنيثون ـ رأس الشيخ المعالى ديگر آن: افنيثون ـ رأس الشيخ

	Onopordon acanthium	أقسون - رأس الشيخ - شكاعي - طوبه - فصّ الجِمار	المـــوسوعه
--	---------------------	--	-------------

ه ۱۷ ـ **. أق**سيا<sup>م</sup>: **نامهای دیگر آن**: زعرور الأدویة <sup>ع</sup> ـ گیاهشناسان اندلس: حیربول <sup>ع</sup> – این نام درخت «برباریس» که "ابن جلجل" آن را پنداشته و همچنین «فیلزهرج» نیست.<sup>ع</sup>

١٧١ ـ أَقْطِن مُ اقط ": (نامي يمني) نام هاي ديگر اَن: ماش ع-اصل...ماش "

۱۷۲ ـ أقنثالوقی ، اقیثالوقی ، شوكة البیضاء ، نامی یونانی به معنای شوكة البیضاء نام های دیگر آن: باذرود - شوكة البیضاء " – باذاورد "

Cincus acarna	شوكة البيضاء	طباطباثى
Sylibum marianum		

Crataegus oxycantha L.	اقتنتالوقى	EN.

۱۷۳ - أقيمن " نامهاى ديگر آن: ابوقينوس " نارطيطس"، اوقينه " هراس" - عربى: عَنْقَرْ"، مُرارْت، سمعر"، شوك المُفلفل"، حسك الجمال "، شوكة المُنْكرة"، قوله الصغير "

۱۷۴ - اَکِتْمَکِت'، اکتمکت"، اکت مکت ، اکتمکت : نام های دیگر آن: فارس: خایه ابلیس - هندی: کربخور ، کرنج - سانس کرت: ساکرکهو له ام بعضی گویند او میوه «ام غیلان» است. - "صاحب منهاج" میگوید: چوبی هندی و نام دیگر آن «بندق هندی» است. "

Lapis aetites	اكتمكت	زرياب

#### 1۷۵ - اکسیوس": ؟

۱۷۸ ـ أكرار<sup>ع</sup>: "ابو عباس نباتى" مىگويد نام عربى آن نُجْد است. ً نوع بزرگ آن به نام «طرنشول» و بدون ميوه است و نوع ميوه دار آن آبى رنگ با نام «تنوم» است. ً

۱۷۷ ـ أكر البحر : نام هاى ديگر آن: ليف البحر ع

۱۷۸ – إِكْلِيلُ الْمَلِکُ، اكليلُ الملک ، اكليلُ الملک ، أكليل الملک ، اكليل الملک ، الله دارای هفت جنس است. نامهای دیگر آن: عربی: عكیفیة ، حُميْدِش (فاس) ، مكّیدش (فاس) اصابع الملک ، ملكا – یو نانی: هالینوطس ، هللیسفاقوس (نامی كه دیسكورید بر آن نهاده است.) – فارسی:قیصر ، شاه پسه ، شاه افسر ، اسبرک ، كلیل الملک – هندی: پرنک – سندی: سوتن س – سریانی: كلیل ملكا س – اشبیلی میگوید: دارای چند نوع است نام نوع چهارم آن «عقربی» است و خود سه نوع است نام نوعی از آن به رومی «شاهسبرم» و به عجمی «قرنوله دِکائبة» و به بربری «أذنه» و به عربی «قمرة» یا «قمر» و «بَلْیْحاء» و به آفریقائی «شجر الحب» و در مشرق «آذان الجداء» و به هندی «سورج الملک» و «رونق الملک» و به نبطی «فارنیا» و «قارنیا» است. ش

مالیلُوطُوس (Melilotos): أِکْلیل الْمَلِک چهار نوع است: نوع اول و دوم آن به زبان اندلسی "قُرْنَج"<sup>(۱)</sup> است که یک نوع آن را پزشکان مصر تجویز می کنند. نام نوع سوم "مُعَقْرَب" و نوع چهارم "مُدرْهَمُّالوَرَق" و نام فارسی آن "دارشاه" است که اهالی آفریقا به آن "شجرة الحُبّ" گویند.[ابن یطار(در ترجمه دیسکوریه) ۳ - ۸۳]

Melilotus officinalis L.	ماليلوطس – أكليل الملك	دی طبا.
Fritillaria imperialis L.	اكليل الملك - عرار قيصرى	الموسوعه
Melilotus officinalis L.	اكليل الملك	زر.، خطا
Astragalus hamosus	اكليل الملك	پارسا
Trigonella grandiflora Bunge.	ناخنک - اکلیل الملک	پارسا
Astragalus hamosus L.	اصابع الملك، هندي: پورتوك، بمبئي: اخليل المليك	GloIn

۱۷۹ - اِکلیل الجَبَل ، اَکلیل الجبل ، اکلیل الجبل ، اکلیل الجبل ، اکلیل الجبل نظر الجبل نظر الفرا ، الفرا وقا ، و الفرا وقا ، الفرونه (۲) - فاس: آزِر علم - دارای سه نوع است و به یونانی آن را «لیباطیش» و به رومی «رومیرو رومینیو» بعنی «حشیشة الرومانیین» گویند و نام بذر آن به عربی «فَخْد» نام دارد نام بربری آن «أزیر» و نام سریانی آن «اکلیل الجیل» است. نوع اول را «عَبَیْثرة اللَّیُل» و «صعتر الرومی» گویند و نام دو دراءا» نامند و نام نوع سوم «قمنصانا» است. نوع دوم را «فَخُدا» و «راءا» نامند و نام نوع سوم «قمنصانا» است. نو

۱- قرنج به زيان لاتيني اسپانياتي "Cornejo" و نام "قرانيا" ".Cornus mas L" است. و اهالي اندلس اكليل الملك را با نام "قَرَنوليه" يا "قرنيليه" ذكر كر دهاند كه معادل نام لاتيني "Cornilla real" است. - ۲- Poleyp cabruro

Rosmarinus officinalis L.	اكليل الجبل - نَدَى البحر - قِرْمانا	الموسوعه
Rosmarinus officinalis L.	اكليل الجبل	خطابی

ه ۱۸ ـ أكموبزّان ، اكموبزان : "ماسرجويه" مي كويد نام «رعى الحمام» است. عن

١٨١ - ألاطيء:

۱۸۲ ـ ألاطيني  $^3$ : نام ديگر آن لبلاب است و "مجوسى" آن را «لبلاب الأحرش» مى داند  $^3$  و عامه اندلس به آن «شحميه»  $^3$  و «سراويل الطلول» گويند  $^3$ 

۱۸۳ - إلب، ألب، ألب، البنز (نامي عربي)

۱۸۴ - أَلْباين نن اُشبيلی میگوید: نام نوعی از آن: مفاتل الراعی - نام نوع دیگر: یونانی: قلندیرله یعنی سراجیه - نام نوع دیگر: بُخْترنة - یونانی: برطانیقی - نام نوعی: کمادریوس - نام نوعی: فَضّیة - برطانیقی - نام نوعی: کمادریوس - نام نوعی: فَضّیة - نام نوع دیگر: فلومس مُقْرُن به معنای فلومس صغیر - عجمی: ألباینه - حلیق - مفاتل الرعاة ن

۱۸۵ -السفاقن م السفاقس: (الالسفاقن) به معنای «لسان الأبل» است و به اشتباه گفته شده نام آن «نیقولا الراهب» و «رعی الأبل» است. گیاهشناسان اندلس آن را «شالبیة» و «ناعمة» نامیدهاند؟ گمان کردهاند رعی الایّل بانام قُلّام است. آن الأبله است. گله اندلس به آن «ناعمة» گویند و نام لاتینی آن شائیه است. عامه اندلس به آن «ناعمة» گویند و نام لاتینی آن شائیه است. این بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ - ۲۱]

Salvia officinalis L.	الالسفاقس	ديسكوريد
Salvia officinalis L.	السفاقن	زرياب

#### ۱۸۶ - ألف دينار<sup>ش</sup>:

۱۸۷ ـ اللنثی ٔ: (نامی یونانی) "ادریسی" میگوید: این نام به معنای هأهلی، است. و نزد من ـ ابن بیطار ـ از انواع «جزِر البری» است و غیر از این نام دیگری برای آن نمی شناسم <sup>ع</sup>

۱۸۸ -أَلْنَجُ ؛ نامي يونانيبه معناي اهل

۱۸۹ –َالوَسُن' وٱلوسون'، **الوسَن**''، الوسن<sup>س</sup>، شجرة الكلب<sup>ع</sup>، مُذْهِب الكَلَبُ<sup>ع:</sup> آلوسن به معناى برطرف كننده آزار گزیدگی سگ دیوانه <sup>س</sup>

ألوسَن (Alusson): به معنای نافع در درمان گاز گرفتگی سگ<sup>ی</sup> دیوانه. [بن بیطار(درترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۲[ "ابن بیطار" در کتاب جامع خود آن را معادل نام های عربی "حشیشةاللّجاة" و "حشیشةالشّللَحْفاة" آورده است.)

Alyssum saxatile L.	الوسن	زریاب
Farsetia clypeata R.Br.		طباطبائى
Alyssum spp.	الوسَن - اليَّسُم - آلوسَن	الموسوعه
Alyssum saxatile L.	الوسن	ديسكوريد

۱۹۰ –آلُویَن٬ ألوبن٬ (نامی یونانی) "غافقی" میگوید: در ترجمه بطرق ـ از کتاب جالینوس ـ محل رویش وألوبیاس» در مکانهای رملی آمده است.و او آن را همان وتربد» می داند که این اشتباه است. "ابن وافد" نیز این نام را معادل نام وطریفیلون، می داند و گفته خود را با مطالب "دیسکورید" پیرامون وطرفیلون، همسو میآورد و نام دیگر آن را وأرطریفیون، یا همان وتربد، می داند.۶

۱-به معنای لسان الابل یا زبان شتر

اً لُویی (Aloe): نام «شجرة الصَّبِر» است و این گیاه مثالی برای حروف است ؟ و در خانه ها بسیار روثیده می شود و عامه مردم به آن "صُبّارة" و "صابِرة" نیز می گویند و مکانی نیست که از این گیاه برداشت نکنند.[بن بیطار(در ترجمه دیسکوریه) ۳ ـ ۲۲]

Aloe vera L.	ألوثى	ديسكوريد
Aloe aloexylon	صبر زرد	پارسا
Aloe scotrina	صبر زرد سقوطری	پارسا

۱۹۱ - أمارة : شجرة القِرمز <sup>ش</sup>

۱۹۲ –اَماریطُن'، اَمارنْطُن ُ:(نامی یونانی) گروهی از مترجمان آنرا نوعی «أُقحوان» میدانند که در حقیقت اینچنین نیست بلکه نزد من ـ ابن بیطار ـ از انواع «قیصوم» است و خود آن را دیدهام <sup>ع</sup>

أَلِيخْرِيسُون (Helikhruson): بَرَكَردان آن به عربی "مُذَهَّب" (طلائی) و مشابه "قیصوم" است، و بعید نیست از انواع آن باشد. و جالینوس آن رابا نام "أَمارَنْطُن"<sup>(۲)</sup> آورده است.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۵]

Tanacetum annum L.	اليخريسون	ديسكوريد
Helichrysum stoenchas DC.	اماژنطون – بزازالعَذراء – خالدةالجُزُر	الموسوعه

۱۹۳ – أَمْبَرُ باريس ، امبرباريس مَ أَمْبِرباريس مَ المبرباريس الله الميربارس مَ حب الانبربارس مَ أثرار (٢٣)، ورشك مَ زرشك مَ الميرباريس عَ: نوعى از عوسج نامهاى ديگر آن: انبرباريس مَ برباريس عَ – بربرى:ابراز المَ آزَرْغنت عَ – فارسى:زرشك الميرباريس عَ رباريس مَ زردك مَ زيركش مَ زارج المزرنك المعربي:الإثرار مَ – برباريس عَ

در الحاوی به نام قالیورس آمده است و نام دیگر آن «اوقانتوس» است. دیسکورید معنای آن را دارنده خارهای تیز گفته است. " بنام ریشدهای فرعی آن «آرغیس» است. " اشبیلی" می گوید: دارای دو نوع جبلی و بری است نامهای نوع حبلی عبارتست از: أمبرباریس - ریفی - اشقیطله - یونانی: اقتثا اقنیس یعنی شوکه حاده - سریانی: بوفسافسوس - فارسی: زرشک - بربری: أزرغن - نام ریشه: أرغیس - فرنجیه: أسطنکه - نامهای نوع بری: عوسج الاسود - اشقیطله - بربری: آشک بردین - عجمی: أشکوذ "

Berberis vulgaris L.	امبرباریس – زرشک	زریاب ،
Berberis asiatia Roxb		طباطبائى
Berberis vulgaris L.	بَرْبریس، انبرباریس، الراره، زرشک، عود الریح	الموسوعه
Berberis lycii extractum	حضض هندی – راس هدی	پارسا
Berberis vulgaris L.	زرشک	پارسا
Lycium afrum Rhamnus infecteria	حضض	طباطبائى
Berberis vulgaris L.	امیرباریس	خطابی

۱۹۴ –آمبروسیا<sup>س</sup>، أمروسیا<sup>م.</sup>: برخی مردم به آن «بطرس» گویند و برخی «أرطاماسیا». <sup>م. م</sup>دیسکورید می گوید برخی آن را عنقود (بطرس)(خوشه انگور) و دیگرانارطاماسیا(ارطیسیا)می دانند. س

Ambrosia maritima L.	امبروسيا	زرياب

۱۹۵ –آمُدُرْیان٬ أمذریان، أمذریان (نامی یونانی) محل رویش: بیت المقدس و دمشق - برخی به اشتباه آن را «یِذرة» مهردانند. ش

۱۹۶ - أم دفراء ": "اشبیلی" میگوید: نوعی «قیصوم» است و شاید «فجن» باشد."

۱۹۷ -اَمْرود ؛ نامهای دیگر آن: کمثری ، مرشدآباد: حسینی ا

Psidiun	ı guajava L.	Hendia & Panjub: Amrud	GLO.IN.
	·	l	L

۱۹۸ –اَمْژُه': (نامی هندی)

۱۹۹ –آمسوخ<sup>،</sup> آمسوخ<sup>،</sup> آمسوخ<sup>، (نامی</sup> بربری به معنای انابیت)، یحینذ<sup>، نامهای دیگر آن: آماصیخ<sup>، -</sup> آمصوخ<sup>،</sup> محلولهٔ <sup>، -</sup> "ابن بیطار" میگوید: به عجمی اندلسی به آن «شتله»<sup>(۱)</sup>گویند و دارای دو نوع است بزرگ و کوچک... گروهی آن را از انواع «ذنب الخیل» میدانند.</sup>

۲۰۰ - أمطى م، أمطى ن: (اميطى)

۲۰۱ - ام عمر ": قسمی تین به رنگ سیاه که در شام فراوان وجود دارد."

۲۰۲ –اُمْغیلان'،اُمُّ غَیْلان<sup>۳</sup>، اُغیلان<sup>۳</sup>، امغیلان<sup>۳</sup>، ام غیلان<sup>۳</sup>: نوعی سنط نامهای دیگر آن: اهل بادیه: سمر<sup>۳</sup>، سَمُر۳، طَلْح<sup>۳۳</sup>،، شوکه مصریه<sup>۳</sup>، شوکه اعرابیه <sup>۳۳</sup> وسدر بری۳ – فارسی: مغیلان ٔ – هندی:کیکروبیول ٔ – سند: جاماها ۳ – اهل بغشور: حاله غوره ۳

Acacia arabica Willd.	ام غیلان	زریاب
Ilex aquifolium L.	ام غیلان	EN.

۲۰۳ - أم كلب س، أم كلب م، أم كلب ن نام كياه در كتاب ديسكوريد: اناغيرس م - اشبيلي ميكويد: برخي أن راهطباقة الجبلية» ميدانند و به نظر من درست است. ن

أناغرن (Anaguros): نام عربی آن وشجرَة أم كلب، و نام میوه آن وخَرْنوب الكَلْب، است و وخرنوب الكلب، نام مشتركی است كه بیشتر در غیر این مورد بكار می رود. در غلاف میوه آن دانه هایی با رنگ های مختلف قرار دارد كه اهالی مصر به آن وحب الكُلّی، گویند.[بن یطار(در ترجمه دیسکریه) ۳ ـ ۱۴۵]

Anagyris foetida L.	ام كلب – اناغيرس	زردی.

## ۲۰۴ - امّ الف ورق<sup>ع</sup>:

Achillea millefolium	ام الف ورق	طباطبائى

۲۰۵ -اَمَلْبيدا: (نامي هندي)

۲۰۶ -اَمَلْ كِجائى ؛ (نامى هندى)

۲۰۷ – آمْلَج ، املج ؛ نامهای دیگر آن: سریانی:املک سے حربی: راح العرب سے فارسی: آمله سیر: سنایزه سین سنایوه سید:انوله سیره پرورده آن به نام «شیر املج» و دارای انواعی است که بهترین آن را «شاه املج ، گویند سے آئله دو جنس - قسم - است با استه (هسته) و بی استه سیر خی از طبیبان جنسی از آمله «سیر آئلج» نوشته شده

۱-کلمهای اسپانیائی از Centella

و ایشان مصححًف – تصحیح کردهاند به – «شیر آملج»، و پنداشتند که آن «شیر آملج»، آنست که اندر شیر آغشته است و این نادرست است، زیرا نام آن خود «سیر آملج» به سین است و این به زبان هندی گفته شده است و به معنای آملج بی استخوان است و من آنجا که آن میروید حاضر آمده و دیدهام.

Phyllanthus emblica L.	املج	زر.−خ.
Embelica officinalis Ga. Syn: Ph.em.	بلوچستان: املک، امل – هند: املا، اونلا	Glo-in
Emblica officinalis Gae.	املج	الموسوعه

۲۰۸ - أمليس ... نوعى از درخت صُفيراء مشهور به عُدوَة ...

۲۰۹ –أُمَّوَجَعالكبد'، ام وجع الكلبد'': "ابوحنيفه" وجه تسميه آنرابخاطر درمان درد كبد و برطرف كننده صفرا دانسته است. "

Herniaria tourneforti	. (1)	
Herniaria iournejorii	ام وجع الكبد	زرياب

۰ ۲۱ - آناغالُس ، اباغلس ، اناغالس ، اناغالیس ، اناغالیس ، اناغالیس ن (نامی یونانی) اناکیر ، نامهای دیگر آن: فاس: حشیشه العلق علی انطی: اناکیر و بایه نر با گل قرمز ، اشبیلی می وید: نبطی: اناکیر و بایه نر با گل قرمز ، اشبیلی می وید: دارای دو نوع است نامهای نوع اول آن عبار تست از: یونانی: قیخوریون - عجمی: شِنْتلَة - قبطی: أناطیا - عربی: خِمْخِم، حشیشة العلق - اهالی شاه: آذان الفار و نامهای نوع دوم: یونانی: قیخوریون قارذنون به معنای سیاه، أناطیریا أرمالی ن

أناغالِس (Anagallis): دو نوع است: نوعی باگل آبی که نام لاتینی آن «قَرْدَنالَّه» (Cardenella) است و به آن وحشیشة العَلَق» گویند. و نوع دیگر آن باگل قرمز خونی با نام لاتینی وشُنْتالَه» (Scintilla) (Centella) به معنای وشَرارَه» است.[بن یطار(در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۷۰

Anagallis coerulea Schreb	اباغالس	زریاب
Anagallis arvensis L.		
Anagallis arvensis L.	اناغالس	دطخ.

۲۱۱ –اَناغورِس'(نامی رومی)، اباغورس"، اباخورس"، أناغودون<sup>ع</sup>، صلون": نامهای دیگر آن: مصر:خرنوب الخنزیر" – عَربی: ذُبَع" – ذُبَحَة" – نام میوه آن: حب الکُلَی<sup>۳</sup>، حبالکنی

Anagyris foetida L.	اباغورس – ذبح	زریاب
	ب جورس عبي	رريب

۲۱۲ - أنبَج ، انبج ، انبج ، انبج ن معرب انبه هندی - نامهای دیگر آن: انب - تورانی: نغزک اشبیلی می وید: این نام به دو کیاه منصع و دمشتهی اکفته می شود. ن

Mangifera indica L.	انبج	زرياب
Mangifera indica L.	هندی و بلغاری: امب - ام، بلوچستانی: ام	Glo-in

٣١٣ ـ أنبطرون : "جالينوس" مي كويد: شبيه بالكُرّاث است. ؟

تطبیق، نامهای کهن گیاهان داروئی

۲۱۴ ـ انبوب الراعيع، أنبوب الراعي في . گويند «مزمار الراعي» و همچنين «عصى الراعي» است، "مسيح" نيز آن را نوعي «حي «حي العالم» مي داند و اين نظر صحيح تر است. ع اشبيلي مي گويد: نوع دوم العالم، است. م

110 - انبوب الملك: نوعي حي العالم<sup>س</sup>

Semperivium arboreum L. زریاب انبوب الملك

۲۱۶ - أَنْتُلُه الله في: (نام عجمي الدلسي) نامهاي ديگر آن: جدوار الدلسي اجدوار في هندي: نرنسبي

انتله - بيش - اقونيطن - اكونيت الموسوعه Aconitum spp.

٢١٧ ـ أنتله بيضاء عن الله ويكر آن: عامه اندلس: فَيهت الله

۲۱۸ ـ أنتله سوداء ع: نام ديكر آن: جدوار اندلسي

Aconitum anthora L. انتله سوداء، جدوار اندلسي، طَوَاره

٢١٩ - انثاميس ": نوعى بابونج است. " - نام ديگر آن: اقحوان البرى "

أَنْشِم (٢)س (Anthrmis): بابونَج، بابونَق، بابونَك، بابونَة ـ يوناني: خَمامِيلُن (١) برگردان عربي آن: تُفّاح الأرض ـ لاتيني: مَسَّنالّه ، برگردان عربی آن: تُفّاح، زیرا بوئی مشابه بوی سیب دارد.<sup>s</sup> [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۲

Anthemis nobilis L.	انثاميس	زرياب
Anthemis nobilis L.	انئميس - بابونج - بابونه	ديسكوريد
Anthemis nobilis L.	بابونه شیرازی	پارسا

٥٢٠ -أَنْتُليس، أنْتِليس، أَنْتِلَيْش (٣): (نامي يوناني)

أَنْتُلِيس (Anthullis):برای من بابن بیطار کیاه ناشناخته ای است. (بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

Cressa cretica L.	انثلیس	ديسكوريد
Ebenus cretica L.		

۲۲۱ –أنْجِبار٬ أنجارٌ: نام أن مشتق از واژه جبر است.

أأذاريذا( Idaia rhiza): به معنى روثيده در محل أيذا(ااذايذا يا ايداياريزا) و آن مكاني است در شهرهاي روم، زيرا بر اين باورند این گیاه اولین بار از این مکان جمع آوری شده است. عامه اندلس به آن "أنجبار" میگویند و آنچه گفته شد نزد آنان مشهور است و بیشتر در کنار آب و نهرها می روید.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۰]

Uvalaria amplexifolia L.		انجبار – ااذاريذا	ديسكوريد
Polygonum bistorta L. Bistorta officinalis Rafin.	از حاجی ترخان شوروی	انجبار - انجبار رومی	پارسا

Manzanilla -Y

Antenilas -T

Euphorbia pilulifera L.	انجبار	پارسا
Polygonum viviparum L.	اردو: انجبار	GLO.IN.

۲۲۲ ـ أنجبار رومی $^{3}$ : نام دیگر آن: ساسلیوس $^{3}$ 

سِلْفِيون (Silphion) يا سلقيون : أَنْجُدان، شجرة الجِلْتيت [بن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٣ - ١٣١]

Ferula asafoetida L.	انجدان	ز.،ط.،د.،خ.
Ferula asafoetida L.	انجدان - شجرةالحلتيت - حِنتيت - حلثيث	الموسوعه
Ferula asafoetida L.	اَنقوزه هراتی	پارسا
Ferula asadulcis	انجدان	پارسا
Ligusticum levisticum	انجدان رومى	پارسا
Ferula narthex Boiss.	Sanskrit: Hinguka - Hendia & Bombay & Bengal: Hing - Kashmir: Anjudan	GLO.IN.

۲۲۴ – أنْجُرِه (فارسی) ، انجره "، انجره"، انجره"، انجره"، بنات النار"، قریص"، قریص"، قریص "، قریص (نام بدر)"، آنجُره أن نوعی از خریق نامهای دیگر آن: هندی: أتَنْكُن ا عربی: قربض ا قریص اسان ، حریق شاه دار المرز ا انجره " – ترکی: کجتیب ا حلاتینی: ارتیک پریم ا حگیلان: هریتکه ا حارسی: گزنه " – نام ذکر شده توسط اورباسیوس: اقالیفی " – سریانی: قاروصبئو"، انبائنورا"، سوسرخون " – رومی: قرصینانا"، افلایوس "، وافلایا" – یونانی: قروص " – قریص = بزر الانجره " أقالیفی (Akalephe): قُریص ـ آنجُرة، اهل مغرب: حُرَّیْق ـ این گیاه دو نوع است و نام دیگر آن " بنات النار" است. [بن یطار (در تربعه دیکوریه) ۳ - ۱۳۱]

Urtica pilulifera L. Urtica urens L.	اقاليفي – قريص – أنجره	ديسكوريد
Urtica spp.	قُرَاص - قُرَيص - حُرَّيق - أنجره	الموسوعه
Urtica pilulifera L. Urtica dioica L.	انجره – قریص	زر. خطا.
Urtica dioica L.	انجره، قریض، گزنه، نبات النار، هرتیکه	پارسا
Blepharis persica	انجره	طباطبائى

۲۲۵ ـ أنجشا، شجرة الدم<sup>ع</sup>: نام ديكر آن: شنجار<sup>ع</sup>

۲۲۹ \_ أنجوك<sup>ع</sup>: بنابر برخى نظرها «مرزنجوش» است.

۲۲۷ -انجیر آدم، انجیر آدم ": نامهای دیگر آن: هندی:کله ا - تین آدم "

Ficus sycomorus L.	انجير آدم – تين آدم	زرياب
Aegle marmelo Cor.	· · ·	

۲۲۸ ـ أندراسيون<sup>6</sup>: (نامى لاتينى) **نام ديگ**ر آن: عجمى اندلسى: يَربطورة <sup>6</sup>

۲۲۹ –اَنْدَرْصاَرون'، أَیدوصارون'؛ (نامی یونانی) نامهای دیگر آن: بعضی عطاران:فیاس،فاس (زیرا برگ آن مشابه تبر است.)

أیذیصارون (Hedusaron): عطاران به آن "فَلاقِینُس" گویند. برگردان نام اول \_ایذیصارون \_ به عربی "فَأْسِیّ" است زیرا دارای بذری با دو سر تیز مشابه تبر است و برگردان نام دوم \_فلاقینس \_بنا به نظر ابوعبدالله الصقّلی "لسان" (زبان) است. بعضی از پزشکان متاخر آن را معادل گیاه "لسان العصفور" میدانند و حال آنکه چنین نیست زیرا آن درختی با میوه است. [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۵]

Hedysarum spp.	ایدوصارون - فاس –عدس مرّ	الموسوعه
Hedysarum spp.	أيذيصارون – فلاقينس – فأسى	ديسكوريد
Coronilla securidaca L.	İ	

۰۲۰ -أنْدَرُوطاليس، أندروصاقَسَّ: نامي يوناني نوعي حَمْض نامهاي ديگر آن: مغرب:كلنج ،ملاج، مُلَّاح، جُمْلُج، كُ كَسْما

۲۳۱ –آنْدَروطون' :نام برگ

۲۳۲ – آنزروت، انزروت، انزروت، ازروت، ازروت، انزروت، انزروت، انزروت، اندروت، عنزروت، عنزروت، کمل فارس، کط فارسی تنام صمغ خاری کوهی است. – نامهای دیگر آن: شایکه – غنزروت – کنجده – سریانی: عزرو، ازروی، انزروتا – فارسی: مرقوقولا س – نام صمغ به اصفهانی: کنجده، کنجده سکونزده س – شیراز: کدرو، کوزد – عربی: کحل فارسی، کحل کرمانی – هندی: لائی، جنجر س، انزروت س – سجزیه: زَنْجَرو س – فاس: سمید العنزروت این گیاه را از شهر های مکران و هند جمع آوری میکنند. س – این گیاه از کوه شیانکاره و لورجان خیزد.

صَرْقُو قُلًّا (Sarkokolla): عَثْرَ روت \_ أَثْرَ روت \_ كُحْل فارس \_ رومي: سَرْفَعْلِين [ابن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ٣ - ٨١]

Astragalus sarcocolla Dym.	صرقوقلا – عنزروت – أنزروت –كحل فارس	ديسكوريد
Astragalus sarcocolla Dym. Penaea mucronata L.	انزروت	ز.، ط.
Astragalus fasciculaefolius Boiss.	کنجد سرخ و سفید	پارسا
Penaea mucronta	انزروت، کنجیده، کحولکرمانی، کحولفارسی	پارسا

۲۳۳ \_ أنس النفس<sup>ع</sup>: "شريف ادريسي" اين كياه را از قول "ابن وحشيه" «أسكاطامن» نام داده است.<sup>ع</sup>

۲۳۴ ـ أنطوبيا<sup>م</sup>: نام وهندباء الشامي، برگ پهن است.<sup>م</sup>

۲۳۵ –أَنْغِزا ، أنغرهُ: (نامي يوناني)

۲۳۶ -أَنْفُ العِجْلُ، أنف العِجلُّ، أنف العجلُ ": (نام ميوهاي به زبان مغربي ) نامهاي ديگر آن: انطريون "، لوخنيس اغريا"-

نامهای نوع بزرگ آن: رأس العِجل الکبیر <sup>نن</sup>، عشبة القوباء <sup>نن</sup> أَنْطرّينُن (Antirrinon): أَنْف العِجْل \_ شَحْم الطّعام ابن يطار (در ترجه ديسكوريد) ۴ - ١٠٠ قعيص (Kemos): نوعي از أنف العجل [ابن يطار (در ترجه ديسكوريد) ۴ - ١٠٣]

Leontopodium de Dioscorides	قميص	ديسكوريد
Antirrhinum majus L.	أنطرينن	ديسكوريد
Antirrhinum majus L.	أنف العجل	EN.

۲۳۷ ـ أنقرديا ؟: (نامى رومى) «أنقرديا» به معناى مشابه قلب است. <sup>ع</sup> – نام ديگر آن: هند: بلاذر <sup>ع</sup> ۲۳۸ – أنْكول واكول ؛ (نامى هندى)

Alanglum salviifolium (L.F.)Wan.	سند: أنكوتا - هند: أكولا - بـلوچستان:	Glo-in
Syn: Alanglum lamarckii Th.	آكاركانتا - بلغار: أنكولا	

۲۳۹ -أنْكيز ؛ به لغت صقالبهبه آن «خاواني» گويند. '

۲۴۰ - آناس ؛ (نام میوه هندی)

۲۴۱ – أنُوطيلون ، أوبوطيلون : (نامي يوناني) نام ديگر آن: خوز -

نام نوع بری بزرگ: أبجاله " - نام نوع دیگر بری: غرانیق " - امجلیه"، دقلیوس "، قرنساء " - جحلیق "، جحلق"، لدیقه " - بحتریه " نام نوع صخری: کحلوان "، تمک "، تاموک " - حُلوانه " - حُلاوی "، حُلوه " - روفس " - قومایس " - قریطیقوس " - جبروان " - اقلیولش " انیراتا " - اهالی صقلبه: حُرفله " – «انیسون» رومی و نبطی است. و جنسی از جنسهای «رازیانه» است.

أَانيسُن (Anesson): نامهای دیگر آن عبارتست از: أنیسون ـ رازیانج الرومی ـکَمّون الحُلُو ـ اهالی اندلس:حَبّة الحُلُو [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۳]

Pimpinella anisum L. Anisum vulgare Gaertn.	انيسون - يانسون - كمون حلو - حبه حلوه	زرياب
Pimpinella anisum L.	انیسون	طبا.، خطا.
Pimpinella anisum L.	انيسون	پارسا

۲۴۳ –اَوافیوس'، اُواقنثوس<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای حدقه بعضی از مترجمان برگردان عربی آن را «حدقی<sub>»</sub> میدانند.<sup>ع</sup> چون گل اَن مشابه گل نرگس است.<sup>۱</sup>

Iris sp.	حدقة	الموسوعه

۲۴۴ ـ أوبقلصن<sup>ع</sup>، ابوغلصن<sup>ع</sup>: "ابن جلجل" آن را به معنای «لسان الفَرَس» دانسته است.<sup>ع</sup>

۲۴۵ ـ أوثنًا؟: برخي مردم آن را عصاره «ماميثا»، و برخي آن را عصاره خشخاشي به نام «قاراطيطس» و برخي آن را عصاره

گیاهی به نام «أوثنا<sub>»</sub> میدانند.<sup>ع</sup>

۲۴۶ – اودومالی<sup>۲</sup>: روغن گیاهی از سرزمین ترمذ<sup>۲</sup>

۷۴۷ \_أوروبنخي<sup>ع</sup>، هالوك<sup>ع</sup>: «أوربنخي» به معناى «أسد الأرض» است.<sup>ع</sup> نوعى از «طراثيث» به معناى «خانق الكرسنه» است.<sup>ع</sup> ـ مصر: هالوك<sup>ع ع</sup>، زيرا گياهان اطراف محل رويش خود را ازبين مى برد.<sup>ع</sup> – **نامهاى ديگر آن**: عراق: تراب الهالك<sup>ع ـ</sup> ـ سم الفأر<sup>ع</sup> ـ الله مغرب: رَهَج الفأر<sup>ع</sup> ـ شكّ<sup>ع</sup>

Oroboanche sp.	اوروبنخي	EN.
Oroboanche aegyptiaca Pers.		

۲۴۸ -اوسَبید'، اوسبید من اوسین اوسفید (نامی فارسی)، نیلوفر هندی : نوعی نیلوفر هندی است. من نامهای دیگر آن: نیلوفر هندی است. من از «لینوفر هندی» ا

Nelmbium speciosum L. Syn: N.nuciferum Gaertn.	اوسبیذ - نیلوفر هندی	زرياب
Nymphaea indica	اوسبید –نیلوفر هندی	الموسوعه

#### ۲۴۹ \_ أوشيرس:

۰۵۰ -اوفیموبَذاس٬ اوقیمویداس٬ نامی یونانی به معنای مشابه بادروج تنامهای دیگر آن: مغرب: لسیعه، اخیون، فیلاطاریون - گیاهشناسان آفریقا و شهر تونس: لسعهٔ

۲۵۱ – أنُومًا ، أونوما : (نامي يوناني) به معناى «مسقط الأجنة» و از انواع «شنجار» است. ع

أونوما (Onosma): برگردان عربی آن را "مُسْقِط الْأَجِنَّة" و نوعی از "خَسِّ الحمار" میداند. عامه اندلس به آن ورِجُل الْحَمامَة» میگویند و کیاهشناسان اندلس آن را واُذْن الحِمار» مینامند و جالینوس آن را با نام واونوسما» آورده است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۲]

Onosma echinoides L.	أونوما – مسقط الاجنه – أذن الحمار	ديسكوريد
Onosma echinoides L.	أونوما	EN.

۲۵۲ –اُونَيا': (نامي يوناني عصاره گياه)

۲۵۳ \_ أهلال قسطا<sup>م</sup>:

۲۵۴ - اِهلیلَج'، هلیلج''، اهلیلج''، اهلیلجات' ،هلیله''، هلیلج''، هلیلج'': (معربهلیله فارسی) نامهای دیگر آن: رومی: هلیقون'' - سریانی: هلیلقی'' - هندی: هروهره'، هوزید''، هرین '' - حلیله سه جنس است یکی زرد... و دوم دهلیله کابلی،...سوم دهلیله سیاه؛ و او نیز دو گونه است یکی است (هسته) دارد و دیگری فاقد آن است و به آن هندی میگویند.'' - دارای چهار نوع است'' - اهلیلج کابلی ''نه ملیله کابلی

-اهلیلج اصفر <sup>بین</sup>،هلیله زرد<sup>"</sup>

-اهلیلج اسود<sup>بین</sup>،هلیله سیاه " - شیرازی:هلیله مویزک"

اهلیلج هندی است

اهلیلج چینی <sup>تاد</sup>

Terminalia chebula Ret.	اهليلج كابلى	زر خط.

Terminalia citrina Roxb.	اهليلج اصفر	زرياب
Terminalia horride Stend.	اهلیلج هندی	زریاب
Terminalia bellerica	بليلج - اهليلج بليلَه	الموسوعه
Myrobalanus bellerica Gaertn.	هلیله	پارسا
Myrobalanus chebulae Gaertn.	هلیله کابلی	پارسا
Myrobalanus citrinae Gaertn.	هلیله زرد	پارسا
Myrobalanus nigrae	هلیله سیاه	پارسا
Terminalia chebula Ret.	هليلج	طباطبائی

۲۵۵ - أوطمي<sup>در</sup>:

۲۵۶ -إيارانوطابي ا:(نامي يوناني)

أِيارا أَبُوطَانَى (Hiera botane): نوعى رِعْى الحَمام با نام هاى: حشيشة المُكَرَّمَة \_حشيشة الْمُقَدَّسَة \_لاتينى: يَرْباتُه [بن يبطار (در ترجمه ديمكريد) ؟ - ٥٥]

Verbena sapina L.	حشيشة المُكَّامَة -حشيشة الْمُقَدَّسَة	دیسکورید

۲۵۷ - إيثوليس، أيثويس، (نامي يوناني)

۲۵۸ -ایڈمامیر ؛ (نامی یونانی)

۲۵۹ - ایدع می ایدع می اید عی اید می آن را «دم الأخوین می آوردند می دانند که برای مداوای جراحات از آن استفاده می شود. می این نام برای «حی العالم» نیز استفاده می شود. می اید می اید می اید می اید این نام برای «حی العالم» نیز استفاده می شود. می شود. می اید اید می شود. می اید اید می شود. می شود می اید اید می شود. می شود می اید اید می شود می اید اید می شود می شود می اید اید می شود می شود می شود می شود می اید می شود می اید اید می شود می شود می اید اید می شود 
	Dracaena cinnabari Balf.	ايدع	زرياب
--	--------------------------	------	-------

°۲۶ - أَيْذَاأُريذًا (١١)، أيداياريز؟: (نامي يوناني)

۲۶۱ - ایذوسارون یا ایذونیارونیا ایذوصارون": رازی آن را اندرصارون خوانده است. "

Securigera coronilla D.C. Syn: S.securidaca (L.)Deg.&Dor.	ايذوسارون	زریاب
Bonaveria securidaca Desv.		

۲۶۲ - ایرامامیز ": (نامی فارسی)

۲۶۳ – ایردوبساناس (ایردوسیاناس)": نامهای دیگر آن: اندرسافس"، اندرساخس" – رازی: اندروساماس" – دیسکورید: نوعی هوفاریقون"

أَنْدَروسامُن (Androsaimon): بزرگترین نوع هیوفاریقون ـ جالینوس: أسقِیرُن [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۱۵۱]

Hypericum ciliatum L.	أندروسامن	ديسكوريد

۱-به انجبار رجوع شود.

۲۶۴ - ایرسا'، ایرسا و ایریس '، ایرسا<sup>ن</sup>، أیرسا<sup>ع</sup>، ایرسا<sup>ع</sup>، ایرسا<sup>غ</sup>، ایرسا<sup>غ</sup>، ایرس<sup>ش</sup>؛ نامی یونانی به معنای قوس و قزح بیخ «سوسن آسمانگون» است. ' – نامهای دیگر آن: سوسن آسمانجونی مخت ، بیخ آسمان گون ٔ – رومی: ابریمون'، ایرینون ' قرینوس ' (فرینون صواسنین)، ارنیوقرینوس ' افامیرون (افیمارن) – سریانی: عقارسوصیائی'، عقاراسوسابی'، عقارادشوشنا ' – فارسی: بیخ بنفشه' – عربی: سوسن الفیروزجی نسیف الغراب <sup>غ</sup> ایریس (Iris): ایرسا(به معنی قوس و قزح) – سوسن آسمانجُونی (این یطار (در ترجه دیسکوریه) ۱ - ۱

Iris florentina L.	ايريس – سوسن اَسمانجوني	ديسكوريد
Iris germanica	ايريسا	خطابی
Iris ensata Thund.	Hendia: Irisa, Sosan - Kashmir: Marjal, arjal	GLO.IN.
Iris ensata Thund.	Hendia & Punjab: Chiluchi, Sosan	GLO.IN.

۲۶۵ - ایریفارون یا ایزیفازن ، أیریغارن ؛ نامی یونانی به معنای پیر در بهار نام دیگر آن: اندلس: ثریا <sup>۳۵</sup> ۲۶۵ - ایل : نامهای دیگر آن: قاقله الصغار " - هیل "، هال بوا"، هیل بوا"، شوشمشیر " - چون از غلاف بیرون آید آن را لاحی گویند. " گویند. "

۲۶۷ - اِیمارانوطولی، آیارابوطانی : نامی یونانی به معنای عشبه مکرمه - نامهای دیگر آن: مصر: زیتونیه کناه گیاه در کتاب دیسکورید: بارسطاریون ع

۲٦٨ ـ أيمارو قالس<sup>ع</sup>: نام **ديگ**ر آن: سوسن زرد<sup>ع</sup>

۲۲۹ ـ أيمونيطس :

ه ۲۷ \_ أيهقان ع، آيهقان "، ايهقان " : نامهاي ديگر آن: نَهَق "، جرجير البري " - جرجير بياباني " - گويند نام «جرجير بري، است. ع

#### حرف «ب»

۲۷۱ ـ باباری<sup>ع،</sup> باباری<sup>ت</sup>: (نامی یونانی) فلفل الأسود<sup>ع</sup> – فلفل سیاه ّ

۲۷۲ ـ بابلص : از انواع خشخاش

۲۷۳ -بابونج (۱)، بابونج ، بابونج ، بابونج ، بابونج ، تفاح الأرض ، تفاع الارض ، حبق البقر ، خامانيل : گياهي يكساله از جنس هدبات است. نامهاي ديگر آن: عربي: بابونج ، تفاع الارض ، شجرة مريم علي الرس بابونه ، كلنجه ، بابونك ، حبق البقر ، هدبات است. نامهاي ديگر آن: عربي: بابوني ، تفاع الارض ، شجرة مريم على السينبابونه ، كلنجه ، بابونك ، حبق البقر ، حبق المتون معرف ، أنشاميس ، خمايمان ، ميلانثيون و وومي: اميرون ، امرقون ، انفاليوس و ربنا به نظر جالينوس اميرون ، ميثوبا - بربري: تيزمارت و بنا به نظر اورباسيوس: ارائثموس - «اقحوان زرد» را وخروسوقولي ، گويند . "ديسكوريد" آن را سه نوع با تفاوت رنگ گلهاي آنها مي داند . وبابونجي ، که "ديسكوريد" با رنگ گل سفيد شرح مي دهد گياه معروفي است که امروزه در مصر به آن و کرکاش ، گويند و اهل اندلس آن را به نام لاتيني ومقارجة ، مي شناسند و اهالي آفريقا آن را ورجل الدجاجة ، ناميده اند و آن نزد عرب مشهور به نام وأقحوان ، است .

Solanum tuberosum	تفاح الارض	طباطبائى
Anthemis nobilis L.	بابونج	ال طخ.
Anthemis nobilis L.	هندی: بابونه کی پول	Glo.

۲۷۴ ـ باجروجي<sup>ع</sup>:

۱-به أنثميس و أقحوان رجوع شود.

۲۷۵ - باداورد' (فارسی)، باذآورد"،شوکة البیضاء"، بادآورد"، باذاورد"، بادآورد": نامی است که بر سبک بودن و اجتماع شاخه ها برای بالا رفتن توسط باد از زمین دلالت دارد." - نامهای دیگر آن: سپیدخار"،کنگر سفید" - عربی: شوکة البیضاء"، شکاع" - رومی:لوفینیقی"، دربیقا" - سریانی:ساناحور، سابا حورارا"، کباعربایا"-عصفر بری' - هندی:جواسا - سیستان: جولاه کش" - رومی: لوقاقانسی " - سریانی: اقتتولوقاقیثادشتا" - دیسکورید: اقتتالوقین " (اقتتالوقی)

اًقَنْثالوقی (Akantha leuke): برگردان آن به عربی «شوکة البیضاء» است، أقنثا(أقیثا) به یونانی به معنی خار و لوقا به معنی سفید این گیاه علی رغم نوشته های پزشکان مصر در آنجا وجود ندارد.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید)۳۔۲۲]

Cnicus acarna L.	بادآورد - شوكةالبيضاء	زریاب
Picnomon acarna (L.) Cass.		
Onopordon acanthium L.	ĺ	
Silybum marianum Gaertn.		
Picnomon acarna (L.) Cass.	اقنثالوقى – شوكةالبيضاء	ديسكوريد
Carduus benedictus Auct.	باداورد	پارسا
Fagonia cretica L.	باذاورد	طباطبائى

7۷۶ -بادرنجبویه ، ترنجان ، حبق ترنخانی ، باذرنجبویه ، باذرنجویه ، بادرنجویه ، ترنجان ، ترنجان ، مُفرح قلب المحزون ، بادرنجبویه ، ترنجان ، مغرح قلب المحزون ، بادرنجبویه ، ترنجان ، حبق ترنخانی ، مالسوفلن : نامهای دیگر آن: بادرنبویه ، باذرنبویه ، بادرنجویه ، نامی فارسی به معنای بوی ترنج و أترجی الرائحة ، و معرب بادرنگبویه است. – عربی:مفرح القلب ، باذرنبویه ، باذرواکوهی ، بقلّة الأترجیة الأترجیة الله الله و معرب بادرنگ – باذرنجویه دارای دو نوع است نوعی با برگ کوچک که در فاس به آن «حَبّق القرّنفلی» گویند و نوع دیگر با برگ بزرگ معروف به «حَبّق البربری» است و برگردان عربی این نام فارسی «رائحة الاُتُرُج» است و به آن «مفرح قلب المحزون» گویند.

مالیسوّقُلُن (Melissophullon): ریحان التُّرَنجانی ـ باذَرْجویّة ـ باذَرَنْبویة، این گیاه را جالینوس ذکر نکرده است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکرریه) ۳ ـ ۹۹]

Melissa officinalis L.	بادرنجبويه	زطخ.
Melissa officinalis L.	ماليسوفلن - ريحان الترنجي - باذرنجويه	ديسكوريد
Asperugo procumbens	بادرنجبويه	پارسا
Dracocephalum moldavica L.	بادرنجبويه	پارسا

أُوقيـئن (Okimon): باذَروج \_حُوك \_ بنابه قول ضعيفي:بستان افروز[بن بيطار (درترجمه ديسكوريد) ٢ ـ ١٧٥]

Ocimum basilicum L.	اوقیمن – بادروج – حوک	ديسكوريد
Ocimum basilicum L.	باذروج – صومر – حوک	زریاب
Ocimum album L.	باروج ابیض – ریحان کوهی – تخم شربتی	پارسا

Ocimum basilicum	حبق معروف، حبق هندي، حبق نبطي، حوک، بادُروج	الموسوعه

۲۷۸ -بادِنجان ، باذنجان ، بادِنجان ، بادِنجان ، بادنجان ، بادنجان ، بادنجان ، کهکم ، کهلم ، وغد ، انب ، بادنجان : معرب بادنگان فارسی از جنس کنوف است نامهای دیگر آن: عربی:مغد استه شاعد و اش معد ، انب سعت ، وغدعت ، ثالیل الجنات معدی نابهانتانا ، بیروحی دشینا ، باداینگان ، کهکب ، حدق - کهیرک - حیصل می در وحی دشینا ، باداینگان ، کهکب ، حدق - کهیرک - حیصل

Solanum melongena L.	بادنجان – معد – انب	زر. – طبا.
Solanum melongena L.	باذنجان – أنَّب – مَغْد	الموسوعه
Solanum melongena L.	بادنجان	پار. –خط.

۲۷۹ –بادنجان برّی ٔ: نامهای دیگر آن: هندی:بهکتائی ٔ و (بزرگ)بهرتا ٔ – یونانی:کفیشون ٔ ۲۸۰ –بادیان خطائی ٔ: (نام میوه گیاه است)

Illicium anisatum Lo. = I.verum H. = Anisum stellatum L.	باديان خطائي	پارسا
Illicium anisatum Lo	Hendia: Anasphal - Bommbay: Badian Madras: Anashal	GLO.IN.
Prangos pabularia L.	Persian: Badian kohi	Glo.IN.

۲۸۱ ـ باذامك<sup>ع</sup>: نوعى صفصاف است.<sup>ع</sup> - نام ديگر آن در اندلس: ينبر<sup>ع</sup>

۲۸۲ -بارزُد، بارزد ، بازرد نی نامی صمغی به زبان فارسی نامهای دیگر آن: عربی:قنه است - یونانی:خلبانی ا - ۲۸۲ ترکی:قاسی ا - هندی:بریجا، کنده بهروزه ا - شیرازی: مروسرز - فارسی: پیرزد ت - اشبیلی می گوید: نام صمغ «جرز بری» است و همچنین این نام برای «قنه» نیز بکار برده می شود.

خَلْبانی (Khalbane): ـ ابن بیطارـ به رومی بنابر آنچه در انطالیا شنیدهام: خَلوانی ـ قِنَّة ـ فارسی: بارْزَذُ<sup>(۱)</sup> [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۷۹]

Ferula galbaniflua Boiss. & Bus.	خلبانی - بارزذ - قنه	ديسكوريد
Ferula communis L.	قُنَّه مبذوله -كَلْخ	الموسوعه
Ferula galbaniflua Boiss. & Bus. Ferula ferulago L.	قنه مَهْجُونَة - بارزد قناوشق	الموسوعه
Ferula rubricaulis Boiss.	بارزد	طباطبائى

۲۸۳ – باذَوَرُد<sup>غ</sup>، باذورد<sup>نر</sup>: نام دیگر آن: عصفور البری<sup>غ م</sup>اشبیلی میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «فَشال»، عدهای «قصب البردی»، گروهی «شکاعی»، بعضی «شوکة المصریه»، برخی «اقین»، گروهی «قرذیوله» و اکثر پزشکان آن «عصفر بری» میدانند که همگی اشتباه است. نام دیگر آن «اقنثالوقی» یعنی «شوکة البیضاء» است و اعراب بادیه به آن «اشْبِنة آلبه» گویند. در

Picnomon acarna (L.) Cass.	باذورد	خطابی

۲۸۴ - بارسطاريون ": (به معناي حمامي) نوعي رعي الحمام " - نامهاي ديگر آن: فرسطاريون "

۲۸۵ -باریلوماین ٔ: (نام اندلسی به معنی مشابه چشم)

۲۸۶ - باشان س:

۲۸۷ - باشیون و باخیون :(بیخین) نام دیگر آن: سعله، زیرا موجب تسکین بیماری سعال می باشد. س

Tussilago farfara L.	باشيون - باخيون	زرياب
Ungula caballina		
Flores tussilaginis		

۲۸۸ -باقِلًا'، باقلی ''، باقل ''، باقلاء' ، باقلا''، جاسة''، فابش یونانی''، فابش یونانی ''، جرجر ''، جناح البشر ''، فول '' نام های دیگر آن: باقلی' ـ قبطی و مصری: فول '' – عراق: جرجر ' معرب کرکر – سریانی: وکونی کرانیس '،قواباوس '، کومی '' – سنجری و سجزی:کالوسک '''، بیستی کوسک ' – رومی: کیرانس، قوامس یا (کوامس) ''، قویارس ''، فافا(فابا) ''، فاطن '' – بستی:کوسک '' – فارسی: خوشک ''

فابَش اليوناني (Kuamos hellenikos): فول ـ باقِلًاء ـ جِرْجِر ـ لاتيني: فَابَهُ [بن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ٩٠

Vicia faba L.	قلي	زخپ. با
Vicia faba L.	ابش اليوناني - فول - باقلاء	ديسكوريد فا
Vicia faba L.	ول - باقلی - باقلاء - تجمئ	الموسوعه فو
Faba vulgaris Monch.	قلی	طباطبائی با
Faba faba L.	Hendia: Bakla	GLO.IN.

۲۸۹ - باقلّای قبطی ، باقلی قبطی ، غالا لوطا، قاباش قبطی، فاباش قبطی ، جامسه ، غالالوطا : نام دیگر آن: جامسیه فابش القبطی (Kuamos Aiguptios): از گیاهان شهرهای مغرب نیست و تنها خاص مناطق مصر بویژه در مکانی به نام "بشرمساح" است. و عامه اهالی مصر به آن "جامِسة" گویند. جالینوس این گیاه را ذکر نکرده است. و جاسة ، در مصر به وباقلی قبطی، گفته می شود. (بن یطار (در ترجمه دیسکرریه) ۲ - ۱۹]

Nymphaea nelumbo L.	فابش القبطى	زرياب

۲۹۰ -باکرا: (نامی هندی)

Premna latifolia Roxb.	هند: باکر – بلوچستانی: گوهرا مونای	GlO.IN.

۲۹۱ جالْسَه ٔ:(نامی هندی) ۲۹۲ جالَک جوهی ٔ: (نامی هندی)

٢٩٣ -بالنكو؛

Lallemantia iberica F.& M.	بالنكو شهرى	پارسا
Lallemantia royleana Benth.	بالنگو شیرازی	پارسا

# ۲۹۴ - باله":

Hibiscus mutabilis L.	كاشته شده	ماله	زریاب
Hibiscus tortuosus Roub.			رريب

## ۲۹۵ -بامیه:

Hibiscus esculentus L.	باميه	الموسوعه
Abelmoschus esculentus (L.)Moench	باميه	پارسا

۲۹۶ -بَبِيتَه ؛ تخم ميوهاي است.

Dalbergia lanceolaria L.	(Distance)	~:
- and a good standed that L.	هند: بيتوا ( <i>Bithua</i> )	Glo-in
	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	

۲۹۷ -بَبِیهه ؛ نام میوهای به زبان هندی

P **		
Dalbergia volubilis Roxb.	(DL atia)	~· ·
- and a good of the Trong.	هند: بهاتا ( <i>Bhatia</i> )	Glo-in
	V.	

۲۹۸ - بَحْنُ : بِحنةُ مُ

۲۹۹ - بَخَرِهُ \* فَجْنَ سري و مَنْ مِن مِنْ الله الله الله الله الله المناوي المناوي المناوي المناوي المناوي المناوي المناوي المناوي ا

ه ۳۰۰ -بَخورالاَکْراد': زیراکُردان بسیار زیاد آن را در تهیه بخورات استفاده می کنند'. نامهای دیگر آن: اندلس: بربطوره' - سریانی:اندراسیون' معرف در تازی باده معرفی (۱۳۵۷ میزیر ۱۳۵۷ میزیر ۱۳۵۷ میزیر میزیر کامور در بعض از شرحها: حاهندی

بریسوری فوقادائن (فوقاداین):(Peukedanon): أنْذَراسْیون ـ لاتینی: یَرْبَطوره ـ عامه مغرب: یَرْبَطورـ در بعضی از شرحها: جاهبَنْک ـ بُوقادائس ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۴]

Selinum officinal Peucedanum officinale L.	بخورالاكراد - شَمْرالخنازير - بَرْباطورة	الموسوعه
Peucedanum officinale L.	فوقاذانن – يربطوره	ديسكوريد
Peucedanum officinale L.	بخور الاكراد	طباطبائی

# ٢٥١ - بَحُور السُّودان ، بحور السودان "

Telephium imperati L.	بخورالسودان - بخورالبربر - سَرْغَنْد - دِيْدَهَک	الموسوعه

۳۰۲ - بَخور مريم ، بخور مريم ، بخور مَزيم ، بخور مريم ، بخور مريم ، دُخْنةمريم ، فغلامينوس : نام هاى ديگر آن: خراسان: گليم شوى - عرطنيناس - رومى: فوفيلاطينوس - افريقا: جر المشايخ ، بُشام ، شجرة المريم (۱۱) - فغيلاموس ، فقلامينوس - قسياس في المريم دوروس المسلموس ، فقلامينوس و المسلموس المسل

۱- به شجرة مريم رجوع شود.

ئَقْلامینوس (Kuklaminos): بَخورمَریم \_اهالی آفریقا: عَرْطَنِیثا، رَکَف \_خُبْرْالْقُرود \_گیاه معروفی است. فُقْلامینوس اخر (Kuklaminos helera): لاتینی: ماطَرْشالْبه (۱) برگردان آن به عربی: أمّ الشَّعْراء اهالی اندلس: صَریمة الجَدْی ـ گیاهشناسان: سلطان الجَبَل ـ رای مُنْت <sup>(۲)</sup>، رای به معنی سلطان و منت به معنی جبل (کوه) است.ـ بربری: اَفَلُدان و اَدَار<sup>(۳)</sup>، به معنى سلطان الجيل [ابن بيطار (درترجمه ديسكوريد) ٢ - ١٤٧ و ١٤٨]

Cyclamen europaeum L.	بخور مريم، فقلامينوس، عرطينئا-خبزالقرود	ديسكوريد
Lonicera caprifolium L.	صريمةالجدي،سلطانالجبل، فقلامينوس،بخورمريم	ديسكوريد
Cyclamen europaeum L.	بخور مریم، دخنه مریم، عرطینثا، گلیم شوی	زرطبا.
Cyclamen spp.	عرطَنَيْنَا، سُكَع، بخورمريم، زَهْرالمسيح، وَكُف، خُبْزالمشايخ، بَهْلامُس، رِكْفَه	الموسوعه

۳۰۳ - بَدَاشِقَان ، بداشغان ، بداشقان ، بداشقان ، بداشغان : معرببدسکان فارسی، نامهای دیگر آن: بدشغان ،بدكشان ،قاتل ابيه "،كف الكلب" - بدسكان " - بدكستان " - بدشغان "

Sparilum junceum L.	بذاشغان	زریاب
Parkinsonia spp.	بدسكان	الموسوعه
Parkinsonia aculeata L.	بدسكان الشائك	الموسوعه

۳۰۴ - بدليون : نام ديگر آن: مقل

۳۰۵ - بَرْ ': (نامی هندی)

۳۰۶ - بربناقة <sup>س(۴)</sup>: **نام دیگر آن**: اهالی عجم ثغر: اَبْرولْیُه <sup>(۵)</sup> - برخی آن را به اشتباه «شکاعی» گویند. <sup>س</sup>

۳۰۷ - برتنقه <sup>در</sup>: نوعی کمادریوس **نامهای دیگر اَن**: باطرنیقی <sup>در</sup> - عجمی اندلس: طربه لُبه <sup>در(۶)</sup> - ذنب النمر <sup>در</sup>

۳۰۸ -بر دی ، بر دی س، بردی که بردی که (نامی عربی)، عُنْقَر س (نام ریشه)، حفاظ، فافیر نامهای دیگر آن: بابروس م، بابیر که، قارجي " ـ اباء" ـ فارسي:پيزدا، لَخ" - هندي:كوندل ،پهته ،پيزا' - مصر:فاقير ،خوص البه خاطر تشابه به برگ آن به برگ درخت خرما) - سریانی:بانورس -عربی: حَفَا صلا - نام بیخ (ریشه) آن : مُسْلُع س - کرک های روی گیاه را به رومی "اقتلقا" و به فارسی "ایکور" و به عربی "بَیْلُم" و اهل ترمد به آن "کابور" گویند. " اشبیلی میکوید: از گیاهان مجاور آب و از جنس «جنبه» و از انواع «سیوف» و دارای چند نوع است: یک نوع نر و نوعی ماده، نام نوعی «سوسن اصفر» و نام نوع دیگر «سوسن الاسمانجونی»

Cyperus papyrus L.	بردی - لخ	زرطبا.
Cyperus papyrus L. Paypyrus antiquorum Willd.	بردی – بابیر – ببیر– بابیروس – بابورس	الموسوعه
Paypyrus domesticus Poir.		

۴۰۹ -بَرسِياوَشان، پَرَسياوشان ، برسياوشان ، برسياوشان ، برسياوشان ، بَرْشياوَشان ، زَرْشياوَشان ، نرسياوشان ، برسياوشان ، بر سينه)، شعرالجبّار "، بولوطريخون"، سابقة"، سَبُع الأرض"، سبع الارض"، ضفائر الجن"، ضفاير الجن"، شعر الجن"، لحية 

Adiantum capillus veneris L.	برسياوشان - شعرالجبار	زطخ.
Adiantum capillus veneris L.	كسربزة البئر، شَعَر الغول، شَعَر الارض، وصيف،	الموسوعه
	برشاؤشان	

۰ ۳۱ - برسیون" (برسیا)، لَبَخ"، برسیانا؟: نامهای دیگر آن: لبخ"، فرسانا"، لبخه"، آثابه"، مرسیفا" -سریانی: حولانا" -مصر: هواسمه "

فَوْسِياً (Persaia): لَبَخ ـ شجرة الفارسية [ابن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ١٤٨]

Mimusops schimperi Hochst. Albizzia lebbek Bth.	برسيون -لبخ	زرياب
Albizzia lebbek Bth.	كُنج - البيزيةاللبخ - ذقن الباشا	الموسوعه
Mimusops schimperi Hochst.	فَرْسِياا - لَبَخ - شجرةالفارسية	ديسكوريد

۳۱۱ – برسیاندارو ": **نامهای دیگر آ**ن: عصی الراعی " – تهلول "، عمول "، فوهل "، قنابری "، شجرة البهق " ۳۱۲ –بَرْطانی*قی <sup>۱</sup>، برطانیقی <sup>۳</sup> (نامی یونانی)، طروقون ": نامهای دیگر آن: هندی:سروالی <sup>۱</sup>،بستان افروز " بَرْطانیقَی (Brettanike): نوعی "خُمّاض حَسَکیّ" است که در رملها میروید و بنا به گفته ضعیفی نام آن " بستان أفروز" است. [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲]* 

Amarannthus tricolar L.	بستان افروز	زرياب
Rumex brettanica L.	برطانيقي	ديسكوريد

۳۱۳ ـ برقا مصر<sup>ع</sup>:

٣١۴ ـ برقوق<sup>ع</sup>: ن**امهای دیگر آن**: مغرب و اندلس: مشمش<sup>ع</sup> ـ شام: نوعی أجّاص کوچک<sup>ع</sup>

Prunus domestica L.	برقوق	EN.

۳۱۵ - پڑکان<sup>در</sup>: نوعی حمص

۳۱۶ - بَرْكسوس<sup>ش</sup>: نرجس الاصفر<sup>ش</sup>

٣١٧ - بَرِْكَكُ شيرازي : نام برگ گياه است. ريشه آنعود بري وعود البندق است.

۳۱۸ - بِرِنْجاسف، برنجاسف، برنجاسف، برنجاسف، برنجاسف، برنجاسف، شویلاء، شویلا، أرطماسیا، اطمیسا، حبق الراعی: «برنج اسف، به زبان عربی به «ارز الخلیل» تعبیر می شود. و به نام های «برنجاسب»، «قیصوم»، «قیسوم»، «جثجات» معروف است. تنام های دیگر آن: قیصوم "- برنجاسف "- یونانی:ارطیه ماسیا"، ارطماسیا"، ارطاماسیا "- عربی: سویلا"،

أرطاماً سْيا (Artemisia): بَلْنْجاسَف ـ بَرَنْجاسَف، دارای انواعی است که دو نوع آن را جالینوس ذکر کرده است.

أَمْبُرُسْيا (Ambrosia): نوعى برنجاسف

بُطُوْس (۱) (Botrus): نوعی از برنجاسف

أَبْرُوطُنُون (Abrotonon): نام نوع نر و ماده "قَيْصوم" است. و ناميدن "برنجاسف" آن اشتباه است. [بن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٣ -

110.11.01.1

Artemisia vulgaris L.	برنجاسف - ارطماسيا - قيصوم	زر طبا.
Artemisia vulgaris L.	ارطاماسيا - بلنجاسف - برنجاسف	ديسكوريد
Artemisia vulgaris L.	شُوَيْلاء - شُوَيْكُه - عَبيثُران مَبذول - برنجاسف -	الموسوعه
	بلنجاشف - حَبَق الراعى	
Artemisia abrotonon L.	فيصوم	ديسكوريد
Ambrosia maritima L.	أمبروسيا	ديسكوريد
Chenopodium botrys L.	بُطرس	ديسكوريد
Chenopodium ambrosioides L.		
Artemisia abrotanum L.	فيصوم	پارسا
Artemisia vulgaris L.	برنجاسف - افسنتين	پارسا
Achillea pubescens L.	بومادران	پارسا
Artemisia maritima L.	برنجاسف کوهی	پارسا
Artemisia sp.	برنجاسف	EN.

۳۱۹ – برنج کابلی ؓ: ن**امهای دیگر اَن**: ابرنج ؓ – بونق ؓ – فارسی: برنگ ؓ

ه ۳۲ ـ برنیس<sup>ع</sup>: نوعی بلوط<sup>ع</sup>

۳۲۱ –بَرْم٬، برم<sup>ع</sup>: ؟نوعی درخت سنط، در بغداد

۳۲۲ - برمس<sup>س</sup>:

Verbascum thapsus L.	برمس	زرياب

۳۲۳ –بَرنوف'، برنوف'؛ (گیاهی در مصر) نامهای دیگر آن: بنا به نظر "تمیمی": شابانک<sup>ع</sup>، شابالج<sup>ع</sup> ـ فارسی:شابانک'، معرب آن :شابانج تُونیزا(Konuza): نام بربری آن وتَرْهَلاهِ و به زبان لاتینی اندلسی: وَلَبارْذَه و وطُبّاق ، نام دارد و وشجرة البراغیث، و و بَرْنوف، نوعی از آنست. ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۱]

Inula conyzoides DC.	قونيزا - برنوف	ديسكوريد

١- ابن بيطار در كتاب جامع خود نام "شواصرا" و "مسك الجن" را معادل فبطرس، ذكر كرده است.

۳۲۴ –بَرْوانی٬، بروانیا٬ (نامی عجمی) نامهای دیگر آن: سریانی:عربروس٬ فاشر ٔ – یونانی:اسقوانس ٔ ـکرمة البیضاء ٔ ٔ

۳۲۵ -بِرَهْتا': (نامی هندی) نام دیگر آن:کتائی بزرگ

Solanum indicum L.Syn:S.incanum L.	هند: برهتا Birhatta	Glo-in

۳۲۶ -بَرْيامصری ! (نامی مصری)

٣٢٧ -بَرْياله ؛ (نامي هندي)

۳۲۸ – بِزْر بَردی ننام بذر «دیس» یا «سمار» است. ن

٣٢٩ -بَزْرِقَطُونَا'، قطونا''، بَرْرَفَطُونا''، بِزْرُقَطُونا''، بَرْرَقطُونا'' (نامی عربی)، حشیش''، برغوثی' برغوثی' بزدقطونا'' المن عربی اسفیوش' برغوثی' برغوثی' بزرقطونا'' بزرقطونا آسفیزه برغوث اسفیوش' اسفیوش ' الفیری مشابه برغوث) اسفیوش اسفیوس المناز 
فْسُلّیون (Psullion): برگردان عربی آن «بَرْغوشی» و نامهای دیگر آن «بَرْرْقَطونا» و «أَسْفِیوس» است.[بن بیطار(درترجمه دیسکورید)۴۔

#### [74

Plantago psyllium L.	فسليون - بزرقطونا - اسفيوس	ديسكوريد
Plantago psyllium L.	قطونا – بزرقطونا	ز طخ.
Plantago psyllium L.	بزرقطونا -عشبةالبراغيث -حشيشةالبراغيث	الموسوعه
Plantago psyllium L.	اسفرزه – بزرقطونا	پارسا

۳۳۰ – بزر الكرفس البستاني ¨: بزر كرفس بستاني ¨

٣٣١ - بزر الكرفس الجبلي : نام ديگر آن: فطراساليون "

۳۳۳ - بسباس<sup>ع</sup>، بسباس<sup>ط</sup>، بسباس<sup>ط</sup> اشبیلی درازیانج<sup>ع ع</sup> غسانی می گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بستانی به «رازیانج» و نوع بری به «بسباس» معروف است. نوع است. می گوید: دارای پنج نوع است: نوع بستانی آن درازیانجه با نامهای مارثون - فنلیه - نافع - شمار - شومر - رازیانق است. نوع دیگر آن «بسباس می گوید: دارای پنج نوع است. نوع دیگر «بسباس نبطی» با نام «کحلوان» است که اکثر گیاهشناسان از آن اظهار بی اطلاعی می کنند. نوع آخر «بسباس حبشی» با نام «انجیله» که خود نوعی از «انیسون بری» است.

Foenivulum vulgare	بسباس	خطابی

٣٣٣ - بسباسه ، بسباسة غنام پوست ميوه خوشبوئي است. غنامهاي ديگر آن: فاس: بسباسة - شيرازي: بزبار ت

Myristica fragrans Houff.	بسباسة	خطابی

۳۳۴ - بستان الجواري<sup>دن</sup>: بوابب الحاجب<sup>دن</sup>

۳۳۵ -بُسْتان افروز ٔ،بِستان افروز <sup>(۱)م</sup>، بستان ابروز عببستان افروز (نامی فارسی)، حور اسفیدان : نامهای دیگر آن:

۱-به واژه "برطانیتی" یا "حماض" و "بادروج" رجوع شود.

بستان ابروز" - عربی:حبق بستانی '،زینة الریاحین'"،راح (به معنای خوش منظر) '، مُضیء البساتین" - فارسی: تاج خروس '،گل حلوا'،گل یوسف' - نام نوع کوچک به هندی:کوکنی، نام نوع بزرگ به هندی:حبّارهاری

Amaranthus tricolor L.	بستان افروز	زرياب
Amaranthus cruentus L.	گل حلوا –گل تاج خروس	پارسا
Celosia argentea L.	گل حلوا -گل تاج خروس	پارسا

۳۳۳ ـ بستیناج؟: دارای انواع فراوان است. نامهای دیگر آن: مصر: حسّکَه ٔ ـ أُخِلّهٔ ٔ ٔ ۱ بَخِلّهٔ ٔ ۱ بَسُد ، بسد ، بُسُد ٔ نامهای دیگر آن: رومی : قوالن ٬٬ قولوریون ٬٬ – به نوعی از آن خروهک گفته می شود. ٬٬ ۳۳۷ – بُسُد ٬ بسد خروار بلد خرد ٬ درختی است که در آب در با رسته شود و حون غواصان آن را برکشند و هوا او را در باید حرم

- مرجان مروارید خرد سدرختی است که در آب دریا رسته شود و چون غواصان آن را برکشند و هوا او را در یابد جرم او صلب شود و محکم گردد. – نام «عزول» و «مرجان» است. نام گیاه در کتاب دیسکورید «فراولیون» و «بسّد» است که بعنوان گیاهی دریایی معرفی شده است.  $^3$ 

Corallium rubraum L.	بسد	زریاب
Isis nobilis Pall.		
E: Coral	بسد - مرجان - نوعی جانور دریائی	خطابی

## بسد ديگر: گل خيري الاحمر

Matthiola incana	بسد -گل خيري الاحمر	زریاب
------------------	---------------------	-------

۱۳۲۹ - بَسْفایج ، بسبایج ، بَسْفایج ، بسفایج ، بسفایج ، بسفایج ، بسبایج ، بولوبودیون ، ثاقب الحجر ، کثیر الأرجل ، بولوبودیون ، سکی رغلا (نام سریانی به معنای کثیر الارجل): نام ریشه است . بولوبودیون ، به معنای دارای پای زیاد نام بسفایج ، است . بامهای دیگر آن: عربی:اضراس الکلب المحبر المحبر المحبر المسمیر المشمیر الارجل ، کثیر الارجل ، دود الصخر ، جناح الزرزور ، خسران - یونانی:بولوزیون ، بولوبودیون (به معنای دارای پای زیاد یا کثیرالر جل ) – مصر:اشتوان - هندی: کفیکالی ، فولوفدین - سریانی: سکی رغلام ، به معنای کثیر الأرجل اشبیلی میگوید: بسبایج دارای انواعی است نام نوعی از آن دقلال ، یا «بطارس ، است و نوع دیگر آن معروف به «سیسون ، است . میلو اولون ) زیرا شبیه به ام بولوبودیون: به معنای کثیر الأرجل - سریانی: بُربُود یُه - بربری: اَشتیوان ( تستیوان ( ۱۱ ) این یط (دارای پای فراوان ) زیرا شبیه به ام داریعت ( داریون ( هزار پا ) است . - لاتینی: بُربُود یُه - بربری: اَشتیوان ( تستیوان ( ۱۱ ) این یط (درجمه دسکوریه ) ۶ - ۱۰ - ۱۰ ا

Polypodium vulgare L. India: Basfaij GLO.IN.

Polypodium vulgare L. ال.،ز.،پ.،د. بسبایج – اضراس الکلب – قشتیوان

۰ ۳۴ ـ بسیلة <sup>ت</sup>: نوعی «جلبان» بزرگ دانه است.<sup>ت</sup>

Pisum sativum L.	بسیله – عثر – بسله	EN.

۳۴۱ - بَشام، بشام، نشام، زنامی عربی)

۳۴۲ \_ بشنه<sup>ع</sup>:

۳۴۳ - بَشْنین ٔ، بشنین ٔ، بیرور ٔ، جلجلان مصری ٔ: نامهای دیگر آن: مصر:عرایس النیل ٔ، زیرا هنگام برگشتن آب نیل (پس روی) و ماندن آن ناگهان می روید. – "دیسکورید" میگوید: نام ولوطوس، موجود در مصر است و در هنگام برگشت آب نیل در مصر در آب می روید. ٔ می ونوع دیگر به نام برگشت آب نیل در مصر در آب می روید. ٔ می ونوع دیگر به نام وادرای دو نوع است، نوعی به نام وجزیری و نوع دیگر به نام واعرابی است. ٔ می ویروری در مصر نام ریشه و بشنین است. ٔ

Nymphaea alba L.	نيلوفرابيض - بشنين ابيض - عرايس النيل - حشيشة السمك	الموسوعه
Nymphaea lotus L.	بشنين عربى – نيلوفر العروس – لوطس	الموسوعه

٣٣۴ - بشوش ٌ: نام خُرمل يا حرف السطوح است. ۗ

۳۴۵ - بصل "، بصل"، بصل"، بصل"، بصل"، بصل"، بصل"، بصل" ، دوقص"، بزر البصل": نامهای دیگر آن: رومی: قرومیدیا"، قاراماون" سریانی: بصلا" - سندی: بصلا" - نام بذر آن: تخم پیاز " - "رازی " گوید تلخ پیاز تیزتر است و پیاز آن را "شلار" خوانند و حدت او کم است. و ابوریحان گوید در بلاد ما آنچه ازو تیزتر باشد آن را "زُرنک" گویند. نوعی از انواع آن "بصل الزیز" با نام های "قعنب" و "قُعْفور" است. " - بصل پنج نوع است: شامی و نبطی و زیزی و نار و بلبوس " - "اشبیلی" میگوید: بصل دارای سه جنس بستانی، بری و احمر است. نوع بستانی دارای انواع فراوانی با نامهای ۱ - بصل الأکل ۲ - بصل الأبیض یا بیضی ۳ - بصل الزبدی، بصل المجوسی، بصل الخراسانی، بصل الفارسی است. نامهای دیگر آن عبارتست از: یونانی: قرمیدیا - عجمی: جِبُلّة، بربری: تاصالیمت، ازالیم - نوع بستانی دارای سه صنف دیگر است: ۱ - براسن ۲ - گژاث الشامی، کراث ملوکی، کراث اندلسی، قلفوط ۳ - کراث الریفی و کراث الجلیقی — نوع بری همان نوع شامی یا کراث الروم و کراث الجبلی است که به یونانی دراقنوسقردیون نامیده میشود و نوع دیگری از آن کراث الثومی با نام یونانی سقردونواس است. نامهای نوع دیگر آن عبارتست از: یربه اوناله یعنی عشبة الخُروف - یونانی: براسن وقافالوطن - سریانی: قلفوط، علفوط - عربی: کاؤل - بربری: تراست - و نامهای دیگر آن: قطلونیه - بوزه - بُلْبُس طویل (۱) - بلابس - کراث الروم - الراسن است.

نامهای نوع احمر - قرمز - عبارتست از: ۱ - شوطی (نوع کوچک آن) معروف به مقشلان ۲ ـ شرغلی (نوع بزرگ آن) معروف به شلوبینی، بصل الرومی — نام نوع دیگر بصل جبُلین به معنای بصل الصغیر است و نوع دیگر بصل، کراث با شش نوع مختلف است.

بلبوس نيز از انواع بصل است كه در ماهيت أن اختلاف است نام يوناني يا رومي آن بُلْبِسا و نامهاي ديگر أن عبارتست از: ماغره - البطن - فضل الجواري — نوع ديگرِ بصل كه خوردن آن موجب قي ميشود بصل القيء يا بصل الزيز است.

گروههای دیگر بصل عبارتند از: ۱ - بصل الهام با نامهای: یونانی: ارثیوس - عربی: ذَکَر الهرّ - قشطننیولا یعنی قِسْطَلّة صغیره

۲ - بصل النرجس: دارای پنج گروه اصفر، اییض، مجرّع، بُواقی، مُقَوْدُس است. نامهای دیگر آن عبارتست از: به یونانی: نَرکسوس، نرسیس - رومی: ونیریون - به سریانی: مریث - به عربی: نرجس - به لاتینی: نرجسینوس - به عجمی: نبقیرس، فَلُور اورو گاهی به نرجس ابیض بهار نیز گفته میشود نام یونانی آن نرکسوس است. و نام یونانی نرجس مُقَودُس، ایمارو قالاس است. ۳ - بصل الزعفران ۴ - بصل الفار با نامهای: بصل البر، بصل الخنزیر، عنصل، اشقیل ۵ - ثوم: دارای چهار نوع بستانی با نامهای قشطنیونی، عُقابی، سنانی، صقلی و دو نوع بری با نام اسقوردیون یا حشیشة الثومیه یا ثوم الجبلی و سقردیون براسن است. ۶ - بصل نسرین المروج: دارای گلهای واژگون است و دو نوع زرد و سفید دارد. ۷ - بصل الخصی: انواع آن فراوان است نوعی خُصی الکلببا هشت صنفِ نحلی با گل سیاه، نحلی با گل بنفش، دیکی، دبیرانی، ثومی، فرفیری، کراثی است. و نوع دیگر آن خصی الثعلب با گل سفید است و همچنین خنثی نیز از این گروه میباشد. ۸ - بصل اللوف و نوع دیگر آن سوسن بستانی، سوسن بحری، سوسن رملی، بصل السنجار ۱۰ - بصل السوسن: دارای انواع فراوان پیازی و غیر پیازی است، از انواع پیازی آن سوسن بستانی، سوسن بحری، سوسن رملی، بصل الخرّم است. ۱۱ - سورنجان: دارای دو نوع سیاه و سفید است. ۱۲ - بصل النیلوفر: دارای انواع بسیاری است برخی دارای ریشه پیازی و گروهی فاقد آن هستند از گروه اول می توان به نیلوفر مجوسی یا نیلوفر فارسی یا نیلوفر ترکی با نام فارسی سفتا اشاره کرد و از انواع دیگر آن نیلوفر ابیض المائی و نیلوفر ابیض المرائی است.

### قَرومْیان (Kromuon): بَصَل ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ ـ ۱۳۵

Allium cepa L.	بصل	الخز.
Allium cepa L.	قرومیان – بصل	ديسكوريد
Allium cepa L.	پیاز	پارسا

٣٤٦ ـ بصل الذئب ع: به پياز «بلبوس» خوراكي گفته اند. ع

٣٤٧ \_ بصل القيء ع:

۳۴۸ ـ بطره ع، بطرَه در کویند «بطره» همان «بستناج» است.

۳۴۹ - بطریون ". گویند «شجرة الفُرس» یا «شجرة الخولان» و یا «شوکة العصبیة» است. "

° ۲۵ - بُطْم، بطم "، بَطْم"، بُطْم"، بطم "، بطم "، حب الخضرا "، ابرقان ": از انواع «ضرو» است أن و «ضرو بستانی» است. أنام های دیگر آن: درخت حبة الخضراء تقلق حبة الخضراء "فارسی و ترکی: سقز ا – رومی: اقططرمتئوس "، طرابنٹیوس"، طرامنیٹوس"، اقوقوس "، طراسانوس" (طرابنیٹوس) – سریانی: بطمتا " – فارسی: کِنْبَهْن "، اونیره "(ونیره "(ونیره" (ونیره" و شک نام دانه)، بن " – هندی: خروک " – نیشابور: بانقش "، نانکش " – خراسان: خنجک " – سجز: کنبشک " – مکران و قزدار: کل انگور "دو نوع است یک نوع را «شاه بن» گویند و یک نوع «بن شاه» " – نام صمغ آن: عِلْک البطم ا – فارسی: سقز ا، وَنْزَد "، خَسک " – اصفهانی: قندرون ا – سریانی: دُعْتا"، بطما"، دعتاد شغاری " (سفاری) – نام صمغ خشک: قلفون ا

طَوْمَنْشُس (١) (Terminthos): شجرة البُطْمُ ـ صمع: عِلْك الأنْباط [بن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ٢٧]

Pistacia terebinthus L.	طرمنئس – شجرةالبطم	ديسكوريد
Pistacia terebinthus L.	بطم	زخط.
Pistacia terebinthus L.	سقز سفيد .	پارسا
Pistacia khinjuk Stoc.	حب الغار (اصفهان) -حب الخضرا (تهران) -حب البنه (عرب) -سبز قلنج (تهران) - بزقنژژ (همدان، اصفهان) -گل پسته (بمبئی)	پارسا

Cucumis melo L.	بطيخ	زر. <b>- خط</b> .
Cucumis melo L.	خربوزه	پارسا
Cucumis melo L.	Sanskrit & Hendia: Kharbuja - Bengal: Kharmuj - Telugu: Kharbuja	GLO.IN.
Cucumis vulgaris	دلاع	خطابی

۳۵۲ -بطّیخ هندی ، بطیخ الهندی ، بطیخ هندی ، بطیخ رقی : نامهای دیگر آن: بطیخ سندی ت -بطیخ رقی ا -بطیخ الخضر ا - عربی: دلاع ، رابوقه ا - فارسی: خربزه هندی ای هندوانه ا - شیرازی: خیار کدو - تبریزی: هنداوانه - شیرازی: خیاد کدو ا - تبریزی: هنداوانه ا هندی: تربوز ا - بغداد: رقی س

Cucumis vulgaris	بطیخ احمر - بطیخ هندی - جَبَس - رقی - دلّاع - خِرْبِز	الموسوعه
Cucurbita citrullus	هندوانه	پارسا
= Citrullus vulgaris		
Cucumis vulgaris	بطيخ هندى	زرياب

# ٣٥٣ –بُقْثُوفِرْثُن ُ: (نامي يوناني)

۲۵۴ – بَقَسْ، بقس ، بَقْسَ، بَقْسَ ، بَعْسِ ، شمشاد ، شمشاد ، معربنام یونانی: بقسیس ، باکسیان – اهل شام: شمشاد ، شمشاد ، سمسار گونانی: فارسی: شمشاد ، صحرانشینان: صفیراء یعنی بقس البلدی من – بَقْشُ من – بکسیس من

Evonymus europeus L.	قسم شمشاد -گوشوارک (شیرگاه) -سیاتوسکا	پارسا
Evonymus verrucosa L.		
Evonymus velutina L.		
Evonymus latifolia L.		
Buxus spp.	بَقْس – شمشاد	الموسوعه
Buxus sp.	بقس – شمشار	EN.
Buxus sempervirens L.		

# ۳۵۵ ـ بقلة الأترجية ع: به گياهي با نام فارسي «كروان» و هم به گياه «باذرنجبويه» مِيگويند. ع

۳۵۶ - بقلة الاتصار: گویند نام «سلق» است و درست تر آنست که نام دیگر «کرنب الدوری» باشد. س

٣٥٧ - بقلة الاوجاع ، اقاقيا "، بقلة الأوجاع : نام هاي ديگر آن: يوناني:اقاقيا (نام رومي است) - مغرب: توجردره ، توجدة على سرياني : دعنادقرطي " - عربي: قفل " (قَقُل) - فارسي: ملبند شدرک " - سندى: سلغارها " ـ اندلس: أذن اللجدى عديسكوريد: قاقاليا ؟

Acacia arabica Willd.(Succus Acacia)	اقاقيا - قفل - ملبندشدرك	زرياب
Collinsonia canadensis L.	بقلةالاوجاع	الموسوعه

٣٥٨ - بقلة البرارى ؛ نام ديكر آن: بقلة الرمل ،

٣٥٩ - بَقْلَةُ الحَمْقاء ، بقلة الحمقاء "، بقله الحمقاء"، بقلُ الحمقاء ، بقلة الحمقاء أ ، بيلَمون " (فرفخ البرى) ، بقلة لبنة النامى عربى) ، كفّ ، بزر الخرفه "، خرفه "، زريرا" (نام سريانى) ، فرفين "، فرفخ "، رجلة " ، زجله عربى الخرف " ، خربى الدرخانا" ، الدرخانا" ، الدرخناس - سريانى: بَرْبَخينا " - عربى : فرفخ " ، فرفج "، فرفج "، فرفج ين " ، رجله عسيب المجلة اللينه " ، بقلة المنه ا

۱- وجه تسمیه آن به بقلة الحمقاء (گیاه خوراکی نادان) بخاطر اینست که بدون بذر - خودرو و بدون کشت - در مسیر و راه مردم قرار میگیرد.(به نقل از غسانی) ۱۱- وجه تسمیه آن به رجله به معنای پا بخاطر واقعهای است که از رسول خدا صلوات الله علیه و اله حکایت شده و آن واقعه عبارتست از اینکه روزی در یکی از غزوات سربازان پیامبر (ص) از شدت گرما و سوزش پاهایشان به حضرت (ص) شکایت کردند حضرت (ص) برای آنان دعا فرمود پس از آن این گیاه رویش یافت - این گیاه بر سر راه آنان قرار گرفت - و موجب تسکین سوزش پاهایشان شد. (به نقل از غسانی)

أُوبِيبَذْجي ٰ (Andrakhne): در بعضی از نسخهها: أنْدرَخْنی به معنای یک پا و نامهای دیگر مانندرِجْلَة، بَقْلَةالْحمْقاء، بَقْلَةالمبارَكَة، فُرْفِير آمده است.[بن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ۲ - ۱۰۸]

Portulaca oleracea L.	يقلة الزهراء	زرياب
Portulaca oleracea L.	اوبيبذجي - أندرخني - رجله	ديسكوريد
Portulaca oleracea L. Portulaca sativa Ha.	Bombay: Khurfah	GLO.IN.
Portulaca oleracea L.	بقلة الحمقاء	خطابى

ه ٣٦ ـ بقلة حمقاء برية ع: نام كياه علفى نام يونانى آن «فابلص» است و نيز نام نوعى از يتوعات (كياهان شيراً به دار) است. علا ١٣٣ ـ بقلة حامضه عن بقلة خراسانى "، بقلة خراسانى "، بساق ترشك الله على الله عل

Oxalis acetosella L.	حماض العيد – بقلة حامضه – اقصليس صغير	الموسوعه
Oxalis acetosella L.	ترشک -حماض	پارسا

۳۶۲ - بقلهٔ خراسانیه: "اشبیلی ٔ میگوید: نامهای دیگر آن «حماض»، «وغد» و «رغل» است. و گروهی معتقدند نام «ترنجان» غیر معطر است و گروهی آن را از «فوذنجات» میدانند و درست آنست که نام مشترکی برای «ترنجان» و «حماض» است. <sup>بن</sup>

۳۹۳ ـ بقلة دشتی تنظیان علفی دشتی یا گیاهان صحرائی یا بقول بری چون «شاهترج»، «طرخون»، «یعضید»، «تفاف» است در عین حال این نام بطور اختصاصی به گیاه «تفاف» اطلاق می شود. برخی این نام را به «بقل ریشی» و «بقل دمشقی» تصحیح کردهاند. ت

٣۶٢ - بقلة الرُّماه ، بقلة الرماة : شريف مي كويد: عرب به آن بقلة البراري كويند. ع

٣٤٥ - بقلة الحسينيه":

۳٦٦ ـ بقلة الضّبّ ، بقلة الضب : گویند نام «ریحان بری» است. - نام «باذرنبویه بری» است. - ۳۲۷ ـ بقلة العروس ن نام دیگر آن: عروشیة ن - جنجقش (یعنی لطیف و شیرین) ن - القسینی ن - میوش اوطان

٣٤٨ - بقلة العدس م، بقلة العدس ": نام ديگر أن: فودنج البري م "

Mentha pulegium L.	بقلة العدس – فودنج برى	زرياب

۳۶۹ – بقلة الفارسیه": نام های دیگر آن: تره داهان"، تره گربه" – عربی: بقلة السنانیر" زیراگربه از بوی آن به ولع افتاده و آن را می خورد و در زیر سایه یا روی آن میخوابد. در نسخه فارسی نام این گیاه معادل پلنگ مشک یا فلنجمشک

۱- (و هى منسوبة الى فاطمه ابنة رسول الله (صلى الله عليه واله) و كانت تحبها و تكثر من اكلها فسماها بنو اميه بذلك و جعلوا بدل الزهراء(س) الحمقاء(اين گياه منسوب به حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليهاست كه بسيار از آن تناول مىفرمود و آن را دوست داشت و بنى اميه لعنهم الله بجاى آن به اين گياه "بقلةالحمقاء» گفتند.(صيدنه)

#### آمده است.

·		
Dracocephalum kotschyi Boiss.	پلنگ مشک(مازندران) – علف ماست (شمیران)	پارسا

یْلِیطَی (Bliton): نام های دیگر آن عبارتست از: بَقْلَة الیمانیه ـ اهالی مغرب: یَرْبوز<sup>(۱)</sup> ـ اهالی شام: جَرْبوز ـ اهالی سَواد: کَسْتُج، صَدَح، قُسْطانیقَی [بن یطار(درترجمه دیسکوریه) ۲ - ۱۰۲]

Albersia blitum Kunth. Chenopodium capitatum L. Amaranthos blitum L.	بقلة يمانيه - بلطاون	زریاب
Blitum virgatum L.	بقلة يمانيه	خطابی
Amaranthus blitum L. Syn: A.graecizas L. Var. Sylvestris (Vil.) Asch.	بليطى - بقلة يمانيه - يربوز - جربوز - كستج - قسطانيقى	ديسكوريد
Amaranthus blitum L.	بمانيه	EN.

Sonchus oleraceus L. Sonchus ciliatus L.	تفاف معروف – بقلة يهوديه – شِبْريک	الموسوعه
Sonchus oleraceus L.	صنخيس - تفاف - هرقلوس - خس الحمار	ديسكوريد
Eryngium creticum L. Eryngium campestre L. Malva rotundifolia Diss.	بقلة يهوديه - اسنان الذئب	زریاب
Hibiscus esculentus L.	بقله يهوديه	خطابی

۳۷۳ - بقم ، بَقَم ، بقم ، بقم ، بقم ، داربرنیا : معرب بکم یعنی «درخت برنیکان» است. نامهای دیگر آن: فارسی: داربرنیا سطح می است: ۱ - اقراص الملک ۲ - شجر العناب می از جناء الاحمر و گویند ضرو نوع چهارم بقم است. برخی نام صمغ آن را «شیان القاطر» می دانند.

Caesalpinia sappan L.	بقم – برنیکان – داربرنیا	زرياب

٣٧۴ ـ بقنوقومُنَّ:

:٩٤٨ – ٣٧٨

۳۷۶ -بُکْچی (بابچی): (نامی هندی)

٣٧٧ -بُكُن (يابكم): (نامي هندي)

٣٧٨ –بُكْمون (نامي فارسي)، عَرْفَج:(عربي)عرفج

Astragalus gummifera Lab.	عرفج	زرياب
Cotoneaster spp.	عرفج	الموسوعه

۳۷۹ -بَکُهرِینده ٔ: (نام هندی) ۳۸۰ - بُل ، قثاء البری الهندی ...

ب بِل - قثاء البرى الهندى كاشته شده در بلوچستان .Aegle marmelos Corr	زريا	
--	------	--

۳۸۱ \_ بُلِّع، بُلِّ سُن: نام دیگر آن بنا به نظر رازی نزد خوازنه «قنا هندی» است. تم اشبیلی میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی شلّ و بلّ را دشبوق» و «یدقه» میدانند که درست تر از بقیه نظرهاست و «بل» همان «أقطی» یا «شبوق» است. ش

Semecarpus anacardium L.	بلاذر	زر. – پار.
		L

۳۸۳ -بَلاس':(نامی هندی) نامهای دیگر آن: دهاک'،تیسو'

۳۸۴ -بَلاس بابَره : (نامی هندی)

۳۸۵ -بَلاسَنْطُورُ؛ نامی فرنگی به معنای شجرة النبی (صلوات الله علیه و اله) نامهای دیگر آن: دسنطو المینوسنطو نام اول شجرة النبی و نام دوم یعنی شجرة مبارکه)

۳۸٦ ـ بلّان<sup>ع</sup>: نام دیگر آن نزد اعراب «شیرق» است.<sup>ع</sup>

۳۸۷ -بَلْبوس، بلبوس، بلبوس، بلبوس (نامی یونانی) بصل الزیر نامهای دیگر آن: عربی: بصل الذئب، بصل الزئر، نصل ماکول فی فارسی: زیر، تلخه پیاز، شیرازی: پیاز تلکه فی تبریزی: رزی و ترکی: داغ سوغائی، لرستان: طرم، سریانی: بلابس و ا

بُلْبُوس (Bolbos): يَصَل الزاز (١)

. مُولی اخر (Molu): نام مشترک گیاه "حرمل" یعنی نوعی از بلبوس است. من ـ ابن بیطارـ آن را میشناسم و نام دیگری غیر از این نام برای آن نمیدانم.[بن بیطار(در ترجمه دیسکوریه) ۲ - ۲/۱۵۲ - ۴۴]

	Muscari comosum Mill.	بلبوس	زریاب
--	-----------------------	-------	-------

١- جامع: بصل الزيز

Muscari comosum Mill.	بلبوس - بصل الزاز	ديسكوريد
Muscari spp.	بلبوس - جلجل	الموسوعه
Allium moly L. Allium magicium L.	نوعی بلبوس - مولی	ديسكوريد

# ۳۸۸ –بِلِخْته٬ بِلْخِتَةُ<sup>ع</sup>: (نامی مغربی)

7) 1		
Periploca spp.		,
I II	بلخيه	الموسوعة ا

#### ٣٨٩ ـ بلخيّة ع:

٣٩٠ - بلس ، بَلَس: نام ديگر آن: تين ابيض - 'أشبيلي' آن را نام همه انواع «تين» ميداند. ن

۳۹۱ – بَلَسان ، بلسان ، بَلَسان ، بَلَسان ، بلسان ، بلسان ، بلسان ، حب البلسان ، سعند (نام چوب) ، عود البلسان : نامهای دیگر آن: بنا به نظر جالینوس: سمون س – بنا به نظر اورباسیوس: سامون س – اسامی چوب آن: رومی: اسفکوخوس س، بوبلسمون س – سریانی: قیس دافورسما سقیسادافورسما – فارسی: دارافرسام س – این گیاه بغیر از مصر در جای دیگر رویش ندارد و صاحب منهاج به سهو آن را «هیوفاریقون» گفته است. س

Commiphora opobalsamum Engl. Amyris gileadensis L.	بلسان -حب بلسان	زر. <b>– پا</b> ر.
Semcarpus anacardium	بلسان	خطابی
Balsamodendron DC.	بلسان	EN.
Balsamodendron myrrha Nees.	بلسم	EN.

۳۹۲ - بُلَسْكى، بلسكى، بلسكى، (نامى عربى) نامهاى ديگر آن: گياهشناسان اندلس و مغرب:مصفى الرعاة، ودود، حب الصبيان، فوة البرانية - صيدلانيه: قوت البريه - ديسكوريد: أفاديني،

۳۹۳ - بَلُوط ، بَلُوط سبلوط ببلوط ، بلوط ، بلوط ، بعث البلوط (نام پوست) ، لزاق الرخام (نام صمغ) : نام ميوه است. نام هاى ديگر آن: طبرستان: دارمازى - فارسى: بالوط - انطاكيه: دوام - عراق: عفضيج - مصر: ثمر الفؤاد - رومى: زُبان لباسا - عراق عفضيج مصر: ثمر الفؤاد - رومى: زُبان لباسا - نام ميوه: دارمازو - «شاهبلوط» از انواع آنست كه به آن «قسطل» گويند.

درّس (Drus): با توجه به اختلاف نظرهای موجود این نام معادل "بلوط" است.و دیسکورید همراه با این واژه "شاهبلوط"<sup>(۱)</sup> را نیز ذکر کرده است و آن را "قسطانیا" که همان "قُسْطل" است نامیده است.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید)۱- ۱۱۰۸ ۳ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۱۰۰

Quercus coccifera L.	درس - بلوط	ديسكوريد
Quercus ilex L.	بلوط	زرخط.
Quercus persica Jaub. & Sp.	بلوط	پارسا
Quercus robur L.		

۳۹۴ -بلّوط الارض ، بلوط الأرض ، بلوط الارض ، بلوط الارض ، خامادریوس : نام مشترک بین کماذریوس و گیاه دیگر است. امام دیگر آن به یونانی: کمادریوس است. نام است است می این نام را برای ریشه های مخنشی، بخاطر شباهت

١-به بلوط الملک رجوع شود.

آن به بلوط بکار میبرند. د

خامادَرْيون (Khamaidaruos): برگردان عربی «کَمادَریوس» "بلوط الارض" است زیرا "خاما" به معنای "أرض" (زمین) و "درس" به معنای "بلوط" است.[بن بیطار(درنرجمه دیسکوریه) ۳ ـ ۹۳]

T , 1 , 1		
Teucrium chamaedrys L.	خامادريوس – كمادريوس – بلوط الأرض	ديسكوريد

٣٩٥ -بلوط الملک ، بلوط الملک ، شاهبلُوط ، شاهبلوط ، نامهای دیگر آن: شاهبلوط س – سریانی: بلوطاملکا س – رومی: قَسْطنه س وَشَطُلُ ، قشطل ا

Castanea sativa Mill.	شاه بلوط	زریاب
Castanea vesca Gaertn.		
Castanea vulgaris Lam.		
Castanea sativa Mill.	شاه بلوط	طباطبائى
Castanea vulgaris Lam.		
Aesculus hippocastanum L.	شاه بلوط هندی	طباطبائى

۳۹۶ –بلوطی٬، بلوطی٬: ن**امهای دیگ**ر آن: هندی:کجی٬،کهجور٬ عامه اندلس به لاتینی به آن «مُژویُه یلبوسه<sub>»</sub>گویند و نباید باگیاهان شیرابهدار اشتباه شود.۶

بلُّوطی (Ballote): نوعی ازفَراسْیُون با رنگ سیاه و با نام لاتینی «مَرُّویُهٔ بُنْتوشُه» است.ــ در ترجمه کتاب جالینوس نام این گیاه با «لاعیه» اشتباه شده است زیرا «لاعیه» از گیاهان صمغ دار است و «بلوطی» فاقد آن است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ ـ ۹۸]

Ballota nigra L.	دیسکورید بلوطی
------------------	----------------

۳۹۷ - بلوغوناطن<sup>س</sup>: گروهی آن را به اشتباه «غوذیوله» میدانند.<sup>س</sup>

۳۹۸ -بَلول ؛ (نامی هندی)

۳۹۹ - بلیان : (نام درخت مصری)

• • ۴ - بليحاء ً: نامهاى ديگر آن: مغرب: ليرون ـ أسليح

۴۰۱ - بَليلَج ، بليلَج ، بليلج ، بليلج ؛ نامهاى ديگر آن: هندى: بهيره - هليله

Terminalia bellerica Roxb.	بليلج	زرياب
		L

۴۰۲ - بلیطن ش: برخی پنداشتهاند «عُشْبة الطحال» است و نامهای دیگر آن «فلیطش» و «بیلیطش» است. س

۵ ۰ ۴ ـ بنتومه<sup>ع</sup>، بنتومه<sup>غ</sup>، بنتومه<sup>نی</sup> : (نام گیاهی در اندلس) **نامهای دیگر آن**: شام و اندلس: رقعة الفارسیة<sup>عنی</sup>، ذَرْق الطیر<sup>ع</sup> ـ اهالی شوبک شام: عَنه<sup>ع</sup> – فاس: انجبار<sup>غ</sup>

Bontronca -1

۴۰۳ - بُنْتُزَنْقَة <sup>ش(۱)</sup>: برخی آن را به اشتباه «باطرنیقی» میدانند. <sup>ش</sup> **نامهای دیگر آن**: خامادریوس ش- بلطالة ش- بلوط الارض<sup>ش</sup>

۴۰۴ - بِنْتَقَة نَّ: بنا به نظری نوع دوم کمادریوس با نام « طربه لُبّه» است و بنا به نظر دیگر نوع سوم «کمادریوس» است. نامهای دیگر آن عبار تست از: قسطرن، قسطریون، قسطوریون، باطرنیقی، رُسمارینا، ذنب الهِرِّ <sup>دن</sup>

Loranthus europaeus L.	بنتومه	خطابی

۴۰۶ - بنج "، بنج "، بنج البنج "، بنج "، بنج "، بنج "، بنگ " بزر البنج " (معرب بنک فارسی) سیکران": نامهای دیگر آن: عربی: سیکران " السیکران " مشیشة الشرک "، خداع الرجال " - فارسی: بنک " - یو نانی: افیقون ا - سریانی: از مایلوس ا، زرع شخرونیا " - بربری : اقطفیت اسقیراسن ا، اسقروامس " - هندی : اجواین خراسانی ا، هاتورا " - دیلمی : کیلجک ا، کیرجک از ررا غلاف آن مشابه قفیر است ) - رومی: هیوسقاموس " - فاس: کینکیط آشبیلی می گوید: دارای چهار نوع است نامهای نوع اول آن عبارتست از: اسقولس - ایو سقوامس - برسیا - انلی - ملمندر - در بعضی از ترجمه ها: بوسیر، نوع دوم آن قرمز رنگ است و نوع سوم «بنج اسود» و نوع چهارم آن «سیکران» نام دارد. " بنگ سه نوع سیاه و سفید و سرخ است و بهترین آن سفید و سپس سرخ آن است. " ایشفوائس (Huoskuamos): سه نوع دارد. بنج - نام عربی و اندلسی: سینگران ـ مِلْمَنْدَر ـ بیّضَمُون - معادل «شوکران» دانستن آن استاد این یطار (در ترجمه دیسکرید) ۴ - ۱۲ ا

Hyoscyamus niger L.	ايسقوامس - بنج	ديسكوريد
Hyoscyamus albus L.	بنج ابيض - سيكران	الموسوعه
Hyoscyamus niger L.	بنج اسود - سَكُران	الموسوعه
Hyoscyamus albus L. Hyoscyamus niger L.	بنج - حشيشة الشرك	زریاب
Hyoscyamus niger L. Hyoscyamus reticulatus L.	بذر البنج	پار. –طبا.
Datura fastuosa L.	بنج	خطابی

۷ ۰ ۴ ـ بنجشکروان ع: (نامی فارسی) نام دیگر آن: لسان العصفور ع

۴۰۸ - بنجین <sup>در</sup>: نام دیگر آن «فنجین» است و برخی آن را «کف السبع» و عدهای «مدلوک» میدانند. <sup>در</sup>

۴۰۹ –بَنْدا': (نامی هندی) نام دیگر آن: عربی:خرطان<sup>ا</sup>

۴۱۰ - بَنْدال ؛ (نامی هندی) نام دیگر آن: سنکپره ا

۴۱۱ - بُنْدُق، بندق ، بندق ، بندق ، بندق ، بندق (معرب فندق فارسی): نامهای دیگر آن: فارسی: فندق - عربی: جلوز ، جلَّوْز عُ الله می الله الله علی الله الله عندق الله عندق الله عندقا می الله الله عند الله الله عند 
Corylus avellana L.	بندق – فندق	زپخ.

۴۱۲ -بندق هندی، بندق هندی، بندق هندی : نامهای دیگر آن: هندی:ریتهه ٔ - نبطی:رته ٔ - بربری: اطموط،اطماط ٔ ـ جوز الرتّة ٔ

Caesalpinia bonducella Fl.	بندق هندی - قارح - جوزلَوْتَه	الموسوعه

۴۱۳ -بِنْطافَلُن (فنطافیلون) من بنطافِلون منطافلون بنطافلّن نامی یونانی) به معنای دو خمسة اوراق سی یعنی دارای پنج برگ ، بنطاطوس به معنای دو خمسة اقسام (دارای پنج قسمت) بنطاناطی به بنطاباطِس به معنای دو خمسة اصابع یعنی دارای پنج بال ، بنطاد قطولُن به معنای دو خمسة أصابع یعنی دارای پنج انگشت - فاس: عشبة خیر من الف عد الله بنطاد قطولُن به معنای دو خمسة أصابع یعنی دارای بنج انگشت - فاس:

بَنْطاقْلُن (Pentaphullon): به معنای وذو خمسه أوراق، یعنی دارای پنج برگ ـ بَنْطامومُن (Pentatomon) به معنای ومنقَسِم

لخمسَه أقسام» یعنی به پنج قسمت تقسیم شده ـ بَنْطابیطُوس (Pentapetes) به معنای «ذو خمسه أجنحه» یعنی دارای پنج بال ـ بَنْطادَقْطولُن (Pentadaktulon) به معنای «ذوخمسه أصابع» یعنی دارای پنج انگشت

. گیاهی داروئی از داروهای تریاقی است که ریشه های آن مورد استفاده قرار می گیرد، این گیاه بیشتر در کنار جویبارها و نهرها میروید. و اهالی اندلس به آن «کَفَّ مریم»که نام مشترکی است میگویند.[ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید)۴ ـ ۳۸]

Potentilla reptans L.	ذو خمسة اوراق - فنطافيلون	زرطبا.
Potentilla reptans L.	بنطافلن	ديسكوريد

۴۱۴ -بَنَفْسَج ، بنفسج م بَنَفْسَج ، بنفسج ، بنفسج ، بنفسج ، بنفسج ن معرب بنفشه فارسی - بنفشه بهترین کوفی بُود . آ اشبیلی می گوید: بنفسج از جنس کفوف و نوعی جنبه است و دارای سه نوع بستانی، بری و نوعی در اشبیله است نام نوع بری آن «ابن» است . نامهای دیگر آن: عربی:فرفیر ا - یونانی: ابرو ا - رومی: فسوشی لیون س - سریانی: منشخا س (منشحیا)

Viola odorata L.	بنفسج	زطخj
Viola spp.	بنفسج	الموسوعه
Viola odorata L.	بنفشه	پارسا
Viola tricolor L.	بنفشه فرنكى	پارسا
Viola cinerea Boiss.	Punjab & Bombay: Banafsha	GLO.IN.
Viola odorata L.	Bengal: Banafsha Hend & Bombay: Banafshah	GLO.IN.
Viola serpens Wa.	Punjab & Hendia: Banafsha	GLO.IN.

۴۱۵ -بَنْقَه': نام دیگر اَن به شیرازی«مشو» است.ا

۴۱۶ -بَنَک، بنک<sup>ع</sup>:

نُشْقُفُشُن (naskaphton): گویند نام «بُنْک» است و اینچنین نیست وآن دوای مجهولی است که در حال بررسی آن هستم. ابن بیطار\_ [بن یطار (در ترجمه دیسکوریه)۱ - ۲۱]

٤١٧ ـبُنِّ : نام ديگر آن: قهوه ا

۴۱۸ -بَنْسِتْكِیٰی از (نامی هندی) نام دیگر آن به هندی بن چهتکی است، بن به معنای جنگل و چهتک به معنای پریشان است.

۴۱۹ – بَنْک مُخَيَر ":

۴۲۰ -بَنْياله س: (نامي هندي)

**۳۲۱ - بوذریج <sup>۳</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است. <sup>۳</sup>** 

۴۲۲ -بُوزيدان ، بوزيدان ، بوزيدان ، بوزيدان ، بوزيدان ، بوزيدان ، بوزيدان ، نوزيدان ؛ (نامى فارسى) ؟ نام هاى ديگر آن: عربى: مستعجله ، مستعجل ، خصى التعلب - سندى: شذوار " ـ "ابن رضوان " مى گويد نوعى «مستعجلة ، است. ع

Orchis morio L.	بوزيدان	زریاب
Tanacetum umbeliferum Boiss.		
Caucalis orientalis (L.) RE. Syn: Torilis leptophylla		
Withania somnifera Dunal	بوزيدان	پارسا

Orchis spp.	بوزيدان، سَحْلَب، خصى الثعلب، قاتل اخيه، سطوريون	الموسوعه
Opuntia hircina	بوزيدان، خصى الثعلب	خطابی
Orchis morio L.	بوزيدان	EN.

۴۲۳ –بوشدربندی، بوش ، بوش دربندی : نام قرص هائی است که از برگ های گیاه آن می گیرند. ا

۴۲۴ ـ بوشیاد<sup>ع</sup>: نزد "دَوْنسَ بن تمیم" نام «سلجم» است.<sup>ع</sup>

۴۲۵ – بوصیر "، بوصیر "، سیکران الحوت "، فلومس": نامهای دیگر آن: جوزناق یا عامه اندلس: بربشکه تا بربری: أقنقن و دیسکورید: فلومس بیونانی: فلومس و پزشکان شام و عراق: ماهی زهرج وجه تسمیه آن به «سیکران الحوت» برای کاربرد آن است زیرا نرم شده و کوبیده شده آن بر صخره اگر در آب راکدی ریخته شود و با حرکت دادن آن، با آب مخلوط گردد سبب می شود تا ماهی ها بی حس و در حال برگشته روی آب بیایند. ق

فْلُومُس (Phlomos): بوصیر \_انواع فلومس بسیار و دارای کل زرداند. گیاه در مصر یافت می شود.[بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه)۴ - ۹۳]

Verbascum thapsus L.	بوصير	زر. <b>- طبا</b> .
Verbascum spp.	فلومس - بوصير	ديسكوريد
Verbascum spp.	بوصير، بوصيرا، اذان الدب، مُسْكِرالحوت	الموسوعه
Verbascum thapsus L.	بوصير ابيض	الموسوعه
Verbascum nigrum L.	بوصير اسود، لبيذه سوداء	الموسوعه

۴۲۶ ــ بوطانیة <sup>ت</sup>: ن**ام دیگر آن** به عجمی اندلس «کرمة السوداء» ٔ است. ابن وافد آن را«کَرْمة البیضاء» میداند که اشتباه مسلم است زیرا این به سریانی داروئی با نام «فاشرشتین» است. <sup>ت</sup>

۴۲۷ - بوطاماخیطس<sup>تن</sup>:

۴۲۸ –بولامونیون<sup>۲</sup>، بولامنیون<sup>ع</sup>، بولامینون<sup>د</sup>: (نامی یونانی)

	Polemonium Spp.	قَبَس -بولمونيوم	الموسوعه
--	-----------------	------------------	----------

۴۲۹ -بولْسَری : (نامی هندی) نامهای دیگر آن: بهولسری - بنگاله:بول ،مولسری ا

۰ ۴۳ ـ بولوغنن<sup>۳</sup>: نامی یونانی به معنای ومُکَثِّر اللَبَن<sub>»</sub> یا زیاد کننده شیر<sup>۳</sup>

۴۳۱ ـ بولوغانطن<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای «کثیر العقد» یا پر گره<sup>ع</sup>

۴۳۲ ـ بولوقنیمُن ؓ: نامی یونانی به معنای «کثیر الرؤوس» یا دارای سرشاخه بسیار ؓ

۴۳۳ –بویِنون٬، بونیون٬،بونیون<sup>د</sup>:(نامی یونانی) نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: أقطیون<sup>۳</sup>

۴۳۴ - بوئی ؛ (نامی هندی)

۴۳۵ – بهار "، بهار"، بهار"، بهار"، بهار"، بهار"، بهار"، بهار"، عار جشم عن نامهای دیگر آن:بنا به نظر اورباسیوس: بوفثالمون "، بوثلمون " - سریانی: عینی ثورا" – فارسی: گاوچشم " – عربی: عَرار"، عین البور"، عین البقر البه نظر "دیدی: گاوچشم " – عربی: عربی: عربی: البه نظر "دیدی البه نظر " تمیمی": نام نوع کوچک آن در شام: من العجل الغراب الغربی می الغربی المناوری می الغربی المناوری می الغربی المناوری المناوری المناوری المناوری المناوری المناوری المناوری المناوری می المناوری می المناوری می المناوری می المناوری ا

بُقْتُلْمُنُ (Buphthalmon): برگردان عربی آن «عَین البقر» است و نام دیگر آن در ترجمه کتاب جالینوس «بهار» ذکر شده و از انواع «بابونج» و از آن بزرگتر است. نام بربری آن أَمَّال و به لاتینی بیلْیو (Boliche) است. ـ برخی از انواع آن زرد و برخی سفید رنگ است.[بن یـطار (درترجمه دیسکورید)۳ ـ ۱۳۴]

Anthemis arvensis L.	بقثلمن - بهار	ديسكوريد
Anthemis arvensis L.	بهار	ز ط.،.E
Chrysanthemum coronarium L.		
Chrysanthemum segetum L.		
Anacyclus radiatus L.		
Anacyclus valentina		
Anthemis tinctoria L.	عين الثور	طباطبائى

# ۴۳٦ ـ بَهش ع: نوعى بلوط - نامهاى ديگر آن: عجمى اندلس: حِركه ع، شوبرع

۴۳۷ \_ بهفانج<sup>ع</sup>: گویند نام «مرو» است و در کتاب مجوسی دو نوع از آن نامبرده شده، نوع خوشبوی آن «مرماحور» نام دارد.<sup>ع</sup> ۲۳۸ \_ بهمن<sup>۲</sup>، بهمن<sup>۳</sup>، بهمن<sup>۳</sup>، بهمن<sup>۳</sup>، بهمن<sup>۳</sup>، بهمن<sup>۳</sup>، بهمن<sup>۳</sup>؛ (نامی فارسی) بهمن دارای دو نوع قرمز و سفید است.<sup>۳ نامهای دیگر آن: فاس: جیز<sup>۴</sup> \_ نوع قرمز: بهمن ابیض<sup>۴</sup> \_ نوع سفید: بهمن سفید<sup>۴</sup>، کف الجذماء<sup>۴</sup>، کرمة البیضاء<sup>۴</sup></sup>

Statice limonium L.	بهمن سرخ	زرياب
Centaurea behen L.	بهمن سفيد	زرالم.
Centaurea behen L.	بهمن	خطابى

### ۴۳۹ -بُهْمی، بهمی ، بهمی ، بهمی بهمی ا

فونُقُس (قوتقس) (Phoinix): نام عربی آن «بُهْمی» است. ابوحنیفه گیاه تازه و خشک «بهمی» را از بهترین گیاهان یکساله خوراکی می داند. عرب به گیاه خشک آن «عِرْب» (غرب) و «صَفار» (صقار) گوید. "بَکْری" نام واحد آن را «بُهْماه» گوید و عامه مردم به آن «بُهْماه» گویند. این گیاهی مشابه «خُرْطال» ولی از آن باریکتر و دارای سنبلهای قرمز رنگ است. وقتی خشک آن در فضا پراکنده شود و به لباس می چسبد. در منابع دیگر گیاه دارای سفس ؟ ذکر شده است اجزای خشک شده گیاه در هوا معلق مانده و با وزش باد در چشم و گوش رفته و در مواقعی ممکن است منجر به کوری شود.ذوالرمه نیز در مورد این گیاه و اسامی مختلف آن این شعر را سروده است:

# رَعَتْ بَأَرْضَ البُهْمِي جَمِيماً وَ بُسْرَة وَ صَمْعَاء حتى آنَفَتْها نِصالُها

واژه «بارِض» مربوط به موقعی است که گیاه از زمین رویش می یابد. واژه «بُسْرَة» هنگامی که برک های گیاه روئیده می شود. واژه «صَمْعاء» در موقع رشد سنبله گل گیاه است. واژه «جَمیم» مربوط به زمانی است که گل باز شده آن حالت چتر پیدا میکند. واژه «آنفَتْها» دخلَتْ فی اُنوفها؟ و این گیاه نزد عرب معروف است.[بن پیلار(در ترجمه دیسکورید)؛ - ۳۹]

Lolium perenne L.	بهمى	زرياب
Lolium perenne L. Avena fatua L.	فونقس – بهمی	ديسكوريد
Avena fatua L.	بهمى	خطابى

۴۴۰ - بُهْنُكره ؛ (نامي هندي)

۴۴۱ - بهوئی انوله ؛ نامی هندی به معنای امله زمینی

۴۴۲ –بیارانکا': (نامی هندی)

۴۴۳ -بیبَل؛ (نامی هندی)

۴۴۴ - بیخزر ین گیاه ٔ: نامهای دیگر آن: فرنگی:جیسو ٔ

۴۴۵ - بیزه": نام دیگر آن:آذربایجان: بیوه زا<sup>۳</sup>

Eryngium campestre L.	بيزه	زرياب

۴۴۶ -بیسِم ؛ نام میوه ای است.

۴۴۷ - بیش که بیش سه نوع است... عنی نامی هندی) "عیسی بن علی" می گوید: بیش دارای سه نوع است... عنی نام نوع سوم آن «نبال» است. نی زهر جانوران است که با دندان چون دد و دام... بیش زهری است و بدان که زهرها اگر چه بسیاراند اصل آن ها سه است، یکی زهر جانوران است که با دندان چون دد و دام... بیش زهری سمی است که چون بخورند صدمه ببینند مانند زهر نبات یا آن زهر هائی که از سنگهای معدنی حاصل شوند... دیسقوریدوس که بیش پنج گونه است یکی را «حددی» گویند و آن سست است بر دو رنگ زرد و سپید و دوم «شذه» خوانند به «مارچوبه» ماند و سستی است میانه، و سیّم را «برهمّن» گویند، درونش سپیدبود یا زرد و سستی است این نیز میانه و چهارم «کلاکون» است، رنگش به «هلهل» زند و وصفش همانند اوست.

Aconitum ferox Wall.	بيش	زرطبا.
Aconitum spp.	انتله - بيش - اقونيطن - اكونيت	الموسوعه
Aconitum ferox Wall.	Hindia & Bengal: Bish	GLO.IN.
Aconitum luridum Hook.	Hindia: Bish	

۴۴۸ ـ بیش موش بیشا:

۴۴۹ - بیض الاوزّ ": نوعی فطر**، نامهای دیگر اَن**َ: فواحش <sup>در</sup>، عَورة الارض <sup>در</sup>، ذکر الارض <sup>در</sup>

۴۵۰ – ب**يقيه** س بيقه

أفاقی (Aphake): نوعی از ورطبة »که در ابتدا رویش آن مشابه وحندقوقی» است.(ابن بیطار درکتاب جامع این نام را معادل بیقیه دانسته است.)[بن بیطار (درترجمه دیسکورید)۲ - ۱۳۲]

Vicia cracca L.	بيقه	دی. – زریاب
Vicia sativa L.		
	<del></del>	

۲۵۱ - بَيُنْبِ<sup>ن</sup>ُ: **نام ديگر اَنُ**: فينقس<sup>ن</sup>

۴۵۲ -بیل؛ نام هندی میوهای است.

# حرف «ت»

# ۴۵۳ –تارا: (نامی هندی)

۴۵۴ - تاجر<sup>دن</sup>: **نام دیگر اَن**: آذریون — وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن در روز باز و شب بسته است بنابراین به هر گیاه دیگر که دارای این خصوصیت باشد چون نیلوفر نیز گفته می شود.<sup>دن</sup>

۴۵۵ - تازرت<sup>نن</sup>: برخی آن را «کرمة البیضاء» میدانند.<sup>نن</sup>

۲۵۶ ـ تاکُوت ، تاکُوت نظ (نامی بربری) این نام برای «فرفیون» و هم برای «حب الأثل» یا «کزمازک» است. من ۴۵۲ ـ تألَب نظ الشبیلی می وید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتم» معرفی کرده اند. نظم الشبیلی می وید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتم» معرفی کرده اند. نظم الشبیلی می وید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتم» معرفی کرده اند. نظم الشبیلی نظم الشبیلی الشبیلی الشبیلی الشبیلی نظم الشبیلی نظم الشبیلی الشبیلی نظم الشبیلی الشبیلی الشبیلی نظم الشبیلی الشبیلی الشبیلی نظم الشبیلی الشبیلی نظم الشبیلی نظم الشبیلی الشبیلی نظم ا

۴۵۸ - تال مَكُهارا ؛ (نامي هندي) تال مكهانانبول ا

۴۵۹ ـ تامسورت: (نامی بربری) نامهای دیگر آن: مُوّا ـ گیاهشناسان أشبیلیة: بُسیَبْسة ع ـ بعضی از بربرها: کَمّون الجبل ۴۶۰ – تانبول، تامول، تامول تنبول، تانبول، 
Piper betle L.	تامول – تنبل – شاه صینی	الموسوعه
Piper betle L.	تامول	زر.، .EN
Piper betle L.	برگ تاملوک – برگ تانبوک	پارسا

۴۲۱ ـ تانقیت: (نامی بربری)

۴۶۲ - تربة :

۴۶۳ - تُرْبُدا، تربد من تربد من تربد من تربد من تربد من تربد من تربد في تربد في قارسي) نامهای دیگر آن: هندی: تسوت اتاک پتروبداره اس بنگال: پتوهری اس ومی: یثیون من طریون من سندریون سسریانی: طربد من طربید سسمندی: تربیج من المیزه المیزه المیزه من المیزه ال

طرِيفولْيون (Tripolion): بنا به نظر "ابن وافد" نام «تربد» است. [بن بيطار (در ترجمه ديسكوريد)۴ ـ ١٠١]

Ipomea turpethum R.Br. Convolvulus turpethum L.	تربد	ز.، خ.، ط.
Ipomea turpethum R.Br.	ئرند ئرند	الموسوعه
Aster tripolium L.	طريفوليون – تُرْبُد	ديسكوريد

۴۶۴ - ترسی<sup>د</sup>: نوعی نیلوفر **نام دیگر آن**: به یونانی: باطاسیطس<sup>د،</sup>

تَرْمَى أيمارُوس (Thermos hemeros): تُرْمُس ـ ابوحنيفه مي گويد: بَسِلَّة نام دارد زيرا تلخ و بــدمزه است.[ابــن بـيطار (در تـرجــمه ديــكوريه)۲ - ۱۹۶]

Lupinus spp.	تُرْمُس	الم.، .EN
Lupinus termis forsk.	ترمی ایماروس ترمس بسله	ديسكوريد
Lupinus angustifolius L. Lupinus termis forsk.	ترمس	زریاب
Lupinus albus L.	باقلای مصری – ترمس	پارسا

Lupinus angustifolius L.	ت مس	طاطاة
		حبحبتي

۴۶۶ - تزلیت<sup>ش</sup>:

۴۶۷ - تَنْضُبُّ: از جنس درختان بزرگ

۴۶۸ - تَنْعیمه ٔ : به عقیده برخی «قُلقاص» و به نظر عدهای نوعی «جوز» است. ٔ ۳

۴۶۹ - تریامان ": نام دیگر آن:اغافت "

Agrimonia eupatoria L.	تريامان -اغافت	زریاب
Eupatorium cannibinum L.	~	

۴۷۰ - تَشْميزَ ج ، چشميز ج "، چَشيزَ ج"، تشمير ج "، کحل السودان "، تشمير خ "، جاکسو": نام دانه و معرب «چشميز ج » فارسى است. ا - نام هاى ديگر آن: فارسى: چشمک ، چشوم ، چاکشو "، جاکشو"، جاکشو "، چشميز " - هندى : چاکسو ا - رومى: انقيلامى " - هندى : جاکله " - اهل هرى: جَخِجْن " - سيستان: تشن " - خوارزم: جاکج "، جاکجو"، جمسينج " - جمشک " - اطرايلس "

Nigella sativa L. Cassia absus L.	چشميزج	زرياب
Pimpinella anisum L.	تشميزج	EN.

۴۷۱ - تُفاح ، تفاح ، تفاح ، تفاح ، تفاح ، تفاح ، تفاح ، نامهای دیگر آن: فارسی:سیب ، می سیب ، - رومی: ادرومیلن ، میلا میلی - سریانی: حمرادحزوری ، (حزوزی) - یونانی: منسانیا ، - بربری: آتفاح ، - عجمی: مُنسانَة ، - تـفاح بـری: جـالینوس: هبیملیون ،

مِيلاً أس (Meleas): تُفَاّح [ابن يطار (در ترجمه ديسكوريد)١ - ١١٨]

Pyrus malus L.	تفاح – می سیب	زرياب
Pyrus malus L.	ميلاأس – تفاح	ديسكوريد
Malus orientalis Ugli.	تفاح	طباطبائى

## ۴۷۲ - تفاح الدُّبِّ<sup>س</sup>ُ: نام دیگر اَن: رومی: فقومیلاس<sup>س</sup>

Crataegus azarolus L.	تفاح الدب	زرياب
Crataegus sinaica Boiss.		55
		<u> </u>

۴۷۳ ـتفاف<sup>ع</sup>: (نامی بربری) **نامهای دیگر** آن: بقلة الیهودیة<sup>ع</sup> ـ خس الحمار<sup>ع</sup> – "دیسکورید" میگوید دارای دو نوع بری و بستانی است.<sup>ع</sup>

۴۷۴ - تَمْرا، تمر من نخل من تمرا تمرا تمرا تمرا بلح بلح بلح بلح بلط بسر (غوره خرما) مطلع (اول ثمر نخل آوره نخل تازه) نامهای دیگر آن: فارسی:خرما اسریانی:تمرا من بلوطی صقلا سی هندی:کهجور ایچهارا اسی خوره خرما است بلی شود و مدور شیرازی: خرک بلیج: فارسی: غوره خرما است) سبز شود و مدور

Phoenix dactylifera L.	نخل	ز.، د.، پ.

۴۷۵ -تمر هیرونی ا قسب : نام دیگر آن: خرما هیرون "

دَقْسَيْطُس يا فَنَيْكُس: (Phoinix) نخل [بن بيطار (در ترجمه ديسكوريد)١ - ١١١]

۴۷۶ -تمر هندی ٔ تمر هندی ٔ تمر هندی ٔ صبار ٔ صبار ٔ نامهای دیگر آن: عربی:صبار ٔ،حماروحوش ٔ،خومر ٔ -هندی:انبلی ٔ ٔ ٔ – فارسی: جنجه ٔ – زنجیه: مکوجوا ٔ ٔ

Tamarindus indica L.	تمر هندی	زرطبا.
Tamarindus indica L.	تخم تمر - دانه تمر هندی	پارسا
Tamarindus indica L.	تمر، هندی – حَوْمَر – حُمَر	الموسوعه

۴۷۷ - تَنْعيمه ": (گياه اَبزي)

۴۷۸ – تَنُّوم <sup>س</sup>، تنوم<sup>ش</sup>، شجرة الیمام<sup>ع</sup>: (تنم) (نامی معروف نزد اعراب بقیع و اهالی حجاز) **بام دیگر آن**: طورنَه شول<sup>د(۱)</sup> نوع کوچک آن گیاهی است به نام «طُرْنَسول»، نام دیگر آن وتنوم، و به سریانی «صامریوما» است.<sup>ع</sup>

أَيْلُيُوطْرُوبْيُون طُومِقْرُن (Heliotropion to mikkron): كياهي مشابه «فراسيون» با بذرى سه كوش است كه از آن مداد درست مى كنند. نام هاى ديكر آن عبارتست از: مغرب: حشيشة السَّواقى ـ عربى: تَنُّوم ـ لاتينى: يربه (شُذْ) يره (Hirba soldera) به معناى عُشْبَة اللحام [بن يطار (در ترجمه ديمكرريد)؟ - ١١٣]

Cannabis sativa L.	تنوم	زرياب
Croton tinctorium L.	ايليوطروبيون طومقرن – تنوم	ديسكوريد

۴۷۹ – توت (نامی عربی)، توث (نامی فارسی)، توث توت حلو توت حلو توت حامض توت عربی: درختی از جنس کفوف و در دو نوع بستانی و بری است نام بستانی آن «توت الحریر» و نامهای نوع بری آن عبارتست از: توت وحشی، علّیق، سوفامینوس، توث، صواب، توت لَحن - حجاز: بشکل - بصره: فِرصاد الله علی توت شامی: نوع ترش الله توت نبطی: نوع شیرین الله عربی: ف صاد الله صاد الله علی الله عربی الله ع

مُوْرًا (Morea): تُوت ـ عربي: فِرْصاد منام شيره آن: دِياميرون (Dia moron)[بن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١٧٧]

Morus nigra L. Morus alba L.	توث -فرصاد	زر.، <b>خط</b> .
Morus alba L.	مورا - توت - فرصاد	ديسكوريد
Morus sp.	توت - فرصاد - توث	الموسوعه

۱- Toma sol اصطلاح اسپانیائی

Morus acedosa Cr. Syn: M. indica L. Morus alba L.	Hendia & Panjub & Bombay & Bengal: Tut	GLO.IN.
Morus nigra L.	Baluchistan:Shahtut	GLO.IN.

۰۴۸ - تودری، تودری، تودری، تودری (نامی فارسی) تودری شنبدله بزر الهوه تصیصه نامهای دیگر آن: تودری تودر تودری تودری تودری تودر تودری 
أروسِيْمُن (Erusimon): تُوذَرى ـ تُوذَرَنْج ـ عربى: صَوب ـ عجمية اندلس: شُنْدَلَّه ـ جالينوس: أروسيمون [بن يطار (در ترجمه ديسكوريه) ٢ - ١٩١١)

Sisymbrium officinale L. Erysimum officinale L.	اروسیمن - توذری - صوب	ديسكوريد
Sisymbrium spp.	توذريج - فِجْل الجِمال - قسطبرى - سماره	الموسوعه
Sisymbrium officinale L. Erysimum officinale L.	تودری	زریاب
Alyssum campestre L.	تودرنج	طباطبائى
Alyssum campestre	Panjub & Bengal: Todri safed	GLO.IN.

۴۸۱ -تُورَئي ؛ نام هندي ميوه

۴۸۲ - توءمان ":

۴۸۳ –تَهکار ':(نامی هندی)

Ficus palmata Forsk.	تين - انجير - طبار	زریاب
Ficus carica L.		
Ficus carica L.	تين	دىخط.
Ficus spp.	تين	الموسوعه
Ficus carica L.	تين معروف – بلس	الموسوعه
Ficus carica L.	قسمى انجير وحشى	پارسا

Ficus carica L.	تين	طباطبائى
Ficus carica L.	Hendia & Bengal: Anjir - Punjab: Fagari	GLO.IN.
	Sanskrit & Bobay: Anjira	

۴۸۵ –تيواج : ؟

#### حرف «ث»

۴۸۶ - ثافِسیا'، ثافسیا'، ثافسیا '، تفسیا '، تافسیا ' (نامی مغربی)، أدریس (نامی بربری)، ینتون : نام صمغ گیاه است. ثافیس نام جزیره ای است که اولین بار گیاه از آن ذکر شده است. در مورد ماهیت آن اختلاف است. نام صغ «منان» یا صمغ «منان» یا صمغ «مینا» می دانند و برخی آن «سذاب» گفته اند. نام های دیگر آن: یونانی: مراس ا - بربری: اورباس '، أدریاس ٔ - مغرب: دریاس ٔ - صمغ «سذاب» دانستن آن اشتباه است. ونانی: مراس است، شناه است.

Thapsia garganica	دریاس – دروس – دَرْسَت – اِدْریاس – ٹافَسِیا	زریاب
Thapsia garganica Vicia sativa L.	تافسيا	خطابی
Gum of Anethum graveolens L.	ثافسيا	EN.

۴۸۷ ـ ثاليطرن ؛ نام هاى ديگر آن: كُزبرة الحبشة ع ـ برخى نام ورقعة اللَّطينية ، به آن دادهاند. ع

Thalictrum aquilegifolium L.	ثاليطرون	EN.
------------------------------	----------	-----

۳۸۸ - تُداء ": در مورد ماهیت آن اختلاف است. ابونصر" آن را نوغی حُمّاض با نام «تُرْف» معرفی کرده و "ابو حَرشَن خشک آن را «مُصاص» گفته است. در

۴۸۹ - ثرمان <sup>در</sup>: نوعی جنبه از جنس حَمْض است. <sup>در</sup>

۴۹۰ - ثریا<sup>ش</sup>:

۴۹۱ - تُغَبِ<sup>د</sup>: درخت بزرگی است که در قلههای کوه رویش دارد.<sup>در</sup>

۴۹۲ - تَغام "، تنام": نامهای دیگر آن: عربی: حَلی "، إزراری" - فارسی: سپید گیاه" ( درمنه اسپید)

زرياب ثغام - سپيدكياه Atractylis gummifera L.
---

۴۹۳ ـ ثُلُبُّ: (نامي عربي)

۴۹۴ - شَمام ، ثمام: (نامی عربی) نام های دیگر آن: غَرَب د ـ تنکابن:زرواش - مازندران:میل ا

Pennisetum sp.	ثمام	زریاب

۴۹۵ - **توع<sup>ش</sup>:** 

**۴۹۶ - ثِوَم<sup>ِّن</sup>: درخت بزرگی است که در شهرهای عربی رویش دارد.<sup>س</sup>** 

۴۹۷ – شوم ، ثوم »، ثوم »، ثوم »، ثوم »، ثوم »: نامهای دیگر آن: فارسی:سیر ٔ – هندی:لهسن ٔ – سریانی: توما » – رومی: اسکردا » – نامهای نوع دشتی آن: رومی: اسکردیون » – سریانی: ثومادیرا » – فارسی: سیردشتی » – مولیقنلس » (هوفیوسقردن) – نامهای ثوم بری: یونانی:اسقوردیون ٔ – عربی:ثوم الحیه »، دراتنوسقردیون »

نام های ثوم جبلی: فارسی: مُوسیر ٔ – نوع دیگر «ثوم دی الأسنان» به نام «أغلیس» است. ٔ – اشبیلی می گوید: ثوم بر گیاهان مختلفی گفته می شود که عبارتند از: ۱ - ثوم معروف (نوعی بصل) ۲ - نوع بستانی با نامهای: سقردین، لوفو سقردین، الیش، تیشَرت، تسکرت ۳ -نوع بری با نامهای: اسقندریون، ثوم الحیّه ۴ - ثوم جبلی با نام اسقندریون ش

شْقُرْدِين (Skordon): ثوم البستاني

أُونْيُوشْقُرْوْين (Ophiooskordon): ثوم الْحَيَّة

بْرِاسِنُوشْقُرُوذِين (Skordoprason): ثوم كُرّاثى

أُشْقُرُونِينَ (Skordion): اين گياه را بخاطر مشابهت در بو وثوم، ناميدهاند و جالينوس آن را بعنوان وثوم بری، معرفی كرده و آن غير از وثوم الحيَّة، است. نام های ديگر آن وحافظ الأجساد، و وحافظ الموتی، است و اهالی اندلس به آن ومَـطْرَقال، (Matricalis)و گياهشناسان اندلسی نيز به آن وحشيشة الثوميه، گويند.[بن بيلار (در ترجه ديكوريد) ۳ - ۱۳۲ و ۱۳۷]

Allium sativum L.	ثوم	ز.،خ.،ط.
Allium sativum L.	شقرذین - ثوم بستانی	ديسكوريد
Allium scorodoprasum L.	براسنوشقرذین - ثوم کراثی	ديسكوريد
Teucrium scordium L.	اشقرذين - ثوم برى - حافظ الاجساد	ديسكوريد
Allium carinatum L.	ثوم جبلی	الموسوعه
Allium sativum	ثوم زراعی	الموسوعه
Teucrium scordium L.	ثوم الحيه	الموسوعه
Allium xiphopetalum Ait. Allium silvestrum	ٹوم بری – شقردیون	الموسوعه
Allium sativum L.	سير	پارسا
Allium scorodoprasum L.	پیاز کوهی	پارسا
Teucrium scordium L.	ثوم کراثی	طباطبائی

۴۹۸ ـ ثوم بری<sup>۳</sup>: چنانچه ذکر شد دیسکورید نام آن را «ثوم الحیه» نهاده ولی جالینوس آن را به گیاه دیگری به نام «أسقردین» که گیاهشناسان اندلسی به آن «حشیشة الثومیة» گویند اطلاق میکند. و به نام های «مطرقال»، «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» نیز نامگذاری شده است.و بسیاری از مترجمان به اشتباه این گیاه را همان «ثوم الحیة» میدانند و آن را ذیل ترجمه «ثوم» ذکر میکنند.<sup>©</sup>

Alliaria officinalis L. Sysambrium alliaria Scop.	حشيشة الثومية - ألياريا	الموسوعه
Allium xiphopetalum Ait. Allium silvestrum	ٹوم بری – شقردیون	الموسوعه
Allium xiphopetalum Ait.  Allium silvestrum	ٹوم بری	خطابی

۴۹۹ - ثومية <sup>خن</sup>: حشيشة الثومية <sup>خن</sup> نامهاي نوع ديگر أن عبارتست از: حشيشة الثوميه، ثوم الضفادع - مطرقال، مطرقان - ملجاله - بِلَرْياله يعني

کرک دار - بطورنه ماطرِش<sup>د.</sup>

ه ۵۰ - شومون، ثومُون ، ثوموس ، ثومش: (نامی یونانی) ابوریحان نام آن را «حاشا» ذکر میکند. سم - نامهای دیگر آن: فارسی: تخم زرداب – ترکی :صفراادوی - حاشا

Thymus capitatus Lk.& H.	ثومو،	زرياب

۱ ۵۰ - شیل ، فیّل س، فیل س، فیل مکرنه س، بید گیاه و نامی یونانی ا نجیل منجید تنامهای دیگر آن: عربی: نجم می شیل فارسی: فُرُزْد س (فریز)، مارنه س، مکرنه س، بید گیاه ا - در ماوراءالنهر و فرغانه: کوم س - یونانی: اغزواطس س - لِحْیَةالتیس س - تخم ا - عربی: نجم س، نجیل می وسیج س، عکرش س، نجمه س، تخمه المخومه ا - ترکی: پیلان افردی ا - تنکابن: کرک جرواش ا - دیسکورید: اغرسطس مغرب: نجیر اشبیلی می گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نامهای نوع اول عبارتست از: وشیج اغرسطس، اغرسطس مادله، دقتوریه، غراله، اقار، نجم، نجیل، وریزه، شناقه ۲ - نامهای نوع دوم: عِکْرِش، قالامغرسطس ۳ - نامهای نوع دوم: مرطنه، خِذْراف، قصبه س

أغْرُسُطُس (Agrostis): عربي: نَجْم، ثيل ـ لاتيني عمومي: نَجيل، نَجير (Neguilla)) ـ عِكْرِش ـ بـربري: أفـار [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد)۴ ـ ۲۷]

Agropyrum repens Beauv. Triticum repens L.	اغرسطس - نجم - ثيل - عكرش - نجير	الموسوعه
Digitaria stolonifera Schrad. Cynodon dactylon L. Panicum dactylon L. Dactylon officinale Villars.	ثيْل – ئيْل	الموسوعه
Triticum repens L.	چمن - مرغ - بيدگياه - شيئل - نخيل	پارسا
Agropyrum repens Beauv. Triticum repens L.	ثیل – عکرش – فرزد	زریاب
Agropyrum repens Beauv.	نجم	طبا.

# حرف (چ) و (ج)

#### ۵۰۲ - چا″:

Thea sinensis	اچا	زرياب

۵۰۳ - جابور<sup>دن</sup>: قبساطه<sup>دن</sup>

۵۰۴ –جار النهر<sup>،</sup> ، **جارالنهر <sup>س</sup>،** جار النهر<sup>ع</sup>، جار النهر <sup>س</sup>، سلق الماء<sup>ع</sup>، سلق الماء <sup>۳</sup>: نامهای دیگر آن: سلق الماء <sup>۳</sup> ـ در کتاب دیسکورید: بوطاموغیطن <sup>۳</sup>، یعنی همسایه نهر، زیرا همیشه در کنار آب های روان و مکانهای جنگلی و حلقه چاهها میروید. ۳

Potamogeton natans L.	جارالنهر	زر. – طبا.
Potamogeton natans L.	جارالنهر -سلق الماء -لسان البحر	الموسوعه

۵۰۵ - جاشوش (جاسوس)، جاسوس؛ نامهای دیگر آن: خشخاش الزُّبدی - کیاشوش - سریانی: کشوش - دیسکورید نام آن را «میغن افرودس» می داند که این نام معادل «جاشوش» یا «جاسوس» و «خشخاش زبدی « ذکر شده است. "

Silene infelata Sm.	جاشوش	زریاب
Silene cucubalus Willd		•
Gratiola officinalis L.		

۵۰۶ -جام بَهْل ؛ (نام میوه هندی) نام دیگر آن به بنگالی «سفری» است. ا

٥٥٧ -چامرکهاس ؛ (نامي هندي وبنگالي)

۵۰۸ -جامون ؛ (نام میوه هندی)

۵۰۵ -جاورس امرس امرس امرس المورس الم

کیّخُرُس (Kenkhros): نوعی از وذُرّة ی که اطباء آن را وجاوُوس، می نامند.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید)۲ - ۸۱]

Panicum miliaceum L. Opopanax chironium Koch	کیخرس – جاووس	ديسكوريد
Panicum miliaceum L. Opopanax chironium Koch	جاورس – دخن	زرخط.
Holcus sorgum	قسم ارزن – ذرت دانه ریزه – دیمیله (بانه)	پارسا
Panicum miliaceum L.	ارزن	پارسا
Zea mais	ذرت	پارسا
Milium indicum	جاورس	EN.

٥١٥ -جاوشير (نام صمغ) ، جاوشير ، جاوشير ، جاوردشير ، جاوشير ، جاوشير ، جاوشير ، فاناقس أيراقليوس ، جاوشير ، جاوشير ، فاناقس أيراقليوس ، جاوشير ، خاناقس ابراقليون . از جنس كفوف و نوعى جنبه است. نامهاى ديگر آن: جواشير ، جاوشير ، خاوشير ، گاوشير ، لاورشير ، جواشير ، كوشير ، كاهل ، اين گياه از اصفهان جمع آورى مى شود. - شيرازى: جاحوشى - سريانى: دفارا ، حلباتورا - يونانى: ابوييناقس (ابوپاقس) (ابوپاناقس نام صمغ و پاناقس نام گياه است.) - رومى: باناقس - عساليج - ابراوى - ابرقينون - ابرقينون - برورا - جلوكان

فاناقس أَيْرُقْلَيُون (Panakes herakleion): برگردان آن به عربی وفاناقس کبیر، و نام درخت ـگیاهــ وجاوشیر، و نام ریشه آن به سریانی وبَرورا، است.[بن بیطر(در ترجمه دیسکورید)۳ ـ ۴۵]

Opopanax sp.	کاوشیر - جاوشیر - سِیسارون بری	الموسوعه
Opopanax chironium Koch.	فاناقس ابرقليون –جاوشير	ديسكوريد
Opopanax chironium Koch.	جاوشير	طبا.،.EN
Ferula galbaniflua Boiss. & Buhse	India: Jawashir	GLO.IN.

# ۵۱۱ - چاۇل مُنْكُرى؛ (نام درخت هندى)

۵۱۲ - جامع اللحم: به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی «فول الحمام» و دیگری نوعی از «یتوع» است. م

۵۱۳ - جَبَرَة ، جبره ؛ (نام مغربی مشتق از جبر)، أولسطیون ؛ نامهای دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: جبرة ع یونانی: اولسطیون و (به معنای جمع کننده پوست )

أُولُسْطِيونَ (Holosteon): برگردان عربی آن «جامع البِضْع»<sup>(۱)</sup> یعنی جمع کننده گوشت است و آن را نمیشناسم.[بن بیطار (در ترجیه دیسکوریه)۴ - ۱۱]

ديسكوريد اولسطيون - جامع البضع البضع	د
--------------------------------------	---

۵۱۴ - جَبَلاهنگ، جبلاهنک ، جَبْلَهَنج ، جَلْبَهْنک ، جلبهنگ ، جبلهنج ، جَلَبَهْک ن معرب جبلهنج که نام فارسی دانهای است. - نامهای دیگر آن: جلهنگ ، جبلهنگ ، جبل اهنق ، جبراه نگ ـ نام گیاه در کتاب دیسکورید: سیسامویداس الکبیر، به معنای مشابه وسمسم ، ق

Reseda alba L.	خزام ابيض - ذيل ابيض - ذَيْل الخروف - جَلْبَهْنک	الموسوعه
Reseda alba L.	جبلاهنک	زرطبا.

#### ٥١٥ - جَبه":

Hibiscus rosa-sinensis L.	جبه	الموسوعه

۵۱۶ - جَثجاث، جثجاث ، جثجاث ، جثجاث : (نامی عربی ) نامهای دیگر آن: یونانی:بردیسیون - ریحان بری م ـ مصر: شاهور ع

	Pulicaria crispa Cass.	جثجاث - ریحان بری	زریاب
_			

۵۱۷ حَجَدُوار '، جدوار ''، جدوار ''، جدوار ''، زدوار ''، زدوار ''، زدوار ''، زدوار ''، جدوار ''، جدوار ''، جدوار ''، خدوار '

Curcuma zedoaria Rosc.	جدوار	زرخط.
Curcuma zedoaria Rosc.	جدوارعقيد،كركم زُرْوار،زدوار،سطوال	الموسوعه
Curcuma caesia Roxb.	جدوار اسود ،کرکم اسود	الموسوعه

۱- ابن جلجل بجاي اين واژه در برگردان نام جامع اللحم را آورده است.

۵۱۸ - جراطه نن نوعی خافور نن

۵۱۹ - جرجار ": نوعى ترمس

۵۲۵ –جرجیر'، جرجیر'، جرجیر<sup>ع</sup>، **جرجیر** "، جرجیر<sup>ع</sup>، جرجیر<sup>غ</sup>، جرجیر<sup>ن</sup>، تالاسفیس " (حرف بابلی)، نهق "، نهق" (جرجیر الماء)، کتّا گ (نام بذر گیاه)، بزر الجرجیر ": نام های دیگر آن: اسکندریه: بقلة عائشة <sup>ع</sup> ـ رومی: اوزمون "، اورمون " سریانی: گرگیری " – فارسی: تره تیزک'، کیکز " – هندی: ترمرا'، استر " – شیرازی: کهزک "

نامهای تخم آن:هالوم ، هالم ، پند سور ، پند سر و سیستان: تره میره و پونانی: اغریمون ایههان ای کشاه و ماوراء النهر: اندوا و نامهای نوع دشتی: عربی: نَهَق و بستانی: کف عایشه و دارای دو نوع: یکی به نام خردل بری و نام نوع بری:بههان و نامهای نوع بستانی: کف عایشه و فارسی: کیکر و سیرازی: کهزک کفرک و بستانی خود دارای سه نوع است: یک نوع: مازندران: شاه تره ، کور تره و تنکابن: خاص تره و تخم آن: حرف بابلی و نوعی دیگر: رشاد و فارسی: تره تیزک و نوع سوم: دارای بذری به نام حب الرشاد و نام هی می شناسند و دیگری و نام هی و دارای گل قرمز رنگ است. اشبیلی می توید: جرجیر دارای چهار نوع است: ۱ - نوعی کرفس با نام جرجیر الماء ۲ - نوعی فجل بری با نام جرجیر ۳ - نوع کشنده با نام مرناغر ۴ - نوع خوراکی با نام خرسیطس و یکسانی می توید: این گیاه دارای اصنافی است یکی با نام «جرجیر الماء ۳ - نوع کرفس» است و دیگری زبر و الماء ۵ و دیگری زبر و «شطبة» معروف است نوع اول زبر نیست و دیگری زبر و به ارتفاع یک یا دو ذراع است... و این گیاه در فاس با دو نام «وحمو» و «شطبة» معروف است فراد دراع است... و این گیاه در فاس با دو نام «وحمو» و «شطبة» معروف است.

أُوزيمُن (Euzomzn): جِرْجير \_كَثْأَة \_ ابو حنيفه نام نوع برى را «أيهَقان» مي داند. [بن يطار (در ترجمه ديسكوريد)٢ - ٢١٩١]

Eruca sativa Lam.	اوزیمن - جرجیر کثأه	ديسكوريد
Brassica erucastrum L.	نَهُق	
Lepidium campestre L.	حرف بابلي	
Thlaspi campestre L.		
Brassica erucastrum L.	ایهقان – اوزیمن بری – جرجیر بری	ديسكوريد
Brassica erucastrum L.	نَهُق	
Lepidium campestre L.	حرف بابلی	
Thlaspi campestre L.		
Eruca sativa Lam.	جرجير	زریاب
Brassica erucastrum L.	,	وری . طباطبائی
Lepidium campestre L.		<b>J</b>
Thlaspi campestre L.		
Eruca sativa Lam.	جرجير - رُكّه -كثاة -ايهان	الموسوعه
Brassica erucastrum L.		
Lepidium campestre L.		
Thlaspi campestre L.		
Barbarea vulgaris R.Br.	جرجيرالبر - جرجير ارض - برباره	الموسوعه
Brassica erucastrum L.	جرجير بري – ايهقان	المخط.
Senecio coronopifolius Defs.	جرجير الجبل	خطابی
Sium latifolium L.	جرجير الماء	خطابی
Eruca sativa Lam.	جرجير	EN.

۵۲۱ - جرجیر الکلاب<sup>ش</sup>: نوعی لفت بری معروف به اخشنهٔ <sup>ش</sup>

۵۲۲ - جرمامة: نوعى بقل **نامهاى ديگر آن**: ذُبَح - باربه دِلابر يعنى لحية الارنب - باربه قُنلية يعنى لحية القنليه « ۵۲۳ -جَرْمِيلَک<sup>ا</sup>: **نامهاى ديگر آن**: كوهستان و لرستان:وجاثلق الله تركان:نبات ازاد ا

۵۲۴ \_ جرنوب<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: حُریق الأملس<sup>ع</sup> ـ جلبوب<sup>ع</sup>

۵۲۵ -چَرَوْنجي ؛ (نامي هندي)

۵۲۶ - جُرِیّال ": مُعرب گردهیار و گریال " - نامهای دیگر آن: در اصطلاح رنگرزان: عروس آب "، جریال بقم " - عربی: جریال "، جریله خمر " (به رنگ خمر جریال گویند.)

۵۲۷ – جَزَرا، جزرا، جزرا، جزرا، جزرا، جزرا، جزرا، نهشل الهنه نهشل المنه فع بری ابزر الجزر البستانی ابزر الجزر البری الجزر البری معرب کرد فارسی از جنس هدبات است. نامهای دیگر آن: فارسی: زردک اگررا – هندی: کاجرا – سریانی: اصطفیل المن بونانی: دفقوس ادفقیت دفقین المنه کرزش المنه فاس: سفناریه مان دوقس باشد) اقلیشا و بزر الجزر البری دوقو الله فال نوعی از آن: زوفس المنا دوقس باشد) اقلیشا و بزر الجزر البری دوقو البری دوقو الفرادی: نامهای نوع دشتی: در کتاب دیسکورید: اصطفالینوس و رومی: نافوس ابنا به نقل اهوازی: شقاقل المناهای نوع دشتی: دو و القرادی البری المناهای نوعی: دوقو القرادی البری المناهای و جهنک مازش، جهنک، بشتناقه ۲ - نوعی با نام دوقو القرادی ۳ - نوعی با نام لباله و صناحیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام بهنک و جهنک مازش، جهنک، بشتناقه ۲ - نوعی با نام دوقو القرادی ۳ - نوعی با نام لباله و صناحیه ۴ - نوعی با نام دوقو الورس دوقو المناهای المناه و صناحیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام بهنک و جهنک مازش، جهنک، بشتناقه ۲ - نوعی با نام دوقو القرادی ۳ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام دوقو المناه و صناحیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام دوقو المناه و صناحیه ۴ - نوعی با نام دوقو المناه و سطیقون و سامه 
أَسْطَافَالِينُوسَ أَغْرِيوسَ (Staphulinos agrios): جَزَر برى ـ دوقو ـ جزر بستاني

کنچیدیون (Gingidion): اصطفن ابن بسیل آن را «شاهترج» می داند در صورتیکه نه تنهابا مشخصات «شاهترج» همخوانی ندارد بلکه با آن مغایر است و صحیح آن است که این گیاه را نوعی «جزر بری» بدانیم.[بن بیطار(درترجمه دیسکوریه)۳ - ۲/۲۱ - ۱۲۱]

Daucus carota L.	جزر	ز خط.
Daucus carota L.	اسطافالینوس اغریوس، جزربری، جزربستانی	ديسكوريد
Daucus gingidium L.	جنجیدیون - نوعی جزر بری	ديسكوريد
Daucus carota L.	جزر - اصطفیلن	الموسوعه
Daucus carota L.	جزربری	الموسوعه
Athamanta cretensis	جزرالرعاة -دوقس	الموسوعه
Pastinaca sativa L.	گزر دشتی	پارسا
Pastinaca secacul Russ.	گزر صحرائی – شقاقل مصری	يارسا

۵۲۸ - جُعْدُه ، جعده می جعده ، جعده ، جعده ، جعده ، جعده ، جعده ، خغده: از جنس شیحات است نامهای دیگر آن: یونانی: فولیون است عنبر کیسرگونه می کیسرگونه می کیسورگونه می کیسورگونه می کیسورگونه می کوید: نام جعده در کنار نامهای مشابهی چون «جَعْیْدا» بَعْداء، جعده حرّان» قرار می گیرد ولی هیچ یک باهم شباهتی ندارند و در ماهیت آن اختلاف است و از آن چهار نوع ذکر شده است: ۱ - کوهی سفید معروف به بذلیره ۲ - نوعی معروف به مِشک الجِن ۳ - نوع حرانیه با نامهای: الیون، الیاله - بولیون، فولیون، کفلیون، قرشبیون، یربه قرشته، شنشنطوره، کموتان، قلوین ۴ - نوع بحری معروف به جعده بعدی بعری – اما سایر گیاهانی که فقط شباهت اسمی به جعده دارند عبارتند از: الف - جَعْدة الجدران که همان هِندباء الاجعد است. ب - جَعَیداء با نام یَزْبه بذلیره یعنی از بین برنده قَمْل که خود دارای دو نوع است و نامهای آن عبارتست از: ۱ - مسک الجن، مسک الارض ۲ - تافیزان، فنقین، میوس، فرلیون ج - جَعداء که همان قرّة العین است. د جُعیداء ه - جُعَیدیلّة که نوعی اسطوخوذوس است. می میاهدی و جبلی دا

بُلُویُن (Polion):نوع سیاه و سفید «جُعْدُه» را گویند که نام رومی آن «فُولْیون» است.[بنیطار(در ترجمه دیسکورید)۳- ۱۰۵]

Teucrium polium L.	بلوين – جعده	ديسكوريد
Teucrium polium L.	جعده	زر.، .EN
Ajuga iva	جعده	طبا. –خط.

۷۹ مـ جعدة القَنا<sup>م</sup>: نامهای دیگر آن: دمشق: کُزبرة البیر<sup>ع</sup> ۵۳۰ –جُفْت اَفرید<sup>۱</sup>، **جفت اَفرید<sup>۳</sup>،** جفت اَفرید<sup>۳</sup>، جفت أفرید<sup>۵</sup>: نامی فارسی به معنای زوج آفریده شده<sup>۶</sup>

|--|

۵۳۱\_جَفْنُ:

۵۳۲ -چَکّی : (نامی هندی) نام دیگر آن به بنگالی «کتهل» است. ٔ

۵۳۳ - چَکُوتَره ؛ (نامی هندی) نوعی لیمو' - نام دیگر آن به هندی «تاوه» است. ،

۵۳۴ -چَکُوند': (نامی هندی) نام دیگر آن به هندی«پنواز» است. ٔ

۵۳۵ -چَلاپا : (در شهر چلاپا وجود دارد) نام دیگر اَن به انگلیسی «جلب» است. ا

۵۳۶ - بحلبان کی جلبان کی جگبان کی جگبان کی از انواع «قطنیة» است کی و دارای سه جنس است، یکی - از آن سه - «کرسنه»... و «جلبان» را در قزوین «نحکر» و در آذربایجان «کلول» و در خراسان گروهی - آن را - «مَلْک» گویند. کی اشبیلی می گوید: دارای انواع زراعی و غیر زراعی است، گروه زراعی در چهار نوع با نامهای ۱ - بسیل ۲ - بزاج، خرّر، خرّفی ۳ - شنترن ۴ - جلبان است نامهای نوع غیر زراعی در پنج نوع عبارتست از: ۱ - بیقیه، اباقی ۲ - ... ۳ - اقینی یعنی مکثر اللبن، بولوغالی، غلوکش ۴ - جلبان، خلّر، اربلیش، تنیفن، الخرفا، جلدان، جاجر ۵ - حبشة، اقروم کی است به نام «بسیلة» معروف است و نوع دیگر آن بری است. گافتی " می گوید: نوع بزرگ «جلبان» که تنها پخته آن خوراکی است به نام «بسیلة» معروف است و نوع دیگر آن بری است.

Pisum sativum L.	جلبان	خطابی
Lathyrus sativus	جلبان	طباطبائى
Lathyrus sp.	جلبان	EN.

۵۳۷ ـ جلجلان الحبشة ع: ابن جلجل آن را «بزر خشخاش الأسود» مي شناسد. ع

۵۳۸ - جُلْنَار ، جلنار "، جلنار "، جلنار "، جلنار "، جلنار ا بلوسیطون "، سطیوس "، مظ ": معرب گلنار فارسی انامهای دیگر آن: شیرازی: گل انار صد برگ " - هزاره ا ( زیرا گل آن بسیار بزرگ و پر برگ می باشد.) - رومی: لائتوریدس "، اوثنا " ( به معنای بهترین گل هاست) - سریانی: وردادرمانا "، رمانامصرینا " - مصری: خنداقل " - نامهای نوع دشتی: رومی: فلوسطیون " - سریانی: رمانادبرا " - فارسی: گلنار دشتی " - مصری: خنداقل " - عربی: مظ " - نامهای نوع مصری: اورابالاوسطون " - سره درخت «نار» است و به بار «رمان» میکریند. " - دیسکورید میگوید: نام «جلنار بری» و بالسطیون » است و «جَنْبُذ» گل «رمان بستانی» و «جُنْبُذه» گل «رمان بری» است و «جَنْبُذ» گل «رمان بستانی» الست و «جَنْبُذ» گل «رمان بری» و «جُنْبُذه» گل «رمان بری» است که به آن «جلنار» نیز گویند. نام دیگر جلنار «رخَث» است. این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۰

Punica granatum L.	بالسطيون - جلنار	ديسكوريد
Punica granatum L.	جلنار	ز. – ط.– خ.
Punica granatum L.	درخت انار	پارسا

۵۳۹ – جلنجمون <sup>س</sup>، جلنجویه <sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: صعتر الفرس <sup>ع</sup> فوتنج البری <sup>ع</sup> پونانی: غَلجن <sup>ع</sup> فلایُّه <sup>ه –</sup> نام دیگر آن صعتر العدس <sup>س</sup> است و شاید همان «صعترالفرس» باشد که همان «پودنه صحرائی» و صعتر فارسی است.

Mentha pulegium L.	جلنجمون - صعترالعدس	

قارَّبانيطيقا (Karua pontika): شجرة الْبُنْدُق \_اهالي مغرب: جِلَّوْز [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١١٤]

Corylus avelana L.	جلوز – بندق – ارزه	زرياب
Corylus avelana L.	قاربانيطقا - شجرة البندق - جلوز	ديسكوريد

۵۴۲ ـ جُلهم ؟: گويند نام «عوسج أسود» است. <sup>ع</sup>

**۵۴۳ ـ جلیف<sup>۳</sup>: "غافقی" میگوید: بذر معروف به عجمی اندلس به «بِشت» و نام دیگر آن «زوان» است.** 

۵۴۴ - جليط<sup>س</sup>: نوعى ابهل

۵۴۵ - جِمْجِم، جمجم، جم جم : برخی آن را «بهمن أبيض» میدانند.

۴۲ م جمسفرم ، جمسفرم : گویند به معنای «ریحان سلیمان» است. عد - نام دیگر آن: جماهو سلیمان

Ocimum filamentosum Forsk.	حبق الرهبان - ريحان سليماني	الموسوعه
Ocimum gratissimum L.	جمسفرم	طباطبائى

۵۴۷ - جمرة الارض<sup>نی</sup>: نام مشترک برای گیاه «قُرُنْبی» و «شملال» است. علت نامگذاری به جمرة الارض بخاطر رنگ قرمز آتشین آن در مراحل اولیه روبشش میباشد. <sup>در</sup>

سیقاموری (Sukomoron): تین أحمق ـ جُمَّیز ـ این گیاه در مغرب نمیروید.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

Ficus sycomorus L.	جميز	دخEN

۵۴۹ - جِنْت قابطة <sup>(۱)</sup>: از جنس گیاهان خاردار و از نوع جنبه است و 'ابن جزار ' آن را به اشتباه «فو» معرفی کرده است.دارای چهار نوع با نامهای زیر است: ۱ - کمابیونیون، ابارس، اسطراطیقوس به معنا شوک المفلفل، ایرنجی یعنی مفید برای ورم حالب، جنت قابطه یعنی دارای صد سر، قرصعنه - شام: مجنون، ام یحیی، شوکة العقرب شوکة الزرقاء، کوکبیه ۲ - اسطراطیقوس الصغری، ارنتاله، زریقاء ۳ - زریقاء، ارنتاله ۴ - اروناردش، بولابیطس، اورمش <sup>در</sup>

ه ۵۵ ـ جناح التیس جناح التیس : نام «حرشف» است و «جناح» نزد عامه اندلس «راسن» نام دارد. می مینا : (نامی هندی) - مینیا : (نامی هندی)

۵۵۲ - جَنْجِبانْسَة: "اشبیلی" میگوید: نام دو گیاه است: ۱ - عُقْرَبان ۲ - هُذیلیه، که برخی آن را نوعی «خولنجان» با نام اندمولیا و الطردونه میدانند. ش

۳۵۵ ـ جنجل، جنجل ، جُنجُل : در دمشق بسيار است.

۵۵۵ - جنجیدیون عنصر چند "اصطفن بن یسیل" آن را گیاه «شاهترج» معرفی کرده ولی این درست نیست زیرا من - ابن بیطار - این گیاه را در شهرهای ایتالیا مشاهده کرده ام و مشخصات آن را با گیاه «شاهترج» متفاوت دیده ام و آن نوعی «جزر» است. معلیانا می بونانی یا رومی)، بشل می شخه می اندلسی)، دواء الحیه می کوشاد می خنطیانا می خنطیان می خنطیانا می خنطیانی می خنطیانی می خنطیانی می خنطیانی می خنطیانی می خنطیان می خنطیان می خنطیان می خنطیانی می خنطیانی می خنطیانی می خنطیانی می خنطیان می خنطیان می خنطیان می خنطیان می خنطیان الرومی با نامهای دیگر المی خالی می دو در می الحیه می دو در کوه ها و مکانهای سردسیر و یخی می روید که نوع رومی است و نوع دیگر «جسرمقانی» و در مک انهای مرطوب می روید. و الحیه، شجر الحیه، لوف الکبیر، نام ریشه: کرشاد، کرنیبا ۲ - نوع دوم جنطیان البورمقانی می شخر الحیه، شجر الحیه، شجر الحیه، نام و چنطیانا رومی و جرمقانی البورمقانی می در کوه است که اولین مرتبه خواص آن راکشف کرده است. نام های دیگر آن «دواء الحیه»، «کوشاد» و به لاتینی «بَشلْشکه» است و دارای رومی و جَرْمقانی است. نوع رومی که زرد بسیار تلخ است بهتر از نوع دیگر بوده و نوع جرمقانی سیاه رنگ و نام خوبتر است . این بیطار (در ترجه دیدگریه) ۳ - ۲ ا

Gentiana lutea L.	جنطيانا	Ed;
Gentiana lutea L.	جنطيانا – دواءالحيه - كوشاد	ديسكوريد

۸۵۸ \_ جَنی عَ، جنی نَ، جناع عُ، أج نَ : نوعی از نَشَم است. نامهای دیگر آن: در قیروان: شُماری عَ ـ نزد عرب: برقة ع ـ اهـل قدس: قیقبان عَ، هَیْقَب عَنْ – فاس: ساسنُوا عُ – بربری: بوخَنَو عُ - اشبیلی می گوید: جنا الاحمر از جنس درخت خشبی و از نوع ورق الاسی است و دارای دو نوع است نامهای نوع اول آن عبارتست از: اباریقون، اماریقون، قامارون، از بریا، مطرونیه، بذلوزن، ثومارس، ماماقولا، قومارقوس، اساسنوا، جُنی، جَمْجَوا، قاتل ابیه، پِرْبَطه – و نوع دوم نوع نر و دارای نوع کوچک وبزرگ است. ن

Arbutus unedo	جناء	خطابى

٧٥٧ \_ جَوْدَرَ ٠٠٠

۵۵۸ - جُوانٌ سَپَرَم ": جنسي است از «ياسمين» "

۵۵۹ - چوب چيني اخشب الصيني وبيخ چيني

Smilax L.	چوب چینی	پارسا
Smilax glabra Roxb		

۵۶۰ -چوب چینی خطائی<sup>ا</sup>:

۵۶۱ –جوز'، جوز''، جوز''، جوز'، جوز'، خسف': نامهای دیگر آن: گردکان''، چهار مغز' – هندی:اخروی' – جالینوس: قاریا'' – رازی: جوزالعد'' – رومی: قریدی'' – اوریباسیس: قاریباسلقا'' (قارواباسلیقا)۔ باسلیقا، قرشیقا''

قاروذیا ن نوجَی ن - اتسویک ن - برشیقا ن - آلمون قار ناسیْلقا (Karua basilika): جَوْز این پیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۵ ۱۳۹:

Juglans regia L.	<i>ج</i> وز	زرطبا.
Juglans regia L.	قارباسيلقا – جوز	ديسكوريد

## ۵۶۲ - جَوز اَرْقَمْ ، جوز أرقمَ : نامهای دیگر آن: بربری:اکثار ت

Bunium bulbocastanum L.	أأكثار اجرد – تلفوطه – جوزارقم	الموسوعه

۵۲۳ ـ جوز أرمانيوس<sup>ع</sup>: بنا به نظر ابن بيطار نامی برای «مُخَلَّصه» است.<sup>ع</sup>

۵**۱۴** ـ جوز الأنهار ، جوزالارض ُ : **نامهای دیگر آن**: کاکنج المرجی ٔ له در کتاب دیسکورید: قفا آ ـ نام گیاه از نظر ابن جلجل و ابن بیطار: جوز القَطا<sup>9</sup>

۵۶۵ – جوز الاکل<sup>غ</sup>: از جنس درختان بزرگ است و گویند «جوز السواک» است و در مغرب بطور فراوان یافت شده و مشهور و معروف میباشد.غ

جوز الا كل Judians regiu	Jualans regia	ز الاكل	خطابی جو
--------------------------	---------------	---------	----------

۵۶۶ - جَوزبَوّا، جوزبوا موز بُوّا ، جوز بُوا ، بسباس ما دارکیسه ما جُوزبُوا ، بسباسه ، جادکون ، جوز بوا ، بسباسه و لاپوست جوزبوا)، جوزبوا ، جوزبوا ، بعد الله على دیگر آن: جوز الطیب على حوز بوا معرب جوزبویای فارسی - یونانی: طریفولین ما طریفولیا ما جندی: جای بل ما جادی بل ما بالانوس ما در بسما می کوزی بویا ما می بالانوس می در بالانوس می در بالانوس می در بالانوس می بالان بوست می بالانوس می بالان

Myristica fragrans Houtt.	جوزبوا - جوزالطيب - بسبلةالطيب - ضَبْر	الموسوعه
Myristica fragrans Houtt.	جوزبوا - بسباس - داركيسه	زرياب
Myristica fragrans Houtt.	جوزبويا	پارسا
Myristica aromatica Lam.	جوزبوا	خطابی

۵۶۷ - جَوز جَنْدُم'، جَوز جَنْدُم'، جوز جندم (معرب گوز گندم فارسی)، کون کندم ، گُوزگندم ، کود کندم : نامهای دیگر آن: کود کندک - گل گندم - عربی: نعیج الحبشه ، شحم الارض - اهل رقه: خرؤ الحمام - اهل اندلس: تربة العسل - فرو الحمام - شیرازی: کل گندم - رومی: کرکسن - سریانی: حزازیثا دخیفا م - جوز جندم جندم است از کِل و طعمش از طعم کِل با طعم کندم دهد.

Lecanora esculenta Ev.	گوز گندم	زرياب
Lecanora affini Ev.	·	
Garicina mangostana L.		

Garicina mangostana L.	کوز گندم	طباطبائى
Garcinia mangostana	جندم مَنْغُستان – جوزجَنْدُم	الموسوعه
	كُوزكَنْدم - زهرةالحجر	
Centaurea cyanus L.	گل فیروزه –گل گندم	پارسا

۵۶۸ -جوز الخَمَسْ، جوز الخمس : (ميوه اى هندى)

٩ ٢ ٥ \_ جوز الرُّقَعُ: نام ديگر آن: اهل السراة: رقعة ع

"ابن هیثم" آن را «جوز القیء» می داند و در آن تردید است زیرا رازی «رقع الیمانی» و «جوز القیء» را یک جا در کتاب «تقاسیم العلل» شرح داده و کیفیت قیء را به هر دو نسبت داده است و از طرف دیگر ابو حنیفه طعم «رقع» را شیرین ذکر میکند و حال آنکه «جوز القیء» شیرین نیست. ع

۵۷۰ - جوز داود<sup>ت</sup>: دانهای که از هند و چین آورده میشود.

۵۷۱ – جوز رومی "، جوز رومی": نام های دیگر آن: اکیروس، اکروفس" - نام صمغ آن: اَسْخَنُ "

Populus nigra L.	جوز رومی	زرياب

۵۷۲ \_ جوز الريح ، جوز الريح نن نام هاى ديگر آن: لقم القاضى ن بنادق البربر ن - اشبيلى مى گويد: نام ميوه نوع ديگر آن «ثمرالغالبة» است و در ناحيه غرطانه به آن «بليار» گويند. ن

٥٧٣ -جوز الزَنْج ، جوز الزنج ، جوز الزنج الزنج ":

Sterculia acuminata	جوز الزيج -كولا -كوله	الموسوعه
Amomum granum-paradisi L.	جوز الزنج	خطابی

۵۷۴ - جوز الشِرْک، جوز الشرك، جوز الشرك، نامهاى ديگر آن: تين الفيل، جوز الحبشه

٥٧٥ -جوز العَبْهَرَ، جوز العبهرَّ:

۵۷۶ –جوز القطاة'، جوز القط<sup>9</sup>: «قطاة» به فارسی یعنی پرنده سنگ خوار، و چون ایـن پــرنده بســیار از آن میخورد به همین نام مشهور است.<sup>۲</sup>

قِیبًاً۱ (Kepaia):گیاهشناسان اندلس به آن «جَوْزالقَطَا»گویند زیرا پرنده «قطا» بر خوردن این گیاه بسیار حریص است و در طعم آن حالت گسی چون گردوست. "ابن حَسّان" آن را «شَجر حب الأَسیر» معرفی کرده است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید)۳ - ۱۴۲]

Sedum cepaea L.	جوز القطا - شجر حب الاسير	ديسكوريد

۵۷۷ - جوز القَی ، جوزالقی ء " جُوزالَقی " ، جوز القی ع ، جوز القی ت ، جوز القی ع ، جوزالقی ش نامهای دیگر آن: جوز الدفع فزیرا بوسیله آن قی و اسهال دفع می شود. \_ هندی:ممین پهل ، مین بل " - سندی: منبهل " - فرنگی:نور مطلیه ا - رومی: بلابیوس " - سریانی: کوری دهاختا" اشبیلی می کوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و درست آنست که دو نوع دارد: ۱ - سورنجان قتال با نامهای: قلخیفن، جرذیونة، افیمارون ۲ - نوعی از نقاخ با نامهای: رجلة الشتاء و الصیف "

Euphorbia curcas = Jatropha curcas	جوزالقى	پارسا
Trichilia enetica Vahl.	جوزالقىء	زریاب
Elcaya jemenensis Forsk.		

Strychnos nux-vomica L.		
Trichilia enetica Vahl. Strychnos nux-vomica L.	جوزال <b>ق</b> ی،	طباطبائى
Strychnos nux-vomica L.	جوزالقيء - ستريكنوس القيء	الموسوعه
Strychnos nux-vomica L.	جوزالقيء، جوزالمقي	خطا،، .EN

## ۵۷۸ - جوز الكُوثُل ، جوز الكوثل ، جوز الكوثل ": (ميوه اي هندي) جوز القي "

Randia dumetorrm L.	<i>ج</i> وزکوٹل	پارسا
	<u> </u>	

۵۷۹ - جوز الماثل ، جوزماتل س، جَززماتِل س، جَوز ماثل ع، جوز ماثل عجوز ماثل س، جوز ماثل سمرب كوز ماثل فارسى ، جوز روت نن نامهاى ديگر آن: جوز ماثم ، جوز ماثا ، جوز ماث ، مرقد اسى: تاتوله اسمان ديگر آن: جوز ماثم ، جوز ماثا ، جوز ماث ، مرقد است. تاتوله است مونيه اسن بطريق مى گويد: همان جوز القىء است. تاتوله است مونيه اسن بطريق مى گويد: همان جوز القىء است. تاتوله است مونيه اسن بطريق مى گويد: همان جوز القىء است. تاتوله است به تاتوله است با تاتوله است به تاتوله است به تاتوله است به تاتوله است باست به تاتوله است به تاتوله است به تاتوله است به تاتوله است با تاتوله است باست به تاتوله است باست باست باست باست باست باست با

Datura metel L.	جوزماثل – بُقُم	الموسوعه
Datura metel L.  Datura stramonium L.	جوز ماثل	زریاب
Datura stramonium L.	تاتوره – جوز ماثل	پارسا
Datura metel L.	Bengal: Dhatura - Bombay: Dhutura - Hendia: Sadah dhatura Sanskrit: Dhustura - Tamil: Vellum mattai	GLO.IN.

، AA ـ جوز المَرج ، جوز المرج : نامهاى ديگر آن: حب الكاكنج الجبلي - حب كاكنج كوهي "

۵۸۱ - جوز النعاس<sup>ش</sup>: فارس العود<sup>ش</sup>

۵۸۲ - جوز الهند<sup>نی</sup>: در مورد ماهیت أن اختلاف است برخی آن را میوه «حور الرومی» و عدهای «نخل المقل» وگروهی «شجر الفوفل» میدانند و در ست آنست که نام دیگر «نارجیل» است. نامهای دیگر آن عبارتست از: اغیرس، بارنج، رانج، تافندوت<sup>ن</sup>

٥٨٣ – جوز اليسرو يا جوز النسرو": نام ديگر اَن: كوز كلاغ"

۴ ۸۸ ـ جولق م جولق نامی نزد عجم اندلس، که نام لاتینی آن «بلاقه» است و «دارشیشعان» دانستن آن اشتباه است. اشبیلی می گوید: از جنس تمنش و نوعی شوک است دارای پنج نوع است، نامهای نوع پنجم آن عبارتست از: اسبالاقوس، دارشیشعان، بلاقه، وارونه، شوکه رهاویة، قندول ن

۵۸۵ ـ جوشیصا<sup>ی</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن نزد اهالی جزیره «حوسالی» است.<sup>ی</sup>

۵۸۶ –چُولائی': (نامی هندی)

۵۸۷ - جَينَت : (نامی هندی)

۵۸۸ -جیدار، جیدار، (نامی فارسی)

AA9 \_ جيرش<sup>ع</sup>: نام ديكر آن از نظر "قسطابن لوقا" «فستق المصرى» است.<sup>ع</sup>

۵۹۰ - جیش: **نام دیگر آن**: فارسی: شَلمیز

۵۹۱ -جیکلک ؛ (نامی ترکی)

۵۹۲ - جینه: نام دیگر آن: ینبوتة، جمع آن: ینبوت - "شبیلی" میگوید:دارای دو نوع است نوعی کوچک و نوع بزرگ که معروف به «شوکة الشهباء» است و برخی آن را به اشتباه «خروب النبطی» میدانند. ش

#### حرف «ح»

۵۹۳ حمالِقُطي ا: (نامي يوناني) نامهاي ديگر آن:يوساقطي ا،شبوقه

۵۹۴ ححاج '،حاج ''،حاج ''،حاج ''، ترنجبین ''، تُرنجبین ''، ترنجبین ''، تـرنجبین '': نــامهای دیگــر آن: فــارسی: خــارشتر ' خراسان: تر '' - فارس: ارود '' - اصفهان: اشتر '' - ترکی:دویتکانی ' - هندی:جواسا ' -عاقول '

در خراسان ترنجبین روی آن تشکیل می شود. ایام های دیگر ترنجبین: جواساسکر یعنی سُکرالحاج ساصفهان: اشترانگبین سام الحاوی این نام معادل نامی که دیسکورید از آن بعنوان «أرتقی» یاد می کند، آمده و «أرتقی» به زبان اندلس همان «خلنج» است و درخت «حاج» نمی تواند حتی نوعی از آن بشمار آید و آدرست همین است / زیراحاج» درخت خارداری است که در شهرهای مصر و شام و عراق به «عاقول» معروف است. ترنجبین، شبنمی است عسل مانند که از آسمان بر روی برخی گیاهان چون «حاج» می نشیند و برگردان عربی آن «عسل النّدی» است. (بر اثر نیش حشره از گیاه ترشح می شود.) ع(د)

Alhagi maurorum Tourn. Alhagi mannifera Desv.	عاقول، حاج، زَنْجبيلالْعَجَم، اشترغار	الموسوعه
Centaurea benedicta L.	خارشتر	پارسا
Alhagi camelorum Fisch. Alhagi maurorum Tourn.	ترنجبين	پارسا
Alhagi camelorum Fisch. Alhagi maurorum Tourn.	حاج - ترنجبين	زرياب
Alhagi mauronum Alhagi maurorum Tourn.	حاج	طباطبائی

۵۹۵ - حاذ<sup>ش</sup>: نوعی از حَمْض

۵۹۶ - حارز الاتهار<sup>ات</sup>: وجه تسمیه: بر روی آبهای راکد رویش دارد.<sup>ان</sup> **نام دیگر اَنْ:** سِلق الماء<sup>ان</sup>، طاموغیطن<sup>ان</sup>

۵۹۷ – حیارز المیاء<sup>دی</sup>: دارای دو نیوع است: نیوع اول آن را «میریافلن» و نیوع دیگر آن را «حارس» مینامند. نیامهای دیگر آن عیارتست از: بوطاموغیطس، سطراطیوس ماریوس یعنی بحری زیرا گیاه بر روی آب میروید.<sup>دن</sup> برخی آن را به اشتباه «امیره» و عدهای نوعی «عصاالراعی» با نام «آلف ورق» میدانند و نام صحیح آن «صنوبر الماء» و معروف به «قُرّیِس» است.<sup>دن</sup>

۵۹۸ -حاشا'، حاشا' ، حاشا' ، حاشا ، حاشا ، حاشا ، حاشا ، مامور : نوعی فوتنج ، نوعی پودنه کوهی - نامهای دیگر آن: مامون - یونانی: تومس ، ثومس - گیاهشناسان اندلس و اهالی مغرب: صعتر الحمیر ، سعتر الحمیر - روفس - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ثومش - ثوس - دارای دونوع حجازی و اندلسی است. ف

ثومش (Thumos): "اصطفن" آن را معادل نام وحاشاه میدانند ولی مشخصات این دو با هم یکی نیست. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۴]

Thymus capitatus Lk. & Hoffm.	ثومس	ديسكوريد
Thymus capitatus Lk. & Hoffm.	سَعْتر العَبَس - حاشا - سعتر فارسى	الموسوعه
Thymus capitatus Lk. & Hoffm.	حاشا	زر خط.
Thymus vulgaris L.	حاشا	EN.

۱-بر اثر نیش حشرهای یا کرم آن بر برگ از گیاه ترشح می شود.

۵۹۹ -حاشیش، حاسیس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن به فارسی «حسن یوسف» است.

۶۰۰ - حامااقسیس<sup>ن</sup>: حمااقسیس<sup>نن</sup>

٥٠١ -حاماسوقي !

۶۰۲ - حَبْحُو ا: (نامي عماني و شحري)

. رو ... کی می و ... و ... کی و ... 
Moringa aptera Gaertn.	بان - يُسر - يَسار - شوع - سياع	الموسوعه
Moringa arabica Pers.  Moringa pterygosperma Gaertn.  Moringa aptera Gaertn.	بان - شوع - فستق الباديه	زریاب
Moringa arabica Pers.  Moringa pterygosperma Gaertn.	حب البان	طباطبانى
Salix aegyptiaca Forsk.	حب البان	EN.

۶۰۴ -حب بَلَسان ؛

۶۰۵ - حبّة الخضراء ، حبة الخضراء ": نام هاى ديگر آن: ميوه درخت بطم " - فارسى: خنجك " - سجزى: كنبشك " - سندى: كلنكور "

Pistacia khinjuk Stoc.	حب الغار (اصفهان) -حب الخضرا (تهران) -حب البنه (عرب) -سبز قلنج	پارسا
	(تهران) - بزقنژژ (همدان، اصفهان) - گل پسته (بمبئی)	
Pictacia terebinthus L.	حبةالخضراء - بطم - خنجک	زرياب
Laurus camphora L.	حبةالخضراء	EN.

۶۰۶ - حبّ الراسن ، زیب الجبل ، امّباشا ، حب الراسن : نام های دیگر آن: حب الراس - زبیب الجبل ، زبیب بری - اسطاقندمااغریا - دیسکورید: أسطافاندیا أغریا - صاحب مفرده کوید آن «مویزج» است و این سهو است و صاحب منهاج ماهیت آن را درست گفته است که آن زرد رنگ و طعم وی تلخ بُوّد و گرد شکل است مانند تخم مخلصه، و در کوهستان فارس خیزد و از کردستان حد آن و آن را «رانج وبر» خوانند و «راسن» دو نوع است: جبلی و بستانی و منظور تخم جبلی است. "صاحب جامع" گوید «زبیب الجبل» «حب الراسن» است و این سهو است. "

۶۰۷ -حب الریباس؛ نام دیگر آن به فارسی «تخم ریباس» است.

Cyperus esculentus L.	حب الزلم	زرخط.
Cyperus esculentus L.	حبالعزيز، زُلَم، شَعْدمأكول، حبالزلم	الموسوعه

909 — حب السِمْنَه'، حب السَّمْنَة''، حب السمنه''، شاهدانق''، حب السمنه''، حب السمنة''، حب السمنه''، حب السمنه''، حب السمنه''، حب السمنه'': نامهای دیگر آن: شهدانج البری' ـ فارسی: نقل خواجه'، تخم کنب''، شاهدانه بری'، کبیدانه'' - صامریوما''' - سریانی: زرع آدم'' - رومی: کناریون'' - تازی: قِنَّب''، تنوم'' - جنگلا

قَنَّابَش (Kannabis): قِنَّب ـ شَهْدانَج، شاهدانَق قنابش أغريون (Kagria): قِنَّب بری\_اهالی شهرهای ما به آن «قُنیْبه» ـ اسم تصغیر «قنب» ـ گویند که همان «شَهْدانَج بـری» است. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۱۲۴ ، ۱۲۴ ،

Cannabis sativa var. indica	قنابش -قنب - شهدانج - شاهدانق	ديسكوريد
Althaea cannabina L.	قنابش أغريون -قنب برى -شهدانج برى	ديسكوريد
Cannabis sativa L.	حب السمنه	زر. – طبا.
Cannabis indica L.	شاهدانه هندی	پارسا

۶۱۰ - حب الصنوبر الصغار : نام ديگر آن به فارسى «تخم كاج» است.

۶۱۱ – حب الصنوبر الكبار ": محل رويش: سيستان " – نام ديگر آن: جلغوزه " – نام درخت: سوسن "

٤١٢ -حب العزيز ، حب الزلم":

Cyperus esculentus L.	حبالعزيز، زُلَم، شعْدمأكول، حبالزلم	الموسوعه
Cyperus esculentus L.	حبالعزيز	EN.

۶۱۳ – حب الفار ":

۶۱۴ - حب القُلْت، حب الْقَلَت، حب القلت، قلت، قلت، كاسر الحجر، ماش هندى قُلْت؛ قَلْت معرب از كلتهه هندى عن القلت، فلاى عرب از كلتهه هندى الله عندى الله عراق: ماش هندى عن الله عندى الله عراق: ماش هندى عن الله عندى؛ كُلْتِهى، كلته الله عنه عن الله عنه از آن: رابج الله عربى: كاسر الحجر المحجر الله عنه عنه الله 
Dolichos biflorus L.	قلت	زریاب
Dolichos uniflorus L.		

۶۱۵ ـ حب القِلْقِل طن برخی آن را به اشتباه «فلفل الابیض» میدانند و برخی آن را نوعی «رمان بری» به نام «ارمنین» معرفی کردهاند و عدهای نیز آن را میوه لوبیائی شکل به نام «قِلقِل»، «قلقلان» و «قلاقل» میدانند. در

Dolichos sp.	حب القلقل	EN.
L		<u> </u>

۶۱۶ حب المَحْلَب، محلب محلب محلب محلب تعب المحلب نامهای دیگر آن: فارسی: پیوند مریم سلامی: کهیونی کهیونی کیلورا (Philura): "ابن وافد" آن را «شجرة مَحْلَب» می داند و ابن حَسّان آن را به نام «شجرة العُثْم» دانسته و دانه آن را به نام «رَغْبَج» (۱) می شناسد ولی به هر دو نظر اشکال وارد است و من ـ ابن بیطار ـ این گیاه رانمی شناسم. ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۸۵

Phillyrea latifolia L.	فيلورا - شجرةالمحلب؟ - شجرةالعتم؟	ديسكوريد
Prunus mahaleb L.	محلب	زریاب
Cerasus mahaleb Mill.	·	,

۱- رغیج یا زعیج یا زبوج و زنبوج واژهای بربری گرفته شده از «تَزَبّوجْت» (Tazabbugt) و به معنای فزیتون بری و زیتون جبلی است. این مراد

Cerasus mahaleb Mill.	محلب	طباطبائى

٤١٧ -حب المِنْسَم، حب الميسم: (نامي عربي)

Aspidium lonchitis	مَنْسَم	الموسوعه

۶۱۸ – حب الملوک<sup>۳</sup>، حب الملوک<sup>۳</sup>، حبة الملوک<sup>۳</sup>، حب الملوک<sup>۳</sup>، طارطقه ۱۱۳ : نامهای دیگر آن: ماهودانه ۱۳ مهرب و اندلس «ماهودانه» را نام «قراصیا» میدانند و برخی از مردم نیز آن را نام دانه «صنوبر الکبیر» میدانند. ۲۰ – اشبیلی میگوید این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - میوه فستق ۲ - میوه صنوبر ۳ - قراسیا

Croton tiglium L.	حبالسلاطين، حبالملوك، كرچك هندى، دند، بيدانجيرخطاثي	پارسا
-------------------	---	-------

919 - حب النيل'، حب النيل "، حب النيل به حب النيل عب النيل مع النيل معلى النيل أن عب النيل أن عب النيل أن عب النيل معلى النيل أن عب النيل أن عب النيل أن ال

أساطِس (Isatis): نيل خيلَج \_ طين الأَخْضَر \_ عَيْن الْخضراء

أساطس أغريا (I.agria): نيل برى [بن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ١٦٥]

Isatis tinctoria L.	أَساطِس، نيل، نيلَج، طين الأَخْضَر، عَيْن الْخضراء	ديسكوريد
Isatis tinctoria L.	نیل بری	ديسكوريد
Ipomoea hederacea Jack.	حب النيل	زخط.
Ipomoea hederacea Jack.	تخم نيلوفر	پارسا

۶۲۰ - حبربان ": نام دیگر آن: ورق الحنا" (گاهی بجای حنا از آن استفاده می شود.) توع کوچک: ارقطس"

971 - حَبَق أُو: نام جنسی است که گیاهان بسیاری را در بر میگیرد و گاهی منظور «فوذنج النهری» است و به گیاهان معطر و خوش منظر با ساقههای چهارگوش گفته می شود که برخی از انواع آن عبارتست از: الف - بستانی با ده نوع با نامهای: ۱ - نمام، حبق مصری، باسلیقی، منتی، ایدراسیمون، مانته ۲ - مقلوب ۳ - حبق الصلقی، حبق الحرّ، برثماز، هیتماره ۴ - حبق الصعتری، حبق الکرمانی، حبق الحاحی، ریحانة الملک، شاهٔشُبرم، مارن، ایصورین ۵ - حبق الفَرَنْفلی، اصابع القینات، ریحانة الرومیه، کمادریون، افرنجمشک، ارفلن، ابنیس ۶ - حبق الترنجانی ۷ - حوک، بادروج، حبق العریض الورق، طرطور الحاجب ۸ - ترنجان، بادرنجویه، برجارش، تقزیین، ترنجاش، سیسنه، مفرح قلب المحزون، دافع الغم ۸ - نعنع، ایدیاسمن، یوسیمون، ابریا منتی، میوره، بوریحا، هشرار، هازان، هازوما، هرتما ۹ - سیسنبر، شیشنبر، شنبر، ایدیاسمین، مَنْده ۱۰ مرزنجوش، سمسخون — ب - بری که نوعی مرزنجوش، صمصوخن، شرخره، عنقز، مرددوش، حبق المُرد، حبق الفتی، ریحانة المرود، مرداودوش، سمسقون، سمسخون — ب - بری که نوعی مشکطرامشیع است. — ج - جبلی: با نام حوک و همچنین فودنج جبلی — د - نهری با نام فوذنج نهری د

۶۲۲ - حبق المنتن<sup>ش</sup>:

۶۲۳ - حبل المساكين <sup>تن</sup>: در مورد ماهيت آن اختلاف است برخى آن را نوعى «قسوس» و عدهاى «لبلاب المجوس» و گروهى «عصاالراعى» و بعضى «يذْره» - كه درست تر نيز هست - مىنامندو در قرطبه به آن «حبل المساكين» و «غالبة» مىگويند. <sup>در</sup>

2	Hedera sp.	حبل المساكين	EN.
---	------------	--------------	-----

۶۲۴ - جِثيل <sup>در</sup>:

970 - - 3قرن (۱)، حدق نامهای دیگر آن: بادنجان نه بادنجان دشتی اسل حجاز: شوکه العقرب اهل قدس: بادنجان بری – هندی: بهتکتیه کتبیکن ا

۲۲۹ ـ حدیدی<sup>ع</sup>: یونانی: سندریطس<sup>ع</sup>

87٧ -حربث، خُرْبُت، خُرْبُث، خُزْبُث نظم هاى ديگر آن:بِبْرَه، تمك، انيسون البرى

Astragalus annulaire	حربث	الموسوعه

۶۲۸ - حربه ": (نامی عربی)

Aspidium lonchitis			
	زرياب	.,	Aspiaium ioneniiis

۶۲۹ - حرشاء: 'اشبیلی' میگوید: به چهار نوع گیاه گفته میشود: ۱ - نوع مشهورتر آن خردل بری است. ۲ -گیاهی به نام رضایف و ردایف ۳ -گیاهی به نام مُصاصه و خُریشه ۴ -گیاهی با نام قرادیة و قرذالیوم<sup>ن</sup>

الجمل ۵ - لصیف، شیبیه "
سقوْلومُس (Skolumos): نام های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَف الْبُرّی ـ عامه اندلس: لَصَف

اَآقَنْش (Acanthos): نام های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَف الْبُسْتانی ـ کَنْکر ـ عامه اهالی مغرب: قَناریَّه (Cynara)[بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴ و ۱۷]

Cynara scolymus L.	كاشته شده	سقولومس -حرشف برى -لصف	ديسكوريد
Scolymus hispanicus L.		أاقتئس - حرشف بستاني - كنكر - قناريه	ديسكوريد
Cynara scolymus L.	کاشته شده	کنکر	زر. <b>- طبا</b> .
Cynara scolymus L.	كاشته شده	کنگر دهری - کنگر فرنگی	پارسا

۱-به واژه دبادنجانه رجوع شود.

Gundelia tournefortii L.	تریاک برگردان – تراب القی – کنگر زرد – کنگر	پارسا
Cynara sp.	حرشف - هيشر - قَردون	الموسوعه
Silybum marianum Gaer.	حرشف بری	طباطبائى
Cynara scolymus L. Silybum marianum Gae.	عكوب	زر. – طبا.
Gundelia tournefortil Silybum marianum Gae.	عكُوب	الموسوعه
Cynara scolymus L. Cynara cardunculus L. Silybum marianum Gae.	حرشف بستانیی حرشف بری حرشف بری با نام عکوب یا شوک الدمن	خطابی

۶۳۱ – حُرُف، حرف، حرف، حرف، حرف، حرف، حرف، حرف نامى نبطى)، ثُقّاء، رشاد، قردامن (يونانى)، حب الرشاد : نامهاى ديگر آن: عربى: تفّاء، حب الرشاد اس، ثُقّات – سريانى: مقليانا، مقليانا، مقليانا، مقليانا، تحلى – بربرى: بلاسفين ا فارسى: تخم سپندان، اسفند سفيد، تخم تره تيزک، شب خيزک، سپندانى و برونانى: قرادامومن، قردمون سيحرف المحمص – حرف ابيض اسفند قردمون سيدانى – تون ترق و سپندانى – عام حرف ابيض: اسفند سفيد ، خردل سفيد آ – نام حرف بابلى: بردبلاسقيس آشبيلى مىگويد: از جنس هدبات و بصورت زراعى و خودرو است انواع آن عبارتست از: ۱ - بستانى احمر زراعى با نام هاى: قرادمن، قردامومن، تاسفند، ترف الشامى، حرف السطوح، حرف البرى، جرجير الكلاب، حرف المائى، سبسرين ۲ - نوع ابيض بستانى مشرقى با نام هاى: ليبيذيون، درابى، حرف المشرقى، خَوخ الماء سمون المرق معروف به هجب المائى، سبسرين ۲ - نوع بستانى مشرقى با نام هاى: ليبيذيون، درابى، حرف المشرقى، خَوخ الماء سمون المرق معروف به هجب الرشادى است.

Lepidium sativum L.	حرف – ثقا	زرياب
Nasturtium officinale R.Br.		
Nasturtium officinale R.Br.	حرف	خطا،،.EN

۶۳۲ -حرفابیض، اسفند"، اسفنداسفید": سامهای دیگر آن:فارسی: اسفندان سفید' - هندی: سرسون، ثالاسفیس - اسفندسناه (اسفندسفاه) اسفندشغان = خردل سفید " - عربی: خردل الابیض " - حرف سفید"

Sinapis alba L. Brassica alba L.	اسفند -خردل سفيد	زرياب
Lamium album L. Brassica alba L.	حرف ابيض	طباطبائی

۶۲۳ -حرف البابلی ، بزربلاستیس : نامهای دیگر آن: سریانی: زوفرا "، تحلی " بابلایاثا " - ثلاسفی " تُلسُفی (Thlaspi): از جنس وحُرُف، است و آن گیاهی معروفی است که اهالی اندلس آن را با نام «اشْبِرون» می شناسند و برخی از دانشمندان متاخر آن را همان «حرف بابلی» و «حرف أبیض» و «حرف الشُّطوح» می شناسند ولی صحیح آنست که «حرف بابلی» همان «حرف احمر» است. ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲۳۹۰]

يسكوريد تلسفى – حرف بابلى Lepidium campestris R.BR.
---

۶۳۴ -حرف السُطوح، حرف السطوح، حرف السطوح، خرف السطوح، ظفرة الفروج، نامهاى ديگر آن: يونانى: تلسفى السفين، - عوام اندلس: اشيرون، اشترينه مياطش، پزشكان: حرف بابلى، - نام نوع ديگر: بجبلين، ، باذبلين يعنى رِجل الفَرَوج، - خلفرة الفروج، الفَروج، الفَر

Lepidium campestris R.BR.	حرفالسطوح، خردل فارسى، صناب برى	الموسوعه
Lepidium campestris R.BR.	حرفالسطوح	طباطبائى

۶۳۵ - حرف الماء، حرف الماء، حرف الماء "، حرف الماء": ؟ نامهاى ديگر آن: جرجير الماء "نام گياه در كتاب ديسكوريد: سنبريون - قرادامومن - سيسنبرون - قرادسينى "، سيسنبرينى اقوانته، قردامينن

Seneblera coronopus Poir. Cochlearia coronopus L.	حرفالماء - رشاد بري	الموسوعه
Nasturtium officinale R.Br.	حرف الماء	طباطبائى

۶۳۶ - حرف المشرقي ، حرف مشرقي<sup>3</sup>:

درابی (Drabe): بنا به نظری نام «حرف اُلمشْرقی» است و صقالبه آن را به نام «أُخّراز» می شناسند. ولی من ـابن بیطار ـنسبت به آن شناختی ندارم.[بن بیطار (درترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰]

Lepidium draba L.	درابی – حرف مشرقی	ديسكوريد

۶۳۷ - حُرْمَل ، حرمل ، حرمل ، حرمل ، حرمل ، حرمل ، حرمل نامی سریانی )، مولی : نامهای دیگر آن: فارسی: اسفند ، سپند ، سریانی: زرع بشاشا سادی: هملو سامجزی: سبری تهلک ساسداب البر سانع دیگر آن: اسفند سامند سریانی: زرع بشاشا سادی: هملو سامجزی: سبری تهلک ساسداب البر سامهای نظر است. اسفند سام «سداب البری» است و گویند نام «خردل» است. نامهای نوع سفید: حرمل عربی سامونی و نانی: مولی سامهای خال ساد دانج سریانی: بسباسا سامهای نوع قرمز: حرمل عامی سامهای نوع سفید سامهای نوع سفید میرازی: ننوند ، هزار سفید سامهای می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «سداب بری» و «مولی» می گویند و عدهای نام فارسی آن را «اسفند» و نام یونانی آن را «مولی» می گویند و عدهای نام فارسی آن را «اسفند» و نام یونانی آن را «مولی» می دانند. نامهای دیگر آن عبار تست از: حزملة، حُرَیْملة - دارای سه نوع ۱ - حَرمل الاحمر ۲ - نوع دیگر آن نوعی از «خردل بری» با نام «ابغارن» است و سایر نامهای آن عبار تست از: اسفند، اسفندار، اولایی بوشاشا، حرمل شود. این یعاد است و سایر نامهای آن عبار تست از: سفند، اسفندار، اولایی بوشاشا، حرمل فینائن (Peganon): واژه صحیح آن را توجه به تلفظ یونانی آن «بیغانن» است و آن نام «سداب بری» و «سداب بستانی» است فینائن (میکورید تحت همین نام گیاه «حُرْمُل» را که نام فارسی آن «اسفند» است، یادآور می شود. [بن یعاد (در ترجه دیسکورید) ۳ - ۳۶]

Peganum harmala L.	حرمل	ز طخ.
Peganum harmala L.	فيغانن - بيغانن - اسفند - مولى	ديسكوريد
Peganum harmala L.	اسپند - اوزاریح (ترکی) - سداب کوهی - حرمل	پارسا
Peganum harmala L.	حرمل - غَلْقَة الذنب	الموسوعه

۶۳۸ -حُرْمُلُه، حرملة ع: نام عربي أن قضبانا است. ت

-			
1	Sarcostemma viminale	حرملة	الموسوعه
- 1			

**۶۳۹ - حريمله** من خريملة نن: نام نوع ديگر: ترنجان الثعلب ن

۶۴۰ - حَزاء ، حزاء ، حزا ، حزا ، حزاء ، حزا ، زوفرا ، زوفرا ، نامهای دیگر آن: حزاة - فارسی: دینارویه ، دینارویه ، دَوراو ، دینارویه ، دَوراو ، مترک دینارو به ، مترک کازرونی ، دینار - مازندران: اناریچه اهل هرات: جافر ، جغش - جرجان: جعفریه ، کرفس رومی - ماسرجو ، گوید که «حزا» ، دونو» است.

Anethum graveolens L.	حزاء – زوفرا	زرياب
Echinophora tenuifolia		
Laserpitium siler		
Levisticum officinale Koch.		
Echinophora tenuifolia	حزاء	EN.

٦٤١ - حِزاءَة ع، حَزاء نن:

٦٤٢ \_ حزاءة أخرى ، حزاء اخرى ، دوراو ،

۶۴۳ - حَزاء بری ؛ نام های دیگر آن: خراة ا - شیرازی: کوخرا

Roccella tinctoria DC.	حزاز الصخور -حزاز الجبل	زریاب
Lecanara circummunita nyl.		
Usnea barbata	حزاز الصخر - شيبة العجوز	الموسوعه
Roccella tinctoria DC.	حزاز الصخر	طباطبائى
Lecanara circummunita		
Cetraria islandica (L.) Ach. (moss)		

۶۴۵ - حَزُنْبُل الله عَرُنْبل ، حَزَنْبل ، حَزَنْبل ، حزبل ، حزبل ، حزبل : (نامى عربى) جنسى است از وبهمن سيده نامهاى ديگر آن: كف الدابه ، كف النسر الله يونانى: مُرْيافَلُن الله بيخى است كه از طرف شام و بيت المقدس مى آورند و سفيد تيره رنگ است كه به سياهى مايل بود."

Ochna	حُزَنْبَلعيون النّبر	الموسوعه
Myriophyllum spicatum	حزنبل الماء – حزنبل الغي	الموسوعه
Achillea millefolium Myriophyllum sp.	حزنبل	زریاب
Andropogon nardus L.	حزنبل	EN.

۶۴۶ - حسار الله على ال

«اشترینه میاطش» یعنی «زِمّ البول» (مدر بول) است. <sup>در</sup>

۶۴۷ – حَسَک'، حسک''، حسک''، حَسک''، حسک''، حسک'، حسک'، حسک، شکوهج''، شکرهنج '، جسمی''، ضرس العجوز''، ظُفَیْرة العجوز'' (میوه)، عرطب ': نامهای دیگر آن: ضرس العجوز''، حسک السعدان''، حسک''، بزر اسفناج البری '' – رومی: طریفولون '' – سیرانی: قرطبی '' – فارسی: کبرک ''، کنزک ''، شکوهنج '' (سکوهنج یا سه کوهنج به معنای ذو ثلاثة شعب) شکرهنج '' – شیرازی: حارسوهک'' – اصفهانی: هرداد' '' – مغرب: حمص الامیر '' نوارسی: خار خسک'، هندی: کوکهر'، هست چنکهار' (به معنای دریای فیل یا به آن که چون در پای فیل بخلد باعث فریاد او شود.) '' – 'غسانی کوکهر'، هست چنکهار (به معنای دریای فیل یا به آن که چون اور پای فیل بخلد باعث فریاد او شود.) '' – 'غسانی می گوید: به گیاهان مختلفی «حسک» گفته می شود ولی در اینجا منظور «حِبِّص الامیر» العجوز» نام میوه «حسک» در قیروان، شام و سرزمین مصر است ' – برهان قاطع: «کبرک» گیاهی است خاردار که آن را به عربی «خارسوهک» و در صفاهان «هردا» گویند. '' اشبیلی' می گوید: نام «حسک» بر انواع بسیاری از گیاهان گفته می شود که عبارتند از: ۱ – حِبَص الامیر یا قطب با نامهای: طروبیلس، طروبلیوس، شکویهج، امرباطون، فلشراش، بطالش، حمص البری ۲ – نوع اول حسک البری ۳ – نوع دوم حسک بری با نامهای: دیک الاعور، غاله جیقه – طروبیلس ۴ – دیک الاعمی ن

طْروبیلُش (Tribolos): حَسَک \_ شَکوهَج \_ رومی: أَبْروبُوذْیا \_ لاتینی: غالّه جاقُه (Gallo ciego)به معنای «دیک أَعُور»( خروس لوچ) \_ عامه مغرب: حِمَّص الأمیر [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ \_ ۱۵]

Tribulus terrestris L.	حسك - ضُرْس العجوز	الموسوعه
Tribulus terrestris L.	طروبيلش -حسک -شکوهج -حمص الامير	ديسكوريد
Tribulus terrestris L. Trapa natans L.	حسک	ز طخ.
Tribulus terrestris L.	خار خسک	پارسا

۶۴۸ - حَسَل ، حَسَل ع: نام دیگر آن: یونانی: جسمی ، حسمی ت

۹۴۹ ـ حشیشة الأسد<sup>ع</sup>، حشیشة الاسد<sup>ش</sup>، دعقیلا<sup>ع،</sup> هالوک<sup>ت</sup>: نامهای دیگر آن:جعفیل<sup>عت</sup> ـ یونانی: أوروبنخی<sup>ع</sup> - به دو کیاه «سدر» و «شیلم» گفته می شود. <sup>در</sup>

، ۱۵ \_ حشیشة الأفعی ، حشیشة الافعی نن نوعی حسک نام دیگر آن: یونانی: أفارینی <sup>۵</sup> \_ عربی: بلسکی ، حشیشة الافعی نن ۱۵ و ۱۵۶ — حشیشة البراغیت نن نامهای دیگر آن: شام: دوقس ا – طبرستان: کیک ولرش ا - بَلْقیره نن دوقس (Daukos): گیاهی است که خود \_ ابن بیطار \_ آن را می شناسم و سه نوع است.

" ابن بیطار" درکتاب جامع خود این گیاه را معادل وحشیشة البراغیث، و نام بذر آن را وقَمَیْله، می داند و هر دو نام واژه شامی است. [بن بیطار(درترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۹]

Athamanta cretensis L.	دوقس	ديسكوريد
Peucedanum cervaria L.		
Seseli ammoides L.		

۲۵۲ ـ حشیشة البرص : نام دیگر آن به بربری «آطریلال» است. ٔ ـ به گیاه دیگری نیز که به یونانی «طیلافیون» نام دارد گفته مه شود. ع

۶۵۳ حشیشة الداخس، حشیشة الداحِس، حشیشة الداحس، (نامی عربی) نامهای دیگر آن: یونانی: فارنوخیانا، قارنوخیانا، قارنوخیانا، وجه تسمیه آن برای درمان ورمی به نام داحس است. به دوگیاه «أشنه» و «صَعَیتره» گفته می شود. "

Paronchia sp.	حشيشة الداحس، حُرْبط	الموسوعه

Paronchia sp.	حشيشة الداحس	EN.
		L

۲۵۴ ـ حشیشة دودیة عند حشیشة دودیة نن نامهای دیگر آن: سقولوفندریون عن وجه تسمیه: «سقولوفندرو» برای شباهت آن کرم هزار پاست و به همین دلیل به آن «حشیشة دودیه» (کرم مانند) می گویند. اشبیلی می گوید: این نام به گیاهانی از قبیل: «نعنع، دُخن البری، ورد، اسارون» گفته می شود زیرا ریشه آنها مانند کرم در زمین پیچ می خورند. نن

	<del> </del>	
Tanacetum vulgare L.	حشيشة الدود، حشيشة الشفاء، حشيشة الملوك	• • •

۶۵۵ - حشیشة الدم: منظور گیاهانی است که موجب بند آمدن خون میشوند از قبیل: فِضیّة، لسان الحمل، اذن الارنب، رجل الحمامه، انواع عصا الراعی و بویژه گیاهی به نام قاب طیره <sup>در</sup>

۶۵۶ حشیشة الرئة ": به معنی مفید برای ذات الریه نام دیگر آن: أَنْیَهَ دغاتُه مُرْ(۱)

۶۵۷ - حشیشة الزجاج ، عوقیا ؛ عوقیا ؛ نامهای دیگر آن: رومی: کسنین - اهل اندلس: حبیقه ، حبقا ، حبقا ا فارسی: گیاه آبگینه ، کیاهی آبگینه - نام گیاه در کتاب بولس: بردیقیاس - "غسانی" می گوید: این گیاه بر دونوع است از نوعی «قِلی» ساخته می شود که در ساختن آینه از آن استفاده می شود و معروف به «شبّ ارماس» و نوعی از «قطف» است و نوع دوم که در شستشوی آینه و جلا دادن آن استفاده می شود معروف به «عشبة البرطال» است و مردم به آن «حبیقة» گویند. آشهیلی می کوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و بر سه قسم گیاه گفته شده است: ۱ - گیاهی مشابه القسینی با نامهای: القسینی، انفسینی، انکسینی، بطریره، بطرقیره، ابی رستم، مؤش اوطیش، ارقلیا ۲ - اذان الفار ۳ - رفاید .

أَلْقَسيني (Helxine): حشیشة الزُّجاج ـ به این نام مشهور است زیرا تمیز کننده شیشه و آینه است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۷۸]

Parietaria officinalis L.	حشيشةالزجاج	EN. ،.)
Parietaria diffusa L.	القسيني - حشيشة الزجاج	ديسكوريد
Parietaria cretica	حشيشة الزجاج	الم. –خط.

Tussilago farfara	حشيشة الشعال - فزفارة	الموسوعه
Tussilago farfara	حشيشة السّعال	EN.

C-tlCF-in-amount	11 111 - 4 4 311 4 6 -	
Cetrach officinarum	<i>چترک - حشية الادويه - حشيشت الطحال</i>	زرياب

۱- Una de gato اصطلاح اسپانیائی

۶۶۰ - حشیشة الطلق ش: **نام دیگر آن**: ابومارس ش - نام نوع دیگر: اوبلس وفلوطین ش

۶۶۱ حشیشة العَلَقُ (۱٬۱): نامهای دیگر آن: گیلان: خنیس - مازندران: اوحی ا

887 - حشيشة الفَرَج<sup>س</sup>:

۶۶۳ - حشيشة القَمل نن نوعى جَعْده نام ديگر آن: پِربَه بُذلييره نن

۶۶۴ - حشیشة الکبد<sup>در</sup>: این نام مربوط به گیاهانی است که برای کبد مفیدند از قبیل: افسنتین، هِنْدباء، غافت، رئیس الجبل و...**نام دیگر اَن**:امّ وجع الکبد<sup>در</sup>

۶۶۵ حشیشة المَعْدِن : نام دیگر آن: ریش سمندر ا

998 - حُضُض'، حضض' مضض، حضض حضض محضض محضض محضض محضض خولان محل الله المحلق الله المحلق 
لوقیون (Lukion): شَجَرة الحُضَض \_ کُحُل خولان \_ نام عصاره است به زبان هندی به آن «فیلْزهْرَج» به معنای زهره فیل می گویند. گیاه معروف اندلس است. "دیسکورید" دو نوع از آن را ذکر کرده است: نوعی در اصطلاح گیاهشناسی به نام «عوسّج الأسوّد» است. نوع دوم آن به نام «لُنخیطِس» (Lonkhitis) است که تردید نیست همان نام «شجرة الأمیر باریس» یا «زرشک» باشد زیرا منظور از «أمیرباریس» ـ در منابع ـ همان «حُضَض» است و «حضض» از ریشه های این گیاه تهیه می شود که نزد مردم نام «عودالریح المغربی» و نزد مردم اندلس به «أرغیس» (اصطلاح بربری) مشهور است و به لاتینی به آن مصربه «أشکیطله» (Oxyacnntha) گویند. این مطالب برای کسی که در شرح گیاه به توسط دیسکورید دقت کرده و خود، گیاه و محل رویش و «حضض» را که از پخته شدن ریشه گیاه حاصل می شود، دیده باشد مورد قبول است. [بن یطار (در ترجمه دیمروید) ۱۰۲۰]

Rhamnus infectoria L. Areca catechu Willd. Rhamnus infectoria L.	نوع اول لوقيون - فيلزهرج	ديسكوريد
Berberis lycium Roy.	لوقیون نوع دوم،لنخیطس،زرشک،أمیرباریس	ديسكوريد
Lycium afrum L. Rhamnus infectoria L.	لوقيون - پيل زهره - حضض	ززیاب
Lycium sp. Rhamnus infectoria L.	حضض	الموسوعه
Lycium afrum L.	حضض	خطا،،.EN

۶۶۷ - څلاب، حلاب،

۶۶۸ - حُلْبَه ، حلبه ، حلبه ، حلبه ، حلبه ؛ نامهای دیگر آن: سریانی: حمصلیثا » - فارسی: شملیت » - شام: فریقه س

۱- به أناغالس رجوع شود.

گیلان: خلبه اسفهان: شنبلیله استراز: شملیز استهی استهی از انواع آن میتوان به «نفل»، «حَنْدقوقا»، «بصبصة» و «رِجل الغراب» اشاره کرد که همگی مشهورند. ا

Trigonella foenum-graecum L.	حلبه - شميلت	ز خط.
Trigonella grandiflora Bunge.	شنبليله - اكليل الملك - ناخنك	پارسا
Trigonella sp.	حلبه	الموسوعه

۲٦٩ ـ حِلِبْلاب م حلبلاب م حلبلاب م حلبلاب نامهای دیگر آن: لبلاب مسجزیه: اشبرک م حلبوب غیر منقط م - ۲۶۹ ـ حِلِبْلاب گویند نام «لبلاب» پهن برگ بنام «قسّوس» است و بعضی نیز آن را «لاعیة» می نامند. ع

Bupleurum sp.	حَلَبْلاب - ضِلْع البقره	الموسوعه
Bupleurum fruticosum L.	حلبلاب مشوشب - أُذُن الأرنب	الموسوعه
Bupleurum rotundifolium Schous.	حلبلاب مستدير الورق - ثاقب الورق	الموسوعه

۶۷۰ - حَلْبیب'، حلیب : نامهای دیگر آن: سورنجان هندی علی است. علی است. است. است. الحمیات: برخی نام آن «بیلیون» گفته است. الحمیات البریة» می دانند ولی بقراط به آن «بیلیون» گفته است. الدلس: حریف ۶۷۲ - حَلْبوب' (نامی نبطی)، حلبوب ملبوب : نامهای دیگر آن: لبلاب - جبل المساکین - عشقه اندلس: حریف الاملس'، حُرّیق الأملس ، برسانیون ، اربوطانون الاملس ، حصی هرمس - یونانی: لیثورسطس ، برسانیون ، اربوطانون کید رسطیس (Linozostis): نام «عَصا هرمس» است، مؤلفی نام آن را برگرفته از «خُصی هرمس» دانسته است. نامهای دیگر به

لاتینی «یَرْبَه نَقیشُه» است و گیاهشناسان اندلسی به آن «حُلْبوب» و«حُرَّیْق الأمْلُس» گویند.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۱۱۱]

Euphorbia dendroides L.	ياب حلبلاب -حلبوب غيرمنقط	 زر
Mercurialis annua L.	سكورية لينوزسطس، عصا هرمس، حلبوب، حريقأملس	ديـ
Mercurialis sp.	سكورية حِربِق، عصاهِرْمس، حلبوب، حشيشةالزئْبَق	دي

9۷۳ - حِلْتیت ، حلتیت ، حِلتیث ، حلتیت ، حلتیت ، حلتیت ، محروت نب انجدان رجوع شود، صدمغ محروث یا صدمغ انجدان سط انجدان سط - نامهای دیگر آن: سریانی: حلتیتا ، دعثاقورینثا س - سندی: هین س (هینگ) - فارسی: انگزر ، انگزر انگرز سی انگزر سی انگزر انغوزه اصفهانی: انگشت کنده س - هندی: هینک ، هیک سی - دو نوع است: خوشبو و بدبو انام های نوع خوشبو: کولر پر ، نوکانی س - نام نوع بدبو: فارسی: کمات اسموروت ، «ساق انجدان» یا ریشه انجدان خوشبو سست و به فارسی به آن «گزانگذان خوش س» گویند و نام سندی آن «متن هنک فار» است. س

Ferula scordosma Benth & Hook.	حلتیت – محروت –گز انگدان	زریاب
Ferula assafoetida L.		
Ferula assafoetida L.	حلتيت	ز.،خ.،ط.،.E
Ferula assafoetida L.	صمغ انجدان -حِليّت -حلتيت	الموسوعه

۶۷۴ - حَلْفا ، حلفاء س، حَلْفاء ش: نوعی بردی و از اغلاث است. - نام های دیگر آن: قرز س - فارسی: پیزرا، (غیشه) - سجزیه:

Poa cynosuroides Retz.	حلفاء	زریاب
Poa multiflora Forsk.		
Leptochloa bipinnata		
Stypa sp.	حلفاء - حَلَفَة - حَلِفة	الموسوعه
Poa multiflora Forsk.		
Leptochloa bipinnata		

۶۷۵ - حَلَق ، حَلَق: عصاره برگ يمني

۶۷۶ - خُلَّب ْ : دارای دو نوع است: نامهای نوع اول آن عبار تست از: اوسیرس، زنبوقه - نامهای نوع دوم: خُلّب التیسی، جِلْبالب ْ حِلْبِلاب ْ ۶۷۷ - جِلّة: از جنس شوک و از نوع جَنْبه است. **نامهای دیگر اَن**: بربنّاقة، جنجبنیه، ابرُوِلَیه، قنجوله - نام نوع دیگر: حشیشة الثومیة <sup>نن</sup> ۶۷۸ - حَلّی: نوعی شیلم با نام «جرّاطه» است و گویند خشک شده «قَتّ» است. <sup>نن</sup>

۶۷۹ - حَلَمه <sup>ش</sup>:

۶۸۰ - حَماحِم، حماحم، حماحم، حماحم، حبق نبطی: نوعی فوتنج بستانی - نامهای دیگر آن: حبق الکرمانی - حبق بستانی - شام: حبق نبطی ت - عربی: ریسم - فارسی: احتمالاً بستان افروز - هندی: کلغه

Ocimum basilicum	حبق صغير -حبق كرماني - شاهسفرم	الموسوعه
Ocimum pilosum	حبق وَبِر، حبق قرنفلي، فرنجمشك، حَماحِم	الموسوعه

لابائون (Lapathon): نام «حُمّاض» است و "دیسکورید" چهار نوع حماض را با این نام ذکر کرده است. آقُولابائُن (Hippolapathon): نوع پنجم از «حماض کبیر» است.بربری: تاسَمُّت ـاهل اندلس: لَبَاصَة [بن یطار (درترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۹ ر ۱۰۰]

Rumex acutus L.	لاباثون -حماض	ديسكوريد
Rumex patientia L.		
Rumex scutatus L.		
Rumex acetosa L.	·	
Rumex hydrolapathon L.	أفولاباثن -نوع پنجم حماض كبير	ديسكوريد

Rumex actosa L.	حماض – ثامر	ز.، ط.،.E
Rumex conglomeratus L.	تخم حماز - استا	پارسا
Rumex obtusifolius L.	·	
Rumex elbursensis Boiss.		
Rumex patienta L.		
Oxalis sp.	حُمَاض	الموسوعه
Rumex obtusifolius L.		
Rumex elburesensis		
Rumex patienta L.		

۶۸۲ - حماض الارض : نام ديگر آن: خراطين "

۶۸۳ – حماض الاترج ": دارای نوع بری و بستانی است: نام بری، «سلق بری» است و آن بیشتر از جبلی است و در خاک نرم و زمین سبب میروید و آن را به یونانی «طوطاق غریون» گویند و به شیرازی بیخ – ریشه – آن را «خلیمو» خوانند... و بستانی را به شیرازی «ترسسک» خوانند. "

٦٨۴ ـ حماض الأرنب<sup>ع</sup>، حماض الارنب : كشوث على المرنب المراب المرا

Cuscuta epithymum	خُمّاض	طباطبائى
Rumex obtusifolius L.		
Rumex elburesensis		
Rumex patienta L.	:	

## ٦٨٥ ـ حماض البقر<sup>ع،</sup> حماض البقر<sup>ت</sup>: نام ديگر أن:حماض البري<sup>عَّ</sup>

Rumex patientia	حُمَاض البقر	طباطبائى
Rumex obtusifolius L.		
Rumex elburesensis		
Rumex patienta L.		

۱۸۸ - حماض السواقي ع، حماض السواقي ش: نام ديگر آن: حماض الاجامي عش اشبيلي مي گويد: همه انواع حماض خود نوعي «حمض» هستند و برخي از انواع «حمض» عبارتند از: ۱ - حُرض: اشنان القصارين، شبناله، طردجّه ۲ - ثَيّل ۳ - باذي بلاله يعني رجل الفروج ۴ - اشنان الفارسي: طردجّه، قَلى ۵ - غاسول: شُويلاء ۶ - مُلّاح: کشملخ، کشمخه، غِسلين، ابروطانن، حمض الابل ۷ - افاني: شورش لاطه ۸ - تُزمّد ۹ - الحاذ الفارسي: طردجّه، قَلى ۵ - غاسول: شُويلاء ۶ - مُلّاح: کشملخ، کشمخه، غِسلين، ابروطانن، حمض الابل ۷ - افاني: شورش لاطه ۸ - تُزمّد ۹ - الحاذ ۱۰ - الحاد عاقول ۱۳ - رُغْل: قَمِلين ۱۴ - شعران ۱۵ - تُزمان ۱۶ - قُلّام: (نوعي کرفس) اقرنونش ۱۷ - قُطلُب: طردج ۱۸ - خُوشان: ذيره ۱۹ - قَرْمُل ۲۰ - حَرَّنْبل ۲۱ - حَيَّهُل ۲۲ - غُولان: عِقاد ۲۳ - ابوقانس ۲۴ - ابرقطس شمار الماء تُنه حماض الماء تُنه

Lapathum aquaticum Scop.	الموسوعه أبث، حماض الماء

۶۸۸ - حماض نیری : نام دیگر آن:حماض بستانی ت

۱۸۹ ـ حَماط<sup>ع،</sup> حماط<sup>ت،</sup> حَماط<sup>ت</sup>: نوعی «جُمیُّز» عُت ـ نوعی از آن درختی و قسمی از «تین» است و نوعی علفی که به گیاه خشک «افانی» یا «حَمَلة» گویند. <sup>در</sup>

Psylla sp.	حماط	الموسوعه
Rumex obtusifolius L.		
Rumex elburesensis		
Rumex patienta L.		

۰۶۹ حَماما'، حماما "، حماما"، حماما"، حماما"، حماما "، حماما "، خماما (نامی نبطی)، امامون ": نامهای دیگر آن: رومی: اومومون "، امامون'، امؤمن تعلی – سریانی: حماما " – نوعی: فنطسی " – شیرازی: ماهلو " - بارشطوان "، باد دقلنبه " - ارمارینون " – "ابن ماسویه" می گوید: بهترین نوع آن، نوع ارمنی است که رنگ آن زرین است. گونهای در آب می روید و بوئی مشابه بوی «سداب» دارد و گونهای نبطی به رنگ یاقوت است ت

أُمومُن (Amomon): حَماما [ابن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١٥]

Cissus vitiginea L.	حماما	زر. – طبا.
Vitis repanda Wight		
Amomum racemosum L.	أمومن -حماما	دىخط.
Amomum cardamomum	هال حماما، أمومن، قاقُلَّة، عُنْقوديّة، حماما	الموسوعه
L.		

۱۹۱ حمر<sup>ع،</sup> حومر "، خَمَر: نام «تمر هندى» و همچنين نام «قفر اليهود» «كفر اليهود» است. عن

Tamarindus indica L.	تمر هندی – حَوْمَر – حُمَر	الموسوعه

۶۹۲ - حِمَّص ، حمص ، حِنص ، حِنص ، حمص ، حمص ، حمص ، حمص ، حمص ، حمص ، وعى قطنيه نامهاى ديگر آن: رومى: ارفنطوس ، اربينٹوس سے سريانى: حمصى سے فارسى: نخوداس سے هندى: خپه ، بوست سے هندى و تركى: بولچاق سامهاى نوع برى: رومى:ارفامسيس اربنٹوس ، افريوس سے سريانى: حمصى دبرا سے فارسى: نخود دشتى سے حِمَّص سامبيلى مىگويد: داراى چهار قسم است: ١ - قرمز با نام: اربيانس ٢ - سياه با نامهاى: قرنوس، كبلاس ٣ - سفيد ۴ - زرد با نامهاى: ارابنثوس، افادملس، معروف به مشرقى و طرابلسى سے نامهاى نوع برى و غير زراعى آن عبارتند از: كباس، ارابنشس ايمارس - نوع سياه و قرمز را بخاطر شباهت آن با كرسنى ، گويند. سے و بورى آن «ارابنش» و «اربانسش» گويند. ش

أَرْبَنْشُواْ بِمارُس (Erebinthos hemeros): نام «حِمَّص بری» و «حمص بستانی» است.[بنیطار(در ترجه دیسکورید)۳- ۹۲]

Cicer arietinum L.	حمص - نخود دشتي	زر. – پا.
Cicer arietinum L.	أربنٹس أيمارس -حمص بري و بستاني	ديسكوريد
Cicer arietinum L.	حمص	الم. – خط.

۲۹۳ ـ حمص الأمير<sup>ع،</sup> حمص الامير ": نامهاى ديگر آن: شكوهج - حَسَك عن اشبيلى مى كويد: برخى آن را به اشتباه «حَسَك» كويند. در

۶۹۴ - حَمَصيص "، حمصيص ، حمصيص في نوعى حمّاض نام ديگر آن در خراسان: ترف "

Rumex lacerus Balb.	حمصيص	زرياب
Rumex vesicarius L.		

Oxalis corniculata L.		
Oxalis corniculata L.	حماض أصفر، حماض قُرْني، حِمضيض	الموسوعه
Rumex vesicarius L.		

Adonsonia sp.	ه بَوْباب، باۋباب، حَبْحب، عَمارة	الموسوعا
Rumex vesicarius L.	تَبَلْدي، حُمَيْراء، شجرة خبز القرود	
Oxalis corniculata L.		

99۶ - حِنّا ، حِنّا ، حِنّا ، حِنّا ، حِنّا ، حَنا (نامی عربی) ، فَغُو ، فاغیة ، بُرُنّا عن نامهای دیگر آن: فاغیه - یونانی ارقان ، فقو لیون - هندی: مهندی اشبیلی می گوید: دارای انواع بستانی، بری، و جبلی با نامهای زیر است: ۱ - بستانی علفی ۲ - بستانی درختی با نامهای: قیفرس، فیغروا، فوفارون، اساسنه، بُرَنّا، رقّون، عَلّام ۳ - نوع بری با نام حناء المجنونه یا مجنون، حناء المروج، حناء الرّعاة - نوع جنبه است ۴ - نوع بری با نام: ابی یَموت ۵ - نوع جبلی با نام: حناء الجبلیه، خِطْرِ مُن

قيفروس (Kupros): شجرة الحِنّا \_ اهل شام: يَرنّا \_ عربي: رِقان، رَقون [بن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ٩٧]

Lawsonia alba Lam.	قيفروس – شجرةالحنا – رقان	ديسكوريد
Lawsonia alba Lam.	فغو - فاغيه	زرخط.
Lawsonia sp. Lawsonia alba Lam.	حِنّاء - قَطَب - فاغية	الموسوعه
Lawsonia inermis L. Lawsonia alba Lam.	حنا	پاطبا.
Lawsonia inermis Lawsonia alba Lam.	Sanskrit: Mendika - Hendia: Hena, Mehndi Bombay: Mendi	GLO.IN.

۲۹۷ ـ حنّاء الغولة ً، حناء الغولة ّ: عامه مصر اين نام را براى «شنجار» استفاده مىكنند. ّ

Onosma sp.	شِنْجار	الموسوعه
Anchusa tinctoria L.	حناء الغول	EN.

۶۹۸ - خَنْدَقوقی ، حندقوقی ، خندقوق ، حندقوقی و (نامی نبطی)، کرکمان محندقوقی ، بن حندقوقی ، حباقا ، دیواسیست : نامهای دیگر آن: حندقوق - رومی: طریفولون - سریانی: کرکرینا - فارسی: دیوسیست - سجزی: سوک ، عرقصاء ، عریقصاء - شیرازی: انده قوقو - درق - خیاط - دیو اسبست - نام های نوع بری: عربی: حباقات ماقی ، ذرق ، درق - یونانی: لوطوس اغریوس ، به معنای حندقوقی بری - فارسی: دیو اسپست صحراثی ا - شیرازی: اندقوقو ا - لاتینی: لوطوس سکرار ا - هندی: بسکهپره ا ، کده پرته ا - نام های نوع بستانی: عربی: ذرق ا - یونانی: لوطوس ت - به لغتی: طریفلن ا - لاتینی: طریفلم اورانم ا ، بوکسطیلان طربول رماکه ا - هندی: همان نام بری است - اصفهان: شبدر ا - مازندران: شرویه ا - برخی از پزشکان بی جهت رحندقوقی و «طریفلن» را یکی دانسته اند. ت

# لوطوس أُغْرِيوس (Lotos agrios): نام های دیگر آن عبارتست از: حُباقا ـ ذَرَق [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۱]

Trigonella coerulea Ser. Trigonella hamosa L.	حندقوقی - دیوسبست	زر. – طبا.
Trigonella coerulea Ser. Trigonella hamosa L.	لوطوس أغريوس -حباقا - ذرق	ديسكوريد
Melilotus sp. Trigonella hamosa L.	حَنْدقوق	الموسوعه
Arum colcocasia L.	خندقوقا	EN.

998 - حِنْطُه'، حنطه "، حنطه "، حنطة المجتب عنطة المجتب ا

# فورا (Puroi): حِنْطَة \_ بُرِّ \_ فُوم \_ قَمْح [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ٢٩]

Triticum vulgare Vill.	حنطه	زخط.
Triticum vulgare Vill.	حنطه - بر - فوم - قمح	ديسكوريد

٧٠٠ - حنطة البرية: قُراطاغونن، بوراطااغرين - نام نوعى از أن: قَمح الحَجَل، قمح الشيطان ۖ

Citrullus colocynthis	حنظل - حَدَج - مَرارَةالصحارى	الموسوعه
Trigonella hamosa L.		•

		,
Citrullus colocynthis Schrad.	حنظل	ز.،خ.،ط.،.E

۷۰۲ - حِفْوَل: نام درختی همانند درخت انار

۷۰۳ - حَوْذان:

Ranunculus sp.	حوذان	الموسوعه
1	*	

۷۰۴ - حُور ، حور <sup>در</sup>، حور رومی <sup>۳</sup>: نامهای دیگر آن: حوز ، کروفس ٔ - فارسی: توز ت دیسکورید: کَهرباء ٔ - لوقا: حَوَر و مَیْس ۲ - (Leuke) آن دارای انواعی است. اشبیلی میگوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیار است برخی از آن عبارتند از: ۱ -نَشَم الاسود ۳ - شجر الصفصاف ۴ - حور الرومی: اغیرس<sup>د</sup>

أغيرُس (Aigeiros): شجرالحورالرومی ـنام پوست آن «توز» است که با آن تیر و کمان را می بندند.ـدیسکورید نام صمغ آن را «کَهْرُباء» می داند.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۹۹ - ۱۹۹

Populus alba L.	لوقا - حور	ديسكوريد
Populus niga L.	أغيرس – حور رومي – توز	ديسكوريد
Populus sp.	حَوَد –حَوْد	الموسوعه

## حرف «خ»

۵ • ۷ - خافور<sup>ع</sup>، خافور<sup>ن</sup>: گروهی پنداشته اند نام «مرو» است و همچنین آن را اهالی مصر «خرطال» موجود در «شعیر» گویند.<sup>ع</sup> اشبیلی می وید: برخی آن را «مرو» و عدهای آن را نوعی «حبَق» معروف به «طرطور الحاجب» و «قبسطاله» می دانند و هر دو را «خافور» می زنامند.<sup>دن</sup>

Danthonia sp.	خافور	الموسوعه
· · · · · · · · · · · · · · · · · ·	33	

۲ • ۷ ـ خالیدونیون<sup>3</sup>، خالیدونیون<sup>7</sup>، خالیدونیون<sup>9</sup>: نام دیگر آن: فشرا<sup>9</sup> ـ به یونانی به معنای «خطّافی» یعنی منسوب به «خطّاف» است و پزشکان به آن «عروق الصفر» گویند.<sup>9</sup> دو نوع است: بزرگ آن «عروق الصفر» و کوچک آن «مامیران» نام دارد و معنی «خالیدونیون نو الخطافی» بوده بدان سبب که پرستوک چون بچه وی در آشیان نابینا گردد بفرمان حضرت عزت شانه برود و شاخ «مامیران» در آشیانه بیاورد و در آنجا نهد، بچه نابینا بینا گردد و این از خواص آن است فتبارک الله احسن الخالقین "

Scrophularia aquatica	خاليدونيوم صغير	EN.
Chelidonium majus	خاليدونيوم كبير	EN.

۷۰۷ -خاماسوقی ، خاماسوقی ، نامی یونانی به معنای «انجیر زمینی» است. ٔ - «خاما» به معنای زمین و «سوقی» به معنای انجیر است. ٔ - «خاما» به نظر درستی به نظر نمی را در ترجمه مفردات جالینوس این گیاه را «تین جبلی» معرفی کرده که نظر درستی به نظر نمی رسد زیرا دیسکورید «تین جبلی» را در مقاله اول کتاب خود همراه درختان بزرگ یاد کرده است. ٔ

Euphorbia chamaesyce L.	خاماسوقی – تین الأرض	الموسوعه

۸ • ۷ - خامالوقی<sup>5</sup>:

Chamaepeuce diacantha DC.	خامابوقى	الموسوعه
Cirsium diacantha DC.		

#### ۹ . ۷ . خاماقسیس<sup>ت</sup>:

Antirrhinum asarina L.	الموسوعه سَيْسَم أصرينَه -خاماقيْسَس
	<u> </u>

۱۷۷ - خامالاء ، خامالاون : "صاحب جامع می گوید: «حربا» نوعی «مازریون سیاه» است و نام های دیگر آن «خامالیون» و «کمالیون» است. و «اسد الارض» را «مازریون» نامیدن سهو است زیرا «اسد الارض»، «جربا» است و گویند «خامالا» اسم «مازریون» است و این سهو بخاطر اشتراک اسم آن هاست، و هم صاحب جامع از قول برخی متاخرین «اسد الارض» را «خامالاون مالس» می داند که آن «مازریون سیاه» است بنابر این قول صاحب منهاج معتبر تراست. - برگردان آن به عربی «زیتون الأرض» است و آن گیاه «مازریون» است. بسیاری از مترجمان «مازریون» را به اشتباه همان «أسد الأرض» می دانند در حالیکه «أسد الأرض» برگردان «خامالاون الأسود» است و «مازریون» برگردان «خامالاء»، و این اشتباه مترجمان برای نزدیک بودن این دو لفظ با هم است. و من ـ ابن بیطار ـ برخی از این اشتباهات را در کتاب «الأبانة و الأعلام بما فی المنهاج من الخلل و الأوهام» ذکر کردهام. \*

۷۱۱ ـ خامامیلن<sup>c</sup>: برگردان عربی آن «تفّاح الأرض» و همان «بابونج» است.<sup>c</sup>

۷۱۲ ـ خامشة ع، خامشه ت: نام دیگر آن نزد اهالی بیت المقدس و شام «شیطرنج شامی» است.

۷۱۳ –خانق الذئب'، **خانق الذ**ئب ُ ، **قاتل الذئب** ، خانق الذئب ، خانق الذئب َ ، خانق الذئب َ : نام دیگر آن(قاتل الذئب» است. أفوقونُن (Apocynon): برگردان آن به عربی «عِنَب الكلاب» یا «انگور سگان» است و گیاه سمی کشندهای با دانه هائی درون نیامی طویل است و نام دیگر آن «قاتل الذِئب» یا «کشنده روباه» است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۳]

Aconitum erectum L.	افوقونن - قاتل الذئب - عنب الكلاب	ديسكوريد
Aconitum napellus L.	خانق الذئب - قاتل الذئب	زر.، .EN
Aconitum lycoctonum L.	قاتل الذئب	پارسا
Aconitum napellus L. Aconitum lycoctonum L.	قاتل الذنب	طباطبائى

۷۱۴ -خانق الكلب، خانق الكلاب، خانق الكلب، خانق الكلب، خانق الكلب، خانق الكلاب، ترمس البرى، فسوة الضبع، قاتل الكلب، - همندى: كلهاژى، ابن يبطار در كتاب جامع اين كياه را معادل وتلل الكلب، مى داند. - جالينوس وجه تسميه آن را «كشنده سك» مى داند. عبرخى آن را «فول الخنزير» با نام «افوقونس» معرفى مىكنند.

Apocynum sp.	خوشان -خانق الكلب	الموسوعه
Strychnos nux-vomica L.	قاتل الكلب	طباطبائى

۷۱۵ -خانق النَمِر'، خانق النمر"، خانق النمر"، خانق النمر"، خانق النمر"، قاتل النمر": نوعى از مازريون" نامهاى ديگر آن: قاتل النمر" - يونانى: اقونيطن" - قاتل الذئب" - «خانق النمر» يا «قاتل الذيب» را بنازى و بپارسى «كرى مرى» كويند." أاقونيطن: نامهاى ديگر آن عبارتست از: قاتل النَّمِر ـ عامه اندلس: بَال(نتال) [بن يطاد (در ترجمه ديسكوريد) ۴ - ۷۰]

Aconitum lycoctonum L.	خانق النمر	زر طبا.
Aconitum napellus L.	اقونيطن -قاتل النمر -نبال	ديسكوريد
Aconitum napellus L.	اقونيطون - تاج الملوك	پارسا
Doronicum pardalianches Doronicum cordatum C.Koch	خانق النمر - دُرْنوق خانق النمر	الموسوعه

۷۱۶ - خُبازی ، خبازی ، بزر الخبازی ، خرو ، خیروج : نوعی خطمی و از جنس مِثرسات (کیاهان دارای برک گرد) است. نامهای دیگر آن: ملوکیه البریه — فارسی: نان کلاغ ، پنیرک ، خیری ، خیرو ب برکی: ابمکماجی است. نامهای دیگر آن: ملوکیه ، ملوکیه ، خیروج — نامهای بذر: فارسی: تخم خرد — کرمانی: پنیرک خطمی — نام های نوع بری بزرگ: خطمی ، کرمانی: پنیرک خطمی — نام های نوع بستانی: ملوخیه ، ملوکیه ، خیروج — نام های نوع بری بزرگ: خطمی ، کرمانی: پنیرک خطمی — نام های نوع بری بزرگ: خطمی ، حسریانی: حمری مرکی — نام های نوع بستانی: ملوخیه ، ملوکیه ، خیروج — نام های نوع بری بزرگ: خطمی ، حسریانی: حمری مرکی — نام های نوع بری کوچک: «خبازی» و به فارسی «خیرو» است و «ملوکیه بری» و نوعی از «ملوخیه ست و گویند «ملوخیا» را ، «بقلة الیهود» خوانند و «ملوکیه» گویند و آن «خطمی» است. آشبیلی میگوید: دارای انواع بسیاری است که برخی از آنها عبارتند از: ۱ - خُبازی الماکول (خوراکی)، مالبه ۲ - نوع معروف به معروف به مصری با نام خبازی الصقلی ۵ - نوع معروف به شقایقی که رنگ کل آن چون شقایق قرمز است با نام الحاحی و الصینی ۶ - نوع معروف به قرطی با نام مالبه اوراطه یعنی خبازی خموف به نام المای کل آن چون شقایق قرمز است با نام الجاحی و الصینی ۶ - نوع معروف به قرطی با نام مالبه اوراطه یعنی خبازی خموه با نام المایه انام مالبه الرومی، خطمی الموری، خطمی الزغب، عضرس ۹ - نوع معروف به قرطی با نام مالبه المروع، خبازی السبخی، آلتیه ۸ - نوع معروف به خطمی النهری، خطمی المروج، خبازی الازغب، عضرس ۹ - نوع برای دیگر آن عبارتست از: خطمیة البیضاء، خطمی المروج، خبازی الفارسی ۱۰ - نوع برای دیگر آن عبارتست از: خطمیة البیضاء، خطمی المروج، خبازی الفارسی و نوع خبازی الازغب، عضره ۱۱ - نوع معروف به فم الطائر، خبازی الهندی، بلارجه، اقلولش، اخلة الارض، قرنه، غرنوقی، انوع جبلی: خبازی الابیسی ۱۹ - خوبق الاسود ۱۲ - نوع بورگ حماحم "

ملوخی (Molokhe): نام های دیگر آن عبارتست از: خُبّازی ـ مُلوکیّته [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

Malva sp.	خُبَازی – خبازه	الموسوعه
Malva rotundifolia L.	خبازی	طباطبائى
Malva parviflora L.	Hendia & Panjub: Panirak, Supra	GLO.IN.
Malva silvestris L.	گل پنیرک	پارسا
Althaea sp.	خیازی	EN.

۷۱۷ -نُحبَّه ، بزرالخُبَة "، خَبَه "، خَبَه"، خبه "، خَبَة ": نـامهای دیگـر آن: عـربی: فتُ "، نـجم" - شـیرازی: شـفترک" اصفهانی: خاکشی " - تبریزی: سوردن' - ترکی: شیودان ، واشوه" - مازندران: شلمبی ' - هندی:خوبکلان' ـ فارسی: السنة (نامی عربی)، الداس واش ً - بربری: سوارون "

Sisymbrium officinale Scop. Sisymbrium polyceraton	بزرالخبه -فث -نجم	زریاب
Sisymbrium officinale Scop. Erysimum repandum L. Sisymbrium irio	جنفج، تودری، قدومه شیرازی، خاکشیر، خاکشی	پارسا
Sisymbrium sophia		

Sisymbrium sophia	خاكشير	پارسا
Erysimum barbarea L.	حشيشة الحَفر، أريسيموم طبى، خَبه	الموسوعه
Erysimum cheiranthoides L.	,	

۷۱۸ ـ خبز رومی<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: قسماط<sup>ع</sup> ـ عامه مغرب: بَسْماط<sup>ع</sup> ۷۱۹ ـ خبز القرود<sup>ع</sup>، خبز القرود "، خبز القرود<sup>ش</sup>: نامهای دیگر آن: لوف" – بعضی از گیاهشناسان اندلس: نوع بزرگ لوف<sup>ع</sup> ۷۲۰ ـ خبز المشایخ<sup>ع،</sup> خبزالمشایخ ":نام دیگر آن: عامه آفریقا: بخور مربع<sup>عی</sup>

Cyclamen sp.	خبز المشايخ - شكّع	الموسوعه

۷۲۱ ـ خِتْرِفَ، خترف ؓ: نام دیگر آن در بعضی از ترجمه ها: أفسنتین ؓ

Artemisia absinthium	خُتْرُف، أبسنت، أفسنتين، شيح رومي، دمسيسة	الم.

٧٢٧ ـ خُرُّء الحَمام ُّ، خرو الحمام ؒ : نامهای دیگر اَن: ابن جلجل: اهالی رِقّه: جوز جندم ؑ

٧٢٣ - خَرامقان أ، خرامقان ":

۷۲۴ - خَرْبَق ، خربق ، خربق ، خربق ، خربق أبيض ، خربق ابيض أ خربق ابيض العربق دو جنس است سياه و سپيد. المهاى ديگر آن: رومى: برون - سريانى: حوربخانا ، فقوشا ، اقونطياون - اوريباسيس: البروس - فارسى: دارى - جالينوس: به سريانى: هلابوروس - اهالى دمشق: خردل فارسى الشبيلى: مى گويد در مورد ماهيت آن اختلاف است برخى آن را به اشتباه «شميّراء» و عدهاى «حرشاء» گويند نامهاى آن عبارتست از: البوزش لوقس، هيلورش، سالة الله

Helleborus alba L.	خربق	زرياب
Veratrum album L.	1	
Veratrum album L.	خربق ابيض	طبا خط.
Helleborus sp.	خربق	الموسوعه
Helleborus sp.	خربق ابيض	EN.

۷۲۵ - خَربق اسود'، خربق أسود'، خربق اسود' ، خربق اسود<sup>غ</sup> ، خربق اسود<sup>ن</sup> : نوعی کفوف و از جنس جنبه است **نامهای دیگر آن:** هندی: کتکی ٔ - مالیبذیون - الابورش مالش - الباشه - سافاریعون - مَلْباله (اهالی ثغر) یعنی خُبَیّزة صغیرة - سیصامویداس - هیطومون - نام نوع دیگر آن: خروسوقومی - اهالی ثغر: طُرنَه ماطر - ضابطة الجَبلیة- رافعه زیرا رحم را به محل خود بر میگرداند - راس الذهب من الله عنام گیاه در کتاب دیسکورید: مالینودیون

Helleborus niger L.	خربق اسود	ز.،ال.،خ.،ط.
Helleborus niger L.	خربق سياه	پارسا
Veratrum nigrum L.	خربق اسود	EN.

۷۲۶ - خَردل ، خردل ، خرها ، خرها ، نوعی بقل یکساله نامهای دیگر آن: سینبی - صناب - اسفیندار - سریانی: خردلا ، حفارسی: اسبندان خوش ، هندی: وائی ، دائی ، (رای)، بمولتان اهری ، تربیزه ، حددل البر ، – نام های نوع سفید: حرف ابیض ا – ترکی: فجی ا – نام های نوع سفید: حرف ابیض ا –

# فارسى: سپندان، اسپندا – «خردل» «سپندان» است ... و جنسى از آن «سپيد اسفند» و آن را «خردل بابلى» كويند. پ

Brassica nigra Koch. Sinapis nigra L.	خردل - مشمع خردل	پارسا
Sinapis sp.	خردل	الموسوعه
Sinapis arvensis L. Sinapis nigra L. Brassica nigra Koch.	حرشاء - خردل	زریاب
Sinapis alba L. Sinapis nigra L. Sinapis arvensis L.	خردل ابیض خردل اسود خردل بری	خطابی
Sinapis arvensis L.	خردل بری	طباطبائى
Sinapis arvensis L.	خردل	EN.

۷۲۷ - خودل بری<sup>ع،</sup> خردل البر<sup>د،</sup>، حراشا ، خنج : نوعی احرار است. گروهی پنداشته اند نام «لَبسان» است. و برخی آن را نوعی «لفت» میدانند. <sup>در</sup>

Sinapis arvensis L.	خسردل بسرى، خسردل حَسفْلى، حَسرْشاء، لَـبْسان	الموسوعه
Brassica sinapistrum Boiss.		

٧٢٨ - خَرَزَة ":

٧٢٩ - خَزْزَل: نامهای دیگر آن: یونانی: البانونس

۷۳۰ ـ خردل فارسی، خردل فارسی ، خرفق؛ نوعی «حرف» که آن را «اسفند اسفید» خوانند و «خردل سفید» گویند. تامهای دیگر آن:تلسفی، ـ گیاهشناسان و اهالی غرب اندلس: ضباب البری، ـ مصر: حشیشة السلطان،

Lepidium campestre R.Br.	خردل فارسى، حُرْف السطوح، صناب برى	الموسوعه
Thalaspi campestre L.		

٧٣١ ـ خرطال ، خرطال نن: به كياهي از جنس «راءا» و همچنين به كياهي از نوع «شعير» گفته مي شود. نن نام ديگر آن: فارسي: قرطمان ع

Avena sp.	خرطال، شوقان	الموسوعه

۷۳۲ ـ خُرُفع ، خُرفع نُر: نام های دیگر آن: جنی العُشر ، عَشَر ن – برخی مواقع به «قُطْن» نیز «خِرفع» گویند. ، ۷۳۳ ـ خرکوش : در بعضی از تفاسیر آن را «لسان الحمل» می دانند. ،

۷۳۴ - خَرْقطان ؛ نام هندی آن «بندا» است. ا

Loranthus globiferus A.Rich.	خرقطان	الموسوعه

۷۳۵ ـ خُرَّمُّ: "رازی" این نام راگیاهی با نام یونانی واسطراطیقوس، به معنای وحالبی، پنداشته و برخی نیز آن را با نام یونانی

«لخنیس» و عدهای هم آن را با نام یونانی «لَنخیطس» ذکر کردهاند و این همان گیاهی است که ابن جلجل از آن بـه «سـراج القطرب» یادکرده است.<sup>ع</sup>

Agrostemma sp.	خرّم - سراج القُطْرب	الموسوعه

۷۳۶ - نُحرْنوب، خرنوب من خرنوب من خرنوب من خرنوب خرنوب (در دو نوع) نبطی و شامی است. و نامهای دیگر آن: خرنوب، خرنوب، خرنوب میوه ینبوت سسریانی: حروبی من حُجثا من فیزیدجاغی سامهای و نکه کند سیر نوب، خرّوب سیمان س

Ceratonia siliqua L.	خرنوب	ز.،خ.،ط.،.E
Ceratonia siliqua	خرنوب – خرّوب	الموسوعه
Ceratonia siliqua	Punjab: Kharnub	GLO.IN.

۷۳۷ – خروب السودان: نام میوهای در مغرب که عوام به آن «کورو» گویند و در مناطق سودان رویش دارد.غ

r		
Cola acuminata Scho.	خروب السودان	خطابی

۷۳۸ ـ خرنوب ببطی<sup>ع،</sup> خرنوب نبطی ؓ، خرّوب النبطی ؓ: ن**امهای دیگر اَن**: خروب ؓ - اهالی شام: خرنوب الشوک<sup>ع ؓ</sup>، خرنوب المعزی ؓ، مغربی ؓ ـ عربی: یَنْبوت ع<sup>ند</sup> - قضم قریش ؓ - فارسی: کووارا ؓ - شیرازی: کیر کازرونی ؓ

۷۳۹ \_ خرنوب الخنزير<sup>ع</sup>، خرّوب الخنزير <sup>در</sup>: نامهاى ديگر آن: عود اليُسر در يونانى: أناغورس<sup>ع</sup> ـ در بازار مصر: حبّ الكلى ع

۷۴۰ - خرّوبِ الشامی: **نامهای دیگر اَن:** قراطیا - تیکظا - سَلغوا - خرنوب - دارای انواعی است: ۱ - نوعی با نیامی بلند با نام نارجین ۲ - نوع دیگر با نیامی بلند و پهن معروف به صندلی ۳ - نوعی با نیامی کوتاه و پهن معروف به صینی <sup>دن</sup>

۷۴۱ - خروب الشوک<sup>نر</sup>: گویند «فَرَظ» است و گویند «ینبوت» است که درستتر است.<sup>دن</sup>

۷۴۲ ـ خرنوب مصری<sup>ع،</sup> خرنوب مصری<sup>۳</sup>: **نامهای دیگر اَن**: خرنوب نبطی ۳ - قرط<sup>۳</sup>

خرنوب (غلاف) درخت «سنطْ» است. علی از این خرنوب در شهر های مصر عصاره «أقاقیا» استخراج می شود که به آن «رب القَرَظ» می گویند. ع

Acacia arabica	خرنوب مصري	طباطبائى

۷۴۳ \_ خروسوقومي ع: برگردان عربي آن «رأس الذهب» است. ع

Aster alpinus L.	خرسوقومر	EN.
1	5333	

۱- در مورد وجه تسمیه این گیاه به احروب، و فشجره سلیمان، گفسانی و در کتاب خود میگوید: بر اساس آنچه آورده شده حضرت سلیمان علیه السلام در محراب خود گیاه بـزرگ خودرونی را مشاهده کرد از گیاه پرسید اسم تو چیست و چه فواید و ضررهائی داری؟ گیاه به قدرت خداوند به سخن آمد و در حالی که حضرت سلیمان (ع) آماده نوشتن بود گفت: نام من «خرّوب» است. حضرت سلیمان (ع) فرمود: «خرّوب» همان «خراب» است پس با این نشان فهمید که حکومت او بزودی ازبین میرود و دیر زمانی نگذشت که چنین شد و به همین دلیل به این گیاه وشجرة سلیمان، گریند.

۷۴۴ ـ خروسوموغالی<sup>ع</sup>: نام گیاه در کتاب دیسکورید: دسقس<sup>ع</sup>

۷۴۵ - خِروع ، خروع ، حب الخروع : از جنس کفوف و از درختان خَوار است. نامهای دیگر آن: فارسی:بیدانجیر ، بیدانجیر ، انجیر – شیرازی: کنتو ، حرکی: کرچک – هندی: از نید ا رومی: قفروس و قفووس این الله به شیرازی «کنتور» است. قفروس و قفووس این الله به شیرازی «کنتور» است. آشبیلی می گوید: دارای چهار نوع بزرگ، کوچک، متوسط و نوعی روئیده در کنار نهرها است: ۱ - نامهای نوع بزرگ، قیقی - شیشاصینی - شیشم - قبرس: قروطن - رجنه - اربقنه - نام دانه: اسفنغار ۲ - نامهای نوع متوسط: کسینثیون - قصفا - خولاذولیون - امّاری - صیصاموغریون ۳ - نام کوچک: اسبیذار ۴ - نام نوع چهارم: حبربان ،

Ricinus communis L.	خروع	ز.،خ.،ط.،.E
Ricinus communis L.	کرچک	پارسا
Ricinus communis L.	خروع	الموسوعه

۷۴۲ ـ خرّیع ٔ، خرّیع ٔ : نام دیگر آن: غضفُر ٔ - آفریقا و تونس به زبان بربری به آن «تاغفیت» گویند و نوعی «حرشف» غیر خاری است. ٔ

۷۴۷ - خَزامی ، خزامی ، خزامی ، خزامی نظامی دیگر آن: خیری البر مستا - سجزیه: گل نرمه سطار سی: شب انبوی ، البوی 
لوقاس الجبلیه (Leukas): نام «خیری جبلی» است زیرا «لوقاس» به معنای «خیری» بوده و آن نوعی از «خزامی» است. [بن بیطار (در ترجه دیکورید) ۳ - ۹۴]

Lamium maculatum L. Lavandula vera DC.	نوعى از خزامي - لوقاس الجبليه - خيري جبلي	ديسكوريد
Lavandula spica Cav. Lavandula vera DC.	خزامی	EN. زر.،
Lavandula sp. Lavandula vera DC.	خزامی - لاؤندَ،	الموسوعه
Lavandula vera DC.	خزامی	طباطبائى

## ۷۴۸ - خَزَم<sup>ش</sup>:

۷۴۹ - خُسُ : (نام ریشهای هندی)

۷۵۰ - خَس ، حس من من خس ، خس ، خس ، خس ، خس ، بزر الخس ، خس بری: نامهای دیگر آن: فارسی: کاهو س - ترکی: خاس است است من الحمار المن الحمار المن المن و از جنس بقل با نامهای بلودقش ، لیتوقش و مولیه است و دارای انواع فراوانی است که بستانی آن عبارت است از: ۱ - مأمونی و صقلی ۲ - خس الاسود ۳ - الحاحی ۴ - قسطنطنینی یا مصری ۵ - بجانی و عراقی ۶ - ربیعی - بری آن عبارتست از: ۱ - یعضید بری با نامهای: ثرودوقس ایمارس، لیتوقه کنبیانه، خس الفدان ۲ - مصری ۵ - بجانی و عراقی ۶ - ربیعی - بری آن عبارتست از: ۱ - یعضید بری با نامهای: ثرودوقس ایمارس، لیتوقه کنبیانه، خس الفدان ۲ - مصری ۱۲ - شوال الحمار، خزشاء، خس الحمار ۴ - یبروح ۵ - عَطشان، دیبساقوس - میتوان از «سِلق» و انواع آن را از انواع خس دانست. شور شریم، است. این یطار (در ترجمه دیسکرید) ۲ - ۱۲۰۰

Lactuca sativa L.	ٹرٹوقس أيماروس -خس بستاني -خس بري	ديسكوريد
Lactuca sp.	خسٌ	الموسوعه

Lactuca sativa L.	تخم كاهو	پارسا
Lactuca sativa L.	خس	طبا،، .EN
Lactuca sativa L.	خس بستانی	خطابی
Taraxacum officinale	خس بری	

۷۵۱ ـ خس الحمار<sup>ع</sup>، خس الحمار ، خس الحمار ، هوفيلوس : نامهای ديگر آن: قابضه، ضابطه، مصاصة، عشبة الفتوق، شنجار - هوفيلوس - ابوخلسا گويند نام نوع بزرگ «شنجار» است. ع

	T		
Alkanna sp.	كُنْهان صباغي، شِنْجار البر، حس الحمار، رِجُل الحمام	الموسوعه	

۷۵۲ -خشخاش، خشخاش، خشخاش، خشخاش، شیرابه : نام دیگر آن: هندی: پوست،

نوعی از آن بستانی است که از بذر آن نانی که در وقت المَمُّل آن را می خورند و گاهی نیز آن را بجای «سمسم» با عسل استفاده می نمایند و این نوع را «بولاقیطس» گویند. و نوعی بری با سر شاخه های مشابه آن و بذر های سیاه است که به آن «سفرطس» گویند و برخی مردم آن را «رواس» می گویند زیرا این کلمه به معنای سائل (روان) بوده و از آن مایع یا شیرهای خارج می شود. و نوع سوم خشخاش بری کوچکتر است.<sup>ع</sup>

میقن (Mekon): نام «خشخاش أبیض» است و همچنین «خشخاش أسود» و «أفیون» با همین نام ذکر شده است. میقُن رُواس (Mekon rhoias): برگردان عربی آن «خَشْخاش سائل» است وجه تسمیه آن بخاطر گل زودافت آن است و مشابه «شقائق» است و در کشتزارها میروید. [بن بیطر(درترجمه دیسکردید) ۴ - ۸۵ و ۵۱]

Papaver roeas L.	ميقن رواس – خشخاش سائل	ديسكوريد
Papaver somniferum L.	ميقن، خشخاش أبيض، خشخاش أسود، أفيون	ديسكوريد
Papaver sp.	شخاش	الموسوعه
Papaver somniferum L.	کوکنار – خشخاش	یارسا
Papaver somniferum L.	خشخاش	طبا، .EN

٧٥٣ - خشخاش سفيد ، خشخاش ابيض ؛ از انواع آن «خشخاش احمر» است كه به آن «شقايق النعمان» گويند. أنام ديگر آن: خشخاش بستاني "

Papaver somniferum L.	خشخاش أبيض	خطابی
Papaver roeas L.	خشخاش احمر	خطابی
Anemone sp.		٥.

۷۵۴ –خشخاش بری ، خشخاش سیاه : نامهای دیگر آن:خشخاش اسود ، خشخاش الیهودی نامهای دیگر آن:خشخاش السود ، خشخاش الیهودی نامهای دیگر آن:خشخاش المُقرَّن » (خشخاش شاخ دار) است. بعضی به آن «فارالیون» (Paralion) برگردان آن به عربی «خشخاش الساحلی» است، میگویند زیرا این گیاه بیشتر در سواحل می روید. نام دیگر آن «خشخاش البری» است. و برای نیام بلند چون نیام «لوبیا» به آن «مُقرَّن» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۴ - ۲۰

Papaver somniferum	خشخاش أسود، خشخاش أحمر، خشخاش مُنُوم، أبوالنوم	الموسوعه
Papaver somniferum L.	خشخاش اسود	خطابی

Glaucium corniculatum Curt.	قاراطیطس، خشخاش المقرن، خشخاش ساحلی، خشخاش بری	ديسكوريد
Glaucium corniculatum Curt.	خشخاش بري	EN.

۷۵۵ –خشخاش منثور٬، خشخاش منثور٬: "جالینوس" میگوید: از آن جهت منثور گویند که گلبرگهای آن زود می ریزد. "

· خشخاش منثور، خشخاش أعمى، عَمَى الدَّجاج، شقائق حُمر، شقائق النعمان Papaver rhoeas	الموسوعه
---	----------

۷۵۶ -خشخاش زَبَدی٬، خشخاش زبدی<sup>۶</sup>، خشخاش زبدی ّ: **نامهای دیگر اَن:** میقن افرودس ّ - قلیا ّ میقن ا**فروذِ**س (*Mekon aphrodes): برگردان آن به عربی «خشخاش زبدی» است (زبد به معنای شیر یاکف روی آب) زیرا گل آن مانند کف روی آب بسیار سفید رنگ است. [بن بیطار (در ترجه دیسکورید) ۴ - ۲۱]* 

Silene influtal L.	خشخاش زبدى	دی.، .EN

۷۵۷ -خشخاش مُقَرِّن ، خشخاش مقرِّن (۱۱)، خشخاش مقرن ، خشخاش مقرن ن نام دیگر آن: مامیثا خشخاش بحری تن ، زیرا اکثراً کنار دریا و مکانهای ناهموار می روید.

Glaucium flavum Crantz.	الموسوعه خَشخاش مُقَرَن، ماميثا صفراء
-------------------------	---------------------------------------

۷۵۸ - نُحصْ الثعلب ، خصی الثعلب ، سوقطیون ، ظریفلن ؛ نامهای دیگر آن: یونانی: ساطریه ، ساطریون ، ساطیورین ، شاطوریون ، طریفلن ا ( به معنای سه برگ ) (در در نوع ) خرد و بزرگ است. – برای برگ های سه تائی و مایل به سمت زمین آن برخی آن را هطریفلن ، می دانند... و نوع دیگر آن را گاهی و اریقون شاطوریون ، گفته اند. تا خافقی می گوید: هخصی الثعلب ، معروف نزد ما در اندلس با آنچه دیسکورید معرفی کرده متفاوت است. شاشیلی می گوید: دارای دو نوع است ، نوع اول را شاطوریون ، اشتنکه و طریفان و نوع دوم بذر های بزرگتر از بذرهای : کرده متفاوریون (Saturion ) نام هخصی النُعْلَب ، بوده و دو نوع دارد. بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۲

Orchis anthropophora L.	ساطوريون - خصى الثعلب	ديسكوريد
Orchis sp.	سَخْلب، خصى الثعلب، خصى الكَلب، قاتل اخيه، سَطوريون	الموسوعه
Aceras anthropophora St. Tulipa gesneriana L.	خصىالثعلب	طباطبائى
Orchis hircina Griseb.	خصى الثعلب	خطابی

٧٥٩ –خصى الديك، خصى الديك: ؟

۷۶۱ - خصی الکلب<sup>۲</sup>، خصی الکلب<sup>۳</sup>، خصی الکلب<sup>۳</sup>، خصی الکلب<sup>۳</sup>، قاتل اخیه ۳: **نامهای دیگر آن:** رومی: اَسْمَاقوس ۲ ـ نام گیاه در کتاب دیسکورید: أرخس ٔ این اسم - قاتل اخیه (برادر کش) - به این سبب بر آن نهادهاند که دارای دو بیخ مانند دو زیتون است که در سالی یکی از آنها فریه شود و در سال دیگر آن فریه لاغر گردد و لاغر آن فریه گردد. ۳ اشبیلی میگوید: نوعی بصل با نامهای:

٧٤٠ - خصى القط ": نوعى بقل معروف به ذكر الرئيس - اهالي ثغر: قليون دِغاته "

۱-به خشخاش بری رجوع شود.

«ارخس، قاتل اخیه، فُلیون، دِقان» و دارای ده نوع با نامهای زیر است: ۱ - نوع ثومی با نامهای ارخس و ارخیس ۲ - نوع دیکی با نامهای ارخس طوماغن یعنی بزرگ، ساراقیاس و خصی السمور ۳ - نوع نحلی ۴ ۵ - نوع دیبرانی یا زنبوری که در دو نوع است. ۶ - نوع کراثی ۷ - نوع بصلی ۸ -نوع خُطّافی ۹ - نوع زُبُدی ۱۰ - نوع ثعلبی <sup>در</sup>

Orchis hircina Griseb.	خصىالكَلب	طباطبائي

۷٦٧ ـ خصی هرمس<sup>۳</sup>، خصی هرمس<sup>۳</sup>: **نامهای دیگر آن:** حلبوب<sup>۳</sup> - یونانی: لسورسطس<sup>۳</sup> ـ گویند نام «عصا هرمس» است و به نظر صحیح تر از بقیه نظرها است و نام یونانی آن «لینوزسطس» و نام دیگر آن «حلبوب» است.<sup>۳</sup> ۷۶۷ ـ خطر<sup>۳</sup>، خط<sup>۳</sup>، برگ «نیل رومی» است.<sup>۳</sup> ـ گویند نام «وسمة» است.<sup>۳</sup>

Cladrastis sp.	خِطْر	الموسوعه
Virgilia sp.		

۷۶۴ - خِطَرة <sup>ش</sup>:

۷۶۵ - خطمی (نامی یونانی)، خطمی "، خطمی"، خطمی"، خطمی ان خطمی ان خطمی ان خطمی ان خطمی ان خطمی ان خطمی الخطمی المخطب المخالات المخلاص المخلوج " - نام گیاه در کتاب دیسکورید: الثالات - فارسی: هشت دهان"، الثال افاس: ورد الزوان أنام های نوع بری: شجم المرج " - یونانی: الیا " - نام گل: کثیرالمنفعة " - بهترین آن کوهی است که گل آن به رنگ سفید است و بستانی آن به نام «الزوانی» است. "نوعی از آن بستانی و در اندلس معروف به «ورد الزّوانی» است و نوع دیگر آن را عامه مردم به نام «شخم المرج " می شناسند و "دیسکورید" نام آن را به یونانی «اُلْنَاآ» گفته است. و دیسکورید همچنین آن را نوعی از «ملوخیة بری» معرفی میکند. "

أَلْثاا (Althaia): خِطْمى ـ مُلوخْياالشَّجَر ـ عامه اهل اندلس: وَردالرَّواني

أَلْثاا آخر (Alkea): نوعی از «خطمی بری» معروف به «شَحْم المَرْج» است. قسمت مورد استفاده ریشه های گیاه است و برای نرم کردن صلابات بسیار موثر است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ - ۱۴۱ و ۱۴۲)

Althaea rosea	خطمی بری	خطابی
Althaea officinalis L.	خطمي	زخط.
Althaea officinalis L.	خطمي	EN.
Althaea ficifolia R.Br.		

۷۶۶ - خِلاف ، خلاف ، خلاف ، خلاف ، خلاف ، خلاف ، خلاف ، صفصاف ، نامهای دیگر آن: صفصاف است نوعی از آن را «صفصاف» جالینوس: یطااس ، غرب ، شاه بید سلم: خلاف «خلاف» دارای انواع متعددی است نوعی از آن را «صفصاف» گویند که خود دارای نوع سفید و قرمز است و نوع دیگر آن «بادامک» نام دارد که نزد اهالی اندلس به «نصی» مشهور است. گویند که خود دارای نوع سفید و قرمز است و نوع دیگر آن «بادامک» نام دارد که نزد اهالی اندلس به «نصی» مشهور است. «خلاف» شامل «بید مشک»، «بید بری» «بید» است و از او «خلاف» است و «صفصاف» و «شاه بید» سید» ساده یا «صفصاف» و «شاه بید» سید» نوعی «صفصاف» است و صمغ آن از برگ بیرون می آید. شود می باشد. است و صمغ آن از برگ بیرون می آید. شود می باشد. است و صفصاف » و «شاه بید» سید و صفصاف » است و صمغ آن از برگ بیرون می آید. شود می باشد. است و صفصاف » است و صمغ آن از برگ بیرون می آید. شود می باشد. است و صدخ آن از برگ بیرون می آید. شود می باشد و سود می است و صدخ آن از برگ بیرون می آید. شود می باشد و سود می بازد و سود می

أَأَطًا (Itea): شَجِر الصَّفْصاف \_ خِلاف ابن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١٠٦

Salix aegyptiaca Forsk.	بيد	EN.

Salix babylonica L.	أأطا - شجر الصفصاف - خلاف	ديسكوريد
Salix babilonia L.		
Salix safsaf Forsk.	صفصاف	زر. <b>– طب</b> ا.
Salix babilonia L.		
Salix alba L.	ا بيد	پارسا
Salix australior Forbes	بيد سياه	پارسا
Salix babylonica L.	بيد مجنون	پارسا
Salix fragilis L.	بيدخشت	پارسا
Salix babilonia L.	خلاف	خطابی
Salix aegiptiaca		
Salix acmophylla Boiss.	Hendia: Bada - Punjab: Bed	GLO.IN.
Salix acmophylla Boiss.	Punjab: Bedi	GLO.IN.

۷۶۷ –خلاف بلخی ، بهرامج <sup>س</sup>، بهرامج <sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: فارسی: بید مشک – شام: شاهبید ک – روم:بهرامج ، ونْف سع ، بورکر سوست (سرس) – بهرامه سوکلف بلخی سع

Salix caprea L. Salix balchia Salix rosmarinifolia L.	بهرامج	زرياب
Salix aegyptiaca Forsk.	بید مشک	پارسا

۷۶۸ - خُلجی، خُلُجان ْ : گویند «کُرنب بری» یا «شهدانج بری» است. ْ

۷۶۹ – خَلَص: شاید «کاکنج النهری» باشد.

۷۷۰ -نُحلَّر ، جلبان "، خلَّر ؛ نامهای دیگر آن: عربی: خلّر "، مُلک "، جلبان ، به واحد آن «جلبانه گویند. " - هندی: متر کابلی ا – «قُصاص» نوعی خلر با غلاف نازکاست. ا – عرب «ماش» را «مج» و «خلّر» را «زنّ» گوید. "

Lathyrus sativus L.	جلبان - ملک - خلر	زریاب
Pisum sativum L.	کرکرو (خرقان) – خلر	پارسا
Lathyrus sp.	جلبان - خلر	الموسوعه

۷۷۱ - خُلَّة: نام بوته خاردار با نام «شِبْرق»

٧٧٢ - خَلَنْج ، خَلْنَج ، خَلَنْج ، خَلْنَج ، خَلْنُ خَلْنَج ، خَل

اً رِیقی (Ereike): اهالی مغرب به آن «شجرالْخَلَنْج» گویند و از انواع «أُسْجِل» است و هنگامی که زنبور عسل از شهد آن استفاده کند عسلی تلخ بوجود می آید.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

Erica arborea L.	أريقي - شجر الخلنج - نوعي أسحل	ديسكوريد
Erica sp.	خلنج - شَنْطَف	الموسوعه
Erica cinerea L.	حلنج	EN.

۷۷۷ - خَمان ، خمان و (نامی نبطی )، خمان ، ، شبّوقت و خمان الکبیر ) ، یَذْقت ، یـنقه و (خاما قطی ) ، اقطی ، اقطی نخاما اقطی ، خاما اقطی است ، بزرگ آن به خاما اقطی تامهای دیگر آن: عربی: رقعا اسی و نانی: آقطی اسی خمان و حدوث است ، بزرگ آن به عجمیت اندلس «بشبوقه و کوچک آن «یدفقه نام دارد و بخاما اقطی به یونانی به معنای «خمان الأرض» و همان «خمان الصغیر است تو دارای دو نوع بزرگ و کوچک است خمان بزرگ را «شبوقه» گویند و کوچک آن را «خامی آقطی» و به ثمر آن «بل» گویند و است یکی بزرگ که گروهی به آن «خابور» گویند و به لاتینی «یدفقه و به یونانی «أقطی» نام دارد و نوعی کوچک که گروهی به آن «دوته و لاتینی «شبوقه» نامیده می شود و دادن نام لاتینی به نوع کوچک «شبوقه» اشتباه است اشتباه آشکاری اشتاه است و همچنین دانستن «خاما أقطی» که درختی هندی با میوه هاشی با نامهای «بل» و «فل» است اشتباه آشکاری می باشد. ع

أَقْطَى (Akte): دو نوع دارد و نام هر دو آنها «عُود الكلب» و «شجر الخابور» است.

نوع دوم به نام «خاماً قطی» است. ابن بیطار در کتاب جامع خود نوع اول را «خمان کبیر» و نوع دوم را «خمان صغیر» نـامیده است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۱۰۲]

Sambucus nigra L.	أقطى - عود الكلب - شجر الخابور	ديسكوريد
Sambucus ebulus L.	غليون، پلم، پليم، پلاخون،پل خون، شون	پارسا
Actaea sp.	خمان – أقتى – أقطى	الموسوعه
Sambucus ebelus	خمان صغير	طباطبائى
Sambucus nigra L.	خمان كبير	طباطبائى
Sambucus nigra L.	خمان – بيلسان	EN.

۷۷۴ ـ خمخم ٔ خمخم ٔ : "غافقی" نام این گیاه را «أرغامونی» ذکرکرده است ولی من آن را صحیح نمی دانم ـ ابن بیطار ـ زیرا «خمخم» نامی عربی است و مشخصات آن با «أرغامونی» متفاوت است. ٔ برخی از مترجمان «خمخم» را «لسان الثور» ذکر کردهاند که صحیح نیست و این توهم بخاطر شباهت لفظی «خمخم» با «حمحم» است زیرا «حمحم» در شهرهای بکر و شرق نام «لسان الثور» است. ٔ

Matthiola livida DC.	خمخم، منثور بری، شِمشِم	الموسوعه
----------------------	-------------------------	----------

٧٧٥ - خُنْثَى ، خنثى ، خنثى ، خنثى ، خنثى خنثى خنثى في (نامى سريانى)، برواق ، اصل الخنثى : از جنس بصل و از نوع جنبه و داراى دو نوع نر و ماده است. نام هاى ديگر آن: اسقورولوس (اسفودالوس): اهل مغرب: بزواق ، بروق ، خنثى سختى مخرى الاساكفه سوميت اندلس: أبجّه - اسراش - برواق - نام ريشه آن: سراش سومتنى «سريش» است. - نام نوع كوچك: خنثى الصخريه - خناى «سريش» است. - نام نوع كوچك: خنثى الصخريه - خناى دسريش، است. - نام نوع كوچك:

اشفُودِلوس (Asphodelos): سْفوذلوس ـ عربي: خنثي در حاثيه كتاب ديسكوريد تصحيح ابن مراد ۲ - ۱۵۲

Asphodelus microcarpus (L.) Swartz	خنثى	خطابی
Ornithogalum stachyoides	صاصل، صوصلا، اشراس، لبن الطير، ختثي	خطابى
Asphodelus ramosus L.	خشي	زر. – طبا.
Asphodelus sp.	خنثى	EN.

۷۷۶ -خُنْدُروس، خَنْدُروس، خندروس، خندروس، خندروس، خندوس، خندروس، حنطة رومية، حنطه روميه، خالاون، شعير رومي، نوعي الزومي، خندروس، خالاون، و دارای دو دانه است. نوعی اشقالیة است. نامهای دیگر آن: خندروس، خندروس، خالاون، – فارسی: دُرّه مکه، کاکل، – عربی: حنطه رومیه، شعیر رومی، تنکابن: گندم مکه، – هندی: جوار، – گندم رومی، - دوفقطوش، شوحط، طخش،

خندروس (Khondros): نام «حِنْطَة الرميه» و نوعى «شعير العربي» است و عامه اندلس به آن «شعير النبي (صلى الله عليه و اله)» كويند. [بن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ٨١]

Tricticum romanum L.	خندروس – حنطةالروميه – شعير النبي	ديسكـــوريد
Tricticum spelte L.	خندروس	طبا.، .EN

۷۷۷ ـ خندریلی، خندریل : نوعی «هندباء بری» تلخ است و گویند نام «یعضید» است. نوعی «کاسنی بری» اما به غایت تلخ است و آن را «یعضید» خوانند. ت

Chondrilla sp.	خندويل – مُرَيْرة	المـــوسوعه
Chondrilla juncea L.	خنزيلى	EN.

۷۷۸ - خَوخ ، خوخ نقاح فارسی ، دراقن ، درافس ، دراقن (لغتی شامی): نامهای دیگر آن: فارسی: شفتالو است . هندی: ارو ، فرسک - «دراقن» و «دراقینی» کلمه یونانی به معنی «هلو» است. اشبیلی میگوید: از جنس درختان چوبی است دارای انواع بسیاری است: ۱ - بنوش، مِفْلَق، ازغب ۲ - اقرع، اجرد، املس ۳ - برقوق، ذرقونن، تفاح الفارسی، دُراقِن، فِزْسِک، کورش، برشیقا میلا، دراجن، قربان ۴ - خوخ الماء، درجکان، سَنْقِنْرُه

بَرْسِيقا (Persika mela): نام «خُوْخ» است و دارای انواع فراوانی است.ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ ـ ۱۲۰

Persica vulgaris Mill.	خوخ – دراقن	زر طبا.
Prunus persica Sieb.	خوخ	دى. – خ.
Prunus domestica	خوخ	الموسوعه
Amygdalus persica L.	خوخ	EN.

۷۷۹ - خَوْشان: قسمس قطف بری و از انواع جمض - **نام دیگر آن:** رَغْل<sup>س</sup>

۷۸۰ ـِخُولِنْجان ، خاولنجان ، خولنجان ، خولنجان ، خولنجان ، خولنجان ، خولنجان ، خولنجان ، خسرو دارو : نامهای دیگر آن: جوز سودار ، حِشرِق ، خسرو دارو اس - ترکی: غرغات - هندی: کلیجن ، کلاجن - نام نوع دیگر: جنجبانسة س

Alpinia galanga (L.) Will.	خولنجان مصري - ريشه جوز	پارسا
Alpinia galanga (L.) Will.	خولنجان	خطابی
Alpinia sp.	خولنجان	الموسوعه
Alpinia officinarum Hance	خولنجان	طبا.، .EN
Alpinia khulanjan = $A$ . galanga	Vernacular: Khulanjan	GLO.IN.
Alpinia officinarum Hance	Hendia: Kulanjan - Bengal: Sugandha	GLO.IN.

۷۸۱ - خوم و خبّ نن امهای دیگر آن: حرّاقه ن - اشکه ن الیشکه ن - گویند «اسحارة» است و گویند «شیح» است. ن ۷۸۲ - خیار: نامی مشترک برای میوه «خرّوب الهندی» و نوعی «قِثّاء» ن

Cucumis sativus	خيار	EN.

۷۸۳ - خیار شَنبر ، خیار شنبر سنبر سنبر سنبر من خیار شنبر من خیار شنبر خیار شنبر خونوب هندی منوب هندی منوب هندی منوب هندی منوب هندی خیار شنبر کنیا و مصدی خیار شنبر منوب منوبی خوب المناس منوبی منوبی منوبی منابی و مصدی المناس منوبی منوبی منوبی المناس منوبی منوبی منوبی منابر منبر منوبی منابر منوبی منابر منوبی منابر منوبی منابر منابر منوبی منابر منوبی منابر منبر منوبی منابر منوبی منابر منوبی منابر منوبی منابر منوبی منابر منابر منابر منوبی منابر منابر منابر منابر منوبی منابر منوبی منوبی منابر منوبی منابر 
Cassia fistula L.	خيار شنبر	ز،، خ،، ط.
Cassia fistula L.	etem.	پارسا
Cassia fistula L.	خیار شنبر - خُرنوب هندی	الموسوعه

Cheiranthus cheiri L.	لوقاین -خیری - منثور	ديسكوريد
Cheiranthus cheiri L.	خیری	ز.،ط.،.E
Cheiranthus cheiri L.	شببو	پارسا
Vesicaria gnaphaloides Boiss.	خیری	پارسا
Cheiranthus sp.	خیری، منثور	الموسوعه

۷۸۵ -خِیزران ٔ، خَیْزران س، خیزران د: نوعی تمنش - نامهای دیگر آن: فارسی: خزران ا - هـندی: بـیت ، عسطوس س الشبیلی می وید: دارای دو نوع نهری یا هندی و جبلی یا بلدی است. د

Bambusa sp.	خيزران	الموسوعه

۷۸۲ ـ خیزران بلدی<sup>ت</sup>: **نام دیگر آن** نزد گیاهشناسان اندلس: آس بری<sup>ت ن</sup>

Bambusa arundinacea Willd.	1	•
Daniousu ururauruccu vrina.	حيزران - عسطوس	ررياب

### حرف «د»

۷۸۷ -داذی ، داذی ، داذی ، داذی ، دادی ، دادی ، دادی داذی درختی بزرگ نامهای دیگر آن: فارسی: جوجادو - قلنبیل ، ا انوثیران مونس الوحش س

Cercis siliquastrum L.	دادی	خطابی
Hypericum sp.	داذی – هیوفاریقون – أوفاریقون	الموسوعه
Hypericum perfrotum L.	دادی	EN.

## ۷۸۸ ـ داذی رومی<sup>ع،</sup> دانی رومی<sup>۳،</sup> داذی الرومی<sup>۳؛</sup> ن**ام دیگر آن: ح**نین: هوفاریقون<sup>۳۳</sup>

Hypericum perforatum	داذي، هيوفاريقون معروف، حشيشةالقلب، عُصْبَةَالقلب، مُشِييَه	الم.
L.		

۷۸۹ –دارشیشعان ، دارشیشعان دارشیشعان ، دارسی ، قارسی ، قارسی ، قارسی ، دیگر آن: قندول ت – عود البرق ، جهت آنکه چون قوس و قزح به برسد خوشبو تر از عود هندی شود. اسهالاتوس – حشیشة السنبل السبل المناس – دیاکلمن و قشقاین فلسدیار و - جوَلَق ت غسانی می گوید: در المرومی سیروی ، از ودی ت الله نظری «درمان مورد ماهیت آن اختلاف نظر است بعضی از پزشکان آن را شاخههای «سنبل» می دانند و گویند «سنبل هندی» است و بنا به نظری «رمان هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است و بنا به نظری «درمان هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است و بنا به نظری «درمان هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل میوه آن را «البُلّ» گویند . فلم می دانند و گویند «سنبل هندی» است که داخل می داند به می دانند و گویند . فلم می داخل می داند که داخل می داند که داخل می در داند که داخل می داند داد که داخل می داند که داخل می دا

Calycotome spinosa L.	دارشیشغان	زر خط.
Myrica sapida	دارشیشعان – عود البرق	پارسا
Spartium spinosum L.	قَنْدول، دارشیشٔعان، عود البرق	الموسوعه
Cytisus spinosus Lam.		
Calycotome spinosa Lk.		

قَنَّامومُن (Kinnamomon): به انواع «دارصینی» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴

Cinnamomum cassia Boiss.	دارصینی	زریاب
Cinnnamomum spp.		
Cinnamomum zeilanicum Nees.	دارصینی	دى طبا.
Cinnamomum zeilanicum Nees.	قِرْفَة سَرَنْديب، قِرْفَة سِيلان، دارصيني	الموسوعه

۷۹۱ -دارفلفل ، دارفلفل ، دارفلفل ، دارفلفل ، دارفلفل ، دارفلفل ، دارفلفل: نامهای دیگر آن: فارسی: فلفل دراز ، - هندی: پیپل ، پیپلی ، - "جالینوس" گوید «بهار»، «فلفل سفید» است و گویند درخت آن غیر از «درخت فلفل» است. ماداری (Peperi): فُلْفُل و به درخت آن «دار فُلْفُل» گویند. فُلْفُل الأبیض این یطار (در ترجه دیسکردید) ۲ - ۱۴۲

Capsicum frutescens L. Piper nigrum L.	دارفلفل	الموسوعه
Cucurbita sp. Piper nigrum L.	قَرْع، يقطين	الموسوعه
Piper aromaticum Lamk. Piper nigrum L.	باباری - دارفلفل - فلفل أبیض	ديسكوريد
Piper longum L.	دارفلفل	طبا.، .EN

#### ۷۹۲ - دارقفوطون م:

Arum italicum L.	دارقفوطون	زرياب
Dracunculus vulgaris Schott.		

۳ ۷۹ سدار کیسة ع، دارکیسة نن نام دیگر آن: بسباسة نن - نام درخت: ماقرنن - گویند نام «طالیسفر» است و همچنین نام آن را «بسباسة» گفته اند.ع

Myristica fragrans Houff.		
myristica fragrams Houff.	ا دارکیسه – ردس	ا طاطان
,	ا دارچید ردین	عباعباتي

۷۹۴ - دارم س، دارم س:

۷۹۵ – دارمک : نوعی از مرو ت

۷۹۶ - دارمیران <sup>در</sup>: **نامهای دیگر آن:** مامیران - شاید نوع کوچک «اسارون» باشد و گویند چوب هائی هندی است که در سرمه از آن استفاده مشدد در

۷۹۷ -دارهَلْدا: (نام درختی هندی) نامهای دیگر آن: دارچوبه ا - هندی: ابنی هلدی

۷۹۸ –دانَج آثِروج'، دانج أبرونج'، دانج ابروج ؒ: از كوه كيلويه كه از ولايت پارس است برخيزد و در هيچ موضع ديگر نباشد. ؒ نامهای ديگر آن: دانک افرونک' ؒ – شيرازی:انچلک' ؒ،تخم امرود جنگلی است. صيادله عراق آن را بعنوان «فلفل أبيض» و بعضی از ايشان آن را «قُرْطَم» میدانند. ؓ

۷۹۹ دانک':؟

۸۰۰ -دُبَا'، دبا<sup>س، دبه</sup>ٔ، دُبَا<sup>غ</sup>، دَبَا<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: قرع <sup>۳</sup> ـ فارسی:کدوی رومی <sup>۱</sup>، قرع الیابس <sup>۳</sup> - "ابوحنیفه <sup>۳</sup> آن را «قرع» می داند نه «قرع یابس» <sup>۳</sup>

Lagenaria vulgaris Ser.	دبا	زرياب
Lagenaria vulgaris Ser.	کدوی قلبانی	پارسا
Cucurbita pepo L.	دبا	خطابی

١ ٥٨ حرِبْق ، دبق "، دِبْق "، شجرة الدّبق، شجرة الدبق"، دبقست ": نام هاى ديگر آن: درخت سيستان " - غَلتان " - مخاطة " -

رومی: اکثیقوس ، هذوغورون سه سریانی: دبوقا ، قسوس - فارسی: مویزک عسلی ، کشمش کاولیا ، خام گیاه در کتاب دیسکورید: اقسوس سه عطاران شیران: مویزج عسلی فرقسی در بیسکورید: اقسوس سه عطاران شیران: مویزج عسلی فرقسوس: دِق ـ صمغی که از درخت «کُمَتُری» و غیر آن است. این یطار (در ترجمه دیسکورید)

Loranthus europaeus L.	دبق	ديسكوريد
Viscum album L. Loranthus europaeus L.	دبق – اکثیقوس	زرياب
Cordia myxa L. Viscum album L.	دبق – فور –عداس	طباطبائى

۸۰۲ -دِبیداریا، دبیداریا؛ (لغت نبطی مشتق از فارسی )

۸۰۳ - دبیراز د: نوعی ابهل

۸۰۴ – دحداح"، داح<sup>ع</sup>: سرخ مرد"، (لاک ساک)

Crinum sp.	دِحْداح - زُنْبَتية	الموسوعه
Amaranthus paniculatus L. Amaranthus gangeticus L.	دحداح	زرياب
Amaranthus tricolor	داح	طباطبائى

۵ ه ۸ ـ دخسیسا<sup>۳</sup>: نامی مشترک برای و بُنْک ، و روغن (بلسان ، است.<sup>۳</sup>

۸۰۶ - دُخْن ، دخن ، دخن ، دخن ، دخن ، دخن ن نوعی جاورس نامهای دیگر آن: فارسی: ارزن و سیرازی: الم و میداند. دارای هفت قسم زراعی و غیر هندی: کنکنی و جالینوس: قنخروس ، جاوروس و برخی آن را به اشتباه «جاورس» میدانند. دارای هفت قسم زراعی و غیر زراعی است، غیر زراعی آن عبارتست از: ۱ - بنجاین: قلفورا، قفورا ۲ - حشیشة الحوت: قمرون، دخن النملی، ملّاجه اقوانته، ملّاجه بطره ۳ - آبیّد ۲ - بشط: شَیْلَم ۵ - خافور: قبساطه، دخن العصافیر، برمس و

أَلُومُس (Elumos): دخْن ابن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ٨٣

Andropogon sorghum Brot.	ألومس - دخن	ديسكوريد
Panicum italicum L.	دخن	زریاب
Panicum miliaceum L.		
Sqtaria italica Beauv.		
Holcus dochna Forscal		
Sorghum vulgare L.		
Panicum sp.	دخن	الموسوعه
Panicum miliaceum L.		
Sqtaria italica Beauv.		
Holcus dochna Forscal		
Sorghum vulgare L.		

۷ ۰ ۸ ـ دراقیل ٔ: نوعی وقرصعنهٔ ، که اهالی کوهستانی بیروت و لبنان به آن وشنداب، گویند. ٔ ۸ ۰ ۸ ـ درامج ٔ، درانیج ّ : گفته شده نام ویَعضید ، است و همچنین گفته شده نوعی ولبلاب، کوچک است. ٔ ْتُ ۹ م ۸ ـ دُرْحولة ع: نوعي از «سوسن بري» با نام يوناني «كسفيون» يا به نام «دُلبوث» است. ع

۸۱۰ -دَرْدابِ، دستنبویه ، شمام : نام نوعی بطیخ کوچک - نامهای دیگر آن: فارسی: دستنبویه، دستنبو - هندی: کچری ا - بنگالی: کژمین، سیندنی ا - شام: شمام "

۸۱۱ - دَرْدارا، درداراً، درداراً، درداراً، درداراً، درداراً درداراً نامی فارسی)، شجرة البقاً، بوقیصاً: نامهای دیگر آن: شجرة درداراً درداراً درخت پشه ای گویند در میوه آن پشه جمع درداراً درخت پشه ای گویند در میوه آن پشه جمع می شود. ایر سس می گوید: درختی می شعر قالبی است. است برشکان آن را «لسان العصفور» می دانند ای اسبیلی می گوید: درختی برزگ با نامهای: «باطالا، بنجکسروان، قیلورا، فراشنه، براخشنه، مالیا، وزق، شجر البق، با انواع افرنجی، جِلّیقی و بَلَدی است.

بْطالایا (Ptelea): شجرالدَّرْدار ـ اهل عراق: شجرة البَق ـ اهل اندلس: نَشَم الأَسْوَد ـ جالینوس: بنطادانیقا به «ایذیصارون» هم مراجعه شود. ابن بیطار(درترجمه دیسکورید) ۱ ـ ۸۵ و ۳ ـ ۱۲۵

Ulmus spp.	دردار	ديسكوريد
Ulmus spp.	بطالايا - شجر الدردار - شجر البق	خطابی
Ulmus campestris L.	دردار	ز.، ط.، .E
Ulmus campestris L. Ulmus montana With. Ulmus effusa Sibth.	درخت نارون - شجر البق - دردار - دارون - قرانحاج - درخت صمت (اَستارا) - لى (لاهيجان) - قلج (شمال) - شل درا (حاجيلر) - اوجا (شمال)	پارسا
Ulmus sp. Ulmus montana With. Ulmus effusa Sibth.	بوقصيا - دردار - شجرة البق - ألَّم	الموسوعه

۸۱۲ - درماء شن نوعی حمض یا نوعی از ذکور البقل

۸۱۳ - درمامة <sup>دن</sup>:

۸۱۴ –دَروبَطارِس'، دروبطارس<sup>ع</sup>، دروبطارس<sup>ت</sup>: به یونانی به معنای فرزندبلوط'، «بلوطی» و «سرخس البلوط» است،<sup>۳</sup> زیراگیاه آن بربدن کهنه بلوط می روید. ٔ – نام دیگر آن «دودسطاروس» است. ّ – در جزیرة الخضراء اندلس به «دیک» و نزد برخی از گیاهشناسان اندلسی «غِلالة» معروف است و آن نوعی «بسفایج» است. ۴

دُرُوبُطارَس (Druopteris): یعنی «بلوطی» و نام دیگر آن «سَرَخس البلوط» است زیرا بر روی درختبلوط رویش می یابد و سمی و کشنده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۱۱۰]

يسكوريد دروبطاروس - سرخس البلوط Asplenium adianthum nigrum L.	ديسكوريد
---	----------

۸۱۵ -دَروفینوس، دروقینوون مدروقینون : (نامی یونانی) نامهای دیگر آن: عربی: زیتونیه، زیرا برگ های آن مشابه برگ زیتون است.

دُرُوقْنیون: (Doruknion)گیاهی است که در ابتدای رویش برگی مشابه برگ «زیتون» دارد و مخدر و خواب آور است و من ــ ابن بیطار ـآن را میشناسم. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۸۸

	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	
Dorycnium spp.	دروقنيون	ا دیسکورید ا
7 11		

۸۱۶ -دُرُونَج ، دَرونج ، درونج ، درونج ، درونج ، درونج ، (نامی فارسی) نامهای دیگر آن: درونک - هندی: سنکهاوت ، سنکهاوت ، سنکهاوت ، سنکهاوت ، سنکهاورت - بنان: عُقيَّربة عَيَربة - جارکو - جَدُوار - سيسدار - يِزبَه غَلَيشکه ا

Doronicum pardalianches L. Doronicum scorpioides Lam.	درونک	زریاب
Doronicum scorpioides Lam.	درونج	خطا،، .EN
Doronicum pardalianches L.	درونج عقربی	پارسا
Doronicum sp.	دُرونَق - دَرونک - درونج	الموسوعه
Doronicum hookeri Hook. Doronicum roylei DC.	Punjab: Darunj-akrabi	GLO.IN.
Doronicum pardalianches L.	India: Darunj-akrabi	GLO.IN.

۸۱۷ -دَرْياس ٰ: معربدورس فارسي ٔ

Thapsia garganica	دِرْیاس، دَروس، دَرْسَت، أِدْیارس، ثافِسْیا	الم.

۸۱۸ -دُرْیان ؛ میوهای مخصوص زیربادا

۸۱۹ ـ دستنبویة <sup>۳</sup>: نوعی وبطیخ، کوچک که در شام به آن وشمامات، و ولفّاح، گویند. <sup>۳</sup>

٨٢٠ - دُعاع نن: **نام ديگر آن:** شونيز القمح نن

۸۲۱ - دُعْبوب<sup>س</sup>:

٨٢٢ - دُغلول ": نام ديگر آن: فستق الارض " - قَشْطَنُولَه "

۸۲۳ حرفلی، دفلی، دفلی، دفلی، دفلی، دفلی، دفلی، دفلی، دفلی، دفلی، خورزهرج، خرزهرج (نوعی دفلی)، سُم الحمار، سم الحمار، سم الحمار، سم الحمار، سم الحمار، سم الحمار، سم الحمار، خورزدانه) تنامهای دیگر آن: یونانی: شیریون، نیریون و سریانی: رودیون و عربی: جبین جبن، سم الحمار، خیر آن جبن، قاتل الحمیر، سم البهائم، عقر، خَمط، شجر الخبیثة و فارسی: خرزهره و هندی: کین، کنیر و جالینوس: دافنی و سندی: قنوبر و سم الحمار و و نوع دیگر آن جبلی است که نوع بزرگ آن به نام «دفلی البیضاء» و نوع کوچک 
ییْرون (Nerion): ذِفلی ـ خَوْزَهْرَج برگردان عربی آن از زبان فارسی هسّمّ الحِماره و نام عربی «حَبَن»<sup>(۱)</sup> است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۷۲]

Nerium oleander L.	نيرون - ذفلي - حبن	ديسكوريد
Nerium oleander L.	خرزهره	پارسا
Nerium oleander L.	دفلی	ز.،ط.،خ.،.E
Nerium sp.	دفلی – سم الحمار	الموسوعه

۸۲۴ - دَفْتُرانْتَش مر(۲): نامهای دیگر آن: انطاین - بابُلُن - خامادفنی - رند - پزبَه اوناله من

۱- «خَبُن» بنا به نقل ابو حنبفه لغتي عماني است و در عراق نيز به همين نام مشهور است.

# أفلاطيئس (Platanos): نام های دیگر آن عبارتست از: شجرالدُّلْب ـ صَنار ـ جَنار بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۰

Platanus orientalis L.	دلب	ز.،ط.،خ.،د.
Platanus orientalis L.	درخت چنار	پارسا
Platanus sp.	دلب	الموسوعه

۸۲۶ – دُلبوث، دلبوث، دلبوث معروف به «سیف الغراب، سیف الغراب، نافوخ : نامهای دیگر آن: سوسن الاحمر شه سنجار ساریشه سوسن سرخ صحرائی معروف به «سیف الغراب» است، زیرا برگ آن مشابه شمشیر است. – نوعی «سوسن بری» است و آن معروف به «سیف الغراب» است و به آن سبب این اسم بوی نهادهاند که ورق آن مانند سیف (شمشیر) است و به شکل ورق «ایرسا» بود اما ورق «ایرسا» باریکتر و کوچکتر بود و ساق وی بمقدار یک کز بود و گل آن سرخ بود و وی را «سقراغانیون» و بعضی «باخاریون» خوانند و «کسفیون» نیز گویند. "ابن بیطار" می گوید: نام نوع قرمز «سوسن البری» است و بنا به نقل غافقی معروف به «سیف الغراب» است و نام ریشه آن به گفته "ابوعباس" در بغداد به نام «نافوخ» است. گشیفیون (Phasganion) کشیفیون (Phasganion) و «فَسْغانیون» و «فَسْغانیون» («سیف الغراب» «سیف الغراب» «سیف القراب»، «دورْحُولی» و «فَسْغانیون» (Phasganion) بیشتر در مزارع گندم می روید. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۶ - ۲۰

Gladiolus communis L.	كْسيفْيون، سَوْسَن برى، سَيف الغُراب، سيف القِراب،	ديسكوريد
	دورْحُولِي، فَسْغانيون	
Gladiolus sp.	دلبوث - سَيف الغُراب - غلديون	الموسوعه

۷۲۸ ـ دلدغ<sup>ع</sup>: "ابو عباس" نباتی میگوید: «دلدغ» نام گیاهی در شهر بیت المقدس از نوع «کلخی» معروف به «غرناطة» است که در شهرهای اندلس آن را «کلخ دلبی» و در سرزمین بربر به آن «ثافیقرا» گویند.<sup>ع</sup> ۸۲۸ –دَلیک'، دلیک''، دلیک می دلیک<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: میوه گل سرخ صحراثی' – تنکابن :کلیک' – تسرکی: اینبروثی' – شام: سرسر الدیک'، صرم الدیک<sup>عت</sup>

Rosa gallica L.	دلیک	زریاب
Rosa centifolia L.  Rosa centifolia L.  Rosa damascena Mill.	گل سرخ	پارسا
Rosa anserinaefolia Boiss.	ایت یورنی - کلیک	پارسا

۸۲۹ - دَمُ الاخوین ، دم الاخوین ، دم الاخوین ، دم الاخوین ، خونسیاوشان ، خون سیاوشان : امهای دیگر آن: فارسی: خون سیاوشان ، خون سیاوشان ، ورداد صیادی خون سیاوشان ، ورداد صیادی خون سیاوشان ، ورداد صیادی - خون سیاوشان ، مرون ، در قلطون ، مرون میزن ، دخون سیاوشان ، باشد جالینوس: اَرون ، در قلطون ، دخون سیاوشان ، باشد و او را «قاطر» کویند ، در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی گویند صمغ درخت «شیّان» است و گویند عصاره آن است ، اَ است ، اَ است ، اَ النافع من أخلیوس ، است و «أخلیوس» نام بیماری «غَرْب» است. و این گیاه را نه الاعم . [این ایطار دیده ام و نه هیچ شناختی نسبت به آن دارم . ابن وافد نام گیاه را «دَم اللّخوین» ذکر میکند . و من در این مورد بی اطلاعم . [این ایطار در ترجه دیه کورید) ۴ - ۲۲]

710/111000 10/110/11000 22	Achillea tomentosa L.	أخليوس سندريطس - دم الأخوين	ديسكوريد
----------------------------	-----------------------	-----------------------------	----------

Calamus draco Willd.	دم الاخوين – عندم – درقنطيون	زریاب
Dracaena cinnabari Balf.		
Dracaena draco L.		
Daemonorops draco Blume	دم الاخوين	طباطبائى
Dracaena cinnabari Balf.	خون سياوش	پارسا
Dracaena cinnabari Balf.	دم الاخوين	خطابی

۸ ۳ ۸ ـ دم الأمير<sup>ع</sup>: نامى است كه در شهرهاى بكر و اطراف آن به كياهى با نام فارسى «بستان افروز» گفته مىشود.<sup>ع</sup> ۸۳۱ - دم الغزال س، دم الغزال س: در مورد ماهيت أن اختلاف است گروهى أن را قسمى حمض معروف به «تُرف» و عدهاى أن را نوعى «بَقُل» مشابه «طرخشقون» و بعضى هم أن را «طرخون» مىدانند. ش

Gnaphalium sanguineum Spr.	دم الغزال	زرياب
Helichrysum sanguineum Cost.		
Gnaphalium leontopodium	كُوْسُفيَّة حمراء، غَنْفال أحمر، دم الغزال	الموسوعه

## ۸۳۲ -دَمادم٬ دمادم٬ نوعی لوبیای هندی

#### ۸۳۳ - دَمْدام":

۸۳۴ – دند ، دند ، دند ، دند ، دند ، دند نوعی یتوع دارای سه نوع است. حبشی، سجزی، هندی نامهای دیگر آن: تارتقة مددی بین به دند ، دارد ، گونه دیگرش همچون دانه کرچک است ولی کوچکتر و دارای است ؛ گونه چینی که دارای دانه هائی بزرگ همانند پسته دارد ، گونه دیگرش همچون دانه کرچک است ولی کوچکتر و دارای خالهای سیاه است و از سگستان می آورند و گونه سوم که انداز هاش بین گونه چینی و گونه شحری است رنگ آن تیره متمایل به زرد و از هندوستان بدست می آید. ت

Croton tiglium L.	دند	زرياب

۸۳۵ ـ دوادم ٔ: دُوَدِم، دَوادِم ْن: چیزی همانند صمغ است که از درون تنه چوب درخت «عرعر» بیرون می آید. ٔ ـ لئی السَّمر ْ ۸۳۶ –دَوایاًاغْریا'، دواغریا': (نامی یونانی) به معنای قصب جبلی یا قصب بری ٔ

۸۳۷ - دورقنی د نوعی کاکنج نامهای دیگر آن: قراطاوس - دروقینون یعنی جن القتّال د

۸۳۸ - دُوسر ، دَوْسَر ، دَوسر ، دوسر ، دوسر نظم الله دیگر آن:دوشر الله الفس الله و زِنَّ الله در کتاب دیسکورید: أجیلس الله و اول معروف به بِجُه بانامهای: دیسکورید: أجیلس الله و اول معروف به بِجُه بانامهای: اغلبس، اغلبس الله و اولینا و دنقه و اوزاق و اوزاق و ازنیر و زوان و زِنّ و عبری: سالم و سعیع و سعسع و قَبَاهٔ ۲ و نوع جبلی با نام: طردقیره منتیره یعنی حنطة جبلیه ۳ و نوع معروف به شتین در استان الله و سعیع و سعست و سعیع و سعست و به ستین در سالم و سعیع و سعیع و سعیت و سعیت و سعیت و سعیت و سعیت و سعیت در سین 
Triticum ovatum L.	دوسر - زن	زر طبا.
Aegilops ovata L.		
Secale corutom	سککاله – دوسر گندم زنگزده	پارسا
Avena elatior L.	خَرْطال رفيع - دَوْسر	الموسوعه

۸۳۹ -دُوقُس، دوقس، دوقس ایمارس : (نامی یونانی) اشبیلی می گوید: دارای سه قسم است: ۱ - رجل الغراب ۲ - رازیانج القرود ۳ - بخور عایشه د - قریطیقوس ارمالی ، برخی آن را به اشتباه شحمیلة «کویند.

"دیسکورید" می گوید: نوعی از آن به نام «قریطیقوس» است و دارای سه نوع است. - "سفیان اندلسی" می گوید: نوعی از آن در شام به نام «قُمینله» و در بیت المقدس به نام «حشیشه البراغیث» است. -

دوقس (Daukos): گیاهی است که خود آن را می شناسم و سه نوع دارد.[ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۹]

Athamanta cretensis	جَزَر الرعاة - دوقس	الموسوعه
Athamanta cretensis L.	دوقس	دبسكوريد
Peucedanum cervaria L.		
Seseli ammoides L.		

۸۴۰ - دُوقو ا دوقو می دوقو دوقو دوقو (نامی یونانی)، قوقابس : نامهای دیگر آن: تخم گزر دشتی - ری: نهنمک دوقو اغریا ای دوقو بری تخم جزر بری ای - نام ریشه آن: مستسقاقل ا - نام گیاه: خرس گیاه ا - نام دوع زیرا خرس آن را بسیار دوست دارد. - شیرازی: بداوان در دو گیاه جبلی: دوایا اغریا آسبیلی می گوید: دوقو به «کاشم کبیر» و «اذخر» گفته می شود و منظور از «دوقو الاحرش» انواع «جَزَر البری» با نام «سنفالة» است و منظور از «دوقو املس»، «بَسْناج» است که خود در دو نوع بد بو و غیر آن می باشد، نامهای نوع اول «طقاره»، «مقارجه» و «قیعرن» و نامهای نوع دیگر «غراء» و «غُریراء» است. اسطافالینوس أغریوس (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۲۹:

Daucus carota L. Athamanta cretensis L.	دوقو – تخم گزر دشتی	زر طبا.
Daucus carota L. Athamanta cretensis L.	اسطافالینوس أغریوس – جزربری – جزربستانی – دوقو	ديسكوريد

#### ۸۴۱ – دهاهاهیج<sup>۲</sup>:

۸۴۲ - دهماسا ازنامی هندی)، دَهْمَست ، دهمست ، دهمست (نامی فارسی)، شجرة الغار ، غار : نامهای دیگر آن: عربی: غار س - رومی: اذفونیدیس ، اذفیوس - دهمست

Laurus nobilis L.	دهمست – غار	زرطبا.
Laurus nobilis L.	درخت غار	پارسا
Laurus nobilis L.	رند، غار	الموسوعه

۸۴۴ ـ دینارویه ، دینارویه ": نامهای دیگر آن: عراق: حزاء ، زوفراء "

پزشکان مغرب بر خلاف پزشکان بغداد هزوفرا» را غیر از هحزاء» میدانند.<sup>ی</sup>

٨٤٥ -دِينِساقوس'، ديبساقوس<sup>»</sup>، ديبساقوس<sup>نر</sup> (نامي يوناني)، ديبناقوس"، شوك الدراجين<sup>»</sup>، شوك الدراجين<sup>»</sup>، عـطشان<sup>»</sup>، عطشان"، مشط الراعي"، ملطاه": **نامهاي ديگر آن**: يوناني: ديساقوس<sup>»</sup> يعني داثم العطش يا هميشه تشنه" جـرامـغه، دِبساقوس (Dipsakos): برگردان عربی واژه یونانی «عَطْشان» است. نامهای دیگر آن «شَوْک الدَّراجین» و «مشـط الراعـی» است. [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۱۱]

	pro-	
Dipsacus fullonum L.	دبساقوس - شوك الدراجين - مشط الراعي	ديسكـــوريد
	The state of the s	

Mandrgora offiicinarum L.	تفاح الجن	زرياب
Cedrus deodara Loud.	ديودار	طباطبائى
Cedrus libani Loud.		

### حرف «ذ»

۸۴۷ - ذات الریش<sup>نی</sup>: "اشبیلی" میگوید: این نام به سه گیاه گفته میشود: ۱ - قسمی عصا الراعی ۲ - نوعی قیاصم و قسمی ریحان الثعلببا نام فورینه یا فلورینه ۳ - عُشبة الطیور <sup>در</sup>

۸۴۸ -ذاقِنِی الاسکندری٬ ذافنی الأسکندری٬ ناقنی (نامی یونانی)، خاماذفنی٬: به معنایغِار الاسکندری٬ و برگردان عربی آن «ذافنی الأسکندری» است.٬ "بوعباس نباتی" میگوید: نوعی از «شقاقل» است.٬

ذافِنی (Daphne): شجر الغار ـ شجر الرند ـ دارای دو نوع نر و ماده است. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ ـ ۷۸:

Laurus nobbilis L.	ذافني - شجر الغار - شجر الرند	ديسكوريد

۸۴۹ –ذاقِنِیویداس٬ دافنیدس٬ ناقنویداس ّ: (نامی یونانی) نوعی مازریون ّ – نامهای دیگر آن: ذاقنویداس ٔ به معنای «مشابه نجار» است. <sup>س</sup> – مغربی: مازرو ٔ – شام: بقله ٔ – "دیسکورید" میگوید: برخی مردم آن را «خامادافنی» میدانند. ٔ نام دانه گیاه غار است که اسامی آن در «ذاقنی الاسکندری» ذکر آن آمده است. ٔ

ذافْنیدُس (Daphnides): نام های دیگر آن عبارتست از: حب الغار ـ حب الرند ـ حب الدهْمَشت (Dahmast)ـ لاتینی: أرْبـاقُه (Orbaco) ـ لوره (Laurus)ـ بربری: بسّلیت [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ ـ ۷۹]

Daphne mezererum	ذافنبداس، دَفْنة سامَّة، أَتُم، مازريون	الموسوعه

۱-به تفاح الجن رجوع شود. ۲-به دجاوروس، رجوع شود.

نام پوست ارزن به عربی «طَهْف» است. تنبیذ «ارزن» را به عربی «مِرز» گویند و چون شیرین است آن را «جِعه» گویند. ت اشبیلی می گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نامهای نوع بزرگ آن عبارتست از: کنخروس - بنیشه - انلی- نام سنبله آن: مَطر - نام کاه آن: حَماط - نامهای نوع کوچک آن: بنجّة - آمزقور - جاورس

Andropogon sorghum Sorghum vulare Pers.	ذره	الموسوعه
Holcus sorghum L. Sorghum vulare Pers.	ذره – ارزن	زریاب
Holcus sorghum L. Zea mays	ذره	طباطبائی
Sorghum vulgare Pers.	ذرة رفيعه	EN.
Zea mays	ذرة شامی	EN.

۸۵۱ - ذرفی: نوعی سداب

۱ ۱۵۸ - درق ، درق ، درق ، درق ، درق نامی فارسی ) نوعی بصل بری **نام دیگر آن در بغداد: حَنْدقوقی ت نام نوعی ا**ز آن «عُرْقُصان» است. عنوع دیگر آن: خَندقوقا - اهالی حیره: حباقا لوطوس أغْرِیوس (Lotos agrios): حُباقا ـ ذَرَق ابن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۴ - ۹۱

Trigonella laciniata L. Trigonella corniculata L.	ذرق	زر. – طبا.
Trigonella corniculata L.	لوطوس أغريوس - حباقا - ذرق	ديسكوريد
Trigonella corniculata L.	حلبه قرنيُّه، ذُرَق	الموسوعه

۸۵۳ - ذَرْق الحَمام (ن نوعى شاهترج معروف به قُلَنْبينَه (ن ۸۵۳ - ذَرُق الطِّير<sup>ع</sup>: نام آن به يونانى: بنتومة (ن م

۸۵۵ - ذرو**فینو**ن :

۸۵۶ – ذریزه :

Arum italicum Mill.	أروم أيطالي –لوف جعد – ذُرَيْرَة	الموسوعة
Acorus calamus L.	ذَرَيْرَة	EN.

۸۵۷ - ذُغلوق<sup>۳</sup>:

رت ۸۵۸ ـ ذفراء ؟، ذَفْراء " . " رازي" مي گويد: گويند نام «سذاب البر» است. ؟ برخي أن را «فِجْن» و عدهاي أن راهوعي وقيصوم، مي دانند.

Ruta montana		
Nuiu moniana	ذَفْراء – سداب البر – حَرْمَل الجَبل	
	دفراء - شداب البر معرس العبين	الموسوعه

۸۵۹ - ذَكَر الديك: نوعي بصل بري معروف به ماغره الاسود<sup>س</sup>

٨٥٠ - ذكر الرئيس: نام هاى ديگر آن: قليونش دغاته يعنى خصى الهر - عجمى اندلس: شولة دى راى

۸۶۱ - ذکر الکلب: نوعی بصل بری **نام دیگر آن:** زُبّ رَباح <sup>س</sup>

۸۶۲ - ذکر الهرّ: نوعی بصل بری

۸۶۳ - ذنبان :

٨٤٢ –ذَنَب الخَروف'، ذنب الخروفُّ: "ابو عباس نباتي" اين نام را مربوط به دو نوع گياه دانسته است.َّ

۸۶۵ - ذنب الخیل ، دنب الخیل ، ذنب الفرس ، و برخی به اشتباه آن را نوعی از «طراثیث ، میدانند و گویند نوعی «عصی الراعی» است. نام های دیگر آن و مسکورید: أفورس - کرفس کوهی - الحیة العنز - رومی: الفیوریس - یونانی: فباواریس - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أفورس - أماسیرنیون - ینشنتاله ، و قوله د قبّاله ، اشبیلی این اختلاف است برخی میگوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است، نوع بزرگ آن را «أذناب البقر» گویند. د ، غسانی " میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «حصا الراعی» و گروهی آن را «رَتَم» میدانند و آن از جنس «هدبات» – سوزنی برگان – است و در شهر فاس معروف و مشهور میباشد. فی الشبیلی میگوید: ذنب الخیل نام مشترکی برای نوعی «عصا الراعی» و نوعی «رَتَم» است. می

أِفورِس: برگردان عربی آن «ذَنَب الخَيل» است و به همين نام نيز معروف است و جالينوس آن را «أِيفورِس» نامد. [بن بيطار (در ترجمه ديسكوريه) ۴ - ۴۴]

Equisetum hyemale L.	أمسوخ، ذنب الخيل، كُتْباث الشتاء، حشيشةالطوخ، ذنب الفرس	الموسوعه
Equisetum arvense L.	لحية التيس - ذنب الخيل - كرفس كوهي - ايفورس	زرياب
Equisetum arvense L.	ذنب الخيل	طباطبائي
Tragopogon pratensis		-
L.		

۸۶۶ ــذنب السَبُع، ذنب السبع<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: ذنب اللبوءة عجمی اندلس: قذلبه عنه الله عنه در کتاب دیسکورید: قرسیون ع

Cirsium rhizocephalum C.A.Mey.	ذنب السَيْع	الموسوعه
		, ,

۸۶۷ – ذنب العقرب، ذنب العقرب، سقرابیویداس؛ نامهای دیگر آن: صامریوما و نام گیاه در کتاب دیسکورید: سقرابیویداس

Scorpiurus sp.	ذنب العقرب، عَقْربية	الموسوعه
Heliotropium europaeum L.	ذنب العقرب	طباطبائى

۸۶۸ –ذنبالقط٬ ذنب القطُّ: (نامی نزدگیاهشناسان اندلس) نام آن به یونانی: خروسوقومی ُّ

الموسوعة دنب الفيظ - دريزو دومه	Chrysocoma sp.	ه ذنب القِطَ - كريزوكومه	الموسوع
---------------------------------	----------------	--------------------------	---------

۸۶۹ - ذنب اللّوءة: به دو گیاه گفته شده: ۱ - قُدلُبَه یعنی ذنب الللبوءة ۲ - الباین: مفاتل المَرعی - طربه لبه یعنی فزع اللبوءة <sup>ش</sup> ۸۷۰ - ذَنَیباء <sup>ش</sup>: دانهای است که در «حنطة» است. گروهی آن را «زوان» میدانند. <sup>ش</sup>

٨٧١ ـ ذو ألف ورقة، كثير الورق: مريافلُن ـ كاهي نام وأسطراطيوس، را نيز وذو ألف ورقة ، كفته اند.

Achillea millefolium	كثير الورق	طباطبائى

۸۷۲ - ذهبیة: نوعی شاهترج با نام جنشاله و همچنین معروف به ذَنَب العقرب است. <sup>در</sup>

۸۷۳ ـ ذو ثلاثة ألوان<sup>ع</sup>، نو ثلاث الوان ّ: نام دیگر آن: نو ثلاث اوراق ّ – گیاهی به نام «طریفولیون» ّ و همچنین ابن وافد آن را با گیاه دیگری به نام «تُربد» اشتباه کرده است. ٔ

۸۷۴ ـ ذو ثلاث شوكات<sup>ع</sup>، نو ثلاث شوكات ّ: گويند نام «شكاعي» است.<sup>ع</sup>َّ

۸۷۵ ـ ذو ثلاث ورقات<sup>ع</sup>، نوثلاث ورقات ّ: این اسم بر چند چیز واقع شده ّ و گویند نام نوعی «حندقوقی» و نـام «حَـوْمانة» و «فصفصة» و همچنین نام نوعی «خصی الثعلب» است.<sup>ع</sup>ت

۸۷۶ - نو خمسة اوراق : نامهای دیگر آن: نو خمسة اصابع - فنجنگشت - نو خمسة اقسام - نو خمسة اجنحه - صاحب جامع سهواً «فنطافلون» را «فنجنگشت» گفته است و در این باب قول صاحب منهاج معتبر است.

٨٧٧ ـ ذو خمسة أجنحة و ذو خمسة أقسام ع: بِنْطافْلُن ع

۸۷۸ ـ ذو خمسة أصابع ً: فارسى: بنجكَشْت َ

٨٧٩ ـ ذو شُوَيْكة و ذُو مائة رأسَّ: قَرْصَعْنَّة ۖ

٨٨٠ - ذُؤنون :

#### حرف «ر»

۸۸۱ - راء ش: نام درختی در کوهای نجد

۸۸۲ - راءاً: به گیاهان مشابه گندم با دو سنبله گویند.<sup>تی</sup>

۸۸۳ ـ راتینج<sup>ع</sup>، راتینج<sup>ع</sup>؛ نامهای دیگر آن: زفت ٔ - راتیناج ّ، تیاج ّ، رخینه ّ، رشینه ّ، راتیانج ٔ ـ اندلس: رجینه ٔ ، رشینه ٔ ، راتینج ٔ ـ اندلس: رجینه ٔ ، رشینه ٔ انام صمغ «صنوبر» است و برخی از مردم این نام را برای همه انواع «علک» بکار می ببرند غیر از "حنین" که این نام را تنها برای «قلفونیا» بکار برده و بقیه را با همان نام «علک» معرفی میکند. ٔ و آن سه نوع است یک نوع سایل است که منعقد نشود، و یک نوع صلب ساده و نوع سوم صلب پخته با آتش است و آن را «قلقونیا» میگویند و به شیرازی «رنکبار» خوانند و از بهترین آن است. ّ

Resin	راتينج	خطا.، .EN

۸۸۴ - راحة الكلب<sup>در</sup>: نوعى كفّ السبع

۸۸۶ – رازیانج ، وازیانج ، رازیانج ، رازیانج ، رازیانج ، رازیانج ، رازیانج ، رازیانج ، شمار ، شمار ، شمار و نامی نزد اهالی مصر و شام ) ، برهلیا (بزر) معرب رازیانه فارسی است. از جنس هدبات و نوعی جنبه نامهای دیگر آن: فارسی: بادیان س – رومی: شمار ، مالثرون س (ماثرون) ، انانوس س – هندی: سَونف ، دالان بزرگ ، سوب ، سوی سوی ب یونانی: فیاقیدنوس س سیستان: باد تخم سوی نام گیاه در کتاب جالینوس: رازیانج بری: أفومارثون سام نوع سیستان: باد تخم سوی نام گیاه در کتاب جالینوس: رازیانج بری: أفومارثون سام نوع بری: بَسباس س دارای دو نوع بری و بستانی است بری را «قوتارشوق» و به شیرازی «خوالم» گویند و بستانی را «مارثون» و گویند به ترین آن بستانی است و بری آن با سه نوع است، نوعی قبطی آن معروف به «رازیانج فارسی» است و بری آن با سه نوع است، نوعی قبطی آن معروف به «نافع» است. «نیسون» نوعی از «رازیانج» است و دارای سه نوع بری، بستانی و صخری است. س

مارتون (Marathon): رازیانج البستانی ـ شَمار ـ شمور ـ بَرْهِلیا [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۱] أِفومارَثُن (Hippomarathon): به معنای «شَمار العریض» است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۸]

Foeniculum vulgare Mill.	رازیانج	ز.،خ.،ط.،پ.
Foeniculum vulgare Mill.	مارَثون،رازیانجالبستانی، شَمار،شمور،بَرْهِلیا	ديسكوريد
Hippomarathrum libanotis Koch.	أقومارثن – شمار العريض	ديسكوريد
Feniculum sp.	شُمار، شُمْرَة، شومار، رازيانج	الموسوعه

۸۸۷ - رازیانج حبشی: نوعی انیسون و قسمی کحلوان است. س

۸۸۸ ـ رازیانج رومی و رازیانج شامی ٔ: أنیسون ٔ

۸۸۹ -رازیانه بری ؛

مارَثون أغْريون (Marathon): به معنای «رازیانج بری» است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید)۳ - ۲۸

۸۹۰ - رازیانج القرود: نام دیگر آن: نُوَیْفع<sup>س</sup>

۸۹۱ - رأس الذهب: نامى است كه به كياهان بسيارى گفته مىشود برخى از اين كياهان عبارتند از: خردل، بابونج الاسود، ذهبيه، خربق الاسود، اقحوان العربى نام نوع ديگر آن: بُلْبُلية الاسود: اماريطون، شنثمن، اقند، حوذان، اخرسون <sup>نر</sup>

۸۹۲ - رأس الزرزور: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه نام «قبسطاله» و یا نام «شَخْمَة الدجاجة» میدانند و درست آنست که «عُصْفر بری» معروف به «شُنْقِنیره» است. <sup>در</sup>

٨٩٣ ـ رأس العصفور: **نامهاي ديگر اَن: ق**ولومينس - قولوقيمن - نَبَسيْروله <sup>نن</sup>

۸۹۴ - رأس الشيخ: **نامهاي ديگر آن:** قاذارُش - قبّاسه - رأس القنفذ<sup>نن</sup>

۸۹۵ – راسَن'، راسن مراسن مراس

أَلانيون (Helenion): نام ديگر آن: جناح ـ راسَن ـ زُنْجبيل الشامى ـ تركى: عُنْطوز[ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ٢٧]

Inula helenium L. Calamintha incana Boiss. & Held.	الانیون - جناح - راسن - زنجبیل شامی	ديسكوريد
Inula helenium L.	رأس هندی – زنجبیل شامی	پارسا
Inula helenium L.	Pers & Arab: Rasan	GLO.IN.
Inula helenium L.	Arab: Rasan - Kash: Poshkar	GLO.IN.
Inula helenium L. Calamintha incana Bois & Held.	راسن	زر طبا.
Inula helenium L.	راسن	خطا،، .EN

۱- Ala کلمهای اسپانیائی به معنای جناح یا بال

۸۹۶ - رافعهٔ <sup>نن</sup>: نوعی بقل ۸۹۷ - رامک <sup>۳</sup>: عطری است که از «مازو» گیرند. <sup>۳</sup>

Preparation containing gallum	رامک	EN.
Pomegrante bark		

۸۹۸ - راوندا، ریوند ، ریوند ، راوند ، راوند ، راوند ، راوند صینی ، راوند صینی ، نامهای دیگر آن: فارسی: ریوندا، بیخ جگری ، ریوند ، ریوند ، ریوند ، ریوند ، ریوند ، بیخ جگری ، ریون ، عربی: راوند ، وریوند ، سینی باشد و خراسانی ، دارای انواعی چون شامی و زنجی است. - تضانی گوید برخی به اشتباه آن را نوعی «غافت» یا «ریباس» دانسته اند ، شهیلی می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه ریشه «قرع» و عدهای «اغافت» و گروهی ریشه «فاشرا» و برخی «ریباس» می دانند. می

رآاء: راوند [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ٣ - ٢]

Rheum sp.	راوند – رُوَند	الموسوعه
Rheum palmatum L.	ریوند چینی	پارسا
Rheum palmatum L. Rheum Rhubarbes (rhaponticum) Rhubarbes ribes Rhubarbes officinale Baillon.	راوند راوند ذکر ریواس ریوند چینی	طباطبائی.
Rheum officinale Baill. Rheum palmatum L.	راًاء – راوند	دی.، .EN
Rheum officinle Baill.	راوند صينى	خطابی

۸۹۹ – راوند شامی<sup>غ</sup>، راوند شامی<sup>د</sup>: از جنس «کلخ» است.<sup>غ</sup> **نامهای دیگر آن:** بنطیقا<sup>ند</sup> - سامری<sup>در</sup>

Rheum rhaponticum		
Totali maponicum	راوند شامی	خطابی

ه ۹۰ - رای بیل از (نامی هندی) سه نوع است با نام های «رای بیل»، «موتیه»، «موکره» ا ۷ ۰ ۹ - ربرق می (یمن): نام دیگر عنب الثعلب عن

Solanum nigrum	رَبْرَق، أَفانية، مَغْد أسود، عِنَب الذِئب	الموسوعه
···		

۲ ه ۹ ـ رَبْل م ربل ، رَبْل م: نوعی افسنتین کوهی است. ت

الموسوعه ربّل - قَرْص اللغراب llager			
	Randia sp.	ربَل - قَرْص االغراب	الموسوعه

۹۰۳ - رَتَّم ً، رتم ً، رتم: (نامی عربی) از جنس هدبات **نامهای دیگر آن:** شبرطیون - تالُقبت - یناشهٔ - "اشبیلی" میگوید: سیاه آن سه نوع است نامهای دو نوع آن عبارتست از: ۱ - رَتم الطباء ۲ - رَتَم الخنزیر - برکینه - یناشته دِبُوِرکه - نام نوع دیگر آن: ینشتاله: کوچک آن: اذناب البقر، بزرگ آن: اذناب الخیل <sup>در</sup> - غافقی میگوید: دارای دونوع سیاه و سفید است. ع<sup>دن</sup>

Retama sp.	رَثَم	الموسوعه
Cytisus scoparius Br.	رَتَم	EN.

# ۹۰۴ - رته "، رته "، رته ع، رته ": نام دیگر بندق هندی " و ۹۰۴

Caesalpinia bonducella Flem.	رته	زر. – طبا.
Guilandina boneculla Flem.	,	. ,

#### ۹۰۵ - رجبه":

۹۰۶ - رجل البازی:**نامهای دیگر اَن:** کاشم الکبیر - طریفلون - سسالیوس ابتونیقون <sup>ش</sup>

۷ ه ۹ - رجل الجراد<sup>ع</sup>، رجل الجراد<sup>"</sup>، رجل الجراد<sup>"</sup>: نامهای دیگر آن: زرنب" - روبیان "شیخ الرئیس" گوید بقله است که قائم مقام «بقله یمانی» است... و مسیح گوید «زرنب» است و مولف دیگری گوید همچنین نام «زرنب» است و آن را «سرو ترکستانی» خوانند. "-این نام به گیاه دیگری از انواع «اقاحی» معروف به «اربیان» نیز گفته میشود. "

Taxus baccata	رجل الجراد	طباطبائي
	I was a second of the second o	

۹۰۸ - رجل الحدأة: **نامهاى ديگر آن:** باطانيقى - فوروفش - لختيره<sup>س</sup>

۹۰۹ - رجل الحمامه: اسم جنس و نوعی انجسا و دارای سه نوع: ۱ - انجسا الساحلی: لوقیدس – ارجیولیه – تاینس – حُمَیر ۲ – نحلیة: عیبادیوس – انوخیلوس – ارطی صغیر ۳ – انجسا الرملی: لوقیمو بذاس – سِن نودُه – فیلاطاریون <sup>نر</sup>

۹۱۰ - رجل الزرزور: **نام دیگر آن:** عنب السقف<sup>ین</sup>

قورونُفس (Krethmon): نام های دیگر آن عبارتست از: رِجْل الْغُراب ـ رِجْل الزاغ [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۴]

Crithmum maritimum L.	قورونَفس، رِجْل الغُراب، رِجْل الزاغ	ديسكوريد
Carum ammioides Benth.	دِ جُل الْغُراب	خطابی

۹۱۳ ـ رجل الفروج<sup>۶</sup>، رجل الفروج : نوعی حَمْض **نامهای دیگر آن**: رجل الدجاجة <sup>ش</sup> - رجل القلوس - قاقلی تنام «رجل الفلوس» و هم نام اندلسی گیاه دیگری در بغداد با نام «قاقلی» می باشد و آن نوعی «حَمْض» است.<sup>۶</sup> ۹۱۴ ـ رجل الحرشاء: **نامهای دیگر آن**: شخ مال - انن الحمار - شهدیة <sup>ش</sup>

۹۱۵ - ر**خامی**":

۹۱۶ –رُدُوِنْتی ا: (نامی هندی)

۹۱۷ – رَطْبه ، رطبه ، رطبه ، رطبه ، نصفصه ، فصفصه ، فصفصة ، بزر الرطبه ، علف ، قداح ، قصب (نصفصه): نامهای دیگر آن: فارسی: اسپست باغ تازه ، سپست ، سپست تر س – ترکی: یونجه انامهای نوع خشک آن:

عربی:قت سلمی: هفت سلمی: هفت سلمی: میدیکی سلمی میدیکی سلمی: أسبست سلمی: أسبست سلمهای بذر: بزر القداح سلمی: أسبست سلار الفصفصه سلمی: أسبست سلمی الفظه سلمی: میدیقی: رَطْبَة مِوْمُوصَة مندی آن: قَتّ مارسی: أَسْفَسْت مربی: قَضْب معجمیت اندلس: یُرْبَه مولُه به معنای «عشْبَة المنظّلة» ابن سلم (در ترجمه دیکررید) ۲ - ۱۳۱ و ۱۳۲

Medicago sativa L.	فصفصه – رطبه – أسفست – قضب	ديسكوريد
Medicago sativa L.	يونجه ~قت -اسبوست -اسپيسته (افغانها)	پارسا
Trifolium pratense L.	رطبة، نفل المروج، نفل بنفسجي، بَرْسيم أحمر	الموسوعه
Medicago sativa L.	رطبه	ز.، ط.، .E
Medicago sativa L. Trifolium alexandrinum L.	فصفصة	خطابی

ألافوبُشْقُن: نام آن «رِعْي الأُيّل» و به سرياني «رَعْياذْيلا» است و آن گياه معروفي است. [بن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ٣ - ٦٥]

رعى الايل – رعى الابل	<b>د</b> ی. – زر.
رعى الابل	المطبا.

٩١٩ - رعى الحمار ، رعى الحمار": كويند رعى الابل است. "

۹۲۰ - رعى الحَمام، رِغى الحمام ، رعى الحمام ، رعى الحمام ، رعى الحمام ، فسطاريون ، فرسطاليون ، قارسطاريون ، فارسطاريون ، فارسطاريون ، فارسطاريون ، فارسطاريون ، فارسطاريون ، فارسطاريون ، فارسطانيون - فارسى: گاو مشنگ ، ديو مُشَنگ ، چينه كبوتران - فارسى: گاو مشنگ ، ديو مُشَنگ ، چينه كبوتران - فارسى نام گياه در كتاب جالينوس: فارستاريون ، باريسطاريون -

فارِسُطارْیون به (Peristerion): برگردان آن وحمامیّ، است و نامهای دیگر آن ورِغی الحمام، و وحشیش الأَعْـظم، است. و "جالینوس" آن را نوعی از ومّیامیر، میداند و به لاتینی وقُلُنْبارِش، (Columbaris) معنای وحمامیّ، است. نام یونانی و لاتینی این گیاه یکی است .[ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۴۵ ره۵]

Verbena officinalis L.	فارسطاريون، رعى الحمام، حشيش الأعظم	ديسكوريد
Verbena sp. Pastinaca sativa L.	رعى الحمام	الموسوعه
Verbena officinalis L.	رعى الحمام	زریاب
Verbena officinalis L.	قارسطاريون	خطابی

۹**۲۱ ـ رَعْثُ<sup>ع</sup>،** رعث ً: در بعضی از ترجمه ها: جلنار<sup>عت</sup>

۹۲۲ - رعی الابل ش: نام دو گیاه است ۱ - لصیف و کنکر بری ۲ - سواک العبّاس

۹۲۳ ـ رُغَیْداء ٔ ، رغیدا ؓ: "ابوحنیفة" میگوید: دانهای که در درون «حنطة» است و از آن جدا می شود به گـمان مـن «زوان» است. ٔ

٩٢۴ - رُقاع اليَماني ، رقاع يماني :

Trichilia sp.	رِقاع	الموسوعه
Pastinaca sativa L.		

**۹۲۵ ـ** رقاقس<sup>۶</sup>: "رازی" میگوید: نام فارسی گیاهی مشابه «ثوم» است.<sup>۶</sup> "ابن بیطار" میگوید: به گمان من نام «جفت أفرید» است.<sup>۶</sup>

۹۲۶ - رُقَع: نام درختی از نوع جُمّیز **نامهای دیگر اَن:** سیقوموروس - سوفی - رقاع - جوز الدفع<sup>تی</sup>

۹۲۷ – رَقَعَه'، رقعه من رقعه عن الله عربی شامل همه گیاهانی است که منجر به بهبود شکستگی استخوان می شوند مانند: ارانجبار» و «بنتومه » و «خاماأقطی» و «رقعه لطینیه عن و رقعه خاص بیخی است سرخ رنگ.... ننخیطِس آخر (Lonkhitis hetera): این گیاه برگی مشابه برگ «سقُّوفْنذریون» دارد و عامه گیاهشناسان اندلس به آن «رُفُعّة الصخری» گویند. (ابن یطار (در ترجه دیکورید) ۳ - ۱۴۰]

Trichilia emetica Wahl.	رقعه	 زریاب
Elcaya jemenensis Forsk.		
Aspidium lonchitis L.	لنخيطس - رقعة الصخريه	ديسكوريد
Elcaya jemenensis Forsk.		

٩٢٨ - رقعة برية: جامع البضع

٩٢٩ ـ رقعة جبلية: فلجه - بولوذيون - فلجيون - فلجون - آلة دبقتر يعني جناح النسر - افرسير - سرخس نام نوع ديگر: ثيلوبطارس

٩٣٠ ـ رقعة خضفية: خِضلاف - دوم (بخاطر شباهت أن به دوم نامگذاري شده است.) البوقاله - رقعة الصنوبريه

٩٣١ - رقعة الرومية: نوعي عصى الراعي با نام شنتله و قابي طيّاره و عياشية

٩٣٢ - رقعة طلبية:

٩٣٣ - رقعة ظِلية:

۹۳۴ - رقعة مَرجية: حريشة، حريشاء

۹۳۵ - رقعة نهرية: قسمى نفل معروف به انجبار

٩٣۶ - رقعة فارسية: ماراقونا - بنتومه - الهَدايه - يدّختن - زرق الطير

٩٣٧ - رقعة قَرَنْفُلبة

۹۳۸ - رقعة سُهلية: مورجّون - عُصفر بري

٩٣٩ - رقعة شعرية: تُرمس الخنزير - فابّه دِبورْكه - نام ريشه: مَسَد

۰ ۹۴ ـ رقيب الشمس<sup>ع</sup>، رقيب الشمس<sup>ن</sup>: **نام ديگر آن:** شيٽرو<sup>ن،</sup> - نام گياه «صامريوما» است و گاهي نيز به نوعي «يتوع» هم گويند.<sup>- د</sup>

Heliothrips haemorrhoidalis Bou.	رقيب الشمس، هليوتروب، أڭرار	الموسوعه

۹۴۱ - رُمان ، رمان ، رمان ، رمّان ، رمّان ، رمّان ، رمان حلو ، رمان حامض ، حب الرمان : رمان وناره است. نامهای دیگر آن: فارسی و هندی: انار ا - رومی: رویدون ، رودوس - سریانی: رُمّانا - هندی: دارم ، دارمون - فارسی و هندی: دارم ، دارمون است، بستانی آن ماده با نامهای: رودا ایدا - بونیقا - ببلجش - غرناطُش - قراقیا است و

شامل انواع شیرین، تلخ و ترش میباشد که هر یک خود اقسام مختلفی دارند، اقسام نوع ترش عبارتست از: ۱ - فطیسی: داوری ۲ - برجین ۳ - بلدی - اقسام نوع تلخ عبارتست از: ۱ - کبیر(بزرگ): رومی ۲ - صغیر (کوچک): اقسام نوع شیرین عبارتست از: ۱ - فسطیسی ۲ - مقدسی ۳ - قمحی - رمان بری نر و معروف به جلنار است نامهای دیگر آن عبارتست از: رَغَث - نار مِشک - تاغیشت - لوسطیون نوا الار بسیار آبدار را که تخم کم داشته باشد به لغت عرب «مرمار» گویند. سیم جالینوس می گوید: «ثالاسطون» نام شکوفه انار دشتی است. سیم نانه آن: انار دانه سیمانی می گوید: رمان دارای دو نوع نر و ماده است نام نوع نر «جُلنار» است و ماده آن دارای انواع فراوانی از قبیل شیرین، ترش، تلخ، آبی، و ...میباشد که هر یک از این انواع در شهر فاس دارای اسامی خاصی است بعنوان مثال: منظور از درخت «سلطان» بلندترین و نیکوترین درخت انار است و به ترتیب نوع «سفری» و «کلخی» قرار دارد و هر گاه درختی دارای انارهای بزرگ باشد به آن «میمونة» و اگر دارای انارهای ریز باشد به آن درخت «عَظْمی» گویند. خ

رُوذاأ يُذا (Rhoa): رمان [ابن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١١٣]

Punica granatum L.	رمان	ز.، خ.،پ،ال،ط.
Punica granatum L.	روذاأيذا – رمان	ديسكوريد

۹۴۴ \_ رمّان الأنهار<sup>ع</sup>، رمان الانهار تن در دمشق نام نوع بزرگ «هوفاریقون» با نام «أندروسا» یا «اندرسامس» است. عقد ۱۳۴۳ \_ رمّان السعال من رمّان السعال من رمّان السعال من رمّان السعال من تنام دیگر آن: خشخاش مخطوف الابیض الابیض الم بسیاری از پزشکان این نام نوعی «خشخاش معروف به «منثور» است که مشابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست همور نیست منابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست همورون بست منابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست منابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست منابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق النعمان « النعمان » است منابور نیست 
Papaver somniferum album	رمان السعال - خشخاش أبيض	الموسوعه
Pastinaca sativa L.		

۹۴۴ - رمان بری ، رمان البر"، حب القلقل"، حب القلقل"، بزر المط": مض' - رمان بری" - نام های میوه: حب القلقل"، رمان البری"، شاهدانج"، نار دانه دشتی " - نام ریشه: مغاث"

Crotalaria retusa L. Cassia tora L.	رمان البرى	زرياب
Cassia tora L.	حب القلقل	يارسا
Balaustion sp. Pastinaca sativa L.	رمان بری – مَظَ	الموسوعه

**۹۴۵ – ِ مْثُ<sup>۲)</sup>، رمثُ<sup>۳</sup>، رِمْثُ<sup>س</sup>ُ: نوعی «حِمْض» <sup>عِس</sup>ْ نام دیگر آن:** طردج - نام شیره سفید رنگ بر روی گیاه: مغفور الرمث<sup>ش</sup> - نام نوع دیگر آن: شعران <sup>س</sup>

Caroxylon articulatum Moq.	,نث	الموسوعه
Pastinaca sativa L.	_ ;	- 5-5-

۹۴۶ - رَمْرام، رمرام، رمرام :؟ نام دیگر آن: قرصعنه ما ابریجون نام «قرطم بـری» است و گویند نام «قرصعنه» است. است. است. است

Chenopodium murale L.	رشرام – رَمْرَم	الموسوعه
Pastinaca sativa L.	1- 1-	

Laurus nobilis L.	رند	زر خط.

۹۴۸ - رند اسکندرانی: نامهای نوعی از آن: خامادفنی - مازر - خُضیراء - نام نوع دیگر: دفنویداس<sup>تن</sup>

۹۴۹ - رنف: 'اشبیلی' میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «خلاف بلخی» و عدهای آن را نوعی «ببروح میدانند و همچنین گویند نام «بهرامج البر» است برخی نام عجمی آن را «یُزبه دی فِوقُه» (۱) به معنای «عشبة النار» گفتهاند و به نامهای «لبن الحمارة» و «کوکبة» نیز آمده است. و درست آنست که دارای دو نوع بزرگ و کوچک است نوع بزرگ آن «خلاف بلخی» و کوچک آن «ظیّان» یا «یاسمین البر» است. " مهای میگر آن: کرکیشه - بطریره - بطرقیره - حریشه - حشیشة الزجاج - عصا هرمس"

۱ ۹۵ ـ رواس<sup>ع،</sup> ر*واس* ّ: گروهی آن را هجرجیر الماء، میدانند.<sup>ع</sup>

۹۵۲ –ژوذااَرِیذا<sup>۲</sup>، رودیاریز۹، روذیاریزا<sup>دن</sup>: (نامی یونانی) برگردان عربی آن از نام یونانی «اصل الوردی» است.<sup>۶</sup>

رُوذاأ يُذا (Rhoa): رمان [ابن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١١٣]

۹۵۳ – ریباس، ریباس، ریباس، ریباس، ریباس، ریباس، ریباس، درنیلج، زرنیلج، یعمیصا، یعمیما (نامی سربانی): نامهای دیگر آن: حماض جبلی - ریباس و فارسی: ریواس، ریواج اس، جگری، جگری - تازی: نامی چون نبات او بزرگ شود هر برگی از و بدست آدمی مشابهت دارد. و اردشیر وا ریوند دست گویند بآن سبب که دست های او دراز بود .و تخم او از آن قضیب [گل آذین سنبله افراشته] پدید آید و در هر طرف سنبله برگهائی بشکل دست آدمی وجود دارد. "غسانی" میگوید: برخی آن را به اشتباه «راوند الفارسی» میدانند ان الجبلی، است. میگوید: در مورد ماهیت آن الجبلاف است برخی آن را به اشتباه «حماض الجبلی، است.

Rheum ribes L.	ريباس	ز.،خ.،پ.،ط.
Rheum ribes	راوند ریباسی- ریباس - رِباص - یَعْمیصا	الموسوعه

۹۵۴ – رَیحان'، ریحان'، ریحان'، ریحان ریحان بزر الریحان نامهای دیگر آن: ضمران – ریحان الملک – فارسی: شاهسفرم'، شاهاسپرم'، مورداسپرم'، شاهشفرم' – هندی: ناذبود'، نکدبابوی' – حماحم سرست از لفظ «همبهم» و «همبهم» را معنی اینچنین باشد بلغت تازی که «هااناذا» یعنی «چنانستی که نبات ریحان چون از زمین پدید آید گوید نک من اینم، ساهالی اندلس به وآس بستانی (۲) گویند. [بن یطار (در ترجه دیکرید) ۱ - ۱۱۵] اشبیلی می گوید: به هر گیاه خوشبو ریحان گفته می شود و عرب این نام را برای «خنوة» نیز بکار می برند و اهالی اندلس به آن «آس» گویند. انواع آن عبارتست از:

- ريحان الثعلب<sup>ين</sup>: نوعي قيصُوم
- ريحان الجنّ : ريحان الثعلب <sup>در</sup>
  - ريحان السواقي <sup>دن</sup>: ضومَران <sup>دن</sup>
  - ريحان المُرْد<sup>ِّن</sup>: مَرزنجوش<sup>ِّن</sup>

۱- Yerba de fuego اس، رجوع شود.

- ريحانة الملك <sup>فن</sup>: نوعى حَبَق <sup>فن</sup> - افرنْجَمِشك <sup>فن</sup> - ريحانة الفتى <sup>فن</sup>: مرزنجوش <sup>فن</sup>

Ocimum basilicum L.	ريحان	ز.، ط.، E.
Ocimum basilicum L.	ريحان سبز - شاهسفرم	پارسا

۹۵۵ -ریحان السلیمان، ریحان السلیمان، ریحان سلیمان، جم اسپرم نامهای دیگر آن: عربی: فُشاخ - فارسی: ریحان سلیمان، جماهو سلیمان نبات آن در کوهستان فارس و اصفهان بود. "

Ocimum filamentosum Forsk.	ريحان سليمان -حبق الرهبان	الموسوعه
Ocimum filamentosum Forsk.	فشاع – ريحان سليمان	زرياب
Ocimum gratissimum L.	_	
Ocimum gratissimum L.	ريحان سليمان	طباطبائى

۹۵۶ - رَيحان الكافور ، ريحان الكافور ": ؟ نامهاى ديگر آن: كافور يهودى "، شجر الكافور "، ريحان اليهود ، شجر الكافور - فارسى: سوسن" گويند: گياه «سوس» است. اكافور است و نبات وى بيشتر در خراسان باشد. "

Camphorosma sp.	ريحان الكافور	الموسوعه
-----------------	---------------	----------

۹۵۷ - رئيس الجبل "، طرفيوس": نامهاى ديگر آن: رائ مُنّت - - فارقلومانن - آطرس - ماطرشِلْبَة - الف دينار - حشيشة الطحال - صريمة الحدى در العدى در ال

### حرف «ز»

۱۵۸ – زان من زان <sup>نر</sup>: **نامهای دیگر آن**: مران <sup>صد</sup> - قرانیا <sup>ند</sup> - مالیا <sup>ند</sup> - برخی آن را به اشتباه هٔ فوحطه میدانند. <sup>ند</sup> مالیا (Melia): نام عربی آن «مُرّان» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت بلکه منظور گیاه «قرانیا» است.

۹۵۹ - زُبّادی <sup>د</sup>ٌ: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بِزرقطونا» و عدهای «صُعَیْتره» و گروهی آن را نوعی «هوفاریقون» میدانند. <sup>د</sup> ۹۶۰ ـ زراوند خراسانی <sup>د</sup>ُّ: نوعی کمادریوس **نامهای دیگر آن:** ریشه بنتُرقة <sup>د</sup>

98۱ - زراوند، زراوند، زراوند، زراوند، زراوند، زراوند، زراوند (نامی فارسی)، مسمقوره مسمقوره (نام بربری)، ارسطولوخیا، ارسطولوخیا (نامی یونانی زراوند طویل) (زراوند در جنس است طویل و مدور. نامهای دیگر آن: عجمی اندلس: مسمقوره و معرب آن مسمقاره، مسمقران – اهل مغرب: شجر رستم – یونانی: ارسطولوخیا «ارسطول به معنای «فاضل» و «لوخیا» به معنای «نفسا» است زیرا موجب تسهیل زایمان می گردد. – ارسطالاخیا می ارسطالوخیا سی سریانی: سفلولا آبن ماسویه میگوید: دارای سه گونه است: دراز و گرد و گونههائی چون «بقش الکرم» است. «ارسطولوخیا» از دو نام «أرسطو» و «لوخیا» گرفته شده است منظور از «أرسطو» دانشمند فاضل معروف است و منظور از «لوخیا» زن نفساء است بنابراین معنای کلی واژه «الفاضل بالمنفعة للنفساء» یا داروی برتر برای سود بخشیدن زن نفساء است. شمگوید: دارای دو نوع نر و ماده است نوع نر طویل (کشیده) و نوع ماده آن مدحرج (پیچ خورده) می باشد و در فاس به آن «بَرُشتُم» گویند.

أَرِسْطُلُوحْیا (Aristolokhia): به معنای «الفـاضل لِـنُفَساء» و نـام سـه نـوع «زراوَنْـد» است. نـام.های بـربری آن «مَسْـمَقار»، «مَسْمَتورَة» و «مَسْمَقْران» است و اهالی آفریقا به آن «بُرُسْتُم»<sup>(۱)</sup> گویند.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴]

Aristolochia longa L.	زراوند – ارسطالاخيا	زر. –طبا.
Aristolochia longa L.	أرسطلوخيا - زراوند - برستم	ديسكوريد
Aristolochia longa L.	زراوند طويل	پار. – خطا.
Aristolochia sp.	زراوند - أرستولوخية - مَهتون - غاغة	الموسوعه
Aristolochia sp.	زراوند	EN.

۹۶۲ - زراوند مُدَخرَج ، زراوند مدحرج ، زراوند مدحرج ن : نامهای دیگر آن: شاامی - زراوند مدور - فارسی: زراوند گرد ا - اصفهانی: نخود الوندی - اقسیوس - قلیجوله - زابر - به هندی به آن «کجور» گویند همچنین به «زرنباد» نیز «کجور» گویند همچنین به «زرنباد» نیز «کجور» گویند. نام نوعی از آن «قلیماطیطس» است که نوعی «حی عالم» کوچک است و نوع دیگر آن قسمی «مامیران» با نام «قلیماطیطس» می باشد. ن

Aristolochia votunda I				
- ط خ. ازراوند مدحرج	Aristolochia rotunda L.	زراوند مدحرج	زطخ.	]

#### ۹۶۳ - زردلان<sup>۳</sup>: ۰

Chelidonium dodecandrum Forsk. Romerica dodecandrum Stapl. Atriplex hortensis L.	رجل الجراد	زرياب
Taxus baccata L.	رجل الجراد - زرنب	زرياب
Flacourtian cataphracta	زرنب	زریاب
Taxus baccata	طُفْسوس عادى، زرنب	الموسوعه
Curcuma zedoaria	زرنب	خطابی

۹۶۵ -زُرُنْباد'،زرنباد"، زرنباد"، زرنباد<sup>ع</sup>، زرنباد<sup>د</sup> (نامی معووف در مشرق و مغرب)، زرنباد"، عرق الکافور<sup>ع،</sup> عرق الکافور"(نامی در مصر و شام)، زهم": ریشههای گیاه مصرف داروئی دارد و آن را از چین می آورندوزرنباد، سه جنس است، مدور، طوال (دراز) و صنوبری<sup>"</sup> ن**امهای دیگر آن: مکه:عرق الکافور" – هندی:کچور** '،کجور" –سطراک"

Zingiber zerumbet Rosc.	زرنباد	زرياب
Zingiber zerumbet Rosc.	زُرُنْبَة - زرنباد	الموسوعه
Amomum zerumbet L.		

۹۶۲ ـ زرنبوری<sup>۶</sup>: بقلة الیمانیة<sup>۶</sup> ـ یربوز<sup>۶</sup> – گویند نام «رجل الغراب» نیز هست.<sup>۶</sup> ۹۶۷ ــزَریر٬ زریر<sup>۳</sup>، زریر<sup>۹</sup>: **گیاهی از کوه های جوزجان<sup>۳۳</sup> نامهای دیگر آن**: شیرازی: اسفرک<sup>۳</sup> – یونانی: ارجیقن٬ ـ به نظر "رازی" نام «کشج» است و همچنین نام «بقلة اللینة» است و «زریرا» نام سریانی آن است.<sup>۶</sup>

Delphinium zalil Ait. Delphinium semibarbatum Bie.	زرير	زرياب
Bulbocodium vernum L.  Delphinium semibarbatum Bie.	زريرة – زعفران الجبل – زعفران ال مَرْج	الموسوعه

۹۶۸ -زرین گیاه ، زرین درخت ، زرین درخت ، زرین درخت : نام دیگر آن در خراسان: گل عاشقان - کریند درخت «اترج» است و مولف کوید درختی است ککه در ولایت کازرون بسیار باشد خاصه در بشاور. "

مَشْبِیلُیْن (Mespilon): نام «شجرة الزَّعْرور» یا همان «طِریقُقُن» (Tri kokkon) به معنای «ذوثلاث حبّات» (دارای سه دانه) است. و طعمی لذیذ و ترش دارد. و ابو حنیفه نام درخت زعرور را «نُلْک» گوید.

أَفِيْلِيس (Epimelis): گويند نام نوعي «زُعرور» است ولي من \_ابن بيطار \_نسبت به آن اطلاعي ندارم.[بن يطار (درترجمه ديسكوريد) ١ - ١٢٧ ر ١٢٧]

Crataegus azarolus L.	مشبيلين – شجرة زعرور – طريققن	ديسكوريد
Pyrus germanica L.	أيلميس - نوعي شجرة زعرور	ديسكوريد
Crataegus azarolus L.	زعرور	زرطبا.
Crataegus melanocarpa	ذالذالک - کیالک - کویج (اصفهان) - ریش والک (گیلان) - یمیشان (آذربایجان)	پارسا
Crataegus orientalis Bieb.	کیک واش - قسم اذگیل	پارسا
Crataegus monogyna Jack. Crataegus lagenaria Fisch. Crataegus pentaggyna Eng.	خفچه – عوسبح – ملاولیک – موم بری (طالش) –گتو (کوه درفک) – کمار (لاهیجان) – کرچ (دره کرج) بلک – ولیک – ولک (شمال) – قوچک (تفرش)	پارسا
Crataegus sp.	زعرور	الموسوعه
Pyrus germanica Hook.  Mandragora officinarum  Crataegus azarolus L.  Crataegus oxycantha	زعرور البستانی زعرور الجبل زعرور(تفاح بری) زعروالادویه	خطابی
Crataegus azarolus L.	زعرور	EN.

۹۷۱ - زعرور بستانی ّ: **نامهای دیگر آن:**شیرازی: کیل سرخ ّ - مثلث حجم ّ

9۷۲ – زَعفران ، زعفران ، بساد ، هرد ، جادی ، جادی ؛ نامهای دیگر آن: رومی: انیخوس ، قروقوا س سریانی: کرکم سخن ، کرکما س فارسی: لرکیماس ا هیندی: کیسر ، کنکون سیجادی سخوس ، قروقوا سید و قوقو سیم خلوق سیعفورالصفالیه سیم به اینوس: قوروقوس سیم نام گیاه در کتاب دیسکورید: قُروقُس سیم البر سیم خلوق سیم نام البر سیم و بعد از آن رودآوردی فارس از کوهکیلویه خیزد، آن نوع بهترین انواع زعفران است، بعد خراسانی که معروف است به «میلکندی» و بعد از آن رودآوردی آنواع آن عبارتست از: زعفران بری، زعفران حبشی: قَرطم - زعفران شرکی: ریشههای برباریس - زعفران هندی: کرکم، عروق الصفر، اصابع الملک، جادی، جساد، جسد شری و نوقُس (Krokos): منسوبه به مکانی از روم به همین نام است و نام آن «زعفران» با نامهای «جادی» «جساد» «ریهقان» و «گروگم» است. ابن یعاد (در ترجمه دسکورید) ۱ - ۲۵

Crocus sativus L.	زعفران	ز.،پ.،ط.،خ.
Crocus sativus L.	قروقس - زعفران	ديسكوريد
Crocus sp.	جادى، جُساد، جَيْهُمان، دَلْهُمّان، رادن، رَيْهُمّان، صَفَران، كركيماس، رَعَبْل	الموسوعه
Crocus sativus	زعفران مخزنی – زعفران معروف – رَيُهُقان	الموسوعه
Crocus sativus	Sanskrit: Keshara; Kunkuma - Hendia: Kesar; Zafaran Bombay: Kessar - Bengal: Jafran	GLO.IN.

۹۷۳ - زُعَيفَراء '': **نامهای دیگر آن:** صنوبر الارض '' - حَلَمة ''

۹۷۴ ـ زغیر ٔ، زغیر ؓ: نام «مرو» است و گویند «مرو دقیق» است. ؑ – نامهای دیگر اَن: مرو سفید ؓ

۹۷۵ -زُقال، زوقال م، زوقال : (نامی فارسی) جنسی است از آلوی سرخ رنگ - نام دیگر آن: قرانیا

مائیا: (Melia): نام عربی آن «مُرّان» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت است و در آنجا منظور گیاه «قرانیا» است. قُرانیا (Krania)درخت معروف کوهی است که در کوه های لبنان و غیره...میروید. دارای میوهای مشابه «سیب» کوچک دارد و هنگام رسیدن قرمز و زرد می شود و طعم آن ترش است و درون آن هسته ای به سختی و جنس «زعرور» است و من ـ ابن بیطار ـ نام دیگری برای آن نمی شناسم. ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱ ر ۱۲۸

Cornus mas L.	زوقال	زرياب
Cornus mas L.	قرانيا	ديسكوريد

٩٧٦ ـ زُقُشْته عَ:

۹۷۷ -زَقُوم'، زقُوم"، زَقُوم"، زَقُوم": نامهای دیگر آن: افربیون هندی: تهور'، سیهنده'، سیج' ـ نام مایع لزج آن: ضِرْع الکلب، غلبی

Balanites aegyptiaca L.	زقوم	زریاب
Elaeagnus angustifolius L.	·	
Elaegnus sp.	خِلاف - زقوم	الموسوعه

۹۷۸ ـ ز**توم آخر<sup>ع</sup>، زقوم اخر<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن:** افربیون<sup>ش</sup>، تاکّوت<sup>ش</sup> - برخی آن را به اشتباه نام گیاه «خِززع» میدانند.<sup>ش</sup> ۹۷۹ ـ ز**لابیة<sup>ع</sup>:** 

، ۹۸ ِ زلم عن نام های دیگر آن: حب الزلم علی اندلس و مغرب: فلفل السودان ع

Cyperus esculentus	حب الزُلَم، حب العزيز، زُلَم، شعْد مأكول	الموسوعه

۹۸۱ –زَنْبا ، زَنْبه ؛ (نامی فارسی)

۹۸۲ –زَنْبَق، زنبق، زنبق ، زنبق نا**مهای دیگر آن**: یاسمین که - فارسی:سوسن آزاد که روغن «حلّ» پرودش یافته در «یاسمین» گویند.<sup>»</sup>

أيمارُ وقالِس (Hemerokallis): ابن حَسّان مي كويد: سَوْسَن أَصْفَر ـ دمشق: زَنْبَق [ابن يطار (در ترجمه ديسكوريد) ٣ - ١١١٧]

Hemerocallis flava L.	أيماروقالس - سوسن أصفر - زنبق	ديسكوريد
Iris germanica L.	زنبق	پارسا
Lilium sp.	زنبق	الموسوعه

۹۸۳ -زَنْجَبیل، زنجیل، زنجیل، زنجیل، زنجبیل، زنجبیل، زنجبیل؛ نامهای دیگر آن: زنغباری - هندی: (تازه آن)ادرک، و اخشک آن) سونتهه، سندهی، سنده و ارسی: شنگویر، زنگبیر، شنگلیل - سریانی: زنکبیل - طخاری: شنگرفیر، شنگلیل است مینانی: زنکبیل است و طخاری:

زِنْغیباری (Zingiberi): زنجبیل [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۳]

Zingiber officinale Rosc.	زنجبيل	ز.،پ.،ط.،خ.
Zingiber officinale Rosc.	زنجبيل	ديسكوريد
Zingiber sp.	زنجبيل	الموسوعه
Zingiber officinale Ros.	Sanskrit & Kanares: Ardraka - Hendia & Punjab: Adrak - Telugu: Ardrakamu	GLO.IN.

۹۸۴ - زنجبیل الافرنجی <sup>در</sup>: **نامهای دیگر آن:** زنغباری، مابرونه <sup>در</sup>

٩٨٥ ـ زنجبيل العجم ، زنجبيل العجم : نام ديكر أن: أشترغاز "

۹۸۶ - زنجبیل الکلاب، زنجیل الکلاب، زنجبیل الکلاب: (کشنده سگ) نامهای دیگر آن: ری: تُرْم " - طبرستان: فلفلک " - بهران"

Polygonum hydropiper L.	3011	1 †
- constant to the period	زنجبيل الكلاب	ا زریاب ا

۹۸۷ -زَوان، جوز زوان، زُوان، زُوان، زوان، زوان، زوان، زوآن، دنقة، دنقه: نامهای دیگر آن: زوان، ـ فارسی: تویوش، -شیلم سی - حر

اُرآا (Aira): وشَیْلَم، موجود بین «قَمْع»زُوان ـ نام های دیگر آن عبارتست از: دَنَقَه ـ رُغَیْداء ـ رَغَیْداء ـ مُریْراء گویند به زبان عرب «خَضِر» نام دارد. [بن یطار (در ترجه دیسکورید) ۲ - ۸۵]

Lolium temulentum L.	زوان	زرياب
Lolium temulentum L.	أراً - زوان - شيلم - دنقه - رغيداء	ديسكوريد
Lolium sp.	زوان	الموسوعه

۹۸۸ – زوفای یابس ، زوفا یابس ، زوفا ساست ، زوفا ، زوفا ، زوفا ، زوفا یابس ، زوفا یابس ؛ «زوفا» دو جنس خشک و تر دارد، خشک آن جنسی از «سَعْتر» است. جبلی و بستانی بود و بهترین آن بود که از بیت المقدس خیزد و آن مشهور بود به زوفای منصری. – نامهای زوفای یابس: صعتررومی – رومی: اوسفول ، هوسفون – سریانی: زوفایبشا – اسوفس سسیوس نامهای زوفای رطب: رومی: اوسفون، وسبطون – سریانی: زوفارطیبا – «زوفای رطب» بیخی است که به دنبهای میش ارمن جمع میشود زیرا گیاهی شیرابه دار است و از «یتوعات» میباشد و چون میش آن را بخورد سبب حدت و قوت شیر و جمع شدن آن بر دنبه آنان شود.

Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	زوفا يابس	ديسكوريد
Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	زوفا	ز پ ال ط خ.
Nepeta micrantha Bu. Nepeta mispahanica Bo.	زوفا	پارسا
Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	Hendia: Zufah-yabeis - Urdu: Zufh	GLO.IN.

## ۹۸۹ ـ زوفراً ، زوفرا<sup>ن</sup> ، سسطیعون : نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: فاناقس أسقلبیوس <sup>عنی</sup>

Echinophora tenuifolia L.	زوفرا	طباطبائي
Laserpitium silver L.		

۹۹۰ - زَهرة مُّ، زهرة هُ : نام های گیاه از نظر ابن بیطار: انیلس، نقخارس م به کیاه «وج» گویند و همچنین به کیاهی که در اندلس مشهور به «قرنفلیه» است. مام «الوخ» است و برخی گویند نام به «سوسن اصفر» است. م آاتُورّون (Akoron): به «وَجّ» و در بعضی از ترجمه ها به «زَهْرَة» گویند. [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲]

Cyclamen hederaefolium Ait. Cressa cretica Willd.	زهرة	زر طبا.
Acorus calamus L.	آاقورون - وج - زهرة	ديسكوريد

۹۹۱ \_ زهرة الحجر<sup>ع</sup>، زهر الحجر<sup>ت</sup>: نامهاى ديگر آن:حزاز الصخر<sup>ت</sup> - گويند نام هجوز جندم» و همچنين نام «حزاز الصخر» است.<sup>ع</sup>

۹۹۲ – زهر الملع ": نباتیست که در نیل مصر، در آبهای ایستاده، نهرها و در زمینهای شور می روید. " ۹۹۲ – زیتون "، زیتون "، زیتون "، زیتون "، زیتون "، نیتون "، زیتون "، نیتون "، نیتون "، نیتون الماء» نام دارد. اعسانی می گوید: درخت «زیتون» را بخاطر آیه شریفه قرآن «یوقد من شجرة مبارکة زیتون الماء» نام دارد. اعسانی می گوید: درخت «زیتون» را بخاطر آیه شریفه قرآن «یوقد من شجرة مبارکة زیتون لا شرقیة و لا غربیة » «شجرة لا و لا» گویند. اشبیلی می گوید: دارای اقسامی است، برخی از آن عبار تست از: ۱ - مُلیان ۲ - احمر ۳ - اللجن ۴ - طرل ۵ - مُرقیر ۶ - وَرکط

اً لااً غِوْيا (Agrielaia): برگردان آن به عربی «زَیْتون بریّ» است و نامهای دیگر آن «عُتُم» و «زَغْبَج» و به بربری «أَزَمّور» و نزد عامه اندلس «زَبّوج» است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۷]

Olea europaea L.	زيتون	ز پالطخ.
Olea oleaster L.	الاأغريا، زيتونبري، زبوج، عتم، زغبج	ديسكوريد

٩٩۴ - زيتون البحر":

Daphne oleoides	دَفْنة الزيتونية - زيتون البر	الموسوعه
Olea oleaster L.	زیتون بری	طباطبائی
Phillyrea latifolia	53.43.5	<del>ن</del> جانی

۹۹۷ - زیت السودان، زیت السودان، زیت المهرجان : نامهای دیگر آن: زیت الهرجان - اهل مغرب: ارجان تات ، ارقان تات

۹۹۸ ـ زیزفون<sup>۶</sup>، زیزفون<sup>۳</sup>: نام دمشقی نوع بدون میوه درخت «غبیراء<sub>»</sub> است.<sup>۳۳</sup>

Tilia rubra De. & T. Tilia sylvestris Desf.	كيو - پالاديا - پالاس - برگ تيول - زيرفون - كف - نمدار (شمال)	پارسا
Tilia sp.	زيزفون	الموسوعه
Tilia silvestris Desf.	زيزفون	EN.

## حرف «س»

# 999 - ساج من ساج ، ساج : (نام درختی در هندوستان)

Tectonia grandis L.	ساج	زرياب
Tectonia sp.	ساج	الموسوعه

۱۰۰۰ -ساداوران : (نام گیاهی در هند) معربسیاه داران (فارسی) به معنای سیاهی درختان نامهای دیگر آن: عربی: سواد الحکام، سواد القضات

Ome will a discount of		
Orseille tinctoria	أشنة الصباغين – سادروان	10 11
	استه الطبياطين - معادروان	الموسوعه
		L

۱۰۰۱ – ساذج'، ساذج' ساذج ' ساذج ' ساذج ' ساذج ' ساذج ' سانج ( نام گیاهی در هند)، خوخ اقرع ' ، مامهستا ' نامهای دیگر آن: هندی: پتروتیزپاپ'، کندبتر '' ، مامهستان آ – مالایترون ' ، مالاثرون '' دیسکورید'' می گوید: ومالابثرون ، یا همان وساذج ، را برخی می پندارند برگ ونردین ، است در حالیکه چنین نیست و علت اشتباه آنها برای تشابه بوی هر دو آنهاست. '

## مالا بثرّن (Malabathron): ساذج هندی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۹

Cinnamomum citriadorum Th.	مالابئرن – ساذج هندی	ديسكوريد
Melastoma sp.	مَلَسْتومَة، ساذج هندي	الموسوعه
Cinnamomum tamala Nees.	ساذج	طباطبائى
Cinnamomum malabathrum Burm.	ساذج هندی	EN.

۲ ۰ ۰ ۱ ـ سادرون<sup>ع</sup>، سادوران ّ: نامی فارسی و برگردان عربی آن **«**سواد العُصارة» است.<sup>۳۶</sup> نام**های دیگر آن:** ساداوران قنطار ّ - عربی: ختم الملک ؓ - شیرازی: سهک داوران ؓ

۱۰۰۳ - ساطريون ّ: **نام ديگر اَن:** سوفطيون ّ

۴ ه ۱ - سالی ، ساسالیوس ، سیسالیوس : نامهای دیگر آن: ساسلیوس - طرذیلون - انجدان رومی - کاشم رومی "

Seseli tortuosum L.	ساسالى	EN.
Seseu tortuosum L.	ساسالی	EIN.

۱۰۰۵ –سامان': نوعی بردی نام دیگر آن به فارسی:پیرز'

۰ ° ۰ ۱ ـ سَبُع الکتّان ُّ: یعنی با مجاورت این گیاه با وکتان ، موجب از بین رفتن آن میشود /وجه تسمیه آن/و نزد پــزشکان اندلس و مصر و مغرب و آفریقا به وکشوث ، معروف است و در اندلس به آن «قُرَیْعَة الکتان »گویند و اهالی اندلس آن را «جامول الکتان » مینامند و این با وکشوثی »که در عراق است متفاوت است و آن به نام وکشوث » بیشتر معروف است. ؓ

۷ ۰ ۰ ۱ ـ سبع الشَّعْراء ، سبع الشعرات: گویند نام وأفثیمون، است. عَتْ

۱۰۰۸ - سَنَيْسِتان (نامی فارسی)، سِجِسِتان ، أطباء الكَلْبَه ، مخاطه ، مخیطا ، مخیطا نظم الله مخیطا نظم الله سِیستان الله مخطط الله مخیطات - [به ردیق یا واشوس، رجع شود (۳ ـ ۸۲)] سکبستان (۱) - عربی: دبق ت – هندی: لسوده ، به معنای اطباءالکلیه ، مخیطات – [به ردیق یا واشوس، رجع شود (۳ ـ ۸۲)]

Loranthus europeus L.	أقسوس - دبق	ديسكوريد
Cordia myxa L.	سپستان	پارسا
Cordia sebestena L.	سبستان	EN.

### ۹۰۱۱ - سجاء:

۱۰۱۰ - سحسونه ج: نام دیگر آن به نظر تذره عبدوس : دانه سجستان ح

۱۰۱۱ -سَخارا:

١٠١٢ – سُخَّرسُ:

۱۰۱۳ - سُداب، سَذاب، سَذاب، سَذاب، سَذاب، سداب مشداب نشداب (نامی عربی)، تافسیا مقسیا مین انسیا (نام صمغ)، فیجن می تفسیا (نام صمغ سذاب دشتی)، تافسیا ، بذر السداب نبرای انوشیروان خضائع فیجن را بردند او امر می کرد که آن ها را آبیاری کنند تا سبز شوند پس آنها را در صد محل قرار دادند تا سبز شد و بدین ترتیب به نام سذاب موسوم گردید. سانیاری کنند تا سبز شوند پس آنها را در صد محل قرار دادند تا سبز شد و بدین ترتیب به نام سذاب موسوم گردید. سانه های دیگر آن:فیجن سناس سنام گیاه در کتاب دیسکورید: «فیغانی» شغوس می طریفوس سام سنان اغریون» سانم های صمغ سذاب بری و جبلی: تافسیا می تفسیا (تایسوس) ، ینتون ساس روطة فاس: روطة

۱- در اصل سک پستان بوده است و دارای میوهای شبیه عناب است - بهمنیار

فیغانُن (Peganon): واژه صحیح از نظر شهرهای یونانی «بیغانس» است و هر دو نوع «سداب بری» و «سداب بستانی» را شامل می شود. [بن یطار (در ترجمه دیسکررید) ۳ - ۴۳]

Ruta graveolens L.	سداب	ز.، ط.، .E
Thapsia garganica L.	صمغ سذاب بری و جبلی	زرطبا.
Ruta montana L.	فیغانن – بیغانس – سداب بری	ديسكوريد
Ruta sp.	سذاب - فَيْجَن	الموسوعه
Ruta graveolens L.	Hendia: Sadab - Panjub: Sdab - Kan sadabu	GLO.IN.
Ruta tuberculata Fisch.	Arab: fidjel	GLO.IN.
Ruta graveolens L.	سداب بستانی	ديسكوريد
Ruta montana L.	سداب بری	خطابی
Ruta hortensis Mill.	سداب بستانی	خطابی

۱۰۱۴ - سیدر '، سدر '، سدر ، سدر ، سدر ، سدر ، ضال ' مضال (میوه ) ، بنق ' ، نبق نام های دیگر آن : فارسی : کنار ' – هندی : بیر ' میوه آن به عربی : نبق ' – نام «سدر بری و اهضال گویند . " بسر دارای دو نوع عبری و ضال است ، عبری بدون خار و ضال دارای خار است . و «نبق » «ضال الصغیر » است و بعضی از اعراب به آن «دوم » گویند . " نسانی " می گوید : سدر جمع «سِدْرَة » است و آن جنسی از درختان بزرگ خاردار و دارای دو نوع بستانی و بری است ، نوع بستانی را درخت «عُنّاب » گویند و بری خود دارای انواع بزرگ ، کوچک ، با میوه پر گوشت و با میوه کم گوشت است و میوه آن را «نبق » گویند . خود دارای انواع بزرگ ، کوچک ، با میوه پر گوشت و با میوه کم گوشت است و میوه آن را «نبق » گویند . خالینوس آن فالیورس (Paliuros) : "ابن جُلْجُل" آن را نام هر دو نوع «سدر » یعنی «سدر عُبْری » و «سدر ضال » (۱)

را در مقاله هشتم کتاب خود «فالُیورُّون» نامیده و ّابن عباس الأشبیلی" معروف به ابن رومیه آن را «شجرة العُنّاب» میداند که صحت آن بعید است. زیرا "دیسکورید" در شرح این گیاه بذر آن را روغنی داند.[بن بیطار در ترجمه دیسکورید]

Paliurus aculeatus Lam.	فاليورس - سدر عبري و سدر ضال	ديسكوريد
Zizyphus lotus Lam.	درخت سدر	پارخطا.
Willd. Zizyphus-christii spina	نَبْق المسيح - شجرة النبق - سدر	الموسوعه
Zizyphus spina-christii Willd.	سدر	ز.،ط.،.EN

۱۰۱۵ – سِدْرَوان ٔ؛ به شیره و آبی که از ریشه و پایه درخت «بلوط» و درخت «ضرو» در زمستان خارج میشودگویند و نام دیگر آن «سواد القطاة» است. ٔ

۱۰۱۶ - سِراج القَطْرُب، سراج القَطْرُب ، سراج القطرب، سراج القطرب، سراج القطرب، سراج القطرب، یبروح صنمی، این گیاه در شب می درخشد ، سراج به معنای چراغ و قطرب به معنای کرم شب تاب است. نامهای دیگر آن: ییروح الوقاد شبحرة الصنم - شجرة الصنم - شبورة سلیمان بن داود علیهماالسلام - شبحرة نوالقرنین الملک اسکندر - سراج متوج - یونانی: لوسیماخیاس "، لخینس - سراج البری - قطریل افینوس - "ابن بیطار" می گوید: نام «ببروح الوقاد» است و نام دیگر آن «شجرة الصنم» است و یکی از یبروحهای هفتگانه و برترین (سید) آنهاست. هرمس آن رانام «شجرة سلیمان» پنداشته است. شسانی می گوید: سراج القطرب نام دو گیاه «خیری ازرق» و «خیری اصفر» است و آن را «بنفسج اللیل» گویند.

Agrostemna sp.	خرّم - سراج القطرب	خطابی

۱- ابو حنیفه در کتاب النبات میگوید: دسدر عبری، دارای خار و دسدر ضال، بدون خار است.

Cheiranthus incanus L. Mathiola incana R.Br.	خيرى ازرق – سراج القطرب	خطابی
Cheiranthus cheiri L.	خيرى اصفر - سراج القطرب	خطابی
Lychnis githago L. Coronaria L.	سراج القطرب	زرياب
Agrostemna githago L.		

۱۰۱۷ – سراج القطريل : "صاحب منهاج" نام آن را «خرم» " مى داند. ۱۰۱۸ م ۱ ـ سُرّة الأرض : نام ديگر آن به يوناني «قوطوليدون» است . ق

Cotyledon umbelicus L.	شُرَّة الأرض – أشران الأرض – خُبْز القاف	الموسوعه

## ۱۰۱۹ - سَرْح سُ:

Cadaba farinosa Forsk.	سرح	زرياب
Cadaba sp.	قَضَبَة، سَوْح، طُرَيح	الموسوعه

۱۰۲۰ – سَرخس (نامی فارسی) ، سرخس ، سرخس سرخس سرخس ٔ بشعیر ، بطارس ، بطارس ، وقعاء ، رقعا ، وقعا کیلدارو ، کیل دارو ، کیلدارو ، جمان : «سرخس نر» گیاهی است با برگ هائی شبیه «بطارس» امروزه در کوههای لبنان و بیروت به نام «شرد» است ، نامهای دیگر آن: جیلدارو – سعبر – کیلدار – فلحون – یونانی: بطارس – تنکابن و دیلم: جماز ، هندی :کیل دارو ، بسوره – بنگال: پنکهراج – سریانی: نشرا س – فارسی: گیل دارو س – اصل التهل س

Dryopteris filix max L. Ahyrium filix-mas L.	كرف - بيخ جماز - سرخس مذكر	پارسا
Asplenium adianthum-nigrum L.	سرخس البلوط	الموسوعه
Dryopteris robertiana (Hof.) Chr.	سرخس جَعَتاص	الموسوعه
Dryopteris filix mas	سرخس ذُكُر	الموسوعه
Asplenium ruta muraria L.	سرخس سَبْع الأجررض	الموسوعه
Osmunda cinnamomea L.	سرخس قاتن	الموسوعه
Asplenium trichomanes L.	سرخس لِحاء الغول	الموسوعه
Phyllitis scolopendrium L.	سرخس مخزني - سرخس عش التر - كف النسر	الموسوعه
Dryopteris aculeata (L.) Kuntze	سرخس مُسنَّن - سرخس شوكي	الموسوعه
Osmunda regalis L.	سرخس مَلَكي	الموسوعه
Dryopteris filix-max L. Aspidium filix-mas L.	سرخس	زرطبا.
Athyrium filix-mas L. Dryopteris filix max L.	سرخس ماده سرخس نر	خطابی

۱۰۲۱ -سِرِس ؛ (نامي هندي) نامهاي ديگر آن:سلطان الاشجار ' - فارسي: درخت زكريا '

## ۲۲ ه ۱ ـ سرشاد<sup>ع</sup>: در بعضی از ترجمه ها با نام «بنجنکست» آمده است.<sup>ع</sup>

Vitex agnus castus	سرساد - أرثد - بنجنكشت - فنجنكشت - شجرة	الموسوعه
	ابراهیم – کف مریم	

۱۰۲۳ ما یس خنت می سرخنت نام بربری گیاهی به نام «بخور البریر» می نام دیگر آن: أسرخنت یی نام بربری گیاهی به نام «بخور البریر» می نام دیگر آن: أسرخنت یی نظر صحیح است. نام اختلاف است برخی آن را «بخور مریم» و عده ای «بخور السودان» و گروهی «بخور البربر» می دانند و این نظر صحیح است. نام است. نام نام برخی آن را «بخور مریم» و عده ای بخور السودان و گروهی «بخور البربر» می دانند و این نظر صحیح است. نام بربری نظر صحیح است برخی آن را «بخور مریم» و عده ای «بخور البربر» می دانند و این نظر صحیح است با بربری نظر صحیح است برخی آن را «بخور مریم» و عده ای بخور البربر» می دانند و این نظر صحیح است بربری بربری نظر بربری نظر می به نام «بخور البربر» می دانند و این نظر صحیح است بربری به نام «بخور البربر» و بربری 
Telephium imperati L.	سرغينه -سرغنت	خطابی
-----------------------	---------------	-------

۱۰۲۴ ما ـ سرقسانة<sup>ع</sup>:

۲۵ ۰ ۱ ـ سرماً؟: گیاهی با نام یونانی «مُریق» که ابن البطریق آن را «طرفاء» می داند. ّ

انْدَرْوَافَقْسُس (Andraphaxus) نام های آن عبارتند از: السَّرْمَق ـ السَّرْمَج ـ قَطَف ـ بَقْل الرَّوم ـ بَقْل الذَّهَبى [بن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ۲ - ۲۰۴]

Atriplex hortensis L. Atriplex rosea L.	سرمق	ز.،د.،خ.،،E
Atriplex sp. Atriplex rosea L.	قَطَف - سرمق	الموسوعه

## ۱۰۲۷ -سَرُنْجِي ؛ (نامي هندي)

Philadelphus sp.	فيلادِلْفُس - سَرَنْجَة	الموسوعه
Atriplex rosea L.		

۱۰۲۸ –سَرو ا سرو ا سرو ا سرو ا نامی فارسی)، شجرة الحیّات شهرة الحیات : جبلی یـا بـری آن را «درخت عرعر» امی نامند. اجوز السرو نام میوه درخت سرو است. ا غسانی میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را درخت «اثل» و بعضی «عرعر» و عده ای «ارز» می دانند. ا

از آن جهت شجرة الحيات را درخت مارها گويند كه جايگاه مار است. [بن يطار (در ترجه دبسكوريد) ١ - ٧٧]

Cuperessus sempervirens L.	درخت عرعر	ز.، خ.، <b>ط</b> .
Cuperessus sp.	. سرو	EN.
Cuperessus sempervirens L.		

۱۰۲۹ -سَرُهُنجِي ؛ (نامي هندي)

١٠٣٠ -سَرْيُهونكُه : (نامي هندي)

۱۰۳۱ –سَطاخینُس'، سطاخیس<sup>۶</sup>: (نامی یونانی) **نامهای دیگر آن**:اندلس: قارة<sup>۶</sup> ـ عجمی اندلس: بنتوشة<sup>۶</sup> سُطاخیس (Stakhus) در اندلس به آن «قارَّة» گویند زیرا نوشیدن آن در هنگام تنگی نفس و خفقان قِلب را «قرار» می دهد و در لاتینی به «اَنوشَة» (Hianusa) معروف است. ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۱)

Stachys sp.	سطاقِس – سطاخيس	الموسوعه
Stachys germanica L.	سطاخيس	ديسكوريد
Stachys hirta L.	سطاحيس	EN.

۱۰۳۲ - سَطارِیون ٔ، سطراطیوس ٔ، قرسطاریون ٔ: (نامی یونانی) گیاهی است که روی آب میروید ٔ «سطراطیوس» معروف به «ذو الف ورقة » و دارای هزار برگ است و آن درختچه ای کوچک است ، نامهای دیگر آن: سطاریون ٔ - شیرازی کماه کوهی ٔ

۱۰۳۳ -سَطْراطِيوطُس، سطراطيوس، سطراطيوطس: نام يـوناني كـياهي آبـني - نـامهاي ديگـر آن: خـيوخير، (خيرخير) - فارس الماء،

Achillea millefolium L. Pistia stratiotes L.	فارس الماء - سطرانيون	زر. –طبا.
Stratiotes aloides L.	سطراطيوس	EN.

۱۰۳۴ - سطرکا<sup>ت</sup>: **نامهای دیگر اَن: ق**رسطاریون <sup>ت</sup> - فارسی: مران <sup>ت</sup>

۱۰۳۵ –سَطرونیوٰن'، **سطرومیون**''، سطروثیون<sup>ع</sup>، سطرونیون ّ: (نامی یونانی) گویند «کندس» است و مولف گوید نـوعی «کندس» است و آن را «آذربو» گویند. ّ " حنین " در ترجمه کتاب جالینوس این نام را معادل «کُنْدس» می داند و درست بودن آن بعید است زیرا «کندس» مشهور است و " ابو عباس" نام اندلسی آن را «قوللْیة» و نام بربری آن را «تاغیغشت» می داند. <sup>ع</sup>

Saponaria officinalis L.	سطروميون	زریاب
Gypsophila strutium L.		
Lysimachia vulgaris	سطروثيون	EN.

۳۲ ه ۱ ـ سطوبی<sup>۳</sup>: "ابن بیطار" میگوید: اگر کسی این نام را برای گیاه «خلاف» بداند اشتباه میکند.<sup>۳</sup>

Trichera arvensis Schrad.	سطوی ؟	EN.

## ۳۷ ه ۱ ـ سعالي<sup>5</sup>: نامهاي ديگر آن:فنجبون<sup>5</sup>، حشيشة السعال<sup>6</sup>

۱۰۳۸ - شغدا، سعد "، سعد"، سعد"، سعد"، سعد "، سعد "؛ برخی این نام را مربوط به «دارشیشعان» می دانند. " نام های دیگر آن: فارسی: مشک زمین ا – تنکابن: استکو ا – ترکی: یتلاق قرقرون ا، توبالاغ ا – هندی: موفه ا، مشکک ا، مت " – رومی: قیوفارروس " – سریانی: سعدی " – زابلی: مُست " – سجزی: خویبو " – ترکیه: طبرقاق "، سعادی " دیسکورید: قیبارس از اروسیطیقون است نوعی به نام «سعدی المُضفّرة» است.

کیبارس (Kuperos): در بعضی از نسخه هاوقیفارس، آمده و نام وسعد، است و دارای انواعی است بهترین آن نوع کوفی آن است و دیسکورید نوع دیگری از وسعد، را یادآور شده که در هند وجود دارد و رنگ آن مشابه وزنجبیل، است و هــر گــاه جویده شود رنگ زعفرانی پیدا می کند و از خواص آن اینست که مو را زایل می کند البته من ـ ابن بیطار ـ این نوع را ندیدهام و معروف زمان ما هم نیست.[بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۱ - ۴]

Cyperus sp.	Jan	الموسوعه
Cyperus rotundus L.		
Cyperus longus L. Cyperus rotundus L.	سعد	ز.، خ.، ط.
Cyperus longus L. Cyperus rotundus L.	کیبارس - سعد	ديسكوريد

۱۰۳۹ – سعدان، سعدان، سَعْدان، شعْدان،

Neurada procumbens L.	سعدان	زرياب

، ۴ ، ۱ . سَعوط ع: نام های دیگر آن: یونانی: بطرمیقی ع، به معنای مُعَطِّس (عطسه آور) است. عدد العُطاس ع ۴۱ - ۱ - سُعْلَه سن:

طبا. سعله Tussilago farfara L.	زر	]
--------------------------------	----	---

۱۰۴۲ – سَفادیکُس'، سقاندیکس ؛ (نامی یونانی) ۱۰۴۳ – سَفَرْ جَل ، سفرجل ، سفرجل ، سفرجل ، سفرجل ، خبة السفرجل : نامهای دیگر آن: فارسی: به ، ابی ، بهی – ترکی: حیوا – یونانی: قودونیامیلانا ٔ – رومی: اقذی ، کذونی – سریانی: سفرکلا نام دانه آن به فارسی: به دانه "

Pyrus cydonia L.	سفرجل	المسوسوعه -
Cydonia vulgaris Pers.		زر
Cydonia semina	به دانه	پارسا
Cydonia oblonga Mill.	شغال به (راميال، كتول) – قوچ (لاهيجان)	پارسا
Cydonia vulgaris Pers.	درخت به	پارسا
Cydonia oblonga Mill.	سفرجل	طباطبائى
Cidonia vulgaris Delarbre	سفرجل	خطابی
Cydonia vulgaris Pers.	سفرجل	EN.

# ۴۴ م ۱ ـ سفندوليون ع: نام هاى ديگر آن: كُلْخ عـ بربرى: تافيقرا

Heracleum spondylium	هِرَقْلَيَّة نافعة، سَفَنْدِليون، غَيْطل	الموسوعه
L.,		

۱۰۴۵ –سَفيدِليون': (نامي يوناني)

١٥٤٤ -سَقُمونيا'، سَفُمونيا ''، سفمونيا''، سقمونيا''، سقمونيا '، سقمونيا محموده ''، محمدة '': (نام عصاره كياه) نام

دیگر آن: عربی: محموده عنه - «سقمونیا» سه جنس است، هندی و جرمگانی (۱) و انطاکی و انطاکی آن بهتر است و هندوی میانهتر و جَرمگانی از دو تای دیگر بتر (بدتر). انطاکی «طلّ » یا مایعی است که برگیاه می نشیند چون شکر «عُشَر» و بعضی گویند که «صمغ لبلاب» است. و هندوی صمغ «تُربد» است. و انطاکی را از کوه «لکّام» آرند.

Convolvulus scammonia L.	سقمونيا	ز.،خ.،ط.
Convolvulus scammonia L.	محمودة - سقمونيا	الموسوعه
Convolvulus syriacus		

۱۰۴۷ - شکّات : جنسی است از اجناس «فُطْر» و اندر آبسال (سال پر آب) بر سر کوهها یابند. "

۱۰۴۸ – سَکْبینَج ، سکبینج می سکبینج ، سکبینج ، سکبینج ، سکبینج ، سکبینج ؛ معرب از سکبینه فارسی صمغ درختی با نام «مَنْفوخة» با نام بربری «ساغانیتن» و «ساغین» (Sagapenum) است و گویند صمغ «زوفا» است ٔ نام های دیگر آن: یو نانی: ساغافیون ٔ – هندی: کندل ، سک هنو می - رومی: افطریون می سریانی: حلبادشغفینون می سخبین می گذاه انگرد می سکفینه می سکفینه می دیسکورید: سخابینون می سخبین می سخبین می سخبین می سکفینه می سکفینه می سکفینه می سکفینه می سخبین می

صاغابینُن (Sagapenon): سَکْبینَج ـ لاتینی: شاکَهبانَتُه به معنای «مخرج الربح» [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۷۷

Ferula scowitziana DC.	سكبينج	دى. – خط.
Ferula scowitziana DC.	أنجدان العَجم - حِلْثيث عجمي - سكبينج	الموسوعه
Ferula persica Willd.	سكبيج	پارسا
Ferula saapenum Polack Ferula persica Willd.	سكبيج	طباطبائى
Kandelia rheedii W. & A.	Bengal: Guria - Tamil: Kandal - Kannarese:Kandale Telugu: Kandigala - Maalyalam: Kantal	GLO.IN.

۱۰۴۹ - شکر العُشر ، سکر "، شکر "، سکّر العُشر ، سکر العشر ، سکر العشر "، سکر العشر ": نام های دیگر آن: فارسی: خرک - هندی: آک - عشر - نام میوه: خرقع - رومی: او دمون " - صاحب منهاج گوید صمغی است که از درخت «عشر» بیرون می آید و در موضع گل وی که خشک گردد و جمع می شود آنرا «سکر العشر» خوانند و هم گوید طللیست - شبنم - که بر درخت «عشر» می افتد در خراسان جمع آوری می شود.

سَخورْيون (Sakkaron): سُكِّر [ابن يطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ٣ ـ ٧٧]

	The second secon	
Saccharum officinarum L.	سكر	زریاب

١٠٥٠ -سَكَرْجَهُ:

۱۰۵۱ –سکنبویه ّ: دو نوع است یک نوع را به فارسی «سلق» و مشهور به «اسود» است نوع دیگر آن را به فارسی «چغندر» خوانند. ّ ۱۰۵۲ –سَکُوه': (نامی هندی)

۱۰۵۳ – شُلْت'، سلت'، سلت'، سلت'؛ نامهای دیگر آن: شعیر الفاری'، حنطة الفارسی' – فارسی: جو برهنه' – زابلی: جو گندم زابل' – هندی: آت جو' – واره " – جوبرهنه سپید " – زابـل: جـوگندم " – سـجزی: رونک " – شـعیر الحامض "، بیجه " (شعیرالعاری) ـ جالینوس: طبق ٔ ـ حنطة صغیرة ٔ ـ دیسکورید: طراخیس ٔ

۱- منسوب به جرمگان که معربش جرمغان است و ظاهرا نام محلی در حوالی موصل است که طایفهای از عجم موسوم به جرامغه در آنجا ساکن بودهاند. - بهمنیار

# طُرْاغیس (Tragos): سُلْت ـ گیاه معروفی است.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ ـ ۷۸

Gymnorrithon tragus L.	طراغيس -سلت	ديسكوريد
Triticum spelta L.	سلت	زرخط.
Avena sativa	سلت -جو برهنه	پارسا

۱۰۵۴ –سَلْدانیون :(نامی نبطی) نام دیگر آن در مصر: سدایان ٔ ۱۰۵۵ – سَلْع ٔ نامهای دیگر آن: شجر تهام ٔ مظ –صاب ٔ ٔ -سَلَع ٔ -مَرْخ ٔ حَفَار ٔ سَلَب ٔ -حُضُض ٔ - هَلْتی ٔ - حَدَف ٔ

Saelanthus quadragonum Forsk.	سلع –صاب	زرياب
Cissus sp.	سَلَع - حَلوق	الموسوعه

۱۰۵۶ –سِلْق ٔ، سلق ٬ سلق ٬ سلق ٔ، سلق ٔ، بزر السلق: دارای سه نوع است ٔ نــامهای دیگــر آن: فــارسی: چــغندر ٬ ٬ مــربه ٬ مــرومی: ایروقولیون ٬ مطوطلون ٬ مــریانی: سلقا ٬ شیلوم ٬ شیلوم ٬ مــربه و موفوطُن (Seutlon) (Teutlon): نام «سِلْق بستانی» است و به نوع بری نیز گویند.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ ــ ۱۰۷]

Beta vulgaris L.	سلق	ال.،ز.،خ.،.E
Beta vulgaris L.	طوطلن - سلق بستانی	ديسكوريد
Beta vulgaris L.	چغندر	پار. –طبا.

## ۷ ه ۱ - سلق بری<sup>ع،</sup> سلق بری : نوعی حماض

Rumex hydrolapathum	سِلْق بری – حَمیض المناقع	الموسوعه

## ١٠٥٨ - سَلَم ٣:

Acacia ehrenbergiana Hayne.	سلم	زرياب
Acacia arabica W.	ŀ	
Acacia flava Forsk.		
Acacia flava	سلام – سلم	الموسوعه
Acacia arabica W.		
Acacia flava Forsk.		

۱۰۵۱ - سلمه : نامهای دیگر آن: شوکه قبطیه

۱۰۶۰ -سَلیخَه ، سلیخه ، سلیخه ، سلیخه ، سلیخه ، نَجَب (نام پوست)، سلیخه ، قشا : نامهای دیگر آن: یونانی: اسلیوس - هندی: تج ـ تجار أسكندریة: دافنطس

قِسِّيا (Kassias): نام وسليخة ، است و داراى انواع فراواني است. [بن يطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ١٣٠]

Cinnamomum iners Reinw.	سليخه	زر طبا.
Cinnamomum cassia Boiss.	سليخه	د.،خ.،.E
Cinnamomum obtusifolium Nees. Cinnamomum cassia Boiss.	سليخة، قِرْفَة صينيّة، دارْصوص، نَجْب	الموسوعه
Cinnamomum cassia Boiss.	Arab: Salikha	GLO.IN.

### ۱۰۶۱ - سَمارِ":

سْخُونُس لَیّا (Skhoinu heleias): نام انواع «سَمار» است و عامه اهل اندلس به آن «دیس» گویند که همان«أَسْل» است. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۴۷]

Juncus arabicus Post.	سخونس ليا - أسل - سمار	ديسكوريد
Juncus soinosus For.	سمار	زریاب
Juncus acutus L.		•
Juncus maritimus Lam.		
Juncus sp.	أسل - سمار	الموسوعه
Juncus acutus L.	Ĭ	• •
Juncus Maritimus Lam.		
Juncus acutus L.	سمار	EN.
Juncus acutus L.	•	
Juncus Maritimus Lam.		

۱۰۶۲ ـ شماق ، سُمَاق ، سُمَاق ، سماق ، سماق ، سُمَاق ، سماقیل ، سماقیل ، طمطم ، طمطم ، تعلول ، تمتم نام های دیگر آن: سماقیاس ، طمطم ، تعلول ، تمتم نام های دیگر آن: سماقیل ، طمطم ، تمتم ، تمتم ، تترک ، تنزیک – سندی و هندی: تتل – عرب ها و یونانیان به آن «سماق الدباغین» بخاطر مصرف آن در دباغ خانه ها گویند. ا حَبُرَت ، عربرب ، عُترب سرکافین ، عُربرب ، ابن یطار (ور شرح کتاب دسکوریه) اطا اُور شده کتاب دسکوریه ) استانی به منافق میربرد ، منافق میربرد میربرد ، منافق میربرد ، منافق میربرد ، منافق میربرد میربرد ، منافق میربرد ، منافق میربرد م

Rhus coriaria L.	سماق	زر.،خط.،پا.
Rhus coriaria L.	رؤوس أو أطا أوبسا – سماق – سماقيل	ديسكوريد
Rhus sp.	سماق	الموسوعه
Rhus glabra L.	سماق	EN.

## ۱۰۶۳ -سماق الدباغين : «مازوي ريزه دانه» كوهي است ؟

	Rhus cotinus L.	سماق الصباغين - عَرَبْرُب	الموسوعه
·		\	L

### ۱۰۶۴ - سَمْراء سُ:

Euphorbia pythuse Friw.	سمراء	زریاب

#### ١٠٤٥ - سَمُر سُ:

Acacia mellifera Bth.	سمر	زرياب
Acacia spirocarpa Hook.		
Acacia spirocarpa Hook.	سمرة – سمر	EN.

## ۱۰ ۲۰ - سمرنیون<sup>۳</sup>، سمورنیون<sup>۳</sup>: **نامهای دیگر آن:** کرفس بری<sup>۳</sup> - سمونیون

Smyrnium sp.	سمرنيون	EN.

۱۰۶۷ - سَمسِم، سمسم، سِنسِم، سِنسِم، سِنسِم، جلجلان، جلجلان، جلجلان، جلجلان، خلجلان، حبشه: جلجلان، حلله المراهاي ديگر آن: حبشه: جلجلان، فارسي: كنجد ته هندي: تِل، - رومي: سيسامون، اوروسيمون، - "ابوريحان" از قول "خليل بن احمد" نقل ميكند «جلجلان» از انواع ترها است كه پارسيان او را «گشنيز» مي نامند. و عرب تخم آن را «جلجلان» گويد. " - روغن آن به عربي: سليط،

سَيْسَامُن (Sesamon): نام های آن عبارتست از: سِمْسِم ۔ جُلْجُلان ۔ روغن آن: حَلّ ۔ شَیْرَج [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۴]

Sesamum orientale L.	جلجلان	زرخط.
Sesamum indicum L.	سيسامن - سمسم - جلجلان	ديسكوريد
Sesamum oleiferum Moench	جَلْجان، جُلْجُلان، سَمْسَق، سمسم	الموسوعه
Sesamum indicum L.	کنجد - سمسم	پارسا
Sesamum indicum L.	mama	طبا.، .EN

۱۰ ۲۸ - سمسم بری<sup>۶</sup>، سمسم بری<sup>۳</sup>: **نام دیگر** اَن: جلبهنگ

١٥۶٩ -سَمْقُوطُنَ، سمفوطنَّ: (نامي يوناني)؟

شُمْفُوطُن بَطْزاوُن (Sumphuton petraion): برگردان عربی «بطراون» «صخری» است. و عامه گیاهشناسان اندلس به «شاغَة صخریّه» گویند.

سُمْفُوطُ آخَر (Sumphuton allo): گیاهشناسان اندلسی به آن «شاغَة البستانیه» و عامه شهرهای مـا بـه زبـان لاتـینی بـه آن «شَبیطُه»<sup>(۱)</sup> (Sinfito) گویند و جالینوس هر دو نوع را در فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [بن یـطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰]

Symphytum petraeum	سمفوطن بطراون - شاغة الصخريه	ديسكوريد
Symphytum bulbosum Schi.	سمفوطن - شاغة البستانيه - شبيطه	ديسكوريد
Symphytum sp.	سمفوطن، سِمْفيتوم، كُنْسوده	النوسوعه
Symphytum officinale L.	سمفوطن مخزني، كُنْسوده مخزنية	الموسوعه

۱۰۷۰ ـ سمفوطن آخر<sup>ع</sup>: **نام دیگر آن** نزد عجم اندلس: شبیطة <sup>ع</sup>

۱۰۷۱ ـ سميقلس :

۱۰۷۲ – سنامکی'، سنامکی سنامکی سنامکی سنامی سنام، سنام، سنام، سنام، سنام ای دیگر آن: هندی: مهار'، کوالهربها سے حَرَمی سنا

١- ابن حلجل: شِنبطُه

#### حرمی و سنا

Cassia angustifolia Vahl. Cassia acutifolia Del.	سنا مکی	زر. –طبا.
Cassia lanceolata Forsk.	سنا مکی	پارسا
Cassia angustifolia Vahl	Hendia:Hindisana ;Bengal:Sanna makki	GLO.IN.
Crotalaria juncea L.	Sanskrit: Sana - Hendia: Sunn	GLO.IN.
Cassia acutifolia Deli.	سنا مکی، سنا حجازی، سنا حرمی	الموسوعه
Cassia angustifolia Vahl	سنا مکی	خطابی
Cassia acutifolia Deli.	سنا هندی	خطابی

۱۰۷۴ – شنْبِراس<sup>(۱)ب</sup>: دانهای چون «بزرقطونا» سپید لیکن مدور

۱۰۷۴ - سنجسفویه <sup>(۲)ب</sup>: دانهای است کنارهاش مختلف

۱۰۷۵ - سُنبل ، سنبل ، سنبل ، سنبل ، سنبل ، عصافیرالسنبل . منظور «سنبل الطیب»، «سنبل العصافیر»، «سنبل رومی»، «سنبل برومی»، «سنبل جبلی» است و از مطلق آن «سنبل هندی» است. ٔ – نام های دیگر آن:ناردین اقلیطی – هندی: بال چهر ، خنغیطس اشقاقا ، غنغس المجاری ، جناماسی – یونانی: ناردین – لاتینی: نارود – سوری – نوع حوم آن را «ناردوایتالیون» گویند. ٔ – "شریف أدریسی" می گوید: دارای سه نوع هندی، رومی و جبلی است که به نوع هندی آن «سنبل الطیب» و همچنین «سنبل العصافیر» گویند و نوع رومی آن «ناردین اقلیطی» نام دارد. – "دیسکورید" می گوید: نام «سنبل هندی » «ناردین» است و دارای دو جنس است، جنسی هندی و جنس سوری .  $^3$ 

نارّدس (Nardos): در بعضی نسخه ها با نام «ناردین» آمده و آن نام هر دو نوع «سنبل هندی» است.

نارّدس سَنْفارِیطیقی (N. sampharitike): جالینوس «سنبل هندی» و انواع آن ار در ابتدای فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [بن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲ و ۷]

Nardostachys jatamansi D.C.	ناردس سنقاريطيقي	ديسكوريد
Valeriana celtica L. Valeriana jatamansi Jones Nardostachys jatamansi D.C.	عصافير السنبل	زریاب
Valeriana sp.	سنبل، ناردين	الموسوعه
Valeriana officinalis L.	سنبل الطيب	پا.– طبا.
Adropogon nardus	سنبل	EN.

١٥٧٤ -سنبل جبلي ؛ ريشه والا ؟

ناردین أورنی (N.oreine): نام دیگر آن «سنبل جبلی» است و هم اکنون در شهرهای مصر بجای سنبل رومی مصرف میشود و دارای خاصیتی نزدیک با آن است. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ ـ ۹]

Valeriana tubereuse Sprun.	ناردین أورنی – سنبل جبلی	ديسكوريد

۱- در بحر جواهر أمده دوائي است هنديسكوريد

۲- معرب سنگ سبویه و دانهای سخت و املس شبیه به سنگهای مربعی شکل و به رنگ ماش است و نیامی دراز چون نیام لوبیا دارد. - بهمنیار

_			
	Valeriana dioscorides Sibt.	سنبل کوهی – فو – سنبل جبلی	پارسا

۱۰۷۷ –سنبل رومی'، عطارد<sup>ع</sup>، عطارد<sup>ع</sup>، منتجوشه<sup>ع</sup>، منتجوشه ؓ: نامهای دیگر آن: سنبل رومی ٔ حسنبل اقلیطی ٰ،ناردین اقلیطی ٰ – فرنگی:ناردین ناروس ٰ،گیاکو ٔ

ناردس اقلیطیقی (N. keltike): نامهای دیگر آن عبارتست از: سنبل الرومی، اقلیطی، مَنْتجوشة <sup>(۱)</sup>، شرائط[ابنیماار(در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۸]

Valeriana celtica L.	ناردس أقليطي – سنبلرومي – ميبخوشه	ديسكوريد

۱۰۷۸ - سنبل فارسی : «پرسیاوشان» را نیز شامل می شود. ا

۷۹ ۰ ۱ ـ سنبل الكلب<sup>ع</sup>، سنبل الكلب<sup>ت</sup>: ميوه «درخت دردار» معروف به «أَلْسنة العصافير» است. عصاحب جامع كويد ثمر «شجر دردار» معروف به «السنة العصافير» است و سهو كرده است، زيرا «دردار» نام پارسى «اسفيدار» است و بعربى «شجرة البق» و «السنة العصافير» ثمر درختى است كه به پارسى به آن «اهر» كويند. "

۱۰۸۰ – سنبل هندی ّ، سنبل هندی ٔٔ: «سنبل الطیب» است. ٔ و گفته شده «دارشیشعان» نیز هست و این خلافست. ّ نامهای دیگر آن: ناردین ٔ – سنبل العصافیر ٔ

Valeriana officinalis L.	سنبل الطيب	پا طبا.
Nardus indica L.	سنبلا هندي	پارسا
Nardostachys jatamansi DC.	ناردس - ناردین - سنبل هندی	ديسكوريد
Nardostachys jatamansi	سنبل هندی	خطابی

۱۰۸۱ - سندروس ، سندروس ، سندروس ، سندروس ، سندروس ، صمغ درخت «جوز الهند» است ، نامهای دیگر آن: هسندی: وال ، مر یُمَدهون ، میمو ،

قَیْقَمُن (Kankamon)<sup>(۲)</sup>: در بعضی از نسخ «قِیفُیْن» آمده و ابن وافد نام آن را «لُکّی» میداند و دانشمندان قبل از او این نام را برای «سَنْدروس»<sup>(۳)</sup> که صحیحتر نیز هست، ذکر کردهاند.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۳]

Amryris kataf Forsk.	قيقمن – سندروس	ديسكوريد
Callitris sp.	سندروس	الموسوعه
Callitris quadrivalvis Vent. Thuya articulatta Vahl.	سندروس	طباخطا.
Rhus vermicifera DC.	سندروس	EN.

۱۰۸۲ –سَنْدَریطُس'، سیدریطس<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای شبیه به آهن یا حدیدی – سریانی: سمیقا<sup>ته</sup> سَنْدَریطِس (Sideritis): گیاهی است که عامه اهالی اندلس و مغرب به زبان لاتینی به آن «غالّه قْرَشْتَه» (Gallocresta) گویند. [این

۱- در کتاب مستدرک دوزی بنا به نقل ابن مواد صحیح این کلمه همیبخوشهٔ؛ بر گرفته از همی؛ (شراب) و دپخوشه؛ (سنبل) به معنی دشواب السنبل؛ ذکر شده است.

۲- در اصل دقیقهن؛ است که صحیح آن دقنقمن؛ میباشد و در رسم الخط این کلمه اختلاف زیادی است و بصورتهای مختلفی تلفظ شده چون دقیقهن، دفیقهن،

۳- ابن بیطار در کتاب جامع خود از این نظر برگشته و چنین گوید: برخی فقیقمن، را نامی برای هسندروس، دانند و عدمای نیز نامی برای هلک، در حالیکه هیچیک نمیتواند صحیح باشد چراکه این صمع بخلاف دو گیاه دیگر بدبوست.

بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۹]

سندریطس آخر (Alle siderittis). این گیاه راگیاهشناسان اندلسی به «توت الثَّعْلَب» و «تُوَیْتَه» میشناسند و عوام به آن «خیر مِنْ أَلْف» گویند و اهالی آفریقا آن را «غُشْبَهُ کُلِّ بَلا» نامند. [بن بیطار(درشرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۰]

سندریطس آخر: عوام ما به آن «کُزْبُرَة النَّعْلب» گویند و در سقف خانه ها و لبه های دیوار می روید و بواسطه شیرابهای که دارد معروف است.[بن یطار (در شرح کتاب دیسکوریه) ۴ - ۳۱]

Stachys recta L.	سندريطس - غالَه قرشته	ديسكوريد
Poterium sanguisorba L.	سندريطس - توت الثعلب - تويته - خير من ألف - عشبه كل بلا	ديسكوريد
Scrophularia chrysanthemifolia L.	سندريطس - كزبرة الثعلب	ديسكوريد
Achillea tomentosa L.	أخليوس سندريطس	ديسكوريد

۸ ۳ ۰ ۱ ـ سیدریطس آخر<sup>۶</sup>: **نامهای دیگر** آن: عامه اندلس: خیر من ألف درهم<sup>۳</sup>، توت الثعلب<sup>۳</sup> ـ اهالی مغرب: عشبة کل بلاء<sup>۳</sup> ۸ ۰ ۱ ـ سندیان<sup>۳</sup>، سندیان <sup>۳</sup>: **نام دیگر** آن در شام: درخت بلوط<sup>۳۳</sup>

Quercus sp.	بلوط - سنديان	الموسوعه
Thuya articulata Vahl.		

۸۵ م ۱ ـ سندیان الأرض مسندیان الارض نام دیگر فراسیون برخی آن را «فراسیون» میدانند اما دیسکورید از آن با نام «بلوطی» یاد کرده است که صحیح به نظر میرسد. م

بَلُّوطی (Ballote): نوعی ازفَراشیُون با رنگ سیاه با نام لاتینی «مَرُّویُهْ بُنتوشُه» است. در ترجمه کتاب جالینوس این گیاه بر اثـر مترجمان «لاعیه» دانسته شد اما «لاعیه» از گیاهان صمغ داراست و «بلوطی» اینگونه نیست.[بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ - ۹۸]

***************************************	T	
Ballota nigra L.	بلوطى	ديسكوريد

۱۰۸۶ - سندهان ، یلنجوح : نام دیگر آن: عود هندی "

۱۰۸۷ - سنکِسبویه، سنکسبویه، (نامی فارسی) معرب آن «سنج سبویه» است. نامهای دیگر آن: سریانی: مشحونه - هندی: تخم چکوند، تخم پنوار

۱۰۸۸ -سِنْکُهارا ؛ (نامی هندی) نامهای دیگر آن: گیلانی: جیلان ، جیلام

۱۰۸۹ -سِنْكِهْبا ؛ (نامی هندی)

۱۰۹۰ - سىواد القضا<sup>ت</sup>: **نام ديگر اَن:** عفص

١٠٩١ - سواد الهند : نوعى از سليخه " - نام ديگر آن: سليخ اسود "

۱۰۹۲ - سورِ نُجان '، سورنجان ''، سورنجان ''، سورنجان (گل)، سورنجان ''، سورنجان ''، سورنجان (نامی هندی و بربری)، اصابع هرمس ' حافر المهر '، حافر المهر ''، خمل ''، سنبلیذ ' عکنه ''نامهای دیگر آن: فارسی: لعبت بربری ''، سورنگان '' - سندی: لایحل مول '' - رومی: اِرِمزدقطولوس '' - سریانی: حمصی لیتا ''، دتبلیغ ''، شنبلیذ '' - مصر: عکبة ''، عکنه '' - عزاق: لعبة البربریة ' - یونانی: ملحتفن ''، بلبوسا ''، افیمارون '' - نام ریشه: جغزبه '' - قسمی را «یستهارمک»

نامند. ٔ - گویند «اصابع هرمس» نام گل «سورنجان» است. نامهای دیگر آن «چغزب» و «چغرب» است. و آن گلی است که در اول بهار پس از آب شدن یخ ظاهر می شود و به رنگهای زرد، سفید و اکهب بوده و دونوع بری و بستانی دارد. ّ قُلْخیقُن به (Kolkhikon): نام «سورَنْجان» است و آن گیاه معروفی است و نامهای دیگر آن عبارتست از: «فَرْج الأَرْض» و «قُلْب الأَرْض». گل آن «أصابع هرمس» نام دارد که به لاتینی به آن «قَشْتَنُولَه» (Castanuela)معنای «قَسْطَلَة صغیرُ» گویند. کتاب منهاج نام گل این گیاه را «شَنْبُلیذ» می داند و در شهرهای مصر به آن «عُکُنه» گویند. [بن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۷]

Colchicum autmnale L.	قلخيقن - سورنجان - أصابع هرمس	ديسكوريد
Colchicum autmnale L.	سوزنجان مصري -گل حسرت	پارسا
Colchicum luteum Bak. Colchicum speciosum Ste.	سوزنجان كرماني	پارسا
Colchicum persicum Bak. Colchicum violaceum Par.	گل حضرتی - پیاز حضرتی - گل حسرت( تفرش)- پیاز سگ (طالش)	پارسا
Merendera persica Boiss	سورنجان شيرين	پارسا
Colchicum sp.	سراج الغولة - سورنجان	الموسوعه
Colchicum autmnale L. Colchicum variegatum L.	سورنجان	زرطبا.
Colchicum autmnale L.	سورنجان	خطابی
Colchicum variegatum L.	سورنجان	EN.

۱۰۹۳ حسوس'، سوس'، سوس'، سوس'، سوس'، سوس'، عروق دار هرم'، عروق دارموم '، غلوقیریزا'، غلوقیزیا '، اصل السوس': نامهای دیگر آن: شیرازی: مهک' – اصفهانی: مژو'، اند ٔ – تـرکی: شیرینبان' – مـریی' – فـرنگی: گلیسریزه' – هندی: مهلت'، ملهتی حیتهی مد' – سجزی: موژ ' – سجستان: بوی هیربذان ' – زابل: مَلَخْج ' – نـام ریشه: کلوقورون ' – سریانی: عقارشوشا ' – هندی: بشروسون ' – سندی: مهلتی ' میلتی ' – فارسی: مـنره وشک ' ، دارورهرام ' ، دار شیرین ' ، بیخ مهک ٔ – حشیشة الحلو ' – خوردپیلان ' یمنی طعام فیل – عربی: مدهوق ' – جالینوس: جلوقوریزون ' ، غلوقریزا ' ، به معنای شیرین ' – اصل المتک '

Glycryrrhiza glabra L.	سوس	زر. <b>– خط</b> .
Glycryrrhiza glabra L.	شيرين بيان - ريشه اصل سوس - رب سوس	پارسا
Glycryrrhiza sp.	سوس، عِرْقْسوس، شجرة السوس، ريكليس	الموسوعه
Glycryrrhiza sp.	سوس	EN.

۱۰۹۷ - شُوسَن یاسَوسن'، سوسن''، سوسن''، سوسن''، سوسن''، سوسن''، مشک'': مـعرب از «سـوسانی» سـریانی است.'نامهای دیگر آن: رومی: است.'نامهای دیگر آن: رومی: قرینوس''، سوسنین'' - سریانی: شوشینا'' - فارسی: سوسن'' - نام روغن آن: رومی: ایریمورون'' - سریانی: مشحادیرسا''

نام سوسن سفید: عبقر  $^{\sim}$  – آزاذ سوسن  $^{\sim}$  – سوسن ادرا  $^{\sim}$  – نام سوسن آسمانجونی: افامیرون  $^{\sim}$  – نام سوسن الارجوانی: دلال  $^{\sim}$  – نام ریشه سیاه آن: رومی: اخینوس  $^{\sim}$ ، ایرنیوقرینوس  $^{\sim}$  – سریانی: ادم  $^{\sim}$ ، حزا اوکامی  $^{\sim}$  ـ دارای سه نوع سفید و بستانی و بری است، نوع سفید را «سوسن آزاد» خوانند و یکی ازرق که آن را «سوسن کبود» خوانند یکی صحرائی و آن الوان رنگ است که به ازرق و زرد و «سوسن آسمانگون» موسوم است و بیخ وی را «ایرسا» گویند که زرد است و آنرا «سوسن خطاهی» گویند  $^{\sim}$  نامانی  $^{\sim}$  نامی غیر عربی و معروف است که دارای

انواع فراوانی میباشد به نوع آبی (گل) آن «ایرسا» یا «سوسن الاسمانجونی» گویند و نوع سفید آن دارای دو نوع بری و بستانی است و نوع قرمز آن نیز دو نوع دارد که به نوعی «مسیخا» و به نوع دیگر «ذنب الثعلب» گویند. و نوع زرد آن نوعی از «نرجس» است. أیریس (Iris): أیرسا ـ نام «سؤسَن الاسْمانجونی» است. و «أیرسا» به معنای قوس و قزح است.

گیژوئن (Leirinon): روغن أیرسا[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ ـ ۱ و ۴۴]

گرینوشواسِینن (Krinon-susinon): گل «سَوْسن الأببض» است و به آن «رازقتی» گویند.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۷] اً یمارُوقالِس (Hemerokallis): ابن حسان آن را «سوسن أصْفر» می داند و در دمشق به نام «زَنْبَق» معروف است.[بن بیطار (در شرح

کسیفیون (Xiphion): نام سوسن بری است و سایر نامهای آن عبارتست از: «سیف الغراب»، «سیف القراب»، «دورحولی»، «فسنانیون»

سْفَرْغانیون (Sparganion): نوعی سوسن است ـ سوسن بری ـ و جالینوس آن را «سْقارْطاغانْیون» نامیده است.

أُكْسورُس (Xuris): نوعى سوسن [ابن يبطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ۴ ـ ۲۰ و ۲۱ و ۲۲]

أفيمارون (Ephemeron): نوعي «سوسن بري» با نام لاتيني «أشبطانه» (Espadana) إبن يطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ٤- ٧٧

Iris florentina L.	أيريس - سوسن اَسمانجوني	ديسكوريد
Lilium candidum L.	قراينوصواسنين - سوسن أبيض - رازقي	ديسكوريد
Hemerocallis flava L.	أيماروقالس - سوسن أصفر - زنبق	ديسكوريد
Glaodialus communis L.	كسيفيون - سوسن برى - سيف الغراب	ديسكوريد
Sparganium ramosum Huds.	سفرغانیون - سوسن بری	ديسكوريد
Iris florentina L.	أكسورس - سوسن برى	ديسكوريد
Convallaria rusticellata L.	أفيمارون - نوعي سوسن بري - أشبطانه	ديسكوريد
Lilium candidum L.	سوسن	پارسا
Iris sp.	سوسن	الموسوعه
Lilium candidum L. Iris florentina L.	سوسن	زر. – طبا.
Lilium sp.	سوسن	خطابی
Iris florentina L.	سوسن	EN.

١٥٩٥ –سوفال': ؟

۱۰۹۶ –سَولان ٔ سولان یا شولان ، سولان ، سولان ، دواء رومی : (نامی یونانی) شیخ الرئیس گوید دوائی رومی است. "

۱۰۹۷ –سَهْجْنَه ؛ (نامی هندی) نامهای دیگر آن: سرکوه ، سیکوه ا

۱۰۹۸ -سیساریون، سیسارون، سیساریون : (نامی یونانی) نام دیگر آن: خشب سومر برخی آن را «قلقاس» میدانند که اینچنین نیست. "رازی" میگوید: "حنین بن اسحاق" آن را چوب «شونیز» میداند و این درست نیست. <sup>ع</sup>

Sium sisarum	سيسارون	الموسوعه
Peucedanum sativum Benth. Pastinaca sativa L.	سيسارون كبير	الموسوعه
Pastinaca sativa L.	سيسارون	EN.

۱۰۹۹ –سِیسالیون'، ساسلیون<sup>ع</sup> :(نامی یونانی) نام دیگر آن به فارسی: کاشم رومی؟' – دیس**کورید: ساسالی** ۳

ساساْلیوس (Seseli): این گیاه دارای سه نوع است که همه آنها را دیدهام ـ ابن بیطار ـ و میشناسم. طُرُذِیلُن (Tordilon): نوع چهارم گیاه «ساسالیون» است و نام دیگر آن أقْریطی است و در اندلس به آن «بُقول الشَّعّال» گویند زیرا در سوخت آتش استفاده میشود.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۵۰ ر ۵۱]

Seseli tortuosum L. Tordylion officinale L.	ساسالى	زر طبا.
Seseli tortuosum L. Bupleurum fruticosum L. Lophotenia aurea L.	ساساليون	ديسكوريد
Tordilium officinale L.	طرذيلن،نوعي ساساليون،أقريطي،بقولالشعاع	ديسكوريد

، ۱۱۰ –سَیْسَبان (نامی عربی)، سیسبان<sup>ی</sup>: (نام گیاهی در مصر) **نام دیگر آن: ه**ندی: گل انول<sup>۱</sup>؟ دارای دو نوع بری و بستانی است و بسیار در فلسطین میروید.<sup>۳</sup> ابن بیطار" میگوید: «سیسبانی» که رازی در حاوی ذکرکرده ممکن است «درخت آثل» باشد، نه غیر آن.۳

Sesbania sp. Pastinaca sativa L.	سيسبان	الموسوعه
Sesbania aegyptiaca Poir.	سيسبان	EN.

۱۱۰۱ ـ سیسبر ت:

۲ ه ۱۱ ـ سیسنبریون ، سیسنبریون : نام دیگر آن: حرف الماء عمل

۱۱۰۳ –سِینْبَل؛ (نامی هندی)

۱۱۰۴ -سیوا: (نامی فرنگی)

۱۱۰۵ - سِیسَینْبَر ا سیسنبر (نامی فارسی)، نمام "، نمام"، نمام "، بزر النمام"، دباب "، هرقولیون ": نامهای دیگر آن: سوسنبر ا - سندی: سیسنبر ا - فارسی: سه سنبل ا ، سُسُرم " - لاتینی: وسربیلم ا - عربی: نمام ا نمام الملک "، قلس ا ( وجه تسمیه آن به نمام به خاطر بوی تند آن است. ) - نیقولاوس " - اطّه " - قرادامنی " - عَبْس " - دیسکورید: ارفلس " - هرقلیون " - نامهای نوع بری: الالط " - زیغس "

سیسَنْبرون (Sisumbrion): نوعی از «نَمام بری» به نام «سِیَسْنْبر» است که به زبان لاتینی به آن ومَانَتَه» (Mentha) گویند. [بن یطار (در شرح کتاب دیسکوریه) ۳ - ۲۹]

Thymus glaber Mill. Thymus serpyllum Fries.	نمام - سیسنبر	زریاب
Thymus glaber Mill.	سیسنبرون – نمام بری – سیسنبر	ديسكوريد
Thymus nummularius Benth.	سیسنبر -ککلیک اودی -اس بویه (گیلان)	پارسا

۱۱۰۶ - سین سین قرقالعین می جرجیر الماء جرجیر الماء نامهای دیگر آن: قرق العین می و قرقالعین (قرقالعین)، کرفس الماء می جرجیرالماء کرفس الماء می الماء کرفس الماء کرفس الماء کرفس الماء و و قلّام و دانستن آن اشتباه است. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۱]

Sium latifolium L.	سين – قرة العين	زرياب
Sium latifolium L.	سين - قرة العين - كرفس الماء	ديسكوريد

## حرف «ش»

۱۱۰۷ –شارَف : (نامی هندی)

۱۱۰۸ -شاض ؛ نام دیگر آن به هندی: ارهرتور ا

۹۰۱۱ - شاهبانک ، شاهبانک ، شاهبانک و شایانج ، جوانسفرم ، شه بانو : ؟ نامهای دیگر آن: جوانسپرم ، شاهبانک ، شاهبانک ، شاهبانک ، ساهبانک ، سامامک - عربی: عَبْس ، قسوة الکلابغلتک - شابانک - شاهبانج - بنفسج الکلاب - صاحب جامع میگوید: «برنوف» است هم گوید «شجره ابراهیم» کوچک است و هم او از قول غافقی گوید نوعی از «قیصوم» است و از قول صاحب حاوی گویند «حب سرم بری» است مولف گوید این اقوال خلاف است آنچه محقق است «بنفسج الکلاب» را به شیرازی «افس سک» خوانند. "غافقی " می گوید: گویند نام نوعی «قیصوم» است و گویند «شاهبانج» است و در حاوی آن را «حب الشبرم البری» ذکر کرده است و در بعضی از کتب آن را «شاهبانک» و «شجرة أبراهیم» کوچک دیده ام که در نقاط دور دست می دوید و بعضی مردم آن را «شجیرة مریم» می نامند و درست تر آنست که آن نوعی «قیصوم» به نام «برنوف» است. - برمان قاطع نامهای دیگر آن را «شجیرة مریم» می نامند و درست تر آنست که آن نوعی «قیصوم» به نام «برنوف» است. - برمان قاطع نامهای دیگر آن را «ربحان الشیاطین» «بنفسج الکلاب» «شابانج» می داند.

Inula conyzoides L.	جوانسفرم - عبس	زرياب
Inula conyzoides L.	بَرْنُوف، شاهْبانَج، طُباق البراغيث، راسن البراغيث	الموسوعه
Pulicaria odora Reichb.		

۱۱۱ - شاهتره'، شاهترج "، شاهترج "، شاهترج "، شاهترج "، شاهترج في فارسى)، بقلة الملك "، فرنت "، هليانسه ": معرب آن: شاه ترج به معناى سلطان البقول " - نام هاى ديگر آن: عربى: بقلة الملك ، كربزة الحمام " - يونانى: وقفتص " - هندى: پت پايره " (به معناى گياه مفيد براى صفرا) و كتپايره ، پايله "، پايره " - نام آن در كتب طب قديم: فلاخان " - شام: شجرة الدم (چون صاف كننده خون است.) - رومى: طابليديون " - نام گياه در كتاب ديسكوريد: فلاخان " - شام: قتيص " - زابلى: تشيك " (نِشَنَّك) - نام گياه در كتاب جالينوس: فالينوس " - يونانى: قانيوس به معناى دخانى " - غينغيديون، فقيص " - ونانى: قانيوس به معناى دخانى " - شيرازى: شاه تره " - فاس: بقول الصبية أ - "حنين در كتاب خود آن را «بسقما» خوانده است و وى «كمون برى» بوده به آن «كربزه الحمام» و «بقلة الملك» گويند. " - داراى دو نوع است گروهى نام نوع اول را «شاهترج» و نام نوع دوم را «فقيض» پنداشته اند كه درست نيست. "

Fumaria parviflora Lam.	شاه تره	پارسا
Fumaria sp.	شاهتره	الموسوعه
Fumaria offichnalis L.	شاهتره	زر.، .EN
Fumaria parviflora	شاهترج	طباطبائى
Fumaria parviflora Fumaria officinalis	شاهترج	خطابی

۱۱۱۱ –شاهَسْفَرْم'، شاهسپرم"، شاهِسفَرَم"، شاهشِبْرم<sup>ع</sup>، شاهسفرم"، شاهشُبْرُم<sup>ع</sup>، حبق کرمانی": معربشاهسپرم فارسی به معنای «سلطان الریاحین» است. نامهای دیگر آن: حبق کرمانی<sup>عن</sup>، حَبَق الصعتری<sup>غ</sup> شاهِسفرم' – فارسی : نــازبو<sup>ر</sup> معروف به «ریحان مطلق» - فرنگی : اسمیم - تازی: ضمیران، ریحان ، حماحم - فاس: حَبَق القَرَنْفُلی ف - نام نوع بزرگ برگ: اسمیم ماکنوم - نام نوع کوچک برگ: اسمیم باروم - هندی: تلسی ؟ عرب «حُماحِم» را شکوفه گیاه یا «شاهسپرم سرخ» را گویند. "

Ocimum basilicum L. Ocimum minimum L.	شاهسپرم -حماحم	زرياب
Ocimum minimum	حبق صغير -حبق كرماني -شاهسفرم	الموسوعه
Ocimum minimum Ocinum pilosum	شاهشبرم حبق قرنفلی	خطابی

## ۱۱۱۲ ـ شاه صيني ، شاه چيني :

Piper betel	تامول، تَنْبُل، شاه صينى	الموسوعه

۱۱۱۳ ـ شاهلوك<sup>ع،</sup> شاهلوج ّ: نوعي اجاص ّ - أجاص الأبيض عنّ اجاص اصفر ّ - فارسى: آلو ّ

۱۱۱۴ ـ شاهنجیر<sup>ع</sup>، شاهنجیر آ: نوعی از «انجیر» و نیکوترین «انجیر» است به فارسی «انجیر وربری» و «درهن» گویند. آگروهی پنداشتهاند آن «تین الفُجّ» است و دیگران گفتهاند «شاهنجیر» بهترین انواع «تین» است.<sup>ع</sup>

۱۱۱۵ -شِبَتّ، شِبِت ، شِبّت ، شبت ، شِبِثّ، بزر الشبت : نامهای دیگر آن: فارسی: شؤت، شود، شود ، شَفِد ... اشود س - شیرازی: شود ت - سجزی: شوت س - یونانی: وابنیتون ا - هندی: سوا، سوی س - رومی: انقیون س، انثون س -لاتینی: انیطوا س – نام تخم آن به هندی: والان خور ا

آتَشُون (Anethon): نامهای دیگر آن عبارتست از: شِبْت ـ لاتینی: أَنیط (Anethum)(Aneto) بربری: أَسَلیلی [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۵۵ ر ۷۰]

Anethum graveolens L.		شبت - شوذ	ز.،خ.،پ.، <b>ط</b> .
Anethum graveolens L.	انبط - أسليلي	أنثيون - شبت -	ديسكوريد
Anethum graveolens L.	ت ``	ئِبْت، ئِبْت، ئِبِ	الموسوعة

# 1116 - شِبْرَق ، شِبْرَق ، نام خشک شده آن: ضریع " - عربی: حِلَّة "

Convolvulus hystrix v.	شبرق	زریاب
Ononis antiquorum L.		
Ononis antiquorum	شبارق، شِبْرق، لَتَين القدماء	الموسوعه

۱۹۱۷ - شُبْرُم، شبرم ، شِبْرَم، شُبْرُم، شبرم، شُبْرم، شُبْرم، جنسی از اجناس دینوی، است. نامهای دیگر آن: یونانی: سطوسا ، م شیرازی: کاوکشک، کانیطوسک، طانیطومک (زیرا اگر گاو آن را بخورد می میرد ولی برای گوسفند بی ضرر است. ) "دیسکورید" می گوید: گیاهی است که به گمان عده ای از انواع دیتوع، بنام وقلارسیس، است. ع

Euphorbia pithyusa L.	شَرَنْب، شَنْرَم، بَوْش ريح	الموسوعه
Tithymalus cotinifolius Haw.		

Euphorbia pithyusa L.	شيرم	ز.، خ.، ط.

١١١٨ ـ شبطباط، شبطباط : نام «عصا الراعي» است و تفسير آن به سرياني «عُصَية» است .

Polygonum tinctoriumm Hort.	بَطْباط نيلى، شَبَطْباط، نيلَة صينْنيَّه	الموسوعه
	L	

۱۱۱۹ - شبیه ، شَبَهان ع: نامهای دیگر آن: شبیهان عـ سریانی: شاباهی عـ یونانی: فالیورس ع

	T	
Paliurus sp.	شبُهان، صامور	الموسوعه
, <u>1</u>		

#### ١١٢٠ –شث':؟

۱۱۲۱ - شنجرة ابی مالک، شجرة أبی مالک، شجرة ابی مالک، صابون القلّی (نامی در دمشق)، صابون القاق ، قلومان : نام های دیگر آن: یونانی: فلوماین شخره ابی مالک دارای نوع بری نام های دیگر آن: یونانی: فلوماین شهری اصابون القاق در اندلس به لاتینی: سبیرة مغرب: أبی مالک دارای نوع بری و نهری است، نام بری «أباغسالة» و نام نهری آن «أبامالک» است. نباتی است که در مکان های نمناک روید و در میان نهرها، بیخ آن مانند صابون برای پاک کردن جامه بکار می رود. "

قُلومانُن (Klumenon): ابن حسان نام لاتینی آن را أونیاغاتُه (una de gato) دانسته که برگردان عربی آن «أظفار الْقِطّ» است. این گیاه را خود میشناسم و نامی غیر از این نام ها برای آن نمیدانم. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ ـ ۱۳]

Leonicera periclymenon L.	قلومانن – أونياغاته	ديسكوريد
---------------------------	---------------------	----------

### ١١٢٢ -شجرة الراهب؛

۱۱۲۳ حشجرة ابراهیم'، **شجرةابراهیم**''، شجرة ابراهیم<sup>ع</sup>، شجرة ابراهیم<sup>°</sup>: ؟ ''صاحب فلاحه گوید نام «درخت برم<sup>» ا</sup>است. <sup>"</sup> "غافقی" می گوید: به گیاه «بنجنکشت» و همچنین به زعم گروهی به گیاه «شاهدانج» گویند. <sup>ع</sup>

آغُسُ (Agnos): دیسکورید این واژه را به معنای طاهر دانسته نام دیگر گیاه «شجرة ابراهیم» است...[ابــن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ ـ ۱۰۵ (به اغنس رجوع شود.)]

Vitex agnus castus L.	شجرة ابراهيم	زرياب
Vitex agnus castus L.	أغنيس -ليغس -عسرةالرض -شجرةابراهيم	ديسكوريد
Vitex agnus castus	سرساد - أرثد - بنجنكشت - فنجنكشت - شجرة	الموسوعه
	ابراهیم – کف مریم	

۲۱۱۲ مشجرة باردة <sup>ع</sup>، بقلة الباردة <sup>۳</sup>، شجرة بارده <sup>۳</sup>: نام ديگرى براى ولبلاب الصغير» و «لبلاب» است. <sup>۳</sup> ۱۱۲۵ – **شجرةالبق <sup>۳،</sup> نَشَم <sup>۳</sup>، شجرة البَق <sup>۳</sup>، شجرة البق <sup>۴</sup>: (نامى نزد اهالى شام) نامهاى ديگر آن: سجزى و سمرقندى: كُزْم <sup>۳</sup> – <b>زابلى: غُزْبه <sup>۳</sup> ـ ش**جرة الدردار <sup>۴</sup> [به ودواره و وأيذيمارون، رجوع شود. اين يطار (در شح كتاب ويسكوريد) ۱ ـ ۸۵ و ۳ ـ ۱۲۵]

Ulmus sp.	بوقصيا، دردار، شجرة البق، ألّم	الموسوعه
Ulmus montana With.	,	
Ulmus effusa Sibth.		
Ulmus spp.	بطالايا، شجرالدردار، شجرةالبق، نشمالأسود	ديسكوريد

Ulmus campestris L.	شجرة البق	زر طبا.
Ulmus glabra L.		

١١٢٦ ـ شجرة التنين ُ: نام «لوف الكبير» معروف به «لوف الحَيَّة» است.َّ

Draconitium sp.	حشيشة التنين	الموسوعه

۱۱۲۷ ـ شجر التيس<sup>ع</sup>، شـجرة التيس<sup>ت</sup>: **نام ديگر اَن**: يوناني: طراغيون<sup>عت</sup>

	- Charles - Char	
Hypericum hircinum	داذىالمنتن، هيوفاريقونالمنتن، شجرةالتيس، دُموعالبُستين	ال.

۱۱۲۸ ـ شجرة الدبُّ: گویند نام «زعرور» است و گویند نام «علّیق الکلب» است و همچنین ممکن است «قُطْلَب» باشد. ت "ابن جزار" در کتاب سمائم «أقسوس» را «شِجرة الدبّ» ذکر کرده است. ت

١١٢٩ ـ شجرة رستم ، شجرة رستم : نام ديكر آن: آفريقا: زراوند الطويل ع

۱۱۳۰ – شجرة الشين ۖ: **نام ديگر اَن:** لوف الكبير ¯

١٦٣١ ـ شجرة الضفادع<sup>ع</sup>، شجرة الضفادع<sup>ت</sup>: **نام ديگر آن**: كيكج<sup>ع</sup>

۱۱۳۲ \_ شجرة الطّلق<sup>ع</sup>، شجرة الطلق<sup>غ</sup>: وجه تسمیه آن به طلق بخاطر اینست که هرگاه زن حامله در حال زایمان از حل شده آن بخورد بلافاصله فرزند از او جدا (طلق) میشود.

Anastatica hierochuntica	شحرة الطلق	خطابہ
	<i>3</i> — <i>y</i> ,	بی

۱۱۳۳ ـ شجرة الكفُّ، شجرة الكفّ : نام ديگر آن: الصانع الصفر " – "سليمان بن حسان" مى كُويد: درختى است با ريشهاى مشابه پنجه دست انسان و به «كفّ مريم» نيز مشهور است. " – "ابن بيطار" مى گويد: نام «أصابع الصفر» است و بـرخـى از مترجمين آن را «كفّ عائشة» خواندهاند.

۱۱۳۳ – شجرهٔ مریم "، شجرهٔ مریم"، شجرهٔ مریم اسجرهٔ مریم اسجرهٔ مریم است و صاحب منهاج به تحقیق میگوید آن «بخور مریم» است و صاحب جامع اقوال مخالف یکدیگر بسیار آورده و محقق نکرده است و صاحب منهاج به تحقیق میگوید آن «بخور مریم» است و آن سه نوع است یک نوع بر آمیوه ایمی دهد و دو نوع بر میدهد و بیخ آن «عرطینثا» است. " – "ابن بیطار" می گوید: نامی مشترک که در شهرهای ما اندلس به نوعی رستنی بنام «أقحوان» با نام مغربی «کافوریه» گویند و همچنین نام گیاه دیگری با نام یونانی «لیبنوطس» است و همچنین به گیاه «بخور مریم» و درخت «بنجنکشت» و درخت دیگری در شام و شهرهای روم که مشابه درخت «سفرجل» است گفته می شود و در سرزمین مصر به «حب الفول» معروف است و در شهر شام آن را به «عَبهر» و «شجره اللیثی» و «اصطرک» می شناسند و پزشکان ما این اسامی را به «میعه» (۱) اطلاق می کنند. آبن یطار (در شرح کتاب دسکورید) به «شجره ابراهیم» و «اغنی، درج و شود.

Cyclamen europaeum L. Anastatica hierochuntica L.	شجرة مريم - عبوثران	زرياب
Pyrethrum partheinm Sm.		
Chrysanthemum parthenium	قُوفَحان مُنْيات، كَرْكاش، شجرة مريم	الموسوعه

۱-به میعه رجوع شود.

Chrysanthemum parthenium	شجرة مريم	خطابي
Matricaria chmomilla		

۱۱۲۵ - شمحم الحنطل : نامهای دیگر آن: خطمی بری - گویند «شنجار» و «شجره قلی» است. "
۱۱۳۸ - شربین، شربین ی قطِران : دیسکورید می گوید: درخت بزرگی است که «قطِران» نوعی از آن است. "

Chamacyparis sp.	5.	
Chamacypans sp.	شربین، سرو رشیق، سرو قصی	الموسوعة
	0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0 0	

۱۱۳۷ \_ شِرْسُ: نام «شوکة مغیلة» است و «مغیلة» شهری از شهرهای مغرب است. بـرخـی آن را بـه نـام «زریـعة أبـلیس» میشناسند زیرا در مسیرها و راهها بطور پراکنده میروید. ع

۱۱۲۸ - شرم ": گیاهی است که در کنار بستانها و کنار جویها و در صحراها میروید، به شیرازی «گاومطوسک» نام دارد زیرا اگر گاو از آن بخورد میمیرد و گوسفند هر چند بخورد هیچ مضرت بوی نرسد."

۱۱۳۹ ـ شری<sup>۳</sup>: «حنظل» است و گویند نام «عَلْقَم» است.<sup>۳</sup>

۱۱۴۰ -شریفهٔ: (نامی هندی) نام دیگر آن: سیناپهل

۱۱۴۱ \_ ششترة گ، ششتره : نوعی سعتر تنامهای دیگر آن: شطریه ت مارسی: مرزه ت نام «مرقیره» و «مرقیره» به معنای «محَسَّنه» نیکو شده است. ع

۱۱۴۲ - شِشْریت (نام گیاه مصری)، شُشُرُنْب : (نام گیاهی در مصر و قاهره)

۱۱۴۳ ـ شَطْرِية ع(نام گیاهمی در اندلس) نام «صعتر البستانی» بابرگهای بلند است و در مصر و اندلس کشت میشود. <sup>۳</sup>

۱۱۴۴ –شُطَيبه'، شُطَيْبَة ُ : (نام مغربی) نام دیگر آن:اندلس: سستترنة َ

١١٢٥ - شِعْرالجياد، شعر الجبّار، نام هاى ديكر آن: برشياوشان - كُرْبرة البير،

طباطبائى شعر الجبار Adiantum capillus-veneris L.
--

۱۱۴۶ سشعر الخُول'، شعرالغول"، شَغر النول"، شعر الغول ، شعر الغول ؛ نام ديگر آن «لحاء الغول» است و بنابر قولى پرسياوشان است. گويند نام «برسياوشان» است ولى صحيح نيست، اين گياه را ديسكوريد در كتاب خود بعد از «برسياوشان» با نام يونانى «طريخومانس» يادآور شده است. ع

Asplenium trichomanes L. Adiantum capillus-veneris L.	شعر الغول	ز.، خ.، ط.
Adiantum capillus-veneris L.	كربرة البئر، شَعر الجن، شعر الأرض، وصيف، بَرْشاوَشان، شعر الغول	الموسوعه

۱۱۴۷ - شعیر '، شعیر "، شعیر "، شعیر "، شعیر "؛ نامهای دیگر آن: فارسی: جو ا - هندی:سج ا - رومی: قرثارن " -سریانی: صعاری " قَرْثی (Krithe): شَعِیر (بن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۷ و ۷۹]

Hordeum vulgare L.	شعير	ز.، خ.،ط.،.E
Hordeum spp.	قرثی - شعیر	ديسكوريد
Hordeum spp.	شعير، شَيْتَعور، شَيْتَغور	الموسوعه

	Y	
Hordeum vulgare L.	ا شعير معروف	الموسوعه

Pastinaca schekakul Russ.	سِيْسارون، حِشْقال، جَزَراقليطي، حُرْص النيل	الموسوعه
Malabaila sekakul Russ.		1
Malabaila pumila Rois.		
Eryngium campestre L.		
Pastinaca schekakul Russ.	شقاقل	زرياب
Malabaila sekakul Russ.		
Malabaila pumila Rois.		
Eryngium campestre L.		
Pastinaca schekakul Russ.	شقاقل	خطابی
Trodylium ackakul	شقاقل	EN.

۱۲۹ - شقایق، شقایق شقائق النعمان شقایق النعمان شقر آنومیا شقایق المنعم شقو و ورد وفرا : شقایق در جنس است، کوهی و بستانی نامهای دیگر آن: سقر - شقایق النعمان - لاتینی: بیای درازاتیم (یعنی گلی که رنگ آن زود متغیر می شود)، کستیلان امایلس - فارسی: لاله - یونانی: ارامونی - علت نام «نعمان» بخاطر مشابهت با رنگ برق - در رعد و برق - یا شباهت به رنگ خون، ذکر شده است زیرا در لغت به خون «نعمان» گویند و همچنین گفته شده چون «نعمان بن منذو» این گیاه را بسیار دوست داشته و اول کسی بود که در باغچههای اطراف قصر خود آن راکاشته بود و یا در خضابات بسیار آن را استعمال می نمود، به آن «نعمان» گویند. در باغ بری و بستانی است، کل آن بزرگ است و به پارسی به آن «لاله» گویند و نوع دیگر از «شقایق» هست که آن را «ذربون» خوانند. برخی از مردم تفاوت بین «شقائق النعمانی البری» و «أغاف » یز اشتباه است. ا

أَأَنَّامُونَى (Anemone): نام وشقائق النُّعْمان» است و به عربي آن را وشَقِر، گويند.

أرْغاموني أغْرِيا (Argemone): نوع دوم «شقائق النعمان» و نوع برى آنست.[بن بيطار(در شرح كتاب ديسكوريد)٢ ـ ١٥٨ر١٥٨]

Anemone coronaria L.	أأناموني -شقائق النعمان -شقر	ديسكوريد
Anemone hortensis L.	أرغاموني أغريا - نوع بري شقائق لنعمان	ديسكوريد
Papaver rhoeas	شقايق	پارسا
Ranunculus asiaticus	حَوْذان اسيوى، شقائق النعمان، كَبيكج، كَفَّ السَّبْع، كف الضبَع، لاله	الموسوعه
Anemon coronaria L. Anemone pulsatilla L.	شقايق النعمان	طباطبائى
Anemone sp.	شِقائق النعمان	EN.

۰ ۱۱۵ ـ شَقْراص<sup>۳</sup>: نوعی «حَطَب» است که عوام نوعی از آن را «وسیل» مینامند و نام آن به یونانی «قستوس» است و "حُنیّن" این نام را در ترجمه کتاب دیسکورید مربوط به ولحیة التیس» دانسته و تعجب است که او چگونه با توجه به تفاوت های زیاد این

دو گیاه اینگونه نامگذاری کرده است. ٔ

رو حين بيلود المحدون المحدون أن اين نام مربوط به «ثوم الحية» نيست. نام هاى ديگر آن: اسفى ديون - اسقورديون - حشيشة الثومية على حيث الشعريون التومية على الثومية على حيث التومية على الثومية على الثومية على التومية على التومية التومي

Allium xiphopetalum Ait. Allium silvestrum	ئوم بری – شقردیون	الموسوعه

۱۱۵۲ - شُکاعی'، شکاعی "، شکاعی "، شکاعا"، شکاعا"، شُکاعی اقتنا أرابیقا" (نامی یونانی به معنای شوکة العربیة)، شوکة عربیه "، شکاعی " به از اصناف «بادآورد» است. انامهای دیگر آن: شکاعی - یونانی: اقرانیقی ابه معنای شوکة البیضاء، شوکة البیضاء ، شوکة العربیه ، کثیرالرکب - لاتینی: کطباس ا - فارسی: چرچه ا - در بعضی بلاد: کنگرخر ا - هندی: اونت کتاره ا ـ برخی پزشکان «قتاد» را «شکاعا» دانسته و به آن «کثیراء» گفته اند. آقتنا أرابیقی (Akantha leuke): برگردان عربی آن «شوکة العربیه» و نام دیگر آن «شکاعی» است. ایس بیطار (در شرح کتاب دیکرید) ۳ - ۱۲ ر ۱۸

Onopordon acanthium L.	أقنثا أرابيقي - شكاعي - شوكةالعربيه	ديسكوريد
Onopordon acanthium L.	أُقسون - رأس الشيخ - شكاعي - طويه - فصّ الحِمار	الم_وسوعه
Onopordon acanthium L. Onopordon arabicum L.	شكاعى	زر طبا.
Onopordon arabicum L.	شكاعي	EN.

۱۱۵۳ - شَكَرقند ؛ نامهای دیگر آن: فارسی: زمین قند ا

۱۱۵۴ - شُل ا، شل م شل شل شل شل شل شل شل شل المنامى هندى)؟ "اسحاق بن عمران" مى گويد: «شل» نام هندى «سفرجلهندى» است. ش غسانى مى گويد: در مورد ماهيت آن اختلاف است گروهى آن را «سفرجل هندى» و برخى آن را «صفصاف البَلْخى» مى دانند و "اصعى" گويد برخى از اعراب به اشتباه آن را «غرب» ناميدهاند و گويند «رمان الهندى» است و نظر ابو فتوح جرجانى صحيح است كه در مورد «شل» و «بل» گفته يكى «رمان الهند» و ديگرى «سفرجل الهند» است و هر دو گياه در مغرب بسيار كم مى رويد و رويش اصلى آن در سرزمين چين و هند است.

Cydonia indica Spach.	شل	زرخط.
Aegle marmelos	بل	خطابی
Docynia sp.	دوسینیَه - شُلّ، سَفَرْجَل هندی	الموسوعه

Brassica rapa L. Brassica napus L.	غنقيلي -سلجم -لفتالأحمرالمدور	ديسكوريد
Brassica rapa L. Brassica napus L.	شلجم	ز.،ط.، خ.
Brassica campestris L. var. napus Bal.	شلغم	يارسا
Brassica campestris L.	سلجم، شلجم	الموسوعه

۱۱۵۶ -شَلیل': نامهای دیگر آن: خراسانی: شقرنگ'، شیرهو' - گویند درختی حاصل از پیوند درخت «زردآلو» و «شفتالو» است.'

۱۱۵۷ ـ شمام ً: نام نوعی «بطیخ» کوچک ـ شام: لفّاح ؑ برخی عقیده دارند «لفّاح» غیر از آ ن است. ؑ

Cucumis melo L.			
Cacamis meto L.	أشمام	ال.،.EN	
	\\		

۱۱۵۸ ـ شنجار<sup>ع</sup>، شنجار<sup>۳</sup>، شنقار<sup>۳</sup>، رجل الحمامة<sup>۳</sup> (نامی در اندلس)، رجل الحمامه معاقر شمعا<sup>۳</sup>، عود الفالوج ۳: دارای چهار نوع است. نامهای دیگر آن: شنجار<sup>۳</sup>، کُخیْلاء<sup>۳</sup>، حُمَیْراء<sup>۳</sup>، رِجل الحمامة ۴ ـ سریانی: حالوما

Onosma sp.			,
Sitesina sp.	شنجار	الموسوعه	l
Lithospermum tinctorium L.			┨
	شِنْجار - ابوحلسا - خس الحمار	EN.	1

۱۱۵۹ - شُنْدُلَّة عَ: نامهای دیگر آن: بنا به نظر بکری: أِسحارة ع ـ یونانی: أدوسیمن ع ـ تودری ع ۱۱۶۰ - شَوَاصَرا اَ، شواصره م شواصره اَ، شواصرا اَ: (نامی یونانی) نوعی برنجاسف آرازی آن را از انواع «بلنجاسف» به نام «برنجاسف» می داند. نامهای دیگر آن: مشکالجن امسک الجن سب الجن سبانکاره فارس: مشک چوپان ا - تنکابن: مشک داش یونانی: بطوس ا - "ابن بیطار" می گوید: «شواصرا» و «مسک الجن» معادل نام «بطرس» است.

بُطْرِس (Botrus): از انواع «بَرَنْجاسَف» است [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۰

Artemisia vulgaris L. Artemisia abrotanum L.	شواصره	زرياب
Chenopodium ambrosioides L. Chenopodium botrys L.		
Chenopodium ambrosioides L.	بطرس،از انواع برنجاسف، شواصرا، مسكالجن	ديسكوريد

۱۱۶۱ –شَـوحَط'، شوخط": (نام عربی)؟ نام دیگر آن:خوشه ارزن ّ سْمیلَقْس (Smilax): درخت بزرگی در سرزمین روم و مغرب با نام لاتینی «طَخْش» (Taxus) است که از آن «قِسِیّ» میسازند. "غافقی" با توجه به اختلاف نظر هائی که وجود دارد این نام را معادل نام «شَوحَط» میداند.[بن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲۷۱۴]

T		
Taxus baccata L.	سميلقس – طخش – (شوحط)	
	سميلفس - طحس - اسوعه	ديسكوريد

۱۱۲۲ ـ شُوْزَة ع: (نامی حجازی)

۱۱۶۳ - شُوکران ، شوکران ، شوکران ، شوکران ، شوکران ، شوکران ، صدو ، طحما : ؟ (نام عربی) نامهای دیگر آن: نزد عجم اندلس: حفوظه ، و نانی: قونیون ، سقونیون ، بارقیون ، طفنیقوس ، منقوسیون ، طفسقویون ، ماریقون ، قثیون - فرنگی: شبکنه ، فارسی: بیخ تفت احفوظ - تخم بیخ رومی شبیبی: ریشه «شوکران» و «بیخ تفت» ( چون در کوه تفت بسیار می روید .)

قونیون (Koneion): نام های دیگر آن عبارتست از: شؤکران ـ لاتینی: جَقوطُه (Cicuta) ـ اهالی آفریقا:حَرْمَل البَلَدی [بن بیطار(در شرح کتاب دیسکورید) ۴ ـ ۱۲ و ۷۱]

Conium masculatum L. Hyoscyamus niger L.	قونيون –شوكران – جقوطه	ديسكوريد
Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L.	شوكران	زر. – طبا.
Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L.	بيخ تفت – شوكران	پارسا
Cicuta virosa L.	شوكران سام، شوكران منتن، قاتل البقر	الموسوعه
Aethusa cynapium L.	شوكران صغير، شوكرانالبساتين، بَقْدونسكاذب	الموسوعه
Conium maculatum L.	شوکران، طَحْماء بِسْبِس	الموسوعه
Conium maculatum L.	شوكران	EN.

۱۱۶۴ - شوکة المصریه"، شوکة المصریه ، شوکة مصریه ، ام غیلان انفیطینا (نام میوه شوک مصری) : نام های دیگر آن: ام غیلان " - شوکه اعرابی " - قبیطه " - نام میوه: بلوسیطون ، سیطوس ، عنم ، حد " غیلان " - شوکه اعرابی " - قبیطه " - نام میوه: بلوسیطون ، سیطوس ، عنم ، حد " اقاقیا (Akakia): به عصاره وقرَظ ، گویند و نام گیاه آن «خَرّوب السَّطْ» و وشؤکة الْمِصریة ، است و به نوع بری آن وأُمُّ غیّلان » گویند و صمغ آن به وصمغ العربی ، معروف است. [بن یطار (در ش کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۳]

Acacia arabica W.	شوكةالمصريه - امّ غيلان - شوكة اعرابي	زریاب
Acacia nilotica D.		
Acacia vera Willd.		
Mimosa niltica L.		
Acacia arabica W.	أقاقيا - قرظ -خروب السنط	ديسكوريد
Acacia vera Willd.	امَ غيلان - صمغ عربي	ديسكوريد
Acacia arabica Willd.	ام غیلان	زریاب
Acacia arabica Willd.	شوكة المصرية	طباطبائى
Acacia nilotica		

۱۱۶۵ - شوکةالیهودیه "، شوکة یهودیة ع: نـامهای دیگـر اَن: قرصعنة الزرقاء عَـصربی: سـوداءالورق " (سـیاهبرگ)، عُشضرالصبیان "

أ يرَنْجى (Erunge): گياه وشوكة ، (خار دار) است و نام سريانی آن وقَرْصَعْنَة ، (Qersa anna) است. در بعضی از ترجمه ها نام آن را وشوكة السّوْداء »، وشوكة اليهودية ، و وشوكة الزرقاء ، ذكر كردهاند و داراى دو نوع سفيد و آ بى رنگ است. در كتب پزشكان با نام «جَنْت قابِظة»<sup>(۱)</sup> (Centumcantha) آمده است و دو نوع آن ذکر گردید. نام لاتینی آن «بَبْراطُه» (Piperito) به معنای «شوک المُقَلْفَل» است و گویند این گیاه در زمین اسکندریه میروید، جالینوس آن را «أیــرِنْجان» نـامیده است.[بــن بـیطار(در شـرح کـتاب دیــکورید)۲ - ۲۱]

Eryngium campestre L.	أيرنجي، قرصعنه، شوكةيهوديه، شوكةالزرقاء	ديسكوريد
Eryngium campestre L.	شوكة يهوديه	طباطبائى
Eryngium creticum		

۱۱۶۶ – **شومر** "، شینر ": شومر " ۱۱۶۷ –شُوَنْدَر':؟

Beta vulgaris L.	شَوَنْدَر، شَمَنْدَر،بَنْجَر، صَوْطَلَة	الموسوعه
	I	

۱۱۶۸ - شُونیز'، شونیز "(نامی فارسی)، شونیز"، شونیز"، شونیز "، شونیز "، شونیز بشمه "(نامی حجازی)، حبةالسوداء "، حبة السودا": نامهای دیگر آن: فارسی: شونوز اسیاه دانه ا حربی: حبة السوداء ا یونانی: سنو ا، شنون ا - هندی: کلونجی ا سویداء " - یونانی: میلانثیاون " - لاتینی: نیلی " - رومی: میروقوقین " - سریانی: شبوبانا" - هندی: قالنجی "، کالنجی "، قالیر " - اهل هری: غنج " غسانی " میگوید: «شونیز» دارای دو نوع بری و بستانی است نوع بری را «حَبّة السوداء» گویند و منظور روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و اله «حبة السوداء شفاء من کل داء» همین گیاه است و در شهر فاس به «سانوج» معروف است. غ

مالیننُٹیون (Melanthion): دارای نام های «شونیز»، «کَمُّون الأسود» و به عربی «حبة السَوْداء» است که نامی مشترکی می باشد و به لاتینی به آن «شْمِیتْ مورِس» به معنای «زریعّة السَّوداء» گویند.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۷۵]

Nigella sativa L.	مالينثيون، شونيز، كمونالأسود، حبةالسوداء	ديسكوريد
Nigella sativa L. Agrostemma githago	شونيز	ز.، خ.، ط.
Nigella sativa L.	سياه تخمه -شونيز -سياه دانه	پارسا
Nigella sp.	شونیز، شِیْنیز	الموسوعه
Nigella sativa	شونیز زراعی	الموسوعه

۱۱۲۹ ـ شیان ٔ شیان ٔ نام دیگر آن: دم الاخوین ٔ صمغی است که از جزیره سُقطری می آورند و معروف به «دم الأخوین» است و همچنین عوام اندلس این نام را برای نوع بزرگ «حی العالم» میدانند. ٔ

۱۱۷۰ -شَیْبَه ، شیبه ، شیبه العجوز : (نامی عربی) نامهای دیگر آن: اشنه - بعضی افراد: اشنه بستانی ، بریون (Bruon): نام «أُشْنَه ، است و آن نام «شَیْب العَجوز» است و به آن «سِواک القُرود» نیز گویند زیرا هنگام مسواک دهان را رنگی میکند. [بن یطار (در شرح کتاب دیسکوریه) ۱ ـ ۷۰ و ۳ ـ ۲۳]

Usenea barbata Ach.	بريون، أشنه، شيبالعجوز، سواكالقرود	ديسكوريد
Artemisia arborescens L.	شَيْبُه، ذَقْن الشيخ، ريحان أبيض	الموسوعه

۱۱۷۱ - شیح ، شیح ، شیح ، شیح ، شیح ، شیح ، شیح نامهای دیگر آن: أفستین بحری و ارسی در منه است - یونانی: ساریقون ، اقدینا ، شجر اوسیتا - زابل: ابروطنیون - سریانی: ابروتا - تخم «در منه ترکی» را «بستیاج» گویند. - دارای انواع شیح خراسانی ، شیح ترکی است و گلی قرمز رنگ دارد. نام نوعی از آن «سریقون ارمنی» و «افسنتین البحر» است. بهترین آن ارمنی آن است و آن را «در منه ترکی» خوانند و «شیح جبلی» را «افیلون» خوانند. - دارای انواع فراوانی از قبیل «اسطوخودوس»، «اکلیل الجبل»، «خُزامی» و «شیح ارمنی» است و در اینجا منظور «شیح ارمنی» است ، ساریفون (Seriphon): نام هر دو نوع و شیح » است ، نوع اول آن «شیح المصری» یا معروف به «أفستین» است و نوع دوم «شیح الأرمنی» نام دارد. (ابن یعاد (در شرح کتاب دیسکوریه) ۳ - ۲۶]

Artemisia maritima L.	ساریفون – شیح مصری – أفسنتین	ديسكوريد
Artemisia sp.	شِيْح، أرطماسيا	الموسوعه
Artemisia judaica L.	شيح	زر. – طبا.
Artemisia pontica L.	شیح أرمنی	دى. – خط.
Artemisia pontica L.	شيح	EN.
Artemisia santonica Lam.	شيح خراسانى	EN.

# ۱۱۷۲ ـ شيح الربيع<sup>ع</sup>: نام ديگر آن:أريقارون<sup>ع</sup>

Erigeron sp.	يخ الربيع	الموسوعه   شي

۱۱۷۳ - شير انجير ":

۱۱۷۴ -شیرخشت، شیر خشک نام دیگر آن: فارسی: شیرخشک

بعضی از دانشمندان ما معتقدند شبنمی است که از آسمان روی درخت «خلاف» به نام «بِهَراة» در سرزمین عجم قرار میگیرد و شیرین است و از «ترنجبین» قویتر می باشد. <sup>۳</sup> – «خشت» در لغت اهل نواحی خراسان به معنای صمغ است. <sup>۲</sup>

Cotoneaster nummularia Fich &	شير خشت	پارسا
Mey		
Cotoneaster nigra Wahl.		
Cotoneaster vulgaris L.		

۱۱۷۵ - شیطرَج'، شیطرنج "، شیطرج'، شیطرج'، شیطرج "، شیطرج آ، شیطرج آ، شیطرج آ، شیطرج آ میرب این نام معرب «چیپژک هندی» یا معرب «شیتره» فارسی است. - نامهای دیگر آن: جوز الراعی آ - اُعَصّاب آ هندی: چیره " - سریانی: جطرخ " - رومی: لوبادون "، لیبیدیون " - دیسکورید: شاطرج " - شام: قالیقیا "، سرقوقینا " - عربی: مسواک الراعی '، خینوس فاغوس ' یا فاغوش '، حنامشه ' - یونانی: لیبدیون "، لفیدیون ' - بربری: عضات ' - مسواک الراعی '، خینوس فاغوس ' یا فاغوش '، حنامشه آ - یونانی: لیبدیون آن هندی است تا بحری، مولف گوید فارسی: بیخ برنده ' - فاس: عصاب فی این یا مدرد نورد می کوید بهترین آن هندی است تا بحری، مولف گوید چندانکه امتحان کرده شد بهتر از پارسی نیست. آ (بن یا مدرد شرح کاب دسکورید) ۲ - ۱۵۱: به دعرت، و دلیدیون، دجوع شود.]

Plumbago rosea L.	ریشه طمش (تهران)، شیطراج، شیتراک (هندی)، شیطرا(بمبئی)	پارسا
Lepidium sp.	عصاب، مسواک الراعي، شيطرنج	الموسوعه

Lepidium latifolium L. Plumbago zeylanica L.	شيطرنج	ز.،ط.،.EN
Lepidium iberis L.	شيطرنج اندلسي	خطابی
Lepidium latifolium L. Lepidium sativum L.	شیطرج هندی عصاب	

۱۱۷۶ - شَيْلُم، شيلم، شيلم، شيلم، شيئلم: (نامى عربى) نامهاى ديگر آن: شالم سياه دانوس، زوان م، زياس - عربى: حنطه السوداء س، زوان السيداء س، زوان کاکلک سيرازى: مشکک - رومى: ليخونن س - زوان گندم سيرازى: مشکک - رومى: ليخونن س - زوان گندم س - دَوْسَر س

(Aria): نام «زُوان» است و آن «شَیْلَم» موجود بین «قَمْح» است. نام های دیگر آن «دَنَقَة»، «رُغَیْداء»، «رُغَیْداء» و «مُریْراء» است و گویند نام عربی آن «خَضِر» است. ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۵] أرآ ا

Lolium temulentum L.	شيلم – زوان –	ز.، خ.، ط.
Lolium temulentum L.	أراًا - زوان - شيلم - مريراء - رغيداد	ديسكوريد
Secale cereale L.	شيلم، شأنت، شَوْلَم	الموسوعه

### حرف «ص»

۱۱۷۷ – صاب <sup>س</sup>، صاب <sup>۳</sup>، صاب <sup>۳</sup>: کویند «قساالحمار» است و گویند نوعی از یتوعات است. <sup>۳</sup> گویند نام «قِثاء الحمار» است که درست نیست و بعضی از دانشمندان ما بر این گمانند که از «یتوع» است. <sup>۳</sup>

Ecballium elaterium Rich.	صاب	زرياب
Hippomane manchinella L.	صابة، مَنْسَنيلا	الموسوعه

١١٧٨ -صاصَلي، صاصل؟ نامهاي ديگر آن: صوصلا، ساصلي - يوناني: ارتينوس غالا، أدينوس غالا،

الموسوعه صاصل، أشراس، صَوْصَلاء Ornithogalum sp.
--

۱۱۷۹ ـ صالبیة ؟: (نامی عجمی) نام دیگر آن نزد اهالی صقلیة: نوع نازک شالبیه ؟
۱۱۸۰ حصامَریوما، صامر یومه ؛ (نامی سریانی) نامهای دیگر آن: عربی: غبرا ، چون رنگ آن اغبر یا خاکستری است. - لاجوردیه ، زیرا رنگ عصاره گل آن لاجوردی است. ـ عجمی اندلس: طُرُنُشول ٔ ـ مصر: گیاه عقر ب ، حشیشة العقرب ، غُیراه ٔ – اهل اندلس: ترانشول ٔ – دیسکورید: علت نامگذاری این گیاه به «أیلیوطروبیون» بخاطر اینست که برگ خود را به سمت آفتاب می گرداند. ؟

Heliotropium europaeum L.	صامريوما	طباطبائى
1		بجبي

۱۱۸۱ ـ صبّار : نامهای دیگر آن: تمر هندی ترش - صبّاری -

Opuntia sp.	<b>ص</b> َبًار	الموسوعه

١١٨٢ - صِبْرا، صَبراً، صبراً، صبراً، صبراً، صبراً، صبراً، صبراً، مقراً، مقراً، مقراً، مقلاً، علسي ":

نامهای دیگر آن: سُریانی: عَلَوا مُ صَبر اُ صبارا اُ – هندی: کهیکوار ا – فارسی: الوا مُ – هندی: بولو مُ گوار مغرب: صبّاره معرف – سفودالس معرف است: سُقُطری (اسقطری)، عیم، معرفی است: سُقُطری (اسقطری)، عیم، سمجانی (سمنجانی) معرفی (سمنجانی) معرفی است: سمجانی (سمنجانی) معرفی است: سمجانی (سمنجانی) معرفی است مغرفی است مغرفی است معرفی است مغرفی است مغر

أَلُویی (Aloe): شجرة الصَبْر ـ کیاهی مانند حروف است و در خانه ها بصورت خودرو می روید و عامه مردم به آن «صُـبّارَه» و «صابرة»کویند. [بن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۲]

Aloe vera L.	صبر	زخط.
Aloe vera L.	ألويي - شجرة الصبر - صبّارة - صابرة	ديسكوريد
Aloe vera L.	ألوة، صبر، صبّارة، مثّر، سَوْلَع مخزني	الموسوعه

### ۱۱۸۳ ـ صبيب:

۱۱۸۴ - صَريمة الجَدْى ، صريمة الجدى ، صريمة الجدى ، شجرة الطحال : نام ديگر آن: اندلس: سلطان الجبل - انباتى است كه بر هر درختى كه نزديك آن است پيچيده شود و آن نوعى از «فشاع» است. [بن يطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ۲ - ۱۲۸ و ۴ - ۱۲۸ و ۴ به وبخور مربع، رجوع شود.]

Lonicera caprifolium L.	فقلامينوس آخر، صريمةالجدي، سلطانالجبل ماطرشالبه -	دی.
	رای منت – افلدان و ادرار	
Lonicera sp.	صريمةالجدي، سلطانالجبل	الم.

۱۱۸۵ - صَعْتر ، صعتر ، صعتر ، صعتر ، صعتر ، فقع من اوریغاسن ، اوریغاس - فارسی: ایشان ، اریغان ، اویشن - اصفهانی: رومی: لژموش - یونانی: صعتروس ، اوریغاسن ، اوریغاس - فارسی: ایشن ، اوشن ، آویشن - اصفهانی: اویشم ا - شیرازی: اوشه - ترکی: کلکله ا - هندی: ساتر ا - نام گیاه در کتاب دیسکوررید: نوع جبلی: اریغانون ، اوریغانش - سریانی: صاتری - نوعی «صعتر» بستانی که آن را میکارند و در قوت و فعل ضعیف تر از بری است و آن را به فارسی «مرزه» گویند. - "غسانی" میگوید: گیاهان زیر از انواع «صعتر» میباشند: حاشا، نعنع، صعتر البقر یا هیوفارقون، صعتر الزیتون یا صعتر الجواری، صعیتره که خود در دو نوع با نام «افیشون» و «مرددوش البری» است، صعتر النیاضی یا فودنج، صعتر الحجازی یا زوفا، صعتر الرمانی یا اسطوخودوس.

ثمبُرا (Thumbra): نام «صَعْترالفارسی» و دارای دو نوع بری و بستانی است و به لغت اندلسی «شَطْریة» (Satureia)نام دارد. این نوع صعتر در باغهای شهرهای مصر و شام میروید و برگهای آن نازک است.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۳۵ و ۴۰]

صعتر - اریغانون -صاتری - آویشن	زرياب
	صعتر - اریغانون -صاتری - آویشن

۱- اختیارات: سقوطره جزیرهای است نزدیک ساحل یمن و آن جزیره چهل فرسنگ است و اهل این جزیره بی دنیایند... و اصل ایشان از یونانست اسکندر ایشان را از یونان بدان حریره فرستاد.

Thymus kotchyanus Boiss.	صعتر، کوشانشیرازی، ادشان، اشمه کوهی(تفرش)	پارسا
Origanum vulgare L.	آویشن شیرازی	پارسا
Origanum sp.	سعتر، صعتر	الموسوعه
Thymus serpyllum L.	صعتر	طباطبائی
Thymus vulgaris L.	صعتر	خطا،، .EN

# ۱۱۸۶ - صعترالفُرْس ": [ابن يبطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ٣ - ٣٥: به وصعتر، رجوع شود.]

Mentha pulegium L.	Mentha pulegium L.	المعار المراق	زرياب
--------------------	--------------------	---------------	-------

۱۱۸۷ - صغدع:

۱۱۸۸ - صَفراء ع:

١١٨٩ ـ صُفيُراء م صفيراء عن نامهاي ديگر آن: صفيرا - اهالي مصر: عود القسينة

Sophora sp.	صُفَيْراء	الموسوعه
Rhamnus tinctoria Waldst.	صْفَيْراء	خطابى

۱۱۹۰ ـ صِلِّيانَّ:

١١٩١ - صَلُوانَ : (نامي موصلي) نام هاي ديگر آن: خرّوب الخنزير - نام ميوه در مصر: حب الكُلي ع

١١٩٢ -صمغ الدّميثا، صمغ دميثا":

۱۱۹۳ - صَنْدُلُ ، صندل ، صندل ، صندل ، صندل ابیض ، صندل احمر : صندل سرخ و سپید بُود نامهای دیگر آن: رومی: گلوسطقا ، قلودیقی سید بُود نقل اسریانی اسریانی علوسطقا ، قلودیقی سیدل استدل است

Petrocarpus santalinus L. Santalum album L.	صندل	زرياب
Santalum sp. Santalum album L.	صندل	الموسوعه
Santalum album Santalum album L.	صندل أبيض	المطبا.
Pterocarpus santalinus L.	صندل احمر	طباطبائى

۱۱۹۴ حَمَنُوبَرَ ، صنوبر ، صنوبر ، صنوبر ، صنوبر ، حب الصنوبر ، قضم قریش ، راتیانج ، توّب ، صنوبر ، قضم قریش (دانه)، تنوب (صنوبر کوچک) ، کرکر ، کرکر (صنوبر صغیر معروف به «قضم قریش»): نام های دیگر آن: عربی: ارزه ، اُرْز و سریانی :ارزند سرومی:بقطانیون ، اسطروبیلیا ، قونوس ، فایوقی سوینانی:قلوغیطون سریانی: ارزا سویانی اورا سویانی فارسی و شیرازی: کاج سویادام نشک ، جلغوزه ، چنار ، چنار ،

دارای انواعی است: نام نوع بستانی: فارسی: ناژ ، ناجو اسیرازی: کاج ا- نام میوه آن به شیرازی: پرکاج ا- نام نوع جبلی: سریانی: ارزند ا- نام میوه نوع انثی کبیر: چلغوزه ا- در شیروان و آذربایجان و نقاطی از روم و کشمیر می روید. ا- نام نوع انثی صغیر: تنوب ا- نام میوه آن: قضم قریش ا- عامه اهل شیراز: فستق ا- "غسانی"

می گوید: از انواع صنوبر «بَقَّم قریش» است که در شام به آن «قنطواندس» گویند و از انواع دیگر آن «رجینة» و «سرو» است. نامهای صمغ صنوبر: راتیانج، راتینج، رتیانج، رحبینه، دشینه،

ی و در شیراز به نام «چلغوزه» معروف است از اقسام «بادام» است. ٔ – «تنّوب» نام «صنوبر کوچکی» است که میوه آن «قَضْم قریش» است. ٔ – «تنّوب» و «أَرْز» است. ٔ آن «قَضْم قریش» میوه «تنوب» و «أَرْز» است. ٔ بیطویداس» یا «قضم قریش» میوه «تنوب» و «فمل قریش» گویند. بیطویداس (Pituides) نام «صنوبر الصِغار» است و میوه آن را «قَضْم قُریش»، «فم قریش» و «فمل قریش» گویند. سُطُروبیلو (Stroobiloi) نام «شجر الصنوبر الکبار» است.

اسامی صمغ هر دو نوع «راتینَج»، «راتیانج»، «راتینا»، «راطینا» نام دارد. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۴ و ۲۵]

Pinus orientalis Link.	صنوير	زرياب
Pinus pinea L. Picea excelsa Link.	قضم قريش	زرياب
Pinus pinea L. Pinus cembera L.	حب الصنوير : جلُوز	زر طبا.
Pinus pinea L.	بیطویداس (نوع کوچک) سطروبیلو(نوعبزرگ)	ديسكوريد
Pinus eldarica Medew.	کاج	پارسا
Pinus sp.	صنوبر	الموسوعه
Pinus pinea L. Pinus excelsa L.	قضم قريش	طباطبائى
Pinus pinea L.	صنوبر	خطابی
Pinus halepensis Mill.	صنوبر الحلبى	خطابی
Pinus nigra L.	صنوبر الاسود	خطابی
Pinus maritima Lam.	صنوبر البحرى	خطابی
Pinus sylvestris L.	صنوبر الفضى	خطابی
Pinus pinea L.	صنوبر	EN.

۱۱۹۵ ـ صنين<sup>ع</sup>:

۱۱۹۸ ـ صوصّلة ، صوطله : نوعي «سلْق» ت

يسوعه شَوَنْدَر، شَمَنْدُر، بَنْجَر، صَوْطَلَة Beta vulgaris L.	Beta vulgaris L.
---	------------------

## حرف «ض»

۱۱۹۷ -ضَجاج٬ ضِجاج ٔ: (نام صمغ گیاهی در کوه های عمان) ۱۱۹۷ ـ ضرم ٔ: گویند نام «أسطوخودوس» است. ٔ

	Quereillet (F)	<i>ض</i> زم	الموسوعه
--	----------------	-------------	----------

۱۱۹۹ - ضِرُوا، ضَرو ، ضِرُوء، ضروء ضرو (نامی عربی)، کمکام ، کُمْکام ": گویند جنسی است از «لادن» اضرو، صمغ درختی به نام «کمکام» نام «کمکام» و از سرزمین یمن آورده می شود. - نامهای دیگر آن: حبة الخضراء - یونانی: فوضوفش - سریانی: ضروا - رومی: فشاشیش - فارسی: درحسخک، اریسه، درخت کلنورا - نام های صمغ: فارسی: حسن لبه - هندی: لیان (در هند، حجاز، یمن، و... می روید.) - دَرُوازَدْ "، کم کام " - نام آن گیاه در کتاب دیسکورید: بطم " نام برگ یا نی پوست [چوب] «کمکام» است. " - گویند «کمکام» صمغ «ضرو» است و گویند آنست "

Pistacia lentiscus L. Pistacia terebinthus L.	كمكام - بطم	زریاب
Pistacia lentiscus L.	بُطم شرقی، بطم مستکی، ضرو، مُصطَکاء	الموسوعه
Pistacia terebinthus L.	بشم سرعی، بشم سسعی، عرو	

۱۲۰۰ ـ ضروع الکلبة ع، ضرع الکلیه ": نامی یمنی که با نام «زقوم» معروف است. عس ۱۲۰۱ ـ ضَریع ، ضریع ع، ضریع ": **نامهای دیگر اَن:**شیرق ا **حجاز: شِبْرق "** – نباتی دریائی که آن را در ساحل دریا یابند. "

Convolvulus hystirix Vahl. Ononis antiquorum L.	ضريع - شبرق	زرياب
Fucus sp.	ضريع - فَوْقَس	الموسوعه

### ۱۲۰۲ – ضَعَوْ":

Anastatica hierochuntica L.		
1 Indianation interventanticu L.	ضعو	انتاب

۱۲۰۳ - ضُغْیوس'، ضغابیس<sup>۳</sup>، ضغابیس": نامهای دیگر آن: ضُغابیس' (نامی عربی) – فارسی: شُفچه' - خیارزه کوچک نباتی که ساق آن مانند «هلیون» است و آن را نیز «صغابیس» خوانند. " – به واحد آن وضغبوس، گویند. همچنین به وقثاء کوچک» نیز «ضغابیس، گفته می شود. <sup>ع</sup>

Asparagus officinalis	هَلْيون معروف، ضُغْبوس، يَرْمَع	الموسوعه
Ononis antiquorum L.		

۱۲۰۴ - ضَمِران ، ضمیران ، ضمیران ، ضومران ، ضومران ، حبق الماء ، عطفل : نامهای دیگر آن: حشیشة القوبا ، شاهسفرم شیران ، ضمیران - ضمیران - ضمیران - ضمیران - ضمیران - ضمیران مضروان ، ضروان ، ضومران ، به و مساه شفرَم ، ریحان المملک - شاه السیرم - حَوک " ابن بیطار می گوید: «ضومران» نزد ما در اندلس نوعی از «حَبّق الماء» است و آن «فوذنج النهری» است قسع کوید «فودنج و می است و سهو کرده است. "صاحب جامع کوید «فودنج جوهی» است و سهو کرده است. "

قالامَنْتی (Kalaminthe): نام «فُوَدَنَّنج» است و سه نوع دارد: نوع اول آن نهری و اهالی مغرب به آن «صومران» گویند، نام نوع دوم «حَبَق التَّمْسَاح» است و نوع سوم جبلی و نام آن نزد اهالی اندلس «نابِطه» (Nepeta) است. [بن بیطار (درشر کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۳]

Mentha aquatica L.	یک نوع ازقالامنتی: صومران، فودنجنهری	ديسكوريد
Moschosma sp.	ضَوْمَر، ضَوْمران	الموسوعه

Mentha aquatica L.	ضميران	زرياب
Ocimum minimum L.		
Mentha aquatica L.	ضومران	خطابى

## حرف «ط»

۱۲۰۵ - طالیسفر'، طالیسفر"، طالیشفر انامی هندی)، طالینفر"، طالیسفر"، طالیسفر"، طالیسفر"، طالیسفر"، طالیسفر"، طالیسفر"، طالیسفر"؛ نامهای دیگر آن بسباسة - کندیتر " ـ یونانی: دار کیسه عشن با آنکه اکثر مردم آن را «بسباسة» می دانند ولی آن نیست. و " ابن جلجل" به اشتباه آن را «لسان العصافیر» می داند. \_ و گویند ریشه درختی هندی است که نام یونانی آن «دارکیسه» است، دیسکورید نیز آن را به نام «ماقر» معرفی کرده و آن را پوست درختی می داند که از یونان آورده می شود." صاحب منهاج "گوید ورق «رسون هندی» است و آن قشوری هندی بود، صاحب جامع اقوال بسیار آورده است اول گفته «بسباسه» است و دیگر قول "ابن جلجل" را آورده است که «عرق (۱) شجره هندی» است و یا گویند «عرق درخت توت» که کرم ابریشم برگ آن را می خورد، و همه خلافست و قول مجوسی را آورده است که «ورق زیتون هندی» است و این موافق با منهاج است و صاحب منهاج و "صاحب جامع" بیان نکردهاند که آن چیست. مولف گوید: «پوست بیخ زیتون هندی» است و همه این قولها خلافست." صاحب جامع "بیان نکردهاند که آن چیست. مولف گوید: «پوست بیخ زیتون هندی» است و همه این قولها خلافست."

ماقر (Makir): نام «بَسْباسة» است و اهل شام به آن «دارکیسة» گویند. تابن بیطار در کتاب جامع خود بیان میکند این نامگذاری ها سبب اختلاف زیادی بین دانشمندان قدیم شده است، برخی آن را معادل «بسباسه» و عدهای نیز آن را همان گیاه «طالسفر» میدانند. تا ابن یمار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۹۳

Taxus Baccata L.	طاليسفر	ديسكوريد
Flacourita cataphracta Willd. Taxus Baccata L.	طاليسفر	زر طبا.
Myristica fragrans Houff.	طاليسفر	خطابی

۱۲۰۶ - طَباشیر ، طباشیر سی طباشیر می طباشیر طباشیر طباشیر می طباشیر نی مشابه گره که از نوعی «نی» به نام هندی «توله بانس» خارج می شود. نام های دیگر آن: هندی: بنس لوجن ، بنس روجن سی توشیر سی تباکیر انام های طباشیر هندی به سریانی «قمحادرزی» سی «طبقشیر» و «طواخشیر» است. سی

Bambusa arundinacea willd.	طباشير	زر. –طبا.
Arundo bambos L.	طباشير	پارسا

۱۲۰۷ - طباق ، طباق ، طباق مباق مبنات ، طباق منتنه منفته ، شجرة البراغيث ، شجرة البراغيث ، ترهلان و (نامى بربرى): نامهاى ديگر آن: يونانى: قونيزا ، قوثيرا ، عربى: طباق - عامه مردم اندلس: طباق - بربرى: ترهلان ، ترهلا و فارسى: اسپرغم بيابانى ، - چند نوع است: نوع بزرگ آن «طباشر منتن» ، يا «شجر البراغيث» است زيرا گستراندن برگ هاى آن حشرات موذى و براغيث را دور مى كند. اكثر پزشكان ما آن را بعنوان «غاف ، مورد استفاده قرار مى دهند بدليل اينكه هغاف ، واقعى را نمى شناسند ، بعضى گويند غير «غافت» است اما قول بيشتر آنست كه «غافت» است "ديسكوريد" مى گويد: نوعى از اين گياه را «قونيزا الأصغر» مى نامند ، اين يطر (در شرح كتب دسكوريد) ۲ - ۲۱۱: به رشبر البراغيث ، و تونيزا، رجرع شود.]

Inula conyzoides DC.	قونيزا، ترهلا – مشكينه – لبارذه	ديسكوريد
	طباق شجرة البراغيث - برنوف	
Inula viscosa Ait.	طُبُاق، طَيُون، راسن دَبِق طباق - شـجرة البـراغـيث -	الموسوعه
	برنوف	

۱۲۰۸ ـ طبر ددع: (نامی فارسی) نام دیگر آن: تبرزدع

۱۲۰۹ – طبق : نوعی گندم ّ

۱۲۱۰ - طُحْلُب، طحلُب، طَخلُب، طُخلُب، طُحْلُب، طُحْلُب، طَحْلُب، طُخلُب، خرو الضفادع "، کتان البحر"، کتان الماء ": نام گیاهی آبزی - نامهای دیگر آن: عدس الماء " - نام گیاه در کتاب جالینوس: برواونثلاسیون " - فارسی: جامه خواب دارای چند نوع است: نام نوعی: خراز الماء ، طحلب لیفی ا - نوع گرد و جدا از هم - نام نوعی: غزل الماء ، نوع چسبیده به هم و ریشه مانند - نام نوعی: خروع الضفادع ، نوع متراکم "دیسکورید" «طحلب» را در دو نوع «طحلب نهری» و «طحلب بحری» نامبرده است. " - دارای سه نوع نهری و بحری و صخری است، به نوع صخری آن «حزاز» (۱) (گلسنگ) گویند نام ارای انواع بسیاری است : ۱ - صوف البحر : اشبتته ، عِکرشه ۲ - بحری: برون ۳ - ضریع ۴ - عدس الماء معروف به ثور ۵ - ارجالة "

بُرون ثالاسْیون (Bruon thalassion): نام «طَحْلَب البحری» است و دارای انواع فراوانی است. فُوتُس البحری (Phukos thalassion): نوعی «طحلب» است.[بن بیطار (در شرح کتاب دیسکررید) ۴ - ۹۰]

Lemna minor L.	طحلب – عدس الماء	ز.، خ.، ط.،.EN
Corallina officinalis L.	برون ثالاسيون –طحلب بحرى	ديسكوريد
Gnaphallium leontopodium L.	فوقس البحري - نوعي طحلب	ديسكوريد
Moss (E)	طُخْلُب، طَخْلَب، طِخْلِب	الموسوعه

۱۲۱۱ - طثیه ش:

## ۱۲۱۲ - طَحْماء "، طَحْماء": نام ديگر آن به سجزى: روى" - در بعضى تفسيرها: نجيل " - ابوعمرو: هُرم"

Cynodon dactylon Pers.	طحماء	زرياب
Conium maculatum L.	شوکران، طَحْماء، بِسْبِس	الموسوعه

۱۲۱۳ ـ طخش : چوبی است که در اندلس از «قسیّ» گرفته می شود. و گروهی نام آن را «سمیلقُس» پنداشته اند که درست نیست و گروهی آن را «مرّان» می دانند و گویند نام «شَوْحَط» است. ؟ ۱۲۱۴ ـ حاً نُـــث قرین، ما شه قرین ما شهری در تا در اها به درگی آن: طفیس قرین مطفیش قرین به معنای قریس که ندراها.

۱۲۱۴ -طَخْشیقون ، طخشیقون ، طحسفیون : نامهای دیگر آن: طفسیقون -طفشیقون ، به معنای قوسی تزیرا اهل ارمن پیکان را به وی زهر آلود میکنند و در جنگها به کار میبرند. "

Taraxacum dens-leonis DC.	هِنْدُب، طَرَخْشَقوق	الموسوعه
Taraxacum officinalis Will.		
Taraxacum vulgare Shramk		
Leontodon taraxacum L.		

۱- واژه صحیح آن «خزاز» است و به معنای خزر الصخور ازگیاهانی است که امروزه به آن «کلسنگ» گویند.

Taraxacum officinalis Will.	طَرَخْشَقوق	طباطبائى

۱۲۱۵ – طراثیث مراثیث طراثیث طراثیث طراثیت طراثیت مطراثیث طراثیث طراثیث طراثیث طراثیث طراثیث طراثیث طراثیث طرائیث طراثیث طراثیث طراثیث مطرد آن است و جنسی از «کماة» و «فُطُر» است که بدون ریشه و بذر می میروید عصاره میروید عصاره میروید به مطرفی است که بدون ریشه و بذر می میروید میرون می از میرون م

أُوروبَنْجي (Orobankhe): نوعی «طراثیث» با برگردان عربی «خانق الکرسنة» است و در بعضی از ترجمه به آن «جِعْفیل» گویند و اهالی مصر آن را بعنوان «هالوک» میشناسند چراکه هر گاه بین گیاهان مـزرعه روئیده شـود مـوجب از بـین رفـتن آنهامیشود. [بن یـطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۲۲]

Cynomorium coccineum L.	طراثيث	ز. –خ. –ط.
Orobanche caryophyllacea SM.	نوعي طراثيث، خانق الكرسنه، جعفيل، هالوك	ديسكوريد
Cynomorium coccineum L.	طرثوث، مَصرور، زُبّ الأرض، أبر الحَبَش، أبر الذنب	الموسوعه
Phelypaea coccinea Poir.	طرثوث أحمر، هالوك شرقى	الموسوعه
Phelypaea egyptiaca Walp.	طرثوث مصری، هالوک ریحی	الموسوعه

۱۲۱۶ -طَراشَنَه، طراشنة، طراشنه ن نامهاى ديگر آن: جعفريه الله العجول عمية العجول عني بهبود دهنده سفيدى چشم

	. , .	
Tagetes erecta L.	کل جعفری	پارسا

۱۲۱۷ -طَراغُثون ؛ به معنای قوسی و نام دیگر آن «قوسی» است. ا

۱۲۱۸ ـ طراغو بوغن ، طراغوثن نز: نامهای دیگر آن: "رازی" می گوید: نام های دیگر آن «قومسی» و «مُنَلَّث» است. ۲ اشبیلی میگوید: برخی آن را به اشتباه «لحیة التیس» و برخی آن را «ذَکر الهر» میدانند. نن

۱۲۱۹ - طراغوس<sup>د،</sup>: نوعی از حبوب - برخی آن را «طرامیش» و عدهای «سلت» و گروهی «خندروس» و بعضی «دوسر» میدانند که صحیح است.<sup>در</sup> ۱۲۲۰ - طراغون سقربیون<sup>در</sup>:

۱۲۲۱ -طراغین ؛ نامهای دیگر آن: طرغاین ، سقونیوس

طراغین (Tragion): برگردان عربی آن وتیسی، است و بنا به نقل "ابن جلجل" نوعی درخت ومصطکی، است ولی من ـابن بیطار ـاز آن اطلاعی ندارم.

طراغین آخر: نوعی از گیاه قبلی است که در جزیره أقریطِش میروید.

طراغین آخر: گویند «حُمّاص بحری» است ولی من \_ابن بیطار \_از آن اطلاعی ندارم.[بن بیطار (درشرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۴۴ و ۴۵ و ۴۶]

Hypericum hircinum L.	طراغين - تيسى	ديسكوريد
Tragium columnae Spreng.	طراغين	ديسكوريد
Ephedra distachya L.	طراغين	ديسكوريد

۱۲۲۲ -طَراغِیُّون'، طراغیون ۳، طراغیون ۴، طراغیون ۴؛ نامی یونانی به معنای مشابه «بیش» و دارای دو نوع است. ۳

Hypericum hircinum L.	طراغيون	زرياب
Pimpinella trgium Vill.		
Androsacinum hircinum Spach.		

۱۲۲۳ ـ طراغیون آخر<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن در کتاب دیسکورید: سقربیون مطراغین ۱۲۲۳ ـ طرامه  $^{\circ}$ :

۱۲۲۵ - طَزح النواتية عن نام ديگر آن: كاشم الصغير الله

۱۲۲۶ - طُرْخون ، طرخون ن معرب ترخانی فارسی ا نامهای دیگر آن : طُرخون اس طرخون است برخی از علی الله علی دیگر عروباوس س - بلخی : طرخون است برخی آن را نوعی «کرفس» می دانند و برخی عروباوس س - شیرازی: ترخونی س - شیرازی: ترخونی س - شیرازی: ترخونی سی است و در محلهای مرطوب و باغها گفته اند «عاقِر قَرْحا» است و لی صحیح و مشهور آنست که گیاهی مشابه «کرفس» با نام «مقدونس» است و در محلهای مرطوب و باغها می می وید و در فاس و جزایر به «معدنوس» معروف است. وجه تسمیه آن به «مقدونس» بخاطر اینست که در شهری به نام «مقدونیا» بسیار رویش دارد ن اشبیلی می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شطریة» و عده ای «عاقرقرحا» و برخی آن را گیاه خوراکی مشابه «حبق الحمامی» با ساقه ای قرمز است.

Artemisia dracunculus L.	طرخون	ز.،ال.،پ.،ط.،،E

۱۲۲۷ - طرّفا'، طرفاء "، طرفاء"، طرفاء "، طرفة ، طرفة على الم ميوه)، جزمارج "، طَرْفَه ": نامهاى ديگر آن: فارسى: گز" - هندى: جهار ا، برواه " - رومى: موريقا' - سريانى: عرا' - يونانى: اريقابوشا'، مورسقى ا - فارسى: طنجبين (ترنجبين) أ - "غسانى" مىگويد: داراى دو نوع برى و بستانى است به نوع بستانى «اَثْل» و به برى «طرفة» گويند و گياه معروفى است: "فلاحة" مى گويد: داراى چهار نوع است: "فلاحة" مى گويد: داراى چهار نوع است نوعى از آن «كزمازك» است. "عقيلى " مى گويد: داراى چهار نوع است: نام هاى نوع اول: بزرگ: اثل ا - ميوه: عذبه ا - به هندى : نتهى مائى ا، درخت سال ا - نام نوع دوم: .... نام نوع سوم: هندى: برى مائى ا - نام نوع چهارم: ... "زين الدين" مى گويد: داراى انواعى است يک نوع «کزمارج» خوانند و آن «اثل» است و «حب الاثل» گويند و «ثمرة الطوفان» خوانند. " اشبيلى " مىگويد: «طرفاء» از جنس هدبات و نوعى درخت بزرگ و خاردار است داراى پنج نوع بستانى و برى را «طرفاء» گويند، نامهاى ديگر «طرفاء» عبارتست از: موريقا - طمرشکه - تاممشت - اثاب - اثل بستانى و برى است، انواع بستانى را «أثل» و برى را «طرفاء» گويند، نامهاى ديگر «طرفاء» عبارتست از: اقاقليس - خرمازق - طمرشکه - خوفان - خمَر - مَرْخة - نُضّار - به تعبيرى ديگر نوعى طرفاء «اثل» است و ساير نامهاى آن عبارتست از: اقاقليس - خرمازق - طمرشکه - خوفان - خومان - جرمان - خومان - جرمان - شري - شري خومان - جرمان - شري -

موريقي (Murike): شجرة الطرفاء [ابن يبطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ١ - ٨٩]

Tamarix tetrandra Guebh.	سیاه گز	پارسا
Tamarix gallica L.	طرفاء	طبا خطا.
Tamarix gallica L.	موريقي - شجرة الطرفاء	ديسكوريد
Tamarix pentandra Pall.	<b>ک</b> زمازج	پارسا
Tamarix tetrandra Guebh.		
Tamarix articulata Vahi.		
Tamarix sp.	أثل، طرفاء	الموسوعه
Tamarix sp.	طرفاء	EN.

١٢٢٨ -طَرْفَريدُس؛ (نامي يوناني) نام ديگر آن: عشبه كثيرالاغصان

۱۲۲۹ –طَرْفُولُس'؛ (نامی یونانی) ۱۲۳۰ ـ طرنة<sup>ی</sup>: **نام دیگر آن** به عربی: بساط الغول<sup>ی</sup>

Polygonum avicularee L.	بَطْباط، جُنْجُر، طُرْنَة، شَبَط الغول	الموسوعه

۱۲۳۱ - طریخومانس<sup>نر</sup>: همراه کربزة البئر میروید و دارای همان خواص است.

۱۲۳۲ - طِرِیفُلُن ، طریفلن می طریفلن می طریفلن ، طریفلن (نامی یونانی)، حرمانه به معنای دو ثلاثة او راق تحقی نامهای دیگر آن: سریانی: طریفلن می اسواس اسفلیطس اکسوفیلن می جده حزان اس بیطار می گوید: نام مشترکی بین چند کیاه است که به «حندقوقا» و یکی از انواع «خُصی الثعلب» و «حومانة» گفته می شود. آشیبلی می گوید این نام به انواع گیاهان یکساله و بیشتر انواع «خُصی الثعلب» و نوعی «الطورنه شول» (۱) گفته می شود. و همچنین گیاهانی را که دارای سه برگ از یک رگبرگ اصلی هستند نیز شامل می شود. می شود.

طریفُلُّن (Tiphullon): عامه گیاهشناسان اندلس به آن «طریفل» گویند و اهالی آفریقا آن را «حشیشة الحُمَّی» و «حومانة» مینامند. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۴]

Psoralea bituminosa L.	طريفلن	زر. – طبا.
Psoralea bituminosa L.	طريفلن - طريفل - حشيشة الحمى	ديسكوريد
Trifolium sp.	طريفلن	EN.

۱۲۳۳ -طَریقولیون، طریفولیون ٔ نامی یونانی به معنای «ذو ثلاثهٔ عناقید» (سه خوشه ای) برخی آن را «تربد» دانسته اند که چنین نیست. ٔ

طُریفولیُون (Tripolion): ابن وافد آن را نامی برای «تَرْبد» میداند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

Aster tripolium L.	طريفوليون	زرياب
Plumbago europaea L.	طريفوليون	EN.

۱۲۳۴ ـ طِلاء ؟: گويند نوعي «قطران» است.

۱۲۳۵ -طَلُع، طَلع، طَلع ، طَلع بن احمد" میگوید: منظور از «طلع» در قرآن «موز» است. ،

Musa sepintum	موز	طباطبائي
Musa paradisiaca		

۱۲۳۱ ـ طمرة<sup>c</sup>: نام **دیگر آن در کتاب** رازی: خِروع<sup>c</sup>

Ricinus communis L.	خروع	الموسوعه
	رق	3.3

۱۲۳۷ ـ طَهطفٌ: میگویند نام «ذُره» است و گویند نام غذائی است که از آن تهیه می شود. ع

۱ - Torna sol اصطلاح اسپانیائی

Milium nigricans Ruis.	طَهَف	الموسوعه

۱۲۳۸ ـ طوارة ع: گویند نوعی «پیش» است. ع

Aconitum anthora L.	انتله سوداء، جدوار اندلسي، طَوّاره	الموسوعه

۱۲۳۹ ـ طوبه <sup>ع</sup>: (نامی عجمی) نام دیگر آن: نزد عرب: أشتر<sup>ع</sup>

Onopordon acanthium	أقسون، رأس الشيخ، شكاعي، طُويَة، فصّ الحمار	الموسوعه
---------------------	---	----------

۱۲۴۰ - طورنه شول<sup>(۱)</sup>: به گیاهانی گفته میشود که حرکت خورشید موجب چرخش آن هامیشود که سه نوع از این گیاهان عبارتند از: ۱ - ایلیوطروبیون با نامهای: ایلیوطروبیون با نامهای: ایلیوطروبیون با نامهای: ایلیوطروبیون با نامهای: ایلیوطروبیون طوماغا، سقربیون یعنی ذنب العقرب ۲ - نوع دیگر از الشمس، مائلة، ترتُلی، رعی الشواهین، کوکب الارض ۲ - نوع نر آن با نامهای: ایلیوطروبیون طوماغا، سقربیون یعنی ذنب العقرب ۲ - نوع دیگر از آن با نامهای: سفرابیدیداس، سقربیون یعنی مشابه دم عقرب ۴ -گیاهی معروف به ابی ان یموت ۵ -گیاهی آبزی با نام: طرافلون ۶ -گیاهی به آن رعی الحمام نیز میگویند.(هرچند این نام گیاه دیگری از انواع طراشنه است.) <sup>ان</sup>

۱۲۴۱ - طورنه لیته <sup>(۲)</sup>: دامداران بخور این گیاه را برای زیاد شدن شیر گوسفندان خود استفاده میکنند از اینرو به آن «ابیره» یعنی شیر گویند. <sup>در</sup> ۱۲۴۱ - طورنه مَریطه <sup>در(۳)</sup>، ظُفَیْره <sup>در</sup>: گیاهی است که به نظر عوام در سحر از آن استفاده میشود و به آن «نبات سحری» گفته میشود و زنان میپندارند با استفاده این گیاه هنگام ترک شوهرنشان موجب مراجعت آنان میشود. (شاید موجب مهر شوهرنشان شود.) و دارای دو نوع است: ۱ - نوعی «لفت بری» معروف به «اشبرون» - که از گیاهان مربوط به سحر و جادو است. ۲ - نوعی خزاز الصخر (گلسنگ یا خزه) که بر روی سنگها بوجود می آید. <sup>در</sup>

۱۲۴۳ - طَوَره: **نام دیگر اَن**: طیثومالس<sup>نی</sup>، الطانه - نام نوع دیگر آن: درغل- بوذافانن<sup>نی</sup>

۱۲۴۴ ـ طوقریوس<sup>ع</sup>، طوفریوس<sup>ن</sup>، طوفریوس<sup>ت</sup>: نوعیحی العالم<sup>ت</sup> نام <mark>دیگر آن</mark> یِزبَه اشبیلی است.<sup>نر</sup> - نـام نـوعی «کـمادریوس النُعُنُعی» است که اهالی اندلس به آن «شویعة» گویند و به لاتینی «یِژبَه آسلی» به معنای «عشبة الطحال» است.<sup>ع</sup>

Teucrium sp.	طوقَرْيون، طُيوقَرْيون	الموسوعه
--------------	------------------------	----------

۱۲۴۵ حطوله عن طوله المنظور و از ذوات الجُمم است. نام هاى ديگر آن: سفندوليون - قريطيقوس - انثار - بَعْصران - ترتيق - كاشم - يَعْفُر - فَيطل - ارتكا - الطّفرا - طفير - بعضى از مترجمان: كَمّون الابيض عن گويند نام وفيطل است و بنا به گفته برخى مترجمان نام وطيّ الله عن الله

۱۲۴۶ -طَيْرانَه ، طِيرنَه (۱۳۰ : نامهای ديگر آن:طشير ، طشور ا - اللقامن ا

۱۲۴۷ - طیطان ّ: **نام دیگر اَن:** کراث بری ّ

۱۲۴۸ - طیفی : دادی

طيفي (Tuphe): نوعي وحُلْفاء، معروف [بن يطار (درترجه ديسكوريد) ٣ - ١١٧]

Typha latifolia L.	طيفى	ديسكوريد
--------------------	------	----------

۱۲۴۹ ـ طیلافیون ت:

Tirina -۴ Toma marito -۲ Toma latia -۲ Toma latio -۲ Toma sol - ۱

#### حرف «ظ»

، ۱۲۵ ـ ظفراء و ظفيره : بنا به زعم برخي نام «فوذنج البري» است. ع

Mentha sylvestris	نعنع بری، ظفراء، ظَفیرة	الموسوعه

۱۲۵۲ - ظُفْرِة الفَرس: بقلي از نوع لسان الحمل **نام هاي ديگر اَن**: أنْيَه دي غاتُه<sup>(۱)</sup> يعني ظفرة الهِرّ - طبلة <sup>س</sup>

۱۲۵۳ -ظُفْرالقَطْ، ظفر القطة ، ظفرة القطّ : حشيشة الرئة " - فلوماين ا ، قلومانن " ـ يوناني : لوماين " داراي دو نوع بري و نهري با نام «شجرة ابي مالک» است. ا

Antennaria sp.	ظفر القط، رِجْل الاقِط، رجل الهرَ، أنْتبنارِية	الموسوعه

١٢٥۴ –ظُفْرقَطُوراً، ظفر قطوراً: (نامي سرياني)

۱۲۵۵ ـ ظفر النسر<sup>ع</sup>:نام دیگر آن به یونانی «قاطاننقی»، به معنای «کفّ العُقاب<sub>»</sub> است.<sup>ع</sup>

۱۲۵۶ - ظِلَّامُّ:

١٢٥٧ ـ ظِمَّخُ: نام ديگر آن نزد اعراب قيروان: تمر الجوذر<sup>(٢)</sup>َ

۱۲۵۸ –ظَیّان'، ظیّان ٔ، ظیّان ٔ، ظیّان: ن**امهای دیگر آن**: بهرامج البت<sup>ش</sup> - فارسی: یاسمین بری <sup>استی</sup>، یاس سفید' – اندلس: بریدفوقه ٔ (به معنای عشبة النار) – بربری: ابزیر ٔ، ابزیزهٔ، ابرزا ٔ – هندی: جوهی ٔ، جاهی ٔ، جنکی چنبیلی ٔ – نوع مغربی: عشبه مغربی ٔ ـ یونانی: پِرْبَة دی فُویقَّه، یربه دفوفه ٔ به معنای عشبة النار<sup>ع</sup>

Clematis ochroleuca Poir.	ظیّان، مَلْعی ضَیّقَة الورق	الموسوعه

## حرف «ع»

۱۲۵۹ حاقرقرحا، عاقرقرحا، عاقرقرحا، عاقرقرحا، عاقرقرحا، عاقرقرحا، عاقرقرحا، عاقرقرحا، تاغندست، تاغندست، كركرهن : بيخ وطرحون دشتى است. عاقر قرحا، معرب «اكركره» هندى و يا لغت نبطى است. ابرخى گلويند لغت عربى مشتق از «عقر» يعنى قطع شده و «تقريح» به معنى جراحت كننده است. زيرا با آن عمل تقريح را انجام مى دهند. انامهاى ديگر آن: ريشه طرخون الرومى ، عود الفرح - ديسكوريد: فورثرون ، قوريون ، فورثون - رومى: كيكرا ، كاكره - فارسى: كزطلخون عوام: تكنطِشت عبارون - برطره - "ابن بيطار" مى گويد: «عاقرقرحا» گياهى است معروف كه به بربرى آن را «تاغندست» گويند و به گياه ديگرى كه مترجمان كتاب ديسكوريد به آن اشاره كردهاند، نيز گفته مى شود زيرا «عاقرقرحا» را غير از سرزمين مغرب تاكنون در جاى ديگر نمى شناختند و اولين مكانى كه آن را شناختند و من آن را همان مكان ديده مهر قسنطنة الهوى بوده است. ع

۱- نام عجمي اسپانيائي Unya de Gato

۲-الموسوعة: درختي مشابه درخت «دلب» است و همچنين در لغت طيّى نام درخت دتين؛ است بعضي نيز به درخت دسماق، گويند.

Anacyclus pyrethrun DC. Anthemis pyrethrum L.	عاقرقرحا	ز.، پ.،خ.، ط.
Anacyclus pyrethrun DC.	عاقِر قَرْحا، عود القرح	الموسوعه
Anacyclus pyrethrun DC.	Sanskrit: Akara-karava - Hendia & Bengal & Bombay: Akarakara - Madras: Akkirakaram	GLO.IN.

### ١٢۶٠ -عاقول : نام ديگر آن:شوكة الجمال

Alhagi mannifera Desv.	عاقول، حاج، زَنْجبيل العَجَم، أُشْترخار	الموسوعه
Alhagi maurorum		

۱۲۹۱ \_ عبب عبب ": نامهای دیگر آن: قاهره: کاکُنج و حب اللهو<sup>(۱)ی</sup> - میوه کاکنج " ۱۲۶۲ – عَبْهَر ، عبهر ام عبهر "، نرجس ": نامهای دیگر آن: نرجس اللهو " ماهالی شام: شجر اللَّبْنی و شجر الأصطرک اس شجرة النبی (ص) ، اصطرک ؟ ؟ شجرة النبی (ص) ، اصطرک ؟

Narcissus tazzetta L.	نرجس – عبهر	زریاب
Narcissus poeticus L.		
Leucoium sp.	энр	الموسوعه

۱۲۶۳ –عُبَيْثُرانَ، عبوثران ، عبَيثرانَّ: **نامهاي ديگر آن**: عبوثران ٔ – هندي: دانه ، داونه مروا ، شجره مريم ، بخور مريم <sup>۲</sup>

Artemisia judaica	شِيح اليهودية، شِيْحان، عَبَيْتران، عبوتُران، بَحْتُران	الموسوعه
Alhagi maurorum		

۱۲۶۴ – عُتُم س، عتم <sup>(۲)ع</sup>، عتم ه، زَغْبج ش: نام های دیگر آن: زیتون الجبلی ع، زیتون کوهی ت ـ میوه: زبّوج ع ـ یونانی: فیلورا ویلورا (Philura): ابن وافد ـ رحمه الله ـ بر این گمان است که آن نام «شجر المَحْلَب» است و ابن حَسّان آن را «شجرة العُتُم» که دانه ای به نام «زغُبُج» دارد می داند ولی هر دو نظر خالی از اشکال نیست.[بن بیلار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۹۰ د ۱۰۷

Olea oleaster L. Phillyrea latifolia L.	عتم	زرياب
Phillyrea latifolia L.	فيلورا	ديسكوريد
Olea oleaster L.	الاأغريا - زيتون برى - عتم - زغبج	ديسكوريد

۱۲۲۵ \_ عُثْرُب<sup>(۳)ع</sup>:گروهی به آنرا نام وسمّاق، دانستهاند.<sup>ع</sup> ۱۲۶۶ *–عَثَق*، عث*ق <sup>۳</sup>، عثَق<sup>ع</sup>:نامهای دیگر آن: عثر <sup>۳</sup>* 

١- الموسوعة: دعب، در كتاب لسان به دانه دكاكنج، و دعنب الثعلب، و فشجرة الراء، گفته شده و از نظر ابوحنيفه نام درختي از انواع واغلاث، است.

۲-به زیتون رجوع شود.

۳-الموسوعة: ابوحنیفة: درختی در اندازه مشابه درخت دانار» و با برگی قرمز مشابه دترشک» ابتدا بر روی آن ترق علیه بـطون المـاشیة؟ و سـپس گـوشتی بـر آن بـسـته مـیشود و دارای خوشـههای قرمز رنگ است و دانهای چون دانه دترشک» دارد.

Buxus sempervirens L.	عثق، عثر	زریاب
Buxus sempervirens L.	عَنْق، بَقس دائمالخضرة، شَمشادأخضر، شَمْشير	الموسوعه

۱۲۲۷ ـ عجماً: "ابن بیطار" میگوید: بنا به نظر "غافقی" گیاهی است با نام بربری «تاغیغشت» و با نام «قولَلیّة»، ولی هنگام بررسی آن، مشخصات گیاه «مُسْتَعجلة» را ذکر میکند و از منافع «قوللیّة» غافل میشود البته او در اینجا اشتباه کرده زیرا «قوللیّة» گیاهی با نام یونانی «سطروثیون» است و آن غیر از «مستعجلة» است. ع

فاقوس (Phakos): عدس المأكول (عدس خوراكي) ـ عربي: بُلْسُن [ابن يبطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ٢ - ٩٦]

Lens esculenta Mo.	عدس	ز.،خ.،ال.،پ.
Lens culinaris Medic.	بلسن، عدس	طباطبائى

۱۲۲۹ ـ عدس الماء ، عدس الماء ": نام ديگر آن: طحلب - "صاحب منهاج" كويد «برسياوشان» است و صاحب جامع كويد «طحلب» است. "

Lemna sp.	عدس الماء	الموسوعه

۱۲۷۰ ـ عدس المُرَّ : نامهای دیگر آن: یونانی: سفارغانیون ٔ ـ سوسن بری ،

Hedysarum sp.	أيدصارون، فَأْس، عدس مُرّ	الموسوعه

۱۲۷۱ ـ عدس نبطی :

۱۲۷۲ ـ عُدَيْسَة <sup>(۱)ع</sup>: نامهاي ديگر آن: اندلس: مروشة ع ـ مزودة <sup>ع</sup>

۱۲۷۳ ـ عَذْبة عَ: (نامی مصری) نام میوه «أثل، است. ع

۱۲۷۴ ـ عرصف<sup>ع</sup>: گویند نام «کمافیطوس» است.<sup>ع</sup>

Ajuga sp.	غُرْصَف	الموسوعه
Ajuga chamaepitys L.	کَمافیطوس، عَرْصَف صَنوبری	الموسوعه

۱۲۷۵ ـ عِرصِم<sup>ع،</sup> عرصم<sup>ت</sup>: نامی یمنی است. نامهای دیگر آن: باذنجان بری<sup>ع</sup> ـ حَدَق<sup>ع</sup>

Streptosolen sp.	غزضم	الموسوعه

۱۲۷۲ ـ عرطنیثا<sup>ی</sup>،عرطنیثا<sup>ت</sup>: به «بخور مریم» و همچنین به گیاهی در شام با نام «مهد» که در ساحل غزّه میروید، گویند و برخی آن را «علج» مینامند و نزد اهالی مشرق به «قبلعی» معروف است و با آن لباسهای پشمی خود را میشویند.<sup>ی</sup>

١- الموسوعة: به انكليسي: Lenticular

Cyclamen spp.	عرطَنِيْثا، شَكَع، بخورمريم، زَهْرالمسيح، وَكُف، خُبْزالمشايخ، بَقْلامُس، رِكْفَه	
Cyclamen spp.	عرطَنِيْتَا	طباطبائى

۱۲۷۷ –عَرعر ، عرعر ، عرعه ، عرعر ، عرعر ، حرعر ، حرفاء الهندي : (نامي عربي) نامهاي ديگر آن: فارسي: سرو كوهي "، أبرس" – شيرازي: وهل " – سرياني: سروبياجبلا ا – رومي: قرنوس ا – يوناني: ثمارون ، اروس ، سرونمارون ا –بربري: طاكًا أ

أرقوش (Arkeuthos: عَرْعَر [ابن يبطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ١ - ٧٥]

Juniperus communis L.	عرعو	دى. – خط.
Juniperus sp.	شیزی، عرعر	الموسوعه
Juniperus oxycedrus	عرعر	طباطبائى
Juniperus vulgaris	عوعو	EN.

۱۲۷۸ - عرف : ن**امهای دیگر اَن:** نزدیک اهل مغرب: خوص و دوم ّ

۱۲۷۹ - عرفج بری ":**نام دیگر اَن:** عمون "

١٢٨٠ - عُرْفُطْ ":

Mimosa oerfota Fork.	عرفط	زرياب
Acacia oerfota (Forsk.)Sch.		
Acacia oerfota (Forsk.)Sch.	عُرْفُط	الموسوعه

۱۲۸۱ ـ عُرُقُصاء ؟: گروهی آن راگیاهی که در اندلس به نام «یربطورة» است می دانند ولی ابو حنیفه آن را «حُندَقوقی» می داند. ؟ ۱۲۸۲ حروق الصباغین ، عروق الصباغین ؛ نام های دیگر آن: بقلة الخطاطیف ، فوه الصباغین یا عروق الصفر ت ـ نام گیاه در کتاب دیسکورید: خالیدونیون طوماغ دارای دو نوع است، نوع بزرگ آن به فارسی «زردجویه» و به عربی «هُرُد» نام دارد برخی پنداشته اند «کُرگُم الصغیر» است و یا گمان کرده اند نام «مامیران» است.

الموسوعه عروق الصبّاغين، عروق الصّفر، بَقَلَة الخطاطيف، مِعِرّان Chelidonium majus
--

۱۲۸۳ حروق الصفر ، عروق الصفر ، خاليدونيون ، بقلة الخطاطيف ، شجرة الخطاطيف ، نام هاى ديگر آن: زرجوبک - عروق الزعفران ، حشيشة الصفرا ، عروق الصباغين - عربى: بردرده ، بقلة الخطاطيف - يونانى: خالدونيون ، خلدانيون ، طوماغا - رومى: كاليدونيون - عربى: زرچوبه ، زرد چوبه - هندى: هلدى - روالحطافى - دو نوع دارد نام نوع كوچك آن «ماميران» است. خاليدونيون طوماغا ( Khelidonion to mega ): گويند نام «كُر كُم» است ولى اين صحيح به نظر نمى رسد و «طوماغا» به معناى بزرگ است و برگردان اين نام به عربى «دواء الخطاطيف» است.

خالیدونیون طومقْرُن (K. to mikron): گویند نام «مامیران» است ولی این صحیح به نظر نمی رسد. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکوریه) ۲ - ۱۹۲۱ و ۱۹۲۹

Chelidonium majus L.	خاليدونيون	ديسكوريد
•	ويبادريون	

Chelidonium majus L.	خاليدونيون – زرجوبک	زرياب
Curcuma longa	عروق الصفر	طباطبائى

۱۲۸۴ – عریز الکبیر یا عزیر الکبیر ّ: **نامهای دیگر اَن:ق**نطوریون غلیظ ّ ۱۲۸۵ – عریز الصغیر یا عزیر الصغیر ؓ: **نامهای دیگر اَن:ق**نطوریون دقیق ّ ۱۲۸۶ ـ عثبة السّباع ؓ:

Daphne tartonrarira L.	كَرَد، عِشْبَةالسَبُع، دَفْنَة قاتلة	الموسوعه
Thymelaea tartonraira Endl.	_	

۱۲۸۷ –عُشْبِه مغربیه ع: نامی بر گرفته از وجه تسمیه آن زیرا ابتدا اهل مغرب از آن اطلاع یافتند و سپس در سایر شهر ها شناخته شد. ٔ – نامهای دیگر آن: مغرب: عشبه النار ٔ (زیرا تند است) – هندی: رس ٔ – رومی: سرینه ٔ – فرنگی: اسفرینه ٔ

Smilax sarsaparilla L.	عشبه	پارسا
L		

۱۲۸۸ - عُشَر ، عُشَر ، عُشر ، عُشر ، عشر : درختی اعرابی - یمانی - و از یتوعاتست. و ثمر وی را «خریع» خوانند. نامهای دیگر آن: عربی: عشار ا - یونانی: حجاکیوس - فارسی: خرل ، درخت زهرناک - هندی: آک ، اکون ، مدارا ا - جالینوس: تی سملیل سلم - دیودار سلم - "احمد بن داود" میگوید: «عُشَر» از انواع «عِضاه» است. ع

Calotropis sp. Calotropis procera R.Br.	عُشر	الموسوعه
Asclepias gigantea R.Br. Calotropis procera R.Br.	غنر	زرياب
Asclepias cynanchoides Humb.	غشر	EN.

۱۲۸۹ – عَشْرَق ، عِشْرِق ، عِشْرَق ، عشرق ، نامهای دیگر آن: یونانی: قرحا، مرفوران – اهـل حـجاز: سـنای عریض الورق، سنامکی سـ – سندی: قشوقی س، قوال سریسی سـ – بزر المرو سی می کند و من ـ ابن بیطاد ـ خود آن را دیده ام ولی به غیر از این نام دیگری برای آن نمی شناسم. [بن یطار (در ترجه کتاب دیسکوریه ) ۳ ـ ۱۱۴]

Circaea spp.	قرقا - ينكه	ديسكوريد
Circaea lutetiana	أبوسلام، عِشْرِق	الموسوعه
Cassia obeovata Coll. Cassia sophera L. Circaea lutetiana L.	عشرق - سنای مکی	زریاب
Cassia tora L. Cassia sophera L. Circaea lutetiana L.	عشرق	طباطبائى

١٢٩٠ - عشق الصبيان، عشر الصبيان:

Eryngium coeruleum	عشر الصبيان	طباطبائي
Eryngium creticum L.		

١٢٩١ -عَشَقَهُ : نامهاى ديگر آن: فارسى: اخفاك ، تال شال - هندى: چاندريل

Hedera sp.	عَشَفة	الموسوعه
		L

۱۲۹۲ – عصفر "، عصفر "، بهرم "، بهرم" مرّیق "، بهرمان "، حب العصفر "، خریع "، مریق "، نقد ": نام های دیگر آن: فارسی: خسق " – اصفهانی: کل کاوشه "، رنگ زعفران " - ابوحنیفه: عصفر " ۔ هندی: کُسُنْب "، بهرمان "، ثوب مُبهرَم " – خِریع "، بهرامج " – همدان: کاجیره " – سجزی: یَـلْم"، شَـوران "، سُـیُونک " – اِحْریض " – نام گیاه در کتاب جالینوس: اطراقتولیس " – بنا به قول حمزه: «بهرامه» نام گل آن و «هُسَک» نام گیاه آن است و «قرطم هسک» و «هسک توم» نام دانه و نام دیگر آن «کافیشه» است. " – نام دانه: قرطم " – دارای دو نوع بری و بستانی است."

«عصفر» معرب «هُسُكْفَر» است و آب آن «هسک آقه» که همان «عندم» است. "صاحب مفرده گوید نوعی «حرشف» است که به زبان بربری به آن «بانفیب» گویند. "

أَطْرُقُطُولُس (Atraktulis): نام «عُصْفُرالبرى» است و به لاتيني به آن «مَرَزْجون» كَويند. [بن يبطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ٣ - ٨٨]

Charthamus lanatus L.	amus lanatus L. أطرقطولس – عصفر البرى – مرزجون	
Charthamus tinctorius L.	عصفر	زر. –طبا.
Charthamus tinctorius L.	گل كافيشه - تخم كاجيره - قرطم	پارسا
Charthamus tinctorius L.	قُرْطُم الصبّاغين، تِرباض، عُصْفُر	الموسوعه

۱۲۹۳ - عَصَى الراعى ، عصاالراعى ، عصى الراعى ، عصا الراعى ، عصا الراعى ، عصا الراعى الراعى عربى ) ، بطباط ، برشيان دار ؟؟ دارى دو نوع نر و ماده است . و نامى عربى : بسباث بلى كوئيم - بربرى : رستنى نو ديه ، كورى زوله الحربى : عصا الراعى س و يونانى : طباظ ، بلغوثيون برمندار السيانى : شطبانى فلوعرين ، باقريقى خنجر المحطرى واعيا س و فارسى : برشيان دارو الله برسيان دارو س ، برسيان دارو س ، هزار بندك المحليوند س ، وى إيره سلانى الموزون س مشيوند س ، وى إيره سلانى الموزون س مسيان كسته الله ساك الموزون س معالى موسى المسيد : ديوزوان س ميطاط و خواص مشابه است نام نوعى از آن در فاس «بوعقاد» است. نام نوع دوم آن «اذناب الخيل» و نوع سوم آن «اذناب الخيل» و نوع جهارم آن «اذن الوطواط» است.

بُلوغونُن Polugonon arren)):برگردان «أرّن» به عربی «ذَکَر»(نر) است. نام گیاه «عصا الراعی» است و گویند به سریانی به آن «شَبطباط»، «خطری دَعْیا» و «بَطباط» گویند.

بُلوغونُن (Polugonon thelu): نوع دوم «عصا الراعي» باكره هاى بسيار «كثير العُقَد» است.

فلوغوناطُن (Polugonaton): نامی است که جالینوس در مقاله هشتم به آن اشاره کرده است و ابـن حسـان نـام لاتـینی آن را «غُوْدَیالَه»(Corrigiola)میداند ولی من ــابن بیطار ــآن را نمی شناسم. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۴ و ه و ۲]

Polygonum aviculare L.	بلوغانن –عصا الراعي – بطباط	ديسكوريد
Cephalaria pilosa Schr.		
Equisetum pallidum L.	بلوغانن -عصالراعي	ديسكوريد

Polygonatum officinale L.	فلوغاناطن -غوذياله	ديسكوريد
Polygoum sp.	قَرْدُب، عَصا الراعي	الموسوعه
Polygonum aviculare L.	عصا الراعى - بطباط - صذبيوند	زرياب
Polygonum aviculare L. Polygonum amphibium L.	عصا الراعى	طباطبائى
Polygonum aviculare L.	عصا الراعى	خطابی
Equisetum arvensi Polygonum amphibium	عصا الراعى - ذنب الخيل	خطابى
Polygonum equiestiforme Sibth.	عصا الراعي	EN.

# ۱۲۹۴ ـ عُصَيْفرة عميفره ": نام ديگر آن: در بغداد و موصل: خيرى با كل زرد على

Impatiens balsamina L.	بَها، عُصَيْفِيرة، مِجْزاعة	الموسوعه
Balsamina hortensis L.		

۱۲۹۵ ـ عَضْرَس<sup>(۱)؟</sup>: میگویند نام «ختمی بری» معروف به «شَحْم الْمَرْج» است.<sup>۶</sup> ۱۲۹۶ – عِظْلم ّ، عِظْلِم ٔ، عظلم ّ: نامهای دیگر آن: نیل ّ ّ، وَسْمةاللَّذَكَر ّ – نام عصاره خشک شده آن «نیلج» و «سُدوس» است. ّ گیاهی است که از آن «نیلج» گرفته میشود و بعضی دانشمندان ما آن را «وَسْمة» نامیدهاند.<sup>۶</sup>

أساطيس أغرِيا (Isatis agria): نام «نيل البرى» است و نزد گياهشناسان معروف و شناخته شده است.

أساطِس (Isatis): نامهاى ديگر آن عبارتست از: نيل ـ نيلَج ـ طين الأخضر ـ عَين الأخضر ابن يبطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ٢ ـ ١٦٥]

Isatis tinctoria L.	عظلم	زرطبا.
Indigofera tinctoria L.		
Isatis tinctoria L.	أساطس،نيل،نيلج،طين الأخضر،عين الأخضر	ديسكوريد
Isatis sp.	وَسْمَة، وَسْمة، عِظلِم	الموسوعه

۱**۲۹۷ –عَفار <sup>۳</sup>، عفار <sup>(۲)ع</sup>:گروهی آن را میوه «قاتل ابیه» دانستهاند ولی مشخصات «عفار» با «قاتل ابیه» متفاوت است. نام دیگر آن بنا به گفته ابو حنیفه «جَناء الأحمر» است وگویند نام «مرخ» است.<sup>ع</sup>** 

Arbutus unedo L.	عفار	زرياب
		L

۱۲۹۸ - عَفْص ، عفص ، عفص ، عفص ، عفص ، عفص ، عفص ا نامهای دیگر آن: قیقیدیس – رومی: قیسوس – یونانی: ققیس – سریانی: افصی ، میشی – جالینوس: قیقیس – فارسی: مازو س – ترمذی: سکفس – بخاریه: سکوک ، مازن شیر س – شیره آن «بسباس» نام دارد. سبز آن بهترین است و بی سوراخ است و آن را «نعاقلیس» خوانند و آن غوره بود. قیقیس (Kekis): نام «عَفْص» و بنا به بعضی از تفاسیر نام «قُشْف» است که به لاتینی به آن «جُولَه» (Galla) گویند. [بن یطار (در ترجمه کلب دیسکورید) ۱۰۹۰]

۱-الموسوعة: نام وخطمي مخزني، (ختمي داروڤي) است كه گل أن قرمز رنگ است و پوزه حيواناتي راكه از أن ميخورند به رنگ سياه ميشود.

۲-الموسوعة: ابوحنيفة: بعضي از اعراب مرا مطلع ساختهاند كه گياهي است مشابه وغييراء، باگلي مشابه باگل آن و أن درختي است خار دار و لذلك جاد للزناد؟

Quercus lustanica Lam.	ققيس -عفص -قشف - جوله	ديسكوريد
Quercus infectpria Olivier	مازو – انار – مایفلا (هند)	پارسا
Quercus lustanica var. tauricola	مازوی بصره	پارسا
Quercus sp.	مازوی تیغ دار - زیاش ماشی	پارسا
Quercus lustanica Lam. Cynips gallaeturcieae Hart.	عفص -قيقس - مازو -قيسوس	زرياب
Quercus lustanica Lam. Thuya orientalis	عفص	زر. –طبا.
Quercus ilex L.	عفص	خطابی

# ۱۲۹۹ - عُقًار<sup>(۱)</sup>س:

Urtica pilulifera L.	عقار	زرياب

١٣٠٠ - عُقَيْفاء ":

۱۳۰۱ -عَكْرَبُ: نوعي حرشف بري

۱۳۰۲ - عكرش"، عكرش؛ نامهاى ديگر آن: شجرالكلب"، حسك الفِراخ" - سجزى: بُنُو" - ثيل"، نجمه" ـ حجاذ: بکرش<sup>ع</sup> گروهی آن را همان «ثیل» دانسته اند و برخی گفته اند «قصبی» نوعی از آنست و برخی دیگر آن را نـوعی «عکــرش» دانسته اند. تق [ابن بيطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ۴ - ۲۷: به ثيل رجوع شود]

Agropyrum repens Be.	أغرسطس، نجم، نجيل، نجير، عكرش، ثيل	ديسكوريد
Festuca sp.	عِڬڕۺ	الموسوعه
Agropyrum repens Be. Aeluropus littoralis Ga. Aeluropus repens De.	عكرش - ئيل - نجمه	زرياب
Agropyrum repens Be. Festuca altissima Boiss.	عكرش	طباطبائى

۱۳۰۳ حَکْنَه ، عکنة ؛ (نامی بربری) نوع دقیق - نازک - «سورنجان» است. انامهای دیگر آن: لعبة البربریة ع سورنجان عصر: عكنة عاندلس: سورنجان الدقيق

|--|

۴ ۰ ۱ ۳ - علث (۲)ع: نامهای دیگر آن: یونانی: خندریلی

۵ - ۱۳ - عَلَجان عَ: (نام عربي در آفريقا) نام هاي ديگر آن: قرّاح

۱-الموسوعة: اللسان:گياهي علفي است كه به اندازه نصف قامت رشد پيدا ميكند و ميوه أن چون فندق است و مزهاي بسيار تلخ (ممضّ)دارد و أن را هيچ موجودي نعيخورد حتى سگ و هرگاه به آن لب زند عو عو میکند و عقار را دناعمة، نیز نامیدهاند و ناعمة زنی است که آن را پخته و با خوردن آن گشته شده است.

٢- الموسوعة: اللسان: دطرفاء، و دحاج، و دينبوت، و دعكرش، همكي نوعي دعُلْث، هستند. ج: أعلاث

Arundinaria sp.	عَلَجان، عَلَج	الموسوعه
Silybum marianum Gae.		

۱۳۰۶ –عَلَس'، زاآء<sup>ی</sup>، علس<sup>ع</sup>: **نامهای دیگر آن: ف**ارسی: گندم مکه ٔ ـ عجمی اندلس: أشقالیة ٔ ـ علس ٔ زآا(Zea): نامهای آن عبارتست از: عربی: کنیب، اندلسی: عَلَس ـ لاتینی: أِشْکالیّه (secale)ـ «جلبان» دانستن آن اشتباه است. أُولیرا(Olura): دانه ای از جنس «زآا» ست و نوع دوم آن با نامهای «علس» و «کنیب» است.[بن یطار(در ترجمه کتاب دیسکورید)۲ ـ ۷۵ . ۷۷

Triticum monococcum L.	زاًا - علس - كنيب - أشكاليه	ديسكوريد
Triticum dicoccum Schr.		

۷ ° ۱۲ - علقم ، علقم : نام ديگر آن: قتاء الحمار - ابوحنيفة كويد: نام «حنظل» و نام هر كياه تلخى است. كويند «قثاء الحمار» است و كويند «حنظل» است و هر چه تلخ باشد آن را «علقمه» خوانند.

۱۳۰۸ - علیجان "، قراح ": نباتی مانند «رازیانه» است که گوسفند و خر آن را میخورند و مؤلف گوید آن را به شیرازی «که» گویند. "
۱۳۰۹ - عُلِیق "، علیق "، علیق "، عُلیق "، عُلیق "، عُلیق "، عُلیق است و «عوسج» هم نوعی از «علیق» است. "نامهای دیگر آن: توت العلیق " - جرجان: تمش " - یونانی: باطس ، ناطس " - رومی: روس ، سایر ا - فارسی: وزد ، در "، کیهه " - باطوس " - شیرازی: توت سه گل " - دیلم: تموش ا - ترکی: بکوز تیکان ا عُلیق " - نام میوه آن به فارسی: اُلُدر " دارای دو نوع جبلی و غیر جبلی است نام یونانی نوع غیرجبلی آن «سازساهوره» است. ا

باطُس الوحشی (Batos):گیاه خاردار مشهوری است که اهالی اندلس و اهالی مغرب به آن «عُلَّیْق»گویند و میوه آن به نام «توت » است و به بربری به آن «ثابْقا» و به لاتینی «أرجَه»گویند.

باطس اأیذا (Batos idaira): به معنای روئیدن آن در محل «أیذی» و آن کوهی است در شهرهای روم و نوعی از «عُلَّیق» باشد که خار ندارد. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ ـ ۳۳ و ۳۴]

Rubus fruticosus L.	باطس، علیق، توت وحشی، ثابقا، أرجه	ديسكوريد
Rubus Idaeus L.	باطس آ.يذا - نوعي از عليق	ديسكوريد
Rubus sanctus Schreb.	توت سه گل - تموش - بخورتیگان - لام - تندل - کرتیف - تمشک	پارسا
Rubus sp.	عَوْسَج، عُلَيْق، باطُس، شَوْكُل	الموسوعه
Rubus fruticosus L.	عليق	ز. –خ. –ط.
Rubus fruticosus L.	عليق اسود	EN.
Rubus ideaus L.	عليق احمر	EN.

۱۳۱۰ - عَنَاب، عناب، عناب، عناب، زفیزف (نامی اندلسی): نام دیگر آن به سریانی «زیزوفی» است. "غسانی می گوید: دارای انواع فراوانی از قبیل بری، بستانی، قرمز و سفید است و منظور در اینجا نوع احمر آن می باشد و در شهر فاس رویش بسیاری دارد و عوام به آن «زفزوف» گویند. نوع سفید آن که از گیاهان نواحی مغرب نبوده و در خراسان و شام و مصر می روید و به نام «عناب الابیض» و «ازادرخت» معروف است، محل اصلی رویش آن در شهرهای فارس بوده و در آنجا دارای سموم کشنده ای بوده که با انتقال آن به مکانهای دیگر حالت سمی خود را از دست داده است و عرب آن را «لَبَخ» می نامد تابن بیطار " در کتاب عمدة الطبیب فی معرفة النبات می گوید: «عناب» درختی با انواع فراوان از جمله بری، بستانی، سفید، و قرمز است، نام نوع سفید آن «ازاددرخت» معرفة النبات می گوید: «عناب» درختی با انواع فراوان از جمله بری، جبلی» و نوع دیگر آن «شوکی» با نام عربی «أشکل» و نوع

چهارم «بُرجین» و نوع آخر آن «سدر» با نام یونانی «فلیورش» و نام عجمی «شفلیش» و نام عربی «غُنّاب» است. نام دیگـر آن مربوط به نوع بری یعنی «زفیزف» و «نبق» است که معروف به «خرز الملوک» می باشد. در کتاب صیدنه «عناب» با نام یونانی «زیزوفی» آمده است. ٔ [بن یطار (درترجه کتاب دیسکورید) ۱ ـ ۴۴: به رسدر، رجوع شود.]

Zizyphus vulgaris L.		عناب	پارسا
Zizyphus jujuba Lam.		عناب	طباطبائی
Zizyphus sativa G. Syn: Z.vulgaris L.	Bombay: Unnab		GLO.IN.
Zizyphus sativus Gae. Rhamnus zizyphus L.		عناب	زرياب
Zizyphus sativus Gae.		عناب	خطابى
Zizyphus sativa Gae. Zizyphus vulgaris L. Rhamnus zizyphus		عُنَاب	الموسوعه
Zizyphus vulgaris L.		عُنّاب	EN.

#### ۱۳۱۱ ـ عنبا ً: (گیاهی هندی)

Mangifera indica L.	أنبج، مَنْفا، مَنجا، مَنْفو، مَنْجو، عَنْبا	الموسوعه
Mangifera indica L.	Hendia & Bombay: Am, Amb	GLO.IN.

۱۳۱۲ –عِنَب'، عنب خمری "، عنب ، عنب ، عنب ، عنب ٔ: (نامی عربی) نامهای دیگر آن: فارسی: انگور <sup>۳</sup> – ترکی: اوزم ٔ – هندی: داک ٔ – رومی: اصطفیذه " زرجون شن: نام «کُژم» است و گویند نام چوب آنست و همچنین گفته شده نام باران ریخته بر (مستنقع) بر روی صخره هاست . "

Vitis vinifera L.	عنب خمری	زخط.
Vitis vinifera L.	كُرْمَة العنب، كرمة عنبية	الموسوعه
Vitis vinifera L.	Hendia & Punjab & Bengal: Angur	GLO.IN.

۱۳۱۳ - عنب النّعْلَب، عنب الثعلب "، عنب الثعلب"، عنب الثعلب "، وباه تورک (به معنای انگور روباه)، شکر انگور روباه ، شکر انگور روباه ، شکر انگور روباه ، شکر انگور روباه " وبارزج "، گَلَنْکُر "، سگانگور " - ترکی: قوش اوزی المیسکورید: اطزوخیوس " - سندی: قواد " - حُبَبُ الثعلب " - زابلی: سک انگور " - سجزی: کنکررَزی " - عربی: فنا " - اصفهانی: تاج ریزی المیندی: مکویومکوی ایکا ماجهی المیسی ا

شطروخْنُن البستانی (Strukhnon kepaion): گیاه معروف به «عِنَب النَّعْلَب» است که به عربی به آن «فَنا» گویند و همان «رثلثان» است و از اعراب خود شنیدم به این گیاه «ثلثُلان» هم میگویند و به فارسی به آن «زرَوَانْ زَنْج» و «روْزبارج» گفته است. می شود و در زبان رومی «اسْطَرَخُلو» دیسکورید (Strychnus) (Strychnus) نام دارد و نام لاتینی آن «أو به قینیة» (Uva canina) و همراه با این ترجمه «کاکنْج» را یادآور می شود که نام لاتینی آن «غالِبة» است و اهالی اندلس و مغرب به آن «حب اللَّهُو» گویند و به رومی «أللیقاقائن» (Halikakkabon)نام دارد و عامه مصر به آن «عُبّب» گویند و جالینوس انواع «عنب الثعلب» را در فصل هشتم از کتاب خود ذکر کرده است. (بن یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۵

Solanum nigrum L.	عنب الثعلب	زرطبا.
Solanum nigrum L.	سطروخنن البستاني، فنا، ثلثان، عنب الثعلب	ديسكوريد
Physalis alkekengi L.	نوع دوم عنب الثعلب، كاكنج، حب اللهو	ديسكوريد
Physalis glkekengi L.	کاکنج – عروسک پس پرده	پارسا
Physalis alkekengi L.	حبوة كاكنجية، كاكنج، كَرَز القدس، شاش القاضي	الموسوعه
Paris incompleta Bieb.	فَناة، عِنَب الثعلب	الموسوعه
Solanum nigrum L.	عنب الثعلب برى	خطابی
Physalis alkekengi L.	عنب الثعلب بستاني	خطابی

۱۳۱۴ \_عنب الحية عنب الحيه ": به ميوه آن «هزار جَسان» گويند و آن «كرمة البيضاء» است و گاهي منظور يونانيان از اين نام ميوه «كبّر» است.ع"

Bryonia dioica Jaca.	71 5 77 11 ( (	16
Bryonia aioica Jacq.	له فاشرا سَوْداء، عِنب الحَيّة، خبيطة	الموسوعا

۱۳۱۵ -عنب الدُّب، عنب الدبَّ، عنب الدبِّ، عنب الدبِّ، عنب الدبِّ، عنب الدبِّ، عنب الدبِّ، عنب الدبِّ

Arctostaphylos uva-ursi Spren.	عَيْسران عِنب الدبّ، عِنب الدبّ	الموسوعه
		•

١٣١٦ ـ عَنْدُمَ ، عندم ّ عَنْدَم ْ : نامهاى ديگر آن: به گفته ابو حنيفة: بَقُّم عُنْهُ ـ ديگر مترجمان: دم الأخوين ۖ – نام صمغ: شيّان أُ

Caesalpinia sp.	عَنْدُم	الموسوعه
Caesalpinia echinata L.	عَنْدُم	خطابی

۱۳۱۷ \_ عُنْصُلَ<sup>ع</sup>، عنصل عنصل : نامهای دیگر آن: اسقیل - به گفته أبو حنیفة: بَصَل الْبَرَ - عموم مردم: بـصل الفأر - ع عُنْصلان - پزشكان: أشقيل ع

Scilla sp.	أشقيل، عُنْصُل	الموسوعه
Scilla sp.	غُنْفُل	EN.

١٣١٨ -عُنْقود':

۱۳۱۹ -عَنَمْ، عنم ، عنم ، عنم : نامهای دیگر آن: دیلم و تنکابن: دارواش - هندی: شکرداری

### بر درختان «أم غیلان» و بلندیها و…میروید…و صحرانشینان به آن «أکباب» گویند.<sup>ی</sup>

Loranthus curopeus Jack.	عنم	زرياب
Viscum album L.  Loranthus sp.	حَضَال، عنم	الموسوعه
Viscum album L.	,	

Aquilaria malaccesssis Lam.	عود	زرياب
Aloexylon agallocha Roxb.		
Aloexylon agallocha Roxb.	عود رطب	خطابى

۱۳۲۱ - عود انجوح ": نام دیگر آن: عود ینجوح "-نیکوترین «عود هندی» است که از وسط بلاد هند می آورند، بعد از آن نوع جبلی است که بهتر از هندی آن است."

۱۳۲۲ -عود الحيّه ، عود الحيّة ،عود الحيه ": شريف ميكويد: نبات آن در شهر سودان باشد و در آنجا مشهور است."

Ophioxylon serpentium L.	عود الحَيّة	الموسوعه
Viscum album L.		

۱۳۲۳ ـ عود الربح، عود الربح: نام مشتركی است كه در شام به گیاه «فاوانیا» دادهاند. در مصر به نوع كوچك آن «عـروق الصفر» یا «مامیران» میگویند، همچنین «عود الوجّ» نیز باهمین نام آمده است. عق

۱۳۲۴ -عود العُطاس ، عود العطاس ، عود العطاس : نام هاى ديگر أن: كندر - كندش "

بَطْرْمِیْقَی (Ptarmike): به معنای «مُعَطِّس» و مشتق از «بُطُرْموس»(Ptarmos) و نام دیگر آن «عُطاس» است و بـا اسـتفاده از ریشه های این گیاه دامپزشکان حیوانات را به عطسه در میآورند. [بنیطار (درترجمه کتاب دیسکورید) ۲ ـ ۱۴۵]

	Achillea ptarmica L.	بطرمیقی – عطاس	ديسكوريد
--	----------------------	----------------	----------

١٣٢٥ –عود القروح؟

Anthemis pyrethrum L.	عود القرح	EN.

۱۳۲۶ –عود الیسر٬ عود النسر؟ شریف آن را نام گیاهی با نام یونانی «أناغورس» میداند و دیگران آن را نامی برای چوب «خطمی» یا چوب «مَحْلب» یا «أراک» میدانند.؟ ۱۳۲۷ - عَوسَج ، عوسج ، تفکد ، مصنغ (میوه) ، اشکیل (حسم عوسج): نوعی علیق نامهای دیگر آن: خاربُن – امّ غیلان – سریانی: هطی ، هطاطی – فارسی: شکی ، تنکر – سجزی: زیر خار ، سبیذخار ، اسکیلم چشم – نام میوه: برم – نوعی از «عوسج» را «امغیلان» خوانند و در بیابانها بود. رامنس (Rhamnos): نام دیگر آن «عَوْسَج» است و اعراب هنگام تنومند شدن درخت به آن «غَوْقَد» گویند. [بن یطار (در ترجه کاب دیکرید) ۱ - ۱۲]

Rubus sp.	عَوسَج، عُلَيق، باطُس، شَوْكَل	الموسوعه
Rhamnus infectoria L.	عوسج	زریاب
Lycium afrum L.		
Lycium europaeum L.		
Rhamnus cathartica	аешя	طباطبائى
Lycium afrum L.	عوسج	دىخط.
Lycium sp.	эешэ	EN.

۱۳۲۸ ـ عیثام ، عیثام ": برخی از مترجمان آن را درخت «دلب، میدانند. ۴

Platanus sp.	عيثام، دلب	الموسوعه

#### ۱۳۲۹ - عيدس، عيد (۱۳۲۹

۱۳۳۰ - عین البقر، عین البقر ، عیون البقر ، عیون البقر ، عیون البقر ، نام نوعی «اعناب السّراة» است. نوعی «انگور» درشت دانه ای است که نزد اهل مغرب به نام «آلوی» بزرگ دانه مشهور است. اهالی مغرب «أجاص» را به این نام گویند و أبو حنیفة آن را نامی برای «عنب» بزرگ سیاه می داند. قسم - نامهای دیگر آن: جالینوس: بوبثالمیوس - عربی: البهار ، عین العجل و خارسی: گاوچشم ، غاوشیرک

بُقَثُلْمُن (Buphthalmon): برگردان نام یونانی آن به عربی «عَیْن الْبَقَر» است و در ترجمه فصل ششم کتاب جالینوس معادل نام «بهار» ذکر شده است، و این گیاه از انواع «بابونج» ولی از آن بزرگتر است و به بربری به آن «أمَلّال» و به لاتینی «بیلْیةُ و» گویند و برخی دارای گل زرد و بعضی دارای گل سفید هستند.

قوقاميلا (Kokkumelea): شجر الأجاص ـ شاهلوك ـ شاهلوج ـ اهالي مغرب: عين البقر [بن يبطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ٣ - ١٣٤]

Anthemis arvensis L.	عين البقر	زرياب
Anthemis arvensis L.	بقثلمن، عين البقر، بهار، أملًال، بيليو	ديسكوريد
Prunus domestica L.	قوقاميلا، شجرالأجاص، شاهلوج ،عينالبقر	ديسكوريد
Schaenus sp.	عين البقر	الموسوعه

۱۳۳۱ -عَین الدیک'، عین الدیکة ، عیون الدیکه : درخت «بقم» است و آن را به فارسی «چشم خروس» خوانند. تنامهای دیگر آن: فارسی: چشم خروس ا – هندی: کهنکچی ا

۱- الموسوعة: اللسان: درختی کوهستانی است با شاخه هائی به اندازه یک زراع به رنگ خاکستری که فاقد برگ و گل است و ریشه هائی فراوان و پر گره دارد که گرمها بصورت متورم و آبدار به ریشهها متصل هستند.

Abrus pecatorius	عين الديك، شُشَم، عُصْبة السوس	الموسوعه

## ۱۳۳۲ ـ عين الهدهد<sup>ع</sup>، عين الهدهد<sup>"</sup>: (نامي در آفريقا) **نام ديگر آن**: آذان الفار الرومي<sup>ع"</sup>

Myosotis palustris	الموسوعه اذان الفار المنقعي - عين الهدهد - لاتنسني

۱۳۳۳ حیینون'، عینون<sup>ع</sup>، غسلة<sup>ع</sup>، سنا أندلسی<sup>ع</sup>: دارای پایه نر و ماده است که یکی را «کحلا» و «کحدان» و «سایس» می نامند.' "غافقی" میگوید: نزد ما این نام مربوط به دو نوع گیاه است یکی با نام «کُخیْلاء» و «کُحلوان» و «سلیس» و نزد پزشکان ما در اندلس به «سنا البلدی» معروف است.<sup>ع</sup>

خامالُوقی (Khamaipeuke): نام بربری آن «تاسَلْغا» (Taselga) است و همان گیاه «عَیْنون» است و نام های دیگر آن به لاتینی «شلباش» (Sivaticus) و «شرباتُش» است.[بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۹]

Stachelina chamepeuce L.	خامالوقى - تاسلغا -عينون - شلباش	ديسكوريد
Serrattula chamepeuce L.	شرباتش	-
Globularia sp.	عينون	الموسوعه
Serrattula chamepeuce L.	شرباتش	

#### حرف «غ»

۱۳۳۴ -غارا، غارا غارا غارا غارا غارا نامهای دیگر آن: رومی: ارقونیذوس - یونانی:انیموروسقلمیوس - اهل شام:زندا ، دند - فارسی: باهشتان ا - فرنگی: لاورس ا نام گیاه در کتاب دیسکودید: ذافنی - نام میوه: فارسی: دهمشت ا ، دهمست - یونانی: ذاقنی ا - سندی: شنکر ا ، ونانی نظار (در ترجه کتاب دیسکوریه) ۲ - ۸۷: به دانسی دجوع شود.]

Laurus nobilis L.	حب الغار	زرياب
Laurus nobilis L.	ذافني - شجرالغار شجر الرند	ديسكوريد
Laurus nobilis L.	غار، رند	الموسوعه

۱۳۳۵ \_ غارنیون ٔ: نوع اول از این گیاه در ثغر اسکندریه با نام «یمان» و «یُمَیْن» معروف است و نام آن را از اعراب «رقـــة» شنیدهام. ٔ

Geranium sp.	غارنيون	EN.

۱۳۳۶ - غاریقون ، اغاریقون ، احتمالاً نوعی «قارچ» است. دو نوع دارد نر وماده. ت - نوعی از «فطر» است و دو نوع سفید و سیاه دارد که نوع سفید آن دارای دو نوع نر و ماده است. است اغاریقون (Agarikon): گیاه معروفی است که وجه تسمیه آن از شهر «أُغارِقه» روم که در آنجا یافت شده گرفته شده است. [بن یطر (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱]

Polyporus officinalis Fr.	غاريقون	زطخ.
Polyporus officinalis Fr.	اغاريقون	ديسكوريد

Agaricus sp.	غاريقون	الموسوعه

۱۳۳۷ حفاغالُس ؛ نامهای دیگر آن: غالَسِیر - این نام لغتی یونانی و به معنای «منتن الرائحه» یا بـدبوست. ٔ غاالونیس ٔ - اهل مصر: قس الکلاب ٔ - طبرستان: پلیهیم ٔ

۱۳۳۸ حفافَث، غافت م غافث، غافت م غافث نامهای دیگر آن: لاتینی: اوبطوری - بربری: اکرمیوسنه م ترهلائ عربی: حشیشة الغافث، شجرة البراغیث، شوکه منتنه العربی: حفاس: غافث - بهترین آن فارسی بود که از کوهستان حوالی عربی: حشیشة الغافث، شجرة البراغیث، شوکه منتنه العاف نظر بین پزشکان مغرب و مشرق بسیار است تا جائی که نزد هیچ یک حقیقت این گیاه مشخص نشده م پزشکان مغرب و آفریقا بجای آن از گیاه «ترهلان» یا «طبّاق» استفاده میکنند و آن را به اسحاق بن عمران و "احمد بن خالد" استناد میکنند و حال آنکه این اشتباه آشکاری است زیرا «ترهلان» را دیسکورید در فصل سوم کتاب خود معادل «قونیزا» با نام عربی «طبّاق» آورده است. اما بعضی از پزشکان اندلس گیاهی را که دیسکورید شرح داده را تجویز میکنند و پزشکان شرق اندلس آن را معادل با نام عجمی اندلسی «ریمنّده» میدانند. و اما پزشکان عراق و شام و مصر بطور کلی این گیاه را نمی شناسند و بجای آن گیاه دیگری را مصرف میکنند. ع

اوباطوریوس (eupatorios): «غافت» و «غافت الشاهدانجی» راگویند و غافتی که امروزه در مصر تجویز میشود حقیقی نیست و غافت حقیقی در اندلس به «الرِّمِنْدَه» مشهور است. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۷]

Agrimonia sp.	غافث	الموسوعه
Agrimonia eupatoria L.	اوباطوريوس، غافت، غافتالشاهدانجي، رمنده	ديسكوريد
Agrimonia eupatoria L.	غافث	طبخط.

۱۳۳۹ \_ غالیبس نامهای دیگر آن: عامه اندلس: جملج و اهالی مصر: مُنْتنة و اللبن یا منجمد کننده شیر است. است. است. البن یا منجمد کننده شیر است. البن یا منجمد کننده شیر است. عالیون (Galion): به لاتینی به آن «لَخْتیرواله (Lactariola)» گویند و موجب بستن شیر می شود. [بن یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۹۸- ۱۸۹

Galium verum L.	غاليون – لختيرواله	ديسكوريد
Galium verum L.	غاليون حقيقي، غاليون أصفر، بَقْلَة اللَّبَن	ديسكوريد
Galium sp.	غاليون	الموسوعه
Lamium album L.	غاليون	EN.

۱۳۴۱ \_ غبارية ، غباريه ": نامهاى ديگر آن: اهالى كوهستان: تفورية ، ـ ديسكوريد: سطانيون ، ـ عنب الدب "

Mespilus pycnoloba C.Koch.	غباريّة	الموسوعة
mospinis pythotota circom	٠, ١	الموسوف

۱۳۴۲ سنُجبَيْرا ، غبيرا ، غبيرا ، غبيرا ، غبيرا ، غُبَيْراء، جَوْذَر(نام ريشه) ، نامهاى ديگر آن: فارسى: سنجدا - تـركى: ايكده ا – فارس: سليسك ، سيس بوان ، سلس – – فاس: تيزغا عنام درخت ميوه دار: زيزفون ، أوًا (Qua): نام «شجرالغُيْيراء» است و در عراق درخت معروفي است. [بن يطار (درترجمه كتاب ديسكوريد) ١ - ٢١]

Pyrus sorbus Ga.	أواا - غبيرا	ديسكوريد
Elaegnus angustifolius L.	سنجد - غبيرا - غبيدا بادام	پارسا

Sorbus domestica L. Pyrus sorbus Crantz	غبيراء	خطابی
Elaegnus angustifolius L. Syn: E.hortensis Boiss.	Pers: Zinzeid - Tibet: Sirshing - Hendia: Shiulik	GLO.IN.
Sorbus sp.	غبيراء، صَرَبَة	الموسوعه
Sorbus aucuparia L.	غبيراء	EN.
Sorbus boissieri Schn. Elaegnus angustifoliaus L.	غبيرا	طباطبائى

۱۳۴۳ – غرّاء و غُرَيْراء ": سينون (Sinon): اين گياه را نمى شناسم ـ ابن بيطار ـ (ابن بيطار در کتاب جامع نام آن را «غُريراء» مى داند.) ع

Sison amomum L. Sium amomum L.	غرًاء – غريراء	زریاب
Sison amomum L.	سينون - (غريراء)	ديسكوريد
Peperomia sp.	غَرَاء	الموسوعه

Achillea tomentosa L.	أخليوس سندريطس -غرب	ديسكوريد
Populus euphratica	حور فراتی، غُرَب، مَرْسیس	الموسوعه
Salix babilonica L.	غرب	زریاب
Salix sp.	غرب	EN.

۱۳۴۵ – غَرَزَ "، غرز<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن: قنطوریون "، غریر " ـ نام نوع کوچک «عصی الراعی» که معروف به ماده است.<sup>ع</sup>

Polygonum aviculare L.	غرز	زرياب
Juncus arabicus Post.		

۱۳۴۱ ـ غرقد<sup>ع،</sup> غرقد ّ: (نامی عربی) نوع سفید و بزرگ «عوسج» ٔ ٔ است. "ابن بیطار" میگوید: بنا به گفته ابوحنیفة هـرگاه درخت «عوسجة» بزرگ شود به آن «غرقدة» گویند و برخی مترجمان «غرقد» را از گیاه «قُف» میدانند.<sup>ع</sup> ۱۳۴۷ ـ غریراء ٔ : غافقی میگوید: نام «بسباس» نازک بذر و خوشبو است. ٔ

# ۱۳۴۸ - غَسْلَج (۱) معسلج : نام دیگر آن: عرطینثات

Geranium arabicum Forsk.	عسلج	زرياب

# ۱۳۴۹ - غَضَف <sup>(۲)س</sup>: نامهای دیگر اَن: سندی: قلبخ <sup>۳،</sup> سمام <sup>۳</sup> ۱۳۵۰ - غَلْقَهَ <sup>۳</sup>، غَلْقی <sup>۶،</sup> غلقا ّ: نوعی از یتوعات ّ

Daemia cordata R.Br.	علقه	زرياب
Pergularia tomentosa L.		
Vincetoxicum officinale Monch.		
Pergularia tomentosa L.	غَلْقَة، غِلْقَة، غَلْقَي، صُقْلاب مخزني	الموسوعه
Vincetoxicum officinale Monch.		

# ۱۳۵۱ ـ غلوکس<sup>ت</sup>:

Gloxinia sp.	غلوكسينية، سلطان	الموسوعه
Pergularia tomentosa L.		
Vincetoxicum officinale Monch.		

# ٢ ١٣٥٠ \_غليجن أغريا ، غليجن اغريا : نامهاى ديگر أن: مشكطرامشير على فوذنج البستاني على المسلم

Mentha pulegium L.	غليخن	EN.
--------------------	-------	-----

۱۳۵۳ - خُوشِنَه ، غوشَنه ، غوشنه ، غوشنه ، غوشه و غویشه : نوعی «قارچ» است. ٔ "ابن سینا" میگوید: غوشنة جنسی از [نوعی] «کماًة » و «فُطر» است. عُنّ نامهای دیگر آن: فارسی : غویشه ، روشنک ٔ ـ بیت المقدس: عرشنه ، کریشه »

Morchella esculenta Pers.	غوشنه	زرياب
Morchella esculenta Pers.	غَوشَنَة	الموسوعه
Helvella phalloides		

## حرف «ف»

# ۱۳۵۴ - فاخور<sup>(۳)</sup>": نام ديگر آن: مرو العِراض

Origanum maru L.	فاخور – مرو العراض	زرياب

١- الموسوعة: اللسان: گياهي است چون «قفعاه» به ارتفاع يک وجب با برگهاڻي لزج و گلي مشابه گل دمرو جبلي».

۲- الموسوعة: گفته شده گیاهی است در هند مشابه ونخل، با این تفاوت که میوه آن بدون پوست است و از پائین تا بالا دارای برگ سبز است.

٣-الموسوعة: ګياهي است خوشبو. ابوحنيفه أن را همرو پهن برګ، مي داند. و گوينددر وسط أن گل أذيني مشابه دم روياه باگل قرمز خوشبويي دارد.

۱۳۵۵ -فاسی ؛ نام دیگر آن: یونانی: اندروصارون ا

۱۳۵۶ - فاشراً، فاشراً، فاشراً، فاشراً، ماشراً، حالق الشعرَّ، كرمة بيضاء مكرمة البيضاء مكرمة البيضاء مكرمة البيضاء مكرمة البيض مسروانيات: فاشرا معرب از «فاشار» سرياني است. مسلمان المعلى ديگر آن: عربي: كرمة البيضاء مكرم البرى الابيض مسلم فارسي: مارداروا، كرم دشتي من خسرو دارو هزار فشان مهزار جسّان هزار جسّان هزار خسّان و معرب آن: هزار جشان من فارسي: مارداروا، كرم دشتي آن: الف عساليج (هزار شاخه) - شيرازي: نخوشي (زيرا در زمستان خشك نمي شود.) سرياني: كتبنا مرومي: حليلوطن ميوناني: اغليطوس، أنبالس لوقي من به معناي كرم البيضاء - بربري: ارجالون من حنكابن و طبرستان: الاملك - جالينوس: براونيا ميان الشعر البيرالة يعني قريعة - طنية - تازرت - نام ريشه آن: عود الحيه ، بيخ سياه تاك

Bryonia sp.	فاشرا، فاشر، فاسرى، فشُ	الموسوعه
Bryonia alba L.	فاشرا	زریاب
Bryonia alba L.	فاشرا	طباطبائی
Tamus dioica		<u>ب</u> ب

۱۳۵۷ - فاشرِ سُتِین '،فاشر شتین " ،فاشر شتین " ، فستبدان " ، شَشِداز " ، شسبندان " ، کرمة السوداء " کرمة السوداء " کرمة الحمراء " ! فاشر ستین اس (به معنای بر طرف کننده شصت بیماری) یافاشِر ستین (سریانی) نام های دیگر آن: عربی: کرمة السوداء اس - فارسی: شش بندان سیاه ' ، شستبدار " ، شستبدار " ، سیاه وارو - شیرازی : شش بندان یونانی: انبالس مالیا آن (به معنای کرمة السوداء) - بربری: همون اسمون - اندلس: بوطانیه آ - هندی: بیر آ - ورمی: لتوهیر مرطیس آ - شبیاز آ - فانیر ستینست آ - عجمی اندلس: بوطانیه آ - بربری: میمون آ - انام ریشه: بیخ سپید تاک آبالس مالیا (Ampelios melaina): به معنای و گرم الأسود است و بعضی آن را و أنبالس مالیس و کفته اند. با توجه به اختلاف این دو واژه \_ مالیس و مالیا \_ آیا هر دو به یک معنی است یا و مالیس و را به معنای سیاه و و مالیا و را به معنای بدون دانه باید گرفت ؟ به نظر می رسد هر دو به یک معنا بوده و سین آخر و مالیس و حرف اصلی نیست زیرا سین در زبان یونانی در حکم تنوین می باشد بهمین دلیل گفته می شود سوریا، انطالیا و ماقدونیا ... و بنابر این معنای و مالیا و را بعضی از مترجمان و آسود و (سیاه) معنی کرده اند. نام های دیگری این گیاه به زبان اندلسی و فاشرشین و بوطانیه است و اهالی مغرب به آن و میمون گویند. [بن یعاد (در ترجه کاب دیگری این گیاه به زبان اندلسی و فاشرشین و بوطانیه است و اهالی مغرب به آن و میمون گویند. [بن یعاد (در ترجه کاب دیگری این گیاه به زبان اندلسی و فاشرشین و مالیا و سات و اهالی مغرب به آن و میمون گویند. [بن یعاد (در ترجه کاب دیگری این گیاه به زبان اندلسی و فاشرشین و سات و اهالی مغرب به آن و میمون به گویند. [بن یعاد (در ترجه کاب دیگری این گیاه به

Bryonia dioica Jacq. Bryonica alba L. Tamus communis L.	فاشرشتين	زریاب
Tamus communis L.	انبالسماليا، فاشرستين، بوطانيه، ميمون	ديسكوريد
Tamus sp.	فاشرشين، ششبيدار، هزارجَشان	الموسوعه
Bryonia diocica Jacq Tamus communis L.	فاشرا ستين	طباطبائی

#### 1701 - Ud3:

۱۳۵۹ -فاغِرَه ، فاغره س، فاغره ع، فاغره ع، فاغره و نام ریشه): نامهای دیگر آن: فارغه ا - فارسی: کبابه دهن گشاد ، کبابه دهن شکافته ادر مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را ریشه «نیلوفر هندی» میدانند و عده ای میگویند دانه ای است به اندازه نخود و شبیه به پسته کوچک و در شهرهای مغرب بسیار یافت می شود. ع

Fagara sp. Fragra avicennae Lam.	فاغره	الموسوعه
Xanthoxylon avicenne D.C. Fragra avicennae Lam.	فاغره	زریاب
Xanthoxylon avicenne D.C.	فاغره	خطابی

۱۳۶۰ –فالِنْجِیْقَن'، فالنجیقُن ٔ: نامی یونانی به معنای رتیلاست. نامهای دیگر آن: فالنجیطس ، نوقاقیس ٔ فالنجین (Phalangion) : به معنای «النافع من الرُنیّلاء» نافع برای نیش رتیل است. و من این گیاه را نمی شناسم. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۰۶

Phalangium ramosum Lam.	فالنجين	ديسكوريد
Anthericum ramosum L.		

۱۳۶۱ -فالِبَرْنُس، فاليريس: نامهاى ديگر آن: فالبرس، فالىبورس،

فاليريس (Phaleris): اين گياه را نمي شناسم. جالينوس آن را «فاليورس» مي نامد. [بن يبطار (در ترجمه كتاب ديسكوريه) ٣ - ١٧٧]

Phalaris tuberosa L.	قاليريس	ديسكوريد
----------------------	---------	----------

١٣٦٢ ـ فاناقس أسقلبيوس ، فاناقس اسفينوس : نوع بزرگ «زوفرا» عَنْ

١٣٦٣ ـ فاناقس خيرونيون؟، فاناقس خمرونيون ": نوع كوچك «زوفرا» "

۱۳۶۴ - فاوانیا'، فاونیا''، فاوانیا''، فاونیا''، فاونیا، عود الصلیب''، کهیانا'' (نام چوب)،عود الصلیب'، عود الصلیب''، عود الصلیب'' عود الصلیب'' - جالینوس: جالیقیسدس'' عود الریح' - سریانی: کهبانا'، کهبنا' - مغرب: عود الحمیر'''؟ دارای دو نوع نر و ماده است نام نوع ماده آن نزد عوام «ورد الحمیر» است.

غْلِيقيسيدَى (Glukuside): همان «فاوِنيا»، «کَهْنابا» و «عود الصليب» است و دارای پايه های نر و ماده است.

نام پایه نر را گیاهشناسان اندلسی «وَرْد الْحَمیر» گویند و این نامی مشترک است و این نوع در بازار عطاری مصر هم اکنون وجود دارد. پایه ماده آن برای بیملری «صرع» مفید است.[بن بیطار(درترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۲۵]

Paeonia officinalis Retz.	فاوانيا	زخط.
Sedum telphium	فاوانيا –عود الصليب – ناز	پارسا
Sedum telphium	فاوانيا -عود الصليب - ناز	پارسا
Paeonia corallina L. Paeonia officinalis L.	غليقيسيدي، فاونيا، عود الصليب، كهنابا، وردالحمير	ديسكوريد
Paeonia corallina L.	فاونيا	EN.

۱۳۶۵ - فَتَاثُلُ الرُّهْبَانَ، فتاثل الرهبانَ : نام ديگر آن در اسكندريه: زنجبيله ت

معروف به «فجل بری» است. رافانوس (Rhaphanis): فُجُل إبن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۷]

Raphanus sp.	فجل	الموسوعه
Cocholearia armoracia L.	فجل بری	طباطبائى
Raphanus sativus L.	فجل	ز.،خ.،ط.،د.
Nasturtium officinale R.Br.	اقرنون	خطابی
Raphanus niger Mill.	فجل الاسود	خطابی – .EN
Raphanus raphanistrum L.	فجل بری	خطابی

۱۳۶۷ -فجل باعشقی : نام دیگر آن: فجل شامی ا

۱۳۶۸ - فراسیون ، فراسیون ، فراسیون ، فراسیون ، فراسیون ، فراسیون ، شرب ، شربت ، شناد ، انجیده ، صنوبر الارض ، کراث جبلی ؛ نام «فراسیون» از یکی از شهرهای روم به نام «فرانسه» گرفته شده است ، فام های دیگر آن: اذن العمار ، اذن الثور و کراث جبلی ؛ نام «فراسیون» - عربی: علقما فاس: مربوت ، مربوت ، مرور الومینون و طوریذخ و یونانی: فراسین ، برسون ا الاین و عرب هر چه تلخ باشد را «علقم» گوید.)، حشیشة الکلب ، صوف الارض و عرب هر چه تلخ باشد را «علقم» گوید.)، حشیشة الکلب ، صوف الارض و الارض و مربوی السین کوهی است و لفظ کرویا شاید از کورار گرفته باشد. کوهی ، افنان سر ، کورار ، به معنای کراث جبلی که گندنا کوهی است و لفظ کرویا شاید از کورار گرفته باشد. براسین (Prasion): نام «فراسیون الأبیض» و «مرویة الأبیض» است و «ستّار» یا «شجرة الکِلاب» نام دارد زیرا سک ها بیشتر روی آن بول می کنند، نام دیگر آن «شجرة سندیان الأرض» است.

بلوطی (Ballota): به لاتینی «مَرُّویُه بُنْتوشه» نام دارد و نوعی فراسیون سیاه رنگ است. جالینوس آن را «لاعیه» معرفی کرده در حالیکه لاعیه از «یتوعات» (گیاهان شیرابه دار) است و «بلوطی» شیرابه ندارد. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید)۳ - ۱۸۰ و ۲۰۱۰ - ۱۹۳۰]

Marrubium vulgare L.	براسين، فراسيونالأبيض، مرّويةالأبيض	ديسكوريد
	سنار، شجرة الكلاب	
Ballota nigra L.	بلوطي - نوعي فراسيون سياه	ديسكوريد
Marrubium sp.	فَراسيون، باذاورد	الموسوعه
Marrubium vulgare L.	فراسيون	ز.،خ.،ط.،.EN

۱۳۶۹ - فَرفِيونَ ، فربيونَ ، فربيونَ ، فربيونَ ، فربيونَ ، فربيونَ ، تاكوب ، حافظ الطفل ، حافظ الاطفال : ؟ معرب اوبرنيون فارسى است. نامهاى ديگر آن: رومى: فربيون ، هيومافطون ، افربيون ، ابربيون ، اكل نفسه ، حافظ اطفال ، قاتل ابيه - بربرى: تاكسوت - رومى: فوطينوس - يونانى: كماليون - اهل مصر و شام: لبانه مغربيه - مغرب: تكوت المناه معربيه ، مغربيه ، مغرب المناه معربيه ، مغرب المناه معربيه ، مغرب المناه معربيه ، مغرب المناه معرب المناه المناه معرب المناه 
أُفُرْبيون (Euphorbion): نام دیگر آن «فَرْبیون» است و به بربری «تاکوت» نام دارد و در مصر به آن «لوبانة المغربیه»گویند.[بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۷۸}

Euphorbia L.	أفربيون، فربيون، تاكوت، لوبانةالمغربيه	ديسكوريد
Euphorbia L. Euphorbia lathyris L.	فرفيون	پارسا
Euphorbia L. Euphorbia lathyris L.	فربيون، يَتوع،تاكوت، عُنْجد	الموسوعه

Euphorbia resinifera Berg.	فربيون	زرياب
Euphorbia resinifera Berg. Euphorbia helioscopia L.	فربيون	زر. –طبا.
Euphorbia officinarum L.	فرفيون	خطاً،، .EN
Euphorbia pithyusa L.	تاكوت	خطابى

١٣٧٠ -فَرْمِيوس ؛ نام ديگر آن: برنفيس

۱۳۷۱ - فَرَنْجَمِشْک'، فلنجمشک"، فرنجمشک"، فرنجٔجِشک، برنجمشگ، برنجمشگ، برنجمشک"، فرنجمشک"، افرنجمشک" معرب برشک"، بلنجمشک"، حبق قرنفل بستانی از فرنجمشک" معرب بلنگمشک فارسی است. نامهای دیگر آن:، فلنجمشک'، ابرنجمشک برگ فرنجمشک' - هاندی: انبل، بلنگمشک فارسی است. نامهای دیگر آن:، فلنجمشک'، ابرنجمشک برگ فرنجمشک' - هاندی: انبل، رام تلسی اس بر ماسویه: حَبّق قرنفلی " بسریانی: اتبلیس اسریانی: فلنلمنکا اسرومی: امیولوفراس اسریانی: اتبلیس اسریانی قرنفلی و فرنجمشک " بنام گیاه در کتاب دیسکورید: أفینس اسیرانی: پوبهکل " ابن بیطار " می گوید: بعضی از دانشمندان ما «فرنجمشک » را دو نوع می دانند یکی بستانی معروف به هندی و دیگری بری معروف به صینی، و نوع اول به یونانی به «أفینس» معروف است. ابوحنیفة " نام دیگر «فرنجمشک» را «أصابع الفتیات» می دانند.

أاقِینُس (Akinos): نامهای دیگر آن عبارتست از: فرنجمشک ـ برنجمشک ـ حَبَق قرنفلی ـ اصابع الفتیات ـ قَلْثمان [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ ـ ۲۱]

Ocimum pilosum W.	ألقِينُس - فرنجمشك - برنجمشك - حَبَق قرنفلي - اصابع الفتيات - قَلْمُمان	ديسكوريد
Calamintha acinos Man.	فلنجمشک	زریاب
Ocimum pilosum W.		
Ocimum basilicum L.		
Calamintha graveolens Benh.	ترنج مسک – فرنج مشک	پارسا
Melissa calamintha Benth.	فرنجمشک	پارسا
Melissa officinalis L.		
Ocimum pilosum Willd.	فرنجمشک، حَبَق قرنفلي، حبق وبر، حماحم	الموسوعه

١٣٧٢ -فَرْخار':

۱۳۷۳ ـ فرودوهامان<sup>5</sup>:

۱۳۷۴ - فرفار: نام درختی بزرگ

۱۳۷<mark>۵ - فروقودیلاون<sup>6</sup> ، تیمط<sup>ش</sup>: نامهای دیگر آن: اندلس و مغرب: تیمق<sup>6</sup>، تیمط<sup>6</sup> - برخی از شهرهای اندلس: رِعی الحمیر<sup>6</sup> – خاملاؤن مالِس<sup>ش -</sup> تاسکرا<sup>ش</sup> - وایله<sup>ش</sup> - شوک الحمیر<sup>ش</sup>، شوک الفراء<sup>ش</sup></mark>

۱۳۷۶ - فَسْتَق ، فستق ، فستق ، فستق ، فستق ، فستق الله معرب پسته فارسی - نام «پسته» مشهور است و یک سال نمی بندد که به این نام موسوم می باشد. اسلامای دیگر آن: سریانی: بستقی است یونانی: بسطاقیا است که یک بسباکه است و گویندنام میوه پسته ای است که یک سال مغز می بندد. ا

رِسْطاقیا (Pistakia): نام وفُسْتُق، است و ابن جزار صمغ آن را وعِلْک الأنباط، نامد. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۷۴]

Pistacia vera L.	بسطاقيا -فستق -علك الانباط (صمغ)	ديسكوريد
	l	

Pistacia vera L.	فستق	زخطال.
Pistacia vera L.	پسته - شهنا (بلوچستان)	پارسا

## ١٣٧٧ - فَسَوَة الضبع "، نوه الصبغ": نوعي كماة - نام ديگر آن: قَعْبَل "

Tuber brumale Vittad. Bovista plumbea Pers.	فوه الصبغ - قعبل - نوعى كماة	زریاب
Pancaratium maritimum	فسوه الضبع	خطابی

۱۳۷۸ - فُشَاغ، فشاع، فشغ، کرمة شائکة، کرمة شائکه : نامهای دیگر آن:فَشَغ - فارسی: سرم - بخاریه: افزغنج - سفدیه: فزغند - ترمذیه: قوج - بلخیه و طخاریه: جُذری ، عکاش - عجمی اندلس: ریولة ت - دیسکورید: میلقص طراخیه - نام میوه آن نزد عامه اندلس و مغرب «حبّ النعام» است. ع

Smilax aspera L.	فشاغ	زرياب
Smilax sp.	فَشاغ، فَشَاغ	الموسوعه

۱۳۷۹ – فضیّیهٔ<sup>ی</sup>، **غنافالیون** ٔ ، غنافلیون ٔ: ن**امهای دیگر آن**: در کتاب دیسکورید: غنابلیان ٔ ـ در کتاب جالینوس: نام این گیاه «غالبون» مشتق از «قطن» است زیرا مردم بخاطر برگ های نرم و فربه آن جهت زیر انداز از آن استفاده میکنند. ٔ غُنافُلیان (Gnaphallion) نام گیاه «فضیه» و به معنای «حشوی » است. لابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکوریه » - ۱۱۲

Gnaphalium dioicum L. Santolina maritima Smith.	غنافاليون	زرياب
Gnaphalium L. Santolina maritima Smith.	غنافليان	ديسكوريد
Protea sp.	فِضُيّة	الموسوعه

۱۳۸۰ - فُطر ، کوکب الارض می فَطر ، فطر ، فطر ، فطر : نامهای دیگر آن:فِطر ا - فارسی: سماروغ ، شما ا - سریانی: فطریاثا ا - رومی: موکوطیس ا - هندی: پهین چهتر ا - یونانی: اونطریثا ا ، قنطس ا ، موقوطس ا - دارای انواعی است: نامهای نوعی از آن: فقع ا - فارسی:هیکل ا - نام نوعی دیگر: فوشنه ا - نام نوعی دیگر: فقیل ا - نام فطر خوراکی به هندی «پدیهرا» و نام نوعی دیگر آن «چهربخفایها» و نوع دیگر آن «ککن دهول» است.

موقیطُس (Muketos): نام های دیگر آن عبارتست از: فُطْر \_ فُقَع [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵]

Tuber album Sow.	كوكب الارض	زر خط.
Funji spp.	فطر	دىخط.
Funus - Mushroom (E)	فَطْر	الموسوعه
Mushroom (E)	فُطْر	EN.

١٣٨١ - فَطْراساليون ، فطراساليون ، بطراسالينون ، بطراساليون (نامي يوناني)، نفكر ": نام هاي ديگر آن: فطراسليون -

فرنگی: بطرسالی' - بزر کرفس رومی''، کرفس کوهی'، کرفس صخری'، کرفس ماقدونی' - رومی: اردوا'' -سریانی: زرع کرفساد طورا''، زرع بطراسلینون'' - فارسی: تخم کرسب کوهی''

بطراسالینون (Petroselinon): به معنای «کرفس صخری» است زیرا «بطر» به زبان یونانی به معنای صخره و «سالینُن» به معنای «کرفس» است. پزشکان مصر از این گیاه کم اطلاع دارند و آن را بخوبی نمی شناسند.[بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۲]

Carum petroselinum Benth. & Hook.	فطراساليون - بزر كرفس كوهي	زرياب
Carum petroselinum Benth. & Hook.	بطراسالينون - كرفس صخرى	ديسكوريد
Apium petroselinum L.	فطراسلينون	EN.

۱۳۸۲ -فَقِع ً، فقع ؓ، فقع ؓ: ؟ نوعی از کماه ؓ - نام دیگر آن به فارسی: هیکل ؓ - در لب چاهها و اندرون چاه و کنار آبهامیروید و از «فطر» سالمتر است. ؓ [ابن یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵: به دفطر، رجوع شود.]

Lycoperdon sp.	فَقْم	الموسوعه

۱۳۸۳ ـ فقلامینوس<sup>ع</sup>، ققلامینس<sup>ع</sup>، فقلامینوس<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نامهای دیگر آن: بخور مریم<sup>ع ـ</sup> فغلاسینوس<sup>۳</sup> ۱۳۸۴ ـ فقلامینوس آخر<sup>ع</sup>، فقلامینوس آخر<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: صریمة الجدی<sup>۳۳</sup> ۱۳۸۵ ـ فَقُوس<sup>۳</sup>:

Cucumis sativus L.	فقُوس، قِئَاء، مِفتى، قِتَى، قُشْعُر	الموسوعه
		1

۱۳۸۶ -فَلَّ ، فل ؓ، فل ؓ، فل<sup>ی</sup>، فل ؓ، فل ؓ، فل ٔ اصل النیلوفر هندی ؓ: ؟ در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را ریشه «بَروق» و عدهای «رمان بری» و برخی «عقّار هندی» میدانند<sup>غ</sup> **نامهای دیگر اَن**: فل ؓ، فاغیه ؓ – **در کتاب رازی: ریشه نیلوفر هندی** ؓ

Jasminum sambac (L.) Ait.	فل - ریشه نیلوفر هندی	زریاب
Jatropha gossipifolia L.	فل	خطابی
Jasminum sambac (L.) Ait. Mogorium sambac Lam.	فْلَ - ياسمين زنبقى	الموسوعه
Jasminum sambac (L.) Ait. Mogorium sambac Lam.	المُلَ	EN.

۱۳۸۷ - فُلْفُل ، فلفل ، فلفل ، فلفل ، فُلْفُل ، كوبر ، (نامی هندی)، كُولُم ، فلفل ابیض ، فلفل اسود : «فلفل » معرب «پلپل» فارسی است. - "غسانی می گوید: این نام به گیاهان مختلفی از قبیل «فلفل ابیض» و «فلفل اسود» گفته می شود ولی بیشتر اوقات منظور «فلفل اسود» است و آن درخت معروفی در هند است که خوشه هائی مشابه خوشه های «انگور» دارد بدین تر تیب هرگاه خوشه ها بر درخت روئیده شود به آن «دار فلفل» گویند و زمانی که کمی رسید آن را «فلفل ابیض» نامند و در هنگام رسیدن کامل، به آن «فلفل اسود» گویند ، نام های دیگر آن: سریانی: پلپلی - یونانی: بشوریقون ، ارینفس - هندی: مرچ ، کلمرچ اریعنی فلفل گرد) نام فلفل ابیض به هندی: سوهنجته سام های فلفل الاسود: هندی: مرچ سریانی: اوکاماثا سام سغدیه: مرج سریانی: اوکاماثا سام سغدیه:

باباری (Peperi): به آن «فُلْفُل»گویند و درخت آن «دارفلفل» نام دارد و نام دیگر آن «فلفل الأبیض» است.[بن بیطارا در ترجمه کتاب دیسکورید)۲- ۱۴۲]

Piper nigrum L.	فلفل أسود – فلفل أبيض	زرخط.
Piper nigrum L. Piper aromaticum Lamk.	باباری – فلفل – دار فلفل – فلفل أبيض	ديسكوريد
Piper nigrum L.	فلفل سياه	پا. – طبا.
Piper sp.	فِلْفِل	الموسوعه

١٣٨٨ - فلفل السودان، فلفل السودان، فلفل السودان: نام ديگر آن: بربرى: حرفي،

١٣٨٩ \_ فلفل الصقالبة (١)، فلفل الصقالبه : نام ديگر آن: بزر فنجنكشت ت

گاهی منظور از این نام میوه «بنجنکشت» است و گاهی نیز «بزر خُرف مشرقی» است.<sup>ع</sup>

۱۳۹۰ - فلفل الماء ، فلفل الماء ، فلفل الماء ": نام ديگر آن در كتاب جالينوس: اوردپا پارې " - نباتيست كه در آبهاى راكد و آبهاى روان و آرام مىرويد. "

أُوذَرُّبُواباری (Hudropeperi): به معنای «فلفل الماء» است. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ ـ ۱۹۴]

Polygonum hydropiper L.	فلفل الماء – اوردپاپاری	زر. –طبا.
Polygonum hydropiper L.	أوذربابارى - فلفل الماء	ديسكوريد
Polygonum hydropiper L.	زنجبيل الكِلاب - فلفل الماء	الموسوعه

۱۳۹۱ - فلفلمون ": نوعي پودنه " - نامهاي ديگر آن: حبق جبلي " - فارسي: نه كوهي "

۱۳۹۲ - فلفل مُویَه ، فُلفل مویه ، فُلفُلْمول ، فلفل مُری ، فُلفُلْمویه ، فلمویه ، فلفل مویه ، اصل الفلفل : یعنی شبیه به فافل ، نام های دیگر آن: فلفلموی ، فلفلمون ، فلفل مویه - هندی: پی پل مول ، پیپلامول بلام ، پیپلا مور ، «مور» و «مول» به معنای ریشه و «پیپل» ، «ریشه دارفلفل» است. بنا بر گفته ای معنای «فلفل مویه»، «ریشه دارفلفل» است. ابن ماسة " و دیگران آن را ریشه درخت «فلفل» می دانند. می دانند. و دیگران آن را ریشه درخت «فلفل» می دانند. آن را ریشه «فلفل» می داند. و تصهار بخت آن را ریشه «فلفل» می داند. می داند. اسحاق بن عمران می کوید: ریشه های نازکی است. و تا می داند. و تا می داند. این می داند. این می داند. این می داند. این می داند و تا می داند. این می داند و تا داند و تا می داند و تا م

Piper longum L.	فلفلمول	زرياب
Piper betle L.		
Capsicum frutescens L.	فلفل مويه – فلفل سرخ – فلفل احمر	پارسا

۱۳۹۳ ـ فلیْفلهٔ ع، فلیفله ت: نام «هرنوهٔ » است و عامه اندلس آن را نام «نانخواه» می دانند و بعضی آن را بعنوان میوه «بنجنکشت» می شناسند. عت

Capsicum sp.	فَلَيْفِلَة	الموسوعه

۱۳۹۴ -فَنْجِيون ! نام ديگر آن:فنجريون ا

۱۳۹۵ -فَوَّ، فو ، فو ، فو ، فو ، فو ، فو نالمی یونانی)، عروق حُمر ؛ نامهای دیگر آن: فوه ی فارسی: شیستره ، بیخ سنبل ا - یونانی: ثبوریدوس ، فوله ا – اهل خوارزم: زوله ا – هندی: چهال کری ، جالکری ، قرین مو س – دوقو س – نارین بری ، ناردوس بری س – سریانی: رعنادملا س حنین: کرنس عظیم ع

١- الموسوعة: نام وأرثك و وسرساد، و وكف مريم، و... است.

دارای دو نوع است: نامهای نوع بزرگ آن: فرنگی:فوباکینوم' - نام کوچک آن: فرنگی:فوباروم' "غسانی" میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است عده ای آن را «سنبل بری» و گروهی «قِرْصَعْنَة» و برخی «شَقاقل» می دانند و بعضی آن را نامی برای ریشه های «جَزَر بری» و گروهی هم نام ریشه «غَیْطل» میگویند. برخی هم میگویند نوعی «قرصعنه» است و این نظر را برخی از دانشمند جدید بر سایر نظرات ترجیح داده اند. <sup>غ</sup>

سی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ ـ ۱۱]	ه دیگری برای آن نه	(Phu): غير از اين نام	فو
---	--------------------	-----------------------	----

Valeriana dioscorides Sibt.	فو	دى خط.
Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana phu L.	ناردين الحدائق، سنبل الحدائق، قُوْ	الموسوعه
Valeriana Phu L. Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana officinalis L.	فو – ناردوس بری	زریاب
Valeriana officinalis L.	فو	طباطبائى
Valeriana sp.	فو	EN.

۱۳۹۶ خورد آنج ، فو تنج ، فو تنج ، فو دنج ، فو دنو ، فو دنج ، فو دنو ، فو دنج ، فو دنو ، فو دنو ، فو دنج ، فو دنو ، فو دنو ، فو دنج ، فو دنو ، فو دنو ، فو دنج ، فو دنو ، فو دنج ، فو د

قالامَنْتي (Kalaminthe): نام «فُوَدُنْج» است .... [ابن بيطار (در ترجمه كتاب ديسكوريد) ٣ - ٣٣: به وضومران، و وصومران، رجوع شود.]

Thymus barrelieri Spreng.	قالامنتى – فوذنج	ديسكوريد
Thymus nepeta Sm.		
Thymus calamintha Scop.		
Mentha aquatica L.	فوذنج نهرى	ديسكوريد
Origanum vulgare L.	فودنج شائع، فوذئج	الموسوعه
Mentha sylvestris L.		
Mentha officinalis Hull. = M.piperita L.		

Mentha pulegium L. Origanum dictamnus L.	فوتنج	زریاب
Mentha pulegium L.	فوتنج	خطابی
Mentha aquatica L.	فوتنج مائي	خطابی
Mentha pulegium L.  Mentha sylvestris L.  Mentha officinalis Hull. = M.piperita L.	پودنه - پونه	پارسا
Mentha pulegium L.  Marrubium sp.  Mentha sylvestris L.  Mentha officinalis Hull. = M.piperita L.	فودنج	EN.

۱۳۹۷ - فوعین ": نام مشترک برای نو خمسة اوراق و نو خمسة اصابع " ۱۴۹۸ -فُوفَل '، فوفل "، نوفل "، فوفل "، فوفل افُفوفَل معرب «کوبل» هندی است. او آن درخت «کافور» است. نامهای دیگر آن: سریانی: فوفلا ا – رومی: اورسیمون ا – یونانی: ضیموطوس ا – هندی: سپاری ا

Nauclea sp.	فَوْفَل	الموسوعه
Areca catechu L.	فوفل	زر پا.
Areca catechu L. Uncaria gambier	فوفل	طباطبائى
Areca faufel Gaertn.	فوفل	خطابی

۱۳۹۹ - فولیون ": نام «جعده» است و گویند نام «غوشنه» است و آن نوعی «کماه» و «فطر» است.و گویند بیخیست (ریشهای است ا که ورق نبات آن [برگ گیاه آن] مانند ورق «کرفس» است ولی بزرگتر از آن و کل آن مانند «نرکس» ولی بزرگتر است... "
۱۴۰۰ - فُوَّه ا فُوَّه عُرِه ا و و و الصباغین "، فوه الصباغین"، فوه الصباغین "، فوه الصباغین "، ورون سه اوروزیس " - سریانی: فوثا " - عربی: عروق الصباغین ا فوه الصباغین " - یونانی: دو دزلوس ا - هندی: مجتهه ا - فرنگی: روپیه ا - نامهای نوع فوه صغیر: لاتینی: البیسم ا - بربری: روپیه منور ا - جرجان: روغناز "
فوه صغیر: لاتینی: البیسم ا - بربری: روپیه منور ا - جرجان: روغناز "

Rubia tinctorium L.	اارثرذانن – فوه الصبغ – ثاروبيا	ديسكوريد
Rubia tinctorium L.	فره .	ز خ ط.
Rubia tinctorium L. Rubia cordiifolia L.	روناس	پارسا
Rubia tinctorium L.	فُوه، فَوه الصباغين	الموسوعه

۱۴۰۱ - فیلجوش، فیلجوش، فیلجوش، فیلجوش، اذان الفیل، اصل اللوف: «فیلجوش» معرب «فیلگوش» فارسی و برگردان عربی آن «اذان الفیل» است. - میگویند نام های دیگر آن «لوف العقد»، «لوف الجعد»، «لوف الحیه» است. نام های دیگر آن: فارسی: پیل گوش - لوف - دلوباخوسطس - بیخ فیلجوش - دراقیطون نام های عصاره: حضض هندی، پیل گوشک - عربی: غذر "، بزو ریباس - رومی: دورقنیطون - سریانی: لوفاعسقیا تصاره: حضض هندی، پیل گوشک - عربی: غذر "، بزو ریباس - رومی: دورقنیطون - سریانی: لوفاعسقیا

دْراقُنْطیون (Drakontion): به معنای «لوف الحَیَّه» و نام آن «قَیْلَجوش» و «لوف الجَعْد» است و در مغرب به آن «صارُه» و در اندلس «صَرّاخة» و به زبان لاتینی عمومی «غَرْغَنیته» گویند.[بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ ـ ۱۴۹]

Colocasia antiquorum Shott. Arum colocasia L.	فيلجوش	زر طبا.
Arum dracunculus L.	دراقنطيون، فيلجوش، لوف الجعد	ديسكوريد
Arum sp.	فيلجوس، ترياق أبيض	الموسوعه

۱۴۰۲ - فیلزهرج ، فیلزهرج ، فیلزهرج ، فیلزهرج ، فیلزهرج ، فیلزهرج و انامی فارسی ، لوقیون آ؟ نامهای دیگر آن: حُضُض هندی ، درخت حضض و از درخت حضض و از سندی و از الفیل و از «حضض و از درشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض و «لوقیون» است و از درشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض و «لوقیون» است و از درشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض و «لوقیون» است و از درشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض و «لوقیون» است و در شونه است و از در شونه و نام عربی آن «حضض و «لوقیون» است و در شونه و در نام عربی آن «حضض و «لوقیون» است و در نام در بی آن «حضض و «لوقیون» است و در نام در بی آن «حضض و «لوقیون» است و در نام در بی آن «حضض و «لوقیون» است و در نام در بی نام در بی آن در نام در بی آن در نام در بی نام در بی نام در بی آن در نام در بی نام در ب

Lycium afrum L.	فيلزهرج -لوقيون	زرطبا.
Rhamnus infectoria L.		

#### ۱۴۰۳ <u>- فیلون<sup>5</sup>:</u>

۴ · ۱۴ - فيليطس : نام ديگر آن: نزد گياهشناسان اندلس: ذنب الجدأة ع

#### حرف «ق»

۱۴۰۵ - قاتل ابیه "، قاتل ابیه"، قاتل ابیه ع: نامهای دیگر آن: قوماروس " - اطیوس " - قطلب " - وجه تسمیه آن: برای ماندن آن روی درخت تا پیدایش جوانههای تازه است.

قوماروس: به معنای «طُعْمَة الْحَمْراء» است و نام میوه آن «جَنَی الاحمر» و «قاتل ابیه» است و به درخت آن «شجر الّقَطْلَب» گویند، نام رومی آن «قاماریون» است و اهالی اندلس آن را «عصیرالدّب» و عامه مغرب «اَساسْنوا» نامند و به زبان لاتینی عمومی «مَطْرونیّه» (Matronus) نام دارد.[بن یعار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۳۱-۱]

Arbutus sp.	قاتل ابيه، قَطْلَب، قُطْلُب، بِجَ	الموسوعه
Arbutus unedo L.	قاتل ابيه	زرطبا.
Arbutus unedo L.	قومارس – قاتل ابيه	ديسكوريد

۱۴۰۶ - قاتل الدُّب ": نامهای دیگر آن: بارویشا" - بارونوخیا"، از اسم داحس گرفته شد. چون موجب بهبودی آن است .

Paronychia serpylifola D.C.	قاتل الدب – باروخيا	زرياب

۱۴۰۷ ـ قاتل الغَلَق<sup>ع</sup>: نوع مادة «أناغلس» باكل آبي است.<sup>ع</sup>

۱۴۰۸ -قاتل الکلب<sup>۲</sup>، قاتل الکلب : ن**امهای دیگر اَن:خ**انق الکلب<sup>۲</sup>، کرنب الکلب - سطاخیس آابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۲: به وخاق الذئب، و وخاق الکلب، رجوع شود.]

Apocynum erectum Vell.	افوقونن -عنب الكلاب -قاتل الذئب	ديسكوريد
Colchicum autumnale	قاتل الكلب، سورنجان الخريف، خَمَل	الموسوعه

۹ ، ۱ ۴ ، \_ قاتل النحل<sup>ع</sup>، قاتل النحل<sup>ت</sup>: گویند نام «نیلوفر» است.<sup>ع</sup> ۱ ۴ ۱ ، \_ قاتل نفسه<sup>ع</sup>، خانق نفسه <sup>ت</sup>: نوعی از «أشَّق» است.<sup>ع</sup> ۱ ۴ ۱ ، \_ قارة<sup>ع</sup>: نام **دیگر** آن به یونانی: سطاخیس<sup>ع</sup>

Carya sp.	قار	الموسوعه

۱۴۱۲ –قاطانیقی٬، قاطاننقی ُ:قابانیقی واژهای یونانی و به معنای «کف العقاب» ٔ است. ٔ ۱۴۱۳ ـ قاقالیا ٔ:

Cacalia sp.	قاقَل، قاقاليا	الموسوعه

۱۴۱۴ -قاقُلَه'، قاقله"، تاقُله" ، قاقُلة ، قاقُلة ، قاقُلة أن شمشير شمسير (قاقله صغير) مد سجستاني مخوخ قليق استه تنامهاى ديگر آن: شوشما الله عربى: هال الله فرنگى: كامهاى ديگر آن: شوشما الله عربى: هال الله فرنگى: كردموم الله فارسى: هيل الله هندى: لايچى الله كوكولاوتلا" - كوچك آن را «ايل» و در صورت داشتن غلاف «ايلانجى» گويند نام عربى آن «مليح» است. نوع بزرگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله نام عربى آن «مليح» است. نوع بزرگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله نام عربى آن «مليح» است. نوع بزرگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله نام عربى آن «مليح» است. الله برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله نام عربى آن «مليح» است. الله برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله نام هاى ديگر آن «شمشير» و «قاقلة صغير» است. الله برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله برگ آن و برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله برگ آن و برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله برگ آن و برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله برگ آن و برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله برگ آن و برگ آن و برگ آن را عوام «قاع قُلّا» گويند أله برگ آن و برگ

قردامومن: نام های دیگر آن: قردمانا ـکرویا جبلیه ـقرنباد ـقرنفاد ـعرب به آن «قاقله»گوید. [بن بیطار(درترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۵]

Elletaria cardamomum White & mat. ع كوچك Amomum melegueta Ros.		ديسكوريد
Chaerophyllum sp.	قردمانا	پارسا
Amomum sp.	هال، هيل، هيلبوا، قاقلة، شَوْشَمَة، شَوْشَنير	الموسوعه
Eletaria cardamomum White & mat. Amomum granum-paradisi L.	قاقله قاقله ذکر	طباطبائى
Eletaria cardamomum White & mat. Amomum repens Son	قاقله - ايل - مليح	زرياب
Eletaria cardamomum Amomum melegueta Ros.	قاقلة صغيرة قاقله كبيرة	خطابی

۱۴۱۵ -قاقِلی ، قاقل و قاقلی ، قاقلی ، قاقلی قاقلی : (نامی قبطی) نامهای دیگر آن: عربی: قلام کرمان ، فلاح ، رجل الفروج - فارسی: کاکل ، کاکسر ، شابانک - فارسی و ترکی: شورد - یونانی: مروسیون - رومی: اوردقیون کاکل و در کل کاکسر ، شابانک کاکسر ، شابانک کاکسر ، شابانک کاکسر کاکسر ، شابانک کاکسر کاکس

Cacalia verbascifolia Sib.	قاقلی - کاکل	زرطبا.
Rumias kakile L.		. 33
Cakile maritima Sco.		

Cacalia sp.	قاقَل، قاقاليا	الموسوعه

۱۴۱۶ - قاقیا ؓ: نوعی اشق ؓ

۱۴۱۷ - قاوند آزتخمی که از هندوستان می آورند) نام های دیگر آن: قیوند آ - فارسی: تخم قاوند آ - روستائیان شیران: سربیل آ ۱۴۱۸ - قَتاد "، قتاد "، قتاد "، قتاد "، قتاد "، قتاد "، قتاد " ، قتاد آن وارس المی برای «عود الاراک » با دانه ای به نام «بَریر» دانسته در حالیکه گیاه «اراک» بظریون (Potirion) " سلیمان بن حسان آن را نامی برای «عود الاراک » با دانه ای به نام «بَریر» دانسته در حالیکه گیاه «اراک» خاردار نیست. در عین حال من - ابن بیطار - آن را نمی شناسم. [بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۵] ابن بیطار در کتاب جامع می گوید: این گیاه را من در کوه های لبنان شناخته ام که به آن «قتاد الأعظم» گفته می شود و ریشه های آن مشابه شبکه اعصاب است و هنگامیکه شکسته می شود شیرابه از آن خارج می گردد.

Acacia senegalensis	سَنْط السنغال، قتاد، هَشاب	الموسوعه
Acacia senegal Willd Astragalus tragcantha L.	قتاد	زر. <b>– طب</b> ا.
Astragalus poteriumL. Astragalus arnacantha M.	.بطريون، (قتادالاعظم»	ديسكوريد
Astragalus gummifera	قتاد	خطابی

۱۴۱۹ – قِثاء ، قثاء ، قثا ، قثا ، قثا ، قثا ، قثا ، فناء ، بنر القثا ، خیار ؛ نامهای دیگر آن: خراسان: خیار سے یمن: قُشْعُر سے قسیعر سے فارسی: خیارزہ تھے۔ تبدیزی: شنکیا سے یونانی: قیموطمشور اسریانی: بوسینی سوکی قومیا، اغفورقیون س، فاورسیون س، سوکی فینون سے هندی: ککری سریانی: قطیا سے نامهای نوع کوچک آن: شعایر سے صقابس سے فارسی: خیار درزدہ منال درزدہ شمنیار درزدہ سیان سے فارسی:

سیقُس ایماروس (Sikus hemeros): نام «قثاء البستانی» است و اهالی مغرب به آن «فَقُوس» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۱ و ۳ - ۱۵]

Cucumis sativus L.	قثاء	زر. –طبا.
Cucumis flexuosus L.		
Cucumis sativus L.	سيقس ايمارس، قثاء بستاني، فقوس	ديسكوريد
Cucumis sativus L.	خيار، قَنْدسيقس ايمارس، قثاء بستاني، فقوس	الموسوعه
Cucumis sativus L.	فَقُوس، قِئَاء، مِفتى، قِتَى، قَشْعُر	الموسوعه
Cucumis flexuosus L.	قثاء	خطابی
Cucumis sativus L.	خيار	خطابی

۱۴۲۰ -قِثاء الحمار'، قثاء الحمار"، قثاء الحمار"، قثاء الحمار، قثاء الحمار، قثاء الصمار"، قثاء الحمير (نامي عربي)، اومادا(نام عصاره) : نام هاي ديگر آن: عربي: مشط الذنب' - فارسي: خيارزه اسپندا، خيارخرا، سماهنگا، كربزا، خيارزده سفيد - يوناني: شقوشينا اسفيراداغويوس" - هندي: كرمي اكچري تلخ - رومي: اغرو سوقوميس" - سرياني: قطبي حمارا" - قثاء البري حادث - اندلس: علَّقُم عن الحمير في الحمير في المعارفة به يوناني: اطريون " - نام عصاره آن به رومي: الطيرون و اطريون " - اونوديا"

Momordica elaterium L. = Cucumis asininus Willd.	قثاءالحمار -اصفهان: كوژسگى، كموژكمل، خرخيار	پارسا
Momordica elaterium L. Ecballium elaterium Elaterium officinale Elaterium agreste	قثاء برّى، فَقُوس الحمير، عَوَرُور، أطرِيون	الموسوعه
Echallium elaterium Rich.  Momordica elaterium L.	قثاء الحمار	زریاب
Echallium elaterium Rich.	قثاء الحمار	خزابی

١٤٢١ \_ قِثاء الحيّة ، قثاء الحيه : نام ديكر أن: زراوند الطويل ،

١٤٢٢ -قَثَد (نامي عربي) قثل ، خيار ، جلجمانا ، قتد ، بدر القثد ، جلمات ، قثد ، خيار :

نامهای دیگر آن: عربی: قثد و ارسی: خیار خوراکی ، خیار باذرنگ و شیرازی: خیار دراز ، خیار بالنگ و بخراسانی: خیار بادرنگ و بخراسانی: خیار بادرنگ و بخراسانی: خیار بادرنگ و بخراسانی: خیار بادرنگ و بخراسانی: خیار و بادرنگ و بادر آن: تخم خیار و بادرنگ و بادرنگ و بادر آن: تخم خیار و بادرنگ و بادر آن: تخم خیار و بادرنگ و بادر آن: تخم خیار و بادرانی: خیار بادرنگ و بادری بادری و باد

Creating actions I	
Cucumis sativus L.	f - 142   1 t   1   1
	زر-الم-طبا.   قتلا - خيار

## ۱۴۲۳ - قَذْروس ": نام دیگر آن: شجرالقطران "

Cedrus libani Bar.	قذروس – شجرالقطران	زریاب
Juniperus oxycedrus L.		7 500

۱۴۲۴ - قثی : (نام دانه)

۱۴۲۵ ـ قدح مريم ، قدح مريم ": نام ديگر آن: يوناني: قوطوليون ع

۱۴۲۶ – قُر*َاصَ "،* قَرَاصِ<sup>ع</sup>، قراض ّ: "ابوقتیبة" آن را «بابونج» میداند و غیر او آن را نامی برای «أقحُوان». <sup>ع</sup>َّ

Utrica pillulifera L. Anthemis nobilie L. Matricaria chamomilla L.	قراص	زریاب
Utrica sp.	قُرَاص، قُرَيص، حُرَيق، أنجرُة	الموسوعه

۱۴۲۷ -قراصیا'، قراسیا''، قراصیا''، قراصیا''، قراسیا''؛ نامهای دیگر آن: اهالی صقلبة: قراصیاالبعلبکیة ع ـ جراشیا عرومی: کراسیا ''،قراضیا'،قراضیا'،قراضیا'،قراضیا' – اهل صقلب: چراسیا' – اهل مغرب و اندلس و فاس: حب الملوک '' اهل دمشق: قراسیا'، قراصیا بَعْلَبکی ع – فارسی: گِلُنار(گیله نار) '' – شیرازی: آلی باقلی '' – به فارسی شیرین آن را «گیلاس» و ترش آن را «آلوبالو»، «آلوبولی» و «آلیبالی» گویند. ' – سه نوع بود شیرین، ترش و عفص '

Cerasus avium L.	آلوبالو	پارسا
Prunus avium L.	گیلاس - خلار - علی کک - آلو کک	پارسا

Prunus cerasifera Erth.	قرا <i>صِ</i> یا	الموسوعه
Prunus cerasia B.R.	قراسيا	طباطبائى
Prunus avium L.		
Prunus cerasia B.R.	قراسيا	زرياب
Prunus avium L.		
Prunus cerasia B.R.	قراسيا	خطابى
Prunus avium L.	Kashmir: Gilas	GLO.IN.
Prunus cerasia B.R.	Hendia: Alubalu - Panjab: Gilas	GLO.IN.

۱۴۲۸ -قراطارغُون، قراطاأغون، قراطااغون، قراطارغيون : نام ديگر آن: گندم صحرايي

۱۴۲۹ -قُراطاطًا: (نامي تركي)

۱۴۳۰ – قرالنات: درختی است بزرگ که در کوهستانهای سردسیر روید. ت

۱۴۳۱ ـ قرانيا<sup>6</sup>:

Cornus sp. Matricaria chamomilla L.	قُرنوس، قَرانيا	الموسوعه
Cornus mas	فَرانيا	EN.
Cornus sanguinea		

۱۴۳۲ ـ قرثمن ً: نام ديگر آن در شهر مالق اندلس: قرن الأيّل ً

۱۴۳۳ - قُرَّة العين ، قرة العين ، قرة العين ، قرة العين : بيشتر در آبهاى راكد مىرويد " نامهاى ديگر آن: جرجير الماء الله كرفس الماء عن الله عنه عنه كرفس الماء - سريانى: كرقشا الله - رومى: سريانى كرفس الماء - سريانى كرقشا الله عنه عنه كرفس الماء - سريانى كرقشا الله عنه عنه كرفس الماء عنه الله عنه كنگر آبى الله الله عنه و المكندرية : بقول المائدة الله عنه المائدة الله عنه الله عنه عنه الله عنه عنه الله عنه عنه الله 
سیسَنْبُرْیُون: (Sisumbrion) نزد اهالی مغرب به «حُرْف الماء»، «فُجْل الماء» و «جِرْجیر الماء» معروف است و عامه مردم به آن «قَرْنُونُس» (Acoriones) گویند .[بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۲]

Nasturtium officinale R.Br.	قُرة العين، قُرّة	الموسوعه
Anthemis nobilie L.	•	
Matricaria chamomilla L.		
Sium latifolium	قُرة العين	خطا،، .EN
Matricaria officinale		

۱۴۳۴ -قِرْدِمانا'، قردمانا''، قُردَمانا''، قردمانا''، قردمانا''، قردمان فردمانا''، قردمانا''، قردمانا''، کردَمانا'': نامهای دیگر آن: قرطمانا''، قردمانا'، قردمانا'، قردمانا'، قردمانا'، قردمانا'، قردمانا'، قردمانا'، قردمانا'، قردمانی' – یونانی: قردامون' – کرویای دشتی' – فارسی: تخم توخره' – شیرازی: تخم قردامومون '' – فریقان '' ۔ گیاهشناسان اندلس: کرویا الجبلیة' – نامهای تخم آن: فارسی: تخم توخره' – شیرازی: تخم ترخر '' ، تخم پدران '

قردامومن (Kardamomon): نامهمای دیگر آن عبارتند از: قردمانا ـکرویا جبلیه ـ قرنباد ـ قـرنفاد (عـرب بـه ایــن گـیاه قـاقله گوید.)[بن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ ـ ه]

Lagoecia cuminoides L.		قردمانا -قرطمانا -قردامومون	زرياب
Elletaria cardamomum Wh.&ma. Amomum melegueta Ros.	نوع کوچک نوع بزرگ	قردامومن – قردمانا –کرویا جبلیه قرنباد – قرنفاد – (قاقله )	ديسكوريد
Cardamina amara L.		حَسارَة، قُرْدُمانا، قرنباد، قرنفاد، (قاقله)	الموسوعه
Cardamina sp.		قُرْدُمانا	EN.

۱۴۳۵ - قَرَضْعَنَه ارنامی عربی)، شوکة زرقاء میهودیة میهودیة ورصونه نامهای دیگر آن: حافظ النحل الهل شام: شوکة ابراهیم شجرة ابراهیم - فرنگی: اریزجیم اعامه اندلس: شویکة أبراهیم - بقلة یهودیة - نوعی از آن: تفاح الجمل - دیسکورید: أیرنجی - چند قسم است: نام نوعی از آن: فارسی: بیوه زا - نام نوعی:قرصعنه جبلی ا - نامهای نوعی دیگر :قرصعنه مسدس ا - مازندرانی و لنگ و تنکابن: ششکاک (مخفف شش شاخ) نوعی از خار و دارای انواع بسیار است و در سنگستانها و زمینهای خشن و در ریگ بومها روید...بیخ آن به درازی سه گزیل یا زیاده است و مؤلف گوید به زبان قومی که زنبور عسل می دارند آن را «خارخسک» گویند و به شیرازی «سزه» و در صحراهای شیراز بسیار بود و زنبور عسل گل وی را دوست دارد."

ایرَنْجی (Erunge) گیاه خارداری با نام سریانی «قَرْصَعْنَة» (Qersa anna) و نامهای «شوکة السوداء» و «شوکة الیهودیة» و «شوکة الزرقاء» است و دارای دو نوع سفید و آبی است و در برخی از کتابهای پزشکان با نام «جَنْتِ قابظة» (Centumcapita) آمده که آنها نیز دو نوع سفید و آبی آن را تاثید کردهاند و به لاتینی به آن «بَبْراطُه (Piperito) یعنی «شوْک المُفَلْفُل» گویند و آن گیاهی از شهرهای اسکندریه است و جالینوس آن را «ایرِنْجان» نامیده است.[بن یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱] »

Eryngium creticum	الموسوعه قِرْصَعْنَة، قِرْصَعْنى، شُوك عَقْرَبانى، شِنْدابِ أَكْرِيتى

۱۴۳۶ -قُرُط ، قرط ، قُرط قرط قرط : (نامی عربی) نامهای دیگر آن: فارسی: شبدر ، شبدار ا - اصفهانی: شؤدر ا -نام میوه آن: رسین ا - نوعی در مصر به نام «ذراعه» و میوه آن به نام «رسیم» است. ا

Trifolium alexandrium L.	قرط	زرياب
Melilotus parviflora	حَنْدقوق صغير الزَّهر، قُرْط، مَحيْلَبة	الموسوعه

۱۴۳۷ -قُرْطُم'، قِرْطِم"، قَرْطِم"، قَرْطُم"، قَرْطُم"؛ نامهای دیگر آن: سریانی: خریعا"، کشنی ' - فارسی: کاکیان"، کاهیان"، کارجیله ' - جالینوس: قنیقوس" - عربی: احریضه"، قِرطم ا، حب العصفرا"، بردالحریض ' - فارسی: خسک دانه "، تخم کافشه ' - گیلانی: تخم کاجره ا، تخم کازیره ' - هندی: کروکسینه ا، کابیج ' - رومی: قنطادوس ' - یونانی: اطرقطوس ا، فنیفس " - نام نوع بری: فنیفس اغریون (یعنی اصفر بری) ' - فاس: عُصْفر ا

Carthamus tinctorius L.	قرطم	زخط.
Carthamus sp.	قُرْطُم، قِرْطِم، أِخْريض، بَهْرَم، بَهْرَمان، مُرَّيْق	الموسوعه
Carthamus sp.	قَرْطُم	EN.

۱۴۳۹ - قُرطم بری "، قرطم بری<sup>۳</sup>، قرطم بری ، طریفا ": نامهای دیگسر آن: سسجزی: سسونک " - در کستاب دیسکسورید: اطرقطولس " - یونانی: انطرقطولس "، فیغن اغریون " - شیرازی: انکر "، نکریز "

Carthamus lanatus L.	قرطم بری	زر. – طبا.
Carthamus lanatus L.	قرطم صوفی، شوارِب، عَنْتَر، قرطم بری	الموسوعه
Kentrophyllum lanatum		*

۱۴۴۰ ـ قرطم هندی؟، قرطم هندی : گویند نام «حب النیل» است؟ و می گویند دانه ای است که از هند می آورند.؟ ۱۴۴۱ –قُرطُمان، قَرْطمان، قُرْطُمان، قُرطمان، هرطمان، هرطمان : ؟ معرب «هرطمان» فارسی است. آن نام دیگر آن: فاس: خرطال؟ – گویند همان «جلبان» است.

Avena sativa L.	خَرْطال زراعی، شُوفان زراعی، قُرْطُمان	الموسوعه
Avena sativa L.	قُرْطُمان مزروعى	خطابی
Avena fatua L.	قرطمان بری	

۱۴۴۲ - قَرُظ ، قَرَظ ، قَرَظ ، قَرَظ ، قَرَظ ، سِبت : قرظ معرب «کرت» فارسی است. ا - نامهای دیگر آن: فارسی: بزغند ا - عربی: سِبت ا - عربی: کیکرکارس ا - میوه «شوکه مصریه» معروف به «سنط» است. نام عصاره میوه: اقاقیا ا - هندی: کیکر ا - فرنگی: اکاکیا ا - «صمخ عربی» از این گیاه است. ا خار مصریست که آن را «صنط» گویند و از شره آن عصاره میگیرند و آن را «اقاقیا» گویند. "

Acacia arabica W.	سَنْط عربي، قُرْظ، شُوكة قِبطيّه	الموسوعه
Mimosa arabica Lam.		
Mimosa nilotica L.		
Acacia arabica W.	قرظ	 زر <b>یاب</b>
Mimosa arabica Lam.		
Mimosa nilotica L.		
Acacia arabica W.	قرظ	خطابی
Mimosa nilatica L.	قرظ	EN.

۱۳۴۳ - قرظ": نوعی «رطبه» است که در مصر میکارند و برگ آن بزرگتر از «رطبه» است و چهارپایان آن را میخورند و فربه میشوند. "

۱۴۴۴ - قَرْع ا، قرع "، قرع "، قرع "، يقطين "، حب القرع ": نام هاى ديگر آن: عربى: قَرَع ا – فارسى: كدو اس حدى ا كدو ا، قيرع " – تركى: قباق ا – سريانى: قرأ ا، قرا " – رومى: فلوقرنيا ا، قولوقوننا " – يونانى: قروفا ا، قلوفيا ا قولوقونطس " – گياه به عربى «يقطين» و ميوه آن «دبا» نام دارد ا داراى انواعى است: نام هاى نوعى: فارسى: كدوى تلخ ا – هندى: تونبرى ا – عربى: قرع المُر ا – نام هاى نوعى به هندى: ديسندس ا – نام هاى نوع ديگر به هندى: پيتهه ا – بنگالى: كونده ا – نام هاى نوعى: مزوبه ا – فارسى: كدو مكه ا – هندى: كديمه ا

Cucumis colocynthis L.  = Citrullus colocynthis Schrad.	کدو بیابانی	پارسا
Cucurbita pepo L. Cucurbita langenaria کدر سراجی	كدو	پارسا
Cucurbita sp.	قَرْع، يَقْطين	الموسوعه

Cucurbita maxima Duch.	قرع	زرياب
Cucurbita maxima Duch.	قرع	زر طبا.
Cucurbita pepo L.	_	

## ۱۴۴۵ - قِرفه "، قرفه ع، قرفة أ: نوعى دارصينى " - نامهاى ديگر آن: هندى: طج "، تج " - سندى: حادطج "

Cinnamomum zeylanicum N.	قرفه	زر. – طبا.

۱۴۴۱ ـ قرقسیون<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: کُبابهٔ <sup>۳</sup> ـ گروهی تصور میکنند نام «بسباسه» است ولی اینچنین نیست.<sup>۳</sup> ۱۴۴۷ ـ قِرْقِمان<sup>۱</sup>، قرقمان<sup>۳</sup>: ؟ در درون تنه درختِ مقل حجازی و صعیدی و خرما بوجود می آید.<sup>۱</sup> ۱۴۴۸ ـ قُرْم <sup>۳</sup>، قرم<sup>(۱)۳</sup>:

Avicennia officinalis L.	قرم	زرياب
Seura marina Fo.		

۱۴۴۹ -قَرَنْقُلَ، قرنفل من قرنفل ، قرنفل، قرنفل؛ ؟ دو جنس است نر و ماده به الماهاى ديگر آن: هندى: لَوَنْگ من لونكهل من لونك من بانكريزى كلوف ساحورنفول سام يونانى: غرنيواس المارومى: قرفلون المارسى: ميخك ا

Clinopodium montanum (L.) Kuntz.	حب القرنفل	پارسا
Eugenia aromatica Baill. Eupatoria cannabinum L.	قرنفل	پارسا
Caryophyllus aromaticus L. Eugenia caryophillata Thunb.	قرنفل	EN. زر.،
Syzygium aromaticus (L.) Merr.	قرنفل	طباطبائى
Dianthus sp. Eupatoria cannabinum L.	قرنفل	الموسوعه
Dianthus caryophillus L. Eugenia caryophyllata	قرنفل	خطابی

۱۴۵۰ -قرنفل شامی ؛ نام دیگر آن:قرنفلیه ا (نامی مغربی)

۱۴۵۱ ـ قَرَنْوَة ع: گروهی گفته اند نام «هَرَنْوة» است. ع

۱۴۵۲ - قرون السنبل؛ قرون السنبل : ؟ برخی گویند نوعی «سنبل سفید» است کشنده است و در میان «سنبل» یابند و گویند بیخ «خانق النمر» است و صاحب منهاج گوید دواء کشنده است. تو این یعار (در ترجمه دیسکورید): به رسبل، رجوع شود.]

Nardostachys sampharitke	ناردس سنفاريطيقي - سنبل - قرونالسنبل	ديسكوريد
, ,	0. 30 0. 0. 0	

۱۴۵۳ -قُزّاح٬ قرّاح٬ نامی مغربی) نوعی «رازیانج» که مورد چرای شتر قرار میگیرد. ٔ نام دیگـر آن: اعـراب افـریقا: علجان٬ – شیراز:کهه،کماه٬ ـ قیرون ّ

۱- الموسوعة: اللسان: گیاهی مانند (دلب، از نظر محکمی و سفیدی در درون دریا

۱۴۵۴ -قُس ؛ نام لبلاب بي ثمر ا ۱۴۵۵ - قساس: نام ديگر سليخه س

قِسّیا (Kassias): نام «سلیخه» است و دارای انواع مختلفی است.[ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱۳-۱

Cinnamomum zeylanicum Var.	قسا - سليخه	زرياب
Cinnamomum cassia Boiss.		
Cinnamomum cassia Boiss.	قِسَيا - سليخه	ديسكوريد

#### ۱۴۵۱ ـ قسب<sup>ع</sup>: نوعی «تمر» (خرما) در عراق<sup>ع</sup>

۱۴۵۷ - قُسُط ، نسط ، قسط ، قسل ، قس

قُسْطُس (Kostos): نام وقُسْط»، و کُشْط» و «کُشْت، است و در سه نوع عربی، هندی و شامی است. [بن یطار (در ترجمه دسکورید) ۱۹-۱]

Aucklandia costus Fal.	قسط - كسط - كست	زریاب
Saussurea lappa Clarke	•	
Costus albus A.Chev.	قسط شيرين	پارسا
Costus amarus Rad.	قسط کشمیری -قسط تلخ	پارسا
Cistus ladaniferus	قسط	طباطبائى
Costus speciosus Sm.	قسطس - قسط - كسط - كست	ديسكوريد
Costus arabicus L.	قسط	خطابی

۱۴۵۸ -قَسْطَرون٬ طروفون<sup>در</sup>: ن**امهای دیگر آن**: یونانی: قسخروطون٬ یعنی متعدی به آتش ، زیرا در مکان های سرد می روید. رومی: برطانیقی٬ رسماریتا٬ -لاتینی: بُنِترقه<sup>(۱)</sup> -برطانیقی قَسْطُرون (Kestron): این گیاه را اهالی اندلس و مغرب به این نام میشناسند.[بن یطار (در ترجه دیسکوریه) ۴ - ۱]

Stachys betonica Benth.	قسطرون	ديسكوريد
Betonica officinalis L.	قسطرون	EN.

۱۴۵۹ ـ قسّوس<sup>ع،</sup> قسوس<sup>ت</sup>، يذره ّ، يِذُرَة: ن**امهاى ديگر آن:** حَبل المساكين عن ـ لبلاب الكبير عن – يذره از انواع «قسوس» و از جنس «لبلاب» است.غ

Hedera helix	قسط	طباطبائى
Hedera helix	يذره	خطابی

## ۱۴۲۰ ـ قِشْبَة عُ: (نامی حجازی)

Ashbia gossypii	قَشْبَة، قِشْبَة	الموسوعه
Nematospora corylii		
Spermophthora gossypii		
Eramothecium ashybii		

۱۴۲۱ ـ قشر ترجیه<sup>ت</sup>: (نامی فارسی) ۱۴۲۲ ـ قصاص<sup>ت</sup>: **نام دیگر اَن** در کتاب دیسکورید: قوطس<sup>ت</sup>

Medicago arborea Mill.	فِصَّة مُشَجَرَة، قَصَاص	الموسوعه

۱۴۶۳ - قَصَب، قصب ، قصب ، قصب ، قصب ، قصب قصب الذريرة، اصل القصب (نامى عربى)، يَراع ، يراع : نام هاى ديگر آن: بيخ ني " - سريانى: قنا ' - يونانى: اثونبون ، قالاض ' - رومى: فلاوس ' - فارسى: ني " - تركى: قابيش ' - هندى: سركنده ، نل ' - فرنگى: بروند ' - نوع بسيار بزرگ آن به هندى «بانس» و متوسط آن «ترله بانس» است. "غسانى" مى گويد: داراى انواع مختلفى است نوع توپر و سخت آن را «قَشّ» مى نامند و در ساختن تير و قلم از آن استفاده مى شود و نوعى توخالى و زود شكننده است و عوام فاس به آن «قصب الريح» گويند و براى حصير بافى از آن استفاده مى كنند. "ديسكوريد" مى گويد: نام نوعى از آن «نسطوس» و نوعى ديگر «تلس» است و آن بايه ماده مى باشد. "

Arundo phragmites L.	بوص، قصب	الموسوعه
Arundo donax L.		
Phragmites communis Trin		
Arundo phragmites L.	قصب	زریاب
Arundo donax L.		
Phragmites communis Trin		
Arundo donax	قصب الهند	خطابی
Phragmites communis	قصب السياج	خطابی
Acorus calamus	قصب	EN.

۱۴۶۴ -قصب الذَّريرَه'، قصب الذريره"، قصب الذريرة ، قصب الذريره "، قصب الذيره ، ذريرة أ، فَتُحة : (نامى عربى) نامهاى ديگر آن: فارسى: نى نهاوندى ، بركينبه - عربى: قصب بوا" - سريانى: قساريسما - يونانى: ارمنيقون ، قالاس - رومى: اقياقيلونى - هندى: چرايتا ، چرايته - فرنگى: كالدم ارمانك - نام گياه در كتاب جالينوس: قالاموس اروماطيقوس - قصب الذريرة - قمحة - نام نوع ديگر آن به هندى نيپال است.

## قلامُس أرّوماطيقس (Kalamos aromatikos): قصب الزريرة ـ قلماس ـ قُمْحَة [بن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١٨]

Acorus calams L. Andropogona martini	قصب الذريره	. طب. –خط.
Swertia chirata Ham. Acorus calams L. Andropogona martini Roxb.	قصب الزريره	زریاب
Acorus calams L.	قلامُس أرَوماطيقس، قصبالزريرة	ديسكوريد
Acorus calams L. Acorus aromaticus Gilib.	عود الوَجّ، عِرْق أَكُور، وَجّ، أيكِر، قصبالزريرة	الموسوعه
Calamus aromaticus	قصبالزريرة	EN.

۱۴۶۵ -قَصَب السَّكرا، قصب السكر "، قصب السكر" قصب السكراً: نامهاى ديگر آن: فارسى: نيشكرا - هندى: اوكهها، كاندها، كنها، يونداا - نام عصاره: عسل القصب

Saccharum officinarum L.	قصب السكر	زخط.
Saccharum officinarum L.	قصب السُّكر، مُصَّان، بَرْسوم	الموسوعه

۱۴۹۱ ـ قُضاب مصری مقضاب مصری : در مصر نام عربی نوع بزرگ آن «عصی الراعی» است. ت "ابن بیطار" می گوید: «قضاب» تنها در شهرهای مصر وجود دارد و آنگونه که عده می پندارند «عصاالراعی» نیست، بلکه گیاهی است که دیسکورید در مقاله چهارم خود آن را به یونانی «قلیماصیس» نامیده است. ت

Vinca minor	قضاب صغير، قضاب مصرى	الموسوعه
-------------	----------------------	----------

## ۱۴۹۷ ـ قَضْب ع: نامهای دیگر آن: رطبة و فصفصة ع

Medicago sp.	قَضْبِ، فِصَّة، رَطْبَة، فِصْفَصَة	الموسوعه
--------------	------------------------------------	----------

۱۳۶۸ - قضم قریش ": نام های دیگر آن نم قریش "است که به «بزر تنوب» میگویند و به «خرنوب» نیز میگویند و "صاحب جامع" گوید آن «حب صنوبر صغار» است و در این مورد جای بحث است و گویند «حب صنوبر کبار» است. "

۱۴۲۹ \_ قطرات كوثى ع: (نامى فارسى)

۱۴۷۰ -قَطَف٬ قطف٬ قطف٬ قطف : (نامی عربی) نامهای دیگر آن: در کتاب جالینوس: اطفکسوس - سریانی: قطبا ، قطف حربی: سرمق اس معرب از «سلمه» یا نام «سرمک» فارسی است. اسریانی: قفطا - یونانی: افلیوکبیون ، افکرکسیس ، افدرافکسیس ، اطرافعس - فارسی: اسفناج رومی اسفناج رومی - هندی: پالک ، ککروهن ، تبهو ا

أَنْدَرُوافَقْسُس: سَرْمَق ـ سَرْمَج ـ بَقل الرّوم ـ بقل الذهبي ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ٢٠١٠:

Atriplex hortensis L.	أندروافقسس، سرمق، قطف، بقل الروم، بقل الذهبي	ديسكوريد
Atriplex sp.	سَرْمَق، قَطَف	الموسوعه

Atriplex hortensis L.	قطف أبيض، سرمق أبيض	الموسوعه
Commiphora kataf En. Balsamodendron kataf	قَطَف	الموسوعه
Atriplex hortensis L. Atriplex rosea L.	قطف - اطفكسوس - قرطف	زرياب
Atriplex hortensis L. Atriplex hastata L.	قطف	طبا.، .EN

۱۴۷۱ - قطف بحری ، قطف بحری <sup>ع</sup>، قطف بحری <sup>۳</sup>، تلیش <sup>در</sup> : نامهای دیگر آن: ملّوخ <sup>۳۵</sup> ـ شام: ملوح ' - یونانی: ملح ، لیمون <sup>ا</sup> ـ ارماس -ملّاح أالیمون (Halimon): نام های دیگر آن عبارتست از: ملّوخ ـ قطف بحری ـ نام گیاه در کتاب جالینوس: ملّیخ [بن یطار (در ترجمه دیکرید) ۱-۳]

Atriplex halimus L.	أاليمون – مُلوخ – قطف بحرى – ملّيخ	ديسكوريد
Atriplex halimus L.	سرمق بحرى، قَطَف بحرى، حليم	الموسوعه

۱۴۷۲ - قُطْلُب (نامى شامى)، عصير الدبّ (ميوه)، قطلب: نام هاى ديگر آن: عربى: قاتل ابيه ع- به لغت عجميت اندلس: مطرديه ، مطرونية ع- اندلس: عصى الدب، عصير الدب ميونانى: قوماريس، قوماورس - نام هاى ميوه آن: جنى الاحمر، جناء الأحمر ع- قدس: نقيب عيونانى: باقولا،

قوماروس (Komaros): تفسیر آن «طُعْمَة حَمْراء» است و نام دیگر آن وجَنی الأَحْمَر» و نوعی ازگیاه وقاتل ابیه» است و به آن وشجر القَطْلَب» و به رومی وقاماریون» و به زبان اندلسی به آن وعصیرالدُّب» و اهالی مغرب به آن واَساسْنُوا، و به لاتینی عمومی ومَطْرونیة» گویند. [بن یطار (در ترجمه دیسکریه) ۱ - ۱۳۲]

Arbutus unedo L.	قوماروس، طعمة حمراء، شجر القطلب، قاماريون عصيرالدب، اساسنوا، مطرونيه ، قاماريون	ديسكوريد
Arbutus sp.	قَطْلَب، قُطْلُ بِجَ، قاتل أبيه عصيرالدب، اساسنوا، مطرونيه ، قاماريون	الموسوعه

۱۴۷۳ - قَطُّن أَ قُطْن ا قَطْن ا قَل ا قَل ا قَلْن ا قَطْن ا قَلْن ا قَطْن ا قَل ا قَل ا قَلْن ا قَطْن ا قَلْن الْنَالُ اللّه الللللّه اللللّه الللللّه الللّه الللللّه الللللّه الللّه الللللّه

Gossypium herbaceum	قطن	زر. –طبا.
Gossypium spp.	پنبه	پارسا
Gossypium sp.	قُطْن، بُرْس، طُوْط، عَططْب، كُرْشف	الموسوعه

۱۴۷۴ - قطيفه تنام ديگر آن: غساقالس

Tagetes erecta	قَطيفه، عصيرالدب، اساسنوا، مطرونيه ، قاماريون	طباطبائي
	3.5	, , ,

۱۴۷۵ –قَعْبَل'، قعبل<sup>ع</sup>، قعبل<sup>۳</sup>:؟ نامهای دیگر آن: یونانی: سقراطیون <sup>۳</sup>، سفلاریقون <sup>۳</sup> – در کتاب دیسکورید: فنقراطیون<sup>۳</sup> بَنْقراطیون (*Pankration): نوعی پیاز «عنصل» است با این تفاوت که کوچکتر از آن است و این گیاه بجای «عنصل» مورد استفاده قرار میگیرد و آن را «فانقراطیون» مینامند. ـ ابن بیطار در کتاب جامع خود آن را معادل «قعبل» میداند. ـ [ابن یطار (در ترجه دیسکورید) ۲ - ۱۵۴]* 

Pancratium maritimum L.	بنقراطيون - فانقراطيون (قعبل)	ديسكوريد

۱۴۷۶ –قَعْنَب٬ **تُعْنُبُ٬ نامهای دیگر آن:** عجم اندلس: طرنیة ٔ ۱هالی بادیه: لعاس ٔ ـ نام مشترک با «شیر» و «روباه نر»<sup>ی</sup> و «ناخن بازو» و گیاهی است که به عجمیت اندلس «طرسه» یا «طرنه» نام دارد.<sup>۱</sup> ۱۴۷۷ ـ ق**ن**لوط ٔ ق**ف**لوط ٔ نوعی کرّاث شامی <sup>ت</sup>

Allium ascalonicum	كُرَاث عَسقَلون، كُرَاث اندلسي، كراث أبوشوشة، قَفْلوط	الموسوعه
--------------------	---	----------

۱۴۷۸ ـ قفّور<sup>ع،</sup> قفورا ؓ: نباتی است که «قطا» بر آن چرا کند. ؓ

١٤٧٩ –قُلانَّشُ، قلانشُّ: نام ديگر آن:خُوخ المروجُّ

٠١٤٨ - قلام "، قُلَّام عُ، ملاح ": نام هاى ديگر آن: عربى: شجرة الفِسلين عُ، مُلَّاح عُ - كُشْمُلْخ عُ - قاقلا "

Conandron sp.	قَلَام	الموسوعه
Cakile maritima Scop.	قلام - قاقلا	زرياب
Androsaces sp. Androsaces lactea L.	قلام – ملاح	خطابی

۱۴۸۱ -قُلْب، قُلب، قُلب، قلب، قلب: نامهای دیگر آن: یونانی: لبلیس فرسن و یعنی بذر حجری - عجمیت اندلس: سجس افراغیه (به معنای «کاسرالحجر») - فارسی: سنگ سبویه - کلب - لسوالسومر ابن ماسویه می گوید: دانه ای است هندی همانند دانه «کتان» ولی اندکی بزرگتر و تیره رنگ.

لیتَشْفَرْمُن (Lithospermon): برگردان عربی این نام یونانی «بزر الحجری» است و به عربی به آن «قُلْب» گـویند. زیـرا بسـیار سخت و سفید است به لاتینی آن را «شَخْفراغثه» به معنای «کاسر الحجر» شکننده سنگ یا «مُشْطیه» گویند و این گیاه نهایت اثر را در شکستن سنگ دارد و بذر آن مدور، سخت و براق است و در شهرهای اندلس بسیار یافت می شود و در بازار داروئی خرید و فروش می شود.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۲]

ديسكوريد ليتسفرمن، بزرالحجرى، كاسرالحجر، قلب Lithospermum officinale L.	Lithospermum officinale L.	ليتسفرمن، بزرالحجري، كاسرالحجر، قلب	ديسكوريد
---	----------------------------	-------------------------------------	----------

۱۴۸۲ ـ قلجونة ؟: نامهای دیگر آن نزد اهالی آفریقا و بعضی از عربها: قیروان ٔ ـ کرنجونه ٔ

۱۴۸۳ –قُلْسُوفُودِيُونَ٬، قلينوفُوديُونَّ: (نامي يُوناني)

۱۴۸۴ –قُلْقاس'، قلقاس''، قلقاس''، قُلْقاص'':(نامی عربی) نامهای دیگر آن: رومی: قُلقاس'، اوذی تغس' – سریانی: قلقاسی' – هندی: اروی' – دکهنی: چمکدلا' – بنگالی: کچو' – فاس: قَرقاز<sup>غ</sup>

Colacasia antiquorum Sch.	قُلْقاس	الموسوعه
Colacasia esculenta L.		
Arum esculenta L.		
Colacasia antiquorum Sch.	قلقاس	زرطبا.
Arum colocasia L.		
Arum colocasia L.	قلقاس	خطابی

# ١٤٨٥ –قِلْقِل، قلقل، فلقل، قلقل، حب القُلْقُل، حب القلقل؛ نامهاى ديگر آن:قُلْقُل، ؟، قلاقل س، قلقلان

Crotalaria retusa L. Cassia tora L.	قلقل	زریاب
Cassia tora L.	سنابَرى، قِلْقِل، قُلاقِل	الموسوعه
Dolchos sp.	وَلْقِل	EŅ.

۱۴۸۸ ـ قلقونیا میگوندا ": "غافقی" میگوید: صمغ صنوبر معروف به «قوفا» است. " ـ نامهای دیگر آن: در کتاب نام گیاه در کتاب "جالینوس": عِلک می در کتاب "حنین": راتینج الین به شیرازی: زنگباری "

۱۴۸۷ -قُلومُس': نامي يوناني به معناي اذان الدب' - "رازي" أن را «بوسير» دانسته است. ً

۱۴۸۸ -قُلُوْمَايُن ُ:(نامي يوناني) نامهاي ديگر آن:شجرةابيمالک ۖ - شام: صابون القاف ، صابون الثياب ، ظفر القط ً ا

قُلومانُن (Klumenon): ابن حسان نام لاتینی این گیاه را «اونیاغاتُه» میداند که به معنای «اظفار القط» است. این گیاه را خود می شناسم و غیر از این نامی برای آن نمی دانم. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۱۳]

Leonicera periclymenon L.	قلومانن - اونباغاته	ديسكوريد

۱۴۸۹ - قلْی ؒ: خاکستر درخت «طاق» است. ؒ نام های دیگر آن: فارسی: شخار ؒ - رومی: اسطوریقون ؒ - سـریانی: قلیا ؒ - هندی: ساجی ؒ، سجی و نام یک نوع دیگر آن: «کالو، ؒ

Salicornia herbacea L.	اشنان القلى – قَلى، أبوقابس، خُرَيْس	المطبا.
Cassia tora L.		

۱۴۹۰ - قُمَيْحَه ": نام ديگر آن: قصب الذريره " ١٤٩٠ - قنبيل "، قنبيل ":

Rottlera tinctoria Roxb.	قنبيل	زریاب
Mallotus philippinensis Mull.		
Mallotus sp.	قِنْبيل، وَرَس مَلُوتا	الموسوعه
Mallotus philippinesis	ونبيل	طباطبائى

۱۴۹۲ -قَنْي ، قنا ، شعارير (قنا صغير)": عامه مغرب: كلخ - يوناني: نَرْتَقُس

نَوْتَقَس (Narthekos): گیاهی است که در اندلس به نام «کُلْخ الکبیر» معروف است و به آن «شجر القَنا» گویند و جالینوس به آن «نارتکُس» گوید. [ابن بیطار (در ترجیه دیسکورید) ۳ ـ ۷۳]

Canna sp.	tiā	الموسوعه
Ferula communis L.	نرثقس - كلخ كبير - قنا	ديسكوريد
Ferula communis L.	لنا	EN.

۱۴۹۳ - قُنَابَری ، قنَابری می قنابری می قنابری و قنابری فنابری و قنابری و قنابی و قنابری و قنابی و قنابری و قن

سْقَلْبِیْاس (Asklepias): جالینوس به آن «قُنابَری» گوید و در شام نیز به همین نام مشهور است ولی مشخصات آن با «سقلیباس» متفاوت است و من ـ ابن بیطار ـ این گیاه را نمی شناسم.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۸۷]

Lepidium draba L.	قنابری	زر. –طبا.
Plumbago europaea L.		ı
Asclepias vincetoxicum L.	سقلبیاس – قنابری	ديسكوريد

۱۴۹۴ - قِنَّب'، قنب منه قنب الله المعرب القبّب الله المعرب المعر

قَنَّابِش (Kannabis): نام های دیگر آن عبارتست: قِنَّب \_شهدانج \_شاذانق [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۸۷]

Cannabis sativa L.	قَنَابِش حَقِنَّب - شهدانج - شاذانق	ديسكوريد
Cannabis sativa L.	فُتُب	ال.، .EN
Cannabis sylvestris	قُتُب البرى	EN.

۱۴۹۵ -قُنَّبيط، قنيط، قنيط، نامهاي ديگر آن: فارسي: كلم رومي، كلم كردا - شام و بغداد: بيض العيارا

Brassica oleracea var. botrytis	قَرْنَبِيط، قُنَّبِيط	الموسوعه

۱۴۹۶ –قَنْطُوريون'، قن**طوريون**' ، قنطوريون ، قَنْطوريون ، جنتورية ، قنطوريون كبير ، قنطوريون كبير، قـنطوريون صــِغير،

قطوریون صغیر<sup>3</sup>، جنتوریه ": به عجمی اندلس نام «قنطوریون الدقیق» است. «قنطوریون» لغت رومی و معرب «جنتوریه» رومی و منسوب به «جنتورس» حکیم رومی است. المهای دیگر آن: سریانی: اسکیغیلای ایونانی: اومیطرون الورن اوبزر الوفا کریون الوفا کریون و قنطوریون دارای دو نوع است: نامهای قنطوریون کبیر قنطوریون کبیر است: نامهای قنطوریون طوماغا" (یعنی قنطوریون بزرگ)، بوقی "، لوفای کبیر " معربی: خصی الثعلب " انامهای قنطوریون صغیر:قنطوریون دقیق " یونانی: قنطوریون طولیطون (به معنای قنطوریون نازک)، قنطوریون طرمقرون (به معنای قنطوریون کوچک)، طومقرون "ملیسون" (مشتق از ملیس به معنای آب راکد است زیرا در کنار آب های راکد می روید.)، لمنیسون " فارسی: لوفای فاخر ایریون از مناز ایرون المخیان آن را «فول الحَمام» می دانند و گروهی گویند «قوسیّة» است و برخی معتقدند «یاسمین بری» است. و نزد گیاهشناسان به همین نام پزشکان آن را «فول الحَمام» می دانند و گروهی گویند «قوسیّة» است و برخی معتقدند «یاسمین بری» است.

قَنْطُوریون طوماغا (Kentaureion to mega): نام «قنطوریون الکبیر» و «قنطوریون الجلیل» است و نزد کیاهشناسال به همین نام مشهور است و من ـ ابن بیطار ـ از شهر انطالیا آن را جمع آوری کردهام و ریشه های ضخیم آن مورد استفاده قرار میگیرد. قنطوریون طُولبطون: به معنای «قنطوریون الدقیق» است و به آن «قنطوریون طومِقرون» به معنای «قنطوریون صغیر» است و به زبان لاتینی مشهور به «جَنْوریه» (Centaurea) منسوب به جنتورِش حکیم است و او اولین کسی است که آن را شاخته و شرح آن را داده است.اهل مغرب به آن «قُصَّة الحَیّة» گویند و در بعضی از شهرهای اندلس به زبان لاتینی آن را «مُکَیِّسَة» نامند و اهل

مایرقا به آن «طُرْيُطُر» و در روم به آن «اجیلیه» و «غریزا» گویند. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱]

Centaurea centaurium L.	قنطوريون كبير	دى. – خط.
Erythraea centaurium	قنطوريونطولبطون، جنتوريه، قنطوريونصغير	ديسكوريد
Erythraea centaurium	قنطوريون صغير	<u>۔ نو۔۔</u> ز.– خ.–پا.
Centaurea officinale	گل گندم – قنطوریون کبیر	بارسا
Equisetum ramosissimum Desf.	ریش بز - قنطریون - دم اسب	يارسا
Centaurea sp.	قَنْطُرْيون، قَنْطاريون	الموسوعه
Centaurea centaurium L.	قنطریون کبیر، عُرْطُب	الموسوعه
Erythraea centaurium	قنطريون صغير	الموسوعه
Centaurea cyanus L.	قنطوريون	طباطبائی
Centaurea minus Moen. Enythraea centaurium	قنطوريون صغير	طباطبائی

Ferula galbaniflua Boiss. & Buh. Ferula rubricualis Boiss.	نه	زرياب
Ferula galbaniflua Boiss. & Buh.	خلبانی -خلوانی	ديسكوريد
Ferula communis L.	قِنَّة الْمَبْذُولَة، كَلْخ	الموسوعه
Ferula gumosa Boiss.	نِنَّة	طباطبائی

۱۴۹۸ - قوطاما؟:

۱۴۹۹ -قُوطُلیدُون'، قوطلیدون مقوطولیدون (نامی یونانی) نامهای دیگر آن: یونانی: قومالیون - مغرب: زلایف الملوک "، بشانق، اذان القسیس " (زیرا برگ آن شبیه به ترازوئی است که به زبان یونانی «قطولی» نام دارد.)، سفایق - عربی: کاسات (زیرا برگ آن شبیه به کاسه است.)

قوطُلیدون (Kotuledon): نام دیگر آن «کَأْس» است زیرا مشابه ظروف کوچکی به نام «سکارج» می باشد و عوام شهرهای ما به آن «المصافق» گویند زیرا برگی پهن دارد و به «اذان القِسّیس» و «زلائِف الْملوک» نیز مشهور است.

این گیاه در بامها و دیوار خانهها و صخره کوهها میروید و دو نوع دارد و نوع دوم آن را اهالی مصر «اِذْنَة» (یا ادنه) نامند.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۸۳]

Cotyledon lusitanicus Lam.	ديسكوريه قوطليدون، كأس، اذان القسس، زلائف الملوك،

- ه ه ۱۵ ـ قوفی : (نامی یونانی) نام دیگر آن: بَخور عـ همچنین به درخت «أُرز» نیز گفته می شود. ع
  - ۱۵۰۱ ـ قوقالس نامهای دیگر آن: عجمی اندلس: أِقجالَّة ع
- ۲ · ۱۵ ـ قونیزا<sup>۲</sup>، قونیزا<sup>۳</sup>: نام «طُبّاق» است ولی بطریق نام آن را «یَنْبوت» میداند که اشتباه است.<sup>۳۳</sup>
  - ۱۵۰۳ قولانی <sup>۲</sup>: «جوی» است که از هندوستان آرند. <sup>۲</sup>
  - ۴ ۱۵ قومن مَثلَث عام های دیگر آن: مرز ع ـ رازی: مُثلَث ع

آ بْرُوطُنُون (Abrotonon): نام «قَیْصوم» است و دارای دو پایه نر و ماده است و کسی که آن را «برنجاسف» نامیده دچار اشتباه شده است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ ـ ۲۵]

Artemisia vulgaris L.	ارطميسا -قيسوم -جثجاث	زرياب
Achillea fragrantissima Sch. Artemisia abrotonon L.	ابروطنون – قیصوم (نوع اول) (نوع دوم)	ديسكوريد
Artemisia abrotonon L.	قَيْصوم، أَبْروطونُن، رَيْحان الأرض، مِشك الجِنّ	الموسوعه
Artemisia abrotonon L.	قَيْصوم	طباطبائى
Artemisia abrotonon L. Achillea fragrantissima Sch.	قَيْصوم (ذَكر) قيصوم (انثي)	خطابی

۱۵۰۶ -قَیقَهَرا، قِتهن ٔ: نامهای دیگر آن: یونانی: قیقهن ا، قنقهرا، قینَهرا - عربی: شجرا - فارسی: لعل معبری ا هندی: رال ا، دهونه ؟

۷ • ۱۵ - قيمص ً:

١٥٠٨ - قينا": نوعى بقلة الحمقاء"

#### حرف «ک»

۹۰۵۱ - کات؛ نام مشترک «برنجی» در شوشتر و صمغ درخت هندی به نام «کیهر» مادی درخت هندی به نام «کیهر» ۱۵۱۰ - کاذی، کاذی که کاذی که (لغت عربی اهل یمن یا لغت هندی است.) کاوی که کدر (۱۱): گویند طلعی است و آبن سمجون گوید بیشتر در زمین هند باشد و درخت آن مانند درخت خرما است و مؤلف گوید بدانچه محق و مشهور است که در بحرین و نواحی عمان و در مناطق گرمسیر شیراز روید و آن را «گل کیدی» گویند. و بوی بسیار خوش دارد حتی جامه که بوی آن بگیرد تا مدتها آن بوی زایل نگردد. نوع کو چک آن «کیتکی» نام دارد. او مامهای دیگر آن: عربی: کدر استدی کیوار، گل کیوره و اسفهان: کیده س

Pandanus odoratissimus L.	کاذی –گل کیوره	زر. – طبا.
Pandanus sp.	کاذی	الموسوعه

۱۵۱۱ - کاشم ، کاشم دومی ؛ از هدبات و نوعی جنبه (نامی عربی یا فارسی) نامهای دیگر آن:
رومی: لویسطیقون س بونانی: قنالیون ، لیفستیقون ساسالی ، لیفطیغون ، لیفسطیقون، سیالیوس سریانی: نیلی یشا و رومی: کملاون و گویند نام «انجدان رومی» است. سیم آن به فارسی «گلپر» نام دارد. و رازی آن را «زوفرا» می داند. سیمضی گفته اند نوع چهارم «سیسالیون» که با نام یونانی «طروبین» است. اشبیلی می کوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را بذر «گلخ» و گروهی نوعی «انجدان» و بعضی «سسالیون» یا «بسطیقون» که همان «انجدان رومی» و «کمون رومی» است، می دانند. و نام نوعی از آن: سسالیون - کاشم صینی - منفوخة - بلّه بانته - بلّبراله - نوعی «ابی دالس» نامهای نوع دیگر آن: سسالیوس و سنتیا یعنی ضوت الجبلی - سنوت یعنی کمون - کمون الملوکی - طغازه - طغازه - قلیفلة — کاشم صغیر: طَرح النواتیة - خُراء النواتیة - خِراء النواتیة - خراء النواتیة - خراء النواتیة - خِراء النواتیة - خِراء النواتیة - خِراء النواتیة - خِراء النواتیة - خراء النواتیة

البازی ش لیقُسْطیقون (ligustikon): نام «کاشَم» است و اهالی انطالیا به آن «زُزُغْد» گویند و آن را باگوشت بجای گیاه «التوبل» می پزند.

Levisticum officinale Koch.	كاشم –ليقسطيقون – ززغد	ديسكوريد
Levisticum officinale Koch.	أَنْجذان رومي، كاشَم، كاشم رومي	الموسوعه
Levisticum officinale Koch. Ligusticum levisticum L.	كاشم	زر. – طبا.
Levisticum officinale Koch.	کاشم رومی	خطابی
Seseli tortuosum L.	كاشم	خطابی

۱۵۱۲ – کافور <sup>۱</sup>، کافور <sup>۳</sup>، کافور <sup>۳</sup>، کافور <sup>۳</sup>، کافور <sup>۱</sup>، کافور <sup>۱</sup>، کافور <sup>۱</sup>، بُفُرِی <sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: هندی: کَپور <sup>۳</sup> ـ پوست طلعة <sup>۳ ـ</sup> ـ کُفُرِّی <sup>۳ ـ</sup> ـ کافور <sup>۳</sup> ـ شیره درخت «فوفل» است. <sup>۱</sup>

Cinnamomum camphora Nees.	كافور	ز.، خ.، ط.
Laurus camphora L.		<u> </u>
Cinnamomum camphora Nees.	كافور	الموسوعه
Laurus camphora L.		

١- فردوس الحكمة: كدر بر وزن قمر رستني دكادي، كه خوشبوي و براي آبله مفيد است.

[ابن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۸]

## ۱۵۱۳ -کافوربویه ": نام دیگر آن: کافور یهودی "

Camphorosma glabrum L.	كافور بويه	زرياب

۱۵۱۴ - كاڭراسِيْنْكِي ؛ (نامي هندي)

۱۵۱۵ – کاکنج ، حب اللهق ، حب اللهق ، حب الکاکنج ، قسطولیدون : معر ب «کاکنه» فارسی است. نوعی از اغلات است. و نوعی عروس در پرده است. و نامهای دیگر آن: اهالی فارس: عروسک پس پرده و شیراز: کچومن و بالهای الفائی اوسفائون ا بقغاین و سریانی: خمری مرجا و رومی: اسقیدولیون و عروس عربی: جو زالمزج ، حب اللهو ، عب اللهو ، عب اللهو ، عب اللهوائ و به ماوراء النهر: عروس رزائی ، عروس در پرده و مغرب: حب اللهوا و عنب الثعلب مینالا فالون و مهرهای سردسیر در قبه و ماس: عنب الثعلب ، عنب الذیب ف خوزی می گوید: دو گونه است: یکی را از ماه و اصفهان و شهرهای سردسیر می آورند. قاطاجانس گوید: کاکنج نوعی «عنب الثعلب» است که میوه اش سرخ است. دو نوع است یک نوع به شیرازی می آورند. قاطاجانس و بیگر «کجومن» گویند و بهترین آن بزرگ سرخ کوهی است. آشبیلی می گوید: دارای انواعی است «عروس در پرده» خوانند و یک نوع دیگر «کجومن» گویند و بهترین آن بزرگ سرخ کوهی است. آشبیلی می گوید: دارای انواعی است امیان با نامهای: عنب الثعلب البستانی و القبابن و سطرخنوس و آبالش و فسولیدوس ۲ و نوع جبلی با نامهای: سطروخنس و نبود و به الله و بری با نامهای: و به نامهای: سطروخنس و تفالیا ۴ و بری با نامهای: آوبه قنیه و مدوج با نامهای: کاکنج المروج و القطاق و دروقنی و درو

Physalis alkekengi L.	كاكنج	زخط.
Physalis alkekenge L.	حبوة كاكنجية، كاكنج، كُرَزالقدس، شاش القاضي	الموسوعه
Physalis alkekengi L.	India: Kaknaj	GLO.IN.
Withania coagulans Dunal	Bombay: Kaknaj - Hendia: Akri - Bengal: Ashvaganda	GLO.IN.

۱۵۱۶ - کالاکوت ؛ (نامی هندی به معنای سیاه گل)

۱۵۱۷ - کالیزیری ؛ (نامی هندی) نام دیگر آن:سوراج

۱۵۱۸ - کبابه ، کبابه ، کبابه ، کبابه ، کبابه ، کبابه نظر نظر الله عربی ) نامهای دیگر آن: عربی: حب العروس الله عونانی: مهیلیون الله ورومی: فریغلیون الله هندی: کباب چینی انوع بزرگ: حبّ العروس الله کوچک: فِلنجة شخسانی میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «حب العروس» میدانند و گروهی میگویند «آس البری» است و آن دانهای همانند دانه «ریحان» است و در کوههای شام بسیار رویش یافته و بهمین دلیل با بهای اندکی خرید و فروش میشود و نزد ایشان به «دارکیسة» معروف است و در عراق به آن «دارکسنة» و «کبابة» گویند و از داروهای خوشبوست که نزد ما در فاس به «کبابة هندی» معروف است و

Piper cubeba L.	كبابه	ز،، خ،، پ،، ط.
Piper cubeba L.	فلفل كبابة، حَبّ العروس، كبابّة	الموسوعه

۱۵۱۹ ـ کباث،کبات'': گویند نام میوه وأراک، است وگویند نوعی از میوه وأراک، است. ّ

Salvadora persica Gaertn.	كباث، شجر السواك، اراك	الموسوعه

۱۵۲۰ - کَبّ: جمع: کَبّة - نوعی حَمُضْ<sup>س</sup>

قبارس (Kapparis) نام «کَبَر» است و «اَصَف» نام چیزی است که در ریشه آن وجود دارد و به میوه آن «شَفَلَّح»گویند.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۵]

Capparis spinosa L.	كبر –اصف	زخط.
Capparis spinosa L.	قبارس - كبر -اصف -شفلح	زریاب
Capparis spinosa L.	خیار شنگ - مارگیر - کوله کمر	پارسا
Capparis sp.	کبّار، کبّر	الموسوعه
Capparis spinosa L.	Bombay: Kabar - Hendia & punnjab: Kabra	GLO.IN.

۱۵۲۲ - كَبُوة: نام هاى ديگر آن: لبن الحمارة - قلطانه - انفحة - غالبون

۱۵۲۳ -کَبْسُون، کفسون، کبسون، گیاهی از حبشه نام آن را «کشوث» گفتهاند که صحیح نیست.

۱۵۲۴ - کَبِیکَج ، کبیکج ، کبیکج ، کبیکج ، کبیکج ، بطراخیون ونانی به معنای ضفدعی ، ورد الحب : کبیکج معرب کبیکه فارسی و نوعی کرفس بری است. - نامهای دیگر آن: کف الضبع ، کف السبع - یونانی: بطراخیون ت ، سالتین اغریون ، شالمین أغریون ، سالس اغریون - اصفهان: موشک ل ترکی: مااستواچچکی ا - هندی: جل نیل ، لستو پری و نرگی: زتنکل از انواع بسیار دارد نوع اول برگ آن مانند ...است و نزدیک آبهای روان می روید و نوع دیگر که تیره رنگ است بغایت حریف و نوع سوم کوچک و گل آن دهی رنگ و آن را به شیرازی «کس ویران» - یا «کس وبران» - خوانند و به اصفهانی «موشک» و نوع چهارم همانند نوع سوم ولی گل آن مانند شیر سفید رنگ است.

بَطْراخْیون: برگردان عربی آن «ضِفْدَعیّ» است و به سریانی به آن «کَبیکج» گویند و چهار نوع است و نزد اهل مغرب به «کَف الضَّبُع» و «کَفّ الکلب» معروف است و اهالی مصر به آن «تازْغَلَّلْت» (نامی بربری) گویند.[بن بیطار (در نرجمه دیسکوریه) ۲ - ۱۵۷]

Ranunculus asiaticus L.	کبیکج	زریاب
Ranunculus asiaticus L.	بطراخيون، كبيكج، كفالضبع، كفالكلب(نوع اول)	ديسكوريد
R.lanuginosus L.	(کبیکج نوع دوم)	i.
R.muricolus L.	(کبیکج نوع سوم)	
R.aquatitis L.	رکبیکج نرع چهارم)	
Ranunculus asiaticus	حَوْذان اسيوى، شقائق النعمان، كَبيكج، كُفّ السّبْع، كف الضبّع، لإله	الموسوعه

۱۵۲۵ – كتّان ، كتّان م كتّان م كتّان م كتّان م بزرالكتان ، بزر الكتّان ، بزر الكتان نام هاى ديگر آن: عربى: كِتّان – هندى:

السی اس، تیسی اسامهای تخم آن: عربی «بَزْرکتان» یا «بِزْرکتان» اسنی: تخم کتان د کشدانک مکشدانک موشک دانک سه شیرازی: برزک سهندی: السی کابیج استی استی است و سمرقند و فرغانه: زغیر سی زغیر سی اشبیلی می گوید: دارای چهار نوع زراعی و غیر زراعی است. نامهای زراعی آن عبارتست از: یونانی: لینس فرمون - رومانی: لیناری - فارسی: قرمون و دارای دو نوع است: ۱ - خَلْخَل ۲ - ابارتل یعنی باز شده زیرا بعد از رسیدن میوه پس از باز شدن، بذرها از آن خارج می شود. غیر زراعی آن در دو نوع است نامهای آن عبارتست از: ۱ - قُنباله ۲ - کُتَین - بربری: تیفست ازوزغار سی

لینُس بُرْمون (Linis permon): به «بزر کتان» گویند و جالینوس آن را «اَلینو» مینامد.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید)۲ - ۸۸ و ۹۷]

Linum usitatissimum L.	کنان	زرياب
Linum usitatissimum L.	لينس برمون -كتان	ديسكوريد
Linum sp.	كتّان	الموسوعه

۱۵۲۶ -کَتَم'،کتم<sup>(۱)س</sup>،کتَم<sup>ع</sup>،کَتَم<sup>ع</sup>،کَتَم<sup>س</sup> (نامی عربی)، خِطر<sup>س</sup>، فلفل القرود<sup>ع</sup> (دانه)، فلفل القرود(دانه)<sup>۳</sup>: **نامهای دیگرآن**: فارسی: وسمه <sup>۱۳</sup> - مازندران و تنکابن: شال حنی اربه معنای حنای شغال) - خطّار ۳ - نام نوعی به زبان بربری: زنبوج غنامهای نوع دیگر: زَغْبَج - غَثْمُر - فیلورا - اطیرنه - ازبوج - لطرنه ش

Isatis tinctoria L.	کتم - خطر	زرياب
Buxus dioica For.		
Buxus dioica For.	كتم	خطابی

١٥٢٧ -كَتَنْتُه، كُتُننة ؟:

۱۵۲۸ -كُتَيلُه، كُتِيّلة (۲):

۱۵۲۹ - کثیراء ، کثیرا ، کثیراه ، کثیرا ، کثیرا ، کثیرا ، خیر ، قادی سے یونانی: طراغافیثا ، طراقافیا ، طراغاقانشی س مدراققنطی سے سریانی: انقث الاسے زول زده سے نام گیاه در کتاب دیسکودید: طراغاقتنا سے اهالی یمن ریشه آن را «وجد» گویند. سکودید. سریانی انقث الاس می ریشه آن را «وجد»

طراغاقنْثا (Traagakantha): نام «شوک القتاد» است و به صمغ آن «کَثیراء» گویند.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۰]

Astragalus gummifera Lb. Astragalus tragacantha L.	طراغاقانئی -کثیراء	زر طبا.
Astragalus gummifera Lb. Astragalus tragacantha L.	كتيراء	پارسا
Astragalus gummifera Lb. Astragalus tragacantha L.	أسطراغالوس دَبِق، كُتَيْراء بيضاء، قَتَاد الصمغ	الموسوعه
Astragalus tragacantha L.	طراغاقنثا – شوك القتاد – كثيراء	ديسكوريد
Astragalus tragacantha L.	کثیراء	خطابی

۱- الموسوعة: گیاهی است کوهستانی با برگهائی مشابه برگ «آس» که نرم شده آن را برای حضاب استفاده میکنند و میوهای مانند میوه «فلفل» دارد که هنگام رسیدن سیاه رنگ میشود و گاهی از آن روغن میگیرند. ۲- الموسوعة: الکتیلة هی النخلة فاتت الید

ه ۱۵۳ ـ کثیر الرؤوس<sup>ع،</sup> کثیر الروؤس<sup>©</sup>: نام دیگر آن: یونانی: بولوقنیمن<sup>© ـ</sup> بعضی «قرصعنة» را نیز به این نام ذکر کردهاند.<sup>©©</sup> ۱۵۳۱ ـ کثیر الزُ<sup>ن</sup>کب<sup>ع،</sup>کثیر الزُکَب<sup>ش</sup>: نامهای دیگر آن: غوَدیوله<sup>ش ـ</sup> یونانی: بولوغاناطُن<sup>©</sup>

۱۵۳۸ ـ کُحُلاء م کُحُلاء که کولاء کی از ذکور اغلاث است. که حال آن: فدلقم کی بلغیس کی اسان الثور کی سیسارون کی دنام انوع دیگر آن: فدلقم کی المیده می سود و همچنین به نوع دیگر آن: شلبش کی هی کیاه «لسان» و به «لسان» نامیده می شود و همچنین به انواع «شنجار» و گاهی نیز به «عینون» می گویند، کی شبیلی می گوید: گیاهان زیر از انواع کحلاء هستند: ۱ - رِجل الحمامة ۲ - آذن غزال: الصیاع - قفعاء: اخیون - مقامح ابلیس ۳ - آذن الحمار: فرسیون ۴ - لسان الفرس: سطاح ۵ - کحلاء الجبلی ک

Onosma echinoides L.	شِنْجار صِباغي، أنشوزة صِباغِية، بوغلصن الصباغين،	الموسوعه
Onosma tinctoria Bieb.	حِنَّة الغول، كَخلاء	

**۱۵۳۳ ـ کُحَیْلاء عَ، کحیلا ؓ، کُحَیْلاء ٔ ؓ، أ**ذن الثور ٔ **ّ: نام دیگر اَن: اندلس و مغرب: لسان الثو**ر عقص بغلیس - حاوزوان - جِمْجِم - لِنْقُودِنوی یعنی لسان الثور ٔ ٔ ا

۱۵۳۴ – کجومن ": "چو من که دید" او را باین نام خوانند زیرا میوه او از برگ بیرون می آید؟ این درخت را عرب " مَنْ رَای مِثْلَى " گوید. "

۱۵۳۵ -کَچْنار': (نامی هندی)

۱۵۳۶ - کُراث ، فوم کراثی ، کاول ، بزر الکراث : نامهای دیگر آن: سریانی: کراثا ، حطارا ، طارسی: گندنا ، کراث ، کراث ، کراث ، کوار ، کراثا ، حطارا ، طارسی: گندنا ، دیلم: کوار ، دیلم: کوار ، کراث ، حفالوط ، قالوط ، قالول ، قالول ، قالوط ، قالول ، قا

بستانی آن را نبطی و جبلی آن را «فراسیون» نامند.' – ابن سمجون میگوید: نام «کُرّاث نبطی» «کراث المائدة» است. ن**امهای نوع بری: رومی: امفلوبراسیون <sup>س</sup> – سریانی: کراثادبرا <sup>س</sup>،گندنای دشتی <sup>س</sup> ـ «کاول» معادل نام «کُرّاث الکرم» است. <sup>عس</sup> " دازی" و " غافقی" نام دیگر «کُراث الشامی» را «قفلوط» میدانند<sup>»</sup>** 

"غافقی" میگوید «کُرّاث» دارای چهار نوع است: نوعی «کراث نبطی» و نوع دیگر «کوهیان» که در خراسان میروید و نوع سوم «کُلکان» که در ری و خراسان رویش دارد و نوع چهارم «لابس» که دارای بزری سیاه و غیر مدور است و در بابل میروید.<sup>ع</sup> فِرااسُن قافالوطُن (Parson kephalaton): کراث شامی

انبالُفْراسُن (Ampeloprason) به معنای «کراث الکَرْمی» و «کُرّاث بری،[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۴]

Allium porrum L.	کراث	زرطبا.
Allium ascalonicum L.	كراث الشامى	ديسكوريد
Allium ampeloperassum L.	كراث الكرمي - كراث برى	ديسكوريد
Allium porrum L.	کندنا - تره	پارسا
Allium porrum L.	کُرَاث معروف، کُرَاث رومی	الموسوعه
Allium vineale L.	كُرّات البر، طَيْطان	الموسوعه
Allium ursinum L.	كُرَاث الدُّب	الموسوعه
Allium scorodoprasum L.	كُرَاث الصخور، كرأث أسبانيا	الموسوعه
Allium ascalonicum L.	كُرًاث أندلسى، كراث عَقَلون، كراث أبو شوشة، قُفْلوط	الموسوعه
Allium ampeloparassum L.	كُرَّاث نبطى، بصل العِفريت، ثوم الشرق	الموسوعه

Allium roseum L.	کُرَات وَرْدی، قِرْط	الموسوعه
Allium ampeloprassum = A.porrum	Arabic: Kirath - Bengal: Paru	GLO.IN.
Allium ascalonicum L.	Hendia: Kanda ;Lasum ;Gandana - Bengal: Gundhun	GLO.IN.
Allium cepa L.	Hendia: Piyaz - Bengal: Piaj	GLO.IN.

# ۱۵۳۷ - کَراث، کَراث، کَراث ، کَراث (۱<sup>۵۱)</sup>، کَراث (نامی عربی) نامهای دیگر آن:عشبة الصباع الدلس: عُشبة السباع

r		
Euphorbia aculenta Forsk.	كراث	زرياب

۱۵۳۸ - كربز ": گويند «قثاء الكبر» است و خلافست آنچه محقق است «قثاء الحمار» است. "

۱۵۳۹ ـ کردیلن : برخی پندارند نام «کاشم» است ولی اینگونه نیست بلکه نوعی «ساسلیوس» است و تلفظ صحیح آن «طردیلن» است. ت

۰ ۱۵۴ – کَوْسَنَه ، کرسنه ، کرسنه ، کِوْسِنَّه ، کرسنه ، کِرسِنَّه ، کشنی ، نمیسقن : معرب کسنک انس نمامهای دیگر آن: عربی: حب البقر ا – یونانی: اوزنس ا – سریانی: کشنی ا – رومی: ناغیونس ا – فرنگی: بر ا – هندی: متر ا – فارسی: کسنک ، گشن ، کُشن ، مشنگ گاوی ، گاوِ دانه ا – **جالینوس: اروبیموس** 

اُوروپس (Orobos): نام های دیگر آن عبارتست از: کَرْسَنَّه ـ اهالی شام: کُشنی [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۳]

Vicia ervillia Wi.	اوروبس -کرسنه -کشنی -کشن	ديسكوريد
Ervum ervillia L. Vicia ervillia Wi.	كِرْسَنَة	الموسوعه
Vicia ervillia Wi.	کرسنه	زر خطا.
Vicia ervillia Wi. Ervum ervilia	كرسنه	طباطبائى

۱۵۴۱ - كَرِشْ عَنْ نوعى نَفْل نام هاى ديگر آن: يَرْبَه بَطْره - جُربونه

۱۵۴۲ - کَرَفْس'، کرفس'، کرفس'، کرفس'، کرفس'، کرفس'، کرفس'، مقدونس'، مقدونس ، یخصِص' (کرفس مشرقی)، اکرفس ، اوراهیاسلیون (نوع جبلی) ، براجیل "، عمرو "، یخصص (نوع بزرگ) " کرفس معرب از کرفش یا کرسب فارسی اکرفس ، اوراهیاسلیون از انی یونانی:اوراسالیون ، حیلت، سالیون، فطراسالیون – سریانی:کرفشا' – رومی: باطراخیون'، سیلنا " – هندی:اجود' – فرنگی: سلری' – لاتینی: سلدهری'، امبلوبراسون "، عمرود " – نام کرفس بزرگ: یخصص " – مشرقی " – نام نوع نهری: سریانی: کرفسادطورا " – فارسی: کرفس جوئی " – اسمورنین " – نام نوع بستانی: سالینون قیفون " – نام ریشه به هندی: کُهْرپا " – نام بذر:کهربیج " – نام کرفس رومی: مقدونیس " – دارای انواع فراوان بستانی، جبلی، صخری و مائی است و بستانی دو نوع است. کرفس را «بطرسالیون» و «ورسالیون» گویند. نوع درگر «کرفس را «بطرسالیون» و «ورسالیون» میگوید: نوع دیگر «کرفس به نام «براوراسالیون» با برگردان عربی آن به گفته "ابن بیطار" «کرفس الصخری» «کرفس المشرقی»، «کرفس المشرقی»، «کرفس المتوی» «کرفس المتوی» «کرفس المون و نوع دیگر به نام «افوسالینون» با برگردان عربی «کرفس العظیم» یا «کرفس النبطی»، «کرفس المشرقی» «کرفس الشتوی»، «کرفس العرف و نوع دیگر آن «کرفس الشتوی»، «کرفس العرف و نوع دیگر آن به گونه سبتانی» بزرگتر است. و نوع دیگر آن «کرفس الشتوی»، «کرفس العرف و نوع دیگر آن «کرفس الشتوی»، «کرفس العرف «کرفس الشتوی»، «کرفس العرف و نوع دیگر آن «کرفس الشتوی»، «کرفس الشتوی»، «کرفس المشرقی»، «کرفس الشتوی»، «کرفس العرف و نوع دیگر آن «کرفس الستوی»، «کرفس المشرق»، «کرفس المشرق»، «کرفس المشرق»، «کرفس المورن المورن و بانام بربری «تخصیص» است. و از «کرفس بستانی» بزرگتر است. و نوع دیگر آن «کرفس المورن المورن المورن المورن المورن و دیگر آن به کرفس المورن المورن و بانام بربری «تخصیص» است. و از «کرفس بستانی» بزرگتر است. و نوع دیگر آن «کرفس برون المورن المو

۱- الموسوعة: نام درختي بزرگ در طائف است.

بری» با نام یونانی «سمرنیون» است. آاشبیلی می گوید: کرفس دارای انواع بسیاری است دو نوع آن بستانی و نوعی جبلی، صخری و مائی است و در یکی بودن «بطرسالینوس» را نوعی «کرفس العظیم» میدانند، است و در یکی بودن «بطرسالینوس» را نوعی «کرفس العظیم» میدانند، نام دیگر آن «سمرینیون» است. نامهای نامهای دیگر آن عبارتست از: ابوسمس - بطرساموه، بعضی «اورسالینون» را «کرفس الجبلی» میدانند، نام دیگر آن «سمرینیون» است. نامهای دیگر «بطرسلینون» نیز عبارتست از: اغلیس، سواک العبتاس. نوع دیگر کرفس، «کرفس الصخری» با نام «انیولیون» است. «کرفس بستانی» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نامهای نوع بزرگ آن عبارتست از: افریون، افوسالینن، رواش، شنفیل، افریوش، قریون، قلّام، علّام، جَغداء، جَغده الست. نوع دیگر کرفس «کرفس المز» است نامهای آن عبارتست از: افریون، افوسالینن، رواش، شنفیل، افریوش، قریون، قلّام، علّام، جَغداء، جَغده الماء، مائده. نوع دیگر کرفس «کرفس المز» است نامهای آن عبارتست از: فلفل الماء، سمرنیون، سمریا، سیسارون، سیسنبرون، جرجیر الماء نوع دیگر کرفس «بوطل» است و شش قسم است: ۱ - بوطولون: بوطلی، رعی الضفادع، شجرة الضفادع، سالین، ورد الحبّ، کبیکج، بطراخیون ۲ - کرفس المجوسی ۳ - قبتوریة ۴ - جبلی کشنده ۵ - کفّ الهر، راحة الکلّب در

سالینوس قیفاؤن (Selinon kepaion): نام «کرفس البستانی» است که دیسکورید در ترجمه آن را «اَلاوشالینن» که همان «کرفس الماء» است، ذکر میکند. و همه پزشکان مغرب به آن «کرفس الاجامی» گویند، جالینوس نیز آن را «کرفس بستانی» نامد. افوسالینون (Hipposelinon): به معنای «کرفس العظیم» و از انواع بزرگ «کرفس» است و به بربری به آن «یَخْصِص» گویند و اهالی اسکندریه آن را «اجْبُرْنی» گویند و به بذر آن در مصر «بَطْراسالینون» گویند که این نام برای آن اشتباه است. شمرُنیون (Smurnion): نام «کرفس بری» است. این ییطار (در ترجمه دیسکررید) » - ۱۱ و ۲۲ و ۲۲

Apium petroselinum L.	کرفس	زر. – طبا.
Apium graveolens L.		
Petroselinum sativum Hoffm.	کرفس رومی یا مقدونیس	زرياب
Sium latifolium L. كرفس الماء	سالينوس قيفاون، الاوشالينن، كرفس الماء	ديسكوريد
Apium Gr. کرفس بستانی	كرفس بستاني -كرفس الاجامي	
Smyrnium perfoliatum L.	افوسالينون -كرفسالعظيم	ديسكوريد
Smyrnium olusatrum L.	سطرونیون - کرفس بری	ديسكوريد
Ferula sumbul Hook.	ریشه کلفس (به لهجه افغانی) - کرفش	پارسا
Apium graveolens L.	کرفس نبطی، کرفس	الموسوعه
Sium latifolium L.	كرفس الماء، كرفس بستاني، كرفس الاجامي	الموسوعه
Smyrnium olusatrum L.	سُمیرنوم، کرفس بری	الموسوعه
Apium graveolens L.	كرفس لِفتى	الموسوعه
Petroselinum sativum Hoff.	کرفس رومی، بَقْدُونس، مَقْدُونس	الموسوعه
Carum petroselinum Benth. & Hook.		
Apium petroselinum		
Apium vulgare L.		
Athamanta oreoselinum L.	كرفس الجبل	الموسوعه
Petroselinum oreoselinum		
Levisticum officinale	كرفس الجبل	طباطبائى
Prangos pablaria L.	کرفس کوهی	طباطباثى
Apium graveolens L.	كرفس الماء	طباطبائى
Apium graveolens L.	تخم کرفس -گل کرفس	پارسا
Apium graveolens L.	كرفس	خطابى

# ۱۵۴۳ –کَرْکَرْهَن'،کرکروهان'': (نامی بربری)گویند نام «عاقر قرحا» است؟

Anacyclus pyrethrum D.C.	كركروهان	. زر. – طبا.

۱۵۴۴ - کُرْکُم ، کرکم ، کرکون : "غسانی" میگوید: نام دیگر آن «زعفران هندی» است و دارای دو نوع بزرگ و کوچک است، کوچک آن با نام «مامیران» و بزرگ آن با نام «کرکم» معروف است. ختصاحب منهاج گوید «زعفران» است و "صاحب جامع" می گوید نام ریشه گیاهی است. "دیسکورید" به آن «خالیدونیون طوماغا» گوید و نوع بزرگ آن «عروق الصبّاغین» یا «عروق الصُّفر» نام دارد و گیاه آن را «بقلة الخطاطیف» گویند و به «کرکم» معروف است نزد ما ریشه هاشی است که از هند می آورند و نام فارسی آن «قرمد» است. و هم او گوید اصول اریشه های ارورس» است.

Curcuma sp.	<b>کَ</b> زکُم	الموسوعه
Curcuma caesia	گَرْکُم اُسود، جَدُوار اُندلسی	الموسوعه
Curcuma zedoaria	گُرْکُم زَدوار، زَدْوار، جَدْوار عَقید، سَطوال	الموسوعه
Curcuma longa	گُرْکُم صباغی، هُرُد، عُقیدهندی، مامیران، أصابع صُفر	الموسوعه
Curcuma longa	<b>کُ</b> زکُم	خطابی

۱۵۴۵ - کرکی : نوعی خیار " - نامهای دیگر آن: فارسی: کلبک یا کلنک "

۱۵۴۶ –کَرْم'، کرم"، کرم کرم<sup>غ</sup>، کرم بری<sup>ع</sup>، کرم بستانی<sup>ع</sup>، فقاح الکرم<sup>۳</sup>: (نامی عربی) نامهای دیگر آن: درخت تـاک<sup>۳</sup> – یونانی: اولیاطیوم' – سریانی: کبیشاحمرا' – رومی: دیدروناسایا'، انفلوس <sup>۳</sup> – فارسی: تاک'، زر' – هندی: داکهه جهاز' – نام شکوفه انگور: فقاح الکرم<sup>۳</sup> – فارسی: ول<sup>۳</sup> وجه تسمیه آن به «کرم» بخاطر کَرَم گیاه است بگونهای که میوههایش در دسترس کوچک و بزرگ قرار میگیرد<sup>غ</sup> [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۷، به رعب، رجوع شود.]

Vitis vinifera L.	کرم	زخط.
	l	

۱۵۴۷ - کِرْمُدانه ، کرمدانه می کرمدانه کرمدانه کرمدانه کرمدانه کرمدانه کرنای فارسی) ، مثنان نوعی از قُرَیْص برگردان عربی آن: حب الدود نامهای دیگر آن: رومی: اقلفوس ، اقلفی سسریانی: نبات نورا سکرویانه سخرمدانق کافقی می گوید: میوه درخت ومثنان است. کردیانه است و مؤلف می گوید به تحقیق نام تخم نوعی «مازریون» است.

Narthecium sp.	کِرمْدان، مَشَان	الموسوعه
Narthecium ossifragum Huds.	كِرمْدان مَنْقِعي، خَنثى كَذَّاب	الموسوعه
Daphne gnidium L.	کِرمْدانه	طباطبائى
Urtica urens		

۱۵۴۸ - کُرْنُبُ، کُرْنُب ، کرنب ، کرنب ، کُرُنب ، مُرُنب ، بقلة الأنصار ، کُرُنب ، بزر الکرنب کُرنب ، کرنب ، کرنب (معرب از کسرم فارسی) نامهای دیگر آن: فارسی: کلم - اصفهانی: قمریت - یونانی: قرنبا ، قرنبو - سریانی: کرنبا ، کرانبی ، کرابا سی - رومی: عاربسا ، افریا سی افرسودوطوس ، افرسطتورون سی بدیلتون سی عربی: بقلة الانصار - نام بنر: تخم کرنب هار بازی انواع مختلفی است: نوعی از آن «گلکلم» و نوعی

دیگر با نام یونانی «قرنبا انمارُس» است. وکرنب» نبطی و بری و بحری است و «قنبیط» و «موصلی» است. " (ازی" می گوید: «کرنب نبطی» یا «کرنب نبطی» یا «کرنب شامی» نوع دیگر آن «کرنب نبطی» یا «کرنب شامی» نوع دیگر آن است که نامی «موصلی» است. فلاحة می گوید: «کرنب» دارای دو نوع نبطی و خوزی است. ابن ماسویة می گوید: نوعی از «کرنب» به نام «قنبیط» است. در سواحل دریا و «کرنب» به نام «قنبیط» است. در سواحل دریا و در مکان های بلند می روید. "ابن بیطار" می گوید: «کرنب بحری» با نوع بستانی شباهت کمی دارد. آشبیلی می کوید: کرنب دارای انواع بستانی، بری و بحری است که عبارتند از: ۱ - صنوبری با نام: اکرنب الرومی ۲ - اندلسی ۳ - نوع بزرگ: کرنب العظیم، قولار، قنبیط الذکر ۴ - اکرنب الکرمانی: اکرنب الشامی، اسفارج الصینی، قنبیط، قرنبیط ۵ - مُقفّل - قُرنبی ایمارس یعنی کرنب البستانی، قولی ۶ - کرنب الدوری: با برگهائی غیر کنگره ای: الحاحی، کلم ۷ - کرنب البری: قولی اغریاس اقیمون، کرنب السواحلی ۸ - کرنب البحری ۹ - کرنب النبطی: کرنب الاندلسی ۱۰ - کرنب الکرمانی: قنبیط ۱۱ - کرنب الماء: قسمی نیلوفر ۱۲ - قولجیاله کرنب السواحلی ۸ - کرنب البحری ۹ - کرنب النبطی: کرنب الاندلسی ۱۰ - کرنب الکرمانی: قنبیط ۱۱ - کرنب الماء: قسمی نیلوفر ۱۲ - قولجیاله

قولی ایماروس (Krambe hemeros): در بعضی از نسخه ها «قْرَنْبا» ذکر شده و نام «کُرْنُب البستانی» است. قولی اغْریا(Krambe agria): نام «کَرْنب البری» است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۲۴]

Brassica oleracea L.	کرنب	ز. –خ. – ط.
Brassica oleracea L.	قولی ایماروس -قرنبا -کرنب بستانی	ديسكوريد
Brassica incana L.	قولی اغریا	ديسكوريد
Brassica capitata Hort.	کلم پیچ	پارسا
Brassica caulorapa Pasq.	کلم قمری	پارسا
Brassica caulorapa Pasq.	کُرنب	الموسوعه
Crambe maritima L.	کرنب بحری	الموسوعه

۱۵۴۹ - كَرَوْنَدَه كروندا ؛ (نامي هندي)

۱۵۵۰ - گرُویا، کرُویا، کرُویا، کرویا، کراویا، کرویا، کرویا، کرویا، کمون ارمنی، قربناد، قرمقام کرُویا معرب از «کرویای» یا «کراوی» سریانی جنسی از هدبات و از ذوات جُمم نام های دیگر آن: یونانی: از حمیون ا، قار وانا ا، اقار وا، ثعره و رومی: فادرونی ا حربی: تقده ا، تقرد ا، کمون رومی ا، کرنباد ا، قر نفاد ا – فارسی و شیرازی: کرویه آ – فارسی: زیره رومی آ، شاه زیره ا – جالینوس: قارو آ، قُرُنباد آ – شاه زیه آ – تِقْدَة آ – نوع بستانی: کمون الارمنی الارمنی قردمانا ا قردمانا ا قردمانا ا منان الارمنی الارمنی الارمنی الارمنی الارمنی الارمنی الارمنی الارمنی و «قرنقار» است. و دیگر: نانخه نوعهای دیگر: رجل الغراب، بخور عایشة، دوقو آ – آبن بیطار آ می گوید: می پندارند نام «قرنباذ» و «قرنقار» است. قاروا: نام های دیگر آن عبارتست از: کَرُوْیا بستانیه ـ کَمَون الارمنی این بیطار (در ترجه دیسکورید) ۳ - ۱۵

Carum carvi L.	كرويا	زخط.
Caurcuma aromatica Salisb.	قرنباد	پارسا
Carum carvi	كَراوِيا، كَرَوْيا، كَمُون أرمنى	الموسوعه

۱۵۵۱ -کری<sup>در</sup>:

۱۵۵۲ - كريلا': كريله'

۱۵۵۳ -گُزْبُرَه ، کزبره <sup>۳</sup>، گزْبَره ، کزْبرة، کزبرة (نامی عربی)، تقدة <sup>۳</sup>، تغده <sup>۳</sup>: کزبرة <sup>۳</sup> معرب «کزبرناء» سـریانی است. ا "غسانی میگوید: این نام به گیاهان بسیاری گفته میشود برخی بستانی و برخی بری است، نوع بستانیِ خوراکی آن معروف است و عوام

به آن «قَصْبور» گویند. غنامهای دیگر آن: سریانی: کسبر تا من جلجلان به خشک آن گفته می شود – یونانی: بردنمانمون ب فوریون کی نبطی: فاتره کی فارسی: گشنیز اس ه هندی: دهنیه کی تهمیر کی تهمیر کیاه در کتاب جالینوس: قوریانون س کشبیلی می گوید: دارای انواعی است: ۱ - نوع بستانی با نامهای: قوریون، تقده، قلانتره خلجا، خلجلا ۲ - قلانتره کمبانه یعنی بری، کزبر الصخری، کزبر السحری ۳ - گزبرة البیر: ادیانطن، برشیاوشان، کامن قزبان، برشیاوشان داوران، ارجقیل، شعر الجان، شعر الخنازیر، قُرش قَبله یعنی انیت الشعر، شعر الغول، شعر الماء، فغلون، پربّه بانکه، قَبِله موره یعنی شعر کبیر ۳ - رقعة الصخریة: طرینخومانس، سِقام الجن، شعر الجن، شعر الغول، لِخیّة الجَمل، ظفائر الجن، ضابطة الله می المحدید المحدید المی با نامها الحن، شعر الغول، یوبی شعر کبیر ۳ - رقعة الصخریة المی به نامها المی به سور المون شعر الغول، بخیّه المی به نامها نامها نامها نامها به نامها نا

قوریون (Korion): نام های دیگر آن عبارتست از: کُرْبُرَه ـ دانه: تَقْدَه [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۵۹]

Coriandrum sativum L.	قوريون –كزبره – تقده	ديسكوريد
Coriandrum sativum L.	كزبره	زر خط.
Coriandrum sativum L.	كشنيز	پارسا
Coriandrum sp.	كُرْبُرَة، كُرْبَرَة، كُشبَرَة	الموسوعه
Coriandrum sp.	كُرْبُرَة	طباطبائى

۱۵۵۴ - کُرْبُرَة النَّعْلَب، کزبرة الثعلب، کسبرة الشعلب، کزبرة الشعلب (نامی اندلسی): نوعی بقل نامهای دیگر آن: سیدیریطس - الف ورق سَنْدَریطس اخر (Hetera sidritis): نام «کُرْبُرَة النَّعْلَب» است و در بامها و دیوار خانه ها می روید. [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴- ۳۱]

Achillea tomentosa L.	سندريطس - كزبرة الثعلب	ديسكوريد
Poterium sanguisorba L.	كُزْبُرَة الثعلب، بَلَان مِحْجام	الموسوعه

٨ • ١٥ - كسبرة الحمام<sup>ع</sup>: نوعى «شاهترج»<sup>3</sup>

١٥٥٤ -كَسْموقا، كسموية:

۱۵۵۷ –کُشُول': (نام گیاهی رومی)

١٥٥٨ -كَسُونْدِي ؛ كسونجي (نامي هندي)

۱۵۵۹ -کسیروا: (نامی هندی)

ه ۱۵۶ ـ کسیفیون<sup>۶</sup>: نوعی از هسوسن بری، معروف به «دَلْبوث» و «سَیْف الغراب» که «دور حولی» نیز نامیده میشود.<sup>۳</sup>

Gladiolus communis L.	كسيفون	EN.

۱۵۶۱ - كسيلى، تَسَيْلا، كُسيلى، كسيلا: (نامى نبطى)

۱۵۶۲ - كَشْت بَرْكَشْت ا گشت بر گشت " كشت بر كشت " كشت بركشت ا كشت بركشت ا كشت بر كشت (نامى فارسى) ، سور اهند " نامهاى ديگر آن: فارسى: كِشت بركِشت - عربى: التواء بر التواء ا (به معناى زرع على زرع ) ، سواد السند " ، سواد الهند" ، سواد الاكراد " - فارسى و شيراز: پيچك ا - اهل شبانكاره فارس: بچو ا - عربى و يونانى: كه از هند فناغيوس ا - رومى: بروطوس ا - هندى: پهيلى ا - بعضى نام ديگر آن را «بركشان» خوانده اند " - مى آورند"

Helicteris isora L.	کشت برگشت	زر. –طبا.

۱۵۶۳ - کَشْنَج <sup>س</sup>، کُشتج <sup>۵</sup>، کُستج <sup>ش</sup>: ابن ماسة میگوید: نوعی از جنس «فطر» است. سند "ابن سینا" میگوید: نوعی از جنس «کُماَّة» است. به «بقلة الیمانی» نیزگفته می شود. "

Tuber melanosporum	كَم أسود، كُشنَج	الموسوعه

۱۵۶۴ - کُسَیْنا ":

۱۵۶۵-کُشَمْلُخ ْ ْ: برخی آن را «مُلّاح»و عدهای «قُلّام» میدانند و نزد ما به «طُرْدِجّ» معروف است. ْ

۱۵۶۶ - کُشوث ، کشوث ، کشوث ، کشوت ، کسوتا ، کسوت ، زحموک ، کشوث ، کشوث ، بزر الکشوث ، دینار (نام بذر) ": نام های دیگر آن: اکثوث (نامی عربی) (گفته اند معرب کشوثاست.) - یونانی: بثروطوس - سریانی: ونا ، رغبا ارومی: کشمورین - فارسی: برش - هندی: امل بیل ، اکاس بیل ، امر تیه اسرخی در مورد ماهیت آن اختلاف کرده اند و گویند «شیح الارمنی» است و همچنین گویند نوعی از «قیاصم» است ولی هیچ یک از این دو صحیح نیست ، و این نام به گیاهان متعددی گفته می شود از جمله: ۱ - أفتیمون ۲ - قُریعة: گیاه بدون ریشهای که در بهار همراه با «کتان» می روید و آن رااز بین می برد. ۳ - کشوت الرومی: افسنتین ۴ - کشوث الجبلی ۵ - کشوث المجوسی: فشرا م اسی «رجمول» نام دارد و گویند نام تخم آنست. نامهای بذر: زجمول و حراق می دوید و نزد آنست. نامهای بذر: زجمول - تخم کشوث - سریانی: دینار "، شکوتا " - «کشوث» حقیقی در شام و عراق می دوید و نزد پزشکان ما مورد استفاده است ، اما آنچه در مغرب و آفریقا و مصر بنام «أکشوث» معروف است با آن متفاوت است و آن گیاهی که روی گیاه «کتان» پدید می آید (انگل) و در مصر به «جامول الکتان» و در اندلس به «قُرینعة الکتان» معروف است. «کشوث المیسی «مان «افتیمون» است. «

Cuscuta epithymum Mur.	كشوث	زر طبا.
Cuscuta europaea L.		
Cuscuta monogyna Vahl.	كشوت – تفرش: شن	پارسا
Cuscuta planifolia Ten.	تخم کشوت - سس	پارسا
Cuscuta hyalina Roth.		·
Cuscuta sp.	كُشوث، كَشوث، أُكْشوث، لَقْلاف	الموسوعه
Cuscuta epilinum Mur.	گشو <b>ن</b> ا	خطابی

١٥٦٧ ـ كصنتيون منتيون أن نام هاى ديگر آن: كسنتيون عامه اندلس: باذنجان البرى الله

۱۵۱۸ ـ کف أجذم ، کف الجذماء "، کف الجذماء " نام دیگر آن: بهمن البیض " - برخی می گویند «بنجنکشت» است و برخی آن را ریشه «سنبل» و برخی آن را «شَحَیماله» و عدهای آن را «بنطافلون» میدانند و نام اول صحیح است. "

١٥٤٩ - كَف ادم ، كفّ ادم (١٦٥ ، كفّ آدم : (نامى عربى) نام ديگر آن: بهمن الأحمر "

ه ١٥٧ \_ كف الأسدع، كفّ الأسد<sup>ن</sup>: نام هاى ديكر آن: آذريون - يونانى: لاونطوباطلن عد عرطنيثا ع

۱۵۷۱ ـکف الذئب<sup>ع</sup>: بنا به نظر مترجمان نام «جنطیانا<sub>»</sub> است.<sup>ع</sup>

۱۵۷۲ - كفّ السبع: نام ديگر آن: بادَلْبينَه و بادَ دِلْبَه - انواع آن عبارتست از: ۱ - قُرّة العين: بادَلْبينَه، فورس، بورنسون، لاقثون، قبتورية، بالكي

۱-الموسوعة: تذكرة: كياهي است به ارتفاعع يك زراع با برگهاي بيضوي و زير با رنگ حدواسط سياه و زردكه در داخل أن قرمز است و داراي بذري مشابه فقرطم، ولي نازكتر و كمي تلخ

البارد ٢ - راحة الكفّ: نوعى «بوطل»

. ۱۵۷۳ - کُفُ الضَبُع، کُف الضبع: (نامی عربی) غافقی: گاهی با این نام منظور «کبیکج» است و «کف الضبع» نوعی از «کبیکج» است. آبن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۲ ـ ۱۵۷: به دکیکج، رجوع شود.]

۱۵۷۴ - كفّ عايشه <sup>در</sup>:

1070 - كفّ القِرد<sup>ي</sup>ن نوعي خربق الاسود<sup>ين</sup>

Ranunculus arvensis L.	كف الهرّ، حَوِذان حَقْلي، شَقيق حَقْلي	الموسوعه
	رف الهراء جودان على الليل اللي	الموسوعة

۱۵۷۸ - کُفّ المریم'، کف مریم<sup>ع</sup>: (نامی عربی)کف عایشه ٔ - هندی: کتهاجوری گویند نام «أصابع الصفر» است اما اهالی غرب اندلس این نام را برای «بنطافلن» و بعضی نیز برای «بنجنکشت» بکار می برند و اما در شهرهای مصر این نام را برای گیاه دیگری میگویند. ٔ [این پیلار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۸: به وبنطانلن، وجوع شود.]

Vitex agnus castus	سرساد - أرثد - بنجنكُشت - فنجنكشت - شجرة	الموسوعه
	ابراهیم – کف مریم	

۱۵۷۹ - کُفر ": نام دیگر اَن: قرذب الاسود " ۱۵۸۰ - کُلْت ": نام دیگر اَن: ماش هندی "

Dolichos biflorus L. كلت كلت Lithospermum officinale L.

۱۵۸۱ –کَکُرول': (نامی هندی)

۱۵۸۲ -كَكُرُونْده ؛ (نامى هندى) گويند نام «كماذريوس» است.

۱۵۸۳ - كِلْخ ، كلخ ، كلخ ، كلخ نامى سريانى ) نام كلخ معروف «قنا» است نام هاى ديگر آن: عامه اندلس: قنة ع ـ اهالى مصر: أُشَّق ع ـ اهالى نغر: قانَش سُ - اوفال سُ - مَزخ سُ

سْفُذُولِيون (Sphondulion): كُلْخ الدّلْبي ـ بربرى: تافيفرا

نَوْتَقُس (Narthekos): نام های دیگر آن: اندلس: کلْخ الکبیر ـ شجر القنا ـ نارتکس (بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۲ و ۷۳]

Heracleum spondylium L.	سْفُذُوليون، كَلْخ الدُّلْبِي، تافيفرا	ديسكوريد
Ferula communis L.	نَرْتَقْس، كَلْخ الكبير، شجرالقنا،نارتكس	
Ferula communis L.	قُنَة مبذولَة، كَلْخ نَوْنَقُس، كُلْخالكبير، شجرالقنا،نارتكس	الموسوعه

۱۵۸۴ - کُل داودی ٔ (گل داودی): نام دیگر آن به لاتینی: «برطینی» ٔ

۱۵۸۵ - کل مِهنْدی؛ (نامی هندی)

۱۵۸۶ -کِلْز': (نامی هندی)

۱۵۸۷ ـ کُلْن<sup>۶</sup>: نامی چوبی هندی "ابن بیطار" میگوید: غافقی آن را چوب «کاذی» میداند ولی درست نیست.<sup>۶</sup> ۱۵۸۸ - کلنج ّ: نوعی «کماة» است و «کلیکان» و «سحر» نیز خوانند و آن در رمل میروید و اکثر در ماوراء النهر و خراسان و در طرف فارس نیز یافت میشود و مؤلف میگوید به شیرازی آن را «کل کنده» خوانند. ّ

۱۵۸۹ - کلنکرد ": نامهای دیگر آن: ترمذیه: وَیْوَذ " - بخاریه: وِیْوَذه "

۱۵۹۰ -کِلُوی': (نامی هندی)

۱۵۹۱ -کُلْهار ؛ نام دیگر آن: کل کنول ٔ (نامی هندی)

۱۵۹۲ - كَلْيان كاتَه : (نامي بنگالي)

۱۵۹۳ - کَماة ، کَمأة سُ، کَناة سُ، کَماة سُ، کَماً هُ ، کَماً هُ ، کَماً هُ ، کَماه ، کَماه سُند سِن الرعد می ترفس می ترفس و به نام «غوشنه» است. گیاهی بدون ساقه، برگ، گل و میوه است. انام های دیگر آن: کَماه سی زَمی یعنی شحمة الارض سی به نام «غوشنه» است. گیاهی بدون ساقه، برگ، گل و میوه است. انام های دیگر آن: کَماه سی زَمی یعنی شحمة الارض سی عربی: بیضة البلاس، بیضة النعامة سی نبات الرعد سی ان اور نیا از می دربی ترکی: قارچ ا فارسی: سیمالو اسی سیمالو اسی سماروغ سیماروغ میماروغ سیماروغ 
Tuber michell	وذنن – كمأة – نبات الرعد	ديسكوريد
Terfezia claveriji		
Polyporus officinalis Fr.	قارچ	پارسا
Tuber melanosporum Vitt.	كمأة	زر. –طبا.
Tuber album Sow.		
Tuber magnatum	كمأة	خطابی
Tuber cibarium	كمأة	EN.

۱۵۹۴ – کَماذَریوس ، کمادریوس ، کمادریوس ، کمادریوس که کمادریوس که کمادریوس کمادریوس که کمادریوس که خامادریوس کمادریوس کمادریون کمیداس کمیداس کمیداس کمیرازی کمیداس کمیرازی کمیداس کمیریون کمیداس کمیریوس کمیداس کمیداس کمیداس کمیداس کمیداس کمیداس کمیداس کمیداس کمیداس کمیدان کمیداس کمیدان کمیدا

خامادُرْیون (Khamaidruos): نام «کماذُرْیوس» و به معنای «بلوط الارض» است زیرا «خاما» به یـونانی بـه مـعنای «ارض» (زمین) و «درس» به معنای «بلوط» است.[بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۹۳]

Teucrium chamaedrys L.	كمادريوس	ز.،خ.،ط.،.E
Teucrium chamaedrys L.	خامادريون -كماذريوس - بلوط الارض	ديسكوريد
Teucrium chamaedrys L.	طوقريون مخزني، خامادَرْيوس، كَمادَرْيوس	الموسوعه
Teucrium chamaedrys L.	Arabia: Kamzariyns	GLO.IN.

۱۵۹۵ - کُماشیر ، کَماشیر س، کماشیر س، کماشیر سی کماشیر سی قماشیر تنامی فارسی صمغی) معرب آن «قماشیر» است. انامهای دیگر آن: یونانی: لوفطیون ا صمغی است مانند «جاوشیر» و گویند طلی - شبنمی است که برگیاه می نشیند. و گویند

به تحقیق صمغ «کرفس کوهی» است که «فطراسالیون» نام تخم آنست. ّ

Athamanta macedonica L.	كماشير	زر. – الم.
Bubon macedonica L.		

۱۵۹۶ - کُمافیطوس ، کمافیطوس ، خامانیطس ، خامافیطس ، کمافیطوس ، کمسریانی یونانی : خامانیطس ، به معنای «صنوبر الارض » و به معنی گسترده بر زمین است. تحمافیطوس سمریانی : کرعا ، کرفشا اسلی : تخم کرفس رومی است و میا درو ا – لاتینی : ابیکه ا – فرنگی : جوده ا – هندی : ککرونده است یا «کاسنی رومی» و بعضی ککرونده است یا «کاسنی رومی» و بعضی ککرونده است و همه خلافست مؤلف گوید حشیشی است که گل بنفش رنگ دارد و پس از تخم شدن آن به شیرازی آن را «ماش دارو» خوانند که بسیار تلخ است. آشبیلی میگوید در مورد ماهیت آن اختلاف است و برخی آن را به اشتباه «قرصعنه» میداند. "

خامافیطُس (Khamaipitus): به معنای «صنوبر الارض» و نام آن «کمافیطوس» و سه نوع دارد. نوع اول با رنگ دارای گل بنفش و معروف به «صنوبری» و نوع دوم برگی مشابه برگ گیاهی به نام «اکلیل» داشته و مشهور به «اکلیلی» است و برگ آن در بازار عطاری بجای «قردمانا» خرید و فروش میشود، نوع سوم کوچکتر از همه است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۱۵۳]

Ajuga chamaepitys Sch.	صنوبر الارض -كمافيطوس	زخط.
Ajuga chamaepitys Sch.	خامافيطس،كمافيطوس،صنوبرالارض - (نوع اول)	زرياب
Teucrium sapinum L.	نوع دوم	
Ajuga iva L.	نوع سوم	

# ۱۵۹۷ - کمالیون ": نوعی از مازریون " - نامهای دیگر آن: دراشتا "، کشر ثا "

Daphne mezereum L.	كماليون	زرياب

۱۵۹۸ - کُمَثْریٰ، کمثری ، کمثری ، کمثری ، کمثری ، کمثری ، حب الکمثری : (نامی عربی) نامهای دیگر آن: یونانی: لوفیون ، اننوس ، انقوس ، آبیوس – فارسی: امرود ، انبرود – رومی: ابیدی اس کیدونی – جالینوس: ابید – فاس: انبوس نام دانه: دانه امرود ت انبوس نام های نوع بری: اخرادس – هندی: ناشپاتی ا – شیراز: کمثری – انرو به تیفرست دارای اصناف متعددی است: نام نوع بستانی: شاه امرود ا – نام نوع کوچک: بغدادی: رخون ا – شیرازی: گلابی ا حکمثری حامض: کمثری چینی ، کمثری بری ، کمثری جبلی ا – تغسانی " میگوید: دارای نوع بستانی و بری است، به میوه بستانی در ابتدا «خلوقة» و پس از رسیدن «بانوج» گویند و نوع خوشبوتر آن به «مسکی» معروف است و از انواع دیگر آن «رطلی» و «ذکری» است ، به بهترین آن نوعی است که در خراسان به آن «شاه امرود» میگویند. یک نوع دیگر آن «حسینی» نام دارد ...

Pyrus communis L.	کمثری	ز.،خ.،ط.،.E
Prunus commonis Stok.	اجاص -کمئری - انجاص	الموسوعه

۱۵۹۹ –كَمَرْزَهْرَهُ':

۱۶۰۰ -کَمْرَکُ: (نام میوهای هندی)

۱۶۰۱ -کُمْکُوت ٔ: (نامی فرنگی به معنای صمغ «درخت کوت» است.) **نامهای دیگر آن**:کوتاکبنا ٔ، غوتاغبنا ٔ -انگلیسی: کمبنوس ٔ - پر تغالی: برون ٔ - نزد عوام مشهور به «عصارهریوند» است. ٔ

۱۶۰۲ – کَمون ، کمون ، کمون ، کمون ، کمون ، کمون ، کمون ، سنوت : نامی عربی معرب «خامون» یونانی یا «کمون» سریانی نامهای دیگر آن: فارسی: زیره ، قومینون – هندی: زیره ، بیره ، بیره ، جیره – عربی: سنوت کومین رومی: اسفیقوس ، قومینون – یونانی: کرمینون ، کومینون کومینون سن – سریانی: کمونا تو قبنش، کنینش سامهای نوع بری : رومی: اسطبخیس ، قافنون – سریانی: کموناهندو س – فارسی: زیره هندو سیاه – هندی: اجاجی س – سندی: جیروا – جالینوس: اصطفیقوس – سریانی: کموناهندو – فارسی: زیره هندو سیاه س – هندی: اجاجی س – سندی: جیروا س – جالینوس: امراطیون س – "ابن سینا" میگوید: کمون دارای انواعی است برخی عبارتند از: ۱ - کمون کرمانی: فانقوس ۲ - کمون البری: قیمینن اغریون ۳ - کمون حبشی: نانخه، نبنیا ۴ - کمون الحلو: انیسون ۵ - کمون الرومی: اندراسیون، یربطوره ۶ - کمون الملوکی: ششتره ۷ - کمون صخری ۸ - کمون هندی: شونیز بری

کومینون (Kuminon to hemeron): کُمّون الابیض ـکمون الکرمانی ـ دیسکورید: کمون الملوکی کسی که نوع کرمانی را غیر از این میداند دچار اشتباه شده است.

> قیمینون أُغْرِیون (Kuminon agrion): به معنای «کَمّون البری» و دو نوع است و اسمی غیر آن نمیشناسم. أَامّی (Ámi):کَمّون الحَبَشی ــ سریانی: الّتینیا ــ نانخواه [بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ ــ ۵۱]

Cuminum cyminum L.	كمون، كومينون، كمون الابيض، كمون الكرماني	ديسكوريد
Lagoecia cuminoides L.	قيمينون أغريون، كمون البرى	ديسكوريد
Carum copticum Benth.	كمون الحبشي، التينيا - نانخواه	ديسكوريد
Carum bulbocastanum Koch. Carum carvi	زیره سیاه کرمانی	پارسا
Cuminum cyminum L.	زيره سبز – زيره سفيد	پارسا
Cuminum cyminum L.	کَمُون، سَنُوت، سِنَوت	الموسوعه
Cuminum cyminum L.	كمون	ط.،خ.،.E

۳ ه ۱ ۱ رکمون الأسود<sup>ع</sup>: این نام هم به «کمون» سیاه رنگ و هم به «حبة السوداء» گفته میشود.<sup>ع</sup> ۴ ه ۱ ۱ ـ کمون حبشی<sup>ع</sup>: نام **دیگر آن:** کمون بری<sup>ع</sup>

۱۶۰۵ - کناوس س:

Cynara scolymus L.	كناوس	زریاب
		رريب

#### ۲۰۱۱ ـ کناث:

Equisetum arvense L.	أمسوخ، كُنْبات الحَقْل، ذَنَب الخَيل، شَيَالة	الموسوعه
Equisetum hyemale	أمسوخ شتوى ، كُنْباث الشتاء، حشيشةالطوخ، ذنب الفرس	الموسوعه

#### ۱۶۰۷ - كَنِب سُ:

Eleusine coracana Gaer.	كنب	زریاب

۱۶۰۸ - کُنْدُر ا، کندر<sup>غ</sup> (لغت فارسی یا عربی)، کندر می کندر نکندر انامی فارسی)، کندر، لُبان می عود العطّاس نامهای دیگر آن: یونانی: قیبوطیسرون ا سریانی: لیانوون ا لبونا می لبنوا س رومی: سیفروس ا - کندر دریایی دربی البان البنوا س اصمعی گوید سه چیز است که از یمن برخیزد و در هیچ جای دیگر نبود: «لبان» و «ورشن» و «عصب» یعنی بردیمنی و ابوحنیفه گوید «لبان» نبود مگر بر درختهای عمان و درخت آن خارناک بود و قد آن دو گز زیاده بود و نروید مگر در کوه و ورق و ثمر آن مانند «مورد» بود و علک وی را «کزر» و «نسج» گویند و به یونانی «لبیانوا» خوانند.

Boswellia serrata Roxb.	لُبان هندی، لُبان ذَکَر بَسْتَج هندی، کُتْدُر	الموسوعه
Boswellia carterii Bird W.	کندر – لبان	ز.، خ.، ط.
Boswellia serrata Roxb.		<u> </u>
Boswellia sp.	کندر	EN.

### ۱۶۰۹ - کُنْدُرِی':

ه ۱۶۱ - کُنْدُش ، کندش سی کندس بی گندس کندس کندس کندس کندس کندس عود العطاس نوعی جنبه نامهای دیگر آن: فارسی: بیخ کازران کندشه کندش ورومی: اسطروثیون مرومی: اسطروثیون مراج القطرب نام نوع دیگر آن: بطرمیقی تاغیفشت نام گیاه نزد رازی عطشان و قولاله آسیلی می گوید: عوام به آن «بقلة» گویند و ریشه هائی را که از آن جدا می کنند «کندس» می نامند و از آنجا که این گیاه در شب می درخشد معروف به «سراج الظلام» است و از داروهای کشنده می باشد. نوع دیگر آن مشابه «کنکر» با نام «سعوط الدوّاب» است که اهالی فاس در مغرب به آن «تغیفشت» گویند و از ریشههای آن در شستشوی لباس استفاده می کنند.

Gypsophila struthium L.	كندش	زرخطا.
Veratum album L.	کندش – بیخ کازران	پارسا
Gypsophila sp.	كندس	الموسوعه
Schoenocaulon officinale A.Gray	كندس	EN.

۱۶۱۱ ـکندلاء ٔ: (گیاهی آبزی) نامهای دیگر آن: نام پوست: أیدع ٔ ـ حجاز: شورهٔ ٔ ۱۶۱۲ –کنُکَهی ٔ: نامهای دیگر آن:کنکهیه ٔ (نامی هندی) – فارسی: درخت شانه ٔ (زیرا میوه آن مشابه شانه است.) ؟

۱۶۱۳ - کُنْهان ، کنهان ٔ: نامهای دیگر آن:کونهان از معرب از «کوهان» فارسی است. ا

Alkanna orientalis (L.)Boiss.	لُبَيْد، كَنْهان	الموسوعه

۱۶۱۴ - كَنَهْبَلة ": جنسى طلح نام ديگر آن: نزد عرب: عُلفَة "

۱۶۱۵ - کنیب س، کنیب نی کنیث و نامی یمنی): نوعی علس یا نوعی قرطمان است. بنا به نظری علس و بنابه نظر دیگر جُلبان است. نام گیاه در کتاب و رادی و هرطمان ست. در کتاب دیسکورید با نام و اُولیرا و دانه ای از جنس و رادا و است. نام دیگر آن: ذَرّه [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۵ و ۷۷: به و تا و و داویرا و دو و شود.]

Triticum monococcum L.	کنیب - اولیرا	ديسكوريد
Triticum dicoccum Schr.	(آا	

Triticum monococcum L.	کنیب	زریاب
Triticum spelta L. Triticum zea Host.		
Triticum monococcum L.	كنيب	طباطبائى
Triticum spelta L.		

# ١٤١٤ - كور<sup>س</sup>، كور<sup>ع</sup>، : نام ديگر آن: مقل اليهود<sup>ع</sup>

خرياب كور Balsamodendron mukul Hook.			
	Balsamodendron mukul Hook.	کور	زرياب

۱۶۱۷ -کوسُنْبُل': (نامی از تنکابن و دیلم) نامهای دیگر آن: طبرستانی: دیودار ٔ – مازندران و دامغان: گوزن گیاه ٔ ،کومرثل ٔ

۱ ۱ ۱ ۸ - کوکب الأرض می کوکب الارض می کوکب نی گویند کوکب، «قیمولیا» است و رازی گوید آن را «طلق» می خوانند. تی ابوحنیفه آن را «شکاص» که نوعی «استب» است و همچنین گل «رُشالة الابیض» می داند. ش

١٤١٩ -كَوْنْلُهُ: (نامي هندي)

١٤٢٥ -كُوِيْتُ: نامهاى ديگر آن:كبيت (نامى هندى) - بنگالى: كتبيل

1971 - كَهُرْبَا'، كهربا"، كهربا"، كهربا"، كهربا"، كهربا"، مصباح الروم"، مصباح الروم": لغت فارسى يا معرب از «كاهرباى» فارسى است. انام صمغ درختى بزرگ از بلاد مغرب به نام «اروس بلغار» است. انام صمغ «جون رومى» است. نام هاى ديگر آن: كاربا - ايليقطران" - يونانى: ديامنطيس ا سريانى: حمرما - رومى: هيغيرس، القطرون"، ادمنطوس" - سريانى: دقتا"، حياثوا"، السرى " - هندى: كپورا - عربى: قرن البحرا، مصباح الروم مترجمان كتاب هاى جالينوس و ديسكوريد پنداشته اند «كهرباء» صمغ گياه «جوز رومى» است، ولى اينجنين نيست. "ابن سينا" مى گويد: «كهرباء» صمغ «كالسندروس» است.

اغیر س (Aigeiros): نام هشجرالجوزالرومی، است و به پوست آن ه توز، گویند و دیسکورید نام صمغ آن را ه کَهُرُباء، می داند. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ ـ ۸۴]

Pinites succinifer Goppe. & Bern. Pinites stroboides (Conw.) Sch.	ايليقطرون – كاربا	زر طبا.
Populus nigra L.	اغیرس، شجرالجوزالرومی، کهرباء، توز	ديسكوريد

۱۶۲۳ -کِهْرنی ؛ (نامی هندی)

۱**۹۲۴ ـ ک**هورات<sup>ع</sup>:

۱۶۲۵ –کَیْکواشه':

۱**٦۲**٦ ـ کیلکان<sup>ی</sup>، کلیکان ّ : از انواع «کراث» ٔ ّ

۱۶۲۷ –كَيْنْتِي': (نامي بنگالي)

۱۶۲۸ - گُوزن گیا ": نامهای دیگر آن: خرس گیا، گُوزْنیک "

Eryngium maritimum L.	کوزن کیاه	زرياب
, 0		

#### حرف «ل»

۱۶۲۹ - لاذن ، لاذن ، لاذن ، لاذن ، لاذن ، لاذن ، لاذینون : نامهای دیگر آن: رومی: لاذیون ، قیستوس - عربی: لادن - فارسی: لادنه لادن - فرنگی: لدان "دیسکورید" می گوید: نوعی «قسوس» که بعضی از مردم به آن «لیذون» گویند. وطوبتی است که به پشم بز در هنگام چرا از گیاه «اسل» می چسبد این رطوبت از برگهای این گیاه ترشح می شود. در مغازههای عطاری شهر فاس آن را به «لاذن العنبری» می شناسند. فا

قِسْتُوس (Kisthos): نزد اهالی اندلس گیاه معروفی است و به آن «شقّواص» (Xaguarza) گویند و عامه مغرب آن را «ورد جبلی» نامند و نام دیگر آن «ورد الفَحْصی» است و دارای سه نوع است: نوع اول با گل سفید و نوع دوم دارای گل قرمز و در پای ریشه های آن گیاه «هیوقِسُطیداس» میروید و نوع سوم به نام «قستوس» با صمغی به نام «لاذن» است و این همان نوعی است که اهالی اندلس (به لاتینی) به آن «اَسْتَب (Estepa - Stipa) گویند و اسامی دیگر آن «حَطَب الْفَتح» و «شجر اللاذن» و به لاتینی » «ارتقش» به معنای «کثیر العِصتی» است.این یمار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۱:

Cistus villosus L.	قستوس، شقواص، ورد جبلي، ورد فحصي (نوع اول)	ديسكوريد
Cytinus hypocistis L.	نوع دوم	
Cistus ladaniferus L.	نوع سوم –قستوس –لاذن –استب –حطب الفتح	
Cistus creticus L.		
Cistus sp.	لاذَن ُ فَسْتُوس، فَسْطُوس، فَيْسُوس، أثاية	الموسوعه
Cistus ladaniferus L.	لاذَن أسباني، قَسْتوس لاذني، شَقْواص، قُنْسوس	الموسوعه
Cistus creticus	لاذَن أكريتي، قَسْطوس أقريطِشي، عَيدَم	الموسوعه
Cistus villosus	لاذَن طوطي، بُرْعون	الموسوعه
Cistus ladaniferus L.	لاذن	زرياب
Tropaelum majus L.	لاذن	طباطبائى

۱۶۳۰ - لاعرین ، رجل الارنب، رجل الأرنب : نام های دیگر آن: لاعون ، ارنبی (زیرا گیاه مشابه پای خرگوش است.) - عربی: رجل الارنب ، ذَبَح م - لاتینی: لکونس - بربری:طرمیطس - جرمامه م - بادَولبرینه م - گویند رجل الأرنب نام همان گیاهی است که "دیسکورید" به آن «لاغوین» گفته است. ع

لاغوئن (Lagopun): به معنای وأرنبی، است زیرا برای ورم أرنب مفید است و بعضی آن را وحرشف، میدانند ولی صحت آن بعید است زیرا وحرشف، گیاهی خاردار است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۱۷]

Trifolium arvense L.	رجل الأرنب، نفل البر	الموسوعه
Trifolium arvense L.	لاغوین - ارنبی	زرياب

۱۶۳۱ - لاغیه ، لاغیه ، لاغیه ، لاعیه ، لاغیه ، لاغیه ، لاعیه ، لاعیه ؛ دلاغیه به فارسی دجمشیزی است و او جنسی است از اجناس دبترع است از اجناس دبترع است و اینترع است و اینترع است از اجناس دبترع است و اینترع است و اینترک است از اینترک است و اینترک اینترک است و اینترک ا

Euphorbia triaculeata For.	لاغيه	زر. –طبا.
Euphorbia esula L.	لاعيه	خطابی

۱۶۳۲ -لالاً، لالاء "، لالا"، لالا": نام ديگر آن: سمسمة " - گياهي كه از طرف مكه مي آورند. "

Ranunculus asiaticus	حَوْذان اسيوي، شقائق النعمان، كَبيكج، كَفّ السّبْع، كف الضبَع، لالا	الم.

۱۶۳۳ - لاله سرنگون : ۱۶۳۴ -لاله نُعْمانی : ۱۶۳۵ -لامی : (نامی هندی)

Amyris elemifera L.	لامي، أمريد	الموسوعه

۱۶۳۶ - لانطوفوديون ::

ا ۱۶۳۷ - لباب القرطم "، لباب": صمغي كه از طرف مغرب مي آورند. در جاي ديگر آمده: مغز خسكدانه است. "

۱۶۳۸ - لَباشتر<sup>۱)</sup>: این نام را عرب برای «عُتم» بکار میبرد و نام گیاه یکساله خوراکی دیگر در ناحیه غرناطه و مریه است و همچنین برخی آن را قسمی از «فُجل» میدانند و به آن «بشتر» گویند.<sup>نن</sup>

۱۶۳۹ - لبان "، لبان "، بخور النتي: نام صمغ درختچه خاردار " و يا ترهاى ان حماض است. " نام هاى ديگر آن: تركى: قجى " - بطينه: احنينه " - ليبانس " - شانسيه " - لذار " - نام نر آن: سطاغونس " - نام نرم آن: ليبانوفيلس "

۱۶۴۰ -لَبَخ<sup>۱</sup>، لبخ<sup>۶</sup>، لبخ<sup>۱</sup>، لبخ<sup>۱</sup>: (نامی عربی) نامهای دیگر آن: فراسیا<sup>د</sup>، برسیا<sup>د</sup>، برخی آن را به اشتباه «ازادرخت» میدانند<sup>.ک</sup> فرُسِساآ (Persaia): نامهای دیگر آن: لَبَخ ـ شجرة الفارسیة [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴۲]

Mimusops schimperi Hochst.	فرسيااً -لبخ -شجرة الفارسيه	زرياب
Albizzia lebbek Bth.	ألبيزية لَبَخ، لَبَخ، ذَقْن الباشا	الموسوعه
Albizzia lebbek Bth.	لَبْخ	طبا خط.

۱۶۴۱ - لَبْرال ( به معناي قَصعة معروف به قَصْعَة الحمير (

۱۶۴۲ ـ لَبسان ع، لَبسان ن : نوعی لفت بری برخی از پزشکان پنداشتهاند «خردل بری» است. ع

۱۶۴۳ - البلاب، لبلاب، لبلاب، لبلاب، لبلاب، لبلاب، لبلاب، لبلاب، لبلاب، بقلة الباردة، عُصية، نوح، واجد (اهل يمن)، وقسوس نوعى قسوس اين نام مربوط به گياهانى است كه به درختان مى پيجد و از آن بالا مى رود فو من و نام ديگرى كه براى اين منظور استفاده مى شود «قريولة» يا «لبلاب الغنم» است. پزشكان به آن «شجرة الباردة» نيز مى گويند. فاراى سه نوع سفيد و سياه و قرمز است. منامهاى ديگر آن: عربى: عاشق الشجر، حبل المساكين عشقه، حلوب آ، لوى ، عَضية الله عرب الباردة و لبلاب العنم ، علفة فه عشبة المُسَلِحة، زيرا بند آورنده اسهال است. - بربرى: آست - يونانى: تنبايس، قسنوس ، قسنانس - لاتينى: قسينى - شيرازى: هرسه، هرشه ، سرشو - عجمى اندلس: قريوله ، مطخشاله و ومى: الكسينا ، ايذنطوس - سريانى: حبلبلى - فارسى: توبع - سجزى: نُوَكَ ، اللهيس ، القيوس - فربوله، قريوله شلاب المساكين المونان المام المونان المونال المونان المونال المونان المونان المونال المونان المونان المونال المونان المونان المونان المونان المونان المونان المونان المونال المونان المونان المونال المونان 
اُلْقَسینی (Helxine): نام آن وَلَبلاب الحقیقی، است و گیاه کوچکی است که برای لینت مزاج از آن استفاده می شود و به لاتینی به آن وقُرُیُولَه، یا وقربوله، (Corriolla) گویند. اًلاطینی (Elatine): نام «لَبْلاب المجوسی» و «لبلاب الأَحْرش» است و عامه اندلس به آن «سراویل الکُکّه» (Cuco - Cucus) و «شُخّمه» یا «سحیمه» گویند.[بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۵ (۳۳]

Convolvulus arvensis L.	القسيني - لبلاب الحقيقي	ديسكوريد
Linaria elatine Mill.	الاطيني، لبلاب المجوسي، لبلاب الاحرش، شحيمه	ديسكوريد
Convolvulus sp.	ا بُلاب	الموسوعه
Convolvulus arvensis L.	لَبْلابِ الحَقول، لَبُلابِ صغير، طُربوش الغراب	ديسكوريد
Veronica officinalis L.	فيرونيكا مَخزنية، لبلاب المَجوس	ديسكوريد
Convolvulus arvensis L. Dolichos lablab	וארי	طباطبائى
Hedera helix L.	لبلاب - پیچک دردس (آستارا)، پلک (نور)، ولو، بلو بلوه (گرگان)، پاپیتال (تهران)	پارسا
Hedera helix L.	Bohar: Lablab - Kumaon: Bana	GLO.IN.
Dolichos lablab	لبلاب	خطابی
Convolvulus arvensis L.	فريولة	خطابی

١۶۴۴ - لبن الحمارة: نوعي يتوع

۱۹۴۵ - رُبُنی ، لبنی ، لبنی نوعی «میعة» که از «اصطرک» درست می شود. دارای شیره ای چون عسل به نام «عسل لبنی» است. - آنچه سایله - روان - بود آن را «عسل لبنی» خوانند و «میعه سایله» گویند و در آن حلاوت نبود و آن صمغ درخت رومی است. "

Styrax officinale L.	أصطَرَك، لَبني، مَيْعَة	ديسكوريد
Liquidambar sp.	لَبني	طباطبائی
Styrax officinale		0

۱۶۴۶ -لَتْكو ُ: (نام گياهي در بنگالي)

۱۶۴۷ -لَجالو': (نامي هندي)

۱٦۴۸ ـ لِحاء الغول<sup>ع</sup>: ن**امهای دیگر آن**: فارسی: أردمانة ع ـ بربری: تامرت <sup>ع</sup>

۱٦۴۹ \_لِحیانی ؓ: نامهای دیگر آن: رازی: حَرْشُف ؓ \_ فلاحة میگوید: نوعی خار به نام «خبز الکلب ، ؓ

1800 - لَحْيَةُ التيسَّ، لحية التيسَّ، لحية التيسَّ، لحية التيسَّ، لحية التيسَّ؛ (نامى عربى) نامهاى ديگر آن: رومى: هيوفقسطيداسَّ، هرفقسطيداسَّ، هوفسطيداسَّ، هوف طيداسَّ - سريانى: دقنادعزى ّ - جالينوس: قستوس ّ - عامه اندلس: بسقواس ا - فارسى: اسليخ ، اسبلنج - شنكى ٔ - اصفهانى: شنگ ، الاشنگ ا - يونانى: قسوس اقسادق ، قسارت ا - اهل شام و شرق: اذناب الخيل الخيل الخيل الخيل النيطار المى گويد: اين گياه نزد اهالى شام و غرب و شرق و سرزمين مصر معروف است و نوعى از آن در شهر فيوم مصر مى رويد. اما آن گياهى كه "حنين" در ترجمه كتاب جالينوس و ديسكوريد به نام «لحية التيس» ناميده با آنچه شرح داده شد متفاوت است و آن گياهى است كه به يونانى به آن «هستوس» گويند. ا

Tragopogon pratensis L.	سَلْسفيل المَرج، لِحْيَة التيس	الموسوعه
Tragopogon pratense L.	لحية التيس	زرياب
Cytisus hypocistis L.		

Tragopogon pratense L. Filipendula ulmaria Maxim.	لحية التيس	طباطبائى
Tragopogon sp. Podospermum jacquinianum Koch.	شنگ	پارسا
Tragopogon sp.	لحية التيس	EN.

۱۶۵۱ -لَخْنیس ٔ (نامی یونانی)، لخنیس الأکلیلیه ٔ الحینس الاکلیه ٔ ؟ نوعی از «خیری جبلی» و آن خرامی است. ّ "ابو عباس نباتی" میگوید: نام گیاه «أکلیلی» نامیده شده زیرا آن را بر روی تاجها قرار می دهند و نزد من نوع جبلی «خیری» با گل بنفش است. ٔ "دیسکورید" میگوید: «لخنیس أغریا» در همه حالتها مشابه «لخنیس بستانی» است. ٔ

لُخْنیس الاکلیلة (Lukhnis stepha nomatike): نوعی «لوقاس» با رنگ بنفش اُست و چون از نظر طبقه بندی آن را جزء گیاهان چتر دار می دانند به آن «اکلیلی» گو نند.

لُخنیس اغریا (Lukhnis agria): نام آن «خُزامی» است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۹۹ ـ

Lychnis coronaria Desf.	لخنيس الاكليله	دی.، .EN
Agrostemma githago L.	لخنيس اغريا - خزامي	ديسكوريد
Lychnis sp.	لُخنيس	الموسوعه
Lychnis chalcedonica L.	لخنيس اغريا	EN.

۱۶۵۲ –لِسان الاِبِلُ: (نامی عربی)؟ الالسفاقُس (Eelisphakon): به معنای «لِسان الأُیُل» است و در اندلس به آن «ناعمة» گویند و به لاتینی «شالِبیّه» نام دارد.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۳۱]

Salvia officinalis L.	الالسفاقس -لسان الايل، ناعمه، شالبيه	ديسكوريد

۱۶۵۳ کسان الثُور'، لسان الثور''، لسان الثور ''، لسان الثور''، لسان الثور''، لسان الثور' (نامی عربی)، بوغلصّن' (نامی یونانی)، کاوزاون' (نامی فارسی)، مُفْرِح ''، مفرّح ''، حُمْحُم' (اهالی شام و شرق و دیار بکر)، کاو زبان ''. گویندنوعی «مرو» است. ''نامهای دیگر آن: فارسی: گاوزبان'' ، گاوزوان '' – یونانی: نو' – لاتینی: بکلورم'، یرااجم' – هندی: سنکاهولی ' – رومی: بوغلوسن '' – سریانی: لشان ثورا''، رقبه '' ۔ ابن سینا: کازوان''

Echium amoenum Fis.& Mey.	گل گاو زبان	پارسا
Caccinia glauca Savi.		
Trichodesma molle DC.		
Trichodesma zeylanicum R.Br.		
Trichodesma indicum DC.		
Anchusa italica Retz.		
Anchusa hybrida Ten.		
Echium sericeum Vahl.	برگ گاو زبان	پارسا
Pulmonaria officinalis L.	قسمی گاو زبان	پارسا
Anchusa italica Retz.	لسان الثور	زرطبا.
Borago officinalis L.		
Anchusa officinalis L.	أنشوزة مخخزنية، بُوغُلُصُن مخزني، دَبُون، لسان الثور المخزني	الموسوعه

		r
Borrago officinalis L.	لسان الثور	EN.

۱۹۵۲ - لسان الجَمل؟: "غافقی" می گوید: برخی پنداشته اند «لسان الثور» است ولی چنین نیست بلکه آن گیاهی است که به آن «أذن الثور» و «کُولاء» گویند... و به عجمی اندلس «أدادی» نام دارد. "ابن بیطار" می گوید نام گیاه در آفریقا «أوسانی» است. ۱۶۵۵ - لسان الحَمْل، لسان الحَمْل، لسان الحَمْل، لسان الحَمل أن ننب الفاره "، أذن الأرنب ": از عربی)، هفت پهلو"، کثیر الأضلاع متیر الاضلاع "، برد و سلام "، برد و سلام "، بزر لسان الحمل "، ننب الفاره "، أذن الأرنب ": از جنس السن است. نام های دیگر آن: رومی: ارنغلیسون "، ارطوس "، ملطیرغون " - سریانی: لحکا"، شبعاالعین "، لسانامرا" - فارسی: خرگوشک " - ترکی: باغ پر باغ استان الحمل از ریرا خوشه آن مشابه دم موش است.)، کثیرة الاضلاع ا، ذو سبعة اضلاع ا ـ یونانی: أرنقالس " - نام های تخم: فارسی: بارشک " - تبریزی: تخم بزوشه " - فاس: مصاصة المنام الحمل کبیر ": فرنگی: بیشاک میسور ا - نام های لسان الحمل صغیر ": فرنگی: بیشاک مینور ا - اشبیلی می گوید: دارای انواعی است که نامهای برخی عبارتست از: ۱ - ارنقالس، بَلنتاین ۲ - قناله ۲ - ظفر الفرس: یَنَمه، فَطُنِطِن، اذن الارنب، خرافة العَجوز، اولیه دِلْبِبْر ۴ - ظفّرة الفرس

اَرْنوغْلُسن (Aronoglosson): نام آن «لسان الحَمَل» و «بَرد و سلام» و به لاتینی «بُلْنتایِن» (Plantaina) و در اندلس «مَصّاصَة» و «ذَنَب الفار» است. و دارای دو نوع کوچک و بزرگ است کوچک آن را اهالی اندلس «اُذُن الشاة» گویند. [بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۲ - ۱۱۰]

Plantago major L.	ارنوغلس، لسان الحمل، بلنتاين، مصاصه	ديسكوريد
Plantago major L.	لسان الحمل	ز.،خ.،ط.،.E
Plantago major L.	بارهنگ، تخم سفید، قارنی یاروغ، تخم بیزوشا (تبریز)	پارسا

۱۶۵۶ - لسان الذيب: نام هاى ديگر آن: سطراطيوس - اميره - اميريا - عُشبة الطحال - نام نوع ديگر: افيمديون ١۶۵۷ - لسان السبع؟:

۱۶۵۸ - لسان العَصافير ، لسان العصافير ، لسان العصافير ، لسان العصافير ، السنة العصافير ، لسان العصفور ، حب السود : نامهای دیگر آن: فارسی: مرغ زفانک ، بنجشک زبان ، زبان گنجشک ، شرو ، اهر ، گنجشک ازوان – هندی: اندرجو – سندی: اندرجو – شیرازی: تخم اهر ت – سریانی: لشان صفرا – سجزی: سرو و رازوان – مندی: شرو و رازوان – درختی مشابه درخت «دردار» است و گویند نام درخت دردار است. "ابن بیطار" می گوید: میوه درخت «دردار» است به درخت «دردار» است و در مورد ماهیت آن است به درخت «نبق» ت اشبیلی می گوید: «لسان العصفور» نام مشترک نوعی «سنبل رومی» و «السنة العصافیر» است و در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «شجرة الدردار» با نام «بنجسکروان» و «فراخشنه» می دانند و درست آنست که درختی مشابه درخت دردار است نامهای دیگر آن عبارتست از: ایدوصارون، بلابقس، اسکروان، السنة العصافیر."

Fraxinus excesior L.	لسان العصافير	ز.،خ.،ط.،.j
Fraxinus excesior L.	زبان گنجشک - ون - ونل - ونو - سیر - سر (شمال)	پارسا

۱۶۵۹ - لسان الکَلْب، لسان الکلب، اسان الکلب، اسان الکلب، اسان الکلب، اسان الکلب، از نامهای بستانی آن: سطاریون، شبیطه، سمفوطن ارتارون نامهای نوع بری آن: مورجون، لِنْقَوه دِلْبُه یعنی لسان السبع، شبیطه کنبیانه، مسجدوان، توکرذوز، سمفوطن، و هلسان الحمل، و همچنین «حماض» گفته می شود و کی در اینجا منظور گیاه دیگری است.

۱-الموسوعة: ولسان العُصفور؛ نام شايعي است كه برگياهان متعددي اطلاقي ميشود از اينرو سي توان أن را به يک گياه خاص سبت داد.

Cynoglossum sp.		
Cynoglossum officinale L.	لسان الكلب، آذان الأرنب، أَذْن الغزال	الموسوعه
Rumex acetosa	لسان الكلب	طــــا،
		EN.

۱۶۶۰ - لصيف ": نوعی کنکر البری است. <sup>در</sup> **نامهای دیگر آن:** شوک الجمال <sup>در</sup> - شوکه الشهباء <sup>در</sup>

۱۶۶۱ -لَصيقي<sup>،</sup> لصيقي<sup>،</sup> لصيفي ، لِضق ُ : نوع كوچك لسان الحمل ُ از أن جهت كه گياه خارداري است و به لباس مى چسبد به آن «لصيقى» گويند. و ممكن است به گياهان ديگر كه داراى اين خصوصيت هستند نيز گفته شود. د نامهاى ديگر آن: اذان الدب٬ - تنكابن: كاش٬ - "ابن بيطار" مى گويد: گياهى است كه به آن «أذن الأرنب» گويند و گروهى نيز آن را «أذن الغزال» نام دادهاند تحمِّ و گاهی نیز به گیاه دیگری به نام «بلسکی» گفته میشود. ع

الموسوعه غاليون أبيض، لُصَيْقي، حَشْيشة الأفاعي، بَلْسَك، أَرْمَن غاليون أبيض، لُصَيْقي، حَشْيشة الأفاعي، بَلْسَك، أَرْمَن
--

۱۶۶۲ –َلُعبَة بَرْبَرِی'، لعبة بربریة ، لعبت بـربری"، لعبه"، لعبه ؛ بنا به گفتهای «سورنجان» است. " نــامهای دیگــر آن: سورنجان عمر عکنه عکنه عمد الله محقق است «سورنجان» است و بعضی گویند نوعی «یبروح» است و این خلافست. ً

Hermodactylus tuberosis Salisb.		
	لعبة	زریاب

١٦٦٣ \_ لعبة مطلقة ع، لعبت مطلقه م، لغبة: نام ديگر آن: عَروسالَة - مصر: ريشه يبروح ۱۶۶۴ -لُفاح ، لفاح ، لفاح ، لفاح ، لفاح ، لفاح ، لفاح (نامي عربي)، اصل اللفاح ، تفاح الجن ، سابيزج ، سابيزج : نامهای دیگر آن: فارسی: شابیزک<sup>۳</sup> سابیزک<sup>۳۵</sup> (به معنای سیب کوچک)، مغد<sup>۳</sup> – لفاح: نام میوه آن «یبروح بری» است. " - نام میوه «ببروح» است. صلى - ریشه آن به نام «ببروح سریانی» است. ا - فارسی: سیبیزه سطینی: سیبیزوا"، سابیشک" – نامهای نوع ماده: لفاح الجن"ابن بیطار" میگوید: «لفّاح» در مصر به نوعی «بطیخ» کوچک گفته

مُنْدَراغوس (mandragas): نام های دیگر آن عبارتست: يَبْروح ـ ميوه: لُقّاح ـ فارسی: سابيزک، شابيزج ـ تُفاح الْجِنّ ـ لاتيني: اَرْجُبَلِيطُه (Archobellitho) بربری: تارْیل، عَروسه[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۹]

Mandragora officinarum L.		
Mandragora officinarum L.	لفاح	زر طبا. 
	مندراغوس - يبروح - لفاح - تفاح الجن	ديسكوريد
Mandragora sp.	لَقَاح، يَبْروح، مندراجُورا، مُنْدراك، تفاح المجانين،	لموسوعه
	تفاح الجن	

۱۶۶۵ - لفاح الهندى :

۱۶۶۶ -لَفَشُ : (نام گیاهی در نواحی شام)

۱۶۶۷ ــُلُک'، لک ''، لک ''، لک ُ<sup>') ب</sup> لک <sup>نان</sup> : 'غسانی'' میگوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند کرمی است که در شاخههای نازک درختی در سرزمین هند و ارامنه بوجود می آید و برخی گویند رطوبتی است که بر درخت «عنبر» مینشیند و عدهای بر این اعتقادند که صمغ درخت «بَقَّم» است. این اعتقادند که صمغ درختی هندی است. ا

۱- ولک، صمغ یا شبنم درختی است شبیه به درخت کنار یا سدر که در هند و بنگاله بهم میرسد. این صمغ سرخ رنگ است چون توت و حب هایش به اندازه لیمو و نارنج هم میرسد، آذ را در آب می پرند و انواع رنگهای سرخ از آن بعمل می آید. لک را به فارسی دلاک، گویند.

Ficus laccifera Roxb.	لک	زرطبا.
Thus oxycantha	لک	خطابى

۱۶۶۸ - لَكَاعِ فَنَ نوعى حِلَّة است. فن نام هاى ديگر أن: لكَّاعة فن - حشيشة الثومية فن

۱۹۹۹ ـ لَم لَمَ : نام دیگر آن: در صحرای برنیق: قطف بحری ع

۱۶۷۰ –َلَنْجِيطُسُ، لنخيطسُ: (نامی يونانی) نامهای ديگر آن: شام: منسم ـ لبنان: تومين ً

نُنْخیطِس (Lonkhitis):گیاهی است با بذرهای سه گوش مشابه نیزه. با توجه به اینکه آن را میشناسم ولی غیر از این نامی برای آن نمیدانم.

لنخیطس آخر: دارای برگهائی مشابه برگ «سقولوفندریون» است و عامه گیاهشناسان اندلسی آن را به «الرُّقْعَة الصّخریه» میشناسند. نوع دیگر آن به عنوان «لوقیون» یا «شجر الحضض» معرفی شده که همان «زرشک » یا «امیرباریس» است.[بن بیطار(در ترجه دیکورید) ۳ - ۳۹ و ۱۲۰ و

Serapias lingua L. Aspidium lonchitis L.	لنخيطس ورقعة الصخريه	ديسكوريد
Aspidium lonchitis Aspidium lonchitis L.	نغيطس - رفعه المتحرية مَنْسَم، لِنْجيطُس لنخيطس - رفعة الصخرية	الموسوعه

١٦٧١ ـ لنخيطس آخر<sup>ع</sup>: نام **ديگر آن**: گياهشناسان اندلس: رقعة الصخرية<sup>ع</sup>

۱۶۷۲ - لوبیا'، لوبیا''، لوبیا''، لوبیا'' (نامی هندی)، دُجْرْ ، لوبیا'': از جنس کفوف و نوعی لبلاب است. نام های دیگر آن: لیاء ''،
لوبیاج '' - ترمذی: راژموک '' - سجزی: فراژمنک '' - یونانی: سیلهین ' - قبطی: مامیر ' - رومی: فسولن ' - در کتاب
دیسکورید: سمیلقس ' عربی: فریقا'، دجر ' - فارسی: لوبیا'، الویا'، ثامروان'، ثامر ' - رومی: فصولیا '' - سریانی: اصوفورون '' عجمی: فصون '' اشبیلی ' میگوید: دارای انواعی است نامهای آن عبارتست از: ۱ - لوبیا الابیض: اصوفورون ۲ - تبرئه ۳ - عَقْعَقه ۴ - شرکیه ۵ هندیه: صنفور ۶ - جوز الربح ۷ - مکثر اللبن: فول الخنزیر، خروب الخنزیر ۷ - صینیه ''

سْمیلَقس (Smilax kepia): نام های دیگر آن عبارتست از: لوبیا ـ نامرا ـ ابی حنیفه: دُجْر [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۰]

Phaseolus vulgaris L. Dolichos lubia Fors.	لوبيا	زر. – طبا.
Dolichos lubia Fors.	سميلقس - لوبيا- ثامرا - دجر	ديسكوريد
Phaseolus communis = Ph.vulgaris Vigna catjang Walp	لوبيا	پارسا
Dolichos unguiculatus	لوبيا، لُوبِياء	الموسوعه

۱۶۷۳ - لنجرویلة (۱)؛ به معنای رُمْح صغیر است زیرا برای بیماری سینه پهلو (رُمج) مفید است. **نام دیگر آن:** حَرِبة شی ۱۶۷۳ - لَوزَا، لوزَا، لوزاً، لوزاً لوزاً، لوزاً، لوزاً له شیرین آن: لوز الحلوا، بادام شیرین ا امیغدالی سام فارسی: بادام المخا، بادام ملخ سام ومی:ارموکی سام سابی، لوزدمریراس، شغدی مریری سام نوع تلخ آن: لوزدمریراس، شغدی مریری سام نوع تلخ آن الوزالمُراً، بادام تلخا، بادام طلخ سام رومی:ارموکی سام سابی، لوزدمریراس، شغدی مریری سام سابی المناطقات ال قسمی از لوز بری با نام لوز البربر است. ٔ اِمِقْدال بیقرا (Amugdal picra): اهالی انطالیا: لوز المر ـ در بعضی از ترجمه ها: مَعْقلاوس اِمِقْدال غْلُوقِیا (Am. glukeia): به معنای «لوز الحلو» است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۲]

Amygdalus communis L. Prunus amygdalus Stokes.	لوز – بادام	زر طبا.
Prunus amygdalus Stokes. Amygdalus communis L.	امقدال بيقرا – لوز المر امقدال غلوقيا	ديسكوريد
Prunus amygdalus Stokes.	لوز	الم خط.
Prunus amygdalus communis L. Amygdalus communis L. Amygdalus dulcis Mill.	لوز الحلوز	الموسوعه
Prunus amygdalus var. amara Fock. Amygdalus amara Hayne	لوز المر	الموسوعه
Amygdalus amara Syn: P. communis	Hendi & Panjub & Bambay: Badam Sanskrit: Badama	GLO.IN.

18۷۵ - لُوسیما خِیُوس ، لوسیما خیوس ، لوسیما خیوس نامی یونانی به معنای «شبیه الذهب» یا مشابه طلا است. انامهای دیگر آن: اهل اندلس: قصب الذهبی نام مصغر ، خوصه ، لخوخ الماء ، خوخ الماء ، عود الریح الماء خویخة - هندی: جوراوراج ناکهه است اشبیلی می گوید: برخی آن را «انجبار النهری» و گروهی «سراج القطرب» و عده ای «خیری الماء» می دانند. در

لوسیماخیُّوس (Lusimakheios): گیاهی که اهالی اندلس به آن «عود الربح» و «قصب الربح» گویند و هر دو نام مشترک بین چند گیاه است نام دیگر آن در اندلس «قَصَب الذهبی» است و بعضی از گیاهشناسان به آن «خَوْخ الماء» گویند و عامه نیز نام آن را «خُویْخَة» نامند.[بن یطار (در ترجمه دیسکوریه) ۴ ـ ۳]

Lysimachia vulgaris L.	لوسيماخيوس -قصب الذهبي -خوخ الماء	زرياب

۱۶۷۶ - لوطوس م، لوطوس ، لوطوس : به نوعی «حندقوقی» گفته می شود و همچنین نام «بشنین» است و «بشنین» نوعی از «نیلوفر» است که در مصر وی را «خنزیری» خوانند و آن «نیلوفر» دیگر را «اعرابی» گویند. و همچنین دیسکورید در مقاله اول خود «لوطوس» را به گیاه دیگری گفته و "حنین" آن را به «سدر» ترجمه کرده ولی صحیح نیست و غیر "حنین" آن را به نام «میس» تفسیر کرده اند و این صحیح تر است. ق

لوطوس (Lotos to dendron): گویندمعادل نام «شجر النبق المصری» است ولی صحیح آنست که گیاه معروفی است که اهالی اندلس به آن «نشم الاسود» (بشم الاسود) گویند واین نام مشترکی بین چند گیاه است. نام دیگر این گیاه «شجر المیس» است. [بن پیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ ـ ۱۲۵)

Nymphaea lotus L.	Ledem	زریاب
Celtis australis L.	لوطوس - نشم الاسود - شجر الميس	ديسكوريد
Lotus sp.	لُوْطوس، لُوتوس	الموسوعه

١٤٧٧ -لوعَجيدِيطوس':

١۶٧٨ -لوف ما الوف ، لوف ، لوف ، لوف ، لوف (نامي عربي)، ديوفونيطس (اصل اللوف) ، طرقنتية (ريشه لوف كبير): نامهای دیگر آن: دراقونطیون مشابه مار کوشفیل - فرنگی: کونکلوس ، سربن طین به معنای مشابه مار دارای سه نوع مي باشد: نامهاي نوع اول: لوف كبير'، لوف الارقط'، لوف الحيّه (زيرا ساقه أن مشابه پاي مار است.) - يونانى: درافيون، دراقيطن - نام ريشه: طرقنتية و اغرقنتية يعنى مفيد براى ورم اغرقون " - نامهاى نوع دوم: لوف الجعد، فيل جوش - يوناني: ارب، لادن - بربري: الوني - اهل اندلس: صياره - فرنگي: اربسارم نامهاي نوع سوم: لوف الصغير' - يوناني: اربصارن'، دراقيطون' - اهل مصر: دوبژ'" ابن بيطار" مي گويد: لوف داراي سه نوع است، نوعی که با نام یونانی «دراقنطیون» است ـ یعنی لوف الحیّة ـ نوع بزرگ لوف با نام اندلسی «غرغنتیه» و «صراخة» و نام «لوف السبط» ّ است و نوع دوم با نام یونانی «أأرن» و نام بربری «آیرْنی» است که نام عجمی اندلسی آن «صارة» بوده و همان «لوف الجَعْد» يا نوع كوچك لوف " - لوف الصغير " - است. و نام يوناني نوع سوم «أريصارون» يا «صريس» " است و اهالي مصر به آن «ذريرة» «دويره» حكويند و آن «لوف الجعد اسخن» است. عقد " اشبيلي مي كويد: از جنس كفوف و نوعي بصل است و خود نام جنس گیاهان دیگری میباشد و دارای انواع بستانی، بری، جبلی، شهلی، بزرگ و کوچک است، نامهای آن عبارتست از: ۱ - بستانی: شجرة الحَـنَش، دراقنطيون يعني تنين، ادريفن، فلنجوس، حَنَشي، طرقنتيه، صارُه، جبن القرود، الريح، جُبن الثعبان، قُلِبرَله، عُنق الحية، غريطيره - نام ريشـه: لفت الجنّ - نام ساقه: شربليون ٢ - نوع سهلي: أرّن، لوف البَطّ، لوف الجعد، أيَرني، صارّه ٣ - نوع بطيّ: سبط، إسبط، ايرصا، ذي الورقة الواحدة ٣ -نوع بصلى: أرْن صارُن، صرين عنصلى ٣ - فبالَّة، فُوَيْلَه، فول المجوسى ٥ - حوذان، مدلوكة، كف الهِرّ ۶ - كف السبع<sup>ش</sup> دراقُنْطيون (Darkontion): به معناي «لوف الحيّة» و «لوف الْجَعْد» و «فَيَّلَجوش» است و اهالي مغرب به آن «صاره» (Sarillo)

و اهالی اندلس «صرّاخه» گویند و به زبان لاتینی عمومی «غَرْغَنیته» نامیده میشود.

أَارُّون (Aron): لوف السَّبْط ـ عامه اندلس: صارة الانثى ـ بربرى: ايْرن

أَأَريصارُن (Arisaron): كوچكترين نوع «لوف» است و در مصر به آن «ذُرَيْرَة الشَّحْم» گويند. [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ٢ - ١۴٠

Dracuncolus vulgaris Scho.  Arum dracunculus L.	لوف – دراقنطيون	زرياب
Arum italicum L.	5	
Arum dracunculus L.	دراقنَّطيون،لوفالحيّة،لوفالْجَعْد، فَيْلَجوش،صارُه،صرَاخه،غَرْغَنيته	ديسكوريد
Arum vulgare	أارُّون،لوف السَّبْط ،صارة الانشى، ايْرن	ديسكوريد
Arum arisarum L.	أأريصارون - ذريرة الشحم	ديسكوريد
Luffa sp.	لُوف، ليف، فَيُلَجوش	الموسوعه
Arum maculatum	أروم، لوف مُبَغَّع، تِياق أبيض	الموسوعه
Arum italicum	أروم ايطالى، لوف جَعِد، ذُرَيْرَة	الموسوعه
Dracunculus vulgaris Schot. Arum dracunculus	لوف الحَيّة، أَذُن الراهب	الموسوعه
Luffa cylindrica M.Roe. Luffa aegyptiaca Mill. Poppia fabiana Koch.	لوف أسطواني، لوف مصري	الموسوعه
Luffa aegyptiaca Mill.	لوف	طباطبائی
Dracunculus vulgaris Schot.	لوف الحَيَّة	طباطبائى

۱۲۷۹ ـ لوفا؟، لوفات: "صاحب منهاج" گرید «قنطوریون باریک» است و صاحب جامع گوید نوعی از «حی العالم» است که آن را «اذان القسیس» خوانند. "

ه ۱۸۸ ـ لوقاس ٔ لوقاین ّ: "بطریق" آن را «حرف أبیض» می داند و "حنین" آن را به نام «سفند أسفید» نامگذاری کرده ّ و "رازی" به آن «سفند اسفندو» گوید و گویند نام نوعی «مرو» است. ٔ

لموسوعه لاميون أرقط، لوقاس، حَزف ابيض	Lamium maculatum	0 1. 0 0 0 0 - 02	الموسوعه
---------------------------------------	------------------	-------------------	----------

١۶٨١ - لوقاقائثا<sup>ش</sup>:

١٤٨٢ -لِهولوقوغُزاتيس ؛ (نام گياهي مصري)

۱۶۸۳ - لیثانوس، لیبانوطس، دارای انواع مختلف است و به معنای «کندریاث» یا «کندریات» است زیرا بوی «کندر» می دهد و نام یونانی آن نیز از «لیبانس» که همان «کندر» است گرفته شده است. نوعی را اهل اندلس «بربطور» و بعضی را «استر» و بعضی را «حسالیج» دانند. انواع «لیبانوطس» از انواع «کلوخ» است، نوعی از آن را گیاهشناسان اندلس به نام «یربطور الساحلی» می شناسند و نوعی «أشتر»، «عسالیج» و «قلیقل «نامیده می شود و ریشه های این گیاه بوئی چون بوی «کندر» دارد. "ابن جلجل" پنداشته است نام «أکلیل الجبلی» است که در اندلس به «أکلیل النفساء» معروف است و این کاملاً اشتباه است و نظر او منشأ اشتباه بقیه نیز شده است. "

لیبانو (Libanos): نام «کُنْدر» و «لَبان» است و محل رویش آن فقط در شحر عمّان است. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۸]

Baswellia Roxb.	ليبانو -كندر -لبان	ديسكوريد

۱۶۸۴ - لیرون: نوعی بقل یکساله نامهای نوع جبلی آن: ربّنالّه یعنی فجل الصغیر، النینا نامهای نوع سهلی آن: لورونیا، اسلیح، لیرون، خربث، تمنک در

۱۶۸۵ - ليغة: **نامهاي ديگر آن:** شغالة، ليغة، سمفوطن بطرا يعني شاغة الصخرية <sup>تن</sup>

١٤٨٤ -ليف البحرا، ليف":

۱۶۸۷ -لیفیه ، لیفیه : (نامی عربی) نامهای دیگر آن: لیقیه علی حجاز: عَلْقُم ع

۱۶۸۸ -ليمو ، ليمو "، ليمو "، ليمون"، لامون ": صاحب منهاج كويد مانند «اترج» بود. "

Citrus medica Risso Citrus limonum Risso	ليمو	ديسكوريد
Citrus aurantifolia Sw.	ليمو	پارسا
Citrus sp.	ليمون	الموسوعه
Citrus medica L.	ليمون حامض	المؤسوعه
Citrus aurantifolia Sw.	ليمون حلو	الموسوعه

۱٦٨٩ ـ ليمونيون<sup>ع</sup>، ليمونيون ": نوعي «حماض بزرگ» است و در باغ ها و بيشهها رويد." معناي اين واژه يوناني «سبخي» است.<sup>ع</sup>

## حرف «م»

۱۶۹۰ -مارگیاه ؛ (نامی فارسی)

۱۶۹۱ - مار کیوا، مارکیون ، انارکیوا ، نارکیوا : نام دیگر آن به فارسی «نارکیوا» و نام دیگر آن «رمان السعال» آست. گویند

۱**۲۹۲ \_ مارون <sup>در</sup>: نامهای دیگر آن: حنین**: مرماخور<sup>ع</sup> برخی آن را «نابطه» میدانند.<sup>در</sup>

Teucrium marum L.	طوقَژیونکَوْرَبی، ماروم، مارون، صعترالهِرَ، مَرماخور	الموسوعه
Teucrium marum L.	مارن	EN.

۱۶۹۳ - ماریون (مادیون)؛ **نام دیگر آن**: افیمذیون<sup>ک</sup>

Verbascum thapsus L.	مازریون، گل ماهور، دم گاه ماهی زهره	پارسا
Daphne mezereum L. Daphne angustifolium C.Koch	ماذريون (جنگل كلاردشت، البرز، رضائيه)	پارسا
Daphne mezereum L. Thymelaea mezereum Scop. Mezereum officinal C.A.Mey.	مازريون، دَفَنَة سامّة، أُتُم	الموسوعه
Clitoria ternatea L. Daphne angustifolium C.Koch	مازریون هندی، هُرُج، بَظْرِیّة تِرنات	الموسوعه
Daphne mezereum L. Daphne oleoides Schr.	مازريون	زرخط.
Daphne mezereum L.	مازريون	طباطبائی
Daphne oleoides Schreb	مازريون	EN.

## ۱۶۹۵ - ماسفرم س:

۱۶۹۶ – ماسقدون ؓ: دوائی هندی ؓ – نام دیگر اَن: ماسقود ؓ

۱۶۹۷ - ماش ، ماش ، ماش ، ماش ، ماش ، ماش ، ماش في (نامى عربى) نامهاى ديگر آن: عربى: مج اس ، مجاج - فارسى: ماش - ماش - فارسى: ماش - هندى: مونك - يمن: اقطن - شام: أَقْطَف - شيرازى: بنوماش، بنو سياه

Phaseolus mungo	ماش	4.0 11
	ا اس	الموسوعه
Phaseolus radiatus L.	1	

Phaseolus max. L.	ماش	زرياب
Phaseolus mungo L.		
Vicia sativa Phaseolus mungo L.	ماش	طباطبائى
Phaseolus mrabiatus L. Vicia ervillia	ماش	پارسا
Phaseolus mungo L. Vigna sinensis Endl.	ماش	خطابی

۱۶۹۸ -مالْكَنْكْنِي : (نامي هندي)

۱۶۹۹ -مالِیا، مالیا<sup>س</sup>:؟ نامهای دیگر آن: مزان<sup>س</sup>

۱۷۰۰ -مامیثا، مامیثا ، مامیثا ، مامیثا ، مامیثا ، مامیثا ، مامیثا ن نامی نبطی ) نوعی بقل نامهای دیگر آن: شام: مَنْبج س - جالینوس: غلوقیون س، غلوقی ن ، حشیشة الخمرة ن ، خشخاش المقرّن ، شقائق الفرس ، همینا ا

غلوقیون (Glaukion): مامیثا [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۳۸]

Glaucium corniculatum Curt. Chelidonium carniculatum L.	ماميثا	زر طبا.
Glaucium corniculatum Curt.	غلوقيون – ماميثا	ديسكوريد
Glaucium sp.	مامینا، مَمِیْنا	الموسوعه

۱۷۰۱ –مامیران'، مامیران "، مامیران "، مامیران "، مامیران ": (نامی فارسی وسریانی) نوعی زردچوبه نامهای دیگر آن: رومی: باایدونیقی "، کلدونیا "، کیلادونیا " – زابلستان: سمرقندیّا " ـ نوع کوچک عروق الصفر " – فاس: حشیشة الخطاطیف <sup>غ</sup> خالیدونیون طومِقْرون (Khelidonion mikron): بنا به قول ضعیفی نام «مامیران» است.

خالیدونیون طوماغا: بنا به قول ضعیفی نام «کرکم» است و «طوماغا» به معنای کبیر است و برگردان عربی آن «دواءالخطاطیف» است. ابن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۳]

Chelidonium majus L. Coptis teeta Wall.	ماميران	ز،،د،،پ،،خ.،ط.
Curcuma longa	اصابع الصفر - گُرْکُم صباغی - هُرْد - عَقید هندی -	الموسوعه
Curcuma tinctoria	ماميران	

۱۷۰۲ حماهو دانه ، ماهو ذانه ، ماهو دانه ، به معناى قائم بذات است، زیرا در درمان طارطَلقه و الاتینی ، فلفل الأخوص ، فلفل الخواص ، شباب : «ماهو دانه » به معناى قائم بذات است، زیرا در درمان اسهال به تنهائى استفاده مى شود. نام هاى دیگر آن: ماهویدانه - اهل مشرق: حب الملوک می شود. نام هاى دیگر آن: ماهویدانه - اهل مشرق: حب الملوک می گوید: دو گونه جیپالگوت ، ماهوی دانه ، دند هندى - عامه اندلس: طارطقه ، سیسبان - فارسی: حبة الملوک ابوجریح می گوید: دو گونه است. صاحب جامع در ماهیت اسم وی و تفسیر آن سهو کرده است از بهر آنکه وی تفسیر «ما هُو بِذاته» کرده و گفته «أی قائم بِنَفْسِه أَیْ أَنَّ یَقُوم بِذاته فی الإشهال» و حال آنکه آن را «ما هوبداته» خوانند نه «ما هُو بِذاته» و بعضی «دند» را «حب الملوک» است. «دند» غیر از «حب الملوک» است.

Croton tiglium L.	حب الملوك	زرياب
Euphorbia lathyris L.	ماهوذانه	زرياب
Euphorbia lathyris L.	ماهوذانه	طباطباثى
Croton tiglium		

۱۷۰۳ حماهیزَهرَج'، ماهیزهرج<sup>ع</sup>، ماهی زهرة ٔ ماهیزهرج ، سیکران الحوت ، مکنسة الاندر ، سم السمک ؛ معرب از ماهیزهره فارسی است ،زیرا کشنده ماهی می باشد. ٔ نامهای دیگر آن: سریانی: جغثاریحثانا سے جالینوس: بیبوریس قاتل الحیتان سے نوعی از «فلوس» است وبه نام «سقوبردیء» می باشد. ٔ

آن را «سیکران الحوت» خوانند و سه نوع بود دو نوع کوهی و یک نوع صحرائی و کوهی بقوت تر بود و آن را «بوصیر» خوانند و «قلوس» گویند و نوع سوم معروف بود به «ماهیزهره». " ابن بیطار " می گوید : برای شناخت حقیقت این گیاه در مشرق و مغرب بررسی کردم و نهایت آنچه دیدم این بود که اهالی مشرق و شام بجای این گیاه پوست ریشه «بوصیر» را استفاده می کردند و اهالی مغرب و اندلس آن را بعنوان «شوکران الحوت» می شناسند و دارای سه نوع است، که دو نوع آن جبلی و نوع دیگر بستانی است. که دو نوع آن جبلی و نوع دیگر بستانی است. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۲: به رعیزن، رجوع شود.]

Anamirta paniculata Colebr.	ماهيزهرج	زرياب
Menispermum cocculus L.		

۱۷۰۴ - مَثْنان ، مثنان ، مثنان ن (نامی عربی) از جنس تمنس است نامهای دیگر آن: ثومالا، جامالا، قبسطون، طربشکه، الازاز، لینُش یعنی شبیه به کتان - «مازریون» و قسمهای مختلف «شبارم» نوعی از آن است. ن

ثومالاًا (Thumelaia): نام «مثنان» است و رنگرزان مغربی برای رنگ کردن از آن استفاده میکنند و به بربری نام آن «اَصّاص» و «ازّاز» است و به دانه آن «اَرْزَم» گویند. [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ ـ ۱۰۵]

Daphne chidium	ثومالاا، مثنان، أصّاص، ازّاز	ديسكوريد
Daphne gnidium L.	مَثْنان، كَرْمُدانة، دَفْنَة لاحقة	الموسوعه
Thymelaea hirsuta Endl.		

## ۵ • ۱۷ ـ مثنان آخر<sup>ع</sup>:

۱۷۰۶ -مُجْنَح ، مجنح ": (نامي عربي) نامهاي ديگر آن: گل خوش نظر "

۱۷۰۷ - مُخَلَّصَه ، مخلصة عماجم معاجم معاجم معاجم نامی اندلسی)، الوج مکنسة قرشیه و جه تسمیه آن : زیرا خوردن آن فرد را از سم افعی و سائر گزندگان خلاص می کند. استامهای دیگر آن شیرازی: کازریسک فارسی: بلبل شامی و تنظوریون موریون یک نوع دیگر: گشنیز کوهی و یک نوع از آن «تریاق کوهی» نام دارد. نوع سوم در اسکندریه می دوید و به «رأس الهدهد» معروف است.

Linaria vulgaris Mill.	لينارية عادية، حَباحِب مبدول، جَوز أرمانيوس، مُخَلصّة	الموسوعه
Linaria vulgaris Mill.	مُخَلصُة	EN.

۱۷۰۸ -مُرَّ، مُرَ<sup>ٽ</sup>، مُرُ<sup>ٽ</sup>، مر<sup>۳</sup>، مر<sup>۳</sup>، مرّ: نامی عربی صمغ گیاهی که در روم و بلاد مغرب و جزیره سقوطره می روید. ً ن**امهای دیگر آن:** رومی: اعروعولیطوس ٔ – سریانی: مرادکبار ٔ – یونانی: سمرنا ٔ ٔ – هندی: بول ٔ شْمُرُنا (Smurna): مُرِّ [بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۱ - ه۵]

Comminhava warmh a Engl		
Commiphora myrrha Engl.	l	ا دی یال خط
. , ,	J.,	دیحم.۱

۱۷۰۹ - مُرّار ، مرار س، مُرّاد ، مرات : (نامی عربی) نوعی شکاعا است و بادآورد تنامهای دیگر آن: مصر: مُرّزیر علی سرذمین بکر: دردریة علی مرار سی مرتزیر علی سرد مین بکر: دردریه علی مرتزیر مرات با مرتزیر مرتزی

Centaurea stellata	فطريون نجمي، مراز	الموسوعه
Centaurea calcitrapa L.	قنطريون نَجْمى، مَرار	46
Tripteris vaillantii L.		
Centaurea pallescens Del.		
Centaurea calcitrapa L.		
Centaurea alexandrina D.		
Centaurea aegpitiaca Del.	مرار	زریاب زریاب

۱۷۱ –مُرّان'، مرّان''، مران'': (نامی عربی) نامهای دیگر آن: شجرةالرمح'' - مالیا ْ

مالیا (Melia): نام «شجر المرّان» است ولی منظور از «مرّان» در کتاب جالینوس این گیاه نیست بلکه گیاهی است که "دیسکورید" از آن بعنوان «قرانیا» یاد کرده است. جالینوس از «مالیا» در کتاب خود نامی نبرده است. "دیسکورید" «قرانیا» را گیاهی کوهستانی معرفی کرده که در لبنان و مکانهای دیگر رویش دارد و دارای میوهای کوچک چون سیب کوچک است و هنگام رسیدن زرد و قرمز میشود و کمی ترش مزه است و درون آن دانه ای از جنس «زعرور» قرار دارد. برای این گیاه غیر از نام «قرانیا» نام دیگری نمی شناسم. (این یطار (در ترجمه دیسکرید) ۱ - ۱۸]

Fraxinus excelsior L.	ماليا – مران – زان	ديسكوريد
Cornus mascula L.	قرانيا	ديسكوريد
Fraxinus sp.	مُرَان، لسان العصفور	الموسوعه
Fraxinus excelsior L.	مران شامخ	ديسكوريد
Cornus mascula L.	مرّان	زرياب
Cornus mascula L. Fraxinus excelsior	مزان	طباطبائى
Fraxinus excelsior L.	مران	EN.

۱۷۱۱ - مَرْخ س، مرخ نن گیاهی است بیابانی که با وزش تند بادها کنده شده و از آن برای درست کردن آتش استفاده می شود و عرب این نام را همچنین به هر گیاه خاردار مورد استفاده در آتش چون عفار، شبرق و کلخ بکار می برد. ن

	:	
Cynanchum pyrotechnicum L.	مرخ	زرياب

۱۷۱۲ - مرّذکیّ ": نامهای دیگر آن: رومی: طرغولیطوس " - سریانی: مرّادخیا "، مرّافروط "، اسمرنا "، سمرنابیوطیقا "

Commiphora abyssinica Engl.	مرذكي	زریاب
Balsamodendron myrrha Nees.		,

صْمصُوخُن «مَلول (Samsukhon): نام «مرزنجوش» به معنای گوش موش است و از نامهای دیگر آن: «سَمْسَق»، «مَرْدَقوش»، »، «عَنْقَر»، «آنَجَرَك»، است و بعضی آن را «اُذُن الفار» نامیدهاند در صورتیکه «اذن الفار» نام مشترکی است که به بقیه گیاهان تناسب بیشتری دارد. اهالی اندلس به این گیاه «مَرْدَدُّوش» گویند.[بن یطار(در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۷]

Origanum majorana L.	مرزنجوش -سمسق -صمصخون	ديسكوريد
Origanum majorana L.	مرزنجوش	زخط.
Origanum majorana L. Stachys lavandulaefolia Vahl.	مرزنگوش	پارسا
Majorana sp.	مَرْدَقُوش، مَرْدَكُوش، بَـرِّدَقُوش، مَـرْزَنْجوش، ريـحان داوود، شششق	الموسوعه
Majorana hortensis Moench. Origanum majorana L.	مَرْدقوش بستانی	الموسوعه
Majorana hortensis Moench. Origanum majorana L.	مززنجوش	EN.

۱۷۱۴ ـ مرس<sup>ع</sup>:

۱۷۱۵ -مَرَسَطُس ؛ (نامي نبطي)

۱۷۱٦ ـ مرطولست ع:

۱۷۱۷ ـ مرقِد<sup>ع،</sup> مرقد<sup>ت</sup>: به <sub>«</sub>أفيون<sub>»</sub> و همچنين به «جوز ماثل»گفته میشود.<sup>عت</sup>

۱۷۱۸ -مَرْماحور'، مرماحوز''، مرماحوز''، مرماحوز''، مارون'': نامهای دیگر آن: فارسی: مرو خوش'، مرو جبلی' -رومی: هیوفسیطیوس'' - فارسی: مرماهوز''، مرو همیشه بهار''

مازُون: نوعی از «نمام» و نوع بری آن است و دارای کرکهای سفید نرم و مشخصی با گلهائی چون گل «صعتر» بصورت سه تائی است. من \_ابن بیطار \_غیر نام یونانی آن نام دیگری برای آن نمی شناسم ولی در عین حال گویند همان گیاه «مرماحور» است. [بن پیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۳ - ۴۰]

Origanum maru L.	مرماحور	زر.،دی.
Origanum maru L.	مَرْو، حَبَق الشيوخ، خَرَنْباش، مُرْماحوز، بَرْدْقوش مَعَقَّد، زَغْبَر	الموسوعه
Origanum amaracus Gledi.		

۱۷۱۹ - مِزملاط ن در دو نوع سفید و سیاه است، نام سفید آن «شاتِ ردجّه» یعنی «سبعة اصول» یا هفت ریشه می باشد. ن ۱۷۱۹ - مرمیخان (نامی سغدی) نام دیگر آن به جرجانی «قمش» است. س

D. L. C. dia T		
ي بريد	Rubus fruticosus L.	 زرياب

۱۷۲۲ -مرماطوس': نامهای دیگر آن:مرو بری' – فارسی: درنک' ۱۷۲۳ -مرماهوس': نامهای دیگر آن: فارسی: مرو سفید'، مرو تلخ'

۱۷۲۴ - مرناغَر<sup>نن</sup>: **نام دیگر آن:** سماق بری، اطریشیة

۱۷۲۵ – مَرُو'، مُرو"، مرو"، مرو مرو (لغت نبطی یا فارسی)، بزر المرو مجبق الشیوخ و نوعی جنبه نامهای دیگر آن: ریحان الشیوخ و فارسی: مروزشک و شیرازی: مرورشک و هندی: کنو چه (دارای چهار نوع می باشد.) عربی: زغیر می رَبْغَر و مراهی و درامک و مرماهویه و نوعی به نام «میشبهار» است. انواعی است نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند، به شیرازی به آن «مرخوش» گویند و نوع دیگر آن را که «میشبهار» است. انواعی است نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند، به شیرازی «مرورشک» خوانند و نوع دیگر آن را که بوی کمتر دارد «شموسا» خوانند و آن «مرو سفید» بود و تخم آن را به شیرازی «مرورشک» خوانند و نوع دیگر آن را «دارما» و «اردشیر دارو» و «وارد شیران» گویند و آن را به شیرازی «مرو تلخ» خوانند و به لفظ دیگر «مرماهان» و «مرماهوس» گویند... مؤلف «اردشیر دارو» و «وارد شیران» گویند و آن را به شیرازی «مرو تلخ» که خود و حب او هر دو سفیدند و این مشهور بود به «مرو سفید» پس بدین گوید: انواع «مرو» هیچ کدام حب سفید نیست الا «مرو تلخ» که خود و حب او هر دو سفیدند و آن «گاو چشم» است. فافتی می گوید: صاحب فلاحة برای هروی هفت نوع ذکر کرده است نوعی به نام «مرماحوز» است. آشیلی می می وید: دارای پنج قسم است که اسمای آنها عبارتست از: ۱ - نوع اول بستانی: مالیسوفلن، مرو، شبریله، مرماخور، زغبر، مالیطا ۲ - نوع دوم بستانی: رائحة البستان، حبق الشیوخ، شاهشبرم، تاجیقطون، مندبونه، ازدشیر زاد، خُشَبْرم، نام برگ: خِرَق ۳ - انیولیس یا اثیوبس، خافور ۴ - مرو اسود: افریقیهٔ منتهونهٔ یعنی رجل صالح، میرادون، یعنی مرو الاسود ۵ - مونون، اردمیردا

Origanum maru L.	مرو	زر طبا.
Teucrium marmu L.		
Origanum maru L.	مَرْو، حَبَق الشيوخ، خَرَنْباش، مُرْماحوز، بَرْدْقوش مُعَقَّد،	الموسوعه
Origanum amaracus	زَغْبَر	

۱۷۲۶ - مروی مشتهّی <sup>در</sup>: این گیاه بصورت درختی و علفی است درختی آن در دو نوع جبلی و بستانی است. نامهای علفی آن عبارتست از: بُشَجّ مائی یعنی مَصّ العسل، لسان الفَرس نامهای نوع جبلی آن عبارتست از: سطالیون، ابمیلُس، اسملیس، بُروله، ثمرة الدبّ، انبجّه نوع دیگری از آن نیز طیلافیون نامیده میشود. <sup>در</sup>

۱۷۲۷ ـ مروریة ، مروریه : نامهای دیگر آن: یعضید تم نوعی هندباء تا رازی می گوید: «مروریه » نوعی «خَس» است. ت ۱۷۲۸ ـ مریافلون ، مریافلون ، مریافلن : به معنای دو ألف ورفقت نامهای دیگر آن: موزق ، قابطیره ، شعر العجل - جامع گوید «حزنبل» است و طرقیان آن را «حدمانه» خوانند. "

Myriophyllum sp.	مريافلن	طباطبائى

۱۷۲۹ ـ مریاف**لون آخر<sup>ع،</sup> مریافلون بحری<sup>تن</sup>: نامهای دیگر اَن:** ماریون یعنی بحری - سطراطیوطس شاید نیلوفر البِرَک باشد.<sup>س</sup> ۱۷۳۰ ـ مریخ<sup>ع،</sup> مربح<sup>ت</sup>: نام دیگر جوز هندی

۱۷۳۱ - مَرُّیُه <sup>(۱)</sup>: از جنس جنبه و نوعی فوذنج و دارای سه نوع است: ۱ - شهلی با نامهای: فرسیون، فراسیون، اسفیدارا راغیا، شنار، حشیشة الکلاب، شِرْبث، اشکریة، مَرّیة الابیض ۲ - صخری با نامهای: فراسیون، فلوقاریش یعنی شعری، غَرْب، مَریُّه الاسود ۳ - جبلی با نام های: قارة یعنی مفید برای خفقان سودائی، سطاخیس یعنی بیضاء، آلوسن، مریّة ابیض، السمته، نسمة زیرا برای درمان بیماری نسمة بکار میرود، هائجة، حشیشة الکلبزیرا برای گاز گرفتگی سگ مفید است، قَنیره یعنی کلبیة، ساکتة، مُشکتة، الوسن یعنی خواب (گیاه سحری است.)<sup>دن</sup> ۱۷۳۲ –مِزمارُ الراعی ُ، زمارة الراعی ُ، مزمار الراعی ُ، مزمار الراعی ؓ، مزمار الراعی ؓ: عصمی الراعی ؓ - زمارة الراعی ؓ الیسما (Alisma): نام های دیگر آن عبارتست از: مِزمار الرّاعی \_اُذُن الارْنَب \_سنبل الملوک \_جالینوس: دماسّونیون [بن بیطار (در ترجه دیسکورید) ۳ ـ ۱۴۷]

Alisma plantago L.	مِزمار الرّاعي	زر. –طبا.
Alisma plantago L.	اليسما، مِزمارالرّاعي، أذَّنالازنّب	ديسكوريد
Alisma sp.	مِزمار الراعي، مُساس	الموسوعه

۱۷۳۳ - مسافق <sup>تن</sup> : نوعي حي العالم است. <sup>تن</sup> - نام نوع رملي: ظُفْرة - نام نوع صخري: اذن القسيس <sup>تن</sup>

١٧٣٢ –مُسْتَعْجَلُه ، مستعجلة ، بَهَج ، عروق بيض : ؟ غافقي: مستعجله ع

۱۷۳۵ - مسک الارض نن نامهای دیگر آن: مسک جُدّه نن اغرانیون نن

۱۷۳۱ ـ مسک الجن (۱)ع، مسک الجن ، مسک الجن ن الجن ن الجن ن الله اندلسی) نوع کوچک جَعْدة است. ت - «شواصرا» را نيز به اين نام خوانند. ت

۱۷۳۷ - مسک البَرِّ<sup>ن</sup>: **نام دیگر اَن:** مِسْک جُدّه <sup>م</sup>ُّ

۱۷۳۸ - مس غات ": قسمی جُلبان است.

۱۷۳۹ ـ مسواک الراعی<sup>ع،</sup> مسواک الراعی <sup>"</sup>: گویند «زوفا» یا «زوفرا» و «شیطرج» است و این صحیحتر است.<sup>ع"</sup>

Lepidium sp.	مسواک الراعي، عُصاب، شَيْرَج	الموسوعه
	t	

• ۱۷۴ ـ مسواک العباس<sup>ع</sup>، مسواک العباس<sup>ت</sup>: گویند نام «رعْی الأبل» است و همچنین به گیاه معروفی با نام یونانی «بوارس»<sup>ع</sup> یا «بولدین» ّگفته میشود.

١٧٤١ - مشائن: نام ديگر آن: لباله

۱۷۴۲ - مشتان <sup>در</sup>: قسمی قَیْصوم است. نام دیگر آن انبرسول به معنای حمّص است.زیرا سرشاخههائی مشابه حمّص دارد.<sup>در</sup>

۱۷۴۳ -مَشْطَ الغُول ، ملطاة ع: نام هاى ديگر آن: ديشار المندى: كنكهى المسط الغول على المول العول على المنابع المعول المنابع الم

۱۷۴۴ - مِشْكِرامَشْيع ، مشكطرامشير "، ترمشير "، مشكطرامشير ، مشكطرامشير ، مشكطرامشيع (نامى نبطى)، دقطابانون ": قسمى «پودنه جبلى» است. ا - نامهاى ديگر آن: فودنج بستانى ، فودنج برى - طرامشيع " - رومى: ديقطمينون "، دقطاميون "، دقطمن " - شيرازى: ونك ، رتك وقطامين "، مشكطرامشيع زور "، تاليسفيس " - شيرازى: ونك ، رتك وقطامئن (Diktamnon): نام «مشكطرامشيغ» و «فوذنج التيسى» و به لاتينى «بُلايه خُرُبونه» (۲) (Polecervuno) به معناى «غُيرة الأيُل» است و در سه نوع ذكر شده است: نوع اول در فوق ذكر شد، نوع دوم به نام «فشودودِقطامئن» (Pseudodiktamon) به مشكطرامشيع زور» است. معنى «مشكطرامشيع كاذب» است و جالينوس به آن «فسودودِيقطامئن» گويد كه برگردان عربى آن «مشكطرامشيع زور» است. نوع سوم مشهور به «اقريطى» و گياهى بزرگتر از دو نوع قبل با برگ هائى بزرگتر است. [بن يطار (در ترجه ديـكوريد) ٧ - ٥٠]

Origanum dictamnnnus L. Amaracus dictamnus Ben.	طرامشيع	زر. – طبا.
Origanum dictamnnnus L.	مشكطرامشير - مشكطرامشيع (نوع اول)	ديسكوريد
Origanum creticum L.	فسودودقطمنن،مشكطرامشيعكاذب،نوعدوم	
Origanum hirtum Lk.	اقریطی (نوع سوم)	

Mentha aquatica L.	نعنع الماء، حَبَق الماء، فوتنج الماء، فودَنْج الماء،	الموسوعه
	ضَمیران، مشکطرا، مشکطرا مشیرزور	

۱۷۴۵ - مِشْمِش، مشمش، مشمش، مشمش، مشمش، مشمش، تفاح أرمني، تفاح ارمني: (نامي عربي) نامهاي ديگر آن: برقوقوية و رومي: ارمنيافن، ارمنياقن و رومي: ارمنيافن، ارمنياقن و رومي: ارمنياقن، ارمنياقن و رومي: اصاقوا و فارسي: زردالوات، قيصي و تركي: اردك مغرب: مشماش و فاس: نِيْش و به خشك كرده آن «قيسي» و «خوباني» گويند.

ارامانیا (Armenika mela): مشمش ـ تفاح الارمنی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۱]

Prunus armeniaca L.	ارامانيا – مشمش - تفاح الارمني	ديسكوريد
Prunus armeniaca L.	زرد آلومشمش	پارسا
Prunus armeniaca L.	يشيش	ال.، .EN
Armeniaca vulgaris	مشمش	طباطبائى
Prunus armeniaca L.	مشمش	زر خط.
Prunus armeniaca L.	Hendia: Khobani, Zardalu - Panjub: Gurdiu	GLO.IN.

۱۷۴۶ - مَصْطَكَی ، مصطکی ، مصطکی ، مصطکی ، مصطکی ، مصطکی ، مصطکی ، الکیا ، کِیّة ، اراه : نامهای دیگر آن: مُصطککی ، مصطکی ، مصطلحی ، رومی است. ) عربی: علک رومی ، علک الروم - سریانی: کیا است و رومی و سندی کیه ، مصطخی - یونانی: سخینوس - سندی: کیه ، ریباس ، ریباس ، مخلل - کیه - اشبیلی می گوید: دارای دو نوع انطاکی و نبطی است، نوع انطاکی، نوع رومی و سفید و صمغ «ضرو» است و نامهای آن عبارتست از: مشتجی، غرابة، علک الروم، مصطنجی و نوع نبطی سیاه رنگ و معروف به علک است. "

سخينس (Skhinos): شجرة المصطكى

طراغین (Tragion):" ابن جلجل" آن را نوعی «شجرة المصطکی» می داند ولی من ـ ابن بیطار ـ آن را نمی شناسم. [بن بیطار (در ترجد دیکورید) ۱ - ۲۲ و ۴ - ۴۴]

Pistacia lentiscus L.	سخنیس – شجرة مصطکی	ديسكوريد
Hypericum hircinum L.	طراغين	ديسكوريد
Pistacia lentiscus L.	بُطم شرقی، بطم مستکی، ضرو، مُصْطَکاء	الموسوعه
Pistacia chia DC. Pistacia lentiscus L.	مصطکی – الکیا	زرياب
Pistacia lentiscus L.	مصطكى	طباطباثى
Pistacia lentiscus L.	مصطکی	EN.

۱۷۴۷ ـ مُصَع ع، مُصَع ن : از جنس شوک و قسمی زَعرور است ن نامهای دیگر آن: مُشَتَلَیش - غبانستر - انبج - نیاشبرش ابوحنیفة می گوید: میوه درخت «عوسج» است. "غافقی" می گوید: نزد ما در اندلس درای دو نوع جبلی و بستانی است و آن میوهای از نوع خار چون «عوسج» است. ع

۱۷۴۸ – مطرقال (() این نام به معنای «عشبة الحرّ» است و به دو نوع گیاه گفته میشود: ۱ – «قیصوم الصغیر» ۲ –گیاهی با برگهای مشابه فوذنج

النهری، بانامهای: سفردین، اسقردین، طورنه ماطِزس<sup>(۱)</sup> یعنی برطرف کننده بیماری رحم و فتق. ش ۱۷۴۹ -مَض ، مظّ س، مظّ ع، مظّ: (نامی عربی) نام دیگر آن:رمان بری که جلنار<sup>ع</sup> - نام میوه: حب القلقل ک

Punica granatum L.	مظ	زریاب

۱۷۵۰ -مُغاث، مغاث، مغاث، مغاث مغاث (نامی عربی)، عقاودم ، معاذ: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را ریشههای درخت «رمان بری» و عدهای آن را «غقّار هندی» و بعضی «آس بری» میدانند و آن چیزهائی است که از ریشههای «رمّان بری» در مناطق بیت المقدس جمع آوری می شود. در مناطق بیت در مناطق بیت المقدس جمع آوری می شود. در مناطق بیت در م

Glossostemon bruguieri D.C.	مغاث	زریاب
Glossostemon sp.	مُغاث	الموسوعه
Glossostemon bruguieri D.C.	مغاث عجمي	الموسوعه

# ١٧٥١ ـ مغافير ؟: نام هاى ديگر آن: مِغْفَر ؟ ـ مُغْفَر ؟ ـ مِغفار ؟

Acacia oerfota (Forsk.)Sch.	نام صمغ کیاه عُرفُط	الموسوعه

۱۷۵۲ ـ مَغْدَ، مغدّ، مغدّ: "ابوحنیفة" میگوید: نام «لفاح بری» است و گویند نام «باذنجان» است و گروهی پـنداشـتهانـد «کَمْأَة» کوچک است و اولی صحیحتر است قو همچنین به گیاهانی که از درختان بـویژه درخت انگـور بـالا مـی.رود گـفته می شود. ع

Solanum melongena L.	باذنجان – أنّب – مُغْد	الموسوعه

۳ ۱۷۵ ـ مغدود<sup>ع</sup>: نوعی از «کَمأة» کوچک<sup>ع</sup>

١٧٥٤ ـ مُغْزِرة ع، مُغْزِرة نن

۱۷۵۵ – مفرح قلب المحزون : «ترنجان» است و به «بادرنبویه» هم گویند. ت

۱۷۵۶ - مفَصْحة: وجه تسميه: موجب برطرف شدن لكنت زبان مي شود. نام ديگر آن: شالبية "

بذُلِيون (Bdeilion): به معناى «راحة الاسد» و از انواع «مقل الأزرق» است.[بن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١٥٧

Toma matris −\

Cammiphora mukul Engl.	بذليون – راحة الاسد – مقل أزرق	ديسكوريد
Cammiphora mukul Bdellium Engl.	مقل أزرق	پارسا
Cammiphora mulomol Engel.	خاک مقل	پارسا
Balsamodendron africanum Hendelotia africanum	نغل	الم.، .EN
Bdellium indicum	مُقل اليهود	الموسوعه
Hyphaene thebaica Mart. Cammiphora africanum Engl. Balsamodendron africanum Arn. Balsamodendron mukul Hook.	دوم – وقل – مقل	زریاب
Hyphaene thebaica Mart. Balsamodendron africanum Arn.	مقل	طباطبائى
Cammiphora mukul Bdellium Engl.	مقل یهودی	EN.

۱۷۵۸ حمقل مکی ، مفل مکی <sup>۳</sup>، مقل مکی <sup>۳</sup>، مقل مکی <sup>۳</sup>، خِضْلاف<sup>۴</sup>، مقل مکی <sup>۱</sup>: **نام دیگر آن:** میوه دوم <sup>۳۳</sup>

Hyphaene thebaica Mart.	خضلاف – مقل مکی	خطابی

۱۷۵۹ ـ مقلیاتا<sup>ی</sup>، مقلیاتا<sup>ت</sup>: (نامی سریانی) بنا به نظر عدهای نام «حرف» است.<sup>ت</sup>

Nasturtium officinale R.Br.	مقلياثا -حب الرشاد	EN.

۱۷۶۰ -مَکَهارَه ٔ: (نامی هندی) ریشه گیاهی که به هندی «بتال مکهانه» نامیده می شود. ٔ ۱۷۶۱ ـ ملّاح ٔ: نوعی حَمْض ٔ

۱۷۶۲ - ملوح س، ملوخ ، مَلوخ: (شام) نوعى قطف بحرى نامهاى ديگر آن: نبطى: قاقلى س - بصره: ملّاح س \_ اهالى شام: سامر س - العالى شام: سامر س - بعدى اليمون س - ملوخ البطريق س - تليش س - قرنباش - شَقُواص البحر س - قطف بحرى النه على (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ١٣: به وتطف وجوع شود.]

	1	
Atriplex halimus L.	ملوخ	زرياب

۱۷۶۳ - ملوکیه ملوخیه ملوخیه ملوخیه ملوخیه جنسی است از «خبازی» - نوعی «خبازی» است و آن بستانی بود. نامهای دیگر آن: شیرازی: خطمی کوچک - رومی: ایبسقوس - سریانی: ملوخیا - سجزی قدیم:ملک - سجزی جدید: پنیرک ، کُشَیْعاء - بلخ: دبوکی ، ملوخیه - ملوکیه ، خبّازی ، خُبّاز ،

مُلوخی (Molokhe): نام هَای دیگر آن عبارتست از: خُبّازی ـ ملوکیّة [بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۲ ـ ۱۰۳]

Malva rotundifolia Desf.	ملوخی - ملوکیه - خبازی	زرياب
Corchorus olitorius	ملوخيّة	الموسوعه
Malva silvestris L.	ملوکیه - پنیرک - خبازی	زریاب
Corchorus olitorius L.		

Corchorus olitorius L.	ملوخيه	طبا،،.EN
	- J.	

۱۷۹۴ ـ ملونیه <sup>ع</sup>، ملونیا ّ: **نامهای دیگر اَن:** بطیخ الطویل ٔ - مقلونیا ٔ - خربزه دراز ّ - شیرازی: خیار دراز ّ ۱۷۲۵ ـ منثور ٔ: به «خیری» گفته میشود و همچنین به نوعی «خشخاش» با نام یونانی «میقن رُواس». ٔ

Matthiola livida DC.	منٹور بری، شِمْشِم، خِمْخِم	الموسوعه
Cheiranthus sp.	خیری، منثور	الموسوعه
Cheiranthus cheiri L.	خیری، منثور	EN.

# ۱۷۶۶ -مَنْج زَراوَشَان ، منج زراوشان (تخم خیری)": (نامی فارسی) نامهای دیگر آن: عربی: مَنْج " - فارسی: کونک "

Datura metel L.	منج	زرياب
ŧ	 	·

۱۷۶۷ - مُنْسِیة ": نوعی هیوفاریقون - وجه تسمیه: با نوشیدن شربتی از آن عشق زیاد فرد را با ایجاد فراموشی متعادل میکند."
۱۷۶۸ - مَنْشِم "، حب المنشم": دانهای به اندازه فلفل و به رنگ میان زردی و سرخی و بغایت ملس و خوش بوی و زود شکن بود و مغز آن بغایت سفید و معطر است."

Commiphora opobalsamum Engl.	منشم	زرياب
Amyris opobalsamum		

۱۷۲۹ ـ مَنْيَرَة عَ، منيرة مُن: نام ديگر آن: أرجونية ع - ارجمونيه مُن ۱۷۲۹ موس، مين مرن، موع، موع: نام ديگر آن: هندى: مون ميئون (Meon): مو [بن يعاد (در ترجه ديسكوريد) ١ - ٢]

Meum athamanticum Jack.	مو	ز.، ط.، E.
Meum athamanticum Jack.	ميئون – مو	ديسكوريد
Meum athamanticum Jack.	شبت بری، موم، مو	الموسوعه

۱۷۷۱ - مواغُزن <sup>نر</sup>: به معنای عسلی - **نامهای دیگر آن:** هَزجان <sup>نر</sup> ۱۷۷۲ - مورقا<sup>ی</sup>، مورقا<sup>نر</sup>: (نامی اندلسی) **نامهای دیگر آن:** سرزمین بربر: أسمامن <sup>عنر</sup> ـ بعضی از مردم: سنبل بری<sup>۳</sup> برخی گمان میکنند نام «مو» است ولی اینچنین نیست.<sup>۳</sup>

۱۷۷۳ -مَوْز ، مَوْز "، موزع، موزع، موزخ، موزخ، موزخ؛ (نامی عربی) نامهای دیگر آن: عربی: طلح - هندی: کیله

Musa sp.	موز	الموسوعه
Musa sepientum L.		
Musa paradisiaca L.	موز	زر خط.
Musa sepientum L.		
Musa sepientum L.	موز	EN.

۱۷۷۴ –مُوْسِلی': (نامی هندی) ۱۷۷۵ –مُولسَری': (نامی هندی) ۱۷۷۱ ـ مولی<sup>۳</sup>، مولی<sup>ن</sup>: گویند «حَرْمل بری<sub>»</sub> است.<sup>۳</sup>

Arum dracuneculus L.			
Than ancanceans L.	ا مدل	FN	1
	L 33	211.	

۱۷۷۷ -مونج ؛ پوست ني توخالي به نام سركنده است. ا

۱۷۷۸ -مونْدَى : (نامى هندى)

۱۷۷۹ - موؤس<sup>س</sup>: **نامهای دیگر اَن:** هَزُوا<sup>ش</sup> - قونیون<sup>س</sup>

ه ۱۷۸ -مَهْدَ، مُهدَّ: (نام کشمیری) نوعی «عرطنیثا» معروف به «راحة الأسد» که اهالی شام به آن «قیلعی» گویند. ۱۷۸۱ – میبه ":

Pteris radiofa Mett.	مسه	
Acrostichum dichototum Forsk.		زرياب
		ŀ

۱۷۸۲ - مَیْسَن ، میسن ، میسن ، میسن ، مَیس : (نامی عربی) نوعی قَیْقَب است نامهای دیگر آن: مَلبونه ، و نانی: لوسوس ، لطوس سی آبن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵: به داوطرس، رجوع شود.]

Trigonella elatior Sybth.		.1 •
Nymphaea lotus L.	الميسن	زریاب
Trigonella caerulea Ser.		
Nymphaea lotus L	ميسن	طباطبائی
Celtis sp.	1: +	
Nymphaea lotus L.	میس، نشم	الموسوعه
Trigonella caerulea Ser.		
Sorbus torminalis (L.) Crantz		EN.

۱۷۸۳ - میشنای ": نام های دیگر آن: زابلستان: شیرگیا" - بلخ و طخارستان: خیارک بی بر " - خوارزم: ویذویک " ۱۷۸۴ - میعه قد سائله ، میعه میعه تا رنامی عربی ) نام های دیگر آن: عربی: لبنی ا - هندی: سلارس ا ۱۷۸۴ - میعه سائله و میعه یابسه آست. آبوجریح درخت آن را به فرنگی «اسطراکه لیکه» (یعنی نرم) گویند. ادارای دو نوع میعه سائله و میعه یابسه آست. آبوجریح می گوید: میعه صمغی است روان، از گیاهی که در شهرهای روم می روید بدست می آید. میعه دو نوع است: سائله با نام های: عسل اللّبنی " - هندی: سلهارس "، اصطفی "، عسل لبنی " - یابسه با نام های: هندی: سِلهَه "، سِلْهَس "، شیرازی: لحوز " میعه سه جنس است، میعه تر»، و دمیعه خشک و داصطرک " و اصطرک یوعی از ومیعه ی است. "

صَطْقَطي (Stakte): مَيْعَة السائله ـ حنين: دَسِّم الشجر المُرّ [ابن بيطار (در ترجمه ديسكوريد) ١ - ٥١]

Commiphora myrrha Engl.	صطفطی – میعه سائله	ديسكوريد
Styrax officinale L.	ميعه يابسه	
Rosa maialis Desf.	مياه سائله	پارسا
Strax officinale	اصْطُرِک - لَبنی - میعه	الموسوعه

Liquidambar orientalis L.	ميعه سائله	زرياب
Styrax officinale L.	ميعه يابسه	
Liquidambar orientalis L.	ميعه	طبا،، .EN
Styrax officinale L.	ميعه يابسه	

#### ۱۷۸۵ - میکلس":

Convolvulus sepium L.	ميكلس	زرياب
Smilax aspera L.		

۱۷۸۶ - ميلُقص ليا<sup>ش</sup>:

۱۷۸۷ - مین: **نام های دیگر آن:** اثامنطیقون - مین - میون - بیزه - مو - سنبل الاقلیطی - مورانه - موران <sup>س</sup> ۱۷۸۸ - **میواقتنوس <sup>س</sup>: نام دیگر آن: شوک الفَأْرَة** س

Asparagus officinalis L.	ميواقنثوس – شوك الفأرة	زرياب
Asparagus acutifolius L.		

۱۷۸۹ ـ میودیون نام دیگر آن: مادیون ـ برگردان عربی آن «ذنب الأیگل» است. میویزج میویزج میویزج میویزج میویزج میویزج میویزج میویزج المالیدوس اغریات ـ

۱۷۹۰ میویرج ، میویرج ، میویرج ، میویورج ، میویورج و امی فارسی)، ربیب الجبل : نامهای دیخر آن: اسطافیدوس اعریا -حب الراس " - صبیب" - خِروع الاسود" - شیرازی: مویزک " - فاس: حب الراس ع - برگردان عربی آن زبیب الجبلی سنه و زبیب الریفی " است و نام دیگر آن «حب الراسن» است. "صاحب جامع" گوید «حب الراسن» است و این سهو است. "

Delphinum staphisagria L.	ميويزج	ز.، خ.، ط.

#### حرف «ن»

۱۷۹۱ -نارجیل ، نارجیل <sup>۳</sup>، نارجیل <sup>۳</sup>، نارجیل <sup>۱</sup>، نارجیل <sup>۱</sup>، نارجیل <sup>۱</sup>، جوز هندی <sup>۳</sup>، جوز هندی <sup>۱</sup> ، دانج <sup>۱</sup>، نارجیل الله معرب ناریل هندی است. از نامهای دیگر آن: هندی: نالیر ۳ ـ عربی: جوز هندی التنج ۳ ـ فرنگی: کـوکرس انـدیکریس ارنج ۳ ـ جوز الهند - شیرازی: گردو هندی ۳ ـ به هندی تازه آن را «ناریل» و خشک آن را «کهوپره» گویند. ا

Cocos nucifera L.	نارجيل	ز.، <b>ط.، .E</b>
Cocos nucifera L.	نارجيل – نارگيل	پارسا
Cocos nucifera L.	نارجيل معروف، جوز الهند، رانج، شُعصور، حِشْرج	الموسوعه

۱۷۹۲ ِ –نارجیل بحری ؛ نام دیگر آن: فارسی: نارجیل دریائی ا

Lodoicea sechellarum Lab.	نارجیل دریائی -کشکول	پارسا

۱۷۹۳ –ناردین ، ناردین ، ناردین ، ناردین ، ناردین ناردین ناردین ناردین ، ناردین ، ناردین ، به تنهائی

ذکر شود منظور «سنبل هندی» است و هر گاه «ناردین أقلیطی» گفته شود منظور «سنبل أقلیطی» و همان نوع رومی است، و «ناردین أوری» «سنبل جبلی» «أسارون» نیز گفته می شود. آشبیلی می گوید: نام انواع آن عبارتست از: ۱ - ناردین اقلیطی: سنبل الرومی ۲ - ناردین جبلی: ششتره، فو ۳ - ناردین نهری: ساذج ۴ - ناردین صینی: اسارون این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲ و ۷: به «سنبل» رجوع شود.]

Valeriana sp.	سنبل، ناردین	الموسوعه
Valeriana celtica L.	سنبل رومی، ناردین أقلیطی، عُطارد	الموسوعه
Valeriana phu L. Valeriana discordes Sibth.	سنبل الحداثق، سنبل الحداثق، فو	الموسوعه
Valeriana montana L. Valeriana discordes Sibth.	سنبل ناردين الجَبَل	الموسوعه
Valeriana wallichii DC. Valeriana discordis Sibt.	ناردین أزرق، سنبل أرزق	الموسوعه
Valeriana spica Vahl. Valeriana discordes Sibt.	ناردین الطیب، ناردین هندی	الموسوعه
Valeriana officinalis L. Valeriana discordes Sibt.	ناردين مخزني، حشيشة القط، بقلة الهِرَ	الموسوعه
Asarum europaeum L.	ناردین بری – اسارون	الموسوعه
Valeriana celtica L. Valeriana jatamansi DC. Nardostachus jatamansi DC.	ناردین	زریاب
Valeriana celtica L. Valeriana officinalis	ناردین	طباطبائى
Valeriana jatamansi DC.	ناردين	EN.

۱۷۹۴ –نار فارس':؟

۱۷۹۵ -نارقیصر':؟

۱۷۹۶ –نارِکَیْوَا'، نارکیوغ ''، نارکیو<sup>ع</sup>: نامهای دیگر آن:مارکیوا' ؟، خشخاش الاحمر '' ابن بیطار'' میگوید: به «رمّان السعالی» که نوعی «خشخاش» است و همچنین گویند فقط نوع سیاه «خشخاش» مورد نظر است. <sup>ع</sup> – گویند «بزر مرزنجوش» است. ''

Papaver rhoeas L.	ناركيوا	زر. –طبا.

۱۷۹۷ - نارِمِشْک ، نارمشک ، نارمشک ، نارمشک ، نارمشک ، نارمشک ، انار مشک ، ناغبشت . ناغبشت . نامسی و به معنای مسک الرمان ، مشک الرمان است. تقو و در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «جلنار» است و برخی آن را شکوفه و پوست و گلهای درختی مشابه «بسباسة» می دانند و در هند رویش دارد . نامهای دیگر آن: اقداع رمان هندی - سندی: نارغفف ، گلهای درختی مشابه «بسباست ، ناکیست ، ناک

Mesua ferrea L.	نارمشک	خطابى

Punica granatum L.	نارمشک	زر.، .EN
Mesua ferrea L.		
Cinnamomum cassia Boiss.		

# ۱۷۹۸ - نارِنْج ، نارنج ، نارن

Citrus vulgaris Riss.	نفّاش، أبوصُفَيْر، نارنج	الموسوعه
Citrus amara Link.  Citrus aurantium Lou.& Auc.	نارنج	EN;
Citrus amara Link.		
Citrus bigaradia Lois.	نارنج	طباطبائى

١٧٩٩ -ناطف، ناطف "، ناطف": نامهاى ديگر آن:قبيطه، قُبيْطاء "، قُبيْط "

۰ ۱۸ - ناغیشت منامهای دیگر آن: بربری: حسومی مناخرومی منابعضی از مردم: فلفل السودان منافع السود السو

۱۸۰۱ –ناکِسیر ؛ نام دیگر آن: به هندی: ناککسیر

۱۸۰۲ - نانخواه ، نانخواه ، نانخواه ، نانخواه ، نانخة ، نانخة ، نانخة ، ناموس مانیوس : لغت فارسی و به معنای درخواست کننده نان است. تنامهای دیگر آن: فارسی: زینیان ، نغن خوالان ، نانخواه نانخاه ت حربی: کمون ملوکی عننده نان است. تنامهای دیگر آن: فارسی: زینیان ، نغن خوالان ، نانخواه نانخه ت دیسکورید: هندی: اجواین - رومی: امی سن - سریانی: ننوا ، نینیا - سندی: حوان - اندلس: نانخه ت دیسکورید: امیانی ت میرانی: زینان - قومینون انتونیقون یعنی کمون حبشی، کمون الکرمانی، کمون الرطالی - باسلیقون یعنی ملوکی آن ابن یعاد (در ترجه دیسکورید) ۲ - ۱۸۵: به دکون درج شود.

Sison ammi Jac.	زنیان –کمون ملوکی – نانخواه	پارسا
Carum copticum Ben.	نانخواه	 زخ <b>ط</b> .
Ammi copticum Boiss.	,	
Sison ammi Jac.	•	
Trachyspermum copticum Link.		
Ammi copticum Boiss.	نانخواه	EN.
Ammi visnaga Lam.		

۱۸۰۳ - نبق ٔ: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «زهرور» است و عدهای آن را میوه درخت «سدر» میدانند و همین نظر در بین دانشمندان مشهور است.ٔ

Zizyphus spina-chyristi Geor.	نبق	EN.
Zizyphus lotus Lam.		
Rhamnus divaricata Forsk.		

# ۱۸۰۴ - نَبْع "، نبغ د: نام دیگر آن به سجزی «کنار» است. "

		1
Grewia populifolia L.	نبع - کنار	زرياب

۱۸۰۵ - نجاله <sup>در(۱)</sup>: نام دو گیاه، «شیطرج» و گیاه یکساله دیگری است و همچنین به «جوز القطاة» نیز میگویند.

١٨٥٤ -نَرْ تيقُس!

۱۸۰۷ - نرجس، نرجس، نرجس ، نرجس ، نرجس ، نرجس ، نرجس : (معرب نرگس فارسی) نامهای دیگر آن: پیاز نرگس - عبهر - شیرازی: هفت زرده - فاس: بهار - عامه: حنیق زنبق - مؤلف گوید نرجس دارای انواعست یک نوع را «شاه نرجس» و یک نوع را «نافوری» و یک نوع را «بهاری» گویند. ت

Narcissus tazzeta L.	نرگس	پارسا
Narcissus sp.	نرجس	ال.، .EN
Narcissus poeticus	نرجس	خطابی

۱۸۰۸ -نَرُوک، نروک :(نامی فارسی)

۱۸۰۹ –نسرین ، نسرین <sup>۳</sup>، نسرین <sup>۳</sup>، نسرین <sup>۳</sup>، نسرین <sup>۱</sup>، نسرین ان نامهای دیگر آن: عربی: ورد صینی – فارسی: گل مشکین ، گل عنبرین ا – اصفهانی: مشکین جه ا – هندی: تیونی ا – نسترن گل آ (بن یطار (در ترجمه دیسکوریه) ۱ - ۱۸: به اعلی، دجوع شود.]

Narcissus jonquilla L.	گل مشگی -گل عنبری - نسرین	پارسا
Rosa moschata Herrn. Rosa canina L.	نسرين	زر خط.
Rosa canina	نسرین، جُلنسرین، ورد بری، ورد السِیاح	الموسوعه
Rosa canina	نسرين	EN.

ه ۱۸۱ - نَشَمَّ، نشمَّ : نام دیگر آن: حور ( - "غسانی" میگوید: پزشکان در مورد ماهیت آن اختلاف دارند برخی آن را «جوز» و عده ای «دلب» و گروهی «دردار» و بعضی «صفصاف» می دانند و همگی از انواع «نَشَم» است و لکن آنجه با این نام شناخته شده است «جوز الابیض» است. أنجه با این نام یونانی: بطیالایا ۳ - «جوز الابیض» است. أشبیلی میگوید: دارای انواعی است که عبارتست از: ۱ - نوع سفید: ضبر ۲ - نوع دیگر سفید با نام یونانی: بطیالایا ۳ - نوع سیاه با نام یونانی: بطیالایا و لورقی و نام شامی: دردار و نامهای: شجر البیّق، شخ ۴ - شجر المیس: قَیْقَب، یونانی: اخردس، سریانی: المیس، عجمی: بُخْشش، شجر الدردار، شجر الصفصاف، شجر الفندک (

Grewia bicolor Juss.	نشم	خطابی
	\ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \	

۱۸۱۱ - نمشک: (نهشک) بنا به نقل کتاب کافی نام «جزر بری» است که زنان بعنوان روغن از آن استفاده می کنند ولی نزد ما «جزر بری» نیس**ت** و گیاهی هندی به رنگ یاقوت است که بویژه در مسافرت ها مصرف خوراکی دارد.<sup>نن</sup>

۱۸۱۲ ـ نضار<sup>۳</sup>، نضار<sup>۳</sup>: "ابو عبید بکری" میگوید: به درخت «أثل<sup>ّ</sup>»که در کوهها روئیده شود «نُضار» و در مکانهای غیر کوهستانی «أثل<sub>»</sub> گویند. <sup>عصر</sup>

۱۸۱۳ –نَغْنَع'، نعنع''، نعنع''، نعنع'، حشرما(نامی سریانی)''، هیزارما'': نامهای دیگر آن:نعناع' – یونانی: مشی، مثنی ''، منثی''، به معنای خوشبو، مینزارما'' – فارسی: هزارپا'، بوذنه''' – شیرازی: راقوته''' – رومی: هـوذاسـمون'' اوراسیمون''، ایذووسمون''' –سریانی: رقوثا''، ننعا''، هیوازما''

ایڈیاشئن (Hedusmon): نام گیاه «نعنع» است و آن گیاه معروفی است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۲ ر ۹۳]

Mentha piperita Smith.  Mentha sativa L.	نعنع	ز.،ط.،.E
Mentha piperita Smith.	ايدياسمن - نعنع	ديسكوريد
Mentha sp.	نعنع، نُعْنُع، نَعْناع	الموسوعه
Mentha sp.	نعنع	خطابی
Mentha piperita Smith.	نعنع فلفل	خطابی
Mentha sativa L.	نمام	خطابی
Mentha aquatica L.	نعنع البري - نعنع الماثي	خطابی

Trifolium sp.	نفَل، شبدر	الموسوعه
Trifolium melilotus-indica L.	نفل	طباطبائى
Medicago ciliaris Hook.  Medicago intertexta L.  Trifolium melilotus indica L.	نفل	زرياب
Medicago ciliaris Hook.  Medicago hispida Gaertn.  Medicago littoralis Rhod.  Medicago sativa L.	نفل	خطابی

۱۸۱۵ -نِکاچونی ُ: (نامی هندی) ۱۸۱۶ - نلک ٔ ، نُلْک ُ: به درخت «زعرور» و همچنین به درخت «دبّ» گویند. ٔ

Prunus divaricata Led.	نلک	زرياب
Crataegus azarolus L.	نِلک، زعرور عادی	الموسوعه

## : ا ۱۸ منام

Thymus glaber	سَعْتر أَمْرَط، سَيْسَنْبُر، نَمَام، نَمَام المَلَك، زُبَيْزَبَة	الموسوعه
Thymus glaber	ئمام	طباطبائى
Thymus serpyllum L.	·	

۱۸۱۸ -نوارِس، نوارس، نوارس (نامي يوناني)، عصب نامهاي ديگر آن: عربي: شجرة القـدس، مسـواک

العباس مسواک المسیح و برخی از مردم آن را به نامی و «سواک عباسی» نامیده اند و در روم «سواک المسیح» نام دارد. - "رازی" میگوید: نام «شجرة العرس» و برخی «سواک عباس» و «سواک عباسی» نامیده اند و در روم «سواک المسیح» نام دارد. - "رازی" میگوید: نام دیگر آن «شجرة العصب» است. -

Astragalus arnacantha	أسطراغالوس نوارس، نوارس، شجرة القدس، عَصْب	الم.

۱۸۱۹ - نُوَیْفِع: نامهای دیگر آن: دوقس، امشخسر یعنی باطل کننده سحر<sup>ش</sup>

١٨٢٥ -نَهُما ، نهمه: (نامي نبطي)

١٨٢١ -نيطافَلي ؛

۱۸۲۲ - نیفاطوس":

اساطیس اغریا: نیل بری [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۵ و ۱۲۸]

Isatis tinctoria L.	نيل	خطابى
Isatis tinctoria L.	نيل - نيلج - طين الاخضر - عين الاخضر	ديسكوريد
Indigofera sp.	نيل -نيلنَج - حِلَّة	الموسوعه
Indigofera tinctoria L.	- نيل – وسمه	زرياب
Indigofera tinctoria L.	نيل	طباطبائى
Syringa sp.	لَيْلَک، لِيْلَج، نِيْلَج	الموسوعه
Ipomoea hedracea Ja.	حب النيل - قرطم هندي	زرياب

نيمفا(Numphaia): لينوفر \_ نوفَر \_ عروس الماء \_ قاتل النحل [ابن يبطار (در ترجمه ديسكوريد) ۴ \_ ٩٧]

Nymphaea lotus L. Nuphar luteum L. Nymphaea lutea L. Nymphaea alba L.	نيلوفر	زر طبا
ازرد Nymphaea lutea L. ازرد الاستفيد Nuphar alba L. ازرق Nymphaea coerulea L. ازرق Nymphaea alba L.	نيمفا -لينوفر -نوفر -عروسالماء -قاتلالنحل	ديسكوريد
Nymphaea sp.	نَيْلُوفُر، نَيْنُوفُر، بَشْنِين	الموسوعه
Nymphaea alba	نَيْلوفر أبيض، بشنين أبيض، عرايس النيل، حشيشة السَمَك	الموسوعه
Nymphaea coerulea L.	نَيْلُوفَر أَزرَق، بشنين أَزرَق، كُرْنب الماء	الموسوعه
Nymphaea flava Leitner	نَيْلُوفَر أَصفر	الموسوعه
Nymphaea lotus L.	نَيْلوفَر العروس، بشنين عربي، لُوطُس	الموسوعه
Nymphaea indica	نَيْلوفَر هندى، أوسيد	الموسوعه
Nymphaea sp.	نيلوفر	خطابی

#### حرف «و»

۱۸۲۵ - وَج ، وج ، وج ، وج ، وج ، وج ، عودالوج ، وج ، قوث : نامهای دیگر آن:الوج ا - یونانی: اقورون ت ، اقارون ت - فارسی: اگیر ترکی ، وَوْ ، وریژک ، افریژ ت - هندی: بچه ا - رومی: اقیرون ت - سریانی: وَصْ ت - دارای سه نوع است نوع است نوع سدی و دو نوع اندلسی و آن ریشه درخت «اقارون»است و گویند ریشه درخت «سوسن ازرق» است. غ

Calamus aromaticus	اگیر ترکی	پارسا
Calamus asiaticus	נج	پارسا
Acorus calamus L. Acorus aromaticus Gilib.	وجَ، قصب الذريرة، عِرق أكور، عود وج، أيكِر	الموسوعه
Ulmus minor Mill. Iris pseudacorus L.	رج	طباخطا.
Acorus calamus L. Iris pseudacorus L.	رج	زرياب
Acorus calamus L.	Hendia & bengal: Bach - Bombay: Vaj - Telgu: Vadaja	GLO.IN.

۱۸۲۷ ـ وَخشیزقَ، وخشیزج ؓ: نام گیاه از نظر غافقی: حشیشة الخراسانیة ؓ ۱۸۲۷ – وَدْع ؓ: نامهای دیگر اَن: هندی: کوری ؓ، کفرجک ؓ، کج ؓ – سجزی: دندان جانان ؓ

Cypraea moneta L.	ودع	زر طبا.

۱۸۲۸ -وَرْدَ، ورد، وردَّ، وردَّ، وردَّ، وردَّ، بزر الورد ، حرحم (ورد احمر) ": نام های دیگر آن: رومی: انٹوس " - سریانی: وردا " – دارای انواعی است: احمر، ابیض، اصفر، موجّه، احمرالمضاعف الکثیر الورق، ذو خمسة اوراق به نام طیّار " بهترین نوع آنست که از گل فارسی گیرند." - دارای انواع مختلفی است:ورد احمر بستانی ٔ -ورد ابیض بری ٔ -نام ورد احمر بری: گلدرخت دلیک ٔ -نام ورد احمر بستانی: گل سرخ ٔ

نام ورد اصفر بری: نسرین زرد بری ٔ –نام ورد اصفر بستانی: نسرین زرد بستانی ٔ – نام ورد الحَماق: ورد العجار ٔ – فارسی: گل رعنای زیبا ٔ – شیرازی: گل قحبه ٔ – نامهای ورد موجّه: رومی: ططریوغنون ٔ – سریانی: وردالصیاری ٔ – فارسی: گل روسیجه ٔ و وردالصیاری ٔ سریانی:

تُونْس باطُس (Kunosbatos): برگردان عربی آن «عُلَّیْق الکلْب» است زیرا «قانس» به یونانی یعنی «کلب» (سگ) و «باطس» یعنی «علیق» و اهالی مغرب به آن «نسرین» گویند و به «ورد بری» مشهور است و نـام بـربری آن «ادْمـام» و نـام لاتـینی آن «سنلتجی» است و جالینوس نام آن را در مقاله هفتم خود یادآور شده است.[بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۱ - ۱۹

رُوْدَا (Rhoda): در بعضی از نسخه ها ه جَرُّوذا» گفته شده و آن نام \_یونانی \_ «وَرْد» یا همان «جُلّ» که ریشه واژه معرب شده آن فارسی است می باشد و به نوع سرخ آن «حَوْجَم» و به نوع سفید آن «وَتیرًا» گویند و جالینوس آن را در مقاله هشتم خود یادآور شده است. (بن پیطار (در ترجیه دیسکورید) ۱ - ۱۰۱

Rosa sp.	جُلّ، ورد	الموسوعه
Rosa damascena L.		
Rosa sp.	ورد	خطابی
Rosa canina L.	قونس باطس – ورد بری – نسرین	
Rosa Tourn.	روذا	دیسکورید دیسکورید
Rosa gallica L.	حوجم - ورد احمر	
Rosa alba L.	وتير - ورد ابيض	
Rosa centifolia L.	ورد	 زریاب
Rosa damascena L.		
Rosa gallica	ورد	طباطبائی
Rosa damascena L.		0
Rosa alba L.	Hendia: Gulab - Bengal: Swet glub	GLO.IN.
	Bombay: Gul - Panjub: Gulseoti	
Rosa centifolia L.	Hendia: Gulab - Bengal: Glub Phul	GLO.IN.
	Bombay: Gul - Telugu: Gulab	
Rosa damascena Mill.	Hendia: Gulab Ûe phul - Bengal: Glub Phul	GLO.IN.
	Telugu: Gulab	
Rosa gallica L.	Hendia & Bengal: Glub	GLO.IN.
Rosa cinensis Jac. Syn: R. indica L.	Bengal:Kat glub - Panjub: Sada gulab	GLO.IN.

#### ۱۸۲۹ - وردالحبُّ ۳:

Ranunculus asiaticus L.	ورد الحب	زر. – طبا.
<u> </u>	<u></u>	

•۱۸۳ - ورد الحمار ، ورد الحمار ، ورد الحمار : نام های دیگر آن: رازی: بهار ت ـ ابن ماسویة: ورد الفُجّار ت ـ کل قبحه [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۱۳۵: به وفاوانیاه و وعودالصلیب، رجوع شود.]

Nerium oleander L.	ورد الحمار	طباطبائى

Buphthalmum speciosissimum Ard. Telekia speciosissimum DC.	رَبُد نَتِن، ورد الحمار	الموسوعه
Paeonia officinalis L. Paeonia corallina Ret. Paeonia wittmanniana Hart. Althaea rosea Cavan. Anthemis arvensis L.	ورد الحمار	زریاب

۱۸۳۱ ـ ورد الحمير علمه اندلس نوع نر آن را «فاونيا» گويند. ع

۱۸۳۲ – ورد الحمه ": نوع كل سرخ آن «القون» است. "

۱۸۳۳ - ورد منتن : نوعي عود الصليب

۱۸۳۴ –وَرْس ٔ، ورس ؓ، ورس ؓ، ورس ؓ، ورس ؓ، ورس ؓ: نامهای دیگر اَن: بادره، نَدی ؓ – سریانی: ورشا ؓ، حـص ؓ، قندیز ؓ ـ حجر البقر ؓ – ّابن ماسویه ٔ میگوید: از شهرهای یمن آورده میشود و به رنگ سرخ سیر است، بر روی پوست گیاهی که در یمن میروید، پدیدار گشته گرد آوری میشود. همانند زعفران نرم و سائیده شده است. ٔ

Flemmigia rhodocarpo Bak.	<b>פ</b> رس	زریاب
Mallotus philippinensis Mill.		
Rottlera tinctoria Rox.		
Memecylon tinctoria Wil.		
Memecylon edule Rox.		
Reseda luteola L.	ورث	پارسا
Memecylon tinctorium L.	ورس	الموسوعه

# ۱۸۳۵ ـ ورطوری ، ورطوری : نام دیگر آن: یونانی: سطاخیس عملی

Stachys germanica L.	سطاقِس جِرمانی، قارَة، وَرْطوَره	الموسوعه
Stachys sp.	سطاقِس، سطاخیس	الموسوعه

۱۸۳۶ –َوَشْیج ُ، وسیح ُ: نام دیگر آن: فارسی :لیمودار ٔ امّونیاقُن (Ammoniakon): اَشَقَ ـ وُشَق ـ اُشّج ـ وَشّج ـ لاتینی: الغَنّه (Guta) لِزاق الذَّهَب ـ نام مشترکی است. ـ [بن یطار (در ترجمه دسکرید) ۳ ـ ۲۷]

Dorema ammoniacum Don.	امونياقن - اشق - وشج	ديسكوريد
Heliconia sp.	وَشْيج، هَليكونيا	الموسوعه

۱۸۳۷ ـ وَطْمَّ: نام ریشه به بربری: أوَطمو

۱۸۳۹ - وقواق شنز (نامی هندی)

# ۱۸۴ - ونجهک : نامهای دیگر آن: شریف أدریسی: بربری: عشبة قبری : حرف (۵)

۱۸۴۱ -هارْسَنْکَهار': (نامی هندی) هار به معنای گردن بندی از گل و سنکهار زینت و آرایش را گویند. ۱۸۴۲ -هاسیمونا'، هاسیمونیا": (نامی نبطی) ۱۸۴۳ - هال بوا"، هال "، هال "، هیدبوا"، هیل بوا"، خیر بوا"، شمین "، هال ": نامهای دیگر آن: خیربوا" - هیل بوا"، هیل وهال " - سریانی: شوشمانیا" - هندی: شمشیر"، شوقشمیر"، هیل"، شسمیرون " ـ قاقلة صغیرة " قاتله صغار "

Elettaria cardamomum Whi. & Mat. Amomun melegueta Ros.	هال بوا	زر. – طبا.
Elettaria cardamomum Whi. & Mat.	هال صغير، قاقلة صغيرة، حَبْهان	زرياب
Amomun sp.	هال، هيل، هيلبُوا، قاقُلَّة، شَوْشَمَة، شَوْشَمير	الموسوعه
Amomun granum-paradisi L.	هال، هيل، هيلبُوا، قاقلَّة، شَوْشَمَة، شَوْشَمير	طباطبائى

۱۸۴۴ ـ هُذيْلة ع: (نامي اندلسي)

۱۸۴۵ - هرانیه "، هرنوه ": نامهای دیگر آن: فارسی: هُره "، هرنوه " - قرنوه " - میوه درخت عود "

Apera spica-venti L.	هَرْنُوی، هَرْنُوَة	الموسوعه

۱۸۴۶ -هُرْطَمانَ، هرطمانَ ": نوعی از حبوب - نامهای دیگر آن: بطیقی "، بلورا" - شام: بهاسلواواکرا" - شــام و مصر: حشیش الدّوابّ " [بن بیطار (در ترجیه دیسکوریه) ۲ - ۷۹: به ،قرطمان، رجوع شود.]

Avena sativa L.	هرطمان	زر. –طبا.
Avena sativa	خَرْطال زراعی، شوفان زراعی، قُرْطُمان	الموسوعه

۱۸۴۷ - هرقیلوس "، هرفلوس<sup>ع</sup>، هرقلوس": نوعی هندباء بری " - نام های دیگر آن: بقلة الیهودیه " - خسّ الحمار"، (هرقلوه) بعضی گویند نوعی از سنجار و بقلة الیهودیه است. " ابن بیطار" می گوید: برخی آن را «بقلة الیهودیه» نامیدهاند و بعضی آن را نامی برای «خسّ الحمار» می دانند و آن نوعی «هندباء بری» است و بر خلاف پندار برخی از مترجمان از انواع «سنجار» نیست و آن را به یونانی «صَنْخیس» و به بربری «تفاف» می نامند. " اسحاق بن عمران" می گوید: از آنجا که به شکل فلفل کوچک است به آن «فُلیفلة» گویند.

صُنْخیس (Sonkhos): نوعی «هندباء بری» با برگهای خار دارست و به بربری به آن «هَرْقَلوس» گویند و عـوام آن را «خس الحمار» نامند. "ابو عباس اشبیلی" آن را «اسفناج» دانسته در صورتیکه صحیح نیست. [بن یـطار (درترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵]

Taraxacum officinale Wigg. Lithospermum officinale L.	هرقيلوس - خس الحمار	زرياب
Sonchus oleraceus L. Lithospermum officinale L.	صنحبس - هرقلوس - حس الحمار	ديسكوريد

١٨٤٨ - هرنوه "، هرنوة ع، هرنوه أ: نام هاى ديگر آن: هندى: تَمِرٌ " - فاغرة الهنديه " ـ شجرة العود" - فليفلة ع

Capsicum minimum Rox.	هرنوه	زرياب
Aloexylon agallochum Lour.		
Vitex agnus castus L.		
Aloexylon agallochum Lour.	هرنوه	خطابی

۱۸۴۹ - هَرْنُونْد ": دانهای است از «پلپل» کمتر، بویش بوی «عود» است.

۱۸۵۰ – هزارگشان "، هزار بحشان "، هزار جشان به هزار جشان به هزار جشان تا (نامی فارسی) به معنای ألف ذراع به سامهای دیگر آن: هزارجشان " – رومی: کلیلوطین " – به سریانی «الفشرا»، «فاشرا» و «فاشرستین» را گویند. " [ابن بیطار (در ترجیه دیسکرید) ۲ - ۷۷]

Bryonia dioica Jac.	هزارگشان - هزارجشان	 زر <b>یاب</b>
Bryonia alba L.		
Tamus sp.	فاشرشین، ششبیدار، هزارجَشان	الموسوعه
Bryonia alba L.	فاشرا - هزارجشان	پارسا
Bryonia alba L.	هزارجشان	طباطبائی

## ۱۸۵۱ - هشت دهان مشت دهان و بشه خیرو

Althaea officinalis L.	هشت دهان	زرياب

۱۸۵۲ حمَّلْیون'، مَلِیون ، هلیون ، هلیون ، هلیون (نامی رومی)، یرامع ، بزر الهلیون ، مارجوبه ، مارجوبه : نامهای دیگر آن: مارجوبه ، مارجوبه ، مارکیا - هلیوس – سریانی: اذوس – عربی: خشب الحیه ا فارسی: مارچوبه س – دیگر آن: مارجوبه ، مارکیا - هلیوس س – سریانی: اذوس س – عربی: خشب الحیه اسلام ناصل اسلام المغرب و اندلس: أسفراغس – فاس: سکوم الله مغرب و اندلس: أسفراغوس ، اسپاراغوس سکوم س سکوم الله مغیون دشتی: لسباراغوس ، اسپاراغوس س

اسْفاراغُش بَطْراوُس (Asparagos petraios): به معنای صخری است و نام دیگر آن «هِـلیُـون» است و اهـالی مـغرب بـه آن «اسفراج» گویند.[بن بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۲ ـ ۱۰۹]

Asparagus officinalis L.	هليون	ز.،خ.،ط.،.E
Asparagus officinalis L.	اسفاراغش بطراوس -اسفراخ -هليون	ديسكوريد
Asparagus adscendens Roub.	مارچوبه	پارسا
Asparagus officinalis L.	هليون	پارسا
Asparagus sp.	هِليون، هَليون	الموسوعه
Asparagus officinalis L.	هليون معروف، ضُغْبوس، يَرمَع	الموسوعه

 می گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بری را «بقریس» و «قیخوریون» گویند. "حامد بن سمجون" می گوید: نوع بستانی خود دارای دو نوع است، نوعی را «أمیرون» می نامیم و نوع دیگر با نام رومی «أنطویا» و معروف به «هندباء شامی» و «هندباء هاشمی» است و به عجمی «سرالیة» نام دارد و پنداشته اند «طرخشقون» است. "غافقی" می گوید: «طرخشقون» نوع اول از انواع بری «هندبا» است و دو نوع دیگر آن با نام «یعضید» و نام یونانی «خندریلی» است. "

سارِسَ (Seris): نام های دیگر آن عبارتست از: هندباء البستانی ــ عامه اندلس به لاتینی: شرالیه (Sarralia)، انطوینا (Intubos) [بن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ ـ ۱۱۵ و ۱۱۲]

Cichorium endivia L. Cichorium intybus L.	هندباء	ز.، خ.، ط.
Cichorium endivia L. Cichorium intybus L.	<u>ه</u> ِنْدَباء	الموسوعه
Cichorium endivia L.	Bengal: Kassin - Bombay & Hendia: Kasini - Tamil: Kashini	GLO.IN.

۱۸۵۴ -هندبای بری ، طلخشقوق ": نامهای دیگر آن:طرخشوق ٔ - بقلة الیهود ٔ - طرشقوق ٔ - خُواءالبقر ٔ - خ خاروه ٔ -گاودر ٔ - فارسی: تالکن ٔ - هندی: کلی قیسوس ، بهطل کطی ٔ ابومعاذ «طرشقوق»، «امروسیا»، «مُرار» را جزء «هندباء بری» می داند. ٔ

خَنْدَریلی (Khondrile):هندباء بری ـ عجمیت اندلس: امیرون (Amarus) ـ لاتینی عامه: شرّالیةالحمار ـ مصر: یعضید[بن بیطار (در ترجمه دیسکوریه) ۲ - ۲۱۱]

Taraxacum officinale Will.	طلخشقوق	زریاب
Chondrilla juncea L.	خندریلی - هندباء بری	ديسكوريد
Chichorium intybus L.	هندباء برية، هِنْدباء مُرَّة، شيكوريّة	الموسوعه
Chichorium intybus L.	Hendia & Bengal: Kasni - Tamil: Kashni Telugu: Kasini	GLO.IN.

۱۸۵۵ -هـوفاريقون اميوفاريقون مهيوفاريقون مسوفاريقون مهيوفاريقون ميوفاريقون ميوفاريقون ميوفاريقون افاريقون الماديقون معرب اوفاريقون المومى مستخ اوفاريقن المومى مستخ المومى الماديقون الما

اوفاریقون (Huperikon): هیوفاریقون ـ نام گیاه در کتاب حنین: ذاذی الرومی ـ به عـجمیت انـدلس «یُـرْبَه قَـرَجیُره» (Yerba (مُنسِیّه» گویند. (corazonera) به معنای «عشبة القلب» است زیرا دارای دانه صنوبری شکل مشابه قلب است و عامه بلاد ما به آن «مُنسِیّه» گویند. اسقیرن (Askuron): نوع دوم افاریقون. اندروسامُن (Androsaimon): بزرگترین نوع هوفاریقون. قورِس (Koris): نـوع چـهارم هوفاریقون ـ جالینوس: اندروساقس ابن یـعار (در ترجمه دیسکورید) ۳ ـ ۱۹۹ و ۱۵۱ و ۱۵۷

Hypericum barbatum L.	اوفاریقون، هیوفاریقون، ذاذیالرومی	ديسكوريد
Hypericum peforatum L.	اسقيرن -نوع دوم افاريقون	ديسكوريد
Hypericum ciliatum L.	اندروسائن بزرگترین نوع هوفاریقون	ديسكوريد
Hypericum coris L.	قورِس، نوع چهارم هوفاريقون،اندروساقس	ديسكوريد

Hypericum sp.	داذی - هیوفاریقون - أوفاریقون	الموسوعه
Hypericum peforatum L.	علف چاي - هوفاريقون	پارسا
Hypericum peforatum L.	<u> هوفاريقون</u>	طبا. – خطا.

۱۸۵۶ –هوم : (نامی ترکی)

۱۸۵۷ -هوم المَجوس، هوم المجوس، هوم المجوس (نامي عربي)، مرانيه : نام هاي ديگر آن: هوم الهرايده -مراتيا؟؟ - سغدي: خوم " - سرياني: عرزادمغوشي " - افتاب پرست " - هويغون "

گویند درختی است که در حوالی فارس می روید مانند درخت «یاسمین» و مجوس ویرا در وقت زمزمه استعمال میکنند و شکوفه آن به «مشکطرامشیع» ماند. ت

Morettia conescens Bois.	هوم المجوس	زرياب
Ephedra vulgaris Rich.	, ,	

# ۱۸۵۸ - هَیْشُر س، هیشر ، هیشر : (نامی عربی) نام دیگر آن: کنکر بری ع

Cynara cardunculus L. Cynara syriacus Gaer.	هيشر	زرياب
Cynara sp. Cynara syriacus Gaer.	هَيْشُر، حَرشُف، قَردون	الموسوعه

۱۸۵۹ ـ هیوقسطیداس<sup>ع</sup>، هوفسطیداس<sup>۳</sup>، هیوقُستیداس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: عصی الراعی - برخی پنداشتهاند نام عصاره «لحیة التیس» است. عصاره «طراثیث» است و گویند نام خود «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است و گویند نام خود «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است و گویند نام خود «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است و گویند نام خود «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است و گویند نام خود «طراثیث» است. عصاره «طراثیث» است

Cytisus hypocistis L.	هوفسطيداس	طباخطا.
Cynara syriacus Gaer.	·	

#### حرف «ی»

۱۸۶۰ - یاسَمین'، یاسمین "، یاسمین ، یاسمین ، یاسمین ، یاسمین "، یاسمین "، سجلاط" سجلاط": نامهای دیگر آن:یاسمون'، سجلات ' - شیرازی: گلهاشم'، کل یاسم - هندی: چنپیلی ' - سمسق " - سِجِلّات "

Jasminum officinale L.	ياسمين	پارسا
Jasminum sp.	ياسمون، ياسمين	الموسوعه
Jasminum officinale L.	ياسمين أبيض، ياسمين مخزني، ياسمين معروفياسمين	الموسوعه
Jasminum officinale L. Jasminum smbac Ait.	ياسمين	زریاب
Jasminum gradiflorum officinal	ياسمين	خطابی

۱۸۶۱ - یَبْروح الصَّنَم ، یبروح ، یبروح ، یبروح ، یبروح ، یبروح ، یبروح ، تفاح الجن ، مَنْدغوره ، مندغوره : ریشه لفاح بری است ا - نام های دیگر آن: مهرگیاه ، سککن ا یبروح = مندغوره و تفاح الجن » نام «لفّاح» یا نام میوه «ببروح» است - این گیاه را بخاطر شباهتش به گیاه «خس» «خسی» گویند و نزد عوام به «لفّاح» مشهور است و ریشه آن «یبروح» و میوهاش «لفاح» نام دارد نام های دیگر آن: سریانی: یبروحی ت - فارسی: سابیزک ت - یونانی: افطیمس ، موقولن ، درقیانا ا - نوع نر آن: موریون به ریشه لفاح «یمرو» گویند و به معنای «دارای دو صورت» است زیرا هنگامی که ریشه به دو نیمه می شود دو صورت مشابه صورت زن ومرد در آن آشکار می شود، «یم» به معنای هر چیز زوج و «رو» به معنای صورت است و ینم یبروح را «منداغورس» گویند و آن بیخ «لفاح بری» است ریشه یبروح را «منداغورس» گویند و آن بیخ «لفاح بری» است و مؤلف گوید در حدود گرمسیر شیراز نزدیک قلعه شهریاری میباشد. «ببروح» در جنس است، هندی و نبطی، هندی را «ببروح الصنم» گویند و نبطی هنای مشابه گیاه گویند و نبطی را «اصل السر». «یبروح» دارای دو نوع است نوعی ماده با رنگ سیاه معروف به «خسی» زیرا برگ هائی مشابه گیاه «خس» (کاهو) دارد...نام آن «لفّاح» است. نوع دیگر معروف به نر و سفید رنگ با نام «موریون» است. آلبن بیطار (در ترجمه «خس» (کاهو) دارد...نام آن «لفّاح» است. نوع دیگر معروف به نر و سفید رنگ با نام «موریون» است. این بیطار (در ترجمه دیسکرید) ۴ - ۱۹: به دفتری رجوع شود.]

Mandragora officinarum L.	يبروح مخزنى	ديسكوريد
Mandragora officinarum = Atropa mandragora	مهرگیاه – یبروح الصنم	پارسا
Mandragora officinarum L.	يبروح	ط.،خ.،.EN

# ١٨٤٢ - يبيقية ":

۱۸۶۳ - یتوع ، یتوع سی بتوع سی یتوع میتوع سیتوع نامهای دیگر آن: رومی: توتاملون سی فارسی: اسفیدکشیر سی ونانی: خارقیاس سی است. انشی : مرسلیطس سی (به معنای مشابه اس) اسم جنس گیاهان شیر به دار است. سی دارای انواعی است: نام نوعی: نواصیر سی سی نام نوعی: سروی سی است: نام نوعی: نواصیر سی سی نام نوعی: سروی سی نام نوعی به یونانی: فودیاسایس سی نوعی: بارلیوس سی جنین کفتند که هفت گونه است و او «مازریون» است و «عشر» و «دیودار» و «لاغیه» و «شیرانجیر» و «تریاق نبطی» و دگر «ماهودانه سی گویند نام دیگر آن «ینبوع» است و این نامگذاری مناسبی است زیرا هنگامی که شاخه ای از آن قطع می شود شیرابه ای از آن خارج می شود «تَبَع منها لَبَن» غ

Euphorbia sp.	يتوع	ز.،ط.،خ.،.E
Euphorbia sibthorpii Boiss.	خارقياس	زرياب
Euphorbia myrsinites L.	مرسيليطس	زرياب
Euphorbia paralias L.	سروی و قوفارسیاس	زرياب
Euphorbia helioscopia L.	ايلقونيوس	زرياب
Euphorbia sp.	فربيون، يَتُوع، تاكوت، عُنْجُد	الموسوعه

۱۸٦۴ ـ يربطورة ع، يَرْبَطورة: (نامى لاتينى) از انواع «كَلخ» و از جنس «هدبات» و داراى گل آذين چتر است. <sup>ع</sup> نام ديگر آن «كلخ الصغير» ع و به يونانى فوقادائن عاست.

		r
Peucedanum ammoniacum	يربطورة	خطابی

۱۸۲۵ ـ یربه شانه <sup>۳</sup>: نامی به عجمی اندلسی به معنای «عشبة الصحیحة»

۱۸۶۶ - یعضید س، یعضید ، یعضید ، طرخشوق نن نوعی جنبه و قسمی هندباء بری **نام های دیگر آن: یونانی: خندریلی ع<sup>ید</sup> امیرون** -

طرخشقون - بلحشکوک - لخینس - شرّالیه اَشْنُش - یعضید<sup>ش</sup> [بن یماد (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۷۷: به رهندبای رجرع شود.]

Chondrilla juncea L.	يعضيد	زرياب
Leontodon sp.	يَغْضيض، يعضيد	الموسوعه

۱۸۶۷ -- يَنْبُوت ، ينبوت ، ينبوت ، شوكة شهباء ، ينبوت ، ينبوت .

نام «خرنوب نبطی» است. آ - نامهای دیگر آن: شجرالخرنوب م - فارسی: زنکورج م ـ اهالی شام: خرنوب المِعزی - دانه: حب الکلی آ ابو حنیفة می گوید: دارای دو نوع است، نوعی با خارهای کوچک به نام «خرنوب نبطی» ـ میوه آن را «فُش» گویند. عنی از این دو بزرگ و دیگری کوچک است در مورد ماهیت نوع گویند. ت غسانی می گوید. این نام به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی از این دو بزرگ و دیگری کوچک است در مورد ماهیت نوع بزرگ اختلاف است برخی آن را «سرو» و بعضی «خروب العریض» و برخی «شجر الارز» می دانند و همگی اشتباه است... در مورد نوع کوچک نیز اختلاف نظر است برخی آن را «عوسج» و بعضی «شوک القتاد» و عده ای «خروب النبطی» و همچنی اسامی دیگری ذکر کرده اند. ع

Anagyris foetida	ينبوت نتن، أناغورس طُبّي، خرّوب الخِنزير، جَرَود	الموسوعه
Anagyris foetida	ينبوت	خطابی
Inula viscosa Ceratonia silique L. Anagyris foetida L.	ينبوت	زریاب
Anagyris sp.	ينبوت، أناغورس	الموسوعه
Anagyris sp.	ينبوت	EN.



# فصل دوم

واژکان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان داروئی

1 - تعیین نام علمی کیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

۲ - برگردان عربی نام های لاتینی کیاهان در قرن هفتم به توسط ابن بیطار

# واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان داروئی

نام گیاهان داروئی متون قدیم مجموعه ای است از فرهنگ ها و زبان ها و گاه برگردان های چند باره یک نام به نام ها و زبان های دیگر است و با کمک زبان اصلی این متون ، می تـوان هویـت گیاهـان کـهن را تـا حـدی شناسائی و نام معادل علمی دقیق تری را برای آن ها پیشنهاد نمود.

در فصل پیش زبان های لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی و تعیین کننده نـــام بردیـــم در این فصل نام های علمی دارای ریشه لاتینی و همچنین برگردان نام های لاتینی به عربی را جهت شناخت گیاهـــان بویژه رفع برخی ابهامات نام آن ها یاد آور می شویم.

# ۱ - نام علمی کیاهان برگرفته از نام لاتینی قدیم آن ها

تشابه نام علمی گیاهان با نام داروئی قدیم آنها - با تلفظ صحیح - احیاناً پایه نامگذاری جنس یا گونه گیاهان قرار گرفته است. تاریخ نامگذاری علمی - جنس و گونه - غالباً در زمان لینه صورت گرفت، برخی از نام های جنس و تیره و گونه نیز کم و بیش ارتباط با نام گیاهان در متون داروئی قدیم بویژه کتب یونانی که منشا اسامی نام های عربی نیز هست می باشد نام های مشهور دارای ریشه لاتینی معمولاً معبر نام غیر علمی گیاهان و نام علمی آن است و با گذشت زمان کم و بیش در متون علمی نیز وارد شده اند.

با توجه و استفاده از نام های مشابه می توان تا حدی نام های علمی برخی از گیاهان داروئی موجود در متون قدیم را معلوم نمود.

برای نیل به این هدف لازم است ابتدا چگونگی تلفظ لغات یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربسی را بدانیــم کــه در جداول زیر به این موضوع اشاره شده است. در آغاز این فصل ابتدا فهرستی از نام های کهن گیاهان که ریشه یونانی دارند را خواهیم دید. سپس فهرستی از برگردان نام های یونانی به عربی یا معرّب شده آن ها را مشاهده می کنیم . هر دو مورد فوق می تواند ما را در تعیین نام علمی گیاهان یاری دهد.

# 1 - تعیین نام علمی کیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

# ۱-۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی

نام گیاهان داروئی در متون قدیم مجموعه ای از فرهنگ ها، زبان ها و گاه نیز برگردان چند باره آن ها از یک نام به نام و یا از یک زبان به زبان دیگر است. شناخت زبان اصلی این متون ، هویت و نام گیاهان کهن را تا حدی شناخت و تعیین نام معادل علمی آن ها مؤثر باشد. چنانچه در فصل پیش نیز برخی از زبان های را مانند: لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی نام بردیم، در این فصل نیز نام های علمی دارای ریشه لاتینی و برگردان نام های لاتینی به عربی را برای شناخت نام کهن گیاهان داروئی یاد آور می شویم.

وجود تشابه نام علمی گیاهان با نام قدیمی آن ها [ با تلفظ صحیح ] احیاناً همان منشاء نام جنس یا گونــه آن هـا است. با آنکه تاریخ نامگذاری علمی جنس و گونه به زمان لینه مربوط می شود، نام برخی از جنس هـا ، تــیره هـا و گونه های امروزی با نام کهن آن ها در متون قدیمی بویژه در کتب یونانی ارتباط نزدیک دارد.

> نام های مشهور با منشاء لاتینی و یونانی معمولاً معبر نام علمی ونام های دیگر معرّب شده آن هاست. رعایت دقت در نام های مشابه تا حدی نام علمی برخی از گیاهان متون قدیم را معلوم می نماید.

## ۲ - ۱ - نگارش و آوانویسی درست حروف یونانی به لاتینی و عربی

تلفظ و نگارش درست حروف و کلمات در زبان یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی، فارسی، ســریانی، بربـری در یافتن نام های علمی گیاهان قدیم مورد توصیه ماست که در زیر بصورت جدول به تلفــظ حــروف در زبــان هــای فوق اشاره شده است.

## الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی، فارسی، سریانی، بربری:

h <b>-</b> خ	h <b>-</b> _	ج <b>-</b> ğ	b <b>-</b> ب	, <u> </u>
س = S	z = j	r <b>-</b> ر	ذ <b>-</b> d	d <b>-</b> 2
g <b>-</b> ė	ع = ،	ط <b>-</b> ‡	<b>Ş -</b> ص	ش <b>-</b> Š
m - r	ا ل – 1	ک <b>-</b> k	ق <b>-</b> p	ف <b>-</b> f
	y <b>-</b> ی	w - 🤈	h - •	n - 0

# ب- نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی:

حروف	نگارش یونان	نگارش حروف لاتینی	نام در لاتین <i>ی</i>	نام در عربی	
ى	يونان	لاتينى			
A	α	Α	Alpa	الفا	١
В	β	В	Beta	بيتا	۲
Г	γ	G	Gama	قما	٣
Δ	δ	D	Delta	دلتا	٤
E	ε	E (courte)	Epsilon	ايسلون	٥
Z	ζ	Z	Dzeta	دزيتا	٦
Н	η	E(longue)	Eta	ايتا	٧
Θ	θ	ТН	Theta	ثيتا	٨
I	ι	I	Iota	يو تا	٩
K	к	K	Карра	کیا	١.
Λ	λ	L	Lambda	لمدا	11
M	μ	M	Mu	مو	۱۲
N	v	N	Nu	نو	۱۳
Ξ	ξ	X	Ksi	کسی	١٤
O	0	O(courte)	Omicron	اومكرون	10
П	π	P	Pi	پی	١٦
P	ρ	R	Rho	رو	۱۷
Σ	ςσ	S	Sigma	سيقما	۱۸
Т	τ	Т	Tau	تو تو	19
Y	υ	Y	Upsilon	اوپسلون	۲٠
Φ	φ	PH	Phi	في	۲۱
X	χ	КН	Khi	خي	77
Ψ	Ψ	PS	Psi	پسی	74
Ω	Ω	O(longue)	Omega	اومغا	72

# ج - معرّب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار:

مثال هائی از کتاب ابن بیطار	معادل حرف عربي	حرف لاتيني
Akoron اَقورون – Asarum اسارون	1- 1	Α
Balaustion بالاسطيون	ب	В
		С
Drabe دَرابی	د	D
Hudropeperi اُوذَروباباری	<u>ن</u>	
_		Е
_	_	F
Lagopun لاغوبن - Glukurriza غَلوقيريزا	<u> </u>	G
Gentiane جنطيانا	ج	
Helxine القسيني - Helitropion ايليوطروبيون	1	Н
Iris ایریس	ای	I
-	_	J
Kardamomon قرادامومن	ک	K
Linospermon لينُس برمون	J	L
Meon ميئون	·	М
Nardos ناردس	ن	N
Akoron	او	0
کیبارس (Rolugonon – (kuperus) بلوغونسن – Peperi	ب – ف	P
باباری Polugonaton فلوغوناطن	•	
_	_	Q
Bruon بريون	و	R
Aspalathos اصبالاتوس Tribolos طروبيلش	ص – س –ش	S
Kostos قُسطس	<u>ط</u>	Т
	او	U
_	_	V
_	_	W
_	-	Y
Zingiberi زنغباري	ز	Z
Sampharitike سنفار يطيقي	ن	Ph
Skhoinos سخنیوس	÷	Kh
La pathon لاباثون	ث	Th

## ۲ - ۱ - فهرست نام های علمی دارای منشاء نام های کهن یونانی

نام های جداول زیر برای آسانی تطبیق نام علمی با نام داروئی کهن و دارای ریشه یونانی انتخاب شده است. منابع مورد استفاده این نام ها عبارتند از:

۱ - کتاب دیسکورید (اول میلادی) - حاوی نام های لاتینی بسیاری از گیاهان داروئی قدیم

۲ - "شرح دیسقوریدوس" ابن بیطار (۱۲۶۰ه-ق / ۱۲۲۸م) - فرهنگی معتبر و غنی بــا واژگان عربـی و لاتینـی برای تطبیق نام های لاتین به عربی

R. T. ترجمه کتاب دیسکورید به زبان انگلیسی حاوی تصحیح و تطبیق نام لاتینی به نام علمی بــه توسط . T. ویژگی های این ترجمه که در واقع افراد دیگری نیز بــا او همراهــی کــرده انــد (GUNTHER میلادی) از ویژگی های این ترجمه که در واقع افراد دیگری نیز بــا او همراهــی کــرده انــد توجه مترجمین آن به تصاویر کتاب دیسکورید است که از نظر واقعیت یا خیالی بودن تصاویر ارزیابی شده است.

٤ - تحقیق ابراهیم بن مراد بر تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار که در آن نام علمی مناسب برای هر گیاه ذکر شده است.

#### راهنمای جداول:

نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید است که به توسط ابن بیطار معرب یا عربسی شده است.

در ستون دوم نام های علمی پیشنهادی ابراهیم بن مراد است .

در ستون سوم نام های دارای منشاء عربی از ابن بیطار است.

در ستون چهارم نام های غیر مشهور به منشاء غربی و غیر عربی از ابن بیطار است.

,			
نام معرب لاتيني	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	<b>نام عربي</b> (به نقل از ابن بيطار)	ساير نام ها
(به نقل از ابن بیطار)			
كيبارس يا قيفارس	Cyperus longus L.	سعد	
kuperos			
آاقُورَون Akoron	Acorus calamus L.	_	
ايريس Iris	Iris florentina L.	سوسن أسمانجوني	قوس وقزح
قرادامومن	Eletteria Cardamomum sp. White & Mat.	كرويا جبليه – قرنباد – قرنفاد	قردمانا
Kardamomon	-		
ميئون Meon	Meum athamanticum J.	مَو	
ناردس Nardos	Nardostaachys jatamansi D.C.	سنبل هندی	ناردین
اسارون Asaron	Asarum europaeum L		
نسيا Kassias		سليخه	
قَنَّا مومن		دارصینی	
Kinnamomon	Nees.		
أامومن Amomon	Amomum racemosum Lam.	حماما	
فُسطُس Kostos	Costus speciosus Sm.	قُسط – كُشط- كُشت	
سُنخينوس Skhoinos		أذخر- تبن مكه	
قلامس اروماطيقس	Acorus calamus L.	قصب الذريره - قلماس - قمحه	
Kalamos aromatikos			
قُروقُس Krokos	Crocus sativus L.	زعفران – کُرکُم- جادی	جساد - ريهقان
انيون Helenion	Inula helenium L.	جناح -راسن - زنجبيل شامي	عنطوز (ترکی)
شطی رکس Sturax	Styrax officinalis L.	أصطرك – عسل اللبني – لبني	شــطرکا (ســـریانی)
0 30		رهبان – میعه	عسل رومان
بيطس – بنطس	Pinus pinea L.	تُنوب	صمغ آن: قُلُفُونْيا
Pitus			
قوفی یا فوقی Peuke	Picea excelsa Link.	شجر الأرز	نوعی از تئوب اسست .به معنای دخنه
قافارِسیس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	شجرالسرو	
قاذرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	شجرالشربين	
أفلاطينس Platanos	Platanus orientalis L.	شجرالدب – صنار - جنار	
فافورُس Papuros	Cyperus papyrus Trin.	فافیر – بردی	
أرِيقى Ereike	Erica arborea L.	شجرالخَلَنْج (مغرب )	از انواع أسحل
أأليمون Halimon	Atriplex halimus L.	ملوخ - قَطَف بحرى – مليخ	
فاليورُس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	سدر - شجره العَنَاب؟- فاليوون	دو نوع: عثبری و ظلا

ساير نام ها	نام عربي(به نقل از ابن بيطار)	نام علمى (از كتاب ابن مراد)	نام معرب لاتيني
			(به نقل از ابن بیطار)
به معنای شوک الحاد	زعرور الادويه (اندلس)	Crataegus oxyacantha L.	قسياأ قنئش
- جَبَريَول (لانبنـــى)-			Oxuakantha
تاغْفَرُت (بربری)			Oxumuntna
دانه آن : زَغْبج ؟	شجره المحلب ؟- شجره العَتم	Phillyrea latifolia L.	فیلورا Philura
دارای سه نوع است :	شقُّواص (اندلس ) – وردالجبلى	Cistus ladanifolius L.	قستوس Kisthos
دو نوع أن لحيه التيس	(مغرب) – وردالفحصی	C. villosus L	
نام دارد و نام نسوع		C. hypocistis L.	
سوم آن از لاذن گرفته			
شده و بسه نامسهای			
أُسْتَب، حطّب الفتح،			
شجراللاذن و ارتقــش			
(لاتینی به معنای کشیر			
العصى) است .	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	Fhanna I	
	أبنُوس	Ebenus L.	أأبانُس Ebenos
قرمز آن : حوجم	ورد	Rosa Tourn .	رُوذَا Rhoda
سفید آن : و کیر		R. gallica L. R. alba L.	
جَل (فارسی)			
برى آن : أمُّ غَيلان	عصاره القَرظ - خَرُوب السِنْط	Acacia arabica Willd.	اقاقیا Akakia
صمغ:صمغ العربى	شوكه المصريه		
به معنای طاهر –	شجره ابراهيم – شجره مطهره –	Vitex agnus castus L.	أغنّس Agnos
سرياني: ايلاقديشـــا	كَفُّ الجذَّماء - نام دانه آن :		
هندی: سرسساد و	حب الفَقَد - مصر : شجره مريم		
شمینا - بربسری:		·	
وتعاررف الديسس. شجره الفُلفُل و فَلَفُسل			
الصقاليه			
سریانی: سَماقیل –	سنماق — تمتم	Rhus coriaria L.	رُوُوس يا أطا أوبُسا
- غربرب-عربرب	h O		_
	1	Phoenix dactylifera L.	Rhous Epi ta opsa
	ب <b>ح</b> ل	I noemix dactymera E.	فنيكس - دفسيطس
			Phoinix
		Prunus cerasia Br.	قاراسيا Kerasia
	تُفَاح	Pyrus malus L.	ميلاأس Meleas
	سفرجل	Cydonia vulgaris Pers.	قُوذُونيا ميلا
			Kudonia mela
	خوخ	Prunus persica Sieb.	برُسيقا
		<u> </u>	Persika mela
	مشمش - تفاح الارمنى	Prunus armenica L.	أرمانياقا
			Armeenika mela
عربی : مَتْک	أترج – تفاح الماهى	Citrus medica Ris. var. cerata	ميديقا ميلا
			Medika mela

ساير نام ها	نام عربي (به نقل از ابن بیطار)	<b>نام علمي</b> (از كتاب ابن مراد)	نام معرب لاتيني
, ,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,	9 0. 9 8 W G.J. ( =	(-) (-) (-) (-) (-) (-) (-) (-) (-) (-)	ربه نقل از ابن بیطار)
اندلس: برُجون	کُمِثری الدی	Pyrus communis var. akhras	
			أخْراس Akhras
	لوزالمر	Prunus amygdalus var. amara Fock.	أمقدال بيقرا
			Amugdala pikra
•	لوزالحلو	Prunus amygdalus Stock.	أمقدال غلوقيا
			Amugdale ukeia
صمغ: على الانباط	فُستُق	Pistacia vera L.	بسطاقيا Pistakia
رب آن : دیامیرون	توت - فَرصاد	Morus alba L.	مورا Morea
	تين الاحمق - جَميز	Ficus sycomorus L.	
	3. · · · · · · · · · · · · · · · · · · ·		سیقاموری
	سَلت	Gymnorrithon ragus L.	Sukomoron
			طراغيس Tragos
	أرز	oryza sativa L.	أوريزا Oruza
روغن : حلّ - سيُرج	سمسم – جَلْجَلان	Sesamum indicum L.	سیسامن Sesamon
	بسلَه (یعنی تلخ و بد مزه)	Lupinus termis Forsk.	ترمی ایماروس - تُرمَس
			Thermos hemeros
	فُجل	Rhaphanus sativus L.	رافانوس Raphanis
		Sium sisarum L.	سيسارون ؟Sisaron
يربسوز(مغــــرب) -	بقله اليمانيه	Amarantus blitum L.	بليطَى Bliton
جربسوز (شسام) -			
کئے۔ مـــدح۔			
قسطانیقی (سواد) أسفَراخ (مغرب)	. 1	A amount of Fining line I	
ا المقراح (معرب)	مليون	Asparagus officinalis L.	أسفاراغش بطراوس
	fe	G' 1 ('C 1' T	Petraios Asparagos
كرفس الماء	قُرَّه العين		سین Sion
زِبل النواتيه (آفريقا)	قَرن الأيُّل (اندلس )	Crithmum maritimum L.	قرثمن Krethemon
	رِجُل الغُرابِ – رِجل الزاغ	Plantago coronopus L.	قُورونفس Koronopus
	هندباءالبرى - خس الحمار	Sonchus oleraceus L.	صُنْخيس Sonkhos
أميرون (اندلس)	هندباء البرى – يعضيد (مصر)	Chondrilla juncea L.	خُنْدربلی Khondrile
شراليه الحمار(لاتيني)			
نوعی از جزر بری		Daucus gingidion L.	جنجيدُ بون Gingidion
ستقانديقس		Scandix pecten veneris L.	سقندقس Skandix
تامشطت (بربری)	أبره الراعى – أمشاط العجوز	Caucalis maritima L.	قوقاليس Kaukalis
أڭجاله (لاتينى)			<b>J</b> . 3
گفته شده بسه فارسسی	بادروج – حوک	Ocimum basilicum L.	اُقیمن Okimon
بستان افروز است .؟		0-11111	,
هـالوک (مصـــر) – حدة ا حادث ناک م	طراثيث – خانق الكَرسنَه	Orobanche caryophyllacea Sm.	اورُوبنخی Orobankhe
جِعفيل – اورُوناک مجِي		····	

نام معرب لاتيني	<b>نام علمی</b> (از کتاب ابن مراد)	نام عربي (به نقل از ابن بيطار)	ساير نام ها
(به نقل از ابن بیطار)			
طراراً غُوبوغُن	Tragopogon orientalis L.	۶	
Tragopogon	Medicago sativa L.		يَرُبه مَولُه (اندلس)(ب
ميديقى Medike	Medicago sativa L.		بربه مونه (اندنس)رب معنای عشبه البُغْله )-
		قَضْب (عربی) خشک : قَتَ	فارسی : أستفست
انبالفراسن	Allium ampeloprassum L.	كُواث الكَرمى – كواث برى	
Ampeloprason	Deliches lubis Forels		(4)
سميلقس - لوبيا	Dolichos lubia Forsk	لوبيا	دُجُر- ثامّرا
Samilax kepaia			
شقرذین براسنو	Allium scordoprasum L.	ثوم کراٹی – ثوم البستانی	
Skordoprason			( 1.00 : 10
تلسفى Thalaspi		نوعی از حرف	اشْبِرون (اندلس)
دارابی Drabe	Lepidium draba L.	حرف المشرقي	أحراز (صقالبه)؟
باباری Peperi	Piper aromaticum Lamk. Piper nigrum L.	فَلَقُل	
أوذروبابارى	Polygonum hydropiper L.	فُلْفُل الماء	
Hudropeperi			
بطرميقى Ptarmike	Achillea ptarmica L.		به معنای معطـس بــر
برمبي	-		گرفته از بُطَرُموس بــه
			معنای بسسیار عطسه
			کنند.
فقٰلامينوس	Cyclamen europaeum L.	بخور مريم –ركَف	عرطَنِشا- خُـبُزُالقُرود
Kuklaminos			(أفريقا)
دراقًنطيون	Arum dracunculus L.	لوف الجعد - فيلجوش	به معنای لــوف الحُّيــه
Drakontion		-	است – صاره (مغرب
Drakontion			) - صَراخَه (اندلـس)
			- غَرغنِيتُه (لاتيني)
أأرن Aron	Arnm vulgare	لوف السبط	صاره - أيرنى
أأريصارُن Arisaron	Arum arisarum L.	لوف	از انواع سه گانه لوف ذُرَيْرُه
CL2R- M *	Scilla maritima L.	أشقيل - عنصل - عنصكان	بصَل الفار - بصــل
سقيلا Skilla	The state of the s	اسعين حنصن	الفار بصل الخنزير
			(مغرب)
			أَكُفَيل (بربری)
Pankration بنقر اطيون	Pannkratium maritimum L.		نوعى از بصل العنصل
قَبارِس Kapparis	Capparis spinosa L.	كَبر - ميوه : شُغلح	اصف (چیزہائی ک
ليبيديون Lepidion	Lepidium sativum L.	عَشْبه السلطان (مصر)	در ریشه آن ) صلّص
أأناموني Anemone	Anemone coronaria L.	شقائق النُعمان - شَقر	أرجاموني(جالينوس)

ساير نام ها	<b>نام عربی</b> (به نقل از ابن بیطار)	فام علمي (از كتاب ابن مراد)	نام معرب لاتيني
'			(به نقل از ابن بیطار)
طوماغا بــه معنــای		Chelidonium majus L.	خاليدونيون طوماغا
بـزرگ- بـه معنـــای			Khelidonion to
دواءالخطاطيف است .			maga
عين الهدهد و بــاذَرود	آذان الفارالرومى	Myosotis palustris Lam	بَشُوفس أوطا
(أفريقا)			Muos ota
طين الاخضر - عيـــن	نيل – نيلَج	Isatis titictoria L.	أساطيس Isatis
الاخضر			
بشَلْشَكَه (لاتيني)	دواءالحيه – كوشاد		جنطيانا Gentiane
دارای سه نوع است .	زراوند	Aristolochia Sp.	أرسطولوخيا
مُستمعًار و مُستسمقور و			Aristolokheia
مسمقران (بربری )			
بَرَستم (افریقا) عصاره آن بسه لاتینسی	غودالسوس – مَتْک	Glycyrriza glabra L.	غلوقيريزا
مندیله به معنای باک	ا عودانسوس – منت	Cijejiiim Binoin Di	
کننده سینه است .			Glukurriza
	قُنْطوريون الكبير	Centaurea centaurium L.	قَنْطوريون طوماغا
			Kentaureion to
			mega
به معنسای عطشسان	شوك الدَّراجين – مشط الراعي	Dipsacus fullonum L.	دِبساقوس Dipsakos
است. كَصَف (اندلس)	. 10 5 4	Scolymus hispanicus L.	Cholumos 1:
تصف (اندلس)	حرشف البرى		سقولومس Skolumos
	9	Astragalus poterium L.	بطریون Potirrion
مرر (مصر)	زريعه الابليس (مغرب)	Anonis antiquorum L.	أانونش Anonis
صمغ كثيراء	شُوك القَتاد	Astragallus tragacantha L.	طراغاقنثا
			Tragkantha
جنْت قابظه – بــه	قَرصَعنَه (سربانی) - شوکه الزرقا	Eryngium campestre L.	أيرنْجي Erunge
لاتینی: ببراطه بسه	شوكه السوداء - شوكه اليهوديه		
معناى شوك المَقَلْقُل			
صباره - صابره	شجره الصبر	Aloe vera L.	ألوى Aloe
نَشَانْتَه (لاتيني ) -	افسنتين	Artemisia absinthium L	أوبشنثي Apsinthion
كشسوث الرومــــى -			
افسنتين سساحلي =			
شَيب العُجوز	زوفای یابس	Hyossopus officinalis L.	أسوفون Hussopon
ļ			
	اسطوخودوس	Lavandula stoechas L	ستُخادس Stoikhas
دارای انـواع ابیـض و	صعتر	Origanum sp.	أوريغانس أيرقلاأوطيقى
اسود ومَلوکی و صعتر			Origanos
الشُّوًّا كه همان خوزی اســـت - جـــالينوس:			Herakleotike
است - جــالينوس: فودنج جبلی			
فوديج جبتى	<u> </u>		

ا - بلاتِه جزيونَه  ۲ - فسودردفطنسُن ، ۲ - فسودردفطنسُن ، ۲ - الْسُورِيطِي  نسورددفطنسُن ، ۳ - الاُسُورِيطِي  ۱ - نسهرى بــه نــام المسرب ، ۲ - نسهرى بــه نــام المسرب ، ۲ - جبّى النمــــاح ۳ - جبّى النمـــاح ۳ - جبّى النمـــاح ۳ - جبّى النمـــاح ۳ - (اندلس ) ۱ - اللهـــــ بــه نــام المطــــه (اندلس )	با دقطمتٔ nnon
ا - بلابه جرابونه المسودود فطنتن . ۲ - فسودود فطنتن . ۳ - الأقريط ي الأقريط ي المرى ب نام است : ۲ - باراى سه نوع است : ۲ - بهرى ب ب نام المسلم ۲ - جبّلى المساح ۳ - جبّلى به نام المسلم المسل	n non قالامئتر
ا - بلاتِه جزيونَه  ۲ - فسودردفطنسُن ، ۲ - فسودردفطنسُن ، ۲ - الْسُورِيطِي  نسورددفطنسُن ، ۳ - الاُسُورِيطِي  ۱ - نسهرى بــه نــام المسرب ، ۲ - نسهرى بــه نــام المسرب ، ۲ - جبّى النمــــاح ۳ - جبّى النمـــاح ۳ - جبّى النمـــاح ۳ - جبّى النمـــاح ۳ - (اندلس ) ۱ - اللهـــــ بــه نــام المطــــه (اندلس )	n non قالامئتر
۲ - فسودودفطننن، فسودودفطننن، فسودودفطننن، فسودودفطننن، وسودودفطننن، المريطى	قالامئتم
الأفريطي الكراي سه نوع است :  Thymus calamintha Scop.  ا - نهرى بــه نــام  مومُّران (مغــرب) ۲ (مغــرب) ۲ (مغــرب) ۲ - جبُّق التمــــاح ۳ - جبُّق التمـــاح ۳ - جبُّق التمـــاح ۳ (اندلس)	
نتی Thymus calamintha Scop.  ۱ - نـهری بــه نــام  ۳ - خبتی التمــــاح ۳ - خبتی التمــــاح ۳ - خبتی التمــــاح ۳ - جبتی التمــــاح ۳ - (اندلس)	
T. barrelieri Spreng.  ۲ - نهری ب نام  ومومًّ ان (مغسرب) ۲ - جبَّق التمساح ۳ - جبَّق التمساح ۳ - جبلی به نام نابطه  (اندلس)	
کر (مغــرب) ۲ (مغــرب) ۲ – جبّق التمـــاح ۳ – جبّق التمـــاح ۳ – جبتی بـه نـام نابطــه (اندلس)	inthe
- جبّ التمساح ٣ - جبلى بـه نـام نابطـه جبلـي بـه نـام نابطـه (اندلس)	
جبلی به نام نابطیه (اندلس)	
(اندلس)	
ر Thymus capitatus L. Thumos معتر جبلی (افریقا) صعتر الحمیر (اندلس ا	ثومش
ط Melilotus officinalis Lam Melilotos اکلیل الملک دارای جهار نوع است	<u> </u>
وطُس Melilotus officinalis Lam Melilotos أكليل الملك المائك اداى جهار نوع است	ماليلوه
ا - و ۲ - فَرْنَــــج	
(اندلس)۳ – مُعقسرَب	
٤ – مَدُرهُم الـورق –	
دارشـاه (فارســـی )-	
شجره الخب (أفريقا)	
رس Baccharis sp. Bakkharis قرنفلیه (اندلس)	بقْخار،
ن Peganum harmala L. Peganon دو نام متضاوت بـرای	ف فاند
Ruta montana L.	حيدس
بکی سداب بسری و R. graveolens L.	
بستانی و دیگسری	
اسفند يا حرمل	
ا نوعی بلبوس Allium moly L. Molu	مولی
طيقون Levisticum officinle Koch. Ligustikon كاشَم زُرُغُد (انطاليا)	ليقُسُط
اليوس Seseli tortuosum L. Seseli داراي سه نوع است .	ساسال
يكُن Tordilium officinale L. Tordilon	طرريد
اقريطي . بَقُول الشَّمَال	
(اندلس) زیسرا بسرای	
درست کردن آنسش از	
آن استفاده می شود.	
ې Sison amomum L. Sinon ېن	سينون
ون Pimpinella anisum L. Anesson انبسون – رازیانج رومی - کمون حبّه الحلوه (اندلس)	أانسر
الحلو	٠٠٠ چيد در
ا Carum carvi L. کروٹیا بَستانیہ – کمون الارمنی	قاروا
ن Anethum graveolens L. Anethon شبت أنبط (لاتينسى) -	·
ر Affethon و المسلم (بربری)	انتيون

ساير نام ھا	<b>نام عربی(به</b> نقل از ابن بیطار)	<b>نام علمی</b> (از کتاب ابن مراد)	نام معرب لاتيني
, , , , , , ,	O	المالي الرواعية الرواعية	
كمــون الملوكـــى	كمون الابيض - كمون الكرماني	Cuminum cyminum L.	(به نقل از ابن بیطار)
(دیسکورید)	عمون الأبيض - عمون الحرماني	Cummum Cymmum E.	گومینون Kuminon
(اورا) به یونانی بسه	كَرفْس الجبلي	Peucedanum oreoselinum Mo.	
معنای کوه و (سالینن)	- الرحان - الهابي	i	أوراسالينون
به معنای کرفسس			Oreoselinon
است.			
(بطرا) بــه يونــاني بــه	كرفس الصخر	•	بطر اسالينون
معنای صخره است .		Hook.	Petroselinon
	کرفس بری	Smyrnium olusatrum L.	سمرنیون Smurniun
ہے معنہای شہمار		Hippomarathrum libantis Koch.	أفُّومارتُن
العريض است .			
		Anacyclus pyrethrum DC.	Hippomarathon
			فرثرون Purithros
سه نوع است	كندريات	Cachrys libnotis Ferula nodiflora	ليبانوطس Libanotis
تافیفرا (بربری)	كَلْخ الدلْبي	Heracleum spondylium L.	سفنذوليون
			Sphondulion
يربطــورَه (لاتينـــى )	أنْذَراسُيون	Peucedanum officinale L.	فوقاذانُن Peukedanon
يربطــور (مغـــرب)-			
جاهبنگ			
تاکوت (بربری)	فُربيون	Euphorbia L.	أفُرُبيون Euphorbion
لوبانه مغربیه (مصر) غته (لاتینسی) – الـزاق	5 4 5 4 5 4 5 4		
عنه (لابيسى) – كزاق الذّهب	اشق – وشق – اشج – وشج	Dorema ammoniacum Don.	أمونياقُن
			Ammoniakon
سرفَغْلین (رومی)	عنزَروت – انزروت – کُحل	Astragalus sarcocolla L.	صرقوقُلًا Sarkokolla
	فارس		
بـه معنـــای دوســـت	مَصْفَى الرَّعاه (اندلس) - حشيشه	Galium aparine L.	أفاريني Aparine
دارنده صاحب خود	الافعى		_
بيض العنكبوت		A 1	
یعنسی مفیسد بسرای گزیدگی سگ		Alyssum saxatile L.	ألوسن Alusson
	؟ قُنابرى	Asclepias vincetoxicum L.	Asklepias سقليبياس
یعنی پایه های تخت.		Clinopodium vulgare L.	قلينوفوذيون
قلینی به معنای تخــت			Klinopodion
و فوذیون به معنای با			Kimopoulon
است			· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
مَهد (ساحل غزه)	عرطنیثا (اسم مشترک)	Leontice leontopetalum L.	لاوٌنطوباطاكن
غسلج (اهل مشرق)			Leontopetalon
يَربه أشبيليني (لاتينسي	كمادريوس النَعنعي	Teucrium flavum L.	طوڤريوس Teukrion
) به معنای گیاه طخا		Tananian al anti-	
به معنای بلوطی است	كَماذريوس	Teucrium chamaedrys L.	خامادريوس
			Khamaidruos

ساير نام ها	<b>نام عربي</b> (به نقل از ابن بيطار)	<b>نام علمی</b> (از کتاب ابن مراد)	نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)
		Lychnis coronaria Desf.	لخنيس الاكليليه
		<b>2,0</b>	کتیس ۱۰ کیبید Lukhnis
			stephanomatike
نوعی از فراسیون سیا	مرَويَه بَنْتُوشُه (لاتيني)	Ballota nigra L.	بلُوطی Ballote
ريحان الترنجي	بادرنجبويه – باذرَنْبويُّه	Mellissa officinalis L.	ماليسوفُلُن
			Melissophullon
أنوشَه (لاتيني )	قارَه (اندلس )زیرا نوشیدن آن فرد	Stachys germanica L.	سُطاخيس Stakhus
	را از خفقان نجات می دهد .		
اکثرا در دهانیه های	ذَنّب الحدأه	Phyllitis scolopendrium L.	فُليطش Phullitis
چاه ها می روید.		N. I	04.
به معنای مفیسد بسرای نه ۱۰		Phalangion ramosum Lam	فالنجين Phalangion
نیش رتیل دونوع سفید و سیاه	جَعده	Teucrium polium L.	Polion . : 1:
دونوع سمعید و سیاه دارد فولیون (رومی)	جعده	Tourium ponum D.	بَلُويَن Polion
ثوم (زیرا بوی پیاز می	حافظ الأجساد - حافظ الارواح	Teucrium scordium L.	أشقرذين Skordion
دهد)- ئسوم بسری			
(جالينوس)- مطر <b>ق ل</b>	:		
حشيشمه الثوميم			
(اندلس)			
دارای انواعی است .	بلَنْجاسف – برنجاسف		أرْطاماسيا Artemisia
	نوعي برنجاسف	Ambrosia maritima L.	أمبرَوسيا Ambrosia
	نوعي برنجاسف	Chenopodium botrys L.	بطرس Botrus
نوعی از رقعات	تَمار – جابِره	Geranium rotundifolium L.	غارانين Geranion
	ئضيه	Gnaphalium L.	ضنافلیان Gnaphallon
	نوعى حلّفاء	Typha latifolia L.	طيفي Tuphe
	يَنْكَه (لاتيني )	Circaeea Tourn.	قرقا Kirkaia
تَرهــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	شجره البراغيث	Inula conyzoides DC.	قُونيزا Konuza
مَشْكِينَه (لاثينسي)			
لَبِسارُدُه - طبيساق			
(اندلس)		Hemerocallis flava L.	1 4
زنبق (دمشق)	سوسن اصفر	Hemerocanis nava L.	ايمارُوقالس
		0.12	Hemerokallis
	خُصى الكلب	Orchis morio L.	اُرْخس Orkhis
سارافیاس (این اسم از	نوعي خصي الكلب - قاتل اخيه	Orchis undulatifolia L.	أرخس آخر
نام خدائی از قبط	زیرا ریشه آن دو تاثی بوده یکی		Orkhis heteros
مشتق شده است و به	پر از مواد و دیگری چروکیده ،		
معنای بسیار پسر منفعت می باشد)	ولی پس از گذشت زمان موقعیت		
منفعت می باسد)	آن ها عوض می شود		
L	<u> </u>	- 100 Maria	

<b>نام معرب لاتینی</b> (به نقل از ابن بیطار)	<b>نام علمی</b> (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	ساير نام ها
أرمنين Horminon	Salvia horminum L.	حبُ القُلْقُل – قُلْقَال - قُلاقَلَى	قوميون (جالينوس)
أيذيصارون	Hedysarum L.		به معنای فأسیّ یعنسی
Hedusaron			بزر آن دارای دو ســر
			تيز چسون فأسس
			است فلاقینس (به
0	Onosma echinoides L.	1 11 * -	ا معنای زبان )
أنوما Onosma	Oliosina ecimiolides E.	حس الحمار –	رِجـــل الحمامــــه (اندلس)
			ربيدىس انوسما (جالينوس)
نيمفا Numphaia	Nymphaea alba L.	لينوفر – نوفر – عروس الماء –	
.,		قاتل النحل	
أندرصاقاس	Androsace lactea L.		ملاح- بــه خـاطر
Androsakes			شباهت آن به رنگ
Androsakes			نمک نے طعم آن ہے
	:		این نام مشهور اســت
			– از انواع حمض
ايميَونيطس	Hemionitis L.	اينونيطس ؟	
Hemiontis			
أنْثمَس Anthemis	Anthemis nobilis L.	بابونَج – بابونَق – بابونَک –	خَمامیلُن (یونانی ) به
_		بابونه	معنساى تقساح الارض
			اســـت) مـــــناله
			(لاتینی)بے معنیای
			سیب زیرا بوئی شبیه
Doublemien : 111 i	Chrysanthemum parthenium	<b>أَقْ</b> حَوان	به بوی سیب دارد.
فَرثانْيون Parthenion		افحوال	
	Pers.		
ليتُسفرمن	Lithosoermum officinale L.	قُلُب (زیرا بسیار سخت و سفید	به معنای بزر الحجری
Lithospermon		است )	شَخْفُراغْتُه (لاتینسی) بسرگسردان عربسی آن:
Littiosperiiton			بنر هردال غربني آل: كاسبر الحجسر يسا
فالريس Phaleris	Phalaris tuberosa L.	?	مَشْظَيه فالْيورُس (جالينوس)
لنخيطس آخر	Aspidium lonchitis L.	رُقْعه الصخريه (اندلس)	
Lonkhitis hetera			
Althaia មៅ	Althaea officinalis L.	خطمي – مَلوخياالشجر	ورد الزُوانى
ألثاا آخر Alkea	Althaea rosea Cau.	خطمي البري - شُحم المرج	
قَنَابُّش Kannabis	Cannabis sativa L.var. indica	قنَّب – شَهدانَج – شادانق	

نام معرب لاتینی	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربي(به نقل از ابن بیطار)	ساير نام ها
(به نقل از ابن بیطار)	Althaea cannabina L.	قنب البري – شهدانج البري	قُنيب (مصغر قنّب
ابش أغْرِيون	Attilaca califiabilia L.	1 -3. 6. 6 -5.	است)
Kannabis agri	A	(Club Incid	ميوه : خرنوب الكلب
اغرون Anaguros	Anagyris foetida L.	ام عب بنی	(اسم مشترک)
Kepaia L	Sedum cepaea L.	جور عـــ رستان رير پر	شجر حب الاسير (ابن
		بر خوردن آن حریص است .)	حسان)
Alisma Lama	Alisma plantaga L.	مزمار الراعى - أَذُن الأِرْنَبِ -	دّماســـــونْيون
Alisila Camp		سنبل المتلوك	(جالينوس)
نوبُراخيس	Onobrychis viciaefolia Scop.	عنب الحيه (برگردان نام يوناني	
Onobrukhis		به عربی)	
وفاريقون Huperikon	Hypericum barbatum L.	هیوفاریقون – ذاذی الرومی	يَربِ قَرجنيره (عجميت اندلس)به
			معناى عشبه القَلْب
			بعنی دارای دانه ای
			ا قلبي شكل است
}			منستیه - دارای چهار
			نوع است .
	Ajuga chamaepitys L.	صنوبر الارض (برگردان نام	دارای سه نوع است .
خامافيطس		یونانی به عربی) – کمافیطوس	صنوبسری ۱۷کلیلسی /
Khamaipitus			فرفيرى
برطانیقی Brettanike	Rumex brettanica L.	حَماض حسکی	گفته شده بستان افروز
بر حیای			است. قصب الذهب
<u>لُوسيماخيوس</u>	Lysimachia vulgaris L.	عود الريح (اسم مشترک)(اندلس)	وصب الدهبسى (اندلس) خُوخ الماء -
Lusimakheios		قَصَب الريح (اسم مشترك)	راندنس) عوج المعدد دو خویخه
Zasimakneios		(اندلس)	
بلوغُونُن	Polygonum aviculare L.	عصاً الراعي	به معنای ذکر است
			شبطباط - خطرری دَعْیا بطباط (سریانی
Polugonon arren			دعبا بطباط (سربانی غوذیاله (لاتینی)
فُلوغوناطن	Polygonatum officinale L	έ	عودیان (د نینی)
Polugonaton			
i oragonaton فولامونيون	Polemonium caruleum L.	?	
Polemonion			
سمفوطن بطراوُن	Symphytum petraeum	شاغَه الصخريه (اندلس)	
Sumphuton			
Sumpnuton petraion			( , , , )
سمفوطن آخر	Symphytum bulbosum		شبيطه (لاتيني )
أولسطيون Holosteon	Holosteum umbellatum L.		
-55,		یونانی به عربی)	
فارقْلُومانُن	Leonicera periclymenon L.	صريمه الجدى	نوع دوم فَقَلامينــو.
Periklumenon			است .

نام معرب لاتيني	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربي (به نقل از ابن بيطار)	ساير نام ها
(به نقل از ابن بیطار)			i
طروبیکش Tribolos	Tribulus terrestris L.	حسک – شکوهج	أبروبوذيا(رومى)
		_	غاله جاقه (لاتيني )
			حمص الامير(مغرب)
ليمونيون Leimonion	Statice limoniuum L.	سبخی (برگردان نام یونانی به	نوع ششم حمساض
		عربی)	طويــــل الـــــورق و
			عساليج است سلق
	C		الماء قارطاغانيون
سفرغانيون	Sparganium ramosum Huds.	نوعی از سوسن بری	ســـــــــــــــــــــــــــــــــــــ
Sparganion			(جانينوس)
أخيون Ekhion	Echium rurum L.	ذَكَرالافعی (به خاطر اینکه دارای	
		میوه ای در رأس است که به	
		شکل سر افعی می باشد .)	}
أخليوس Akhilleeios	Achillea tomentosa L.		یعنسی مفیسد بسرای
			بیماری اخیلوس کنه
			همان غرب است .
ألاطيني Elatine	Linaria elatine Mill.	لَبلاب المجوسي - لبلاب	سراويل الككّه
		الاحرش	سحيمه
أوباطوريوس	Agrimonia eupatoria L.	غافت الشاهدانجي	
Eupatorios			
طراغين آخر	Tragium colomnae		گیاه آن در جزیسره
Tragion allo			اقريطش است .
فارنوخیا	Paronychia serpyllifolia DC.		يعنسي النافع مسن
Paronukhia			الداحس
خروسوقومی	Chrysocoma L.		بـرگـردان عربـــي آن
	<b>,</b>		راس الذهب و نوعسي
Khrusokome			از بابونه جبلی است.
أليخريسون	Helichrysum sp. ?		بىرگىردان عربىسى آن
Helikhruson			مَذَهُــب اســـت .
l lonani uson			امــارَنطُن (جـــالينوس)
			شاید نوعی قیصوم 
	A.A. T		باشد
أسطراغالوس	Astragalus Tourn.	كَعب الخنزير (برگردان نام	مخلّب العقاب الابيض (اندلـس) - برطـــبره
Astragalos		یونانی به عربی)	
Hughinghan for t	Hyacinthus orientalis	حافر البغل - قَسطَل الارض	(لاتینی) بَلْبوسی (تأویل آن بــه
أواقتننُس Huakinthos	,	المحافز البعل السفس الدراس	i i
أيسقوامس	Hyoscyamus Sp.	بنج – سيكران (اندلس)	عربی) ملمنُدر- یضَمون
	•		1
Huoskuamos Paulion : 1 :	Plantago psyllium L.	بزرقَطُونا – أستقيوس	برغوث (بسرگسردان
فسلّيون Psullion	kalanv m	ا پررسود مسیرس	عربی آن )
دُروفْنيون Doruknion	Dorycnium L.		

نام معرب لاتيني	<b>نام علمی</b> (از کتاب ابن مراد)	نام عربى (به نقل از ابن بيطار)	ساير نام ها
(به نقل از ابن بیطار)			
مندراغورس	Mandragora officinarum L.	يبروح - سابيزک - شابيزج –	ميسوه: لفّساح -
Mandragoras		تُفَاح الجن	أرجَبليطه (لاتينسي)
Mandragoras			تاریسال (بربسسری)-
			عروسه
أقونيطون Akoniton	Aconitum nepellus L.	قاتل النّمر	نبال (اندلس)
قونْيون Koneion	Conium masculatum L.	شوكران	جقوطه (لاتینی) حرمل البلدی (آفریقا)
Apokunon أفوقونُن	Apocynum erectum Vell.	قاتل الذثب	عنب الكسلاب (برگردان عربي آن)
نیریون Nerion	Nerium oleander L.	ذفْلہ - خَرزُهر ح - حدر	سم الحمار (برگرفت
نيريون ١٩٤١١٥١١		<i>U.</i> ( <i>y y</i> , <i>y y</i>	از لغــت فارســـی آن
	Colchicum automnale L.	16 . 30	است .) نام گل : اصابع
قُلْخيقُن Kolkhikon	Colemeum autominate L.	سورَنجان – فَرج الارض – قَلب	صام حسن: اصطبع     هرمس و شنبلیذ -
		الارض – عكَّنه (مصر)	قشتنیوله (لاتینی)(به
			معنای قسطله کوچک
			است.)
قوطوليديون	Cotyledon lusitanicus Lam.	كأس - آذان القسيس - زلائف	دو نوع است ، نـوع
	-	الملوك – مصافق	دیگر آن در مصر اِذْنَه
Kotuledon		,	خوانده می شود .ایــن
			گیـــاه درشـــــکافها و
			سنقف هسا و کسوه
			هاروئیده می شود.
غاليون Galion	Galium verum L.	لختيرواله (لاتبنى)	موجب بسته شدن
	Th. I' and G		شیر می شود.
ثاليطرن Thalietron	Thalictrum flavum L.	كزبَره حبشه	
بوطوماغيطن	Potamogeton natans L.	جار الانهار (برگردان نام یونانی	
Potamogeiton		به عربی)	
سطراطيوطس	Pistia stratiotes L.	فارِس الماء (برگردان نام یونانی	
Stratiotes		ً به عربی)	
أرقطيون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.		گفته شده نسزد عسرب
ارکیپی			به حربان (بدون نقطـه
			در محل بــا )مشـهور
			است .
أرقطيون آخر Arktion	Arctium lappa L.		دارای دو نوع بسری و بستانی است.
لوطوس أغريوس	Lotus sp. ?	حَباقا	لوتوسی که در مصر
Lotos agrios			است به نام بِشْنین می
			باشد.
أ مريافُلُّن Muriphullon	Myriophyllum spicatum L.		به معنای هــزار بـرگ است .
أنْطرينن Antirrinon	Antirrhinum majus L.	أنّف العجل – شحم الطعام	

ساير نام ها	<b>نام عربی</b> (به نقل از ابن بیطار)	<b>نام علمی</b> (از کتاب ابن مراد)	نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)
به معنای دارای پای زیاد است. (کشیر الارجسل) - سسقی رغلا - سسقی رغلا استکی - رغسلا (سریانی) (به معنای تربوؤیه (لاتینسی) - آشنیوان (بربری)		Polypodium vulgare L.	بولوبوذيون Polupodion
به معنای آفتاب گردان است طرنه شـــولی (اندلس)	حشیشه العقرب (مصر) زیرا انتهای آن شبیه به دم عقرب است.	Heliotropium europaeum L.	أيلوطُروبيون طوماغا Heliotropion to mega

## ۲ - برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم

محتوای متون پزشکی قدیمی به زبان عربی و ایرانی معمولاً متاخذ از کتب لاتینی و یونانی است و حاکی از آن است که منشاء نام های کهن گیاهان و همچنین برخی از نام های جدید لاتینی است. ریشه یابی نام ها، چه قدیمی و چه جدید، چه شرقی و چه غربی امکان تطبیق این نام ها را به یکدیگر فراهم می آورد و با این انطباق زمینه پیشنهاد مناسب ترین نام علمی را امکان پذیر می سازد.

با تعیین نام لاتینی گیاهان و سپس یافتن نام های معرّب دارای ریشه لاتینی، ارتباط آن ها با نام های مشهور در متون قدیم [عربی و غیر عربی ] میسر می شود. از سوی دیگر بررسی های صورت گرفته نشان می دهد برخی از نام ها چه در شرق و چه در غرب مستقل از هم بوده و متاخذ از هم نیستند . این نام ها نیز می توانند نام شناخت گیاه باشند.

از اینرو در نام یابی های کهن گیاهان داروئی دانستن ارتباط نام رایج گیاه با نام لاتینی آن می تواند معیاری بــرای یافتن نام علمی آن و همچنین دستیابی به سرچشمه نام های مشهور و چگونگی انتقال نام در زبان های دیگر باشد.

برای دست یابی به این منظور شرح هر گیاه کتاب دیسکورید با دو منبع غربی و شرقی که هر یک ویژگی خـــود را دارند مقایسه گردید. مهمترین ویژگی های آن ُها عبارتند از:

الف – کتاب دیسکورید: تا قرون اخیر به عنوان مهمترین منبع مـورد اسـتفاده اغلـب محققـان علـوم زشـکی و گیاهان داروئی بوده است، و نام های لاتین آن به زبان های دیگر بویژه عربی برگردانده شده است.

اولین کسی که به ترجمه این کتاب اهتمام ورزید حنین بن اسحق (۲۲۰ ه-ق / ۸۷۳ م) بود کـه آن را از زبـان یونانی به زبان سریانی برای بختیشوع بن جبریل برگرداند و همچنین یکی از شاگردان خود را به نام اصطفن بن بسیل تشویق به ترجمه این کتاب به زبان عربی نمود. اما این دو نتوانستند همه لغات لاتینی را به عربی برگردانند و تنـها بـه معرب کردن لغات بسنده نمودند.

پس از آن نیز ترجمه هائی از کتاب دیسکورید به توسط ابوالفرج ، مهران بن منصور ، ابی سالم المطلی نگاشته شد که در مجموع کار مهران بن منصور از همگی قویتر است.

دانشمندان مهمی که به شرح کتاب دیسکورید پرداختند چهار نفر و همگی از اهالی اندلس هستند این چهار نفـر عبارتند از:

- ۱ ابو داود سليمان بن حسان بن جلْجل (٣٨٤ه ق / ٩٩٤م )
- ٢ ابوالعباس احمد بن محمد النباتي ابن الروميه (٦٣٧ ه ق / ١٢٣٩ م)
- $\pi$  ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن ابن بیطار المالیقی (۱۲۶ ه ق / ۱۲٤۸ م)
  - ٤ ابوالحسن على بن عبدالله الاشبيلي ( احتمالا قرن هفتم هجري قمري)
- ب تفسیر کتاب دیسقوریدوس به توسط ابن بیطار: نام های لاتین در این کتاب معرب شده و یا به عربی برگردانده شده و نام های رایج دیگر نیز [فارسی ، سریانی و ...] در این کتاب دیده می شود. از ویسژگی های ایسن کتاب و همچنین مؤلف آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱ – از آنجا که مؤلف به زبانهای لاتینی و عربی به خوبی مسلط بوده، انتقال نام ها و ترجمه مطالب کتاب و معرب نمودن نام ها دقیق صورت گرفته است.

۲ – همراه بودن نام های معرب با نام های مشهور عربی و غیر عربی این کتاب را عامل مهمی در ارتباط فرهنگ های گیاهشناسی و یزشکی تمدن های گذشته است.

۳ – مؤلف چون خود گیاهشناس بود سعی نمود تا شرح گیاهان را در این تالیف با نمونه های عینی در دست تطبیق داده درستی یا مجهول بودن آن را اعلام نماید.

٤ - اشراف مؤلف به تالیفات قبلی ، و تالیفات عصر خود و تالیفات متنوعی که خود داشت موجب شده، کتاب
 های او بعنوان تالیف شاخص برای قرن های بعدی در گستره ای جغرافیائی وسیع مطرح باشد.

همیت مؤلف از ذکر خواص و حتی شرح های سیستماتیکی در این کتاب و بیان آن در کتاب جامع اهمیت
 وی را به تطبیق و تصحیح واژه ها و نام ها معلوم می نماید.

با توجه به ویژگی های فوق می توان کتاب ابن بیطار را بــرگردان علمـی - مطابق بـا زمـان خــود - از کتــاب دیسکورید دانست که گذشته از ذکر نام ها گیاهان بطور دقیق، ضمن اشــاره بــه اطلاعــات بــه مربــوط پــیرامون محــل رویش و جغرافیای گیاه ، اختلاف نظرها موجود در مورد هویت گیاه را نیز به نقد و بررسی کند.

در جداول زیر نام های لاتینی معرب شده همراه با اسامی لاتینی آنها آمده است. دقت در این نام ها میتواند در برگردان صحیح نام ها ما را یاری رساند.

## راهنمای جداول:

نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید که به توسط ابن بیطار معرّب شده است. در ستون دوم نام های پیشنهادی ابراهیم بن مراد آمده است.

در ستون سوم نام های پیشنهادی ROBERT T. GUNTHER آمده که با نام های لاتینی معرب ابسن بیطار مقایسه شده است.

در ستون چهارم شماره تصاویر مربوط به هر گیاه از کتاب دیسکورید ROBERT T. GUNTHER است. این تصاویر در جلد دو کتاب آمده است.

در ستون پنجم نام های دارای منشاء عربی و از ابن بیطار است.

در ستون ششم نام های عربی و غیر عربی مشهور و از این بیطار است.

نام لاتيني	نام علمي	نام علمي	شماره	نام عربی	ساير نام ها
(ابن بیطار، دیسکورید)	(از ابراهیم بن مراد)	(از Roberth)	تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)
كيبارس يا قيفارس	Cyperos longus L.	C. rotundus	٤/١	سعد	
kuperos					
آاقُورون	Acorus calamus L.	Iris pseudacorus	۲/۱	وَجُّ- زَهره	
Akoron					
ایریس Iris	Iris florentina L.	I.florentina L. I. germanica	1/1	سوسن آسمانجونی	قوس وقزح
قرادامومن	Eletteria cardamomum	E. cardamomum		كرويا جبليه	قردمانا
Kardamomon	White & Maton			قرنباد - قرنفاد	
ميئون Meon	Meum athamanticum J.	M.athamanticum J.		مو	
نار دسسنفار يطيقى	Valeriana celtica L.				
Sampharitike					
ناردس اقليطيقى	Valeriana celtica L.	V.celtica L.		سنبل الرومى	سنبل الاقليطي
N. keltike					منْتَجوشه - شرائط
ناردس أورنى	Valeriana tubereuse Spr.	V.tubereuse Mountain Nard		سنبل الجبلى	
N.oreine					
ناردس Nardos	Nardostaachys jatamansi DC.	N.jatamansi		سنبل هندی	ناردین
اسارون Asaron	Asarum europaeum L.	A. europaeum	٩/١		
فو Phu	Valeriana dioscorides Sibth.	V. dioscorides			
مالابثرن	Cinnamomum citriodorum Twhwait.			ساذج الهندى	
Malabathron					
نسيا Kassias	Cinnamomum cassia BL.	Cinnamomum iners		سليخه	
قَنَّا مومن	Cinnamomum zeilanicum Nees.	C. cassia		دارصینی	
Kinnamomon	Amomum racemosum La.	A. sublatum or cissus		1.4	
آامومن Amomon		vitiginea		حماما	
قُسطُس Kostos	Costus speciosus Sm.			قُسط – كُشط	کُشت
سخينوس	Andropogon schoentus L.	Cymbopogon schoenanthus		أذخر	ئبن مکه
Skhoinos					
قلامس اروماطيقس	Acorus calamus L.	A.calamus L.	1	قصب الذريره	
Kalamos aromatikos					
أصبالاتوس Aspalathos	Calycotom spinosa Lk.	Cytisus lanigerus DC. Genista acathoclada		دارشیشغان	قَنْدُولَى (مغرب)
Aspalathos	Usenea barbata Ach.	DC.	<b></b>	7. 1.5	1 3 34 51 5
بريون Bruon	Oscilca varvata Acii.	Usenea sp.		أشنه – شيب	ستواک القرود (زیرا ددان داگار اعذاد از
				العجوز	دهان هنگام استفاده از آن رنگ می گیرد.)
نشقفثن	ç	?		ېنک	

نام لاتيني	نام علمي		نام علمي	شماره	نام عربی	ساير نام ھا
(ابن بیطار، دیسکورید)	(از ابر اهیم بن مراد )		(از Roberth)	تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)
أغالوخُن	Aloexylon agallochum Lou.	4	A. agallochum		عود هندی	ألنجج
Agalokhon						
فَيقَمن	Amyris kataf Forsk.	'	Amyris sp.		سنُدروس – لک	قيغين
Kankamon						
قُروقُس Krokos	Crocus sativus L.	'	C.sativus	10/1	ز عفران	کُرکُم- جادی -
Halamian : 1	Inula helenium L.		I.helenium	YV/ 1		جساد - ریهقان عنطوز (ترکی)
آنِيون Helenion	maid noteinam E.	'	1.neichiani	1 77 1	جناح - راسن	عنظور (برکی)
Swamp II A	Commiphora myrha Engl.	1 6	Amyris myrrh Haf		زنجبيل شامى	
شمرنا Smurna					، مو	
شطی رکس	Styrax officinalis L.		S. officinalis		أصطرك	شطرکا (سریانی)
Sturax		_			عسل اللبني	عسل رومان –
بذليون Bdellion	Commiphora mukul Engl.	'	Hyphaene thebaica		مَقْل الازرق	دارای انواع متعدد
# :h	Baswellia Roxb.		Baswellia cartera		كُندر - ليّان	است.
ليبانو Libanos	Baswellia Roxo.	'	Daswellia Cartera		کندر - لبان	تنها در شحر عمان رویش دارد .
						رویس دارد .
بيطس – بنطس	Pinus pinea L.	1	P.halepenasis		تُنوب	صمغ أن: قُلُفُونْيا
Pitus			P. cemmbra P. maritima			
قوفی یا فوقی	Picea excelsa Link		1. martina		شجر الأرز	نوعی تنوب
Peuke					•	
بيطويداس			Pine-seeds		قَضْم قريش	ميوه صنوبر الصغار
Pituides					- '	
سطروبيلو			Pine-cones		شجرالصنوبر	صمغ هر دو صنوبر
Strobiloi			:		الكبار	راتيانج – راتينج
سخينس	Pistacia lentiscus L.		P. lentiscus		شجره	
Skhinos					المصطكى	
طرمنتش	Pistacia terebinthus L.		P.terebinthus.		شجره البَطم	صمغ : علَّى الانباط
Terminthos						
أرقوثس	Juniperus communis L.	1				
Arkeuthos						
Arkeuthos			J.macrocarpa	-1	عرعر	
Megale Arkeuthos			J. phoenicea J.co J. Drupacea	1.5		
Mikra	<u> </u>	_	•			
براثی Brathu	Juniperus sabina L.		J. sabina var. cupressifolia var. tamariscifolia		أبهل	
ذاننی Daphne	Laurus nobilis L.		L.nobilis		شَجر الغار	دونوع نر وماده
					شجرالرند	دانه : ذافنيدس
قافارسيس	Cupressus sempervirens L.		C.sempervirens		شجرالسرو	
Kuparissos						

کورید) (از ابراهیم بن مراد) (از ابن بیطار) (از ابن بیطار) (از ابن بیطار)	<b>نام لاتینی</b> (ابن بیطار، دیسک
(Roberth الربين (Roberth المراكة الله المراكة الله المراكة الله الله الله الله الله الله الله الل	(ابن بیطار، دیسک
P.orientalis Platanus orientalis L.	
	قاذْرُس dros
ا – جنار	أفلاطينس
	Platanos
جر المران (بربرى) F.ornus Fraxinus excelsior L. Manna Ash	مالِ Melia
D. II	لوقا Leuke
(مام) Myrsica fragans Houtt.	ماقر Makir
P.nigra Populus nigra L. Aige عورالرومي توذ كهربا	أغيرسeiros
Ulmus campestris Ulmus L. Pt شجرالدرْدار شجره البق - نَشم	بطالایا telea
Phragmites communis Trin Kala	قالامن nmon
Cenchrus frutescens Sieb.	Kalamos Nastos
Erianthus ravennas Ka.	Suriggios
	Ka.Donax
Phragmites communis K.PI	hragmittes
Cyperus papyrus Trin.	فافورس
	Papuros
ا شجره الرفا T.gallica Tamarix gallica L. <b>Mu</b> i	rikeموریقی
Myrrhis odorata L.	Murris
E.arborea -E.herbacea Erica arborea L. Er	أريقى eike
T.orientalis Tamarix articulata Vahl.	أقاقاليس
عذَبه (عربی) کزمازج	Akakalis
ا عوسج – غَرقَد Paliurus aculeatus Lycium afrum L.	رامنُس
	Rhamnos
	أأليمونnon
Zizyphus vulgaris L. Paliurus aculeatus Lam.	فاليورُس
العَتَاب	Paliuros
Crataegus pyracantha Crataegus oxyacantha L.	اقسياأقَنْش
یه معنای شوک تاغمَرت (بربری) Medic.	uakantha
الحاد	
Papyrus antiquorum Wild.	Papuros
Rosa sempervirens L. Rosa canina L.	قونس باطس
ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا ا	nosbatos
ا ممنای کلب و باطس	
به معنای علیق است .	
L.alba Lawsonia alba Lam. Kupr	قيفَروس ros

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
ار ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth)	(از ابر اهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
1	0-2.0.0	ĺ	(Roberth)		بين پيدر، ديستوريب
دانه آن : زَغْبج ؟	شجره المحلب		P. latifolia.	Phillyrea latifolia L.	فيلورا Philura
	شجره العتم ؟				1
سه نبوع: دو نبوع آن				Cistus ladanifolius L.	فستوس
به نام لحيــه التيـس و	وردالجبلى(مغــر			C. villosus L.	Kisthos
نوع سوم گرفته شــده	ب)			C. hypocistis L.	Kistilos
از لاذن با نام های	وردالفح <i>صى</i>				
أُسُتَب، حطب الفتسح ،	3				
شجراللاذن،ارتقسش	!				
(یعنبی کثیر العصبی)					
است.			Cistus villosus		1
	-		Cistus villosus  Cistus salviaefolius		Kustos Arren
			Cistus salviacionus		Kustos Thelus
			Cistus creticus		Ladanon
	أبنُوس		Diospyrus	Ebenus L.	أأبانُس
	J.		melanoxylon		_
عصاره: فیلزهرج			Ebenoxylon verum R.infectoria	Rhamnus infectoria L.	Ebenos
عصاره : فينرسرج كُحل خُولان	شجره		K.inicciona	Kilannus infectoria L.	لوقيون
	الحضض		Dana lastas Dant	D. T.	Lukion
قرمز آن : حوجم	ورد	1 1 1 1 1 1 1	Rosa lutea Bort.	Rosa Tourn R. gallica L.	رُوذَا
سفید آن : و َتیر جل (فارسی )		",		R. alba L.	Rhoda
جن روزشی ) بری آن : أمَّ غَیلان	عصاره القَرظ		Acacia vera	Acacia arabica Willd.	1 -1-1
برق ما با يون صمغ : صمغ العربي	خروب السنط			Tradia di dolodi Willia.	اقاقيا
	شوكه المصريه				Akakia
			Salix sp.	Salix babylonica L.	
	شجرالصفصفاف		запх эр.	Sanx babylonica L.	Itea Uii
	خلاف		W	` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` ` `	
یعنی طاهر- ایلاقدیشا (سریانی)- سرســـاد و	شجره ابراهيم	100	V. agnus castus	Vitex agnus castus L.	أغنس
(سریاسی)- سرساد و شـــمیثا (هنــــدی)	شجره مطهره	","			Agnos
ونَّقَارُوف(بربسری)	حب الفَقَد شجره مريم				
وـــــــروـــــروبــــرى. شجره الفُلفُل و فُلفُـــل	شجره مريم				
الصقالبه (اندلس)					
آزمور (بربری )	زیتون بری		O.oleaster	Olea oleaster Lk.	ألاأغريا
زَبُوج (اندلس)					Agrielaia
شاه بلوط - قُسطانیا	شجر البلوط		Quercus aegilops L.	Quercus coccifera L.	
- قُسُطل - قُسُطل	ا سجر البنو ــ		(	(Second Constitute Di	درس Drus
ق جَولَه (لاتيني)	عفص- قُشف		Quercus aesculus	Quercus lusitanica Lam.	ققيس
	~		Boiss.		کیس Kekis Phegos
سرياني : سَماقيل	سَماق - تمتُم			Rhus coriaria L.	رُوُوس يا أطا
عَربوب – عربوب	' -				1
					أوبُسا Rhous
					Epi ta opsa

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth jl)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
00.	., ., ., .,		(Robertin ,1)		
	نخل		P.dactylifera.	Phoenix dactylifera L.	فُنَيكس دَقْسيطُس
					Phoinix
جلنار ، گل انار بـــ ری	رمّان	-	P.granatum	Punica granatum L.	رُوذاأَيُذا Rhoa
جنبــذَه: كــل انـــار					
بستانی – رُغَث					
میوه:مردایانَج(سریانی)	آس بستانی		M.communis Gardan Myrtle	Myrtus communis L.	مرسينس أيمارُس
مَرثان و مَرُته (لاتینی) مر از در	ريحان		Cardan Myrtic		Mursine he
گل : أقمام (بربری)		-	P. cerasia.	Prunus cerasia Br.	hemeros
			P. cerasia.	Frunus cerasia Bi.	قاراسيا Kerasia
	خرنوب شامی		C.siliqua	Ceratonia siliqua L.	قاراطيا Keratia
	تُفَاح		P.malus Appel	Pyrus malus L.	ميلاأس Meleas
	سفَرجل		C.vulgaris	Cydonia vulgaris Pers.	قُوذُونيا ميلا
			Quince		Kudonia
	. 1.		Pyrus malus	Prunus persica Sieb	mela
	خَوخ		Crab Appel	Trainus persion siesi.	برسيقا Persika mela
مشمش	· Ni 1:-			Prunus armenica L.	Persika illela أرْمانْياقا
مسمس	تفاح الارمنى				
					Armeenika mela
متک - تفاح الماهی	أثرج			Citrus medica Risso	ميديقا ميلا
- -				var.cerata	Medika mela
	كمثري البستاني		P. communis	Pyrus communis L.	أفيوس Apios
برجون (اندلس)	كُمثْرى البرى		Pyrus amygdaliformis	Pyrus communis var. akhras	أخراس Akhras
نَشْم الاسود (نام	شجر الميس		C.australis	Celtis australis L.	لوطوس Lotos
مشترک)		-			to dendron
طربققن (یعنی دارای	شجره الزعرور		C.azarolus	Crataegus azarolus L.	مشبيلين
سه دانه) – نلک	323 3 3		C.tanacetifolius		Mespilon
شاید نوعی از زعرور				Pyrus germanica L.	أفلمليس
					Epimelis
از جنس زعرور			Cornus mascula	Cornus mas L.	قرانيا Krania
	شجرالغبيرا		Sorbus domestic	Pyrus sorbus Gaertn.	أراًا Oua
عين البقر (مغرب)	شجر الاجًاص		P. domestica	Prunus domestica L.	قوقاميلا 
شاهلوج – شاهلوک					Kokkumelea
معنای نام یونسانی:	شجر القطلب		Arbutus andrachne L.	Arbutus unedo L.	قومارُوس
طعمه قرمز- قاماريون	شجره قاتل ابيه				Komaros
(رومی) عصیر الــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	ميوه: جنَّى				
(مغرب) — مطرونیه	الاحمر				
رمعرب حررب				<u> </u>	<u> </u>

نام لاتيني	نام علمي	نام علمي	شماره	نام عربی	ساير نام ها
(ابن بیطار، دیسکورید)	(از ابراهیم بن مراد)	(Roberth از	تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)
Amugdale		Amygdalus communis			
أمقدال بيقرا	Prunus amygdalus var . amara Fock.			لوزالمرً	
Amugdala pikra				'	
أمقدال غُلُوقيا	Prunus amygdalus Stock.			لوزالحلو	
Amugdala glukeia					
بسطائيا Pistakia	Pistacia vera L.	Pistacia lentiscus		فُسُتُق	صمغ : علك الانباط
قاربانيطيقا	Corylus avellana L.	C. avellana		بندق	جِلُوز (مغرب)
Karuapontik a					
قارباسيلقا	Juglans regia L.	J. regia		جوز	
Karuabasilik a					
مورا Morea	Morus alba L.	Morus nigra		نوت	عربی : فَرصاد رب آن : دیامیرون
سیقاموری	Ficus sycomorus L.	F.sycomorus		تين الاحمق	حويز
Sukomoron					
أأمينون سيقيون Olunthoi	Caprificus	Unripe Fig		توت الفج	ذکار- توت نارس
Suka سيقا	Ficus carica L.	F.carica		تين - بلَس	
فرسياا Persaia	Mimusops schimperi Hot.	M. schimperi		لبخ	شجره فارسيه
زآا أوليرا	Triticum monococcum L.	T.dicoccum		علَس (اندلس)	أولير(از جنس زاًا)
Zea Olura	Triticum dicoccum	T. Monococcum T.dicoccivarietas		كُنيب	أشكليه (لاتيني)
طراغيس Tragos	Gymnorrithon ragus L.	Ephedra distachya Br.		سَلت	
أوريزا Oruza	oryza sativa L.	O.sativa		أرُز	
سيسامن	Sesamum indicum L.	S. indicum		سمسم، جَلْجَلا	روغن : حلّ شيرج
Sesamon					
خَنْدروس	Tricticum romanum L.	Hordeum sp.	114/	خنطه الروميه	نوعى شعير العربى
Khondros			110/		شعیر النبی(ص (اندلس)
كَيخَروس	Panicum milliaceum L.	P.milliaceum	Υ	جاووس	نوعی از ذره
Kenkhros			119/		
ألومَس Elumos	Andropogon sorghum Brot.	Setaria italicum Beauv.	17+/	دخن	
أراً Aira	Lolium temulentum L.	L. temulentum	177/	زُوان – شَيلَم	دَنَقَه - رُغَيُدا - رُعيدا - مَريرا - خَضر
طيلس Telis	Trigonella foenum graecum L.	T.foenum graecum	178/	حلبه	رُعيدا - مَريرا - خَضَر فَريقَه
لينُس برمون	linum usitatissimum L.	L.usitatissimum		بزركتان –ألينو	
Linospemon			ŀ		'

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth ji)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
			(Roberth )		33 . 3 0.
دارای دو نوع بری و	حمص	۲	C.arietinum	Cicer arietinum L.	أرْبِنْتُش أيمارُس
بستانی است .		141/			Erebinthos
	•				hemeros
فابه (لاتيني)	فُول – باقلًا	٢	V.faba	Vicia faba L.	فابش اليوناني
		177/			Kuamos
					Hellenikos
در سرزمین مصر	جامسه (مصر)		Nelumbium	Nymphaea nelumbo L.	فابش القبطى
روئیده می شود.			speciosum Wild.		Kuamos
		·=······			Aiguptios
	عدس - بَلْسَن	۲	Ervum lens L.	Lens esculenta Monch.	فاقوس Phakos
کُشْنی (شام) - کُشْن	کُرسنه	179/	Ervum ervillia L.	Vicia ervillia Willd.	
کسن <i>ی (س</i> ام) - کسن (فارسی)	ا درسنه	177/	La vuin Ci viina L.	VIOIA OI VIIIIA WIIIU.	أوروبس Orobos
رمارسی) به علت تلخسی و بـد	ىسلَە	۲	Lupinus pilosus Murr.	Lupinus termis Forsk.	تُرمس ايمارُوس
به عنت ننخشی و بند طعمی ابوحنیف آن را	ا بسنه	187/	Zapinus pilosus iviuit.	Zapinus termis i orsk,	
بسله نامیده است.					Thermos hemeros
		۲	Lupinus		Termos Agrios
;		177/	Angustifolius DC.		
N. W. W.		۲	Lupinus alba L. B.rapa	Brassica rapa L.	
كفت الاحمر المدور	سلجم –شلجم	188/	Б.Гара	Brassica rapa L.	غُنْقبلی Gongule
لفت طلَيطلي (مغرب)	. لفت طويل		Bunias erucago	Brassica napus L.	بونياس Bunias
	-		Brassica bunias		2444
	فُجل	۲ ۱۳۷/	R.sa. – Radish	Rhaphanus sativus L.	رافانوس
					Raphanis
		۲	Raphanus raphanistrum L.		Raphanos
	9	۱۳۸/	Pastinaca sativa	Sium sisarum L.	Agria
	3		i asimaca sanva	Sidili Sisai dili L.	میسارونSisaro
. 31=2 = 1 = 1 = 1	-1-4 -		Rumex patientia L.	Rumex acutus L.	n
دارای ا نواع مختلف است .	خمّاض	12+/	Rumex patientia L.	Rumex acutus L. Rumex scutatus L.	لاباثون
ا 'ست .		/		Rumex patientia L.	Lapathon
ا ماد حالا		۲	Rumex aquaticus L.	Rumex acetosa L. Rumex hydrolapathum L.	
نوع پنجم حماض کبیر		181/	Rumen aquaticus L.	Kumex nyurotapautum L.	أفولابائن
لبير		.,			Hippolapatho
	ę	۲	Sinapis arvensis	Raphanus raphanustrum L.	n ألمفساني
		127/		Primital rapromised with Di	
يربوز(مغرب)-جربوز	بقله اليمانيه	<del></del>	A.blitum	Amarantus blitum L.	Lampsane
	ميسه اليمالية	187/			بليطى Bliton
(شسام) – کشستُج۔ مسدح قُشسطانیقی					
(سواد)					
-	خبازی			Malva rotundifolia Desf.	مَلُوخي Molokhe
		۲	Malva silvestris		
		188/	1424144 2114 62412		Malache Agria
<u> </u>		/		<u> </u>	1 Agria

نام لاتینی	نام علمي	نام علمي	شماره	نام عربی	ساير نام ها
(ابن بیطار، دیسکورید)	(از ابراهیم بن مراد)	(Roberth از	تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بی <b>طار</b> )
Malache Kepaia		Alcea rosea L.	188/		
أندروافقسس	Atriplex hortensis L.	Atriplex rosea L.	۲	سرمق - سرمج	بقْل الروم – بقل
Andraphaxus Atraphaxis			180/	– قَطَف	الذهبى
قولی أیمارُوس Krambe	Brassica oleracea L.	B.oleracea	۲ ۱٤٦/	كرنب البستاني	قرنبا
hemeros					
قولى أغْريا	Brassica incana L.	Brassica cretica	۲	كرنب البرى	نوع دریائی را با
Krambe agria			127/		همین نام ذکر کرده است.
Krambe		Crithmum	۲		
Thalassia	Beta vulgaris L.	maritimum B.vulgaris	188/	n. 1: -1	سلق بری را نیز با این
طوطلُن Teutlon		_	189/	سلْق البستانى	اسم می شناسند.
<b>اُ</b> وبيبذجى يا	Portulaca oleracea L.	P.oleacea – Purslane	۲ ۱۰۱/	رجله، بقلَه	آندراخنه( به معنای
أنْدرَخْنى			101/	الحمقاء ، بقله	یک پا است. رِجله)
Andrakhne				المباركه، فرفير	
أسفاراغُش	Asparagus officinalis L.	Asparagus acutifolius L.		هليون	أسفَراخ (مغرب)
بطراوس Asparagos					
Petraios أرنوغُلسن	Plantago major L.	P. major	۲	لسان الحمل برد	بلنتان (لاتينسى)-
Arnoglosson			104/	وسلام ذنب الفا	مصاصــــه دارای دو
<b>g</b>			1	·	نوع بزرگ وکوچک. نوع کوچک اُڈن الشاہ
					(اندلس)
سین Sion	Sium latifolium L.	Sium nodiflorum L.	۲ ۱٥٤/	قُره العين	كرفس الماء
سيسنبريون	Nasturtium officinalis L.		۲	حرف الماء	قَرنونُش (اندلس)-
Sisumberion			100/		فُجل الماء – جرجير الماء
Sisum berion Eteron		Sisymbrium nasturtium Muhl.	۲ ۱۵۲/	- Na visitanta	
قر ثمن Krethmon	Crithmum maritimum L.	C.maritimum		قَرن الأيل	زبل النواتيه (أفريقا)
قُورونَفُس Karananya	Plantago coronopus L.	Lotus ornithopodioides L.	104/	رِجل الغُراب	رجل الزاغ
Koronopus مُنْخِس	Sonchus oleraceus L.	·		هندباءالبري	خُس الحمار
Sonkhos					
Sonkhos Akanthodesteros		Helminthia echiodes Gaert.			
Sonkhos		Sonchus arvensis L.	۲		
Trachos			109/		

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(از Roberth)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
		۲	Sonchus oleraceus L.		Sonkhos
		109/			Trupheros
شراليه (اندلس)	هندباء البستاني		C.en. – Endive	Cichorium endivia L.	سارس Seris
انطوبيا	يعضيد(مصر)				,
أميرون (اندلس)	هندباء البري	۲	C. Juncea or chondrilla	Chondrilla juncea L.	خُندريلي
شراليه الحمار(لاتيني)	يعضيد (مصر)	171/	ramosissima		Khondrile
			Thrinsia tuberosa or		Khondrile Etera
, ,	قَرع – يقْطين –		apargia Cucumis sativus L.	Cucurbita lagenaria L.	قُلوقنثي
	دبا		Cucumber		Kolokuntha
	,				edodimos
فَقُوس (مغرب)	قثاء البستاني		Cucumis Melo L. Melon	Cucumis sativus L.	سيقُس أيمارُوس
			Wicion		Sikus
			Cucumis pepo Dum.		hemeros Pepon
			Ppmpion		-
. دارای دو نوع بری و	خس	۲	L. Sativa	Lactuca sativa L.	ثَر ثوقس أيمار ُوس
بستانی است.		170/			Thridax
		۲	Lactuca scariola		hemeros Thridax
		177/	Euctuca Scarlola		Agria
نوعی از جزر بری		۲		Daucus gingidion L.	جنجيدُيون
		177/			Gingidion
سقانديقس		۲	S.pecten veneris	Scandix pecten veneris L.	سقنذقس
		174/			Skandix
تامشطت (بربری)	أبره الراعى –	۲ ۱٦٩/	Handquistia aegyptiaca	Caucalis maritima L.	قوقاليس
أكجاله (لاتيني)	أمشاط العجوز				Kaukalis
برى : أيهقان	جِرجير – كَثاه	۲ ۱۷۰/	E.sativa Brassica erucastrum	Eruca sativa Mill.	أوزيمن
			L.		Euzomon
گفته شده به فارسی	بادروج- حوک	171/	O.basilicum	Ocimum basilicum L.	أقيمن
بستان افروز است .		1 1 1/	0	On house and the second	Okimon
ہالوک (مصر) اورُوناڭجِی جعفیل	-		Cuscuta europaea	Orobanche caryophyllacea	اورُوبنْخی
اورونادیجی جعفیل	الكرسنَه		Transpagnillogum	Tracanagan ariantalis I	Orobankhe
	ç	۲ ۱۷۳/	Tragopogon villosum L.	Tragopogon orientalis L.	طراراغُوبوغُن Tragopogon
		<b> </b>	O. umbellatum	Ornithogalum umbellatum	أرنيثُوس غالا
				L.	Ornithos gala
بنات الرعد	كَمأه		Tuber cibarium	Tuber michell - Terfezia claveriji	رُذْنُن Hudnon
خشک : قَت وبه	رَطْبه ، فصْفْصَه		M.sativa	Medicago sativa L.	ميديقَى
فارسى : أسفست	قَضْب				Medike
يربه موله (اندلس)					

نام لاتيني	نام علمي	نام علمی	شماره	نام عربی	ساير نام ها
(ابن بیطار، دیسکورید)	(از ابراهیم بن مراد)	(Roberth از	تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)
		(Robertary)		-	
انبالفراسن	Allium ampeloprassum L.			كُراث الكرمي	کراث بری
Ampeloprason					
أفاقى Aphake	Vicia cracca L.	Lathyrus Aphaca	۲		نوعی از رطبه
			144/		
سميلقْس لوبيا	Dolichos lubia Forsk	Smilax aspera		لوبيا	دجر- ثامرا
Samilax kepaia					
فرآاسَن قافالوطُن	Allium ascalonicum L.	Allium porrum L.	۲	كُراث الشامي	
Prason			174/		
kephaloton	Allium Ampeloprassum L.				
انبالفراسن	Amuni Ampelopiassum L.			کراث بری	به معنای کرراث الکرمی است.
Ampeloprason					الكرمى است.
قرومیانKromuon	Allium cepa L.	A.cepa	۲	بصكل	
	Allium sativum L.	A actions	181/		
شْقُر ذین Skordon	Amum sanvum L.	A.sativum	۲ ۱۸۲/	ثوم البستانى	
Leukoskorodo		Allium	۲	<del></del>	
n		ampeloprasum L.	187/		
Ophioskorodon		Allium	۲		
		scorodoprasum L.	141/		
Elaphoskorodo		Allium subhirsutum	۲		
n		L.	181/		
براسنوشقرذين	Allium scordoprasum L.	Allium descendens L.	۲	ثوم کراثی	ثوم البستاني
Skordoprason			۱۸۳/		
Sinepi		Brassica alba	۲		
	T 12 marking T		188/		
قر دامن Kardamon	Lepidium sativum L.	L.sativum	۲ ۱۸٥/	حرف الأحمر	حب الرشاد- ثقا
تلسفی Thalaspi	Lepidium campestris R.Br.	Thlaspi bursa-	۲	نوعی از حرف	اشبرون (اندلس)
Thataspi J		pastoris L.	187/	توحی از حوت	ر در
دارابی Drabe	Lepidium draba L.	L. draba		حرف المشرقي	أحراز (صقالبه)؟
	Sisymbrium officinale	Sisymbrium	۲	تُوذری توذَرنج	صـــوب - شــــندله
اروسيمَن	Scop.	polyceratium L.	144/	تودری تودریج	(اندلس)- أوروسيمنو
Erusimon	Piper aromaticum Lamk.	Piper nigrum L.			<b>J J J J J J J J J J</b>
باباری Peperi				فُلْفُل	
أوذروبابارى	Polygonum hydropeperi L.	P.hydropiper		فُلْفُل الماء	
Hudropeperi					
زنغباری Zingiberi	Zingiber officinale Rosc.	Z. officinale		زنجبيل	
بطرميقى	Achillea ptarmica L.	Beranthemum			به معنای معطس بر
برنین Ptarmike		Annuum			گرفته از بطرموس
المطروثيون سطروثيون	Saponaria officinalis L.	S.officinalis	7		تاغیغیت (بربری) -
			197/		تاطیعیت <i>(بربری) -</i> قوللیه - کندش
Struthion	Cyclamen europaeum L.	Cyclamen graecum	۲		عوطنثا- ركف -
فُقْلامينوس	Cyclamon curopacum D.	Greek cyclamen	198/	بخور مريم	عرطنثا- رکف - خبزالقُرود (آفریقا)
Kuklaminos		-			حبزالفرود (افریفا)

	- to at:	نام علمي	شماره	نام عربي	ساير نام ھا
نام لاتینی	<b>نام علمی</b> (از ابراهیم بن مراد)		تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)
(ابن بیطار، دیسکورید)	( 3.0.6.5.3)	(Roberth از	İ	رار بیل بیسار،	
فقلامينوس اخر	Lonicera caprifolium L.	Cyclamen	۲	صريمه الجدي	ماطَرشالبه (لاتینسی)
1		Hederifolium	190/	(اندلس)	بــرگــردان عربـــى:
Kuklaminos helera				سلطان الجبل	امالشُّعراء – أفَلْــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
					اَدار (نامی بربسری به
					معناى سلطان الجسل)
					رای مُنــــت
			ĺ		(لاتینی)(رای به معنای
			İ	i	سلطان و منست ب
		A 41			معنای کوه ) به معنای لوف الحیه
دراقًنطيون	Arum dracunculus L.	A.dracunculus	\ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \ \	لوف الجعد –	به معنای لوف الحیه اصاره (مغرب
Drakontion			'``'	فيلجوش	اصاره (معرب) صَراخه
		ľ			)عبرات (اندلس)غرغنيتَه
					(لاتيني)
Dualiantian		Arum maculatum	۲		
Drakontion Mikron			197/		<u></u>
أأرن Aron	Arum vulgare L.	Arum dioscoridis L. Cuckoo-Pint		لوف السبط	صاره – أيرنى
أأريصارُن	Arum arisarum L.	A. arisarum		لوف	از انواع سه گانه لوف
Arisaron					ذريره (مصر)
Asphodelus		Asphodelus ramosus	۲		
		Asphodel	199/		
بلبوس Bolbos	Muscari comosum Mill.			بصَل الزَّاز	
Bolbos Edodimos		Hyacinthus comosus	T T··/		
Bolbos		Ornithogalum			
Emetikos		Stachyoides			
	Scilla maritima L.	Bulbus vomitorium S. maritima	7	أشقيل - عنصل	بصل الفار – بصل
سقيلًا	Soma martima E.		T+T/	- عَنْصلان - عَنْصلان	الفار بصل الخنزير
Skilla					(مغرب) أكُقيل
					(بربری)
بنقراطيون	Pannkratium maritimum L.	P.maritimum	۲		نوعى بصل العنصل
	·	Scilla pancration	Y+Y/		
Pankration	Capparis spinosa L.	Nym. C. spinosa	۲ ا	کبر	چیزهائی که در ریشه
قَبارِس	ppmio opinoou D.	<b>.</b>	T+E/	ا جر	آن یافت می شود را
Kapparis					أصَف گويند. ميوه :
				ļ	دنقلح صنص
ليبيديون	Lepidium sativum L.	Lepidium latifolium		عَشْبه السلطان	صَلَص
		L.		(مصر)	
Lepidion	Ranunculus asiaticus L.	Ranunculus acris L.	۲	كَفُ الكلب و	دارای چهار نسوع
بطراخيون			7-7/		بسرگردان عربسی آن
Batrakhion		:		كف الضبع (مغرب)	مُنفُدُّعــى- كَبيكـــج
1			1	ا /عدرب،	(سریانی)

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمی	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth از	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
		۲ ۲۰٦/	Ranunculus lanuginosum L.		Batrakhion Eterin
-			Ranunculus muricatus L.		Batrakhion
			Ranunculus aquatilis		Triton  Batrakhion
			L.		Tetarton
أرجاموني(جالينوس)	شقائق النُعُمان	۲	A.coronaria	Anemone coronaria L.	أأناموني
	شَقر	Y•V/			Anemone
نوع دوم شقائق	أرجامونى	۲	Thalictrum flavium	Anemona hortensis L.	أرغاموني أغريا
النُّعمان		Y+A/ Y	Agrimonia eupatorium		Argemone
		Y+A/ Y Y+9/	A.arvensis	Anagallis arvensis L.	أناغلس
					Anagallis
		Y Y•9/	Anagallis coerulea		Korkoros
بِنْكُه- بعضى از	لبلاب الكبير	۲	H.helix	Hedera helix L.	تسوس Kissos
انواع آن به نام أحمل	حبل المساكين	T1+/			
یا عصبه – پذره طوماغا به معنای			C.majus	Chelidonium majus L.	<u> </u>
طوماعا به معنای بزرگ			C.majus	Chendomum majus L.	خاليدونيون طوماغا
برر ــ . به معنای				:	Khelidonion
دواءالخطاطيف					to maga
	نوع دوم طوماغا		Ranunculus ficaria L. Lesser celandine		خاليدونيون
	است .				طومقرن
					Khelidonion to mikron
عين الهدهد و باذَرود	آذان الفارالرومي	۲	Lithospermum	Myosotis palustris Lam.	بنتوقُس أوطا
ا (أفريقا)		418/	purpurea-coeruleum		Muos ota
طين الاخضر - عين الاخضر	نيل - نيلج	T T10/	I. titictoria	Isatis titictoria L.	أساطيس Isatis
	نیل بری	Y Y17/	Isatis lusitanica		أساطيس أغريا
	11 · ·	۲.	C.minor.	Cerinthe minor L.	Isatis agria
	حشيشه البرص	4 417/	C.minor.	Cermine minor L.	طيلاڤيون
بشلشكَه (لاتبني)	دواءالحيه كوشاد	٣/٣	G.lutea.	Gentiana lutea L.	Telephonion
بسنسخه رد نینی	دواءالحیه توساد	',' '	Gilatou .	Continua ratea E.	جنطيانا
این نام یکی از شهر				Polyporus officinalis Fr.	Gentiane أغاريقون
بین دم یعنی بر سهر های روم به نام أغارقَه					•
است .					Agarikon
دارای سه نوع است .	زراوند	٤/٣	Aristolochia pallida Round Aristolochia	Aristolochia Sp.	أرسطولوخيا
· مسمقار (بربری ) : تَـَـَــ (انستا)			Tours Institution		Aristolokheia
بَرَستم (افريقا)					

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمی	نام علمي	نام لاتینی
از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
3 0.( 3 /	, J		(Roberth )		
		٥/٣	Aristolochia		Aristolochia
			Parvifolia Sm. Aristolochia		Makra
			Sempervirens L.		
			Aristolochia boetica		Aristolochia
					Klematitis
عصاره آن بــه لاتينــى	عودالسوس	۷/۳ تصویر	G.glabra	Glycyrriza glabra L.	غلوقيريزا
مندیله به معنای پــاک		گویا			Glukurriza
کننده سینه است .		نیست			
مَتْک	- 1 · 1 · 6		C.centaurium	Centaurea centaurium L.	121 1 2 1 2
	قَنْطوريون الكبير		C.centaurum	Centaurea centaurium E.	قَنْطوريون طوماغا
					Kentaureion
جنتوریه (لاتینی) –	قاطب أدرا الدقية	3/8	E. centaurium	Erythraea centaurium Pers.	to mega قَنْطوريون طُو
جسورية (ديسي) قصه الحيه (مغرب) –	قنطوريون الدقيق			•	ليطُون لو
مَكَينَسه (اندلس)-	فطوريون طومقرون				1
طَريطُر(مايَرقا)-	طومفرون (طومقرون به				entaureion to lepton
أجيلَيه (رومی) ۔	1	l '			lepton
عزيرا	معنای کوچک				]
	است.)			At the state of th	
داد الابيض (مغرب)			A. gummifera	Atractylis gummifera L.	خامالاون لوقُس
بشکرانیه و					Kamaileon
شجرالعلک و محقیره					leukos
(اندلس) بشــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	No. No. of		C.corymbosum	Cardoptium corymbosum	خامالان مالس
بســــــــــــــــــــــــــــــــــــ	داد الاسود		C.cory moosam	pers.	
داد الوحيسد و وَغُسـد	(مغرب)				Kh.melas
(آفریقا) زیرا با رویش					
أن گياهان اطسراف أن					
از بین می رود.					
تيمط و تيمق (اندلس)	رُعی	۱۲/۳	Echinops	Carduus pycnocephalus L.	فروفوديلاون
فروفوذِيلًــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	الحمير (اندلس)		sphaerocephalus		Krokodeileon
(جالينوُس)					
به معنای عطشان	1 0	۱۳/۳	Dipsacus sylvestris Mill.	Dipsacus fullonum L.	دبساقوس
است .	مشط الراعى				Dipsakos
شوكه البيضاء	بادَاوَرد	18/8	Echinops lanuginosus	Picnomon acarna Coss.	أقنثالوقى
(برگردان عربی آن)			Acacia albida Cnicus acarna		Akantha
					leuke
شوكه العربى	شكاعا	10/8	Onopordon	Onopordon acanthium L.	أقنثا أرابيقى
(برگردان عربی آن)			Arbicum L.		Akantha
			<u> </u>		Arabike
كَصَف (اندلس)	حرشف البرى	۱٦/٣	S.hispanicus.	Scolymus hispanicus L.	سقولومس
					Skolumos
	6		Astragalus creticus	Astragalus poterium L.	بطريون Potirrion
L		<u> </u>	Lam.		

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	(از Roberth)	(از ابر اهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
	_		(Robertary)		
وجه تسمیه بــه رأس	رأس الشَيخ	۱۸/۳	Onopordon illiricum		أآقْنيثون
الشيخ : روئيـدن گــل	نوعى شكاعي		L.		Akanthion
های سفید در وسط					
گل آذین آن می باشد.					
قنارِیه (مغرب)	حرشف البستاني			Cynara scolymus L.	أأقنئس
	كَنْكَر				Akanthos
		19/4	Acanthus spinosus		Akantha
		24 124	Acanthus mollis		Erpekantha
		۲۰/۳	Silybum syriacum		Akantha Agria
مرر (مصر)	زريعه الابليس		Ononis antiquorum	Anonis antiquorum L.	أانونشAnonis
	رریت ادبیس		Ononis arvensis L.		711101115
گیاهی خاردار	9	22/2	Cirsium tuberosum	Cnicus tuberosus L.	لوقاقنثا
					Leukakantha
صمغ: كثيراء	شوك القَتاد		Astragalus aristatus L.	Astragallus tragacantha L.	طر اغاقنثا
					Tragkantha
جنت قابظُه، ببراطه به	شوكه السوداء	/٣	Eryngium planum L.	Eryngium campestre L.	أير نْجي
معنای شوک المَفَلْفُل	شوكه اليهوديه	78	2.78		
- قَرصَعنَه (سربانی)					Erunge
	شوكه الزرقا			A1	
صباره صابره	شجره الصبر	Y0/ W	Aloe vulgaris Lam.	Aloe vera L.	ألويى Aloe
نَشَانُسَه (لاتيني )	افسنتين		Ar.absinthium	Artemisia absinthium L.	أوبشنثى
افسسنتين ســـاحلي =	كشوث الرومى		Artemisia pontica		Apsinthion
شَيب العُجوز					
		۲۷/۳	Artemisia maritima		Apsinthion
		<u> </u>	Artemisia palmata		Thalassion Apsinthion
			Artemisia painiata		Triton
					Santonion
١ -شيح الارمنى	شيح			Artemisia maritima L.	ساريفون
۲ – شيح البحرى					Seriphon
دارای دو نوع نر و	قيصوم	79/T	A.abrotonon	Achillea fragrantissima Sch.	أبروطنون
ماده	,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,			Artemisia abrotonon L.	Abrotonon
	زوفای یابس	T+/T	Thymbra stricata Hor.	Hyossopus officinalis L.	أسوفون
	1 7 7 7 7 7		تصویر مربوط است به		Hussopon
ابن بیطار در نقدی این گیاه را	1 1	T1/T	Origanum Lirium L.stoechas	Lavandula stoechas L.	
استطوخودوس ندانسته و آن	اسطوخودوس	' ''	2.5000011110		ستخادس
را معادل نام لاتینی برب قشوشکه می داند و مسی					Stoikhas
فشوشکه می دانند و مسی کوید : رویشگاه این گیاه در					
اندلس و شبهرهای مغیبرب					
بوده و گیـــاهـی کــه درمنــاطق محل زندگی او می روید		1	1		
حلحال سميره -					
حلحال سميره -	<u> </u>	<u> </u>			1

ريد (از ابر اهيم بن مراد ) (از ابر اهيم بن مراد ) (Roberth jl) (از ابن بيطار) (اندلواع ابيض و معنر الدورة المناز الدورة المناز الدورة المناز الدورة ا	iganos kleotike
المعتورية (الراى الحواع البيض و الراى الحواع البيض و الراى الحواع البيض و المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود وملوكي و صعتر المود المود وملوكي و صعتر المود الم	ورينائس يرقلاأوطيا riganos kleotike riganos onitis riganos riganos deotike عليجن دنطمنن
الدود وملوكي و صعنر var. megastachyum  النوا كه همان خوزي النوا كه همان خوزي النوا كه همان خوزي على است فودنج جبلي المت المودنج جبلي المت المودنج جبلي المت المودنج جبلي المت المودنج المتعلق المتعل	يرقلاأرطيا riganos kleotike riganos onitis riganos riganos kleotike عليجن دنطمنن
است فودنج جبلی است فودنج جبلی استوانی و مستری النوا که همان خوزی النوا که همان خوزی (Ori Herak    ۱۹۳۱/۳   Origanum onitis L. Origanum sipyleum L.	يرقلاأرطيا riganos kleotike riganos onitis riganos riganos kleotike عليجن دنطمنن
است فودنج جبلی  Tragor  (است فودنج جبلی است و است فودنج جبلی است فودنج جبلی است فودنج جبلی است و است فودنج جبلی است و است فودنج جبلی است و است	riganos kleotike riganos onitis riganos riganos kleotike البحن المادة دنطمنن
## Herak  ## Origanum onitis L.  Origanum sipyleum L.  Origanum vulgare  ## Agrior  ## Thymus graveolens Bieb.  Origanum majorana L.  Origanum majorana L.  Origanum vulgare L.  var. megastachyum  ## Mentha pulegium var. erecta  ## Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum vulgare L.  Origanum dictamnus L.  ### Origanum vulgare L.  O	kleotike riganos onitis riganos riganos riganos deotike المحنة
Origanum sipyleum L.  Origanum vulgare  Thymus graveolens Bieb. Origanum majorana L.  Origanum vulgare L. var. megastachyum  (مصر) المعانية المعان	onitis riganos riganos riganos kleotike on نجلخن
Thymus graveolens Bieb. Origanum majorana L.  Origanum vulgare L. var. megastachyum  (مصر) المراب	riganos riganos riganos kleotike on غلیجن
Tragor  Tragor  Tragor  Tragor  Tragor  Tragor  Tragor  Origanum majorana L.  Origanum vulgare L. var. megastachyum  Mentha pulegium var. erecta  Origanum L.  Glekhor  Tragor  Origanum vulgare L. var. megastachyum  Mentha pulegium L. Glekhor  Toriganum dictamnus L.  Tragor  Origanum vulgare L. var. megastachyum  Origanum dictamnus L.  Dikta  Dikta  Tragor  Origanum dictamnus L.  Dikta	riganos riganos kleotike ملیجن دقطمنن
Bieb. Origanum majorana L.  Origanum vulgare L. var. megastachyum  (اندلس)(مصر) بلایه (اندلس)(مصر) برای مشکطرامشیع بری بلایه (اندلس)(مصر) برای سه نوع است:  TT/ T Mentha pulegium var. erecta  O. dictamnus  Origanum dictamnus L.  Origanum L.  Glekhor var. erecta  O. dictamnus  Origanum dictamnus L.	iganos kleotike غلیجن n دقطمنن
Origanum majorana L.  Origanum vulgare L. var. megastachyum  (اندلس)(مصر) بلایه (اندلس)(مصر)  (اندلس)(مصر) بلایه (اندلس)(مصر)  (اندلس)(مصر) بلایه (اندلس)(مصر)  (اندلس)(مصر) بلایه (اندلس)(مصر) بلایه الایلی به عربی به عربی به عربی به عربی به مسلی غیره الائلل ۲ - الاتینی) به عربی به مسلی مشکطرامشیغ ناست.	<u>kleotike</u> غلیجن n غلیجن دقطمنن
Origanum vulgare L. var. megastachyum  (اندلس)(مصر) بلایَه (اندلس)(مصر) بلایَه (اندلس)(مصر) بلایه بری الایه (اندلس)(مصر) بلایه الایلی المصر المی المی المی المی المی المی المی المی	<u>kleotike</u> غلیجن n غلیجن دقطمنن
المسترد بالاته المسترد المست	<u>kleotike</u> غلیجن n غلیجن دقطمنن
المشكَطُرامشيع داراى سه نوع است:  المشكَطُرامشيع داراى سه نوع است:  المشكَطُرامشيع داراى سه نوع است:  المست. خيالي فودنج التيسى الابني ) به عربي به على غيره الأيل ٢ - الابني ) به عربي به الست. المستان غيره الأيل ٢ - المشكل مشكطرامشيغ المستان مشكطرامشيغ المنان به معناى مشكطرامشيغ الخاب نام وبكر آن:	دقطمنن
تصویر ا - بلایت جزیونی التیسی ا - بلایت جزیونی الاتیسی ا - بلایت جزیونی الاتیسی الاتیسی الاتیسی الاتیسی الاتیس ال	•
خيالی (لاتينی) به عربی ب معنای غيره الأيّل ۲ – است. معنای غيره الأيّل ۲ – است. معنای مُدره الأيّل ۲ – است. معنای مشکطرامشيخ معنای مشکطرامشيخ کاذب نـام دیگر آن:	•
است. معنای غبیره الأیّل ۲ – است. معنای غبیره الأیّل ۲ – انست. انسودودفطنش بــه انسودودفطنش بــه معنای مشکطرامشیغ کاذب. نــام دیگـر آن:	amnon
ممتای عبره الایل ۱ - فسای عبره الایل ۱ - فســودودفطنتُن بــه ممتای مشکطرامشیغ متای مشکطرامشیغ کاذب. نــام دیگـر آن:	
معنای مشکطرامشیخ کافب نام دیگر آن:	
کاذب. نــام دیگـر آن:	
1 1 1	
ا ناس جددهٔ طالفُن عما	
- Lungsey-man       Lungsey-man	
معناى مشكطرامشيغ	
زُوری ۳ – الاقْريطی	
۳۸/۳ Marrubium Pseudo	odikta
Salvia officinalis pseudodictamnus	mnos
Ballota Dikta	amnos
pseudodictamnus Be.	Allo
	ألالسفاقس
البيه (لاتيني) Salvia cyanescens (برگردان عربي شالبيه (لاتيني) Elelispt	hakon
أن)	
ن نعنَع Mentha piperita Smith.	أيدياسمز
Heduo Heduo	osmon
11/7 Mentha sativa L. Eduo	osmon
1 444 M 1 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4	meros
1 1	osmon
35	Agrios
Thymus barrelieri Spreng.	قالامنتي
Thymus nepeta Sm. Kalam	ninthe
التمساح ، جبلسي بـه	
نام نابطه (اندلس)	
Thymus capitatus L. Thumos معتر العمير(اندلس)	 ثومش s

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth ji)	(از ابراهیم بن مراد)	(ابن بیطار، دیسکورید)
شطریه (اندلس)	صعتر الفارسي	٤٥/٣	Satureia thymbera Micromeria juliana Bent.	Satureia hortensis L.	ثمبرThumbra
برگرفته از نام لاتینــ ی	نمام	٤٦/٣	Thymus sibthorpii Benth.	Thymus vulgaris L.	أرْفلس
أرْقَى كه هممان دبيب ونمام است	·		Dentii.	Thymus serphyllum L.	Erpullos
أنجرى- مسرددوش	مرزنجوش	٤٧/٣	O.majorana	Orgianum majorana L.	صَمصوخن
(اندلــــــــــــــــــــ)- ملـــــول- عَنْقَز	سمسق	نامشخ ص			Sampsukhon
دارای چهار نوع است	أكليل الملك		Trifolium officinalis	Melilotus officinalis Lam.	ماليلوطس
۱: - و ۲ - قرنسج			Willd. Trifolium italicum		Melilotos
(اندلس)۳ – معقْسرَب			Boiss.		
٤ مدرهــم الـــورق			Trigonella graeca Boiss.		
دارشاه (فارسیی) شجره الحَب (أفريقا)					
المائت، (لاتيني)-	نمام بری			Thymus glaber Mill.	سيسنبرون
اسيسنبر	٠٠٠ / ٠٠٠				Sisum brion
تصویس مربوط ہے	مرماحوز	٤٩/٣	Trifolium sipyleum	Origanum marum L.	Maron مارون
.Hypericum sp.	,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,,			_	00350
حبق القرنفلي - أصابع	فرنجمشك	٥٠/٣	O.pilosum	Ocium pilosum	أاقينُس Akinos
الغَتَيات - قلثمان			_		
	قرنفليه(اندلس)		Conyza squarrosa Gnaphalium sanguineum Sp.	Baccharis sp.	بقْخارس Bakkharis
دو نام متفاوت بــرای				Peganum harmala L.	فيغانن
ایسن گیساه ذکسر شسده				برى Ruta montana L. Ruta graveolens L.	Peganon
یکسی سداب بسری و				G- , reduce graveorons E.	
بســـتانی و دیگــــری					
أسفند يا حرمل		٥٢/٣	Ruta graveolens		Peganon To Kepaion
		٥٢/٣	Ruta montana		Peganon To oreinon
		٥٣/٣	Peganum harmala	_	Peganon Agrion
نوعى بلبوس		٥٤/٣	Allium dioscorides Si.	Allium moly L.	مولی Molu
ریشه: بسرورا —	جاوشير	٥٥/٣	Opopanax hispidus Gr. Ferula opopanax	Opopanax chironium Koch.	فاناقس أيرقليون
برگردان نام لاتینسی آن			Spreng.		Panakes
به عربی)			E.tenuifolia	Echinophora tenuifolia L.	Herakleion
نمام اولیمن شمخصی اسمست کمسمه أن را	زُوافرا		Ferula nodosa Benth.	Воннорнога тепинона В.	فاناقَس أسقُلبيوس
شناسائی کرده است.					Panakes Asklepion
نام اولین شخصی است که آن را					فاناقس خيرونيون
است که آن را شناسائی کرده است.					Panakes Kheironion
ساسانی ترده است.					Kucironion

نام لاتيني	نام علمي	نام علمي	شماره	نام عربی	ساير نام ھا
رابن بیطار، دیسکورید)	(از ابراهیم بن مراد )	(Roberth از	تصوير	(از ابن بیطار)	(از ابن بی <b>ط</b> ار)
-		(Robertary)			
ليقسطيقون	Levisticum officinle Koch.	Liserpitium siler L.		كاشَم	زرغد (انطالیا)
Ligustikon					
اسطافالينوس	Daucus carota L.	Daucus guttatus Sibt.	٥٩/٣	جزرالبري دوقوا	جزرالبستاني
أغريوس					
Staphulinos					
agrios Staphulinos		Daucus carota L.	٥٩/٣		
Kepaios					
ساساليوس Seseli	Seseli tortuosum L.				دارای سه نوع است .
Sesel		Echinophora	٦٠/٣		
Massaleotikon		tenuifolia L.			
Sesel	"	Bupleurum	٦١/٣		
aithiopikon		fruticosum L.  Angelica sylvestris L.	٣		
Sesel Peloponnesiakon		Myrrhis odorata Scop.	۱ ۱		
طرزيلن	Tordilium officinale L.	T. officinale	•••	نوع چهارم	بَقُولُ الشعالُ (اندلس )
		·		سوع پهرم اساليوس به نام	(زیسرا بسرای درسست
Tordilon					کــردن أتـــش از أن
				اقريطى است .	استفاده می شود.
سينون Sinon	Sison amomum L.	S. amomum		ę.	
	Pimpinella anisum L.	P. anisum - Anise	٦٥/٣		حبّه الحلوه (اندلس)
أانيسنAnesson	i impinena amsum E.	i . amsum - Amsc	(0,1	انيسون	حبه الحلوة (الدلس)
				رازیانج روم <i>ی</i>	
				كَمون الحلو	
قاروا Karo	Carum carvi L.	C.carvi		كرويا بستانيه	تصوير ممكن است
				كَمون الارمنى	مربوط به :
					Ammi majus باشد
Anothon: vii	Anethum graveolens L.	A.graveolens		شبت	أنبط (لاتيني )
أنثيون Anethon	7 medium graveorens E.	7 i.graveoiciis		سبب	ابیط روییی ) اسلیلی (بربری)
	Cuminum cyminum L.	C.cyminum	79/7	à Ni à Le	کمون الملوکی
	Samman Ojimmani D.	2.27	'"		دمون الملودي (دياسقوريدس)
Kuminon				كمون الكرماني	(
Emeron	Lagoecia cuminoides L.	L.cuminoides	٦٨/٣	كمون البرى	تصویر از
قيمينون أغْرِيون			, ,,,,,		Centaurea sp.
Kuminon				(برگردان نام ده	
agrion		<u> </u>		لاتيني)	
أامى Ami	Carum copticum Benth	Ammi visnaga	٧٠/٣	ا نانخواه	كمون الحبشى التينيا
		C			(سریانی)
قوريون Korion	Coriandrum sativum L.	C.sativum	۷۱/۳	كُزْبره	دانه : تَقْده
Koriannon					
Ierakion		Arnopogon picroides	۷۲/۳		
		Coorgonary alamasta			
		ocorzonera elongata	¥ F / F		
Ierakion Mega Ierakion Mikron		Scorzonera elongata	VT/ T		THE WE

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth jl)	(از ابر اهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
	2 2		(Robertin)		
اوشالينُن - كرفسس	كرفس البستاني	٧٤/٣	A. graveolens L.	Apium graveolens L.	سالينوس قيفاوُن
المسائي - كرفسس					Selinon
الاجامي (مغرب)					kepaion
			Ranunculus repens L.		Selinon Agrion
		Y0/ T	Apium graveolens		Eleioselinon
	• .		Marsh Celery	<u> </u>	
اورا به یونانی به	كَرفْس الجبلى	٧٦/٣	Petroselinum sativum تصویر ممکن است مربوط باشد به:	Peucedanum oreoselinum	أوراسالينون
معنای کوه و سالینن			Poterium sp.		Oreoselinon
به معنای کرفس است					
			Athamanta	Carum petroselinum Benth	
بطرا به یونانی به	كرفس الصخر		macedonica Spreng.	& hook.	بطراسالينون
معنای صخره می			maccacinea opiong.		Petroselinon
باشد .					
یخصص (بربری) ،	كرفس العظيم		Smyrnium olusatrum Alexanders	Smyrnium perfoliatum L.	أفُوسالينون
أجبرنى			Alexanders		Hipposelinon
	کرفس بری	٧٩/٣	Smyrnium dioscoridis	Smyrnium olusatrum L.	سمرنيون
					Smurniun
راعیاذیلا (سریانی)	رعى الأثيل	۸٠/٣	Pastinaca graeca	Echinops spharocephalus L.	ألافوبشقن
	J. J.				
					Elaphobosko n
برهليا- شمار - شمور	رازيانج البستاني	۸۱/۳	F.vulgare	Foeniculum vulgare Mill.	مارثون
					Marathon
به معنای شمار		۸۲/۳	Prangos ferulacea L.	Hippomarathrum libanotis	أفومار تُن
العريض است .				Koch.	Hippomarathon
	رازیانج بری				مارَثون أغريون
دارای سه نوع است .			Atcretensis	Athamanta L.	دُوقُس Daukos
			Daucus carota	Peucedanum cervaria L.	203
			S.ammoides L.	Seseli ammoides L.	
		<b>λ</b> ξ/Υ	Delphinium peregrinum		Delphinion
	- VIII		Delphinium consolida		Delphinion
					Eteron
		۸٦/٣	Anthemis pyrethrum تصویر مربوط به	Anacyclus pyrethrum DC.	فرثرون
			Oenanthe:		Purithros
سه نوع است	كندريات		C. libnotis	Cachrys libnotis	ليبانوطس
			F.nodiflora Prenanthes purpurea	Ferula nodiflora L.	Libanotis
تافیفرا (بربری)	كَلْخ الدلْبي	9./4	H.spondylium	Heracleum spondylium L.	سفنذوليون
	ال ال				Sphondulion
نارتكس - شجر القنا	كَلْخ الكبير	91/8	F.communis	Ferula communis L.	ighter in a spinoridation.
]					
يربطوره (لاتيمي )	أنْذَراسُيون	۹۲/۳	P. officinale	Peucedanum officinale L.	Narthekos
1	الدراسيون	''''	1. Officinale	. Coccamian ornellate D.	فوقاذانن
یربطور (مغرب)- جاهبتک					Peukedanon
جاهبتك	L	<u> </u>	<u> </u>	<u> </u>	<u> </u>

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	1	از ابر اهیم بن مراد )	ابن بیطار، دیسکورید)
	ار بی بیدر،		(از Roberth)	( 3 3, 1, 3, 3,	(ابن بیطار، دیسخورید)
شمیت مورس(لاتینی)	شونيز	۹۳/ ۳	N.sativa	Nigella sativa L.	مالينثيون
زريعه السوداء – حبه	كَمُّون الاسود				Melanthion
الاسود					Miciantinon
شجره الحلتبت	أنجدان		Ferula tingitana L.	Ferula assafoetida L.	سلفيون
					Silphion
شاكَه بانَّتُه ( نامي	سڭبينَج		Ferula persica Willd.	Ferula scowitziana DC.	صاغابينن
لاتینی به معنای					Sagapenon
خارج کننده باد.) تاکوت (بربری)	,		Euphorbia L.	Eunharhia I	
ناهوت (بربری) لوبانه مغربیه (مصر)	فربيون		Euphorbia L.	Euphorbia L.	أفُربيون
خَلُواني (انطانيا)	_		Formula formula as I	Family as the side of Dairy of	Euphorbion
خلواسی (انطانیا) بارزُد (فارسی)	قنه		Ferula ferulago L. Selinum galbanum	Ferula galbaniflua Boiss. & Bush.	خَلْبانی
باررد (درسی) غُته (لاتینی)		0.1.1.00			Khalbane
عته (لاتينى) لزاق الذَهب	أشَق – وشَق م م م م م	۹۸/۳	Ferula orientalis L. Ferula tingitana L.	Dorema ammoniacum Don.	أمونياقُن
	أُشَج – وُشَج				Ammoniakon
سرفغلین (رومی)	عنزُروت		Penaea sp.	Astragalus sarcocolla L.	صَرقوقلًا
كُحل فارس	انزروت				Sarkokolla
			Glaucium corniculatum Curt.		Glaukion
			Viscum album L.or		Ixos
			Loranthus europaeus		
به معنای دوست دارنده صاحب خود	مصفى الرّعاه	۳ ۱۰٤/	G.aparine or Galium verrucosum	Galium aparine L.	أفاريني Aparine
بيض العنكبوت	(اندلس) –	, ,,	Sm.		
	حشيشه الافعى				
به معنای مفید برای گزیدگی سگ	ļ	۲۰۰/	Alyssum clypeatum	Alyssum saxatile L.	ألوسن
دزید دی سای					Alusson
	؟ قُنابرى	۳ ۱۰۳/	Cynanchum vincetoxicum Pers.	Asclepias vincetoxicum L.	سقليبياس
					Asklepias
مرزجون (لاثینی)	عَصْفر البرى	۳ ۱۰۷/	C.lanatus Atriplex hortensis L.	Carthamus lanatus L.	أطر قطولس
					Atraktulis
به معنای پایسه های		۲۳	C.vulgare L. Melissa clinopodium	Clinopodium vulgare L.	قْلينوفوذْيون
تخت					Klinopodion
شاید تصویر مربوط	أمريه و شجيره	۳	Mentha arvensis L.	Zizyphora capitata L.	فولو قْنيمن
Stachys: باشد به sp.	ومشكرون	1+4/			Poluknemon
مهد (ساحل غزه)	عرطنيثا	٣	Leontice	Leontice leontopetalum L.	<u> </u>
عَسلج (اهل مشرق)	ر . (اسم مشترک)	11+/	chrysogonum L.	•	Leontopetalo
	, ,				n Leontopetato
یربه اشیباینی بسه	كَمادَريوس	٣	T.flavum or	Teucrium flavum L.	طوقريوس
معنــای گیــاه طحـــــال	کَمادَریوس النَعنعی	111/	Veronica teucrium		Teukrion
است		تصویر همانند			_ 3 3
		تیره نمناع			
		نیست با			

ساير نام ھا	نام عربي	شماره	نام علمي	نام علمی	نام لاتيني
از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth از	(از ابراهیم بن مراد)	(ابن بیطار، دیسکورید)
			(Robertin)		133 1 3 1 5.1
به معنای خیری جبلی	نوعی خُزامی		L.maculatum	Lamium maculatum L.	لوقاس الجبليه
است زیرا برگردان					Leukas
لوقاس ، خیری است .					Dearus
به معنای بلوطی است	كَماذريوس	٣	T.chamaedrys	Teucrium chamaedrys L.	خامادَريوس
زیرا خاما به معنای		117/			Khamaidruos
رمین و درس به					
معنای بلوط می باشد					
		118/	L.coronaria	Lychnis coronaria Desf.	لخنيس الاكليليه
		112/			Lukhnis
					stephanomatik
	خُزامی	٣	A.githago	grostemma githago L.	<u>e</u> گخنیس أغریا
	الرسي ا	110/			
					Lukhnis
	گل سوسن سفید	٣	L.candidum	Lilium candidum L.	agria قرينُوصواسينُن
	و رازقی	117/			Krinonsusino
					Krinonsusino
مرویه بَنْتُوشه (لاتینی)	نوعى فراسيون		B.nigra	Ballota nigra L.	بلُوطی
	سیاه رنگ		Lamium striatum Sib.		Ballote
بادرنجبویه- باذر تُبویه	ريحان الترنجي	٣	M.officinalis	Mellissa officinalis L.	ماليسوفلن
	ریا ۵۰ سر – بی	114/			
شجره الكلاب (سگ	فَ اسبون الابيض	٣	M.vulgare	Marrubium vulgare L.	Melissophullon
ها بسیار پای آن بول	مرويه الابيض	114/	<i>G</i>		براسین Prasion
می کنند.)	مرویه ادبیس سنار				
شجره سنديان الارض	,r				
أنوشه (لاتيني )	قاره (اندلس)زيرا	٣	Stachys palaestina L.	Stachys germanica L.	سطاخيس
	نوشيدن أن فــرد	14.			Stakhus
	را از خفقــــــان	نامشخ <i>ص</i>			Stanius
	نجات می دهد .	_		!	
اکثرا در دهانه های	ذَنّب الحدأه	٣	Scolopendrium	Phyllitis scolopendrium L.	Dhullitic 11 11
جاه ها می روید. چاه ها	دىپ ،ىحد.د	171/	vulgare		فليطش Phullitis
به معنای مفید برای		٣	Anthericum graecum	Phalangion ramosum Lam.	فالنجين
نیش رتیل می باشد.		177/	L.		1
		٣	P.bituminosa	Psoralea bituminosa L.	Phalangion
طَريقل (اندلس) —		177/			طريفلن
حشیشه الحمی (آفریقا)– حومانه					Triphullon
(افریفا)- خومانه دونوع سفید و سیاه	_ 1	۳ ا	T.polium	Teucrium polium L.	Dallar
دونوع شعید و سیه دارد فولیون (رومی)	جعده	178/	ponuiii	- vacriam ponum L.	بلوین Polion
دارد مولیون <i>اروسی</i> ثوم (زیرا بوی پیاز می	حافظ الأجساد	٣	T.scordium	Teucrium scordium L.	
i i	حافظ الاجساد حافظ الارواح	170/	- /	- January Devicement D.	أشقرذين
دهد )ثوم بری مطرقال - حشیشه	حافظ الارواح ا				Skordion
مطرقان – حسيسه الثوميه (اندلس)					
التومية /الدنس)					

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	_ ,	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
راز ابن بیطان	(ار ابن بیطار)	<b>3</b> 3	(Roberth از	( 3 3.1)	ر بن پیسره دیستوریس
دستوربه (اندلس)	حشيشه السعال		Tussilago farfara L.	Tussilago vulgaris L.	فيخين Bekhion
دارای انواعی است .	بلنجاسف		A.vulgaris	Artemisia vulgaris L.	أرطاماسيا
	برنجاسف				Artemisia
		7	Artemisia campestris		Artemisia
		177/			monoklonos
		٣	A.vulgaris		Artemisia
		177/			monoklonos
					Etera
			Artemisia arborescens		Artemisia
			Automicia comportatio	Ambrosia maritima L.	leptophullos
	نوعى برنجاسف	۳ ۱۲۹/	Artemisia campestris	Ambrosia manuma L.	أمبروسيا
:		113/			Ambrosia
	نوعي برنجاسف		Chenopodium botrys	Chenopodium botrys L. Ch. Ambrosioides L.	بطرس Botrus
نوعى رقعات	تُمار – جابرہ	٣	Geranium	Geranium rotundifolium L.	غارائين
	•	181/	Tuberosum		Geranion
		٣	Erodium malachoides		Geranion
		171/	Willd.		Eteron
	نضيه	٣	Santolina maritima	Gnaphalium L.	غنافليان
	-	188/		<b>'</b>	_
	. •		To losifelia	Toute letifelie I	Gnaphallon
	نوعى حلفاء	۳ ۱۳۳/	Ty.latifolia Typha angustata L.	Typha latifolia L.	طیفی Tuphe
بنْكه (لاتيني )		111/	Cynanchum nigrum	Circaeea Tourn.	Mintonia (T. 1
ینکه (لابینی)			Pers.	Circacca Tourn.	قرقا Kirkaia
		٣	Pedicularis tuberosa	Spiraea filipendula L.	أللتني
		140/	Vill.		Oinanthe
تُرهلا (بربری)-	A 21 11 A	٣	Inula viscosa Ait.Hor.	Inula conyzoides DC.	<del></del>
رهمر (بربری)- مشکینه (لاتینی ) -	شجره البراغيث	1777/	Inula saxatilis Lam.	mula conyzolacs De.	قُونيزا Konuz
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·			Inula britannica L.	i	
لبارده- طباق (اندلس)			*	TY	
زنبق (دمشق)	سوسن اصفر	۳	Lilium chalcedonicum	Hemerocallis flava L.	ايمارُوقالس
		177/	Charcedonicum		Hemerokallis
سه نوع است	خیری منثور	٣	Cheiranthus cheiri	Cheiranthus flava L.	كوقاين
·		۱۳۸/	Matthiola incana		Leukoion
-		٣	Cheiranthus		Leukoion
		174/	tricuspidatus L.		Thalassion
	حنطه البريه ؟	٣	P.persicaria	Polygonum persicaria L.	قر ااطاوعونون
		189/	Polygonum		
			hydropiper		Krataiogonon
	تافُورا ؟	12./	M.annua	Mercurialis annua L.	فیلون Phullon
قاتل اخیه (زیرا ریشه آن	خُصى الكلب		Orchis rubra Jacq.	Orchis morio L.	اُرْخس Orkhis
دو تائی بوده یکی پر از مسواد		1	Orchis papilionacea		
و دیگری چروکیده می باشــد			}		
ولی پسس از گذشت زمانی			1		
موقعیت آن هـا عـوض مـی شود					
سود		<u> </u>		<u></u>	_L

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمی	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth jl)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
سارافیاس (این اسم از	نوعی خصی		Ophrys apifera?	Orchis undulatifolia L.	أرخس آخر
نـام خدائـی از قبـــط	الكلب				Orkhis
مشتق شده است و بــه					heteros
معنسای بسسیار پسسر					
منفعت می باشد)				Outline anthonomboro I	
دارای دو نوع است.	خُصى الثَّعلَب		Ophrys sp.	Orchis anthropophora L.	ساطوريون
				0.1.1.1	Saturion
قومُنيون (جالينوس)	حب القلقل	۳ ۱٤٥/	Sa.horminum	Salvia horminum L.	أرمنين
قلْقال – قُلاقَلَى		/120 نامشخ			Horminon
		ص		Hedysarum L.	
به معنــای			Securigera coronilla DC.	Hedysarum L.	أيذيصارون
فأسىً يعنى بــزر أن			=		Hedusaron
دارای دو سر تیز چون نا ده					
فأسس می باشد. فلاقینس (به معنای					
فلاقیس (به معنای زبان )					
رجل الحمامه	خُس الحمار	٣	Onosma sp.	Onosma echinoides L.	أنوما Onosma
رِ بن العالم (اندلس)	عن العدار	184/	•		J
انوسما (جالينوس)					
لينوفر - نوفر	عروس الماء	٣	N.alba	Nymphaea alba L.	نيمفا
	قاتل النحل	۱٤٨/			Numphaia
	0 0		Nuphar luteum Sibth		Numphaia
					Alle
	ملاح ( به خـاطر			Androsace lactea L.	أندرصاقاس
كشْملَخ - كُشْمخَه	شباهت آن بــه				Androsakes
	رنگ نمک نے				
	طعم آن بسه ایسن				
	نام مشهور است				
	(.				
حشيشه الدروية و	السقولوفَنْدُرِيون	· · · · · ·	Gymnogramma	Scolopendrium vulgare Sw.	أسفلينُس
حشيشه الدُّردِيَّه و حشيشه الذَّهبيه(اندلس)	عَقْرَبان		ceterach (L.) Spre.		Asplenos
الذُّهبيه(اندلس)			ll		11501010
	اينونيطس ؟		Scolopendrium	Hemionitis L.	ايميونيطس
į.			hemionitis L.		Hemiontis
	9		C.cretica	Cressa cretica L.	Anthullis
V S 4 12		ļ	Ajuga iva Anthemis chia L.	Ebenus cretica L.  Anthemis nobilis L.	أنثمس
خَمامیلُن (یونانی ) (به			Andienns ema L.	Antionins noonis L.	
معنىاى تقــاح الارض است)	بابونک- بابونه				Anthemis
است) مستناله (لاتینی)(بسه					
مستاله (لا بیشی)ربسه معنای سیب می باشد					
معنای سیب می باسد زیرا بوئی شبیه به بوی		1			
ریر برتی سب به بری سب به بری سب دارد.)					
	<u> </u>	L	<u></u>		<u> </u>

4 4 4	r .		<u> </u>		<del> </del>
ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمی	نام علمی	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(از Roberth)	(از ابر اهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
			Anthemis rosea Sibth.		Anthemis Porphuranthes
			Anthemis tinctoria L.		Anthemis
		ļ			Melananthes
	أقحوان	100/	Pyrethrum parthenium	chrysanthemum parthenium Pers.	فَرثانيون •
نوعی بابونج –	بهار- عين البقَر	-	Anthemis valentina L.	Anthemis arvensis L.	Parthenion
ر می ۱۰رب اُملال (بربری) -		107/		indicates at vensis E.	بقثلمن
بيليو(لاتيني)	/بو فردان نام لاتینی)				Buphthalmon
كَـهنايا - ورد الحمـير	فاوينا		P. corallina	Paeonia corallina L.	غليقسيدي
(اندلـــس)(اســـم	عود الصليب				Glukuside
مشترک)					Paionia
دارای دو نوع نر وماده					Arren
است.					
			Paeonia officinalis		Paionia Theleia
به معنای بزر	قُلُب (زيرا بسيار	٣	L.officinale	Lithosoermum officinale L.	ليتُسفرمن
الحجرى است .	سخت و سفید	104/	Lathyrus aphaca		Lithospermon
شَخْفُراغْتُه (لاتبنى)	است )		Tourn. & L.		•
برگردان عربی آن:					
كاسر الحجر يا					
مَشظیه					
فاليورُس (جالينوس)	?	۳ ۱۰۹/	Phalaris canariensis Nutt.	Phalaris tuberosa L.	فالريسPhaleris
ٹاروبیا (بربری)	قُوه الصّبغ	٣	R.tinctorium	Rubia tinctorium L.	أارثرذائن
		171+/			Eruthrodanon
			S.lingua.	Serapias lingua L.	لنخيطس
					Lonkhitis
	رُقْعه الصخريه	٣	A.lonchitis	Aspidium lonchitis L.	كُنْخيطس آخر
	(اندلس)	174/			Lonkhitis
					hetera
ورد الزُوانی	خطمى	۳ .	A.officinalis	Althaea officinalis L.	Althaiaার্ডা
·	ملوخياالشجر خطمي البري	174/			
شَحم المروج			Malva alcea L.	Althaea rosea Cau.	آلثاا آخر Alkea
شادانق	قنّب- شَهْدانَج	۳ ۱۲۵/	Cannabis sativa	Cannabis sativa L.var. indica	قَنَّابِش Kannabis
قنَيبه (مصغر قنّب )	قنب البرى	٣	A.cannabina	Althaea cannabina L.	قَنَابش أغْريون
	شهدانج البرى	177/		r	Kannabis
					agria
ميوه: خَربوب الكلب	أمّ كلب	٣	A.foetida	Anagyris foetida L.	أناغرون
(اسم مشترک) حب ا الکُلی		174/			Anaguros
شجر حب الاسير (ابن	جوز القَطا		S.cepaea	Sedum cepaea L.	قيباً Kepaia
حُستان)	، رو (اندلس)	l		•	xchara in
<u></u>	.0				

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتینی
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير		از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
	9 0. 7		(Roberth از		(ابن بیطار، دیسخورید)
دَماسونيون	مزمار الراعى	٣	A.plantaga	Alisma plantaga L.	Alisma آلیسما
(جالينوْس) سنبل		179/			111131114 (444)
المَلوك-أَذُن الأِرْنَب					
	عنب الحيه	٣	Vicia onobrachioides	Onobrychis viciaefolia	أنوبراخيس
	(برگردان آن به	14./	Sanfoin	Scop.	Onobrukhis
	عربی)	مشكوك			Onobrukins
يَربه قرجنيره (	ļ	٣	H. barbatum	Hypericum barbatum L.	1
اندلس)(به معنای	زر ر. رد ذاذی الرومی	171/	Hypericum crispium	, , , , , , , , , , , , , , , , , , ,	أوفاريقون
عشبه القلب است	i		L.		Huperikon
بعنی دارای دانه ای	دارای چهار نوع				
قلبی شکل است .) -					
منسيه					
	نوع دوم		H.perforatum L.	Hypericum perforatum L.	Askuronاأسقيرن
	ھوفاريقون ھوفاريقون				استير ناده د د د د د د د د د د د د د د د د د د
بزرگترین نوع آن	نوع سوم		H.ciliatum	Hypericum ciliatum L.	أندرُ وسامن
	موفاريقون هوفاريقون				
أندروساقاس	نوع چهارم نوع چهارم		H.coris	Hypericum coris L.	Androsaimon
(جالينوس)	نوع چهارم هوفاريقون		11100113	Trypericum cons L.	قُورِس Koris
دارای سه نوع است .			A.chamaepitys	Aiuga ahamaanitus I	
دارای شه نوع است . صنوبری - اکلیلی -	صنوبر الارض		A.chamacphys	Ajuga chamaepitys L.	خامافيطس
فرفیری -	(برگردان آن به				Khamaipitus
کمافیطوس کمافیطوس	عربی)				
			Aiuga chamaepitys		Khamaipitus
	<u>.                                      </u>				Etera
			Passeina hirsuta L.		Khamaipitus
			D-4ii	0. 1 1	Trite
		۱/ ٤ نامشخ	Betonica alopecuos Ros.	Stachys betonica Benth.	قسطرن Kestron
		ص			
گفته شده بستان افروز	حَماض حسكى		Lythrum salicaria L.	Rumex brettanica L.	برطانيقي
است.					Brettanike
قصب الذهبى	عود الريح (اسم مشترک)(اندلس)	٣/ ٤	L.vulgaris	Lysimachia vulgaris L.	كوسيماخيوس
(اندلس)	(اسم			•	Lusimakheios
خُوخ الماء -خويخه	مشترک)(اندلس)				
فصب الربع راسم					
مشترک) (اندلس)					
به معنای ذَکَر(نر)	عصاً الراعي	٤/٤	P.aviculare	Polygonum aviculare L.	بلوغُونُن
است.		1			Polugonon
شبطباط خطری دعیا					arren
بطباط (سریانی)			***		
	نوع دوم		Hippuris vulgaris	Equisetum pallidum L.	بلوغائن
	عصا الراعى	İ			Polugonon
			···· · · · · · · · · · · · · · · · · ·		thelu

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	از ابن بی <b>ط</b> ار)	تصوير		(از ابراهیم بن مراد)	(ابن بیطار، دیسکورید)
3-1.0.37	() <del></del>		(Roberth از		0.1
غُوُدْيالُه (لاتيني)	?	٦/ ٤	Convallaria	Polygonatum officinale L.	فُلوغوناطن
			polygonatum		Polugonaton
قُضّاب (مصر)	نوع بزرگ عصا	٧/ ٤	V.minor	Vinca minor L.	فليماطيس
	الراعى				Klematis
	?	۸/ ٤	Polemonium	Polemonium caruleum L.	فولامونيون
			coeruleum		Polemonion
	شاغه الصخريه		Symphytum sp.	Symphytum petraeum	سمفوطن بطراوُن
	(اندلس)	(اندلس)	Sumphuton Petraion		
شَبيطه (لاتيني )	شاغه البستاني		Symphytum sp.	Symphytum bulbosum Sch.	سمفوطن آخر
	جامع البضع		Holosteum sp.	Holosteum umbellatum L.	أولسطيون
	(برگردان آن به				Holosteon
:	عربی)				
	؟ شجره اللَّاذَن	17/ ٤	P.spinosum	Poterium spinosum L.	سطوبی Stoibe
نوع دوم فُقْلامينوس .	صريمه الجدى	18/8	Convolvlus arvensis	Leonicera periclymenon L.	فارقلُومانُن
			L.		Periklumeno
					n
أُونْياغَاتُه (لاتيني)	أظفار القَط	18/2	Convolvulus sepium L.	Leonicera periclymenon L.	قلومانن
		10/0	T.terrestris	Tribulus terrestris L.	Klumenon
أبروبوڈیا (رومی) غاله جاقه (لاتینی )	حسک –	10/ ٤	1.terrestris	Tilbulus terresurs L.	طروبيڭش
حتص الامير(مغرب)	شكوهج				Tribolos
نوع ششم حماض	سبخی(برگردان	۱٦/٤	S.limoniuum	Statice limoniuum L.	ليمونيون
طويل الورق و	آن به عربی)				Leimonion
عساليج ، سلّق الماء	50				
	أرنِبی(برگردان	۱۷/ ٤	T.arvense	Trifolium arvense L.	لاغُوبن Lagopun
	نام لاتینی)				
	ذنّب أبل	14/ €	Astragalus sesameus L.	Campanula lacinata L.	میدیون Medion
	9	19/ 8	E.alpinum	Epimedium alpinum L.	أفيمذُيون
					Epimedion
سيف القراب-	سومسن بری	۲٠/٤	G.communis	Glodiolus communis L.	كسيفيون
دورحولى- ففسغائينو	سيف الغُراب				Xiphion
ستقارطاغائيون	نوعي سوسن	T1/ E	S.ramosum	Sparganium ramosum Huds.	سفرغانيون
(جالينوس)	بری				Sparganion
	نوعی سوسن	YY/ E	I.foeditissima	Iris foeditissima L.	أُكْسَورس Xuris
أنخوسا - أبوحلسا	خُسّ الحمار	YT/ E	Anchusa tinctoria L.	Alkanna tinctoria Tausch.	أنْخُسا Ankhusa
خَنَاءالغولَه (مصر) دارای سه نوع است .	شنجاد – حميرا	72/2	Echium creticum L.fruticosum	chium diffusam L. Lithospermum fruticosum L.	
دارای سه نوع است .	شنجار — حميرا رجل الحمامه	Y0/ E	D.II deleosuiii	Zimosporinam nanovam D.	
	0.9	<u> </u>		1	L

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
ار (از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(از Roberth)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
	3 0, 3		(Robertary)		
	از حنس شتنجار	۲٦/ ٤	E.italicum	Echium italicum L.	كوقبسوس
	ļ				Lukapsos
(به خاطر اینکه دارای	ذَكَرالافعي	<b>TV/ </b> £	Echium vulgare	Echium rurum L.	أخيون Ekhion
میـــوه ای در رأس					
است که به شکل سسر					
افعی می باشد .)					
	کسیعه (برای	YA/ &	Cerastium aquaticum	Silene gallica L.	أقيمويداس
	نيش عقرب مفيد		?		Okimoeides
	است.)				
أفار (بربری)- نَجیل و		٣٠/٤	Cynodon dactylon	Agropyrum repens Beauv.	أغرسطس
نجير (لاتيني)	عکرش				Agrostis
			Parnassia palustris L.		Agrostis en
					Parnasso
	ثيل القَصَبي	٣١/٤	Cynosurus aegyptiaca	Dactylis repens L.	قالامغرسطس
	برگردان نام		L.		Kalamagrosti
	یونانی				s
غاله قرشته (لاتيني)		77 E	Sideritis remota Urv.	Stachys recta L.	سندريطس
, <u>, , , , , , , , , , , , , , , , , , </u>					Sinderitis
تويئه	توت الثُّعلب		Sanguisorba	Potenrium sanguisorba L.	سندريطس آخر
وريد	توت التعليب		Officinalis		Alle sinderitis
	كُزبره الثَّعلَب	<u> </u>	Scrophularia lucida L.	Scrophularia	سندريطس آخر
	كزبره التعلب		Berophalaria raeraa 2.	chrysanthemifolia L.	Hetera sinderitis
المالية المالية		77/8	Achillea sp.	Achillea tomentosa L.	أخليوس
به معنی مغید برای اخیلوس (غرب)		' "			Akhilleeios
است.					Aknineeios
		<del> </del>	Rubus fruticosus L.		Batos
			Rubus ulmifolius Sco.		D 4 . This
			Rubus idaeus L.		Batos Idaia
		٣٩/٤	Convolvulus arvensis Digitalis aegyptiaca	1	Elxine
	fi so f	€•/€	Linaria spuria Mill.	Linaria elatine Mill.	kussam pelos ألاطيني Elatine
سراويل الككه - شحيمه	لَبلاب المجوسي	``'`	Dillaria sparia mini		الاقيني
سحيمه	0,7	g 2 1 2	Eurotorium	Agrimonia eupatoria L.	• 4, 2
	غافَت	٤١/٤	Eupatorium cannabinum	Agrinionia cupatoria L.	أوباطوريوس
	الشاهدانجي	<u> </u>			Eupatorios
بنطاطومَن (به معنـــای	ذوخمسه أوراق	٤٢/٤	P.reptens	Potentilla reptens L.	بنطافلن
تقسیم شده به پنج	کف مریم	1			Pentaphullon
قسم است.) —	(اندلس)(نام				
بنُطابيطوس (به معنای					
دارای پنج بال است .)					
بنطادَقُطولن (به معنای					
پنج انگشت است.)					
		<u> </u>			

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتینی
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth از	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
از احرار البقول —	بهمى	£4/ £	Hordeum murinum L.	Avena fatua L.	فونُقْس
بَهماه (یک گیاه بهمی )	,			Lolium perenne L.	Phoineix
النابت في أيذا	آنْجِبار			Uvularia amplexifolia L.	أأذاريذا
(برگردان نام					Idaia rhiza
یونانی)(ایذا شهری در					
روم) _ در کناره های					
نهر ها می روید. به معنای دارای بوی	۴	٤٥/ ٤	S.roseum	Sedum roseum Scop.	1
ب مصدی دارای بری گل سرخ	•			Sedam reseam seep.	روذياريذا
(برگردان نام یونانی)	ذُنّب الخَيل	٤٦/٤	Equisetum sylvaticum	Equisetum arvense L.	Rhodia rhiza
3.1-2-777	ر دنب ۱۰۰۰	_ , -	Equisetum fluviatile	,	أفَّورِس Hippuris
		٤٧/ ٤	Equisetum arvense L.		Hippuris
			Equisetum limosum		Etera
قرمز(جالینوس) در	شجره القرمز		Q.coccifera	Quercus coccifera L.	قيفُس بافيقى
شهرهای اندلس می					Kokkos
روید.			H.hircinum	Hypericum hircinum L.	baphike
نوعی درخت مصطکی	تیُسی (برگردان		A.miciliani	Hypericum memum L.	طراغين Tragion
	نام یونانی)	01/ ٤		Ephedra distachya L.	· · · •
	Y	01/2		Epheura distachya L.	طراغين آخر
گیاه آن در جزیره		0+/ £	Tragium columnae	Tragium colomnae Spreng.	Tragion
کیاه ان دار جریره اقریطش است .		0.72	Tragium communac	Tragiam colomnac spreng.	طراغين آخر
انواع سمار را شامل	سمار – دیس		Juncus acutus	Juncus arabicus Post.	Tragion allo سخُونُس لَيا
می شود.	اسمار - دیس آسل		vanous ucutus	Juneus arabicus i ost.	
	امل				Skhoinu heleias
ٱرْجِيلَه (اندلس)	حزاز الصخر			Usenea barbata var. florida	ليخين Leikhen
					ho epi ton petron
برگردان عربی آن :		08/8	Illecebrum Paronychia	Paronychia serpyllifolia D.C.	فارنوخيا
النافع من الداحس			-		Paronukhia
برگردان عربی آن :		٤ / ٥٥	Chrysocoma linosyris	Chrysocoma L.	خروسوقومى
راس الذهب- نوعی از بابونه جبلی					Khrusokome
ار پېونه بېنى		۵٦/ ٤	Leontice leontopetalum L.		Chrusogonon
برگردان عربی آن:		٤/٧٥	Helichrysum siculum	Helichrysum sp. ?	أليخريسون
مذهب — امار َنطُن			(Spr.) Boiss.		Helikhruson
(جالينوس ) شايد					
نوعى قيصوم باشد					
·		٥٨/ ٤	Chrysanthemum cornarium		Chrusanthemo n
به معنای الذی لا	نوعي اقحوان	٥٩/٤	Achillea viscosa Lam.	Achillea ageratum L.	أغيراطن
يتشنج زهره					Ageraton

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير		(از ابر اهیم بن مراد)	(ابن بیطار، دیسکورید)
√ر بن یا ا	ا اراز این بیشار)		(Roberth از		(4.55-4.5 0)-2 0.7
به معنای حمامی است	رعى الحمام	٦٠/٤		Verbena officinalis L.	فارسطاريون
	رعي العجام	.,.			_
قُلُنْبارش (نامي لاتيني					Peristerion
به معنای حمامی )					
بد سدی حیاتی )		٦١/٤	Verbena supina L.		Peristereon
		(1/ 2	Vervain		Uptios or
					Ierobotane
		٦٠/٤	Verbena sp.		Peristereon
			-		Orthos
يرباته (لاتيني)	مكّرمه- مقّدسه	٦١/٤		Verbena sapina L.	أيارابوطاني
نوعى رعى الحمام					Hiera botane
l ,					Thera botane
			A.A	A	-
مخلب العقاب الابيض	كعب الخنزير	٦٢/ ٤	Astragalus baeticus L.	Astragalus Tourn.	أسطراغالوس
(اندلس)- برطبره	(برگردان عربی				Astragalos
(لاتینی)	آن.)				
بَلْبوسی (برگردان	حافر البغل	۲۳/ ٤	Scilla bifolia L.	Hyacinthus orientalis	أواقتئس
عربي آن.)	قسطل الارض			•	
وجه تسمیه : به		ma1 a	Datassa	D	Huakinthos
وجه نسمیه به سرعت کل آن می	خشخاش سائل	78/8	P.rhoeas	Papaver rhoeas L.	ميقَّن رُواس
ریزد در کشتزارها می	(برگردان عربی				Mekon rhois
روید.	آن)				<u> </u> -
خشخاش سیاه و	خشخاش سفيد	70/ €	P. somniferum.	Papaver somniferum L.	ميقُن Mekon
أفيون نيز با اين نام					J. 2011011 04
می آید					
خشخاش الساحلي	خشخاش المقرن	٦٦/ ٤	Glaucium luteum	Glaucium corniculatum	قاراطيطس
(زیرا غالبا در سواحل	1 -	' '' '	Scop.	Curt .	
می روید.) خشخاش	(زيرا غلاف			,	Mekon
	بزرگی چون				keratitis
البرى	لوبيا دارد.)				
وجه تسميه : بسيار	خشخاش الزبدي	٦٧/ ٤	S.inflata	Silene inflata Sm.	ميقن أفروذس
سفید چون زید	(برگردان عربی				Megon
	آن.) آن.)				aphrodes
		<b>ገ</b> ል/ ٤	H.procumbens L.	Hypericum procumbens L.	
مخدر ومنوم است .	نوعی جلبان بی	10/2	11.procumoens L.	113 periodin procumociis L.	أفيقيون
ااوبيقواون (جالينوس)					Hupekoon
ملمندر – بيضمون	بَنج – سيكران			Hyoscyamus sp.	أيسقوامس
	(اندلس)				Huoskuamos
			Hyoscyamus niger L.		Huoskuamos
	]				Melas
			Hyoscyamus albus L.		Huoskuamos
		L			Leukos
			Hyoscyamus aureus		Huoskuamos
	1.		L.	Di	Meloides
برغوث (برگردان -	بزر <b>قَطُ</b> ونا	٧٠/٤	P.psyllium.	Plantago psyllium L.	فسليون Psullion
عربی آن)	أسقيوس				
	*		-		

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth ji)	(از ابراهیم بن مراد )	ابن بیطار، دیسکورید)
	3 0. 37		(Roberth)		
زَرَوانْ زَنْج (فارسی)	عنب الثعلب	٧١/٤	S.nigrum	Solanum nigrum L.	سطروخنن البستاني
- روزَبارِج- اسطَرخلو	فَنا ثلثان - ثُلثلان				Strukhnon
(رومی)- اُوبه قنینه					kepaion
(لاتيني)					
حب اللهو (لاتينى)- اليقاقابن (رومى)-	كاكُنَج	<b>YY</b> / <b>£</b>	P.alkekengi	Physalis alkekengi L.	سطروختنن البستانى
عنب اثعلب	عَبب (مصر)				Strukhnon
					kepaion
	نوعى كاكنج	۷۳/ ٤	P.somnifera	Physalis somnifera L.	سطروخنن المنوم
					Strukhnon
					hupnotikon
از انواع کاکنج	جناج الرعاه		Datura stramonium	Solanum sodomum L.	سطروختن المتجنن
					Strukhnon
				<u> </u>	manikon
		Y0/ £		Dorycnium L.	دُروقْنيون
					Doruknion
ميوه : لفّاح –	C.v		Atropa Mandragora L.	Mandragora officinarum L.	مندراغورس
أرجبليطه (لاتينى) –	شابيزج - تُفَاح		Mandrake		Mandragoras
تاریال (بربری)	الجن				1
عروسه	,				
نبال (اندلس)	قاتل النَمر	<b>YY</b> / £	Doronicum pardalianches	Aconitum nepellus L.	أقونيطُن
			_		Akoniton
1		<b>Y</b> A/ <b>E</b>	Aconitum lyconitum Aconitum napellus	·	Akoniton
جقوطه (لاتبني)	شوكران	٧٩/٤	C. masculatum	Conium masculatum L.	Eteron
جملوف (رائبتی) حرمل البلدی (آفریقا)	سو دران	1 1/ -	C. musculatum	Comum musculatum E.	تونيون Koneion
(45)	عنّب الكلاب		Quercus ilex L.	Taxus baccata L.	سىيلىش Smilax
,	کتب انگارب (برگردان عربی		Quotous 11011 21		Sinilax maria
100	أن)	4410	Cumanaha arastur I	Angermum angetum 17-11	
عنَب الكلاب ( مح مان م	قاتل الذتثب	۸۱/ ٤	Cynanche erectum L.	Apocynum erectum Vell.	أفوقونُن
(برگردان عربی آن)			27.1		Apokunon
ا سم الحمار (برگرفته	ذِفْلَى - خزَهرج	AY/ £	N.oleander	Nerium oleander L.	نیریون Nerion
از لغت فارسی	حبن				
			Fungi sp.		Muketes
نام گل: اصابع هرمس	سورَنجان		C.automnale	Colchicum automnale L.	قلخيقن
و شَنبليذ – قشْتَنيوله	فَرج الارض				Kolkhikon
(نام لاتینی به معنای	قَلب الارض				
قسطله کوچک –					1
عَكْنه (مصر)					
دو نوع است ، به نوع	أذان العُسّيس-			Cotyledon lusitanicus Lam.	قوطوليديون
دیگر آن در مصر اُذْنَه	زلائف الملوك				Kotuledon
روئيده درشكافها و	كأس- مصافق				
سقفها و کوه ها					

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth از	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
<u> </u>	0-20.37		(Robertin))		
أشبطانه (لاتيني)	نوعي از سوسن	A0/ £	Colchicum	Convallaria rusticellata L.	أفيمارون
Ì	بری		parnassicum Sart.		Ephemeron
	حشيشه الزُجاج	A7/ £	Parietaria sp.	Parietaria cretica L.	القسيني Helxine
	زیرا آینه را جلا				ì
	می دهد.)				
روئیده در باغ ها	آذان الفار		P.cretica	Parietaria cretica L.	آلسينيAlsine
-	عدس الماء	۸۸/ ٤	Lemna sp.	Lemna minor L.	فاقوس Phakos
	Jun. (J-22		•		
				Sempervivum arboreum L.	
به معنای همیشه زنده	حيّ العالم الكبير	۸٩/ ٤	S.arboreum	Sempervivum arboreum L.	أيزون الكبير
			6.1.1.1	Sedum acre L.	Aeizoon mega
أُبِيلَه دِطَلْباطَه (لاتيني)	, ,	4./ ٤	Sedum ochroleucum Vill.	Sedum acre L.	أيزون الصغير
بزازیل القطه دارین	الصغير		,		Aeizoon to mikron
(آفریقا) •	عنَب السقف				.,
	نوع سوم حی	۹۱/٤	Sedum stellatum L.	Sedum telephium L.	أيزون الصغير
	العالم				Aeizoon to
		97/ ٤	Cotyledon umbelicus		leptophullon Kotuledon
					Kotuledon
		۹۳/ ٤	Cotyledon serrata		Eteron
حَرِيق (مغرب)- بنات	قُريص- أنْجره	98/8	U.pillulifera	Urtica pillulifera L.	أقاليفي
النار دارای دو نوع			Urtica urens		Akalephe
است .					
منتنه (مصر)- جملَج	شجره الكَلْب	90/ 8	Scrophularia	Lamium purpureum L.	غالبسيس
(لاتيني)			peregrina L.		Galeopsis
لَخْتيروَالُه(لاتيني)موجب		97/ 8	G.verum	Galium verum L.	غاليون
بسته شدن شیر می شود.					Galion
		۹٧/ ٤	Sencio vulgaris L.		Erigeron
	كُزْبَره حبشه		Thalictrum minus L.	Thalictrum flavum L.	ثاليطرن
1					Thalietron
دارای انواع مختلف	طحلب البحري	۹۹/ ٤	Uva lactuca	Corallina officinalis L.	برون (ثالاسْيَون)
است					Bruon
			<u></u>	Combalium langton dium	thalassion
	نوعی طحلب		Fucoidearum sp. Variae.	Gnaphalium leontopodium L.	فوقُس البحرى
			Posidonia or		Phukos thalassion
		<b>_</b>	laminaria P.natans	Potamogeton natans L.	thalassion بوطوماغیطن
	جار الانهار		1 .liataris	I demino Paroni manana 21	1
		٤	Stratites aloides	Pistia stratiotes L.	Potamogeiton سطراطيوطس
1	فارس الماء	1	1	_ 1010	Stratiotes
	(برگردان عربی	٤			Stratiotes
	آن)	1.4/			

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بی <b>ط</b> ار)	از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth jl)	(از ابراهیم بن مراد)	ا یا در این بیطار، دیسکورید)
	-		(Robertary)		
	بوصير	٤	Verbascum sp.	Verbascum sp.	فلومسPhlomos
İ		1.8/	Verbascum sinuatum Desc.		
			Verbascum thapsus L.		Phlomos
					Leuke
			Verbascum plicatum		Theleia
,			Sibth.		Phlomos Leuke Arren
			Verbascum nigrum L.		Phlomos
					Leuke
			Salvia aethiopis		Melaina Aithiopis
گفته شده نزد عرب به		٤	Conyza candida	Arctium tomentosum	
همته شده مزد عرب به حربان (بدون نقطه در		۶ ۱۰٦/	Conyza candida	Shkuhr.	أرقطيون Arktion
حربان (بدون نفطه در محل با ) مشهور است		• •			
دارای دو نوع بری و				Arctium lappa L.	أرقطيون آخر
بستانی است.					
		٤	Laburnum vulgare		Arktion Kutisos
		114/			Rutisus
لوتوسی که در مصر	حَباقا			Lotus sp. ?	لموطوس أغريوس
است به نام بِشنین می					Lotos agrios
باشد.					2000 1161100
دو نوع است .	بِشْنین (مصر)	3	Nymphaea stellata	Nymphaea lotus L.	لوطوس الذي
		118/	Wild.	Nymphaea coerulea L.	يكون بمصر
					Lotos ho en
					Aigupto
			Myrrhis odorata Scop.	•	Murris
			Camelina sativa Cran.		Muagros
			Oenothera biennis L.		Onagrra
			Cirsium tenuiflorum		Kirsion
		٤	Aster amellus		Aster astikos
		17+/			
		٤	Corydalis claviculata		Isopuron
		171/	(L.) DC.		
		٤ ۱۲۲/	Viola odorata		Ion
		,,,,	Inula candida Cass.		Kakalia
		٤	Pimpinella dissecta		Bounion
		148/	Pollini		Doumon
		٤	Pimpinella dioica L.		Pseudobounion
		170/			
			Anchusa paniculata Aiton.		Bouglosson
		۱۲۸/	Cynoglossum		Kunoglosson
		179/	officinale L.		Zanogiosson
<u> </u>				<u> </u>	

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth از	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
-		£ 18+/	Silene sp.		Phuteuma
			Micropus erectus L.		Leontopodion
•			Ruscus hypoglossum		Ippoglosson
		۳ ۱۳٦/	Adiantum capillusveneris Asplenium trichomanes L.		Adianton
			Asplenium trichmanes L.		Trichomanes
		٤ ١٣٨/	Xanthium strumarium		Xanthion
		£ 189/	Aegilops ovata L.		Aigilops
		£ 1£•/	Avena fatua Avena sativa		Bromos
			Astragalus glaux L.		Glaux
		£ 187/	Astragalus sp.		Polugalus
			Osyris alba		Osuros
		٤ ١٤٤/	Smilax aspera		Smilax tracheia
		180/	Convolvulus sepium L.		Smilax leia
			Ruscus aculeatus		Mursine agria
		£ 1£Y/	Ruscus hypophyllum		Daphne alexandrina
		,	Daphne mezeron		Daphnoides
		£ 10+/	Veratrum album		Elleboros
		101/	Helleborus officinalis Salis.		Elleboros Melas
			Helleborus cyclophyllus Boiss.		Sesamoeides
		104/	Reseda canescens L.		Sesamoeides Mikron
. , .		108/	Momordica elaterium		Sikus agrios
		132,	Momordica elaterium		Elaterion
			Delphinium staphisagia		Staphisagria
		٤ ١٥٦/	Thapsia garganica		Thapsia
		104/	Spartium junceum		Spartion
		10%/	Silybum marianum Gaer.		Silubon
	<u> </u>	,	l	I	1

ساير نام ها	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
ار ابن بیطار) (از ابن بیطار)	از ابن بیطار)	تصوير	(Roberth ji)	(از ابراهیم بن مراد )	(ابن بیطار، دیسکورید)
3 0. 3	() <u></u> (), ),		(Roberth)		
	<u> </u>		Narcissus poeticus		Narkisson
		٤	Hippophae		Ippophaes
		177/	rhamnoides L.		тррорнаса
		٤	Ricinus communis		Kroton ekiki
		178/			121 00011 011111
		٤	Euphorbia characias	·	Tithumalos
		170/	L.		Charachias
		٤	Euphorbia aleppica L.		Tithumalos
		170/			Kuparissios
		٤	Euphorbia myrsinites		Tithumalos
		170/	L.		Mursinites
		٤	Euphorbia		Tithumalos
ļ		170/	helioscopia L.		Elioskopios
		٤	Euphorbia paralias L.		Tithumalos Paralios
		170/	Post of the		Tithumalos
		17/8	Euphorbia dendroidea L.		Dendrites
-	<del></del>	٤	Euphorbia pilosa L.		Tithumalos
		170/	Euphoroia phosa E.		Platuphullos
		ξ.	Pinus halepensis		Pituousa
Į		177/	1		1.020454
		٤	Euphorbia lathyris L.		Lathuros
		177/			
-	"	<del></del>	Euphorbia falcata L.		Peplos
		٤	Euphorbia peplis L.		Peplion
		179/	Zupilotoiu popilo Zi		1
		٤	Euphorbia		Chamaisuke
		14./	chamaesyce L.		
	*****	٤	Convolvulus farinosus		Skammonia
		171/	Convolvulus scammonia		
					Chamelaia
		٤	Sambucus ebulus L.	:	Chamaiakte
		140/			
		T	Euphorbia apios L.		Apios
		٤	Cucumis colocynthis		Kolokunthis
		174	L.		
		٤	Cuscuta epithymum		Epithumon
		174/	Mur.		
			Sedum anopetalum		Empetron
		ļ	DC. Clematis cirhosa		Clematitis
		ļ	Ciemaus cirnosa		<u> </u>
		٤	,		Ampelos
		188/			Leuke
]		٤	Tamus communis L.		Ampelos Melaina
<del>                                   </del>		140/	Achillea millefolium	Myriophyllum spicatum L.	
به معنای هزار برگ		110/	L.	iviyi iopiiyiiuiii spicatuiii L.	مريافلن
		1,10/	<u> </u>		Muriphullon

ساير نام ھا	نام عربی	شماره	نام علمي	نام علمي	نام لاتيني
(از ابن بیطار)	(از ابن بیطار)	تصوير	(از Roberth)	(از ابراهیم بن مراد)	(ابن بیطار، دیسکورید)
تاسلغا (بربري)-	عينون		<u> </u>	Stachelina chamepeuce L.	خامالوقى
شرباتش (لاتینی)				Serratula chamepeuce L.	Khamaipeuke
شحم الطعام	أنف العجل	٤	Antirrhinum	Antirrhinum majus L.	أنطرينن
		1777/	orontium		Antirrinon
	تُربد	٤	A.tripolium	Asterattikos tripolium L.	طريفُوليون
		180/			Tripolion
	أنف العجل			Leontopodium de Dioscorides	نمیص Kemos
	رَنْد أراضى	٤	Ruscus hypophyllum	Ruscus racemosus L.	خاماذافْني
	برگردان عربی	189/			Khamaidaphne
	نوعى غاسول	٤	C.stellatum	Circium stellatum L. Euphorbia spinosa L.	أبوفسطن
		174/		<u> </u>	Hippophaiston
أصطل - أزّاز - أرْزام	مثنان	٤ ۱۷۳/	D.cnidium	Daphne cnidium L.	ٹومالا Thumelaia
شجرالخابور	عود الكلب	£ 14£/	S. nigra	Sambucus nigra L.	أقطى Akte
فاشَرُمُثنين و بوطانيه	كرم الاسود			Tamus communis L.	أنبالس ماليا
(اندلس) مّيمون					Ampelos
(مغرب)	***				melaina
قلجه (لاتبنی)	كىلدارو(فارسى)	187/	Aspidium aculeatum Nephrodium	Dryopteris filix mas L.	ا بطارِس Pteris
		£ 1AY/	Pteris aquilina		Thelupteris
به معنای دارای پای		٤	P.vulgare	Polypodium vulgare L.	بولوبوذيون
زیاد است.		144/	تسویر از: Ceterach		Polupodion
به معنای بلوطی است	سرخس البلوط	٤	A. adianthum nigrum	Aspelenium adianthum	درُوبطارس
(رونیده بر بلوط)		189/		nigrum L.	Druopteris
		19.	Cincus sp. or carthamus tinctorius		Knikos
يره نقيشه (لاتيني)-	عصاً هرمس	٤	M.annua	Mercurialis annua L.	لينوزُسطيس
حريق الاملس		151/			Linozostis
		197/	Thelygonum cynocrambe L.		Kunokrambe
حشيشه ليواقى -	تُنوم	٤	Heliotropium	Coroton tinctorium L.	أيلوطروبيون
يربه شلديره (نام		198/	villosum		طُومقرون
لاتینی به معنای عشبه اللحام)					Heliotropion to mikron
به معنای آفتاب گردان	حشيشه العقرب	٤	H.europaeum	Heliotropium europaeum L.	أيلوطروبيون
است .		197/			طوماغا
طرنه شولی (اندلس)					Heliotropion to
		٤	Calendula officinalis		Skorpioides
	1	190/	Culonadia Officinalis	1	Skoi pioides



## ضميمه (۱)

## فهرست نامهای کهن گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

## در کتابهای:

مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
عمدة الطبیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
صیدنه (قرن پنجم هجری)
الابنیه (قرن چهارم هجری)
الحاوی (قرن سوم هجری)

## فهرست نام های کهن گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

ابًالَّة، ۶٠	آلو جبلی، ۵۱	آذریونه، ۳۵	حرف «الف»
ابانس، ۳۳	آلوجه، ۵۱	آرغیس، ۳۵، ۶۱	
ابانون، ۳۳	آلوچه، ۴۱	آرمنیس، ۴۵	اغوری، ۱۲۱
اباء، ۷۵	آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲	آزاددرخت، ۳۵	آاِقُورُون، ۱۶۵
ابجه، ۳۷	آلوسن، ۲۸۰	آزادِرَخْت، ۳۵	آأَكْثار، ٣٧
ابِجّه، ۲۵۲	آلوكشته بتر، ۵۱	آزاذ سوسن، ۱۸۰	آأمليس، ٣٧
ابراز، ۶۱	آلوی زرد بخارائی، ۴۱	آزَرْغنت، ۶۱	آبنوس، ۳۳
ابراوی، ۱۰۰	آلوی سیاه، ۴۱	آزِر (فاس)، ۵۹	آبيل، ٣٣
ابربیون، ۵۵، ۲۲۴	آله، ۱۵۳	آزرود، ۲۹۱	آبيوس، ۲۶۱
ابرديون، ۵۲	آله قَبْرونه، ۶۵	آس، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹	آت جو، ۱۷۳
ابرسناروا، ۱۰۷	آلة دبقتر، ۱۵۷	آسا، ۳۱، ۳۵	آتفاح، ۹۴
ابرفيون، ۵۵	آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴	آس البری، ۲۴۹	آچين، ٣٣
ابرقان، ۸۱	آلىبالى، ٢٣٤	آس البستاني، ٣۶	آدریس، ۳۳
ابرقطس، ۱۲۳	آلیلی، ۱۴۵	آسای، ۳۱، ۳۵	آذان الأرنَب، ٣٣
ابرقليون، ١٠٠	آمارقون، ۵۸	آس بری، ۳۶، ۲۸۳	آذان التيس (اندلس)، ٣٣
ابرقیا، ۴۸	آمزقور، ۱۵۰	آس بری (اندلس)، ۱۴۰	آذان الجداء، ٥٩
ابرقینون، ۱۰۰	آمله، ۶۲	آس بستانی، ۱۵۹	أذان الجَدي (دمشق و شام)،
ابرنان (اندلس)، ۴۹	آمُله، ۶۲	آست، ۲۶۶	***
ابرنج، ۷۷	آمتی، ۲۸۹	آس نبطی، ۳۶	آذان الدبّ، ۳۳
ابرنجمشک، ۲۲۵	آنِسِ النفس، ٣٧	آشک بردین، ۶۱ -	آذان الشاة، ٣٣
ابرو، ۸۹	آنفَتْها، ۹۱	آطرس، ۱۶۰ -	آذان الشاة (اندلس)، ۳۳
ابروتا، ۱۹۳	آویشن، ۱۹۵	آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵ -	آذان العَنز، ٣٣
ابروخيون، ۸۴	آیزنی، ۲۷۳ -	أطريلان (فاس)، ۱۵۵	آذان الغزال، ٣٣
ابروطانن، ۱۲۳	آء، ٣٣	اَطُءْ، ۲۲۰	آذان الفار، ۳۳، ۶۳
ابروطنیون، ۱۹۳	اَارُّثْرُدَانُن، ٢٣٠	آغُنُس، ۱۸۵ -	آذان الفار البرى، ٣٣، ٣٤
ابرُوِلَيه، ۱۲۲	ااوبيقواون، ۵۶	آفواه، ۵۲	آذان الفار البستاني، ٣٣ -
اَبْرُولْیُه (ثغری)، ۷۵	ابابوس، ۳۳، ۲۲۳	اً قطی، ۱۳۸	آذان الفارالرومی، ۳۴ تربیب
اَبْرون، ۳۷	اباخورس، ۶۳	آی، ۱۷۳، ۲۰۹	آذان الفار الرومي، ۲۱۸ تروید
ابرويون، ۵۲	ابارتل، ۲۵۱	آکل نفسه، ۳۷	آذان الفستيس، ۳۴
ابریا منتی، ۱۱۳	ابارس، ۱۰۵	اًلالاء، ۲۷ 	آذان الفيل، ۳۴
ابريجون، ۱۵۸	اباریقون، ۱۰۶	آلاء، ٣٧	آذربو، ۳۴، ۱۷۱ ترمیل میرون
ابريمون، ٧٠	اباسیا، ۵۰	آلْسَن، ۳۷	آذربوا، ۳۴
اَبْزار، ۳۸	اباغلس، ۶۳	آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	آذربوی، ۳۴ آ
ابزراله، ۲۲۲	اباغورس، ۶۳	ألوبالو، ۲۳۴	آذربویه، ۳۴ آن که میسود
ابزیر، ۲۰۵	اباقی، ۱۰۴	آلوبوعلی، ۲۳۴	آذرگون، ۳۴ آن
ابق، ۲۴۵	أبالش، ۲۴۹	آلوبولی، ۲۳۴	آذریون، ۳۴، ۲۵۸

ابلاطنوس، ۱۴۵	ابیلانس، ۱۰۵	اخراطن، ۸۴	اذفونیدیس، ۱۴۸
ابلر، ۱۶۳	ابی مقنینة (فاس)، ۲۱۴	اخرذس، ۲۹۰	اذفيوس، ۱۴۸
ابمکماجی، ۱۲۹	ابی یَموت، ۱۲۵	اَخَرْساج، ۴۲	اذناب البقر، ۱۵۴
ابمیلُس، ۲۸۰	اپراچنا، ۱۱۳	اخرسون، ۱۵۳	اذناب الخيل، ١٥٤، ٢١٠
ابن، ۳۸	اپوپاقس، ۱۰۰	اخروطن، ۸۴	اذناب الخيل (شام و شرق)،
إِبْنُ الأرض، ٣٨	اتبلیس، ۲۲۵	اخروی، ۱۰۶	797
ابن أُوبِر، ٣٨	أَثْرُج، ٣٩، ١٤٢، ٢٧٤	اخريط، ١٢٣	أذُن الازنَب، ١١٩، ٢۶٩،
ابن سرابيون، ۷۶	اتسویک، ۱۰۷	اخشنة، ۱۰۲	7.1
ابنیس، ۱۱۳	ٱتَنْكَن، ٤٥	اخفاک، ۲۱۰	اذن الثور، ۲۲۴
ابنی هلدی، ۱۴۲	اثاب، ۲۰۲	اخلّة الارض، ١٢٩	أَذُنالُحِمار، ٤٣، ١٥٥، ٢٢٢،
ابوبيناقس، ١٠٠	آثابه، ۷۶	آخیروس، ۴۲	707
ابوپاناقس، ۱۰۰	اثاریون، ۵۰	اخينوس، ۱۸۰	أذُن الشاة (اندلس)، ٢۶٩
ابوخلسا، ۲۸، ۱۳۴	اثامنطيقون، ٢٨٧	اخيون، ۶۸ ۲۵۲	اذن الفار، ۲۷۹
ابوسمس، ۲۵۴	اثانقون، ۵۱	اَدَار، ۷۵	اذن القسيس، ٢٨١
ابوعيس، ۱۴۰	اثرا، ۳۸	اَدْرَک،۴۱، ۴۲	اذن الوطواط، ٢١٠
ابوغلصن، ۶۷	اثقلیا، ۳۸	اذرک، ۱۶۴	اًذن غزال، ۲۵۲
ابوفاطريوس، ۵۴	أثْل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	ادرومیلن، ۹۴	اذوس، ۲۹۷
ابوفايس، ٣٩	أَثْلَق، ۴۰	ادریاس، ۶۵	اذيارطون، ۷۶
ابوفسطن، ۳۹	اثونبون، ۲۴۰	ادریس، ۳۳	ارابنٹس، ۱۲۴
ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳	اثونيطس، ۲۵۰	ادریفن، ۲۷۳	ارابنٹوس، ۱۲۴
ابوقاوس، ۳۹	اثيوبس، ۲۸۰	ادقام الغرانيق، ١٢٩	ارابنشس ایمارس، ۱۲۴
ابوقَسْطَس، ٣٩	اجاجی، ۲۶۲	ادم، ۱۸۰	اَراقُق، ۴۳
ابوقینوس، ۵۹	أجّاص، ۴۱، ۱۸۴	ادْمَام، ۲۹۴	اراقوا، ۴۳
ابومارس، ۱۲۰	اجاص اصفر، ۱۸۴	ادمنطوس، ۲۶۴	اُراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳
ابونس، ۳۳	اجْبُرْنى(اسكندريه)، ۲۵۴	ادهیره، ۳۱، ۳۵	ارامانیا، ۲۸۲
ابونیطش، ۲۵۰	اجرد، ۱۳۹	ادیانطن، ۲۵۷	ارامونی، ۱۸۸
ابهٔل، ۳۹، ۱۰۵، ۱۴۳	اجِطالُه، ۱۲۲	ادی دولی، ۲۶۰	ارانثموس، ۷۰
ابهل هندی، ۳۹	اجواین، ۲۸۹	اَذارَق <i>ی</i> ، ۴۲	اراه، ۲۸۲
ابی، ۱۷۲	اجواین خراسانی، ۸۸	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	ارب، ۲۷۳
ابي الوليد، ١٢٩	اجود، ۲۵۳	اذان الفار، ۱۱۹	ارباقه، ۱۵۹
ابی ان یموت، ۲۰۴	اجیلیه، ۲۴۶	اذان الفار حقيقي، ٣٤	اربانسش، ۱۲۴
أَبْيَد، ۱۴۳	احباق، ۷۱	اذان الفيل، ٢٣٠	اربسارم (فرنگی)، ۲۷۳
بید، ۲۶۱	احداق المرضى، ٥٧	اذان القسيس، ۲۴۷، ۲۷۴	اربصارن، ۲۷۳
ابی دالس، ۲۴۸	اِخْریض، ۴۲، ۲۱۰	اذان القِسّيس، ۲۴۷	اربقانون، ۲۲۹
بیدی، ۲۶۱	احريضه، ۲۳۶	اِذْخِر، ۴۳، ۱۴۸	اربلیش، ۱۰۴
بی رستم، ۱۱۹	احنينه، ۲۶۶	اذخر (فاس)، ۴۳	اربوطانون، ۱۲۱
بيغل، ٣٩	اَحْيون، ۴۲	اذرررقوس، ۵۲	اربیان، ۵۸، ۱۵۵
بيكه (لاتين)، ۲۶۱	اخرادس، ۲۶۱	اذرقیس، ۵۲	اربیانس، ۱۲۴

ارید برید، ۴۵	ارمارینون، ۱۲۴	ارزوج، ۳۹	اربینٹوس، ۱۲۴
اریدبرید، ۴۵	ارماس، ۲۴۲	ارزه، ۱۹۶	ارتارون، ۲۶۹
اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶	ارماط، ۴۵	اَرْزَة، ۴۴	ارتقش (لاتین <i>ی</i> )، ۲۶۵
اريزون، ۴۴	اَرْمال، ۴۵	ارسطالاخيا، ١۶٠	ارتکا، ۲۰۴
اریسه، ۱۹۸	أزمالک، ۴۵	ارسطالوخيا، ۱۶۰	ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵
اریغانون، ۱۹۵، ۲۲۹	ارمالک، ۴۵	ارسطولوخيا، ۱۶۰	ارتینوس، ۱۹۴
اریقابوشا، ۲۰۲	ارمالی، ۴۵	ارسطيون، ۱۵۳	ارثیوس، ۸۰
اریقنه، ۱۳۳	اِرِمزدقطولوس، ۱۷۹	ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶، ۲۴۷	ارجالون، ۲۲۲
ارينفس، ۲۲۷	ارمنیافن، ۲۸۲	أزطَماسا، ۲۴۷	ارجالة، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰
ازاددرخت، ۲۱۳	ارمنیقون، ۲۴۰	ارطميسا، ۷۷	ارجان، ۱۶۶
ازادرخت، ۲۱۳، ۲۶۶	اَرْمَنين، ۴۵	اَرْطَميسا، ۲۴۷	ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶
ازًاز، ۲۷۷	ارموش، ۱۷۰	ارطوس، ۲۶۹	ارجقیل، ۲۵۷
ازالیم، ۸۰	ارموکی، ۲۷۱	ارطی، ۳۷، ۴۴	ارجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱
ازبوج، ۲۵۱	ارمیس، ۴۵	ارطیسیا، ۶۱	ارجمونيه، ۲۸۵
ازحميون، ۲۵۶	ارمیناقن، ۲۸۲	ارطی صغیر، ۱۵۵	اُرْجُوان، ۴۴
ازدری، ۱۴۱	ارمیناقون، ۲۸۲	ارطيهماسيا، ۷۶	ارجيقن، ۱۶۲
ازدشیر زاد، ۲۸۰	اَرُن، ۲۷۲	ارعاحوّرا، ۴۱	ارجيوليه، ١٥٥
ازرار، ۲۹۱	ارنبی، ۲۶۵	اَرْغاموني، ۴۴	ارخس، ۱۳۶
ازرود، ۴۵	ارنتاله، ۱۰۵	ارغوان، ۴۴	ارخس طوماغن، ۱۳۶
ازروی، ۶۶	اَرُن صارُن، ۲۷۳	ارغیلم (عبرانی)، ۸۳	ارخيس، ۱۳۶
ازِرَة الأرض، ٢٩١	ارنغلیسون، ۲۶۹	ارفامسيس اربنثوس، ١٢٤	اردشیران، ۲۸۰
ازريول (فاس)، ۳۴	ارنقالس، ۲۶۹	ارفلس، ۱۸۲	اردشیر دارو، ۲۸۰
ازغب، ۹۶، ۱۳۹	اَرْنوغْلُسن، ۲۶۹	ارفلن، ۱۱۳	اِرْدَقْناقى، ۴۴
ازقُون، ۱۴۷	ارنوله، ۱۴۵	ارفنطوس، ۱۲۴	اردک، ۲۸۲
ازلاف، ۱۴۸	ارنيوقرينوس، ٧٠	ارقاليا، ۲۶۶	اردم، ۳۴
ازمایلوس، ۸۸	ارو، ۱۳۹	ارقان، ۱۰۵، ۱۲۵	اردمیردا، ۲۸۰
ازنید، ۱۳۳	اروبيموس، ۲۵۳	ارقان (مغرب)، ۱۶۶	أرُّز، ۴۴
ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵.	ارود (فارس)، ۱۱۰	ارقطس، ۱۱۳	اُرز، ۴۴
ازیریا، ۱۰۶	اروس، ۲۰۸	ارقطون، ۴۵	اُرز، ۱۲۶
آژوسَه، ۴۶	اروسا، ۳۸	اَرْقَطيون، ۴۵	ارز، ۱۷۰
اســــارون، ۴۶، ۱۱۹، ۱۴۲،	اروس بلغار، ۲۶۴	ارقلیا، ۱۱۹	ارزا، ۱۹۶
***	اروسه، ۳۸	ارقوس، ۳۹	ارزااردفناقی، ۴۴
اساسنوا، ۱۰۶	اروسیمن، ۹۶	ارقولس، ۳۹	ارّز الخليل، ٧۶
آساشنوا (مغرب)، ۲۳۱	اروسيمون، ۱۸۹	ارقونیذوس، ۲۱۸	اَرْزَم، ۲۷۷
أساشتُوا (مغرب)، ۲۴۲	اَرون، ۱۴۶	ارقيسون، ۴۵	ارزمی، ۲۶۰
اساسنه، ۱۲۵	اروناردش، ۱۰۵	اَرْقیطون، ۴۵	ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹
اساطوس، ۲۹۲	اروی، ۲۴۳	ارکه، ۱۲۶	ارزند، ۱۹۶
اَساطیس، ۲۹۲	ارهرتور، ۱۸۳	اُزگُوان، ۴۴	ارزن هندی، ۱۴۹

VA : #11 : 1	¥4./	<b>*</b> c / !:) · ·	UAU 1 -1 -1 1
اسفيون الشوذه، ٧٨	Y9V	اسرون (فاس)، ۴۶ ۱ ۱۱ سم	اساطیس اغریا، ۲۹۲
اسقال، ۴۹	اسفردانه، ۸۱	اسطاری، ۹۳	اسبالاقوس، ۱۰۹
اسقردین، ۲۸۳	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲ ۱ : ۳۱ ۳۸	اســطافاليقوس اغــريوس، ۱۰۳	اسباناج، ۴۸
اسقروامس، ۸۸ استالیت ۸۴	اسفرم، ۳۱، ۳۵ ا : (نه : گا ۲۰۵		اسبرک، ۵۹ ۱۰۰ . ع <b>س</b>
اسقلياطيقوس، ۵۴ ۱ تا ۱۱ ۴۰	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	اســـطافالينوس اغــريوس، ۱۰۳	اشبَريون، ۳۴
اسقلیطاس، ۵۴	اسفکوخوس، ۸۶ ا دا ۱ ۱ ت		اسبط، ۲۷۳
اسقندریون، ۹۸	اسفلياطيقوس، ۴۸	ائـــطافالينوس أغْــرِيوس، ۱۴۸	اسبلنح، ۲۶۷
اسقنوقراطیس، ۴۹	اسفلیس، ۴۹ ۱ : ۱		اسبندان خوش، ۱۳۰
اسقوانس، ۷۸ أنهٔ مین ۴۸	اسفلیطس، ۲۰۳	اسطافاليوس، ١٠٣	اسبیذار، ۱۳۳، ۱۴۹
اُسْقُورديون، ۴۸	اسفلیغین، ۱۵۳	اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷	اسبیذمرد، ۴۶
اسقورديون، ۸۰ ۹۸، ۱۸۹	اِسْفَلیناس، ۴۸	اسطاقندمااغریا، ۱۱۱	اسپاراغوس، ۲۹۷
اسقورديون جبلي، ۴۸	اسفناج، ۴۸، ۲۹۶	اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹	اسپالاتوس، ۱۴۱
اسقوردیون مصری، ۴۸	اسفناج رومی، ۲۴۱	اسطبخیس، ۲۶۲ ۱۰ ۱	اسپرزه (اصفهان)، ۷۸
اسقورولوس، ۱۳۸	اسفناج رومی (شیرازی)،	أَسْطُخودوس، ۴۷	اسپرغم بیابانی، ۱۹۹
اسقولس، ۸۸ أمدا يَّنَّبُ . معد	741	اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۰۵،	اسپست باغ تازه، ۱۵۵
أسقولوقَنْدَريون، ۴۹ ستنديريون، ۴۹	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	141	اسپغل، ۷۸
اسقُون، ۱۲۶	اسفندار، ۱۱۶	اسطراط يقوس الصغرى،	اسپناج، ۴۸
اسقيدوليون، ۲۴۹	اسفند اسفید، ۱۳۵، ۱۳۱	1.0	اسپند، ۱۳۱
اسقیراسن، ۸۸	اسفندان سفید، ۱۱۵	اسطراکهلیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اسپنس (فرنگی)، ۴۸
اسقیرن، ۲۹۸	اسفندسفاه، ۱۱۵	اشطَرَخُلُو، ۲۱۵	استِب، ۴۶
اِسْقىل، ۴۹	اسفند سفید، ۱۱۵	اسطوس، ۲۶۳	أستنب (اندلس - لاتيني)،
اسقیل، ۲۱۵	اسفندسناه، ۱۱۵	اسطرکایبشا، ۵۳	780
اسقیلا، ۴۹	اسفندشغان، ۱۱۵	اسطروبيليا، ۱۹۶	استبرق، ۴۶
اسکتو، ۴۹	اسفنغار، ۱۳۳	اسطروثيون، ۲۶۳	استراتیکو، ۴۸
اسکردا، ۹۸	اسفودالوس، ۱۳۸	اسـطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹،	استراطیقوس، ۵۴
اسکردیون، ۹۸	اسفودلوس، ۳۷	771, 771, 691	استر (اندلس)، ۲۷۴
اسکرسول، ۱۶۲	اشْفُودِلُوس، ۱۳۸		استرمونيه، ۱۰۹
اس کرمانی، ۳۶	اسفومغری، ۱۰۵	اسطورا، ۱۱۵	استكو (تنكابن)، ۱۷۱
اسکروان (نبطی)، ۲۶۹	اسفیدار، ۱۷۸	اسطوريقون، ۲۴۴	اسحاره، ۴۶
إشكنده، ۴۹	اسفیدارا راغیا، ۲۸۰	اسطوماخوس، ۴۸	اسحارة، ۱۴۰، ۱۸۹
اسکیغیلای، ۲۴۶	اسفیدش، ۷۸	اسغارن امُشاتن، ۳۳	إشجل، ۴۶
اسکیلم چشم (سجزی)،	اسفیدکشیر، ۳۰۰	اسغارن يزان، ٣٣	اسخرون، ۹۶
Y1V	اسفی دیون، ۱۸۹	اسْفاراغُش بَطْراؤس، ۲۹۷	أَسْخَنُ، ۱۰۸
اسكىنانتو (فرنگى)، ۴۱	اسفيراداغويوس، ٢٣٣	اسفارج الصيني، ۲۵۶	اســـد الارض، ۴۶، ۱۲۸،
أشل، ۴۹	اسفيقوس، ۲۶۲	اسفاناج، ۴۸	440
اسل، ۱۴۸	اسفیندار، ۱۳۰	اسفید، ۱۱۶	اسد العدس، ۴۷
إِسْلَنْج، ٥٠	اسفیوس، ۷۸	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷	إشرار (مغرب)، ۴۷
اسلوقوطيس، ۴۹	اسفیوش، ۷۸	اسفراج (مغرب و اندلس)،	اسراش، ۱۳۸

اطراقتولیس، ۲۱۰	اصابع الفتيات، ٢٢٥	اشج، ۵۱	اسلیح، ۲۷۴
اطرایلس، ۹۴	اصابع القينات، ١١٣	أشُّج، ۲۹۵	اسليخ، ۲۶۷
اَطرَفَقْسوس، ۱۷۰	اصابعاللُصوص، ٥٣	إشْخيص، ٥١	اسليوس، ۱۷۴
اطرقطوس، ۲۳۶	اصابع الملك، ٥٩، ١٤٣	اشخیص، ۲۷۵	اسمادوسفرم، ۳۶
اطرقطولس، ۲۳۶	اصابع هرمس، ۱۷۹، ۱۸۰	اشخیص اسود، ۵۱	اسمار، ۳۱، ۳۵، ۳۶
أطَرْماله، ۵۴	اَصًاص، ۲۷۷	اشخیص سفید، ۵۱	اسماروزند، ۳۱، ۳۶
اطروغا، ۳۹	اصاقو، ۲۸۲	اشراز، ۳۷	اَسْمَاقوس، ۱۳۵
اطروکا، ۳۹	اصبالاثوس، ۱۴۱	اشراس، ۳۷	اسمرنا، ۲۷۸
اطروكيا، ٣٥	اصطرک، ۵۳، ۲۰۶، ۲۸۶	اِشْراس، ۵۱	اسملیس، ۲۸۰
اطریشیة، ۲۸۰	اصطرک (شام)، ۱۸۶	أشراس (مغرب)، ۵۱	اسمورنين، ۲۵۳
اطریفلین، ۱۲۲	اصطفالينوس، ١٠٣	اشریس، ۳۷	اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴
اطریلال، ۱۵۵	اصطفی، ۲۸۶	ٱشْفاقِش، ۴۸	اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴
اطریون، ۲۳۳	اصطفیذه، ۲۱۴	أشَق، ۵۱	اسمیم ماکنوم (فرنگی)،
اطزوخیوس، ۲۱۴	اصطفيقوس، ٢٤٢	اشق، ۲۳۳	174
اطفكسوس، ۲۴۱	اصطفیلن، ۱۰۳	اَشَقٌ، ۲۹۵	اسنام، ۱۴۸
اطماط، ۸۸	اصف، ۲۵۰	اشقیطله، ۶۱	أَسْنان الذِنْب، ٥٠، ٨٤
اطْمَط، ۵۴	اصل الأنجدان خراساني،	اشقیل، ۸۰	اسنان الفار، ۲۵۹
أطموط، ۵۴	٥٠	اشكرية، ۲۸۰	اسنولوس، ۵۰
اطموط، ۸۸	اصلالتهل، ۱۶۹	اشکُه، ۱۴۰	اسواس، ۲۰۳
اطميثا، ۲۴۷	اصل الخنثي، ١٣٨	اشکیل، ۲۱۷	اسود، ۱۷۳
اطميسا، ۷۶	اصل الراسن، ۱۵۳	اشلابوس، ۱۴۱	اسوفس، ۱۶۵
اطّه، ۱۸۲	اصل السرح، ٣٠٠	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اسیلیسقان، ۱۰۶
اطیا، ۲۲۰	اصل السوس، ۱۸۰	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اشبتبه، ۲۰۰
اطیرنه، ۲۵۱	اصل السوسن الابيض، ٥٤	اشموسا، ۵۲	اشبرک (سجزی)، ۱۲۱
اطيطون، ۴۹	اصل الفلفل، ۲۲۸	اًشنان، ۵۲، ۶۹	اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴
اطيوس، ۷۶، ۲۳۱	اصل القصب، ۲۴۰	اشنان العربي، ٥٢	اشْبِرون (اندلس)، ۱۱۵
اظا، ۲۲۰	اصل اللفاح، ۲۷۰	اشنان الفارسى، ١٢٣	اشبطاله، ۱۲۶
أظفار الجن، ٥۴	اصل اللوف، ٢٣٠	اشنان القصارين، ١٢٣	اشْبِنة ٱلْبه، ٧٢
اعرابی، ۲۷۲	اصل المتك، ١٨٠	اشنان گازران، ۵۲	اشْتِبّه، ۵۵
اعروعوليطوس، ۲۷۷	اصل النيلوفر هندي، ۲۲۷	اشنه، ۵۲	اشتر (اصفهان)، ۱۱۰
اعناب السَّراة، ٢١٧	اصل الوردى، ۱۵۹	أشنه، ۱۱۸	اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰
اغاريقون، ۲۱۸	اصل امیرباریس، ۳۵	اشنه، ۱۹۲	اشترخاراست، ۵۰
اغافت، ۵۴، ۹۰، ۹۴، ۱۵۴	اصوفُورون، ۲۷۱	اشنه بستانی، ۱۹۲	أَشْتُرغار، ۵۰ ۶۵
اغافث، ۵۴	اصوفورون، ۲۷۱	اشود، ۱۸۴	اشترغاز، ۵۰
اغرانيون، ۲۸۱	اضراس الكلب، ٧٩	أشه، ۵۱	اشترینه میاطش، ۱۱۶، ۱۱۸
اغرسطتورون، ۲۵۵	اطا، ۲۲۰	اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اشتنکه، ۱۳۵
اغرسطس، ۴۳، ۹۹	أطراطيقوس، ٥۴	اصابع الصفر، ٥٣	اشتوان (مصر)، ۷۹
اغرسطيس، ٩٩	اطرافعس، ۲۴۱	اصابعالعَذاری، ۵۳	اشجّ، ۵۱

اقريون، ۲۵۴	افیقون، ۸۸	افرقه دلف، ۴۶	اغرسوذوطوس، ۲۵۵
اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲	افیلون، ۵۶، ۱۹۳	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	اغرقنتية، ۲۷۳
اَقْسون، ۵۸	افیمارن، ۷۰	افرنْجَمِشک، ۱۶۰	اغرقونية، ٢٠٥
اقسیس، ۱۶۲	افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹	افریژ، ۲۹۳	اغروسطوس، ۴۴
اقسینی، ۲۶۶	افيمديون، ٢۶٩	افريقية منتهونة، ٢٨٠	اغرو سوقوميس، ۲۳۳
اقسيوس، ١۶١	افيمذيون، ٢٧٥	افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶	اغروغن، ۱۲۶
اقط، ۱۸۲	اَفيميدون، ۵۷	افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	اغريا، ٢٥٥
اقطاطاقیس، ۸۱	افینوس، ۱۶۸	اَفْسَنْتين، ۵۵	اغریذی، ۲۵۶
اقططرمنثوس، ۸۱	اَفْيوس، ۵۷	افســنتين، ۷۷، ۱۲۰، ۱۵۴،	اغريمون، ١٠٢
اقطفیت، ۸۸	افيوسطافيلن، ۲۵۰	λάγ	اغریوس، ۱۲۴، ۱۲۶
اقطن (يمن)، ٢٧٥	افيون، ۵۷	افسنتين البحر، ١٩٣	اغزواطس، ٩٩
اقط (یمن)، ۵۸	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵	افسنثيون، ۵۶	اغفت، ۵۴
اقلفوس، ۲۵۵	اقاروا، ۲۵۶	افصی، ۲۱۱	اغفورقيون، ٢٣٣
اقلفی، ۲۵۵	اقارون، ۲۹۳	افطریون، ۱۷۳	اغلاث، ۱۲۱، ۱۴۸، ۴۴۲
اقلُولش، ۱۲۹	اقاقالیس، ۵۷	افطیمس، ۳۰۰	اغلبس، ۱۴۷
اقلیشا، ۱۰۳	اقاقلیس، ۲۰۲	افکرکسیس، ۲۴۱	اغلبص، ۱۴۷
اقلیطی، ۱۷۸	اقاقیا، ۵۷، ۸۲ ۲۳۷	افلايوس، ۶۵	اغلقندریا، ۲۸۲
اقليولش، ٤٧	اقالیفی، ۶۵	اَفَلْدان، ۷۵	اغلیس، ۲۵۴
اقنتالوقى، ٧١	اقتلقا، ۷۵	افلسطین، ۸۱	اغليطوس، ٢٢٢
اقنتالوقين، ٧١	اقحوان، ۳۵، ۵۸	اَفْلَنْجَه، ۵۶	اغنس، ۴۱
اقنتولوقاقيثادشتا، ٧١	أَقْحُوان، ٥٧	افليطون، ۴۹	اغنوس، ۴۱
اقىنئالوق <i>ى</i> ، ٧٢	اقحوان البري، ٤٤	افليوكبيون، ۲۴۱	اغنیس، ۴۰، ۴۱
اقند، ۱۵۳	اقحوان العربي، ١٥٣	افنان سر، ۲۲۴	اغيراطون، ٥٥
اقورون، ۲۹۳	اقحوان بري، ۵۷	افنیثون، ۵۸	اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷
اقوقوس، ۸۱	اقحوان بستاني، ٥٧	اَفْنيقون، ۵۶	اغيرُس، ۲۶۴
اقولاقاثن، ١٢٢	اقحوان زرد، ۷۰	افنینبدونون، ۵۵	اغیلفس، ۱۴۷
اقونطياون، ١٣٠	اقدینا، ۱۹۳	افودوس، ۱۲۶	افاتیس، ۲۲۳
اقونيا، ١١٢	اقذی، ۱۷۲	افوروس، ۱۲۶	افادملس، ۱۲۴
اقونيطن، ١٢٨	اقراص الملک، ۸۴	افُوسالينُن، ۲۵۴	افًار، ۹۹
اقياقيلوني، ۲۴۰	اقرانیقی، ۱۸۹	إفوسالينون، ۲۵۴	افاریقون، ۲۹۸
اقیثالوقی، ۵۸	اقرسینی، ۲۶۶	افوساليون، ٢٣٥	افامیرون، ۷۰، ۱۸۰
اقیرون، ۲۹۳	اقرع، ۱۳۹	افوقونس، ۱۲۸	افان <i>ی</i> ، ۱۲۳
اقین، ۷۲	اقرنون، ۲۲۳، ۲۳۵	اَفیٹمون، ۵۵	افتاب پرست، ۲۹۹
اقینی، ۱۰۴	اقرنونش، ۱۲۳	افیثمون، ۱۹۵	افتيمون، ۵۵، ۱۴۱
اكاسبيل، ۲۵۸	اقروم، ۱۰۴	افیثمون لینون، ۵۵	أَفْتيمون، ۵۵
اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷	اقريطون، ۲۴۸	افیغوون، ۵۶	اَفَرْبيون، ۵۵
اکتر، ۹۶	اقریطی، ۲۸۱	افیقرون، ۵۶	افربیون، ۱۶۳، ۲۲۴
اکُت مکت، ۵۹	اقريوش، ۲۵۴	أفيقَطُس، ٥٤	افرسیر، ۱۵۷

اِلْقیس (سجزی)، ۲۶۶	الرِّمِنْدَه(اندلس)، ۲۱۹	الالط، ١٨٢	اَکِتْمَکِت، ۵۹
اِلْقيوس (سجزي)، ۲۶۶	الرُّنج، ٢٨٧		اکَثار، ۱۰۷
الكس، ١٢۶	الريح، ٢٧٣		اکثوث، ۲۵۸
الكسينا، ۲۶۶	الزَرقطونا(فاس)، ۷۸	إلْب، ٤٠	اکثیقوس، ۱۴۳
اِلكسيني، ١١٩	الزواني، ۱۳۶	الباشَّه، ١٣٠	اکر، ۲۱۶
الكن، ٢٣٩	السَّزمَج، ۱۷۰	البانونس، ۱۳۱	اکرفس، ۲۵۳
الكور (يمني)، ٢٨٣	السَّرْمَق، ۱۷۰	الباین، ۱۵۱	اکرکره، ۲۰۵
الكيا، ٢٨٢	السرى، ۲۶۴	البروس، ۱۳۰	اكرميوسنه، ٢١٩
اللقامن، ۲۰۴	السفاقن، ۶۰	البستني، ۳۴	أكرنب البحري، ١٢٢
اللنثي، ٤٠	السمته، ۲۸۰	البطن، ۸۰	اكرنب الدورى، ۲۵۶
أَلُم (شيراز)، ١٠٠	الْسن، ۱۲۲	البُلّ، ۱۴۱	اكرنب الرومي، ۲۵۶
الم (شيراز)، ١۴٣	الْسُن، ۱۳۳	البوزش لوقس، ۱۳۰	اكرنب الشامي، ٢٥۶
المصافق، ۲۴۷	السنة، ١٢٩	البوقاله، ۱۵۷	اكرنب الكرماني، ٢٥۶
المُعين، ٢٧٥	السنة العصافير، ١٧٨، ٢۶٩	البهار، ۲۱۷	اكرنب الهاشمي، ۲۵۶
ألمو (لاتيني)، ١٠٧	السی، ۲۵۰	البيسم (لاتين)، ٢٣٠	اکروفس، ۱۰۸
الميس، ۲۹۰	السي كابيج، ٢٥١	التاجر، ۲۹۲	اکری (بنگال)، ۲۰۷
الميّون، ۴۹	الصانع الصفر، ١٨٤	التاره، ٣٣	اكسوفيلن، ٢٠٣
النافع من الرُّنَيْلاء، ٢٢٣	الصيني، ١٢٩	التواء بر التواء، ۲۵۷	اکسیر، ۵۲
النافع من أخليوس، ١۴۶	الطانه، ۲۰۴	التوبل، ۲۴۸	اكسيوس، ٥٩
ٱلْنَج، ۶۰	الطردونه، ۱۰۶	الَّتينيا، ٢۶٢	اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴
النيسون، ١٥٣	الطَّفرا، ۲۰۴	اَلْتَيَه، ١٢٩	إكليل الجَبَل، ٥٩
النينا، ۲۷۴	الطورنُه شول، ۲۰۳	الثاآ، ۱۲۹	اكليل الجبل، ١٩٣
الوا، ۱۹۵	الطيرون، ٢٣٣	الثال، ۱۳۶	إكْليل المَلِك، ٥٩
الواس، ۲۱۶	الغُتُّه (لاتيني)، ٢٩٥	الثال، ۱۳۶	اکول، ۶۷
الوبياس، ٩٣	الغِسل، ١٢٩	الثُّفاء، ١١٥	اکون، ۲۰۹
الوج، ۲۷۷، ۲۹۳	الف، ۲۲۲	الحاج، ١٢٣	اکیروس، ۱۰۸
الوخن، ۲۸۳	الفاضل لِنُفَساء، ١۶١	الحاحي، ١٢٩، ١٣٣، ٢٥٤	اگر، ۲۱۶
الودين، ۲۶۰	الف دينار، ۱۶۰	الحاذ، ۱۲۳	اگیراتون، ۵۵
آلوستن، ۶۰	الفشرا، ۲۹۷	الخرفا، ۱۰۴	اگیرترکی، ۲۹۳
آلوشن، ۶۰	الفليس، ١٢٢	الداد، ۱۱۴	الآس، ۳۵
ألوسون، ۶۰	الفوثويا، ١٥٣	الداس واش، ۱۲۹	الابورش مالُش، ۱۳۰
الونی، ۲۷۳	القبابن، ۲۴۹	اَلْدِر، ۲۱۳	الإثرار، ۶۱
الويا، ٢٧١	القسيني، ٨٣ ١١٩، ٢۶۶	الدوم، ۲۸۳	الازاز، ۲۷۷
آلُويَن، ۶۰	الْقَسيني، ٢۶۶	الراسن، ۸۰	الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷
الهَدايه، ١٥٧	القسيني الكبير، ٢۶۶	الرُزّ، ۴۴	الاطيني، ٥٠ ٢۶۶
اليا، ۱۳۶	القطرون، ۲۶۴	الرُّقْعَة الصّخريه(انـدلس)،	اَلاطینی، ۲۶۷
الياله، ۱۰۳	القون، ۲۹۵	771	الالسفاقُس، ۲۶۸
اليسما، ۲۸۱	القيس، ۲۶۶	الرمث، ۱۲۲	الالسفاقن، ۶۰

أَنْجَرَك، ٢٧٩	اَنَّاس، ۶۷	اَمْسوخ، ۶۲	اليش، ۹۸
أَنْجُرُه، 60، 60، ٢٥٥	اَناغالُس، ۶۳، ۳۴	أمطى، ٤٢	اليشكه، ۱۴۰
انجسًا، ۳۸	اَناغورِسَ، ۶۳	ام عمر، ۶۲، ۹۶	اليكا، ۲۲۰
انجسا الرملي، ١٥٥	اناغيرس، ٤٢	امٌ غيلان، ۵۹، ۲۱۷	اليلاون، ۲۸۳
انجسا الساحلي، ١٥٥	اناکیر (نبط <i>ی</i> )، ۶۳	ٱمُّغَيْلان، ٤٢	اليمون، ۲۸۴
انجیده، ۲۲۴	انانوس، ۱۵۲	أمغيلان، ٤٢	ألينو، ٢٥١
انجیر، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴	انب، ۷۲	ام غیلان، ۱۹۱، ۲۰۳	اليون، ۱۰۳
انجيرآدم، ۶۶	انباتَنورا، ۶۵	امفلوبراسيون، ۲۵۲	اليوون، ١٥٣
انجير حلواني، ۹۶	انبالس ماليا، ٢٢٢	إمِقْدال بيقرا، ٢٧٢	اماراقوا، ۵۸
انجیر دشتی، ۹۶	انبالُفْراسُن، ۲۵۲	إمِقْدال غْلوِقيا، ٢٧٢	ام اربعة و اربعين، ٧٩
انجیر زمینی، ۱۲۷	اَنْبَج، ۶۳	أمُّ كلب، ٤٢	امارنطون، ۵۸
انجیر وربری، ۱۸۴	انبج، ۲۸۲	اَمَلْ بید، ۶۲	امّاری، ۱۳۳
انجیله، ۷۸	انبجّه، ۲۸۰	املبیل، ۵۵، ۲۵۸	أماريطُن، ۶۱
انجيلة، ٣٧	انبرباریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱	اَمْلَخ، ۶۲	اماريطون، ۱۵۳
انچلک (شیراز)، ۱۴۲	انبرسول، ۲۸۱	املس، ۱۳۹	اماریقون، ۵۸، ۱۰۶
اندراسیون، ۷۴، ۲۶۲	انبرود، ۲۶۱	املک، ۶۲	امُ الف ورق، ۶۲
اندرافکسیس، ۲۴۱	انبل، ۲۲۵	اَمَلْ كِجائى، ٤٢	امامانیطس، ۲۹۸
اندراین کاپهل، ۱۲۶	انبلی، ۹۵	املناس، ۱۴۰	اماموس مانيوس، ٢٨٩
اندرجو، ۲۶۹	انبوباریس، ۳۸	أُمِّوَجَعِ الكبد، ٤٣	امامون، ۱۲۴
اندرجو (سندی)، ۲۶۹	انبوب الراعي، ٤٤	اموره، ۲۷۵	امانیاقن، ۵۱
اندرخانا، ۸۲	انبوب الملك، ٤۴	امّونياقُن، ٢٩٥	امّباشا، ۱۱۱
اندرخنا، ۸۲	انبه، ۶۳	امونياقون، ٥١	اَمْبَرْباریس، ۶۱
اندرساخس، ۶۹	انتله، ۱۰۱	امونیقون، ۵۱	أمْبروسيا، ۶۱
اندرسافس، ۶۹	أَنْتُلُه (عجمي اندلس)، ٤۴	امی، ۲۸۹	امبلوبراسون (لاتینی)، ۲۵۳
اندرسامس، ۱۵۸	انتلی، ۱۴۹	امیانی، ۲۸۹	امبوبادیس، ۳۸
أَنْدَرْصارون، ۶۶، ۶۹	انثار، ۲۰۴	ام یحیی (شام)، ۱۰۵	امجلية، ٤٧
انْدَرْوَافَقْسُس، ۱۷۰	انثامیس، ۶۴	امیرباریس، ۶۱ ۲۷۱	اَمْدُرْیان، ۶۲
اندروت، ۶۶	اَنْثُلیس، ۶۴	امیرون، ۷۰، ۳۰۰	امراطيون، ۲۶۲
اندروساقس، ۲۹۸	انثوس، ۲۹۳	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	امراقون، ۲۷۹
اندروساماس، ۶۹	انثون، ۱۸۴	امیره، ۱۱۰، ۲۶۹	امرباطون، ۱۱۸
اندروسامن، ۲۹۸	انجاص، ۴۱	امیریا، ۲۶۹	امرتیه، ۲۵۸
اندروسامُن، ۲۹۸	انجاص (فاس)، ۲۶۱	امیطی، ۶۲	امرقون، ۷۰
اندروصارون، ۲۲۲	اَنْجِبار، ۶۴، ۸۷ ۱۵۷، ۲۹۱	امیغدالی، ۲۷۱	امرو، ۲۶۱
أَنْدَرُوطاليس، 8۶	انجبار النهري، ۲۷۲، ۲۹۱	امیولوفراس، ۲۲۵	آمرود، ۶۲
آنْدَروطون، ۶۶	انجدان، ۵۰، ۶۵، ۹۳، ۱۲۱	امؤمن، ۱۲۴	امرود، ۲۶۱
اندقوقو (شيراز)، ١٢٥	انــجدان رومـی، ۶۵ ۱۶۷،	انار، ۱۵۷	امروسیا، ۲۹۸
اندموليا، ۱۰۶	A¥X	انار دانه، ۱۵۸	اَمْژَه، ۶۲
اندُميان، ۲۵۶	انجرک، ۲۷۹	اناریچه (مازندران)، ۱۱۷	امشخسر، ۲۹۲

	101		
أوروپس، ۲۵۳	انیلس، ۱۶۵	انکسینس، ۳۳	اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲
اوروذیس، ۲۳۰	انیولیس، ۲۸۰	انکسینی، ۱۱۹	انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵
اوروسیمون، ۱۷۶	انيوليون، ۲۵۴	اَنْکول، ۶۷	اندیقا، ۲۹۷
اوريز، ۴۴	انیون، ۱۵۳	انکولس، ۱۲۲	اَنْذَر، ۱۵۳
اوریزا، ۱۲۶	اَنْیَه دی غاتُه، ۲۰۵	آنْکیز، ۶۷	انروله، ۱۲۲
اوريزوذينوس، ۲۳۰	أُنْيَة دغاتُه، ١١٩	انگدان، ۶۵	أَنْزَروت، ۶۶
اوريغاسن، ١٩۵	اَوافيوس، ٤٧	انگدان زد، ۱۲۱	انزروتا، ۶۶
اوزم، ۲۱۴	اوبانیس، ۵۷	انگذاله (فرنگی)، ۲۷۱	انس الارواح، ۴۷
اوزمون، ۱۰۲	اوبرنیون، ۲۲۴	انگذان، ۶۵	انسون، ۶۷
اوزنس، ۲۵۳	اوبزر، ۲۴۶	انگزد، ۱۲۱	انسيتون، ۵۶
اوزونا، ۲۶۰	اوبطوری (لاتین)، ۲۱۹	انْگُزَه، ۱۲۱	انشعی، ۱۲۹
اوسّبيد، ۶۸	اوبلس وفلوطين، ١٢٠	انگشت، ۵۳	انطاین، ۱۴۵
اوسبيذ، ۶۸	أُوبَة قَنينَة، ٢۴٩	انگشت کـنده (اصـفهان)،	انطبذه، ۲۴۸
اوسفدنون، ۲۴۹	اوبیانس، ۵۷	171	انطرقطولس، ۲۳۶
اوسفول، ۱۶۵	اوبیانیس، ۵۷	انگور، ۲۱۴، ۲۱۷	انطريون، ۶۶
اوسفون، ۱۶۵	اوثرمسوا، ۹۳	انگور سگان، ۱۲۸	انطوليا (شام)، ۲۹۷
اوسفید، ۶۸	اوثنا، ۱۰۴	انگُیان، ۶۵	انطویا، ۲۹۷
اوسیرس، ۱۲۲	اوثوميس، ۲۷۵	انلی، ۸۸ ۱۵۰	انطوينا (لاتيني)، ۲۹۸
اوسيمون، ۴۶	اوجا (تنكابن و ديلم)، ۲۲۰	آئلیه کمبیانه، ۱۵۳	انطینس، ۱۲۲
اوشن، ۱۹۵	اوحی (مازندران)، ۱۲۰	اننوس، ۲۶۱	انظر (دمشق و شام)، ۳۶
اوشه (شیرازی)، ۱۹۵	اودومالی، ۶۸	انوثیرا، ۱۴۱	أَنْغِزا، ۶۶
اوفاریقن، ۲۹۸	اوذمون، ۱۷۳	انوخیلوس، ۱۵۵	انغوزه، ۱۲۱
اوفاريقون، ۲۹۸	اوذي تغس، ۲۴۳	انوسما، ۴۳	أَنْفُ العِجْل، 86
اوفال، ۲۵۹	اورابالاوسطون، ۱۰۴	أنوشَة (لاتيني)، ١٧١	انفاليوس، ٧٠
اوفيموبَذاس، ۶۸	اوراساليون، ۲۵۳	أنُوطيلون، ٤٧	انفحة، ۲۵۰
اوقاس، ۴۹	اوراسیمون، ۲۹۰	انوله، ۶۲	انفسینی، ۱۱۹
اوقانتوس، ۶۱	اورافلون، ۱۵۳	أَنُوما، ۶۸	انفلوس، ۲۵۵
او قلااوقا، ۵۹	اوراهياسليون، ٢٥٣	انومیا، ۱۸۸	انفولوفا، ۱۵۳
اوقيمون، ٧١	اورباس، ۹۷	انونكسا، ۱۳۶	انفیطینا، ۱۹۱
اوقيمويداس، ۶۸	اوردپاپاری، ۲۲۸	انيت الشعر، ٢٥٧	انقث الا، ٢٥١
اوقینه، ۵۹	اوردقیون، ۲۳۲	انیراتا، ۶۷	انقردیا، ۸۵
اوکا، ۷۱	اورزأ، ۴۴	انیسن، ۶۷	انقوس، ۲۶۱
اوكاماثا، ۲۲۷	اورسالينون، ۲۵۴	انیسوم، ۶۷	انقیلامی، ۹۴
اوکهه، ۲۴۱	اورسیمون، ۲۳۰	اَنـــــيْسون، ۶۷، ۱۵۲،	انقيون، ۱۸۴
اولایی بوشاشا، ۱۱۶	اورغيون، ۵۰	787,104	انکالن (فرنگی)، ۶۳
اولسطيون، ١٠١	اورمش، ۱۰۵	انيسون البري، ۱۱۴	انکر (شیرازی)، ۲۳۶
اولياطيوم، ٢٥٥	اورمون، ۱۰۲	انیسون بری، ۷۸	انكزانا اوكاما، 60
اولیذا، ۱۴۷	اورمینون، ۲۲۴	انیطوا(لاتینی)، ۱۸۴	انکزر، ۱۲۱
	3.33	<u> </u>	

أبجّه (اندلس)، ۱۳۸	ایل، ۷۰، ۲۳۲	ايذوصارون، ۶۹	اوليه، ۲۵۲
أبرس، ۲۰۸	ایلانجی، ۲۳۲	ایذون، ۴۶	اوليه دِلْيِبْر، ۲۶۹
أبرنج، ۴۴	ایلرسیا، ۸۸	ایذونیارون، ۶۹	اومادا، ۲۳۳
بری آَبْروبُوذْیا، ۱۱۸	ايليقس، ١٢۶	ایذووسمون، ۲۹۰	اومومون، ۱۲۴
بری. أَبْرُوطُنُون، ۷۷	ايليقطران، ٢۶۴	ایذیصارون، ۱۴۴	اومیطرون، ۲۴۶
بروطنون، ۲۴۷ أبروطُنون، ۲۴۷	ايليوطروبيون، ۲۰۴	ايراماميز، ۶۹	اونتکتاره، ۵۰
برو أبرة الراعى، ٣٧	ايليوطروبيون طوماغا، ٢٠۴	ايردوبساناس، ۶۹	اونت کتاره، ۱۸۹
أبرة الراهب، ٣٧	ايسليوطروبيون طومقرون،	ايردوسياناس، ۶۹	اونطریثا، ۲۲۶
برر أبلِم، ۳۸	7.4	ایرس، ۳۹	اونودیا، ۲۳۳
أُبْلَم، ٣٨	ايمارانوطولي، ٧٠	ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱	اُونَيا، ۶۸
أَبْلُم، ۲۸۳	ایمارس، ۹۳	ايرصا، ۲۷۳	اونياغاتُه (لاتيني)، ۲۴۴
ب أيلَمة، ٣٨	ايمارو قالاس، ٨٠	ایْرن، ۲۷۳	اونیره، ۸۱
أبوحَلْسا، ۳۸	اینارهر، ۱۳۸	ايرنجان، ۲۳۶	اَوْهير، ٣٩
أبوشاد، ۱۸۹	اینبروئی، ۱۴۶	ایرنجی، ۱۰۵	اوهير، ٣٩
أَبُوفايس، ٣٩	اینه، ۱۲۶	ايرَنْجي، ۲۳۶	اويشم (اصفهان)، ۱۹۵
بر يا أبو فايس، ٣٩	ايورش، ۲۸۳	اَیَرنی، ۲۷۳	اهالوا، ۱۱۵
برو يا ق أبوفسطُن، ٣٩	ایو سقوامس، ۸۸	ايرنيوقرينوس، ۱۸۰	اهر، ۱۷۸، ۲۶۹
بر أيّوفَسْطُن، ٣٩	ایهقان، ۱۰۲	ايروفلون، ۱۵۳	اِهليلَج، ۶۸
أبومارثون، ۱۵۲	أَاَفَنْشُس، ۱۱۴	ايروقوليون، ۱۷۴	اهلیلج اسود، ۶۸
	أارُّون، ۲۷۳	ايريس، ۷۰	اهلیلج اصفر، ۶۸
۰.۰ أَبْيَد، ۳۹	أافشرو، ۳۶	ايريفارون، ٧٠	اهلیلج چینی، ۶۸
 أُبِيلَه دِطَلْباطَه (اندلس)، ۳۷	أَاقونيطن، ١٢٨	ايريمورون، ۱۸۰	اهلیلج کابلی، ۶۸
أبى مالک (مغرب)، ۱۸۵	أاقِينُس، ٢٢٥	ايرينون، ٧٠	اهلیلج هندی، ۶۸
أترجى الرائحة، ٧١	أاليمون، ٢۴٢	ایزون، ۳۷	اِیارانوطابی، ۶۹
أُتُم، ۱۶۵	أَامُومُن، ۱۲۴	ایزویون، ۳۷	ايبسقوس، ۲۸۴
۴۰ . أثاب، ۴۰	أام <i>ِی</i> ، ۲۶۲	ایزیفازن، ۷۰	ايبولوبوس، ۲۵۰
أَثَية، ۴۰	أَانيسُن، ٤٧	ایساطس، ۲۹۲	ايثوسيس، ٢٧٥
أثرار، ۴۰	أَأَبانُس، ٣٣	ايسقوس، ۱۳۶	ايثوليس، ۶۹
اثرر اثرار، ۶۱	أَأَذَارِ يَذَا، ٤۴	ایشن، ۱۹۵	ايدراسيمون، ١١٣
أثل، ۴۰، ۲۰۷، ۲۹۰	أأرن، ۲۷۳	ايصورين، ۱۱۳	ایدع، ۶۹، ۱۴۶
أج، ۱۰۶	أَأْريصارُن، ٢٧٣	ايعاسوفسين، ١٠٥	ایڈمامیر، ۶۹
ب أجاص، ۲۱۷	أأطًا، ١٣۶	ایغرتی، ۳۷	ايدوصارون، ۲۶۹
أجاص الأبيض، ١٨٤	أَأَنَّامُونِي، ۱۸۸	ايفغسه، ٩٣	ایدیاسمن، ۱۱۳
أجاص شتوي، ۱۶۲	أباغسالة، ١٨٥	ايفلوفوس، ۲۵۰	ايدُياسُّمُن، ۲۹۰
اَجَاص کوچک، ۷۶ اُجَاص کوچک، ۷۶	أبامالک، ۱۸۵	ايفوريس، ۱۵۱	ایدیاسمین، ۱۱۳
آجرد، ۴۲ أجرد، ۲۲	أباءة، ۳۷	ايقذ، ۱۱۴	أيْذااَريذا، ۶۹
ا جورانا أجيلبس، ۱۴۷	أباؤ، ۳۷	ایکده، ۲۱۹	ايذنطوس، ۲۶۶
اجيبس، ۱۱۶ أحّراز (صقالبه)، ۱۱۶	. ج. أبجاله، ۶۷	ایکور، ۷۵	ايذوسارون، ۶۹
اعوال اعتدلیدی ۱۰۰۰	••		

أسنام، ٥٠	أزورى، ۱۴۱	أرجَه (لاتين)، ٢١٣	أحريص، ٤٢
أُسُّوفُون، ۱۶۵	أزير، ۵۹	أَرْجيقن، ۴۴	أحيرش، ۴۲
أسيدار، ۵۰	أُسارون، ۴۶، ۲۸۸	أرخس، ۱۳۵	أُخِلُّة، ٧٩
أسيرون (اندلس)، ۱۱۶	أساطِس، ۱۱۳، ۲۱۱	- أردمانة، ۲۶۷	أخليوس، ۴۲
أشبرتالُه، ۵۰	أساطيس، ۲۹۲	أُرْز، ۱۹۷	أَخَلُيوس سَنْدَريطِس، ١۴۶
أشْبطانَه (لاتيني)، ١٨١	أساطيس أغريا، ١١٣، ٢١١	أُرز، ۲۴۷	أخليوس سندريطس، ١٧٩
أشتر، ۲۰۴، ۲۷۴	أسبست، ۱۵۶	أَرسْطُلُوخْيا، ١٤١	أخيون، ۴۲
أشترغاز، ۱۶۴	أستن، ۴۶	أرُسطولوخيا، ١۶٠	أداد، ۵۱
أَشتيوان، ٧٩	أشحارًه، ۴۶	أرطاماسيا، ۶۱	أداد الوحيد (مغرب)، ۴۷
أشخيص، ۴۷	أسحارة، ٩٤، ١٩٠	أرطاماشيا، ٧٧	أدادي (اندلس)، ۲۶۹
أَشْرُه، ۴۶	أُسْحُفان، ۴۶	أرطريفيون، ۶۰	- أدريا <i>س،</i> ۹۷
أَشَّق، ٢٣٢	أسحِل، ۴۶	أرغاموني، ۱۳۸، ۱۸۸	أدرييس، ۹۷
أُشْق الابلة، ٥٢	أنحِل، ١٣٧	أرْغاموني أغْرِيا، ١٨٨	أدُ يرزا، ۴۲
أشقالية (اندلس)، ٢١٣	أسد الأرض، ۶۸	أرْغيس (اندلس)، ١٢٠	أِذْ خِر، ۴۳
أَشْقُرْذين، ٤٩، ٩٨	أسرغنت، ۱۷۰	أرقطيون، ۴۵	أذريون، ٣٥
أُشِّق (مصر)، ۲۵۹	أشـطافالينوس أُغْــريوس،	أرقطيون آخر، ۴۵	أذناب البقر، ١٥١
أشقيطله، ٤١	1.4	أرقوٹس، ۲۰۸	أذن الأرنب، ٢۶٩، ٢٧٠
أشْقيل، ۴۹	أسطافانديا أغريا، ١١١	أرماك، 40	أذن الثور، ۲۵۲، ۲۶۹
أشقيل، ۲۱۵	أسطراأطيقوس، ٤٧	أزمينُن، ۴۵	أذن الجَدْي (اندلس)، ٨٢
أِشْكَالْيَه (لاتيني - اندلس)،	أسطراطيوس، ١٥١	أرنب <i>ي</i> ، ۲۶۵	أُذُن الحِمار، ٤٣
717	أسطراغَلُس، ۴۸	أرنقالس، ۲۶۹	أُذْن الحِمار (اندلس)، ۶۸
أشكل، ٢١٣	أسطنكه (فرنجي)، ۶۱	أرنيثوس غالا، ١٩۴	أذن الغَزال، ٣٣، ٢٧٠
أشكوذ، ۶۱	أسطوخودوس، ۱۹۷	أروسيطيقون، ١٧١	أذن الوطواط، ٤٣
أشكيطُلَه (لاتيني)، ١٢٠	أسطوخوذس، ۴۷	أَروسِیْمُن، ۹۶	أذنه، ۵۹
أشنان القصّارين، ٥٢	أسفراغس، ۲۹۷	أروسيمن، ۱۹۰	أراًا، ۱۶۴، ۱۹۴
أشنان داود، ۵۲	أَسْفَسْت، ۱۵۶	أُروسيمون، ۹۶	أراک، ۲۱۶، ۲۴۹
أشنان فارس <i>ى</i> ، ۵۲	أَسْفَلينُس، ۴۸	أريصارون، ۲۷۳	أرْباقُه (لاتيني)، ١۴٩
أشنه، ۵۶	أسفند، ۴۸	أريقارون، ۱۹۳	أَرْبَنْتُس أيمارُس، ١٢۴
أصابع الصفر، ۱۸۶، ۲۵۹	أَسْفِيوس، ٧٨	أريقون شاطوريون، ١٣٥	أربيان، ۴۴
أصابع العذرى، ٥٣	أسقردين، ٩٨	أريقَى، ۴۶	أربيان (شام)، ۴۴
أصابع الفتيات، ٢٢٥	أسقلبياس، ۴۸	أري <i>قى</i> ، ۱۳۷	أرتدبريد، ۴۵
أصابع القَينات، ٥٣	أسقِيرُن، ۶۹	أزاذَدرخت، ۳۵	أرت <i>قى،</i> ۱۱۰
أصابع هُرمس، ۵۳	أسكاطامن، ۶۶	أزاز، ۵۳	أرت <i>قى</i> (اندلس)، ۱۱۰
أصاص، ۵۳	أَسْل، ۱۷۵	أزْدَف، ۱۶۲	أرجان، ۴۴
أَصْطُرَک، ۵۳	أَسْل (اندلس)، ۵۰	أزرار <i>ى</i> ، ۹۷	أرجل الجراد (لبنان، عـراق،
أصطرك، ۲۸۶	أسليح، ۵۰ ۸۷	أزرغن، ۶۱	شام)، ۱۶۱
أصطفلين (شام)، ۵۴	أسَليلي، ۱۸۴	أَزرود، ۴۵	أَرْجُنقة، ۴۴
أصفورْن، ۵۴	أسمامن، ۲۸۵	أزَمَور، ۱۶۶	أرجونية، ٢٨٥

أَلوْيى، ٤١	أقنقن، ۹۰	أفوسالينون، ٢٥٣	أضحيان، ۵۴
آلُویی، ۱۹۵	أقيثا، ٧١	أَفُوقونُن، ۴۲	أضراس الكلب، ٥٤
أَلِيخْرِيسُون، ۶۱	أقيمن، ٥٩	أَفوقونُن، ۱۲۸	أطاء، ٥٢
أمارنْطُن، ۶۱	أقينس، ٢٢٥	أَفُّولاباتُن، ١٢٢	أطَّاء، ٢٢٠
أَمارَنْطُن، ٤١	أقينُس، ٢٢٥	أِفومارَثُن، ۱۵۳	أطباء الكَلْبَه، ١٤٧
أمارة، ۶۱	أكباب، ۲۱۶	أفومارثون، ۱۵۲	أَطْرَقْطُولُس، ٢١٠
أماسيرنيون، ١٥١	أكرار، ٥٩	أفيغؤون، ۵۶	أطرمالّة، ۵۴
أمّ الشُّغراء، ٧٥	أكر البحر، ٥٩	أفيفقطس، ٥۶	أطماط، ۵۴
أمْبَرُسْيا، ٧٧	أُكْسورُس، ۱۸۱	أَفيقُيون، ٥٤	أظفار الْقِطّ، ١٨٥
أم دفراء، ٤٢	أكشوث (مغرب، مصر،	أفيمارون، ۵۶، ۱۸۱	أعرابي، ٨٠
أمذريان، ٤٢	آفریقا)، ۲۵۸	أفيمِذيون، ٥٧	أَعَصَاب، ١٩٣
أمروسيا، ٤١	أكُفِيل، ۴۹	أفيميديون، ۵۷	أغافث، ۱۸۸
أمصوخ، ۶۲	أكليل الجبلي، ٢٧٤	أَفْيوس، ۵۷	أغالوجن، ۵۴
أم غيلاًن، ٢١۶	أكليل الجيل، ٥٩	أفيون، ۱۳۴، ۲۷۹	أغرسطُس، ٩٩
أملال، ٩٠	أكليل النُفساء، ٢٧۴	أقاقاليس، ۴۰، ۵۷	أغْرُسْطُس، ٩٩
أَمَلُال، ٩١	أكليل <i>ى</i> ، ۲۶۸	أقاقيا، ١٣٢، ١٩١	أغروم <i>ي</i> ، ۲۸۹
أَمَلُال، ۲۱۷	أكموبزًان، ۶۰	أقالِيفَى، ٤٥	أغليس، ٩٨
أمليس، ۶۳	ألاأَغِزيا، ١۶۶	أِقجالَة (اندلس)، ۲۴۷	أغْنُس، ۴۱
أمليسى، ۲۱۳	ألاطي، ۶۰	أُقْحُوان، ٣٥	أَغيراطُن، ٥٥
أميرباريس، ١٢٠	ألافوبسقن، ۱۵۶	أقحوان، ۱۸۶، ۲۳۴	أغيراطين، ٥٥
أميرون، ۲۹۸	ألافوبُشْقُن، ۱۵۶	أقحوان زرد، ٩٠	أغيرُس، ۵۵، ۱۲۷
أميونيطس، ١١٩	ألانيون، ١٥٣	أقسوس، ۵۱، ۵۸، ۱۸۶	أغيلان، ٤٢
أناطيا(قبطي)، ۶۳	أُلانيون، ١٥٣	أِقْسوس، ۱۴۳	أَفار، ٩٩
أناطيريا أرمالي، ۶۳	أَلْأَلِسْفاقُس، ٤٠	أقسيا، ۵۱، ۵۸	أفارینی، ۸۶ ۱۱۸
أناغاليس، ٣٤	أُلْباين، ۶۰	أَقْطَف (شام)، ۲۷۵	أفاق <i>ى</i> ، ٩٢
أناغرن، ٤٢	ألباينه، ۶۰	أَقْطِن (يمن)، ٥٨	أفان <i>ي</i> ، ۵۵
أناغلس، ٢٣١	ألثاً، ۱۳۶	أقطى، ٨٥ ١٣٨	أفثيمون، ۱۶۷، ۲۵۸
أناغورس، ۱۳۲، ۲۱۶	ألسفاقس، ۶۰	أَقْطَى، ١٣٨	أَفُرْبِيون، ٥٥
أنبالس لوقى، ٢٢٢	أُلْسنة العصافير، ١٧٨	أقطيون، ٩٠	أفسنتين، ١٣٠
أنبالس ماليس، ٢٢٢	ألسِيني، ٣٤	أَقْمام، ٣۶	أفسَنْتين، ١٩٣
أنبطرون، ۶۳	ألف دينار، ۶۰	أقنثا، ٧١	أفسنتين البحري، ٥۶
أنتله بيضاء، ۶۴	ألف ذراع، ۲۹۷	أقنثا أرابيقا، ١٨٩	أفسنتين الساحلي (اندلس و
أنتله سوداء، ۶۴	ألِف ورق، ۱۱۰	أقَنْثا أرابيقي، ١٨٩	مغرب)، ۵۶
أَنْتِلْيَشْ، ٤٤	أَلَّقَسيني، ١١٩	أقنثا أقنيس، ٤١	أفسنتين بحرى، ١٩٣
أنثاميس، ٧٠	ألليقاقابُن، ٢١٥	أقنثالوقى، ٥٨	أِفلاطينُس، ١۴۶
أَنْثُلِّيس، ٤٤	ألوبن، ۶۰	أُقَنْثالوقى، ٧١	أَفِمَلِيس،١٤٢
أنْثِيمُس، ۶۴	ألوسَن، ۶۰	أقتئس، ۱۱۴	أِفورِس، ۵۰، ۱۵۱
أنثيمس، ٧٠	أَلومُس، ۱۴۳	أقَنْثون، ۵۸	أفورس، ۱۵۱

أَنَّيْون، ۱۸۴	أورسيمون، ۴۶	أيفورِس، ٥٠	بابیر، ۷۵
أنجبار، ۱۵۷	أُوروبَنْجي، ٢٠١	أيفورِس، ١٥١	باتو، ۱۷۰
أَنْجِبار (اندلس)، ۶۴	أوروبنخي، ۴۷، ۶۸، ۱۱۸	أيلاقديشا، ۴۱	باتو (شیراز)، ۱۴۷
أنجبار رومي، ۶۵	أوريغانش، ١٩٥	أيليوطروبيون، ٩٥، ١٩۴	باجرا، ۱۰۰
أنجشا، ۶۶	أُوزيمُن، ١٠٢	أيمارو قالس، ٧٠	باجروجی، ۷۰
أنجوك، ۶۶	أوساني (آفريقا)، ۲۶۹	- أيمارُوقالِس، ۱۶۴، ۱۸۱	باخاريون، ۱۴۶
أنجيلة، ٣٨	أوسين، ۶۸	أيمونيطس، ٧٠	باخيون، ٧٣
أَنْخُسًا، ٣٨	أوشيرس، ۶۸	أيهقان، ٧٠	بادآورد، ۲۷۸
أَنْخُوسا، ٣٨	أوَطمو، ٢٩٥	أيهَقان، ١٠٢	بادام، ۱۹۷، ۲۷۱
أندراسيون(لاتيني)، ۶۶	أوطم <b>ى</b> ، ۶۹		بادام تلخ، ۲۷۱
أنْدرَخْنى، ٨٣	أُوفْيُوشْقُرْذِين، ٩٨	حرف <sub>«</sub> ب»	بادام شیرین، ۲۷۱
أَنْدَرُوافَقْسُس، ۲۴۱	أُوقيمُن، ٧١	, -	بادامک، ۱۳۶
أندروسا، ۱۵۸	أوكسجونس، ٥٠	باايدونيق <i>ي</i> ، ۲۷۶	بادام کوهی، ۱۰۵
أَنْدَروسامُن، ۶۹	أوكسجونوس، ۵۰	باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷	بادام نشک، ۱۹۶
أندروصاقَس، ۶۶	أولسطيون، ١٠١	بابچی، ۸۵	باداورد، ۷۱
أنْذُراشيون، ٧٤	أُوليرا، ٢١٣	بابروس، ۷۵	بادتخم (سیستان)، ۱۵۲
أنس النفس، ۶۶	أوليرا، ۲۶۳	بابری، ۷۱	باد دقلنبه، ۱۲۴
أَنْطرُينُن، ٤٧	أونوسما، ۶۸	بابلاياثا، ١١٥	بادَدِلْبرينه، ۲۶۵
أنطوبيا، ۶۶	أونوما، ۴۳، ۶۸	بابلس، ۳۳	بادَ دِلُبَه، ۲۵۸
أنطويا، ۲۹۸	أونياغاتُه (لاتيني)، ١٨٥	بابلص، ۷۰، ۲۹۵	بادُرُّج، ۷۱
أنغرا، ۶۶	أهلال قسطا، ۶۸	بابُلُن، ۱۴۵	بادرنبویه، ۷۱
أنف العِجْل، ٤٧	أهليلجات، ۶۸	بـــابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸،	بادرنجبويه، ٧١
أنف العجل، ٤٧	أيارابُوطاني، ۶۹	78 .V. 1P. ATI, VIT,	بادرنجویه، ۱۱۳
أنقرديا، ۶۷	أيارابوطاني، ٧٠	744	بادرنگ، ۷۱
أنقرديا (روم <i>ي</i> )، ۶۷	أيثوبيس، ۶۹	بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳	بادرنگبویه، ۷۱
أنيسون، ۱۵۳	أيداياريزا، ۶۹	بابونج الجبلي، ٥٨	بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳
أنيط (لاتيني)، ۱۸۴	أيدع، ۲۶۳	بابونج الحمير (فاس)، ٥٧	بادروج (نبط <i>ی</i> )، ۷۱
أَوَاا، ٢١٩	أيدوصارون، ۶۶	بابونج الخريفي، ٥٨	بادره، ۲۹۵
أواقنثوس، ۶۷	أيذيصارون، ۶۶	بابونج الروم <i>ي</i> ، ۵۸	بادَلُبينَه، ۲۵۸
أوبْشَنْثِي، ۵۶	أيرِنْجان، ١٩٢	بابونج الطليطلي، ٥٨	بادليون، ٢٨٣
أوبقلصن، ۶۷	أيرَنْجي، ١٩١	بابونَق، ۶۴	بادِنجان، ۷۲
أوبوطيلون، ٤٧	أيرنجي، ۲۳۶	بابونق (مغرب)، ۷۰	بادنجان، ۱۱۴
أُوبَه قُنينة (لاتينى)، ٢١٥	أيريس، ٧٠، ١٨١	بابونک، ۷۰	بادنجان بری، ۷۲
اُوبيبَذْج <i>ي</i> ، ۸۳	أيريغارن، ٧٠	بابونه، ۵۷، ۷۰	بادنجان بری (قدس)، ۱۱۴
أوثنًا، ٤٧	أيزون الصغير، ٣٧	بابونه گاو، ۵۷	بادنجان دشتی، ۱۱۴
وثنا، ۶۸	أيزون الكبير، ٣٧	بابونه گاو چشم، ۵۷	بادنگان، ۷۲
ُوذَرُّباباری، ۲۲۸	أَيْسِفُس، ۱۶۵	بابونَة، ٤۴	بادیان، ۱۵۲
وراسالينون، ۲۵۳	أَيُسْقُوَامُس، ٨٨	بابونی، ۷۰	بادیان خطائی، ۷۲

بَخور الأكْراد، ٧۴	بامیه، ۷۴	باريلوماين (اندلس)، ٧٣	بادیان رومی، ۶۷
بخور البربر، ١٧٠	بان، ۱۱۱	باسلیقا، ۱۰۶	بادیقون (سوریه)، ۶۵
بخور البرير، ١٧٠	باناقس، ۱۰۰	باسليقون،٢٨٩	باذام طلخ، ۲۷۱
بَخور السُودان، ٧٤	بانس، ۲۴۰	باسلیقی، ۱۱۳	باذامک، ۷۲
بخور النيّي، ۲۶۶	بانسه، ۴۶	باشان، ۷۳	باذاینگان، ۷۲
بخور عایشه، ۱۴۸	بانفیب، ۲۱۰	باشيون، ٧٣	باذبلین، ۱۱۶
بخور عايشة، ۲۵۶	بانقش(نیشابور)، ۸۱	باطاسیطس، ۹۳	باذرنبویه، ۷۱، ۲۵۷
بخور مريم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶،	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	باطالا، ۱۴۴	باذرنبویه بری، ۸۳
۶۰۲، ۷۰۲، ۲۲۲	بانوج، ۲۶۱	باطانیقی، ۱۵۵	باذرنجبويه، ۸۲
بَخور مريم، ٧۴	بانورس، ۷۵	باطراخيون، ۲۵۳	باذرنجوية، ٢٥٧
بخور مريم (آفريقا)، ١٣٠	باهشتان، ۲۱۸	باطرنیقی، ۷۵، ۸۷	باذرنگ، ۴۰
بَداشِقان، ۷۵	بَبْراطُه (لاتيني)، ١٩٢، ٢٣٤	باطس، ۲۱۳	باذرواکو <i>هی</i> ، ۷۱
بداليون، ٢٨٣	بِبْرَه، ۱۱۴	باطُس، ۲۱۳	باذَروج، ٧١
بداوان (شیراز)، ۱۴۸	ببسطين، ۲۷۵	باغ پر باغ، ۲۶۹	باذرود، ۵۸
بُذأَة، ٢۶٠	بېلجش، ۱۵۷	باقریقی خنجر، ۲۱۰	باذنجان، ۷۲، ۲۸۳
بدران (شیراز)، ۵۱	ببليون، ۲۹۵	باقِلًا، ٧٣	باذنجان البري(اندلس)،
بدسکان، ۷۵	بُبُلِيْه، ۵۸	باقلا مصری، ۹۳	۸۵۲
بدشغان، ۷۵	بُبُلْيه الاصفر، ۵۴	باقلّای قبطی (مصر)، ۷۳	باذنجان بری، ۲۰۷
بدشکان، ۲۵۹	بُبُلييره، ۵۸	باقل <i>ی</i> ، ۷۳	باذَوَرْد، ۳۴، ۷۲
بدکستان، ۷۵	بَبِيتُه، ۷۴	باقلی هندی، ۵۴	باذُورد، ۱۱۴
بدکشان، ۷۵	بَبِيَهه، ۷۴	باقولا، ۲۴۲	باذورد، ۱۱۴
بدليون، ٧٥	بتال مکهانه، ۲۸۴	باکَر، ۷۳	باذی بلاله، ۱۲۳
. يو بدوليون، ۲۸۳	بترح، ۱۶۱	باکسیان، ۸۲	باربه دِلابر، ۱۰۳
بديلثون، ٢٥٥	بثروطوس، ۲۵۸	بالانوس، ۱۰۷، ۲۵۰	باربه قُنْلية، ١٠٣
بذاشغان، ۷۵	بجُبلين، ۱۱۶	بال چهر، ۱۷۷	باززَد، ۷۲، ۲۴۶
بذالیون، ۲۸۳	بجوژه، ۴۰	بالدرغان، ۶۵	بارزد، ۲۹۱
بذر، ۱۲۶	ا۴۷ ، مجْب	بالسطيون، ١٠٤	باززَذ، ۷۲
بذر السداب، ۱۶۷	بُچند (سیستان)، ۲۴۵	بالُسْطِيون، ١٠٤	بارسطاریون، ۷۰، ۷۳
بذلوزن، ۱۰۶	بچو (فارس)، ۲۵۷	بالْسَه، ۷۳	بارشطوان، ۱۲۴
بذلیره، ۱۰۳		بالش عاشقان (شيراز)، ٢٣٣	بارشک، ۲۶۹
بذُلِيون، ٢٨٣	بحترية، ٤٧	بالقس، ۳۸	بارِض، ۹۱
بده، ۲۲۰	بَحْن، ۷۴	بالَک جوهي، ٧٣	بارقیون، ۱۹۱
بر، ۱۲۶	بحنة، ۷۴	بالكي البارد، ٢٥٩	بارليوس، ۳۰۰
برت، ۱۲۶ بُرّ، ۱۲۶	بُخْترنة، ۶۰	بالنكو، ٧٣	بارنج، ۱۰۹
براث <i>ی</i> ، ۳۹	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	بالنگ، ۴۰	بارون، ۲۰۵
بَراثی، ۳۹	بُخره، ۷۴	بالنگو، ۷۱	بارونوخیا، ۲۳۱
براجيل، ۲۵۳	بُخْشش، ۲۹۰	بالوط، ۸۶	بارویشا، ۲۳۱
براخشنه، ۱۴۴	بَخور، ۲۴۷	باله، ۷۴	باريسطاريون، ۱۵۶

برنیکان، ۸۴	برغست، ۲۴۵	بردیقیاس، ۱۱۹	براذج، ۱۶۱
برواق (مغرب)، ۱۳۸	بر برغشت، ۲۴۵	بردیة، ۳۷	براسن، ۸۰
بَرُوانی، ۷۸	بَرْغوثی، ۷۸	برس، ۳۹، ۲۴۲	بْراسِنُوشْقُرْذِين، ٩٨
.رو ی بروانیا، ۷۸	بر (فرنگی)، ۲۵۳	برسانيون، ١٢١	براسن وقافالوطن، ۸۰
برواونثلاسیون، ۲۰۰	برقا مصر، ۷۶	بُرُسْتُم (آفریقا)، ۱۶۱	بْراسیُن، ۲۲۴
برواه، ۵۲، ۲۰۲	بَرْقَقلی (لاتینی)، ۸۳	بَرُّسْتُمْ (فاس)، ۱۶۰	براکیس پری، ۷۶
بروثا، ۳۹ بروثا، ۳۹	برقوق، ۷۶، ۱۳۹	برس غنچه، ۳۹	برانیا، ۶۷
برورا، ۱۰۰ برورا، ۱۰۰	برقوق (فاس)، ۴۱	برسون، ۲۲۴	براوانیا، ۲۲۲
بروطوس، ۲۵۷	برقوقوية، ٢٨٢	برسیا، ۷۶، ۸۸ ۲۶۶	براونيا، ۲۲۲
بروق، ۳۷، ۱۳۸	برقة، ۱۰۶	برسیاج دارو، ۲۱۰	براهمی، ۱۶۱
بروقیا، ۲۰۴	بِرْکان، ۷۶	برسیانا، ۷۶	برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱ ۱۶۳
بُروله، ۲۸۰	بَرْکسوس، ۷۶	برسیاندارو، ۷۶	بَرْبَخينا، ٨٢
برومس، ۱۲۶	برکشان، ۲۵۷	برسیان دارو، ۲۱۰	بربشكة (اندلس)، ۹۰
برون، ۳۹، ۱۳۰، ۲۰۰، ۲۴۹	بَرْکک شیرازی، ۷۶	بَرِسِياوَشان، ٧٥	بربطور (اندلس)، ۲۷۴
بُرون، ۵۵	برکیره، ۴۷	برسیاوشان، ۱۸۷، ۲۰۷	بربله، ۲۶۳
بُرُون البحري، ٥٥	برکینبه، ۲۴۰	بَرْسِيقا، ١٣٩	بربناقة، ٧٥
برون (پرتغال)، ۲۶۲	برکینه، ۴۷، ۱۵۴	برسیون، ۷۶	بربنًاقة، ۱۲۲
بْرون ثالاشيون، ٢٠٠	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	برش، ۲۵۸	بربوث، ۵۲
بروند (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۴۰	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	برشاد، ۱۸۹	بربوذا، ۵۲
بِرَهْتا، ۷۸	بَرْم، ۷۷	برشف، ۲۴۲	بُرْبُوذْیُه (لاتینی)، ۷۹
برهلیا، ۱۵۲	برم، ۲۱۷	برشک، ۲۲۵	بربهن (اصفهان)، ۸۳
برهمُن، ۹۲	برمس، ۷۷	بُرشون، ۹۴	برتراسک، ۲۴۷
برهمی، ۱۶۱	برنبهی، ۱۶۱	برشیان دار، ۲۱۰	برتراسک (شیراز)، ۷۷
بَرْياله، ۷۸	برنج، ۴۴، ۲۴۸	برشیان دارو، ۲۱۰	برتقش، ۴۶
بَرْیا مصری (مصر)، ۷۸	برنجاسب، ۲۴۷	برشياوشان، ١٨٧	برتلاقش، ۴۶
بریجا، ۷۲	بِرِنْجاسف، ۷۶	برشيّاوشان، ۲۵۷	برثانیون، ۵۷ ۵۸
بريدفوقه (اندلس)، ۲۰۵	برُنج اسف، ۷۶	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	برثماز، ۱۱۳
بریر، ۴۳	برنجاسف، ۷۷، ۱۹۰، ۲۴۷	برشیقا، ۱۰۷	برجارش، ۱۱۳
بَرير، ۲۳۳	برنجاسف کوهی، ۵۵	برشیقا (افرنجی)، ۴۰	برجی، ۹۶
بریمائی، ۲۰۲	برنجان، ۹۶	برشيقا ميلا، ١٣٩	برجين، ۹۶
بَرْيون، ۵۲، ۱۹۲	برنج کابلی، ۷۷	برطانیقی، ۶۰، ۲۳۹	بُرجين، ۲۱۴
بزاج، ۱۰۴	بَرنجمشُک، ۲۲۵	بَرْطانیقی، ۷۶	برد الحريض، ۲۳۶
بَزازِيل القِطَّه (آفريقا)، ٣٧	برنفیس، ۲۲۵	برطانيقي (لاتيني)، ٢٣٩	بردبلاسقيس، ١١٥
بزبار (شیرازی)، ۷۸	برنق، ۴۴	برطره، ۲۰۵	بردرده، ۲۰۸
بزباز، ۱۰۷	برنک، ۴۴	برطوماش، ۴۶	بردنمانمون، ۲۵۷
بزر اسفناج البری، ۱۱۸	برن <i>گ</i> ، ۷۷	برطینی (لاتین)، ۲۵۹	برد و سلام، ۲۶۹
بزر الانجره، ۶۵	بَرْنوف، ۷۷، ۱۸۳، ۲۱۴	برغالسالي (فرنگي)، ۸۳	بردی، ۷۵، ۱۶۷
بزر البصل، ٨٠	برنیس، ۷۷	برغثت (خراسان)، ۲۴۵	بردیسیون، ۱۰۱

بُشام (أفريقا)، ۷۴	بَسْباسة، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۹۹،	بزر النمام، ۱۸۲	A1 - 1 - 11
بسانق، ۲۴۷ بشانق، ۲۴۷	۲۳۸	برر الورد، ۲۹۳ بزر الورد، ۲۹۳	بزر البطيخ، ٨١ بزر البنج، ٨٨
بشاعی، ۱۲۶	بسباکه (فرنگی)، ۲۲۵	بزر الهليون، ۲۹۷	برر البنجنكشت، ۴۱ بزر البنجنكشت، ۴۱
بشبش، ۱۲۶	بستان ابروز، ۷۸	بزر الهوه، ۹۶	بزر الجرجير، ١٠٢
 بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸	بستان افـروز، ۷۱، ۷۶، ۸۸،	بزر بَردی، ۷۸ بزر بَردی، ۷۸	بزر الجزر البرى، ١٠٣
بشت، ۱۰۵	147,177	بزربلاستیس، ۱۱۵	بزر الجزر البستاني، ۱۰۳
بشتر، ۲۶۶	بستان الجواري، ٧٨	بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴	بزر الحجري، ۲۴۳
بشتناقه، ۱۰۳	بستانه، ۵۵	بَزْرِقَطونا، ۷۸	بزر الخبازي، ١٢٩
بُشُجٌ مائی، ۲۸۰	بستقی، ۲۲۵	بِزرُقطُونَا، ۱۶۰	بزرالخُبّة، ١٢٩
بشررسون، ۱۸۰	بستناج، ۸۱	بَزرقطونا، ۱۷۷	بزر الخرفه، ۸۲
بشرمساح (مصر)، ۷۳	بستولاک، ۱۷۰	بزرقطونا (عراق)، ۷۸	بزر الخس، ۱۳۳
بِشْط، ۱۴۳	بستيناج، ٧٩	ېزركتان، ۲۵۱	بزر الخشخاش الاسود،
بشطانيقا، ۸۴	بسد، ۷۹	بَزْرکتان، ۲۵۱	797
بشعيرا، ۱۶۹	بُسُد، ۷۹، ۱۴۰	بزر لسان الحمل، ٢۶٩	بزر الخطمي، ۱۳۶
بشکرانی (اندلس)، ۵۱	بُسُّدَ، ۷۹	بزشوم (نجد)، ۹۵	بزر الخمخم، ۹۶
بِشْكَرانْيَه (اندلس)، ۵۱	بُسْر، ۹۴	بُزْغُنجَ، ۲۲۵	بزر الرازيانج الرومي، ۶۷
بشكرانية، ۵۱، ۱۱۴	بُسْرَة، ٩١	بزغند، ۲۲۵، ۲۳۷	بزر الرطبه، ۱۵۵
بِشْكَرايِن الاسود، ۵۱	بسطاقیا، ۲۲۵	بزندوبخند، ۲۴۵	بزر الريحان، ۱۵۹
بشکل (حجاز)، ۹۵	بِسْطاقْیا، ۲۲۵	بزواق (مغرب)، ۱۳۸	بزر الزيتونالبري، ۴۶
بشل (اندلس)، ۱۰۶	بسطيقون، ١٠٣	بزوثا، ۳۹	بزر السرمق، ۱۷۰
بَشَلْشَكَه (لاتيني)، ۱۰۶	بسطیقیا، ۱۰۵	بزوثون، ۳۹	بزر السلق، ۱۷۴
بشلشة، ۱۰۶	بسفایج، ۵۴، ۱۴۴	بزوسياء، ٣٩	بزر الشبت، ۱۸۴
بشم الاسود، ۲۷۲	بَسْفایِجَ، ۷۹	بَڙ، ٧٥	بزر العلق، ۱۵۶
بشمه (حجاز)، ۹۴	بسقماً، ۱۸۳	بَژَپير (سجستان)، ۲۴۷	بزر الفصفصه، ۱۵۶
بَشْمه (حجازی)، ۱۹۲	بسقواس (اندلس)، ۲۶۷	بساسة، ۱۶۱	بزر القت، ۱۵۶
بشنه، ۸۰	بسکهپره، ۱۲۵	بساط الغول، ٢٠٣	بزر القثا، ۲۳۳
بَشْنین، ۸۰	بَسِلَّة، ٩٣	بساط الملک، ۲۹۱	بزر القثد، ۱۵۶، ۲۳۴
بشنین، ۲۷۲، ۲۹۲	بسّليت، ۱۴۹	بسباث بلىكوئيم (لاتيني)،	بزر القداح، ۱۵۶
بشنین (مصر)، ۸۰	بسليون، ٧٨	۲۱.	بزر القصب، ۱۵۶
بشوريقون، ۲۲۷	بَسْماط، ۱۳۰	بســـباس، ۷۸، ۱۰۷، ۲۱۱،	بزر القنّب، ۲۴۵
بشوش، ۸۰	بَسْناج، ۱۴۸	77.	بزر الكتَّان، ۲۵۰
بشيوما، ۹۶	بسوره، ۱۶۹	بَسياس، ۱۵۲	بزر الكراث، ۲۵۲
بصل، ۸۰، ۹۰، ۱۳۸، ۲۷۳	بُسَيْبِسة، ٩٣	بسباسا، ۱۱۶	بزر الكرفس البستاني، ٧٨
بصلا، ۸۰	بسیل، ۱۰۴	بسباس حبشی، ۷۸	بزر الكرفس الجبلي، ٧٨
بصلا (سندی)، ۸۰	بسیله، ۹۳	بسباس رومی، ۷۸	بزر الكرنب، ۲۵۵
بصل الأبيض، ٨٠	بسیلة، ۷۹، ۱۰۴	بسباس نبطی، ۷۸	بزر الكشوث، ۲۵۸
بصل الأكل، ٨٠	بُشاش، ۷۰	بسباسه، ۷۸	بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰
بصل البر، ۴۹، ۸۰	بَشام، ۸۰	بَسْباسَه، ۱۰۷	بزر المط، ۱۵۸

بَقْلَةُ الحَمْقاء، ٨٢، ٨٣	بطی <i>قی</i> ، ۲۹۶	بطراخيون، ۲۵۰، ۲۵۴	بَصَل الْبَرّ، ۲۱۵
بقلة الحمقاء، ۲۴۷	بعصران، ۲۰۴	بَطْراخيون، ۲۵۰	بصل البرى، ۴۹
بقلّة الحمقاء البرية، ١٢١	بغليس، ۲۵۲	بطراسالنون، ۲۵۳	بصل الخراساني، ٨٠
بقلة الخطاطيف، ۲۰۸، ۲۵۵	بغرخ، ۸۳	بطراسالينون، ۲۲۶، ۲۲۷	ل ر کی بصل الخُرّم، ۸۰
بقلة الرُماه، ٨٣	. رئ. بقثلمن، ۹۰	بَطْراسالینون (مصر)، ۲۵۴	بصل الخُصي، ۸۰
بقلة الرمل، ۸۲	بُقْثَلْمُن، ۹۱، ۲۱۷	بطراساليون، ۲۲۶	بصل الخنزير، ٨٠
بقلة الزهرا، ۸۳	بُقْثوفِرْثُن، ۸۲	. ر بطرس، ۶۱	بصل الخنزير (فاس)، ۴۹
بقلة السنانير، ۸۳	بقرةالعين، ١٨٢	بُطْرُس، ۷۷ بُطْرُس، ۷۷	بصل الخِنزير (مغرب)، ۴۹
بقلة الضّبُ، ٨٣	بقریس، ۲۹۸	بُطْرس، ۱۹۰	بصلّ الذئب، ٨١ ٨٥
بقلة العدس، ۸۳	بَقَشْ، ۸۲ بَقَشْ، ۸۲	بطرسالی (فرنگی)، ۲۲۷	بصل الرومي، ٨٠
بقلة العروس، ۸۳	بقس البلدي، ۸۲	بطرسالينوس، ٢٥٤	بصل الزئر، ۸۵
بقلة الفارسيه، A۳	بقسیس، ۸۲	بطرساليون، ٢٥٣	بَصَل الزاز، ۸۵
بقلة اللينه، ٨٦ ١٦٢	بقسین، ۸۲	بطرساموه، ۲۵۴	بصل الزبدى، ٨٠
بَقْلَة المبارَكَة، ١٣ ٨٤	بقسيون، ٨٢	بطرسلينون، ۲۵۴	بصل الزعفران، ٨٠
بقلة الملك،١٨٣	بُقْش، ۸۲	بطرقیره، ۱۱۹، ۱۵۹	بصل الزير، ٨٥
بقلة اليماني، ٢٥٨	بقش الكرم، ١۶٠	بطرمیقی، ۱۷۲	بصل الزيز، ٨٠
بقلة اليمانية، ١٤٢	بقطانيون، ٰ۱۹۶	بَطْرُمِیْقَی، ۲۱۶	بصل السنجار، ٨٠
بقلة اليهود، ۵۰، ۱۲۹، ۲۹۸	بقغاین، ۲۴۹	بطرمیقی تاغیغشت، ۲۶۳	بصل السوسن، ٨٠
بقلة اليهوديه، ٨٤، ٩٤، ٢٩۶	بقل، ۹۳، ۱۰۳، ۱۳۳، ۱۳۵،	بطره، ۸۱	بصل الصغير، ٨٠
بقلة حامضه، ۸۳	771, 761, 6.7, 777	بطریره، ۱۱۹، ۱۵۹	بصل العنصل، ۴۹
بقلة حمقاء برى، ٣٧	بقلُ الحمقاء، ٨٢	بطریون، ۸۱، ۲۹۲، ۲۳۳	بصل الفار، ۴۹
بقلة حمقاء برية، ٨٣	بَقْل الذَّهَب <i>ى</i> ، ۱۷۰	بُطم، ۴۳، ۸۱ ۱۱۱، ۱۹۸	بصل الفارسي، ٨٠
بقلة خراساني، ۸۳	بقل الذهبي، ۲۴۱	بطما، ۸۱	بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥
بقلة خراسانيه، ٨٣	بَقْل الرّوم، ١٧٠	بطمتا، ۸۱	بَصل الفَأر (مغرب)، ۴۹
بقلة دستيه، ۴۸	بَقَلَ الرَّوم، ۲۴۱	بطورنه ماطرِش، ۹۹	بصل القيء، ٨٠ ٨١
بقلة دشت <i>ي</i> ، ۸۳	بقل د <b>مشقی</b> ، ۸۳	بطوس، ۱۹۰	بصل اللوف، ٨٠
بقلة ذهبية، ١٧٠	بقل ریش <i>ی</i> ، ۸۳	بطيالايا، ٢٩٠	بصل المجوسي، ٨٠
بقلة عائشة (اسكندريه)،	بقله (شام)، ۱۴۹	بِطَيخ، ٨١ ١٤۴، ١٩٠، ٢٧٠	بصل النرجس، ٨٠ ٢٩٠
1.7	بقله یمانی، ۱۵۵	بطیخ اخضر، ۸۲	بصل النيلوفر، ٨٠
بقلة عربيه، ٨٤	بقلة، ۲۶۳	بطّيخ الصخرى، ١٢۶	بصل الْهام، ٨٠
بقلة فاطمه، ٨٣	بقلة اترجيه، ٢٥٧	بطيخ الطويل، ٢٨٥	بصل بری، ۱۵۰
بقلة فلفليه، ۲۵۷	بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بطیخ الفلسطینی، ۱۲۶	بصل جبُلین، ۸۰
بقلة ليّنة، ٨٢	بقلة الاوجاع، ٨٢	بطيخ الْهِندى، ٨٢	بصل نسرين المروج، ٨٠
بقلة مائيه، ٨٤	بقلة الأترجية، ٨٢	بطیخ رق <i>ی</i> ، ۸۲	بطارس، ۱۶۹
بقلة مباركه، ۸۲	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بطیخ سکری، ۸۱	بطالایا، ۱۴۴
بَقْلَة يمانيه، ٨٤	بقلة الباردة، ١٨٥	بطیخ سندی، ۸۲	بطالش، ۱۱۸
بقلة يمانيه، ۸۴	بقلة البراري، ٨٢ ٨٣	بطیخ عقابی، ۸۱	بطباط، ۲۱۰
بقلة يهودية(اندلس)، ۲۳۶	بقلةالحسينيه، ٨٣	بطّیخ هندی، ۸۲	بَطباط، ۲۱۰

بليطن، ٦٤ ٨٧	بلغوثيون برمندار، ٢١٠	بلاسفين، ١١٥	بقل یمان <i>ی</i> ، ۲۰۲
بْلِيطَى، ٨۴	بلغیس، ۲۵۲	بَلاسَنْطور (فرنگی)، ۸۵	بقِم، ۸۴ ۲۱۷
بَليلَج، ۸۷	بُلْقيره، ١١٨	بلاطر، ۲۹۲	بَقُّم، ۲۱۵، ۲۷۰
بمولتان اهری، ۱۳۰	بلناس، ۲۵۰	بلاقه، ۱۰۹	بقنوقومُن، ۸۵
بن، ۸۱	بَلْنتاین، ۲۶۹	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بُقول الشُّعَال، ١٨٢
بُنّ، ۸۹	بْلَنْتَايِن (لاتيني)، ۲۶۹	بلال، ۳۵	بقول الصبية، ١٨٣
بنات الرعد، ۲۶۰	بَلَنْجاسَف، ۷۷	بِلَّان، ۸۵	بــقول المـائده (مـصر،
بنات النار، ۶۵	بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷	بُلایه، ۲۲۹	اسکندریه، صقلبیه، ۲۳۵
بنات أُوْبر، ۲۶۰	بلودقش، ۱۳۳	بُلايُهٔ جَرْبُونَه (لاتيني)، ٢٨١	بکّا، ۸۵
بنات مريرا، ۱۲۶	بلورا، ۲۹۶	بلايه قَبْرونه، ٥٩	بکام، ۳۱، ۳۵
بنادق البربر، ١٠٨	بلوز الريح، ٢٩١	بُلاية (اندلس)، ۲۲۹	بکاین، ۳۹، ۱۱۱
بناطش ابذا، ۱۵۳	بلوس، ۲۰۲	بلباسی، ۲۵۰	بَكْبَر، ۱۴۰
بنپوتکه، ۲۴۹	َ بِلُوسِيطُونَ، ۱۹۴، ۱۹۱	بلبان، ۲۱۴	بُکْچی، ۸۵
بُنْترقه (رومی)، ۲۳۹	بــــلوط، ۷۷، ۸۶ ۸۷ ۹۱،	بُلَبراله، ۲۴۸	بكرش (حجاز)، ۲۱۲
بنتُرقة، ۱۶۰	771, 121, 121, 127, 127	بُلْیِسا، ۸۰	بکریدیا، ۲۹۷
بُنْتُرُنْقَة، ۸۷	بَلُوط، ۸۶	بُلْبُس طویل، ۸۰	بکریر، ۲۷۵
بنْتَقَة، ۸۷	بلوط ارعا، ۲۶۰	بلبل شامی، ۲۷۷	بكسيتلان ازمور، ۲۱۴
بنتوشة (اندلس)، ۱۷۱	بلوط الارض، ۳۷، ۸۶ ۸۷	بُلْبُلية الاسود، ١٥٣	بکسیس، ۸۲
بُنْتُوقُس أَوْطا، ٣٤	79.	بلبوس، ۸۰ ۸۱	بكلورم (لاتيني)، ۲۶۸
بنتومه، ۱۵۷	بلوط الملك ٨٧	بَلْبوس، ۸۵	بکم، ۸۴
بنتومه (اندلس)، ۸۷	بلوطا ملكا، ٨٧	بلبوسا، ۱۷۹	بکّم، ۸۵
بنتومة، ۴۳، ۵۲، ۱۵۰، ۱۵۷	بلوط (شام)، ۱۷۹	بَلَج، ۹۴	بُكْمون، ۸۵
بَنْجَ، ۸۸	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴، ۲۲۴	بَلْح، ۹۴	بُکُن، ۸۵
بنج اسود، ۸۸	بلُّوطي، ٨٧ ١٧٩	بلحشکوک، ۳۰۱	بكوزتيكان، ٢١٣
بَنْج أَنْگُشْت، ۴٠	بلوطي صقلا، ٩۴	ېلِخْتە (مغرب)، ۸۶	بَکْهرِینده، ۸۵
بنجانی، ۹۶	بلوغوناطن، ۸۷	بُلخيّة، ۸۶	بُِل، مُ
بنجاین، ۱۰۰، ۱۴۳	بُلوغونُن، ۲۱۰	بِلُزياله، ٩٨	بُلّ، ۸۵
بنجسکروان، ۲۶۹	بَلول، ۸۷	بُلس، ۸۶، ۹۶	بل، ۱۳۸
بنجشکروان، ۸۸	بُلُويُن، ۱۰۳	بَلَسان، ۸۶	بلابس، ۸۰ ۸۵
بنجشک زبان، ۲۶۹	بَلَهُ بانتُه، ۲۴۸	بلسان، ۱۴۳	بلابقس، ۲۶۹
بنجكسروان، ۱۴۴	بلیار، ۱۰۸	بُلَسْك <i>ى</i> ، ۸۶	بلابیوس، ۱۰۸
بنجكَشْت، ۱۵۲	بُليار، ۲۴۹	بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بلاثه (اندلس)، ۲۲۹
بنجنکست، ۱۷۰	بلیان (مصر)، ۸۷	بَلْسن، ۲۰۷	بلاد، ۳۴
بنجنکشت، ۴۰، ۱۸۵، ۱۸۶،	بُلَيْحاء، ٥٩	بُلْسُن (سجزی)، ۲۰۷	بَلادُر، ۸۵
۸۲۲، ۸۵۲	بليحاء، ٨٧	بُلُسن (مكه)، ۲۰۷	بلاذر، ۶۷ ۸۵
بنجه، ۱۲۶	بلیذا، ۱۴۰	بلطالة، ۸۷	بلارجه، ۱۲۹
بنجّة، ۱۵۰	بلیطس (اندلس)، ۸۴	بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بَلاس، ۸۵
بنجین، ۸۸	بليطُش، ٨٤	بلطاون، ۸۴	بَلاس بابَره، ۸۵
<b>-</b> ,	_		

بول (بنگال)، ۹۰	٨۴	بنکآسرا، ۳۱، ۳۵	بن چهتک <i>ی</i> ، ۸۹
بولچاق، ۱۲۴	بورمنی (جرجان)، ۸۴	بنک (شیرازی)، ۲۴۵	بنحنک (خوارزم)، ۸۴
بولدین، ۲۸۱	بورنسون، ۲۵۸	بَنْک مُخَيِّر، ۸۹	بَنْدا، ۸۸
بولْسَرى، ٩٠	بورٌه، ۸۰	بنکو (شیراز)، ۷۸	بندا، ۱۳۱
بولو، ۱۹۵	بوريحا، ١١٣	بُنگُه، ۳۶	بَنْدال، ۸۸
بولوبوديون، ٧٩	بوریداس، ۱۲۲	بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶	بُنْدُق، ۸۸
بولوبوڈیون، ۷۹	بوزیدان، ۵۴	بنگ، ۸۸	بندق، ۱۰۵
بولوذيون، ۱۵۷	بُوزیدان، ۸۹	بن ليلوفر، ٢٩٢	بُنْدق هـندى، ۵۴ ۵۹ ۸۸
بولوزيون، ٧٩	بوست، ۱۲۴	بنور، ۱۵۳	١۵۵
بولوطريخون، ٧٥	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	بُنُو (سجزي)، ۲۱۲	بَنْسِتْكِي، ٨٩
بولوطوطريخون، ۷۶	بوسینی، ۲۲۲	بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵	بنس روجن، ۱۹۹
بولوطونخون، ۷۶	بوش، ۹۰	بنوش، ۱۳۹	بنس لوجن، ۱۹۹
بولوغالی، ۱۰۴	بوشدربندی، ۹۰	بنوليون، ۵۴	بن شاه، ۸۱
بولوغاناطُن، ۲۵۲	بوشیاد، ۹۰	بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵	بنطاباطِس، ۸۸
بولوغانطن، ٩٠	بوصیر، ۲۲۳، ۹۰، ۲۷۷	بَنْياله، ۸۹	بَنْطابيطُوس، ٨٩
بولوغنن، ۹۰	بوطاماخيطس، ٩٠	بنیشه، ۱۵۰	بنطادانیقا، ۱۴۴
بولوقنيمُن، ٩٠، ٢٥٢	بوطاموغيطس، ١١٠	بوئی، ۹۰	بنطادَقطولُن، ٨٨
بوليطريخو، ٧۶	بوطاموغيطن، ٩٩	بوابب الحاجب، ٧٨	بَنْطادَقْطُولُن، ٨٩
بوليون، ۱۰۳	بوطانيه (اندلس)، ۲۲۲	بوارس، ۲۸۱	بنطاطوس، ۸۸
بومادران، ۷۷	بوطانية، ٩٠، ٢٢٢	بوبثالميوس، ٢١٧	بنطافلِّن، ۸۸
بونق، ۷۷	بوطل، ۲۵۴، ۲۵۹	بوبلسمون، ۸۶	بِنْطافَلُن، ۸۸
بونیاس، ۱۸۹	بوطولون، ۲۵۴	بوبونیاون، ۱۸۹	بَنْطافُلُّن، ۸۸
بونیاون، ۱۸۹	بوظة، ۱۴۸	بوثلمون، ۹۰	بِنْطَافْلُن، ۱۵۲
بونيقا، ۱۵۷	بوعقًاد (فاس)، ۲۱۰	بوخل (نیشابور)، ۸۳	بنطافلن، ۲۵۹
بونیون، ۹۰	بوغلصن، ۲۵۲، ۲۶۸	بوخَنُو، ۱۰۶	بنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸
بوی جهودان، ۲۸۳	بوغلوسن، ۲۶۸	بودال، ۹۶	بَنْطامومُن، ۸۸
بوی مادران، ۲۴۷	بوفثالمون، ٩٠	بودی، ۲۷۵	بنطاناطی، ۸۸
بوی ماذران، ۲۴۷	بوفسافسوس، ۶۱	بوذافانن، ۲۰۴	بنطفلون، ۴۱
بوینون، ۹۰	بُوقاذانُس، ٧۴	بوذريج، ٨٩	بنطيقا، ۱۵۴
بوی هـیربذان (سـجستان)،	بوقی، ۲۴۶، ۲۹۲	بوذنه، ۲۹۰	بَنَفْسَج، ۸۹، ۱۲۹
1.4.	بوقیصا، ۱۴۴	بوراطااغرين، ۱۲۶	بنفسج الكلاب، ١٨٣
به، ۱۷۲	بوكسطيلان طربول رماكـه	بوراطاغونس، ۳۹	بنفسج الليل، ١٤٨
بـــهار، ۴۴، ۵۷ ۸۰ ۹۰،	(لاتینی)، ۱۲۵	بورشاد، ۱۸۹	بنفشه، ۸۹
771, 717, 797	بول، ۲۷۷	بورفیا، ۴۳	بَنْقراطيون، ۲۴۳
بهار ابیض، ۹۰	بولابيطس، ١٠٥	بورقداس، ۱۲۲	بَنْقَه، ٨٩
بهار الاصفر، ۳۴	بولاقيطس، ١٣۴	بورکر، ۱۳۷	بنک، ۸۸ ۲۴۵
بهار البر، ۳۴، ۹۰	بولامنيون، ٩٠	بورمندی (جرجان)، ۸۴	بَنَک، ۸۹
بهار الرياض، ٩٠	بولامونيون، ٩٠	بورمنی (بخارا و جرجــان)،	بُنگ، ۱۴۳

پاندروت (سند)، ۱۴۶	759	بیبَل، ۹۲	بهار خرما، ۹۵
پاندورت، ۱۴۶	بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹	بيبوريس، ۲۷۷	.بهار (قاس)، ۲۹۰
پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵	بیش موش بیشا، ۹۲	بیت، ۱۴۰	بهاری، ۲۹۰
پتپایره، ۱۸۳	بيض الاوزُ، ٩٢	بيجه، ۱۷۳	بهاسلواواكرا، ۲۹۶
پتروتیزپاپ، ۱۶۶	بيض العيار (شام و بـغداد)،	بيخ آسمان گون، ٧٠	بهانتانا، ۷۲
پتوهری (بنگال)، ۹۳	740	بیخ برنده، ۱۹۳	بهتکتیه، ۱۱۴
پدیهرا، ۲۲۶	بَيْضَمُون، ۸۸	بیخ بنفشه، ۷۰	بَهَج، ۲۸۱
پربی، ۱۶۱	بيضةالارض، ٢۶٠	بيخ تفت، ۱۹۱	به دانه، ۱۷۲
پرپهن، ۸۳	بيضةالبلد، ۲۶۰	بیخ جگری، ۱۵۴	بهرامج، ۱۳۷، ۲۱۰
پَرُسياوشان، ٧٥	بيضة النعامة، ٢۶٠	بیخ چکری، ۱۵۴	بهرامج البر، ١٥٩، ٢٠٥
پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷	بیضی، ۸۰	بیخ چینی، ۱۰۶	بهرامه، ۲۱۰
پرکاج (شیراز)، ۱۹۶	بیطویداس، ۱۹۷	بیخ سنبل، ۲۲۸	بهرامة، ۱۳۷
پرنک، ۵۹	بيطۇ يداس، ١٩٧	بیخ سوسن سفید، ۵۴	بهران، ۱۶۴
پسته، ۲۲۵	بیغانس، ۱۶۸	بیخ عرطینثا، ۳۴	بِهَراة، ۱۹۳
پشم، ۹۴	بیغانن، ۱۱۶	بیخ کازران، ۲۶۳	بهربنه، ۱۲۶
پل پرنک، ۵۶	بيقرون، ۵۶	بیخ لفاح، ۳۰۰	بهرتا، ۷۲
پلپل، ۲۲۷	بَيْقُور، ٢٩٢	بیخ مهک، ۱۸۰	بهٔرم، ۲۱۰
پلپلی، ۲۲۷	بيقه، ٩٢	بيخين، ٧٣	بهرمان، ۲۱۰
پلنگ مشک، ۸۳	بیقیه، ۱۰۴،۹۲	بید، ۱۳۶	بَهش، ۹۱، ۲۸۳
پلنگمشک، ۲۲۵	بیکن، ۷۲	بیدار، ۱۴۹	بهطل کطی، ۲۹۸
پليهيم (طبرستان)، ۲۱۹	بیل، ۹۲	بيدانجير، ١٣٣	بهفانج، ۹۱
پُمُ (فرنگی)، ۱۸۹	بیلطس، ۱۱۹	بید بری، ۱۳۶	بهقان، ۱۰۲
بنبه، ۲۴۲	بَيْلُم، ٧٥	بیدگیاه، ۹۹	بهکتائ <i>ی</i> ، ۷۲
پنبه دانه، ۲۴۲	بیلُمون، ۸۲	بيدمر، ۴۱	بهلاوه، ۸۵
پنجنگشت، ۴۱	بیلیطش، ۸۷	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	بُهْمَاه، ٩١
پنکهراج (بنگال)، ۱۶۹	بيليو (لاتيني)، ٩١	بید موله، ۱۳۶	بهمن، ۹۱
پنواز، ۱۰۴	بیلیون، ۱۲۱	بيذانجير، ١٣٣	بهمن الأحمر، ٢٥٨
پنیرک، ۱۲۹	بيليةُو (لاتيني)، ٢١٧	بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹	بهمن أبيض، ١٠٥
پنیرک خطمی (کرمانی)،	بيم (ديلم و تنكابن)، ۱۶۷	بیرزد، ۲۴۶	بُهْمی، ۹۱
179	بَیْنْب، ۹۲	بیرور، ۸۰	بهنک، ۱۰۳، ۲۴۵
پنیرک(سـجزی جـدید)،	بینوق، ۲۴۲	بیروم، ۴۳	بُهْنَكره، ٩١
474	بيوهزا، ۲۳۶	بِیْرون، ۱۴۵	بُه <i>وئی</i> انوله، ۹۲
پنیر نخل، ۹۵	بیوه زا (آذربایجان)، ۹۲	بیره، ۲۶۲	بهولسری، ۹۰
پوبهکل (شیرازی)، ۲۲۵	•	بیزه، ۹۲، ۲۸۷	به <i>ی</i> ، ۱۷۲
پودنک، ۲۲۹	حرف <sub>«</sub> پ»	بیستی کوسک، ۷۳	بهیره، ۸۷
پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹		بيسِم، ۹۲	بهی (سجزی)، ۱۲۶
پودنه جبلی، ۲۸۱	پالک، ۴۸، ۲۴۱	بیش، ۹۲، ۲۰۴	بیارانکا، ۹۲
پودنه صحرائی، ۱۰۵	پاناقس، ۱۰۰	بیشاک میسور (فرنگی)،	بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸

پودنه کوهي، ۱۱۰، ۲۲۹	تاتوله، ۱۰۹	تاک پتروبداره، ۹۳	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹
پوروس، ۱۲۶	تاج خروس، ۷۹	تاكسوت، ۲۲۴	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳
پوست، ۱۳۴	تاجر الاصفر، ٣۴	تاکوب، ۵۵، ۲۲۴	تخم بیخ رومی، ۱۹۱
پوست بیخ زرشک، ۳۵	تاجر (فاس)، ۳۴	تاڭۈت، ۹۳، ۱۶۳	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵
پوست درخت کاذی، ۴۵	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	تالاسفيس، ١٠٢	تخم پنوار، ۱۷۹
پوندا، ۲۴۱	تاجيقطون، ٢٨٠	تال شال، ۲۱۰	تخم پياز، ٨٠
پهته، ۷۵	تار، ۹۲	تالكن، ۲۹۸	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵
پهیلی، ۲۵۷	تارتقة، ۱۴۷	تال مَكَهارا، ٩٣	تخم ترشه، ۱۲۲
پهين چهتر، ۲۲۶	تارُه قبرونه، ۶۵	تال مکهانانبول، ۹۳	تخم ترشیشک (شیرازی)،
پیاز تلکه(شیرازی)، ۸۵	تازیل، ۲۷۰	تالیس، ۱۶۱	177
پیاز دشتی، ۴۹	تازرت، ۹۲، ۹۶	تالیسپتر، ۱۶۱	تخم ترهتیزک، ۱۱۵
پیاز موش، ۴۹	تازّرت، ۲۲۲	تالىسفىس، ٢٨١	تخم توخره، ۲۳۵
پیاز نرگس، ۲۹۰	تازْغَلُلْت(بـربري - مـصر)،	تامرت، ۲۶۷	تخم جزر بری، ۱۴۸
پیپل، ۱۴۲، ۲۲۸	۲۵۰	تامسورت، ۹۳	تخم چکوند، ۱۷۹
پیپلا مور، ۲۲۸	تازلَّفت، ۵۵	تاممشت، ۲۰۲	تخم خرد، ۱۲۹
پيپلامول بلام، ٢٢٨	تازلفت الينو، ٥٥	تاموک، ۶۷	تخم خيار، ۲۳۴
پی پل مول، ۲۲۸	تاسكرا، ٢٢٥	تامول، ۹۳	تخم دل آشوب (شیرازی)،
پیپلی، ۱۴۲	تاسُّلت، ۱۵۹	تانبول، ۹۳	41
۲۳۷ ،مهتی	تاسَلْغا، ۲۱۸	تانقیت، ۹۳	تخم ریباس، ۱۱۱
پیچک، ۲۵۷	تاسلفی، ۱۱۵	تاوه، ۱۰۴	تخم زرداب، ۹۹
پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	تاسلقا، ۱۷۰	تاینس، ۱۵۵	تخم سپندان، ۱۱۵
پیر در بهار، ۷۰	تاسلقوا(فاس)، ۱۳۲	تألّب، ۹۳	تخم قاوند، ۲۳۳
پیرز، ۱۶۷	تاسَمُّت، ۱۲۲	تباکیر، ۱۹۹	تخم کاج، ۱۱۲
پیرزد، ۷۲	تاسَمَّمْت، ۱۲۲	تبرئه، ۲۷۱	تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶
پیزا، ۷۵	تاشمصت، ۱۲۲	تبرزد، ۲۰۰	تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶
پیزد، ۷۵	تاصالیمت، ۸۰	تِبْن مکه، ۴۳	تخم كافشه، ۲۳۶
پیزرا، ۱۲۱	تاغفیت (آفریقا و تـونس)،	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تخمکان (تبریز)، ۸۳
پی زُمی، ۲۶۰	144	تبهو، ۲۴۱	تخم کرفس روم <i>ی</i> ، ۲۶۱
پیل، ۴۳	تاغُنْدَسْت، ۲۰۵	تترک، ۱۷۵	تخم کشوث، ۲۵۸
پیلانافردی، ۹۹	تاغیشت، ۱۵۸	تتل، ۱۷۵	تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵
پیل زهره، ۱۲۰	تاغیغشت، ۱۷۱، ۲۰۷	تتلی (بنگال)، ۱۶۷	تخم کنب، ۱۱۱
پیل گوش، ۲۳۰	تافرزیرت، ۱۲۶	تج، ۱۷۴، ۲۳۸	تخم گزر، ۱۰۳
پیل گوشک، ۲۳۰	تافسیا، ۹۷، ۱۶۷	تحلی، ۱۱۵	تخم نيلوفر، ١١٣
پيلووجال، ۴۳	تافْندوت، ۱۰۹	تخصیص، ۲۵۳	تخم نیلوفر هندی، ۵۴
پيوند مريم، ١١٢	تافیزان، ۱۰۳	تخم، ٩٩	تخم وهل، ۳۹، ۴۰
•	تافیفرا، ۲۵۹	تخم اسبست، ۱۵۶	تخمه، ۹۹
حرف <sub>«</sub> ت»	تافیقرا، ۱۷۲	تخم امرود جنگلی، ۱۴۲	تذری (شیراز)، ۹۶
	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	تراب القَىء، ١١٤

٧٨. ٠. ١٠	444 · M 125	ترمسا، ۹۳	تراب الهالك (عراق)، ۶۸
تِليوت، ۲۵۰ تـ تـ ۲۷۸	تفاح الارمنی، ۲۸۲ تُفّاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸	ترمس الثعلب، ٩٣	تراست، ۸۰
تمتم، ۱۷۵ تَمْر، ۹۴	تفاح الجمل، ۲۳۶	ترمس الحجل، ٩٣	ترانشول (اندلس)، ۱۹۴
تمر، ۱۱ تمر، ۲۳۹	تفاح الجنّ ، ۱۲۹، ۲۷۰، ۲۷۰،	تُرمس الخنزير، ٩٣، ١٥٧	ترب، ۲۲۳
تمر، ۲۹۶ تَمِرَ، ۲۹۶	۳۰۰	ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱	تربج، ۹۳
تمراه ۹۴	تفاح الدُّب، ۴۱، ۹۴	تَرْمَىٰ أَيمارُوس، ٩٣	تُربُد، ۶۰، ۹۳، ۱۵۲، ۱۷۳،
تمر الجوذر، ۲۰۵	تفاح الفارس <i>ي</i> ، ۱۳۹	تَرَنْج، ۴۰	7.7, 077
تمر الذهبي، ٣٩	تفاح أرمني، ۲۸۲	رب ترنجاش، ۱۱۳	تربد ابیض، ۹۳
تمر الهندية، ٣٩	تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲	ترنجان، ۷۱، ۸۳ ۱۱۳، ۲۸۳	ربنده (شیراز)، ۲۲۳
تمر هندی، ۹۵، ۱۲۴	ے .رو تفاح فارسی، ۱۳۹	ترنجان الثعلب، ١١٧	تربوز، ۸۲
تمر هن <i>دی</i> ترش، ۱۹۴	تفاح مائی، ۳۹	ترنجبین، ۱۹۳،۱۱۰	تربة، ٩٣
تمر هیرونی، ۹۵	تفاح ماه <i>ی</i> ، ۳۹	تُرنج (فاس)، ۴۰ تُرنج (فاس)، ۲۰	تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷
تمش (جرجان)، ۲۱۳	تفاف، ۳۸ ۲۴، ۹۶، ۲۹۶	رُبِي تُرُنگ (اهواز)، ۴۰	تربیزک (شیرازی)، ۲۲۳
تمک، ۶۷ ۲۷۴	تفّاء، ١١٥	تره (اصفهان)، ۲۵۲	تُربيزه، ١٣٠، ٢٢٣
تمک، ۱۱۴	تفده، ۲۵۶	ترهتیزک، ۱۰۲	ترتُّلی، ۲۰۴
تملمح، ۱۵۳	تفسیا، ۹۷، ۱۶۷	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳	ترتیق، ۲۰۴
تملول، ۱۷۵، ۲۴۵	تفورية، ۲۱۹	تره داهان، ۸۳	ترخاني، ۲۰۲
تمنس، ۲۷۷	تقده، ۲۵۶	تره گربه، ۸۳	ترخر، ۱۴۸
تموش (دیلم)، ۲۱۳	تِقده، ۲۵۷	تَزهَلا، ۷۷، ۲۱۹	تر (خراسان)، ۱۱۰
تمول، ۲۴۵	تَقْدُه، ۲۵۷	ترهلًان، ۱۹۹	ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲
تميط، ۱۱۴	تِقْدَة، ۲۵۶	ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹	تُرْس الماء، ٢٩٢
تميم، ۲۴۵	تقرد، ۲۵۶	ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸	ترسسک (شیرازی)، ۱۲۳
تنالیش، ۱۱۵	تِقِرْد، ۲۵۶	تره میره (سیستان)، ۱۰۲	ترسی، ۹۳
تنبایس، ۲۶۶	تقزیین، ۱۱۳	ترهیلیه (نبطی)، ۱۴۸	ترشج، ۱۲۲
تنبل، ۹۳	تکر، ۴۶	تریاق ک <i>وهی</i> ، ۲۷۷	ترشک، ۱۲۲
تنبول، ۹۳	تكنْطِسْت، ۲۰۵	تریاق نبطی، ۳۰۰	ترشه، ۱۲۲
تنزیک، ۱۷۵	تکُّوت (مغرب)، ۲۲۴	تریامان، ۵۴، ۹۴	ترشه (شیراز)، ۱۲۲
تَنْضُب، ٩۴	تِل، ۱۷۶	تزلیت، ۹۴	ترشینک، ۱۲۲
تنطریه، ۲۹۲	تلاد، ۲۴	تستر، ۲۰۵	تُرْف، ۹۷، ۱۴۷
تَنْعيمه، ۹۴، ۹۵	تلاسفين، ۱۱۶	تسترية، ۲۰۵	ترفاس، ۲۶۰
تنکر، ۲۱۷	تلاشفين، ١١٥	تسکرت، ۹۸	ترفاس (مغرب)، ۲۶۰
تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱	تلخه پیاز، ۸۵	تسوت، ۹۳	ترف (خراسان)، ۱۲۴
تنُوب، ۱۹۶، ۱۹۷	تُلَسْفي، ۱۱۵، ۱۱۶	تشميز، ٧٩	ترفس، ۲۶۰
تنوم، ۵۹، ۱۱۲، ۲۹۲	تلسی، ۱۸۴	تَشْميزَج، ٩۴	ترله بانس، ۲۴۰
تَنُوم، ٩٥	تلسی جنگلی، ۷۱	تشن (سیستان)، ۹۴	ترمانان، ۵۴
تنُومُ، ۲۰۴	تلغوطة، ٣٧	تشیک (زابل)، ۱۸۳	ترمرا، ۱۰۲
تنيفن، ۱۰۴	تلکنت، ۶۷	تِغيغشْت (فاس)، ۲۶۳	تُرْم (ری)، ۱۶۴
تنین، ۲۷۳	تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴	تُفّاح، ۶۴، ۹۴	تُرْمِس، ۹۳، ۱۰۲

ثغامة، ۴۸	تين الرحاني، ٩۶	تونیا (هندي و سندي)، ۱۶۱	توانیقی، ۱۱۲
تُفَاء، ١١٥	تين الفُجّ، ١٨٤	تُوَيْتُه، ۱۷۹	توبالاغ، ۱۷۱
ثفاءة، ١١٥	تین الفیل، ۱۰۸	تويوش، ۱۶۴	توبج، ۲۶۶
ثقولس، ۲۹۷	تين أحمق، ١٠٥	توءمًان، ۹۶	توت، ۹۵
ثلاسفی، ۱۱۵	تین بری، ۹۶	ته توره، ۱۰۹	توت النُّغلَب، ۱۷۹
ئْلَب، ۹۷	تین جبلی، ۹۶، ۱۲۷، ۱۲۷	تَهكار، ۹۶	توت الثعلب، ١٧٩
ئلثان، ۲۱۴	تین مکه، ۴۳	تهلول، ۷۶	توت الحرير، ٩٥
ٹِلْٹان، ۲۱۵، ۲۴۹	تيواج، ٩٧	تهور، ۱۶۳	توت العليق، ٢١٣
تُلْثُلان، ۲۱۵	تیونی، ۲۹۰	تیاج، ۱۵۲	توتاملون، ۳۰۰
ٹِلُس، ۲۴۰		تیبی ان و امان، ۱۲۹	توت حامض، ۹۵
ئل <i>سفى،</i> ۱۳۱	حرف «ث»	تيرحله، ۴۶	توت حلو، ۹۵
ثمارون، ۲۰۸		تيزغا (فاس)، ۲۱۹	توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳
تُمام، ۹۷	ثابقا، ۲۱۳	تیزمارت، ۷۰	توت شامی، ۹۵
تُمام، ۱۵۱	ثاروبيا، ۲۳۰	تی سملیل، ۲۰۹	توت لُحن، ٩٥
ثمبرا، ۱۹۵	ثافِسْيا (مغرب)، ٩٧	تيسو، ۸۵	توتنبطی، ۹۵
ثمرالغالبة، ١٠٨	ثافیقرا، ۱۴۶	تیسی، ۲۰۱، ۲۵۱	توت وحشى، ٩٥، ٢١٣
ثمر الفؤاد (مصر)، ۸۶	ثاقب الحجر، ٧٩	تیشَرت، ۹۸	توجدة(مغرب)، ۸۲
ثمر پشه، ۱۰۵	ثالاسطون، ۱۵۸	تيطراانگورن، ۲۳۴	توجردره (مغرب)، ۸۲
ثمر شجر الكافور، ٥٤	ئالاسفيس، ١١٥	تیطمست، ۴۳	تودری، ۴۶، ۱۹۰
ثمرة الدبّ، ٢٨٠	ثاليطرن، ٩٧	تىغْلَل، ۱۲۶	تودَری، ۹۶
ثمرة الكبر، ٢٥٠	ثاليل الجنات، ٧٢	تيفرست، ٢۶١	توذريج، ۹۶
ثملول، ۲۴۵	ثامر، ۱۲۲	تيفست ازوزغار، ۲۵۱	تُورَئي، ۹۶
تُمَيْلُه (اندلس)، ۴۷	ثامرا، ۲۷۱	تیفلت (فاس)، ۲۹۷	تورک، ۸۳
ثوب مُبَهْرَم، ۲۱۰	ثامروان، ۲۷۱	تیکظا، ۱۳۲	تورکی (شیراز)، ۸۳
ثور، ۲۰۰	ثبوريدوس، ۲۲۸	تيلت اينرفط، ١١٩	تورم، ۳۴
ئوس، ۱۱۰	ثُداء، ۹۷	تيمجًا (مراكش)، ٢٢٩	توز، ۱۲۷، ۲۶۴
ثوع، ۹۷	ثَرْثوقس أيماروس، ١٣٣	تيمرساط، ٢٢٩	توزانکون نـاریه (فـرنگی)،
ثوم، ۴۹، ۸۰ ۹۸، ۱۵۷	ثرمان، ۹۷	تيمزين، ۱۲۶	111
يْوَم، ۹۷	ئَزمان، ۱۲۳	تیمشطان، ۱۴۹	توشير، ۱۹۹
ثومادیرا، ۹۸	تُومَد، ۱۲۳	تيمط (اندلس و مغرب)،	توفنه، ۵۲
ثومارس، ۱۰۶	ثرودوقس ايمارس، ١٣٣	۵۲۲	توله بانس، ۱۹۹
ثومالا، ۲۷۷	ثریا، ۹۷	تيمق (اندلس و مغرب)،	توما، ۹۸
ثومالاا،۲۷۷	ٹریا (اندلس)، ۷۰	470	تومالی، ۲۷۵
ثوم البستاني، ٩٨	ثعالة، ۲۴۹	تـين، ۶۲، ۹۶، ۱۲۲، ۱۲۳،	تومرنا، ۲۰۱
ثوم الجبلى، ٨٠	ئُعْب، ٩٧	114	تومس، ۱۱۰
ثوم الحيه، ۴۸	ثعره، ۲۵۶	تین آ <b>دم،</b> ۶۶	تومین (لبنان)، ۲۷۱
ثوم الحيّه، ۴۹، ۹۸	ثَغام، ۹۷	تین ابیض، ۸۶	تونبری، ۲۳۷
ثوم الْحَيَّة، ٩٨، ١٠٤، ١٨٩	ثغام، ۲۹۱	تين الاحمق، ١٠٥	تَوَن تَرُه، ١١٥

جرجير الماء، ١٠٢، ١٥٩،	جُبُلين، ۱۱۷	جام بَهْل، ١٠٠	ثوم الضفادع، ٩٨
711, 677, 767	جبن، ۱۴۵	جامسه، ۷۳	ثوم الكلب، ۴۸
چِرْجير الماء (مغرب)، ٢٣٥	جُبن الثعبان، ٢٧٣	جامسیه (مصر)، ۷۳	ثوم بری، ۴۸، ۴۹، ۹۸
جرجير الهر، ١٠٢	جبن القرود، ۲۷۳	جامع البِضْع، ١٠١	ثوم جبلی، ۹۸
جرجیر بری، ۷۰	جَبه، ۱۰۱	جامع البِضع، ١٥٧	ثوم ذي الأسنان، ٩٨
جرجير بياباني، ٧٠	جبین جبن، ۱۴۵	جامع اللحم، ١٠١	ثومس، ۱۱۰
جرذيونة، ١٠٨	جثجات، ۷۶، ۱۰۱، ۲۴۷	جامول الكتّان، ۲۵۸	ثومش، ۹۹
جرزالشياطين، ٣۶	جَثْم، ۱۲۶	جــامول الكـتان (انـدلس)،	ثومُش، ۱۱۰
جرمامه، ۲۶۵	جحفيل، ۴۷	184	ثوم کُرَاث <i>ی</i> ، ۹۸
جرمامة، ١٠٣	جحلق، ۳۷، ۶۷	جامون، ۱۰۰	ثومون، ۹۹
جرمان، ۲۰۲	جحليق، ٤٧	جامه خواب، ۲۰۰	ثومية، ٩٨
چرموز، ۸۴	جَخِجْن (اهل هری)، ۹۴	جاوردشیر، ۱۰۰	ثیل، ۴۴، ۹۹، ۲۱۲
جَرْمِیلَک، ۱۰۳	جُـذري (بـلخ و طـخاري)،	جاوَرْس، ۱۰۰	ئَيّل، ۱۲۳
جرنوب، ۱۰۳	775	جاورس، ۱۴۳، ۱۵۰	ثيلوبطارس، ۱۵۷
جَرُّوذا، ۲۹۴	جَدُف، ۱۷۴	جاورس هندی، ۱۰۰	
جريال، ١٠٣	جَدُوار، ۱۰۱، ۱۴۴	جاوروس، ۱۰۰، ۱۴۳	حرف «ج»
جريال بقم، ١٠٣	جدوار اندلسي، ۶۴	جاوروس هندی، ۱۴۹	
جريله خمر، ١٠٣	جراد بحری، ۴۴	جاوشیر، ۱۰۰	جابور، ۹۹
جز (تنکابن)، ۳۶	جراشيا، ۲۳۴	جاونری، ۱۰۷	جاجر، ۱۰۴
جَزَر، ۵۴، ۱۰۳	جراطه، ۱۰۲	جاهبَنک، ۷۴	جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰
جزر البری، ۶۰ ۱۴۸	جرّاطه، ۱۲۲	جاهی، ۲۰۵	جادوبوی، ۱۰۷
جزُر البستاني، ۱۴۸	جر المشايخ (آفريقا)، ٧۴	جای بل، ۱۰۷	جادی، ۱۶۳
جزر بری، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۰	جرامغه، ۱۴۸	جای پهل، ۱۰۷	جادیفل، ۱۰۷
جزمارج، ۲۰۲	جرامقه، ۱۴۹	جَبَأ، ۲۶۰	جار النهر، ٩٩
جزو اعظم، ۲۴۵	جُرْبنه، ۱۴۸	۽ جَبْأَة، ۲۶۰	جارکون، ۱۰۷
جزیری، ۸۰	جربنة، ٤٣	جبراهنگ، ۱۰۱	جاساآکاما، ۴۱
جِساد، ۱۶۳	جربوز، ۸۴ (شام)	جبرش، ۲۵۰	جاسوس، ۱۰۰
جسد، ۱۶۳	جُربونه، ۲۵۳	جبروان، ۶۷	جاسة، ۷۳
جسمی، ۱۱۸	جرجار، ۱۰۲	جَبَرَة (مغرب)، ۱۰۱	جاشوش؛ ۱۰۰
جطرغ، ۱۹۳	جِرْجِر، ٩٣	جبل المساكين، ١٢١	جافر (هرات)، ۱۱۷
جِطْره، ۱۲۲	جرجر المصرى، ٩٣	جبل اهنق، ۱۰۱	جاکج (خوارزم)، ۹۴
جُطريا، ۴۰	جرجر (عراق)، ۷۳	جَبَلاهنگ، ۱۰۱	جاکجو (خوارزم)، ۹۴
جطیره، ۱۲۲	جرجس، ۱۶۶	جبلهنج، ۱۰۱	جاكمىو، ٩۴
جَعْد، ۲۵۶	جرجمه، ۱۳۷	جبلهنج، ۱۰۱	جاكله، ۹۴
جَعداء، ۱۰۳، ۲۵۴	جِرجير، ١٠٢	جَبْلَهَنْج، ۱۰۱	جالکری، ۲۲۸
جُغدَه، ۱۰۳	جرجير، ١٠٢	جبلهنک، ۹۳	جالىقىسدس، ٢٢٣
جَعْده، ۱۲۰، ۲۸۱	جرجير البري، ٧٠	جبلهنگ، ۱۰۱	جامالا، ۲۷۷
جعده، ۲۳۰	جرجير الكلاب، ١٠٢، ١١٥	جِبُلَة، ٨٠	جاماها (سند)، ۶۲

جنجر، ۶۶	جُمْلَج، ۶۶	جلجلان (حبشه)، ۱۷۶	جعده کبیر، ۱۰۳
جنجقش، ۸۳	جُملج، ۱۷۰	جلجلان مصری، ۸۰	جَعْدة الجدران، ١٠٣
جنجل، ۱۰۶	جملج (اندلس)، ۲۱۹	جلجمانا، ۲۳۴	جعدة الجُدران، ١١٩
جنجه، ۹۵	جُمُّيْز، ۹۶	جلدان، ۱۰۴	جعدة القَّنا، ٧٤، ١٠٤
جَنْجِيدْيون، ۱۰۳	جُميز، ٩۶	جلغوزه، ۱۱۲، ۱۹۶	جَعْدة الماء، ٢٥٤
جنجيديون، ۱۰۶	جَمِّيز، ۱۰۵	جلغوزه مصري، ۱۰۵	جعدة بحرى، ١٠٣
جنخليدس، ۱۸۹	جُمَّيز، ١٠٥	جلماث، ۲۳۴	جعدة حرّان، ٢٠٣
جنسسفوح، ۲۴۲	جُمَيْز، ۱۲۳	جُلْنار، ۱۰۴	جعفری، ۹۶
جنشاله، ۱۵۲	جُمِّيز، ۱۵۷	جلنار، ۱۵۶	جعفریه، ۲۰۱
جنطیان، ۱۰۶	جَميم، ٩١	جُلنار بری، ۲۰۱	جعفریه (جرجان)، ۱۱۷
جِنْطيانا، ۱۰۶	جنْ آر، ۱۹۶	جلنجمون، ۱۰۵	جِعْفیل، ۱۱۸، ۲۰۱
جِنْطِيانا، ۱۰۶	جنا الاحمر، ٥٨	جلنجويه، ١٠٥	جِعه، ۱۵۰
جنطیانا، ۲۵۸	جناح، ۱۵۳	جُلُنسرين، ١٠٥	جُعَيداء، ١٠٣
جنطيانا الجرمقاني، ١٠۶	جناح البشر، ٧٣	جلنيل، ۲۵۰	جُعَيديلَة، ١٠٣
جنطیان الرومی، ۱۰۶	جناح التيس، ١٠۶	جُلُّوز، ۸۸، ۱۰۵	جغثاريحثانا، ۲۷۷
جنطیانه، ۱۲۶	جناح الزرزور، ٧٩	جِلُّوْز (مغرب)، ۱۰۵	جغزبه، ۱۷۹
جنکک (بلخ)، ۱۳۲	جناح النسر، ١٥٧	جُلوقوريزون، ۱۸۰	جغش (هرات)، ۱۱۷
جنکهارمول، ۱۱۸	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جلوکا، ۱۰۰	جُفْتَ آفرید، ۱۰۴
جنکی چنبیلی، ۲۰۵	جَنار، ۱۴۶	جُلهم، ۱۰۵	جفت البلوط، ۸۶
جنگلا، ۱۱۲	جنّ القتّال، ١٤٧	جلهنگ، ۱۰۱	جفت أفريد، ۱۵۷
جَنی، ۱۰۶	جناماسی، ۱۷۷	جليط، ١٠٥	جُفُرًى، ۲۴۸
مُجنی، ۱۰۶	جناء، ۱۰۶	جلیف، ۱۰۵	جَفْن، ۱۰۴
جَنَّى الاحمر، ٢٣١	جناء الاحمر، ٨۴	جلیقی، ۹۶	جقلال، ۲۶۶
جني الاحمر، ٢۴٢	جَناء الأحمر، ٢١١	جُمّار، ۹۵	جَقُوطُه (لِاتيني)، ١٩١
جنى العُشر، ١٣١	جناء الأحمر، ٢۴٢	جماز (تمنكابن و ديملم)،	جُکری، ۱۵۹
جنيه، ۱۴۹	جَنْبَذ، ۱۰۴	189	جگری، ۱۵۹
جو، ۱۸۷	جــنبه، ۷۵، ۸۹ ۹۷، ۹۰۰،	جم اسپرم، ۱۶۰	جُلّ، ۲۹۴
جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹	۵۰۱، ۱۰۶، ۲۲۱، ۲۲۱، ۲۵۱،		جـــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
	۸۳۱, ۳۵۱, ۸۶۲, ۳۶۲ <i>,</i>	جماهو سليمان، ١٠٥، ١۶٠	747
جواسا، ۷۱، ۱۱۰	٠٨٢، ٠٠٠	جم جم، ۱۰۵	جُلْبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱
جواشير، ١٠٠	جنبید، ۱۹۵	جِنْجِم، ۱۰۵	
تجوانْ سَپَرَم، ۱۰۶	جِنْت قابطة، ١٠٥	جَمْجُوا، ۱۰۶	
جوانسپرم، ۱۸۳	جُنْت قابظة، ١٩٢	جمرة الارض، ١٠٥	جلبانه، ۱۳۷
جوانسفرم، ۱۸۳	جَنْتِ قابطة (لاتيني)، ٢٣۶	جَمَرة الارض، ٢٠١	جلبوب، ۱۰۳
جو برهنه، ۱۷۳	جنتورية، ۲۴۵	جَمرة (فاس)، ۳۴	جَلْبَهْنَک، ۱۰۱
جوج، ۴۳	جَنْجِبانْسَة، ۱۰۶	جمسفرم، ۱۰۵	جُلْجِل، ۴۶
جوجادو، ۱۴۱	جنجَبانسة، ١٣٩	جمسينج (خوارزم)، ۹۴	جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷
جوجهرج، ۱۴۵	جنجبنيه، ١٢٢	جَمشک، ۹۴	جلجلان الحبشة، ١٠٤

جوده (فرنگی)، ۲۶۱ جیدار، ۱۰۹ چشوم، ۹۴ جوز النسرو، ١٠٩ جُوٰذُر، ۱۰۶، ۲۱۹ جیرش، ۱۰۹ جوز النعاس، ١٠٩ چغرب، ۱۸۰ جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷ جورانکلی، ۵۳ جيروا (سندي)، ۲۶۲ چغزب، ۱۸۰ جيسو (فرنگي)، ۹۲ جوز اليسرو، ١٠٩ جوراوراج ناکهه، ۲۷۲ چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴ جیکَلک، ۱۰۹ جوری، ۳۰۰ جوز أرمانيوس، ١٠٧ چَکُوتَره، ۱۰۴ جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰ جيلام (گيلان)، ۱۷۹ جَوزِبَوًا، ۱۰۷ چَکُوند، ۱۰۴ جَوز اَرْقَمْ، ۱۰۷ جیلان (گیلان)، ۱۷۹ جوزبوا، ۱۰۷ َ چَکِّی، ۱۰۴ جگندر، ۱۷۴ جیلغوز، ۱۰۵ جوزبویا، ۱۰۷ جوز الابيض، ٢٩٠ جَينَت، ١٠٩ جوز جنا، ۴۳ چَلاپا، ۱۰۴ جوز الاكل، ١٠٧ جَوز جَنْدُم، ۱۰۷ جوز الأنهار، ١٠٧ جينه، ١٠٩ چلغوزه، ۱۹۶ جَوز جندم، ۱۶۵ جوزالجيل، ١٠٥ چمکدلا، ۲۴۳ حرف «چ» جنار، ۱۴۵، ۱۹۶ جوز جندم (رقه)، ۱۳۰ جوز الحبشه، ۱۰۸ جوز الخَمَس، ١٠٨ چنار (شیراز)، ۱۴۵ جوز داود، ۱۰۸ جوز الدفع، ۱۰۸، ۱۵۷ چنپیلی، ۲۹۹ جا، ۹۹ جوز روت، ۱۰۹ جوزالدُّنْب، ۱۴۵ چاکسو، ۹۴ جوز رومی، ۱۰۸، ۲۶۴ چند سر، ۱۰۲ جوز الرُّته، ۵۴ چاکشو، ۹۴ جوز زوان، ۱۶۴ چند سور، ۱۰۲ جوز الرتّة، ٨٨ چامرکهاس، ۱۰۰ چندن، ۱۹۶ جوز سودار، ۱۳۹ چاندریل، ۲۱۰ جَوْزماتِل، ١٠٩ جوز الرُّقَع، ١٠٨ جَنْيا، ۱۰۶ جوز الريح، ١٠٨، ٢٧١ چاندلىبىل، ۲۶۶ جوز ماث، ۱۰۹ چوب چینی، ۱۰۶ جوز الزَنْج، ١٠٨ چاول، ۴۴ جوز ماثا، ۱۰۹ چوب چینی خطائی، ۱۰۶ جوز ماثل، ۲۷۹ جوز السرو، ۱۷۰ چُولائی، ۱۰۹ جاولائي، ۸۴ چاۇلىمنىگو، ١٠١ جوز ماثم، ١٠٩ جوز السواک، ۱۰۷ چونلائي، ۸۴ جوز الشِرْک، ۱۰۸ چتر اخضر، ۲۴۵ جوزناق، ۹۰ چوه صباغان، ۳۴ جوز الطيب، ١٠٧ چتره، ۱۹۳ چوهه کنی، ۳۴ جوز هندی، ۲۸۰، ۲۸۷ جوز العَبْهَر، ١٠٨ چهارا، ۹۴ چراسیا (صقلب)، ۲۳۴ جوزة القرود، ٥٢ جوزالعد، ۱۰۶ چرایتا، ۲۴۰ جوشيصا، ١٠٩ چهار مغز، ۱۰۶ جوز العرعر، ٣٩ جوک، ۷۱ چهال کری، ۲۲۸ چرایته، ۲۴۰ جوز القرود (فاس)، ۵۲ جوگندم (زابل)، ۱۷۳ چهربخفایها، ۲۲۶ چرچه، ۱۸۹ جوز القَطا، ١٠٧ جولاه کش (سیستان)، ۷۱ چهريله، ۵۲ چرکانا، ۱۲۲ جَولَق، ۱۴۱ جـوز القـطاة، ١٠٨، ٢٤٩، چهوتىمائين، ۴۰ چَرَوْنجِي، ١٠٣ 79. چیپال، ۱۴۷ جِولق (اندلس)، ۱۰۹ چريره، ۵۲ چیپژک، ۱۹۳ جُولُه (لاتيني)، ٢١١ جوز القَى، ١٠٨ چشم، ۹۴ جوز القيء، ١٠٨، ١٠٩ چير، ۱۴۹ چشم خروس، ۲۱۷ جوهي، ۲۰۵ جهار، ۲۰۲ جوز الكُوئُل، ١٠٩ جشمک، ۹۴ چینه کبوتران، ۱۵۶ جوز الماثل، ١٠٩ چشمک (شیراز)، ۹۴ جهاز قرچه (بنگال)، ۱۱۳ جهاؤ، ۴۰ جوز المَرج، ١٠٩ حرف «ح» چشمیز، ۹۴ جوز المزج، ۲۴۹ چَشْميزَج، ۹۴ جهنک، ۱۰۳ جيپالگوت، ۲۷۶ جوزالملک، ۱۰۷ حائن (اندلس)، ۴۷ چشمیژه، ۹۴

اإقْطَى، ١٦٠	حباقی، ۱۲۵	حب العزيز، ١١٢	حب المنشم، ٢٨٥
اج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲	حب الاثل، ٢٠٢	حب العصفر، ٢١٠، ٢٣٤	حب المَيْسم، ١١٣
احى اكامى، ۴۱	حب الأس، ٣١، ٣٥	حب الغار، ١۴٩	حبالنسل، ۴۱
ادطج (سندی)، ۲۳۸	حب الانبربارس، ۶۱	حب الغراب، ٤٢	حب النشم، ١١١
باذ، ۱۱۰	حب الأثل، ٩٣	حب الفار، ۱۱۲	حبّ النــعام (مــغرب و
ناراسوافی، ۹۳	حبّ البان، ۱۱۱	حب الفقد، ۴۱	اندلس)، ۲۲۶
عارز الانهار، ۱۱۰	حب البطيخ، ٨١	حب الفنا، ۲۱۴	حب النيل، ١١٣، ٢٣٧، ٢٩٢
عارز الماء، ١١٠	حب البقر، ٢٥٣	حب الفول (مصر)، ۱۸۶	حب بلسان، ۱۱۱
عارس، ۱۱۰	حب البلسان، ۸۶	حب الفهم، ٨٥	حب جنكلا، ١١١
مارسوهک (شیراز)، ۱۱۸	حب الحلو، ٤٧	حب القثا، ٢٧٩	حَبْحُو (عمان وشحر)، ۱۱۱
ماركو، ۱۴۴	حب الخروع، ١٣٣	حب القرع، ٢٣٧	حبربان، ۱۱۳، ۱۳۳
عاسیس، ۱۱۱	حب الخضرا، ٨١	حب القطن، ٢۴٢	حب سجستانی، ۲۲۲
عاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹	حب الدسم، ١١١	حب القلب، ٨٥	حب سرم بری، ۱۸۳
ماشیش، ۱۱۱	حب الدود، ٢٥٥	حب القُلْت، ١١٢	حب سلاطين، ١٤٧
عافر المُهر، ۱۷۹	حب الدهمَشت، ۱۴۹	حبُّ الْــِقِلْقِل، ۴۵، ۱۱۲،	حبشة، ۱۰۴
حافظ اطفال، ۲۲۴	حب الراس، ١١١، ٢٨٧	۸۵۱، ۲۸۲	حب صنوبر صغار، ۲۴۱
حافظ الاجساد، ٤٩	حبُ الراسن، ١١١، ٢٨٧	حب الْقُلْقُل، ٢۴۴	حب صنوبر کبار، ۲۴۱
حافظ الارواح، ۴۷	حب الرشا، ۱۲۲	حب القوقايا، ١٥٩	حَبَق، ۱۱۳، ۱۶۰
حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴	حب الرشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	حب الكاكنج، ٢۴٩	حبَق، ۱۲۷
حافظ الأجساد، ٩٨، ١٨٩	حب الرشيا، ١٢٢	حب الكاكنج الجبلي، ١٠٩	حبق، ۲۲۹
حافظ الطفل، ۲۲۴	حب الرمان، ١٥٧	حب الكُلِّي، ٤٣	حبقا (اندلس)، ۱۱۹
- حـافظ المـوتى، ۴۹، ۹۸،	حب الرند، ۱۴۹	حب الكلي، ٣٠١	حَبَق البربري، ٧١
1/4	جب الريباس، ١١١	حب الكُـلَى (مـصر)، ٥٢	حبق البقر، ٧٠
حافظ النحل، ۵۵، ۲۲۶	حب الزرقه (بحرين)، ٧٨	198,144	حبق الترنجاني، ١١٣
ر خاق <i>ی</i> ، ۲۹۱	حب الزلم، ٤٩، ١١٢، ١٤٣	حب الكمثري، ٢٤١	حَبَق التَّمْساح، ١٩٨
حالب، ۴۷	حب الزُّلَم، ١١١	حب الكني، ٤٣	حبق التمساح، ٢٢٩
حالبی، ۵۴، ۱۳۱	حب السِمْنَه، ١١١	حب اللهق، ٢۴٩	حبق الحاحي، ١١٣
بى حالق الشعر، ٢٢٢	حب السود، ٢۶٩	حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹	حبق الحُرّ، ١١٣
حالوما، ۲۸، ۳۹، ۱۹۰	حب الشبرم البرى، ١٨٣	حباللهو (مغرب)، ۲۱۴،	حبق الحمامي، ٢٠٢
ر حالهغوره، ۶۲	حب الشجره (مصر)، ۴۱	749	حبق الراعي، ٧۶
حامااقسیس، ۱۱۱	حب الصبيان، ٨٤	حب اللُّـــــــــــــــــــــــــــــــــــ	حبق الشيوخ، ٢٨٠
- ن حاماسوقی، ۱۱۱	حب الصراط، ٢٧٥	اندلس)، ۲۱۵	حبق الصعتري، ١١٣، ١٨٣
حامافیطوس، ۲۶۱	حب الصنوبر، ١٩۶	حب المَحْلَب، ١١٢	حبق الصلقى، ١١٣
حاوزوان، ۲۵۲ حاوزوان، ۲۵۲	حب الصنوبر الصغار، ١١٢	حب الملوك، ١١٣، ١٤٧،	حبق العريض الورق ١١٣
حبّارهاری، ۷۹	حب الصنوبر الكبار، ١١٢	775	حبق الفتي، ١١٣، ٢٧٩
. رو وي حباقا، ۱۲۵	حب العرعر، ۴۰، ۲۰۸	حب المــلوک (مـغرب و	حبق الفيل، ٢٧٩
حُباقا، ۱۲۶، ۱۵۰	حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰،	اندلس و فاس)، ۲۳۴	حَبَق القَرَنْفلي، ٧١
حباقا (اهالی حیره)، ۱۵۰	797	حب المِنْسُم، ١١٣	حبق القَرَنْفلي، ١١٣
·		•	

حرمل البلدي، ١٩١	حَرْشَف الْبَرِّي، ۱۱۴	حبيقه (اندلس)، ١١٩	حَبَق القَرَنْفُلي (فاس)، ۱۸۴
حرمل عامی، ۱۱۶	حَرْشُف الْبُسْتاني، ١١٤	حبيقة، ١١٩	حبق القنا، ٣٤
حرمل عربی، شح۱۱	حرشف بری، ۲۱۲	حُتَّى، ٢٨٣	حبق الكرماني، ١١٣، ١٢٢
حُرْمُلَه، ۱۱۶	حرشف بستانی، ۱۱۴	حثا، ۹۶	حَبَق الماء، ١٩٨، ٢٢٩
حَرْملة، ۱۱۶	حَرْشُف (نبطی)، ۱۱۴	حِثیل، ۱۱۴	حبق المُرد، ١١٣
حَرَمی، ۱۷۶	څرض، ۵۲، ۱۲۳	حجاكيوس، ٢٠٩	حبق المرء، ٢٧٩
حرّو اعظم، ۲۴۵	خُرْض صینی، ۵۲	حُجثًا، ۱۳۲	حبق المَغز، ٧٠
حروبی، ۱۳۲	حُرف، ۱۱۵	حجر البقر، ٢٩٥	حبق المنتن، ١١٣
حریشاء، ۱۵۷	حرف، ۱۳۱، ۲۸۴	حد، ۱۹۱	حَبَقالَة(اندلس)، ۱۱۹
حُريشه، ۱۱۴	حُرْف ابيض، ۴۸	حدبی، ۲۹۷	حــبق بســـتاني، ۷۹، ۱۲۲،
حریشه، ۱۵۹	حرف ابیض، ۱۱۵، ۱۳۰	حدج، ۱۲۶	779
حریشة، ۱۵۷	حرف احمر، ۱۱۵	حددی، ۹۲	حبق ترنخانی، ۷۱
حريطه، ٣٥	حرف البابلي، ١١٥	حدق، ۷۲	حبق جبلی، ۲۲۸
حريف الاملس (اندلس)،	حرف البري، ١١٥	حَدَق، ۱۱۴، ۲۰۷	حب قطاهی، ۱۴۷
171	حرف السطوح، ٨٠ ١١٥	حدق <i>ى</i> ، ۶۷	حبق قرنفل، ۲۲۵
حريق، ۶۵	حرف السُّطوح، ١١٥	حدمانه، ۲۸۰	حَبَق قرنفلي، ٢٢٥
حُرِّيق، ۶۵	حرف السُطوح، ١١٤	حدیدی، ۱۱۴	حبق کرمانی، ۱۸۳
حُريق الأملس، ١٠٣	حرف الشامي، ١١٥	حر، ۱۶۴	حبق مصری، ۱۱۳
حُسرًيْق الأمْلَس (اندلس)،	حرف المائي، ١١٥	حراشا، ۱۳۱	حبق نبطی، ۱۲۲
171	حرف الماء، ١١٤، ١٨٢	حرًاقه، ۱۴۰	حبق نبطی (شام)، ۱۲۲
حُرَّيْق(مغرب)، ۶۵	حُرْف الماء(مغرب)، ٢٣٥	حرّالسحر، ٣٥	حب کاکنج کوهی، ۱۰۹
حريمله، ١١٧	حرف المشرقي، ١١٥، ١١٤	حرانيه، ١٠٣	حبل المساكين، ١١٣، ٢٤٠،
حُرَيْملة، ۱۱۶	حرف أبيض، ١١٥، ٢٧٤	حربا، ۱۲۸	799
حزّا، ۱۲۷	حـرف بـابلی، ۱۰۲، ۱۱۵،	حربان، ۴۵	حَبل المساكين،
حزا، ۱۱۷	118	حرباء، ۴۶	حبل المساكين(قرطبه)،
حزا اوکامی، ۱۸۰	حُرف بری، ۱۱۷	حُرْبُت، ۱۱۴	. 118
حزاز، ۲۰۰	حرف سفید، ۱۱۵	خُرْبُث، ۱۱۴، ۲۷۴	حبلبلی، ۲۶۶
حزاز الجبل، ١١٧	خُرفله(صقلبه)، ۶۷	حربه، ۱۱۴	حَبَن، ۱۴۵
حَزازُ الصخر، ١١٧	حُرف مشرقی، ۲۲۸	حَرِبة، ۲۷۱	حبوب، ۲۰۱، ۲۹۶
حزاز الصخر، ۱۶۵	حُرْف (نبطى)، ١١٥	حرحم، ۲۹۳	حَبّة الحُلُو(اندلس)، ٤٧
حَزاز الصخر، ۲۰۴	حُرْف(نبطی)، ۱۱۵	حرز الشياطين، ٣۶	حبّة الخضراء، ٨١ ١١١،
حزازالصخور، ۱۱۷	حرفی، ۲۲۸	حرشا، ۱۳۰	191
حزازیثا دخیفا، ۱۰۷	حِركه(اندلس)، ۹۱	حرشاء، ۱۱۴، ۱۳۰	• • • •
حزاة، ۱۱۷	حرمانه، ۲۰۳	حَرِشاء، ۱۳۰	حببة السوداء، ٩۴، ١٩٢،
حَزاء، ۱۱۷	خَزمل، ۴۸	حَرْشاء، ١٣٣	787
حزاء، ۱۴۸	<del>-</del>	حرشف، ۱۰۶، ۱۲۳، ۲۱۰،	حبة المساكين، ٢٤٥
حَزاء بری، ۱۱۷	حرمل، ۵۵، ۱۱۶، ۲۸۶	790	حبة الملوك، ١١٣
حِزاءَة، ١١٧	حُزْمَل، ۱۱۶	حَرْشُف، ۲۶۷	حبّة حلاوة، ٤٧

حفوط (لاتینی)، ۱۹۱	حشيشةالسلكخفاة، ۶۰	حشيشة الأسد، ١١٨	حزاءة أخرى، ١١٧
حفوظه (عجميت انـدلس)،	حشميشة السنبل الرومى،	حشيشة الأفعى، ١١٨	حُزُنبل، ۱۱۷
191.	141	حشیشة البابلی، ۴۳	حَرُّنْبُل، ۱۱۷
	حشيشة السُّواقي (مغرب)،	حشيشة البراغيث، ١١٨،	حَزَنْبل، ۱۲۳
حَقل، ۱۲۶	90	147	حزنبل، ۲۸۰
اً حقوق، ۸۳	حشيشة الشرك، ٨٨	حشيشة البراغيث (شام)،	حزوزی، ۹۴
حَلّ، ۱۷۶	حشيشة الصفرا، ٢٠٨	111	, حسار، ۱۱۷
' ځلاب، ۱۲۰	حشيشة الطحال، ١١٩، ١٤٠	حشيشة البرص، ٣٤، ١١٨	حَسَک، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴
حلادقاصری، ۵۲	حشيشة الطلق، ١٢٠	حشيشة الثومي، ١٨٩	حَسک، ۳۷
حلالت، ۱۲۶	حشيشة العقرب، ١٩۴	حشيشة الثوميه، ٨٠	حسک، ۱۱۸
خُلاوی، ۶۷	حشيشة العَلَق، ٣٣، ١٢٠	حشيشةالثوميه، ٩٨	حسک البری، ۱۱۸
حُلُّب، ۱۲۲	حشيشة الغافث، ٢١٩	حشيشةالثوميه (اندلس)، ۴۹	حسك الجمال، ٥٩
حِلْباب، ۱۲۲	حشيشة الفَرَج، ١٢٠	حشيشة الشومية، ٩٨، ١٢٢،	حسک الفِراخ، ۲۱۲
حلبادشغفينون، ١٧٣	حشيشة الفقرا، ٢۴٥	771	حسک کوهی، ۱۱۸
خُلُب التيسى، ١٢٢	حشيشة القَمل، ١٢٠	حشيشة الشومية (انـدلس)،	حسَكَة (مصر)، ٧٩
حلبانیثا، ۲۴۶	حشيشة الكبد، ١٢٠	٩٨	حَسَل، ۱۱۸
حِلِبْلاب، ۱۲۱، ۱۲۲	حشيشة الكلاب، ٢٨٠	حشيشة الحلو، ١٨٠	حسم عوسج، ۲۱۷
حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶	حشيشة الكلب، ٢٢۴، ٢٨٠	حشيشة الحُمْرة، ٢٧۶	حسمی، ۱۱۸
حُلْبوب(اندلس)، ۱۲۱	حشيشةاللُجَاة، ٤٠	حشيشة الحُـمِّي (أفريقا)،	حسن لبه، ۱۹۸
حلبوب غير منقط، ١٢١	حشيشة اللجأة (شام)، ٣٧	7.4	حسن يوسف، ١١١
حَلْبوب (نبطی)، ۱۲۱	حشيشة المَعْدِن، ١٢٠	حشيشة الحوت، ١۴٣	حسومی، ۲۸۹
خُلْبَه، ۱۲۰	حشيشةالْمُقَدِّسَة، ۶۹	حشيشة الخراسانية، ٢٩٣	حسيب، ٨٢
حَلْبيب، ١٢١	حشيشةالمُكَرَّمَة، ۶۹	حشيشة الداخس، ١١٨	حسین، ۱۴۵
حلبيثا، ١٢١	حشيشة النجاة (شام)، ٣٧	حشيشة الدم، ١١٩	حسینی، ۲۶۱
حلتیت، ۶۵ ۱۲۱، ۲۹۵	حشيشة دودية، ١٩٩	حشيشةالدُّوديـه ﴿انبِدلس)،	حسینی (مرشدآباد)، ۶۲
حلتيتا، ١٢١	حصٌ، ۲۹۵	44	حِشْرِق، ۱۳۹
حِلْتيث، ١٢١	حُضُض، ۱۲۰، ۱۷۴	حشيشةالذَّهبيه (اندلس)،	حشرَما، ۲۹۰
حَلْحال (اندلس)، ۴۷	حضض، ۲۳۱	**	حَشْف، ۲۸۳
حَـلحال (مغرب و فـاس)،	حُضُض هندی، ۲۳۰، ۲۳۱	حشيشة الرئة، ١١٩، ٢٠٥	حشفنيفل، ۱۸۸
**	حضض یمانی، ۱۲۰	حشيشة الرجاج، ٣٤	حشوی، ۲۲۶
حَلْحَل، ۲۵۱	حطارا، ۲۵۲	حشيشة الرومانيين، ٥٩	حشیش، ۷۸، ۲۴۵
حَلْفا، ١٢١	حَطَب، ۱۸۸	حشيشة الزجاج، ٣٤، ١١٩،	حشيش الأُعْظم، ١٥۶
حَلْفاء، ٣٧، ١٤٨، ٢٠٤	حُطب السودان، ٣٣	109	حشـيش الدُّوابُ (مـصر و
حَلَق، ۱۲۲	حَطَب الْفَتح، ٢۶٥	حشيشة السعال، ١٧٩، ١٧١	شام)، ۲۹۶
حلمثا، ۱۳۶	حَطَبه، ۴۶	حشيشة السلحفا (شام)، ٣٧	حشيش الغافت، ٥٢
حَلَمة، ۱۲۲، ۱۶۳	حطری راعیا، ۲۱۰	حشيشة السلحفاة (شام)، ٣٧	حشیشه، ۴۴
حُلوانه، ۶۷	حفا، ۷۵	حشيشة السلطان (مصر)،	حشيشةالارض، ٣۶
حلوسطقاقيل، ۱۹۶	حَفَأ، ٧٥	۱۳۱	حشيشة الافعى، ١١٨

حنطة صغيرة، ١٧٣ حُمَير، ٢٨، ١٥٥ حماض نیری، ۱۲۳ ځلوه، ۶۷ حنظل، ٨١ ١٢٤، ١٨٧، حُــمَيْراء، ٣٨، ١٢٥، ١٥٥، حَماط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰ حلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱ 714 14. حَماما، ۱۲۴ حَلی، ۹۷ حَنْظًا، ۱۲۶ حُمِّيْط (فاس)، ۱۲۲ حَلِّي، ١٢٢ حَماما (نبطی)، ۱۲۴ حنظل رومی، ۱۰۶ جنّا، ۱۲۵ حمامی، ۷۳ حليق، ۶۰ حنظل زرد، ۱۲۶ حنَّاالغُّولة (مصر)، ٣٨ حمامي، ۱۵۶ حليلوطن، ٢٢٢ حنوه، ۳۴ حنامشه، ۱۹۳ جمجم، ۲۵۲ حليلة، ٥٤ حَنْوَه، ۱۵۹ حناء الجبليه، ١٢٥ حُمْحُم (شام و شرق)، ۲۶۸ حليمو، ١٢٢ حَنْوَة، ٣٤ حناء الرُّعاة، ١٢٥ حمر، ٩٥، ١٢۴ حمااقسيس، ١١١ حَنوة، ۱۵۹ حناء الغول، ٣٨ حمرادحز وري، ۹۴ حَماحِم، ۱۲۲ حنّاء الغولة، ١٢٥ حمرما، ۲۶۴ حنيق زنبق، ۲۹۰ حماحم، ۱۲۹، ۱۵۹، ۱۸۴ حنین، ۱۴۵ حناء القريش (مصر)، ١١٧ حمری مرکی، ۱۲۹ حماروحوش، ۹۵ حوان (سندی)، ۲۸۹ حمص، ۷۶ حُمّاصْ بحرى، ٢٠١ حناء المجنونه، ١٢٥ حُوّاءالبقر، ٢٩٨ حناء المروج، ١٢٥ جمّص، ۱۲۴ حماض، ۵۳ ۲۶۶، ۲۶۹ حَوْجَم، ۲۹۴ حناء قريش، ١١٧ حِمُّص الامير، ١١٨ حُمّاض، ۹۷ حوحانیثا، ۴۱ حناء معجون، ۲۹۲ جمَص الامير، ١١٨، ١٢٤ حَمّاض، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۷۴ حَوْذان، ۱۲۷، ۲۵۹ حندقوق، ۱۲۵ حمص الامير (مغرب)، حماض الاترج، ١٢٣ حوذان، ۱۵۳، ۲۷۳ حَنْدقوقا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱ حماض الاجمامي، ١٢٢، 114 حَوَر، ۱۲۷ جمُّص الأمير (مغرب)، ١١٨ حندقوقا مصري، ۲۹۱ 174 ځور، ۱۲۷ حندقوقی، ۹۲، ۱۵۲، ۲۰۸ حماض الارض، ١٢٣ حمص البري، ١١٨ حور اسفیدان، ۷۸ 777 حِمْص بری، ۱۲۴ حماض الارنب، ٥٥ حَور الرومي، ۵۵ حَنْدقوقي (بغداد)، ۱۵۰ حماض الأرنب، ١٢٣ حمص بستانی، ۱۲۴ حور الرومي، ١٠٩، ١٢٧ حَنْدُقوقيٰ (نبطي)، ١٢٥ حمصليثا، ١٢٠ حماض البري، ١٢٣ حوربخانا، ۱۳۰ حِمْصی، ۱۲۴، ۲۹۱ جنزاب، ۵۰ حماض البقر، ١٢٣ حور رومی، ۱۲۷ حَنَشي، ۲۷۳ حماض الجبلي، ٤٠، ١٥٩ حمصی دبرا، ۱۲۴ جنطَه، ۱۲۶ حوز، ۱۲۷ حَمَصيص، ۱۲۴ حماض الحسنكي، ١٢٢ حوسالي (اهالي جزيره)، حماض السبخي، ١٢٢ حنطه السوداء، ۱۹۴ حَمصيص الترف، ١٢٢ 1.9 حنطه رومیه، ۱۳۹ حمصي ليتا، ١٧٩ حماض السواقي، ١٢٢، حُوک، ۷۱ حنطة، ١٥١، ١٥٧ حمض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷ 174 حوک، ۱۱۳ حنطة البرية، ١٢۶ حَمض، ۵۲ حماض الشامي، ١٢٢ حَوِک، ۱۹۸ حنطة الحبشيه، ١٢۶ خـــمض، ۶۶ ۹۷، ۱۱۰، حماض الماء، ١٢٢، ١٢٣ جنطة الرميه، ١٣٩ حوکا، ۷۱ 001, .07, 777 حماض املی، ۱۲۲ حنطة الروميه، ١٢۶ حولانا، ۷۶ حماض بزرگ، ۲۷۴ حِمض، ۱۳۹، ۱۵۸ حَوْمانة، ١٥٢ حنطة السداب، ١٢۶ حماض بستانی، ۱۲۳ حمض الأبل، ١٢٣ حومانة، ٢٠٣ حنطة الفارسي، ١٧٣ حملایا، ۲۷۵ حماض جبلی، ۱۵۹ حومانة (آفريقا)، ٢٠٣ حنطة الفارسيه، ١٢۶ حَمَلة، ١٢٣ حُمَّاض حَسَكيّ، ٧٤، ١٥٩ حومر، ۱۲۴ حنطة جبليه، ١٤٧ حموعياثا، ١٢٢ حماض سه برگ، ۱۲۲ حی، ۳۷ حنطة رومية، ١٣٩ حُمَيْدِش (فاس)، ۵۹ حماض کبیر، ۱۲۲

خِذرفات، ۱۲۳ خانق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸ خراز الماء، ٢٠٠ خراطین، ۱۲۳ خانق النّمِر، ١٢٨ خرافة العَجوز، ٢۶٩ خانق نفسه، ۲۳۲ خراما، ۲۸۰ خاواني (صقاليه)، ۶۷ خَرامقان، ۱۳۰ خاولنجان، ١٣٩ خايه ابليس (فارس)، ٥٩ خراة، ١١٧ خُراء النواتية، ۲۴۸ خت، ۱۴۰ خُبّاز، ۲۸۴ خربزه، ۸۱ خربزه دراز، ۲۸۵ خُتازی، ۱۲۹، ۲۸۴ خرېزه روباه، ۱۲۶ خبازي الاسود، ١٢٩ خربزه زمستان، ۸۱ خُبّازى الجَبَلى، ١٢٩ خبازي السبخي، ١٢٩ خربزه طلخک (زابل)، ۱۲۶ خربزه هندی، ۸۲ خبازی الصقلی، ۱۲۹ خربع، ۱۱۴ خُبّازی الفارسی، ۱۲۹ خَرْبَق، ۱۳۰ خُبّازي الماكول، ١٢٩ خبّازي المجوسي، ١٢٩ خَربق اسود، ۱۳۰ خربق الاسود، ١٢٩، ١٥٣، خبازي الهندي، ١٢٩ خبازی حَمْقاء، ۱۲۹ 709 خربق أبيض، ١٣٠ خبازی شقایقی، ۱۲۹ خُريَوَسته، ۲۹۲ خبازی قُرطی، ۱۲۹ خرجکوک (زابلستان)، ۳۸ خبز الغراب، ۵۷ خبزالغراب، ۵۸ خودل، ۱۳۰ خبز الغراب(اندلس)، ۹۰ خردل، ۱۵۳، ۱۸۹ خردلا، ۱۳۰ خُبْزالْقُرود، ٧٥ خردل الابيض، ١١٥ خبز القرود، ۱۳۰ خردل البر، ١٣٠ خبز الكلب، ۲۶۷ خردل الفارسي، ١١٥ خبز المشايخ، ١٣٠ خردل بابلی، ۱۳۱ خيز رومي، ١٣٠ خُبُّه، ۱۲۹ خردل بری، ۱۰۲، ۱۱۴، 788 1111 118 خُبَيِّزة صغيرة، ١٣٠ خيه، ۱۲۴ خردل سفید، ۱۲۵، ۱۳۱ خردل فارسی، ۱۳۱ خِتْرف، ۱۳۰ خردل فارسی (دمشق)، ۱۳۰ خَتْرَق، ۵۵ خرز الملوك، ۲۱۴ ختم الملک، ۱۶۷ خِرْزِع، ۱۶۳ ختمی بری، ۲۱۱ خَوْزَل، ۱۳۱ خداع الرجال، ۸۸ خِذْراف، ۹۹ خرزون، ۱۴۵

خامادَرْيون، ۷۷، ۲۶۰ خامادفنی، ۱۴۵، ۱۵۹ خاماذافني، ۱۴۹ خاماذفني، ۱۴۹ خاماسوقی، ۱۲۷ خامافیطس، ۲۶۱ خامافيطُس، ۲۶۱ خاماقسیس، ۱۲۸ خامالا، ۲۷۵ خامالاً، ۲۷۵ خامالان اونمالس، ۵۱ خامالانس، ۵۷ خامالان لوفش، ۵۱ خامالان مالس، ۴۷ خامالان مالش، ٥١ خامالان ماليس، ٥١ خامالاون، ۴۶، ۱۲۸ خامالاون ابيض، ٢٧٥ خامالاون الأسود، ١٢٨ خامالاؤن لُوقُس، ٥١ خامالاون مالس، ۴۶، ۵۱، خامالاء، ۱۲۸، ۲۷۵ خامالوقى، ١٢٨ خامالُوقي، ۲۱۸ خاماليون، ۴۷، ۱۲۸ خامامیلن، ۱۲۸ خامانيطس، ۲۶۱ خامانیل، ۷۰ خامشه، ۱۲۸ خامشة، ١٢٨ خاملاؤن مالس، ٢٢٥ خامون، ۲۶۲ خانق الذئب، ١٢٨ خانق الذباب، ٥٥ خانق الكرسنه، ۶۸، ۲۰۱ خانق الكلاب، ٩٣، ١٢٨ خانق الكلب، ٢٢، ١٢٨،

771

حياثوا، ۲۶۴ حيى العالم، ٣٤، ٣٧، ٤٣، ٥٤ 93, 791, 7.7, 777, 177 حيربول (اندلس)، ۵۸ حیصل، ۷۲ حي عالم، ١٤١ حیلت، ۲۵۳ حيوا، ١٧٢ حَيِّهَل، ١٢٣

## حرف «خ»

خابور، ۱۳۸ خاربُن، ۲۱۷ خار خسک، ۱۱۸، ۲۳۶ خارسوهک، ۱۱۸ خارشتر، ۱۱۰ خارقیاس، ۳۰۰ خاروه، ۲۹۸ خاس، ۱۳۳ خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲ خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳، خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹ خالادل، ۵۱ خالاون، ۱۳۹ خالاون مالس، ٥١ خالدونيون، ۲۰۸ خالیدونیون، ۱۲۷، ۲۰۸ خاليدونيون ذو الخطافي، 177 خاليدونيون طوماغا، ٢٠٨، 475, 700 خاليدونيون طومقُون، ٢٠٨ خاليدونيون طومِڤرون، ۲۷۶ خاماأقطى، ١٣٨، ١٥٧

خاما أقطى، ١٣٨

خامادریوس، ۸۶ ۸۷ ۲۶۰

خشخاش، ۷۰، ۱۳۴، ۱۵۸، خِريع، ۴۲ خرنوب الخنزير، ١٣٢ جرزهرج، ۱۴۵ خریع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰ خرنوب الخنزير (مصر)، ۶۳ **۸۸1, ۵۷۲, ۵۸۲, ۸۸7** خرزهره، ۱۴۵ خشخاش احمر، ۱۳۴ خریع، ۱۳۳ خرنوب الشوك (شام)، ١٣٢ خرزهره (کرمان)، ۱۲۶ خشخاش اسود، ۱۳۴ خَرْنوب الكَلْب، ٤٢ خريعا، ۲۳۶ خَرَزَة، ١٣١ خشخاش البرى، ١٣٤ خُرْء الحَمام، ١٣٠ خرنوب المعزى، ١٣٢ خرس گيا، ۲۶۴ خشخاش الزُّبدي، ١٠٠ خرؤالحمام (رقه)، ١٠٧ خرنوب المعزى (شام)، خرس گیاه، ۱۴۸ خَزامی، ۱۳۳ خشخاش الساحلي، ١٣٤ خرسيطس، ١٠٢ خشخاش المُقَرِّن، ١٣٤ نُحزامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸ خَرْطال، ٩١ خرنوب شامی، ۱۳۲ خشخاش المقَرُّن، ۲۷۶ خرنوب مصری، ۱۳۲ خرطال، ۱۲۶ خزران، ۱۴۰ خشخاش اليهودي، ١٣٤ خَزَم، ۱۳۳ خرطال، ۱۳۱ خرنوب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱ خشخاش أبيض، ١٣٢ خَسْ، ۱۳۳ خرنوبنبطی، ۳۰۱ خرطال(فاس)، ۲۳۷ خشخاش أسود، ۱۳۴ خَسّ، ۱۳۳ خرنوب هندی، ۱۴۰ خرطال(مصر)، ۱۲۷ خَس، ۲۸۰ خشخاش بحری، ۱۳۵ خرو، ۱۲۹ خرطان، ۸۸ خشخاش بری، ۱۳۴ خس، ۲۹۷ خرو الحمام، ١٣٠ خرغول، ۷۸ خشخاش بستانی، ۱۳۴ خسا، ۱۰۲ خرو الضفادع، ۲۰۰ خُرْفع، ۱۳۱ خشخاش زَبدی، ۱۳۵ خس الارنب، ١٣٣ خروب، ۱۳۲ خرفق، ۱۳۱ خشخاش زبدی، ۱۳۵ خس الاسود، ١٣٣ خروب، ۱۳۲ خرفه، ۸۳ خَشْخاش سائل، ۱۳۴ خس الحمار، ٣٨، ٩٤، ١٣٤ خَرْفی، ۱۰۴ خروب الخنزير، ١٩۶، ٢٧١ خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸ خشّ الحِمار، ٣٨ خَرُوبِ السُّنط، ١٩١ خِرَق، ۲۸۰ خشخاش سیاه، ۱۳۴ خسّ الحمار، ٢٣ خروب السودان، ۱۳۲ خَرْقطان، ۱۳۱ خشخاش شاخ دار، ۱۳۴ خَسِّ الحمار، ۶۸ خروب الشامي، ١٣٢ خرقع، ۱۷۳ خشخاش مُقَرَّن، ۱۳۵ خسّ الحمار، ١٣٣، ٢٩۶ خروب الشوك، ١٣٢ خرک، ۱۷۳ خشخاش منثور، ۱۳۵ خس الحمار (فاس)، ١٣٣ خروب العريض، ٣٠١ خرک(شیرازی)، ۹۴ خشقاقل، ۱۸۸ خس الفدان، ١٣٣ خروب النبطى، ١٠٩ خرکوش، ۱۳۱ خَشل، ۲۸۳ خروب النبطى، ٣٠١ خس الكلب، ١۴٩ خرگوشک، ۲۶۹ خشل، ۲۸۳ خس بری، ۱۳۳ خروب الهندي، ١٤٠ خول، ۲۰۹ خمصى الشعلب، ٨٠ ٨٩ خروب الهندى، ١۴٠ خسُ بستانی، ۱۳۳ خُوزَّم، ۴۸ خسران، ۷۹ خرّم، ۵۴ 107,140 خروس لوچ، ۱۱۸ خصم الثعلب، ١٣٥ خُرُّم، ۱۳۱ خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲ خروسوقولی، ۷۰ خُصى النَّعْلَب، ١٣٥ خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲، خسف، ۱۰۶ خرم، 189 خُصَى الثعلب، ٢٠٣ خرما، ۹۴، ۲۳۸ خسق، ۲۱۰ 101 خُصى الثعلب، ٢٠٣ خسک دانه، ۲۳۶ خروسوموغالي، ١٣٣ خرمازق، ۲۰۲ خصى الثعلب، ۲۴۶ خِروع، ۱۳۳، ۲۰۳ خسكدانه، ۲۶۶ خرما هیرون، ۹۵ خصى الديك، ١٣٥ خستی، ۳۰۰ خِروع الاسود، ۲۸۷ خرمای سنگ اشکن، ۹۵ خصى السمور، ١٣۶ خروع الضفادع، ٢٠٠ خشب الحيه، ٢٩٧ خرمدانق، ۲۵۵ خشب الصيني، ١٠۶ خصى القط، ١٣٥ خروع صینی، ۱۴۷ خَرنوب، ۱۳۲ خُصى الكلب، ٨٠ خُشَبْرُم، ۲۸۰ خروک، ۸۱ خُرْنوب، ۱۳۲ خروهک، ۷۹ خصى الكلب، ١٣٥ خشب سومر، ۱۸۱ خرنوب، ۱۳۲، ۲۴۱

خوم، ۱۴۰	خنج، ۱۳۱	خُلُجان، ۱۳۷	خصى الهِرّ، ١٥٠
خومان، ۲۰۲	خنجر، ۱۱۴	خلجلا، ۲۵۷	خصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶
خومر، ۹۵	خنجک، ۱۱۱	خُلجی، ۱۳۷	خُصى ھرمس، ١٢١
خوم (سغدی)، ۲۹۹	خنجک (خراسان)، ۸۱	خلدانيون، ۲۰۸	خَضِر، ۱۶۴، ۱۹۴
خومه، ۹۹	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خلّر، ۱۰۴	خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳
خونسیاوشان، ۱۴۶	خَنْدروس، ۱۲۶، ۱۳۹، ۲۰۱	خُلُر، ۱۳۷	خُضيراء، ۱۵۹
خون سیاوشان، ۱۴۶	خَنْدَروس، ۱۳۹	خُلُر (قزوین)، ۱۰۴	خُضَيراء، ٢٧٥
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	خندروش، ۱۳۹	خَلَص، ۱۳۷	خطًار، ۲۵۱
خويصه مصغر (اندلس)،	خندریل، ۲۹۷	خلنج، ۱۱۰	خطَّافی، ۱۲۷
777	خــــندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲،	خَلَنْج، ۱۳۷	خطای(شیرازی)، ۱۴۰
خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	٨٠٢، ٠٠٠	خَلوانی، ۷۲	خِطْر، ۱۲۵، ۲۹۲
خیار بادرنگ (خراسان)،	خَنْدَريلی، ۲۹۸	خَلْوانی (اندلس)، ۲۴۶	خَطْر، ۱۳۶
744	خندوس، ۱۳۹	خلوق، ۱۶۳	خِطر، ۲۵۱
خیار باذرنگ، ۲۳۴	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	خَلوق، ۱۶۳	خِطَرة، ۱۳۶
خـیارباذرنگ (خـراسـان)،	خنیس (گیلان)، ۱۲۰	خلوقة، ۲۶۱	خطری دُغیا، ۲۱۰
744	خوبکلان، ۱۲۹	خُلَّة، ١٣٧	خطمی، ۱۲۹، ۱۳۶، ۲۱۶
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	خَوخ، ۱۳۹	خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳	خِطْمی، ۱۳۶
خيارتلخ، ۱۲۶	خَـوْخ المساء، ١١٥، ١٣٩،	خمادريوس، ۲۶۰	خطمي الازغب، ١٢٩
خیار چنبر، ۱۴۰	777	. خمادفنی، ۲۷۵	خطمي الرومي، ١٢٩
خيارخر، ٢٣٣	خوخ المروج، ۲۴۳	خمالاؤن، ۲۷۵	خطمي المروج، ١٢٩
خيار (خراسان)، ۲۳۳	خوخ قليق استه، ٢٣٢	خَمامِیلُن، ۶۴	خطمی النهری، ۱۲۹
خیار خوراکی، ۲۳۴	خوردپیلان، ۱۸۰	خمان الأرض، ١٣٨	خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷
خیار دراز، ۲۳۳	خورزهرج، ۱۴۵	خمان الصغير، ١٣٨	خطمی کوچک (شیراز)،
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴،	خوز، ۶۷	خمان الكبير، ١٣٨	P71, 7A7
۵۸۲	خَوشان، ۱۲۳، ۱۳۹	خَمان (نبطی)، ۱۳۸	خطمية البيضاء، ١٢٩
خیار درزده، ۲۳۳	خوش سايه، ۱۴۴	خمايملن، ٧٠	خُفْت، ۱۶۷
خیار دشتی، ۱۲۶	خوشک، ۷۳	خِمْخِم، ۶۳	خفجروميثا، ۲۳۷
خیارزره سفید، ۲۳۳	خوشک امحری، ۹۳	خمخم، ۱۳۸	خىفرج (بىلخ و زابىلستان)،
خيارزه، ۲۳۳	خوشه ارزن، ۱۹۰	خَمَر، ۲۰۲	۸۳
خيارزه اسپند، ۲۲۳	خوص (مصر)، ۷۵	خمریمرجا، ۲۴۹	خلاف، ۵۴ ۱۷۱
خیارزه کوچک، ۱۹۸	خوص (مغرب)، ۲۰۸	خمساطرفی، ۴۱	خِلاف، ۱۳۶
خیار شنبر، ۱۴۰	خوصه (اندلس)، ۲۷۲	خمضیض، ۱۲۲	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹
خیار صنبر، ۱۴۰	خوفان، ۲۰۲	خَمْط، ۵۵ ۱۴۵	خلاف (شام)، ۱۳۶
خيار طلخ، ۱۲۶	خولاذوليون، ١٣٣	خمل، ۱۷۹	خلال، ۲۸۲
خيار (عراق)، ۲۳۴	خولان، ۱۲۰	خستثی، ۳۷، ۵۱ ۵۰ ۸۶	خلال ماموني، ۴۳
خمیارک بسی بسر (بسلخ و	خَولَع، ۱۲۶	١٣٨	خلبانی، ۷۲، ۲۴۶
طبرستان)، ۲۸۶	خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	خُنثی، ۱۳۸	خلبه (گیلان)، ۱۲۱
خياط، ١٢٥	خولنجان، ۱۰۶، ۱۳۹	خنثى الصخريه، ١٣٨	خلجا، ۲۵۷

دُخُن، ۱۴۳	دارهَلْد، ۱۴۲	داذی، ۱۴۱	خير بوا، ۲۹۶
دُخن البري، ١١٩	داری، ۱۳۰	داذی الرومی، ۲۹۸	خيرخير، ۱۷۱
دخن العصافير، ١٤٣	داغ سوغائی، ۸۵	داذی رومی، ۱۴۱	خير مِنْ أَلْف، ١٧٩
دخن النمل <i>ي</i> ، ۱۴۳	دافّع الغم، ١١٣	داذی کوهی، ۲۹۸	خير من ألف درهم، ١٧٩
دخن بری، ۱۰۰	دافنطس (اسكندريه)، ۱۷۴	دارارون، ۴۴	خيرو، ۱۲۹
دخنخ(بخارا)، ۸۴	دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دارافرسام، ۸۶	خیروج، ۱۲۹، ۱۳۶
دُخنه، ۴۴	داک، ۲۱۴	دار المرز، ۶۵	خــیری، ۱۲۹، ۱۴۰، ۲۸۵،
دُخنةمريم، ٧۴	داکهه جهاز، ۲۵۵	داربرنیا، ۸۴	797
در، ۲۱۳	دالان بزرگ، ۱۵۲	دارچوبه، ۱۴۲	خیری ازرق، ۱۶۸
درابی، ۱۱۵، ۱۱۶	دانج ابروج، ۱۴۲	دارچینی، ۱۴۱	خیری اصفر، ۱۶۸
دراجن، ۱۳۹	دانک، ۱۴۲	دارشاه، ۵۹	خيري الاحمر، ٧٩
دراز (شیرازی)، ۱۱۷	دانک افرونک، ۱۴۲	دار شیرین، ۱۸۰	خيري الاصفر، ١۴٠
دراشتا، ۲۶۱	دانه، ۲۰۶	دارشــــیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱،	خيري البر، ١٣٣
درافس، ۱۳۹	دانه سجستان، ۱۶۷	۱۷۱، ۱۷۸	خیری البرّ، ۱۴۰
درافیون، ۲۷۳	داونه مروا، ۲۰۶	دارصینی، ۱۴۱، ۲۳۸	خيري الماء، ۱۴۰,۲۷۲
دراققنطی، ۲۵۱	داء الحيه، ۱۰۶	دار صيني الدون، ۱۴۱	خیری (بغداد و موصل)،
دُراقِن، ۱۳۹	دب، ۲۹۱	دارصینی حبشی، ۱۴۱	711
دراقن(شام)، ۱۳۹	دُبًا، ۱۴۲	دارصینی زور، ۱۴۱	خیری جبلی، ۱۲۳، ۲۶۸
دْراقْنْطيون، ٢٣١	دبا، ۲۳۷	دارفلفل، ۴۶، ۱۴۲، ۲۲۷	خیری سیاه، ۱۴۰
دراقنطيون، ۲۷۳	دباب، ۱۸۲	دارقفوطون، ۱۴۲	خِيزران، ۱۴۰
دراقُنْطيون، ۲۷۳	دبساقوس، ۱۴۸	داركسنة (عراق)، ۲۴۹	خَيزران البلدى (اندلس)،
دراقنوسقردیون، ۸۰ ۹۸	دِبساقوس، ۱۴۹	دار کیسه، ۱۹۹	45
دراقونطيون، ٢٧٣	دبق، ۵۱، ۵۸ ۱۶۷	دارکیسه (شام)، ۱۰۷	خيزران بلدى، ١۴٠
دراقیطن، ۲۷۳	دِبْق، ۱۴۲	دارکیسة، ۱۴۲	خيزُو (مراكش)، ١٠٣
دراقیطون، ۲۳۰، ۲۷۳	دبقست، ۱۴۲	دارکیسة (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	خَيسَفوج، ۲۴۲
دراقیل، ۱۴۳	دِبقی، ۵۱	دارِم، ۱۴۲	خينوس، ۱۹۳
دراقین <i>ی</i> ، ۱۳۹	دبندار، ۱۴۹	دارم، ۱۵۷	خيوخير، ١٧١
درامج، ۱۴۳	دبوقا، ۱۴۳	دارما، ۲۸۰	خيوز (سوائم)، ٢٠١
درامک، ۲۸۰	دبوكي (بلخ)، ۲۸۴	دارمازو، ۸۶	
درانیج، ۱۴۳	دبی، ۹۶	دارمازی (طبرستان)، ۸۶	حرف «د»
دربرق، ۲۱۴	دِبیداریا (نبطی)، ۱۴۳	دارمک، ۱۴۲	
دربیقا، ۷۱	دبیراز، ۱۴۳	دارمون، ۱۵۷	دائم العطش، ۱۴۸
درجکان، ۱۳۹	دتبلیغ، ۱۷۹	دارمیران، ۱۴۲	داح، ۱۴۳
درحسخک، ۱۹۸	دُجْر، ۲۷۱	دارواش (دیـلم و تـنکابن)،	داد الأبيض (اندلس)، ٥١
دُرْحولة، ۱۴۴	دجر، ۲۷۱	710	داد الأسود، ۵۱
درخت أثل، ۱۸۲	دحداح، ۱۴۳	داروان (تنکابن)، ۳۵	داد الوحيد (آفريقا)، ٥١
درخت پشه، ۱۴۴	دخسیسا، ۱۴۳	دارورهرام، ۱۸۰	دادی، ۲۰۴
درخت دبق، ۵۱	دخن، ۱۰۰	دارون، ۱۴۴	داذاروان، ۴۴

دمیثا، ۹۷	دفلي الخضراء، ١۴۵	دروقینون، ۱۴۲، ۱۴۷	درخت دردار، ۱۷۸
دنبیدارو (شیرازی)، ۴۹		دروقینوون، ۱۴۴	درخت دلیک، ۲۹۴
دند، ۱۴۷، ۲۷۶	دفیقه، ۱۰۳	دروکی ک <sup>ن</sup> کر، ۱۱۴	درخت زکریا، ۱۶۹
دندان جانان(سجزی)، ۲۹۳	دفيون، ۲۲۳	دُرُونَج، ۱۴۴	درخت زهرناک، ۲۰۹
دندان ساوکف، ۸۳	دِق، ۱۴۳	درونک، ۱۴۴	درخت سال، ۲۰۲
دندان گرگ، ۵۰ ۸۴	دِقان، ۱۳۶	درویطارس، ۵۲	درخت سیستان، ۱۴۲
دند هندی، ۲۷۶	دقتا، ۲۶۴	درهن، ۱۸۴	درخت شانه، ۲۶۳
دنقه، ۱۴۷	دُقْتُرانْثَش، ۱۴۵	دَرْیاس، ۱۴۵	درخت عرعر، ۱۷۰
دنقة، ۱۶۴	دقتوریه، ۹۹	دریاس(فاس)، ۶۵	درخت عود، ۲۹۶
دَنَقة، ۱۹۴	دَقْسَیْطُس، ۹۵	دریاس(مغرب)، ۹۷	درخت غایش، ۲۱۵
دوئی، ۲۴۲	دقطابانون، ۲۸۱	دُرْیان، ۱۴۵	درخت فلفل، ۱۴۲
دوادم، ۱۴۷	دقطامیون، ۲۸۱	دریقنون، ۲۴۹	درخت کدز، ۴۵
دواغریا، ۱۴۷	دقطمنن، ۲۸۱	درینه (تبریز)، ۹۶	درخت کلنورا، ۱۹۸
دوالک، ۵۲	دِقْطَمْنُن، ۲۸۱	دريولطاس، ٢۶٣	درخت کوت، ۲۶۲
دواله، ۵۲	دقليوس، ۶۷	دستنبو، ۱۴۴	درخت مسواک، ۴۳
دوالی، ۵۲	دقنادعزی، ۲۶۷	دستنبویه، ۱۴۴	درخت هــلیله (شــهرری)،
دوام (انطاکیه)، ۸۶	دلاشوب (شیرازی)، ۴۱	دستنبوية، ۱۴۵	٣۵
دَوايااَغْريا، ۱۴۷، ۱۴۸	دُلّاع، ۸۱	دسقس، ۱۳۳	دَرْداب، ۱۴۴
دواء الجنون، ۵۵	دلاع، ۸۲	دَسِّم الشجر المُرِّ، ٢٨٤	دَرْدار، ۱۴۴
دواء الحيّه، ۱۰۶	دلاع البرى، ۱۲۶	دسم الصوف الوَذِح، 180	دردار، ۲۶۹، ۲۹۰
دواء الخَطاطيف، ٢٠٨، ٢٧٤	دلال، ۱۸۰	دسنطو، ۸۵	دردریة(بکر)، ۲۷۸
دوېژ (مصر)، ۲۷۳	دُلْب، ۱۴۵	دسیسه (مصر)، ۵۶	درٌس، ۸۶
دود الصخر، ۷۹	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	دشینه، ۱۹۷	درغل، ۲۰۴
دَوْدر، ۱۴۵	دِلْبُوث، ۴۵	دُعاع، ۱۴۵	- در <i>ق،</i> ۱۲۵
دودزلوس، ۲۳۰	دَلْبُوث، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۵۷	دُغْبُوب، ۱۴۵	درقنطيون، ۱۴۶
دودسطاروس، ۱۴۴	دلبوس، ۱۴۶	دُعْتا، ٨١	درقیانا، ۳۰۰
دُوَدِم، ۱۴۷	دلدغ، ۱۴۶	دعتادشغاری، ۸۱	درمامة، ۱۴۴
دودهالی، ۱۸۸	دُلْم(فاس)، ۱۴۵	دعثادقرطی، ۸۲	درماء، ۱۴۴
دَوراوَ، ۱۱۷	دلوباخوسطس، ۲۳۰	دعثاقورينثا، ١٢١	درمنه، ۵۵ ۱۹۳
دوراو، ۱۱۷	دَلیک، ۱۴۶	دعثالغنا، ۱۱۴	درمنه اسپیذ، ۹۷
دورْحُولِی، ۱۴۶	دَمادم، ۱۴۷	دعقیلا، ۱۱۸	درمنه ترکی، ۱۹۳
دورحولی، ۱۸۱، ۲۵۷	دماسّونیون، ۲۸۱	دُعْلُول، ۱۴۵	درنک، ۳۸، ۲۸۰
	دَمُ الاخـــوين، ٥٩، ١۴۶،	دفقوس، ۱۰۳	دَرْوازَذْ، ۱۹۸
دورقنی، ۱۴۷	<i>۱۹۷۰, ۱۹۱۰</i> ۵۱۲	دفقین، ۱۰۳	دَروبَطارِس، ۱۴۴
دورقنیطون، ۲۳۰	دم الأمير، ۱۴۷	دفقینی، ۱۰۳	دْرُوبْطارَس، ۱۴۴
دُوسر، ۱۴۷	دم الغزال، ۱۴۷	دفلی، ۳۷	دَروفينوس، ۱۴۴
دَوْسَر، ۱۹۴	دَمْدام، ۱۴۷	دِفْلی، ۱۴۵	دروقنی، ۲۴۹
دوسر، ۲۰۱	دمسقینی، ۴۱	دفلی البیضاء، ۱۴۵	دُرُوڤنيون، ۱۴۴

دوشر، ۱۴۷	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذاقِنِيويداس، ١۴٩	ذنب الحِدأَة (اندلس)، ٢٣١
دوقُس، ۱۱۸	دیس (اندلس)، ۵۰، ۱۷۵	ذُبَح، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵	ذَنّب الخَروف، ١٥١
دُوقُس، ۱۴۸	دیسندس، ۲۳۷	ذُبَحَة، ٤٣	ذنب الخيل، ۵۰، ۶۲٪ ۲۶۷
دوقس، ۲۹۲	دیشار، ۲۸۱	ذراعه (مصر)، ۲۳۶	ذَنَب الخَيْل، ٥٠
دوقس (شام)، ۱۱۸	ديقطمينون، ٢٨١	ذربون، ۱۸۸	ذَنَب الخَيل، ١٥١
دوقص، ۸۰	ديقورس، ٢٣٥	ذرت، ۱۰۰	ذنب السّبُع، ١٥١
دوقــــو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸،	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذرعا، ۲۶۱	ذنب العقرب، ١٥١، ٢٠۴
۸۸۱, ۸۲۲, ۶۵۲	دیک الاعور، ۱۱۸	ذرفی، ۱۵۰	ذَنَب العقرب، ١٥٢
دُوقو، ۱۴۸	دیک (اندلس)، ۱۴۴	ذرق، ۱۲۵، ۱۵۰	ذنب الفار، ۲۶۹
دوقو اغریا، ۱۴۸	دیک أُعْوَر، ۱۱۸	ذُرَق، ۲۹۱	ذَنَب الفار (اندلس)، ۲۶۹
دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	دیله، ۱۲۲	ذَرْق الحَمام، ١٥٠	ذنب الفاره، ۲۶۹
دوقو الرومى، ١٠٣	دینار، ۲۵۸	ذَرْق الطير، ٨٧	ذنب الفرس(شام)، ۱۵۱
دوقو القرادى، ١٠٣	دینارو، ۱۱۷	ذَرْق الطّبير، ١٥٠	ذنب القط(اندلس)، ۱۵۱
دوقو القُرادي، ١٠٣	دینارویه، ۱۱۷، ۱۴۸	ذرقونن، ۱۳۹	ذنب اللبوءة، ١٥١
دوقو املس، ۱۴۸	دِینِساقوس، ۱۴۸	ذروفینون، ۱۵۰	ذنب اللُّوءة، ١٥١
دوقو بری، ۱۴۸	ديواسپست، ١٢٥	ذره، ۱۰۰	ذنب النمر، ٧٥
دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴	دیو اسپست صحرائی، ۱۲۵	ذُره، ۲۰۳	ذنب الهِرَ، ٨٧
دوم (مغرب)، ۲۰۸	دیـــودار، ۳۹، ۱۴۹، ۲۰۹،	ذُرَه، ۲۶۳	ذنبان، ۱۵۱
دومه، ۲۸۳	٣.,	ذرّه مکه، ۱۳۹	ذُنَيباء، ۱۵۱
دویتکانی، ۱۱۰	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴	ذُرَة، ۱۴۹	ذوات الجُمم، ۲۰۴
دویره، ۲۷۳	دیودر، ۱۴۹	ذُرَيْرَة الشُّخم (مصر)، ٢٧٣	ذوات مُجمم، ۲۵۶
دّهار (سند)، ۴۷	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰'	ذريرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ألف ورقة، ١٥١، ١٧١
دهاک، ۸۵	ديوسبست، ١٢٥	ذریزه، ۱۵۰	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲
دهاهاهیج، ۱۴۸	ديوفونيطس، ٢٧٣	ذفارا، ۱۰۰	ذو ثلاث حبات، ۱۶۲
دهتوره، ۱۰۹	دیو مشنگ، ۱۵۶	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاث شوكات، ۱۵۲
دهکلو (شیراز)، ۲۶۰		ذفكر، ۲۲۶	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
دهماسا، ۱۴۸	حرف <sub>«</sub> ذ»	ذِفلی، ۱۴۵	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
دَهْمَست، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸		ذُكار، ۹۶	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲
دهمشت، ۲۱۸	ذات الريش، ۱۴۹	ذكر الارض، ٩٢	ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸
دهنون دوذی، ۲۵۰	ذات ثلاث حبّات، ۱۶۲	ذَكَر الديك، ١٥٠	ذو ثلاثة عناقيد، ٢٠٣
دهنیه، ۲۵۷	ذافِنی، ۱۴۹	ذكر الرئيس، ١٣٥، ١٥٠	ذو خمسه أجنحه، ۸۹
دهونه، ۲۴۷	ذافنی، ۲۱۸	ذكر الكلب، ١٥٠	ذوخمسة اجنحه، ۴۱، ۸۸
دیاکلمن، ۱۴۱	ذافني الأسكندري، ١۴٩	ذَكَر الهرّ، ٨٠	101
دیامنطیس، ۲۶۴	ذافنیدس، ۱۴۹	ذَكَر الهر، ٢٠١	ذو خـــمسة اصــابع، ١٥٢،
دِياميرون، ٩٥	ذاقنويداس، ۱۴۹	ذكور البقل، ۱۴۴	74.
ديبساقوس، ١٣٣، ١٤٨	ذاقنی، ۱۴۹، ۲۱۸	ذَنَب الأيّل، ٢٨٧	ذو خمسة اقسام، ۸۸٪ ۱۵۲
ديبناقوس، ۱۴۸	ذاقِنِي الاسكندري، ١۴٩	ذنب الثعلب، ١٨١	ذو خـمسة اوراق، ۴۱، ۸۸
ديدروناسايا، ٢٥٥	ذاقني الاسكندري، ١۴٩	ذَنَب الجمَل، ١٢۶	761, 177

رته (نبطی)، ۸۸	رانج وبر (فارس)، ۱۱۱	راحة الكفّ، ٢٥٩	ذو خمسة أجنحة، ١٥٢
رتیانج، ۱۹۷	رانداروی تلخ، ۲۶۰	راحة الكلب، ١٥٢	ُذُو خمسةُ أصابع، ٤١، ٨٨
رثیث، ۵۰	راون، ۱۵۴	راحة الكَلْب، ۲۵۴	101
رجبه، ۱۵۵	راوند، ۱۵۴	رازق <i>ی</i> ، ۱۵۲	ذو خمسة أقسام، ۱۵۲
رجل الارنب، ٢۶٥	راوند الجبلي، ۲۵۰	رازقتی، ۱۸۱	ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹
رجل الأرنب، ٢۶۵	راوند الفارسي، ۱۲۲، ۱۵۹	رازیانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸	ذو شُوَيْكة، ۱۵۲
رجل البازی، ۱۵۵	راوند شامی، ۱۵۴	رازيانج البستاني، ۱۵۳	ذو مائة رأس، ۱۵۲
رِجْل البازى، ۲۴۸	رای، ۱۳۰	رازیانج الروم <i>ی</i> ، ۶۷	ذهبی، ۳۴
رجل الجراد، ١٥٥، ١٤١	رایبیل، ۱۵۴	رازیانج الشامی، ۶۷	ذهبیه، ۱۵۳
رجل الحدأة، ١٥٥	رای مُنْت، ۷۵	رازيانج القرود، ۱۴۸، ۱۵۳	ذهبیة، ۱۵۲
رجل الحرشاء، ١٥٥	رایٰ مُنّت، ۱۶۰	رازیانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳	ذي الورقة الواحدة، ٢٧٣
رِجل الحمام (اندلس)، ١٢٥	راء، ۱۵۲	رازیانج حبشی، ۱۵۳	ذيره، ۱۲۳
رجل الحمامه، ٣٨، ١١٩،	راءاً، ۱۵۲	رازیانج رومی، ۱۵۳	ذُوْنونِ، ۱۵۲، ۲۰۱
170	راءا، ۵۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۹،	رازیانج شامی، ۱۵۳	
رِجْل الحَمامَه، ٣٨، ٢٣، ٢٥٢	754	رازیانج فارس <i>ی</i> ، ۱۵۲	حرف <sub>«</sub> ر»
رِجُل الْحَمامَة (اندلس)، ٥٨	رأس الأَفْعي، ٤٢	رازیانج (مغرب و انـدلس)،	
19.	رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳	٧٨	رئيس الجَبَل، ١١٩
رجل الدجاجة، ١٥٥	رأس الزرزور، ۱۵۳	رازیانق، ۷۸	رئيس الجبل، ١٢٠، ١٤٠
رجل الدجاجة (آفريقا)، ٧٠	رأس الشيخ، ۵۸، ۱۵۳	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳	راًاء، ۱۵۴
رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵	رأس العِجل الكبير، ٤٧	رازیانه بری، ۱۵۳	رائحة الأثرُج، ٧١
رجل الزرزور، ۱۵۵	رأس العصفور، ١٥٣	رازیانه رومی، ۶۷	رائحة البستان، ٢٨٠
رجل الطير، ٣۶	رأس القنفذ، ۱۵۳	رازیانه شامی، ۶۷	رائی، ۱۳۰
رجل العقاب، ١٥٥	رأس الهدهد (اسكندريه)،	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱	رابانس أزغْريا، ۵۷
رجل العقعق، ١٥٥	777	راس الذهب، ۱۳۰	رابج، ۱۱۲
رجـل الغـراب، ۳۶، ۱۴۸،	رب القَرَظ، ۱۳۲	راسن، ۱۵۹، ۲۵۲	رابستیاج، ۱۹۳
001, 791, 907	رَبْرِق، ۲۴۹	راسن (اندلس)، ۱۰۶	رابوقه، ۸۲
رِجْل الغُراب، ١٥٥	ربرق (يمن)، ۱۵۴	راسَن (اندلس)، ۱۵۳	راتیانج، ۱۹۶
رجــل الفــروج، ۵۲، ۱۲۳،	رَبْل، ۱۵۴	راطینا، ۱۹۷	راتيانَج، ١٩٧
747	ربل (مصر)، ۵۶	رافانوس، ۲۲۴	راتینا، ۱۹۷
رِجل الفَرّوج، ۱۱۶	ربَنالُه، ۲۷۴	رافعه، ۱۳۰	راتیناج، ۱۵۲
رجل الفروج (اندلس)، ۱۵۵	ربوذی، ۸۴	رافعة، ۱۵۴	راتینج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴
رجل الفلُوس، ١٥٥	رتک (شیرازی)، ۲۸۱	راقوته (شیراز)، ۲۹۰	راتینَج، ۱۹۷
رجل القلوس، ١٥٥	رَتَم، ۱۵۱، ۱۵۴	رال، ۱۷۸، ۲۴۷	راجپونکه، ۲۴۹
رجل صالح، ۲۸۰	رَتُم الخنزير، ١٥٤	رام تلسی، ۲۲۵	راجکیری، ۲۱۰
رجله، ۲۸ ۸۳ ۸۴	رَتم الطباء، ۱۵۴	رامک، ۱۵۴	راح، ۷۹
رجلة الشتاء و الصيف ١٠٨	رتنجوت، ۴۰	رامنیس ۲۱۷	راحالعرب، ۶۲
رجمول، ۲۵۸	رُتَه، ۲۵، ۵۴	رانج، ۱۰۹	راحة الاسد، ٢٨٣
رجنه، ۱۳۳	رتُه، ۱۵۵	رائج، ۲۸۷	راحة الأسد، ۲۸۶

رمانامصرینا، ۱۰۴	رقعة الصخرية (اندلس)،	رعىالأيُّل، ٤٠	رجينة، ١٩٧
رمسان بسری، ۱۰۴، ۱۱۲،	771	رغى الأبل، ٢٨١	رجينة (اندلس)، ۱۵۲
ላል/،	رقعة الصنوبريه، ١٥٧	رِغْیالأیّل، ۱۵۶	رحبينه، ١٩٧
رمان بستانی، ۱۰۴	رقعة الفارسية (اندلس)، ۸۷	رِغْی الأَیّل، ۱۵۶	رخام <i>ی</i> ، ۱۵۵
رمان حامض، ۱۵۷	رقعة اللَّطينية، ٩٧	رِغَى البَطِّ، ١٤٨	رخون (بغداد)، ۲۶۱
رمان حلو، ۱۵۷	رقعة النهرية، ٢٩١	رعى الحمام، ٥٠ ٧٣، ١٥٤،	رخینه، ۱۵۲
رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸	رقعة (اهل سراة)، ۱۰۸	7.4	ردایف، ۱۱۴
رمث، ۴۴	رقعة برية، ۱۵۷	رِغْي الحَمام، ٤٩	رُدُوَنْتی، ۱۵۵
رِمْث، ۱۵۸	رقعة جبلية، ۱۵۷	رعى الحَمام، ١٥٤	ردین، ۲۶۰
رُمْح صغير، ٢٧١	رقعة خضفية، ١٥٧	رِعى الحمير، ٢٢٥	رُزا، ۴۴
رمرام، ۱۵۸	رقعة سُهلية، ١٥٧	رعى الشواهين، ٢٠۴	رزی (تبریز)، ۸۵
رَمْرام، ۱۵۸	رقعة شعرية، ١٥٧	رعى الضفادع، ۲۵۴	رس، ۲۰۹
رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱	رقعة طلبية، ۱۵۷	رعىالعير، ۴۳	رستنی نودیه، ۲۱۰
رَنْد، ۱۵۹	رقعة ظِلية، ١٥٧	رَعَيْداء، ۱۶۴	رسماریتا، ۲۳۹
رند اسکندرانی، ۱۵۹	رقعة فارسية، ۱۵۷	رُعَيْداء، ۱۹۴	رُسمًارينا، ۸۷
رند (سندی)، ۲۱۸	رقعة قَرَنْفُلبة، ١٥٧	رغبا، ۲۵۸	رسوت، ۱۲۰
رندلی، ۶۷	رقعة لطينية، ١٥٧	رَغَث، ۱۰۴	رسون هندی، ۱۹۹
رنْف، ۱۳۷، ۱۵۹	رقعة مَرجية، ١٥٧	رغل، ۸۳	رسیم (مصر)، ۲۳۶
رنکبار (شیرازی)، ۱۵۲	رقعة نهرية، ۱۵۷	رُغْل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰	رسین (اصفهان)، ۲۳۶
رنگ زعفران، ۴۲	رقوثا، ۲۹۰	رغیدا، ۴۴، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴	رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵
رنگ زعفران (اصفهان)،	رقُون، ۱۲۵	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	رشال الاحمر، ۴۶
71.	رَقون، ۱۲۵	رفانی، ۲۲۳	رشّاله، ۴۶
رنیکا، ۴۱	رقة، ۲۱۸	رفاید، ۱۱۹	رُشالة الابيض، ٢۶۴
رواس، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۸۸	رقيب الشمس، ١٥٧	رفینون، ۲۲۳	رشینه، ۱۵۲
رواش، ۲۵۴	رقًى (بغداد)، ۸۲	رقاع، ۱۵۷	رشینة (اندلس)، ۱۵۲
روبادوج، ۲۴۹	رَكَف (آفريقا)، ٧٥	رُقاع اليَمانِي، ١٥٧	رضایف، ۱۱۴، ۱۵۹
روبارزج، ۲۱۴	رَكُل، ۲۵۲	رقاقس، ۱۵۷	رطا، ۲۴۷
روباه تربک، ۲۱۴	رمّان، ۱۰۴	رِقان، ۱۲۵	رطب القتّ، ۱۵۶
روباه تورک، ۲۱۴	رُمان، ۱۵۷	رقبه، ۲۶۸	رَطَبه، ۱۵۵
رویاه رَزَک، ۲۱۴	رُمَانا، ۱۵۷	رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷	رطبه، ۲۳۷، ۲۹۱
روبیاس، ۱۸۹	رمانادبرا، ۱۰۴	رقعا، ۱۳۸	رطبة، ۹۲، ۲۴۱
روبیان، ۴۴، ۱۵۵	رمّان الأنهار، ۱۵۸	رقع اليماني، ١٠٨	رعاویلا، ۱۵۶
روبیه منور، ۲۳۰	رمان البر، ۱۵۸	رقعاء، ۱۶۹	رَغْث، ۱۵۶، ۱۵۸
روپیه (فرنگی)، ۲۳۰	رمان السُّعال، ۱۵۸	رَقَعَه، ۱۵۷	رعنادملا، ۲۲۸
رودا ایدا، ۱۵۷	رمان السعال، ۲۷۵	رقعة الرومية، ١٥٧	رعیادیلا، ۱۵۶
رودک، ۲۳۰	رمّان السعالي، ٢٨٨	رُقْعَة الصخرى (اندلس)،	رَغْياذْيلا، ۱۵۶
رودیاریزا، ۱۵۹	رمان الهند، ۱۸۹	101	رَغْيُ الابِل، ١٥٤
رودیون، ۱۴۵	رمان الهندى، ١٨٩	رقعة الصخرية، ٢٥٧	رعى الابل، ٥٠، ١٥٤

زراوندگرد، ۱۶۱	ريون، ۱۵۴	ريحان الامرود، ٢٧٩	رُوْذا، ۲۹۴
زراوند مُدَخرَج، ۱۶۱	ریوند، ۱۵۴، ۲۶۲	ريحان التُرنجاني، ٧١	رُوذااَريذا، ۱۵۹
زراوند مدور، ۱۶۱	ریهقان، ۱۶۳	ريحان الثعلب، ١٤٩، ١٥٩	رُوذاأَیْدَا، ۱۵۸
زرجوبک، ۲۰۸	رُؤُوْس أوْ (أبى) أطا أوُبْسا،	ريحان الجنِّ، ١٥٩	روذ دقنی، ۱۴۵
زرجون، ۲۱۴	170	ريحان السليمان، ١۶٠	روذوس، ۱۵۷
زرچوبه، ۲۰۸		ريحان السواقي، ١٥٩	رُوز، ۴۴
زرداَلو، ۱۹۰، ۲۸۲	حرف <sub>«</sub> ز»	ريحان الشياطين، ١٨٣	رَوْزِبارِج، ۲۱۵
زردجویه، ۲۰۸		ريحان الشيوخ، ٢٨٠	رۇز (فاس)، ۴۴
زردچوبه، ۲۷۶	زآا، ۲۱۳	ريحان القبور، ٣۶	روزی، ۴۴
زردک، ۱۰۳	زاآء، ۲۱۳	رَيحان الكافور، ١۶٠	روس، ۴۳، ۲۱۳
زردلان، ۱۶۱	زابر، ۱۶۱	ريحان الماء، ٣٩	روشٰکه، ۵۵
زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰،	زاثا، ۵۲	ريحان المُزد، ١٥٩	روشنک، ۲۲۱
۱۳۲, ۱۷۲, ۸۶۲	زارج، ۳۸، ۶۱	ریحانالملک، ۱۹۸	روشیمینس (شیراز)، ۵۱
زرشگ، ۶۱	زان، ۱۶۰، ۱۶۳	ريحان النعنع (مصر)، ٣٩	روطة (فاس)، ۱۶۷
زرع، ۱۲۶	زُبّادی، ۱۶۰	ريحان اليهود، ١۶٠	روغناز (جرجان)، ۲۳۰
زَرْع، ۱۲۶	زبان گنجشک، ۲۶۹	ريحان (اندلس)، ۳۶	روفس، ۱۱۰
زرع آدم، ۱۱۲	زُبان لباسا، ۸۶	ریحان بری، ۸۳	رومانی دبرقویا، ۲۸۲
زرع بشاشا، ۱۱۶	زُبٌ رَباح، ۱۵۰	ریحان داود، ۳۴	رومیرو رومینیو (رومی)،
زرع بطراسلينون، ۲۲۷	زُبٌ رباح، ۲۰۱	ريحان سليمان، ١٠٥، ١٤٠	۵۹
زرعشامر، ۶۷	زبُ ریاح، ۲۰۱	ريحان قرنفلي، ٢٢٥	رونا، ۲۷۹
زرع شخرونیا، ۸۸	زَيْغَر، ۲۸۰	ریحان کوهی، ۷۱	روناس، ۲۳۰
زرع علی زرع، ۲۵۷	زبُوج، ۲۰۶	ریحان مطلق، ۱۸۴	رونق الملک، ٥٩
زرع کرفساد طورا، ۲۲۷	زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶	ريحانة الروميه، ١١٣	رونک (سجزی)، ۱۷۳
زرق الطير، ١٥٧	زبيب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷	ريحانة الفتى، ١۶٠	رویذون، ۱۵۷
زرقفت، ۱۶۱	زبيب الجبلى، ٢٨٧	ريحانة المرود، ١١٣	رویذین، ۱۵۷
زرقوتبا، ۱۵۳	زبيب الريفي، ٢٨٧	ريحانة الملک، ١١٣، ١٤٠	روی (سجزی)، ۲۰۰
زرقوری، ۱۵۵	زبیب بری، ۱۱۱	ریسم، ۱۲۲	رویَن، ۲۳۰
زِرک، ۶۱	زتنکل (فرنگی)، ۲۵۰	ریسنا، ۱۵۳	
زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱	زجمول، ۲۵۸	ریش سمندر، ۱۲۰	رهلیا، ۶۷
زَرْنَب، ۱۶۱	زحموک، ۲۵۸	ریشه انجدان خراسانی، ۶۵	ریسباس، ۴۰، ۱۵۴، ۱۵۹،
زرنباد، ۱۶۱	زدوار، ۱۰۱	ریشه خیرو، ۲۹۷	٠٣٢، ٢٨٢
زُرُنْباد، ۱۶۱	زر، ۲۵۵	ریشه ریباس، ۱۵۴	ريباس الجبلي، ١٢٢
زرنبوذی، ۸۴	زَراوند، ۱۶۰	ريشه والا، ۱۷۷	ريباس الخراساني، ١٢٢
زرنبوری، ۱۶۲	زراوَنْد، ۱۶۱	ریفی، ۶۱ ۸۱	ريباس الشامي، ١٢٢
زرنک، ۶۱	زراوند الطويل، ۲۳۴	ریمُنْده (اندلس)، ۲۱۹	ريباس الفارسي، ١٢٢
	زراونــد الطــويل(آفــريقا)،	ريواج، ۱۵۹	ریتهه، ۸۸
زرنیلَج، ۱۵۹	۱۸۶	ريواس، ١٥٩	ریــــحان، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹،
زرواش (تنكابن)، ۹۷	زراوند خراسانی، ۱۶۰	ريولة (اندلس)، ۲۲۶	711, 177

			***
زيت المهرجان، ۱۶۶	زنجی، ۱۶۷	زقوم، ۱۹۸	زرَوَانْ زَنْج، ۲۱۵
زيت الهرجان، ۱۶۶	زند (شام)، ۲۱۸	زقوم آخر، ۱۶۳	زره(شیرازی)، ۱۴۹
زیتون، ۵۷ ۱۶۵	زنغباری، ۱۶۴	زلائِف الْملوك، ٢٤٧	زریات، ۱۳۲
زيتون الأرض، ١٢٨، ٢٧٥	زِنْغیباری، ۱۶۴	زلابية، ۱۶۳	زَریر، ۱۶۲
زيتون البحر، ۱۶۶	زنقال، ۹۶	زلايـفالملوک (مغرب)،	زریرا، ۸۲، ۱۶۲
زیتون البری، ۱۶۶	زنکبیل، ۱۶۴	747	زريعة السُّوداء، ١٩٢
زيتون الجبلى، ٢٠۶	زنک فلج، ۱۳۲	زَلَم، ۴۹	زريعة أبليس، ١٨٧
زيتون الحَبَش، ۱۶۶	زنکورج، ۳۰۱	زلم، ۱۶۳	زریقاء، ۱۰۵
زيتون الطحال، ۱۶۶	زنگباری (شیرازی)، ۲۴۴	زمارة الراعي، ٢٨١	زرّین گیاه، ۹۲
زيتون الكَلْبة، ۱۶۶	زنگبیر، ۱۶۴	زِمّ البول، ۱۱۸	زُرَينگياه، ۱۶۲
زيتون الماء، ١۶۵	زوار، ۱۰۱	زمّان شرار، ۷۶	زُزُغْد (انطاليا)، ۲۴۸
زيتون المعز، ۱۶۶	زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱،	زمرد رنگ، ۲۴۵	زُطُ (سجستان)، ۲۰۱
زَيْتُون برى، ۱۶۶	194,184,100	زمین قند، ۱۸۹	زُغرور، ۱۶۲
زیتون صخری، ۱۶۶	زوان گندم، ۱۹۴	زمین (گرگان)، ۳۵	زعــرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۸۲،
زیتون کوهی، ۲۰۶	زوان(مغرب)، ۱۹۴	زنّ، ۱۳۷	791
زیتون هندی، ۱۹۹	زوباترس (تنکابن)، ۳۵	زِنْ، ۱۴۷	زعرور الأدوية، ٥٨.
زيتونيه، ۱۴۴	زُوبَری، ۱۲۶	زنابير، ۹۶	زعرور بستانی، ۱۶۳
زیتونیه (مصر)، ۷۰	زوذوذا، ۱۴۵	زَنْبا، ۱۶۴	زعرور جبلی، ۱۶۲
زیر، ۸۵	زوفا، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۸۱	زِنْباره، ۹۶	زَعفران، ۱۶۳، ۲۵۵
زیر خار(سجزی)، ۲۱۷	زوفارطیبا، ۱۶۵	زَنبق، ۱۵۲	زعفران بری، ۱۶۳
زیرکش، ۶۱	زوفایبشا، ۱۶۵	زَنْبَق، ۱۶۴	زعفران حبشی، ۱۶۳
زیرکی، ۱۱۳	زوفای رطب، ۱۶۵	زَنْبَق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱	زعفران شرکی، ۱۶۳
زیر،، ۲۶۲	زوفای یابس، ۵۲ ۱۶۵	زنبوج، ۱۶۵، ۲۵۱	زعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵
زیره رومی، ۶۷ ۲۵۶	زوفـــرا، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۸،	زُنبورْ،، ۹۶	زُعَيفُراء، ١۶٣
زيره هندو سياه، ۲۶۲	691, 477, 477, 147	زنبوش، ۹۰	زَغْبَج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱
زیزفون، ۲۱۹	زوفراء، ۱۴۸	زنبوع، ۴۰	زَغْبِج، ۲۰۶
زیزفون (دمشق)، ۱۶۶	زوفس، ۱۰۳	زنبوقه، ۱۲۲	زَغْبَر، ۲۸۰
زیزوفی، ۲۱۳، ۲۱۴	زول زده، ۲۵۱	زِنبیره، ۹۶	زغبر، ۲۸۰
زیغس، ۱۸۲	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	زَّنْجَبيل، ۱۶۴	زغیر، ۱۶۳، ۱۹۴
زَيْلَعِيّ، ٢٣٩.	زهر الملح، ۱۶۵	زنجبيل، ۱۷۱	زغير (سغد، سمرقند)، ۲۵۱
زینان (شیرازی)، ۲۸۹	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	زنجبيل الافرنجي، ١۶۴	زغیره (سغد، سمرقند)،
زينة الرياحين، ٧٩	زهرور، ۲۸۹	زنجبيل العجم، ٥٠، ١۶۴	701
زینیان، ۲۸۹	زَهرة، ۱۶۵	زنجبيل الفارس، ٥٠	زفزوف (فاس)، ۲۱۳
ژالکه (سجزی)، ۵۲	زهرة الحجر، ١٤٥	زنجبيل الكلاب، ۱۶۴	زفیزف (اندلس)، ۲۱۳
	زهم، ۱۶۱	زنجبیل بلدی، ۱۵۳	زفيزف ونبق، ۲۱۴
	زیا، ۱۹۴	زنجبیل شامی، ۱۵۳	زُقال، ۱۶۳
	زیتاارعا، ۲۷۵	زنجبيله (اسكندريه)، ۲۲۳	زُقُشْته، ۱۶۳
	زيت السودان، ۱۶۶	زَنْجَرو (سجزی)، ۶۶	زَقُوم، ۱۶۳
			•

سَخار، ۱۶۷	سَبُع الكتّان، ١٤٧	سافاريعون، ١٣٠	حرف <sub>«</sub> س»
شخُّر، ۱۶۷	سبعة اصول، ۲۷۹	ساق الاسود، ۷۶	
سخس، ۴۳	سبنيرة (اندلس - لاتين)،	ساق الوصيف، ٧۶	سابا حورارا، ٧١
سَخورْيون، ۱۷۴	۱۸۵	ساق ترشک، ۸۳	سابقة، ٧٥
سْخُونُس لَيّا، ۵۰ ۱۷۵	سبیذخار(سجزی)، ۲۱۷	ساكتة، ۲۸۰	سابيزج، ۲۷۰
سَخی رَغلا، ۷۹	سپارک (فرنگی)، ۲۹۷	ساكركهوله (سانسكرت)،	سابیزک، ۲۷۰، ۳۰۰
سخیس، ۴۳	سپاری، ۲۳۰	۵۹	سابیشک (سندی)، ۲۷۰
سخینس، ۲۸۲	سپرم، ۱۵۹	سالتين اغريون، ٢٥٠	ساتر، ۱۹۵
سْخِيْنُوس، ۴۳	سَپْسِتان، ۱۶۷	سالس اغريون، ٢٥٠	ساتری، ۱۶۷
سخينوس، ۲۸۲	سپست تر، ۱۵۵	سالم(عبری)، ۱۴۷	ساج، ۱۶۶
سخيونس، ۴۳	سپندان، ۱۳۱	سالمة، ۴۸	ساجی، ۲۴۴
سخيونس الأجامي، ٥٠	سپندانک، ۱۱۵	سالة، ١٣٠	ساداؤران، ۱۶۶
سخيونس اليا، ١۴٨	سپند ۱۱۶	سالی، ۱۶۷	ساداوران قنطار، ۱۶۷
سداب، ۱۲۴، ۱۵۰	سپنی، ۱۶۱	سالين، ۲۵۴	ساذج، ۱۶۶، ۲۸۸
شداب، ۱۶۷	سپید اسفند، ۱۳۱	سالينوس قيفاؤن، ٢٥٤	ساذج هندی، ۱۶۷
سداب البر، ۱۱۶	سپیدگیاه، ۹۷	سالينون ايمارش، ۲۵۴	ساذرون، ۱۶۷
سداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	ستاره اتّیکا، ۴۸	سالينون ريفان، ۲۵۴	ساراقیاس، ۱۳۶
سداب بستانی، ۱۱۶، ۱۶۸	ستالی، ۱۸۸	سالينون قيفون، ٢٥٣	سارِس، ۲۹۸
سدایان (مصر)، ۱۷۴	ستاور، ۱۸۸	ساليون، ٢٥٣	سارق الخاتم، ٢٩٢
ســـــــــــــــــــــــــــــــــــــ	سْتُخادِس، ۴۷	سامان، ۱۴۸، ۱۶۷	ساريفون، ۵۶، ۱۹۳
PAY	ستوخس، ۴۷	سامر(شام)، ۲۸۴	ساریقون، ۱۹۳
سِدر، ۱۶۸	سج، ۱۸۷	سامری، ۱۵۴	سازساهوره، ۲۱۳
سدر بری، ۶۲	سجا، ۱۶۷	سامون، ۸۶	ساسالی، ۱۸۱
سِدْرَوان، ۱۶۸	سِجبِستان، ۱۶۷	ساناحور، ۷۱	ساساليوس، ١٤٧
سِدْرَة، ۱۶۸	سجس افراغيه (اندلس)،	سانوج(فاس)، ۱۹۲	ساساليوس، ۱۸۲
شدوس، ۲۱۱	744	سانول، ۱۶۷	ساساليون، ۱۸۲
سدوس، ۲۹۲	سجلات، ۲۹۹	ساير، ۲۱۳	ساسليوس، ۶۵، ۲۵۳
سذاب، ۹۷، ۱۶۷	سِجلّاط، ۲۹۹	سایس، ۲۱۸	ساسليوس، ۱۶۷
سَذاب، ۱۶۷	سجوميس، ۴۳	سِبْت، ۵۷	ساسليون، ۱۸۱
سذَّاب البر، ١٥٠	سجی، ۲۴۴	سِبت، ۲۳۷	ساسم، ۳۳
سذاب بری، ۴۸، ۹۷	سجيوس، ۴۳	سبری تـهلک(سـجزی)،	ساستُوا(فاس)، ۱۰۶
سرابيون، ۴۶	سحار، ۹۶	118	ساصلی، ۱۹۴
سراج البرى، ١٤٨	سحارة، ۱۸۹	سبزبار، ۱۰۷	ساطریوس، ۱۰۱
سراج الظلام، ۲۶۳	سَحبر، ۱۵۱	شبزه (شیراز)، ۲۴۵	ساطریون، ۱۳۵، ۱۶۷
سراج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰،	سحر، ۲۶۰	سبسرین، ۱۱۵	ساطریه، ۱۳۵
797, 777	سحسونه، ۱۶۷	سبط، ۲۵۶، ۲۷۲	ساطوريون، ١٣٥
سِراج القُطْرُب، ۱۶۸	سحیلس، ۴۳	سَبُع الأرض، ٧٥	ساطيورين، ١٣٥
سراج القطريل، ۱۶۹	سحيمه (اندلس)، ۲۶۷	سبع الشُّغراء، ١٤٧	ساغافيون، ۱۷۳

سراج متوج، ۱۶۸	سرم، ۲۲۶	سَطارِيون، ۱۷۱	سعدى المُضْفَرة، ١٧١
سراجيه، ۶۰	سرمًا، ۱۷۰	سطارُيون، ۲۶۹	سعسع(عبری)، ۱۴۷
سراش، ۱۳۸	سَرْمَج، ۲۴۱	سطاغونس، ۲۶۶	سعفورالصفاليه، ١۶٣
سرالية، ٢٩٨	سرمج اطرافاكسيس، ١٧٠	سطافانن، ۱۵۹	سعله، ۷۳
سراويل الطلول(اندلس)،	سرمس، ۱۷۰	سطاليون، ۲۸۰	شغلّه، ۱۷۲
۶۰	سَرْمَق، ۱۷۰، ۲۴۱	سطانیق، ۱۲۶	سعند، ۸۶
سراويل الكُكّه(اندلس)،	سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹	سطانيون، ٢١٩	سَعوط، ۱۷۲
757	سرمک، ۲۴۱	سطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹	سعوط الدوّاب، ٢۶٣
سربنطین (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۷۳	شرْمه، ۱۷۰	سطراطیوس ماریوس، ۱۱۰	سعیع (نبطی)، ۱۴۷
سربيل(شيراز)، ۲۳۳	سَرُنْجِي، ١٧٠	سطراًطيوطس، ١٧١، ٢٨٠	سغابينون، ۱۷۳
سَرْپُهونکَه، ۱۷۱	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۲۰۱۱	سَطْراطِيوطُس، ١٧١	سغبين، ۱۷۳
سَرْح، ۱۶۹	سَرو، ۱۷۰	سطراک، ۱۶۱	سَفادیکُس، ۱۷۲
سرخ پای، ۱۲۲	شرو، ۲۶۹	سطرخنوس، ۲۴۹	سفارغانيون، ٢٠٧
سرخس، ۶۵، ۱۵۷	سروالی، ۷۶	سطرکا، ۵۳، ۱۷۱	سفاری، ۸۱
سَرخس، ۱۶۹	سروبياجبلا، ۲۰۸	شطُروبيلو، ۱۹۷	سفانی، ۱۵۶
سرخس البلوط، ۱۴۴	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	ســـطروثيون، ١٧١، ٢٠٧،	سفتا، ۸۰
سرخس نر، ۱۶۹ ٔ	شرو(سجزی)، ۲۶۹	754	سفتک، ۲۹۲
سرخسی، ۶۵	سروق(سند)، ۶۷	سطروخنس، ۲۴۹	شُفچه، ۱۹۸
سرخ فرد(شیرازی)، ۲۱۰	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	سطروخنس فِنجوش، ۲۴۹	شْفُذُوليون، ٢٥٩
سرخ مرد، ۱۴۳	سرونمارون، ۲۰۸	شطرو خُنُن البستاني، ٢١٥	سَفَرْجَل، ۱۷۲
سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	سروی، ۳۰۰	سطروخینس، ۲۴۹	سفرجل، ۱۸۶
سَرَزک، ۱۶۲	سَرُهْنجی، ۱۷۰	سطرومیون، ۱۷۱	سفرجل الهند، ١٨٩
سِرِس، ۱۶۹	شُرّة الأرض، ۱۶۹	سَطرونیون، ۱۷۱	سفرجلهندي، ۱۸۹
سَرساد، ۴۱	سريس(سند)، ۱۳۷	سط(مصر)، ۵۷	سفرجل هندی، ۱۸۹
سرسر الدیک (شام)، ۱۴۶	سریش، ۵۱، ۱۳۸	سطوبی، ۴۶، ۱۷۱	سفرطس، ۱۳۴
سرس(سند)، ۱۳۷	سريقون ارمني، ۱۹۳	سطوسا، ۱۸۴	سْفَرْغانيون، ١٨١
سرسون، ۱۱۵	سرينه، ۲۰۹	سطیوس، ۱۰۴	سفركلا، ۱۷۲
سرشاد، ۱۷۰	سزه(شیرازی)، ۲۳۶	سعادی(ترکیه)، ۱۷۱	سفری، ۱۵۸
سرشو(شیرازی)، ۲۶۶	سساليوس ابتونيقون، ١٥٥	سعالی، ۱۷۱	سفری (بنگال)، ۱۰۰
سر(شیرازی)، ۲۴۵	سَساليون، ۶۵	سعبر، ۱۶۹	سفلاریقون، ۲۴۳
سرغنت، ۱۷۰	سساليون، ۲۴۸	سَعْتَر، ۱۶۵	سفلولا، ۱۶۰
سَرْفَغْلِين، ۶۶	سستترنة(اندلس)، ۱۸۷	سعتر، ۱۸۷، ۱۹۵	سفليون، ۴۹
سرقسانة، ۱۷۰	ششرم، ۱۸۲	سعتر الحمير، ١١٠	سفناریه (فاس)، ۱۰۳
سرقسطه بلطاله مركلينه،	سسطيعون، ۱۶۵	شغد، ۱۷۱	سفند اسفندو، ۲۷۴
199	شطّاح، ۲۵۲	سعدان، ۱۷۲	سفند أسفيد، ۲۷۴
سرقوقینا(شام)، ۱۹۳	سطاخيس، ١٧١، ٢٣١،	سعد (تنکابن)، ۴۹	سفندوليون، ۱۷۲، ۲۰۴
سرکنده، ۲۴۰	777, 187, 687	شغدی، ۱۴۸	سفودالس، ١٩٥
سرکوه، ۱۸۱	سَطاخينُس، ۱۷۱	سعدی، ۱۷۱	شفوذلوس، ۱۳۸

سَمار، ۱۷۵	سلطان الجبل، ٢٤٩	سقیلا، ۴۹	سفوس (لاتيني)، ۱۲۹
سماروغ، ۲۲۶، ۲۶۰	سلطان الجبل (اندلس)،	شقيلاً، ۴۹	سفیدار، ۱۴۴
سُماق، ۱۷۵	190	شُكَّات، ۱۷۳	سَفيدِليون، ۱۷۲
سمّاق، ۲۰۶	سلطان الرياحين، ١٨٣	سک انگور (زابل)، ۲۱۴	سفید مرز، ۸۴
سماق الدباغين، ١٧٥	سَلَع، ۱۷۴	سَكْبينَج، ١٧٣ -	سْقَارْطَاغَانْيُون، ١٨١
سماق بری، ۲۸۰	سَلْع، ۱۷۴	سکبینه، ۱۷۳	سِقام الجن، ٢٥٧
سماقیل، ۱۷۵	سلغارها (سند)، ۸۲	سکر، ۱۷۳	سقاون، ۴۱
شمّاقیل، ۱۷۵	سَلغوا، ۱۳۲	شُکّر، ۱۷۳	سقرابیدیداس، ۲۰۴
سم البهائم، ۱۴۵	سلفيون، ۶۵	شكَّر العُشر، ١٧٣	سقرابيويداس، ١٥١
شمّ الحمار، ١٢٥	سِلْفِيون، ۶۵	سَكَوْجَه، ۱۷۳	سقراطيون، ۲۴۳
سم الحمار، ۱۴۵	سلق، ۸۲ ۱۷۳	سکفس (ترمذی)، ۲۱۱	سقراغانيون، ۱۴۶
سم السمك، ۲۷۷	سِلق، ۱۳۳	سكفينه، ۱۷۳	سقربیون، ۲۰۲، ۲۰۴
سـم الفأر، ۶۸	سِلْق، ۱۷۴	سککن، ۳۰۰	سقردونواس، ۸۰
سمالو، ۲۶۰	سلْق، ۱۹۷	سكنبويه، ۱۷۳	سقردین، ۹۸
سمام، ۲۲۱	سلقا، ۱۷۴	سکوک (بخاری)، ۲۱۱	سقْردين، ۲۸۳
سمانی (اندلس)، ۲۹۲	سلق البرى، ١٢٢	سکوم (فاس)، ۲۹۷	سقردیون براسن، ۸۰
سماهنگ، ۲۲۳	سلق الماء، ٩٩	سَكُوهُ، ۱۷۳	سقز، ۸۱
شقر، ۶۲ ۱۷۶	سِلق الماء، ١١٠	سكوهنج، ١١٨	شقَلبْياس، ۲۴۵
سمر (اهل بادیه)، ۶۲	سلق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سک هنو، ۱۷۳	سقلیباس، ۲۴۵
سَمْراء، ۱۷۵	سِلْق بستانی، ۱۷۴	سکی رغلا، ۷۹	سَقْمونيا، ۱۷۲
سمرقنديًا (زابل)، ۲۷۶	سلق جبلی، ۱۲۲	سگ انگور، ۲۱۴	سقمونيا محموده، ۱۷۲
سمرنا، ۲۷۷	سلقيون، ۶۵	سگبستان، ۱۶۷	سقندوقس، ۵۸
سمرنابيوطيقا، ٢٧٨	سَلَم، ۱۷۴	سلارس، ۲۸۶	سقوبردیء، ۲۷۷
سمرنیون، ۱۷۶، ۲۵۴	سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰	سلاطم (لاتين)، ۲۱۴	سقوس، ۱۲۶
شمُرْنيون، ۲۵۴	سلمه، ۱۷۴، ۲۴۱	سَلَب، ۱۷۴	سقُّوفْنذريون، ١٥٧
سمريا، ۲۵۴	سلهارس، ۲۸۶	سلبين، ۱۱۴	سقوقنريون، ۴۹
سمرينيون، ۲۵۴	سِلْهَس، ۲۸۶	سُلْت، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴	سقولوفندرو، ۱۱۹
سم (سجزی)، ۱۳۲	سِلهَه، ۲۸۶	سلت، ۲۰۱	سقولوفندريا، ۴۹
سمسخون، ۱۱۳، ۲۷۹	سليخ اسود، ١٧٩	سلجم، ۹۰، ۱۸۹	سقُولُوفَنْدَريون، ۴۸
سمسر، ۳۴	سَليخَه، ۱۷۴	سَلْدانیون (نبطی)، ۱۷۴	سقولوفندريون، ۴۹، ۱۱۹
سمستق، ۳۴	سليخه، ۱۷۹، ۲۳۹	سلدهري (لاتين)، ۲۵۳	سقولوفنذريون، ۲۷۱
سَمْسَق، ۲۷۹	سليخة، ١۴١	سلری (فرنگی)، ۲۵۳	شقولوقندريون، ۴۹
سمسقون، ۱۱۳	سلیس، ۲۱۸	سلّس (فارس)، ۲۱۹	سقولومس، ۱۱۴
سمسم، ۱۰۱	سلیسک (فارس)، ۲۱۹	سلطاری، ۱۲۶	سَقۇلومُس، ۱۱۴
ستمسيم، ۱۷۶	سليط، ۱۷۶	سلطان، ۱۵۸	سقولوموا، ۱۱۴
سمسم بری، ۱۷۶	سلينون، ٢٣٥	سلطان الاشجار، 189	سقونیوس، ۲۰۱
سمشیر، ۳۴	سمار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	سلطان البقول، ۱۸۳	سقونیون، ۱۹۱
سمعر، ۵۹	سمّار، ۱۴۸	سلطان الجَبَل، ٧٥	سَقى رَغْلا، ٧٩

سُمْفُوطُ آخَر، ۱۷۶	سنبل الطيب، ١٧٧	سَنْقِنْرُه، ۱۳۹	سوراج، ۲۴۹
سَمَفُوطُن، ۲۶۹	سنبل العصافير، ١٧٧، ١٧٨	سنكاهولي، ۲۶۸	سور آهند، ۲۵۷
سمفوطن آخر، ۱۷۶	سنبل الكلاب، ۵۰	سنكپره، ٨٨	سوربارو، ۲۸۸`
سمفوطن بطرا، ۲۷۴	سنبل الكلب، ۱۷۸	سنکِسَبویه، ۱۷۹	سورج الملك، ٥٩
سُمْفُوطُن بَطْزاؤن، ۱۷۶	سنبل الملوك، ٢٨١	سنكسبوية، ١٧٩	سورجمکهی، ۳۴
سمقشمحون، ۳۴	سنبل أقليطى، ٢٨٨	سِنْکُهارا، ۱۷۹	سوردن (تبريز)، ۱۲۹
سَمْقُوطُن، ۱۷۶	سنبل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵،	سنکهاوت، ۱۴۴	سورمور، ۵۵
سملایا (نبطی)، ۸۱	۸۸۲	سنکهاورت، ۱۴۴	ســورنجان، ۵۶، ۸۰ ۲۱۲،
سمورنیون، ۱۷۶	سنبل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سِنْكِهْبا، ۱۷۹	۲۷۰
سمون، ۱۲۲ ۸۶	ســـنبل رومــی، ۴۶، ۱۷۷،	سنگبادکوکافیلون، ۴۱	سورِنْجان، ۱۷۹
سمونیون، ۱۷۶	۸۷۱، ۶۹۲، ۷۸۲	سنگ حنا (دیلم)، ۱۱۷	سورَنْجان، ۱۸۰
سَمْهر، ۱۲۶	سنبل سفيد، ۲۳۸	سنگ سبویه، ۲۴۳	سورنجان الدقيق (اندلس)،
سميد العَـنزروت (فـاس)،	سنبل (عوام)، ۷۶	سنلتجي (لاتيني)، ۲۹۴	717
99	سنبل فارسی، ۱۷۸	سِن نودُه، ۱۵۵	سورنجان قتّال، ۱۰۸
ئىمتىراء، ١٣٠	سنبل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷،	سنو، ۱۹۲	سورنجان هندي، ١٢١
ئىمَيْرە (اندلس)، ۴۷	۸۷۱، ۸۸۲	سنوت، ۲۶۲	سورنگان، ۱۷۹
سميقلس، ۱۷۶	سنبهالو، ۴۱	سنوت الجبلي، ۲۴۸	سوری، ۱۷۷
سْميلَقْس، ١٩٠	سنُتذيبي، ۵۰	سوا، ۱۸۴	سوریا، ۴۳
سميلقُس، ۲۰۰	سنجاب (هري)، ۸۳	سواد الاكراد، ۲۵۷	سوس، ۱۶۰، ۱۸۰
سمیلقس، ۲۷۱	سنجار، ۳۸، ۱۲۶، ۲۹۶	سواد الحكام، ١۶۶	سوسانفوسوخيوس، ۴۸
شميلَقس، ٢٧١	سنجد، ۲۱۹	سواد السند، ۲۵۷	سوسانی، ۱۸۰
سنا، ۱۷۶	سنج سبويه، ۱۷۹	سواد العُصارة، ١٤٧	سوسرخون، ۶۵
سنا البلدي (اندلس)، ۲۱۸	سنجسفويه، ۱۷۷	سواد القضا، ۱۷۹	سوسن، ۱۱۲، ۱۶۰، ۱۸۰
سنا أندلسي، ۲۱۸	سَنْدروس، ۱۷۸	سواد القضات، ۱۶۶	سَوسن، ۱۸۰
سناتیا، ۲۴۸	سندريطس، ۱۱۴	سواد القطاة، ١٤٨	شوسَن، ۱۸۰
سنّار، ۲۲۴ .	سَنْدَريطُس، ۱۷۸	سواد الهند، ۱۷۹، ۲۵۷	سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰
سنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سَنْدَريطِس، ۱۷۸	سوارون، ۱۲۹	ســوسن آسـمانجوني، ٧٠،
سنانی، ۱۵۶	سَنْدَريطساخر، ۲۵۷	سواک العبّاس، ۱۵۶، ۲۵۴	1.
سنایزه (مصر)، ۶۲	سندریون، ۹۳	سِواک الْقرود، ۵۲	سوسن آسمانگون، ۷۰
ســــنای عــــریضالورق	سندل، ۱۹۶	سِواک القُرود، ۱۹۲	سوسن ادرا، ۱۸۰
(حجاز)، ۲۰۹	سندوقس، ۵۸	سواك المسيح، ٢٩٢	سوسن اصفر، ۷۵، ۱۶۵
شنْبِراس، ۱۷۷	سنده، ۱۶۴	سواک عباس، ۲۹۲	سوسن الاحمر، ۱۴۶
سنبريون، ۱۱۶	سندهان، ۱۷۹	سواک عباسی، ۲۹۲	سوسن الارجواني، ١٨٠
سنبل، ۱۴۱، ۲۵۸	سندهی، ۱۶۴	سوالی، ۱۸۸	سوسن الاسمانجوني، ٧٥،
شنبل، ۱۷۷	سندیان، ۱۷۹	سوب، ۱۵۲	1.1.1
سنبل اقلیطی، ۱۷۸	سنديان الأرض، ١٧٩	سوتن (سندی)، ۵۹	سؤسّن الاشمانجوني، ١٨١
سنبل الاقليطى، ٢٨٧	سنط، ۷۷، ۱۳۲، ۲۳۷	سوداءالورق، ۱۹۱	سَوْسن الأببض، ١٨١
سنبل الرومى، ۱۷۸، ۲۸۸	سنفالة، ۱۴۸	سوده (شیراز)، ۲۴۵	سوسن الأزاذ، ۱۸۰

سین، ۱۸۲	سیسنبر، ۱۱۳	سَهْجْنَه، ۱۸۱	سوسن البري، ۱۴۶
سیناپهل، ۱۸۷	سِيَسْنُبَر، ۱۸۲	سه سنبل، ۱۸۲	سوسن الفيروزجي، ٧٠
سِینْبَل، ۱۸۲	سیسنبر (سند)، ۱۸۲	ســهک داوران(شــیرازی)،	سَوْسَن أَصْفَر، ۱۶۴
سینبی، ۱۳۰	سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴	184	سوسن أصْفر، ۱۸۱
سیندنی (بنگال)، ۱۴۴	سیسَنْبرون، ۱۸۲	سه کوهنج، ۱۱۸	سوسن بحری، ۸۰
سینون، ۲۲۰	سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶	سهیلی، ۹۶	سوسنبر، ۱۸۲
سيوس، ۱۶۵	سیسنبریون، ۱۸۲	سیاکلاتی، ۱۴۰	ســوسن بـرى، ۱۴۴، ۱۴۶،
سيوف، ٧٥	سيسَنْبَرْيُون، ٢٣٥	سیاه برگ، ۱۹۱	111, 4.7, 407
سيو (فرنگ <i>ی</i> )، ۱۸۲	سی سنبل، ۱۸۲	سیاهداران، ۱۶۶	سوسن بستانی، ۸۰
سيون، ٢٣٥	سیسنه، ۱۱۳	سیاه دانو، ۱۹۴	سوسن خطاهی، ۱۸۰
شُیُونک (سجزی)، ۲۱۰	سيسون، ٧٩	سیاه دانه، ۱۹۲	سوسن رملی، ۸۰
سیهک، ۴۳	سِيسَينْبَر، ۱۸۲	سيب، ۹۴، ۱۶۳	سوسن زرد، ۷۰
سیهنده، ۱۶۳	سیصامویداس، ۱۳۰	سیبیزوا(سندی)، ۲۷۰	سموسن سرخ صحرائي،
	سيطرمنون، ٣٤	سیبیزه، ۲۷۰	149
حرف $_{st}$ ش $_{ m s}$	سیطوس، ۱۹۱	سيج، ۱۶۳	سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰
•	سيفافيطوس، ٣٣	سيخ، ۵۲	سوسن کبود، ۱۸۰
شاامی، ۱۶۱	سيف الغراب، ٧٠، ١۴۶،	سيدريطس آخر، ١٧٩	سوسنين، ۱۸۰
شابالج، ۷۷	1.41	سیدیریطس، ۲۵۷	سوفاس، ۹۶
شابانج، ۷۷	سَيْف الغراب، ٢٥٧	سیر، ۹۸	سوفال، ۱۸۱
شابانک، ۷۷، ۲۳۲	سيف القِراب، ١٤٤، ١٨١	سير أمُلج، ٤٢	سوفامينوس، ٩٥، ١٠٥
شاباهی، ۱۸۵	سيفروس، ۲۶۳	سیردشتی، ۹۸	سوفطيون، ۱۶۷
شابیزک، ۲۷۰	سِيقا، ۹۶	سیر صحرائی، ۴۸	سوفی، ۹۳، ۱۵۷
شاتِ ردجِّه، ۲۷۹	سیقاموری، ۱۰۵	سير مو، ۴۸	سوقاسنيس، ١٠٥
شاذاسبرم، ۱۹۸	سيقريقرا، ١٢۶	سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴	سوقطيون، ١٣٥
شارَف، ۱۸۳	سيقُس ايماروس، ٢٣٣	سیساریون، ۱۸۱	سوکی فینون، ۲۳۳
شاض، ۱۸۳	سيقوس اغريوس، ١٢۶	سيسالوش، ۶۵	سَولان، ۱۸۱
شاطرج، ۱۹۳	سيقوس پيقرا، ۱۲۶	سيساليوس، ١۶٧	سولنجان، ۵۳
شاطوریون، ۱۳۵	سيقوموروس، ١٥٧	سِيساليون، ۱۸۱	سومر، ۱۴۸
شاغَة البستانيه(اندلس)،	سیقوموری، ۱۰۵	سيساليون، ۲۴۸	سوناخيوس، ۴۸
178	سیکران، ۸۸	سَيْسَامُن، ۱۷۶	سونتهه، ۱۶۴
شاغة الصخرية، ٢٧۴	سيكران الحوت، ٩٠، ٢٧٧	سيسامون، ۱۷۶	شوَنْدهی، ۴۳
شاغَة صخريّه (انـدلس)،	سیکران (اندلس)، ۸۸	سيسامويداس الكبير، ١٠١	سوندهی، ۴۳
178	سیکوه، ۱۸۱	سَیْسَبان، ۱۸۲	سَونف، ۱۵۲
شاكَهبائتَه (لاتيني)، ۱۷۳	سیلا (بنگال)، ۲۹۲	سیسبان (مازندران)، ۳۵	سونک (سجزی)، ۲۳۶
شالبين أغريون، ٢٥٠	سیلن، ۲۵۴	سیسبر، ۱۸۲	سوهنجته، ۲۲۷
شالْبِيَه (لاتيني)، ۶۰	سیلنا، ۲۵۳	سیسبرونه، ۱۲۲	سوی، ۱۵۲، ۱۸۴
شالِنيه (لاتيني)، ۲۶۸	سیلونس، ۱۱۴	سیس بوان (فارس)، ۲۱۹	سَویداء، ۱۹۲
شانبية، ۴۸	سیلهین، ۲۷۱	سیسدار (نبطی)، ۱۴۴	سويلا، ۷۶

ئالبية، ۱۹۴، ۲۸۳	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	شبوبانا، ۱۹۲	شجر الخابور، ۱۳۸
ئالبية (اندلس)، ۶۰	شاهسفرم، ۱۵۹	شبوق، ۸۵	شجر الخبيثة، ١٤٥
ئسال حسني (مسازندران و	شاهَسْفَرْم، ۱۸۳	شبوقه، ۱۱۰	شجرالخرنوب، ٣٠١
تکابن)، ۲۵۱	شاهِسفرم، ۱۸۳	شبوقه (لاتيني)، ۱۳۸	شجر الخَلَنْج (مغرب)، ۴۶
شالم، ۱۹۴	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	شبّوقة، ۱۳۸	شجرالْخَلَنْج (مغرب)، ١٣٧
شامامک، ۱۸۳	شاهٔشُبرم، ۱۱۳، ۲۸۰	شُبَهان، ۱۸۵	شجرالدُّرْدار، ۱۴۴
شامبه، ۴۸	شاهشفرم، ۱۵۹	شَبیبی، ۱۹۱	شجر الدردار، ۲۹۰
ثنانسيه، ۲۶۶	شاه صینی، ۱۸۴	شبیطه، ۲۶۹	شجر الدلب، ۱۴۵
شاهآلو، ۴۱	شاهلوج، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شَبيطُه (لاتيني)، ۱۷۶	شجر الرند، ۱۴۹
شاهاسپرم، ۱۵۹	شاهلوک، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شبيطة (لاتيني - اندلس)،	شجر الشيزي، ٣٣
شاه افسر، ۵۹	شاهنجير، ۱۸۴	175	شــجر الصفصاف، ١٢٧،
شاهامرود، ۲۶۱	شاه نرجس، ۲۹۰	شبیه، ۱۸۵	79.
شاه امرود (خراسان)، ۲۶۱	شاهور (مصر)، ۱۰۱	شبيه الذهب، ٢٧٢	شَجر الصَّفْصاف، ۱۳۶
شاه املج، ۶۲	شایانج، ۱۸۳	شبيه الكواكب، ٥۴	شجر الصنوبر الكبار، ١٩٧
شاه انجير، ۹۶	شایکه، ۶۶	شبیهان، ۱۸۵	شجر الضبع، ٥٥
شاهبانج، ۱۸۳	شباب، ۲۷۶	شبيه بالكُرّاث، ٤٣	شجرالعِلْک (اندلس)، ۵۱
شاهبانگ، ۱۸۳	شبّ ارماس، ۱۱۹	شتاور، ۵۶	شجر العناب، ٨٤
شاهبلوط، ۸۶	شب انبوی، ۱۳۳	شتین، ۱۴۷	شجر الغار، ۱۴۹، ۱۵۹
شاهبلّوط، ۸۷	شب بو، ۱۲۳، ۱۴۰	شث، ۱۸۵	شجرالغُبَيْراء، ٢١٩
شاه بن، ۸۱	شِبَتٌ، ۱۸۴	شجر، ۲۴۷	شجر الغرب، ٢٢٠
شاه بید، ۱۳۶	شب خيزک، ۱۱۵	شجر ابراهيم (ع)، ٢٢٠	شجر الفندك، ٢٩٠
شاه بید (شام)، ۱۳۷	شبدار، ۲۳۶	شجر الارز، ۳۰۱	شجر الفوفل، ١٠٩
شاه بیذ، ۱۳۶	شبدر، ۵۷ ۲۳۶	شجر الأهمد، ۱۶۱	شجر القدس، ٢٣٣
شاه پسه، ۵۹	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شجر الأثل، ۴۰	شجرالقطران، ۲۳۴
شــاهترج، ۹۳، ۱۰۳، ۱۰۶،	شبر، ۹۶	شجرالأُثْل، ٥٧	شجر الْقَطْلُب، ٢٣١
۰۵۱، ۲۵۲، ۳۸۱، ۲۵۲	شِبْرق، ۱۳۷	شجر الأجاص، ٢١٧	شجر القَطْلَب، ٢۴٢
شاه ترج، ۱۸۳	شِبْرِق، ۱۸۴	شجر الأصطرك، ٢٠۶	شجر القَنا، ٢۴۵
شاهتره، ۱۸۳	شبرق، ۲۷۸	شجر البان، ۱۱۱	شجر القنا، ٢٥٩
شاه تره (شیراز)، ۱۸۳	شِبْرق (حجاز)، ۱۹۸	شجر البراغيث، ١٩٩	شجر الكافور، ۱۶۰
شاهتره (مازندران)، ۱۰۲	شُبْرُم، ۱۸۴	شجر البقّ، ۱۴۴	شجر الكافور (موصل)، ۵۷
شاه چین <i>ی</i> ، ۱۸۴	شَبْرَم، ۳۰۰	شجر البَقّ، ٢٩٠	شجرالكلب، ۲۱۲
شاهدانج، ۱۵۸، ۱۸۵	شبریله، ۲۸۰	شجر التيس، ١٨٤	شجر اللاذن، ٢۶٥
شاهدانق، ۱۱۱، ۲۴۵	شبطباط، ۱۸۵	شجر الجن، ۱۴۹	شجر اللُّبني (شام)، ۲۰۶
شاهدانه بری، ۱۱۱	شَبطباط، ۲۱۰	شجرالجوزالرومي، ۲۶۴	شجر المَحْلَب، ٢٠۶
شاه زیره، ۲۵۶	شبطه وقرولن، ۷۸	شجر الحبّ (أفريقا)، ٥٩	شجر المرّان، ۲۷۸
شاه زیه، ۲۵۶	شبعاالعين، ٢۶٩	شجر الحضض، ٢٧١	شجر المَيْس، ٢٧٢
شاهسیرم، ۵۹	شبکنه (فرنگی)، ۱۹۱	شجرالحورالرومي، ۱۲۷	شجر الميس، ٢٩٠
شاهسپرم، ۱۸۳	شبناله، ۱۲۳	شجر الحيّه، ١٠۶	شجر النبق المصري، ٢٧٢

شَحَيْمَه (اندلس)، ۲۶۷ شجرة المريم، ٧٤ شخّ، ۲۹۰ شجرة المصطكى، ٢٨٢ شخار، ۲۴۴ شجرة المطهره، ۴۱ شَخْفراغثه (لاتيني)، ۲۴۳ شجرة النبي، ٨٥ ٢٠۶ شُذهَه، ۹۲ شجرة اليمام، ٩٥ شذوار (سند)، ۸۹ شجرة أبراهيم، ١٨٣ شجرة أم كلب، ٤٢ شذوني، ۱۲۶ شرائط، ۱۷۸ شجرة باردة، ١٨٥ شرارَه، ۶۳ شجرة دردار، ۱۴۴ شرّاليه أشنش، ٣٠١ شجرة دم الاخوين، ۱۴۶ شراليه (لاتيني - اندلس)، شبجرة ذوالقرنين الملك اسکندر، ۱۶۸ شرّالية الحمار (اندلس)، شجرة رستم، ۱۸۶ شجرة سليمان، ١٣٢ 291 شرباتش (لاتيني)، ۲۱۸ شجرة سليمان بن داود، شربب، ۲۲۴ شربت، ۲۲۴ شجرة سنديان الأرض، ٢٢٤ شجرة كثيراء، ٢٣٣ شِرْيث، ۲۸۰ شجرة لاو لا، ١٤٥ شربش (ثغری)، ۱۶۲ شربليون، ۲۷۳ شجرة مَخلَب، ١١٢ شجرة مريم، ۵۸، ۷۰، ۱۸۶ شربین، ۱۸۷ شجرة مريم (اندلس)، ۵۷ شرخره، ۱۱۳ شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹ شجرة مريم (مصر)، ۴۱ شجّ مال، ۱۵۵ شررفيون، ۲۳۲ شِرْس، ۱۸۷ شجيرة مريم، ١٨٣ شِر (سجزی)، ۲۰۷ شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲ شرغلی، ۸۰ شحم الحنطل، ١٨٧ شَخم الطّعام، ٤٧ شرم، ۱۸۷ شُرُنْبُلَه، ۴۱ شَخْم المَرخ، ١٣٦، ٢١١ شحم النخل، ٩٥ شرویه (مازندران)، ۱۲۵ شخماله، ۲۶۶ شری، ۱۸۷ شحمة الارض، ٢۶٠ شری، جنام دانهج ۱۲۶ شريفَه، ١٨٧ شَخْمَة الدجاجة، ١٥٣ شَحْمَة المَرج، ١٢٩ شسبندان، ۲۲۲ شحميلة، ١٤٨ شسميرون، ۲۹۶ شحمية (اندلس)، ۶۰ شش بندان سیاه، ۲۲۲ شش بندان (شیراز)، ۲۲۲ شحيره، ۲۰۴ شُحَيمالُه، ٢٥٨ ششییاز، ۲۲۲

شجرة الدب، ۵۸، ۱۶۲ شجر اوسيتا، ١٩٣ شجرة الدب، ۱۶۲، ۱۸۶ شجر تهام، ۱۷۴ شَجر حب الأسير، ١٠٨ شجرة الدّبق، ١۴٢ شجرة الدردار، ١٨٥، ٢۶٩ شجر دردار، ۱۷۸ شجرة الدم، ٣٨، ۶۶ شجر رستم (مغرب)، ۱۶۰ شجرة الدم (شام)، ۱۸۳ شجره ابراهیم، ۱۸۳ شجره الأزز، ۴۴ شجرة الراهب، ١٨٥ شجرة الرمح، ۲۷۸ شجره قلی، ۱۸۷ شجرة الزُّغرور، ١٤٢ شجره مريم، ۲۰۶ شجرة الشين، ١٨۶ شجرة ابراهيم، ۴۱، ۱۸۵، شجرة الصّبر، ۶۱ 748 شجرة الصَبْر، ١٩٥ شــجرة ابــی مـالک، ۱۸۵، 447, 747 شجرة الصنم، ١٤٨ شجرة اكله، ٣٩ شجرة الضفادع، ۱۸۶، ۲۵۴ شجرة الأِجّاس، ٢١ شجرة الطحال، ١٩٥ شجرة الأمير باريس، ١٢٠ شجرة الطرفاء، ٢٠٢ شجرة الطّلق، ١٨۶ شجرة البراغيث، ٧٧، ١٩٩، شجرة الطُّهْر، ۴۱ 719 شجرة البُطْم، ٨١ شجرة العُتُم، ١١٢، ٢٠۶ شجرة العرس، ۲۹۲ شــجرة البـق، ١٤٤، ١٤٩، شجرة العصب، ٢٩٢ شجرة العُنّاب، ١٤٨ شجرة البق (شام)، ١٨٥ شجرة العود، ۲۹۶ شجرة البق (شام و عراق)، شجرة العيثام، ١٤٥ 144 شجرة الغار، ۱۴۸ شجرة البّق (عراق)، ۱۴۴ شجرة الْبُنْدُق، ١٠٥ شجرة الغِسلين، ٢۴٣ شـجرة الفارسية، ٣٥، ٧٤، شجرة البهق، ٧۶، ٢۴٥ شجرة التنين، ١٨۶ شجرة الجن، ١۴٩ شجرة الفُرس، ٨١ شجرة الحُبّ، ٥٩ شجرةالفُلفُل (اندلس)، ۴۱ شجرة الحر، ٣٥ شجرة القدس، ۲۹۱ شَجَرة الحُضَض، ١٢٠ شجرة القِرمز، ٤١ شجرة الكف، ١٨۶ شجرة الحِلْتيت، 60 شجرة الكلاب، ٢٢۴ شجرة الحِنّا، ١٢٥ شجرة الحَنَش، ٢٧٣ شجرة الكلب، ٤٠ شجرة اللبهق، ٢۴٥ شجرة الحيّات، ١٧٠ شجرة الله، ٣٩ شجرة الخطاطيف، ۲۰۸ شجرة الخولان، ٨١ شجرة الليئي (شام)، ۱۸۶

•			
شما، ۲۲۶	شَقْواص البحر، ٢٨٤	شعير الحامض، ١٧٣	ششتُره، ۲۶۲
شمار، ۷۸، ۱۵۲	شقواص (اندلس)، ۲۶۵	شعير الرومي، ۱۲۶	ششتره، ۲۸۸
شَمار العريض، ١٥٣	شقواصة، ۴۶	شعیرالعاری، ۱۷۳	ششترة، ۱۸۷
شمار (مصر و شام)، ۱۵۲	شقوديون، ۱۸۹	شعير العربي، ١٣٩	شُشُرُنْب، ۱۸۷
شُماری (قیروان)، ۱۰۶	شقوشينا، ۲۳۳	شعير الفارسي، ١٢٤	شِشْرِیث، ۱۸۷
شمام، ۱۴۴، ۱۹۰	شک، ۶۸	شعير الفارى، ١٧٣	ششقاقل، ۱۰۳، ۱۸۸
شمامات (شام)، ۱۴۵	شکّاص، ۲۶۴	شعير النبي (اندلس)، ١٣٩	ششکاک (مازندران و
شمام (شام)، ۱۴۴	شکاع، ۷۱، ۱۸۹	شعیر رومی، ۱۳۹	تنکابن)، ۲۳۶
شمرک (سجزی)، ۱۳۲	شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸	شعیعادیما، ۴۴	شطبانی فلوعرین، ۲۱۰
شْمُرْنا، ۲۷۷	شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۷۵، ۱۵۲	شغالة، ۲۷۴	شطبة (فاس)، ۱۰۲
شمرة، ۱۲۶	شُکاعی، ۱۸۹	شغدی مریری، ۲۷۱	شطرکا، ۵۳
شمسار، ۸۲	شَکاعی، ۱۸۹	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شطریه، ۱۸۷
شمسير، ٢٣٢	شکر انگور روباه، ۲۱۴	شفترک (شیراز)، ۱۲۹	شَطْرية، ۱۸۷
شمشاد، ۸۲	شکرداری، ۲۱۵	شَفْتَل، ۲۹۱	شطریة، ۲۰۲
شمشاد (شام)، ۸۲	شَكَرقند، ۱۸۹	شَفِذ، ۱۸۴	شَطْرية (لاتيني - اندلس)،
شمشار، ۸۲	شکرهنج، ۱۱۸	شَفَلَج، ۲۵۰	190
شمشرا، ۲۷۹	شکمدریده (شیراز)، ۷۸	شفلیش، ۲۱۴	شُطَيبه (مغرب)، ۱۸۷
شمشیر، ۲۳۲، ۲۹۶	شكوثا، ۲۵۸	شفیقل، ۱۸۸	شطی رکس، ۵۳
شملال، ۱۰۵	شكوفه خرما، ٩٥	شقائق الفرس، ۲۷۶	شعارير، ۲۴۴
شملیت، ۱۲۰	شكونيا، ۵۵	شقائق النعمان، ۱۸۸	شعاير، ٢٣٣
شملیز (شیراز)، ۱۲۱	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شقائق النعماني البري، ١٨٨	شعر الارض، ۷۶
شمور، ۱۵۳	شكوهنج، ١١٨	شقاص، ۴۶	شعر الجان، ٧٤، ٢٥٧
شموسا، ۲۸۰	شكويهج، ١١٨	شقاقل، ۱۰۳، ۱۲۹، ۱۸۸	شعر الجَبّار، ٧٥، ٧٤، ١٨٧
شميت مورِس (لاتيني)،	شکه (اندلس)، ۱۰۶	شَقاقَل، ۱۸۸	شعر الجبال، ٧۶
197	شکی، ۲۱۷	شَقاقل، ۲۲۹	شعر الجن، ٧٥، ٧٤، ٢٥٧
شَميثا، ۴۱	شلّ، ۸۵	شقایق، ۳۵، ۱۸۸	شِغر الجياد، ١٨٧
شمین، ۲۹۶	ئىل، ۱۸۹	شقايق المنعم، ١٨٨	شعر الخنازير، ٧۶، ٢٥٧
شنّاذيبا، ٨۴	شلار، ۸۰	شقايق النعمان، ١٣٤، ١٥٨،	شعر الذيب، ۵۵
شنار، ۲۲۴، ۲۸۰	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	١٨٨	شَعر العِجل، ٢٨٠
شناقه، ۹۹	شلبش، ۲۵۲	شقر، ۱۸۸	شعرالعيّار، ۷۶
شنبدله، ۹۶	شَلْجَم، ۱۸۹	شَقِر، ۱۸۸	شَعر الغزال، ٥٥
شنبر، ۱۱۳	شلشفین، ۱۰۶	شَقْراص، ۱۸۸	شعر الغُول، ١٨٧، ٢٥٧
شنبلیذ، ۵۳، ۱۷۹	شلغم، ۱۸۹	شقرديون، ۱۸۹	شعر الكلاب، ٧۶
شَنْبَليذ، ۱۸۰	شلمبی (مازندران)، ۱۲۹	شْقُرْذِين، ٩٨	شعر الماء، ٧٤، ٢٥٧
شنبلیله (اصفهان)، ۱۲۱	شَلميز، ١٠٩	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شعران، ۱۲۳، ۱۵۸
شنبنش، ۲۵۶	شلوبینی، ۸۰	شق (مصر)، ۵۱	شعری، ۹۶
شَنْتالُه (لاتيني)، ۶۳	شلها (سندی)، ۵۳		شـــعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱،
شنترن، ۱۰۴	شَلیل، ۱۹۰	شقواص، ۶۰	144

شونوز، ۱۹۲	شوکه اعرابی، ۱۹۱	شَــوْحَط، ۲۳، ۱۳۹، ۱۹۰،	شنتله، ۱۵۷
شونیز، ۱۸۱	شوكه اعرابيه، ۶۲	7	شتله (اندلس)، ۶۲
شُونيز، ۱۹۲	شوكه قبطيه، ۱۷۴	شوخدانه، ۲۰۷	شِنْتَلَة، ٤٣
شونيز القمح، ١۴٥	شوكه مصريه، ۶۲	شود، ۱۸۴	شنثمن، ۱۵۳
شونیز بری، ۲۶۲	شوكة ابراهيم (شام)، ۲۳۶	شؤدر (اصفهان)، ۲۳۶	شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۵،
شويعة (اندلس)، ۲۰۴	شوكة البيضاء، ٥٨، ٥٩، ٧١،	شود (شیراز)، ۱۸۴	۴۳۱، ۷۸۱، ۱۹۰، ۲۵۲
شويكة أبراهيم (اندلس)،	74, PA1	شُوران (سجزی)، ۲۱۰	شندله، ۹۶
74%	شوكة الجمال، ٢٠۶	شورد، ۲۳۲	شُنْدَلَة، ١٩٠
شويلاء، ۷۶	شوكة الدهن، ١١۴	شورش لاطه، ۱۲۳	شنذاب (لبنان)، ۱۴۳
شُويلاء، ١٢٣	شوكة الزرقاء، ١٩١، ٢٣۶	شورة (حجازي)، ۲۶۳	شُنْذَلُه (اندلس)، ۹۶
شَه بانو، ۱۸۳	شوكة الزرقاء(شام)، ١٠٥	شَوْزَ (حجازی)، ۱۹۱	شنشنطوره، ۱۰۳
شَهْدانَج، ۱۱۲	شوكة السَوْداء، ١٩١	شوشما، ۲۳۲	شنغار، ۳۸
شهدانج، ۲۴۵	شوكة السوداء، ٢٣۶	شوشمانيا، ۲۹۶	شنفیل، ۲۵۴
شهدانج بری، ۱۳۷	شوكة الشهباء، ١٠٩، ٢٧٠	شوشمشیر، ۷۰	شنقار، ۳۸، ۱۹۰
شهدیة، ۱۵۵	شوكة العربية، ١٨٩	شوشمير، ۲۳۲	شُنقار، ۳۸
شهوت انگیز، ۲۴۵	شوكة العصبية، ٨١	شوشینا، ۱۸۰	شُنقال، ۳۸
شَيَان، ۴۲	شوكة العقرب (حجاز)،	شوصرا، ۲۴۷	شَنْقِنيره، ۱۵۳
شیّان، ۱۴۶، ۲۱۵	114	شوطی، ۸۰	شَنْکار، ۳۸
شیان، ۱۹۲	شوكة العقرب (شام)، ١٠٥	شوع، ۱۱۱	شَنْکال، ۳۸
شَيّان القاطر، ۶۹	شوكة العلك، ٥١	شوقشمير، ۲۹۶	شنکر (سندی)، ۲۱۸
شيان القاطر، ٨۴	شوكة المصريه، ٧٢، ١٩١	شوک، ۲۸۲	شَنْک (زابلی)، ۲۶۹
شَیَان (مغرب)، ۳۷	شوكة المُنْكرة، ٥٩	شوك الجمال، ۵۰ ۲۷۰	شنكوسا، ۱۵۳
شيب الشجر، ٥٢	شوكةاليهوديه، ١٩١	شوك الجمل، ۱۱۴	شنکی، ۲۶۷
شيب العجوز (اندلس)، ٥٢	شوكة اليهودية، ٢٣۶	شوك الجمل (مصر)، ۱۵۶	شنکیا (تبریز)، ۲۳۳
شَـيْب العَـجُوز (انـدلس و	شوكة حادة، ٤١	شوك الحمير، ٢٢٥	شِنگ، ۱۵۱
مغرب)، ۵۶	شوکة رهاوية، ۱۰۹	شوك الدراجين، ١١۴، ١٤٨	شنگ (اصفهان)، ۲۶۷
شيب العجوز (فاس)، ۵۵	شوكة زرقاء، ۲۳۶	شَوْک الدُّراجين، ١۴٩	شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴
شَيْبَه، ۱۹۲	شوكة شهباء، ٣٠١	شوك الدرجاين، ١۴٩	شنگلیل، ۱۶۴
شيبة العجوز، ۵۲ ۱۹۲	شوكة عربية، ١٨٩	شوك الدَّمَن، ۱۱۴	شنگویر، ۱۶۴
شيبية، ۱۱۴	شوکة مصریه، ۱۹۱، ۲۳۷	شوک العلک، ۵۱	شنون، ۱۹۲
شيتره، ۱۹۳	شوكة مغيلة، ١٨٧	شوك الفَأْرَة، ٢٨٧	شواصر، ۷۷
شِيْح، ۵۶	شوكة مُنْتِنة، ١٩٩، ٢١٩	شوك الفراء، ٢٢٥	شواصرا، ۱۹۰، ۲۸۱
شیح، ۱۳۳، ۱۴۰	شوكة منفته، ۱۹۹	شوک الفلک، ۱۱۴	شواصره، ۱۹۰
شِيح، ۱۹۳	شوكة يهودية، ۲۳۶	شوک القتاد، ۲۵۱، ۳۰۱	شوال الحمار، ١٣٣
شیح ارمنی، ۱۹۳، ۲۴۷	شولة دى راى (اندلس)،	شــوک المُــفلفل، ۵۹، ۱۰۵،	شوبا، ۹۶
شيح الارمسني، ۵۶ ۱۹۳،	10.	791, 277	شوبر (اندلس)، ۹۱
401	شومر، ۷۸، ۱۹۲	شَوکَران، ۸۸ ۱۹۱	شؤت، ۱۸۴
شيح الربيع، ١٩٣	شَوَنْدُر، ۱۹۲	شوكران الحوت، ۲۷۷	شوت (سجزي)، ۱۸۴

حرف <sub>«ص»</sub> شيح المصرى، ٥۶، ١٩٣ صعيتره، ١٩٥ صرّاخه (اندلس)، ۲۷۳ شیح ترکی، ۱۹۳ صغابیس، ۱۹۸ صَرّاخة (اندلس)، ۲۳۱ صغد، ۱۹۶ صراخة (اندلس)، ۲۷۳ صابٌ، ۱۷۴ شیح جبلی، ۵۶، ۱۹۳ صَفار، ۹۱ صاب، ۱۹۴ صریه، ۱۷۴ شیح خراسانی، ۱۹۳ صابرة، ٥١ ١٩٥ صفراادوی، ۹۹ صرخ بای، ۱۲۲ شیح رومی، ۵۶ صَرْقُو قُلَّا، ۶۶ شیرابه، ۱۳۴ صابون الثياب، ٢۴۴ صَفراء، ۱۹۶ صابون القاف (شام)، ۲۴۴ صفصاف، ۵۰، ۷۲، ۱۳۶، صرقوقولا، ۶۶ شير املج، ٤٢ شير انجير، ١٩٣، ٣٠٠ صرم الديك، ١٢٤ صابون القاق، ١٨٥ 79. .77. صرو، ۱۹۱ صفصاف البَلْخي، ١٨٩ شَيْرَج، ۱۷۶ صابون القاق (شام)، ۱۸۵ صُفيراء، ۵۴، ۶۳ صريرا، ٧١ صابون القلّي (دمشق)، ١٨٥ شيرخشت، ۱۹۳ صفیراء، ۸۲ ۲۵۹ صریس، ۲۳۸ صابون لباس، ۳۵ شیرخشک، ۱۹۳ صُفَيْراء، ۱۹۶ صاتری، ۱۹۵ صريمة الجدى، ١٤٠، ٢٢٧ شیرق، ۵۵، ۱۹۸ صفینة، ۳۹ صَريمة الجَدِي، ١٩٥ صارُه، ۲۷۳ شيرگيا (زابلستان)، ۲۸۶ صَريمُة الجَدْي (اندلس)، ٧٥ شيرهو (خراسان)، ۱۹۰ صقایس، ۲۲۲۳ صارُه (مغرب)، ۲۳۱، ۲۷۳ صقار، ۹۱ صرین عنصلی، ۲۷۳ صارة الانثى (اندلس)، ۲۷۳ شيرينبان، ۱۸۰ صَلُوان(موصل)، ۱۹۶ صَطْقَطي، ۲۸۶ صارة (اندلس)، ۲۷۳ شيريون، ١۴۵ صِلِّيان، ۱۹۶ صعاری، ۱۸۷ صاصل، ۱۹۴ شیستره، ۲۲۸ صَغتر، ۱۹۵ صمصوخن، ۱۱۳ صاصَلی، ۱۹۴ شیشاصینی، ۱۲۳ صْمصُوخُن، ۲۷۹ صعتر، ۲۷۹ صاغابينُن، ۱۷۳ شیشبان، ۳۵ صَمْعاء، ٩١ صعتر البقر، ١٩٥ صالبية، ١٩٤ شیشم، ۱۳۳ صمغ الحرشف، ١١۴ صعتر الجواري، ١٩٥ صامريوما، ٩٥، ١١٢، ١٥١، شیشنبر، ۱۱۳ صمغ الدّميثا، ١٩۶ صعتر الحجازي، ١٩٥ شِيطَرَج، ١٩٣ 194,100 شيطرج، ۲۸۱ صمغ العربي، ١٩١ صعتر الحمير (مغرب)، ١١٠ صباحی، ۹۶ صمغ القتاد، ٢٥١ صعتر الرماني، ١٩٥ صبار، ۹۵ شيطرنج الهندي، ١٢٢ صبّار، ۱۹۴ شیطرنج شامی (شامی)، صمغ طرتوث، ۵۱ صعتر الرومي، ٥٩ صمغ عربی، ۲۳۷ صعتر الزيتون، ١٩٥ صبارا، ۱۹۵ ۱۲۸ صمغ لبلاب، ۱۷۳ صعتر العدس، ١٠٥ صُبّارَه، ۱۹۵ شیفار، ۳۸ صناب، ۱۳۰ صبّاره (مغرب)، ۱۹۵ صعتر الغياضي، ١٩٥ شیلُرو، ۱۵۷ صنّاب، ۱۸۹ صَغترالفارسي، ١٩٥ صُيّارة، ٤١ شیلم، ۱۱۸، ۱۶۴، ۱۸۹ صنابی، ۹۶ صعتر الفرس، ١٠٥ صبّاری، ۱۹۴ شَيْلُم، ۱۴۳، ۱۹۴ صبر، ۱۲۰، ۲۳۹ شیلوم، ۱۷۴ صناحیه، ۱۰۳ صعترالفرس، ۱۰۵ صعترالفُرْس، ۱۹۶ صنار، ۱۴۵ صِبْر، ۱۹۵ شيلوما، ۱۷۴ صعتررومي، ۱۶۵ صَبر، ۱۹۵ شينر، ۱۹۲ صنجیس، ۴۸ صعتر(شام)، ۲۲۹ صَنْخيس، ۲۹۶ شینه، ۱۰۰ صبر خضرمی، ۱۹۵ شيودان، ١٢٩ صُنْخيس، ۲۹۶ صعتر فارسی، ۱۰۵ صبیب، ۱۹۵، ۲۸۷ صندل، ۱۵۹ شيولي، ۹۶ صعتروس، ۱۹۵ صَدَح (اهالي سواد)، ۸۴ صَنْدَل، ۱۹۶ صدی، ۹۶ صُعَيْتره، ۵۵ شيون، ۵۵ صندل ابیض، ۱۹۶ صُعَيتره، ۱۱۸ صذييوند، ۲۱۰

طحلب، ۲۰۷		ضبر، ۲۹۰	صندل احمر، ۱۹۶
طحلب بحری، ۲۰۰	طابليديون، ۱۸۳	ضَجاج، ۱۹۷	صنط، ۲۳۷
طحلب ليفي، ٢٠٠	طاحسک، ۳۵	ضدخ، ۸۴	صنفور، ۲۷۱
طحلب نهری، ۲۰۰	طاحک (طبرستان)، ۳۵	ضدغ، ۸۴	صنوبر، ۱۱۳، ۱۵۲
طحما، ۱۹۱	طارطقه، ۱۱۳	ے ضدل دانح، ۱۱۶	صَنَوبَر، ۱۹۶
طُخماء، ۲۰۰	طارطقة (اندلس)، ۲۷۶	ے ضربوان، ۱۹۸	صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴،
طخش، ۱۳۹، ۲۰۰	طارطَلقُه (لاتيني)، ۲۷۶	ضرس العجوز، ۱۱۸	781
طَخْشُ (لاتيني)، ١٩٠	طاق، ۲۴۴	ضِرْع الكلب، ١٤٣	صنوبر الأرض، ۲۶۱
طخشيقون، ٢٠٠	طاکًا، ۲۰۸	ضرع الكليه (يمن)، ١٩٨	صنوبر الصِغار، ۱۹۷
طَخْشيقون، ٢٠٠	طالسفر، ۱۹۹	ضرم، ۱۹۷	صنوبر الكبير، ١١٣
طرابنثیوس، ۸۱	طالون، ۳۵	ضُرمُ (مکه)، ۴۷	صنوبر الماء، ١١٠
طرابنیثوس، ۸۱	طاليسفتر، ۱۹۹	ضرو، ۴۳، ۸۱ ۹۴ ۱۶۸	صنوبر الهندي، ١۴٩
طراثیث، ۴۶، ۵۱، ۶۸ ۱۵۱،	طالیسفر، ۱۴۲، ۱۹۹	خِرُو، ۱۹۸	صنوبر بی بار، ۴۴
1.7, PP7	طالیشفر، ۱۹۹	ضُروْ، ۲۸۲	صنوبر کوچکی، ۱۹۷
طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳	طاموغیطن، ۱۱۰	ضروا، ۱۹۸	صنویر نر، ۴۴
طَراشَنَه، ۲۰۱	طانیطومنک (شیراز)، ۱۸۴	ضروان، ۱۹۸	صنوبر هندی، ۳۹
طراغافیثا، ۲۵۱	طُبَار، ۹۶	ضرو بستان <i>ی</i> ، ۸۱	صنین، ۱۹۷
طراغاقانثی، ۲۵۱	طبّار، ۹۶	ضروع الكلبة (يمن)، ١٩٨	صواب، ۹۵
طراغاقنثا، ۲۵۱	طُبار، ۹۶	ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰	صَوب، ۹۶
طراغاقَنْثا، ۲۵۱	طَباشير، ١٩٩	ضَريع، ۱۹۸	صوصلا، ۱۹۴
طَراغُثون، ۲۰۱	طباشیر هندی، ۱۹۹	ضریم، ۴۷	صوصلة، ۱۹۷
طراغوبوغن، ۲۰۱	طباظ، ۲۱۰	ضط (مصر)، ۵۷	صوف الارض، ۲۲۴
طراغوثن، ۲۰۱	طُباق، ۱۹۹	ضَعَو، ۱۹۸	صوف البحر، ٥٥، ٢٠٠
طراغوريغاس، ٢٢٩	طُبّاق، ۲۴۷	ضَغابیس، ۱۹۸	صومر، ۷۱
طراغوس، ۲۰۱	طبّاق (آفریقا)، ۲۱۹	ضغابیس، ۱۹۸	صومران، ۱۹۸
طراغون سقربیون، ۲۰۱	طُبّاق (لاتيني اندلس)، ٧٧	ضغبوس، ۱۹۸	صیاره (اندلس)، ۲۷۳
طراغيس، ۱۷۴	طُبّاقة، ٣٧	ضُغْيوس، ۱۹۸	صیدلانی، ۱۳۲
طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲	طُبّاقة الجبلية، ٤٢	ضفائر الجن، ٧٥	صيصاموغريون، ١٣٣
طراغين آخر، ٢٠١	طبّاقة (اندلس)، ۱۹۹	ضفدعی، ۲۵۰	صیصاء، ۱۲۶
طراغيون، ۱۸۶	طبرزد، ۲۰۰	ضمران، ۱۵۹	صیکه، ۹۶
طَراغِیُّون، ۲۰۱	طبرش، ۲۶۰	ضَمِران، ۱۹۸	
طراغيون آخر، ٢٠٢	طبرقاق (تركيه)، ۱۷۱	ضمیران، ۱۸۴	حرف «ض»
طرافلون، ۲۰۴	طبق، ۱۷۳، ۲۰۰	ضومر، ۷۱	
طراقافيا، ٢٥١	طبقشير، ١٩٩	ضــومران، ۷۱، ۱۵۹، ۱۹۸	ضابطه، ۱۳۴
طرامشیع، ۲۸۱	طبلة، ۲۰۵	779	ضابطة، ۲۵۷
طرامنیٹوس، ۸۱	طنیه، ۲۰۰	ضيموطوس، ٢٣٠	ضابطة الجَبلية، ١٣٠
طرامه، ۲۰۲	طج، ۲۳۸		ضال، ۱۶۸
طرأميش، ۲۰۱	طُخلُب، ۵۵ ۲۰۰	حرف «ط»	ضباب البرى (اندلس)، ۱۳۱

لمرباج، ۱۴۸	طرف، ۲۰۲	170	طلعة، ۲۴۸ و و و و و و و
لَرَبِدَ، ٩٣	طـــرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲،		طلق، ۲۶۴ سرد با پر
لمربشكه، ۲۷۵، ۲۷۷	77.	191 Yes	طلیطلی، ۱۸۹ سازی در در در
طربه لُبه، ۷۵	طرفاء البستاني، ۴۰	طريفُلُن، ٢٠٣	طليطة، ۲۶۰
طربه لُبَه، ۸۷	طَزْفَريدُس، ۲۰۲	طريفلون، ١٥٥	طماخثا، ۱۵۳ میدود در
طربه لبه، ۱۵۱	طَرْفولُس، ۲۰۳	طريفوس، ۱۶۷ سير د	طمرشکه، ۲۰۲ سر شکه
طربید، ۹۳	طَوْفَه، ۲۰۲	طریفولون، ۱۱۸، ۱۲۵	طمرة، ۱۲۳، ۲۰۳، در دید.
لمرتوشا، ۵۱	طرفة، ۲۰۲	طريفولين، ١٠٧ يرييز	طمری، ۱۳۳
طرثوث، ۲۰۱	طرفیلون، ۶۰	طريفوليون، ٩٣، ١٥٢، ٢٠٣	طمطم، ۱۷۵ زیری بری
طُرثوث، ۲۰۱	طرفیوس، ۱۶۰	طرِيفولْيون، ٩٣	طنجبين، ٢٠١٢
طرثوث ابیض، ۲۰۱	طرقنتيه، ۲۷۳	طريفوليون، ۲۰۳ يو آويد	طِنْيَة، ۵۵ د ريبييين إي
طرج، ۱۴۸	طرقنتية، ۲۷۳	طريفيلون، ۶۰ ماري يام	طِنية، ۲۲۲ و. د لِي الله الله
طرجال، ۱۲۶	طرکسیمی، ۲۹۷	طِريقُقُن، ۱۶۲	طواخشير، ١٩٩
طَرْح النواتية، ٢٠٢	طرمش، ۱۲۶	طَريقوليون، ٣٠٠٠ 🚕 👙 💮	طوارة، ۲۰۴ 😁 🧓 🛒
طَرح النواتية، ٢۴٨	طرم (لرستان)، ۸۵	طرينخومانس، ٢٥٧	طوب، ۱۱۴ م مرد در المعب
طــرخشــقون، ۱۴۷، ۲۹۷،	طَرْمَنْتُس، ۸۱	طريون، ٩٣	طوبه، ۲۰۴ میری
۸۹۲، ۲۰۳	طرمیطس، ۲۶۵	طشور، ۲۰۴ فيد مسرن	طوية، 48 من من المناسلة
طرخشوق، ۲۹۸، ۳۰۰	طرنج، ۴۰	طشير، ۲۰۴ سر در در	طوذریک، ۹۶ 🔑 💮
طرخون، ۸۳ ۱۴۷، ۲۰۲	طُرْنَسول (اندلس)، ۹۵	ططريوغنون، ۲۹۴	طوررا، ۱۵۱ م مر در درسون
طُرخون، ۲۰۲	طرنشول، ۵۹	طُعْمَة الْحَمْراء، ٢٣١ عليه المعالمة المحادثة ا	طورنه شول، ۹۵
طرخون الرومي، ٢٠٥	طُرْنُشول (اندلس)، ۱۹۴	طُعْمَة حَمْراء، ٢٤٧	طورنه شول، ۲۰۴
طرخون دشتی، ۲۰۵	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	طغارنه، ۲۴۸ د زیریه روز د	طورنه ليته ، ۲۰۴ يو دري
طرخون رومی، ۲۶۱	طُرنَه ماطر (ثغری)، ۱۳۰	طغاره، ۲۴۸ به به نود	طورنه ماطِرْس، ۲۸۳
طرِدجَ، ۱۲۳	طرنة، ۲۰۳	طفسقويون، ١٩١	طورنه مَريطِش، ١٠٥٪
طرَدَج، ۱۵۸	طرنية (اندلس)، ۲۴۳	طفشيقون، ۲۰۰ 🛴 🚉	طورنه مَريطه، ۲۰۴
طَزدِجَ، ۲۵۸	طروبليوس، ١١٨	طفک (شیرازی)، ۳۵	طَوَره، ۲۰۴ منته مرسلاريند
طردنجه، ۱۲۳	طروبیلس، ۱۱۸	طفنيقوس، ١٩١	طوريذخ، ۲۲۴ يې د د
طردتجه، ۱۲۳	طْروبیلُش، ۱۱۸	طُفْی، ۲۸۳ سند سند	طوس (شیراز)، ۳۹
طردقیره منتیره، ۱۴۷	طروبین، ۲۴۸	طفیر، ۲۰۴ در مین در ا	طوسک (شیراز)، ۱۴۹
طرديلن، ۲۵۳	طروج، ۵۲	طقًاره، ۱۴۸	طوط، ۲۴۲ مور المراق بيدا
طُرْذِيلُن، ۱۸۲	طروقون، ۷۶	طلافيون، ٣٧ مهري ريوس	طوطاق اغريون، ١٢٢
طرذيلون، ۱۶۷	طریبُله، ۲۹۱	طلاء، ۲۰۳ مید دید	طوطاق غريون، ١٢٣
طرسه (اندلس)، ۲۴۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳	طَلْح، ۲۶، ۲۰۳ برس برسید	طوطلون، ۱۷۴ مرور در پردید
طرشقوق، ۲۹۸	طریدلیون، ۲۴۸	طلح، ۲۶۳، ۲۸۵ میرود	طُوطُن، ۱۷۴ مروب الم
طرطور الحاجب، ١١٣،	طَرْيْطُر (مايرقا)، ۲۴۶	طلخشقوق، ۲۹۸	طوفريوس، ۲۰۴ ماريون
177	طريفا، ۲۳۶	طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸	طوفسس، ۴۳ تا پرد اور پاید
طرغاین، ۲۰۱	طریفل (اندلس)، ۲۰۳	طلع، ۹۴ مهم المهم	طوفوريوس، ۲۶۰
طرغوليطوس، ۲۷۸	طــريفلم اورانــم (لاتـين)،	رطَلُع، ۹۵ مردران برورد	طوقريوس، ٢٠٤ يستند سند

طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	ظفرة الفروج، ۱۱۶	عبیثران، ۱۸۶	177
طولَه، ۲۰۴	ظفرة الهِرّ، ۲۰۵	عُبَيْثُران، ۲۰۶	عرصف، ۲۰۷
طولیدون، ۲۱۴	طُّفَيْرِه، ۲۰۴	عُبَيْثرة الأَيُّل، ٥٩	عرصمودون، ۲۳۷
طوماغا، ۲۰۸	ظفیره، ۲۰۵	عُترب، ۱۷۵	عِرصِم (یمنی)، ۲۰۷
طومقرون، ۲۴۶	ظُفَيْرة العجوز، ١١٨	عُتم، ۱۶۵، ۲۶۶	عرطب، ۱۱۸
طَهطف، ۲۰۳	ظـفيرة العـجوز (قـيران و	عُثْم، ۱۶۶، ۲۰۶	عـــرطنيثا، ۳۴، ۲۰۷، ۲۵۸،
طَهْف، ۱۵۰	شام)، ۱۱۸	عثر، ۲۰۶	YAS
طتی، ۲۰۴	ظُفَيْرَة الفروج، ١١٧	عُثْرُب، ۲۰۶	عرطنيثا (آفريقا)، ٧۴
طیّار، ۲۹۳	طِلَّام، ۲۰۵	عَثْق، ۲۰۶	عرطنیفه، ۳۴
طيب العرب، ٤٣	ظِمِّخ، ۲۰۵	عُثْمُر، ۲۵۱	عرطینثا، ۱۸۶، ۲۲۱
طيب الغريب، ٤٣	ظیّان، ۱۵۹	عجب، ۲۹۲	عرطینیثا، ۳۵
طيثومالس، ۲۰۴	طَیّان، ۲۰۵	عجما، ۲۰۷	عرعار، ۳۹
طَيْرانَه، ۲۰۴		عدس، ۲۰۷	عرعر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰
طِيرنَه، ۲۰۴	حرف «ع»	عدس الماء، ۲۰۰، ۲۰۷	عَرعر، ۲۰۸
طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲		عدس المأكول، ٢٠٧	عرف، ۲۰۸
طیفی، ۲۰۴	عابدة الشمس، ۲۰۴	عدس المُرّ، ۲۰۷	عرفج، ۴۱، ۵۰ ۸۵
طيلافيون، ۱۱۸، ۲۰۴، ۲۸۰	عاربسا، ۲۵۵	عدس خوراکی، ۲۰۷	عَرْفَجَ، ٨٥
طیلاله، ۹۰	عاشق الشجر، ۲۶۶	عدس نبطی، ۲۰۷	عرفج بری، ۲۰۸
طیلسات، ۲۹۲	عاشق النبات، ۵۵	عُدوَة، ٤٣	عِرفِیج بری، ۲۹۵
طين الاخضر، ٢٩٢	عاقد اللبن، ٢١٩	عُدَيْسَة، ۲۰۷	عُرْفُطَ، ۲۰۸
طين الأَخْضَر، ١١٣	عاقرشمعا، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	عَذبه، ۴۰	عرق الكافور (مصر و شام)،
طين الأخضر، ٢١١	عاقِر قَرْحا، ۲۰۲	عذبه، ۲۰۲	181
	عاقرقرحا، ۲۰۲، ۲۰۵	عَذَبَة، ۵۷	عرق الكافور (مكه)، ۱۶۱
حرف «ظ»	عاقر قرحا، ۲۵۵	عَذْبة (مصر)، ۲۰۷	عرق درخت توت، ۱۹۹
•	عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶	عرا، ۲۰۲	عرق شجره هندی، ۱۹۹
ظريفلن، ١٣٥	عالية و برشقى، ١٥٣	عرار، ۳۴، ۵۷	عُرْقُصان، ۱۵۰
ظفائر الجن، ۲۵۷	عبب، ۲۰۶	عَرار، ۹۰	عُرْقُصاء، ٢٠٨
ظفرُ الفرس، ٢۶٩	عُبَب، ۲۴۹	عرايس النيل، ٢٩٢	عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵
ظُفُرُ القَطْ، ٢٠٥	عُبَبُ الثعلب، ٢١٤	عرايس النيل (مصر)، ٨٠	عرق (نجد)، ۹۵
ظفر القط، ۲۴۴	عُبَب (مصر)، ۲۱۵	عِزْب، ٩١	عروس، ۲۹۲
ظفر القطة، ٢٠٥	عَبْرَت، ۱۷۵	عربثا، ۲۲۰	عــروس آب (رنگــرزان)،
ظفر النسر، ٢٠٥	عبْری، ۱۶۸	عربرب، ۱۷۵	1.4
ظفراء، ۲۰۵	عَبْس، ۱۸۲، ۱۸۳	عربروس، ۷۸	عروس المأء، ٢٩٢
ظُفْرَقَطُورا، ٢٠٥	عبقر، ۱۸۰	عرب منشور (عراق)، ۱۴۰	عَرُوساًلَّة، ۲۷۰
ظُفْرَه، ٢٠٥	عبوثران، ۱۸۶، ۲۰۶	عرذی اکهر، ۲۶۰	عروس در پرده، ۲۴۹
ظُفْرة، ۲۸۱	عبهر، ۹۰، ۲۹۰	عرزادمغوشی، ۲۹۹	عروس در پرده (شیراز)،
ظُفْرة الفَرس، ٢٠٥	عَبْهَر، ۲۰۶	عرش نما، ۲۴۵	744
ظُفْرة الفرس، ۲۶۹	عَبهر (شام)، ۱۸۶	عرشنة (بيت المقدس)،	عــروس در پــرده (مـاوراء
		-	

النهر)، ۲۴۹	عسل رومان، ۵۳	179	عَضْرس، ۱۲۹
عروس در قبُه (مرو)، ۲۴۹	عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶	عُشَر، ۱۳۱، ۲۰۹	عَضْرَس، ۲۱۱
عـــروس رزانــی (مــاوراء	عسیلی، ۹۶	عُشْر، ۳۰۰	عطارد، ۱۷۸
النهر)، ۲۴۹	عشار، ۲۰۹	عشر الصبيان، ٢١٠	عُطاس، ۲۱۶
عروسک پس پرده (فارس)،	عشبه كثير الاغصان، ٢٠٢	عَشْرَق، ۲۰۹	عطب، ۲۴۲
749	عشبه مغربی، ۲۰۵	عُشضرالصبيان، ١٩١	عُطشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸،
عَروسه، ۲۷۰	عُشْبِه مغربیه، ۲۰۹	عُشق الصبيان، ٢١٠	754, 777
عروسة المجلية، ٢٩٢	عشبه مکرمه، ۷۰	عشق پیچان، ۲۶۶	عطفل، ۱۹۸
عروشية، ٨٣	عشبة البرطال، ١١٩	عشقه، ۱۲۱، ۲۶۶	عِظْلم، ۲۱۱، ۲۹۲
عروق الاصف، ٢٥٠	عشْبَة البَغْلَة، ١٥۶	عَشْقَه، ۲۱۰	عَظْلم، ۲۹۲
عروق الزعفران، ۲۰۸	عشبة البغلة، ٢٩١	عـــصاالراعــی، ۳۷، ۱۱۰،	عَظْمَی، ۱۵۸
عروق السوس، ٢٩١	عشبة التيسية، ۶۵	711, 111, 171, 101,	عَفار، ۱۷۴، ۲۱۱
عـــروق الصــباغين، ۲۰۸،	عشبة الثاليل، ٢٠۴	۵۸۱، ۱۲۰	عفار، ۲۷۸
٠٣٢، ۵۵٢	عشبة الحرّ، ٢٨٢	عَصّاب، ۱۹۳	عفص، ۱۷۹
عروق الصفر، ۱۲۷، ۱۶۳،	عشبة الحومل، ١٢٢	عصارمرارت برا، ۱۲۶	عَفْص، ۲۱۱
۸۰۲، ۱۲۶، ۲۷۶	عشبة الخُروف، ٨٠	عصافيرالسنبل، ١٧٧	عفضيج (عراق)، ۸۶
عروق الصُّفر، ٢٥٥	عُشبة السّباع، ٢٠٩	عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶،	عفيون (فاس)، ۵۷
عروق بیض، ۲۸۱	عُشبة السباع (اندلس)، ۲۵۳	109	عقاب الجبل، ۱۶۶
عروق حُمر، ۲۲۸	عشبة الصباع، ٢٥٣	عصای موسی، ۲۱۰	عِقاد، ۱۲۳
عروق دارموم، ۱۸۰	عشبة الصحيحة، ٣٠٠	عصب، ۲۶۳، ۲۹۱	عُقّار، ۲۱۲
عروق دار هرم، ۱۸۰	عُشْبة الطحال، ٨٧ ١١٩،	عصب الحرفع، ٢٤٢	عُقارادبشكرا، ٥۴
عريز الصغير، ٢٠٩	797, 1987	عُضفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰، ۲۳۶	عقارادشوشنا، ٧٠
عريز الكبير، ٢٠٩	عُشبة الطيور، ١۴٩	عُصْفُرالبرى، ٢١٠	عقاراسوسابی، ۷۰
عریض، ۱۵۲	عشبة العجول، ٢٠١	عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳،	عقاراعرطينيثا، ٣٥
عریقصاء (سجزی)، ۱۲۵	عشبة الفتوق، ۱۳۴	107	عقارسوصیائی، ۷۰
عزرو، ۶۶	عشبة القلب، ٢٩٨	عصفور البرى، ٧٢	عقارشوشا، ۱۸۰
عزول، ۷۹	عشبة القوباء، ٤٧	عصى الدب (اندلس)، ۲۴۲	_
عزير الصغير، ٢٠٩	عُشبة الكلب، ١٧٠		عقاودم، ۲۸۳
عزير الكبير، ٢٠٩	عُشْبَة اللحام، ٩٥		عقر، ۱۴۵
عساليج، ١٠٠، ٢٧٤	عشبة المُسَلِّحة، ٢۶۶	117, PP7	عُقْرُبان، ۱۰۶
عساليج (اندلس)، ۲۷۴	عشبة النار، ۱۵۹، ۲۰۵، ۲۶۶	عَصَى الراعي، ٢١٠	عُقْرُبان (اندلس)، ۴۸
عسطوس، ۱۴۰	عشبة النار (مغرب)، ۲۰۹	عصير الدَّبُ، ٢۴٢	عقربی، ۵۹
عسل القصب، ٢۴١	عشبة النساء، 8۵	عصيرالدّب (اندلس)، ٢٣١،	عقرمان (اندلس)، ۴۹
عَسَل الْكَبْني، ٥٣	عشبة خير من الف (فاس)،	747	عَقْعَقه، ۲۷۱
عسل اللُّبني، ٢٨٤	٨٨	عُصَيْفرة، ٢١١	عُقَيْرِبة (لبنان)، ۱۴۴
عسل النَّدى، ١١٠	عشبة قبرى، ۲۹۶	عُصَية، ١٨٥	عُقَيْفاء، ۲۱۲
عُسْلُج، ٧٥	عُشْبَةً كُلِّ بَلا، ١٧٩	عضات، ۱۹۳	۔ عکارشا، ۱۵۳
عسلج، ۲۲۱	عشبة كل بلاء (مغرب)،	عِضاه، ۲۰۹	عکّاش (بـلخ و طـخاري)،
_			_

778

عود الريح (دمشق و مصر)، عود الريح (شام)، ۲۱۶ عود الشرح، ١٣٧ عود السوس، ٣٣ عود الصليب، ٢٢٣، ٢٩٥ عود العُطاس، ۱۷۲، ۲۱۶ عود العطَّاس، ٢۶٣ عود العطاس، ۲۶۳ عود الفالوج، ١٩٠ عود الفرح، ۲۰۵ عود القروح، ۲۱۶ عود القسينة (مصر)، ۱۹۶ عُود الكلب، ١٣٨ عود النسر، ۲۱۶ عود الوجّ، ۲۱۶، ۲۹۳ عود اليسر، ۲۱۶ عود انجوح، ۲۱۶ عود بری، ۷۶ عود رطب، ۲۱۶ عود رنج، ۳۵ عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶ عود ينجوح، ۲۱۶ عَورة الارض، ٩٢ عـــوسج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۸۲، ۲۰۳ عَوسَج، ۲۱۷ عوسج الاحمر، ١٤٢ عوسج الاسود، ٤١ عوسَج الأشوّد، ١٢٠ عوسج أسود، ١٠٥ عوسجة، ٢٢٠ عوقيا، ١١٩ عياشية، ١٥٧ عيباديوس، ١٥٥ عیثام، ۱۴۵، ۲۱۷ عید، ۲۱۷ عيسوّب، ۲۲۹، ۲۷۹ عود الريح (اندلس)، ۲۷۲

عِنّب الكِلاب، ٤٢، ١٢٨ عنب خمری، ۲۱۴ عنبر، ۲۷۰ عنبر بید، ۱۰۳ عَنْبوب (فاس)، ۲۷۵ عَنْدم، ۱۴۶، ۲۱۵ عندم، ۲۱۰ عَنْزَروت، ۶۶ عُنْصُل، ۴۹، ۲۱۵ عنصل، ۴۹، ۸۰ ۲۴۳ عُنْصُلان، ۴۹، ۲۱۵ عُنصوة، ١٤٥ عَنْطوز، ۱۵۳ عُنق الحية، ٢٧٣ عنقر، ۳۴، ۲۷۹ عُنْقَر، ٧٥ عَنْقَرَ، ٥٩، ٢٧٩ عنقز، ۱۱۳ عُنْقُز، ۲۷۹ عنقلی، ۱۸۹ عنقود، ۶۱ عُنقود، ۲۱۵ عنقيل، ١٨٩ عنقیلی، ۱۸۹ عَنَم، ۱۹۱، ۲۱۵ عَنم (شام)، ۸۷ عود، ۲۱۶ عود الاراك، ۲۳۳ عود البخور، ۵۴ عود البرق، ١٤١ عود البلسان، ۸۶ عود البندق، ۷۶ عود الحمير (مغرب)، ٢٢٣ عود الحيّه، ٢١٤، ٢٢٢ عود الرقّة، ۶۵ عود الريح، ٢٢٣، ٢٧٢ عودالريح المغربي، ١٢٠

علک الروم، ۲۸۲ علک رومی، ۲۸۲ عكية (مصر)، ١٧٩ عَكْر، ١١٢ مَا الله عَالِيْهِ عَلَكْلُک، ۱۲۹ عكر، ٢٥٠ الله الماللة عَلُوا، ۱۹۵ عَكْرَب، ٢١٢ عُليبق، ۲۱۳ عَكُرَشْ، ١٩٦٦ - ٢١٢ عليجان، ۲۱۳ عِكْرِش، ٩٩، ١٥٣ ١٥٣ عالما عليجن، ٢٢٩ عِكرَشه، ٢٠٠ الشمارياللك علّيق، ۹۵، ۲۱۳، ۲۱۷ عَكُنَه، ٢١٢ المَّ المَّالِمُ عَلَيْهِ عليق الكلب، ١٨٤، ٢١٣، عکنه (مصر)، ۱۷۹۹ ۱۲۹۴ Adam TV. عُلِينُو (آنداس و مغرب)، عَكُوب، ١١٤ مَهُمَّا عَلَيْهُ عكُوب الفارسي، ١١۴ عمار، ۳۶ عكيفية، ٥٩ عكيفية عمرو، ۲۵۳ عَلَّام، ١٢٥، ٢٥٤ عمرود (لآتینی)، ۲۵۳ علث، ۲۱۲ عملج، ٨١٪ علج، ۴۰۷ ش عملول، ۲۴۵ عمول، ۷۶ عَلَجان (آفريقا)، ٢١٢، ٢٣٨ عمون، ۲۰۸ عَلَس، ۲۱۳ **علس، ۲۶۳** عُنَاب، ١٤٨، ٢١٣ علس(اندلشّ)، ۲۱۳ علیلنگ عُنَّابِ الْأَبْيِضَ، ٣٥ عَلَس (اندلس)، ۲۹۳ شالت عناب الأبيض، ٢١٣ عَلَس (سجّزى)، ۲۰۷ عِنْب، ۵۳، ۴۱۲، ۲۱۴ علسى، ١٩٥٥ السبية روايانه غُنْبٌ، ۲۱۷ علف، ١٥٥ ساليد سياسه عنبا، ۲۱۴ علفک داغ، ۲۰۵ لشهشهای عنب الشَّغْلُب، ١٥٤، ٢١٤، علفوط، ٨٠٪ ريشته يالقه 744.710 عُلَفَة، ٢۶٣ عَلَقَة، ٢۶٣ عنب النُّعلبُ البستاني، ٢٤٩ علقم، ٣٥، ١٢۶، ٩١٣ علق عَنْب الثَعْلَبُ (فاس)، ٢٤٩ عَلْقَم، ۱۸۷ عنب الثعلب مخين، ٢١٤ المُولِينَ العالمي كَالمَا المقلد عنب الحَيِّه، ٢١٥، ٢٩٨ عَلْقَم (اندلس)، ۲۳۳ علم عنب الدب، ۲۱۵، ۲۱۹ عَلْقُم (ْحُجُانِ)، ۲۷۴ عنب الذئب (اندلس)، ۲۱۴ علقمه، ۲۷۳ مشقا عَنب الذيب، ١٣٧ على، ٢٥١، ٢٨٢ على على المالة عنب الذيب (فاس)، ٢١٤، عِلَى، ۲۴۴ مِلْقِيْنَةُ عِلْک الأنباط، الله ٢٢٥ 🔄 عِنَبِ السُّقْف، ٣٧، ١٥٥

عِلْک البطم، ٨١

عنب الطوال، ٥٣

عين الاخضر، ٢١١، ٢٩٢	غالا لوطا، ٧٣	774	غلوكس، ۲۲۱
عَــيْن البــقر، ۴۱، ۹۰، ۹۱،	غالبون، ۲۵۰	غَرْقَد، ۲۱۷، ۲۲۰	غلوکش، ۱۰۴
717	غالبة، ۲۴۹	غرقدة، ۲۲۰	غلياون، ۵۳
عين البقر (مغرب)، ٢١٧	غالبة (اندلس)، ۲۱۴	غرناطُش، ۱۵۷	غليجن، ٢٢٩
عين البقر (مغرب و اندلس)،	غالبة (قرطبه)، ۱۱۳	غرناطة (بيت المقدس)،	غليجن أغريا، ٢٢١
41	غالِبَة (لاتيني)، ٢١٥	149	غَليخُن، ٢٢٩
عين الثور، ٩٠	غالَسِير، ٢١٩	غرنوقی، ۱۲۹	غليخن أغريا، ٢٢٩
عَيْنِ الْخضراء، ١١٣	غالّه جاقُه (لاتيني)، ١١٨	غرنیواس، ۲۳۸	غلیشن، ۲۲۹
عَين الديك، ٢١٧	غاله جيقه، ١١٨	غروباوس (بلخي)، ۲۰۲	غْلِيقيسيدَى، ٢٢٣
عين الديكة، ٢١٧	غالُّه قْرَشْتُه (لاتيني)، ۱۷۸	غِری، ۵۱	غمار، ۳۱، ۳۶
عين العجل، ٩٠، ٢١٧	غاليبسس، ٢١٩	غُرى الاساكفه، ١٣٨	غملول، ۲۴۵
عين الْعِجْل (شام)، ٩٠	غاليبوس، ۱۷۰	غرير، ۲۲۰	غُملول، ۲۴۵
عين الهدهد (أفريقا)، ٣٤،	غاليون، ٢١٩	غُرَيْراء، ۱۴۸، ۲۲۰	غنابليان، ۲۲۶
717	غاليون، ٢١٩	غریزا، ۲۴۶	غنافاليون، ۲۲۶
عَيْنون، ۲۱۸، ۲۵۲	غانافلیان، ۱۴۸	غريطيره، ۲۷۳	غْنافَلْيان، ۲۲۶
عینی ثورا، ۹۰ 🕚	غاوشیرک، ۲۱۷	غُزْبه(زابل)، ۱۸۵	غنافَليون، ۲۲۶
عيون البقر، ۴۱	غبارية، ۲۱۹	غزل الماء، ٢٠٠	غنج (هری)، ۱۹۲
	غبانستر، ۲۸۲	غساقالس، ۲۴۲	غنچه خرما، ۹۵
حرف «غ»	غبرا، ۱۹۴	غَسْلَج، ۲۲۱	غنزروت، ۶۶
	غُبَيْرا، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۱۹	غسلة، ۲۱۸	غنطیانی، ۱۰۶
غاالونيس، ٢١٩	غُبَيْرَة الأَيُّل، ٢٨١	غِسلين، ١٢٣	غنغس الجاري، ١٧٧
غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸	غَدَر، ۲۳۰	غسول، ۴۳، ۱۲۹	غنغيطس اشقاقا، ١٧٧
غار الاسكندري، ١۴٩	غدو، ۷۲	غشاة، ٣٧	غُنْغيلي، ١٨٩
غارانيون، ٣٧	غرابة، ۲۸۲	غَضَف، ۲۲۱	غُنْقيلى، ١٨٩
غار (شام)، ۱۵۹	غراله، ۹۹	غِلالة (اندلس)، ۱۴۴	غنکیلی، ۱۸۹
غارنيون، ۲۱۸	غرانيق، ۶۷	غلبی، ۱۶۳	غوبژک (زابل)، ۱۶۲
غاريقون، ۲۱۸	غِراء، ۱۴۸	غلْتان، ۵۱	غوتاغبنا، ۲۶۲
غازایاغی، ۳۶	غزاء، ۲۲۰	غَلَتان، ۱۴۲	غوديوله، ۲۵۲
غازیا <i>غی</i> ، ۱۵۵	غُرُّب، ۵۰، ۲۲۰	غَلجن، ۱۰۵	غُوْذَيالُه (لاتيني)، ٢١٠
غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳	غَرَب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	غلغلون، ۲۶۰	غوذيوله، ۸۷
غاسول روم <i>ی</i> ، ۳۹	غرب، ۱۳۶، ۱۸۹	غِلقا، ۲۲۱	غوره خرما، ۹۴
غاغالُس، ۲۱۹	غَرْد، ۲۶۰	غَلْقَة، ٢٢١	غُوشِنَه، ۲۲۱
غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹	غردان، ۲۶۰	غَلْقی، ۲۲۱	غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰
غافت الشاهدانجي، ۲۱۹	غَرَز، ۲۲۰	غلوقريزا، ۱۸۰	غوشنة جنسى، ٢٢١
غافث، ۱۹۹	غرغات، ۱۳۹	غلوقي، ۲۷۶	غوشه، ۲۲۱
غافَث، ۲۱۹	غرغال، ۶۰	غلوقيريزا، ۱۸۰	غَولان، ١٢٣
غافث (فاس)، ۲۱۹		غلوقيزيا، ۱۸۰	غويشه، ۲۲۱
غالارتون، ۲۱۹	غَـــزغَنيته (لاتــيني)، ٢٣١،	غلوقيون، ۲۷۶	غَيْطل، ۲۲۹

فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱	فاناقَس أَيْرُقْلُيون، ١٠٠	فاشِرَسْتَين، ۲۲۲	غینغیدیون، ۱۸۳
فراسيا، ۲۶۶	فاناقس خمرونيون، ٢٢٣	فاشرستُین، ۲۲۲، ۲۹۷	
فراسین، ۲۲۴	فــاناقس خــيرونيون، ۲۲۳،	فاشرشتین، ۹۰، ۲۲۲	حرف «ف»
فراسينا، ۲۵۲	747	فاشَرْشين (اندلس)، ۲۲۲	
فَـراشـيُون، ۸۷ ۹۵، ۱۷۹،	فاناقس كبير، ١٠٠	فاط، ۲۲۲	فابا، ۷۳
777, 767	فانتهاری (سند)، ۸۴	فاطن، ۷۳	فابَش اليوناني، ٧٣
فَراسِيون، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰	فانقراطيون، ۲۴۳	فاغِرَه، ۲۲۲	فابش القبطى، ٧٣
فَراسْيُون الابيض، ٢٢۴	فانقوس، ۲۶۲	فاغرة الهنديه، ۲۹۶	فابش یونانی، ۷۳
فَراسْيُونَ سياه، ٢٢٢	فانیرستینست، ۲۲۲	فاغوس، ۱۹۳	فابلص، ۸۳
فراشنه، ۱۴۴	فاوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳	فاغوش، ۱۹۳	فابَه بورکه، ۹۳
فراط، ۹۶	فاورسيون، ۲۲۳	فاغیه، ۲۲۷	فابَه دِبورْکه، ۱۵۷
فرافیون، ۵۰	فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵	فاغية، ١٢٥	فَابَهٔ (لاتيني)، ٧٣
فراوليون، ٧٩	فاها، ۱۰۶	فافا، ۷۳	فاتره (نبطی)، ۲۵۷
فربوله، ۲۶۶	فايوقى، ۱۹۶	فافبوس، ۵۷	فاخر، ۹۶
فریهن، ۸۳	فأسِيّ، ۶۶	فافس، ۸۱	فاخور، ۲۲۱
فربیون، ۳۷، ۵۵، ۲۲۴	فبالَّة، ۲۷۳	فافل، ۲۲۸	فادرونی، ۲۵۶
فَرْثَانْيون، ۵۸	فباواریس، ۱۵۱	فافير، ٧٥	فارالْيون، ۱۳۴
فَرْجِ الأَرْضِ، ١٨٠	فَتائل الرُهْبان، ٢٢٣	فافيوس الحدقي، ٥٧	فارس العود، ١٠٩
فَرْخار، ۲۲۵	فتحوريون، ۲۹۷	فاقوس، ۲۰۷	فارس الماء، ١٧١
فُرُزْد، ۹۹	فت، ۱۲۹	فاقير (مصر)، ٧٥	فارستاريون، ۱۵۶
فِرزدجويبار، ۴۴	فُجْل، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۶	فالبرس، ۲۲۳	فارسطاريون، ۱۵۶
فرسانا، ۷۶	فجل الصغير، ٢٧٤	فالِبَرْنُس، ۲۲۳	فارسطاريون، ۱۵۶
فَرْسِساآ، ۲۶۶	فُجْل الماء (مغرب)، ٢٣٥	فالسيسبانة، ٣٥	فارُسطازيون، ۱۵۶
فرسطاريون، ٧٣	فجل باعشقی، ۲۲۴	فالنجيطس، ٢٢٣	فارس ناريون، ۱۵۶
فرسطاليون، ۱۵۶	فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳،	فالنجيقُن، ٢٢٣	فارغه، ۲۲۲
فرسک، ۱۳۹	774	فالِنْجِيْقَن، ٢٢٣	فارق، ۹۶
فِرْسِک، ۱۳۹	فجل رخامی، ۲۲۳	فالنجين، ٢٢٣	فارقلومانن، ۱۶۰
فَرْسِياا، ۷۶	فجل شامی، ۲۲۴	فالىبورس، ٢٢٣	فارنوخيانا، ۱۱۸
فرسیون، ۲۸۰	فجلن، ۹۰	فاليريس، ٢٢٣	فارنیا (نبط <i>ی</i> )، ۵۹
فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲	فِجن، ۶۲	فالينوس، ١٨٣	فاس، ۶۶
فرصاد، ۹۵	فُجْن، ۷۴	فالْيورُس، ۱۶۸، ۱۸۵	فاسی، ۲۲۲
فِرصاد (بصره)، ۹۵	فجی، ۱۳۰	فاليُورس، ٢٢٣	فاسیلس، ۵۴
فرفجين، ٨٢	فَخْدا، ٥٩	فالْيورُّون، ۱۶۸	فاسیلون، ۵۴
فرفخ، ۸۲	فَخْذ، ۵۹	فاناقس ابراقليون، ١٠٠	فاشار، ۲۲۲
فَرفخ، ۲۶۶	فدلقم، ۲۵۲	. فاناقس اسفينوس، ٢٢٣	فاشر، ۷۸
فرفخ البرى، ٨٢	فِرااشُن قافالوطُن، ۲۵۲	فـاناقس أسـقلبيوس، ١۶۵،	فاشرا، ۱۵۴، ۲۲۲، ۲۹۷
فرفه، ۸۳	فرابیون، ۵۷	777	فاشَرا، ۲۲۲
فَرْفِير، ۸۳	فراخشنه، ۲۶۹	فاناقس أيراقليوس، ١٠٠	فاشِرِسْتِين، ۲۲۲

فرفیر، ۸۹	فْسُودُودِقْطمْنُن، ۲۸۱	فُطر، ۲۲۱، ۲۲۶	فلاخان، ۱۸۳
فرفین، ۸۲	فْسودودِيقطامْنُن، ٢٨١	فِطر، ۲۲۶	فلار، ۳۵
فرفینه، ۸۳	فسودوديقطامين، ۲۸۱	فطراساليون، ٧٨، ٢٥٣،	فَلاقِينُس، ۶۶
فرفيون، ٩٣	فسوشي ليون، ۸۹	777, 127	فَلال، ۳۴
فَرفيون، ۲۲۴	فسولن، ۲۷۱	فطراسليون، ۲۲۶	فلانج (سندی)، ۵۷
فرقین، ۸۳	فسوليدس، ۲۴۹	فطرياثا، ۲۲۶	فلاوس، ۲۴۰
فرليون، ١٠٣	فسوليدوس، ۲۴۹	فطریون، ۵۴	فلایُّه، ۱۰۵
فرما، ۲۹۸	فسوة الضبع، ٩٣	فَطْسا، ۳۱، ۳۵	فلجون، ۱۵۷
فَرْمِيوس، ۲۲۵	فَسوَة الضبع، ٢٢۶	فعالا، ۲۲۳	فلجه، ۱۵۷
فرنت، ۱۸۳	فسيالانه، ٥٦	فغلاسينوس، ٢٢٧	فلجيون، ١٥٧
فَرَنْجمِشْک، ۵۳	فَشِّ، ٣٠١	فغلامينوس، ٧۴	فلحون، ۱۶۹
فَرَنْجَمِشْک، ۲۲۵	فشا، ۵۷	فغلون، ۲۵۷	فلسب، ۲۴۷
فرنجمشک، ۲۲۵	فشاشیش، ۱۹۸	فغوس، ۱۶۷	فلشراش، ۱۱۸
فرو الحمام، ١٠٧	فشاع، ۱۹۵	فغيلاموس، ٧۴	فلغیدس (نبطی)، ۱۲۶
فرودوهامان، ۲۲۵	فشاع، ۲۲۶	فغْلیس، ۲۹۵	فُلْفُل، ۴۶، ۲۲۷
فروقوديلاون، ۲۲۵	فُشاغ، ۱۶۰	فقاح السورنجان، ٥٣	فلفل، ۲۲۸
فريثا، ۲۲۹	فُشَاعَ، ۲۲۶	فقاح الكرم، ٢٥٥	فلفل ابيض، ۴۶، ۲۲۷
فريرسب، ۲۴۷	فَشَالَ، ۷۲، ۲۰۱	فقد، ۴۱، ۴۱	فلفل اسود، ۲۲۷
فریز، ۹۹	فشاله، ۲۰۱	فُقِّع، ۲۲۶	فلفل الابيض، ١١٢
فريغليون، ۲۴۹	فشرا، ۲۵۸	فَقِعَ، ۲۲۷	فلفل الأبيض، 4۶
فريقا، ۲۷۱	فَشُغ، ۲۲۶	فُقْلامينوس، ٧٥	فُلْفُل الأبيض، ١٣٢
فريقان، ٢٣٥	فشغ، ۲۲۶	فقلامينوس، ٢٢٧	فلفل الأخوص، ۲۷۶
فريقه، ١٢٠	فشقّل، ۱۵۳	فقلامينوس آخر، ٢٢٧	فلفل الأسود، ٧٠
فریقه(شام)، ۱۲۰	فشک، ۹۶	فُقُلامينوس اخر، ٧٥	فلفل الخواص، ۲۷۶
فرينون صواسنين، ٧٠	فصفصة، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶،	فقلوطا، ۲۵۲	فلفل السودان، ۲۲۸، ۲۸۹
فزع اللبوءة، ١٥١	147, 197	فَقُوس، ۲۲۷	فلفل السودان (اندلس و
فژغند (سغدی)، ۲۲۶	فصل مأكول، ٨٥	فقُوس الحمير، ٢٣٣	مغرب)، ۱۶۳
فستق، ۱۱۳، ۲۲۵	فصوليا، ٢٧١	فَقُوس (مغرب)، ۲۳۳	فلفل الصقالبه، ۴۱
فستق الباديه، ١١١	فصون، ۲۷۱	فقوشا، ۱۳۰	فُلْفُلِ الصَّقالِيَه (اندلس)، ۴۱
فُسْتق المصرى، ١٠٩	فضل الجواري، ٨٠	فقوليون، ١٢٥	فلفل الصقالبة، ٢٢٨
فستق الهاويه، ١١١	فضيه، ۲۲۶	فقومیلاس، ۴۱، ۹۴	فلفل القرود، ۲۵۱
فستق (شیراز)، ۱۹۶	فَضِّية، ۶۰	فقیص، ۱۸۳	فلفل الماء، ٢٢٨، ٢٥٤
فست <i>قی</i> ، ۱۱۱	فِضيّة، ١١٩	فقیل، ۲۲۶	فلفل بری، ۴۱
فسطاريون، ۱۵۶	فضيِّية، ۲۲۶	فكتلمن، ۴۴	فلفل تر، ۵۷
فَسْغانيون، ۱۴۶، ۱۸۱	فطاریقا، ۴۹	فک <i>ی</i> ، ۲۰۷	فلفل دراز، ۱۴۲
فسلة، ۵۱	فُطْر، ۱۷۳	فل، ۱۳۸، ۲۲۷	فلفل سفید، ۱۴۲
فسليون، ٧٨	فُطُر، ۲۰۱	فَلّ، ۲۲۷	فلفل سياه، ٧٠
فْسُلِّيون، ٧٨	فطر، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۵۸	فلاح، ۲۳۲	فلفلک (طبرستان)، ۱۶۴

فوقاذاين، ٧۴	فودنج البري، ۸۳	فم الطائر، ١٢٩	فلفلک <i>وهی،</i> ۴۱
فُوقُس البحري، ٢٠٠	فودنج التيس، ٢٢٩	فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱	فلفل گرد، ۲۲۷
فُوقِش، ۲۷۵	فودنج بری، ۲۸۱	فمل قریش، ۱۹۷	فلفلمون، ۲۲۸
فوکرم، ۱۱۸	فودنج بستان <i>ی</i> ، ۲۸۱	فَنا، ۲۱۴	فلفلموی، ۲۲۸
فول الحمام، ١٠١	فودنج جبلی، ۱۱۳	فناغيوس، ۲۵۷	فلفل مُويَه، ۲۲۸
فول الحَمام، ۲۴۶	فودنج جوهی، ۱۹۸	فنال، ۱۴۸	فلفل مویه، ۲۲۸
فول الخنزير، ١٢٨، ٢٧١	فودنج نهری، ۲۲۹	فنا (نبطی)، ۲۴۹	فُلْفُلْموية، ٢٢٨
فول الشعال، ۲۴۸	فودیاسایس، ۳۰۰	فنجبون، ۱۷۱	فلفلة، ۲۵۷
فول المجوسي، ٢٧٣	فوذنج، ۲۸۰	فنجريون، ۲۲۸	فلفمون، ۲۲۹
فول (قبطی و مصری)، ۷۳	فوذنجات، ۸۳	فنجنكشت، ۴۰	فلک تاز، ۲۴۵
فوله، ۲۲۸	فوذنج البرى، ٢٠٥	فنجنگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸	فلمویه، ۲۲۸
فوليون، ۱۰۳، ۲۳۰	فوذنج البستاني، ٢٢١	فنجين، ٨٨	فلنجمشک، ۸۳ ۲۲۵
فُولْيون، ۱۰۳	فوذَنج التيسى، ٢٨١	فَنْجِيون، ۲۲۸	فلنجوس، ۲۷۳
فوم، ۱۲۶	فوذنج النهري، ١١٣، ١٩٨	فندَّق، ۸۸، ۱۰۵	فـــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
فونُقْس، ۹۱	فوذنج نهری، ۱۱۳	فندقا، ۸۸	۲۵۰
فونياثا، ٢٢٩	فوذنو (سند)، ۲۲۹	فندق هندی، ۵۲ ۵۴	فلنلمنكا، ٢٢٥
فُوَّه، ۲۳۰	فورا، ۱۲۶	فنطافلون، ۸۸، ۱۵۲	فُلُور اورو، ۸۰
فوه الصباغان، ٢٣٠	فورٹرون، ۲۰۵	فنطافیلن، ۴۱	فلوريقا، ۱۹۶
فوه الصباغين، ٢٠٨، ٢٣٠	فورثون، ۲۰۵	فنطافيلون، ۸۸	فلورينه، ۱۴۹
فوه الصبغ، ۲۳۰	فورُس، ۱۲۶	فنطسی، ۱۲۴	فلوس، ۲۷۷
فوهق، ۲۴۵	فورس، ۲۵۸	فنقراطيون، ۲۴۳	فلوسطيون، ۱۰۴
فوهل، ۷۶، ۲۴۵	فورش ابجي، ۲۷۵	فنقين، ١٠٣	فُلُوسه كُد، ۱۴۰
فوة البرانية، ٨۶	فوروفش، ۱۵۵	فنلیه، ۷۸	فلوغوناطُن، ۲۱۰
فُويْلُه، ۲۷۳	فورینه، ۱۴۹	فنيفس، ۲۳۶	فلوقاریش، ۲۸۰
فیاس، ۶۶	فوريون، ۲۵۷	فنيفساغريون، ۲۳۶	فلوقرنيا، ۲۳۷
فیاقه، ۹۳	فوشنه، ۲۲۶	فُنَيْكُس، ٩٥	فلوماین، ۱۸۵، ۲۰۵
فياقيدنوس، ١٥٢	فوضوفش، ۱۹۸	فُو، ۲۲۸	فلومس، ۲۳، ۹۰
فیثمون (فاس)، ۵۵	فوطينوس، ۲۲۴	فو، ۲۲۹، ۲۸۸	فْلُومُس، ۹۰
فَيْجَل، ۱۶۷	فوعين، ۲۳۰	فواحش، ۹۲	فلومس اذاؤش، ۱۵۳
فيجن، ۱۶۷	فوغلی، ۲۲۳	فوباروم (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۲۹	فلومس صغير، ۶۰
فیخیون، ۱۱۹	فوفارون، ۱۲۵	فوباکینوم (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۲۹	فلومس مُقْرُن، ۶۰
فیزیدجاغی، ۱۳۲	فوفل، ۵۴ ۲۴۸	فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹	فليطش، ۸۷
فيشوثا، ٣٣	فَوفَل، ۲۳۰	فوتنج البرى، ١٠٥	فُلَيفلة، ۲۲۸، ۲۴۸، ۴۹۶
فیطل، ۲۰۴	فُوفَل، ۲۳۰	فوتنج بستانی، ۱۲۲	فليفلة، ۲۹۶
فَيطل، ۲۰۴	فوفلا، ۲۳۰	فوتنج نهری، ۲۲۹	فليمن، ۵۷
فيغانُن، ١١۶	فوفيلاطينوس، ٧۴	فوثا، ۲۳۰	فليورش، ۲۱۴
فیغانن، ۱۶۷	فوقادانُن، ۳۰۰	فودنج، ۱۹۵	فُلَيه (مصر)، ۲۲۹
فیغانُن، ۱۶۸	فوقاذانُن، ٧۴	فودَنَج، ۲۲۹	فم، ۲۲۹

ن اغریون، ۱۶۷	قاتل الدُّب، ٢٣١	قاطر (صيادله)، ۱۴۶	قَبْأَة، ۱۴۷
را، ۱۲۵	قاتل الذئب، ۴۲، ۱۲۸	قاع قُلًا، ۲۳۲	قبتورية، ۲۵۴، ۲۵۸
ر باطس، ۲۵۰	قاتلَ العَلَق، ٢٣١	قافلا (لاتيني)، ۷۶	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳
184.	قاتل الكلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱	قافنون، ۲۶۲	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳
اغریون، ۲۳۶	قاتل النحل، ٢٣٢، ٢٩٢	قافنیس، ۲۶۲	قبسطلیه، ۵۴
فا (عبرانی)، ۵۷	قاتل النمر، ١٢٨	قاقالیا، ۲۸ ۲۳۲	قبسطون، ۲۷۷
ے، ۱۲۶	قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲	قاقل، ۵۲، ۲۳۲	قبلعی (مشرق)، ۲۰۷
س، ۱۰۵	قاذارُش، ۱۵۳	قاقلا، ۲۴۳	قبلوط، ۲۵۲
مورا، ۱۰۵	قاراطیا، ۱۳۲	قاقُلُه، ۲۳۲	قَبِلُه موره، ۲۵۷
99	قاراطیطس، ۶۷	قاقله، ۲۳۲، ۲۳۵	قبی، ۹۶
منتيره، ١٠٥	قاراطیطُس، ۱۳۴	قاقله الصغار، ٧٠	قُبْيُط، ٢٨٩
PYY	قاراماون، ۸۰	قاقله صغار، ۲۹۶	قُبَيْطاء، ٢٨٩
لماريون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵	قارًباسَیْلقا، ۱۰۷	قاقله صغير، ٢٣٢	قبیطه، ۱۹۱، ۲۸۹
وش، ۲۳۰	قارُّبانیطیقا، ۱۰۵	قاقلة صغيرة، ٢٩٤	قَتَ، ۱۲۲، ۱۵۶
موش، ۲۷۳	قارج، ۵۰، ۱۴۸	قاقلی، ۱۵۵	قت، ۱۵۶
ارج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱	قارجی، ۷۵	قاقِلی (قبطی)، ۲۳۲	قتّ، ۲۹۱
وش، ۲۳۰	قارچ، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۰	قاقلی (نبطی)، ۲۸۴	قتاد، ۱۸۹، ۱۵۲، ۲۹۲
را، ۱۱۲، ۲۰۶	قارسطاريون، ۱۵۶	قاقیا، ۲۳۳	قَتاد، ۲۳۳
را، ۲۰۶، ۲۵۱	قارسون، ۲۴۹	قالاس، ۲۴۰	قتاد الأعظم، ٢٣٣
741,	قارطیا هندی، ۱۴۰	قالاض، ۲۴۰	قتاد الصغير، ٥٩
لس، ۲۳۱	قارنوخيا، ۱۱۸	قالامغرسطس، ٩٩	قت البرّ، ۲۹۱
ى، ۹۲	قارنیا (نبطی)، ۵۹	قالامَنْتَى، ١٩٨، ٢٢٩	قتد، ۲۳۴
(اندلس)، ۶۴	قارن <i>ی</i> باروق، ۷۸	قالنجی، ۱۹۲	قثاد، ۲۲۳
	قارو، ۲۵۶	قالير، ١٩٢	قِثَاء، ۱۴۰
ِف <sub>«</sub> ق»	قازوا، ۲۵۶	قاليقيا (شام)، ١٩٣	قِثاء، ٢٣٣
	قارواباسليقا، ١٠۶	قاليورس، ۶۱	قثاء البرى، ٢٣٣
ں قبطی، ۷۳	قاروانا، ۲۵۶	قامارون، ۱۰۶	قثاء البرى الهندى، ٨٥
قى، ٢٣٢	قاروذیا، ۱۰۷	قاماریون، ۲۳۱، ۲۴۲	قثاء البستاني، ۲۳۳
۱۳۴، ۱۳۴	قاروصېثو، ۶۵	قانَش، ۲۵۹	قِثاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳
طیره، ۱۱۹	قارة، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰	قانيوس، ۱۸۳	قثاء الحمار، ٢١٣، ٢٥٣
برة، ۲۸۰	قارة (اندلس)، ۱۷۱	قاوند، ۲۳۳	قثاء الحمير، ٢٣٣
ر، ۲۴۰	قارَّة (اندلس)، ۱۷۱	قبار، ۲۵۰	قِثاء الحيّة، ٢٣٤
طيّاره، ۱۵۷	قاریا، ۱۰۶	قُبُّار، ۲۵۰	قثاء العظلم، ١٢۶
ابنه، ۵۷	قاریباسلقا، ۱۰۶	قبارس، ۲۵۰	قثاء الكبر، ٢٥٣
ابیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱،		قبارومبدوس، ۲۴۵	قثاء النعام، ۱۲۶
, 177, 777	قاطاننقَی، ۲۰۵	قباریش، ۲۵۰	قِثاء الهندى، ١۴٠
اخیه، ۱۳۵	قاطاننقی، ۲۳۲	قبّاسه، ۱۵۳	قِثاء کوچک، ۱۹۸
الحمير، ١٤٥	قاطانیقی، ۲۳۲	قباق، ۲۳۷	قَثَد، ۲۳۴

قَرْظ، ۲۳۷	قرشبیون، ۱۰۳	قراطيا، ١٣٢	قَتْد، ۲۳۴
قرع، ۱۴۲، ۱۵۴	قُرش قَبلُه، ۲۵۷	قراطیارغیون، ۲۳۵	قثد (حجاز)، ۲۳۴
قَرَع، ۲۳۷	قرشی، ۹۶	قراقيا، ۱۵۷	قثل، ۲۳۴
قَرْع، ۲۳۷	قرشيقا، ۱۰۶	قرالنا، ۲۳۵	قثی، ۲۳۴
قرع المُرّ، ٢٣٧	قـــرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵،	قــرانــيا، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۳۵،	قثیون، ۱۹۱
قرع اليابس، ١۴٢	۸۵۱، ۲۲۹، ۲۳۶، ۱۶۲،	YYX	قجلال، ۹۶
قرغار، ۴۶	799	قْرانْیا، ۱۶۳	قجنار، ۸۴
قرفا، ۵۷	قَرَصْعَنَه، ۲۳۶	قرأ، ۲۳۷	قجی، ۲۶۶
قرفلون، ۲۳۸	قرصعنه جبلی، ۲۳۶	قربان، ۱۳۹	قحوان، ۵۷
قِرفِه، ۱۴۱	قرصعنه مسدس، ۲۳۶	قربانیون، ۵۸	قداح، ۱۵۵
قِرفه، ۲۳۸	قرصعنة، ۱۴۳، ۲۵۲	قربض، ۶۵	قدح مريم، ٢٣٤
قِرْفة، ۱۰۷	قَرْصَعْنَّة، ۱۵۲	قربوله (لاتيني)، ۲۶۶	قدروميلا، ۴۰
قِرفة القَرنفل، ١۴١	قَرْصَعْنَة، ١٩١، ٢٣٤	قرثارن، ۱۸۷	قُدلُبَه، ۱۵۱
قِرْقا، ۲۰۹	قِرْصَعْنَة، ٢٢٩	قرثمن، ۲۳۵	قدومه (اصفهان)، ۹۶
قَرقاز (فاس)، ۲۴۳	قرصعنة الزرقاء، ١٩١	قَرْثِی، ۱۸۷	قَذْروس، ۲۳۴
قرقسيون، ٢٣٨	قرصونه، ۲۳۶	قَرْج، ۱۴۸	قذلبه (اندلس)، ۱۵۱
قِرْقِمان، ۲۳۸	قرصیناثا، ۶۵	قرحا، ۲۰۹	قرا، ۲۳۷
قُرْم، ۲۳۸	قرط، ۱۳۲	قرداسات الذوائب، ۱۲۱	قراح، ۲۱۳
قرمامومن، ۲۳۵	قُرْط، ۲۳۶	قردامن، ۱۱۵	قرادامنی، ۱۸۲
قرمد، ۲۵۵	قرطبی، ۱۱۸	قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵	قرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶
قرمقام، ۲۵۶	قرطف، ۲۴۱	قردامومون، ۲۳۵	قرادسینی، ۱۱۶
قَوْمَل، ۱۲۳	قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قردامون، ۲۳۵	قرادمن، ۱۱۵، ۲۳۵
قرمون، ۲۵۱	قُرْطَم، ۱۴۲	قردامینن، ۱۱۶	قرادية، ۱۱۴
قرمیدیا، ۸۰	قَرطم، ۱۶۳	قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۶۱	قراسیا، ۱۱۳، ۲۳۴
قرن الأيّل (اندلس)، ٢٣٥	قُرْطُم، ۲۳۶	قِرْدِمانا، ۲۳۵	قراسیا (دمشق)، ۲۳۴
قرن البحر، ٢۶۴	قِرِطم، ۲۳۶	قُردمانا، ۲۳۵	قراسيون، ۲۴۹
قرنبا، ۱۲۲، ۲۵۵	قرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قَردمانا، ۲۳۵	قُرُاص، ۵۷، ۲۳۴
قْرَنْبا، ۲۵۶	قُرطُمان، ۲۳۷	قردمانی، ۲۳۵	قَراصِيا، ۲۳۴
قرنبا انمارُس، ۲۵۶	قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قردمون، ۱۱۵	قراصياالبعلبكية (اهالي
قرنباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قِرطمانا، ۲۵۶	قردی، ۱۳۳	صقلبه)، ۲۳۴
قُرُنباد، ۲۵۶	قوطم بری، ۱۵۸	ً قرذاليوم، ۱۱۴	قراصیا (مغرب و اندلس)،
قرنباذ، ۲۵۶	قُرطم بری، ۲۳۶	قرذب الاسود، ۲۵۹	114
قرنبا (نبطی)، ۲۸۴	قرطم هسک، ۲۱۰	قَرْذَنالُه (لاتيني)، ٤٣	قراضيا، ۲۳۴
قرنبو، ۲۵۵	قرطم هندی، ۱۱۳، ۲۳۷،	قرذيوله، ٧٢	قراطاأغونن، ۲۳۵
قُرُنْبی، ۱۰۵	797	قرز، ۱۲۱	قَراطارِغُون، ۲۳۵
قُرنب <i>ی</i> ایمارس، ۲۵۶	قرط <i>ی</i> ، ۹۶	قرسطاريون، ۱۷۱	قَراطاط، ۲۳۵
قرنبيط، ۲۵۶	قرظ، ۵۷، ۲۳۷	قرسیون، ۴۷، ۱۵۱	قُراطاغونن، ۱۲۶
قُرْنَج (اندلس)، ٥٩	قَرَظ، ۱۳۲، ۱۹۱	قرشادوقاتا، ۱۲۶	قراطاوس، ۱۴۷

قسيني (لاتيني)، ۲۶۶	٨٤	قريطيقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	قرنساء، ۶۷
قَشُ، ۲۴۰	قسط بحری، ۲۳۹	قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	قرنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶
قشا، ۱۷۴	قسط تلخ، ۲۳۹	قَرَيْعة، ٢٢٢	قرنفار، ۲۵۶
قِشْبَة (حجازی)، ۲۴۰	قسطرن، ۸۷	قُرَيعة، ۲۵۸	قَرَنْفُل، ۲۳۸
قَشْتَنْيُولَه (لاتيني)، ۱۸۰	قسط رومی، ۱۵۳	قُرَيْعة الكتّان، ٢٥٨	قرنفل الارض، ۲۹۱
قشر ترجیه، ۲۴۰	قَسْطَرون، ۲۳۹	قُرَيْعَة الكتان (اندلس)، ١۶٧	قَرنفل بستانی، ۲۲۵
قشطل، ۸۷	قسطريون، ٨٧	قُرَيْعة (اندلسى)، ۵۵	قرنفل جبلی، ۴۶
قشطننیولا، ۸۰	قسطس، ۲۳۹	قرین مو، ۲۲۸	قرنفل شامی، ۲۳۸
قَشْطَنُولَه، ۱۴۵	قُسْطُس، ۲۳۹	قرینوس، ۷۰، ۱۸۰	قرنفليه (اندلس)، ۱۶۵
قُشْعُر (يمن)، ٢٣٣	قسط سفید، ۲۳۹	قْرِينوصْواسِينن، ١٨١	قرنفليه (مغرب)، ۲۳۸
قُشْف، ۲۱۱	قسط سیاه، ۲۳۹	قريوله، ۲۶۶	قرنفول، ۲۳۸
قشقابن فلسديار، ۱۴۱	قسط شامی، ۱۵۳	قُرْيوله (اندلس)، ۲۶۶	قرنقار، ۲۵۶
قشلومن، ۱۱۴	قسط عربی، ۲۳۹	قُرُيولَه (لاتيني)، ۲۶۶	قرنوس، ۱۲۴، ۲۰۸
قشنا، ۲۳۹	قسطل، ۸۶	قِريون، ۲۵۴	قرنوله دِكانْبة، ٥٩
قشوقی (سندی)، ۲۰۹	قُسْطل، ۸۶ ۸۷	قزًاح، ۲۱۲	قَرْنُونُش (لاتيني)، ٢٣٥
قُصاص، ۱۳۷	قَسْطَلَة صغيرُ، ١٨٠	قُزَاح، ۲۳۸	قرنوه، ۲۹۶
قصاص، ۲۴۰	قِسْطَلَة صغيره، ٨٠	قُزُحى، ٨۴	قَرَنْوَة، ۲۳۸
قصب، ۳۷، ۱۵۵	قسط مر، ۲۳۹	قزقحير، ٨٣	قرنه، ۴۶
قَصَب، ۲۴۰	قَسْطنه، ۸۷	قُس، ۲۳۹	قَرنة، ۱۲۹
قصب البردى، ٧٢	قسطوريون، ۸۷	قسا، ۲۳۹	قرنی أغریا، ۲۵۶
قصب الذُّريرَه، ٢٤٠، ٢٤٢	قسطوس، ۲۳۹	قساالحمار، ۱۹۴	قرنیثا، ۲۲۹
قـصب الذهبي (اندلس)،	قسطوليدون، ۲۴۹	قسادق، ۲۶۷	قروسوقيون، ۴۵
7 <b>/</b> 7	قسط هندی، ۲۳۹	قسارت، ۲۶۷	قروص، ۶۵
قصب الذيره، ٢٤٠	قسطیدس، ۲۰۱	قساریسما، ۲۴۰	قروطن (قبرس)، ۱۳۳
قصب الريح (اندلس)، ۲۷۲	قسطیس، ۲۰۱	قس الكلاب (مصر)، ۲۱۹	قروفا، ۲۳۷
قصب الريح (فاس)، ۲۴۰	قسعر، ۲۲۳	قَسْب، ۹۵	قُروقُس، ۱۶۳
قَصَب السُّكر، ٢۴١	قسماط، ۱۳۰	قسب، ۹۵، ۲۳۹	قُرُوْقُس، ۱۶۳
قصب الصين، ١٤١	قسنثانس، ۲۶۶	قسبک (شیراز)، ۹۵	قَرومْیان، ۸۱
قصب بری، ۱۴۷	قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵،	قستوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قرومیدیا، ۸۰
قصب بوا، ۲۴۰	797, 797	قِسْتُوس، ۲۶۵	قرون السنبل، ۲۳۸
قصب جبلی، ۱۴۷	قسُوس، ۱۲۱، ۲۴۰	قسثارون، ۴۶	قرّة العين، ١٠٣، ١٨٢
قصب شوی، ۳۴	قسوة الكلابغلتك، ١٨٣	قسخروطون، ۲۳۹	قُرُّة العين، ٢٣٥، ٢٥٨
قَصْبور، ۲۵۷	قِسِیّ، ۱۹۰	قسس، ۲۶۶	قریثا، ۱۲۶
قَصبه، ٩٩	قِسِّيا، ۱۷۴	قُسُط، ۲۳۹	قریدی، ۱۰۶
قَصبة، ۱۴۸	قِسّيا، ۲۳۹	قُسط الرومي، ١٥٣	قَرِّيص، ۶۵
قصبی، ۲۱۲	قسیاس، ۷۴	قسطانیا، ۸۶	قریص، ۶۵ م
قَصَد، ۲۱۷	قسی (اندلس)، ۲۰۰	قُسْطانيقَى، ٨٤	قَرُّيص، ۶۵، ۱۱۰
قصری، ۹۶	قسیناد، ۲۶۶	قَسْطانيقَى (اهالى سواد)،	قَرَيْص، ۲۵۵

نَصعة، ۲۶۶	قطن، ۱۵۲، ۲۲۶	قُلاقَلَى، ۴۵	قلقاسی، ۲۴۳
فَصْعَة الحمير، ٢۶۶	قَطُّن، ۲۴۲	قلال، ۷۹	قُلقاص، ۹۴
قصفا، ۱۳۳	قطوس، ۳۱، ۳۵	قُلَام، ۶۰، ۱۲۳، ۱۸۲	قِلقال، ۴۵
قصم، ۲۴۲	قطولي، ۲۴۷	قلام، ۲۴۲	قِلقِل، ۱۱۲
•	قطونا، ۷۸	قلّام، ۲۵۴	قُلْقُل، ۲۴۴
قصی، ۹۶	قطیا، ۲۳۳	قلامُس أرّوماطيقس، ٢۴١	قِلْقِل، ۲۴۴
قصيص، ۴۲	قُطَيْطِن، ۲۶۹	قلامُغْرسطس، ۱۴۸	قلقلان، ۱۱۲
قصيصه، ۹۶	قطیفه، ۲۴۲	قلام كرمان، ٢٣٢	قَلقلان، ۲۴۴
قصيم، ۲۴۲	قطییداوس، ۲۳۲	قلامنتی، ۲۲۹	قلقونيا، ۲۴۴
قُضاب مصری (مصر)، ۲۴۱	قعالا، ۱۵۳	قلانتره، ۲۵۷	قُللجة، ٣٩
قُضّام، ۱۲۳	قَعْبَل، ۲۲۶، ۲۴۳	قلانتره كمبانُه، ۲۵۷	قلماس، ۲۴۱
قَضْب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱	قُعْفور، ۸۰	قُلانُش، ۲۴۳	قُلُنْبارس، ۲۰۴
قَضب، ۲۹۱	قعنب، ۸۰	قُلْب، ۲۴۳	قُلُنْبارِش (لاتيني)، ۱۵۶
قضبانا، ۱۱۶	قُغنُب، ۲۴۳	قَلْبِ الأَرْضِ، ١٨٠	قُلُنْبِرِه، ٢٠٤
قهم قریش، ۱۳۲، ۱۹۶،	قَغْنَب، ۲۴۳	قلب النخل، ٩٥	قُلُنْبه قُوِلُة، ٣۴
741	قعیلاس، ۳۴	قلبخ، ۲۲۱	قلنبيل، ۱۴۱
قُطبُ، ۱۱۸	قُف، ۲۲۰	قُلِيرَله، ۲۷۳	قُلُنْبينُه، ١٥٠
قطبا، ۱۱۸، ۲۴۱	قفااً، ۱۰۷	قَلْت، ۱۱۲	قلنديرله، ۶۰
قطبی حمارا، ۲۳۳	مخفالوط، ۲۵۲	قُلْت، ۱۱۲	قلنسد ناردین، ۱۴۱
قطرات کوئی، ۲۴۱	قفاليا، ٢۴٩	قلت، ۱۱۲	قلوب الدحج، ۴۱
قطران، ۳۹، ۲۰۳	قِف (دمشق و شام)، ۳۶	قلتا، ۱۱۲	قلوب النعام، ٥٤
قَطِران، ۱۸۷	قفر، ۲۸۳	قَلْثمان، ۲۲۵	قلودیقی، ۱۹۶
قطریل، ۱۶۸	قفر اليهود، ۵۰، ۱۲۴	قلجونة، ۲۴۳	قلوس، ۲۷۷
قطف، ۸۴، ۱۱۹، ۱۷۰	قفروس، ۱۲۳	قلْخيغن، ۱۰۸	قلوغيطون، ۱۹۶
قَطَف، ۲۴۱	قفطا، ۲۴۱	قُلْخيقُن، ١٨٠	قلوفيا، ٢٣٧
قطفا، ۱۷۰	قَفْعاء، ۲۵۲	قلس، ۱۸۲	قلوماث <i>ی</i> ، ۴۶
قطف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱،	قفل، ۸۲	قَلْسوفُودِيون، ۲۴۳	قلومامش، ۴۶
7,74	قفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲	قلشتر، ۱۸۹	قلومانن، ۱۸۵
قطف بری، ۱۳۹	قفُور، ۲۴۳	قلطانه، ۲۵۰	قْلُومَانُّن، ۱۸۵، ۲۴۴
قَطَف (مغرب)، ۱۷۰	قفورا، ۱۴۳	قلفوح، ۱۵۳	قَلْوْمَايُن، ۲۴۴
قُطْلب، ۱۲۲	قَقُّل، ٨٢	قلفورا، ۱۴۳	قَلومُس، ۲۴۴
قُطلُب، ۱۲۳	ققلامينس، ٢٢٧	قلفوط، ۸۰	قلومش، ۳۳
قُطْلَب، ۱۸۶	ققومیلاس، ۴۱	قلفون، ۸۱	قلوين، ۱۰۳
قطلب، ۲۳۱، ۲۴۲	ققیس، ۲۱۱	قلفونيا، ۱۵۲	قَلِيْ، ۱۲۳
قُطْلُب (شام)، ۲۴۲	قَقِيس، ۲۱۱	قُلْقاس، ٣٤	قلٰی، ۲۴۴
قطلم، ۱۶۶	قلارسیس، ۱۸۴	قلقاس، ۱۸۱	قلیا، ۲۴۴
قطلونيه، ٨٠	قلّاظی، ۹۶	قُلقاس، ۲۴۳	قليجوله، ۱۶۱
قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قلاقل، ۱۱۲، ۲۴۴	قَلْقاس، ۲۴۳	قليقل، ۲۷۴

قوالن، ٧٩	قنديز، ۲۹۵	قنّابری (نبطی)، ۲۴۵	قلیماصیس، ۲۴۱
قوامس، ۷۳		قنابس، ۲۴۵	قليماطيطس، ١۶١
قوبع، ۱۱۴	قنطادوس، ۲۳۶	قَنَابَش، ۱۱۲، ۲۴۵	ت یا ص قلیماطیطس، ۱۶۱
قوتارشوق، ۱۵۲	قنطس، ۲۲۶	قنابش أغريون، ١١٢	يــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
قوتالبريه (صيدلانيه)، ۸۶	قنطورين غليظ، ۲۴۶	قنابوس، ۲۴۵	ت قلینوفودیون، ۲۴۳
قوتری، ۲۵۰	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۴۶،	قناد (مغرب)، ۲۱۴	قُلْيون، ۱۳۶
قوتقس، ۹۱	774	قنار، ۱۱۴	یر قلیون دِغاته (ثغِری)، ۱۳۵
قوث، ۲۹۳	قَنْطُوريون، ٢٢٥	قناروخشک، ۵۳	قليونش دِغاته، ١٥٠
قوثيرا، ١٩٩	قنطوريون الأصفر، ٣۶	قناًریه، ۱۱۴	قليه (مصر)، ۲۲۹
قوج (ترمذی)، ۲۲۶	قنطوريون الجليل، ۲۴۶	قناریه (اندلس)، ۱۱۴	قماشیر، ۲۶۰ قماشیر، ۲۶۰
قودونياميلانا، ١٧٢	قنطوريون الدقيق (اندلس)،	قنّاریه بری، ۱۱۴	قمح، ۱۲۶
قورِس، ۲۹۸	745	قَناريَّه (مغرب)، ۱۱۴	قَمْح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴
قورنیثادطوری، ۲۲۹	قنطوريون باريک، ۲۷۴	قنا صغير، ٢۴۴	ت قمحادرزی، ۱۹۹
قوروقوس، ۱۶۳	قنطوريون دقيق، ٢٠٩، ٢۴۶	قنالُه، ۲۶۹	قمحالبری، ۴۲
قورونُفس، ۱۵۵	قنطوريون صغير، ۲۴۵	قناليون، ۲۴۸	قَمح الحَجَل، ١٢٤
قوریانون، ۲۵۷	قنطوريون طرمقرون، ۲۴۶	قنا (مصر)، ۵۱	قمح السودان، ١٠٠
قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۹۸	قنطوريون طُولْبطون، ۲۴۶	قنامومُن، ۱۴۱	قمح الشيطان، ١٢۶
قوز، ۲۴۲	قنطوريون طوليطون، ۲۴۶	قَنَامُومُن، ۱۴۱	قمح الصقالبه، ۱۲۶
قوسطاريون، ۱۵۶	قنطوريون طوماغا، ۲۴۶	قنا هندي(خوازنه)، ۸۵	قمح جېلى، ١٠٣
قوسی، ۲۰۱	قنطوريون غليظ، ٢٠٩	قِنُّب، ۱۱۲، ۲۴۵	قمح ماناه، ۱۲۶
قوسِيّة، ۲۴۶	قنطوريون كبير، ۲۴۵	قُنُّب، ۲۴۵	قُمْحَة، ٢٤١
قوش اوزی، ۲۱۴	قنطیانی، ۱۰۶	قُنباله، ۲۵۱	قمر، ۵۹
قوشنا، ۲۳۹	قنفذی، ۱۱۸	قِنَّب بری، ۱۱۲	قمرون، ۱۴۳
قوشيا، ٢٣٩	قنقهر، ۲۴۷	قنب (مغرب)، ۲۴۵	قمرة، ٥٩
قوطاما، ۲۴۷	قنلیه، ۱۵۵	قنب هندی، ۲۴۵	قمريت (اصفهان)، ۲۵۵
قوطس، ۲۴۰	قنوبر (سند)، ۱۴۵	قنبيرا، ۲۴۵	قمسیل، ۱۴۸
قُوطُليدُون، ۲۴۷	قنول، ۱۴۱	قُنَّبيط، ۲۴۵	قمش(جرجان)، ۲۷۹
قوطولیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹	قِنَّه، ۲۴۶	قَنبيط، ۲۵۶	قملول، ۲۴۵
قوطوليون، ۲۳۴	قِنَّة، ۷۲، ۲۶۱	قُنَبيط، ۲۵۶	قَمِلين، ١٢٣
قوفا، ۲۴۴	قنة (اندلس)، ۲۵۹	قنّبيط، ۲۵۶	قُمِنْش، ۲۶۲
قوفی، ۴۴، ۲۴۷	قَنٰی، ۲۴۴	قُنُبيط الذكر، ٢٥۶	قمنصانا، ۵۹
قوقابس، ۱۴۸	قُنَيْبه (اندلس)، ۱۱۲	قنبيل، ۲۴۴	قُمَيْحَه، ۲۴۴
قوقالس، ۲۴۷	قَنيره، ۲۸۰	قنتوله، ۲۷۵	قِمیص، ۶۷
قُوقاميلا، ۴۱	قنيقوس، ۲۳۶	قنجوله، ۱۲۲	قُمَیْله(شام)، ۱۱۸، ۱۴۸
قوقامیلا، ۲۱۷	قواباوس، ۷۳	قنخروس، ۱۴۳	قنا، ۲۴۰
قوقو، ۱۶۳	قواد (سندی)، ۲۱۴	قندرون (اصفهان)، ۸۱	قنابری، ۷۶
	قــوال ســريسي (سـندي)،	قُندس، ۲۶۳	قُنَابَرِی، ۲۴۵
قولالة، ٢۶٣	7.9	قندول، ۱۰۹	قنابری (شام)، ۴۸

کازوان، ۲۶۸	•	قونيزا الأصغر، ١٩٩	قولاني، ۲۴۷
کاسات، ۲۴۷	O	قونیون، ۱۹۱، ۲۸۶	قولجياله، ۲۵۶
كاسبيل، ۵۵	<del>-</del>	قويابصل (سند)، ۴۹	قولِلْیُه، ۲۵۶
كاسر الحجر، ١١٢، ٢٤٣	, <del>-</del>	قويارس، ٧٣	قولَلْية، ۲۰۷
کاسنی، ۲۹۷	قیقبان (اندلس)، ۱۰۶	قهلمان، ۲۸۰	قوللية (اندلس)، ۱۷۱
کاسنی بری، ۱۳۹	قَيْقَمُن، ۱۷۸	قهوه، ۸۹	قولوريون، ٧٩
کاسنی رومی، ۲۶۱	قَيقَهَر، ۲۴۷	قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸	قولوط، ۱۲۰
کاش (تنکابن)، ۲۷۰	قیقهن، ۲۴۷	قیبارس، ۱۷۱	قولوقنثا اغريا، ۱۲۶
کاشم، ۶۵، ۲۰۴، ۲۵۳	قیقی، ۱۳۳	قِيبَأَا، ۱۰۸	قولوقونثا، ۲۳۷
کاشِم، ۲۴۸	قیقیدیس، ۲۱۱	قيبوطيسرون، ۲۶۳	قولوقونطس، ۲۳۷
کاشم الریفی، ۲۴۸	قیقیس، ۲۱۱	قیچ، ۲۳۳	قولوقيمن، ١٥٣
كاشم الصغير، ٢٠٢	قیلعی (شام)، ۲۸۶	قیخوریون، ۶۳ ۲۹۸	قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶
كاشم الكبير، ١٥٥	قیلورا، ۱۴۴	قيخوريون قارذنون، ۶۳	قولوكنتش، ۱۲۶
کاشم رومی، ۱۶۷، ۱۸۱	قيمص، ۲۴۷	قيرع، ٢٣٧	قولومينس، ۱۵۳
کاشَم رومی، ۲۴۸	قيموطمشور، ٢٣٣	قیرف، ۲۸۳	قوله د قَبَاله، ۱۵۱
کاش (مصر)، ۵۷	قيموليا، ۴۱، ۲۶۴	قيروان (آفريقا)، ۲۴۳	قولی، ۲۵۶
کاشم صغیر، ۲۴۸	قيمينن اغِريون، ٢۶٢	قیرون، ۲۳۸	قولی اغریا، ۲۵۶
کاشم صینی، ۲۴۸	قيمينون أُغْرِيون، ٢۶٢	قیسادافورسما، ۸۶	قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶
کاشم کبیر، ۱۴۸	قینا، ۲۴۷	قیسارون، ۲۰۱	قولی ایماروس، ۲۵۶
کاشوش، ۱۰۰	قینَهر، ۲۴۷	قيستوس، ۲۶۵	قولی طولی، ۲۵۶
كافافلوس، ۱۲۶	قیوفارروس، ۱۷۱	قیس دافورسما، ۸۶	قوليلية، ١٢٢
کافور، ۲۴۸	قيوند، ٢٣٣	قیسوس، ۲۱۱	قومارقوس، ۱۰۶
کافوربوی، ۵۷		قیسوم، ۷۶، ۲۴۷	قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲
كافوربويه، ۲۴۹	حرف «ک»	قیصر، ۵۹	قوماریس، ۲۴۲
کافوری، ۵۷، ۲۹۰		قسیصوم، ۵۵ ای ۲۶ ۶۲،	قوماليون، ۲۴۷
کافوری نر، ۵۷	کابور (ترمذ)، ۷۵	901, 411, 477	قوماورس، ۲۴۲
کافوریه، ۵۷	کابیج، ۲۳۶	قَيْصوم، ۷۷، ۲۸۱	قومايس، ٤٧
کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹	کاپنهل، ۱۴۱	قَيصوم، ۲۴۷	قومسی، ۲۰۱
كافورية (آفريقا)، ۵۷	کات، ۲۴۸	قيصوم الصغير، ٢٨٢	قومن، ۲۴۷
كافورية (مغرب)، ۱۸۶	کاج، ۱۹۶	قیصی، ۲۸۲	قومنون باسيلقون، ٢٨٩
كافيشه، ۲۱۰	کاجر، ۱۰۳	قیطاقون، ۹۳	قوميا، ۲۳۳
كاڭراسِيْنْكِي، ٢۴٩	کاج (شیراز)، ۱۹۶	قیطس، ۳۱، ۳۵	قومینون، ۲۶۲
کاکره، ۲۰۵	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	قیعرن، ۱۴۸	قومینون انتونیقون، ۲۸۹
کاکسر، ۲۳۲	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	قیفارس، ۱۷۱	قُومْيون، ۴۵
کاکل، ۲۳۲	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰	قيفر، ٩٥	قُونْس باطُس، ۲۹۴
کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴	کاربا، ۲۶۴	قیفرس، ۱۲۵	قونوس، ۱۹۶
کاک ماجهی، ۲۱۴	کاردوالی، ۹۵	قیفروس، ۱۲۵	قُونيزا، ۷۷
کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	قيفوس، ۱۳۳	قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷

کاکَنَج، ۲۴۹	کاهربای، ۲۶۴	کبیکه، ۲۵۰	كثير العُقَد، ٢١٠
كاكنج المرجى، ١٠٧	کاهل، ۱۰۰	کپاس، ۲۴۲	كثير المنفعة، ١٣۶
كاكنج المروج، ٢۴٩	کاهمکه، ۴۳	كپاس كاپهول، ۲۴۲	كثير الورق، ١٥١
کاکنج النهری، ۱۳۷	کاهو، ۱۳۳	کَپور، ۲۴۸	كُثيراء، ١٨٩
کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴	کاهوجرنه، ۳۸	کپور، ۲۶۴	كَثيراء، ٢٥١
كاكُنج (قاهره)، ۲۰۶	کاهیان، ۲۳۶	کت، ۲۳۹	كثيرة الاضلاع، ٢۶٩
کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴	کای پهل، ۱۴۱	کتائی بزرگ، ۷۸	کج، ۲۹۳
کاکنه، ۲۴۹	کایده، ۴۹	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کجتیب، ۶۵
کاکول، ۱۸۸	کاؤل، ۸۰	کِتّان، ۲۵۰	کجور، ۱۶۱
کاکِیان، ۲۳۶	کأس، ۲۴۷	کَتَان، ۲۵۰	کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲
كالاكوت، ۲۴۹	کَبّ، ۲۵۰	کتّان، ۲۵۸	کجی، ۸۷
كالچنگى، ۳۶	کباب چینی، ۲۴۹	كَتُان الماء، ٥٥	کچری، ۱۴۴
کالدم ارمانک (فرنگی)،	کَبابَه، ۲۴۹، ۲۵۰	کتان <i>ی</i> ، ۲۴۵	کچری تلخ، ۲۳۳
74.	کبابه دهن شکافته، ۲۲۲	كَتَبْتَه، ۲۵۱	کچله، ۴۲
كالسّندروس، ۲۶۴	کبابه دهن گشاد، ۲۲۲	کتبنا، ۲۲۲	کَچْنار، ۲۵۲
کال (شیراز)، ۱۰۰	کُبابة، ۲۳۸	کتبیکن، ۱۱۴	کچو (بنگال)، ۲۴۳
کال ماچهی (بنگال)، ۲۱۴	كبابة (عراق)، ۲۴۹	کتبیل (بنگال)، ۲۶۴	کچور، ۱۶۱
کالنجی، ۱۹۲	کبابة هندی، ۲۴۹	کتپایره، ۱۸۳	کچوله، ۴۲
کالو، ۲۴۴	کَباث، ۴۳	كَتَّرْبيلا، ٢٣	کچومن (شیراز)، ۲۴۹
کـــالوسک (ســنجری و	کباث، ۲۴۹	کتکی، ۱۳۰	کحدان، ۲۱۸
سجزی)، ۷۳	کبّار، ۲۵۰	کتم، ۹۳	کحلا، ۳۸، ۳۹، ۱۲۸
کال <i>ی</i> جهانپ، ۷۶	کباس، ۱۲۴	كَتَم، ٢٥١	كحل السودان، ٩۴
کالیدونیون، ۲۰۸	کباعربایا، ۷۱	کتهاجوری، ۲۵۹	کَخلاء، ۲۵۲، ۱۶۹
کالیزیری، ۲۴۹	کیاء، ۲۱۶	کتهل (بنگال)، ۱۰۴	كحلاء الجبلى، ٢٥٢
کامن قزبان، ۲۵۷	کیر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کتهه، ۲۳۹	كحل خولان، ١٢٠
کانده، ۲۴۱	کَبَر، ۲۵۰	کتیرا، ۲۵۱	ڭخل خولان، ۱۲۰
کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴	کبرالرومی، ۴۹	كُتَيلَه، ۲۵۱	گُحل فارس، ۶۶
کاو جشم، ۹۰	کبرک، ۱۱۸	کُتَین، ۲۵۱	گُخُل فارس، ۶۶
کاوجیله، ۲۳۶	کبست، ۱۲۶	كُتَيْنية، ٢٥١	كحل فارسى، ۶۶
کاو چشم، ۵۷	كَپْسـون، ۲۵۰	کثا، ۱۰۲	کحل کرمانی، ۶۶
کاورس، ۱۰۰	کېلاس، ۱۲۴	کثاة، ۱۰۲	کحلوان، ۶۷، ۸۷، ۱۵۳
کاوزاون، ۲۶۸	کبنهی بخفای، ۲۲۶	كَثْأَة، ١٠٢	گحلوان، ۲۱۸
کاو زبان، ۲۶۸	کَبَّة، ۲۵۰	كثير الأرجل، ٧٩	کحیلا، ۳۹
کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴	کبیت، ۲۶۴	كثير الأضلاع، ٢۶٩	کُخیٰلاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲
کاول، ۲۵۲	کبیدانه، ۱۱۱	كثير الركب، ١٨٩	کددی، ۴۹
کاو مکه، ۴۳	كبيشاحمرا، ٢٥٥	كثير الرُّكب، ٢٥٢	کدر، ۲۴۸
کاری، ۴۵، ۲۴۸	کَبِیکَج، ۲۵۰	كثير الرؤوس، ٩٠، ٢٥٢	كدرو (شيراز)، ۶۶
کاوی السپرز، ۴۹	کَبیکج، ۲۵۰، ۲۵۴	كثير العقد، ٩٠	کدو، ۲۳۷

کرک سیاه، ۴۱	كرفس الجبلي، ٢٥٤	کراسیا، ۲۳۴	کدو (شیرازی)، ۸۲
گُرکم، ۱۲۰، ۱۶۳، ۲۷۶	كرفس الريفي، ٢٥٤	کراعی قمصی، ۱۵۳	
کُزکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵	كرفس الشتوى، ٢٥٣	کرانبی، ۲۵۵ کرانبی، ۲۵۵	· ·
کرکما، ۱۶۳		کرا <i>وی سریانی، ۲۵۶</i>	_
كُرْكُم الصغير، ٢٠٨	704	کربخور، ۵۹	_
کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱	كرفس العريض، ٢٥٣	كُوبْرَه، ٢٥٧	
کرکون، ۲۵۵	كرفس العظيم، ٢٥٣، ٢٥٤	کربز، ۲۳۳، ۲۵۳	
کرکی، ۲۵۵	كرفس الماء، ٢٣٥	كربزه الحمام، ۱۸۳	کذی، ۲۹۷
کرکیش، ۵۷	كرفس المجوسي، ٢٥٤	كربزة البئر، ٧۶، ٢٠٣	کراث، ۸۰ ۲۶۴
کرکیشه، ۱۵۹	كرفس المرّ، ٢٥٤	كُرْبُزة البير، ١١٩	کُراث، ۲۵۲
كرلنفسابه، ۳۱، ۳۵	كرفس المشرقي، ٢٥٣	كربزة الحمام، ١٨٣	کَراث، ۲۵۲، ۲۵۳
کُزم، ۲۱۴	. كرفس النبطى، ٢٥٣	کرت، ۲۳۷	
کَزم، ۲۵۵	کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵	کراثادبرا، ۲۵۲
كُزم الأسود، ۲۲۲	کرفس بستانی، ۲۵۴	کِرته (سجزی)، ۱۲۱	کراث الثوم <i>ی</i> ، ۸۰
كرم البرى الأبيض، ٢٢٢	کرفس جبلی، ۲۵۳	کرجاورنکوت، ۷۶	كراث الجبل، ٢٥٢
كرمُ البيضاء، ٢٢٢	كرفس جوئى، ٢٥٣	کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲	كراث الجبلي، ٨٠
كرماله، ۱۴۰	کرفس رومی (جرجان)،	کرچک، ۱۳۳	كراث الجليقي، ٨٠
کرم بر <i>ی</i> ، ۲۵۵	117	کرد، ۱۰۳	كراث الروم، ٨٠ ١٥٣
کرم بستانی، ۲۵۵	کرفس صخری، ۲۲۷	کَردُمانا، ۲۳۵	كراث الريفي، ٨٠
كِرْمُدانه، ۲۵۵	كرفس عظيم، ٢٢٨	کردموم (فرنگی)، ۲۳۲	كُرَّاث الشامي، ٨٠
کرم دشتی، ۲۲۲	کرفس کـوهی، ۱۵۱، ۲۲۷،	کردیلن، ۲۵۳	كراث الشامي، ٢٥٢
كَرْمة البيضاء، ٧٨، ٩٠، ٢١٥،	751	کرزش، ۱۰۳	گراث الشامی، ۲۵۲
777	كرفس مائي، ۲۵۴	کرساخسن، ۱۷۰	كُرّاث الصخر، ٢٥٢
كرمة البيضاء، ٧٨، ٩٢، ٢٢٢	كرفس ماقدوني، ۲۲۷	کرسب، ۲۵۳	كُرّاث الكَرم، ٢٥٢
كرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰	كرفس مشرقي، ۲۵۳	کرسب کوهی، ۲۲۷	كراث الكَرْمي، ٢٥٢
كرمة السوداء (اندلس)، ٩٠	کرفس مقدونی، ۲۵۳	كُرْشُف، ۲۴۲	كراث المائدة، ٢٥٢
كرمة بيضاء، ٢٢٢	کرفش، ۲۵۳	کرسف، ۲۴۲	کراث اندلس <i>ی</i> ، ۸۰
كرمة سوداء، ۲۲۲	كرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	کرسنه، ۱۰۴، ۱۵۶	کراث بری، ۴۸، ۲۰۴
كرمة شائكة، ٢٢۶	کرقشا، ۲۳۵	كَرْسَنَه، ۲۵۳	کُرّاث بری، ۲۵۲
کرمی، ۲۲۳	کرکاس (شیراز)، ۱۴۷	کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کراث جبلی، ۲۲۴
کرمینون، ۲۶۲	کرکاش، ۵۷	کَرِش، ۲۵۳	کُرّاث رومی، ۲۵۲
کرنا، ۲۸۹	کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کرُشاد، ۱۰۶	كرّاث شامي، ۲۴۳
کَرَنْب، ۲۵۵	کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹	کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	گُرُآث شامی، ۲۵۲
كُزنُبُ، ۲۵۵	کرکر، ۱۹۶	کَرَفْس، ۲۵۳	كراث شامي (فلسطين)،
کرنبا، ۲۵۵	کرکرامحری، ۹۳	كرفسادطورا، ۲۵۳	707
کرنبات، ۵۴	كَرْكَرْهَنَ، ٢٥٥	كرفسادميا، ٢٥٣	کراث ملوکی، ۸۰
کرنباد، ۲۵۶	کرکرینا، ۱۲۵	كرفس الاجامى، ٢٥٤	کُرّات نبطی، ۲۵۲
كرنب الاندلسى، ۲۵۶	کرکسن، ۱۰۷	كرفس البستاني، ۲۵۴	کراث نبطی، ۲۵۲

کشرثا، ۲۶۱	707	کرویای دشتی، ۲۳۵	كرنب البحرى، ٢٥٤
كُشْط، ٢٣٩	كسبرة الحمام، ٢٥٧	کرویای (لاتینی)، ۲۵۶	كرنب البرى، ٢٥٤
کشمخه، ۱۲۳	کست، ۲۳۹	کرویه، ۲۵۶	كَرْنب البرى، ٢٥٤
کشمش کاولیا، ۱۴۳	کستج، ۸۴	کرویه (شیرازی)، ۲۵۶	كرنب البستاني، ۲۵۶
کشملخ، ۱۲۳	کَسْتُج (اهالی سواد)، ۸۴	کره، ۵۷	كُرْنُب البستاني، ۲۵۶
كُشْمُلْخ، ۲۴۳	کست (فرنگی)، ۲۳۹	کری، ۲۵۶	کرنب الدوری، ۸۲ ۲۵۶
كُشَمْلَخ، ۲۵۸	کسته (شیرازی)، ۲۱۰	كريشه (بيت المقدس)،	كرنب السواحلي، ٢٥۶
کشمورین، ۲۵۸	کُستی (بنگال)، ۲۱۴	771	كرنب العظيم، ٢٥۶
کُشن، ۲۵۳	کسراف <i>ی</i> ، ۴۹	كَريلا، ۲۵۶	كرنب الكرماني، ٢٥٤
کَشْنَج، ۲۵۸	کسفیون، ۱۴۴	کریله، ۲۵۶	كرنب الكلب، ٢٣١
کشنی، ۲۳۶، ۲۵۳، ۲۹۷	کَسْما، ۶۶	کریون، ۲۴۶	كرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲
کُشنی (شام)، ۲۵۳	كسمكاپهول، ۴۲	كزبر السحرى، ٢٥٧	كرنب النبطى، ٢٥٤
کشوث، ۵۵، ۱۲۳، ۲۵۰	كَسْموقا، ۲۵۷	کزبر الصخری، ۲۵۷	کرنب أندلسی، ۲۵۶
کُشوث، ۲۵۸	كسمويا، ۲۵۷	کزبرناء، ۲۵۶	کرنب بحری، ۲۵۶
کشوثا، ۵۵، ۲۵۸	کسناج، ۲۹۷	كُزْبُرَه، ۲۵۶	کُرنب بری، ۱۳۷
كشوث الجبلي، ٢٥٨	کُشنب، ۲۱۰	كُزْبرة البير، ١٨٧، ٢٥٧	کرنب شامی، ۲۵۶
كُشوث الرومى، ٥٤	کسنتیون، ۲۵۸	كُزبرة البير (دمشق)، ۱۰۴	کرنب نبطی، ۲۵۶
كَشوث الرومي، ٢٥٨	کسنک، ۲۵۳	كُزْبُرَة الثُّغلب، ١٧٩	کُرَنْج، ۴۴
كشوث المجوسي، ٢٥٨	کسنک (شیرازی)، ۲۵۳	كُزْبُرَة الثَّعْلَب، ٢٥٧	کرنج، ۵۹
کَشوث رومی، ۵۶	کَشنی، ۲۹۷	كُزبرة الحبشة، ٩٧	کرنج (تورانی)، ۴۴
کشوٹ زَنْجی، ۵۶	کسنین، ۱۱۹	کزر، ۲۶۳	كرنجونة، ۲۴۳
کشوث فارسی، ۲۵۸	کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰	کززج، ۳۷	کرنونش (فاس)، ۲۲۳
كشوث (مصر، مغرب،	کُشول، ۲۵۷	كزطلخون، ۲۰۵	کرنیبا، ۱۰۶
آفریقا)، ۱۶۷	کسونجی، ۲۵۷	کزمارک، ۴۰	كرواله، ۱۴۰
کشوثی (عراق)، ۱۶۷	كَسُوْنْدِي، ۲۵۷	کَزمازَج، ۵۷	کروان، ۸۲
کشور، ۱۰۳	کس ویران (شیرازی)، ۲۵۰	کزمازج، ۲۰۲	كروش الغنم، ٥٥
کشوش، ۱۰۰	کَسیرو، ۲۵۷	کزمازق، ۴۰، ۵۷	کروفس، ۱۲۷
کشول، ۴۳	کسیفیون، ۱۴۶، ۱۸۱، ۲۵۷	کَزْمازَک، ۵۷	کروکسینه، ۲۳۶
كُشَيْعاء (سجزي جديد)،	کُسَیْلا (نبطی)، ۲۵۷	کزمازک، ۹۳، ۲۰۲	کروندا، ۲۵۶
474	کَسیلی (نبطی)، ۲۵۷	کُزْم (سـجزی و سـمرقند)،	كَرَوْنَدَه، ۲۵۶
كصنتيون، ۲۵۸	کُسَیْنا، ۲۵۸	110	کَرَوْیا، ۲۵۶
كطباس (لاتين)، ١٨٩	کسینثیون، ۱۳۳	کَزْنَه دشتی، ۴۳	كُرُوٰيا، ۲۵۶
كَطف (صحرانشينان)، ۱۷۰	کشبه، ۴۱	کَزوان، ۲۵۷	كَــزويا الجــبلية (انـدلس)،
گُغْر، ۲۵۹	کُشْت، ۲۳۹	کژمین (بنگال)، ۱۴۴	740
کَف ادم، ۲۵۸	كَشْت بَرْكَشْت، ۲۵۷	کسب، ۱۲۶	کَرَوْیا بستانیه، ۲۵۶
كف الأسد، ٢٥٨	كِشتبركِشت، ۲۵۷	کسبت، ۱۲۶	کرویا جبلیه، ۲۳۲
كَفّ الجَذْما، ٤١	کُشتج، ۲۵۸	کسبرتا، ۲۵۷	کَرْوِیا رومی، ۲۳۵
كف الجذماء، ٢٥٨	کشج، ۱۶۲	كسبرة الثعلب (اندلس)،	کروًیانه، ۲۵۵
	_		_

75.	کل کنول، ۲۶۰	کَکْرول، ۲۵۹	كف الدابه، ۱۱۷
كمادريوس النُعُنُعي، ٢٠۴	کلم، ۲۵۵، ۲۵۶	كَكْرُونْده، ۲۵۹	كف الذئب، ٢٥٨
کمادریون، ۱۱۳، ۲۶۰	کلمرچ، ۲۲۷	ککرونده، ۲۶۱	كف السبع، ٨٨، ١٥٢، ٢٥٠،
کماذریوس، ۸۶ ۲۵۹	کلم رومی، ۲۴۵	ککروهن، ۲۴۱	۸۵۲، ۳۷۲
كَماذَريوس، ٢۶٠	کلم کرد، ۲۴۵	ککری، ۲۳۳	كفّ الضبع، ٩٣، ٢٥٠، ٢٥٩
گماشیر، ۲۶۰	کلموج، ۱۵۳	ککن دهول، ۲۲۶	كفُّ الضَّبُعَ، ٢٥٩
كمافيطوس، ٢٠٧	كلموح (اندلس)، ۱۵۳	کلاجن، ۱۳۹	كَف الضَّبُّع (مغرب)، ٢٥٠
كُمافيطوس، ۲۶۱	کل مِهِنْدی، ۲۵۹	کلاغ پا (پهلوي)، ۱۵۵	كف العايشه، ۵۳
كمالايا، ٢٧٥	کَلْن، ۲۶۰	کلاکون، ۹۲	كفّ العذرى، ٩٣
کـماليون، ۵۱، ۱۲۸، ۲۲۴،	کلنبار، ۲۵۰	کل انگور (مکران و قزدار)،	كف العَظابه، ٩٣
781	کلنج، ۶۶، ۲۶۰	٨١	كفّ العُقاب، ٢٠٥
کماه، ۲۲۷، ۳۳۰	کلنجه، ۷۰	کلب، ۲۴۳	كف العقاب، ٢٣٢
کماه (شیراز)، ۲۳۸	کلنک، ۲۵۵	کلبانی، ۵۱	كفّ القِرد، ٢٥٩
کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱	کلنکار، ۲۵۰	کلبک، ۲۵۵	كف الكلب، ٧٥، ٢٥٩
کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰	كَلَنْكُر، ۲۱۴	کُلت، ۲۵۹	كَفّ الْكلب (مغرب)، ٢٥٠
كَماة، ٢۶٠	کلنکرد، ۲۶۰	كلته، ۱۱۲	كَفُّ المريم، ٢٥٩
كماة حمراء، ٢۶٠	کِلْنَکک (بستی)، ۸۳	کلتهه، ۱۱۲	كَفُّ المريمُ (اندلس)، ٢٥٩
كمأة، ٣٨	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کُلْتِه <i>ی</i> ، ۱۱۲	كف النسر، ١١٧
كمأًة، ٢٢١	کلوخ، ۲۷۴	کلتیا، ۲۴۶	كف النسر (مصر)، 49
كَمْأَة، ٢٥٨	کلوقورون، ۱۸۰	کــلخ، ۵۱، ۶۵ ۹۷، ۱۵۴،	كفّ الهرّ، ٢٥٢
كَمْأَة، ٣٨٢	كلول (آذربايجان)، ۱۰۴	777	كَفُّ الهِرَ، ٢٥٩
كَمأة، ٢٨٣	کلونجي، ۱۹۲	کَلْخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۴۸، ۲۴۸	كف الهِرّ، ٢٧٣
کمبنوس (انگلیس <i>ی</i> )، ۲۶۲	کِلُوی، ۲۶۰	کِلْخ، ۲۵۹	كف أجُذم، ٢٥٨
کمثری، ۶۲	کله، ۶۶		كفر اليهود، ١٢۴
کُمُثْری، ۱۴۳	کُلْهار، ۲۶۰	كلخ الصغير، ٣٠٠	کفرجک، ۲۹۳
گَمَثْریٰ، ۲۶۱	کلهاژی، ۱۲۸	كَلْخ الكبير، ٢٥٩	کفرک (شیرازی)، ۱۰۲
كُمَّثرى البُستاني، ۵۷	کَلْیان کاتَه (بنگال)، ۲۶۰	كَلْخ الكبير (اندلس)، ٢۴٥	کِفرّی، ۹۵
کمثری بری، ۲۶۱	کلیجن، ۱۳۹	ک کلخ دلبی، ۱۴۶	كُفَرَىٰ، ٩٥
کمثری جبلی، ۲۶۱	کل <i>ی</i> قیسوس، ۲۹۸	کلخ (مصر)، ۵۱	
کمثری چینی، ۲۶۱	کلیکان، ۲۶۰	کلخ (مغرب)، ۲۴۴	
کمثری حامض، ۲۶۱	کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸	967
کمثری (شیرازی)، ۲۶۱	كليل الملك، ٥٩	کُل داودی، ۲۵۹	کفلیون، ۱۰۳
كَمَرْزَهْرَه، ٢٤١	کلیل ملکا، ۵۹	كلدونيا، ۲۷۶	کف مریم، ۵۳، ۱۸۶
کَمْرَک، ۲۶۱	كليلوطين، ٢٩٧	کِلْز، ۲۵۹	كَفُّ مريم (اندلس)، ٨٩
کمکام، ۱۹۸	کُم، ۲۳۳	کلغه، ۱۲۲	کف مریم حجازی، ۲۵۹
کم کام، ۱۹۸	کمابیونیون، ۱۰۵	کُلکان، ۲۵۲	کفوف، ۹۸ ۹۳، ۹۵، ۹۰۰،
کُمْکُوت (فرنگی)، ۲۶۲	کمات، ۱۲۱	کلکله، ۱۹۵	777, 177, 777
کملاون، ۲۴۸، ۲۷۵	کمادریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰،	کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کفیشون، ۷۲
		•	• -

كوتهمير، ٢٥٧	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کناوس، ۲۶۲	کموتان، ۱۰۳
کوخر (شیراز)، ۱۱۷	کَنْکر، ۱۱۴	کنب، ۲۴۵	کُمون، ۲۶۲
کور، ۲۶۴، ۲۸۳	کنکر البری، ۲۷۰	کَنِب، ۲۶۲	کمون، ۲۶۲
کورار، ۲۲۴	كنكر الكبير، ١١٤	کنباث، ۲۶۲	كمونا، ٢۶٢
کورتره (مازندران)، ۱۰۲	کنکران (ری)، ۲۴۵	کنبشک (سجزی)، ۸۱ ۱۱۱	كمونادبرًا، ۲۶۲
کور سور (کرمان)، ۷۶	کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹	كِنْبَهْن، ٨١	كَمُون الابيض، ٢٠٤، ٢۶٢
کورش، ۱۳۹	کنکررزی (سجزی)، ۲۱۴	کنتور (شیرازی)، ۱۳۳	كَمُّون الارمني، ۲۵۶
کورک (شیراز)، ۲۵۰	کنکرزد، ۱۱۴	کنتو (شیراز)، ۱۳۳	كَمُّون الارميني، ۲۵۶
کورو، ۱۳۲	كَنْكَرْزِد، ۱۱۴	کنجد، ۱۷۶	كَمُّون الأسود، ١٩٢
کوری، ۲۹۳	کنکریس، ۱۱۴	کنجده، ۶۶	كمون الأسود، ٢۶٢
کوری زوله، ۲۱۰	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کنجده (اصفهان)، ۶۶	كمون البرى، ٢۶٢
کوزا، ۲۸۳	کنکون، ۱۶۳	کنجذه (اصفهان)، ۶۶	كَمُّون البرى، ٢۶٢
کوزبویا، ۱۰۷	کَنْکَهی، ۲۶۳	کنجر، ۱۱۴	كُمُون الجبل (بربرها)، ٩٣
کوزد (شیراز)، ۶۶	کنکهی، ۲۸۱	کنجروس، ۱۰۰	كَمُون الحَبَشي، ٢۶٢
كوز كلاغ، ١٠٩	کنکهیه، ۲۶۳	کنخرن، ۱۰۰	كمون الحلو، ٤٧
کوز کندم، ۱۰۷	کنگر، ۱۱۴	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	كَمُون الحُلُو، ٤٧
کوز ماثل، ۱۰۹	کنگر آبی، ۲۳۵	کندبتر، ۱۶۶	كمُون الحلو، ٢۶٢
کوزی بویا، ۱۰۷	کنگرخر، ۱۸۹	کندبیل، ۴۳	كَمُّون الرطالي، ٢٨٩
کوزی دبسما، ۱۰۷	کنگرزد، ۱۱۴	کندر، ۲۱۶، ۲۷۴	كمّون الرومي، ۲۶۲
کوزی دهفاختا، ۱۰۸	کنگر سفید، ۷۱	کُنْدُر، ۲۶۳	كمون الكرماني، ٢۶٢، ٢٨٩
کَوِسک (بستی)، ۷۳	کنگری، ۱۱۴	کندر دریایی، ۲۶۳	كمون الملوكي، ٢٤٨، ٢٤٢
كوشنبُل (تنكابن و ديــلم)،	کنوچه، ۲۸۰	کُنْدُری، ۲۶۳	كموناهندو، ۲۶۲
754	کنه، ۲۴۱	کندریات، ۲۷۴	کمون أرمن <i>ي</i> ، ۲۵۶
کوشاد، ۱۰۶	کَنْهان، ۲۶۳	کندریاث، ۲۷۴	کمون بری، ۲۶۲
کوشت (شیراز)، ۱۲۶	كَنَهْبَلة، ٢۶٣	کندس، ۱۷۱	کمّون حبشي، ۲۶۲
کوشکروا، ۱۱۸	کَنیب، ۲۱۳	كُنْدُس، ۲۶۳	کَمُون حبشی، ۲۸۹
کوشنه، ۲۳۹	کنیب (یمن <i>ی</i> )، ۲۶۳	کندش، ۲۱۶	کمون رومی، ۲۵۶
کوشیر، ۱۰۰	کنیث (یمنی)، ۲۶۳	كُنْدُش، ۲۶۳	کمُون صخری، ۲۶۲
كوكب الارض، ٢٠٤، ٢٢۶	کنیر، ۱۴۵	کندشه، ۲۶۳	کمون ملوکی، ۲۸۹
كوكب الأرض، ٢۶۴	گوار، ۱۹۵	کندل، ۱۷۳	کمّون هندی، ۲۶۲
كوكبة، ۱۵۹	كوار (ديلم)، ۲۵۲	كَندلاء، ٣٤٣	کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰
کوکبیه (شام)، ۱۰۵	کواکب، ۴۶	کندمار، ۲۴۷	كمْينش، ۲۶۲
كوكبية، ۶۰	كوالهربها، ۱۷۶	کندنا، ۲۴۷	کنم،، ۲۶۰
كموكرس انسديكريس	کوامس، ۷۳	کنده بهروزه، ۷۲	کنار، ۱۶۸
(فرنگی)، ۲۸۷	کوبرا، ۲۲۷	کندهیس، ۴۳	کنار (سجزی)، ۲۸۹
کوکروا، ۱۱۸	کوبل، ۲۳۰	کندیتر، ۱۹۹	کناروس، ۱۱۴
کُوکِل، ۲۸۳	كوپركيسو (لاتين)، ۲۵۲	کنزک، ۱۱۸	کنارهوشه، ۵۳
کوکن <i>ی</i> ، ۷۹	كوتاكبنا، ۲۶۲	کنطینوس، ۱۰۴	کناریون، ۱۱۲

کوکوابرس (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۳۴	کهکب، ۷۲	كيلادونيا، ۲۷۶	گردهیار، ۱۰۳
كوكولاوتلا، ٢٣٢	کهکم، ۷۲	کیلجک (دیلم )، ۸۸	گرز دشتی، ۱۸۸
کوکهرو، ۱۱۸	كَهْنَابِاً، ٢٢٣	کیلدارو، ۱۶۹	گرگ مرگ، ۱۲۸
کولان، ۴۹	گهنب <i>ی</i> ، ۲۶۰	کیل دارو، ۱۶۹	گرگیری، ۱۰۲
کولر، ۱۰۵	کهنکالی، ۷۹	کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳	گريال، ۱۰۳
کولرپر، ۱۲۱	کهنک <i>چی</i> ، ۲۱۷	کیل (شیرازی)، ۱۶۲	گز، ۴۰، ۲۰۲
ڭولَم، ۲۲۷	کهوپره، ۲۸۷	کیلکان، ۲۶۴	گز انگدان خوش، ۵۰
كولەپر (مازندران)، ۶۵	کهورات، ۲۶۴	کیله، ۲۸۵	گزانگذان خوش، ۱۲۱
کومرثل، ۲۶۴	کهه ( <b>ش</b> یراز)، ۲۳۸	کیموس، ۱۰۰	گزر، ۱۰۳
كوم (ماوراء النهر)، ٩٩	کهیانا، ۲۲۳	کین، ۱۴۵	گزنه، ۶۵
كومنون اغريون، ۲۶۲	کهیرک، ۷۲	کینار، ۱۴۰	گژ، ۵۱
کومینون، ۲۶۲	کهیکوار، ۱۹۵	كَيْنْتِي بنگال، ۲۶۴	گشت برگشت، ۲۵۷
کوندل، ۷۵	کهیونی، ۱۱۲	کَینکَیط (فاس)، ۸۸	گشن، ۲۵۳
کونده (بنگال)، ۲۳۷	کیا، ۲۸۲	کیوار، ۲۴۸	گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷
کونژده (اصفهان)، ۶۶	کیبارس، ۱۷۱	کیهر، ۲۴۸	گشنیز کوهی، ۲۷۷
کونک، ۲۸۵	کیتکی، ۲۴۸	کیّه (سندی)، ۲۸۲	گل آفتاب پرست، ۳۴
کونکلوس (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۷۳	كَيْخُرُس، ١٠٠	کیهون، ۱۲۶	گلابی (شیراز)، ۲۶۱
كَوْنْلُه، ۲۶۴	کیدونی، ۲۶۱	کیهه، ۲۱۳	گل اربه (شیراز)، ۱۰۳
کونهان، ۲۶۳	کیده (اصفهان)، ۲۴۸	کِیَّة، ۲۸۲	گل انار صد برگ، ۱۰۴
کووارات، ۱۳۲	گیرانس، ۷۳		گل انول، ۱۸۲
کوهان، ۲۶۳	کیرجک (دیلم)، ۸۸	حرف «گ»	گلپر، ۲۴۸
کوهج، ۱۶۲	کـیر کـازرونی (شـیرازی)،		گل حلوا، ۷۹
کوهن (بنگال)، ۲۹۲	144	گاوچشم، ۹۰، ۲۱۷	گل خنق، ۴۲
كوهيان، ٢٥٢	کیرکاکول، ۱۸۸	گاو چشم، ۲۸۰	گل خوشنظر، ۲۷۷
كَوِيْت، ۲۶۴	کیسر، ۱۶۳	گاو دانه، ۲۵۳	گل خیری، ۱۴۰
كويج (اصفهان)، ۱۶۲	كيسرگونه، ۱۰۳	گاودر، ۲۹۸	گل رایبیل، ۱۵۲
کهبانا، ۲۲۳	کیسومر، ۱۰۳	گاورس، ۱۰۰	گل رعنای زیبا، ۲۹۴
کهبنا، ۲۲۳	کیطروناکوس، ۲۳۴	گاوزبان، ۲۶۸	گل روسبیجه، ۲۹۴
کهپرا، ۲۳۴	کیکج، ۱۸۶	گاوزوان، ۲۶۸	گل سرخ، ۲۹۴
کهجور، ۸۷، ۹۴	کیکر، ۱۰۲، ۲۳۷	گاوشیر، ۱۰۰	گل سرخ صحرائی، ۱۴۶
كَهْرْبَا، ۲۶۴	کیکرا، ۲۰۵	گاو مشنگ، ۱۵۶	گل سنگ، ۱۱۷
کَهرباء، ۱۲۷	کیکرکارس، ۲۳۷	گــاومطوسک (شــیرازی)،	گلسنگ، ۲۰۰
كَهْرَباء، ١٢٧	کیکروبیول، ۶۲	144	گــل عـاشقان (خـراســان)،
کهربیج، ۲۵۳	کیکز، ۱۰۲	گدلنفسی، ۳۱، ۳۵	184
کَهْرپا، ۲۵۳	كَيْكُواشْه، ۲۶۴	گربه دشتی، ۴۳	گل عنبرین، ۲۹۰
كِهْرِني، ۲۶۴	کــیک ولرش (طـبرستان)،		گل قبحه، ۲۹۴
کهزک (شیراز)، ۱۰۲	114	گــردو هـندی (شـیرازی)،	گل قحبه (شیراز)، ۲۹۴
که (شیرازی)، ۲۱۳	کیل، ۱۶۲	۲۸۷	گل کافشه، ۴۲

شه (اصفهان)، ۲۱۰	گوشفیل، ۲۷۳	YV, 087	لبلاب الشجر، ۲۶۶
	گون، ۲۳۳، ۲۵۱	لال ساک، ۲۱۰	لبلاب الصغير، ١٨٥
	گیاکو، ۱۷۸	لاله، ۱۸۸	لبلاب الغنم، ۲۶۶
	گیاه آبگینه، ۱۱۹	لاله سرنگون، ۲۶۶	لبلاب الكبير، ٢٤٠
	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	لاله نُعْماني، ۲۶۶	لبلاب المجوس، ١١٣
,	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	لامي، ۲۶۶	لَبْلابِ المجوسي، ٢٤٧
•	گیلاس، ۲۳۴	لانطوفوديون، ۲۶۶	لبلاب بي ثمر، ٢٣٩
	گیل دارو، ۱۶۹	لاورس (فرنگی)، ۲۱۸	لبلیس فرسن، ۲۴۳
1.4	گیله نار، ۲۳۴	لاورشیر، ۱۰۰	لبن الحمارة، ١٥٩، ٢٥٠،
744		لاونطوباطلن، ۲۵۸	757
	حرف <sub>«</sub> ل»	لايچى، ۲۳۲	لبن السودا، ۵۵
به (سجزی)، ۱۳۳		لايحل مول (سندي)، ۱۷۹	لُبْنی، ۵۳، ۲۶۷
	لائی، ۶۶	لباب، ۲۶۶	لبنی، ۲۸۶
	لاباثون، ۱۲۲	لباب القرطم، ۲۶۶	لبنی رومان، ۵۳
	لابس، ۲۵۲	لَبارْذَه (لاتيني اندلس)، ٧٧	لبنی رهبان، ۵۳
	لاثتوريدس، ۱۰۴	لَباشتر، ۲۶۶	لبوكا، ۲۷۵
	لاثوس، ۱۳۶	لَبًاصَة(اندلس)، ۱۲۲	لبيانوا، ۲۶۳
	لاجورديه، ۱۹۴	لب النخل، ٩٥	كَتْكُو، ۲۶۷
	لاحاس، ٥٥	لباله، ۱۰۳	لثوهيرمرطيس، ٢٢٢
	لاحي، ٧٠	لبالَّه، ۲۸۱	لَجالو، ۲۶۷
<u> </u>	لاخشنة، ١٨٩	لُبان، ۲۶۳	لحاح (مصر)، ۵۰
	لادن، ۱۹۸، ۵۶۲، ۲۷۲	لبان، ۲۶۶	لحام الذهب، ٥١
که (تنکابن)، ۱۳۹	لادنه، ۲۶۵	لَبان، ۲۷۴	لحاء الغول، ١٨٧
	لاذن، ۲۶۵	لبانه مغربیه (مصر و شــام)،	لِحاء الغول، ٢۶٧
کوهی، ۲۲۴	لاذن العنبري، ٢۶۵	774	لحكا، ٢۶٩
ی دشتی، ۲۵۲	لاذينون، ٢۶۵	لَبَخ، ۳۵، ۷۶، ۲۶۶	لحوز (شیرازی)، ۲۸۶
	لاذيون، ٢۶۵	لبخه، ۷۶	لِحياني، ۲۶۷
	لاغَرين، ٢٤٥	لَبْرال، ۲۶۶	لحينس الأكليه، ٢۶٨
ست، ۲۴۵	لاعون، ۲۶۵	لبسان، ۹۶، ۱۸۹	لحية الارنب، ١٠٣
	لاعيه، ۲۲۴	لَبسان، ۱۳۱، ۲۶۶	لِحْيَةالتيس، ٩٩
باه، ۴۳	لاعية، ١٢١	لبلاب، ۶۰، ۱۲۱، ۱۴۳،	لحية التيس، ١٥١، ١٨٨،
یاه، ۴۳	لاغوين، ٢۶۵	۵۸۱، ۱۲۰، ۱۷۲	1.7, 727, 887
ندم، ۱۰۷	لاغوبُن، ۲۶۵	لِبْلاب، ۲۶۶	لَحْيَةُ التيس، ٢۶٧
· ·	لاغيه، ۲۶۵، ۳۰۰	لبلاب اعنم، ۲۶۶	لِحْيَة الجَمل، ٢٥٧
	لاقثون، ۲۵۸	لبلاب الأحرش، ٤٠	لحية الحمار، ٧۶
	لاقليشت، ٣٧	لبلاب الأُخرش، ٢۶٧	لحية العنز، ١٥١
	لاقوره، ۱۴۰	لبلاب الجَعْد، ٢۶۶	لحية القنليه، ١٠٣
ک، ۲۶۴	لای سای، ۱۴۳	لَبلاب الحقيقي، ٢۶۶	لِحِية امسون، ٥٥

u.u		AME 1 till t	va .1
لِنْقْوَدِبْوِی، ۲۵۲	لُغبة، ۲۷۰	لسان الطير، ۸۴	اً نے، ۷۵ اَنْ اِنْ الاحت ) ۲۵
لوبادون، ۱۹۳	لعبة البربرية، ٢١٢	لسان العصافير، ١٩٩	لَخْتیرواله (لاتینی)، ۲۱۹ انتہ ۱۸۸
لوبانة المغربيه (مصر)، ۲۲۴	لعبة البربرية (عراق)، ۱۷۹	لسان العَصافير، ٢۶٩	لختيره، ۱۵۵
لُوبانَة (مصر)، ۵۵ عسر	لَعبَة بَرْبَرِی، ۲۷۰	لسان العصفور، ۶۶ ۸۸	لخنیس، ۱۳۲، ۱۴۰ آثر مع
لوبيا، ۱۳۴، ۲۷۱	لعبة مطلقة، ٢٧٠	789	لَخْنيس، ۲۶۸
لوبيا الابيض، ٢٧١	لعل معبری، ۲۴۷	لسان الفَرَس، ۶۷	لَخنيس اغريا، ۲۶۸ أن سالها المها
لوبيانية (اشبيل)، ۴۶	لِغُس، ۴۱ أن برو	لسان الفرس، ۲۵۲	لَخْنِس الأكليلة، ٢۶٨
لوبیای سفید، ۵۴	لَفاح، ۲۷۰ نزار س	لسان الفَرس، ۲۸۰	لخنيس الاكليه، ١٤٠
لوبیای هندی، ۱۴۷	لفّاح، ۳۰۰	لسان الكُلْب، ۲۶۹	لخنيس الأكليلية، ٢۶٨
لوخنیس اغریا، ۶۶	لفاح الجن، ۲۷۰	لسباراغوس، ۲۹۷	لخنيس أغريا، ۲۶۸
لورقی، ۲۹۰	لفاح الهندى، ۲۷۰	لستوپری، ۲۵۰	لخنیس بستانی، ۲۶۸
لورونيا، ۲۷۴	لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰	لسعة (تونس و آفريقا)، ۶۸	لخوخ الماء (اندلس)، ۲۷۲
لوره (لاتینی)، ۱۴۹	لفّاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰	لسوالسومر، ۲۴۳	لخينس، ۱۶۸، ۳۰۱
لُوز، ۲۷۱	لِفْت، ۱۸۹	لسوده، ۱۶۷	لدان (فرنگی)، ۲۶۵
لوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲	لفت الأَحْمَر المُدَوّر، ١٨٩	لسورسطس، ۱۳۶	لديقة، ۶۷
لوز الحلو، ۲۷۱	لفت البلدي (فاس)، ۱۸۹	لسيعه، ۶۸	لذار، ۲۶۶
لوز المُرّ، ۲۷۱	لِفت الجنِّ، ٢٧٣	لشانامرا، ۲۶۹	لرکیماس، ۱۶۳
لوز المر (انطاليا)، ۲۷۲	لفت المحفور، ١٨٩	لشان ثورا، ۲۶۸	لزاق الذهب، ٥١
لوز بری، ۲۷۲	لفت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶	لشان صفرا، ۲۶۹	لزاقُ الدِّهب، ٥١
لوز حلو، ۲۷۱	لفت مدور، ۱۸۹	لَصف، ۲۵۰	لِزاق الذِّهَب، ٢٩٥
لوزدمريرا، ٢٧١	لَفَش، ۲۷۰	لَصِف (اندلس)، ۱۱۴	لزاق الرخام، ۸۶
لوز مرّ، ۲۷۱	لفیدیون، ۱۹۳	لَصَف (اندلس)، ۱۱۴	لژموش، ۱۹۵
لوسطيون، ۱۵۸	لقم القاضى، ١٠٨	لَصَق، ٣٣	لسان، ۲۵۲
لوسوس، ۲۸۶	لُکَ، ۱۷۸	لَصْق، ۲۵۲	لِسان الاِبِل، ۲۶۸
لوسيماخياس، ١۶٨	لُک، ۲۷۰	لِصْق، ۲۷۰	لسان الأبل، ۶۰
<b>لُوسِيماخِيُوس، ۲۷۲</b>	لَک، ۲۷۰	لصيف، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۷۰	لسان الأيُّل، ۶۰
لوسيماخيُوس، ٢٧٢	لَكَاع، ۲۷۱	لصیفی، ۳۳، ۲۷۰	لِسان الأَيُل، ۲۶۸
لوطس، ۲۹۱	لكَّاعة، ٢٧١	لصيقاء، ٣٣، ٢٥٢	لســـان الثــور، ۱۳۸، ۲۵۲،
لوطس اغريوس، ٢٩١	لكونا (تنكابن)، ۲۶۶	لَصيقي، ۲۷۰	P37, •A7
لوطس طوماغا، ۲۹۱	لكونس (لاتين)، ٢۶۵	لطرنه، ۲۵۱	لسان التُور، ۲۶۸
لوطوس، ۸۰ ۱۲۵، ۲۷۲	لما، ۲۱۴	لطوس، ۲۸۶	لسان الجَمل، ٢۶٩
لوطوس اغريوس، ١٢٥	لَم لَم (برنیق)، ۲۷۱	لطين، ۹۶	لسان الحمل، ١١٩، ١٣١،
لوطـوس أغْريوس، ١٢٤،	لنُجِرُويلة، ٢٧١	لطِيئ أزشِميَسة (اندلس)،	۵۰۲، ۹۶۲، ۲۷۰
10.	لَنْجَيطُس، ٢٧١	**	لسان الحَمْل، ٢۶٩
لوطوس سكرار (لاتين)،	لُنْخُيطِس، ١٢٠، ٢٧١	لُعابِ القتيل، ٥٥	لسان الحمل الكبير، ٣٣
170	لَنخيطس، ١٣٢	لعاس، ۲۴۳	لسان الحمل صغير، ٢۶٩
لوعَجيدِيطوس، ٢٧٣	كُنْخيطِس آخر، ١٥٧	لعبت بربری، ۱۷۹، ۲۷۰	لسان الحمل كبير، ٢۶٩
لوغس، ۴۱	لنخيطس آخر، ٢٧١	لعبه، ۲۷۰	لسان السُّبُع، ٢٤٩

ماذریوس، ۲۶۰	لَيْرُونُن، ۱۸۱	لوقیقن <i>شی</i> ، ۷۱	لوغيوس، ۴۱
ماراقونا، ۱۵۷	ليطفورس، ٣٥	لوقيمو بذاس، ١٥٥	لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳
مارثون، ۷۸، ۱۵۲	ليغة، ۲۷۴	لوقيموس، ٥٨	لوفا، ۲۴۶، ۲۷۴
مارَثون، ۱۵۳	ليف، ۲۷۴	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱	لوفاعسقيا، ٢٣٠
مارَثون أغْريون، ١٥٣	ليف البحر، ٥٩، ٢٧٤	لوڤيون، ۱۲۰	لوف الارقط، ٢٧٣
مارجوبه، ۲۹۷	ليفستيقونساسالي، ۲۴۸	لوقىيان، ۱۴۰	لوف البَطّ، ٢٧٣
مارچوپه، ۹۲، ۲۹۷	ليفطيغون، ۲۴۸	لوكا، ٧١	لوف الجعد، ٢٣٠، ٢٧٣
ماردارو، ۲۲۲	ليفيه، ۲۷۴	لوکرون، ۱۴۰	لوف الجَعْد، ٢٧٣
مار درخت (کرمان)، ۹۶	ليقُسْطيقون، ٢۴٨	لوماین، ۲۰۵	لوف الجعد اسخن، ۲۷۳
مارسیسقاء، ۳۹	ليقية، ۲۷۴	لونک، ۸۳ ۲۳۸	لوف الحيه، ٢٣٠
مارّش، ۱۰۳	ليلَنْج، ٢٩٢	لونکهل، ۲۳۸	لوف الحَيُّه، ٢٣١
مارکیا، ۲۹۷	ليم، ۴۰	لَوَنْگ، ۲۳۸	لوف الحيّه، ٢٧٣
مازکیوا، ۲۷۵	ليمو، ۲۷۴، ۲۷۴	لونیا، ۸۳	لوف الحَيَّة، ١٨٤
ماركيوا، ۲۸۸	ليمودار، ٢٩٥	لونيه، ۸۳	لوف الحيَّة، ٢٧٣
مارگیاه، ۲۷۵	ليمون، ۴۰، ۲۴۲، ۲۷۴	لويسطيقون، ۲۴۸	لوف السُّبْط، ٢٧٣
مارمورد، ۳۶	ليمونيون، ۲۷۴	لهسن، ۹۸	لوف السبط (اندلس)، ۲۷۳
مارن، ۱۱۳	ليمونيهماله (فرنگي )، ۴۰	لِهولوقوغَزاتيس، ۲۷۴	لوف الصغير، ٢٧٣
مارنه، ۹۹	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	لیان، ۱۹۸	لوف العقد، ٢٣٠
مارون، ۲۷۵، ۲۷۹	لينُس بُرْمون، ۲۵۱	ليانوون، ۲۶۳	لوف الكبير، ٣٤، ١٠٤، ١٨٤
ماڑون، ۲۷۹	لينُس فرمون، ۲۵۱	لياء، ٢٧١	لوفای فاخر، ۲۴۶
ماریقون، ۱۹۱	لينُش، ۲۷۷	لیباطیش، ۵۹	لوفای کبیر، ۲۴۶
ماریون، ۲۸۰	لينوزسطس، ۱۳۶	لیبانس، ۲۶۶، ۲۷۴	لوفطيون، ۲۶۰
مازر، ۱۵۹	لينوزُسُطيس، ١٢١	ليبانو، ۲۷۴	لوفقطوش، ۱۳۹
مازر (نبط <i>ی</i> )، ۲۷۵	لينوسنطو، ٨٥	ليبانوطس، ۲۷۴	لوف کبیر، ۲۷۳
مازرو (مغرب)، ۱۴۹	لينوفر، ۲۹۲	ليبانوفيلس، ۲۶۶	لوفو سقردين، ٩٨
مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴ ۵۵،	لینوفر هندی، ۶۸	ليبديون، ۱۹۳	لوفینی <i>قی</i> ، ۷۱
171, 191, 607, 197,		ليبنوطس، ۱۸۶	لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱
۵۷۲، ۷۷۲، ۸۶۲، ۰۰۴	حرف <sub>«</sub> م»	ليبيديون، ١٩٣	لوقا، ۱۲۷
مازریون سفید، ۲۷۵		ليبيذيون، ١١٥	لوقابا، ۱۴۰
مازریون سیاه، ۴۶، ۱۲۸	مائده، ۲۵۴	لِيتُسْفَرْمُن، ٢۴٣	لوقابس، ۱۴۰
مازن شیر(بخاری)، ۲۱۱	مائلة، ۲۰۴	ليتوقش، ١٣٣	لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸، ۲۷۴
مازو، ۱۵۴، ۲۱۱	مااستواچچکی، ۲۵۰	ليتوقه كنبيانه، ١٣٣	لوقاس الجبليه، ١٣٣
مازوی ریزه دانه کوهی،	مابرونه، ۱۶۴	ليثانوس، ۲۷۴	لوقاقانثا، ۲۷۴
۱۷۵	ماثرون، ۱۵۲	ليثورسطس، ١٢١	لوقاقانسي، ٧١
ماسفرم، ۲۷۵	مادروپتيم (لاتين)، ۲۲۴	ليخونن، ۱۹۴	لوقاین، ۱۴۰، ۲۷۴
ماسقدون، ۲۷۵	مادله، ۹۹	ليذون، ۲۶۵	لوقبسوس، ۳۷
ماسقود، ۲۷۵	ماديون، ٢٨٧	لیرون، ۵۰، ۲۷۴	لُوقَبْسون، ٣٨
ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	لیرون (مغرب)، ۸۷	لوقيدس، ١٥٥

مدارا، ۲۰۹	متن هنک فار، ۱۲۱	مامون، ۱۱۰	ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱
مُدَبُّقَة، ۵۴	مُثَلِّث، ۲۰۱	مامهستان، ۱۶۶	ماش دارو (شیرازی)، ۲۶۱
مُدرْهَمُالوَرَق، ۵۹	مُثلَّت، ۲۴۷	مامیثا، ۶۷	ماش هندی، ۲۵۹
مدرةالبه (فرنگی)، ۲۶۶	مثلث حجم، ۱۶۳	مامیثا (نبطی)، ۲۷۶	ماش هندی (عراق)، ۱۱۲
مدقوش، ۲۷۹	مثنان، ۵۳، ۹۷، ۵۵۲، ۲۷۵	مامیثای سرخ، ۴۴	ماشیا، ۴۴
مدلوک، ۱۸۸، ۲۵۹	- مَثْنان، ۲۷۷	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۰۸،	ماطَرْشالْبَه (لاتینی)، ۷۵
مدلوكة، ۲۷۳	مثنان آخر، ۲۷۷	777, 277	ماطرشِلْبَة، ۱۶۰
مدهوق، ۱۸۰	مثنی، ۲۹۰	مامیر (قبطی)، ۲۷۱	ر به ماطوفیون، ۲۴۶
مدیکه (فاس)، ۴۹	مجّ، ۱۳۷	مانته، ۱۱۳	ماغره، ۸۰
مُذَهِّب، ۶۱	مج، ۲۷۵	مَانْتَه (لاتيني)، ١٨٢	ماغره الاسود، ۱۵۰
مُذْهِب الكَلَب، ٤٠	مجاج، ۲۷۵	مانداروی تــلخ (شـیراز)،	ماقر، ۱۴۲، ۱۹۹
مُرّ، ۲۷۷	مجتری، ۵۶	75.	ماقوق، ۲۴۲
مراً، ۲۷۸	مجتهه، ۲۳۰	ماوش أوطا، ۳۴	مالابثرَن، ۱۶۷
مراتیا، ۲۹۹	مُجَزُّع، ۱۴۰	ماه فرفین (مغرب)، ۱۰۱	مالابثرون، ۱۶۶
مرادکبار، ۲۷۷	مُجْنَح، ۲۷۷	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	مالاثرون، ۱۶۶
مُرار، ۵۹، ۲۹۸	مُجَنِّن، ۲۴۹	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مالايترون، ۱۶۶
مُرَّار، ۲۷۸	مجنون، ۱۲۵	ما هوبداته، ۲۷۶	مَالْبَه، ۱۲۹
مُرار الصحراء، ١٢۶	مجنون (شام)، ۱۰۵	ما هُو بِذاته، ۲۷۶	مالْبَه اوراطه، ۱۲۹
مرار الصخر، ۱۲۶	محاجم (اندلس)، ۲۷۷	ماهوداُنه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶،	مالْبَه بَسْكَه، ۱۲۹
مرارت فیلا، ۱۲۰	محروت، ۵۰ ۵۵ ۱۲۱	٣	مالْبَه مِلوخه، ۱۲۹
مرارة الفيل، ٢٣١	محروث، ۵۰ ۶۵	ماهودانه (مغرب و اندلس)،	مالثرون، ۱۵۲
مراس، ۹۷	محَسَّنة، ۱۸۷	114	مالسوفلن، ٧١
مراطولس، ۲۴۹	مُحْقيرة (اندلس)، ٥١	ماهومورد، ۳۶	مالْکَنْکْنِی، ۲۷۶
مرّافروط، ۲۷۸	مَحلَب، ۴۳	ماهويدانه، ۲۷۶	مالیا، ۱۴۴، ۲۷۸
مران، ۱۶۰، ۱۷۱	محلب، ۱۱۲	ماهوی دانه، ۲۷۶	مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳
مُرّان، ۱۶۳، ۲۷۸	مَخْلُب، ۲۱۶	ماهيزَهرَج، ٢٧٧	مالِيا، ۲۷۶
مرّان، ۲۰۰	محلولة، ٤٢	ماهی زهرج (شام و عراق)،	ماليبذيون، ١٣٠
مرانیه، ۲۹۹	محموده، ۱۷۳	٩.	ماليسىۋقىلن، ٧١
مراوح الجنُّ، ۲۹۲	مخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	ماهىزهره، ۲۷۷	ماليسوفُلُن، ۲۸۰
مربح، ۲۸۰	مُخبر (فاس)، ۴۹	مبدکهماله (فرنگی)، ۴۰	ماليطا(لاتيني)، ۲۸۰
مِرتُش، ۳۶	مخرج الريح، ١٧٣	مت، ۱۷۱	ماليطانا، ٧١
مُزتُه (لاتینی)، ۳۶	مخلب العقارب الأبيض، ۴۷	متر، ۲۵۳	ماليلوطس، ٥٩
مرتینی، ۹۶	مخلصه، ۱۱۱	مِتْرَسات، ۱۲۹	ماليلُوطُوس، ٥٩
مِرْتيه، ۳۶	مُخَلِّصَه، ۲۷۷	مترکابلی، ۱۳۷	مالينشيون،١٩٢
مُرثان (لاتيني)، ۳۶	مُخَلِّصة، ۱۰۷	مترک کازرونی (شـیرازی)،	ماليون، ٥١
مرج، ۲۲۷	مخنخ (بلخ)، ۸۴	114	ماما، ۲۷۵
مرجان، ۷۹	مَخيطا، ۴۳	متک، ۳۹	ماماقولا، ۱۰۶
مرجان مروارید خرد، ۷۹	مخيطا، ۱۶۷	متکه، ۳۹	مامور، ۱۱۰

مریق، ۵۷	مرو بری، ۲۸۰	مرسیفا، ۷۶	مرج (سغدیه)، ۲۲۷
مُريق، ۱۷۰	مرو تلخ، ۲۸۰	مرسینا آغریا، ۳۶	مرجومک، ۲۰۷
مُرّيق، ۲۱۰	مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰	مَرْسينُس أيمارُس، ٣۶	مرچ، ۲۲۷
مَرْيْمَدهون، ۱۷۸	مرو جبلی، ۲۷۹	مــرسينس أيــماروس، ٣١،	مرچائی، ۱۱۳
مريوت (فاس)، ۲۲۴	مرو خوش، ۲۷۹	45	مَرْخ، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸
مَرُفِيُّه، ۲۸۰	مرودشتی، ۲۹۸	مرسینوس، ۳۶	مرخ، ۲۱۱
مَريُّه الاسود، ۲۸۰	مرو دقیق، ۱۶۳	مرسینی، ۳۱، ۳۵	مرخوش (شیرازی)، ۲۸۰
مريّة ابيض، ٢٨٠	مرورشک (شیرازی)، ۲۸۰	مرطنه، ۹۹	مَرْخة، ۲۰۲
مَرِّية الأبيض، ٢٨٠	مرور (فاس)، ۲۲۴	مَرْطنه، ۱۴۸	مرداراغاجي، ٢١٥
مریی، ۱۸۰	مروریه، ۲۸۰	مرطولست، ۲۷۹	مرداودوش، ۱۱۳
مزابله، ۲۱۴	مرورية، ۲۸۰	مرغ زفانک، ۲۶۹	مُزدايانَج، ٣۶
مزج، ۲۷۱	مروزشک، ۲۸۰	مرفوران، ۲۰۹	مرددوش، ۱۱۳
مزقل الصفّار، ۴۹	مروس، ۲۵۲	مرقد، ۱۰۹	مرددُّوش، ۲۷۹
مســزمار الراعــی، ۲۳، ۶۴،	مروسرز (شیرازی)، ۷۲	مرقِد، ۲۷۹	مرددوش البرى، ١٩٥
٠١٢, ١٨٢	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰	مرقيرة، ١٨٧	مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹
مزوبه، ۲۳۷	مروسیا، ۴۴	مرماحور، ۹۱	مردقوش، ۲۷۹
مزودة، ۲۰۷	مروسیون، ۲۳۲	مَرْماحور، ۲۷۹	مَرْدَقُوش، ۲۷۹
مژو (اصفهان)، ۱۸۰	مروش، ۳۴	مرماحوز، ۲۷۹	مردوش، ۳۴
مسافق، ۲۸۱	مروش آقطی، ۳۴	مرماخور، ۲۷۵	مرّذکی، ۲۷۸
مُستار (زابل)، ۵۶	مروشة (اندلس)، ۲۰۷	مرمار، ۱۵۸	میرز، ۱۵۰
مست رو (شیرازی)، ۲۷۵	مرولیه، ۱۳۳	مَرمازاد، ۲۷۹	مرز، ۲۴۷
مُست (زابل)، ۱۷۱	مروه، ۵۶	مرماطوس، ۲۸۰	مرزجوش، ۳۴
مستسقاقل، ۱۴۸	مرو همیشه بهار، ۲۷۹	مرماهان، ۲۸۰	مَرَزْجون (لاتینی)، ۲۱۰
مِستعجل، ۸۹	مروی مشتقی، ۲۸۰	مرماهوز، ۲۷۹	مرزنجوش، ۳۴، ۶۶، ۱۱۳،
مستعجله، ۸۹	مَرُّويُهُ بُنْتُوشُه (لاتينى)، ٨٧	مرماهوس، ۲۸۰	۰۶۱، ۸۸۲
مُسْتَغْجَلُه، ۲۰۷، ۲۸۱	PV1, 777	مرماهویه، ۲۸۰	مَرزنجوش، ۱۵۹
مسد، ۹۳	مُرُويُه يلبوسه (لاتيني)، ۸۷	مِزملاط، ۲۷۹	مَرْزَنْجوش، ۲۷۹
مَسَد، ۱۵۷	مَرُوية الأبيض، ٢٢۴	مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹	مرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹
مس غات، ۲۸۱	مرة الطوفان، ٢٠٢	مُرناغر، ۱۰۲	مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵
مسقط الأجنة، ٤٨	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	مرناغَر، ۲۸۰	مُرّزير (مصر)، ۲۷۸
مسقینون، ۴۱	مُزيافَلُن، ١١٧	مسرو، ۵۲ ۹۱، ۱۲۷، ۱۴۲،	مرس، ۲۷۹
مسك الارض، ١٠٣، ٢٨١	مریافلُن، ۱۵۱	781, 887, 777, 187	مرساایمارس، ۳۱، ۳۵
مِشک الجِنّ، ۱۰۳، ۱۹۰	مریافلون، ۲۸۰	مَرُو، ۲۸۰	مَرَسَطُسنبطى، ٢٧٩
مسک الجن (اندلس)، ۲۸۱	مريافلون آخر، ۲۸۰	مروازاد، ۲۷۹	مرسلون، ۱۴۱
مسك الرمان، ٢٨٨	مریث، ۸۰	مرو اسود، ۲۸۰	مرسلیطس، ۳۰۰
مسک القرود، ۵۲	مریخ، ۲۸۰	مرو الاسود، ۲۸۰	مرسنین، ۳۱، ۳۵
مُسْكتة، ۲۸۰	مُرَيْراء، ۱۶۴، ۱۹۴	مرو العِراض، ۲۲۱	مرسيا اغريا، ٣۶
مسک جُدُه، ۲۸۱	مُرَيْش، ۱۴۰	مروانا، ۲۷۹	مرسيسا اغريا، ٣۶

مفاتل الراعي، ۶۰	مصفى الرعاة (مغرب)، ۸۶	مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰	مسک طرامسیع، ۲۲۹
مفاتل الرعاة، ۶۰	مض ۱۵۸	مِشْكِرامَشِيع (نبطى)، ۲۸۱	مسک عرامسیع، ۱۲۸
مفاتل المَرعى، ١٥١	مَض، ۲۸۳	مشک زمین، ۱۷۱	مِسكية، ١٥٥
مفرّے، ۲۶۸	مُضيء البساتين، ٧٩	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	مَسْمَقار، ۱۶۱
مَفْرح، ۲۶۸	مُطَبُقة، ۵۴	مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱	مسمقاره، ۱۶۰
ی مفرّح القلب، ۷۱	مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۲۹،	مسمقران، ۱۶۰
ري . مُفْرح قبلب المحزون، ٧١،	مُطر، ۱۵۰	۲۹۹	مَسْمَقْران، ۱۶۱
7,711	مَطْرُ (اندلس)، ۴۹	مشکطرامشیعزور، ۲۸۱	مسمقوره (عجمي اندلس)،
مُفْصِحة، ۴۸	مطردیه (عجمیت اندلس)،	مشكطرامشيع كاذب، ٢٨١	18.
مفَصِّحة، ٢٨٣	747	مشکک، ۱۷۱	مسمقورة، ۱۶۰
مِفْلَق، ۱۳۹	مطرقال، ۹۸، ۲۶۶، ۲۸۲	مشکک (شیراز)، ۱۹۴	مَسَّنالُّه (لاتيني)، ۶۴
مقارجه، ۱۴۸	مَطْرَقال (اندلس)، ۹۸	مشکینجه (اصفهان)، ۲۹۰	مسواک الراعي، ۱۹۳، ۲۸۱
مقارجة (اندلس)، ۹۰	مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	مشماش(مغرب)، ۲۸۲	مسواك العباس، ٢٨١، ٢٩١
مَقّارجة (لاتيني - اندلس)،	مطرقان، ۹۸	مِشْمِش، ۲۸۲	مسواک القرود، ۵۲
٧٠	مطرونیه، ۱۰۶	مشمش، ۲۸۲، ۳۰۰	مسواک القياد، ٢٣٣
مقامح ابلیس، ۲۵۲	مَــطْرونيه (لاتــينى)، ۲۳۱،	مشمش (مغرب و اندلس)،	مسواك المسيح، ٢٣٣، ٢٩٢
مقد، ۵۷	747	٧۶	مَسور، ۲۰۷
مَقدونس، ۲۰۲، ۲۵۳	مظ، ۱۰۴	مشنگ گاوی، ۲۵۳	مسی، ۲۶
مقدونيس، ۲۵۳	مظً، ۱۰۴، ۱۷۴، ۲۸۲	مشو (شیراز)، ۸۹	مسیخا، ۱۸۱
مَقْر، ۱۲۰	مظلل الحمام، ۱۵۶	مشی، ۲۹۰	مشا، ۲۸۱
مقر، ۱۹۵	معد، ۷۲	مشیشترو (فاس)، ۲۲۹	مَشْبِيلُيْن، ۱۶۲
مقرجالة، ٥٨	مُعَطِّس، ۱۷۲، ۲۱۶	مُصاص، ۹۷	مشتان، ۲۸۱
مقشلان، ۸۰	مُعَقِّرَب، ۵۹	مُصاصه، ۱۱۴	مشتجی، ۲۸۲
مُقْفَل، ۲۵۶	مَعْقلاوس، ۲۷۲	مصاصة، ۱۳۴	مشت (شیراز)، ۲۷۵
مُقل، ۵۲، ۲۳۸، ۲۸۳	معین، ۲۷۵	مَصَّاصَة (اندلس)، ۲۶۹	مُشْتَلَيش، ۲۸۲
مقلا، ۲۸۳	مغاث، ۱۵۸	مصاصة (فاس)، ۲۶۹	مشتهی، ۶۳، ۱۶۲
مقل ازرق، ۲۸۳	مُغاث، ۲۸۳	مَصِّ العسل، ٢٨٠	مشحاديرسا، ۱۸۰
مقل اليهود، ۲۶۴، ۲۸۳	مغافير، ۲۸۳	مصباح الروم، ۲۶۴	مشحونا، ۱۷۹
مقلقل (مغرب)، ۹۵	مغد، ۷۲، ۲۷۰	مصطخای، ۲۸۲	مشرقی، ۲۵۳
مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴	مَغْد، ۲۸۳	مصطخی، ۲۸۲	مشط الذنب، ٢٣٣
مقلوب، ۱۱۳	مغدود، ۲۸۳	مَصْطَكَاء، ٢٨٢	مشط الراعي، ١٤٨، ١٤٩
مقلونیا، ۲۸۵	مغربی، ۱۳۲	مصطکی، ۲۰۱	مشط الراعي (مغرب)، ۱۴۹
مقلیاثا، ۱۱۵، ۲۸۴	مُغْزِرة، ۲۸۳	مَصْطَكَى، ٢٨٢	مشط الغول، ۲۸۱
مقلیانا، ۱۱۵	مِغفار، ۲۸۳	مُصطحَى، ۲۸۲	مَشْطُ الغُول، ٢٨١
مَقْليثًا، ١١٥	مُغْفَر، ۲۸۳	مصطنجی، ۲۸۲	مُشْطِيه (لاتيني)، ۲۴۳
مقل یهودی، ۲۸۳	مِغْفَر، ۲۸۳	مُصع، ۶۳	مشک، ۱۸۰
مقیفرون، ۲۶۰	مغفور الرمث، ۱۵۸	مُصَع، ۲۸۲	مشک الجن، ۱۹۰
مقیل، ۳۷	مغیلان، ۶۲	مصغ، ۲۱۷	مشکچوپان (فارس)، ۱۹۰

مُكَثِّر اللَّبَن، ٩٠	ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴	منبهل(سند)، ۱۰۸	مَنْيرَة، ٢٨٥
مكثر اللبن، ۱۰۴، ۲۷۱	ملک طلخه، ۲۹۷	مَنِت، ۲۳۰	مُنَیٰکُو (سواحل زنج)، ۳۳
مکرنه، ۹۹	ملمندر، ۸۸	منتجوشة، ۱۷۸	مُوّ، ۹۳
مكنسة الاندر، ۲۷۷	مِلْمَنْدَر، ۸۸	مَنْتجوشة، ۱۷۸	مو، ۲۸۵، ۲۸۷
مكنسة قرشيه، ۲۷۷	ملوح، ۲۴۲	منتن الرائحه، ٢١٩	مواغُرُن، ۲۸۵
مكوجوا(زنج)، ٩٥	ملوح (شام)، ۲۸۴	مُنْتنة (مصر)، ۲۱۹	موتيه، ۱۵۴
مکویومکوی، ۲۱۴	ملُّوخ، ۲۴۲	منتوله ميورة، ۲۷۵	موجه (اصفهان)، ۲۴۵
مَكَهارَه، ٢٨٤	مُلوخ، ۲۴۲	منتَی، ۱۱۳	موذيان، ۲۴۹
مکّیدش (فاس)، ۵۹	ملوخ، ۲۸۴	منثور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	مُؤرًا، ٩٥
مُكَيْنَسة(لاتينيو، ۲۴۶	ملوخ البطريق، ٢٨٤	مَنْثُور (مصر)، ۱۴۰	موران، ۲۸۷
ملاج، ۶۶	مُلوخی، ۱۲۹، ۲۸۴	منثی، ۲۹۰	مورانه، ۲۸۷
ملًاجه اقوانته، ۱۴۳	ملوخیا، ۸۴ ۱۲۹، ۲۸۴	مَنْج، ۲۸۵	مورجُون، ۱۵۷
ملًاجه بطره، ۱۴۳	مُلوخياالشُّجَر، ١٣۶	منج (بلخ)، ۸۴	مورد، ۳۱، ۳۶
مُلَاح، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳،	ملوخیان بستانی، ۱۲۹	مَنْج زَراوَشان، ۲۸۵	مورداسبرم، ۳۶
474	ملوخيه، ۱۲۹	مند، ۱۶۱	مورداسپرم، ۱۵۹
ملاح، ۲۴۳	ملوخيه (بلخ)، ۲۸۴	منداغورس، ۳۰۰	مورداسفرم، ۳۶
ملّاحی، ۹۶	ملوخیة بری، ۱۳۶	مندبونة، ۲۸۰	مورسقی، ۲۰۲
ملافطون، ۱۲۶	ملوغه، ۱۲۹	مَنْدَراغوس، ۲۷۰	مورقا (اندلس)، ۲۸۵
مَلْبالُه (ثغری)، ۱۳۰	ملوكيه، ١٢٩	مندغورة، ٣٠٠	موریقا، ۲۰۲
ملبند شدرک، ۸۲	ملوکیه بری، ۱۲۹	مَنْده، ۱۱۳	موریقی، ۲۰۲
مُلْبونه، ۲۸۶	ملوكية، ۲۸۴	مَنْ رَای مِثْلی، ۲۵۲	موریون، ۳۰۰
مُلْج، ۲۸۳	ملوكية البحر، ١٢٩	منره وشک، ۱۸۰	موز، ۲۰۳
ملجاله، ۹۸	ملوكية البريه، ١٢٩	مُنْسانَة، ۹۴	مَوْز، ۲۸۵
مَلْجِي، ۱۴۸	مَلُول، ۱۴۰، ۲۷۹	منسانیا، ۹۴	موزق، ۲۸۰
ملجى الابيض، ٩۶	مُلون، ۸۱	منسم، ۲۷۱	موژ (سجزی)، ۱۸۰
ملجي الاسود، ٩۶	ملونیا، ۸۱ ۲۸۵	مُنْسِيّه، ۲۹۸	موس اوطا، ۳۴
ملح، ۲۴۲	ملونية، ٢٨٥	مُنْسِية، ۲۸۵	مُؤسلی، ۲۸۶
ملحتفن، ۱۷۹	ملهتی-حیتهیمد، ۱۸۰	منشحيًا، ٨٩	موسوليون، ۱۴۱
مَلَخْچ (زابل)، ۱۸۰	ملیح، ۲۳۲	منشخا، ۸۹	موسیر، ۴۸، ۹۸
ملس (یمن)، ۲۰۷	ملّیخ، ۲۴۲	مَنْشِم، ۲۸۵	موشانپياز، ۴۹
ملطاه، ۱۴۸	مليسون، ۲۴۶	منطر، ۳۱، ۳۵	موشک (اصفهان)، ۲۵۰
ملطاة، ۲۸۱	مليونا، ٨١	مُنْطِيُدايُون، ٣۶	موفه، ۱۷۱
ىلطىرغون، ۲۶۹	ممسک الارواح، ۴۷	مُنْفتلة، ١٢٩	موقوطس، ۲۲۶
ملفون، ۸۱	مُمْسِک الأرواح، ۴۷	مَنْفُوخة، ۱۷۳	موقولن، ۳۰۰
ئلک، ۱۳۷	ممنون البقر، ۴۱	منفوخة، ۲۴۸	موقیطُس، ۲۲۶
ىلک، ۱۶۲	ممونون، ۲۸۰	منقَسِم لخمسَه أقسام، ٨٩	موکره، ۱۵۴
ىلكا، ٥٩	منّ، ۴۴	منقوسيون، ١٩١	موكوِطيس، ۲۲۶
نُلُک (خواسان))،۱۰۴	مَنْبِج (شام)، ۲۷۶	مُنَوم، ۲۴۹	مُولُسَرِي، ۲۸۶

نارجيل بحرى، ٢٨٧	میلتی (سند)، ۱۸۰	میدیقی، ۲۹۱	ولسري (بنگال)، ۹۰
نارجیل دریائی، ۲۸۷	ميلقص طراخيا، ٢٢۶	میدیکی، ۱۵۶	ولی، ۴۸، ۱۱۶، ۲۲۳، ۲۸۶
نارجین، ۱۳۲	میلُقص لیا، ۲۸۷	میرادون، ۲۸۰	ولي اخر، ۸۵
نارُدس، ۱۷۷	میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳	میردارون، ۲۸۰	وليقنلس، ٩٨
ناردس اقْلِيطيقى، ۱۷۸	میل (مازندران)، ۹۷	میرک کازرونی (شیراز)،	ون، ۲۸۵
ناردوايتاليون (لاتين)، ١٧٧	ميمو، ۱۷۸	117	ونْج، ۲۸۶
ناردوس بری، ۲۲۸	مَيمون، ۲۲۲	میروقوقین، ۱۹۲	ونْدْی، ۲۸۶
ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷	مییمون (مغرب)، ۲۲۲	میزیقیا، ۳۹	مونس الوحش، ۱۴۱
ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸،	ميمونة، ۱۵۸	مَیْس، ۱۲۷	بونس الهموم، ۲۴۵
۸۸۲	مین، ۲۸۷	میس، ۲۷۲	مونک، ۲۷۵
ناردین أغریا، ۲۸۸	مین بل، ۱۰۸	مَیْسَن، ۲۸۶	مويزج، ۱۱۱
ناردین أقلیطی، ۲۸۸	مین پهل، ۱۰۸	می سیب، ۹۴	۔ سویزج عسلی (شیراز)،
ناردین أورن <i>ی</i> ، ۱۷۷	مینزارما، ۲۹۰	میشبهار، ۳۷، ۲۸۰	144
ناردین أور <i>ی</i> ، ۲۸۸	ميواقنثوس، ۲۸۷	میشکجان، ۳۷	مویزک (شیرازی)، ۲۸۷
ناردینبری، ۴۶	میودیون، ۲۸۷	میشنای، ۲۸۶	مویزک عسلی، ۱۴۳
ناردین بری، ۴۶	میورسینه، ۲۰۲	میشناء (سیستان)، ۳۷	موؤس، ۲۸۶
ناردین جبلی، ۲۸۸	مَيوره، ۱۱۳	میشو، ۴۱	مهار، ۱۷۶
ناردین دبرًا، ۴۶	میوس، ۱۰۳	میشهار، ۵۷	مهاکال، ۱۲۶
ناردین صین <i>ی</i> ، ۲۸۸	میوش اوطا، ۸۳	میشی، ۲۱۱	مَهَت، ۴۴
ناردین ناروس (فرنگی)،	میون، ۲۸۷	میعه، ۵۳، ۲۸۶	مَهْد، ۲۸۶
١٧٨	میوه درخت سرو، ۱۷۰	میعه تر، ۲۸۶	مهد (شام)، ۲۰۷
ناردین نهری، ۲۸۸	میوه کاکنج، ۲۰۶	میعه خشک، ۲۸۶	مهرگیاه، ۳۰۰
نارطیطس، ۵۹	میویزج، ۲۸۷	میعه سایله، ۲۶۷	مهرمان، ۵۷
نارغفف (سندی)، ۲۸۸	مِؤُش اوطیش، ۱۱۹	میعه یابسه، ۵۳	مهک (شیراز)، ۱۸۰
نارغیث (سندی)، ۲۸۸		میعه یابسه، ۲۸۶	مهلت، ۱۸۰
نارغیست (سندی)، ۲۸۸	حرف«ن»	ميعة، ۱۸۶	مهلتی (سند)، ۱۸۰
نار فارس، ۲۸۸		مَيْعَة السائله، ٢٨۶	مهندی، ۱۲۵
نار قیصر، ۲۸۸	نابطه، ۲۷۵	مييعَة سائلُه، ٢٨۶	مهیلیون، ۲۴۹
نارک، ۲۸۹	نابِطه (اندلس)، ۱۹۸	ميغالا فالون، ٢۴٩	میئون، ۲۸۵
ناركيو، ۲۸۸	نابلس، ۲۹۵	میغن افرودس، ۱۰۰	مَيامير، ۱۵۶
ناركيوا، ۲۷۵	نابیارش، ۱۸۹	ميقن، ۱۳۴	ميبربان، ۳۶
نارِکَیْوَا، ۲۸۸	ناجو، ۱۹۶	میقن رُواس، ۱۳۴، ۲۸۵	ميبه، ۲۸۶
نارماسیس، ۲۸۸	ناُدس سَنْفارِيطيقى، ۱۷۷	ميقُن افروس، ١٣٥	میتهی، ۱۲۱
نار مِشک، ۱۵۸	ناذبود، ۱۵۹	میکلس، ۲۸۷	میثوبا، ۷۰
نارِمِشْک، ۲۸۸	نار، ۱۰۴، ۱۵۷	میلا، ۹۴	میخک، ۲۳۸
نارنج، ۴۰	نارتکُس، ۲۴۵	مِيلاأُس، ٩۴	میدیغی، ۱۵۳
نارِنْج، ۲۸۹	نارتکس، ۲۵۹	میلانثیاون، ۱۹۲	ميديقاميلا، ۴۰
نارود (لاتين)، ۱۷۷	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	میلانثیون، ۷۰	مَیْدیقی، ۱۵۶

نُضًار، ۲۰۲	79.	نبات سحری، ۲۰۴	نارونه خرما (شيراز)، ٩٥
نضار، ۲۹۰	نرجس ابیض، ۸۰	نبات نورا، ۲۵۵	ناریل، ۲۸۷
نطفثا، ۱۳۶	نرجس الاصفر، ٧٤	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	نارین بری، ۲۲۸
نعاقلیس، ۲۱۱	نرجس مسکین، ۲۹۰	نَبَسيْروله، ۱۵۳	نازبو، ۱۸۳
نعناع، ۲۹۰	نرجس مُقُودَس، ۸۰	نَبْع، ۲۸۹	ناژ، ۱۹۶
نـــعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵،	نرجسينوس (لاتيني)، ۸۰	نبغ، ۲۸۹	ناشپاتی، ۲۶۱
PYY	نردین، ۱۶۶	نبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	ناطس، ۲۱۳
نَعْنَع، ۲۹۰	نرسک، ۲۰۷	نبقیرس، ۸۰	ناطف، ۲۸۹
نعيج الحبشه، ١٠٧	نرسیس، ۸۰	نبنیا، ۲۶۲	ناعمة (اندلس)، ۶۰ ۲۶۸
نغرون، ۱۲۶	ئركسوس، ۸۰	نتهیمائی، ۲۰۲	ناغبشت، ۲۸۸
نغریل، ۹۶	نرکسوس، ۸۰	نجاله، ۲۹۰	ناغیست (سندی)، ۲۸۸
نغزک (تورانی)، ۶۳	نرگس، ۶۷ ۲۹۰	نَجَب، ۱۷۴	ناغیشت، ۲۸۹
نغن خوالان، ٢٨٩	نرنج (فاس)، ۴۰	نَجْد، ۵۹	ناغيطارس طوماغا، ۶۵
نفًاخ، ۱۰۸	نرنسبی، ۶۴	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	ناغيونس، ٢٥٣
نفل، ۱۵۷	نَرُوک، ۲۹۰	نجمه، ۹۹، ۲۱۲	نافع، ۷۸، ۱۵۲
نَفْلِي، ۲۵۳	نزار، ۳۸	نجير، ٩٩	نافوخ، ۱۴۶
نَفَل، ۲۹۱	نُژک (سجزی)، ۲۶۶	نَجير (لاتيني)، ٩٩	نافوس، ۱۰۳
نقخارس، ۱۶۵	نسترن گل، ۲۹۰	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	ناکرون، ۲۹۷
نقد، ۲۱۰	نسج، ۲۶۳	نَجيل (لاتيني)، ٩٩	ناكِسير، ٢٨٩
نقرار، ۹۶	نسرین، ۲۹۰	نحلية، ١٥٥	ناکفف، ۲۸۸
نقل خواجه، ۱۱۱	نسرین زرد بری، ۲۹۴	نحوفس، ۴۳	ناککسیر، ۲۸۹
نقیب (قدس)، ۲۴۲	نسرین زرد بستانی، ۲۹۴	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	ناکمتر، ۲۸۸
نِکَاچونی، ۲۹۱	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نخل، ۹۴	ناکیس، ۲۸۸
نکدبابوی، ۱۵۹	نسطوس، ۲۴۰	نخل المقل، ١٠٩	ناکیسر، ۲۸۸
نکریز (شیرازی)، ۲۳۶	نسليون، ٧٨	نخود، ۱۲۴	نالير، ٢٨٧
نل، ۲۴۰	نسمة، ۲۸۰	نـخود الونـدي (اصـفهان)،	نامی، ۱۵۹
نلک، ۱۶۲، ۲۹۱	نشاط افزا، ۲۴۵	181	نانخاه، ۲۸۹
نْلْک، ۱۶۲	نَشانسُه (لانینی)، ۵۶	نخود دشتی، ۱۲۴	نانخواه ۲۶۲
نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱	نشرا، ۱۶۹	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	نانخواه، ۲۸۹
نمام الملک، ۱۸۲	نُشْقُفْتُن، ٨٩	نَدْغ، ۱۹۵	نانخواه (اندلس)، ۲۲۸
نِم (سند)، ۳۵	نشک، ۲۰۷	نّدی، ۲۹۵	نانخة، ۲۵۶، ۲۶۲
نمشک، ۲۹۰	نَشَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	یربیسی، ۱۰۱	نانخة (اندلس)، ۲۸۹
نملول، ۲۴۵	نَشَم الاسود، ۱۲۷	نَرْتيقُس، ٢٩٠	نانکش (نیشابور)، ۸۱
نمیسقن، ۲۵۳	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نَرْثَقُس، ۲۴۴	نان کلاغ، ۱۲۹
ننعا، ۲۹۰	نَشَم الأَسْوَد (اندلس)، ۱۴۴	نَرْئَقَس، ۲۴۵	نانوخية، ٢٨٩
ننوا، ۲۸۹	نِشَنُک (زابل)، ۱۸۳	نرلقس، ۲۵۹	نایزه، ۹۳
ننوند (شیرازی)، ۱۱۶	نصی (اندلس)، ۱۳۶	نَزِئَقُس، ۲۵۹	نبات ازاد، ۱۰۳
ننهیمائین، ۴۰	نُضار، ۴۰	نــرجس، ۸۰ ۱۸۱، ۲۰۶،	نبات الرعد، ۲۶۰

ورد الحب، ۲۵۰	وازنیر، ۱۴۷	نـــيلَج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱،	نو، ۲۶۸
ورد الحبّ، ۲۵۴	واشوه، ۱۲۹	797	نوارس، ۲۳۳
وردالحب، ۲۹۴	وافلايا، ۶۵	نیل روم <i>ی</i> ، ۱۳۶	نَوارِس، ۲۹۱
ورد الحمار، ۴۶، ۲۹۴	وانسه، ۴۶	نیل فلفل، ۱۱۳	نواصَير، ۳۰۰
ورد الحَماق، ۲۹۴	وانيموروسقلميوس، ٢١٨	نیلن، ۱۱۳	نوجَي، ۱۰۷
ورد الحمه، ۲۹۵	واوزاق، ۱۴۷	نیلوپرک، ۲۹۲	نور مطلیه (فرنگی)، ۱۰۸
ورد الحمير، ٢٢٣	وایله، ۲۲۵	نيلوپهل، ۲۹۲	نوغان، ۴۶
وَرْد الْحَمير(اندلس)، ۲۲۳،	وتلخ، ۲۹۷	نــــيلوفر، ۹۳، ۲۳۲، ۲۵۶،	نوفَر، ۲۹۲
490	وتورَّلْت، ۴۶	777	نوقاقيس، ٢٢٣
ورد الذكر، ۱۰۵	وَتيرُا، ۲۹۴	نيلوفَر، ۲۹۲	نوکانی، ۱۲۱
ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶	وجٌ، ۵۱	نیلوفر ابیض البری، ۸۰	نونياس، ۱۸۹
ورد الزُّواني (اندلس)، ۱۳۶	وج، ۱۶۵	نيلوفر ابيض المائي، ٨٠	نونیناس، ۱۸۹
وَردالزُّواني (اندلس)، ۱۳۶	وَج، ۲۹۳	نيلوفر البِرَک، ۲۸۰، ۲۹۲	نُوَيْفع، ۱۵۳
ورد الزينة، ١٢٩	وجــــاثلق (كــــوهستان و	نيلوفر الصيني، ٢٩٢	نهشک، ۲۹۰
ورد الزينة البرى، ١٢٩	لرستان)، ۱۰۳	نيلوفر القَمَري، ٢٩٢	نهشل، ۱۰۳
وردالشمس، ۲۹۲	وجد (يمن)، ۲۵۱	نيلوفر المجوسي، ٢٩٢	نَهَق، ۷۰، ۱۰۲
ورد العجار، ۲۹۴	وحشى، ۹۶	نیلوفر ترک <i>ی</i> ، ۸۰	نهق، ۱۰۲
ورد الفُجّار، ۲۹۴	وحمو (فاس)، ۱۰۲	نیلوفر ذهبی، ۲۹۲	نه کوهی، ۲۲۸
ورد الفَحْصى، ٢۶۵	وَخشيزق، ٢٩٣	نیلوفر فارسی، ۸۰	نَهْما (نبط <i>ي</i> )، ۲۹۲
وردالمجوس، ۲۹۲	وَدْع، ۲۹۳	نیلوفر مجوسی، ۸۰	نهنمک (ری)، ۱۴۸
ورد بری، ۲۹۴	ودود، ۸۶	نــــيلوفر هــندى، ۵۶، ۶۸،	نُهود القَينات، ٥٤
ورد جبلی، ۲۶۵	وديفرونس، ۲۴۵	777, 777	نی، ۲۴۰
ورد صینی، ۲۹۰	ۇذنىن، ۲۶۰	نیلی (لاتینی)، ۱۹۲	نیاشبرش، ۲۸۲
ورد منتن، ۲۹۵	وربوعن، ۲۴۹	نیلی پشا، ۲۴۸	نیپال، ۲۴۰
ورد موجّه، ۲۹۴	ورحالور، ۲۲۲	نیمفا، ۲۹۲	نیروفَل، ۲۹۲
ورد وفرا، ۱۸۸	ورد، ۱۱۹	نيمفااً، ۲۹۲	نیریون، ۱۴۵
ورس، ۳۹، ۲۵۵	وَرْد، ۲۹۳، ۲۹۴	نيمقا، ۲۹۲	نِیْش (فاس)، ۲۸۲
وَرْس، ۲۹۵	وردا، ۲۹۳	نی نهاوندی، ۲۴۰	نیشق، ۴۱
ورساليون، ۲۵۳	ورد ابیض بری، ۲۹۴	نینیا، ۲۸۹	نیشکر، ۲۴۱
ۇرىس غُندە، ٣٩	ورداحمر، ۲۹۳	نی هندو (سجزی)، ۱۴۰	نیشوف، ۵۱
ورشا، ۲۹۵	ورداحمر بری، ۲۹۴		نیشوق، ۴۱
ورشن، ۲۶۳	ورد احمر بستانی، ۲۹۴	حرف <sub>«</sub> و»	نیطافَلی، ۲۹۲
ورطوری، ۲۹۵	وردادرمانا، ۱۰۴		نيفاطوس، ٢٩٢
ورق الحنا، ١١٣	ورداد صیادی، ۱۴۶	وائی، ۱۳۰	نيقولا الراهب، ٤٠
ورق الخيار، ٢۴۵	وردادصیاری، ۲۹۴	وابنيتون، ۱۸۴	نيقولاوس، ٩٤، ١٨٢
ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹	ورد اصفر بری، ۲۹۴	وادرنگ، ۴۰	نیل، ۱۱۳، ۲۱۱
ورق بنگو، ۷۸	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴	وارد شیران، ۲۸۰	نیل البری، ۲۱۱
ورق زیتون هندی، ۱۹۹	ورد الانهار، ۲۹۲	وارونه، ۱۰۹	نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲

YYY :1: 1	هَدُس، ۳۱، ۳۵	ول، ۲۵۵	44
هزارجشان، ۲۲۲ هزار جشان، ۲۹۷	هدل، ۱۲۰	ون، ۵۵۰ ولان المكي، ۱۲۰	وریزه، ۹۹ وریژ <i>ک،</i> ۲۹۳
هزار جسان، ۱۱۷ هزار سفید (شیرازی)، ۱۱۶	هذوغورون، ۱۴۳	ولان المعلى، ١٠٠ وَلَب، ٢٩٥	ورینه (تبریز)، ۴۶
هزارشاخه، ۲۲۲	هُذيْلة (اندلس)، ۲۹۶	ون، ۸۱	وریه (سریر)، ۱۰ وزد، ۲۱۳
هزارفشان، ۲۲۲	هٔذیلیه، ۱۰۶	ون. ۲۵۸ ونا، ۲۵۸	وزق، ۱۴۴
هزارکشان، ۲۲۲	هراس، ۵۹	ون. ونجهک، ۲۹۶	وری (شیراز)، ۲۲۰
هزارگشان، ۲۹۷	هرانیه، ۲۹۶	وَنْقَارْف، ۴۱	ورف رحیران ۱۰۰ وژه ۲۹۳
هزاره، ۱۰۴	هرتما، ۱۱۳	ونک (شیراز)، ۲۸۱	وسبطون، ۱۶۵
هست چنکهار، ۱۱۸	مر هرزجان، ۲۸۵	وَنْوَشَک، ۸۱	و . رو وسربیلم (لاتین)، ۱۸۲
هٔسَک، ۲۱۰	مرد، ۱۶۳ هرد، ۱۶۳	ونیره، ۸۱	وسق، ۵۱
هسک آقه، ۲۱۰	هُزد، ۲۰۸	ونیریون، ۸۰	وسمه، ۲۵۱، ۲۹۲
هسک توم، ۲۱۰	مر هرداد (اصفهان)، ۱۱۸	وهل (شیراز)، ۲۰۸	وسمة، ۱۳۶، ۲۹۲
هُسُکْفَر، ۲۱۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸	وَيْ اِيَزِه، ٢١٠	وَسْمة، ۲۱۱
هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷	هرسه (شیراز)، ۲۶۶	ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶	وَسمة، ۲۹۲
هشرار، ۱۱۳	هرشه (شيراز)، ۲۶۶	ويطس (لاتيني)، ۴۱	وَسْمةالذُّكَر، ٢١٢
هشقیقل، ۱۸۸	هرطمان، ۲۳۷، ۲۶۳، ۲۹۶	وَيْوَذَ (ترمذي)، ۲۶۰	وسندی کیه، ۲۸۲
هطاطی، ۲۱۷	هرفلوس، ۲۹۶	ویْوَدْه (بخاری)، ۲۶۰	وسيح، ٢٩٥
هطی، ۲۱۷	هرقلو، ۳۹	•	وسیل، ۱۸۸
هفت، ۱۵۶	هَرْقَلُوس، ۲۹۶	حرف «ه»	ۇشىج، ۵۱
هفت برج، ۲۷۵	هرقلوه، ۲۹۶	_	وشجّ، ۵۱
هفت برگ، ۲۷۵	هرقلیون، ۱۸۲	هائجة، ۲۸۰	وَشُجّ، ۲۹۵
هفت بزج، ۲۷۵	هرقوليون، ۱۸۲	هاتورا، ۸۸	وَشْفَنْگ (سجزی)، ۸۳
هفت پهلو، ۲۶۹	هرقیلوس، ۲۹۶	هارْسَنْکَهار، ۲۹۶	ۇشَق، ۲۹۵
هفت زرده (شیرازی)، ۲۹۰	هُرم، ۲۰۰	هازان، ۱۱۳	وشک، ۸۱
هلابوروس، ۱۳۰			
	هَزْنُونْد، ۲۹۷	هازوما، ۱۱۳	وشک (اصفهان)، ۲۲۰
مَلْتی، ۱۷۴	هَرْنُونْد، ۲۹۷ هرنوه، ۲۹۶		
	• •	هازوما، ۱۱۳	وشک (اصفهان)، ۲۲۰
هَلْتِي، ۱۷۴	هرنوه، ۲۹۶	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹
هَلْتی، ۱۷۴ هلدی، ۲۰۸	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وَشیج، ۲۹۵
هَلْتی، ۱۷۴ هلدی، ۲۰۸ هلل (شیرازی)، ۱۲۰	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هرَنُوة، ۲۳۸	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وَشیج، ۲۹۵ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَطْم، ۲۹۵
هَلْتی، ۱۷۴ هلدی، ۲۰۸ هلل (شیرازی)، ۱۲۰ هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هَرَنُوة، ۲۳۸ هَرُوا، ۲۸۶	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وشیج، ۲۹۵ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶
هَلْتی، ۱۷۴ هلدی، ۲۰۸ هلل (شیرازی)، ۱۲۰ هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰ هللیسفاقوس، ۵۹	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هَرَنُوة، ۲۳۸ هَرُوا، ۲۸۶ هروهره، ۶۸	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وَشیج، ۲۹۵ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَطْم، ۲۹۵
هَلْتی، ۱۷۴ هلدی، ۲۰۸ هلل (شیرازی)، ۱۲۰ هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰ هللیسفاقوس، ۵۹ هلموت، ۱۲۲	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هَرَنُوة، ۲۳۸ هَرُوا، ۲۸۶ هروهره، ۶۸ هُره، ۲۹۶	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ هالم، ۱۰۲، ۱۱۵ هالوک، ۱۱۸ هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ هالینوطس، ۵۹	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وشیج، ۹۹۷ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَطْم، ۲۹۵ وَطْه (سند)، ۱۲۰ وغد، ۲۷، ۸۳ وَغْد (آفریقا)، ۵۱
هَلْتَى، ۱۷۴ هلدى، ۲۰۸ هلل (شيرازى)، ۱۲۰ هلل مشكك (شيراز)، ۱۲۰ هلليسفاقوس، ۵۹ هلموت، ۱۲۲ هلو، ۱۳۹	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هَرَنُوة، ۲۸۸ هَرُوا، ۲۸۶ هروهره، ۶۸ هُره، ۲۹۶ هریتکه (گیلان)، ۶۵	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ هالم، ۱۰۲، ۱۱۵ هالوک، ۱۱۸ هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ هالینوطس، ۵۹	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وشیج، ۲۹۵ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَطْم، ۲۹۵ وَطْه (سند)، ۱۲۰ وغد (آفریقا)، ۵۱ وقفتص، ۱۸۳
هَلْتَى، ۱۷۴ هلدى، ۲۰۸ هلل (شيرازى)، ۱۲۰ هلل مشكك (شيراز)، ۱۲۰ هلليسفاقوس، ۵۹ هلموت، ۱۲۲ هلو، ۱۳۹ هلهل، ۹۲ هليانسه، ۱۸۳ هليقون، ۶۸	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هَرَنُوة، ۲۸۸ هرَوا، ۲۸۶ هروهره، ۶۸ هره، ۲۹۶ هریتکه (گیلان)، ۶۵ هری سمن، ۹۶ هزار بندک، ۲۱۰	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ هالم، ۱۰۲، ۱۱۵ هالوک، ۱۱۸ هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ هالینوطس، ۹۵ هاهیرون، ۹۵	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وشیج، ۲۹۵ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَطْم، ۲۹۵ وَطْد (سند)، ۱۲۰ وغد (آفریقا)، ۵۱ وقنص، ۱۸۳
هَلَتَى، ۱۷۴ هلدى، ۲۰۸ هلل (شيرازى)، ۱۲۰ هلل مشكك (شيراز)، ۱۲۰ هلليسفاقوس، ۵۹ هلموت، ۱۲۲ هلو، ۱۳۹ هلهل، ۹۲ هليانسه، ۱۸۳ هليقون، ۶۸	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هرنوة، ۲۲۸ هرنوا، ۲۸۶ هروهره، ۶۸ هره، ۲۹۶ هریتکه (گیلان)، ۶۵ هری سمن، ۹۶ هزین، ۶۸ هزار بندک، ۲۱۰	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۲۰، ۱۱۵ هالوک، ۱۱۸ هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ هالوم، ۲۰۱ هالینوطس، ۵۹ هامیرون، ۹۵ هبید، ۲۲۶	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وشیج، ۹۹۷ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَظم، ۲۹۵ وَظم (سند)، ۱۲۰ وغد، ۲۷، ۸۳ وقفتص، ۱۸۳ وقل، ۲۸۳
هَلْتَى، ۱۷۴ هلدى، ۲۰۸ هلل (شيرازى)، ۱۲۰ هلل مشكك (شيراز)، ۱۲۰ هلليسفاقوس، ۵۹ هلموت، ۱۲۲ هلو، ۱۳۹ هلهل، ۹۲ هليانسه، ۱۸۳ هليقون، ۶۸	هرنوه، ۲۹۶ هرنوة، ۲۲۸ هَرَنُوة، ۲۸۸ هرَوا، ۲۸۶ هروهره، ۶۸ هره، ۲۹۶ هریتکه (گیلان)، ۶۵ هری سمن، ۹۶ هزار بندک، ۲۱۰	هازوما، ۱۱۳ هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶ هال، ۲۳۲، ۲۹۶ هال بوا، ۷۰، ۲۹۶ هالم، ۱۰۲، ۱۱۵ هالوک، ۱۱۸ هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱ هالینوطس، ۹۵ هاهیرون، ۹۵	وشک (اصفهان)، ۲۲۰ وشیج، ۹۹ وشیج، ۲۹۵ وَض، ۲۹۳ وصف الاسود، ۷۶ وَطْم، ۲۹۵ وَطْه (سند)، ۱۲۰ وغد، ۲۷، ۸۳ وقفتص، ۱۸۳

هينگ (سجزي)، ۶۵	هوزید، ۶۸	هلیله زرد، ۶۸
		هليلة سياه، ۶۸
		هلیله کابلی، ۶۸
		هلیله کایم (لاتین)، ۲۴۹
•		هلیله مویزک (شیرازی)، ۶۸
		هليوس، ۲۹۷
		هلیون، ۱۹۸
۵۸۲، ۸۶۲		هَلْيُون، ۲۹۷
هیوفاطاریقون، ۵۴	هوفیلوس، ۳۸، ۱۳۴	هملو (سند)، ۱۱۶
		همون، ۲۲۲
هيوفقسطيداس، ٢۶٧		همیشه بهار، ۳۷
هيوقِسْطيداس، ٢۶۵	هومالمجوس، ٢٩٩	همینا، ۲۷۶
هيوقسطيداس، ٢٩٩	هوم الهرايده، ٢٩٩	هنجمک (ری)، ۲۴۵
هیومافطون، ۲۲۴	هویغون، ۲۹۹	هنداوانه (تبریزی)، ۸۲
	هیتماره، ۱۱۳	هِنْدِبا، ۲۹۷
حرف «ی»	هیدبوا، ۲۹۶	هندبای بری، ۲۹۸
_	هیدهنیگره (فرنگی)، ۲۶۶	هندباء، ۶۶ ۴۸ ،۸۲، ۹۹۲،
یابزوسیون، ۳۹	هیروم، ۴۳	797, 1.7
یاس سفید، ۲۰۵	هیری، ۱۴۰	هِنْدباء، ۱۲۰
ياسمون، ۲۹۹	هیری ارشق، ۱۴۰	هندباء الاجعد، ١٠٣، ١١٩
یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	هیزارما، ۲۹۰	هندباء البستاني، ۲۹۸
ياسَمين، ۲۹۹	هیزارنا، ۲۲۹	هندباء الشامي، ۶۶
ياسمين البر، ١٥٩	هیشر، ۱۱۴	هسندباء بسری، ۱۳۹، ۲۹۶،
یاسمین بری، ۲۰۵، ۲۴۶	هَيْشَر، ۲۹۹	۸ <b>۶۲، ۰۰</b> ۳
یاسمین سفید، ۱۵۲	هیضمان، ۲۲۳	هندباء شامی، ۲۹۸
یسبروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰،	هیطومون (نبطی)، ۱۳۰	هندباء(فاس)، ۲۹۷
۴.,	هيغيرس، ۲۶۴	هندباء هاشمی، ۲۹۸
يَبْروح الصُّنَم، ٣٠٠	هيقلوس، ٣٩	هندوانه، ۸۲
يبروح الصنم، ٣٠٠	هیک، ۱۲۱	هندوانه ابوجهل، ۱۲۶
يبروح الوقاد، ۱۶۸	هیکل، ۲۲۶، ۲۲۷	هنسبدی، ۵۳
يبروح الوقّاد، ١۶٨	هیل، ۷۰، ۲۳۲، ۲۹۶	هنکفار، ۵۰
	هيلابسقون، ۱۵۶	هوارغون، ۵۰
یبروح سریانی، ۲۷۰	هیلانیون، ۱۵۳	هواسمه (مصر)، ۷۶
یبروح صنمی، ۱۶۸	هیل بوا، ۷۰	هوبير، ٣٩
یبروحی، ۳۰۰	هیلورش، ۱۳۰	هوجویه، ۴۰
یبروحی دشینا، ۷۲	هيل وهال، ۲۹۶	هودیا، ۲۶۰
يبلا، ۴۴	هین (سند)، ۱۲۱	هوذاسمون، ۲۹۰
يبيقية، ۳۰۰	هینک، ۱۲۱	هوره، ۲۶۰
	هیوفاطاریقون، ۵۴ هیوفسیطیوس، ۲۷۹ هیوفتسطیداس، ۲۶۵ هیوقسطیداس، ۲۹۵ هیوقسطیدان، ۲۹۹ هیومافطون، ۲۹۳ یابزوسیون، ۳۹ یاسمین، ۲۹۹ یاسمین، ۲۹۹ یاسمین البر، ۲۹۵ یاسمین سفید، ۲۰۵ یاسمین سفید، ۲۰۵ یاسمین سفید، ۲۰۵ یابروح الصّنم، ۲۰۰۰ یبروح الوقاد، ۲۸۸ یبروح سریانی، ۲۷۰ یبروح صنعی، ۲۷۸ یبروح صنعی، ۲۷۸ یبروحی دشینا، ۲۷	هرزنی، ۱۸ هیوزرسا، ۲۹۰ هیوزرسا، ۲۹۰ هیوزرسا، ۲۹۰ هیوزرسا، ۲۹۰ هیوزرسا، ۲۹۰ هیوزرسان، ۲۹۰ هیوزرسان، ۲۹۰ هیوونی ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفلریقون، ۲۹۰ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفللساس، ۲۹۷ هیوفرن، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۹ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۷ هیلانیون، ۲۹۳ هیلانیون، ۲۹۳ هیلانیون، ۲۹۳ هیلانیون، ۲۹۳ هیلورش، ۲۹۰ هیلانیون، ۲۹۳ هیلورش، ۲۹۳ هیلانیون، ۲۹۳ هیلان، ۲۹۳ هیلانیون هیلانیون هیلا

یمیشاز، ۱۶۲ يَرْبه بذليره، ١٠٣ يُمَيْن (اسكندريه)، ۲۱۸ يربه بذلييره، ١٢٠ يناشته دِبُوركه، ۱۵۴ يَرْبَه بَطْره، ۲۵۳ يِربه بطره، ۲۹۱ ينبر (اندلس)، ۷۲ يربه دفوفه، ۲۰۵ ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲ يَنْبوت، ۱۳۲، ۲۴۷، ۳۰۱ يَرْبه دي فِوقُه، ۱۵۹ ينبوت زنكورج، ١٣٢ يزبّه دي فوقّه، ۲۶۶ يربه شانّه، ۲۰۰۰ ينبوتة، ١٠٩ يربه (شُذْ)يره (لاتيني)، ٩٥ ينبوع، ٣٠٠ ينتون، ۹۷، ۱۶۷ يرْبَه غَلَيشكه، ۱۴۴ يَرْبَه فَشُوشُكُه، ٤٧ ينشتاله، ۱۵۴ يُرْبَه قُرَجييره (اندلس)، ۲۹۸ ينشنتاله، ۱۵۱ یربه قرشته، ۱۰۳ يُنْكُه (لاتيني)، ٢٠٩ يَنَمه، ۲۶۹ يُزبَه مولُه (اندلس)، ۱۵۶ يَرْبَه نَقيشُه (لاتيني)، ١٢١ يوساقطي، ١١٠ يوسيمون، ١١٣ يزبّة دى فويقة، ٢٠٥ يونجه، ١٥٥ يُرَنَّا، ١٢٥ يُرَنّاء (شام)، ١٢٥ یریک، ۳۴ یستهارمک، ۱۷۹ یشکشکه (اندلس)، ۱۰۶ يشمه، ۹۴ يطااس، ۱۳۶ يسعضيد، ۸۳ ۱۳۹، ۲۸۰، XP7, ...

۳۰۰، ۲۹۸ یعضید، ۱۴۳ یعضید بری، ۱۳۳ یعضید (مصر)، ۲۹۸ یَعْمیصا، ۱۵۹ یعٔمیصا، ۱۵۹ یقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷ یکهان بید، ۱۰۶ یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱ یلنجوح، ۱۷۹ یمان (اسکندریه)، ۲۱۸

يمور (شام)، ۸۴



## ضمیمه (۲)

## فهرست نامهای کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

(عربی، فارسی، یونانی، لاتینی، رومی، محلی، هندی، سریانی، بربری، ترکی) برگرفته از کتب زیر:

مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
عمدة الطبیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
صیدنه (قرن پنجم هجری)
الابنیه (قرن چهارم هجری)
الحاوی (قرن سوم هجری)

## فهرست نامهای کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

## ۱ - نامهای عربی و معرّب

ارقان، ۱۰۵	اذان الفيل، ٢٣٠	ابن، ۳۸، ۸۹	آبنوس، ۳۳
ارقان (مغرب)، ۱۶۶	اذان القسيس، ٢٤٧، ٢٧٤	إِبْنُ الأرض، ٣٨	آذان الأرنَب، ٣٣
ارماط، ۴۵	اذان القِسَيس، ۲۴۷	ابن أُوبِر، ٣٨	آذان التيس (اندلس)، ٣٣
الرنبي، ۲۶۵	إذْخِر، ٤٣	ابهٔل، ۳۹	آذان الجداء، ٥٩
اروسه، ۳۸	اذخر، ۱۴۸	ابهل، ۱۰۵، ۱۴۳	آذان الجَدي (دمشق و شام)،
ازِرّة الارض، ٢٩١	اذخر(فاس)، ۴۳	ابهل هندی، ۳۹	**
ازريول (فاس)، ۳۴	اذناب البقر، ۱۵۴	ابي الوليد، ١٢٩	آذان الدبّ، ٣٣
ازغب، ۹۶، ۱۳۹	اذناب الخيل، ١٥٤، ٢١٠	ابی ان یموت، ۲۰۴	آذان الشاة (اندلس)، ٣٣
آساشنوا(مغرب)، ۲۳۱	اذناب الخيل (شام و شرق)،	اَبْیَد، ۱۴۳	آذان العَنز، ٣٣
أساسْتُوا(مغرب)، ۲۴۲	797	ابی رستم، ۱۱۹	آذان الفار، ۳۳، ۶۳
اسبط، ۲۷۳	أذُن الازنَب، ١١٩، ٢٤٩ ٢٨١	ابی مقنینة (فاس)، ۲۱۴	آذان الفار البرى، ٣٣، ٣۴
استِب، ۴۶	اذن الثور، ۲۲۴	ابی یَموت، ۱۲۵	أذان الفار البستان <i>ي</i> ، ٣٣
استبرق، ۴۶	أذُنالْحِمار، ٤٣، ١٥٥، ٢٢٤،	ٱتْرُج، ٣٩، ١٤٢، ٢٧٤	آذان الفارالرومی، ۳۴
اسحارة، ۴۶، ۱۲۰، ۱۸۹	707	اثاب، ۲۰۲	آذان الفار الرومي، ۲۱۸
إشجل، ۴۶	اُذُن الشاة(اندلس)، ۲۶۹	آثابه، ۷۶	آذان الفستيس، ٣۴
اســـد الارض، ۴۶، ۱۲۸،	اُذُن الفار، ۲۷۹	آثٰل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	آذان الفيل، ٣۴
440	اذن القسيس، ٢٨١	اَثْلَق، ۴۰	آزِر (فاس)، ۵۹
اسد العدس، ۴۷	اذن الوطواط، ۲۱۰	أَجُاص، ۴۱، ۱۸۴	آس، ۱۵۹
إشرار (مغرب)، ۴۷	أذن غزال، ۲۵۲	اجاص اصفر، ۱۸۴	آس البری، ۲۴۹
اسرون (فاس)، ۴۶	اَراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۲۳	اجْبُرْنى(اسكندريه)، ۲۵۴	آس البستاني، ٣۶
اسفراج (مغرب)، ۲۹۷	إرجالة، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰	اجرد، ۱۳۹	آس بری، ۳۶، ۲۸۳
اسفراج (مغرب و اندلس)،	ارجان، ۱۶۶	احباق، ۷۱	آس بری (اندلس)، ۱۴۰
797	ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶	احداق المرضى، ٥٧	آس بستانی، ۱۵۹
اسفناج، ۲۹۶	أزجل الجراد، ۵۸ ۱۶۱	إخريض، ۴۲، ۲۱۰	آس نبطی، ۳۶
اسفنغار، ۱۳۳	اُرْجُوان، ۴۴	احريضه، ۲۳۶	آفواه، ۵۲
اسقورديون جبلي، ۴۸	اُرُز، ۴۴	اخريط، ١٢٣	آکل نفسه، ۳۷
اسقوردیون مصری، ۴۸	اًرز، ۱۲۶	اخشنة، ۱۰۲	آلالا ،، ۲۷
آشل، ۴۹، ۱۴۸	ارز، ۱۷۰	اخلَّة الارض، ١٣٩	آلا.، ۲۷
اسنام، ۱۴۸	ارز الخليل، ٧٤	اخيون، ۶۸	آنِسِالنفس، ٣٧
أسْنان الذِنْب، ۵۰ ۸۴	اَرْزَم، ۲۷۷	اَذْرَک، ۴۲	آنفَتْها، ۹۱
اسنان الفار، ۲۵۹	ارزن هندی، ۱۴۹	ادقام الغرانيق، ١٢٩	آء، ٣٣
اسود، ۱۷۳	ارزه، ۱۹۶	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	ابَالَة، ٤٠
اشبِنة ٱلبه، ٧٢	ارطی، ۳۷، ۴۴	اذان الفار، ۱۱۹	اباء، ۷۵
اشتوان (مصر)، ۷۹	ارطی صغیر، ۱۵۵	اذان الفار حقيقي، ٣٤	ابرنجمشک، ۲۲۵

اشجّ، ۵۱	اصل اللوف، ٢٣٠	اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴	الفاضل لِنُفَساء، ١٤٠
ٱشَّج، ٢٩٥	اصل المتک، ۱۸۰	إكليل الجَبَل، ٥٩، ١٩٣	الف دينار، ۱۶۰
اِشْخیص، ۵۱	اصل النيلوفر هندي، ٢٢٧	اِکْلیل المَلِک، ۵۹	القسيني، ۲۶۶
اشخيص، ۲۷۵	اصل الوردى، ١٥٩	الآس، ٣٥	القسيني الكبير، ٢۶۶
إشراس، ۵۱.	اصل امیرباریس، ۳۵	الإثرار، ۶۱	الكور (يمني)، ٢٨٣
أشراس (مغرب)، ۵۱	اضراس الكلب، ٧٩	إنب، ۶۰	المصافق، ۲۴۷
ٱشَقَى: ٩٩ ٢٣٣	اطریشیة، ۲۸۰	البستني، ۳۴	المُعين، ٢٧٥
اَشَقَ، ۲۹۵ .	أظُّفار الجن، ٥۴	البطن، ٨٠	النافع من الرُّتَيْلاء، ٢٢٣
اشكرية، ٢٨٠	اعرابی، ۲۷۲	البُلّ، ۱۴۱	النافع من أخليوس، ١۴۶
اشْکُه، ۱۴۰	اعناب السّراة، ٢١٧	البهار، ۲۱۷	الوج، ۲۷۷، ۲۹۳
اشکیل، ۲۱۷	اغافت، ۵۴، ۹۰، ۱۵۴	التاجر، ۲۹۲	الهَدايه، ۱۵۷
<b>اُش</b> نان، ۵۲، ۶۹	اغافث، ۵۴	التاره، ٣٣	ام اربعة و اربعين، ٧٩
اشنان العربي، ۵۲	اغرقونية، ٢٠٥	التواء بر التواء، ۲۵۷	امُ الف ورق، ٤٢
اشنان الفارسي، ١٢٣	اغلاث، ۱۲۱، ۱۴۸، ۴۹۲	الثُّفاء، ١١٥	امجلية، ٤٧
اشنان القصارين، ١٢٣	افانی، ۱۲۳	الحاج، ۱۲۳	امرود، ۲۶۱
أشنه، ۵۲ ،۱۱۸ ،۱۹۲	افرنْجَمِشْک، ۱۵۹	الحاحي، ١٢٩، ١٣٣، ٢٥٤	أمطى، ۶۲
اشنه بستانی، ۱۹۲	افريقية منتهونة، ٢٨٠	الحاذ، ١٢٣	ام عمر، ۶۲ ۹۶
اصابع الصفر، ٥٣	افســنتين، ۷۷، ۲۲۰، ۱۵۴،	الخرفا، ۱۰۴	امً غيلان، ٥٩، ٢١٧
اصابعالعَذاری، ۵۳	۸۵۲	الداد، ۱۱۴	أُمُّ غَيْلان، ٤٢
اصابع الفتيات، ٢٢٥	افسنتين البحر، ١٩٣	الدوم، ۲۸۳	أمغيلان، ۶۲
اصابع القينات، ١١٣	افيون، ۵۷	الرُّقْعَة الصّخريه(اندلس)،	ام غیلان، ۱۹۱
اصابع اللُصوص، ٥٣	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵	771	أم كلب، ٤٢
اصابع الملک، ۵۹ ۱۶۳	اقاقیا، ۲۳۷	الرمث، ۱۲۲	اَمْلَجْ، ۶۲
اصابع هرمس، ۱۷۹، ۸۸۰	ٱقْحُوان، ٣٥، ٥٧ ٥٨	الرِّمِنْدَه (اندلس)، ۲۱۹	املس، ۱۳۹
اصطرک، ۵۳، ۲۸۶	اقحوان البري، ٤۴	الزنج، ۲۸۷	أُمِّوَجَعِ الكبد، ٤٣
اصطرک (شام)، ۱۸۶	اقحوان العربي، ١٥٣	الريح، ٢٧٣	ام یحیی (شام)، ۱۰۵
اصطفی، ۲۸۶	اقحوان بری، ۵۷	الزَرقطونا (فاس)، ۷۸	امیره، ۱۱۰
اصف، ۲۵۰	اقحوان بستانی، ۵۷	الزوانی، ۱۳۶	امیطی، ۶۲
اصل الانجدان خراساني،	اقراص الملك، ٨۴	السَّرْمَج، ۱۷۰	انب، ۷۲
۵۰	اقرع، ۱۳۹	السُّرْمَق، ۱۷۰	اَنْبَج، ٤٣
اصل الخنثي، ١٣٨	اقطن (يمن)، ۲۷۵	السن، ۱۲۲	انبج، ۲۸۲
اصل الراسن، ١٥٣	اکثوث، ۲۵۸	السنة، ١٢٩	انبوب الراعى، ٤۴
أصل السرح، ٣٠٠	أكرنب البحرى، ١٢٢	السنة العصافير، ١٧٨، ٢۶٩	انبوب الملک، ۶۴
اصل السوس، ۱۸۰	اكرنب الدورى، ۲۵۶	الصانع الصفر، ۱۸۶	انتله، ۱۰۱
اصل السوسن الابيض، ٥٤	اكرنب الرومى، ۲۵۶	الصينى، ١٢٩	انجاص (فاس)، ۲۶۱
اصل الفلفل، ۲۲۸	اكرنب الشامي، ٢٥۶	الطَّفرا، ۲۰۴	اَنْجِبار، ۶۴ ۸۷ ۱۵۷، ۹۱
اصل القصب، ٢٤٠	اكرنب الكرماني، ۲۵۶	الغِسل، ۱۲۹	انجبار النهري، ۲۷۲، ۲۹۱
اصل اللفاح، ٢٧٠	اكرنب الهاشمي، ۲۵۶	الف، ۲۲۲	انجدان، ۵۰، ۹۳، ۱۲۱

أفسنتين البحري، ٥۶	أسحارة، ۴۶، ۹۶	أتُم، ۱۶۵	اَنْجُدان، ۶۵
أفسنتين الساحلي (اندلس و	أشحُفان، ۴۶	أثاب، ۴۰	انجدان رومی، ۵۵ ۱۶۷
مغرب)، ۵۶	أنسجِل، ۱۳۷	أَثْبَة، ۴٠	انجره، ۶۵
أفسنتين بحرى، ١٩٣	أسد الأرض، ۶۸	أثرار، ۴۰	انجسا الرملي، ١٥٥
أفيون، ۱۳۴، ۲۷۹	أسطراغَلُس، ۴۷	أثرار، ۶۱	انجسا الساحلي، ١٥٥
أقاقيا، ١٣٢	أِسْل، ۱۷۵	أثل، ۴۰، ۲۰۷، ۲۹۰	انجیده، ۲۲۴
أُقْحُوان، ٣٥، ١٨۶، ٢٣٤	أشل (اندلس)، ۵۰	أج، ۱۰۶	انجيلة، ٣٧
أقسوس، ۱۸۶	أسليح، ٥٠	أجاص، ۲۱۷	اندروت، ۶۶
أَقْطاَفِ (شام)، ٢٧٥	أسنام، ۵۰	أجاص الأبيض، ١٨٤	اَنْزَروت، ۶۶
أقَنْنا أرابيقى، ١٨٩	أشتر، ۲۰۴، ۲۷۴	أجاص شتوى، ۱۶۲	انس الارواح، ۴۷
أكباب، ۲۱۶	أشخيص، ۴۷	أجّاص كوچك، ٧۶	انظر (دمشق و شام)، ۳۶
أكر البحر، ٥٩	أشُّق، ۲۳۲	أِجْرِد، ۴۲	أَنْفُ العِجْل، 86
أكشوث (مغرب، مصر،	أَشْق الابلة، ٥٢	أُحّراز (صقالبه)، ۱۱۶	انفحة، ۲۵۰
آفريقا)، ۲۵۸	أَشُّق (مصر)، ۲۵۹	أحريص، ۴۲	
أكليل الجبلي، ٢٧٤	أشْقيل، ۴۹	أخِلَّة، ٧٩	انیسون البری، ۱۱۴
أكليل النُفساء، ٢٧۴	أشكل، ۲۱۳	أداد الوحيد (مغرب)، ۴۷	انیسون بری، ۷۸
أكليل <i>ى</i> ، ۲۶۸	أشنان القصّارين، ٥٢	أدادی (اندلس)، ۲۶۹	إهليلَج، ۶۸
ألاطي، ۶۰	أشنان داود، ۵۲	أِذْخِر، ۴۳	اهلیلج اسود، ۶۸
أَلْباين، ۶۰	أشنان فارسى، ٥٢	أذناب البقر، ١٥١	اهلیلج اصفر، ۶۸
ألسفاقس، ۶۰	أشنه، ۵۶	أَذن الأرنب، ٢۶٩، ٢٧٠	اهلیلج چینی، ۶۸
أُلْسنة العصافير، ١٧٨	أصابع الصفر، ۱۸۶، ۲۵۹	أذن الثور،	اهلیلج کابلی، ۶۸
ألف دينار، ۶۰	أصابع العذرى، ٥٣	أُذن الثور، ۲۵۲، ۲۶۹	اهلیلج هندی، ۶۸
ألف ذراع، ۲۹۷	أصابع الفتيات، ٢٢٥	أذن الجَدْي (اندلس)، ۸۲	ايدع، ۱۴۶
ألف ورق، ۱۱۰	أصابع القَينات، ٥٣	أُذُن الحِمار، ٤٣	أباغسالة، ١٨٥
أمارة، ۶۱	أصابع هُرمس، ۵۳	أُذْن الحِمار (اندلس)، ۶۸	أبامالک، ۱۸۵
أمّ الشُّعْراء، ٧٥	أصاص، ۵۳	أُذن الغزال، ٣٣، ٢٧٠	أباءة، ٣٧
أم دفراء، ٤٢	أَصْطُرَک، ۵۳	أذن الوطواط، ٤٣	أباؤ، ۳۷
أم غيلان، ۲۱۶	أصطفلين (شام)، ۵۴	أراک، ۲۱۶، ۲۴۹	أبرة الراعي، ٣٧
أملیسی، ۲۱۳	أضحيان، ۵۴	أربيان (شام)، ۴۴	أبرة الراهب، ٣٧
أنتله بيضاء، ۶۴	أضراس الكلب، ٥۴	أرجل الجراد (لبنان، عـراق،	أبلِم، ٣٨
أنتله سوداء، ۶۴	أطاء، ۵۴	شام)، ۱۶۱	أُبْلَم، ٣٨
أنجبار، ۱۵۷	أطباء الكَلْبَه، ١٤٧	أرجونية، ٢٨٥	أَبْلُم، ٢٨٣
أَنْجِبار (اندلس)، ۶۴	أطرمالَة، ٥۴	أُرْز، ۱۹۷	أبلَمة، ٣٨
أنجبار رومی، ۶۵	أظفار الْقِطّ، ١٨٥	أرز، ۲۴۷	أبوشاد، ۱۸۹
أنجيلة، ٣٨	أغيلان، ۶۲	أرنبي، ۲۶۵	أبهل، ۱۴۹
أنس النفس، ۶۶	أفان <i>ي</i> ، ۵۵	أزاز، ۵۳	أَبْيَد، ٣٩
أنْف العِجْل، ٤٧	أفثيمون، ۱۶۷	أزراری، ۹۷	أبي مالک (مغرب)، ۱۸۵
أوطمى، ٤٩	أفسَنْتين، ١٣٠، ١٩٣	أستن، ۴۶	أترجى الرائحة، ٧١

بزر الخس، ۱۳۳	بردية، ٣٧	باقلی، ۷۳	أهليلجات، ۶۸
بزر الخشخاش الاسود،	بَرِسِياوَشان، ٧٥، ١٨٧	بالكى البارد، ٢٥٩	أيدع، ۲۶۳
APY	برشف، ۲۴۲	بامیه، ۷۴	أيْزُون الصغير، ٣٧
بزر الخطمي، ۱۳۶	بُرشون، ۹۴	بان، ۱۱۱	أيزون الكبير، ٣٧
بزر الخمخم، ٩۶	بَرْغوثی، ۷۸	بانوج، ۲۶۱	بــابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸،
بزر الرازيانج الرومي، ٤٧	برقوق، ۷۶، ۱۳۹	بُبُلْيه الاصفر، ٥٤	78. N. 1P. ATI. VIT.
بزر الرطبه، ۱۵۵	برقوق (فاس)، ۴۱	بحترية، ٤٧	774
بزر الريحان، ١٥٩	برقة، ۱۰۶	بَحْن، ۷۴	بابونج الاسود، ٥٨، ١٥٣
بزرالزيتونالبري، ۴۶	ېرکان، ۷۶	بحنة، ٧٤	بابونج الجبلي، ٥٨
بزر السرمق، ۱۷۰	يرم، ۲۱۷	بَخره، ۷۴	بابونج الحمير (فاس)، ٥٧
بزر السلق، ۱۷۴	برنجاسف کوهی، ۵۵	بَخور، ۲۴۷	بابونج الخريفي، ٥٨
بزر الشبت، ۱۸۴	برنجان، ۹۶	بَخور الأكراد، ٧۴	بابونج الرومى، ۵۸
بزر العلق، ۱۵۶	برنجمشک، ۲۲۵	بخور البربر، ١٧٠	بابونج الطليطلي، ٥٨
بزر الفصفصه، ۱۵۶	برنق، ۴۴	بخور البرير، ١٧٠	بابونَق، ۶۴
بزر القت، ۱۵۶	برنک، ۴۴	بَخور السُودان، ٧۴	بابونق (مغرب)، ۷۰
بزر القثا، ۲۳۳	برنوف، ۲۱۴	بخور النيِّي، ۲۶۶	بابونک، ۷۰
بزر القثد، ۱۵۶، ۲۳۴	برواق (مغرب)، ۱۳۸	بخور عایشه، ۱۴۸	بابونَة، ٤۴
بزر القداح، ۱۵۶	بروق، ۳۷	بخور عايشة، ۲۵۶	بابونی، ۷۰
بزر القصب، ۱۵۶	بُرون البحري، ۵۵	بخور مريم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶،	بادروج، ۶۸ ه۸ ۱۱۳
بزر القنّب، ۲۴۵	برهمّن، ۹۲	2.7, ٧.7, ٧٢٢	بادره، ۲۹۵
بزر الكتّان، ۲۵۰	بَرْیا مصری (مصر)، ۷۸	بَخور مريم، ٧۴	بادِنجان، ۷۲
بزر الكراث، ۲۵۲	بریر، ۴۳	بخور مريم (آفريقا)، ١٣٠	بادنجان بری، ۷۲
بزر الكرفس البستاني، ٧٨	بَریر، ۲۳۳	بَذَاشِقَان، ٧٥	بادنجان بری (قدس)، ۱۱۴
بزر الكرفس الجبلي، ٧٨	بزاج، ۱۰۴	بدسکان، ۷۵	باذرنبويه، ۲۵۷
بزر الكرنب، ۲۵۵	بَزازِيل القِطُّه (آفريقا)، ٣٧	بدشغان، ۷۵	باذرنبویه بری، ۸۳
بزر الكشوث، ۲۵۸	بزر اسفناج البری، ۱۱۸	بدکشان، ۷۵	باذرنجبويه، ۸۲
بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰	بزر الانجره، ۶۵	بذاشغان، ۷۵	باذرنجوية، ٢٥٧
بزر المط، ۱۵۸	بزر البصل، ۸۰	بذر، ۱۲۶	باذرواکوه <i>ی</i> ، ۷۱
بزر النمام، ۱۸۲	بزر البطيخ، ٨١	بذر السداب، ۱۶۷	باذَروج، ٧١
بزر الورد، ۲۹۳	بزر البنج، ۸۸	بر، ۱۲۶	باذرود، ۵۸
بزر الهليون، ٢٩٧	بزر البنجنكشت، ۴۱	بُرٌ، ۱۲۶	باذنجان، ۷۲
بزر الهوه، ۹۶	بزر الجرجير، ١٠٢	برجی، ۹۶	باذنجان البري (اندلس)،
ېزر بَردى، ۷۸	بزر الجزر البري، ١٠٣	برجين، ۹۶	۸۵۲
بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴	بزر الجزر البستاني، ١٠٣	بُرجين، ۲۱۴	باذنجان بری، ۲۰۷
بَزْرِقَطونا، ۷۸	بزر الحجري، ۲۴۳	برد الحريض، ۲۳۶	باذَوَرْد، ۷۲، ۱۱۴
بِزرُقطونا، ۱۶۰	بزر الخبازي، ١٢٩	بردرده، ۲۰۸	بارِض، ۹۱
بزرقطونا، ۱۷۷	بزر الخُبَّة، ١٢٩	برد و سلام، ۲۶۹	باقِلًا، ٣٣
بزرقطونا (عراق)، ۷۸	بزر الخرفه، ۸۲	بردی، ۷۵، ۱۶۷	باقلَّای قبطی (مصر)، ۷۳

بِزْرکتان، ۲۵۱	بشمه (حجاز)، ۹۴	بصل بری، ۱۵۰	بقلة الباردة، ١٨٥
بَزْرکتان، ۲۵۱	بَشْمه (حجازی)، ۱۹۲	بصل جبُلين، ٨٠	بقلة البرارى، ٧٢ ٨٣
بزر لسان الحمل، ۲۶۹	بشنین، ۲۷۲، ۲۹۲	بصل نسرين المروج، ٨٠	بقلةالحسينيه، ٨٣
بزشوم (نجد)، ۹۵	بشنین(مصر)، ۸۰	بطریون، ۸۱	بَقْلَةُ الحَمْقاء، ٨٦ ٢٨ ٢٢٧
بزواق (مغرب)، ۱۳۸	بصل، ۸۰، ۹۰، ۱۳۸، ۲۷۳	بُطم، ۴۳، ۸۱ ۱۱۱	بقلّة الحمقاء البرية، ١٢١
بساسة، ۱۶۱	بصل الأبيض، ٨٠	بطیخ، ۱۴۴، ۱۹۰، ۲۷۰	بقلة الخطاطيف، ٢٠٨، ٢٥٥
بساط الغول، ٢٠٣	بصل الأكل، ٨٠	بطیخ اخضر، ۸۲	بقلة الرُّماه، ٨٣
بساط الملک، ۲۹۱	بصل البر، ۴۹، ۸۰	بطّيخ الصخرى، ١٢۶	بقلة الرمل، ٨٢
بسباس، ۷۸، ۱۰۷، ۲۲۰	بَصَل الْبَرّ، ۲۱۵	بطيخ الطويل، ٢٨٥	بقلة الزهرا، ٨٣
بَسباس، ۱۵۲	بصل البرى، ٤٩	بطيخ الفلسطيني، ١٢۶	بقلة السنانير، ٨٣
بسباس رومی، ۷۸	بصل الخراساني، ٨٠	بطيخ الْهِندى، ٨٢	بقلة الضُّبُّ، ٨٣
بَسْــباسَه، ۷۸، ۱۰۷، ۱۴۲،	بصل الخُورِّم، ٨٠	بطیخ رق <i>ی</i> ، ۸۲	بقلة العدس، ٨٣
۹۹۱، ۸۳۲	بصل الخُصى، ٨٠	بطیخ سکری، ۸۱	بقلة العروس، ٨٣
بستان الجواري، ٧٨	بصل الخنزير، ٨٠	بطیخ سندی، ۸۲	بقلة الفارسيه، ٨٣
بستانه، ۵۵	بصل الخنزير(فاس)، ۴۹	بطیخ عقابی، ۸۱	بقلة اللينه، ٨٢ ١٤٢
بستيناج، ٧٩	بصل الخِنْزير(مغرب)، ۴۹	بطیخ هندی، ۸۲	بَقْلَة المبارَكَة، ٨٣، ٨٤
بُشر، ۹۴	بصل الذئب، ٨١، ٨٥	بقرةالعين، ١٨٢	بقلة الملك، ١٨٣
بُسْرَة، ٩١	بصل الروم <i>ى</i> ، ٨٠	بَقَسْ، ۸۲	بقلة اليماني، ٢٥٨
بسفایج، ۵۴ ۱۴۴	بصل الزئر، ۸۵	بقس البلدى، ٨٢	بقلة اليمانية، ١٤٢
بَسِلَّة، ٩٣	بَصَلَ الزاز، ٨٥	بقش الكرم، ١۶٠	بقلةاليهود، ۵۰، ۱۲۹، ۲۹۸
بسیل، ۱۰۴	بصل الزبدی، ۸۰	بقل، ۹۳، ۱۰۳، ۱۳۳، ۱۳۵،	بقلة اليهوديه، ٨٤، ٩٤، ٢٩٤
بسیله، ۹۳	بصل الزعفران، ٨٠	761, 6.7, 777	بقلة حامضه، ۸۳
بسيلة، ١٠۴	بصل الزير، ٨٥	بَقْل، ۱۴۷	بقلة حمقاء برى، ٣٧
بُشاش، ۷۰	بصل الزيز، ٨٠	بقلُ الحمقاء، ٨٢	بقلة حمقاء برية، ٨٣
بَشام، ۸۰	بصل السنجار، ٨٠	بَقْل الذَّهَبِي، ١٧٠	بقلة خراساني، ۸۳
بُشام (آفریقا)، ۷۴	بصل السوسن، ٨٠	بقل الذهبي، ٢۴١	بقلة خراسانيه، ٨٣
بشانق، ۲۴۷	بصل الصغير، ٨٠	بَقْل الرّوم، ١٧٠	بقلة دستيه، ۴۸
بشبش، ۱۲۶	بصل العنصل، 49	بَقَلَ الرُّوم، ۲۴۱	بقلة ذهبية، ١٧٠
بُشَجٌ مائی، ۲۸۰	بصل الفار، ۴۹	بقل دمشق <i>ی</i> ، ۸۳	بقلة عائشة (اسكندريه)،
بشرمساح (مصر)، ۷۳	بصل الفارسى، ٨٠	بقل ریش <i>ی</i> ، ۸۳	1.7
بِشْط، ۱۴۳	بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥	بقله (شام)، ۱۴۹	بقلة عربيه، ٨۴
بشکران <i>ی</i> (اندلس)، ۵۱	بَصل الفّأر (مغرب)، ۴۹	بقله یمانی، ۱۵۵	بقلة فاطمه، ٨٣
بِشْكَرانْيَه (اندلس)، ۵۱	بصل القيء، ٨٠ ٨١	بقلة، ۲۶۳	بقلة فلفليه، ۲۵۷
بشكرانية، ٥١	بصل اللوف، ٨٠	بقلة اترجيه، ٢٥٧	بقلة ليّنة، ٨٢
بِشْكَرايِن الاسود، ٥١	بصل المجوسي، ٨٠	بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بقلة مائيه، ٨٤
بشْكل (حجاز)، ٩٥	بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠	بقلة الاوجاع، ٨٢	بقلة مباركه، ۸۲
بشل (اندلس)، ۱۰۶	بصل النيلوفر، ٨٠	بقلة الأترجية، ٨٢	بَقْلة يمانيه، ۸۴
بشم الاسود، ۲۷۲	بصل الهام، ۸۰	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بقلة يهودية (اندلس)، ۲۳۶
•			

بقل یمانی، ۲۰۲	بَنْج، ۸۸	440	تُفَاح، ۶۴
بَقِّم، ۲۱۵، ۲۷۰	بنج اسود، ۸۸	بيضةالارض، ۲۶۰	تُفاحَ، ۹۴
بقم، ۲۱۷	بنجانی، ۹۶	بيضةالبلد، ۲۶۰	تفاح الارمنى، ٢٨٢
بُقول الشُّعّال، ١٨٢	بنجاین، ۱۰۰	بيضة النعامة، ٢۶٠	تُفَاحَ الأرض، ٤٤، ٧٠، ١٢٨
بقول الصبية، ١٨٣	بنجّة، ۱۵۰	بیضی، ۸۰	تفاح الجمل، ٢٣۶
بـــقول المــائده (مــصر،	بنجين، ٨٨	بَيْلَم، ٧٥	تــفاح الجــن، ١٤٩، ٢٧٠،
اسكندريه، صقلبيه)، ۲۳۵	بُنْدُق، ۸۸، ۱۰۵	بَیُنْب، ۹۲	٣.,
بکرش (حجاز)، ۲۱۲	بُنْدق هـندى، ۵۴ ۵۹ ۸۸	تاجر الاصفر، ٣٤	تفاح الدُّب، ۴۱، ۹۴
کریر، ۲۷۵	100	تاجر (فاس)، ۳۴	تفاح الفارس <i>ي</i> ، ۱۳۹
بلاد، ۳۴	بَنَفْسَج، ۸۹ ۱۲۹	تاسلقوا(فاس)، ۱۳۲	تفاح أرمن <i>ي</i> ، ۲۸۲
بلبان، ۲۱۴	بنفسج الكلاب، ١٨٣	تألّب، ٩٣	تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲
بُلْبُلية الاسود، ١٥٣	بنفسج الليل، ١۶٨	تبرئه، ۲۷۱	تفاح فارسی، ۱۳۹
بَلَج، ۹۴	بُنْکُه، ۳۶	تبن مکه، ۴۳	تفاح مائی، ۳۹
بَلح، ۹۴	بوابب الحاجب، ٧٨	تِبْن مکه، ۴۳	تفاح ماهی، ۳۹
بِلِخْته (مغرب)، ۸۶	بودال، ۹۶	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تفاف، ۸۳
بلخيّة، ۸۶	بوظة، ۱۴۸	تراب القَىء، ١١۴	تفَّاء، ١١٥
بلسان، ۱۴۳	بوعقًاد (فاس)، ۲۱۰	تراب الهالک (عراق)، ۶۸	تفده، ۲۵۶
بُلَسْكى، ۸۶	بهار ابیض، ۹۰	تُربِد، ۶۰ ۱۵۲، ۱۷۳، ۲۰۳،	تفسیا، ۹۷
بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بهار الاصفر، ۳۴	740	تفورية، ٢١٩
بَلْسن، ۲۰۷	بهار البر، ۳۴، ۹۰	تربد ابیض، ۹۳	تقده، ۲۵۶
بُلُسن (مکه)، ۲۰۷	بهار الرياض، ٩٠	تربة، ٩٣	تَقْدَه، ۲۵۷
بلوز الريح، ٢٩١	بهار (فاس)، ۲۹۰	تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷	تِقْدَة، ۲۵۶
بلوط، ۷۷، ۱۶۸	بَهَج، ۲۸۱	تُرْس الماء، ٢٩٢	تقرد، ۲۵۶
بلوط الارض، ۳۷، ۸۶ ۸۷	بهرامج، ۲۱۰	ترسی، ۹۳	تلاد، ۳۴
75.	بهرامج البر، ١٥٩	تُرْف، ۹۷، ۱۴۷	تمتم، ۱۷۵
بلُوط الارض، ۸۶	بهرامج البرّ، ۲۰۵	ترفاس (مغرب)، ۲۶۰	تَمْر، ۹۴، ۲۳۹
بلوط الملک ۸۷	بهرامة، ۱۳۷	تُرْمِس، ۹۳، ۱۰۲	تمر الجوذر، ٢٠٥
بلوطی، ۲۲۴	بهٔرم، ۲۱۰	ترمس الثعلب، ٩٣	تمر الذهبي، ٣٩
بلیان (مصر)، ۸۷	بَهَش، ۲۸۳	ترمس الحجل، ٩٣	تمر الهندية، ٣٩
بُلَيْحاء، ٥٩	بهش، ۲۸۳	ترمس الخنزير، ٩٣	تڼک، ۶۷، ۲۷۴
بليحاء، ۸۷	بهقان، ۱۰۲	تُرمس الخنزير، ١٥٧	تملول، ۱۷۵، ۲۴۵
بَليلَج، ۸۷	بُهْماه، ۹۱	ترنجان، ۸۳ ۱۱۳	تمنس، ۲۷۷
بُنّ، ۸۹	بهمن الأحمر، ٢٥٨	ترنجان الثعلب، ١١٧	تمول، ۲۴۵
بنات الرعد، ۲۶۰	بهمن أبيض، ١٠٥	تُرنج(فاس)، ۴۰	تميط، ۱۱۴
بنات النار، ۶۵	بُهْمی، ۹۱	تریاق نبطی، ۳۰۰	تمیم، ۲۴۵
بنات أُوبِر، ۲۶۰	بيجه، ۱۷۳	تزلیت، ۹۴	تَنْضُب، ٩۴
بنادق البربر، ۱۰۸	بيض الاوزُ، ٩٢	تشميز، ٧٩	تَنْعيمه، ٩۴
بنتومة، ۴۳	بيض العيار (شام و بـغداد)،	تَشْميزَج، ۹۴	تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱

جَثجاث، ۲۴۷،۱۰۱	ثوم الكلب، ۴۸	VA 11 712	101/ 100
جنب، ۱۲۶	نوم انعیب، ۱۸ ثوم بری، ۴۸، ۴۹، ۹۸	ثاقب الحجر، ٧٩ ثال السنات ٧٧	تنُوب، ۱۹۶، ۱۹۷
جمعه، ۱۳۰، ۶۷ جحلق، ۳۷، ۶۷	نوم بری، ۱۸،۲ ۱۸،۲۰ ثوم جبلی، ۹۸	ثاليل الجنات، ٧٢	تنوم، ۵۹، ۱۱۲، ۲۹۲ تا ۵۸ ۲۰۰۲
جحليق، ۶۷ جحليق، ۶۷	توم جبتی، ۱۸۰ ثوم ذی الأسنان، ۹۸	ثامر، ۱۲۲ تُداء، ۹۷	تَنُوم، ۹۵، ۲۰۴ سرد
جحنین، ۲۰ جَدَف، ۱۷۴	نوم دی اناستان، ۱۸۰ ثوم کُرَاثی، ۹۸		تنین، ۲۷۳
جدف، ۱۰۱ جَدُوار، ۱۰۱	'	ثرمان، ۹۷ ٤ سور	توت الثَّغلَب، ۱۷۹
جدوار، ۱۰۰ جدوار اندلسی، ۶۴	ثومیة، ۹۸ ۱۰ ۲۱۲ مه ۲۱۷	أَرْمان، ۱۲۳	توت الثعلب، ۱۷۹
جدوار اندنسی، ۲۰ جراد بحری، ۴۴	ئیل، ۴۴، ۹۹، ۲۱۲ ئیّل، ۱۲۳	فرمند، ۱۲۳ ه الترميد	توت الحرير، ٩٥
جراطه، ۱۰۲ جراطه، ۱۰۲		ثعالة، ۲۴۹	توت العليق، ٢١٣
جراطه، ۱۲۲ جراطه، ۱۲۲	جابور، ۹۹ ادم ۱۵۳	ئغب، ۹۷	توت حامض، ۹۵
جراطه، ۱۱۱ جر المشايخ (آفريقا)، ۷۴	جادی، ۱۶۳	ثَغام، ۹۷	توت حلو، ۹۵ نم
<del>-</del>	جار النهر، ۹۹ سر	ثغام، ۲۹۱	توت لُحن، ٩٥
جربنة، ۴۳ · ۱۹۸۸ .	جاسة، ۷۳ ر سم،	ثغامة، ۴۸ من	توت وحشى، ٩٥
جربوز، ۸۴ (شام) ا ۲۰۰	جامسه، ۷۳	ثُفَّاء، ١١٥	توجدة(مغرب)، ۸۲
جرجار، ۱۰۲ • ۳۸	جامع البِضْع، ١٠١	ثفاءة، ١١٥	تودری، ۴۶
چِزچِر، ۹۳ " سم	جامع البِضع، ١٥٧	ثُلُب، ۹۷	توذريج، ۹۶
جرجر المصرى، ٩٣ د ت / سه،	جامع اللحم، ١٠١	ثلثان، ۲۱۴	توز، ۱۲۷، ۲۶۴
جرجر (عراق)، ۷۳ د .	جامول الكتّان، ٢٥٨	ئِلْثَان، ۲۱۵، ۲۴۹	تومین (لبنان)، ۲۷۱
جِرجير، ١٠٢		ئُلْئُلان، ۲۱۵	تُوَيْتُه، ۱۷۹
جرجیر البری، ۷۰	187	ثَمام، ۹۷	توءمان، ۹۶
جرجير الكلاب، ١٠٢، ١١٥	جاوَرْس، ۱۰۰	تُمام، ۱۵۱	تیسی، ۲۰۱
جرجير الماء، ١٠٢، ١٥٩،	جاورس، ۱۴۳، ۱۵۰	ثمرالغالبة، ١٠٨	تیفلت (فاس)، ۲۹۷
711, 677, 767	جاورس هندی، ۱۰۰	ثمر الفؤاد (مصر)، ۸۶	تيمط (اندلس و مغرب)،
جِرْجير الماء (مغرب)، ٢٣٥	جاوروس، ۱۰۰، ۱۴۳	ثمر شجر الكافور، ٥۴	۵۲۲
جرجير الهر، ١٠٢	جاوروس هندی، ۱۴۹	ثمرة الدبّ، ٢٨٠	تيمق (اندلس و مغرب)،
جرجیر بری، ۷۰	جَبَأٍ، ۲۶۰	ثمرة الكبر، ٢٥٠	۵۲۲
جرزالشياطين، ٣۶	جَبْأَة، ۲۶۰	ثملول، ۲۴۵	تــين، ۶۲، ۹۶، ۱۲۲، ۱۲۳،
جرمامة، ١٠٣	جبروان، ۶۷	تُمَيْلُه (اندلس)، ۴۷	114
جرمان، ۲۰۲	جَبَرَة (مغرب)، ۱۰۱	ثور، ۲۰۰	تين آدم، ۶۶
جريال، ١٠٣	حبل المساكين، ١٢١	ثوع، ۹۷	تین ابیض، ۸۶
جريله خمر، ١٠٣	جبلهنج، ۱۰۱	ثوم، ۴۹، ۸۰، ۹۸، ۱۵۷	تين الاحمق، ١٠٥
جَزَر، ۵۴ ۱۰۳	جَبْلَهَنْج، ١٠١	يْوَم، ۹۷	تين الرحاني، ٩۶
جزِر البری، ۶۰	جُبُلين، ١١٧	ثوم البستاني، ٩٨	تين الفُّجُ، ١٨٢
جَزَر البری، ۱۴۸	جبن، ۱۴۵	ثوم الجبل <i>ى</i> ، ٨٠	تین الفیل، ۱۰۸
جزر البستاني، ۱۴۸	جُبن الثعبان، ٢٧٣	ثوم الحيه، ۴۸	تين أحمق، ١٠٥
جَزَر بری، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۰	جبن القرود، ۲۷۳	ثوم الحيّه، ٤٩، ٩٨	تین بری، ۹۶
جزمارج، ۲۰۲	جَبه، ۱۰۱	ثوم الحيه، ٩٨، ١٠۶	تین جبلی، ۹۶، ۱۰۵، ۱۲۷
جزو اعظم، ۲۴۵	جبين جبن، ١٤٥	ثوم الْحَيَّة، ٩٨، ١٨٩	تین مکه، ۴۳
جسد، ۱۶۳	جثجات، ۷۶	ثوم الضفادع، ٩٨	ثافِسْيا (مغرب)، ٩٧

جوز النعاس، ١٠٩	مُجنی، ۱۰۶	جُلُنسرين، ١٠٥	جطيره، ١٢٢
جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷	جَنَّى الاحمر، ٢٣١	جلوز، ۸۸	جَعْد، ۲۵۶
جوز اليسرو، ١٠٩	جنى الاحمر، ٢٤٢	جِلُّوز، ۱۰۵	جَعداء، ١٠٣
جَوزِبَوًا، ۱۰۷	جنى العُشر، ١٣١	جُلُوز، ۱۰۵	جَعْداء، ۲۵۴
جوز جنا، ۴۳	جواری، ۱۴۹	جِلُّوْز(مغرب)، ۱۰۵	جُعْدُه، ۱۰۳
جَوز جَنْدم، ۱۰۷، ۱۶۵	جَوْذَر، ۱۰۶، ۲۱۹	جليط، ١٠٥	جعده، ۲۳۰
جوز جندم (رقه)، ۱۳۰	جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰	جلیف، ۱۰۵	جعده كبير، ١٠٣
جوز داود، ۱۰۸	جَوز اَرْقَمْ، ۱۰۷	جلیقی، ۹۶	جَعْدة، ٢٨١
جوز رومی، ۱۰۸، ۲۶۴	جوز الابيض، ٢٩٠	جُمّار، ٩٥	جَعْدة الجدران، ١٠٣
جوز زوان، ۱۶۴	جوز الاكل، ١٠٧	جمان، ۱۶۹	جعدة الجُدران، ١١٩
جوز سودار، ۱۳۹	جوز الأنهار، ١٠٧	جِمْجِم، ۱۰۵	جعدة القنا، ٧۶
جَوْز ماتِل، ۱۰۹	جوزالجيل، ١٠٥	جَمْجُوا، ۱۰۶	جعدة القَنا، ٧۶، ١٠۴
جوز ماث، ۱۰۹	جوز الحبشه، ١٠٨	جمرة الارض، ١٠٥	جَعْدة الماء، ۲۵۴
جوز ماثا، ۱۰۹	جوز الخَمَسْ، ١٠٨	جَمَرة الارض، ٢٠١	جعدة حرّان، ٢٠٣
جوز ماثل، ۲۷۹	جوز الدفع، ۱۰۸، ۱۵۷	جَمرة (فاس)، ۳۴	جعفری، ۹۶
جوز ماثم، ١٠٩	جوز الدُّلْب، ۱۴۵	جُمْلُج، ۶۶	جعفریه، ۲۰۱
جوز هندی، ۲۸۰، ۲۸۷	جوز الرُّته، ۵۴	جُمَّيْز، ۹۶، ۱۰۵، ۱۵۷	جِعْفیل، ۲۰۱
جوزة القرود، ۵۲	جوز الرئّة، ٨٨	جَميم، ٩١	جِعه، ۱۵۰
جوک، ۷۱	جوز الرُّقَع، ١٠٨	جنا الاحمر، ٥٨	جُعَيداء، ١٠٣
جَولَق، ۱۴۱	جوز الريح، ١٠٨، ٢٧١	جناح، ۱۵۳	جُعَيديلَّة، ١٠٣
جینه، ۱۰۹	جوز الزَنْج، ۱۰۸	جناح البشر، ٧٣	جفت البلوط، ۸۶
حائن (اندلس)، ۴۷	جوز السرّو، ١٧٠	جناح التيس، ١٠۶	جُفُرِی، ۲۴۸
حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲	جوز السواک، ۱۰۷	جناح الزرزور، ٧٩	جَفْن، ۱۰۴
حاذً، ١١٠	جوز الشِرْک، ۱۰۸	جناح النسر، ١٥٧	جُلّ، ۲۹۴
حارز الانهار، ۱۱۰	جوز الطيب، ١٠٧	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جــــلبان، ۷۹، ۱۰۴، ۱۳۷،
حارز الماء، ١١٠	جوز العَبْهَر، ١٠٨	جَنار، ۱۴۶	717, 777
حارس، ۱۱۰	جوز العد، ۱۰۶	جنّ القتّال، ۱۴۷	جُلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱
حاسیس، ۱۱۱	جوز العرعر، ٣٩	جناء، ۱۰۶	جُلبان البرى، ٥٤
حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹	جوز القرود (فاس)، ۵۲	جُـناء الاحـمر، A۴، ۲۱۱،	جلبانه، ۱۳۷
حاشیش، ۱۱۱	جـــوز القَــطا، ١٠٧، ١٠٨،	747	جلبوب، ۱۰۳
حافّر المُهر، ١٧٩	797, 197	جَنْبَذ، ۱۰۴	جُلْجِل، ۴۶
حافظ اطفال، ۲۲۴	جوز القَی، ۱۰۸، ۱۰۹	جــنبه، ۷۵، ۸۹ ۹۷، ۹۰۰،	جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷
حافظ الأجساد، 49	جوز الكَوثَل، ١٠٩	۵۰۱، ۹۰۱، ۱۲۲، ۲۲۱،	جلجلان الحبشة، ١٠٢
حافظ الارواح، ۴۷	جوز الماثل، ١٠٩	۸۶۲، ۳۵۱، ۸۶۲، ۳۶۲ <i>،</i>	جلجلان (حبشه)، ۱۷۶
حافظ الاطفال، ٥٥، ٢٢٢	جوز المَرج، ١٠٩	٠٨٢، ٠٠٠	جلجلان مصری، ۸۰
حافظ الأجساد، ٩٨، ١٨٩	جوز المزج، ۲۴۹	جَنْبه، ۱۲۲	جلدان، ۱۰۴
حافظ الطفل، ٢٢٢	جوزالملک، ۱۰۷	جنطيانا الجرمقاني، ١٠۶	جُلْنار، ۱۰۴، ۱۵۶
حـــافظ المــوتى، ۴۹، ۹۸،	جوز النسرو، ١٠٩	جنطیان الرومی، ۱۰۶	جُلنار بری، ۲۰۱

حبق العريض الورق ١١٣ حَبَق الفتي، ١١٣، ٢٧٩ حبق الفيل، ٢٧٩ حَبَق القَرَنْفلي، ٧١ حبق القَرَنْفلي، ١١٣ حَبَق القَرَنْفُلي (فاس)، ۱۸۴ حبق القنا، ٣٤ حبق الكرماني، ١١٣، ١٢٢ حَبَق الماء، ١٩٨ حبق الماء، ٢٢٩ حبق المُرد، ١١٣ حبق المرء، ٢٧٩ حبق المَغز، ٧٠ حبق المنتن، ١١٣ حَبَقالُة (اندلس)، ١١٩ حبق بستانی، ۷۹، ۱۲۲، حبق ترنخاني، ٧١ حبق جبلی، ۲۲۸ حب قطاهی، ۱۴۷ حبق قرنفل، ۲۲۵ حَبَق قرنفلي، ٢٢٥ حبق کرمانی، ۱۸۳ حبق مصری، ۱۱۳ حبق نبطی، ۱۲۲ حبق نبطی (شام)، ۱۲۲ حب کاکنج کوهی، ۱۰۹ حبل المساكين، ١١٣، ٢۶٤، حبل المساكين (قرطبه)، حَبَن، ۱۴۵ حبوب، ۲۰۱، ۲۹۶ حَبّة الحُلو (اندلس)، ٤٧ حَبَّة الخضراء، ٨١ ١١١، 191 حبة السفرجل، ١٧٢ حبة السوداء، ٩٤، ١٩٢،

اندلس)، ۲۱۵ حب الصراط، ٢٧٥ حب المَخلَب، ١١٢ حب الصنوبر، ١٩۶ حب الملوك، ١١٣، ١٢٧، حب الصنوبر الصغار، ١١٢ حب الصنوبر الكبار، ١١٢ حب العرعر، ٤٠، ٢٠٨ حب الملوك (مغرب و اندلس و فاس)، ۲۳۴ حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰، حب المِنْسَم، ١١٣ 797 حب المنشم، ٢٨٥ حب العزيز، ١١٢ حب المَيْسم، ١١٣ حب العصفر، ٢١٠، ٢٣٤ حبالنسل، ۴۱ حب الغار، ۱۴۹ حب النشم، ١١١ حب الغراب، ٢٢ حبٌ النسعام (مسغرب و حب الفار، ۱۱۲ اندلس)، ۲۲۶ -حب الفقد، ۴۱ حب النيل، ١١٣، ٢٩٢، ٢٩٢ حب الفنا، ۲۱۴ حب بلسان، ۱۱۱ حب الفول (مصر)، ۱۸۶ حَبْحُو (عمان وشحر)، ۱۱۱ حب الفهم، ٨٥ حبربان، ۱۱۳، ۱۲۳ حب القثا، ٢٧٩ حب القرع، ٢٣٧ حب سجستانی، ۲۳۲ حب سرم بری، ۱۸۳ حب القطن، ۲۴۲ حب سلاطين، ١٤٧ حب القلب، ٨٥ حبشة، ١٠٢ حب القُلْت، ١١٢ حبُ الْقِلْقِل، ٢٥، ١١٢ حب صنوبر صغار، ۲۴۱ حب صنوبر کبار، ۲۴۱ حب القلقل، ١٥٨، ٢٨٣ حَبَق، ۱۱۳، ۱۵۹ حب الْقُلْقُل، ۲۴۴ حب القوقايا، ١٥٩ حبَق، ۱۲۷ حب الكاكنج، ٢۴٩ حبق، ۲۲۹ حبقا (اندلس)، ۱۱۹ حب الكاكنج الجبلي، ١٠٩ حب الكُلِّي، ٥٣ ، ٣٠١ حَبَق البربري، ٧١ حبق البقر، ٧٠ حب الكُلِّي (مصر)، ٤٢ حبّ الكــلى (مصر)، ١٣٢ حبق الترنجاني، ١١٣ حَبَق التَّمْسَاح، ١٩٨، ٢٢٩ 198 حب الكمثرى، ٢٤١ حبق الحاحي، ١١٣ حبق الحُرّ، ١١٣ حب الكني، ٤٣ حبق الحمامي، ٢٠٢ حب اللهق، ٢۴٩ حبق الراعي، ٧۶ حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹ حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴، حبق الشيوخ، ٢٨٠ حبق الصعترى، ١١٣، ١٨٣ حبق الصلقي، ١١٣

119 حافظ النحل، ۵۵، ۲۳۶ حّاقی، ۲۹۱ حالب، ۴۷ حالبی، ۵۴، ۱۳۱ حالق الشعر، ٢٢٢ حباقا، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۵۰، ۱۵۰ حباقا(اهالی حیره)، ۱۵۰ حب الاثل، ٢٠٢ حب الاس، ٣١، ٣٥ حب الانبربارس، ٤١ حب الأثل، ٩٣ حبّ البان، ١١١ حب البطيخ، ٨١ حب البقر، ٢٥٣ حب البلسان، ۸۶ حب الحلو، ٤٧ حب الخروع، ١٣٣ حب الخضرا، ٨١ حب الدسم، ١١١ حب الدود، ۲۵۵ حب الدهمشت، ١٤٩ حب الراس، ١١١، ٢٨٧ حبّ الراسن، ١١١، ٢٨٧ حب الرشا، ١٢٢ حب الرشاد، ۱۰۲، ۱۱۵ حب الرشيا، ١٢٢ حب الرمان، ١٥٧ حب الرند، ١٤٩ حب الريباس، ١١١ حب الزرقه (بحرين)، ٧٨ حب الزلم، ٤٩، ١١٢، ١٤٣ حب الزُّلَم، ١١١ حب السِمْنُه، ١١١ حب السود، ۲۶۹ حب الشبرم البرى، ١٨٣ حب الشجره (مصر)، ۴۱

حب الصبيان، ۸۶

197, 791	حُرض، ۵۲، ۱۲۳	حُرُيق، ۶۵	حشيش الغافت، ٥٤
مبة السَوْداء، ١٩٢	حُرْض صيني، ۵۲	حُريق الأملس، ١٠٣	حشیشه، ۴۴
مبة المساكين، ٢۴٥	حُرف، ۱۱۵، ۱۳۱، ۲۸۴	حُـرًيْق الأمْلَس (اندلس)،	حشيشةالارض، ٣۶
<i>عبة الملوك، ۱۱۳</i>	حُرْف ابيض، ۴۸	171	حشيشة الافعى، ١١٨
<b>ءُبّة حلاوة، ۶۷</b>	حرف ابیض، ۱۱۵، ۱۳۰	حُرَّيْق (مغرب)، ۶۵	حشيشة الأسد، ١١٨
حبيقه (اندلس)، ١١٩	حرف احمر، ۱۱۵	حريمله، ١١٧	حشيشة الأفعى، ١١٨
حبيقة، ١١٩	حرف البابلي، ١١٥	حُرَيْملة، ۱۱۶	حشيشة البابلي، ٤٣
حَتِّى، ٢٨٣	حرف البرى، ١١٥	حزًا، ۱۱۷	حشيشة البراغيث، ١١٨،
حثا، ۹۶	حرف الشُّطوح، ٨٠، ١١٥،	حزا، ۱۱۷	147
	118	حزاز، ۲۰۰	حشيشة البراغيث (شام)،
حجر البقر، ٢٩٥	حرف الشامي، ١١٥	حزاز الجبل، ۱۱۷	11A
حد، ۱۹۱	حرف المائي، ١١٥	حَزازُ الصخر، ١١٧	حشيشة البرص، ٣٤، ١١٨
حدج، ۱۲۶	حرف الماء، ١١٤، ١٨٢	حزاز الصخر، ۱۶۵، ۲۰۴	حشيشة الثومي، ١٨٩
حددی، ۹۲	حُرْف الماء (مغرب)، ٢٣٥	حزازالصخور، ۱۱۷	حشيشة الثوميه، ٨٠ ٩٨
حَدَق، ۲۰۷،۱۱۴ ·	حرف المشرقي، ١١٥، ١١۶	حزاة، ١١٧	حشيشة الشومية، ٩٨، ١٢٢،
حدقی، ۶۷	حرف أبيض، ١١٥، ٢٧٤	حَزاء، ۱۱۷، ۱۴۸	<b>YY1</b>
حدیدی، ۱۱۴	حرف بابلی، ۱۰۲، ۱۱۵،	حَزاء بری، ۱۱۷	حشيشة الثومية (اندلس)،
حراشا، ۱۳۱	118	حِزاءَة، ١١٧	P7,
حرّاقه، ۱۴۰	حُرف بری، ۱۱۷	حزاءة أخرى، ١١٧	حشيشة الحلو، ١٨٠
حرّالسحر، ٣٥	حُرفله (صقلبه)، ۶۷	حُزُنبل، ۱۱۷	حشيشة الحُمْرة، ٢٧۶
حرانيه، ۱۰۳	حُرف مشرقی، ۲۲۸	حَزُنْبُل، ۱۱۷	حشيشة الحُمّى (أفريقا)،
حربا، ۱۲۸	حِرکه (اندلس)، ۹۱	حَزَنْبل، ۱۲۳	7.4
حربان، ۴۵	حَرْمل، ۴۸، ۸۰	حزنبل، ۲۸۰	حشيشة الحوت، ١۴٣
حرباء، ۴۶	حُزْمَل، ۱۱۶	حسار، ۱۱۷	حشيشة الخراسانية، ٢٩٣
۔ حُزبُت، ۱۱۴	حرمل، ۲۸۶	حَسَک، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴،	_
حُزْبُث، ۱۱۴، ۲۷۴	حرمل البلدى، ١٩١	۲۱۸، ۱۱۸	حشيشة الدم، ١١٩
حربه، ۱۱۴	حرمل عامی، ۱۱۶	حسک البری، ۱۱۸	حشيشة الدُّوديه (اندلس)،
حَرِبة، ۲۷۱	حرمل عربي، ١١٤	حسک الجمال، ۵۹	**
حرز الشياطين، ٣۶	حُزْمُلَه، ۱۱۶	حسك الفِراخ، ٢١٢	حشيشةالذُهبيه(اندلس)، ۴۸
حرشا، ۱۳۰	حَزملة، ۱۱۶	حسَكَة (مصر)، ٧٩	حشيشة الرئة، ١١٩، ٢٠٥
حَرِشاء، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۳	حرّو اعظم، ۲۴۵	حسيب، ٨٢	حشيشة الرجاج، ٣٤
حرشف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰،	حریشاء، ۱۵۷	حسین، ۱۴۵	حشيشة الرومانيين، ٥٩
790	حُریشه، ۱۱۴	حَشْف، ۲۸۳	حشيشة الزجاج، ٣٤، ١١٩،
حَرْشُف، ۲۶۷	حریشه، ۱۵۹، ۱۵۷	حشوی، ۲۲۶	109
حَرْشَف الْبَرِّي، ١١٤	حريطه، ٣٥	حشیش، ۷۸، ۲۴۵	حشيشة السعال، ١١٩، ١٧١
حَرْشَف الْبُسْتَاني، ١١۴	حريف الاملس (اندلس)،	حشيش الأُعْظم، ١٥٤	حشيشة السلحفا (شام)، ٣٧
حرشف بری، ۲۱۲	171	حشــيش الدّوابُ (مـصر و	حشيشةالسلحفاة (شام)، ٣٧
حرشف بستانی، ۱۱۴	حريق، ۶۵	شام)، ۲۹۶	حشيشة السلطان (مصر)،

حَمصيص الترف، ١٢٢ ُ	حماض الارض، ١٢٣	خلاب، ۱۲۰	141
حمض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷	حماض الارنب، ٥٥، ١٢٣	حلالات، ۱۲۶	حشيشة السُللَخفاة، ٤٠
حَّمْض، ۵۲	حماض البري، ١٢٣	ځلاوی، ۶۷	حشــيشة السـنبل الرومــى،
حَــــمْض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰،	حماض البقر، ١٢٣	جُلِّب، ۱۲۲	141
۵۵۱، ۵۲، ۶۸۲	حماض الجبلى، ٤٠، ١٥٩	حِلْباب، ۱۲۲	حشيشة السُّواقي (مغرب)،
حِمض، ۱۳۹	حماض الحسكى، ١٢٢	حُلِّب التيسي، ١٢٢	90
حِمْض، ۱۵۸	حماض السبخي، ۱۲۲	حِلِبْلاب، ۱۲۲	حشيشة الشرك، ٨٨
حمض الابل، ١٢٣	حماض السواقي، ١٢٢،	حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶	حشيشة الصفرا، ٢٠٨
حَمَّلَة، ١٢٣	177	حُلْبوب (اندلس)، ۱۲۱	حشيشة الطحال، ١٩٩، ١٤٠
ٔ حُمَیْدِش (فاس)، ۵۹	حماض الشامي، ١٢٢	حلبوب غير منقط، ١٢١	حشيشة الطلق، ١٢٠
حُمَير، ۱۵۵	حماض الماء، ١٢٢، ١٢٣	حُلْبَه، ۱۲۰	حشيشة العقرب، ١٩۴
حميرا، ٣٨	حماض بزرگ، ۲۷۴	حَلْبِيب، ١٢١	حشيشة العَلَق، ٤٣ ١٢٠
حُمَيْراء، ۳۸، ۱۵۵، ۱۹۰	حماض بستانی، ۱۲۳	حِلْتیت، ۶۵، ۱۲۱، ۲۹۵	حشيشة الغافث، ٢١٩
حُمَيراء، ١٢٥	حماض جبلی، ۱۵۹	حِلْتيث، ١٢١	حشيشة الفَرَج، ١٢٠
حُمَّيْط (فاس)، ۱۲۲	حُمَّاض حَسَكيٌ، ٧۶	حَلْحال (اندلس)، ۴۷	حشيشة الفقرا، ٢۴۵
حِنَا، ۱۲۵	حماض حسکی، ۱۵۹	حَلحال(مغرب و فاس)، ۴۷	حشيشة الكبد، ١٢٠
حِنَّاالغُولة (مصر)، ٣٨	حماض کبیر، ۱۲۲	حَلْحُل، ۲۵۱	حشيشة الكلاب، ٢٨٠
حنامشه، ۱۹۳	حماض نیری، ۱۲۳	حَلْفا، ١٢١	حشيشة الكلب، ٢٢۴، ٢٨٠
حناء الجبليه، ١٢٥	حَماط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰	حلفاء، ۳۷	حشيشة اللَّجَاة، ٤٠
حناء الرُّعاة، ١٢٥	حَماما، ۱۲۴	حَلْفاء، ۱۲۸، ۲۰۴	حشيشة اللجأة (شام)، ٣٧
حناء الغول، ٣٨	حمامی، ۷۳	حَلَق، ۱۲۲	حشيشة المَعْدِن، ١٢٠
حنًاء الغولة، ١٢٥	حمامي، ۱۵۶	حَلَمة، ۱۲۲، ۱۶۳	حشيشة الْمُقَدَّسَة، ۶۹
حناء القريش (مصر)، ١١٧	حِمْحِم، ۲۵۲	څلوانه، ۶۷	حشيشةالمُكَرَّمَة، ۶۹
حناء المجنونه، ١٢٥	حُمْحُمُ (شام و شرق)، ۲۶۸	ځلوه، ۶۷	حشيشة النجاة (شام)، ٣٧
حناء المروج، ١٢٥	حمر، ۹۵، ۱۲۴	حِلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حشيشة دودية، ١١٩
حناء قريش، ١١٧	حمص، ۷۶	حَلی، ۹۷	حُضُض، ۱۲۰، ۱۷۴، ۲۳۱
حناء معجون، ۲۹۲	حِمْص، ۱۲۴	حَلّی، ۱۲۲	حُضُض هندي، ٢٣١
حَنْدقوقا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱	حِمُّص الأمير، ١١٨	حليق، ۶۰	حضض یمانی، ۱۲۰
حندقوقا مصری، ۲۹۱	حِمَص الامير، ١١٨	حلّيلة، ۵۴	حَطَب، ۱۸۸
حندقوقي، ۱۵۲، ۲۷۲	حمص الإمير (مغرب)،	حَماحِم، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۸۴	حَطَب الْفَتح، ٢۶٥
حَنْدَقوقى، ٢٠٨	\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\	حُمّاص بحرى، ٢٠١	حَطَبه، ۴۶
حَنْدِقوقی (بغداد)، ۱۵۰	حمص الأمير، ١٢٤	حـــماض، ۸۳ ۹۷، ۲۶۶،	حفا، ۷۵
حِنزاب، ۵۰	حِمُّص الأمير (مغرب)، ١١٨	799	حَفَأ، ٧٥
حَنَشَى، ۲۷۳	حمص البرى، ١١٨	حَمّاض، ۱۲۲	حفوظه (عجميت انـدلس)،
حنطه السوداء، ١٩۴	حِمُّص بری، ۱۲۴	حمّاض، ۱۲۴، ۱۷۴	191
حنطه رومیه، ۱۳۹	حمص بستانی، ۱۲۴	حماض الاترج، ١٢٣	حِفْوَل، ۱۲۷
حِنْطَة، ۱۲۶	جِمُصِي، ۲۹۱	حـماض الأجـامي، ١٢٢،	جَقَل، ۱۲۶
حنطة، ١٥١، ١٥٧	حَمَّصَيْص، ۱۲۴	174	حَلّ، ۱۷۶

خَوَزَة، ١٣١ خبازی شقایقی، ۱۲۹ P2, 7P1, 7·7, 7V7, 1A7 حنطة البرية، ١٢۶ خَرْطال، ٩١، ١٢٤ خبازی قُرطی، ۱۲۹ حيّ العالم، ٣٧ حنطة الحبشيه، ١٢۶ خرطال (فاس)، ۲۳۷ خبز الغراب، ۵۷ ۵۸ حِنْطَة الرميه، ١٣٩، ١٢٤ حيربول (اندلس)، ۵۸ خرطال (مصر)، ۱۲۷ خبز الغراب(اندلس)، ٩٠ حي عالم، ١۶١ حنطة السداب، ١٢۶ خُبْزالْقُرود، ۷۵، ۱۳۰ حَيَّهَل، ١٢٣ خرطان، ۸۸ حنطة الفارسي، ١٧٣ خُوْفع، ۱۳۱ خبز الكلب، ۲۶۷ حنطة الفارسيه، ١٢۶ خابور، ۱۳۸ خرفق، ۱۳۱ خبز المشايخ، ١٣٠ حنطة جبليه، ١٤٧ خارسوهک، ۱۱۸ خَرْفی، ۱۰۴ خبز رومی، ۱۳۰ خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳، حنطة رومية، ١٣٩ خُبُّه، ۱۲۹ خِرَق، ۲۸۰ حنطة صغيرة، ١٧٣ نُحرُّم، ۱۳۱ خُبَيِّزة صغيرة، ١٣٠ حــنظل، ۸۱ ۱۲۶، ۱۸۷، خاليدونيون ذو الخطافي، خرم، 189 خَتْرَق، ۵۵ 714 حَنْظُل، ۱۲۶ ختم الملک، ۱۶۷ خرمازق، ۲۰۲ خاماذفنی، ۱۴۹ خَرنوب، ۱۳۲ ختمی بری، ۲۱۱ حنظل رومی، ۱۰۶ خامالاون ابيض، ٢٧٥ خَوْنوب، ۱۳۲ خامالاون الأسود، ١٢٨ حنوه، ۳۴ خداع الرجال، ۸۸ خرنوب، ۱۳۲، ۲۴۱ خِذْراف، ۹۹ حَنْقِه، ٣٤، ١٥٩ خامشة، ۱۲۸ خِذرفات، ۱۲۳ خانق الذئب، ١٢٨ حَنوة، ۱۵۹ خرنوب الخنزير، ١٣٢ خرنوب الخنزير (مصر)، ۶۳ خراز الماء، ٢٠٠ خانق الذباب، ٥٥ حنيق زنبق، ۲۹۰ خرنوب الشوك(شام)، ۱۳۲ خراطين، ١٢٣ خانق الكرسنه، ۶۸ حنين، ١٢٥ خَرْنوب الكَلْب، ٤٢ خانق الكرسنة، ٢٠١ حُوّاءالبقر، ۲۹۸ خرافة العَجوز، ٢۶٩ حَوْجَم، ۲۹۴ خرنوب المعزى، ١٣٢ خُراء النواتية، ۲۴۸ خانق الكلاب، ٩٣، ١٢٨ خرنوب المِعزى (شام)، حَوْذان، ۱۲۷، ۲۵۹ خربع، ۱۱۴ خانق الكلب، ٢٢، ١٢٨، حوذان، ۱۵۳، ۲۷۳ خَرْبَق، ۱۳۰ حَوَر، ۱۲۷ خرنوب شامی، ۱۳۲ خَـربق اسود، ۱۲۹، ۱۳۰، خانق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸ خرنوب مصری، ۱۳۲ حُور، ۱۲۷ 🕟 P71, 701, P07 خانق النَمِر، ١٢٨ خربق أبيض، ١٣٠ خانق نفسه، ۲۳۲ خرنوب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱ حور اسفیدان، ۷۸ خب، ۱۴۰ خرنوب هندی، ۱۴۰ حَور الرومي، ۵۵ خَردل، ۱۳۰ خرو الحمام، ١٣٠ خردل، ۱۵۳، ۱۸۹ خُبّاز، ۲۸۴ حور الرومي، ١٠٩، ١٢٧ خرو الضفادع، ۲۰۰ خردل الابيض، ١١٥ خُبّازی، ۱۲۹ حور رومی، ۱۲۷ خروب، ۱۳۲ خردل البر، ١٣٠ خبازی، ۱۲۹، ۲۸۴ حوز، ۱۲۷ خردل الفارسي، ١١٥ خبازي الاسود، ١٢٩ حُوک، ۷۱ خروب، ۱۳۲ حوک، ۱۱۳ خرّوب الخنزير، ١٩۶، ٢٧١ خـردل بـری، ۱۰۲، ۱۱۴، خُبّازي الجَبَلي، ١٢٩ خَرُوبِ السُّنط، ١٩١ خبازی السبخی، ۱۲۹ 788,141,118 حَوک، ۱۹۸ خروب السودان، ١٣٢ خردل فارسی، ۱۳۱ خبازی الصقلی، ۱۲۹ حَوْمانة، ١٥٢ خرّوب الشامي، ١٣٢ خردل فارسى (دمشق)، خُبّازی الفارسی، ۱۲۹ حومانة، ٢٠٣ خروب الشوي، ۱۳۲ خُبّازي الماكول، ١٢٩ حومانة (أفريقا)، ٢٠٣ خبّازي المجوسي، ١٢٩ خروب العريض، ٣٠١ حومر، ۱۲۴ خرز الملوك، ۲۱۴ خِوْزع، ۱۶۳ حی، ۳۷ خرُوبِ النبطي، ١٠٩ خبازي الهندي، ١٢٩ خبازی حَمْقاء، ۱۲۹ خَرْزَل، ۱۳۱ خروب النبطى، ٣٠١ حــى العـالم، ٣٤، ٢٧، ٤٤،

			`
<i>حروب الهندی، ۱۴۰</i>	خشخاش المُقَرِّن، ١٣٤	خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷	خوخ قلیق استه، ۲۳۲
حروب الهندى، ١۴٠	خشخاش المقَرِّن، ۲۷۶	خطمية البيضاء، ١٢٩	خَوشان، ۱۲۳
خِرُوعَ، ۱۳۳، ۲۰۳	خشخاش اليهودي، ۱۳۴	خلاف، ۵۴ ۱۷۱	خوص (مصر)، ۷۵
خِروع الاسود، ۲۸۷	خشخاش أبيض، ١٣٤	خِلاف، ۱۳۶	خوص (مغرب)، ۲۰۸
خروع الضفادع، ۲۰۰	خشخاش أسود، ۱۳۴	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹	خوصه (اندلس)، ۲۷۲
خزوع صینی، ۱۴۷	خشخاش بحری، ۱۳۵	خلاف (شام)، ۱۳۶	خولان، ۱۲۰
خِريع، ۴۲	خشخاش بری، ۱۳۴	خلال، ۲۸۲	خَولَع، ۱۲۶
خريع، ۵۷ ۲۰۹، ۲۱۰	خشخاش بستانی، ۱۳۴	خلال مامونی، ۴۳	خوم، ۱۴۰
خرِّيع، ۱۳۳	خشخاش زَبَدی، ۱۳۵	خلّر، ۱۰۴	خويصه مصغر (اندلس)،
نُحرْءَ الحَمام، ١٣٠	خَشْخاش سائل، ۱۳۴	خُلِّر، ۱۳۷	777
خرؤالحمام (رقه)، ۱۰۷	خشخاش مُقَرّن، ۱۳۵	خَلَص، ۱۳۷	خيار شنبر، ۱۴۰
نُحزامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸	خشخاش منثور، ۱۳۵	خلنج، ۱۱۰	خیار صنبر، ۱۴۰
خَزَم، ۱۳۳	خشل، ۲۸۳	خَلَنْج، ۱۳۷	خيار (عراِق)، ۲۳۴
خَسُ، ۱۳۳	خـصى الثـعلب، ٨٠ ٨٩،	خَلُوانی (اندلس)، ۲۴۶	خير مِنْ أَلْف، ١٧٩
خَس، ۲۸۰	107,1701	خَلُوق، ۱۶۳	خير من ألف درهم، ١٧٩
خس، ۲۹۷	خُصى الثُّغلَب، ١٣٥، ٢٠٣،	خلوقة، ۲۶۱	خیری، ۲۸۵، ۲۹۲
خَسا، ۱۰۲	745	خُلَّة، ۱۳۷	خیری ازرق، ۱۶۸
خس الارنب، ١٣٣	خصیالدیک، ۱۳۵	خمان الأرض، ١٣٨	خیری اصفر، ۱۶۸
خسّ الاسود، ۱۳۳	خصى السمور، ١٣۶	خمان الصغير، ١٣٨	خيرى الاحمر، ٧٩
خس الحمار، ٣٨، ٩٤، ١٣٤	خصى القط، ١٣٥	خمان الكبير، ١٣٨	خيري الاصفر، ١۴٠
خسُّ الحِـمار، ۳۸، ۴۳، ۶۸،	خُصى الكلب، ٨٠ ١٣٥	خِمْخِم، ۶۳	خیری البر، ۱۲۳
797, 797	خصى الهِرّ، ١٥٠	خمخم، ۱۳۸	خیری البر، ۱۴۰
خس الحمار (فاس)، ۱۳۳	خُصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	خَمَر، ۲۰۲	خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲
خس الفدان، ۱۳۳	خَضِر، ۱۶۴، ۱۹۴	خمضیض، ۱۲۲	خیری (بـغداد و مـوصل)،
خس الكلب، ۱۴۹	خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳	خَمْط، ۵۵، ۱۴۵	711
خس بری، ۱۳۳	خُضيراء، ١٥٩، ٢٧٥	خمل، ۱۷۹	خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸
خسّ بستانی، ۱۳۳	خطًار، ۲۵۱	خــشى، ۳۷، ۵۱ ۸۰ ۸۶	خِيزران، ۱۴۰
خسران، ۷۹	خطًافی، ۱۲۷	١٣٨	خَيزران البلدى (اندلس)،
خسف، ۱۰۶	خِطْر، ۱۲۵، ۲۹۲	خنثى الصخريه، ١٣٨	45
خستی، ۳۰۰	خَطْر، ۱۳۶	خنج، ۱۳۱	خیزران بلدی، ۱۴۰
خشب الحيه، ٢٩٧	خِطر، ۲۵۱	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خیزُّو (مراکش)، ۱۰۳
خشب الصيني، ١٠۶	خِطَرة، ۱۳۶	🐇 خَنْدروس، ۱۲۶، ۱۳۹	خينوس، ۱۹۳
خشخاش، ۱۳۴، ۱۸۸	خطمی، ۱۲۹، ۲۱۶	خندروس، ۱۳۹، ۲۰۱	خيوز (سوائم)، ٢٠١
خشخاش احمر، ۱۳۴	خِطْمی، ۱۳۶	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	دائم العطش، ۱۴۸
خشخاش اسود، ۱۳۴	خطمی الازغب، ۱۲۹	خَوخ، ۱۳۹	داح، ۱۴۳
خشخاش البرى، ١٣٤	خطمي الرومي، ١٢٩	خَــوخ المــاء، ١١٥، ١٣٩،	داد الأبيض (اندلس)، ۵۱
خشخاش الزُّبدي، ۱۰۰	خطمي المروج، ١٢٩	777	داد الأسود، ۵۱
خشخاش الساحلي، ١٣٤	خطمی النهری، ۱۲۹	خوخ المروج، ۲۴۳	داد الوحيد (آفريقا)، ٥١

دادی، ۲۰۴	دَرْیاس، ۱۴۵	دوقس (شام)، ۱۱۸	ذِفل <i>ی</i> ، ۱۴۵
داذًى الرومى، ٢٩٨	دریاس (فاس)، ۶۵	دوقـــو، ۳۰۱، ۱۱۷، ۱۴۸،	ذُكار، ۹۶
داذی رومی، ۱۴۱	دریاس (مغرب)، ۹۷	۸۸۱، ۸۲۲، ۶۵۲	ذكر الأرض، ٩٢
دار المرز، ۶۵	دستنبو، ۱۴۴	دوقو الاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	ذَكَر الديك، ١٥٠
دارصینی، ۲۳۸	دَسِّم الشجر المُرَّ، ٢٨٤	دوقو الرومى، ١٠٣	ذكر الرئيس، ١٣٥، ١٥٠
دار صيني الدون، ۱۴۱	دسمُ الصوف الوَذِح، 180	دوقو القرادي، ۱۰۳	ذكر الكلب، ۱۵۰
دارصینی حبشی، ۱۴۱	دسیسه (مصر)، ۵۶	دوقو القُرادي، ١٠٣	ذَكَرُ الهرّ، ٨٠ ٢٠١
دارصینی زور، ۱۴۱	دشینه، ۱۹۷	دوقو املس، ۱۴۸	ذكور البقل، ۱۴۴
دار فَلْفُل، ۴۶، ۲۲۷	دُعاع، ۱۴۵	دوقو بری، ۱۴۸	ذَنَب الأُيُّل، ٢٨٧
دارکسنة (عراق)، ۲۴۹	دُغبوب، ۱۴۵	دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۹۸۳، ۲۸۴	ذنب الثعلب، ١٨١
دار کیسه، ۱۹۹	دُعْلُول، ۱۴۵	دوم (مغرب)، ۲۰۸	ذَنَب الجمَل، ١٢۶
دارکیسه (شام)، ۱۰۷	دفلی، ۳۷	دومه، ۲۸۳	ذنب الحِدأَة (اندلس)، ٢٣١
دار کیسة، ۱۴۲	دِفْلی، ۳۷، ۱۴۵	دویره، ۲۷۳	ذَنَب الخَروف، ١٥١
دارکیسة (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	دفلي البيضاء، ١۴٥	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذنب الخيل، ۵۰، ۶۲ ۲۶۷
دافع الغم، ١١٣	دفلي الخضراء، ١٤٥	دیس (اندلس)، ۵۰ ۱۷۵	ذَنَب الخَيْل، ٥٠، ١٥١
دانَج اَبْروج، ۱۴۲	دِق، ۱۴۳	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذنب السَبُع، ١٥١
داء الحيه، ۱۰۶	دُلَاع، ٨١، ٨٢	دیک الاعور، ۱۱۸	ذَنَب العــقرب، ١٥١، ١٥٢،
دب، ۲۹۱	دلاع البرى، ۱۲۶	دیک (اندلس)، ۱۴۴	7.4
دُبًا، ۱۴۲، ۲۳۷	دلال، ۱۸۰	دیک أَعْوَر، ۱۱۸	ذنب الفار، ۲۶۹
دبق، ۵۱ ۵۸ ۱۶۷	دُنْب، ۱۴۵	ذات الريش، ۱۴۹	ذَنَب الفار (اندلس)، ۲۶۹
دِبْق، ۱۴۲	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	ذات ثلاث حبّات، ۱۶۲	ذنب الفاره، ۲۶۹
دِبقی، ۵۱	دِلْبوث، ۴۵	ذافنی الأسكندری، ۱۴۹	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱
دب <i>ی</i> ، ۹۶	دَلْبوث، ۲۵۷	ذاقن <i>ي</i> الاسكندري، ۱۴۹	ذنب القط (اندلس)، ۱۵۱
دُجْر، ۲۷۱	دلدغ، ۱۴۶	ذُبَح، ۶۳، ۲۶۵، ۲۶۵	ذنب اللبوءة، ١٥١
دحداح، ۱۴۳	دُلْم(فاس)، ۱۴۵	ذُبَحَة، ٤٣	ذنب اللُّوءة، ١٥١
دُخن، ۱۰۰، ۱۴۳	دم الاخوين، ١٩٢	ذراعه (مصر)، ۲۳۶	ذنب النمر، ٧٥
دُخن البري، ١١٩	دمُ الأخوين، ٤٩، ٢١٥	ذرق، ۱۲۵	ذنب الهِرّ، ٨٧
دخن العصافير، ۱۴۳	دمُ الأَخَوَيْن، ١٢۶، ١٧٩	ذُرَق، ۲۹۱	ذنبان، ۱۵۱
دخن النملي، ۱۴۳	دمُ الأمير، ١٤٧	ذَرْق الحَمام، ١٥٠	ذُنّيباء، ۱۵۱
دخن بری، ۱۰۰	دم الغزال، ۱۴۷	ذَرْق الطير، ٨٧	ذوات الجُمم، ۲۰۴
دُخنه، ۴۴	دمیثا، ۹۷	ذَرْق الطّير، ١٥٠	ذوات جُمم، ۲۵۶
دُخنةمريم، ٧۴	دند، ۱۴۷، ۹۷۶	ذُره، ۲۰۳	ذو ألف ورقة، ١٥١، ١٧١
درامج، ۱۴۳	دَنَقة، ۱۶۴، ۱۹۴	ذُرَه، ۲۶۳	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲
درانیج، ۱۴۳	دوام (انطاکیه)، ۸۶	ذُرَة، ۱۴۹	ذوثلاث حبّات، ۱۶۲
دُرْحُولَة، ۱۴۴	دواء الجنون، ۵۵	ذُرَيْرَة الشُّخم (مصر)، ٢٧٣	ذو ثلاث شوكات، ۱۵۲
درق، ۱۲۵	دواء الحيّه، ١٠۶	ذريرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
درمامة، ۱۴۴	دواء الخَطاطيف، ٢٠٨، ٢٧٤	ذریزه، ۱۵۰	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
درماء، ۱۴۴	دود الصخر، ٧٩	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲

ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸	راحة الكُلْب، ٢٥٤	رَبْرق، ۲۴۹	رجل صالح، ۲۸۰
ذو ثلاثة عناقيد، ٢٠٣	رازقتی، ۱۸۱	ربرق (یمن)، ۱۵۴	رجله، ۸۲
ذو خمسه أجنحه، ۸۹	رازیانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸	رَبْل، ۱۵۴	رجلة، ٨٣ ٨٨
ذوخمسة اجنحه، ۴۱	رازيانج البستاني، ۱۵۳	ربْل (مصر)، ۵۶	رجلة الشتاء و الصيف، ١٠٨
ذو خمسة اجنحه، ۸۸ ۱۵۲	رازیانج الروم <i>ی</i> ، ۶۷	رَتَم، ۱۵۱، ۱۵۴	رجينة، ١٩٧
ذو خــمسة اصـابع، ١٥٢،	رازیانج الشامی، ۶۷	رَتَّم الخنزير، ١٥٤	رجينة (اندلس)، ۱۵۲
۲۳.	رازیانج القرود، ۱۴۸، ۱۵۳	رَتم الَّطباء، ۱۵۴	رحبینه، ۱۹۷
ذو خمسة اقسام، ٨٨ ١٥٢	رازیانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳	رُتَه، ۵۲، ۵۴	رخام <i>ی</i> ، ۱۵۵
ذو خـمسة اوراق، ۴۱، ۸۸	رازیانج حبش <i>ی</i> ، ۱۵۳	رتَّه، ۱۵۵	رخون (بغداد)، ۲۶۱
701, .77	رازیانج روم <i>ی</i> ، ۱۵۳	رتیانج، ۱۹۷	رخینه، ۱۵۲
ذو خمسة أجنحة، ١٥٢	رازیانج شام <i>ی</i> ، ۱۵۳	رثیث، ۵۰	ردایف، ۱۱۴
ذو خمسة أصابع، ۴۱، ۸۸	رازیانج فارسی، ۱۵۲	رجبه، ۱۵۵	رسیم (مصر)، ۲۳۶
107	رازیانج (مغرب و انـدلس)،	رجل الأرنب، ۲۶۵	رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵
ذو خمسة أقسام، ۱۵۲	٧٨	رِجُل البازى، ١٥٥، ٢۴٨	رشال الاحمر، ۴۶
ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹	رازیان <i>ق</i> ، ۷۸	رجل الجراد، ١٥٥، ١٤١	رُشالة الابيض، ٢۶۴
ذو شُوَيْكة، ۱۵۲	راس الذهب، ۱۳۰	رجل الحدأة، ١٥٥	رشینه، ۱۵۲
ذو مائة رأس، ۱۵۲	راسن، ۱۵۹، ۲۵۲	رجل الحرشاء، ١٥٥	رشینة (اندلس)، ۱۵۲
ذهب <i>ی</i> ، ۳۴	راسن (اندلس)، ۱۰۶	رِجل الحمام (اندلس)، ١٢٥	رضایف، ۱۱۴، ۱۵۹
ذهبیه، ۱۵۲، ۱۵۳	راطینا، ۱۹۷	رجل الحمامه، ٣٨، ١١٩،	رطا، ۲۴۷
ذي الورقة الواحدة، ٢٧٣	رافعه، ۱۳۰	170	رطب القتّ، ۱۵۶
ذُوْنون، ۱۵۲، ۲۰۱	رافعة، ۱۵۴	رِجْل الحَمامَه، ٣٨، ٢٣، ٢٥٢	رَطْبه، ۱۵۵
رئيس الجَبَل، ١١٩	راوند، ۱۵۴	رِجْل الْحَمامَة (اندلس)، ۶۸،	رطبة، ۹۲، ۲۴۱، ۲۳۷، ۲۹۱
رئيس الجبل، ١٢٠، ١٤٠	راوند الجبلي، ۲۵۰	. 19•	رَغْث، ۱۵۶، ۱۵۸
رائحة الأنْرُج، ٧١	راوند الفارسي، ۱۲۲، ۱۵۹	رجل الدجاجة، ١٥٥	رَغَىُ الْإِبِل، ١٥٤
رائحة البستان، ٢٨٠	راوند شامی، ۱۵۴	رجل الدجاجة (آفريقا)، ٧٠	رعىالأيّل، ٤٠
رابوقه، ۸۲	راء، ۱۵۲	رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵	رعى الأبل، ٥٠ ٢٨١
راتیانج، ۱۹۶	راءاً، ۱۵۲	رجل الزرزور، ۱۵۵	رِغىالأيّل، ١٥۶
راتيانَج، ١٩٧	راءا، ٥٩، ١٣١، ١٣٩، ٢٥٣	رجل الطير، ٣۶	رِغْی الأَيْل، ۱۵۶
راتینا، ۱۹۷	رأس الأفْعى، ٤٢	رجل العقاب، ١٥٥	رِغَى البَطِّ، ١٤٨
راتیناج، ۱۵۲	رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳	رجل العقعق، ١٥٥	رعى الحمار، ١٥۶
راتینج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴	رأس الزرزور، ۱۵۳	رِجُـل الغُـراب، ٣٤، ١٤٨،	رعى الحمام، ٥٠، ٧٣، ٢٠٤
راتینَج، ۱۹۷	رأس الشيخ، ۵۸ ۱۵۳	201, 791, 907	رِغْي الحَمام، 69، 108
راح، ۷۹	رأس العِجل الكبير، ٤٧	رجــل الفــروج، ۵۲، ۱۲۳،	ً رِعى الحمير، ٢٢٥
راحالعرب، ۶۲	رأس العصفور، ١٥٣	747	رعى الشواهين، ٢٠٤
راحة الاسد، ٢٨٣	رأس القنفذ، ١٥٣	رِجل الفَرَوج، ١١٤	رعى الضفادع، ۲۵۴
راحة الأسد، ۲۸۶	رأس الهدهد (اسكندريه)،	رجلِ الفروج (اندلس)، ۱۵۵	رعىالعير، ۴۳
راحة الكفّ، ٢٥٩	777	رجلُ الفلّوس، ١٥٥	رَعَيْداء، ۱۶۴
راحة الكلب، ١٥٢	رب القَرَظ، ١٣٢	رجل القلوس، ۱۵۵	رُعَيْداء، ۱۹۴

زراوند الطويل، ۲۳۴	ريحان الثعلب، ١٢٩، ١٥٩	رقًى (بغداد)، ۸۲	رَغَث، ۱۰۴
زراونــد الطويل (أفـريقا)،	ريحان الجنّ، ١٥٩	رَكَف (آفريقا)، ٧٥	رغل، ۸۳
۱۸۶	ريحان السليمان، ١۶٠	رمّان، ۱۰۴	رُغْل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰
زراوند مُدَخرَج، ۱۶۱	ريحان السواقي، ١٥٩	رُمان، ۱۵۷	رُغَیْداء، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴
زراوند مدور، ۱۶۱	ريحان الشياطين، ١٨٣	رمّان الأنهار، ۱۵۸	ررفاید، ۱۱۹
زرجون، ۲۱۴	ريحان الشيوخ، ٢٨٠	رمان البر، ۱۵۸	رُقاع، ۱۵۷
زرع، ۱۲۶	ريحان القبور، ٣۶	رمان السُّعال، ۱۵۸، ۲۷۵	رُقاع اليَماني، ١٥٧
زَرْع، ۱۲۶	رَيحان الكافور، ١۶٠	رمّان السعالى، ٢٨٨	رِقَانَ، ۱۲۵
زرع على زرع، ٢٥٧	ريحان الماء، ٣٩	رمان الهند، ۱۸۹	رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷
زرق الطير، ١٥٧	ريحان المُرْد، ١٥٩	رمان الهندى، ١٨٩	رقعاً، ۱۳۸
زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱	ريحانالملك، ١٩٨	دمسان بسری، ۱۰۴، ۱۱۲،	رقع اليماني، ١٠٨
زَرْنَب، ۱۶۱	ريحان النعنع (مصر)، ٣٩	۸۵۱، ۳۸۲	رقعاء، ۱۶۹
زرنباد، ۱۶۱	ريحان اليهود، ١۶٠	رمان بستانی، ۱۰۴	رَقَعَه، ۱۵۷
زُرُنْباد، ۱۶۱	ريحان (اندلس)، ۳۶	رمان حامض، ۱۵۷	رقعة الرومية، ١٥٧
زُرنک، ۸۰	ریحان بری، ۸۳	رمان حلو، ۱۵۷	رقعة الصخرية، ٢٥٧
زرنیلَج، ۱۵۹	ریحان داود، ۳۴	رمان هندي، ۱۴۱، ۲۸۸	رقعة الصخرية(اندلس)،
زريعَة السُّوداء، ١٩٢	ريحان سليمان، ١٠٥	رمث، ۴۴	771
زريعة أبليس، ١٨٧	ريحان قرنفلي، ٢٢٥	رِمْث، ۱۵۸	رقعة الصنوبريه، ١٥٧
زریقاء، ۱۰۵	ريحانة الروميه، ١١٣	رُّمْح صغير، ٢٧١	رقعة الفارسية (اندلس)، ۸۷
زُغرور، ۱۶۲	ريحانة الفتى، ١۶٠	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱	رقعة اللَّطينية، ٩٧
زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۹۱	ريحانة المرود، ١١٣	رَنْد، ۱۵۹	رقعة النهرية، ٢٩١
زَعرور، ۲۸۲	ريحانة الملك، ١١٣، ١٥٩	رند اسکندرانی، ۱۵۹	رقعة (اهل سراة)، ۱۰۸
زعرور الأدوية، ٥٨	ریسم، ۱۲۲	رندلی، ۶۷	رقعة برية، ۱۵۷
زعرور بستانی، ۱۶۳	ریفی، ۶۱ م	رنف، ۱۵۹	رقعة جبلية، ۱۵۷
زعرور جبلی، ۱۶۲	ریوند، ۲۶۲	روبیان، ۴۴	رقعة خضفية، ۱۵۷
زَعفران، ۱۶۳	زُبّادی، ۱۶۰	رؤز (فاس)، ۴۴	رقعة شهلية، ۱۵۷
زعفران، ۲۵۵	زُبّ رَباح، ۱۵۰	روطة (فاس)، ۱۶۷	رقعة شعرية، ۱۵۷
زعفران بری، ۱۶۳	زُبُ رباح، ۲۰۱	رَهَج الفأر (مغرب)، ۶۸	رقعة طلبية، ۱۵۷
زعفران حبشی، ۱۶۳	زبُ ریاح، ۲۰۱	ریسباس، ۴۰، ۱۵۹، ۲۳۰،	رقعة ظِلية، ١٥٧
زعفران شرکی، ۱۶۳	زَبْغَر، ۲۸۰	7.7.7	رقعة فارسية، ١٥٧
زعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵	زبُوج، ۲۰۶	ريباس الجبلى، ١٢٢	رقعة قَرَنْفُلبة، ١٥٧
زُعَيفَراء، ١۶٣	زَبُوجِ (اندلس)، ۱۶۶	ريباس الخراساني، ١٢٢	رقعة لطينية، ١٥٧
زَغْبَج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱	زبيب الجبل، ١١١، ٢٨٧	ريباس الشامي، ١٢٢	رقعة مَرجية، ١٥٧
زَغْبج، ۲۰۶	ربيب الجبلي، ٢٨٧	ريباس الفارسي، ١٢٢	رقعة نهرية، ۱۵۷
زغْبَج، ۲۰۶	زبيب الريفي، ٢٨٧	ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۸۴، ۲۴۹	رقُون، ۱۲۵
زَغْبَرَ، ۲۸۰	زبیب بری، ۱۱۱	رَيحان، ۱۵۹	رَقون، ۱۲۵
زغبر، ۲۸۰	زدوار، ۱۰۱ 👾		رقة، ۲۱۸
زغیر، ۱۶۳	زراوَنْد، ۱۶۰	ريحان التُرنجاني، ٧١	رقيب الشمس، ١٥٧

سراج متوج، ۱۶۸	سامر (شام)، ۲۸۴	زَهرة، ۱۶۵	زفزوف (فاس)، ۲۱۳
سراجيه، ۶۰	سامری، ۱۵۴	زهرة الحجر، ١۶۵	زفیزف (اندلس)، ۲۱۳
سراويل الطلول (اندلس)،	سانوج (فاس)، ۱۹۲	زهم، ۱۶۱	زَقُوم، ۱۶۳، ۱۹۸
۶.	سِبْت، ۵۷	زيت السودان، ۱۶۶	زقوم آخر، ۱۶۳
سراويـل الكُكُّـه (انـدلس)،	سِبت، ۲۳۷	زيت المهرجان، ۱۶۶	زلائِف الْملوك، ۲۴۷
484	سبط، ۲۵۶، ۲۷۳	زيت الهرجان، ۱۶۶	زلابية، ١۶٣
سَرْح، ۱۶۹	سَبُع الأرض، ٧٥	زيتون، ۵۷	زلايمفالملوك (مغرب)،
سرخس، ۶۵، ۱۵۷	سبع الشَّعْراء، ١٤٧	زَيتون، ۱۶۵	747
سرخس البلوط، ۱۴۴	سَبُع الكتّان، ١۶٧	زيتون الأرض، ١٢٨، ٢٧٥	زَلَم، ۴۹، ۱۶۳
سرخسی، ۶۵	سبعة اصول، ۲۷۹	زيتون البحر، ١۶۶	زمارة الراعى، ٢٨١
سرسر الديک (شام)، ۱۴۶	سِجلّاط، ۲۹۹	زيتون البرى، ۱۶۶	زِمّ البول، ۱۱۸
سرقوقینا (شام)، ۱۹۳	سحار، ۹۶	زيتون الجبلي، ۲۰۶	زنّ، ۱۳۷
سَرْمَج، ۲۴۱	سحارة، ۱۸۹	زيتون الحَبَش، ۱۶۶	زِنْ، ۱۴۷
سَرْمَقَ، ۱۷۰، ۲۴۱	سَحبر، ۱۵۱	زيتون الطحال، ۱۶۶	زَنْبَق، ۱۵۲، ۱۶۴
سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹	سحيمه (اندلس)، ۲۶۷	زيتون الكَلْبة، ۱۶۶	زَنْبَق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱
سرو، ۳۰۱	شنخُّر، ۱۶۷	زيتون الماء، ١٤٥	زنبوج، ۱۶۵
شُرّة الأرض، ۱۶۹	سداب، ۱۲۴، ۱۵۰	زيتون المعز، ۱۶۶	زنبوع، ۴۰
سستترنة (اندلس)، ۱۸۷	شداب، ۱۶۷	زَيْتون بريّ، ۱۶۶	زَنْجَبيل، ۱۶۴، ۱۷۱
شطّاح، ۲۵۲	سداب البر، ۱۱۶	زیتون صخری، ۱۶۶	زنجبيل الافرنجي، ١۶۴
سط (مصر)، ۵۷	سداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	زیتون هندی، ۱۹۹	زنجبيل العجم، ٥٠، ١۶۴
سعالی، ۱۷۱	سداب بستانی، ۱۶۸	زيتونيه، ۱۴۴	زنجبيل الفارس، ٥٠
سَعْتر، ۱۶۵	سدایان (مصر)، ۱۷۴	زیتونیه (مصر)، ۷۰	زنجبيل الكلاب، ١۶۴
سعتر، ۱۸۷، ۱۹۵	سِدر، ۱۶۸	زیزفون (دمشق)، ۱۶۶	زنجبیل بلدی، ۱۵۳
سعتر الحمير، ١١٠	سدر، ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۸۹	زينة الرياحين، ٧٩	زنجبیل شامی، ۱۵۳
شغد، ۱۷۱	سدر بری، ۶۲	سابقة، ۷۵	زنجبیله (اسکندریه)، ۲۲۳
سعدان، ۱۷۲	سِدْرَوان، ۱۶۸	سابیزج، ۲۷۰	زند (شام)، ۲۱۸
شغدی، ۱۴۸	سِدْرَة، ۱۶۸	ساداوران، ۱۶۶	زنقال، ۹۶
سعدى المُضْفَرة، ١٧١	سدوس، ۲۹۲	ساداوران قنطار، ۱۶۷	زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱،
سعفورالصفاليه، ١۶٣	سذاب، ۹۷	ساذج، ۲۸۸	194,100
سعله، ۷۳	سَذاب، ۱۶۷	ساذج هندی، ۱۶۷	زُوان، ۱۶۴
شعْلَه، ۱۷۲	سذاب البر، ۱۵۰	سارق الخاتم، ٢٩٢	زوان(مغرب)، ۱۹۴
سعند، ۸۶	سذاب بری، ۴۸، ۹۷	ساسم، ۲۴	زوفا، ۱۶۵، ۱۹۵، ۱۸۸
سَعوط، ۱۷۲	سراج البری، ۱۶۸	ساسنُوا (فاس)، ۱۰۶	زوفای رطب، ۱۶۵
سعوط الدوّاب، ۲۶۳	سراج الظلام، ٢۶٣	ساق الاسود، ۷۶	زوفای یابس، ۵۲ ۱۶۵
سَفَرْجَل، ۱۷۲، ۱۸۶	سراج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰،	ساق الوصيف، ٧۶	زوفـــرا، ۱۴۸، ۱۶۵، ۲۲۳،
سفرجل الهند، ١٨٩	777, 777	ساكتة، ۲۸۰	۸۴۲, ۱۸۲
سِفرجل هندی، ۱۸۹	سِراج القُطْرُب، ۱۶۸	سالمة، ۴۸	زوفراء، ۱۴۸
سفری، ۱۵۸	سراج القطريل، ١۶٩	سالة، ١٣٠	زهر الملح، ۱۶۵

سفناریه (فاس)، ۱۰۳	سمّار، ۱۴۸	سنبل الاقليطي، ٢٨٧	سورنجان الدقيق(انـدلس)،
يِقام الجن، ٢٥٧	سَمار، ۱۷۵	سنبل الرومى، ١٧٨، ٢٨٨	717
سقمونيا محموده، ۱۷۲	شماق، ۱۷۵	سنبل الطيب، ١٧٧	سورنجان قتّال، ۱۰۸
سقوبردیء، ۲۷۷	سمّاق، ۲۰۶	سنبل العصافير، ١٧٧، ١٧٨	سورنجان هندي، ۱۲۱
ئىكات، ۱۷۳	سماق الدباغين، ١٧٥	سنبل الكلاب، ٥٠	سوری، ۱۷۷
ىَكْبِينَج، ١٧٣	سماق بری، ۲۸۰	سنبل الكلب، ١٧٨	سوس، ۱۶۰، ۱۸۰
سکر، ۱۷۳	سماقیل، ۱۷۵	سنبل الملوك، ٢٨١	سوسن، ۱۱۲
ئىڭر، ۱۷۳	سم البهائم، ۱۴۵	سنبل أقليطى، ٢٨٨	سّوسن، ۱۸۰
شُكُّر العُشر، ۱۷۳	شمّ الحمار، ١٢٥	سنبل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵،	شوسّن، ۱۸۰
سکوم (فاس)، ۲۹۷	سم الحمار، ۱۴۵	٨٨٢	سوسن اصفر، ۷۵، ۱۶۵
سَلَب، ۱۷۴	سم السمك، ۲۷۷	سنبل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سوسن الاحمر، ۱۴۶
سلبين، ۱۱۴	سم الفأر، ۶۸	ســـنبل رومــی، ۴۶، ۱۷۷،	سوسن الارجواني، ١٨٠
ئــــنت، ۱۲۶، ۱۷۴، ۱۷۴،	سمام، ۲۲۱	۸۷۱، ۶۹۲، ۷۸۲	سوسن الاسمانجوني، ٧٥،
7.1	سمانی (اندلس)، ۲۹۲	سنبل (عوام)، ۷۶	1.1.1
سلجم، ۹۰	سَمُر، ۶۲، ۱۷۶	سنبل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷،	سؤسّن الاشمانجوني، ١٨١
سلطان، ۱۵۸	سمر (اهل بادیه)، ۶۲	۸۷۱، ۸۸۲	سَوْسن الأبيض، ١٨١
سلطان الاشجار، ۱۶۹	سَمْراء، ۱۷۵	سنجار، ۲۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سوسن الأزاذ، ۱۸۰
سلطان البقول، ۱۸۳	سمسر، ۳۴	سنج سبويه، ۱۷۹	سوسن البري، ۱۴۶
سلطان الجَبَل، ٧٥، ٢۴٩	سمسق، ۲۴	سنديان الأرض، ١٧٩	سوسن الفيروزجي، ٧٠
سلطان الجبل(اندلس)، ۱۹۵	سَمْسَق، ۲۷۹	سنط، ۷۷، ۲۳۷	سَوْسَن أَصْفَر، ۱۶۴
سلطان الرياحين، ١٨٣	سمسم، ۱۰۱	سنط، ۱۳۲	سوسن أصْفر، ۱۸۱
سَلَع، ۱۷۴	ستمسيم، ۱۷۶	سنوت، ۲۶۲	سوسن بحرى، ٨٠
تىلغ، ۱۷۴	سمسم بری، ۱۷۶	سنوت الجبلي، ۲۴۸	سـوسن بـرى، ۱۴۴، ۱۴۶،
سلق، ۸۲	سمعر، ۵۹	سواد الاكراد، ۲۵۷	111, 4.7, 407
بِىلق، ١٣٣	سَمْهر، ۱۲۶	سواد الحكام، ١۶۶	سوسن بستانی، ۸۰
سِلْق، ۱۷۴	سميد العَنزروت(فاس)، ۶۶	سواد السند، ۲۵۷	سوسن رمل <i>ی</i> ، ۸۰
سأتى، ۱۹۷	شَمَيْراء، ١٣٠	سواد العُصارة، ١٤٧	سومر، ۱۴۸
سلق البرى، ١٢٢	شَمَيْره (اندلس)، ۴۷	سواد القضا، ۱۷۹	سَويداء، ۱۹۲
سِلق الماء، ٩٩، ١١٠	سنا، ۱۷۶	سواد القضات، ۱۶۶	سويلا، ٧۶
سلق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سنا البلدي (اندلس)، ۲۱۸	سواد القطاة، ١۶٨	سهیلی، ۹۶
ىِىلْق بستانى، ۱۷۴	سنا أندلسى، ٢١٨	سواد الهند، ۱۷۹، ۲۵۷	سَیْسَبان، ۱۸۲
سلق جبلی، ۱۲۲	سنّار، ۲۲۴	سواک العبّاس، ۱۵۶، ۲۵۴	سَــيْف الغـراب، ٧٠، ١۴۶،
سَلَم، ۱۷۴	سنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سِواک الْقرود، ۵۲	111, 407
سلمه، ۱۷۴	سنایزه (مصر)، ۶۲	سِواک القُرود، ۱۹۲	سيف القِراب، ١۴۶
سليخ اسود، ۱۷۹	ســـنای عـــریضالورق	سواك المسيح، ٢٩٢	سيف القراب، ١٨١
سليخة، ۱۴۱، ۱۷۹، ۲۳۹	(حجاز)، ۲۰۹	سواک عباس، ۲۹۲	سیکران، ۸۸
سليط، ۱۷۶	سنبل، ۱۴۱، ۲۵۸	سواک عباسی، ۲۹۲	سيكران الحوت، ٩٠، ٢٧٧
سمار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	شنبل، ۱۷۷	سوداءالورق، ۱۹۱	سیکران (اندلس)، ۸۸

شجرة البق (شام و عـراق)،	شجرالغُبَيْراء، ٢١٩	شبيه الكواكب، ٥۴	سيوف، ٧٥
144	شجر الغرب، ٢٢٠	شبیهان، ۱۸۵	شابالج، ۷۷
شجرة البَق (عراق)، ۱۴۴	شجر الفندك، ۲۹۰	شبيه بالكُرَاث، ٤٣	شابانج، ۷۷
شجرة الْبُنْدُق، ١٠٥	شجر الفوفل، ١٠٩	شجر، ۲۴۷	شابانک، ۷۷
شجرة البهق، ٧٤، ٢٢٥	شجر القدس، ۲۳۳	شجر ابراهيم (ع)، ٢٢٠	شاذاسبرم، ۱۹۸
شجرة التنين، ١٨۶	شجرالقطران، ۲۳۴	شجر الارز، ٣٠١	شاض، ۱۸۳
شجرة الجن، ١۴٩	شجر الْقَطْلَب، ٢٣١، ٢۴٢	شجر الاهمد، ١٤١	شاغَة البستانيه (اندلس)،
شجرةالحُبّ، ٥٩	شجر القَنا، ٢٢٥، ٢٥٩	شجر الأثل، ۴۰	179
شجرة الحر، ٣٥	شجر الكافور، ١۶٠	شجرالأَثْل، ۵۷	شاغة الصخرية، ٢٧۴
شَجَرةالحُضَض، ١٢٠	شجر الكافور (موصل)، ٥٧	شجر الأجاص، ٢١٧	شاغَة صخريّه (اندلس)،
شجرة الحِنّا، ١٢٥	شجرالكلب، ۲۱۲	شجر الأصطرك، ٢٠۶	175
شجرة الحَنَش، ٢٧٣	شجر اللاذن، ٢۶٥	شجر البان، ۱۱۱	شالبية، ۱۹۴، ۲۸۳
شجرة الحيّات، ١٧٠	شجر اللُّبني (شام)، ۲۰۶	شجر البراغيث، ١٩٩	شالبية (اندلس)، ۶۰
شجرة الخطاطيف، ٢٠٨	شجر المَحْلَب، ٢٠۶	شجر البقّ، ۱۴۴	شالم، ۱۹۴
شجرة الخولان، ٨١	شجر المرّان، ۲۷۸	شجر البَقّ، ۲۹۰	شاهبانج، ۱۸۳
شجرة الدب، ٥٨ ١٤٢	شجر المَيْس، ٢٧٢، ٢٩٠	شجر التيس، ١٨٤	شاهبانک، ۱۸۳
شجرة الدب، ۱۶۲، ۱۸۶	شجر النبق المصرى، ٢٧٢	شجر الجن، ١۴٩	شــاهترج، ۸۳ ۱۰۳، ۱۰۶،
شجرة الدّبق، ١۴٢	شجر تهام، ۱۷۴	شجرالجوزالرومي، ۲۶۴	۰۵۱، ۲۵۱، ۱۸۲، ۲۵۲
شجرة الدردار، ١٨٥، ٢٤٩	شَجر حبُ الأَسير، ١٠٨	شجر الحبُ (أفريقا)، ٥٩	شاه ترج، ۱۸۳
شجرة الدم، ٣٨، ۶۶	شجر دردار، ۱۷۸	شجر الحضض، ٢٧١	شاهدانج، ۱۵۸، ۱۸۵
شجرة الدم (شام)، ١٨٣	شجر رستم (مغرب)، ۱۶۰	شجرالحورالرومي، ١٢٧	شاهدانق، ۲۴۵
شجرة الراهب، ١٨٥	شجره ابراهيم، ١٨٣	شجر الحيّه، ١٠۶	شاهَسْفَرْم، ۱۸۳
شجرة الرمح، ۲۷۸	شجره الأزز، ۴۴	شجر الخابور، ۱۳۸	شاهلوج، ۲۱، ۱۸۴، ۲۱۷
شجرة الزُّعْرور، ١۶٢	شجره قلی، ۱۸۷	شجر الخبيثة، ١٢٥	شاهلوک، ۴۱
شجرة الشين، ١٨۶	شجره مريم، ۲۰۶	شجرالخرنوب، ٣٠١	شاهور (مصر)، ۱۰۱
شجرة الصَّبِر، ٤١، ١٩٥	شــجرةابـراهـيم، ۴۱، ۱۸۵،	شجر الخَلَنْج (مغرب)، ۴۶،	شایکه، ۶۶
شجرة الصنم، ١٤٨	745	147	شبابِ، ۲۷۶
شجرة الضفادع، ۱۸۶، ۲۵۴	شــجرة ابــى مـالک، ١٨٥،	شجرالدُّرْدار، ۱۴۴، ۲۹۰	شبّ ارْماس، ۱۱۹
أشبحرة الطحال، ١٩٥	0.7, 777	شجر الدلب، ١٢٥	شِبَتّ، ۱۸۴
شجرة الطرفاء، ٢٠٢	شجرة اكله، ٣٩	شجر الرند، ۱۴۹	شبر، ۹۶
شجرة الطُّلق، ١٨٤	شجرةالأِجّاص، ۴۱	شجر الشيزي، ٣٣	شِبْرق، ۱۳۷
شجرةالطُّهْر، ۴۱	شجرةالأميرْبارِيس، ١٢٠	شَــجر الصَّـفصاف، ١٢٧،	شبرق، ۲۷۸
شجرة العُتُم، ١١٢، ٢٠٤	شجرةالبراغيث، ٧٧، ١٩٩،	۲۹۰، ۱۳۶	شِبْرق (حجاز)، ۱۹۸
شجرة العرس، ۲۹۲	719	شجر الصنوبر الكبار، ١٩٧	شُبْرُم، ۱۸۴
شجرة العصب، ۲۹۲	شجرةالبُطْم، ٨١	شجر الضبع، ٥٥	شَبْرَمَ، ٣٠٠
شجرة العُنّاب، ١٤٨	شــجرة البــق، ۱۴۴، ۱۴۹،	شجرالعِلْک (اندلس)، ۵۱	شَبَهان، ۱۸۵
شجرة العود، ۲۹۶	144	شجر العناب، ۸۴	شبیه، ۱۸۵
شجرةالعيثام، ١٢٥	شجرةالبق (شام)، ۱۸۵	شجر الغار، ۱۴۹، ۱۵۹	شبيه الذهب، ۲۷۲

شَقُواصِ البحر، ٢٨٤ شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷ شجرة الغار، ۱۴۸ شجيرة مريم، ١٨٣ شقُواص (اندلس)، ۲۶۵ شغر الجياد، ١٨٧ شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲ شجرة الغِسلين، ٢۴٣ شعر الخنازير، ٧۶، ٢٥٧ شحم الحنطل، ١٨٧ شـجرة الفارسية، ٧٥،٣٥، شک، ۶۸ شکّاص، ۲۶۴ شعر الذيب، ٥٥ شَخم الطّعام، ٤٧ 788 شَعر العِجل، ٢٨٠ شجرة الفُرس، ٨١ شکاع، ۷۱، ۱۸۹ شَخم المَرخ، ١٣۶، ٢١١ شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸ شعر العيّار، ٧۶ شحم النخل، ٩٥ شجرةالفُلفُل (اندلس)، ۴۱ شجرة القدس، ۲۹۱ شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۱۵۲ شَعر الغزال، ٥٥ شحمةالارض، ۲۶۰ شُكاعي، ١٨٩ شعر الغُول، ١٨٧ شُخمة الدجاجة، ١٥٣ شجرة القِرمز، ٤١ شکاعی، ۱۸۹ شَعر الغول، ۲۵۷ شَحْمَة المَرج، ١٢٩ شجرة الكفّ، ١٨۶ شکه (اندلس)، ۱۰۶ شعر الكلاب، ٧۶ شحمية (اندلس)، ۶۰ شجرة الكِلاب، ٢٢٢ شَلْجَم، ۱۸۹ شعر الماء، ٧۶ شحيره، ۲۰۴ شجرة الكلب، ۶۰ شمار، ۷۸ شعر الماء، ۲۵۷ شُحَيْمَه (اندلس)، ۲۶۷ شجرة اللبهق، ٢٢٥ شخّ، ۲۹۰ شَمار العريض، ١٥٣ شجرة الله، ٣٩ شعران، ۱۲۳، ۱۵۸ شمار (مصر و شام)، ۱۵۲ شُذهَه، ٩٢ شجرة الليثي (شام)، ۱۸۶ شعری، ۹۶ شذونی، ۱۲۶ شُماری (قیروان)، ۱۰۶ شجرة المريم، ٧٤ شـــعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، شمام، ۱۴۴، ۱۹۰ شرائط، ۱۷۸ شجرة المصطكى، ٢٨٢ شمامات (شام)، ۱۴۵ شَرارَه، ۶۳ شعير الحامض، ١٧٣ شجرة المطهره، ۴۱ شمام (شام)، ۱۴۴ شجرة النبي، ٨٥ ٢٠۶ شعير الرومي، ۱۲۶ شربب، ۲۲۴ شعير العارى، ١٧٣ شمرة، ۱۲۶ شربت، ۲۲۴ شجرة اليمام، ٩٥ شعير العربي، ١٣٩ شِرْبث، ۲۸۰ شجرة أبراهيم، ١٨٣ شمسار، ۸۲ شمشاد (شام)، ۸۲ شجرَة أم كلب، ٤٢ شعير الفارسي، ١٢۶ شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹ شمشار، ۸۲ شعير الفارى، ١٧٣ شرم، ۱۸۷ شجرة باردة، ۱۸۵ شُرُنْبُلَه، ۴۱ شملال، ۱۰۵ شعير النبي (اندلس)، ١٣٩ شجرة دردار، ۱۴۴ شری، ۱۸۷ شمور، ۱۵۳ شعیر رومی، ۱۳۹ شجرة دم الاخوين، ۱۴۶ شَری، جنام دانهج ۱۲۶ شجرة ذوالقرنين الملك شنار، ۲۲۴، ۲۸۰ شغالة، ۲۷۴ شَفَلَج، ۲۵۰ شُشُونْپ، ۱۸۷ شُنْبَليذ، ۱۸۰ اسکندر، ۱۶۸ شِشْریث، ۱۸۷ شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۳۴، شقائق الفرس، ۲۷۶ شجرة رستم، ۱۸۶ ٧٨١، ١٩٠، ٢٥٢ شجرة سليمان، ١٣٢ شقائق النعمان، ١٨٨ شطبة (فاس)، ۱۰۲ شنذاب (لبنان)، ۱۴۳ شقائق النعماني البري، ١٨٨ شطریه، ۱۸۷ شبجرة سليمان بن داود، شقايق المنعم، ١٨٨ شَطْرية، ۱۸۷، ۲۰۲ شنغار، ۳۸ 181 شنقار، ۳۸، ۱۹۰ شقايق النعمان، ١٣٤، ١٥٨، شُطّيبه (مغرب)، ۱۸۷ شجرة سنديان الأرض، ٢٢٤ شنقار، ۳۸ شعارير، ۲۴۴ شجرة كثيراء، ٢٣٣ 144 شنقال، ۳۸ شقر، ۱۸۸ شعاير، ۲۲۳ شجرة لاولا، ١٤٥ شعر الارض، ٧۶ شجرة مَخلَب، ١١٢ شَنْكال، ٣٨ شَقِر، ۱۸۸ شَقْراص، ۱۸۸ شعر الجان، ٧٤، ٢٥٧ شجرة مريم، ۵۸، ۷۰، ۱۸۶ شوال الحمار، ١٣٣ شعرالجبّار، ۷۵، ۷۶ شجرة مريم (اندلس)، ۵۷ شوبر (اندلس)، ۹۱ شق (مصر)، ۵۱ شَوْحَط، ٣٣، ٢٠٠ شقو، ۱۸۸ شعر الجبّار، ١٨٧ شجرة مريم (مصر)، ۴۱ شج مال، ۱۵۵ شوحط، ۱۳۹ شقواص، ۶۰ شعر الجبال، ٧۶

شُوحَط، ۱۹۰	شوكة العصبية، ٨١	شَـيْب العَجُوز (انـدلس و	صارة (اندلس)، ۲۷۳
شورة (حجازی)، ۲۶۳	شوكة العقرب (حجاز)،	مغرب)، ۵۶	صالبية، ۱۹۴
شَوْزَ (حجازی)، ۱۹۱	114	شيب العجوز (فاس)، ٥٥	صباحی، ۹۶
شوع، ۱۱۱	شوكة العقرب(شام)، ١٠٥	شَيْبَه، ۱۹۲	صبار، ۹۵
شوک، ۲۸۲	شوكة العلك، ٥١	شيبة العجوز، ۵۲، ۱۹۲	صبّار، ۱۹۴
شوك الجمال، ۵۰، ۲۷۰	شوكة المصريه، ٧٢، ١٩١	شيبية، ۱۱۴	صبارا، ۱۹۵
شوك الجمل، ۱۱۴	شؤكَة الْمِصرية، ١٩١	شِینح، ۵۶	صُبّارَه، ۱۹۵
شوك الجمل (مصر)، ۱۵۶	شوكة المُنْكرة، ٥٩	شیخ، ۱۲۴، ۱۲۴	صبّاره (مغرب)، ۱۹۵
شوك الحمير، ٢٢٥	شوكة اليهوديه، ١٩١، ٢٣۶	شِيحَ، ۱۹۳	صُبّارة، ۶۱
شوک الدراجين، ۱۲۴، ۱۴۸	شوكة حادة، ٤١	شیح ارمنی، ۱۹۳، ۲۴۷	صبّاری، ۱۹۴
شَوْک الدَّراجين، ۱۴۹	شوكة رهاوية، ١٠٩	شـــيح الارمــني، ١٩٣،٥٥،	صبر، ۱۲۰، ۲۳۹
شوك الدرجاين، ١۴٩	شوكة زرقاء، ۲۳۶	۸۵۲	صِبْر، ۱۹۵
شوك الدَّمَن، ۱۱۴	شوكة شهباء، ٣٠١	شيح الربيع، ١٩٣	صَبر، ۱۹۵
شوك العلك، ٥١	شوكة عربية، ١٨٩	شيح المصرى، ۵۶، ۱۹۳	صبر خضرمی، ۱۹۵
شوک الفَأْرَة، ۲۸۷	شوكة مصريه، ١٩١، ٢٣٧	شیح ترکی، ۱۹۳	صبیب، ۱۹۵، ۲۸۷
شوک الفراء، ۲۲۵	شوكة مغيلة، ١٨٧	شیح جبلی، ۵۶ ۱۹۳	صدی، ۹۶
شوک الفلک، ۱۱۴	شوكة منتنه، ۲۱۹	شیح رومی، ۵۶	صرّاخه (اندلس)، ۲۷۳
شوک القتاد، ۲۵۱، ۳۰۱	شوكة مُنْتِنة، ١٩٩	شَيْرَج، ۱۷۶	صَرّاخة (اندلس)، ۲۳۱
شوك المُفلفل، ٥٩	شوكة منفته، ۱۹۹	شیرق، ۸۵	صراخة (اندلس)، ۲۷۳
شوك المفلفل، ١٠٥	شوكة يهودية، ۲۳۶	شِيطَرَج، ۱۹۳	صرم الدیک، ۱۴۶
شوك المُفَلْفَل، ١٩٢، ٢٣۶	شومر، ۷۸	شيطرج، ۲۸۱	صرو، ۱۹۱
شَوكَران، ۱۹۱	شونيز القمح، ١۴٥	شيطرنج الهندى، ١٢٢	صَريمة الجَدْي، ١٤٠، ١٩٥،
شوكران الحوت، ٢٧٧	شونیز بری، ۲۶۲	شیطرنج شامی (شامی)،	777
شوکه اعرابی، ۱۹۱	شويعة (اندلس)، ۲۰۴	177	صَريمة الجَدْى (اندلس)، ٧٥
شوكه اعرابيه، ٤٢	شويكة أبراهيم (اندلس)،	شیفار، ۳۸	صرین عنصلی، ۲۷۳
شوكه قبطيه، ۱۷۴	745	شَيْلَم، ۱۹۳، ۱۹۴	صَغتر، ۱۹۵، ۲۷۹
شوكه مصريه، ۶۲	شويلاء، ٧۶	شینه، ۱۰۰	صعتر البقر، ١٩٥
شوكة ابراهيم (شام)، ۲۳۶	شُويلاء، ١٢٣	شیولی، ۹۶	صعتر الجواري، ١٩٥
شوكة البيضاء، ٥٨ ٥٩ ٧١،	شَهْدانَج، ۱۱۲	صاب، ۱۷۴، ۱۹۴	صعتر الحجازي، ١٩٥
77, PA1	شهدانج، ۲۴۵	صابِرة، ٤١	صعتر الحمير (مغرب)، ١١٠
شوكة الجمال، ۲۰۶	شهدانج بری، ۱۳۷	صابرة، ۱۹۵	صعتر الرماني، ١٩٥
شوكة الدهن، ۱۱۴	شهدية، ١٥٥	صابون الثياب، ٢۴۴	صعتر الرومى، ٥٩
شوكة الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶	شَيّان، ۴۲	صابون القاف (شام)، ۱۸۵،	صعتر الزيتون، ١٩٥
شوكة الزرقاء(شام)، ١٠٥	شیّان، ۱۴۶، ۲۱۵	744	صعتر العدس، ١٠٥
شوكة السَوْداء، ١٩١	شَيّان القاطر، ۶۹، ۸۴	صابون القاق، ۱۸۵	صعتر الغياضي، ١٩٥
شوكة السوداء، ٢٣۶	شُیَان (مغرب)، ۳۷	صابون القلْي (دمشق)، ۱۸۵	صّغتر الفارسي، ١٩٥
شوكة الشهباء، ١٠٩، ٢٧٠	شيب الشجر، ٥٢	صارُه (مغرب)، ۲۳۱، ۲۷۳	صعتر الفرس، ١٠٥
شوكة العربيه، ١٨٩	شيب العجوز (اندلس)، ٥٢	صارة الانثى (اندلس)، ۲۷۳	صعتر الفرس، ١٠٥

صعتر الفُرْس، ۱۹۶	صنوبر نر، ۴۴	ضمران، ۱۵۹	طرف، ۲۰۲
صعتر رومی، ۱۶۵	صنین، ۱۹۷	ضَمِران، ۱۹۸	طـــرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲،
صعتر (شام)، ۲۲۹	صواب، ۹۵	ضمیران، ۱۸۴	77.
صُعَيْتره، ۵۵، ۱۱۸، ۱۹۵	صَوب، ۹۶	ضومران، ۷۱، ۱۹۸، ۲۲۹	طَرْفَه، ۲۰۲
صغد، ۱۹۶	صوصلة، ۱۹۷	ضومَران، ۱۵۹	طرفة، ۲۰۲
صَفار، ۹۱	صوف الارض، ۲۲۴	طُبُار، ۹۶	طروج، ۵۲
صَفراء، ۱۹۶	صوف البحر، ۵۵ ۲۰۰	طبّار، ۹۶	طروقون، ۷۶
صفصاف، ۵۰، ۷۲، ۱۳۶،	صومران، ۱۹۸	طُبار، ۹۶	طریفا، ۲۳۶
٠٢٢، ٩٩٠	صیاره (اندلس)، ۲۷۳	طَباشير، ١٩٩	طُعْمَة الْحَمْراء، ٢٣١
صفصاف البَلْخي، ١٨٩	صیدلانی، ۱۳۲	طباشیر هندی، ۱۹۹	طُعْمَة حَمْراء، ۲۴۲
صُفیراء، ۵۴، ۵۳، ۸۲، ۲۵۹	صیصاء، ۱۲۶	طُبّاق، ۱۹۹، ۲۴۷	طُفْی، ۲۸۳
صُفَيْراء، ۱۹۶	ضابطة، ۱۳۴، ۲۵۷	طبّاق (آفریقا)، ۲۱۹	طفیر، ۲۰۴
صفينة، ٣٩	ضابطة الجَبلية، ١٣٠	طُبّاقة، ٣٧	طقًاره، ۱۴۸
صقابس، ۲۳۳	ضال، ۱۶۸	طُبّاقة الجبلية، ٤٢	طِلاء، ۲۰۳
صقار، ۹۱	ضباب البري (اندلس)، ۱۳۱	طبّاقة (اندلس)، ۱۹۹	طَلْح، ۶۲ ۲۰۳
صَلُوان (موصل)، ۱۹۶	ضبر، ۲۹۰	طبق، ۲۰۰	طلح، ۲۶۳، ۲۸۵
صِلِّيان، ۱۹۶	ضَجاج، ۱۹۷	طبلة، ۲۰۵	طَلْع، ۹۴، ۹۵
صَمْعاء، ٩١	ضربوان، ۱۹۸	طثیه، ۲۰۰	طلعة، ۲۴۸
صمغ الحرشف، ۱۱۴	ضرس العجوز، ١١٨	طُخلُب، ۵۵، ۲۰۰، ۲۰۷	طليطة، ۲۶۰
صمغ الدّميثا، ١٩۶	ضِرْع الكلب، ١۶٣	طحلب بحری، ۲۰۰	طمرة، ۲۰۳
صمغ العربي، ١٩١	ضرع الكليه (يمن)، ١٩٨	طحلب ليفي، ٢٠٠	طمطم، ۱۷۵
صمغ القتاد، ۲۵۱	ضرم، ۱۹۷	طحلب نهری، ۲۰۰	طِنية، ۲۲۲
صمغ عربی، ۲۳۷	ضُرمُ (مکه)، ۴۷	طحما، ۱۹۱	طوارة، ۲۰۴
صمغ لبلاب، ۱۷۳	ضرو، ۴۳، ۸۱، ۹۸۸ ۱۶۸	طَخماء، ٢٠٠	طوب، ۱۱۴
صنّاب، ۱۳۰، ۱۸۹	خِىرُو، ۱۹۸	طراثیث، ۴۶، ۵۱، ۶۸، ۱۵۱،	طوبة، ۴۶
صنابی، ۹۶	ضَرق، ۲۸۲	1.7, PPY	طوط، ۲۴۲
صناحیه، ۱۰۳	ضروان، ۱۹۸	طراغين آخر، ٢٠١	طولُه، ۲۰۴
صنار، ۱۴۵	ضرو بستانی، ۸۱	طرثوث، ۲۰۱	طَهْف، ۱۵۰
صندل ابیض، ۱۹۶	ضروع الكلبة(يمن)، ١٩٨	طُرثوث، ۲۰۱	طتی، ۲۰۴
صندل احمر، ۱۹۶	ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰	طرثوث ابیض، ۲۰۱	طیّار، ۲۹۳
صنط، ۲۳۷	ضَريع، ۱۹۸	طرج، ۱۴۸	طيب العرب، ٤٣
صَنُوبَر، ۱۱۳، ۱۹۶	ضریم، ۴۷	طَرْحَ النواتية، ٢٠٢	طيب الغريب، ٤٣
صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴،	ضط (مصر)، ۵۷	طَرحَ النواتية، ٢۴٨	طين الأُخْضَر، ٢١١،١١٣،
791	ضَعَو، ۱۹۸	طَرْخُون،، ۱۴۷، ۲۰۲	797
صنوبر الصِغار، ۱۹۷	ضَغابیس، ۱۹۸	طُرخون، ۲۰۲	ظفائر الجن، ۲۵۷
صنوبر الكبير، ١١٣	ضُغْيوس، ۱۹۸	طرخون الرومى، ٢٠٥	ظفرُ الفرس، ٢۶٩
صنوبر الماء، ١١٠	ضفائر الجن، ٧٥	طـرطور الحـاجب، ١١٣،	ظُفْر القَطْ، ٢٠٥، ٢۴۴
صنوبر الهندي، ۱۴۹	ضفدعی، ۲۵۰	177	ظفر القطة، ٢٠٥

عشبه كثير الاغصان، ٢٠٢	عرق الكافور (مصر و شام)،	عُثْم، ۱۶۶، ۲۰۶	ظفر النسر، ٢٠٥
عشبه مغربی، ۲۰۵	181	عثر، ۲۰۶	ظفراء، ۲۰۵
عُشْبِهِ مغربيه، ٢٠٩	عرق الكافور (مكه)، ۱۶۱	عُثْرُب، ۲۰۶	ظُفْرة، ۲۰۵، ۲۸۱
عشبه مكرمه، ٧٠	عرق شجره هندی، ۱۹۹	عَثْق، ۲۰۶	ظُفْرة الفَرس، ٢٠٥
عشبة البرطال، ١١٩	عُرْقُصاء، ۲۰۸	عُثْمُر، ۲۵۱	ظُفْرة الفرس، ٢۶٩
عشْبَة البَغْلَة، ١٥۶	عرق (نجد)، ۹۵	عجب، ۲۹۲	ظفرة الفروج، ۱۱۶
عشبة البغلة، ٢٩١	عروس، ۲۹۲	عجما، ۲۰۷	ظفرة الهِرّ، ٢٠٥
عشبة التيسية، 8۵	عروس الماء، ٢٩٢	عدس، ۲۰۷	ظُفَيْره، ۲۰۴
عشبة الثاليل، ٢٠٢	عروسة المجلية، ٢٩٢	عدس الماء، ۲۰۰، ۲۰۷	ظفیره، ۲۰۵
عشبة الحرّ، ٢٨٢	عروشية، ٨٣	عدس المأكول، ٢٠٧	ظُفَيْرة العجوز، ١١٨
عشبة الحومل، ١٢٢	عروق الاصف، ٢٥٠	عدس المُرّ، ٢٠٧	ظـفيرة العـجوز(قـيران و
عشبة الخُروف، ٨٠	عروق الزعفران، ۲۰۸	عدس نبطی، ۲۰۷	شام)، ۱۱۸
عُشبة السّباع، ٢٠٩	عروق السوس، ٢٩١	عُدوَة، ٤٣	ظُفَيْرَة الفروج، ١١٧
عُشبة السباع (اندلس)، ۲۵۳	عروق الصبّاغين، ٢٠٨، ٢٣٠	عُدَيْسَة، ۲۰۷	ظِلَّام، ۲۰۵
عشبة الصباع، ٢٥٣	عسروق الصفر، ۱۲۷، ۱۶۳	عَذبه، ۴۰، ۲۰۲	ظِمُّخ، ۲۰۵
عشبة الصحيحة، ٣٠٠	،۸۰۲، ۱۲۶، ۵۵۲، ۲۷۶	عَذَبَة، ۵۷	ظیّان، ۱۵۹
عُشبة الطحال، ٨٧ ١١٩،	عروق بیض، ۲۸۱	عَذْبة (مصر)، ۲۰۷	ظَیّان، ۲۰۵
4.7, P27	عروق حُمر، ۲۲۸	عرار، ۳۴، ۵۷	عابدة الشمس، ٢٠٢
عُشبة الطيور، ١۴٩	عروق دارموم، ۱۸۰	عَرار، ۹۰	عاشق الشجر، ٢۶۶
عشبة العجول، ٢٠١	عروق دار هرم، ۱۸۰	عرايس النيل، ٢٩٢	عاشق النبات، ۵۵
عشبة الفتوق، ۱۳۴	عريز الصغير، ٢٠٩	عرایس النیل (مصر)، ۸۰	عاقد اللبن، ٢١٩
عشبة القلب، ٢٩٨	عريز الكبير، ٢٠٩	عِزب، ۹۱	عاقرشمعا، ۱۹۰
عشبة القوباء، ٤٧	عریض، ۱۵۲	عرب منشور (عراق)، ۱۴۰	عاقِر قَرْحا، ۲۰۲
عُشبة الكلب، ١٧٠	عزول، ۷۹	عـرشنة (بـيت المقدس)،	عاقرقرحا، ۲۰۲، ۲۰۵
عُشْبَة اللحام، ٩٥	عزير الصغير، ٢٠٩	771	عاقر قرحا، ۲۵۵
عشبة المُسَلِّحة، ٢۶۶	عزير الكبير، ٢٠٩	عرصف، ۲۰۷	عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶
عشبة النار، ١٥٩، ٢٠٥، ٢۶۶	عساليج، ١٠٠، ٢٧٤	عِرصِم (یمنی)، ۲۰۷	عُبَب، ۲۴۹
عشبة النار (مغرب)، ۲۰۹	عساليج (اندلس)، ۲۷۴	عرطب، ۱۱۸	عُبَبُ الثعلب، ٢١٤
عشبة النساء، 60	عسل القصب، ٢٤١	عرطنيثا (آفريقا)، ٧۴	عُبَب (مصر)، ۲۱۵
عشبة خير من الف (فاس)،	عَسَل الْلَبْني، ٥٣	عرعار، ۳۹	عَبْرَت، ۱۷۵
٨٨	عسل اللُّبني، ٢٨٤	عرعر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰	عبْری، ۱۶۸
عُشْبَةُ كُلِّ بَلا، ١٧٩	عسل النَّدي، ١١٠	عُرعر، ۲۰۸	عبقر، ۱۸۰
عشبة كل بلاء(مغرب)، ۱۷۹	عُسْلُج، ٧٥	عرف، ۲۰۸	عبوثران، ۱۸۶، ۲۰۶
عُشَر، ۱۳۱، ۲۰۹	عسلج، ۲۲۱	عرفج، ۴۱، ۵۰، ۸۵	عبهر، ۲۹۰
عُشْر، ۳۰۰	عسل رومان، ۵۳	عَرْفَج، ٨٥	عَبهر (شام)، ۱۸۶
عشر الصبيان، ٢١٠	عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶	عرفج بری، ۲۰۸	عبيثران، ۱۸۶
عَشْرَق، ۲۰۹	عسیلی، ۹۶	عِرفِج بری، ۲۹۵	عُبَيْثُرة الأُيُّل، ٥٩
عُشضرالصبيان، ١٩١	عشار، ۲۰۹	عُرْفُط، ۲۰۸	عُتم، ۱۶۵، ۲۶۶

عشق الصبيان، ٢١٠	عَظْمی، ۱۵۸	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳	عنب الذيب (فاس)، ٢١٤،
عشقه، ۱۲۱، ۲۶۶	عَفار، ۱۷۴، ۲۱۱	علف، ۱۵۵	749
عَشْقَه، ۲۱۰	عفار، ۲۷۸	عُلَّفَة، ٢۶٣	عِنَب السُّقْف، ٣٧، ١٥٥
عــصاالراعــی، ۳۷، ۱۱۰،	عَفْص، ۱۷۹، ۲۱۱	عَلْقَم، ٣٥، ١٢٤، ١٨٧، ٢١٣	عنب الطوال، ٥٣
۲۱۰، ۲۱۰	عفضيج (عراق)، ۸۶	علقما، ۲۲۴	عِنَب الكِلاب، ٢٢، ١٢٨
عـصا الراعي، ١١٩، ١٤٩،	عفيون (فاس)، ۵۷	عَلْقَم (اندلس)، ۲۳۳	عنب خمری، ۲۱۴
161, 611	عقاب الجبل، ١۶۶	عَلْقَم (حجاز)، ۲۷۴	عنبر، ۲۷۰
عصافيرالسنبل، ١٧٧	عِقاد، ۱۲۳	علقمه، ۲۱۳	عَنْبوب (فاس)، ۲۷۵
عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶،	عُقّار، ۲۱۲	علک، ۱۵۲، ۲۸۲	عَنْدم، ۱۴۶، ۲۱۵
171, 171	عَقَار هندی، ۲۸۳	عِلْک الأنْباط، ۸۱ ۲۲۵	عندم، ۲۱۰
عصب، ۲۹۱	عقر، ۱۴۵	عِلْک البطم، ٨١	عَنْزَروت، ۶۶
عصب الحرفع، ۲۴۲	عُقْرُبان، ۱۰۶	علک الروم، ۲۸۲	عُنصُل، ۴۹، ۲۱۵
عُصْفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰	عُقْرُبان (اندلس)، ۴۸	علک رومی، ۲۸۲	عنصل، ۴۹، ۸۰ ۲۴۳
عُصْفر، ۲۳۶	عقربی، ۵۹	عُلِّيق، ٩٥، ٢١٣	عنصلان، ۴۹
عُصْفُرالبرى، ٢١٠	عقرمان (اندلس)، ۴۹	علیق، ۲۱۳، ۲۱۷	عُنْصُلان، ۴۹، ۲۱۵
عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳،	عَقْعَقه، ٢٧١	عُـلُّيْقِ الكـلْب، ١٨٧، ٢١٣،	عُنصوة، ۱۴۵
104	عُقَيْرِبة (لبنان)، ۱۴۴	794	عُنق الحية، ٢٧٣
عصفور البري، ٧٢	عُقَيْفاء، ٢١٢	عُـلَّيْق (انـدلس و مـغرب)،	عنقر، ۳۴، ۲۷۹
عصى الدب (اندلس)، ۲۴۲	عكبة (مصر)، ۱۷۹	714	عُنْقَر، ٧٥
عــصى الراعــى، ۶۴، ۷۶،	عکر، ۲۵۰	عملج، ٨١	عَنْقَر، ۲۷۹
101, 401, 177, 177,	عَکْرَب، ۲۱۲	عملول، ۲۴۵	عَنْقَز، ٥٩ ٢٧٩
177, PP7	عکرش، ۹۹، ۲۱۲	عمون، ۲۰۸	عنقز، ۱۱۳
عَصَى الراعي، ٢١٠	عِکْرِش، ۹۹، ۱۵۳	عُنّاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عُنْقُز، ۲۷۹
عصير الدبّ، ۲۴۲	عِکرُشه، ۲۰۰	عُنّاب الابيض، ٣٥	عنقود، ۶۱
عصيرالدّب (اندلس)، ٢٣١	عکنة (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲،	عناب الابيض، ٢١٣	عُنْقود، ۲۱۵
عصيرالدُّب (اندلس)، ۲۴۲	**	عِنَب، ۵۳ ۲۱۴	عنم، ۱۹۱
عُصَيْفرة، ٢١١	عکوب، ۱۱۴	عَنب، ۲۱۷	عَنم (شام)، ۸۷
عِضاه، ۲۰۹	عَکُوب، ۱۱۴	عنب الثَعْلَب، ١٥٢، ٢١٢،	عود، ۲۱۶
عَضْرس، ۱۲۹، ۲۱۱	عکُوب، ۱۱۴	017, P77	عود الاراک، ۲۳۳
عطارد، ۱۷۸	عكُوبِ الفارسي، ١١۴	عنب الثعلب البستاني، ٢٤٩	عود البخور، ۵۴
عُطاس، ۲۱۶	عكيفية، ٥٩	عنب الثعلب (فاس)، ۲۴۹	عود البرق، ۱۴۱
عطب، ۲۴۲	عَلَّام، ١٢٥	عنب الثعلب مخين، ۲۱۴	عود البلسان، ۸۶
عَطشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸،	علّام، ۲۵۴	عنب الحَيِّه، ٢٩٨	عود البندق، ۷۶
791, 727	علث، ۲۱۲	عنب الحية، ٢١٥	عود الحمير (مغرب)، ٢٢٣
عطفل، ۱۹۸	علج، ۲۰۷	عنبالدب، ۲۱۵	عود الحيّه، ٢١٤
عِظْلم، ۲۱۱، ۲۹۲	عَلَجان (آفريقا)، ۲۱۲	عنب الدب، ٢١٩	عود الحيه، ٢٢٢
عَظْلم، ۲۹۲	علجان (آفريقا)، ٢٣٨	عنب الذئب (اندلس)، ۲۱۴	عود الرقّة، ٤٥
عِظلِم، ۲۹۲	عَلَس، ۲۱۳، ۲۶۳	عَنب الذيب، ١٣٧	عود الريح، ٢٢٣، ٢٧٢

عود الريح المغربي، ١٢٠	عَـيْن البـقر، ٤٦، ٩٠، ٩١،	غُرُّب، ۵۰، ۲۲۰	فاخر، ۹۶
عود الريح (اندلس)، ۲۷۲	717	غَرَب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	فاخور، ۲۲۱
عود الريح (دمشق و مصر)،	عَيْنِ الْبَقَرِ، ٢١٧	غرب، ۱۸۹	فارس العود، ١٠٩
٣٥	عين البقر (مغرب)، ٢١٧	غَرْد، ۲۶۰	فارس الماء، ١٧١
عود الريح (شام)، ۲۱۶	عين البقر (مغرب و اندلس)،	غردان، ۲۶۰	فارق، ۹۶
عود الشرح، ۱۳۷	41	غَرَز، ۲۲۰	فاشَرا، ۲۲۲
عود السوس، ٣٣	عين الثور، ٩٠	غرغال، ۶۰	فاشرا، ۲۲۲
عود الصليب، ٢٢٣، ٢٩٥	عَيْن الْخضراء، ١١٣	غرغنتيه (اندلس)، ۲۷۳	فاغِرَه، ۲۲۲
عـود العُـطاس، ۱۷۲، ۲۱۶،	عَين الديك، ٢١٧	غَرْقَد، ۲۱۷، ۲۲۰	فاغرة الهنديه، ۲۹۶
754	عين الديكة، ٢١٧	غرقدة، ۲۲۰	فاغوس، ۱۹۳
عود الفالوج، ۱۹۰	عين العجل، ٩٠، ٢١٧	غـرناطة (بيت المقدس)،	فاغوش، ۱۹۳
عود الفرح، ۲۰۵	عين الْعِجْل (شام)، ٩٠	145	فاغیه، ۲۲۷
عود القروح، ۲۱۶	عين الهدهد (آفريقا)، ٣۴	غِری، ۵۱	فاغية، ١٢٥
عود القسينة (مصر)، ۱۹۶	عين الهدهد (اَفريقا)، ٢١٨	غَرى الاساكفه، ١٣٨	فافیر، ۷۵
عُود الكلب، ١٣٨	عَيْنُون، ۲۱۸، ۲۵۲	غرير، ۲۲۰	فاقیر (مصر)، ۷۵
عود النسر، ۲۱۶	عيون البقر، ٤١	غُرَيْراء، ۱۴۸، ۲۲۰	فاناقس کبیر، ۱۰۰
عود الوجّ، ۲۱۶، ۲۹۳	غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸	غریراء، ۲۲۰	فَأْسِی، ۶۶
عود اليسر، ۲۱۶	غار الاسكندري، ۱۴۹	غزل الماء، ۲۰۰	فبالَّة، ۲۷۳
عود انجوح، ۲۱۶	غار (شام)، ۱۵۹	غَسْلَج، ۲۲۱	فَتائل الرُهْبان، ٢٢٣
عود بری، ۷۶	غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳	غسلة، ۲۱۸	فتُ، ۱۲۹
عود رطب، ۲۱۶	غاسول رومي، ۳۹	غِسلين، ١٢٣	فُجْل، ۲۲۳، ۲۲۴
عود رنج، ۳۵	غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹	غسول، ۴۳، ۱۲۹	فُجل، ۲۶۶
عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶	غافت الشاهدانج <i>ي</i> ، ۲۱۹	غشاة، ٣٧	فجل الصغير، ٢٧٤
عود ينجوح، ۲۱۶	غافَث، ۱۹۹، ۲۱۹	غَضَف، ۲۲۱	فُجْل الماء (مغرب)، ٢٣٥
عَورة الارض، ٩٢	غافث (فاس)، ۲۱۹	غِلالة (اندلس)، ۱۴۴	فجل باعشقی، ۲۲۴
عَــوسَج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۱۷،	غالبة، ۲۴۹	غلب <i>ی</i> ، ۱۶۳	فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳،
٠٢٢، ٢٨٢، ١٠٣	غالبة (اندلس)، ۲۱۴	غلتان، ۵۱	774
عوسج الاحمر، ١٤٢	غالبة (قرطبه)، ۱۱۳	غَلَتان، ۱۴۲	فجل رخامی، ۲۲۳
عوسج الاسود، ۶۱	غبارية، ۲۱۹	غلغلون، ۲۶۰	فجل شامی، ۲۲۴
_	غبرا، ۱۹۴	غلقا، ۲۲۱	فِجن، ۶۲
عوسج أسود، ۱۰۵	غُبَيْرا، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۱۹	غَلْقَة، ٢٢١	فُجْن، ۷۴
عوسجة، ٢٢٠	غُبَيْرَة الأَيُّل، ٢٨١	غَلْقي، ۲۲۱	فَخْدا، ۵۹
عياشية، ١٥٧	غَدَر، ۲۳۰	غملول، ۲۴۵	فَخْذ، ٥٩
عیثام، ۱۴۵، ۲۱۷	غدو، ۷۲	غُمُلول، ۲۴۵	فَـراشـيُون، ۸۷ ۹۵، ۱۷۹،
عيد، ۲۱۷	غرابة، ۲۸۲	غنزروت، ۶۶	777, 707
عيسوّب، ٣٤	غرانيق، ۶۷	غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰	فَراسْيُون الابيض، ٢٢٢
عيسوب، ۲۷۹	غِراء، ۱۴۸	غُولان، ۱۲۳	فَراشيُون سياه، ٢٢٤
عَين الأخضر، ٢١١، ٢٩٢	غرّاء، ۲۲۰	غَيْطل، ۲۲۹	فراط، ۹۶
		-	

فربيون، ٣٧ فوه الصباغين، ٢٠٨، ٢٣٠ فقاح السورنجان، ٥٣ فم الطائر، ١٢٩ فوه الصبغ، ۲۳۰ فقاح الكرم، ٢٥٥ فَرْجِ الأَرْضِ، ١٨٠ فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱ فَقَد، ۴۱ فوهق، ۲۴۵ فمل قریش، ۱۹۷ فرصاد، ۹۵ فُقّع، ۲۲۶ فوة البرانية، ٨۶ فَنا، ۲۱۴ فِرصاد (بصره)، ۹۵ فُوَيْلُه، ۲۷۳ فرفخ، ۸۲ ۲۶۶ فنجين، ٨٨ فَقِع، ۲۲۷ فَقُوس، ۲۲۷ فيثمون (فاس)، ۵۵ فندق هندی، ۵۲ فرفخ البرى، ٨٢ فيجن، ۱۶۷ فواحش، ۹۲ فُرْفِير، ۸۳ فقُوس الحمير، ٢٣٣ فيلجوش، ٢٣٠ فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹ فَقُوس (مغرب)، ۲۳۳ فرفير، ٨٩ فيل جوش، ۲۷۳ فوتنج البري، ١٠٥ فقيض، ١٨٣ فرفین، ۸۲ فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱ فل، ۲۲۷ فوتنج بستاني، ١٢٢ فرفيون، ۲۲۴ فَيهِق (اندلس)، ۶۴ فلاح، ۲۳۲ فَرَنْجَمِشْک، ۲۲۵ فوتنج نهري، ۲۲۹ قابضه، ۱۳۴ فَلْفُل، ۴۶، ۲۲۷ فودنج، ۱۹۵ فرو الحمام، ١٠٧ فودَنَج، ۲۲۹ قابُطيرة، ٢٨٠ فلفل، ۲۲۸ فريقا، ۲۷۱ قاتل ابنه، ۵۷ فودنج البري، ٨٣ فریقه (شام)، ۱۲۰ فلفل ابيض، ۴۶ قاتل ابیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱، فلفل ابيض، ۲۲۷ فودنج التيس، ٢٢٩ فزع اللبوءة، ١٥١ 777, 177, 777 فودنج بری، ۲۸۱ فلفل اسود، ۲۲۷ فُسْتُق، ۱۱۳، ۲۲۵ قاتل اخيه، ١٣٥ فودنج بستانی، ۲۸۱ فلفل الأبيض، ١١٢ فستق الباديه، ١١١ قاتل الحمير، ١۴٥ فلفل الأبيض، 48 فودنج جبلی، ۱۱۳ فُسْتق المصرى، ١٠٩ قاتل الدب، ٢٣١ فُلْفُل الأبيض، ١۴٢ فودنج نهری، ۲۲۹ فستق الهاويه، ١١١ قاتل الذئب، ۲۲، ۱۲۸ فلفل الأخوص، ٢٧۶ فوذنج، ۲۸۰ فسلة، ٥١ قاتل العَلَق، ٢٣١ فلفل الأسود، ٧٠ فُسوَة الضبع، ٩٣، ٢٢۶ فوذنجات، ۸۳ قاتل الكلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۴۱ فلفل الخواص، ۲۷۶ فَشُ، ٣٠١ فوذنج البري، ٢٠٥ قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲ فوذنج البستاني، ٢٢١ فلفل السودان، ۲۲۸، ۲۸۹ فشاع، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۲۶ قاتل النمر، ١٢٨ فوذَنج التيسي، ٢٨١ فلفل السودان (اندلس و فَشال، ۲۲، ۲۰۱ مغرب)، ۱۶۳ فشغ، ۲۲۶ فوذنج النهري، ١١٣، ١٩٨ قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲ قارج، ۵۰ ۱۴۸ فوذنج نهری، ۱۱۳ فلفل الصقالبه، ۴۱ فشک، ۹۶ قارة، ۶۰ ۲۳۲، ۲۸۰ فوفل، ۵۴، ۲۴۸ فُلْفُل الصَّقالِيَه (اندلس)، ۴۱ فصفصة، ۱۵۲، ۱۵۵، ۲۴۱ قارة (اندلس)، ۱۷۱ فَوفَل، ۲۳۰ فلفل الصقالبة، ۲۲۸ فِصفِصة، ۱۵۶، ۲۹۱ قارّة (اندلس)، ۱۷۱ فُوفَل، ۲۳۰ فصل مأكول، ٨٥ فلفل القرود، ۲۵۱ قاطر (صيادله)، ۱۴۶ فول الحمام، ١٠١ فلفل الماء، ٢٢٨، ٢٥٤ فضل الجواري، ٨٠ قاقُلُه، ۲۳۲ فول الحَمام، ٢٤٤ فَضَية، ٥٠، ٢٢٤ فلفل بری، ۴۱ قاقله، ۲۳۲، ۲۳۵ فول الخنزير، ١٢٨، ٢٧١ فلفلة، ۲۵۷ فِضيّة، ١١٩ فضيّية، ۲۲۶ قاقله الصغار، ٧٠ فول الشعال، ۲۴۸ فلنجمشک، ۸۳ ۲۲۵ فِلنْجة، ١٤١، ٢٤٩ قاقله صغار، ۲۹۶ فَطْر، ۱۷۳ فول المجوسي، ٢٧٣ قاقلة صغيرة، ۲۹۶ فول (قبطی و مصری)، ۷۳ فُطُر، ۲۰۱ فلوس، ۲۷۷ قاقلی، ۱۵۵ فوم، ۱۲۶ فطر، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۵۸ فلومس صغير، ۶۰ فُطر، ۲۲۱، ۲۲۶ قاليقيا (شام)، ١٩٣ فَوْه، ۲۳۰ فُلَيفلة، ۲۴۸، ۲۹۶ قُبُار، ۲۵۰ فُلَيه (مصر)، ۲۲۹ فِطر، ۲۲۶ فوه الصباغان، ۲۳۰

قزًاح، ۲۱۲	144	( 111	قَبَأَة، ۱۴۷
قورح، ۲۳۸ قُزَاح، ۲۳۸	قرع الیابس، ۱۱۲ قرغار، ۴۶	قراصیا (مغرب و انـدلس)، ۱۱۳	قبی، ۹۶
قراح، ۱۲۸ قُس، ۲۳۹	قرفا، ۵۷ قرفا، ۵۷	قربان، ۱۳۹	قبی، ۰٪ قُبینط، ۲۸۹
قسا، ۲۳۹	قرق. ۱۴۱ قرفِه، ۱۴۱	قربض، ۶۵	قبَيْطاء، ۲۸۹ قَبَيْطاء، ۲۸۹
قساالحمار، ۱۹۴	قِرْفة، ۱۰۷، ۲۳۸		قبیطه، ۱۹۱، ۲۸۹
قس الكلاب (مصر)، ۲۱۹	قِرفة القَرنفل، ۱۴۱	_	
قَسْب، ۹۵	قِرق اعرض، ۲۴۳ قَرقاز(فاس)، ۲۴۳	قرشی، ۹۶	قتّ، ۲۹۱
قسب، ۹۵، ۲۳۹	قُرْم، ۲۳۸	قـــرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۸۴، ۱۰۵،	
قُسْط، ۲۳۹	قرمامومن، ۲۳۵ قرمامومن، ۲۳۵	۸۵۱، ۲۲۹، ۳۳۶، ۱۹۲،	
قُسط الرومي، ١٥٣	قَرْمَل، ۱۲۳	798	قتاد الصغير، ٥٩
ور ی قسط بحری، ۲۳۹	ر ن. قرن الأيّل (اندلس)، ۲۳۵	_	قت البرّ، ۲۹۱
. رف قسط رومی، ۱۵۳	قرن البحر، ۲۶۴	قرصعنه جبلی، ۲۳۶	قتد، ۲۳۴
قسط شامی، ۱۵۳	قرنباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قرصعنه مسدس، ۲۳۶	قثاد، ۲۳۳
قسط عربی، ۲۳۹	قُرُنْبی، ۱۰۵	قرصعنة الزرقاء، ١٩١	قِثَّاء، ۱۴۰، ۲۲۳
قسطل، ۸۶	قُرْنَج (اندلس)، ٥٩	قرصونه، ۲۳۶	قثاء البرى، ٢٣٣
قِسْطَلُة صغيره، ٨٠ ١٨٠	قرنساء، ۶۷	قرط، ۱۳۲	قثاء البرى الهندى، ٨٥
قسط مر، ۲۳۹	قرنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قُرْط، ۲۳۶	قثاء البستاني، ٢٣٣
قسط هندی، ۲۳۹	قَرَنْقُل، ۲۳۸	قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قِثاء الحمار، ١٩٤، ٢٣٣
قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵	قرنفل الارض، ۲۹۱	قُرْطَم، ۱۴۲	قثاء الحمار، ٢١٣، ٢٥٣
قسُوس، ۲۴۰	قَرنفل بستانی، ۲۲۵	قَرطمُ، ۱۶۳	قثاء الحمير، ٢٣٣
قسیاس، ۷۴	قرنفل جبلی، ۴۶	قُرْطُم، ۲۳۶	قِثاء الحيّة، ٢٣٤
قسیّ (اندلس)، ۲۰۰	قرنفل شامی، ۲۳۸	قِرطم، ۲۳۶	قثاء العظلم، ١٢۶
قَشُ، ۲۴۰	قرنفلیه (اندلس)، ۱۶۵	قرُطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قثاء الكبر، ٢٥٣
قشا، ۱۷۴	قرنفلیه (مغرب)، ۲۳۸	قُرطُمان، ۲۳۷	قثاء النعام، ۱۲۶
قِشْبَة (حجازی)، ۲۴۰	قرنفول، ۲۳۸	قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قِثاء الهندي، ۱۴۰
قُشْعُر (يمن)، ٢٣٣	قرون السنبل، ۲۳۸	قِرطمانا، ۲۵۶	قَثْد، ۲۳۴
قُشْف، ۲۱۱	قُرَّة العين، ١٠٣، ١٨٢، ٢٣٥،	قرطم بری، ۱۵۸	قثد، ۲۳۴ (حجاز)
قُصاص، ۱۳۷، ۲۴۰	۸۵۲	قُوطم بری، ۲۳۶	قثل، ۲۳۴
قصب، ۳۷، ۱۵۵	قریثا، ۱۲۶	قرطم هسک، ۲۱۰	قشی، ۲۳۴
قَصَب، ۲۴۰	قَرُيص، ۶۵	قرطم هندی، ۲۳۷، ۲۹۲	قجلال، ۹۶
قصب البردى، ٧٢	قریص، ۶۵ م	قرطی، ۹۶	قداح، ۱۵۵
قصب الذَّريرَه، ۲۴۰	قُرُّيص، ۵۶، ۱۱۰	قرظ، ۵۷، ۲۳۷	قدح مريم، ۲۳۴
قصب الذريره، ٢٤٤	قُرَيْص، ۲۵۵	قَرَظ، ۱۳۲، ۱۹۱	قراح، ۲۱۳
قصب الذهبي (اندلس)،	قَرَيْعة، ۲۲۲	قَرْظ، ۲۳۷	قرادية، ۱۱۴
777	قُرَيعة، ۲۵۸	قرع، ۱۴۲، ۱۵۴	قراسیا (دمشق)، ۲۳۴
قصب الذيره، ٢۴٠	قُرَيْعة الكتّان، ٢٥٨	قَرَع، ۲۳۷	قُرَّاص، ۵۷ ۲۳۴
قصب الريح (اندلس)، ۲۷۲	قُرَيْعَة الكتان (اندلس)، ۱۶۷	قَرْع، ۲۳۷	
قصب الريح (فاس)، ۲۴۰	قُرَيْعة (اندلسي)، ۵۵	قرع المُرّ، ٢٣٧	صقلبه)، ۲۳۴

قِنَّب بری، ۱۱۲	قِلقال، ۴۵	قُطْلُب (شام)، ۲۴۲	قَصَب السُّكر، ٢۴١
قنب (مغرب)، ۲۴۵	قِلقِل، ۱۱۲	قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قصب الصين، ١۴١
قنب هندی، ۲۴۵	قلقلان، ۱۱۲	قطن، ۱۵۲، ۲۲۶	قصب بری، ۱۴۷
قُنْبيط، ۲۵۶	قَللجة، ٣٩	قَطُّن، ۲۴۲	قصب بوا، ۲۴۰
قنّبيط، ۲۵۶	قلماس، ۲۴۱	قطونا، ۷۸	قصب جبلی، ۱۴۷
قُنَّبيط الذكر، ٢٥۶	قلوب الدحج، ۴۱	قُطَيْطِن، ۲۶۹	قصب شوی، ۳۴
قنبیل، ۲۴۴	قلوب النعام، ٥٤	قطیفه، ۲۴۲	قَصبة، ٩٩، ١٤٨
قُندس، ۲۶۳	قَلَىٰ، ۱۲۳	قَعْبَل، ۲۴۳	قصبی، ۲۱۲
قندول، ۱۰۹	قلٰی، ۲۴۴	قُعْفور، ۸۰	قَصَد، ۲۱۷
قنطورين غليظ، ۲۴۶	قليه (مصر)، ۲۲۹	قعنب، ۸۰	قصری، ۹۶
قَنْطُوريون، ۲۴۵	قماشير، ۲۶۰	قُعْنُب، ۲۴۳	قُصعة، ۲۶۶
قنطوريون الأصفر، ٣۶	قمح، ۱۲۶	قَعْنَب، ۲۴۳	قَصْعَة الحمير، ٢۶۶
قنطوريون الجليل، ۲۴۶	قَمْح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴	قُف، ۲۲۰	قصم، ۲۴۲
قنطوريون الدقيق (اندلس)،	قمحالبری، ۴۲	قِف (دمشق و شام)، ۳۶	قُصَّة الحَيَّة (مغرب)، ۲۴۶
749	قَمح الحَجَل، ١٢۶	قفر، ۲۸۳	قصی، ۹۶
قنطوريون دقيق، ٢٠٩، ٢۴۶	قمح السودان، ١٠٠	قفر اليهود، ۵۰، ۱۲۴	قصیص، ۴۲
قنطوريون صغير، ۲۴۵	قمح الشيطان، ١٢۶	قَفْعاء، ۲۵۲	قصیصه، ۹۶
قنطوريون غليظ، ٢٠٩	قمح الصقالبه، ۱۲۶	قفل، ۸۲	قصيم، ۲۴۲
قنطوريون كبير، ۲۴۵	قمح جبلی، ۱۰۳	قفّور، ۲۴۳	قُضاب مصری (مصر)، ۲۴۱
قنفذی، ۱۱۸	قمح ماناه، ۱۲۶	قَقُّل، ۸۲	قُضًام، ۱۲۳
قنه، ۷۲، ۲۶۱	قُمْحَة، ۲۴۱	قلّاظی، ۹۶	قَــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
قِنّه، ۲۴۶	قمر، ۵۹	قلاقل، ۱۱۲	197
قِنَّة، ٧٢ .	قمرون، ۱۴۳	قُلاقَلَى، ۴۵	قضبانا، ۱۱۶
قنة (اندلس)، ۲۵۹	قمرة، ٥٩	قلال، ۲۹	قسضم قىرىش، ١٣٢، ١٩۶،
قُنَيْبه (اندلس)، ۱۱۲	قملول، ۲۴۵	قُلّام، ۶۰، ۱۲۳، ۱۸۲	741
قوبع، ۱۱۴	قَمِلين، ۱۲۳	قلام، ۲۴۳	قُطبُ، ۱۱۸
قوتالبريه (صيدلانيه)، ۸۶	قُمَیْله (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸	قلّام، ۲۵۴	قطران، ۲۹، ۲۰۳
قوز، ۲۴۲	قُنَابَرِی، ۲۴۵	قلام کرمان، ۲۳۲	قَطِران، ۱۸۷
قوسِيّة، ۲۴۶	قنابری (شام)، ۴۸	قُلْب، ۲۴۳	قطف، ۱۲۴، ۱۱۹، ۱۷۰
قولَلْية، ۲۰۷	قناد (مغرب)، ۲۱۴	قَلْب الأَرْض، ١٨٠	قَطَف، ۲۴۱
قوللية (اندلس)، ١٧١	قناًریه، ۱۱۴	قلب النخل، ٩٥	قطف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱،
قوليلية، ١٢٢	قناریه (اندلس)، ۱۱۴	قلبخ، ۲۲۱	7,74
قومس <i>ی</i> ، ۲۰۱	قنّاریه بری، ۱۱۴	قَلْت، ۱۱۲	قطف بری، ۱۳۹
قونيزا الأصغر، ١٩٩	قَناريَّه (مغرب)،۱۱۴	قُلْت، ۱۱۲	قَطَف(مغرب)، ۱۷۰
قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸	قنا صغير، ۲۴۴	قلت، ۱۱۲	قُطْلب، ۱۲۲
قيخوريون قارذنون، ۶۳	قنا (مصر)، ۵۱	قَلْثمان، ۲۲۵	قُطلُب، ۱۲۳
قیروان (آفریقا)، ۲۴۳	قِنِّب، ۱۱۲، ۲۴۵	قَلْقاس، ۲۴۳	قُطْلَب، ۱۸۶
قیسوم، ۷۶، ۲۴۷	قُنُب، ۲۴۵	قُلقاص، ۹۴	قطلب، ۲۳۱، ۲۴۲

كربزه الحمام، ١٨٣	كثيرة الاضلاع، ٢۶٩	کاؤل، ۸۰	قسیصوم، ۵۵ ۵۱ ۲۶ ۶۲،
كربزة البئر، ٧۶، ٢٠٣	کحلا، ۳۸	کَأْس، ۲۴۷	۹۵۱، ۱۸۳، ۲۴۷
كُرْبُزة البير، ١١٩	كحل السودان، ٩۴	کَبّ، ۲۵۰	قَیْصوم، ۷۷، ۲۸۱
كربزة الحمام، ١٨٣	کَخلاء، ۲۵۲، ۱۶۹	کَبابَه، ۲۴۹	قًيصوم، ۲۴۷
کرسف، ۲۴۲	كحلاء الجبلى، ٢٥٢	کبابه، ۲۵۰	قيصوم الصغير، ٢٨٢
کرسنه، ۱۵۶	کُخل خولان، ۱۲۰	کُبابة، ۲۳۸	قیعرن، ۱۴۸
كَرْسَنَه، ۲۵۳	کُخٰل فارس، ۶۶	كبابة (عراق)، ۲۴۹	قَیْقَب، ۱۰۶، ۲۸۶
کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	كحل فارسى، ۶۶	کبابهٔ هندی، ۲۴۹	قیقبان (اندلس)، ۱۰۶
کَرِش، ۲۵۳	کحل کرمانی، ۶۶	کَباث، ۴۳	قیلعی (شام)، ۲۸۶
کرُفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کحلوان، ۶۷، ۱۵۳	کباث، ۲۴۹	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰
کَرَفْس، ۲۵۳	کُحلوان، ۲۱۸	کبّار، ۲۵۰	کاسات، ۲۴۷
كرفس الاجامي، ٢٥٤	کُحَیْلاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲	کیباء، ۲۱۶	كاسر الحجر، ١١٢، ٢٤٣
كرفس البستاني، ٢٥٤	کدر، ۲۴۸	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کاسنی بری، ۱۳۹
كرفس الجبلي، ٢٥٤	کراث، ۸۰ ۲۶۴	کَبَر، ۲۵۰	کاشم، ۶۵، ۲۰۴، ۲۵۳
كرفس الريفي، ٢٥٤	کُراث، ۲۵۲	کبرالرومی، ۴۹	کاشِم، ۲۴۸
كرفس الشتوي، ۲۵۳	کَراث، ۲۵۲، ۲۵۳	کَبَّة، ۲۵۰	کاشم الریفی، ۲۴۸
كــرفس الصـخرى، ٢٥٣،	كراث الثومي، ٨٠	کَبِیکَج، ۲۵۰	كاشم الصغير، ٢٠٢
704	كراث الجبل، ٢٥٢	کتان، ۱۵۲، ۳۴۳، ۲۷۷	كاشم الكبير، ١٥٥
كرفس العريض، ٢٥٣	كراث الجبلي، ٨٠	کِتّان، ۲۵۰	کاشم روم <i>ی</i> ، ۱۶۷
كرفس العظيم، ٢٥٣، ٢٥٤	كراث الجليقي، ٨٠	کَتَان، ۲۵۰	کاشَم رومی، ۲۴۸
كرفس الماء، ٢٣٥	كراث الروم، ٨٠ ١٥٣	کتّان، ۲۵۸	کاش (مصر)، ۵۷
كرفس المجوسي، ٢٥٤	كراث الريف <i>ي</i> ، ٨٠	كَتَّان الماء، ٥٥	کاشم صغیر، ۲۴۸
كرفس المرّ، ۲۵۴	كُرّاث الشامى، ٨٠ ٢٥٢	کتم، ۹۳	کاشم صینی، ۲۴۸
كرفس المشرقي، ٢٥٣	كُرّاث الصخر، ٢٥٢	كَتَم، ۲۵۱	کاشم کبیر، ۱۴۸
كرفس النبطى، ٢٥٣	كُرّاث الكَرم، ٢٥٢	كُتَين، ۲۵۱	کافور، ۲۴۸
کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	كراث الكَرْمَى، ٢٥٢	کٹا، ۱۰۲	کافوری، ۵۷، ۲۹۰
کرفس بستان <i>ی</i> ، ۲۵۴	كراث المائدة، ٢٥٢	كَثْأَة، ١٠٢	كافورية (أفريقا)، ۵۷
کرفس جبلی، ۲۵۳	کراث اندلسی، ۸۰	كثير الأرجل، ٧٩	کافوریة (مغرب)، ۱۸۶
کرفس صخری، ۲۲۷	کراث بری، ۴۸، ۲۰۴	كثير الأضلاع، ٢۶٩	کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴
کرفس عظیم، ۲۲۸	گُرَاث بری، ۲۵۲	كثير الركب، ١٨٩	کاکَنَج، ۲۴۹
کرفس مائی <sup>،</sup> ۲۵۴	کراث جبلی، ۲۲۴	كثير الرُّكب، ٢٥٢	كاكنج المرجى، ١٠٧
کرفس مشرق <i>ی</i> ، ۲۵۳	کُرّاث روم <i>ی</i> ، ۲۵۲	كثير الرؤوس، ٩٠، ٢٥٢	كاكنج المروج، ٢۴٩
کرفس مقدونی، ۲۵۳	کرّاث شامی، ۲۴۳، ۲۵۲	كثير العقد، ٩٠	کاکنج النهری، ۱۳۷
کرکاش (مصر)، ۵۷ ۵۰	كراث شامي (فلسطين)،	كثير العُقَد، ٢١٠	كاكنج غاليه (مغرب)، ۲۱۴
کُرکم، ۱۲۰	707	كثيرالمنفعة، ١٣۶	كاڭنج (قاهره)، ۲۰۶
کرکم، ۲۷۶	کراث ملوکی، ۸۰	كثير الورق، ١٥١	کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴
كُرْكُمْ الصغير، ٢٠٨	کُرّات نبطی، ۲۵۲	کُثیراء، ۱۸۹	کاکنه، ۲۴۹
کُرْم، ۲۱۴	كُرْبُرَه، ۲۵۷	كَثْيراء، ۲۵۱	کاوی السپرز، ۴۹
'			

کَزم، ۲۵۵ كلخ الصغير، ٣٠٠ کَف ادم، ۲۵۸ كُرُوْيا، ۲۵۶ كَلْخ الكبير، ٢٥٩ كف الأسد، ٢٥٨ كَرْوِيا الجبلية (اندلس)، ٢٣٥ كُرْم الأسود، ٢٢٢ كَلْخ الكبير (اندلس)، ۲۴۵ كَفّ الجَذْما، ٤١، ٢٥٨ كَرَوْيا بستانيه، ۲۵۶ كرم البرى الابيض، ٢٢٢ کلخ دلبی، ۱۴۶ كرويا جبليه، ٢٣٢ كف الدابه، ۱۱۷ كرمُ البيضاء، ٢٢٢ كلخ (مصر)، ۵۱ کری، ۲۵۶ كف الذئب، ٢٥٨ کرم بری، ۲۵۵ کلخ (مغرب)، ۲۴۴ كفَ السبع، ٨٨، ١٥٢، ٢٥٠، كريشه (بيت المقدس)، ٢٢١ کرم بستانی، ۲۵۵ کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸ ۸۵۲، ۳۷۲ كزبر السحرى، ٢٥٧ كَرْمة البيضاء، ٧٨، ٩٠، ٢١٥، كلموح (اندلس)، ۱۵۳ كفّ الضبع، ٩٣ كزبر الصخرى، ٢٥٧ كَفُّ الضَّبِّع، ٢٥٠، ٢٥٩ کلنج، ۶۶ كُزْبُرَه، ۲۵۶ كرمة البيضاء، ٧٨، ٩٢، ٢٢٢ کلوخ، ۲۷۴ كَف الضُّبُّع (مغرب)، ٢٥٠ كُزْبرة البير، ١٨٧ كرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰ كليل الملك، ٥٩ كف العايشه، ٥٣ كُزبرة البير، ٢٥٧ كرمة السوداء (اندلس)، ٩٠ كمادريوس النُعُنُعي، ٢٠٤ كرمة بيضاء، ٢٢٢ كفّ العذري، ٩٣ كُزبرة البير (دمشق)، ۱۰۴ كَماذَريوس، ٢۶٠ كف العَظابه، ٩٣ كُزْبُرَة الثّغلب، ١٧٩ كرمة سوداء، ۲۲۲ کماه، ۲۲۷، ۲۳۰ كفّ العُقاب، ٢٠٥، ٢٣٢ كرمة شائكة، ۲۲۶ كُزْبُرَة الثَّعْلَب، ٢٥٧ کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰ كُزبرة الحبشة، ٩٧ كفّ القِرد، ٢٥٩ كَرَنْب، ۲۵۵ كَماة، ٢۶٠ كف الكلب، ٧٥، ٢٥٩ کزمازج، ۲۰۲ كُزنُبُ، ۲۵۵ كماة حمراء، ٢۶٠ كَفّ الكلب (مغرب)، ٢٥٠ کزمازک، ۹۳ کرنباد، ۲۵۶ کمأة، ۳۸ كَفّ المريم، ٢٥٩ کسب، ۱۲۶ كرنب الاندلسي، ٢٥۶ كمأة، ٢٢١ كَفُّ المريم (اندلس)، ٢٥٩ كسبرة الثعلب (اندلس)، كرنب البحرى، ٢٥٤ كَمْأَة، ٢٥٨ كف النسر، ١١٧ كرنب البرى، ۲۵۶ كَمْأَة، ٢٨٣ كف النسر (مصر)، ٤٩ كسبرة الحمام، ٢٥٧ كَرْنب البرى، ٢٥٤ كفّ الهِرّ، ٢٥۴، ٢٥٩، ٢٧٣ كَمأة، ٢٨٣ کَسْما، ۶۶ كرنب البستاني، ۲۵۶ کُسَیْنا، ۲۵۸ کف أجذم، ۲۵۸ كُرْنُب البستاني، ۲۵۶ کمثری، ۶۲ کشج، ۱۶۲ کُمُثْری، ۱۴۳ كرنب الدورى، ٨٢، ٢٥٤ كفر اليهود، ١٢۴ كُمَثْرِي، ٢٤١ كُفَرَىٰ، ٩۵ كُشَمْلَخ، ۲۵۸ كرنب السواحلي، ٢٥۶ كُمُّثرى البُستاني، ٥٧ كـف عـائشة، ١٠٢، ١٨٤، كُشنى (شام)، ۲۵۳ كرنب العظيم، ٢٥۶ کمثری بری، ۲۶۱ کشوث، ۱۲۳، ۲۵۰ كرنب الكرماني، ٢٥٤ کمٹری جبلی، ۲۶۱ كفّ عايشه، ۲۵۹ کُشوث، ۲۵۸ كرنب الكلب، ٢٣١ کمثری حامض، ۲۶۱ کف مریم، ۵۳، ۱۸۶ كشوث الجبلي، ٢٥٨ كرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲ کمکام، ۱۹۸ كَفُّ مريم (اندلس)، ٨٩ كُشوث الرومي، ۵۶ كرنب النبطى، ٢٥٤ كَمون، ٢۶٢ كرنب أندلسي، ٢٥۶ کف مریم حجازی، ۲۵۹ كَشُوث الرومي، ٢٥٨ كَمُون الابيض، ٢٠٤، ٢۶٢ کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰، كشوث المجوسي، ٢٥٨ کرنب بحری، ۲۵۶ كَمُّون الارمني، ٢٥٤ کُرنب بری، ۱۳۷ 271, 177, 777 کَشوت رومی، ۵۶ كَمُون الارميني، ٢٥۶ کلب، ۲۴۳ كَشوت (مصر، مغرب، کرنب شامی، ۲۵۶ كَمُّون الأسود، ١٩٢، ٢٤٢ كــلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴، آفریقا)، ۱۶۷ کرنب نبطی، ۲۵۶ كَمُّون البرى، ٢٤٢ کشوثی (عراق)، ۱۶۷ YVA كُرَنْج، ۴۴ كروش الغنم، ٥٥ كَمُّون الجبل (بربرها)، ٩٣ کَلْخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸ كَطف (صحرانشينان)، ۱۷۰ كَلْخ الدُّنْبِي، ٢٥٩ كَمُون الحَبَشي، ٢٤٢ گغر، ۲۵۹ كَرَوْيا، ۲۵۶

لسان الحمل الكبير، ٣٣	لَبْلاب المجوسي، ٢٤٧	كَهْرْبَا، ۱۲۷، ۲۶۴	كمون الحلو، ٤٧
لسان الحمل صغير، ٢۶٩	لبلاب بي ثمر، ٢٣٩	لابس، ۲۵۲	كَمُّونَ الحُلُو، ٤٧
لسان الحمل كبير، ٢۶٩	لبن الحمارة، ١٥٩، ٢٥٠،	لاجورديه، ۱۹۴	كمّون الحلو، ٢۶٢
لسان السُّبُع، ٢۶٩	797	لاحی، ۷۰	كَمُّون الرطالي، ٢٨٩
لسان الطير، ٨۴	لبن السودا، ۵۵	لاخشنة، ١٨٩	كمّون الرومي، ٢۶٢
لسان العَصافير، ١٩٩، ٢۶٩	گبنی، ۲۶۷	لاذن، ۲۶۵	كمون الكرماني، ٢۶٢، ٢٨٩
لسان العصفور، ۶۶ ۸۸	لبنی، ۲۸۶	لاذن العنبري، ٢۶۵	كمون الملوكي، ٢٤٨، ٢٤٢
759	لبنی رومان، ۵۳	لاعيه، ١٢١، ٢٢۴	كمون أرمن، ۲۵۶
لسان الفَـرَس، ٤٧، ٢٥٢،	لبنی رهبان، ۵۳	لاغيه، ۲۶۵، ۳۰۰	کمون بری، ۲۶۲
۲۸۰	لحاح (مصر)، ۵۰	YV, 097	کمّون حبشی، ۲۶۲، ۲۸۹
لسان الكَلْب، ٢۶٩	لحام الذهب، ٥١	لباب، ۲۶۶	کمون رومی، ۲۵۶
لسعة (تونس و آفريقا)، ۶۸	لِحاء الغول، ١٨٧، ٢٤٧	لباب القرطم، ۲۶۶	کمُون صخري، ۲۶۲
لسوالسومر، ۲۴۳	لحينس الاكليه، ٢۶٨	لَبّاصَة (اندلس)، ۱۲۲	کمون ملوکی، ۲۸۹
لسيعه، ۶۸	لحية الارنب، ١٠٣	لب النخل، ٩٥	کمّون هندی، ۲۶۲
لَصف، ۲۵۰	لِحْيَة التيس، ٩٩، ١٨٨، ٢٠١،	لباله، ۱۰۳	کم:، ۲۶۰
لَصِف (اندلس)، ۱۱۴	797, PP7	لبالَه، ۲۸۱	کنجده، ۶۶
لَصَف (اندلس)، ۱۱۴	لَحْيَةُ التيس، ٢۶٧	لُبان، ۲۶۳	کندر، ۲۱۶
لَصَق، ٣٣	لِحْيَة الجَمل، ٢٥٧	لبان، ۲۶۶	کُنْدُر، ۲۶۳
كَصْق، ٢٥٢	لحية الحمار، ٧۶	لَبان، ۲۷۴	کندریات، ۲۷۴
لِضْق، ۲۷۰	لحية العنز، ١٥١	لبانه مغربیه (مصر و شــام)،	کندس، ۱۷۱
لصيف، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۷۰	لحية القنليه، ١٠٣	774	کُنْدُس، ۲۶۳
لصيفي، ۲۷۰	لخنيس الاكليه، ١۴٠	لَبَخ، ۳۵، ۷۶، ۲۶۶	كَندلاء، ٢۶٣
لصيقاء، ٣٣، ٢٥٢	لخنيس الأكليلية، ٢۶٨	لبخه، ۷۶	کنکر البری، ۲۷۰
لَصيقى، ٢٧٠	لخنیس بستانی، ۲۶۸	لېسان، ۹۶، ۱۸۹	كنكر الكبير، ١١٤
لطین، ۹۶	لخوخ الماء (اندلس)، ۲۷۲	لَبسان، ۱۳۱، ۲۶۶	کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹
لطِيق أرْشِميَسة (اندلس)،	لديقة، ٤٧	لبلاب، ۵۰ ۱۲۱، ۱۴۳،	کَنْهان، ۲۶۳
**Y	لِزاق الذِّهَب، ٥٦ ٢٩٥	۵۸۱، ۲۲۰، ۱۷۲	كَنَهْبَلة، ٢۶٣
لُعاب القتيل، ٥٥	لزاق الرخام، ۸۶	لِبْلاب، ۲۶۶	کَنیب، ۲۱۳
لعاس، ۲۴۳	لسان، ۲۵۲	لبلاب اعنم، ۲۶۶	کنیب (یمن <i>ی</i> )، ۲۶۳
لعبت بربری، ۲۷۰	لِسان الإِبِل، ٤٠، ٢۶٨	لبلاب الأِحرش، ۶۰	کنیث (یمنی)، ۲۶۳
لعبه، ۲۷۰	لسان الأُيُّل، ٤٠	لبلاب الأُخرش، ٢۶٧	کواکب، ۴۶
أُغْبة، ۲۷۰	لِسان الأَيْل، ۲۶۸	لبلاب الجَعْد، ٢۶۶	کور، ۲۶۴، ۲۸۳
لعبة البربرية، ٢١٢	لســان الثــور، ۱۳۸، ۲۵۲،	لَبلاب الحقيقي، ٢۶۶	كُوكب الارض، ٢٠٤، ٢٢٤،
لعبة البربرية (عراق)، ١٧٩	۸۶۲، <i>۹۶۲</i> ، ۱۸۲	لبلاب الشجر، ۲۶۶	754
لُعبَة بَرْبَرى، ٢٧٠	لسان الجَمل، ٢۶٩	لبلاب الصغير، ١٨٥	كوكبة، ۱۵۹
لعبة مطلقة، ٢٧٠	لسان الحمل، ١١٩، ١٣١،	لبلاب الغنم، ۲۶۶	کوکبیه (شام)، ۱۰۵
لعبة مطلقة، ۲۷۰ لُفاح، ۲۷۰ لفّاح، ۳۰۰		لبلاب الغنم، ۲۶۶ لبلاب الكبير، ۲۴۰ لبلاب المجوس، ۱۱۳	کوکبیه (شام)، ۱۰۵ کوکبیة، ۶۰ کونهان، ۲۶۳

مُذَهِّب، ۶۱	متکه، ۳۹	لوف العقد، ٢٣٠	لفاح الجن، ۲۷۰
مُذْهِب الكَلَب، ٤٠	مُثُلِّت، ۲۰۱	لوف الكــــبير، ٣٤، ١٠٤،	لفاح الهندى، ٢٧٠
مُرّ، ۲۷۷	مُثلَث، ۲۴۷	۲۷۳،۱۸۶	لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰
مُواد، ۵۹، ۲۹۸	مثلث حجم، ۱۶۳	لوقاس الجبليه، ١٣٣	لفّاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰
مُرّار، ۲۷۸	مثنان، ۵۳، ۹۷، ۵۵۲، ۵۷۲	لياء، ٢٧١	لِفْت، ۱۸۹
مُرار الصحراء، ١٢۶	مَثْنان، ۲۷۷	لیرون (مغرب)، ۸۷	لفت الأَحْمَر المُدَوّر، ١٨٩
مرار الصخر، ۱۲۶	مثنان آخر، ۲۷۷	ليغة، ۲۷۴	لفت البلدي (فاس)، ۱۸۹
مرارة الفيل، ٢٣١	مجّ، ۱۳۷	ليف، ۲۷۴	لِفت الجنِّ، ٢٧٣
مران، ۱۶۰	مج، ۲۷۵	ليف البحر، ٥٩، ٢٧٤	لفت المحفور، ١٨٩
مُرّان، ۱۶۳، ۲۷۸	مجاج، ۲۷۵	ليفيه، ۲۷۴	لفت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶
مرّان، ۲۰۰	مُجَزُّع، ۱۴۰	ليقية، ۲۷۴	لفت مدور، ۱۸۹
مراوح الجنّ، ۲۹۲	مُجْنَح، ۲۷۷	ليم، ۴۰	لَفَش، ۲۷۰
مربح، ۲۸۰	مُجَنِّن، ۲۴۹	ليمون، ۴۰	لقم القاضي، ١٠٨
مرتینی، ۹۶	مجنون، ۱۲۵	مائده، ۲۵۲	لُکُ، ۱۷۸
مرجان، ۷۹	مجنون (شام)، ۱۰۵	مائلة، ۲۰۴	لَكًاع، ۲۷۱
مَرْخ، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸	محاجم (اندلس)، ۲۷۷	مازر، ۱۵۹	لكَّاعة، ٢٧١
مَرْخة، ۲۰۲	محروت، ۵۰، ۵۵ ۲۲۱	مازرو (مغرب)، ۱۴۹	لوبانة المغربيه (مصر)، ٢٢۴
مرددُّوش، ۲۷۹	محروث، ۵۰، ۶۵	مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴ ۵۵، ۵۵	لُوبانَة (مصر)، ۵۵
مرددوش البرى، ١٩٥	محَسَّنة، ١٨٧	171, 191, 667, 187,	لوبيا الابيض، ٢٧١
مَرْدَدُّوش (اندلس)، ۲۷۹	مُحْقيرة (اندلس)، ۵۱	۷۷۲، ۹۶۲، ۰۰۳	لَوز، ۲۷۱
مَزْدَقُوش، ۲۷۹	مَحلّب، ۴۳	مازَريون، ۲۷۵	لوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۲، ۲۷۲
مردوش، ۳۴	محلب، ۱۱۲	ماش، ۲۷۵	لوز الحلو، ۲۷۱
مِوز، ۱۵۰	مَخلب، ۲۱۶	ماش هندی(عراق)، ۱۱۲	لوز المُرّ، ۲۷۱
مرزجوش، ۳۴	محلولة، ٤٢	ماشیا، ۴۴	لوز المر (انطاليا)، ۲۷۲
مرزنجوش، ۳۴، ۱۶۰، ۲۸۸	محموده، ۱۷۳	ماغره، ۸۰	لوز بری، ۲۷۲
مَرْزَنْجوش، ١٥٩، ٢٧٩	مخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	ماغره الاسود، ۱۵۰	لوز حلو، ۲۷۱
مُرُزير (مصر)، ۲۷۸	مُخبر (فاس)، ۴۹	ماقر، ۱۴۲	لوز مرّ، ۲۷۱
مرقد، ۱۰۹	مخرج الريح، ١٧٣	مامور، ۱۱۰	لوف، ۱۳۰، ۲۲۰، ۲۷۳
مرقِد، ۲۷۹	مخلب العقارب الأبيض، ٤٧	مامون، ۱۱۰	لوف الارقط، ٢٧٣
مرمار، ۱۵۸	مخلصه، ۱۱۱	ما هُو بِذاته، ۲۷۶	لوف البَطَّ، ٢٧٣
مسرو، ۵۲ ۹۱، ۱۶۳، ۲۷۴،	مُخَلِّصَه، ۱۰۷، ۲۷۷	ماهودانه (مغرب و اندلس)،	لوف الجعد، ٢٣٠، ٢٧٣
۲۸۰	مَخيطا، ۴۳، ۱۶۷	114	لوف الجَعْد، ٢٧٣
مرو اسود، ۲۸۰	مُدَبُّعَة، ۵۴	ماهویدانه، ۲۷۶	لوف الجعد اسخن، ۲۷۳
مرو الاسود، ۲۸۰	مُدرْهَمُالوَرَق، ٥٩	ماهيزَهرَج، ۲۷۷	لوف الحَــــيّة، ۱۸۶، ۲۳۰،
مرو العِراض، ۲۲۱	مدلوک، ۸۸، ۲۵۹	ماهی زهرج (شام و عواق)،	147, 477
مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰	مدلوكة، ۲۷۳	9.	لوف السُّبُط، ٢٧٣
مرو دقیق، ۱۶۳	مدهوق، ۱۸۰	مِتْرَسات، ۱۲۹	لوف السبط (اندلس)، ۲۷۳
مروشة (اندلس)، ۲۰۷	مدیکه (فاس)، ۴۹	متک، ۳۹	لوف الصغير، ٢٧٣

٠١١. ٣ سوري	w.w	0.0 0 0 ti /1	W.A. Pa.S.
مقل ازرق، ۲۸۳	مظ، ۲۰۲، ۱۷۴، ۲۸۲	مسواک المسيح، ۲۳۳، ۲۹۲	مروی مشتهی، ۲۸۰
مقل اليهود، ۲۶۴، ۲۸۳	مظلل الحمام، ۱۵۶	مشتان، ۲۸۱	مَرُوية الأبيض، ٢٢۴ - ١٠٠١ - ١٠٠
مقلقل (مغرب)، ۹۵	معد، ۷۲	مشتهی، ۶۳، ۱۶۲	مرة الطوفان، ۲۰۲
مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴	مُعَطِّس، ۱۷۲، ۲۱۶	مشرقی، ۲۵۳	مریخ، ۲۸۰
مقلوب، ۱۱۳	مُعَقِّرَب، ۵۹	مشط الذنب، ٢٣٣	مُرَيْراء، ۱۶۴، ۱۹۴
مقل یهودی، ۲۸۳	معین، ۲۷۵	مشط الراعي، ۱۴۸، ۱۴۹	مریق، ۵۷
مقیل، ۳۷	مغاث، ۱۵۸	مشط الراعى (مغرب)، ۱۴۹	مُرِّيق، ۲۱۰
مُكَثِّر اللَّبَن، ٩٠، ١٠٤، ٢٧١	مُغاث، ۲۸۳	مَشْطَ الغُول، ٢٨١	مَريَّه الاسود، ۲۸۰
مكنسة الاندر، ۲۷۷	مغافیر، ۲۸۳	مشک الجن، ۱۹۰	مريّة ابيض، ۲۸۰
مكنسة قرشيه، ٢٧٧	مَغْد، ۷۲، ۲۸۳	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	مَرّية الأبيض، ٢٨٠
ملاج، ۶۶	مغدود، ۲۸۳	مشكطرامشيع كاذب، ٢٨١	مزج، ۲۷۱
مُلِّاح، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۳	مغربی، ۱۳۲ •	مشماش (مغرب)، ۲۸۲	مزقل الصفّار، ۴۹
ملّاح، ۲۴۲، ۲۸۴	مُغْزِرة، ۲۸۳	مِشْمِش، ۲۸۲	مزمار الراعى، ٣٣، ٥٤، ٢١٠
ملاح، ۲۴۳	مِغفار، ۲۸۳	مشمش، ۲۸۲	مِزمارُ الراعي، ٢٨١
ملّاحی، ۹۶	مُغْفَر، ۲۸۳	مشمش (مغرب و اندلس)،	مزودة، ۲۰۷
مُلْبُونَه، ۲۸۶	مِغْفَر، ۲۸۳	٧۶	مسافق، ۲۸۱
مُلْج، ۲۸۳	مغفور الرمث، ۱۵۸	مُصاص، ۹۷	مستعجل، ۸۹
مَلْجی، ۱۴۸	مفاتل الراعي، ٤٠	مُصاصِه، ۱۱۴	مستعجله، ۸۹
ملج <i>ى</i> الابيض، ٩۶	مفاتل الرعاة، ٤٠	مصاصة، ۱۳۴	مُسْتَعْجَلُه، ۲۰۷، ۲۸۱
ملجي الاسود، ٩۶	مفاتل المَرعى، ١٥١	مَصَّاصَة (اندلس)، ۲۶۹	مسد، ۹۳
ملس (یمن)، ۲۰۷	مُفْرِح، ۲۶۸	مصاصة (فاس)، ۲۶۹	مَسَد، ۱۵۷
ملطاه، ۱۴۸	مفرّح القلب، ٧١	مَصُّ العسل، ۲۸۰	مسقط الأجنة، ٤٨
ملطاة، ٢٨١	مُفْرح قلب المحزون، ٧١	مصباح الروم، ۲۶۴	مسك الارض، ١٠٣، ٢٨١
ملفون، ۸۱	مفرح قبلب المحزون، ٧١،	مَصْطَكَاء، ٢٨٢	مِسْک الجِنّ، ۱۰۳
مُلک، ۱۳۷	۲۸۲، ۲۸۲	مصطکی، ۲۰۱	مسک آلجن، ۱۰۳، ۱۹۰
ملک، ۱۶۲	مُفْصِحة، ۴۸	مَصْطَكى، ٢٨٢	مسك الجن(اندلس)، ۲۸۱
ملکا، ۵۹	مفَصّحة، ٢٨٣	مُصطكِّي، ۲۸۲	مسک الرمان، ۲۸۸
ملوح، ۲۴۲	مَقْلَق، ۱۳۹	مُصع، ۶۳	مسک القرود، ۵۲
ملوح(شام)، ۲۸۴	مقارجه، ۱۴۸	مُصَع، ۲۸۲	مُسْكتة، ۲۸۰
ملّوخ، ۲۴۲	مقارجة (اندلس)، ۹۰	مصغ، ۲۱۷	مسک جُدُه، ۲۸۱
مُلوخ، ۲۴۲	مقامح ابلیس، ۲۵۲	مصفى الرعاة (مغرب)، ۸۶	مِسْكية، ١٢٥
ملوخ، ۲۸۴	مقد، ۵۷	مض، ۱۵۸	مِسكية، ١٥٥
ملوخ البطريق، ٢٨۴	مَقْر، ۱۲۰	مَضْ، ۲۸۳	مسمقاره، ۱۶۰
ملوخیا، ۸۴	مقر، ۱۹۵	مُضيء البساتين، ٧٩	مسمقران، ۱۶۰
مُلوخياالشَّجَر، ۱۳۶	مقرجالة، ٥٨	مُطَبُّقة، ۵۴	مسواک الراعي، ۱۹۳، ۲۸۱
ملوخیان بستانی، ۱۲۹	مُقْفَل، ۲۵۶	مُطر، ۱۵۰	مسواک العباس، ۲۸۱، ۲۹۱
ملوخیه، ۱۲۹	مُقل، ۵۲، ۲۸۳	مَطْرُ (اندلس)، ۴۹	مسواک القرود، ۵۲
ملوخیة بری، ۱۳۶	مقل، ۲۳۸	مظ، ۱۰۴	مسواک القياد، ٢٣٣
<b>U</b> J J	J		

للوكيه، ١٢٩	میعه، ۵۳، ۲۸۶	نخل المقل، ١٠٩	نُوَيْفع، ۱۵۳
للوکیه بری، ۱۲۹	میعه سایله، ۲۶۷	نَدْغ، ۱۹۵	نهشل، ۱۰۳
للوكية، ٢٨٤	میعه پابسه، ۵۳	نَدى، ۲۹۵	نَهَق، ۷۰، ۱۰۲
للوكية البحر، ١٢٩	میعه یابسه، ۲۸۶	نــرجس، ۸۰ ۱۸۱، ۲۰۶،	نُهود القَينات، ٥۴
للوكية البريه، ١٢٩	ميعة، ۱۸۶	79.	نِیْش (فاس)، ۲۸۲
تلول، ۱۴۰، ۲۷۹	مَيْعَة السائله، ۲۸۶	نرجس ابيض، ٨٠	نيقولا الراهب، ۶۰
للونية، ٢٨٥	مِيعَة سائلُه، ٢٨۶	نرجس الاصفر، ٧۶	نیل، ۱۱۳، ۲۱۱
ىليح، ٢٣٢	مییمون (مغرب)، ۲۲۲	نرجس مسکین، ۲۹۰	نیل البری، ۲۱۱
مسك الارواح، ۴۷	ميمونة، ۱۵۸	نرجس مُقَودُس، ۸۰	نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲
تُمْسِک الأرواح، ۴۷	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	نرنج (فاس)، ۴۰	نـــيلَج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱،
ممنون البقر، ۴۱	نارجیل بحری، ۲۸۷	نسج، ۲۶۳	797
ىن، ۴۴	نارجین، ۱۳۲	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نیل رومی، ۱۳۶
تُنبج (شام)، ۲۷۶	ناردین بری، ۴۶	نسمة، ۲۸۰	نیلوفر، ۹۳، ۲۵۶
منتن الرائحه، ۲۱۹	ناردین صین <i>ی</i> ، ۲۸۸	نَشَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نيلوفَر، ۲۹۲
ئنتنة (مصر)، ۲۱۹	ناردین نهری، ۲۸۸	تَشَم الاسود، ١٢٧	نیلوفر ابیض البری، ۸۰
ىنثور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	نارِنْج، ۴۰، ۲۸۹	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نيلوفر ابيض المائي، ٨٠
تَنْثُور (مصر)، ۱۴۰	ناطف، ۲۸۹	نَشَم الأَسْوَد (اندلس)، ۱۴۴	نيلوفر البِرَک، ۲۸۰، ۲۹۲
تنْج، ۲۸۵	ناعمة (اندلس)، ۶۰، ۲۶۸	نصی(اندلس)، ۱۳۶	نيلوفر الصيني، ٢٩٢
تن رَای مِثلی، ۲۵۲	نافع، ۷۸، ۱۵۲	نُضار، ۴۰	نیلوفر القَمَری، ۲۹۲
نسم، ۲۷۱	نافوخ، ۱۴۶	نُضًار، ۲۰۲	نيلوفر المجوسي، ٢٩٢
ئنْسِيّە، ۲۹۸	نامی، ۱۵۹	نضار، ۲۹۰	نیلوفر ذهبی، ۲۹۲
ئنْسِية، ٢٨٥	نانخواه، ۲۶۲	نـــعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵،	نیلوفر مجوسی، ۸۰
تَنْشِم، ۲۸۵	نانخة، ۲۵۶، ۲۶۲	777	نیلوفر هندی، ۲۲۲، ۲۲۷
ئنفتلة، ١٢٩	نانخة (اندلس)، ۲۸۹	نَعْنَع، ۲۹۰	وایله، ۲۲۵
ىَنْفُوخة، ۱۷۳	نانوخية، ٢٨٩	نعيج الحبشه، ١٠٧	وَتيرُا، ۲۹۴
ىنفوخة، ۲۴۸	نبات الرعد، ۲۶۰	نغریل، ۹۶	وخ، ۵۱، ۱۶۵، ۲۹۳
ىنقّىيم لخمسّه أقسام، ٨٩	نبات سحری، ۲۰۴	نفّاخ، ۱۰۸	وجد (يمن)، ۲۵۱
تُنَوم، ۲۴۹	نَبْع، ۲۸۹	نفل، ۱۵۷	وحشى، ٩۶
تَنْيَرَة، ٢٨٥	نبغ، ۲۸۹	نَفْل، ۲۵۳	وحمو (فاس)، ۱۰۲
موذیان، ۲۴۹	نبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نَفَل، ۲۹۱	وَدْع، ۲۹۳
تؤز، ۲۸۵	نَجَب، ۱۷۴	نقد، ۲۱۰	ودود، ۸۶
ىونس الوحش، ١۴١	نَجْد، ۵۹	نقرار، ۹۶	وَرْد، ۱۱۹، ۲۹۳، ۲۹۴
بونس الهموم، ۲۴۵	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نقیب (قدس)، ۲۴۲	ورد ابیض بری، ۲۹۴
ويزج، ۱۱۱	نجمه، ۲۱۲	ئلک، ۱۶۲، ۲۹۱	ورد احمر، ۲۹۳
مهد (شام)، ۲۰۷	نجير، ٩٩	نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۱۹۲	ورداحمر بری، ۲۹۴
تيامير، ۱۵۶	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	نمام الملک، ۱۸۲	ورد احمر بستانی، ۲۹۴
ئیس، ۱۲۷	نحلية، ١٥٥	نملول، ۲۴۵	ورد اصفر بری، ۲۹۴
ئيْسَن، ۲۸۶	نخل، ۹۴	نوغان، ۴۶	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴

		-	
يَعضيد، ۱۴۳	هندباء هاشمی، ۲۹۸	وصف الاسود، ۷۶	ورد الانهار، ۲۹۲
یعضید بری، ۱۳۳	هواسمه (مصر)، ۷۶	وَطْم، ۲۹۵	ورد الحب، ۲۵۰
يعضيد (مصر)، ۲۹۸	هوفاریقون، ۲۹۸	وغد، ۷۲، ۸۳	ورد الحبّ، ۲۵۴، ۲۹۴
يقطين، ٩٣، ١٢۶، ٢٣٧	هومالمجوس، ۲۹۹	وَغْد (آفريقا)، ٥١	ورد الحمار، ۴۶، ۲۹۴
یمان (اسکندریه)، ۲۱۸	هیشر، ۱۱۴	وَقُل، ۲۸۳	ورد الحَماق، ۲۹۴
يُمَيْن (اسكندريه)، ۲۱۸	هَيْشَر، ۲۹۹	وقْله، ۲۸۳	ورد الحمه، ۲۹۵
یمور (شام)، ۸۴	هیوز (سوائم)، ۲۰۱	ولان المكي، ١٢٠	ورد الحمير، ٢٢٣
ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲	ياسمين البر، ١٥٩	وَلَب، ۲۹۵	وَرْد الْحَمير (اندلس)، ۲۲۳،
یَنْبوت، ۱۳۲، ۲۴۷	یاسمین بری، ۲۴۶	هائجة، ۲۸۰	490
ينبوت زنكورج، ۱۳۲	یــبروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰،	هال، ۲۳۲	ورد الذكر، ۱۰۵
ينبوتة، ١٠٩	٣.,	هالوک، ۱۱۸	ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶
ينبوع، ٣٠٠	يَبْروح الصُّنَم، ٣٠٠	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	ورد الزُّوانی (اندلس)، ۱۳۶
يَنَمه، ٢۶٩	يبروح الصنم، ٣٠٠	هبید، ۱۲۶	وَردالزُّواني (اندلس)، ۱۳۶
	يبروح الوقاد، ۱۶۸	هـدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴،	ورد الزينة، ١٢٩
	يبروح الوقّاد، ۱۶۸	۸۶۲، ۹۵۲	ورد الزينة البرى، ١٢٩
	یبروح بری، ۲۷۰	هَدَس، ۳۱، ۳۵	وردالشمس، ۲۹۲
	یبروح سریانی، ۲۷۰	هُذيْلة (اندلس)، ۲۹۶	ورد العجار، ۲۹۴
	یبروح صنمی، ۱۶۸	هُذيليه، ۱۰۶	ورد الفُجّار، ۲۹۴
	یستوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷،	هَرْجان، ۲۸۵	ورد الفَحْصى، ٢۶۵
	411, 4P1, 697, Y97,	هرد، ۱۶۳	وردالمجوس، ۲۹۲
	٣	هُرُد، ۲۰۸	ورد بری، ۲۹۴
	یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹،	هُرْطَمان، ۲۹۶	ورد جبلی، ۲۶۵
	177, 777, 0P7	هُرم، ۲۰۰	ورد صینی، ۲۹۰
	یذره، ۲۴۰	هزارجشان، ۲۲۲	ورد منتن، ۲۹۵
	یِذرة، ۶۲	هٔسک، ۲۱۰	ورد موجّه، ۲۹۴
	يَواع، ۲۴۰	هلیلج، ۶۸	ورق الحنا، ١١٣
	يَرْباتُه، ۶۹	هِنْدِباً، ۲۹۷	ورق الخيار، ۲۴۵
	يَرْبطور الساحلي (انـدلس)،	هندبای بری، ۲۹۸	ورق زیتون هندی، ۱۹۹
	774	هندباء، ۶۶ ۲۸ ،۸۲، ۲۹۶،	وزق، ۱۴۴
	يربطور الشعراوي (اندلس)،	707, 104	وسق، ۵۱
	774	هِنْدباء، ۱۲۰	وَسْمة، ۱۳۶، ۲۱۱، ۲۹۲
	يَربطورة (اندلس)، ۶۶	هِندباء الاجعد، ١٠٣، ١١٩	وَسْمةالذُّكُر، ٢١١
	یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴	هندباء البستاني، ۲۹۸	وسیل، ۱۸۸
	يُرَنّا، ۱۲۵	هندباء الشامي، ۶۶	ۇشىج، ۵۱
	يُرَنَّاء (شام)، ١٢٥	هـندباء بـری، ۱۳۹، ۲۹۶،	وشيَّج، ۵۱
	یشمه، ۹۴	AP7, •• <b>*</b>	وَشُج، ۲۹۵
	یسعضید، ۸۳ ۱۳۹، ۲۸۰،	هندباء شامی، ۲۹۸	وُشَقَ، ۲۹۵
	AP7,	هندباء (فاس)، ۲۹۷	وشيج، ٩٩
		-	_

## ۲ - نامهای فارسی و محلی

انار، ۱۵۷	اسلیخ، ۲۶۷	اشبَريون، ۳۴	آذرگون، ۳۴
انار دانه، ۱۵۸	اسمار، ۳۶	اسبلنح، ۲۶۷	آذریون، ۲۵۸
اناریچه (مازندران)، ۱۱۷	اشبرک (سجزی)، ۱۲۱	اسبندان خوش، ۱۳۰	آزاددرخت، ۳۵
انبرود، ۲۶۱	اشتر (اصفهان)، ۱۱۰	اسبیذار، ۱۲۳، ۱۴۹	آزادِرَخٰت، ۳۵
أنْجُرِه، ۶۵	اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰	اسبيذمرد، ۴۶	آزاذ سوسن، ۱۸۰
انجير، ٩٣، ٩٤، ١٠٥، ١٨٤	اشترخاراست، ٥٠	اسپرزه (اصفهان)، ۷۸	آس، ۳۱، ۳۵
انجيراًدم، ۶۶	أَشْتُرغار، ۵۰ ۶۵	اسپرغم بیابانی، ۱۹۹	آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷
انجیر حلوانی، ۹۶	اشترغاز، ۵۰	اسپست باغ تازه، ۱۵۵	آلوبالو، ۲۳۴
انجیر دشتی، ۹۶	اشخیص اسود، ۵۱	اسپناج، ۴۸	آلوبوعلی، ۲۳۴
انجیر زمینی، ۱۲۷	اشخیص سفید، ۵۱	اسپند، ۱۳۱	آلوبولی، ۲۳۴
انجیر وربری، ۱۸۴	اشراز، ۳۷	استکو (تنکابن)، ۱۷۱	آلو جبلی، ۵۱
انچلک (شیراز)، ۱۴۲	اشراس، ۳۷	اَسْخَنُ، ۱۰۸	آلوجه، ۵۱
اندقوقو (شيراز)، ١٢٥	اشریس، ۳۷	اسفید، ۱۱۶	آلوچه، ۴۱
انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵	اشنان گازران، ۵۲	اسفردانه، ۸۱	آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲
انغوزه، ۱۲۱	أشه، ۵۱	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	آلوکشته بتر، ۵۱
انکر (شیرازی)، ۲۳۶	افتاب پرست، ۲۹۹	اسفرم، ۳۱، ۳۵	آلوی زرد بخارائی، ۴۱
انکزر، ۱۲۱	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	اسفناج، ۴۸	آلوی سیاه، ۴۱
انگدان، ۶۵	افریژ، ۲۹۳	اسفناج رومی، ۲۴۱	آلى باقلى (شيرازى)، ۲۳۴
انگدان زد، ۱۲۱	افزغنج(بخاريه)، ۲۲۶	اسفناج رومی (شیرازی)،	آلىبالى، ۲۳۴
انگذان، ۶۵	افس سک(شیرازی)، ۱۸۳	741	آمُله، ۶۲
انگزد، ۱۲۱	افنان سر، ۲۲۴	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	آویشن، ۱۹۵
انْگُزُه، ۱۲۱	اقحوان زرد، ۷۰	اسفندار، ۱۱۶	ابونس، ۳۳
انگشت، ۵۳	اگیرترکی، ۲۹۳	اسفند اسفید، ۱۲۵، ۱۳۱	اب <i>ی</i> ، ۱۷۲
انگشت کـنده (اصـفهان)،	الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷	اسفندان سفید، ۱۱۵	اخفاک، ۲۱۰
171	الامــــلک (طـــبرستان و	اسفندسفاه، ۱۱۵	اردشیران، ۲۸۰
انگور، ۲۱۴، ۲۱۷	تنکابن)، ۲۲۲	اسفند سفید، ۱۱۵	اردشیر دارو، ۲۸۰
انگور سگان، ۱۲۸	الثال، ۱۳۶	اسفندسناه، ۱۱۵	ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹
انگُیان، ۶۵	الداس واش، ۱۲۹	اسفیدار، ۱۷۸	ارغوان، ۴۴
اوبرنیون، ۲۲۴	اَلْدِر، ۲۱۳	اسفیدش، ۷۸	<b>اُ</b> زگوان، ۴۴
اویزر، ۲۴۶	السنة، ١٢٩	اسفیدکشیر، ۳۰۰	ارود (فارس)، ۱۱۰
اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰	اِلْقیس (سجزی)، ۲۶۶	اسفیندار، ۱۳۰	اریسه، ۱۹۸
اوحی (مازندران)، ۱۲۰	اِلْقيوس (سجزی)، ۲۶۶	أُسفيوس، ٧٨	ازاددرخت، ۲۱۳
اوسّبيد، ۶۸	آلُم (شیراز)، ۱۰۰	اسفيوش، ٧٨	ازادرخت، ۲۱۳، ۲۶۶
اوسبيذ، ۶۸	الم (شيراز)، ۱۴۳	اس کرمانی، ۳۶	ازدشیر زاد، ۲۸۰
اوسفید، ۶۸	الويا، ٢٧١	اسکیلم چشم (سجزی)،	اسباناج، ۴۸
اوشن، ۱۹۵	آمرود، ۶۲ ۲۶۱	Y1 <b>Y</b>	اسبرک، ۵۹

_			
بُکْمون، ۸۵	برس، ۳۹	بادرنگبویه، ۷۱	اوشه (شیرازی)، ۱۹۵
بَلادُر، ۸۵	برس غنچه، ۳۹	بادنجان، ۱۱۴	اونیره، ۸۱
بلاذر، ۸۵	برسیاج دارو، ۲۱۰	بادنجان دشتی، ۱۱۴	اويشم (اصفهان)، ۱۹۵
بلبل شامی، ۲۷۷	برسیان دارو، ۲۱۰	بادنگان، ۷۲	اهر، ۱۷۸، ۲۶۹
بلس، ۹۶	برسیاوشان، ۲۰۷	بادیان، ۱۵۲	ايراماميز، ۶۹
بُلْسُن (سجزی)، ۲۰۷	برش، ۲۵۸	بادیان خطائی، ۷۲	ای رس، ۳۹
بَلَنْجاسَف، ۷۷	برشاد، ۱۸۹	بادیان رومی، ۶۷	ایشن، ۱۹۵
بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷	برشیان دار، ۲۱۰	باذام طلخ، ۲۷۱	ایکور، ۷۵
بـــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	برشیان دارو، ۲۱۰	باذامک، ۷۲	أبرس، ۲۰۸
791, 107, 197	برشیاوشان، ۱۸۷	باذرنبویه، ۷۱	أبرنج، ۴۴
بلوط الارض، ٨٧	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	باذرنگ، ۴۰	أردمانة، ۲۶۷
بلوط (شام)، ۱۷۹	برغثت (خراسان)، ۲۴۵	باذنجان، ۲۸۳	أزاذَدرخت، ٣٥
بلیذا، ۱۴۰	برغست، ۲۴۵	باذَوَرْد، ۳۴	أزْدَف، ۱۶۲
بن، ۸۱	برغشت، ۲۴۵	باذورد، ۱۱۴	أسبست، ۱۵۶
بَنْج اَنْگُشْت، ۴۰	بَرْککشیرازی، ۷۶	باززَد، ۷۲، ۲۴۶	أَسْفَسْت، ۱۵۶
بنجسكروان، ۲۶۹	برکینبه، ۲۴۰	بارززد، ۷۲	أسفند، ۴۸
بنجشکروان، ۸۸	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	بارشک، ۲۶۹	أَسْفِيوس، ٧٨
بنجشک زبان، ۲۶۹	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	باقلا مصری، ۹۳	أشترغاز، ۱۶۴
بنجكسروان، ۱۴۴	برنج، ۴۴، ۲۴۸	باقلی هندی، ۵۴	أقحوان زرد، ۹۰
بنجكَشْت، ۱۵۲	برنجاسب، ۲۴۷	بالش عاشقان (شيراز)، ٢٣٣	أوسين، ۶۸
بنجنکست، ۱۷۰	برنجاسف، ۲۴۷	بالنكو، ٧٣	أيمونيطس، ٧٠
بنجنکشت، ۱۸۵، ۱۸۶،	برنج کابلی، ۷۷	بالنگ، ۴۰	بابونه، ۵۷ ،۷۰
۸۲۲، ۸۵۲	بَرنجمشک، ۲۲۵	بالنگو، ۷۱	بابونه گاو، ۵۷
بنجنگشت، ۴۰	برنگ، ۷۷	بالوط، ۸۶	بابونه گاو چشم، ۵۷
بنجه، ۱۲۶	بزبار (شیرازی)، ۷۸	بانقش (نیشابور)، ۸۱	باتو (شیراز)، ۱۴۷
بنحنک (خوارزم)، ۸۴	بزباز، ۱۰۷	باهشتان، ۲۱۸	بادآورد، ۲۷۸
بن شاه، ۸۱	بُزْغُنج، ۲۲۵	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بادام، ۱۹۷، ۲۷۱
بنفشه، ۸۹	بزغند، ۲۲۵، ۲۳۷	بچو (فارس)، ۲۵۷	بادام تلخ، ۲۷۱
بنک، ۸۸، ۲۴۵	بزندوبخند، ۲۴۵	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	بادام شیرین، ۲۷۱
بنک (شیرازی)، ۲۴۵	بَژَپير (سجستان)، ۲۴۷	بداوان (شیراز)، ۱۴۸	بادامک، ۱۳۶
بنکو (شیراز)، ۷۸	بستان ابروز، ۷۸	بدران (شیراز)، ۵۱	بادام کوهی، ۱۰۵
بنگ، ۸۸	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۱۲۲	بدسکان، ۷۵	بادام نشک، ۱۹۶
بن ليلوفر، ٢٩٢	بُسْتان افروز، ۷۸	بدکستان، ۷۵	باداورد، ۷۱
بُنُو (سجزی)، ۲۱۲	بستان أفـروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸،	بذه، ۲۲۰	بادتخم (سیستان)، ۱۵۲
بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵	771, 771	بربهن (اصفهان)، ۸۳	بادرنبویه، ۷۱
بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵	بستولاک، ۱۷۰	برتراسک، ۲۴۷	بادرنجبویه، ۷۱
بوخل (نیشابور)، ۸۳	بفرخ، ۸۳	برتراسک (شیراز)، ۷۷	بادرنجویه، ۱۱۳
بوذنه، ۲۹۰	بقلة دشتى، ۸۳	برتراسک (شیرازی)، ۷۷	بادرنگ، ۷۱

تخم قاوند، ۲۳۳	پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	بورمندی (جرجان)، ۸۴
تخم کاج، ۱۱۲	پیر در بهار، ۷۰	بيذانجير، ١٣٣	بورمنی (بخارا و جرجان)،
تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶	پیرز، ۱۶۷	بیرزد، ۲۴۶	٨٤
تخم كازيره (گيلان)، ۲۳۶	پیرزد، ۷۲	بيم (ديلم و تنكابن)، ۱۶۷	بورمنی (جرجان)، ۸۴
تخم كافشه، ۲۳۶	پیزد، ۷۵	بيوهزا، ۲۳۶	بومادران، ۷۷
تخمکان (تبریز)، ۸۳	پیزرا، ۱۲۱	بيوه زا (آذربايجان)، ٩٢	بوی جهودان، ۲۸۳
تخم کرفس رومی، ۲۶۱	پیل زهره، ۱۲۰	پای کلاغ (پهلوي)، ۱۵۵	بوی مادران، ۲۴۷
تخم کشوث، ۲۵۸	پیل گوش، ۲۳۰	پَرُسياوشان، ٧٥	بوی ماذران، ۲۴۷
تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵	پیوند مریم، ۱۱۲	پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷	بوی همیربذان (سمجستان)،
تخمكنب، ١١١	تاتوله، ۱۰۹	پرکاج (شیراز)، ۱۹۶	1/4
تخم گزر، ۱۰۳	تاج خروس، ۷۹	پسته، ۲۲۵	به، ۱۷۲
تخم نیلوفر، ۱۱۳	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	پشم، ۹۴	بــهار، ۴۴، ۵۷، ۹۰، ۱۴۲،
تخم نیلوفر هندی، ۵۴	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	پلپل، ۲۲۷	717, 797
تخم وهل، ۳۹، ۴۰	تال شال، ۲۱۰	پلنگ مشک، ۸۳	بهار خرما، ۹۵
تذری (شیراز)، ۹۶	تالکن، ۲۹۸	پلنگمشک، ۲۲۵	بهاری، ۲۹۰
ترب، ۲۲۳	تبرزد، ۲۰۰	پليهيم (طبرستان)، ٢١٩	به دانه، ۱۷۲
تُرْبُد، ۹۳	تخم اسبست، ۱۵۶	پنبه، ۲۴۲	بهمن، ۹۱
تربزه (شیراز)، ۲۲۳	تخم امرود جنگلی، ۱۴۲	پنبه دانه، ۲۴۲	به <i>ی</i> ، ۱۷۲
تربیزک (شیرازی)، ۲۲۳	تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	پنجنگشت، ۴۱	به <i>ی</i> (سجزی)، ۱۲۶
تربیزه، ۲۲۳	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹	پنیرک، ۱۲۹	بیخ اَسمان گون، ۷۰
ترخانی، ۲۰۲	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳	پنیرک خطمی (کرمانی)،	بيخ برنده، ۱۹۳
تر (خراسان)، ۱۱۰	تخم بیخ رومی، ۱۹۱	179	بیخ بنفشه، ۷۰
ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵	پنیرک (سجزی جدید)،	بیخ تفت، ۱۹۱
ترسسک (شیرازی)، ۱۲۳	تخم پیاز، ۸۰	474	بیخ جگری، ۱۵۴
ترشج، ۱۲۲	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵	پنیر نخل، ۹۵	بیخ چکری، ۱۵۴
ترشک، ۱۲۲	تخم ترشه، ۱۲۲	پوبهکل (شیرازی)، ۲۲۵	بیخ چینی، ۱۰۶
نرشه، ۱۲۲	تخم ترشیشک (شیرازی)،	پودنک، ۲۲۹	بیخ سنبل، ۲۲۸
ترشه (شیراز)، ۱۲۲	١٢٢	پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹	بیخ سوسن سفید، ۵۴
ترشینک، ۱۲۲	تخم تره تيزك، ١١٥	پودنه جبل <i>ی</i> ، ۲۸۱	بیخ عرطینثا، ۳۴
ترف (خراسان)، ۱۲۴	تخم توخره، ۲۳۵	پودنه صحرائی، ۱۰۵	بیخ کازران، ۲۶۳
تُزم (ری)، ۱۶۴	تخم جزر بری، ۱۴۸	پودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹	بیخ لفاح، ۳۰۰
ترنج، ۴۰	تخم خرد، ۱۲۹	پوست بیخ زرشک، ۳۵	بیخ مهک، ۱۸۰
ترنجان، ۲۸۳	تخم خيار، ۲۳۴	پوست درخت کاذی، ۴۵	بید، ۱۳۶
ترنجبين، ١٩٠، ١٩٣	تخم دل آشوب (شیرازی)،	پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵	بیدار، ۱۴۹
تُرُنگ (اهواز)، ۴۰	41	پیاز دشتی، ۴۹	بیدانجیر، ۱۳۳
تره (اصفهان)، ۲۵۲	تخم ریباس، ۱۱۱	پیاز موش، ۴۹	بید بری، ۱۳۶
ترەتىزك، ۱۰۲	تخم زرداب، ۹۹	پیاز نرگس، ۲۹۰	بیدگیاه، ۹۹
تره خراسانی، ۷۱، ۸۳	تخم سپندان، ۱۱۵	پیچک، ۲۵۷	بیدمر، ۴۱

1961	چشمک (شیراز)، ۹۴	جَبَلاهنگ، ۱۰۱	تره داهان، ۸۳
خردل بابلی، ۱۳۱ خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱	چسم <i>ی رسیران ۱۱</i> چشمیز، ۹۴	جبارست، ۱۰۰ جُـدْري (بـلخ و طـخاري)،	تره گربه، ۸۳ تره گربه، ۸۳
	چِسمبر، ۱۱ چَشْميزَج، ۹۴	جدری ربنج و طحاری، ۲۲۶	تره میره (سیستان)، ۱۰۲
خرزهرج، ۱۴۵ خرزهره، ۱۴۵	چسمیرج، ۱۲ چشمیزج، ۹۴	جرجیر بیابانی، ۷۰ جرجیر بیابانی، ۷۰	تریاق کوهی، ۲۷۷
حررهره، ۱۲۵ خرزهره (کرمان)، ۱۲۶	چسمیرج، ۱۰ چشمیژه، ۹۴	جر (تنکابن)، ۳۶ جز (تنکابن)، ۳۶	تستر، ۲۰۵
خررهره (کرمان)، ۱۱۶ خرس گیا، ۲۶۴	چسمیره، ۱۲ چشوم، ۹۴	جو رتحایی، ۱۲۰ جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	تسترية، ۲۰۵
حرس کیاه، ۱۲۸ خرس گیاه، ۱۴۸	چسوم، ۱۰ چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴	جعش (هرات)، ۱۱۷ جغش (هرات)، ۱۱۷	تشن (سیستان)، ۹۴
خرفه، ۸۳ خرفه، ۸۳	چگندر، ۱۷۴	جُفْت آفرید، ۱۰۴، ۱۵۷	تشیک (زابل)، ۱۸۳
حری، ۱۷۳ خرک، ۱۷۳	چنار، ۱۴۵، ۱۹۶	جُکری، ۱۵۹	تلخه پیاز، ۸۵
حرک (شیرازی)، ۹۴ خرک (شیرازی)، ۹۴	چنار (شیراز)، ۱۴۵	جگری، ۱۵۹	تمر هندی، ۹۵، ۱۲۴
خرگوشک، ۲۶۹	چوب چینی، ۱۰۶ چوب چینی،	جَلغوزه، ۱۹۶	ر تمر هن <i>دی</i> ترش، ۱۹۴
خرل، ۲۰۹	چوب چینی خطائی، ۱۰۶ چوب چینی خطائی، ۱۰۶	بسورت جـماز (تــنكابن و ديـلم)،	تمر هیرونی، ۹۵ تمر هیرونی، ۹۵
خرما، ۹۴، ۲۳۸	چوه صباغان، ۳۴ چوه صباغان، ۳۴	189	ر اروی تمش (جرجان)، ۲۱۳
ر خرما هیرون، ۹۵	ې ر. چهار مغز، ۱۰۶	جم اسپرم، ۱۶۰	تموش (دیلم)، ۲۱۳
خرمای سنگ اشکن، ۹۵	چینه کبوتران، ۱۵۶	جمسينج (خوارزم)، ۹۴	تنكّر، ۲۱۷
خرو، ۱۲۹	جارسوهک (شیراز)، ۱۱۸	جنآر، ۱۹۶	ټويج، ۲۶۶
ري خروس لوچ، ۱۱۸	حرف سفید، ۱۱۵	جنجه، ۹۵	توت، ۹۵
خزران، ۱۴۰	حسن لبه، ۱۹۸	جنکک (بلخ)، ۱۳۲	توت حامض، ۹۵
خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲	حسن يوسف، ١١١	جو، ۱۸۷	توت حلو، ۹۵
خسق، ۲۱۰	حسینی، ۲۶۱	جواشير، ١٠٠	توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳
خسک دانه، ۲۳۶	حسینی (مرشدآباد)، ۶۲	جوانسپرم، ۱۸۳	توت شامی، ۹۵
خشخاش، ۷۰، ۱۵۸، ۲۷۵	حشیش، ۲۴۵	جوانسفرم، ۱۸۳	توتنبطی، ۹۵
۵۸۲، ۸۸۲	حماحم، ۱۵۹	جو برهنه، ۱۷۳	توت وحشی، ۲۱۳
خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸	حماض سه برگ، ۱۲۲	جوجادو، ۱۴۱	تودُری، ۹۶
خشخاش سياه، ١٣٢	حنظل زرد، ۱۲۶	جوزبويا، ١٠٧	تودری، ۱۹۰
خشخاش شاخ دار، ۱۳۴	خاربُن، ۲۱۷	جوز روت، ۱۰۹	تورک، ۸۳
خطای (شیرازی)، ۱۴۰	خار خسک، ۱۱۸، ۲۳۶	جوشیصا، ۱۰۹	تورکی (شیراز)، ۸۳
خطمی، ۱۲۹	خارشتر، ۱۱۰	جوگندم (زابل)، ۱۷۳	تورم، ۳۴
خطمی کوچک (شیراز)،	خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲	جوگندم زابل، ۱۷۳	توز، ۱۲۷
P71, 4XY	خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹	جُولاه کش (سیستان)، ۷۱	توپوِش، ۱۶۴
خفرج(بلخ و زابلستان)، ۸۳	خایه ابلیس (فارس)، ۵۹	جیدار، ۱۰۹	ثامروان، ۲۷۱
خلبه (گیلان)، ۱۲۱	خربزه، ۸۱	جیلام (گیلان)، ۱۷۹	ثمر پشه، ۱۰۵
خُلُر (قزوین))، ۱۰۴	خربزه دراز، ۲۸۵	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰
خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳	خربزه روباه، ۱۲۶	چتر اخضر، ۲۴۵	جافر (هرات)، ۱۱۷
خنجک، ۱۱۱	خربزه زمستان، ۸۱	چرچه، ۱۸۹	جاکج (خوارزم)، ۹۴
خنجک (خراسان)، ۸۱	خربزه طلخک (زابل)، ۱۲۶	چشم، ۹۴	جاکجو (خوارزم)، ۹۴
خنیس (گیلان)، ۱۲۰	خربزه هندی، ۸۲	چشم خروس، ۲۱۷	جاکسو، ۹۴
خورزهرج، ۱۴۵	خرجکوک (زابلستان)، ۳۸	چشمک، ۹۴	جامه خواب، ۲۰۰

خوِش سایه، ۱۴۴	داربرنیا، ۸۴	درخت عود، ۲۹۶	دهمشت، ۲۱۸
خوشک، ۷۳	دارچوبه، ۱۴۲	درخت غایش، ۲۱۵	دینارو، ۱۱۷
خوشه ارزن، ۱۹۰	دارچینی، ۱۴۱	درخت فلفل، ۱۴۲	دینارویه، ۱۱۷
خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	دارشاه، ۵۹	درخت کدز، ۴۵	ديو اسپست صحرائي، ١٢٥
خوم (سغدی)، ۲۹۹	دار شیرین، ۱۸۰	درخت كلنورا، ۱۹۸	دیودار، ۱۴۹، ۲۰۹، ۳۰۰
خونسياوشان، ۱۴۶	دارشِـــيشعان، ۱۰۹، ۱۴۱،	درخت کوت، ۲۶۲	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴
خون سياوشان، ۱۴۶	۱۷۱، ۱۷۸	درخت مسواک، ۴۳	ديودر، ۱۴۹
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	دارصینی، ۱۴۱	درخت هـلیله (شـهرری)،	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰
خيار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	دارفلفل، ۱۴۲، ۲۲۷	40	ديوسبست، ١٢٥
خیار بادرنگ (خراسان)،	دارمازو، ۸۶	دَرْدار، ۱۴۴	دیو مشنگ، ۱۵۶
744	دارمازی (طبرستان)، ۸۶	دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	ذرت، ۱۰۰
خیار باذرنگ، ۲۳۴	دارمیران، ۱۴۲	درمنه، ۵۵، ۱۹۳	ذرق، ۱۵۰
خــيارباذرنگ (خــراســان)،	دارواش (دیـلم و تـنکابن)،	درمنه اسپیذ، ۹۷	ذرّه مکه، ۱۳۹
744	710	درمنه ترکی، ۱۹۳	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	داروان (تنکابن)، ۳۵	درنک، ۲۸۰	رازیانه بری، ۱۵۳
خيارتلخ، ۱۲۶	دارورهرام، ۱۸۰	دروک <i>ی</i> کنکر، ۱۱۴	رازیانه روم <i>ی</i> ، ۶۷
خيار چنبر، ۱۴۰	دارون، ۱۴۴	دُرُونَج، ۱۴۴	رازیانه شامی، ۶۷
خيارخر، ۲۳۳	داری، ۱۳۰	درونک، ۱۴۴	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱
خيار (خراسان)، ۲۳۳	دانه سجستان، ۱۶۷	درهن، ۱۸۴	راقوته (شيراز)، ۲۹۰
خیار خوراکی، ۲۳۴	دبندار، ۱۴۹	درينه (تبريز)، ۹۶	رانج وبر (فارس)، ۱۱۱
خیار دراز، ۲۳۳	دبوکی (بلخ)، ۲۸۴	دستنبویه، ۱۴۴	رانداروی تلخ، ۲۶۰
خـيار دراز (شـيراز)، ۲۳۴،	دخنخ (بخارا)، ۸۴	دستنبوية، ۱۴۵	راوند، ۱۵۴
۸۸۲	در، ۲۱۳	دلاشوب (شیرازی)، ۴۱	راءا، ۱۲۶
خيار درزده، ۲۳۳	دراز (شیرازی)، ۱۱۷	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹	رتک (شیراز)، ۲۸۱
خیار دشتی، ۱۲۶	درامک، ۲۸۰	دندان جانان(سجزی)، ۲۹۳	رجمول، ۲۵۸
خيارزره سفيد، ۲۳۳	درحسخک، ۱۹۸	دندان گرگ، ۵۰ ۸۴	رزی (تبریز)، ۸۵
خيارزه، ۲۳۳	درخت أثل، ۱۸۲	دوالک، ۵۲	رسین (اصفهان)، ۲۳۶
خيارزه اسپند، ۲۳۳	درخت پشه، ۱۴۴	دواله، ۵۲	رقاقس، ۱۵۷
خیارزه کوچک، ۱۹۸	درخت توت، ۹۳	دوالی، ۵۲	رنکبار (شیراز)، ۱۵۲
خيار طلخ، ۱۲۶	درخت دېق، ۵۱	دَوراوَ، ۱۱۷	رنگ زعفران، ۴۲
خسیارک بسی بسر(بسلخ و	درخت دردار، ۱۷۸	دورس، ۱۴۵	رنگ زعفران (اصفهان)،
طبرستان)، ۲۸۶	درخت دلیک، ۲۹۴	دُوسر، ۱۴۷	۲۱۰
خيرو، ۱۲۹	درخت زکریا، ۱۶۹	دَوْسَر، ۱۹۴	روبارزج، ۲۱۴
خیروج، ۱۳۶	درخت زهرناک، ۲۰۹	دوسر، ۲۰۱	روباه تربک، ۲۱۴
خیری، ۱۲۹	درخت سال، ۲۰۲	دوشر، ۱۴۷	روباه تورک، ۲۱۴
خیری سیاه، ۱۴۰	درخت سیستان، ۱۴۲	دهکلو (شیراز)، ۲۶۰	روباه رَزَک، ۲۱۴
داذی کوهی، ۲۹۸	درخت شانه، ۲۶۳	دَهْمَست، ۱۴۸	رودک، ۲۳۰
دارافرسام، ۸۶	درخت عرعر، ۱۷۰	دهمست، ۲۱۸	رَوْزِبارِج، ۲۱۵

رر (زابل)، ۲۱۴	سک انگو	سبیذخار (سجزی)، ۲۱۷	زرین گیاه، ۹۲، ۱۶۲	روشنک، ۲۲۱
177	سكبينه،	سپرم، ۱۵۹	زُطِّ (سجستان)، ۲۰۱	روشیمینس (شیراز)، ۵۱
(ترمذی)، ۲۱۱	سكفس (	سَپْسِتان، ۱۶۷	زغیر، ۱۹۴	روغناز (جرجان)، ۲۳۰
بخاری)، ۲۱۱	سکوک (	سپست تر، ۱۵۵	زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	روناس، ۲۳۰
۱۱۸،	سكوهنج	سپند،۱۱۶	زغیره(سغد، سمرقند)، ۲۵۱	رونک (سجزی)، ۱۷۳
رر، ۲۱۴	سگ انگو	سپندان، ۱۳۱	زُقال، ۱۶۳	روی (سجزی)، ۲۰۰
184 (	سگبستان	سپید اسفند، ۱۳۱	زمرد رنگ، ۲۴۵	رویَن، ۲۳۰
184	سلجم، ٩	سپید گیاه، ۹۷	زمین قند، ۱۸۹	ریباس، ۱۵۴
ارس)، ۲۱۹	سلس (ف	ستاره اتّیکا، ۴۸	زمین (گرگان)، ۳۵	ريحان سليمان، ١۶٠
1,	سلق، ۲۳	سداب بستانی، ۱۱۶	زَنْبا، ۱۶۴	ریحان کوهی، ۷۱
خ (یزدی)، ۲۱۰	سلم سر-	سذاب، ۱۶۷	زَنْجَرو (سجزی)، ۶۶	ريحان مطلق، ۱۸۴
74	سلمه، ۱	سربيل (شيراز)، ۲۳۳	زنک فلج، ۱۳۲	ریش سمندر، ۱۲۰
(فارس)، ۲۱۹	سليسك	سرخ پای، ۱۲۲	زنکورج، ۳۰۱	ريشه انجدان خراساني، ۶۵
، ۲۲۶، ۶۲۲	سماروغ	سَرخس، ۱۶۹	زنگباری (شیراز)، ۲۴۴	ریشه خیرو، ۲۹۷
78	سمالو، •	سرخس نر، ۱۶۹	زنگبیر، ۱۶۴	ریشه ریباس، ۱۵۴
Y*** ,,	سماهنگ	سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	زوار، ۱۰۱	ریواج، ۱۵۹
یا (زابل)، ۲۷۶	سمرقندي	سرخ مود، ۱۴۳	زوان گندم، ۱۹۴	ریواس، ۱۵۹
ئزی)، ۱۳۲	سم (سج	سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	زوباترس (تنکابن)، ۳۵	ریوند، ۱۵۴
ید، ۲۳۸	سنبل سف	سرشو (شیرازی)، ۲۶۶	زوفرا، ۱۱۷	زارج، ۳۸، ۶۱
سی، ۱۷۸	سنبل فار	سر (شیرازی)، ۲۴۵	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	زبان گنجشک، ۲۶۹
714	سنجد، ۱	سرکوه، ۱۸۱	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	زر، ۲۵۵
19	سندل، ع	سرم، ۲۲۶	زیتون کوهی، ۲۰۶	زُراوند، ۱۶۰
ویه، ۱۷۹	سنكِسَب	سرمک، ۲۴۱	زیر، ۸۵	زراوند خراسانی، ۱۶۰
۱۷۹ ،غي	سنكسبو	شزمه، ۱۷۰	زیر خار(سجزی)، ۲۱۷	زراوندگرد، ۱۶۱
نا (دیلم)، ۱۱۷	سنگ حا	سرو، ۱۲۹، ۱۹۷، ۱۷۰	زیرکش، ۶۱	زرجوبک، ۲۰۸
بویه، ۲۴۳	سنگ سب	شرو، ۲۶۹	زیره، ۲۶۲	زرچوبه، ۲۰۸
ىيراز)، ۲۴۵	سوده (ش	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	زیره رومی، ۶۷ ۲۵۶	زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲
(تبریز)، ۱۲۹	سوردن (	شرو (سجزی)، ۲۶۹	زيره هندو سياه، ۲۶۲	زردجویه، ۲۰۸
ن، ۱۷۹	سورنگار	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	زینان (شیرازی)، ۲۸۹	زردچوبه، ۲۷۶
1%. 18.	سوسن،	سریش، ۵۱	زینیان، ۲۸۹	زردک، ۱۰۳
زاد، ۱۶۴، ۱۸۰	سوسن آ	سزه (شیرازی)، ۲۳۶	ژالکه (سجزی)، ۵۲	زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰،
ِ آسـمانجونی، ۷۰	سـوسن	سعد (تنکابن)، ۴۹	سابیزک، ۲۷۰، ۳۰۰	177, 177, 187
	۱۸۰	سفتا، ۸۰	ساذرون، ۱۶۷	زرشگ، ۶۱
سمانگون، ۷۰	سوسن آ	شفچه، ۱۹۸	ساق ترشک، ۸۳	زِرک، ۶۱
درا، ۱۸۰	سوسن ا	سفند اسفندو، ۲۷۴	سبری تهلک (سجزی)،	زُرنک، ۶۱
177	سوسنبر،	سفند أسفيد، ۲۷۴	118	زرواش (تنکابن)، ۹۷
<b>طاهی، ۱۸۰</b>	سوسن خ	سفیدار، ۱۴۴	سبزبار، ۱۰۷	زرَوَانْ زَنْج، ۲۱۵
رد، ۷۰	سوسن ز	سفید مرز، ۸۴	شبزه (شیراز)، ۲۴۵	زره (شیراز)، ۱۴۹

سوسن سرخ صحرائي،	شاه املج، ۶۲	شرویه (مازندران)، ۱۲۵	شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴
148	شاه انجیر، ۹۶	شسبندان، ۲۲۲	شنگلیل، ۱۶۴
سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰	شاهبانک، ۱۸۳	شش بندان سیاه، ۲۲۲	شنگویر، ۱۶۴
سوسن کبود، ۱۸۰	شاهبلوط، ۸۶	شش بندان (شیراز)، ۲۲۲	شوبا، ۹۶
سوفاس، ۹۶	شاهبلّوط، ۸۷	ششتره، ۲۸۸	شؤت، ۱۸۴
سونک (سجزی)، ۲۳۶	شاه بن، ۸۱	ششقاقل، ۱۰۳، ۱۸۸	شوت (سجزي)، ۱۸۴
سه سنبل، ۱۸۲	شاه بید، ۱۳۶	ششکــاک (مـازندران و	شود، ۱۸۴
ســهک داوران (شــیرازی)،	شاه بید (شام)، ۱۳۷	تنکابن)، ۲۳۶	شؤدر (اصفهان)، ۲۳۶
184	شاه بیذ، ۱۳۶	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شود (شیراز)، ۱۸۴
سه کوهنج، ۱۱۸	شاه پسه، ۵۹	شفترک (شیراز)، ۱۲۹	شُوران (سجزی)، ۲۱۰
سیاه برگ، ۱۹۱	شاهتره، ۱۸۳	شَفْتَل، ۲۹۱	شورد، ۲۳۲
سیاهداران، ۱۶۶	شاه تره(شيراز)، ۱۸۳	شقاص، ۴۶	شونوز، ۱۹۲
سياه دانو، ۱۹۴	شاهتره (مازندران)، ۱۰۲	شقاقل، ۱۰۳، ۱۲۹، ۱۸۸	شونیز، ۱۸۱
سیاه دانه، ۱۹۲	شاه چینی، ۱۸۴	شَقاقَل، ۱۸۸، ۲۲۹	شُونيز، ۱۹۲
سيب، ۹۴، ۱۶۳	شاهدانق، ۱۱۱	شقایق، ۳۵	شَه بانو، ۱۸۳
سيبيزه، ۲۷۰	شاهدانه بری، ۱۱۱	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شهوتانگيز، ۲۴۵
سیر، ۹۸	شاه زیره، ۲۵۶	شکر انگور روباه، ۲۱۴	شيتره، ۱۹۳
سیردشتی، ۹۸	شاه زیه، ۲۵۶	شكرهنج، ١١٨	شیح خراسانی، ۱۹۳
سیر صحرائی، ۴۸	شاهسپرم، ۱۸۳	شکمدریده (شیراز)، ۷۸	شیرابه، ۱۳۴
سیر مو، ۴۸	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	شکوفه خرما، ۹۵	شير املج، ٤٢
سیس بان (مازندران)، ۳۵	شاهسفرم، ۱۵۹	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شير انجير، ١٩٣
سیس بوان (فارس)، ۲۱۹	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	شکوهنج، ۱۱۸	شيرانجير، ٣٠٠
سیسنبر، ۱۱۳	شاهشبرم، ۱۱۳	شكويهج، ۱۱۸	شیرخشت، ۱۹۳
سی سنبل، ۱۸۲	شاهشبرم، ۲۸۰	شکی، ۲۱۷	شیرخشک، ۱۹۳
سِيسَينْبَر، ۱۸۲	شاهشفرم، ۱۵۹	شلغم، ۱۸۹	شيرگيا (زابلستان)، ۲۸۶
سیکوه، ۱۸۱	شاه صینی، ۱۸۴	شلمبی (مازندران)، ۱۲۹	شيرهو (خراسان)، ۱۹۰
شیُونک (سجزی)، ۲۱۰	شاهلوک، ۱۸۴، ۲۱۷	شَلميز، ١٠٩	شیستره، ۲۲۸
سیهک، ۴۳	شاهنجير، ۱۸۴	شما، ۲۲۶	شیشبان، ۳۵
شابانک، ۷۷، ۲۳۲	شاه نرجس، ۲۹۰	شمرک (سجزی)، ۱۳۲	شیلم، ۱۸۹
شابیزک، ۲۷۰	شایانج، ۱۸۳	شمشاد، ۸۲	صابون لباس، ۳۵
شال حنى (مازندران و	شب آنبوی، ۱۳۳	شملیت، ۱۲۰	صذپیوند، ۲۱۰
تنکابن)، ۲۵۱	شب بو، ۱۲۳، ۱۴۰	شمليز (شيراز)، ١٢١	صریه، ۱۷۴
شامامک، ۱۸۳	شب خیزک، ۱۱۵	شنبلیله (اصفهان)، ۱۲۱	صرخ بای، ۱۲۲
شاهآلو، ۴۱	شبدار، ۲۳۶	شنجار، ۱۲۵، ۱۳۴	صعتر فارسی، ۱۰۵
شاهاسپرم، ۱۵۹	شبدر، ۵۷ ۲۳۶	شَنْک (زابلی)، ۲۶۹	صنوبر، ۱۵۲
شاه افسر، ۵۹	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شنکیا (تبریز)، ۲۳۳	صنویر بی بار، ۴۴
شاهامرود، ۲۶۱	شخار، ۲۴۴	شِنگ، ۱۵۱	صنوبر کوچکی، ۱۹۷
شاه امرود (خراسان)، ۲۶۱	شِر (سجزی)، ۲۰۷	شنگ (اصفهان)، ۲۶۷	صنوبر هندی، ۳۹

	***	NA (113 **	336 H. L.
کاو جشم، ۹۰	قسٹارون، ۴۶ ترور میں	غُزْبه (زابل)، ۱۸۵	ضدل دانح، ۱۱۶
کاوجیله، ۲۳۶	قسط تلخ، ۲۳۹	غنج (هری)، ۱۹۲	طاحک (طبرستان)، ۳۵
کاو چشم، ۵۷	قسط سفید، ۲۳۹	غنچه خرما، ۹۵ خ خ ک (۱۱) ۱۵۷	طاق، ۲۴۴
کاورس، ۱۰۰ مارین مع	قسط سیاه، ۲۳۹	غوبژک (زابل)، ۱۶۲ خید ۱۰	طانیطومک (شیراز)، ۱۸۴
کاوزاون، ۲۶۸	قسوة الكلابغلتك، ۱۸۳	غوره خرما، ۹۴ خ. ۲۷۱	طبرزد، ۲۰۰
کاو زبان، ۲۶۸	قشر ترجیه، ۲۴۰	غویشه، ۲۲۱ نا <sup>ند</sup> ک ( ) ۲۷۷	طرخون دشتی، ۲۰۵
کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴ مرات سرع	قطرات کوئی، ۲۴۱	فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱	طرخون رومی، ۲۶۱ ما ۱۰ تان ۸۸
کاو مکه، ۴۳ کار از عجم	قمریت (اصفهان)، ۲۵۵	فریهن، ۸۳ تُون مو	طرم (لرستان)، ۸۵
کاهربای، ۲۶۴	قمش (جرجان)، ۲۷۹ تا نام ۱۰۰ ۵۰۰	فُرُزْد، ۹۹	طفک (شیرازی)، ۳۵
کاهل، ۱۰۰	قناروخشک، ۵۳	فِرزد جويبار، ۴۴ نانسه	طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸
کاهمکه، ۴۳	قندرون (اصفهان)، ۸۱ تران دران کر میرود	فرفینه، ۸۳ زَرْ: ﴿ مِنْ سِمْ	طنجبین، ۲۰۲
کاهو، ۱۳۳ کام از ۱۳۳	قنطوریون باریک، ۲۷۴ ترکیزی ۲۷۶	فَرَنْجمِشْک، ۵۳ : ۲*۷	طوس (شیراز)، ۳۹
کاهیان، ۲۳۶	قوج (ترم <i>ذی</i> )، ۲۲۶ ته ۸۵	فريرسب، ۲۴۷	طوسک (شیراز)، ۱۴۹ د م
کبابه دهن شکافته، ۲۲۲	قهوه، ۸۹ : ۳۷۷۷	فریز، ۹۹ ندند ( ۱۰۰ م ) ۲۲۶	عَبْس، ۱۸۳
کبابه دهن گشاد، ۲۲۲	قیچ، ۲۳۳	فژغند (سغدی)، ۲۲۶	عدس خوراکی، ۲۰۷ م ۱ ، ۱ ، ۲۴۸
کبرک، ۱۱۸ کبست، ۱۲۶	قیصر، ۵۹ : ۲۸۷	فستق (شیراز)، ۱۹۶ فُلال، ۳۴	عرش نما، ۲۴۵ مقد نوست ۱۹۹
	قیصی، ۲۸۲ کا ۱۹۵		عرق درخت توت، ۱۹۹
کبیدانه، ۱۱۱ کبیکه، ۲۵۰	کاج، ۱۹۶	فلسب، ۲۴۷ نانات ۸۷	عـــروس آب (رنگــرزان)، ۱۰۳
	کاج (شیراز)، ۱۹۶ کام داد ا ، ۲۳	فلفل تر، ۵۷ فلفل دراز، ۱۴۲	
کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲ کچومن (شیراز)، ۲۴۹	کاجیره (دیلمی)، ۴۲ کاجیره (همدان)، ۲۱۰	فلفل درار، ۱۴۲ فلفل سفید، ۱۴۲	عروس در پرده، ۲۴۹ هـ (* ان)
کچومن رسیران، ۱۲۲ کحل فارسی، ۶۶	کاردوالی، ۹۵ کاردوالی، ۹۵	فلفل سیاه، ۷۰ فلفل سیاه، ۷۰	عـروس در پـرده (شـیراز)، ۲۴۹
کحل فارسی، ۲۲ کدرو (شیراز)، ۶۶	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	قلفل سیاه، ۷۰ فلفلک (طبرستان)، ۱۶۴	
کدو، ۲۳۷	کازوان، ۲۶۸	فلفلک رهبرستان ۱۲۱ مینوند. ۴۱	عــروس در پــرده (مـاوراء النهر)، ۲۴۹
تدو، ۱۲۰ کدو (شیرازی)، ۸۲	کاسنی، ۲۹۷	فلفل گرد، ۲۲۷	اشهر)، ۲۲۰ عروس در قبّه (مرو)، ۲۴۹
کدو مکه، ۲۳۷ کدو مکه، ۲۳۷	کاسنی رومی، ۲۶۱ کاسنی رومی، ۲۶۱	فلک تاز، ۲۴۵	عروس رزانسی (مساوراء عسروس رزانسی (مساوراء
کدوی تلخ، ۲۳۷	کاش (تنکابن)، ۲۷۰	فلنجمشک، ۲۲۵	النهر)، ۲۴۹
کدوی رومی، ۱۴۲ کدوی رومی، ۱۴۲	کاش رفیمی، ۱۸۱ کاشم رومی، ۱۸۱	فنجنکشت، ۴۰	انتهری، عروسک پس پرده (فارس)،
کذی، ۲۹۷	کافوربوی، ۵۷ کافوربوی، ۵۷	فنجنگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸	عروست پس پرده رموس، ۲۴۹
کربز، ۲۳۴	کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹	فندق، ۸۸، ۱۰۵	
کرت، ۲۳۷	کاکسر، ۲۳۲	فندق هندی، ۵۴	عکّاش (بـلخ و طـخاری)،
کرته (سجزی)، ۱۲۱	کاکل، ۲۳۲	فودنج جوهی، ۱۹۸	777
یرو (مصبری)، ۱۶۲ کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲	کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴	فیلگوش، ۲۳۰	عَلَس (سجزی)، ۲۰۷
کرد، ۱۰۳	کاکِیان، ۲۳۶	قارچ، ۲۱۸، ۲۲۱	علفک داغ، ۲۰۵
کرسب، ۲۵۳ کرسب، ۲۵۳	کال (شیراز)، ۱۰۰	قِثاء کوچک، ۱۹۸	عنبر بید، ۱۰۴
کرسب کوهی، ۲۲۷	کـــالوسک (ســـنجری و	قدومه (اصفهان)، ۹۶	عاوشیرک، ۲۱۷ غاوشیرک، ۲۱۷
کرفس جوئی، ۲۵۳ کرفس جوئی، ۲۵۳	سجزی)، ۷۳	قرمون، ۲۵۱	غرب، ۱۳۶
کرفس رومی (جرجان)،	. روی. کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴	قسبک (شیراز)، ۹۵	ر . غروباوس (بلخی)، ۲۰۲
الراق وقال الراب	J J	<b>33.</b>	3 . 0 3 .35

117	کشنی، ۲۹۷	کندر دریایی، ۲۶۳	كويج (اصفهان)، ۱۶۲
کرفس صخری، ۲۲۷	کشوث، ۵۵	كُنْدُش، ۲۶۳	کهزک (شیراز)، ۱۰۲
کرفس کـوهی، ۱۵۱، ۲۲۷،	کشوثا، ۵۵	کندشه، ۲۶۳	کهزک (شیراز)، ۱۰۲
751	کشوث فارسی، ۲۵۸	کنزک، ۱۱۸	که (شیراز)، ۲۱۳
کرفس ماقد <i>ونی</i> ، ۲۲۷	کُشَیْعاء (سجزی جدید)،	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کهه (شیراز)، ۲۳۸
کرفش، ۲۵۳ کرفش، ۲۵۳	7.7.4	کَنْکر، ۱۱۴	کیده (اصفهان)، ۲۴۸
کرکاس (شیراز)، ۱۴۷	کفرک (شیرازی)، ۱۰۲	کنکران (ری)، ۲۴۵	کیرجک (دیلم)، ۸۸
کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹	کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵	کنکررزی (سجزی)، ۲۱۴	کیر کازرونی (شیراز)، ۱۳۲
کرک سیاه، ۴۱	کل انگور (مکران و قزدار)،	کنکرزد، ۱۱۴	کیکر، ۱۰۲
کرم، ۲۵۵	۸۱	کَنْکَرْزِد، ۱۱۴	کیکز، ۱۰۲
ر. كِرْمُدانه، ۲۵۵	کلبان <i>ی</i> ، ۵۱	کنگر، ۱۱۴	کسیک ولرش (طبرستان)،
رین کرمدشتی، ۲۲۲	کلبک، ۲۵۵	کنگر آبی، ۲۳۵	11A
کروان، ۸۲ کروان، ۸۲	کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کنگرخر، ۱۸۹	کیل، ۱۶۲
کرویا رومی، ۲۳۵ کرویا رومی، ۲۳۵	کلم، ۲۵۵، ۹۵۲	کنگرزد، ۱۱۴	کیلجک (دیلم )، ۸۸
کرویای دشتی، ۲۳۵	کلم روم <i>ی</i> ، ۲۴۵	کنگر سفید، ۷۱	كيلدارو، ۱۶۹
کرویه، ۲۵۶	کلمککرد، ۲۴۵	کنگری، ۱۱۴	کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳
کرویه (شیرازی)، ۲۵۶	کلنجه، ۷۰	کوار (دیلم)، ۲۵۲	کیل (شیراز)، ۱۶۲
کره، ۵۷	کلنک، ۲۵۵	كوخر (شيراز)، ١١٧	کیهه، ۲۱۳
ر کریون، ۲۴۶	کَلَنْکُر، ۲۱۴	کورار، ۲۲۴	گاوچشىم، ۹۰، ۲۱۷، ۲۸۰
ریو کزطلخون، ۲۰۵	كلول (أذربايجان)، ۱۰۴	کورتره (مازندران)، ۱۰۲	گاو دانه، ۲۵۳
کزمارک، ۴۰	کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کور سور (کرمان)، ۷۶	گاورس، ۱۰۰
کزمازق، ۴۰	کُم، ۲۳۳	کورک (شیراز)، ۲۵۰	گاوزبان، ۲۶۸
کَزْمازک، ۵۷	کمات، ۱۲۱	کوزبویا، ۱۰۷	گاوزوان، ۲۶۸
کزمازک، ۲۰۲	گماشیر، ۲۶۰	کوزد (شیراز)، ۶۶	گاوشیر، ۱۰۰
کُزْم (سجزی و سمرقند)،	کماه (شیراز)، ۲۳۸	كوز كلاغ، ١٠٩	گاو مشنگ، ۱۵۶
140	کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱	کوزکندم، ۱۰۷	گــاومطوسک (شــیرازی)،
كَزْنَه د شتى، ۴۳	کمثری (شیرازی)، ۲۶۱	کوز ماثلٰ، ۱۰۹	١٨٧
کسبت، ۱۲۶	کنار، ۱۶۸	کوسُنبُل (تنکابن و دیــلم)،	گربه دشتی، ۴۳
کسته (شیرازی)، ۲۱۰	کنار (سجزی)، ۲۸۹	754	گردکان، ۱۰۶
کسناج، ۲۹۷	کنارهوشه، ۵۳	کوشاد، ۱۰۶	گردو هندی (شیراز)، ۲۸۷
کسنک، ۲۵۳	کنب، ۲۴۵	کوشت (شیراز)، ۱۲۶	گرز دشتی، ۱۸۸
کسنک (شیرازی)، ۲۵۳	کنبشک (سجزی)، ۸۱ ۱۱۱	کوشنه، ۲۳۹	گرگ مرگ، ۱۲۸
کَشنی، ۲۹۷	كِنْبَهْن، ٨١	کوشیر، ۱۰۰	گز، ۴۰، ۲۰۲
کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰	کنتور (شیرازی)، ۱۳۳	كولەپر (مازندران)، ۶۵	گز انگدان خوش، ۵۰
كَشْت بَرْكَشْت، ٢٥٧	کنتو (شیراز)، ۱۳۳	كونژده (اصفهان)، ۶۶	گزانگذان خوش، ۱۲۱
	کنجد، ۱۷۶	کونک، ۲۸۵	گزر، ۱۰۳
کشمش کاولیا، ۱۴۳	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کووارات، ۱۳۲	گزنه، ۶۵
کُشن، ۲۵۳	کنجذه (اصفهان)، ۶۶	کوهان، ۲۶۳	گژ، ۵۱

گشت برگشت، ۲۵۷	گل يوسف، ٧٩	لرکیماس، ۱۶۳	٣.,
گشن، ۲۵۳	گنجشک ازوان، ۲۶۹	لعبت بربری، ۱۷۹	ماهومورد، ۳۶
گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷	گندم، ۱۲۶، ۲۰۰	لعل معبری، ۲۴۷	ماهیزهره، ۲۷۷
گشنیز کوهی، ۲۷۷	گندم دیوانه، ۱۹۴	لكونا (تنكابن)، ۲۶۶	مـــترک کــازرونی (شــیراز)،
گل آفتاب پرست، ۳۴	گندم صحرایی، ۲۳۵	لوبيا، ۱۳۴، ۲۷۱	117
گلابی (شیراز)، ۲۶۱	گندم مکه، ۲۱۳	لوبیای سفید، ۵۴	مخنخ (بلخ)، ۸۴
گل اربهِ (شیراز)، ۱۰۳	گندممکه (تنکابن)، ۱۳۹	لوبیای هندی، ۱۴۷	مران، ۱۷۱
گل انار صد برگ، ۱۰۴	گندنا، ۲۵۲	لوفا، ۲۴۶	مرجان مروارید خرد، ۷۹
گلېر، ۲۴۸	گندنا کوهی، ۲۲۴	لوفای فاخر، ۲۴۶	مرج (سغدیه)، ۲۲۷
گل حلوا، ۷۹	گندنای دشتی، ۲۵۲	ليذون، ۲۶۵	مرجومک، ۲۰۷
گل خنق، ۴۲	گندنای کوهی، ۲۲۴	ليمو، ۲۷۴، ۲۷۴	مرخوش (شیراز)، ۲۸۰
گل خوشنظر، ۲۷۷	گورغست، ۲۴۵	ليمودار، ٢٩٥	مرزنجوش، ۶۶، ۱۱۳
گل خیری، ۱۴۰	گور گندک، ۱۰۷	ليمون، ۲۷۴	مرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹
گل رعنای زیبا، ۲۹۴	گورگياه، ۴۳	لینوفر هندی، ۶۸	مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵
گل روسبیجه، ۲۹۴	گورگیاه، ۴۳	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	مرغ زفانک، ۲۶۹
گل سرخ، ۲۹۴	گوزگندم، ۱۰۷	مارجوبه، ۲۹۷	مرماهان، ۲۸۰
گل سرخ صحرائی، ۱۴۶	گوزن تل (جرجان)، ۴۳	مارچوبه، ۹۲، ۲۹۷	مرماهوز، ۲۷۹
گل سنگ، ۱۱۷	گُوزن گیا، ۲۶۴	ماردارو، ۲۲۲	مرماهوس، ۲۸۰
گلسنگ، ۲۰۰	گــوزن گــياه (مـازندران و	مار درخت (کرمان)، ۹۶	مرماهویه، ۲۸۰
گـل عـاشقان (خـراسـان)،	دامغان)، ۲۶۴	مازکَیْوا، ۲۷۵	مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹
187	گُوزْنیک، ۲۶۴	مارگیاه، ۲۷۵	مرو، ۲۶۸
گل عنبرین، ۲۹۰	گوشفیل، ۲۷۳	مارمورد، ۳۶	مَرْو، ۲۸۰
گل قبحه، ۲۹۴	گون، ۲۳۳، ۲۵۱	مارنه، ۹۹	مروازاد، ۲۷۹
گل قحبه (شيراز)، ۲۹۴	گیاه آبگینه، ۱۱۹	مازریون سفید، ۲۷۵	مرو بری، ۲۸۰
گل کافشه، ۴۲	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	مازریون سیاه، ۴۶، ۱۲۸	مرو تلخ، ۲۸۰
گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱	مرو جبلی، ۲۷۹
گلکلم، ۲۵۵	گیلاس، ۲۳۴	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱	مرو خوش، ۲۷۹
گل کیدی، ۲۴۸	گیل دارو، ۱۶۹	مازوی ریزه دانه کوهی،	مرودشتی، ۲۹۸
گل گندم، ۱۰۷	گیله نار، ۲۳۴	۱۷۵	مرورشک (شیراز)، ۲۸۰
گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷	لادن، ۱۹۸، ۲۶۵	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵	مروزشک، ۲۸۰
گلگون (اصفهان)، ۹۶	لادنه، ۲۶۵	ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱	مروسرز (شیراز)، ۷۲
گل مشکین، ۲۹۰	لاک ساک، ۱۴۳	ماش هندی، ۲۵۹	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰
گلنار، ۱۰۴	لاله، ۱۸۸	مامیثای سرخ، ۴۴	مروه، ۵۶
گِلَنار، ۲۳۴	لاله سرنگون، ۲۶۶	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۷۶	مرو همیشه بهار، ۲۷۹
گلنار دشتی، ۱۰۴	لاله نُعْماني، ۲۶۶	مــانداروی تـــلخ (شــيراز)،	مژو (اصفهان)، ۱۸۰
گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳	لاورشير، ١٠٠	79.	مُستار (زابل)، ۵۶
گلهاشم (شيراز)، ۲۹۹	لحوز (شیرازی)، ۲۸۶	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مست رو (شیراز)، ۲۷۵
گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴	لُخ، ۷۵	ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶،	مُست (زابل)، ۱۷۱

وزک (شیراز)، ۲۲۰	نَرُوک، ۲۹۰	میرک کازرونی (شیراز)،	مشت (شیراز)، ۲۷۵
وَرْ، ۲۹۳	نُژک (سجزی)، ۲۶۶	117	مشکچوپان (فارس)، ۱۹۰
وسمه، ۲۵۱	نسترن گل، ۲۹۰	می سیب، ۹۴	مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰
وَشْفَنْگ (سجزی)، ۸۳	نسرین، ۲۹۰	میشبهار، ۲۸۰	مشک زمین، ۱۷۱
وشک، ۸۱	نسرین زرد بری، ۲۹۴	میشناء (سیستان)، ۳۷	مشکک (شیراز)، ۱۹۴
وشک (اصفهان)، ۲۲۰	نسرین زرد بستان <i>ی</i> ، ۲۹۴	میعه تر، ۲۸۶	مشكينجه (اصفهان)، ۲۹۰
ول، ۲۵۵	نشاط افزا، ۲۴۵	میعه خشک، ۲۸۶	مشنگ گاوی، ۲۵۳
ون، ۸۱	نشک، ۲۰۷	میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳	مشو (شیراز)، ۸۹
ونک (شیراز)، ۲۸۱	نِشَنُک (زابل)، ۱۸۳	میل (مازندران)، ۹۷	مغد، ۲۷۰
وَنْوَشْک، ۸۱	نعناع، ۲۹۰	میوه درخت سرو، ۱۷۰	مغیلان، ۶۲
ونیره، ۸۱	نغن خوالان، ٢٨٩	ميوه كاكنج، ۲۰۶	مکرنه، ۹۹
وهل (شیراز)، ۲۰۸	نقل خواجه، ۱۱۱	میویزج، ۲۸۷	ملبند شدرک، ۸۲
وَىٰ اِيَزِه، ٢١٠	نکریز (شیراز)، ۲۳۶	ناجو، ۱۹۶	مَلَخْچ (زابل)، ۱۸۰
ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶	ننوند (شیراز)، ۱۱۶	نار، ۱۰۴، ۱۵۷	مُلُک (خراسان))، ۱۰۴
وَيْوَدْ (ترمذي)، ۲۶۰	نوارس، ۲۳۳	نارجیل دریائی، ۲۸۷	ملک(سجزی قدیم)، ۲۸۴
وِیْوَذہ (بخاری)، ۲۶۰	نه کوهی، ۲۲۸	نار فارس، ۲۸۸	ملک طلخه، ۲۹۷
هدل، ۱۲۰	نهنمک (ری)، ۱۴۸	نار قیصر، ۲۸۸	ملوخيه (بلخ)، ۲۸۴
هرداد (اصفهان)، ۱۱۸	نی، ۲۴۰	نارک، ۲۸۹	منج (بلخ)، ۸۴
هردا (صفاهان)، ۱۱۸	نیپال، ۲۴۰	نارکیوا، ۲۷۵	مَنْج زَراوَشان، ۲۸۵
هرسه (شیراز)، ۲۶۶	نیشکر، ۲۴۱	نار مِشک، ۱۵۸	منره وشک، ۱۸۰
هرشه (شيراز)، ۲۶۶	نیلوپرک، ۲۹۲	نارِمِشْک، ۲۸۸	موجه (اصفهان)، ۲۴۵
هرطمان، ۲۳۷	نیلوفر، ۲۳۲، ۲۷۲	نارونه خرما (شيراز)، ٩٥	مورد، ۳۱، ۳۶
هرنوه، ۲۹۶	نیلوفر ترکی، ۸۰	نازېو، ۱۸۳	مورداسبرم، ۳۶
هُره، ۲۹۶	نیلوفر فار <i>سی،</i> ۸۰	ناژ، ۱۹۶	مورداسپرم، ۱۵۹
هریتکه (گیلان)، ۶۵	نیلوفر هندی، ۵۶، ۶۸	نانخاه، ۲۸۹	مورداسفرم، ۳۶
هزار بندی، ۲۱۰	نی نهاوندی، ۲۴۰	نانْخواه، ۲۸۹	موز، ۲۰۳
هزارپا، ۲۹۰	نی هندو (سجزی)، ۱۴۰	نانکش (نیشابور)، ۸۱	موژ (سجزی)، ۱۸۰
هزار جَسان، ۲۱۵	وادرنگ، ۴۰	نان کلاغ، ۱۲۹	موسیر، ۴۸، ۹۸
هزار جِسّان، ۲۲۲	وارد شیران، ۲۸۰	نباتازاد، ۱۰۳	موشانپياز، ۴۹
هزار جشان، ۲۹۷	وتلخ، ۲۹۷	نجمه، ۹۹	موشک (اصفهان)، ۲۵۰
هزار سفید (شیراز)، ۱۱۶	وجــــاثلق (كــــوهستان و	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	مـويزج عسـلي (شـيراز)،
هزارشاخه، ۲۲۲	لرستان)، ۱۰۳	نخود، ۱۲۴	144
هزارفشان، ۲۲۲	ورس، ۳۹	نـخود الونـدي (اصـفهان)،	مویزک(شیراز)، ۲۸۷
هزارکشان، ۲۲۲	ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹	181	مویزک عسلی، ۱۴۳
هزارگشان، ۲۹۷	ورق بنگو، ۷۸	نخود دشتی، ۱۲۴	مهرگیاه، ۳۰۰
هزاره، ۱۰۴	وریژک، ۲۹۳	نخوشي (شيراز)، ۲۲۲	مهک (شیراز)، ۱۸۰
هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷	ورینه(تبریز)، ۹۶	نرسک، ۲۰۷	میخک، ۲۳۸
هفت برج، ۲۷۵	وزد، ۲۱۳	نرگس، ۶۷، ۲۹۰	میردارون، ۲۸۰
_			

هفت برگ، ۲۷۵ هفت بزج، ۲۷۵ هفت يهلو، ۲۶۹ هفت زرده (شیراز)، ۲۹۰ هلل (شیراز)، ۱۲۰ هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰ هلو، ۱۳۹ هلیله، ۲۵، ۶۸، ۷۸، ۲۴۹ هلیله زرد، ۶۸ هلیله سیاه، ۶۸ هلیله کابلی، ۶۸ هلیله مویزک (شیراز)، ۶۸ همیشه بهار، ۳۷ هنجمک (ری)، ۲۴۵ هنداوانه (تبريز)، ۸۲ هندوانه، ۸۲ هندوانه ابوجهل، ۱۲۶ هوجویه، ۴۰ هوره، ۲۶۰ هيکل، ۲۲۶، ۲۲۷ هيل، ۲۳۲ هينگ (سجزي)، ۶۵ یاس سفید، ۲۰۵ یاسمین بری، ۲۰۵ یاسمین سفید، ۱۵۲ یریک، ۳۴ یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱

یَلْم (سجزی)، ۲۱۰

# ۳ - نامهای یونانی، لاتینی، رومی

آزطَميسا، ۲۴۷	ادی دولی، ۲۶۰	ابوبیناقس، ۱۰۰	آا <b>قُ</b> ورُون، ۱۶۵
ارطمیسا (رومی)، ۷۷	اذرررقوس (روم <i>ی</i> )، ۵۲	ابوپاناقس، ۱۰۰	آبيوس، ۲۶۱
ارطوس (رومی)، ۲۶۹	اذرقیس (رومی)، ۵۲	ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴	آذربو، ۳۴، ۱۷۱
ارطیسیا، ۶۱	اذفونیدیس (رومی)، ۱۴۸	ابوسمس، ۲۵۴	آذربوا، ۳۴
ارطیهماسیا، ۷۶	اذفیوس (رومی)، ۱۴۸	ابوغلصن، ۶۷	آذربوی، ۳۴
ارفامسيس اربنتوس، ١٢٤	اذیارطون (رومی)، ۷۶	ابوفاطريوس، ۵۴	آذربویه، ۳۴
ارفلس، ۱۸۲	ارابتئس، ۱۲۴	ابوفاطریوس (رومی)، ۵۴	آرمنیس، ۴۵
ارفلن، ۱۱۳	اراینٹوس، ۱۲۴	ابوفایس، ۳۹	اَطَءُ، ۲۲۰
ارقنطوس، ۱۲۴	ارابنشس ايمارس، ۱۲۴	ابوفسطن، ۳۹	آغْنُس، ۱۸۵
ارقاليا، ۳۶۶	ارامانیا، ۲۸۲	ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳	آقطی، ۱۳۸
ارقان، ۱۲۵	ارامونی، ۱۸۸	ابوقاوس، ۳۹	آلُسَن، ۳۷
ارقطس، ۱۱۳	ارب، ۲۷۳	ابوقَسْطَس، ٣٩	آلوسن، ۲۸۰
ارقوس، ۳۹	اربانسش، ۱۲۴	ابوقينوس، ٥٩	آمی، ۲۸۹
ارقولس، ۳۹	اربسارم (فرنگی)، ۲۷۳	ابومارس، ۱۲۰	اَارُّ ثَرُدَانُن، ٢٣٠
ارقونیذوس (رومی)، ۲۱۸	اریصارن، ۲۷۳	ابونیطش، ۲۵۰	ااوبيقواون، ۵۶
ارقیسون، ۴۵	اربقانون (رومی)، ۲۲۹	ابید، ۲۶۱	ابابوس، ۲۲۳ ۲۲۳
اَرْقیطون، ۴۵	اربوطانون، ۱۲۱	ابیدی (رومی)، ۲۶۱	اباخورس (روم <i>ی</i> )، ۶۳
اِرِمــزدقطولوس (رومــی)،	ارىيان، ۱۵۵	ابیکه (لاتینی)، ۲۶۱	ابارس، ۱۰۵
174	اربیانس، ۱۲۴	اپوپاقس، ۱۰۰	اباریقون، ۱۰۶
ارمنیافن، ۲۸۲	اربيتوس، ۱۲۴	اثاریون، ۵۰	اباغلس، ۶۳
ارمنیقون، ۲۴۰	ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵	اثانقون، ۵۱	اباغورس (رومی)، ۶۳
ارمنین، ۴۵	ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵	اثونبون، ۲۴۰	ابانس، ۳۳
اَرْمَنین، ۴۵	ارتینوس، ۱۹۴	اثونيطس، ۲۵۰	ابانون، ۳۳
ارموکی (رومی)، ۲۷۱	ارثیوس، ۸۰	اثيوبس، ۲۸۰	ابردیون، ۵۲
ارمیناقن، ۲۸۲	ارجيقن، ١۶٢	اجیلیه (رومی)، ۲۴۶	ابرقیا (رومی)، ۴۸
ارمیناقون (رومی)، ۲۸۲	ارخس، ۱۳۶	آخيون، ۴۲	ابرنج، ٧٧
اُرُن، ۲۷۳	ارخس طوماغن، ۱۳۶	اخرذس، ۲۹۰	ابرو، ۸۹
اَرُن صارُن، ۲۷۳	ارخیس، ۱۳۶	اَخَرْساج، ۴۲	ابروطانن، ۱۲۳
ارنغلیسون (رومی)، ۲۶۹	اِرْدَقْناقى، ۴۴	اخرسون، ۱۵۳	ابروطنیون (رومی)، ۱۹۳
ارنقالس، ۲۶۹	ارزااردفناقی، ۴۴	آخیروس، ۴۲	اَبْرون، ۳۷
اَرْنوغْلُسن، ۲۶۹	ارسطالاخيا، ۱۶۰	اخینوس (رومی)، ۱۸۰	ابرویون، ۵۲
ارنيوقرينوس، ٧٠	ارسطالوخيا، ۱۶۰	اخيون، ۲۵۲	ابریا منتی، ۱۱۳
اروبيموس، ۲۵۴	ارسطولوخيا، ۱۶۰	ادرک، ۴۱	ابریمون (روم <i>ی</i> )، ۷۰
اروس، ۲۰۸	ارطاماسیا، ۶۱ ۷۶	ادرومیلن (روم <i>ی</i> )، ۹۴	ابلاطنوس، ۱۴۵
اروسا، ۳۸	ارطاماسیا (رومی)، ۲۴۷	ادمنطوس (رومی)، ۲۶۴	ابن سرابیون (رومی)، ۷۶
اروسیمن، ۹۶	اَرْطَماسا، ۲۴۷	ادیانطن، ۲۵۷	ابنیس، ۱۱۳

اطیا، ۲۲۰	اسقيلا، ۴۹	اسطراکهلیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اروسیمون، ۱۸۹
۔ اطیرنه، ۲۵۱	اسکردا (رومی)، ۹۸	اشطَرَخُلُو (رومی)، ۲۱۵	اَرون، ۱۴۶
اطیطون، ۴۹	اسکردیون (رومی)، ۹۸	اسطوس، ۲۶۳	اروناردش، ۱۰۵
۔ ر اطیوس (روم <i>ی</i> )، ۷۶	اسکینانتو (فرنگی)، ۴۱	اسطروبیلیا (رومی)، ۱۹۶	اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶
اظا، ۲۲۰	اسلوقوطیس (رومی)، ۴۹	اسطروثیون (رومی)، ۲۶۳	اریزون (رومی)، ۴۴
اعــروعوليطوس (رومـي)،	اسليوس، ۱۷۴	اسـطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹،	اریغانون، ۱۹۵
777	اَسْمُاقُوس (روم <i>ی</i> )، ۱۳۵	771, 791, 691	اریغانون (رومی)، ۲۲۹
اغاريقون، ۲۱۸	اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اسطوخوذوس، ۱۰۳	اريقابوشا، ۲۰۲
اغرانيون، ٢٨١	اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	اسطوریقون (رومی)، ۲۴۴	ارينفس، ۲۲۷
اغرسطتورون (رومی)، ۲۵۵	اسميم ماكنوم (فرنگي)،	اشفاراغُش بَطْراوُس، ۲۹۷	ازحميون، ۲۵۶
اغرسطس، ۴۳، ۹۹	1,14	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	اسارون، ۱۱۹، ۱۴۲، ۲۸۸
اغرسطيس، ٩٩	اسوفس، ۱۶۵	اسفکوخوس (رومی)، ۸۶	اسارون (رومی)، ۴۶
اغــرسوذوطوس (رومـی)،	اسیلیسقان (رومی)، ۱۰۶	اسفلياطيقوس، ۴۸	اساطوس، ۲۹۲
700	اشْبِرون (اندلس)، ۱۱۵	اسفلیس، ۴۹	اَساطیس، ۲۹۲
اغروسطوس (رومی)، ۴۴	أَشْفَاقِش، ۴۸	اِسْفَلیناس، ۴۸	اساطيس اغريا، ٢٩٢
اغرو سـوقوميس (رومـي)،	اشلیه پاتم (فرنگ <i>ی</i> )، ۱۲۲	اسفودالوس، ۱۳۸	اسبالاقوس، ١٠٩
744	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اسفودلوس، ۳۷	اسپالاتوس، ۱۴۱
اغریا (رومی)، ۲۵۵	اشیرون(اندلس)، ۱۱۶	اشفُودِلوس، ۱۳۸	اسپنس (فرنگی)، ۴۸
اغريمون، ١٠٢	اصاقو (روم <i>ی</i> )، ۲۸۲	اسفومغری، ۱۰۵	استب (لاتيني)، ۲۶۴
اغريوس، ۱۲۴	اصطفالينوس، ١٠٣	اسفيراداغويوس، ٢٣٣	أنستَب (التيني اندلس)،
اغریوس (رومی)، ۱۲۶	اصطفیذه (رومی)، ۲۱۴	اسفیقوس (رومی)، ۲۶۲	750
اغزواطس، ۹۹	اصطفیقوس (رومی)، ۲۶۲	اسفيون الشوذه، ٧٨	استراتیکو، ۴۸
اغفورقیون (رومی)، ۲۳۳	اصوفورون، ۲۷۱	اسقال، ۴۹	استراطیقوس، ۵۴
اغلبس، ۱۴۷	اطا، ۲۲۰	اسقردین، ۲۸۳	اسطاری، ۹۳
اغلبص، ۱۴۷	أطراطيقوس، ٥۴	اسقروامس، ۸۸	اســطافاليقوس اغــريوس،
اغلقندریا (رومی)، ۲۸۲	اطرافعس، ۲۴۱	اسقلیاطیقوس (رومی)، ۵۴	1.4
اغلیس، ۲۵۴	اطراقتولیس، ۲۱۰	اسقلیطاس (رومی)، ۵۴	اســطافالينوس اغــريوس،
اغلیطوس، ۲۲۲	اَطرَفَقْسوس (رومی)، ۱۷۰	اسقندريون، ٩٨	1.4
اغنس، ۴۱	اطرقطوس، ۲۳۶	اسقنوقراطیس (رومی)، ۴۹	اشــطافالينوس أغْــرِيوس،
اغنوس، ۴۱	اطرقطولس، ۲۳۶	اسقوانس، ۷۸	147
اغنوس (زوم <i>ی</i> )، ۴۱	اطروکیا (رومی)، ۳۵	أَسْقُورديون، ۴۸	اسطافاليوس، ١٠٣
اغنیس، ۴۰، ۴۱	اطریفلین، ۱۲۲	اسقوردیون، ۸۰ ۹۸، ۱۸۹	اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷
اغوری، ۱۲۱	اطریون، ۲۳۳	اسقورولوس، ۱۳۸	اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹
اغيراطون، ۵۵	اطریون (رومی)، ۲۳۳	أسقولوقَنْدَريون، ۴۹	اسطبخیس (رومی)، ۲۶۲
اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷	اطزوخیوس، ۲۱۴	اسقیدولیون (رومی)، ۲۴۹	أَسْطُخودوس، ۴۷
اغيرُس، ۲۶۴	اطفکسوس، ۲۴۱	اسقیرن، ۲۹۸	اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۳۱
اغیلفس، ۱۴۷	اطمیثا (رومی)، ۲۴۷		اسطراط يقوس الصغرى،
افاتیس، ۲۲۳	اطمیسا، ۷۶	اسقیل، ۲۱۵	1.0

الیکا (رومی)، ۲۲۰	اکیروس، ۱۰۸	افیوسطافیلن (رومی)، ۲۵۰	YAA *. * 1:1
اليمون، ۲۸۴	اگیراتون، ۵۵ اگیراتون، ۵۵	اقیوسطاقیس رووسی، ۱۳۰۰ اقاروا، ۲۵۶	افاریقون، ۲۹۸
آلينو، ۲۵۱	الابورش مالُش، ۱۳۰	افارون، ۲۹۳ اقارون، ۲۹۳	افامیرون، ۷۰، ۱۸۰ افتیمون، ۵۵، ۱۴۱
ير اليوون (رومی)، ۱۵۳	الاطيني، ۲۶۶	اقاقالیس، ۵۷	اقتيمون، ۵۵
آماریطُن، ۶۱	آلاطینی (رومی)، ۲۶۷	اقاقلیس، ۲۰۲	اقىيمون، ۵۵ اَفَرْبيون، ۵۵
اماریطون، ۱۵۳	الالسفاقُس،٢۶٨	اقاقیا، ۵۷، ۸۲	افربیون، ۱۶۳ ۲۲۴
اماریقون، ۱۰۶	البانونس، ۱۳۱	اقالیفی، ۶۵	افربيون. ۵۵
امامون، ۱۲۴	البروس، ۱۳۰	۔ اقتلقا (رومی)، ۷۵	افسنثیون (رومی)، ۵۶
امانیاقن، ۵۱	البوزش لوقس، ١٣٠	اقدینا، ۱۹۳	افطریون، ۱۷۳
آمْبَرْباریس، ۶۱	البيسم (لاتيني)، ٢٣٠	اقذی (رومی)، ۱۷۲	ریر- افطیمس، ۳۰۰
امبلوبراسون (لاتینی)، ۲۵۳	الثاآ، ۱۲۹	اقرانیقی، ۱۸۹	۔ افکرکسیس، ۲۴۱
امبوبادیس، ۳۸	الثال، ۱۳۶	اقرسینی (رومی)، ۲۶۶	ر ۔ ل افلایوس (رومی)، ۶۵
اَمْدُرْیان، ۶۲	الْسُن، ۱۳۳	اقريطون، ۲۴۸	افلیطون (رومی)، ۴۹
امراطيون، ۲۶۲	الطیرون (رومی)، ۲۳۳	اقریطی، ۲۸۱	افليوكبيون، ۲۴۱
امراقون (رومی)، ۲۷۹	الغُتُّه (لاتيني)، ٢٩٥	اقريون، ۲۵۴	افنیٹون، ۵۸
امرقون (رومی)، ۷۰	الفوثويا (رومى)، ۱۵۳	اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲	اَفْنيقون، ۵۶
امروسیا، ۲۹۸	القبابن، ۲۴۹	اَقْسون، ۵۸	افنینبدونون (رومی)، ۵۵
امفلوبراسیون (رومی)، ۲۵۲	القسيني، ١١٩	اقسیس، ۱۶۲	افودوس (رومی)، ۱۲۶
إمِقْدال بيقرا، ٢٧٢	الْقَسيني، ۲۶۶	اقسینی (رومی)، ۲۶۶	افوروس (رومی)، ۱۲۶
إمِقْدال غُلوِقيا، ٢٧٢	القطرون (رومی)، ۲۶۴	اقسيوس، ١۶١	افُّوساليُّن، ٢٥٤
امُونياقُن، ٢٩٥	القيس، ۲۶۶	اقطاطاقیس (رومی)، ۸۱	إفوسالينون، ۲۵۴
امونیاقون (رومی)، ۵۱	الكس، ١٢۶	اقططرمنٹوس (رومی)، ۸۱	افوساليون، ٢٣٥
امونیقون (رومی)، ۵۱	الكسينا (رومي)، ۲۶۶	اقلفوس (رومی)، ۲۵۵	افوقونس، ۱۲۸
امیانی، ۲۸۹	إلكسيني، ١١٩	اقلفی (رومی)، ۲۵۵	اَفیٹمون، ۵۵
امیرباریس، ۶۱ ۲۷۱	الكن (روم <i>ي</i> )، ۲۳۹	اقلیطی، ۱۷۸	افیثمون، ۱۹۵
امی (رومی)، ۲۸۹	اللتثي، ٤٠	اقنتالوقی، ۷۱	افيثمون لينون، ٥٥
امیرون (رومی)، ۷۰	ألمو (لاتيني)، ١٠٧	اقنتالوقين، ٧١	افيغوون، ۵۶
امیغدالی (رومی)، ۲۷۱	الميّون، ۴۹	اقتثالوقى، ٧٢	افیقرون، ۵۶
امیولوفراس (رومی)، ۲۲۵	ٱلْنَج، ۶۰	اقورون، ۲۹۳	اَفيقَطُس، ٥۶
امؤمن، ۱۲۴	النيسون (رومی)، ۱۵۳	اقوقوس (رومی)، ۸۱	افیقون، ۸۸
اَناغالُس، ٤٣	الواس (رومی)، ۲۱۶	اقولاقائن، ۱۲۲	افیلون، ۵۶
اناغلس، ۳۴	الودين، ۲۶۰	اقونيا، ۱۱۲	افیمارن، ۷۰
آناغورِس (رومی)، ۶۳	اَلوسَن، ۶۰	اقونیطن، ۱۲۸	افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹
اناغیرس)، ۶۲	اَلوسُن، ۶۰	اقیاقیٰلونی (رومی)، ۲۴۰	افيمديون، ٢۶٩
انانوس (روم <i>ی</i> )، ۱۵۲	ألوسون، ۶۰	اقیثالوقی، ۵۸	افیمذیون، ۲۷۵
انبالس ماليا، ٢٢٢	آلُويَن، ۶۰	اقیرون (رومی)، ۲۹۳	اَفيميدون، ۵۷
انبالَفْراشن، ۲۵۲	اليا، ۱۳۶	اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷	افینوس، ۱۶۸
انبرباریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱	اليسما، ۲۸۱	اکثیقوس، ۱۴۳	اَفْيوس، ۵۷

ایڈمامیر، ۶۹	اورمون (روم <i>ی</i> )، ۱۰۲	انکسینی، ۱۱۹	انبوباریس، ۳۸
ايدوصارون، ۲۶۹	اُوروپس، ۲۵۳ -	انگذاله (فرنگی)، ۲۷۱	انثامیس، ۶۴
ایدیاسمن، ۱۱۳	اوروذیس (رومی)، ۲۳۰	اننوس، ۲۶۱	۔ ں اَنْثَلیس، ۶۴
ایڈیاسُمُن، ۲۹۰	اوروسیمون (رومی)، ۱۷۶	انوخیلوس، ۱۵۵	یاں انٹوس (رومی)، ۲۹۳
ایدیاسمین، ۱۱۳	اوریز، ۴۴	انوسما، ۴۳	انثون (رومی)، ۱۸۴
أیْذااَریذا، ۶۹	اوریزا، ۱۲۶	أَنُوشُة (لاتيني)، ١٧١	انجسا، ۳۸
ایذنطوس (رومی)، ۲۶۶	اوریــزوذینوس (رومــی)،	أنُوطيلون، ٤٧	اندراسيون، ۲۶۲
ایذوسارون، ۶۹	74.	ٱنُوما، ۶۸	اندرافکسیس، ۲۴۱
ایذوصارون، ۶۹	اوریغاسن، ۱۹۵	انوميا، ۱۸۸	اندرخانا (رومی)، ۸۲
ایذون، ۴۶	اوزمون (رومی)، ۱۰۲	انونکسا (رومی)، ۱۳۶	اندرخنا (رومی)، ۸۲
ایذونیارون، ۶۹	اوزنس، ۲۵۳	انیسن (روم <i>ی</i> )، ۶۷	اندرسامس، ۱۵۸
ایذووسمون (رومی)، ۲۹۰	اوزونا، ۲۶۰	انیسوم (رومی)، ۶۷	اَنْدَرْصارون، ۶۶
ایذیصارون، ۱۴۴	اوسفدنون، ۲۴۹	اُنیسو <sup>ْ</sup> ن (رومی)، ۶۷، ۷۸،	اندرصارون، ۶۹
ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱	اوسفول (رومی)، ۱۶۵	761, 761, 787	انْدَرْوَافَقْسُس، ۱۷۰
ايرصا، ۲۷۳	اوسفون (رومی)، ۱۶۵	انيطوا (لاتيني)، ۱۸۴	. اندروساقس، ۲۹۸
ايرِنْجان، ۲۳۶	اوسیرس، ۱۲۲	انیولیس، ۲۸۰	اندروسائن، ۲۹۸
ایرَنْجی، ۲۳۶	اوسیمون، ۴۶	انيوليون، ۲۵۴	اندروصارون، ۲۲۲
اَیَرنی، ۲۷۳	اوفاریقن، ۲۹۸	انيون، ۱۵۳	أَنْدَرُوطاليس، ۶۶
ایـــرنیوقرینوس (رومــی)،	اوفاریقون، ۲۹۸	ٱنْيَة دغاتُه، ١١٩	اندیقا، ۲۹۷
1.4.	اوفیمویَذاس، ۶۸	اَوافيوس، ۶۷	انسون (رومی)، ۶۷
ایروفلون (رومی)، ۱۵۳	اوقاس، ۳۹	اوبانيس، ۵۷	انسیتون (روم <i>ی</i> )، ۵۶
ایروقولیون (رومی)، ۱۷۴	اوقانتوس، ۶۱	اوبطوری (لاتینی)، ۲۱۹	انشعی، ۱۲۹
ایریس، ۷۰	او قلااوقا، ۵۹	اوبيانس، ۵۷	انطرقطولس، ۲۳۶
ایریفارون، ۷۰	اوقیمون، ۷۱	اوبیانیس، ۵۷	انطریون، ۶۶
ایریمورون (رومی)، ۱۸۰	اوقیمویداس، ۶۸	اوثنا (رومی)، ۱۰۴	انطویا (رومی)، ۲۹۷
ايرينون، ۷۰	اولسطيون، ١٠١	اوثومیس (رومی)، ۲۷۵	انطوينا(لاتيني)، ۲۹۸
ایزون، ۳۷	اولياطيوم، ۲۵۵	اوذمون (رومی)، ۱۷۳	انطینس، ۱۲۲
ایزویون (رومی)، ۳۷	اومومون، ۱۲۴	اوذی تغس (رومی)، ۲۴۳	اَنْغِزا، ۶۶
ایزیفازن، ۷۰	اومیطرون، ۲۴۶	اوراساليون، ۲۵۳	انفالیوس (رومی)، ۷۰
ایساطس، ۲۹۲	اونطریثا، ۲۲۶	اوراسیمون (رومی)، ۲۹۰	انفسینی، ۱۱۹
ايسقوس، ۱۳۶	اُونَيا، ۶۸	اورافلون (رومی)، ۱۵۳	انفلُوس (رومی)، ۲۵۵
ایصورین، ۱۱۳	اونياغاتُه (لاتيني)، ۲۴۴	اوردپاپاری، ۲۲۸	انفولوفا (رومی)، ۱۵۳
ایفلوفوس (روم <i>ی</i> )، ۲۵۰	اِیارانوطابی، ۶۹	اوردقیون (رومی)، ۲۳۲	انقردیا (رومی)، ۸۵
ایفوریس (رومی)، ۱۵۱ ۱۱ ا	ایبسقوس (رومی)، ۲۸۴	اورزأ، ۴۴	انقوس، ۲۶۱
ایلرسیا (رومی)، ۸۸	ایبولوبوس (رومی)، ۲۵۰ 	اورسالينون، ۲۵۴	انقیلامی (رومی)، ۹۴
ایلیوطروبیون، ۲۰۴	ایٹوسیس (رومیٰ)، ۲۷۵	اورسیمون (رومی)، ۲۳۰	انقیون (رومی)، ۱۸۴
ايليوطروبيون طوماغا، ۲۰۴	ایثولیس، ۶۹	اورغیون (رومی)، ۵۰	انکالن (فرنگی)، ۶۳
ايـــليوطروبيون طــومقرون،	ايدراسيمون، ۱۱۳	اورمش، ۱۰۵	انکسینس (روم <i>ی</i> )، ۳۳

يمارانوطولي، ٧٠	أرتق <i>ى،</i> ۱۱۰	أسطوخودوس، ۱۹۷	أِفومارَئُن، ۱۵۳
یمارس، ۹۳	أرجَه (لاتيني)، ٢١٣	أسطوخوذس، ۴۷	أفومارثون، ۱۵۲
ايمارو قالاس، ٨٠	أرخس، ۱۳۵	أَسْفَلينُس، ۴۸	أفيغؤون، ۵۶
یهقان، ۱۰۲	أَرِسْطُلُوخْيا، ۱۶۰	أسقردين، ٩٨	أفيفقطس، ٥۶
أَآقَنْتُس، ۱۱۴	أرُسطولوخيا، ١۶٠	أسقلبياس، ۴۸	أَفيقُيون، ٥۶
أررُون، ۲۷۳	أرطاماسيا، ۶۱	أسقِيرُن، ۶۹	أفيمارون، ۵۶
أاقونيطن، ١٢٨	أرطاماشيا، ٧٧	أُسُّوفُون، ۱۶۵	أَفيمارون، ١٨١
اقِينُس، ٢٢٥	أرطريفيون، ۶۰	أسيرون(اندلس)، ۱۱۶	أفيمِذيون، ٥٧
اليمون، ۲۴۲	أرغاموني، ۱۳۸، ۱۸۸	أشبطانه (لاتيني)، ١٨١	أفيميديون، ٥٧
أَامومُن، ۱۲۴	أرْغاموني أغْرِيا، ١٨٨	أشقالية (اندلس)، ٢١٣	أَفْيوس، ٥٧
أامّی، ۲۶۲	أرقطيون، ۴۵	أَشْقُرْذين، ٤٩، ٩٨	أقاقاليس، ۴۰
أَانيسُن، ٤٧	أرقطيون آخر، ۴۵	أِشْكَالْيَه (لاتيني - اندلس)،	أقاقاليس، ٥٧
أَأَبانُس، ٣٣	أرقوثس، ۲۰۸	714	أقاقيا، ١٩١
أَأَذارِ يذا، ٤۴	أزميينُن، ۴۵	أشكيطْلَه (لاتيني)، ١٢٠	أقالِيفَى، ٤٥
أأرن، ۲۷۳	أرنقالس، ۲۶۹	أصفورْن، ۵۴	أقسوس، ۵۱ ۵۸
أَأْريصارُن،٢٧٣ ﴿	أرنيثوس غالا، ۱۹۴	أطًاء، ٢٢٠	أِقْسوس، ۱۴۳
أأطًا، ۱۳۶	أروسيطيقون، ١٧١	أَطْرَ قُطُولُسَ، ٢١٠	أقسيا، ٥٨
أَأَنَّاموني، ١٨٨	أُروسِيْمُن، ٩۶	أغافث، ۱۸۸	أقطى، ٨٥ ١٣٨
أَبْرُوبُوذْيا (رومی)، ۱۱۸	أروسيمن، ۱۹۰	أغرسطُس، ٩٩	أَقْطى، ١٣٨
أبْرُوطُنُون، ۷۷	أروسيمون، ۹۶	أغرسطس، ٩٩	أقطيون، ٩٠
أبْروطُنون، ۲۴۷	أريصارون، ۲۷۳	أغْرُسْطُس، ٩٩	أقنثا، ٧١
أبوحَلْسا، ۳۸	أريقارون، ۱۹۳	أغْنُس، ۴۱	أقنثا أرابيقا، ١٨٩
أبوفايس، ٣٩	أريقون شاطوريون، ١٣٥	أُغيراطُن، ٥٥	أقنثا أقنيس، ٤١
أبو فايس، ٣٩	أريقَى، ۴۶	أغيراطين، ٥٥	أقنثالوقى، ٥٨
أبوفسطُّن، ٣٩	اُریقی، ۱۳۷	أغيرس، ۵۵	أُقَتْثالوقى، ٧١
أِيُوفَسْطُن، ٣٩	أسارون، ۴۶	أغيرُس، ١٢٧	أقنئس، ۱۱۴
بومارثون، ۱۵۲	أسارون، ۲۸۸	أفاريني، ۵۶ ۱۱۸	أقَنْثون، ٥٨
أبِيلَه دِطَلْباطَه (اندلس)، ۳۷	أساطِس، ۱۱۳	أفاق <i>ي</i> ، ٩٢	أقيثا، ٧١
ٔجیلبس، ۱۴۷	أساطِس، ۲۱۱	أفثيمون، ۲۵۸ م	أقيمن، ٥٩
حیرش، ۴۲	أساطس أغريا، ١١٣	أفُرْبِيون، ۵۵	أقينس، ٢٢٥
خلیوس، ۴۲	أساطيس، ۲۹۲	أِفلاَطينُس، ١۴۶	أقينُس، ٢٢٥
أَخَلِّيوس سَنْدَريطِس، ١۴۶	أساطيس أغرِيا، ٢١١	أفِمَلِيس،١۶٢	أُكْسِورُس، ۱۸۱
خليوس سندريطس، ١٧٩	أسجِل، ۴۶	أِفُورِس، ۵۰، ۱۵۱	ألاأُخِزيا، ١۶۶
خیون، ۴۲	أشطافالينوس أغْــريوس،		ألافوبسقن، ۱۵۶
راًا، ۱۶۴، ۱۹۴	1.4	أفوسالينون، ٢٥٣	ألافوبُشْقُن، ۱۵۶
رُباقُه (لاتینی)، ۱۴۹	أسطافانديا أغريا، ١١١	أَفُوقونُن، ٤٢	أِلانيون، ١٥٣
رُبَنْتُس أيمارُس، ١٢٢	أسطراأطيقوس، ٤٧	أَفوقونُن، ۱۲۸	أُلانيون، ١٥٣
ربیان، ۴۴	أسطراطيوس، ١٥١	أفُّولابائن، ١٢٢	ألأَلِشْفاقُس، ٤٠

بالانوس، ۱۰۷	أيثوبيس، ۶۹	أَنْدَرُوافَقْسُس، ۲۴۱	أثاً، ۱۳۶
بالانوس (رومی)، ۲۵۰	ایدایاریزا، ۶۹ أیدایاریزا، ۶۹	اندروسا، ۱۵۸	أَنْا، ۱۳۶
بالسطيون، ۱۰۴	ایدوصارون، ۶۶ ایدوصارون، ۶۶	أَنْدَروسامُن، ۶۹	أَلْسِيني، ٣٤
بالشطيون، ۱۰۴	أيذيصارون، ۶۶	أندروصاقَس، ۶۶	َ اللهَ اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ اللهُ اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَلَى اللهُ عَ
باناقس (رومی)، ۱۰۰	أيرنجان، ١٩٢	أَنْذُراشيون، ٧٤	ً أَلليقاقابُن (روم <i>ي</i> )، ۲۱۵
بَبْراطُه (لاتینی)، ۲۳۶،۱۹۲	أيرَنْجي، ١٩١	أَنْطرٌ يِنُن، ٤٧	ألوبن، ۶۰
ببليون، ٢٩٥	ایرنجی، ۲۳۶ ایرنجی، ۲۳۶	أنطويا (رومی)، ۲۹۸	ألوسَن، ۶۰
بثروطوس، ۲۵۸	أيريس، ۷۰، ۱۸۱	أنغرا، ۶۶	أُلومُسَ، ۱۴۳
بدالیون (رومی)، ۲۸۳	أيريغارن، ٧٠	أنقرديا (ر <i>ومي</i> )، ۶۷	أَلْوْيِي، ۶۱
بدولیون (رومی)، ۲۸۳	أَيْسِفُس، ۱۶۵	أنيسون (رومی)، ۱۵۳	أَلُويي، ١٩٥
بدیلثون (رومی)، ۲۵۵	أَيُسْقُوَامُس، ٨٨	أُنيط (لاتيني)، ۱۸۴	أَلِيخْرِيسُون، ٤١
بذالیون (رومی)، ۲۸۳	أيفورِس، ۵۰	أُوَاا، ٢١٩	أِمارنْطُن، ۶۱
بِذْلِيون، ۲۸۳	أيفورِس، ۱۵۱	أواقنثوس، ٤٧	أَمارَنْطُن، ۶۱
براثی، ۳۹	أيليوطروبيون، ۱۹۴	أوبشنثي، ۵۶	أخبَرُسْيا، ۷۷
بَراثی، ۳۹	أيلْيُوطْرُوبْيون طُومِقْرُن، ٩٥	أوبقلصن، ۶۷	أمذريان، ۶۲
بْراسِنُوشْقُرْذِين، ٩٨	أيمارو قالس، ٧٠	أوبوطيلون، ۶۷	أمروسيا، ٤١
براسن وقافالوطن، ۸۰	أيمارُوقالِس، ۱۶۴، ۱۸۱	أُوبَه قْنِينة (لاتيني)، ٢١٥	أمليس، ۶۳
بْراسيُن، ۲۲۴	أيهَقان، ۱۰۲	أُوبيبَذْجي، ٨٣	أميرباريس، ١٢٠
براونيا، ۲۲۲	باایدونیقی، ۲۷۶	أُوذَرُّبابارى، ۲۲۸	أميونيطس، ١١٩
برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳	باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷	أوراسالينون، ۲۵۳	أناطيريا أرمالي، ٤٣
بربشكة (اندلس)، ۹۰	بابروس، ۷۵	أورسيمون، ۴۶	أناغاليس، ٣۴
بُرْبُوذْيُه (لاتيني)، ٧٩	بابلص، ۲۹۵	أُوروبَنْجي، ٢٠١	أناغرن، ۶۲
برثانیون، ۵۷، ۵۸	بابیر، ۷۵	أوروبنخى، ۴۷، ۱۱۸	أناغلس، ٢٣١
بردنمانمون، ۲۵۷	بادليون، ٢٨٣	أوريغانش، ١٩٥	أناغورس، ۱۳۲، ۲۱۶
بردیسیون، ۱۰۱	باديقون(سوريه)، ۶۵	أوزيمُن، ۱۰۲	أنبالس لوقي، ٢٢٢
بردیقیاس، ۱۱۹	بارسطاریون، ۷۰، ۷۳	أوساني(آفريقا)، ۲۶۹	أنبالس ماليس، ٢٢٢
برسانیون، ۱۲۱	بارقیون، ۱۹۱	أُوفْيُوشْقُرْذِين، ٩٨	أببطرون، ۶۳
بَرُّسْتُم(فاس)، ۱۶۰	باریسطاریون، ۱۵۶	أوقيمُن، ٧١	أنْتِلْيَشْ، ٤٤
برسون، ۲۲۴	باسلیقا، ۱۰۶	أوكسجونس، ۵۰	أنثاميس، ٧٠
برسیا، ۲۶۶	باسليقون،٢٨٩	أوكسجونوس، ۵۰	أَنْثُلُس، ٤۴
بَرْسِيقا، ١٣٩	باطاسیطس، ۹۳	أولسطيون، ١٠١	أَنْثِيمُس، ٤٤
برشیقا(افرنجی)، ۴۰	باطالا، ۱۴۴	أوليرا، ٢١٣	أنثيمس، ٧٠
برشيقا ميلا، ١٣٩	باطانیقی، ۱۵۵	أوليرا، ۲۶۳	أَنَثْيُونَ، ۱۸۴
برطانیقی، ۶۰	باطراخیون (رومی)، ۲۵۳	أونوسما، ۶۸	أنجشا، ۶۶
بَرْطانیقی، ۷۶	باطس، ۲۱۳	أونوما، ۴۳، ۶۸	أنْخُسًا، ٣٨
بَرْطانيقَى، ٧٤	باطُس، ۲۱۳	أونياغاتُه (لاتيني)، ١٨٥	أَنْخُوسا، ٣٨
برطانیقی (رومی)، ۲۳۹	باقولا، ۲۴۲	أيارابُوطاني، ۶۹	أندراسيون (لاتيني)، ۶۶
برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹	باکسیان، ۸۲	أيارابوطاني، ٧٠	أنْدرَ خنى، ٨٣

رطوماش، ۴۶	بسليون، ۷۸	بکریدیا (رومی)، ۲۹۷	بَنْطادَقْطُولُن، ٨٩
رطینی (لاتینی)، ۲۵۹	بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸	بكلورم (لاتيني)، ۲۶۸	بنطاطوس، ۸۸
رغالسالي (فرنگي)، ۸۳	بَشَلْشَكَه (لاتيني)، ١٠۶	بلابس، ۸۰	بنطافلّن، ۸۸
ر (فرنگی)، ۲۵۳	بشوريقون، ۲۲۷	بلابیوس (رومی)، ۱۰۸	بِنْطافَلُن، ۸۸
ر زُقَقلی (لاتینی)، ۸۳	بشيوما، ۹۶	بَلاسَنْطور (فرنگی)، ۸۵	بَنْطافُلُّن، ۸۸
٠ ئزكسوس، ٧۶	بطارس، ۱۶۹	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بِنْطافْلُن، ۱۵۲
رکیره، ۴۷	بطالايا، ۱۴۴	بلال، ۳۵	بنطافلن، ۲۵۹
رکینه، ۴۷	بطراخيون، ۲۵۰، ۲۵۴	بلایه، ۲۲۹	بنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸
۔ بَرْمس	بَطْراخْيون، ۲۵۰	بُلایُهٔ جَرْبُونَه (لاتینی)، ۲۸۱	بَنْطامومُن، ۸۸
برنجاسف، ۷۶	بطراسالنون، ۲۵۳	بلايه قَبْرونه، ۵۹	بنطاناطی، ۸۸
برنج اسف، ۷۶	بطراسالينون، ۲۲۶، ۲۲۷	بلباسی (رومی)، ۲۵۰	بنطفلون، ۴۱
ر برنجاسف، ۷۷	بطراساليون، ۲۲۶	بُلْبِسا، ۸۰	بنطيقا، ۱۵۴
برنجاسف (رومى)، ۷۷،	بطرس، ۶۱	بُلْبُس طویل، ۸۰	بَنْقراطيون، ۲۴۳
19.	بُطْرُس، ۷۷	بلبوس، ۸۰	بنوليون، ۵۴
برواونثلاسيون، ٢٠٠	بُطْرس، ۱۹۰	بَلْبوس، ۸۵	بوارس، ۲۸۱
برواه (روم <i>ی</i> )، ۵۲	بطرسالي (فرنگي)، ۲۲۷	بلبوسا، ۱۷۹	بوبثالميوس، ٢١٧
بروطوس (رومی)، ۲۵۷	بطرسالينوس، ۲۵۴	بلطانس (فرنگ <i>ی</i> )، ۱۴۵	بوبلسمون (رومی)، ۸۶
بروق، ۱۳۸	بطرساليون، ٢٥٣	بلطاون، ۸۴	بوبونیاون، ۱۸۹
بروقیا، ۲۰۴	بطرساموه، ۲۵۴	بلغوثيون برمندار، ٢١٠	بوثلمون، ۹۰
برومس، ۱۲۶	بطرسلينون، ۲۵۴	بلغیس، ۲۵۲	بوذافانن، ۲۰۴
بُرون، ۵۵	بطرمیقی، ۱۷۲	بلناس (رومی)، ۲۵۰	بوراطااغرين، ۱۲۶
برون، ۲۰۰	بَطْرْمِیْقَی ، ۲۱۶	بْلَنْتَايِن (لاتيني)، ۲۶۹	بوراطاغونس، ۳۹
برون (پرتغال)، ۲۶۲	بَطْرُيون،۲۳۳	بلودقش، ۱۳۳	بورکر (رومی)، ۱۳۷
بْرون ٹالاشيون، ٢٠٠	بطریون، ۲۹۲	بلوس، ۲۰۲	بوصير، ٣٣
بروند (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۴۰	بطم، ۱۹۸	بلوطی، ۸۷ ۱۴۴	بوطاموغيطس، ١١٠
برون (رومی)، ۳۹، ۱۳۰	بطوّس، ۱۹۰	بلُّوطی، ۸۷ ۱۷۹	بوطاموغيطن، ٩٩
بَرْيون، ۵۲، ۱۹۲	بطيالايا، ٢٩٠	بلوغوناطن، ۸۷	بوطانيه (اندلس)، ۲۲۲
بزوثون (رومی)، ۳۹	بِطُیخ (رومی)، ۸۱	بُلوغونُن، ۲۱۰	بوطانية، ٩٠، ٢٢٢
بسباث بلىكوئيم (لاتيني)،	بغلیس، ۲۵۲	بُلُویُن، ۱۰۳	بوغلصن، ۲۵۲
71.	بُقْثَلْمُن، ٩١، ٢١٧	بْلِيطَى، ٨٤	بوغلصّن، ۲۶۸
بسباکه (فرنگی)، ۲۲۵	بُقْثُوفِرْثُن، ٨٢	بُنْترقه (روم <i>ی</i> )، ۲۳۹	بوغلوسن (رومی)، ۲۶۸
بسد، ۷۹	بقریس، ۲۹۸	بُنْتُوقُس أَوْطا، ٣۴	بوفثالمون، ٩٠
بُسُد، ۷۹	بقسيس، ٨٢	بنتومه (اندلس)، ۸۷	بوق <i>ی</i> ، ۲۴۶
بسّد، ۱۴۰	بقسین، ۸۲	بنتومة، ١٥٠، ١٥٧	بوكسطيلان طربول رماك
بُسُّذ، ۷۹	بقسيون، ٨٢	بنطاباطِس، ۸۸	(لاتيني)، ١٢٥
بسُّذ، ۷۹	بقطانیون (روم <i>ی</i> )، ۱۹۶	بَنْطابيطُوس، ٨٩	بولابيطس، ١٠٥
بسطاقيا، ٢٢٥	بقغاین، ۲۴۹	بنطادانيقا، ۱۴۴	بولاقيطس، ١٣٤
بِسْطاقْیا، ۲۲۵	بقنوقومُن، ۸۵	بنطادَقطولُن، ۸۸	بولامنيون، ٩٠

حمااقسیس، ۱۱۱	ثنبرا، ۱۹۵	پوروس (رومی)، ۱۲۶	بولامونيون، ٩٠
۔ ت خارقیاس، ۳۰۰	بر ثوس، ۱۱۰	برورو ل دور ی. تاجیقطون، ۲۸۰	بود تولیزی، بولدین، ۲۸۱
خالاون مالس، ۵۱	ثومالا، ۲۷۷	تاسلفی، ۱۱۵	.ر. بولوبودیون، ۷۹
- خالدونيون، ۲۰۸	ثومالاا، ۲۷۷	تاكوب، ۵۵	بولوبوڈیون، ۷۹
خاليدونيون، ١٢٧، ٢٠٨	ثومس، ۱۱۰	تالاسفیس، ۱۰۲	بولوذيون، ۱۵۷
خاليدونيون طـوماغا، ٢٠٨،	 ثو <b>مش</b> ، ۹۹	تالیسفیس، ۲۸۱	بولوزیون، ۷۹
447, 447	ثومُش، ۱۱۰	تاموک، ۶۷	بولوطريخون، ٧٥
خاليدونيون طومقْرُن، ٢٠٨	ثیلوبطارس، ۱۵۷	تترک، ۱۷۵	بولوطوطريخون، ۷۶
خاليدونيون طومِقْرون، ۲۷۶	جالىقىسدس، ٢٢٣	تخم، ٩٩	بولوطونخون، ۷۶
خاماأقطى، ١٣٨، ١٥٧	جاونری، ۱۰۷	تخمه، ۹۹	بولوغاناطُن، ۲۵۲
خاما أقطى، ١٣٨	جَرُّوذا، ۲۹۴	تَرْمَى أيمارُوس، ٩٣	بولوغانطن، ۹۰
خامادریوس، ۸۶ ۸۷ ۲۶۰	جسمی، ۱۱۸	تكنطِست، ۲۰۵	بولوغنن، ۹۰
خامادَرْیون، ۸۷، ۲۶۰	جِطْره، ۱۲۲	تلاسفين، ۱۱۶	بولوقنيمُن، ٩٠
خامادفنی، ۱۴۵، ۱۵۹	جطریا، ۴۰	تلاشفین، ۱۱۵	بولوقنيمن، ۲۵۲
خاماذافنی، ۱۴۹	جَقوطَه (لاتيني)، ۱۹۱	تُلَسْفي، ۱۱۵	بوليطريخو، ۷۶
خاماسوقی، ۱۲۷	جلب (انگلیسی)، ۱۰۴	تلسف <i>ی</i> ، ۱۱۶	بونیاس، ۱۸۹
خامافیطس، ۲۶۱	جلوقوريزون، ۱۸۰	تنبایس، ۲۶۶	بونیاون، ۱۸۹
خامافیطُس، ۲۶۱	جَنْت قابظة، ١٩٢	تنزیک، ۱۷۵	بونيقا، ۱۵۷
خاماقسیس، ۱۲۸	جَنْتِ قابِظة (لاتيني)، ۲۳۶	توانیقی (رومی)، ۱۱۲	بونیون، ۹۰
خامالا، ۲۷۵	جنتوریة (ر <b>و</b> می)، ۲۴۵	توتاملون (رومی)، ۳۰۰	بویِنون، ۹۰
خامالاً، ۲۷۵	جَنْجِيدْيون، ١٠٣	توجردره (مغرب)، ۸۲	بهراًمج (رومی)، ۱۳۷
خامالان اونمالس، ٥١	جنخليدس، ۱۸۹	توزانکون نــاریه (فــرنگی)،	بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸
خامالان لوفش، ۵۱	جِنْطيانا، ۱۰۶	111	بيبوريس، ۲۷۷
خامالان مالس، ۴۷	جِنْطِیانا، ۱۰۶	توفنه (رومی)، ۵۲	بِیْرون، ۱۴۵
خامالان مالش، ۵۱	جنطیانا، ۲۵۸	تومس، ۱۱۰	بیشاک میسور (فرنگی)،
خامالان ماليس، ٥١	جِنْطیانا (رومی)، ۱۰۶	تيزغا(فاس)، ۲۱۹	759
خامالاون، ۴۶، ۱۲۸	جنطیانه (رومی)، ۱۲۶	تی سملیل، ۲۰۹	بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹
خامالاون لوقس، ٥١	جوده (فرنگی)، ۲۶۱	تیطراانگورن (رومی)،۲۳۴	بيطويداس، ۱۹۷
خامالاۇن لُوقُس، ٥١	جُولَه (لاتيني)، ٢١١	ثالاسطون، ۱۵۸	بيطۇيداس، ١٩٧
خامالاون مالس، ۴۶، ۱۲۸	جیسو (فرنگ <i>ی</i> )، ۹۲	ثبوريدوس، ۲۲۸	بيغانس، ۱۶۸
خامالاون مالَس، ٥١	حااِقْطی، ۱۱۰	ئَرْثُوقس أيماروس، ١٣٣	بیغانن، ۱۱۶
خامالاء، ۱۲۸، ۲۷۵	حامااقسیس، ۱۱۱	ثرودوقس ايمارس، ١٣٣	بیقرون (رومی)، ۵۶
خامالوقی، ۱۲۸	حامافیطوس، ۲۶۱	ثعره، ۲۵۶	بیلطس، ۱۱۹
خامالُوقی، ۲۱۸	حجاكيوس، ٢٠٩	ثقولس، ۲۹۷	بيليو (لاتيني)، ٩١
خاماليون، ۴۷، ۱۲۸	حسمی، ۱۱۸	ثلاسفی، ۱۱۵	بیلیون، ۱۲۱
خامامیلن، ۱۲۸	حفوط (لاتینی)، ۱۹۱	ثِلُس، ۲۴۰	بيلْيةُو (لاتيني)، ٢١٧
خامانیطس، ۲۶۱	حلوسطقاقيل، ۱۹۶	ٹلسفی، ۱۳۱	پاناقس، ۱۰۰
خاملاؤن مالس، ۲۲۵	حلیلوطن (رومی)، ۲۲۲	ثمارون، ۲۰۸	پُمُ (فرنگی)، ۱۸۹

10V 1.11.	¥4¥	<b></b>	
رودا ایدا، ۱۵۷ د د اروا ۱۸۹	دوقس، ۲۹۲ ئەتىرى	دراقینی، ۱۳۹	خامون، ۲۶۲
رودیاریزا، ۱۵۹ ژوذا، ۲۹۴	دُوقو، ۱۴۸ . تراند از ۱۴۸	دربیقا (رومی)، ۷۱ م	خاولنجان، ۱۳۹
	دوقو اغریا، ۱۴۸	درُس، ۸۶	خروسوقومی، ۱۵۱
رُوذاَأرِيذا، ۱۵۹ منائن ۱۸۸	دیامنطیس، ۲۶۴	درقنطیون، ۱۴۶	خطمی، ۱۳۶
رُوذاأَیْذا، ۱۵۸ : د کا ۱۵۷	دِیامیرون، ۹۵ ت سدر ،عد	درقیانا، ۳۰۰	خلبانی، ۷۲
روذوس (رومی)، ۱۵۷ ۱ میرو	دیبساقوس، ۱۳۳، ۱۴۸	دَروبَطارِس، ۱۴۴	خَلْبانی، ۲۴۶،۷۲
روس (رومی)، ۲۱۳	دیبناقوس، ۱۴۸	ذرُوبْطارَس، ۱۴۴	خلدانيون، ۲۰۸
رومیرو رومینیو(رومی)، ۵۹	دیدروناسایا (رومی)، ۲۵۵	دَروفينوس، ۱۴۴	خَلوانی (رومی)، ۷۲
رویذون (روم <i>ی</i> )، ۱۵۷	دیقطمینون (رومی)، ۲۸۱	دروقنی، ۲۴۹	خمادريوس، ۲۶۰
رویذین (رومی)، ۱۵۷	ديقورس، ٢٣٥	دُرُوقٌنيون، ۱۴۴	خمادفنی، ۲۷۵
رُؤُوْس أَوْ (أَبِي) أَطَا أَوُيْسا،	دِينِساقوس، ۱۴۸	دروقینون، ۱۴۴، ۱۴۷	خمالاؤن، ۲۷۵
140	ذافِنی، ۱۴۹	دروقینوون، ۱۴۴	خَمامِیلُن، ۶۴
زاًا، ۲۱۳	ذافنی، ۲۱۸	درویطارس، ۵۲	خمايملن، ۷۰
زاآء، ۲۱۳	ذافنیدس، ۱۴۹	دریقنون، ۲۴۹	خندروس، ۱۳۹
زُبان لباسا (رومی)، ۸۶	ذافْنیدُس، ۱۴۹	دریولطاس (رومی)، ۲۶۳	خندروش، ۱۳۹
زتنکل (فرنگی)، ۲۵۰	ذاقنویداس، ۱۴۹	دسقس، ۱۳۳	خندریل، ۲۹۷
زُزُغْد(انطالیا)، ۲۴۸	ذاقنی، ۱۴۹، ۲۱۸	دفقوس، ۱۰۳	خـــندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲،
زِنْغیباری، ۱۶۴	ذاقِنِي الاسكندري، ١۴٩	دفقین (روم <i>ی</i> )، ۱۰۳	۸۶۲، ۲۹۸
زیزوفی، ۲۱۴	ذاقِنِيويداس، ١۴٩	دفنویداس، ۱۵۹	خَنْدَریلی، ۲۹۸
سارِس، ۲۹۸	ذروفینون، ۱۵۰	دفیقه، ۱۰۳	خندوس، ۱۳۹
ساريغون، ۱۹۳۵۶	رآاء، ۱۵۴	دفیون (رومی)، ۲۲۳	خَیْری، ۱۴۰
ساريقون، ۱۹۳	رابانس أزغْريا، ۵۷	دَقْسَيْطُس، ٩٥	دارقفوطون، ۱۴۲
سازساهوره، ۲۱۳	رافانوس، ۲۲۴	دقطابانون (رومی)، ۲۸۱	دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹
ساسالی، ۱۸۱	رامْنُس،۲۱۷	دقطامیون (رومی)، ۲۸۱	دبساقوس، ۱۴۸
ساساليوس، ۱۸۲	رای مُنْت، ۷۵	دِقْطَمْنُن، ۲۸۱	دېساقوس، ۱۴۹
ساساليون، ١٨٢	رای مُنّت، ۱۶۰	دقطمنن (رومی)، ۲۸۱	ر درابی، ۱۱۵، ۱۱۶
ساسليون، ۱۸۱	ردین، ۲۶۰	دَلْبُوتْ، ۱۴۴، ۱۴۶	د.افس، ۱۳۹
ساطریوس، ۱۰۱	رسماریتا (رومی)، ۲۳۹	دلبوس، ۱۴۶	درافیون، ۲۷۳
ساطریون، ۱۳۵	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	بر ن دماشونیون، ۲۸۱	دراققنطی، ۲۵۱
ساطریه، ۱۳۵	رفانی (رومی)، ۲ <u>۲</u> ۲	ریرد دمسقینی (رومی)، ۴۱	دُراقِن، ۱۳۹ دُراقِن، ۱۳۹
ساطوريون، ١٣٥	ر نینون (رومی)، ۲۲۳	دواغریا، ۱۴۷	دراقن(شام)، ۱۳۹
ساطيورين، ١٣٥	رُقعة الصخرى (اندلس)،	ري دَوايااَغْريا، ۱۴۷	دْراقُنْطيون، ٢٣١
-رودو ساغافیون، ۱۷۳	100	دوایا اغریا، ۱۴۸	دراقنطیون، ۲۷۳
۔ سالتین اغریون، ۲۵۰	رنّف (رومی)، ۱۳۷	دودزلوس، ۲۳۰	دراقنطیون، ۲۷۳
سالس اغريون، ۲۵۰	روا <i>س، ۱۳۴، ۱۸۸</i>	دودسطاروس، ۱۴۴	دراقنوسقردیون، ۸۰ ۹۸
سالينوس قيفاؤن، ۲۵۴	روبیاس، ۱۸۹	دورقنیطون (رومی)، ۲۳۰	دراقونطیون، ۲۷۳
سالينون ايمارش، ۲۵۴	روبيان، ۱۵۵	دوقس، ۱۱۸	دراقیطن، ۲۷۳
سالينون ريفان، ۲۵۴	روپیه (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۳۰	دُوقُس، ۱۴۸	دراقیطون، ۲۳۰، ۲۷۳
سيرن ريدن	روپید روسی.	دو فس ۱۱۸۱	درافیطون، ۱۱۱۰ ۱۲۱

شميلَقْس، ١٩٠	سقردیون براسن، ۸۰	سطراطیوس ماریوس، ۱۱۰	سالينون قيفون، ٢٥٣
سميلقُس، ٢٠٠	سْقَلبْياس، ۲۴۵	سطراطيوطس، ۱۷۱، ۲۸۰	ساليون، ٢٥٣
سميلقس، ٢٧١	سقلیباس، ۲۴۵	سَطْراطِيوطُس، ١٧١	سامون، ۸۶
شميلَقس، ٢٧١	سقوس، ۱۲۶	سطرخنوس، ۲۴۹	سایر (رومی)، ۲۱۳
سنبريون، ۱۱۶	سقُوفْنذريون، ١٥٧	شطُروبيلو، ۱۹۷	سبنيرة (اندلس - لاتين)،
سنبل اقليطي، ۱۷۸	سقوقنريون، ۴۹	ســـطروثيون، ١٧١، ٢٠٧،	۱۸۵
سندريطس، ۱۱۴	سقولوفندرو، ۱۱۹	754	سپارک (فرنگی)، ۲۹۷
سَنْدَريطُس، ۱۷۸	سقولوفندريا، ۴۹	سطروخنس، ۲۴۹	ستُخادِس، ۴۷
سَنْدَريطِس، ۱۷۸	سقُولُوفَنْدَريون، ۴۸	سطروخنس فِنجوش، ۲۴۹	ستوخس (رومی)، ۴۷
سندريطس آخر، ١٧٩	سقولوفندريون، ۴۹، ۱۱۹	شطروخُنُن البستاني، ٢١٥	سجوميس، ۴۳
سَنْدَريطساخر، ۲۵۷	سقولوفنذريون، ۲۷۱	سطروخینس، ۲۴۹	سخس، ۴۳
سندریون (رومی)، ۹۳	شقولوقندريون، ۴۹	سطرومیون، ۱۷۱	سَخورْيون، ۱۷۳
سنلتجي (لاتيني)، ۲۹۴	سقولومس، ۱۱۴	سَطرونيون، ۱۷۱	سْخُونُس لَيّا، ٥٠، ١٧٥
سنو، ۱۹۲	سَقَوْلُومُس، ۱۱۴	سطوبی، ۴۶	سخيس، ۴۳
سوسانفوسوخيوس، ۴۸	سقولوموا، ۱۱۴	سطوسا، ۱۸۴	سخینس، ۲۸۲
سوسنین (رومی)، ۱۸۰	سقونيون، ۱۹۱	سعبر، ۱۶۹	شخِيْنُوس، ۴۳
سوکی فینون (رومی)، ۲۳۳	سْقىلاً، ۴۹	سغابينون، ۱۷۳	سخينوس، ۲۸۲
سَولان، ۱۸۱	سککن، ۳۰۰	سَفادیکُس، ۱۷۲	سخيونس، ۴۳
سولنجان، ۵۳	سلاطم (لاتینی)، ۲۱۴	سفارغانيون، ۲۰۷	سخيونس الأجامي، ٥٠
سوناخيوس، ۴۸	سلدهری (لاتینی)، ۲۵۳	سْفُذُوليون، ٢٥٩	سرابيون، ۴۶
سيدريطس آخر، ١٧٩	سلری (فرنگی)، ۲۵۳	سفرطس، ۱۳۴	سربنطین (فرنگی)، ۲۷۳
سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴	سلفيون، ۶۵	سْفَرْغانيون، ١٨١	سَرْفَغْلِين (رومی)، ۶۶
سیساریون، ۱۸۱	سِلْفِيون، ۶۵	سفلاريقون، ۲۴۳	سرونمارون، ۲۰۸
سیسالوش، ۶۵	سلقيون، ۶۵	سفليون، ۴۹	سرینه (رومی)، ۲۰۹
سيساليوس، ١۶٧	سلينون، ٢٣٥	سفندوليون، ۲۰۴	سساليوس ابتونيقون، ١٥٥
سِيساليون، ١٨١	سمرنا، ۲۷۷	شفوذلوس، ۱۳۸	سساليون، ۲۴۸
سيساليون، ۲۴۸	سمرنيون، ۲۵۴	سفوس (لاتيني)، ۱۲۹	سَساليون (رومی)، ۶۵
سَیْسَامُن، ۱۷۶	شمُزنیون، ۲۵۴	سَفيدِليون، ۱۷۲	ششرم، ۱۸۲
سیسامون (رومی)، ۱۷۶	سمرينيون، ۲۵۴	شقارْطاغانْيون، ۱۸۱	ســطاخيس، ۱۷۱، ۲۳۱،
سيسامويداس الكبير، ١٠١	سمسخون، ۲۷۹	سقاون (رومی)، ۴۱	777, 127, 697
سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴	سَمْسَق (رومی)، ۲۷۹	سقرابیدیداس، ۲۰۴	سَطاخينُس، ۱۷۱
سیسَنْبرون، ۱۸۲	شَمْفُوطُ آخَر، ۱۷۶	سقرابيويداس، ١٥١	سَطارِيون، ١٧١
سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶	شَمْفُوطُن بَطْزاؤن، ۱۷۶	سقراطيون، ۲۴۳	سطاريون، ۲۶۹
سیسنبریون، ۱۸۲	سمفوطن آخر، ۱۷۶	سقراغانيون، ۱۴۶	سطاغونس، ۲۶۶
سيسَنْبَرْيُون، ٢٣٥	سمفوطن بطرا، ۲۷۴	سقربیون، ۲۰۲، ۲۰۴	سطاليون، ۲۸۰
سیطرمنون، ۳۴	سَمْقُوطُن، ۱۷۶	سقردونواس، ۸۰	سطانیق، ۱۲۶
سيفافيطوس، ٣٣	سمون، ۸۶	سقردین، ۹۸	سطانیون، ۲۱۹
سیفروس (رومی)، ۲۶۳	سميقلس، ۱۷۶	سقْردين، ۲۸۳	سطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹

طَوْمَنْشُس، ٨١ طابلیدیون (رومی)، ۱۸۳ ششپیاز (رومی)، ۲۲۲ سيقا، ۹۶ طُرْنَسول (اندلس)، ۹۵ طارطقة (اندلس)، ۲۷۶ ششتُره، ۲۶۲ سیقاموری، ۱۰۵ طروبليوس، ۱۱۸ طارطَلقُه (لاتيني)، ۲۷۶ شَطْرية (لاتيني - اندلس)، سيقُس ايماروس، ٢٣٣ طروبيلس، ۱۱۸ طالسفر، ١٩٩ سيقوس اغريوس، ١٢۶ طروبيلش، ۱۱۸ طالون (رومی)، ۳۵ شطی رکس، ۵۳ سيقوس پيقرا، ۱۲۶ طباظ، ۲۱۰ شْقُرْذِين، ٩٨ طروبین، ۲۴۸ سيقوموروس، ١٥٧ طُبّاق (لاتيني اندلس)، ٧٧ طريبُله، ۲۹۱ شقواصة (رومي)، ۴۶ سیقوموری، ۱۰۵ طبق، ۱۷۳ شقو شینا، ۲۳۳ طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳ سیلن، ۲۵۴ طَخْش (لاتيني)، ١٩٠ طريدليون، ۲۴۸ شكونيا (رومي)، ۵۵ سیلنا (رومی)، ۲۵۳ طريفل (اندلس)، ۲۰۳ طرابنثیوس (رومی)، ۸۱ شلباش (لاتيني)، ۲۱۸ سیلهین، ۲۷۱ طريفلم اورانم (لاتيني)، طرابنیٹوس (رومی)، ۸۱ شلشفين، ۱۰۶ سین، ۱۸۲ سینبی، ۱۳۰ طراخيس، ۱۲۶، ۱۷۳ شمار (رومی)، ۱۵۲ سينون، ۲۲۰ شمُرنا، ۲۷۷ طریفلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۹۱ طراغافیثا، ۲۵۱ طِريفُكُن، ۲۰۳ شميت مورس (لاتيني)، طراغاقانثي، ۲۵۱ سيو (فرنگي)، ۱۸۲ طريفُلُن، ٢٠٣ طراغاقنثا، ۲۵۱ سیون (رومی)، ۲۳۵ 197 طراغاقَتْثا، ۲۵۱ طريفلون، ١٥٥ شَنْتالَه (لاتيني)، ۶۳ شاتِ ردجُه، ۲۷۹ طریفوس (رومی)، ۱۶۷ طراغوبوغن، ۲۰۱ شتله (اندلس)، ۶۲ شاطرج، ۱۹۳ شاطوريون، ١٣٥ طريفولون، ١٢٥ طراغوثن، ۲۰۱ شُنْکار، ۳۸ شاكهبانته (لاتيني)، ۱۷۳ طریفولون (رومی)، ۱۱۸ طراغوريغاس (رومي)، شنون، ۱۹۲ 779 شوصرا، ۲۴۷ شالبين أغريون، ٢٥٠ طريفولين، ۱۰۷ طريفوليون، ٩٣، ١٥٢، ٢٠٣ طراغوس، ۲۰۱ شالبيّه (لاتيني)، ۶۰ شيريون، ۱۴۵ طريفوٺيون، ٩٣ شالِبْيه (لاتيني)، ۲۶۸ شیلرو، ۱۵۷ طراغون سقربيون، ٢٠١ طريفوليون، ٢٠٣ شالبية، ۴۸ طراغيس، ۱۷۴ شيون (رومي)، ۵۵ طريفيلون، ۶۰ صاغابينُن، ۱۷۳ طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲ شاهسبرم (رومی)، ۵۹ طِريقُقُن، ۱۶۲ صَرْقُوقُلُا، عُمْ طراغيون، ۱۸۶ شبکنه (فرنگی)، ۱۹۱ طَريقوليون، ٢٠٣ طَراغِيُّون، ۲۰۱ صرقوقولا (رومي)، ۶۶ شبوقه (لاتيني)، ۱۳۸ طرينخومانس، ۲۵۷ طراغيون آخر، ٢٠٢ شبّوقة (رومي)، ۱۳۸ صریس، ۲۷۳ طرافلون، ۲۰۴ طریون (رومی)، ۹۳ صَطْقَطى، ٢٨٤ شبيطه (لاتيني)، ۱۷۶ ططریوغنون (رومی)، ۲۹۴ طراقافيا، ۲۵۱ شبيطة (لاتيني - اندلس)، صعتروس، ۱۹۵ طفسقويون، ١٩١ صمصوخن، ۱۱۳ طرامنیٹوس (رومی)، ۸۱ طفنيقوس، ١٩١ طرخشوق، ۲۹۸ شجر اوسیتا، ۱۹۳ صْمَصُوخُن، ۲۷۹ طلافيون، ٣٧ طُرْذِيلُن، ۱۸۲ شجرةالجِلْتيت، ٥٥ صنجیس، ۴۸ طورنَه شول، ۹۵ طرغولیطوس (رومی)، ۲۷۸ شَخْفراغثه (لاتيني)، ۲۴۳ صَنْخيس، ۲۹۶ شرّاليه أشنش، ٣٠١ طورنه ماطِرْس، ۲۸۳ طَرْفَريدُس، ۲۰۲ صنخيس، ۲۹۶ شراليه (لاتيني - اندلس)، طوطاق غريون، ١٢٣ طَرْفُولُس، ۲۰۳ صنفور، ۲۷۱ طوطلون (رومی)، ۱۷۴ طرفیلون، ۶۰ صیصاموغریون، ۱۳۳ طُوطُن، ۱۷۴ طرفيوس، ۱۶۰ صیکه (رومی)، ۹۶ شرّاليةالحمار (اندلس)، ۲۹۸ طوفريوس، ۲۰۴ ضيموطوس، ۲۳۰ طرکسیمی (رومی)، ۲۹۷ شرباتش (لاتيني)، ۲۱۸

طوفسس، ۴۳	غلوقيريزا، ۱۸۰	فافا (رومی)، ۷۳	فَرْثانْيون، ۵۸
طوفوريوس، ۲۶۰	غلوقیزیا، ۱۸۰	فافس، ۸۱	فَرْسِساآ، ۲۶۶
طوقریوس، ۲۰۴	غلوقيون، ۲۷۶	فاقوس، ۲۰۷	فرسطاريون، ٧٣
طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	غلوکس، ۲۲۱	فالنجيطس، ٢٢٣	فرسطاليون، ۱۵۶
طوماغا، ۲۰۸	غلياون، ۵۳	فالنجيقُن، ٢٢٣	فَرْسِياا، ۷۶
طومقرون، ۲۴۶	غلیجن، ۲۲۹	فالِنْجِيْقَن، ٢٢٣	فرسیون، ۲۸۰
طيرنَه، ۲۰۴	غليجن أغريا، ٢٢١	فالنجين، ٢٢٣	فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲
طیفی، ۲۰۴	غَليخُن، ٢٢٩	فاليريس، ۲۲۳	فرفیون (رومی)، ۹۳
طیلافیون، ۱۱۸، ۲۰۴	غليخن أغريا، ٢٢٩	فالينوس، ١٨٣	فَرْمِيوس، ٢٢٥
ظریفلن، ۱۳۵	غلیشن (روم <i>ی</i> )، ۲۲۹	فالْيورُس، ۱۶۸	فریغلیون (رومی)، ۲۴۹
عاربسا (رومی)، ۲۵۵	غْلِيقيسيدَى، ٢٢٣	فاليورس، ١٨٥	فرينون صواسنين، ٧٠
عرذی اکهر (رومی)، ۲۶۰	غنابليان، ۲۲۶	فاليُورس، ٢٢٣	فسطاريون، ۱۵۶
عرصمودون، ۲۳۷	غنافاليون، ۲۲۶	فالُيورُّون، ۱۶۸	فَسْغانيون، ۱۴۶
عليجن، ٢٢٩	غْنافَلْيان، ۲۲۶	فاناقس ابراقليون، ١٠٠	فَسْغانْيون، ۱۸۱
عمرود (لاتينى)، ۲۵۳	غنافَليون، ۲۲۶	فاناقس اسفينوس، ٢٢٣	فسليون، ٧٨
عنقلی، ۱۸۹	غنطیانی (رومی)، ۱۰۶	فـاناقس أسـقلبيوس، ١۶۵،	فْسُلِّيون، ٧٨
عنقیلی، ۱۸۹	غُنْغيلي، ١٨٩	774	فْسُودُودِقْطَمْنُن، ۲۸۱
غاالونيس، ٢١٩	غُنْقىلى، ١٨٩	فاناقس أيراقليوس، ١٠٠	فْسودودِيقطامْنُن، ٢٨١
غارانيون، ٣٧	غنکیلی (رومی)، ۱۸۹	فاناقَسَ أَيْرُقُلُيون، ١٠٠	فسودوديقطامين، ۲۸۱
غارنیون، ۲۱۸	غُوْذَيالُه (لاتيني)، ٢١٠	فاناقس خمرونيون، ٢٢٣	فسوشي ليون (رومي)، ۸۹
غاریقون، ۲۱۸	غینغیدیون، ۱۸۳	فــاناقس خــيرونيون، ۲۲۳،	فسولن (روم <i>ی</i> )، ۲۷۱
غاغالُس، ۲۱۹	فابا (رومی)، ۷۳	747	فسيالانه، ٥١
غالارتون، ۲۱۹	فابش القبطى، ٧٣	فانقراطيون، ۲۴۳	فشاشیش (رومی)، ۱۹۸
غالِبَة (لاتيني)، ٢١٥	فابَشُ اليوناني، ٧٣	فانقوس، ۲۶۲	فصولیا (رومی)، ۲۷۱
غالَسِير، ٢١٩	فابش یونان <i>ی</i> ، ۷۳	فاوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳	فطاريقا، ۴۹
غالُّه جَاقُه (لاتيني)، ١١٨	فابلص، ۸۳	فاورسیون (رومی)، ۲۳۳	فطراساليون، ٧٨، ٢٥٣، ٢٤١
غالّه قْرَشْتَه (لاتينّي)، ۱۷۸	فَابَهٔ (لاتینی)، ۷۳	فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵	فَطْراساليون، ۲۲۶
غاليبسس، ۲۱۹	فادرونی (رومی)، ۲۵۶	فایوقی (رومی)، ۱۹۶	فطریون (روم <i>ی</i> )، ۵۴
غالِيون، ٢١٩	فاراليون، ١٣٤	فباواریس، ۱۵۱	فغلاسينوس، ٢٢٧
غاليون، ٢١٩	فارستاريون، ۱۵۶	فتحوريون، ۲۹۷	فغلامينوس، ٧۴
غانافلیان، ۱۴۸	فارسطاريون، ۱۵۶	فِرااسُن قافالوطُن، ۲۵۲	فغلون، ۲۵۷
غَـــرْغَنيته (لاتــيني)، ٢٣١،	فارشطاريون، ۱۵۶	فراسيا، ۲۶۶	فغوس (روم <i>ي</i> )، ۱۶۷
777	فارُسطازيون، ۱۵۶	فراسين، ۲۲۴	فغيلاموس، ٧۴
غرنیواس، ۲۳۸	فارس ناريون، ۱۵۶	فراسينا، ۲۵۲	فڤلیس، ۲۹۵
غریزا (روم <i>ی</i> )، ۲۴۶	فارقلومانن، ۱۶۰	فراسیون، ۲۸۰	فُقْلامينوس، ٧٥
غَلجن، ۱۰۵	فارنوخیانا، ۱۱۸	فرافیون، ۵۰	فقلامينوس، ٢٢٧
غلوقريزا، ۱۸۰	فاسیلس، ۵۴	فراوليون، ٧٩	فقلامينوس آخر، ٢٢٧
و ریر غلوقی، ۲۷۶	۔ فاسیلون، ۵۴	فربیون (رومی)، ۲۲۴	فُقْلامينوس اخر، ٧٥
G J	<del>-</del> J.	<u> </u>	, , , ,

	قازوا، ۲۵۶	\ <b>+</b> a :	
قربوله (لاتینی)، ۲۶۶		فورينه، ۱۴۹	
قرثارن (رومی)، ۱۸۷	قارواباسليقا، ۱۰۶	فوريون، ۲۵۷	
قَرْثِي، ۱۸۷	قاروانا، ۲۵۶	فوضوفش، ۱۹۸	
قرحا، ۲۰۹	قاریا، ۱۰۶	فوطینوس (رومی)، ۲۲۴	فقیص، ۱۸۳
قردامن، ۱۱۵	قاریباسلقا، ۱۰۶	فوفیلاطینوس (رومی)، ۷۴	فکتلمن، ۴۴
قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵	قاطاننقَی، ۲۰۵	فوقادانُن، ۳۰۰	فکی (رومی)، ۲۰۷
قردامومون، ۲۳۵	قاطاننقی، ۲۳۲	فوقاذانُن، ۷۴	فلار، ۳۵
قردامون، ۲۳۵	قاطانیقی، ۲۳۲	فوقاذاین، ۷۴	فَلاقِينُس، ۶۶
قردامینن، ۱۱۶	قافلا (لاتيني)، ۷۶	فُوقُس البحرى، ٢٠٠	فلاوس (روم <i>ی</i> )، ۲۴۰
قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶	قافنون (رومی)، ۲۶۲	فوله، ۲۲۸	فلوریقا (روم <i>ی</i> )، ۱۹۶
قِرْدِمَانا، ۲۳۵	قافنیس (رومی)، ۲۶۲	فوليون، ۱۰۳	فلورينه، ۱۴۹
قُردمانا، ۲۳۵	قاقالیا، ۸۲	فُولْيونِ (رومی)، ۱۰۳	فلوسطیون (رومی)، ۱۰۴
قَردمانا، ۲۳۵	قالاس، ۲۴۰	فونُقُس، ٩١	فلوغوناطُن، ۲۱۰
قردمانی، ۲۳۵	قالاض، ۲۴۰	فياقيدنوس، ١٥٢	فلوقرنیا (رومی)، ۲۳۷
قردمون، ۱۱۵	قالامَنْتي، ١٩٨، ٢٢٩	فیخیون، ۱۱۹	فلوماین، ۱۸۵
قرذاليوم، ۱۱۴	قاليورس، ۶۱	فيغانُن، ١١۶	فلومس، ۲۳، ۹۰
قَرْذَنالُه (لاتيني)، ٤٣	قـــاماريون (رومــی)، ۲۳۱،	فیغانن، ۱۶۷	فْلُومُس، ۹۰
قرسطاریون، ۱۷۱	747	فیغانُن، ۱۶۸	فلومس مُقْرِّن، ۶۰
قرسيون، ۴۷، ۱۵۱	قانَش، ۲۵۹	فيغانن اغريون، ١۶٧	فليمن، ۵۷
قرصیناثا (رومی)، ۶۵	قانيوس، ۱۸۳	فیغروا، ۱۲۵	فليورش، ۲۱۴
قرفلون (روم <i>ی</i> )، ۲۳۸	قبارس، ۲۵۰	فیغس باطس، ۲۵۰	فناغيوس، ٢٥٧
قِرْقا، ۲۰۹	قبارومبدوس (رومی)، ۲۴۵	فيغن اغريون، ۲۳۶	فنجبون، ۱۷۱
قرقسیون، ۲۳۸	قباریش (روم <i>ی</i> )، ۲۵۰	فيقس، ۱۲۶	فنطافلون، ۸۸، ۱۵۲
قرمیدیا، ۸۰	قبّاسه، ۱۵۳	فِيلُورَا، ۱۱۲، ۲۰۶	فنطافیلن، ۴۱
قرنبا، ۲۵۵	قبسطليه، ۵۴	فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱	فنطافيلون، ۸۸
قْرَنْبا، ۲۵۶	قثیون، ۱۹۱	قابانیقی، ۲۳۲	فنقراطيون، ۲۴۳
قرنبا انمارُس، ۲۵۶	قدرومیلا، ۴۰	قاذارُش، ۱۵۳	فنيفس، ۲۳۶
قُرُنباد، ۲۵۶	قرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قاراطیا، ۱۳۲	فنيفساغريون، ۲۳۶
قرنبو، ۲۵۵	قرادمن، ۱۱۵، ۲۳۵	قاراطیطس، ۶۷	فَنَيْكُسُ، ٩٥
قُرنبی ایمارس، ۲۵۶	قراسیا، ۱۱۳	قاراطيطُس، ۱۳۴	فُق، ۲۲۸
قرنوس، ۱۲۴	قراسیا (رومی)، ۲۳۴	قاراماون، ۸۰	قو، ۲۲۹، ۲۸۸
قرنوس (رومی)، ۲۰۸	قراسيون، ۲۴۹	قارًباسَيْلقا، ١٠٧	فوباروم (فرنگ <i>ی</i> )، ۲۲۹
قَرْنُونُش (لاتيني)، ٢٣٥	قُراصِياً (رومی)، ۲۳۴	قارًبانيطيقا، ١٠٥	فوباکینوم (فرنگی)، ۲۲۹
قرني أغريا، ۲۵۶	قُراطاغونن، ۱۲۶	قارسطاريون، ۱۵۶	فودیاسایس، ۳۰۰
قروص، ۶۵	قراطیا، ۱۳۲	قارسون، ۲۴۹	فورا، ۱۲۶
قروفا، ۲۳۷	قرانياً، ۱۶۳، ۲۷۸	قارطیا هندی، ۱۴۰	۔ فورٹرون، ۲۰۵
قُروقُس، ۱۶۳	قرانیا، ۱۶۳	قارنوخيا، ۱۱۸	فورثون، ۲۰۵
قُرُوْقُس، ۱۶۳	قربانیون، ۵۸	قارو، ۲۵۶	فورُس (رومی)، ۱۲۶

قولی طولی، ۲۵۶	قنطوریون (رومی)، ۲۴۶	قفروس، ۱۳۳	قَرومْیان، ۸۱
قوماروس، ۲۴۱، ۲۴۲	قنطوريون طرمقرون، ۲۴۶	ققلامینس، ۲۲۷	قرومیدیا، ۸۰
۔ قوماریس، ۲۴۲	قنطوريون طُولْبطون، ۲۴۶	ققومیلاس، ۴۱	وری د قریدی (رومی)، ۱۰۶
قوماليون، ۲۴۷	قنطوريون طوليطون، ۲۴۶	ققیس، ۲۱۱	قريطيقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴
قوماورس، ۲۴۲	قنطوريون طوماغا، ۲۴۶	قَقِيس، ۲۱۱	قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸
قومنون باسيلقون، ۲۸۹	قَنْطُوريون طوماغا، ۲۴۶	قلارسيس، ۱۸۴	قرینوس، ۷۰
قومیا (روم <i>ی</i> )، ۲۳۳	قنطیانی (رومی)، ۱۰۶	قلامُس أرُوماطيقس، ٢۴١	قرینوس (رومی)، ۱۸۰
قومينون انتونيقون، ٢٨٩	قنقهر، ۲۴۷	قُلْخيقُن، ١٨٠	قْرِينوضواسِينن، ١٨١
قومینون (رومی)، ۲۶۲	قنيقوس، ۲۳۶	قَلْسوفُودِيون، ٢٤٣	قُرُيوله(اندلس)، ۲۶۶
قُومْيون، ۴۵	قوالن (رومی)، ۷۹	قُلْقاس، ۳۴	قُرُيولَه (لاتينى)، ۲۶۶
قُونْس باطُس، ۲۹۴	قوامس (رومی)، ۷۳	قُلقاس (روم <i>ی</i> )، ۲۴۳	قسادق، ۲۶۷
قونوس (رومی)، ۱۹۶	قوتقس، ۹۱	قُلُنْبارس، ۲۰۴	قسارت، ۲۶۷
قُونيزا، ٧٧	قوثيرا، ١٩٩	قُلُنْبارِش(لاتيني)، ۱۵۶	قستوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷
قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷	قودونياميلانا، ١٧٢	قلنديرله، ۶۰	قِسْتُوس، ۲۶۵
قونیون، ۱۹۱، ۲۸۶	قورِس، ۲۹۸	قلودیقی (رومی)، ۱۹۶	قسخروطون، ۲۳۹
قویارس (روم <i>ی</i> )، ۷۳	قوروقوس، ۱۶۳	قلوغيطون، ۱۹۶	قسطانیا، ۸۶
قیبارس، ۱۷۱	قورونُفس، ۱۵۵	قلوفيا، ٢٣٧	قسطرن، ۸۷
قِيبَأًا، ۱۰۸	قوریانون، ۲۵۷	قلوماثي، ۴۶	قَسْطَرون، ۲۳۹
قيبوطيسرون، ۲۶۳	قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷	قلومانن، ۱۸۵	قسطريون، ۸۷
قیخوریون، ۶۳، ۲۹۸	قوسطاريون، ۱۵۶	قْلومانُن، ۱۸۵، ۲۴۴	قسطس، ۲۳۹
· قیسوس (رومی)، ۲۱۱	قوطس، ۲۴۰	قُلْوْمَايُن، ۲۴۴	قُسْطُس، ۲۳۹
قیطس، ۳۱، ۳۵	قُوطُليدُون، ۲۴۷	قُلومُس، ۲۴۴	قُسْطل (روم <i>ی</i> )، ۸۶ ۸۷
قیفارس، ۱۷۱	قوطُليدون،۲۴۷	قلومش، ۳۳	قَسْطنه (رومی)، ۸۷
قيفر، ٩٥	قوطوليدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹	قلیماصیس، ۲۴۱	قسطوريون، ۸۷
قيفرس، ١٢٥	قوطوليون، ۲۳۴	قلينوفوديون، ۲۴۳	قسطوس (رومی)، ۲۳۹
قیفروس، ۱۲۵	قوفی، ۴۴، ۲۴۷	قِمیص، ۶۷	قسنثانس، ۲۶۶
قيفوس، ١٣٣	قوقالس، ۲۴۷	قنابس، ۲۴۵	قسوس، ۲۶۶، ۲۶۷
قيفهيمالون، ٢۴٥	قُوقاميلا، ۴۱	قَنَابَش، ۱۱۲	قِسِیّ، ۱۹۰
قِيفُيُن، ١٧٨	قوقاميلا، ٢١٧	قَنَابش، ۲۴۵	قِسِّيا، ۱۷۴
قیقاوس، ۱۳۳	قولوریون (رومی)، ۷۹	قنابش أغريون، ١١٢	قِسّيا، ۲۳۹
قَيْقَمُن، ۱۷۸	قولوقنثا اغريا، ۱۲۶	قنابوس، ۲۴۵	قسینی (لاتینی)، ۲۶۶
قَيقَهَر، ۲۴۷	قولوقونثا (رومی)، ۲۳۷	قىاليون، ۲۴۸	قَشْتَنْيُولَه(لاتيني)، ۱۸۰
قیقهن، ۲۴۷	قولوقونطس، ۲۳۷	قنامومُن، ۱۴۱	قشطل (رومی)، ۸۷
قیقی، ۱۳۳	قولوقینس(لاتینی)، ۱۲۶	قَنَامومُن، ۱۴۱	قطولی، ۲۴۷
قیقیس، ۲۱۱	قولومینس، ۱۵۳	قنخروس، ۱۴۳	قطییداوس، ۲۳۲
قيموطمشور، ۲۳۳	قولی اغریا، ۲۵۶	قنطادوس (رومی)، ۲۳۶	قعالا (روم <i>ی</i> )، ۱۵۳ -
قیمینن اغریون، ۲۶۲	قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶	قنطس، ۲۲۶	قفااً، ۱۰۷
قيمينون أغْرِيون، ٢۶٢	قولی ایماروس، ۲۵۶	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۷۴	قفالیا، ۲۴۹

لُوسِيماخِيُوس، ٢٧٢ لاغوبن، ۲۶۵ كمافيطوس، ٢٠٧ قينَهر، ٢٤٧ لوسيماخيُوس، ٢٧٢ كُمافيطوس، ٢۶١ لاغوبُن، ۲۶۵ قیوفارروس (رومی)، ۱۷۱ لوطس، ۲۹۱ كمالايا (رومي)، ٢٧٥ کافافلوس (رومی)، ۱۲۶ لانطوفوديون، ۲۶۶ كماليون، ١٢٨، ٢٢٤ لوطس اغريوس، ٢٩١ کاکره (رومی)، ۲۰۵ لاورس (فرنگی)، ۲۱۸ كالدم ارمانك (فرنگي)، لوطس طوماغا، ۲۹۱ لاونطوباطلن، ۲۵۸ کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲ لوطوس، ۸۰ ۱۲۵، ۲۷۲ لَبارْذَه (لاتيني اندلس)، ٧٧ کُمْکُوت (فرنگی)، ۲۶۲ لوطوس اغريوس، ١٢٥ لَباشتر، ۲۶۶ کملاون(رومی)، ۲۴۸، ۲۷۵ کالیدونیون (رومی)، ۲۰۸ لبليس فرسن، ۲۴۳ لوطوس أغريوس، ١٢۶، کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰ کتانی (رومی)، ۲۴۵ لبيانوا، ٢۶٣ کناریون (رومی)، ۱۱۲ كَتَبْتُه، ۲۵۱ اشوهيرمرطيس (رومي)، لوطوس سكرار (لاتيني)، کنخرن (رومی)، ۱۰۰ کثاة، ۱۰۲ کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰ کذونی (رومی)، ۱۷۲ کراسیا (رومی)، ۲۳۴ لوغس، ۴۱ لَخْتيرواله (لاتيني)، ۲۱۹ کنطینوس، ۱۰۴ لخنيس، ۱۳۲، ۱۴۰ کنکریس (رومی)، ۱۱۴ کرتوپس (فرنگی)، ۱۵۵ لوغيوس (رومي)، ۴۱ کوامس (رومی)، ۷۳ لَخْنيس، ۲۶۸ کَردُمانا، ۲۳۵ لوفطيون، ۲۶۰ لُخنيس اغريا، ۲۶۸ كوپركيسو (لاتيني)، ۲۵۲ کردموم (فرنگی)، ۲۳۲ لوفقطوش، ۱۳۹ لُخنيس الاكليلة، ٢۶٨ كــوكرس انـديكريس کرزش (رومی)، ۱۰۳ لوفو سقردين، ٩٨ (فرنگی)، ۲۸۷ لوفینیقی (رومی)، ۷۱ لخنيس أغريا، ٢۶٨ کرکسن (رومی)، ۱۰۷ کوکوابرس (فرنگی)، ۲۳۴ کرمینون، ۲۶۲ لوفيون، ١٢٠، ٢٤١ لخينس، ۱۶۸، ۳۰۱ لدان (فرنگی)، ۲۶۵ كومينون، ۲۶۲ لوقا، ۱۲۷ كروياي (لاتيني)، ۲۵۶ لزموش (رومی)، ۱۹۵ کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳ کست (فرنگی)، ۲۳۹ لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸ كسفيون، ۱۴۴ لوقاقانسی (رومی)، ۷۱ لسورسطس، ۱۳۶ کیبارس، ۱۷۱ لطوس، ۲۸۶ لوقاين، ۱۴۰ كَيْخُرُس، ١٠٠ کسنین (رومی)، ۱۱۹ لِغُس، ۴۱ کیدونی، ۲۶۱ کسیفیون، ۱۴۶ لوقبسوس، ۳۷ لُو قَبْسون، ٣٨ کیرانس (رومی)، ۷۳ ځسیفیون، ۱۸۱ لفيديون، ١٩٣ لكونس (لاتيني)، ٢٤٥ لوقیقتنی (رومی)، ۷۱ کیطروناکوس (رومی)، ۲۳۴ كسيفيون، ۲۵۷ كسينثيون، ١٣٣ لوقيمو بذاس، ١٥٥ لنجرويلة، ٢٧١ کیکرا (رومی)، ۲۰۵ لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱ لَنْجِيطُس، ٢٧١ كيلادونيا، ۲۷۶ کشمورین (رومی)، ۲۵۸ لُنْخيطِس، ١٢٠، ٢٧١ کشوٹا، ۲۵۸ لوقيون، ١٢٠ كَينكَيط(فاس)، ٨٨ لوقیون (رومی)، ۱۲۰ لَنخيطس، ١٣٢ گلوسطقا (رومی)، ۱۹۶ کشور (رومی)، ۱۰۳ لُنْخيطِس آخر، ١٥٧ گلیسریزه (فرنگی)، ۱۸۰ كطباس (لاتيني)، ۱۸۹ لوقىيان، ١۴٠ لنخيطس آخر، ٢٧١ لاباثون، ۱۲۲ كفيشون، ٧٢ لوكرون، ۱۴۰ لوبادون (رومی)، ۱۹۳ کلتیا (رومی)، ۲۴۶ لوماين، ٢٠٥ لاثتوریدس (رومی)، ۱۰۴ لوخنيس اغريا، ۶۶ لویسطیقون (رومی)، ۲۴۸ لاثوس (روم*ي*)، ۱۳۶ كلدونيا، ۲۷۶ ليباطيش، ٥٩ لورقى، ۲۹۰ لاحاس، ٥٥ کلیلوطین (روم*ی*)، ۲۹۷ لادن، ۲۷۳ ليبانس، ۲۶۶، ۲۷۴ لورونيا، ۲۷۴ کمابیونیون، ۱۰۵ ليبانو، ۲۷۴ کمادریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰، لوره (لاتيني)، ۱۴۹ لاذينون، ۲۶۵ ليبانوطس، ۲۷۴ لوسوس، ۲۸۶ لاذيون (رومي)، ۲۶۵ لاعَرين، ٢۶٥ کمادریون، ۱۱۳، ۲۶۰ ليبانوفيلس، ۲۶۶ لوسيماخياس، ١٤٨

ملح، ۲۴۲	مرفوران، ۲۰۹	مالابثرون، ۱۶۶	ليبديون، ١٩٣
ملحتفن، ۱۷۹	مرقيرة، ١٨٧	مالاثرون، ۱۶۶	ليبنوطس، ۱۸۶
ملطیرغون (رومی)، ۲۶۹	مرور(فاس)، ۲۲۴	مالايترون، ۱۶۶	لیبیدیون (رومی)، ۱۹۳
مُلوخي، ۱۲۹، ۲۸۴	مروس (رومی)، ۲۵۲	مالثرون (رومی)، ۱۵۲	ليبيذيون، ١١٥
ملوخياً، ١٢٩	مروسیا (رومی)، ۴۴	مالسوفلن، ٧١	لِيتُسْفَرْمُن، ٢۴٣
ملونيا، ٨١	مروسیون، ۲۳۲	مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳	ليثورسطس، ١٢١
ملّیخ، ۲۴۲	مروش، ۳۴	مالیا، ۲۷۸	لیخونن (رومی)، ۱۹۴
ملیسون، ۲۴۶	مروش آقطی، ۳۴	ماليبذيون، ١٣٠	ليرون، ۲۷۴
منتَی، ۱۱۳	مَرُّويُهُ بُنْتُوشُه (لاتيني)، ٨٧	ماليسۇقُلُن، ٧١	لَيْرُونُن، ۱۸۱
منثی، ۲۹۰	179	ماليسوفُلُن، ٢٨٠	لیطفورس (روم <i>ی</i> )، ۳۵
مندبونة، ۲۸۰	مَرُّويُه بُنْتُوشه (لاتيني)، ۲۲۴	ماليطا (لاتيني)، ۲۸۰	ليفستيقونساسالي، ۲۴۸
مَنْدَراغُوس، ۲۷۰	مُرُويُه يلبوسه (لاتيني)، ۸۷	ماليطانا، ٧١	ليفطيغون، ۲۴۸
منسانیا، ۹۴	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	ماليلوطس، ٥٩	ليقُسْطيقون، ٢۴٨
مُنْطِیُدَایُون، ۳۶	مُزيافَلُن، ١١٧	ماليلُوطُوس، ٥٩	ليمون، ۲۴۲
منقوسيون، ١٩١	مريافلُن، ١٥١	مالينْثُيون،١٩٢	ليمونيون، ۲۷۴
مُنَیٰکو (سواحل زنج)، ۳۳	مریافلون، ۲۸۰	ماليون، ٥١	ليمونيهماله (فرنگي )، ۴۰
مُق، ۹۳	مريافلون آخر، ۲۸۰	مانته، ۱۱۳	لینُس بُرْمون، ۲۵۱
مو، ۲۸۷	مُريق، ۱۷۰	مَانْتَه (لاتيني)، ١٨٢	لينُس فرمون، ۲۵۱
مُؤرًّا، ٩٥	مريوت(فاس)، ۲۲۴	ماوش أوطا، ۳۴	لينُش، ۲۷۷
مورسقی، ۲۰۲	مَرُّيُه، ۲۸۰	ماه فرفین(مغرب)، ۱۰۱	لينوزسطس، ۱۳۶
موریقا، ۲۰۲	مسقینون (رومی)، ۴۱	ماه فروین(مغرب)، ۱۰۱	لينوزُسْطيس، ١٢١
موریقا (رومی)، ۲۰۲	مَسَّنالُه (لاتيني)، ۶۴	مبدکهماله (فرنگی)، ۴۰	ماثرون (روم <i>ی</i> )، ۱۵۲
موریقی، ۲۰۲	مَشْبيلُيُن، ١۶٢	مثنی، ۲۹۰	مادروپتيم (لاتيني)، ۲۲۴
موس اوطا، ۳۴	مُشْطِيه (لاتيني)، ۲۴۳	مدرةالبه (فرنگی)، ۲۶۶	ماذریوس، ۲۶۰
موسوليون، ۱۴۱	مشكطرامشيعزور، ۲۸۱	مراس، ۹۷	مارثون، ۷۸، ۱۵۲
موقوطس، ۲۲۶	مشی، ۲۹۰	مُزتَه (لاتيني)، ۳۶	مارَثون، ۱۵۳
موقولن، ۳۰۰	مصطخای، ۲۸۲	مُرْثان (لاتيني)، ۳۶	مارَثون أغْريون، ١٥٣
موقیطُس، ۲۲۶	مصطخی (رومی)، ۲۸۲	مَرَزْجون (لاتینی)، ۲۱۰	مارسیسقاء، ۳۹
موکوطیس (رومی)، ۲۲۶	مطرقال، ۲۸۲	مرساایمارس، ۳۱، ۳۵	مارسیقا، ۳۹
مولی، ۴۸، ۱۱۶	مَطْرونیه (لاتینی)، ۲۳۱	مرسلیطس، ۳۰۰	مارن، ۱۱۳
مولی اخر، ۸۵	مَطْرونية (لاتينى)، ۲۴۲	مرسنین (رومی)، ۳۱، ۳۵	مارون، ۲۷۹
مولیقنلس، ۹۸	مَقّارجة (لاتيني - انـدلس)،	مرسیا اغریا، ۳۶	مازُون، ۲۷۹
موؤس، ۲۸۶	٧٠	مرسيسا اغريا، ٣۶	ماریقون، ۱۹۱
مهیلیون، ۲۴۹	مَقدونس، ۲۰۲	مرسينا آغريا، ٣۶	ماریون، ۲۸۰
میئون، ۲۸۵	مقیفرون، ۲۶۰	مَرْسينُس أيمارُس، ٣٤	ماطَرْشالْبُه(لاتینی)، ۷۵
میدیقامیلا، ۴۰	مکّیدش (فاس)، ۵۹	مــرسينس أيــماروس، ٣١،	ماطوفيون، ۲۴۶
مَیْدیقی، ۱۵۶	مُكَنِّنَسة (لاتيني)، ۲۴۶	49	ماقر، ۱۹۹
میدیقی، ۲۹۱	ملَّاجه اقوانته، ۱۴۳	مرسینی (رومی)، ۳۱، ۳۵	مالابثرَن، ۱۶۷

ناردین أوری، ۲۸۸

وابنيتون، ۱۸۴

میدیکی (رومی)، ۱۵۶ هيوفاريقون، ٣٤، ۶٩، ٨۶ وافلایا (رومی)، ۶۵ ناردین جبل*ی*، ۲۸۸ ناردین ناروس (فرنگی)، میروقوقین (رومی)، ۱۹۲ وانيموروسقلميوس، ٢١٨ ۵۸۲، ۸۹۲ وديفرونس، ۲۴۵ هيوفاطاريقون، ٥٤ ميزيقيا، ٣٩ ۇذنىن، ۲۶۰ نارطیطس، ۵۹ میشکجان، ۳۷ هــيوفسيطيوس (رومــي)، ورساليون، ۲۵۳ نارود (لاتيني)، ۱۷۷ ميغالا فالون، ٢۴٩ هيو فقسطيداس، ۲۶۷ وسبطون (رومی)، ۱۶۵ ناطس، ۲۱۳ میغن افرودس، ۱۰۰ هيوقِسْطيداس، ٢۶٥ ميقن، ۱۳۴ وسربيلم (لاتيني)، ١٨٢ ناغيطارس طوماغا، 60 هیومافطون (رومی)، ۲۲۴ وسندی کیه (رومی)، ۲۸۲ ناغیونس (رومی)، ۲۵۳ ميقن أفْروذِس، ١٣٥ نافوس (رومی)، ۱۰۳ یابزوسیون (رومی)، ۳۹ ميقُن رُواس، ١٣٤ وقفتص، ۱۸۳ یثیون (رومی)، ۹۳ ونیریون (رومی)، ۸۰ نَجير (لاتيني)، ٩٩ ميقن افرودس، ١٣٥ يدْقَه (لاتيني)، ١٣٨ نَجيل (لاتيني)، ٩٩ ميقن رُواس، ۲۸۵ ويطس (لاتيني)، ۴۱ ميلاأس، ٩۴ هالينوطس، ٥٩ يَذُقة (اندلس)، ١٣٨ نحوفس، ۴۳ نَرْتُقُس، ۲۴۴ هبيمليون، ٩۴ میلا (رومی)، ۹۴ يرااجم (لاتيني)، ۲۶۸ يَرْبَطوره (لاتيني)، ٧٤ هذوغورون، ۱۴۳ نَرْثَقَس، ٢٢٥ میلانثیاون، ۱۹۲ هری سمن، ۹۶ نَرْ ثَقُس، ٢٥٩ ميلانثيون، ٧٠ يربطورة (لاتيني)، ٣٠٠ ميلقص طراخيا، ٢٢۶ يرْبَه أسلى (لاتيني)، ٢٠٤ هلليسفاقوس، ٥٩ نرجسينوس (لاتيني)، ٨٠ ميلُقص ليا، ٢٨٧ يَرْبه بذليره، ١٠٣ هلیقون (رومی)، ۶۸ نردین، ۱۶۶ مين، ۲۸۷ یربه دفوفه، ۲۰۵ هلیله کایم (لاتینی)، ۲۴۹ نرسیس، ۸۰ مینزارما، ۲۹۰ يَرْبِهِ دِي فِوقُه، ١٥٩ -هَلْيُونُ (رومي)، ۲۹۷ نُركسوس، ۸۰ یربه شانّه (رومی)، ۳۰۰ هوارغون (رومی)، ۵۰ نرکسوس، ۸۰ ميورسينه، ٢٠٢ ميون، ۲۸۷ يربه (شُذُ)يره (لاتيني)، ٩٥ هودیا (رومی)، ۲۶۰ نسطوس، ۲۴۰ نابطه، ۲۷۵ يُوبِه قَرَجيِّيرِه (اندلس)، ۲۹۸ هوذاسمون (رومی)، ۲۹۰ نسليون، ۷۸ نشانشه (لانینی)، ۵۶ يَرْبُه نَقيشُه (لاتيني)، ١٢١ نابطه (اندلس)، ۱۹۸ هوسفون (رومی)، ۱۶۵ ئشْقُفْنُن، ٨٩ نابلس، ۲۹۵ يرْبَة دى فويقة، ٢٠٥ هـــوفاريقون، ۶۹، ۱۴۱، نابیارش، ۱۸۹ يطااس، ۱۳۶ نو، ۲۶۸ 18. 101 نادس سَنفاريطيقي، ١٧٧ ینبر (اندلس)، ۷۲ نُوارِس، ۲۹۱ هوفسطيداس، ۲۶۷ نارتکُس، ۲۴۵ ينتون، ۱۶۷ هوف طيداس، ۲۶۷ نور مطلیه (فرنگی)، ۱۰۸ هوفقسطيطاس، ۲۶۷ يُنْكُه (لاتيني)، ٢٠٩ نوقاقيس، ٢٢٣ نارُدس، ۱۷۷ هوفیلوس، ۲۸، ۱۳۴ ناردس اقْلِيطيقي، ۱۷۸ نونياس، ۱۸۹ نونيناس، ۱۸۹ ناردوايتاليون (لاتيني)، ۱۷۷ هوفيوسقردن، ۹۸ هیدهنیگره (فرنگی)، ۲۶۶ ناردوس بری، ۲۲۸ نیریون، ۱۴۵ هیری، ۱۴۰ نيفاطوس، ۲۹۲ ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷ هیری ارشق، ۱۴۰ نيقولاوس، ٩٤، ١٨٢ ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸، نيلي (لاتيني)، ١٩٢ هیغیرس (رومی)، ۲۶۴ هيلابسقون، ۱۵۶ نیمفا، ۲۹۲ ناردين أغريا، ٢٨٨ ناردین أقلیطی، ۲۸۸ نيمفاآ، ٢٩٢ هيلانيون، ١٥٣ ناردین أورنی، ۱۷۷ هیوسقاموس (رومی)، ۸۸ نيمقا، ۲۹۲

هيوفارقون، ١٩٥

#### ۴ ـ نامهای هندی، سندی و بنگالی

بنکآسرا، ۳۱، ۳۵	بجوژه، ۴۰	امل بیل، ۵۵، ۲۵۸	آت جو، ۱۷۳
بَنْياله، ٨٩	بچه، ۲۹۳	اَمَلْ كِجائى، ٤٢	آی، ۱۷۳، ۲۰۹
ب <i>وئی،</i> ۹۰	بُدْأَة، ۲۶۰	املناس، ۱۴۰	ابرسناروا، ۱۰۷
بول، ۲۷۷	براهمی، ۱۶۱	آناس، ۶۷	ابنی هلدی، ۱۴۲
بول (بنگالی )، ۹۰	برنبهی، ۱۶۱	انبل، ۲۲۵	اًتَنْكَن، ۶۵ اُتَنْكَن، ۶۵
بولْسَرى، ٩٠	برواه، ۲۰۲	انبلی، ۹۵	اجاجی، ۲۶۲
بولو، ۱۹۵	بِرَهْتا، ۷۸	انبه، ۶۳	اجواین، ۲۸۹
بهانتانا، ۷۲	برهمی، ۱۶۱	اندراین کاپهل، ۱۲۶	اجواین خراسانی، ۸۸
بهتکتیه، ۱۱۴	بَرْياله، ۷۸	اندرجو، ۲۶۹	اجود، ۲۵۳
بهرینه، ۱۲۶	بریجا، ۷۲	اندرجو (سندي)، ۲۶۹	اخروی، ۱۰۶
بهرتا، ۷۲	بریمائی، ۲۰۲	انروله، ۱۲۲	اذرک، ۱۶۴
بهرمان، ۲۱۰	بَڙ، ٧٥	انزروت، ۶۶	ادهیره، ۳۱، ۳۵
بهطل کطی، ۲۹۸	بسکهپره، ۱۲۵	اَنْکول، ۶۷	ارو، ۱۳۹
بهکتائی، ۷۲	بسوره، ۱۶۹	انوله، ۶۲	اروی، ۲۴۳
بهلاوه، ۸۵	بشررسون، ۱۸۰	اوکهه، ۲۴۱	ارهرتور، ۱۸۳
بهنک، ۲۴۵	بصلا (سندی)، ۸۰	اونتکتاره، ۵۰	ازنید، ۱۳۳
بُهْنُكره، ٩١	بکام، ۳۱، ۳۵	اونت کتاره، ۱۸۹	آژوسَه، ۴۶
بُهوئی انوله، ۹۲	بکاین، ۳۹، ۱۱۱	آؤهير، ٣٩	اسپغل، ۷۸
بهولسری، ۹۰	بَكْبَر، ۱۴۰	اوهير، ٣٩	إشكنده، ۴۹
بهیره، ۸۷	بُکْچی، ۸۵	اهالوا، ۱۱۵	اصطرک، ۵۳
بیارانکا، ۹۲	بکّم، ۸۵	أطماط، ۵۴	اطمَط، ۵۴
بیبَل، ۹۲	بُکُن، ۸۵	أعرابي، ٨٠	اَطْموط، ۵۴
بیت، ۱۴۰	بَکْهرِینده، ۸۵	بابچی، ۸۵	اکاسبیل، ۲۵۸
بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹	بلاذر، ۶۷	بابری، ۷۱	اکر، ۲۱۶
بيره، ۲۶۲	بَلاس، ۸۵	باتو، ۱۷۰	اکرکره، ۲۰۵
بیش، ۹۲	بَلاس بابَره، ۸۵	باجرا، ۱۰۰	اکری (بنگالی )، ۲۰۷
بیکن، ۷۲	بَلول، ۸۷	باکَر، ۷۳	اکسیر، ۵۲
بیل، ۹۲	بمولتان اهری، ۱۳۰	بال چهر، ۱۷۷	اكول، ۶۷
پالک، ۴۸، ۲۴۱	بنپوتکه، ۲۴۹	بالْسَه، ۷۳	اکون، ۲۰۹
پاندروت (سندی)، ۱۴۶	بن چهتک <i>ی</i> ، ۸۹	بالک جوهي، ٧٣	اگر، ۲۱۶
پاندورت، ۱۴۶	بَنْدا، ۸۸	بانس، ۲۴۰	السی، ۲۵۰
پتپایره، ۱۸۳	بندا، ۱۳۱	بانسه، ۴۶	السي كابيج، ٢٥١
پتروتیزپاپ، ۱۶۶	بَنْدال، ۸۸	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	الوا، ۱۹۵
پتوهري (بنگالي )، ۹۳	بَنْسِتْكِي، ٨٩	بَبِيهِه، ۷۴	امرتیه، ۲۵۸
پدیهرا، ۲۲۶	بنس روجن، ۱۹۹	بتال مکهانه، ۲۸۴	اَمْژَه، ۶۲
پربی، ۱۶۱	بنس لوجن، ۱۹۹	بترح، ۱۶۱	اَمَلْ بید، ۶۲

چىپال، ۱۴۷	جورانکلی، ۵۳	ترمرا، ۱۰۲	پرنک، ۵۹
چیپژک، ۱۹۳	جوراوراج ناكهه، ۲۷۲	تسوت، ۹۳	پلپرنک، ۵۶
چیر، ۱۴۹	جوه <i>ی،</i> ۲۰۵	تکر، ۴۶	پنکهراج (بنگالی)، ۱۶۹
حادطج (سندی)، ۲۳۸	جهار، ۲۰۲	یِل، ۱۷۶	پنواز، ۱۰۴
حبّارهاری، ۷۹	جهاز قرچه (بنگالی )، ۱۱۳	تلسی، ۱۸۴	پوست، ۱۳۴
حماض املی، ۱۲۲	جهاؤ، ۴۰	تَمِرٌ، ۲۹۶	پوندا، ۲۴۱
حوان (سندی)، ۲۸۹	جيپالگوت، ۲۷۶	تنبل، ۹۳	۷۵ ،هته
خپه، ۱۲۴	جیروا (سندی)، ۲۶۲	تنبول، ۹۳	پهیلی، ۲۵۷
خروک، ۸۱	جَينَت، ۱۰۹	تُورَئي، ۹۶	پهين چهتر، ۲۲۶
خَسْ، ۱۲۳	چاکسو، ۹۴	توشير، ۱۹۹	پیپل، ۱۴۲
خُلُجان، ۱۳۷	چامْرکَهاس، ۱۰۰	توله بانس، ۱۹۹	پیپلا مور، ۲۲۸
خُلجی، ۱۳۷	چاندریل، ۲۱۰	تونبری، ۲۳۷	پيپلامول بلام، ٢٢٨
خوبکلان، ۱۲۹	چاندلىبىل، ۲۶۶	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	پی پل مول، ۲۲۸
خولنجان، ۱۰۶	چاول، ۴۴	ته توره، ۱۰۹	پیپلی، ۱۴۲
خیار چنبر، ۱۴۰	چاولائی، ۸۴	تَهكار، ٩۶	پیتهه، ۲۳۷
دارم، ۱۵۷	چاۇلْمُنْكُر، ١٠١	تهور، ۱۶۳	پیزا، ۷۵
دارمون، ۱۵۷	چتره، ۱۹۳	تیسی، ۲۵۱	پیل، ۴۳
داک، ۲۱۴	چرایتا، ۲۴۰	تیونی، ۲۹۰	پيلووجال، ۴۳
داکهه جهاز، ۲۵۵	چرایته، ۲۴۰	ثالاسفيس، ١١٥	تار، ۹۲
دالان بزرگ، ۱۵۲	چرکانا، ۱۲۲	ثوب مُبَهْرَم، ۲۱۰	تاک پتروبداره، ۹۳
دانج ابروج، ۱۴۲	چَرَوْنجي، ١٠٣	جادوبوی، ۱۰۷	تال مُكَهارا، ٩٣
دانه، ۲۰۶	چريره، ۵۲	جادیفل، ۱۰۷	تال مکهانانبول، ۹۳
داونه مروا، ۲۰۶	چَکَوتَره، ۱۰۴	جاكله، ۹۴	تالیس، ۱۶۱
دند هندی، ۲۷۶	چَکُوند، ۱۰۴	جالکری، ۲۲۸	تاليسپتر، ۱۶۱
دوئی، ۲۴۲	چَکی، ۱۰۴	جاماها (سند)، ۶۲	تامول، ۹۳
دودهالی، ۱۸۸	چنپیلی، ۲۹۹	جام بَهْل، ۱۰۰	تانبول، ۹۳
دَهار (سن <i>دی</i> )، ۴۷	چند سر، ۱۰۲	جامون، ۱۰۰	تاوه، ۱۰۴
دهتوره، ۱۰۹	چند سور، ۱۰۲	جاه <i>ی</i> ، ۲۰۵	تباکیر، ۱۹۹
دهماسا، ۱۴۸	چندن، ۱۹۶	جای بل، ۱۰۷	تبهو، ۲۴۱
دهنیه، ۲۵۷	چَنْیا، ۱۰۶	جای پهل، ۱۰۷	تتل، ۱۷۵
دهونه، ۲۴۷	چَولائی، ۱۰۹	جزیری، ۸۰	تتلی (بنگالی )، ۱۶۷
دیسندس، ۲۳۷	چونلائ <i>ی</i> ، ۸۴	جلنيل، ۲۵۰	تج، ۱۷۴، ۲۳۸
دیله، ۱۲۲	چوههکنی، ۳۴	جناماسی، ۱۷۷	تخم پنوار، ۱۷۹
ديودار، ٣٩	چهارا، ۹۴	جنجر، ۶۶	تخم چکوند، ۱۷۹
ذره، ۱۰۰	چهال کری، ۲۲۸	جنکی چنبیلی، ۲۰۵	تربج، ۹۳
رائی، ۱۳۰	چهربخفایها، ۲۲۶	جنيه، ۱۴۹	تربوز، ۸۲
راجپونکه، ۲۴۹	چهریله، ۵۲	جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹	تُربيزه، ۱۳۰
راجکیری، ۲۱۰	چهوتیمائین، ۴۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰	ترله بانس، ۲۴۰

فوذنو (سندی)، ۲۲۹	سیبیزوا (سندی)، ۲۷۰	سَرُهْنجی، ۱۷۰	رال، ۱۷۸، ۲۴۷
قالنجي، ۱۹۲	سيج، ۱۶۳	سریس (سندی)، ۱۳۷	رامتلسی، ۲۲۵
قالير، ۱۹۲	سيخ، ۵۲	سفری (بنگالی )، ۱۰۰	رای، ۱۳۰
یر قرین مو، ۲۲۸	سير آمُلج، ۶۲ سير آمُلج،	رت برسی ۱۷۳ سنگوه، ۱۷۳	رایبیل، ۱۵۴
رین ر قشوقی (سندی)، ۲۰۹	سیسنبر (سندی)، ۱۸۲	ر سک هنو، ۱۷۳	رتن جوت، ۴۰
قطوس، ۳۱، ۳۵ - فطوس	سیلا (بنگالی )، ۲۹۲	سلارس، ۲۸۶	رجله، ۸۳
قُمَيْحَه، ۲۴۴	سِینْبَل، ۱۸۲	سلغارها (سندی)، ۸۲	رُدُونَنتي، ۱۵۵
قنوبر (سند)، ۱۴۵	سیندنی (بنگالی )، ۱۴۴	سلهارس، ۲۸۶	رس، ۲۰۹
قواد (سندی)، ۲۱۴	سیهنده، ۱۶۳	سِلْهَس، ۲۸۶	رسوت، ۱۲۰
قوال سریسی(سندی)، ۲۰۹	شارَف، ۱۸۳	سِلهَه، ۲۸۶	رند (سندی)، ۲۱۸
قوتری، ۲۵۰	شتاور، ۵۶	سنبهالو، ۴۱	رنیکا، ۴۱
قولوط، ۱۲۰	شذوار (سندی)، ۸۹	سنده، ۱۶۴	روس، ۴۳
قویابصل (سندی)، ۴۹	شَريفَه، ۱۸۷	سندهی، ۱۶۴	رونا، ۲۷۹
قيرع، ۲۳۷	شسميرون، ۲۹۶	سنکاهولی، ۲۶۸	رونق الملک، ۵۹
کابیج، ۲۳۶	شکرداری، ۲۱۵	سنکپره، ۸۸	ریتهه، ۸۸
کاپنهل، ۱۴۱	شُل، ۱۸۹	سِنْکُهارا، ۱۷۹	زیرک <i>ی</i> ، ۱۱۳
کاجر، ۱۰۳	شلها (سندی)، ۵۳	سنکهاوت، ۱۴۴	زیره، ۲۶۲
کاسبیل، ۵۵	شمشير، ۲۹۶	سنکهاورت، ۱۴۴	سابیشک (سندی)، ۲۷۰
كاڭراسىننكى، ٢۴٩	شَميثا، ۴۱	سِنْکِهْبا، ۱۷۹	ساتر، ۱۹۵
کاک ماجهی، ۲۱۴	شنکر (سندی)، ۲۱۸	سوا، ۱۸۴	ساتری، ۱۶۷
کاکول، ۱۸۸	شوخدانه، ۲۰۷	سوالی، ۱۸۸	ساج، ۱۶۶
كالاكوت، ۲۴۹	شوقشمير، ۲۹۶	سوب، ۱۵۲	ساجی، ۲۴۴
كالچنگى، ۳۶	طاليسفتر، ١٩٩	سوتن (سندی)، ۵۹	سانول، ۱۶۷
کال ماچهی (بنگالی )، ۲۱۴	طاليشفر، ١٩٩	سورج الملک، ۵۹	سپاری، ۲۳۰
کالنج <i>ی</i> ، ۱۹۲	طج، ۲۳۸	سورجمکهی، ۳۴	سپنی، ۱۶۱
کالو، ۲۴۴	طوذریک، ۹۶	ســورنجان، ۵۶ ۸۰ ۲۱۲،	ستالی، ۱۸۸
كالىجهانپ، ۷۶	عسطوس، ۱۴۰	۲۷۰	ستاور، ۱۸۸
کالیزیری، ۲۴۹	عشق پیچان، ۲۶۶	سورِنْجان، ۱۷۹	سج، ۱۸۷
کانده، ۲۴۱	عصای موسی، ۲۱۰	سورَنْجان، ۱۸۰	سجی، ۲۴۴
کای پهل، ۱۴۱	عنبا، ۲۱۴	سوریا، ۴۳	سَرْپُهونکَه، ۱۷۱
کایده، ۴۹	غنغس الجارى، ١٧٧	سونتهه، ۱۶۴	سِرِس، ۱۶۹
کباب چینی، ۲۴۹	غنغيطس اشقاقا، ١٧٧	سُوَنْدهی، ۴۳	سَرساد، ۴۱
کبنهی بخفای، ۲۲۶	فانتهاری (سندی)، ۸۴	سوندهی، ۴۳	سرس (سندی)، ۱۳۷
کبیت، ۲۶۴	فاها، ۱۰۶	سَونف، ۱۵۲	سرسون، ۱۱۵
کپاس، ۲۴۲	فرسک، ۱۳۹	سوهنجته، ۲۲۷	سرکنده، ۲۴۰
کپاس کاپھول، ۲۴۲	فَطْسا، ۳۱، ۳۵	سوی، ۱۵۲، ۱۸۴	سَرُنْجي، ۱۷۰
کَپور، ۲۴۸	فلانج (سندی)، ۵۷	سَهْجُنّه، ۱۸۱	سروالی، ۷۶
کپور، ۲۶۴	فُلُوسه کُد، ۱۴۰	سياكلاتي، ١۴٠	سروق (سندی)، ۶۷

کیرکاکول، ۱۸۸	کندهیس، ۴۳	کسرافی، ۴۹	کت، ۲۳۹
کیسر، ۱۶۳	کنکنی، ۱۴۳،۱۰۰	كسمكاپهول، ۴۲	کتبیکن، ۱۱۴
کیکر، ۲۳۷	کنکون، ۱۶۳	کُشنْب، ۲۱۰ ن	.ی ن کتبیل (بنگالی )، ۲۶۴
کیکرکارس، ۲۳۷	كَنْكَهِي، ٢۶٣	كسونجي، ٢٥٧	کتپایره، ۱۸۳
کیکروبیول، ۶۲	کنکهی، ۲۸۱	کَسُوْنْدِی، ۲۵۷	كَتُرْبِيلا، ٤٣
کیل دارو، ۱۶۹	کنکهیه، ۲۶۳	کَسیرو، ۲۵۷	کتکی، ۱۳۰
کیله، ۲۸۵	کنوچه، ۲۸۰	کشول، ۴۳	کتهاجوری، ۲۵۹
کین، ۱۴۵	کنه، ۲۴۱	کفرجک، ۲۹۳	کتهل (بنگالی )، ۱۰۴
کینار، ۱۴۰	کنیر، ۱۴۵	کَکْرول، ۲۵۹	کتهه، ۲۳۹
کَیْنْتِی (بنگالی )، ۲۶۴	گُوار، ۱۹۵	كَكْرُونْده، ۲۵۹	کتیرا، ۲۵۱
کیوار، ۲۴۸	كوالهربها، ۱۷۶	ککرونده، ۲۶۱	کج، ۲۹۳
کیهر، ۲۴۸	کوبرا، ۲۲۷	ککروهن، ۲۴۱	کجور، ۱۶۱
کیّه (سندی)، ۲۸۲	کوبل، ۲۳۰	ککری، ۲۳۳	کجی، ۸۷
کیهون، ۱۲۶	كوتهمير، ٢٥٧	ککن دهول، ۲۲۶	کچری، ۱۴۴
گاورس، ۱۰۰	کوری، ۲۹۳	کلاجن، ۱۳۹	کچری تلخ، ۲۳۳
گل انول، ۱۸۲	کُوکِل، ۲۸۳	کلته، ۱۱۲	کچله، ۴۲
گل رایبیل، ۱۵۲	کوکنی، ۷۹	کلتهه، ۱۱۲	کَچْنار، ۲۵۲
گل کیوره، ۲۴۸	كوكولاوتلا، ٢٣٢	كُلْتِهِي، ١١٢	کچو (بنگالی )، ۲۴۳
گندنا، ۲۵۲	کوکهرو، ۱۱۸	کِلْز، ۲۵۹	کچور، ۱۶۱
لائ <i>ى</i> ، ۶۶	کولان، ۴۹	کلغه، ۱۲۲	کچوله، ۴۲
لال ساک، ۲۱۰	کولر، ۱۰۵	کل کنول، ۲۶۰	کددی، ۴۹
لامي، ۲۶۶	کوندل، ۷۵	کلمرچ، ۲۲۷	کدو، ۲۳۷
لايچى، ۲۳۲	کونده (بنگالی )، ۲۳۷	کل مِهِنْدی، ۲۵۹	کده پرته، ۱۲۵
لايحل مول (سندي)، ۱۷۹	كَوْنْلُه، ۲۶۴	کَلْن، ۲۶۰	کدیمه، ۲۳۷
گبنی، ۵۳	کوهن (بنگال <i>ی</i> )، ۲۹۲	کلنکور(سند)، ۱۱۱	کربخور، ۵۹
لَجالو، ۲۶۷	كَوِيْت، ۲۶۴	کلونجی، ۱۹۲	کرجاورنکوت، ۷۶
لستوپری، ۲۵۰	کهپرا، ۲۳۴	کِلُوی، ۲۶۰	كرماله، ۱۴۰
لسوده، ۱۶۷	کهجور، ۸۷ ۹۴	کله، ۶۶	کرم <i>ی</i> ، ۲۳۳
لُک، ۲۷۰	کهربیج، ۲۵۳	کُلْهار، ۲۶۰	کرنا، ۲۸۹
لَک، ۲۷۰	کُهْرپا، ۲۵۳	کلهاژی، ۱۲۸	کرنبات، ۵۴
لوبيا، ۲۷۱	کِهْرِنی، ۲۶۴	کَلْیان کاتَه (بنگالی )، ۲۶۰	کرنج، ۵۹
لونک، ۸۳ ۲۳۸	گهنبی، ۲۶۰	کلیجن، ۱۳۹	كرواله، ۱۴۰
لونکهل، ۲۳۸	کهنکالی، ۷۹	کلی قیسوس، ۲۹۸	کروکسینه، ۲۳۶
لَوَنْک، ۲۳۸	کهنکچ <i>ی</i> ، ۲۱۷	کندبتر، ۱۶۶	کروندا، ۲۵۶
لونيا، ٨٣	کهوپره، ۲۸۷	کندبیل، ۴۳	كَرَوْنَدَه، ۲۵۶
لونيه، ۸۳	کهیکوار، ۱۹۵	کندل، ۱۷۳	کززج، ۳۷
لهسن، ۹۸	کهیونی، ۱۱۲	کندمار، ۲۴۷	کژمین (بنگالی )، ۱۴۴
لیان، ۱۹۸	کیتکی، ۲۴۸	کندنا، ۲۴۷	کُستی (بنگالی )، ۲۱۴
_			

وَطه (سندی)، ۱۲۰	مهاکال، ۱۲۶	مالْكَنْكْنِي، ۲۷۶
وقواق، ۲۹۵	مَهَت، ۴۴	مامهستان، ۱۶۶
هاتورا، ۸۸	مَهْد، ۲۸۶	ماهوی دانه، ۲۷۶
هارْسَنْكَهار، ۲۹۶	مهلت، ۱۸۰	مت، ۱۷۱
هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	مهلتی (سندی)، ۱۸۰	متر، ۲۵۳
هالوم، ۱۰۲	مهندی، ۱۲۵	متر کابل <i>ی</i> ، ۱۳۷
هروهره، ۶۸	میتهی، ۱۲۱	متن هنک فار، ۱۲۱
هَرْين، ۶۸	میلتی (سندی)، ۱۸۰	مجتری، ۵۶
هست چنکهار، ۱۱۸	ميمو، ۱۷۸	مجتهه، ۲۳۰
هفت، ۱۵۶	مین بل، ۱۰۸	مدارا، ۲۰۹
هلدی، ۲۰۸	مین پهل، ۱۰۸	مدقوش، ۲۷۹
هملوِ (سندی)، ۱۱۶	ناذبود، ۱۵۹	مرج، ۲۲۷
هنسبدی، ۵۳	نارغفف (سندی)، ۲۸۸	مرچ، ۲۲۷
هنکفار، ۵۰	نارغیث (سندی)، ۲۸۸	مرچائی، ۱۱۳
هوبير، ٣٩	نارغیست (سندی)، ۲۸۸	مروانا، ۲۷۹
هوزید، ۶۸	ناریل، ۲۸۷	مَرْيْمَدهون، ۱۷۸
هیک، ۱۲۱	ناشپاتی، ۲۶۱	مری <i>ی</i> ، ۱۸۰
هیل، ۲۹۶	ناغیست (سندی)، ۲۸۸	مُسور، ۲۰۷
هین (سندی)، ۱۲۱	ناکرون، ۲۹۷	مسی، ۳۶
هینک، ۱۲۱	ناكِسير، ٢٨٩	مشکک، ۱۷۱
هینگ (سندی)، ۱۲۱	ناکفف، ۲۸۸	مکویومکوی، ۲۱۴
یکهان بید، ۱۰۶	ناککسیر، ۲۸۹	مَكَهارَه، ۲۸۴
	ناکمتر، ۲۸۸	ملهتی-حیتهیمد، ۱۸۰
	ناکیس، ۲۸۸	منبهل (سندی)، ۱۰۸
	ناکیسر، ۲۸۸	مَنِت، ۲۳۰
	نالير، ٢٨٧	مند، ۱۶۱
	نایزه، ۹۳	منطر، ۳۱، ۳۵
	نتهیمائی، ۲۰۲	موتيه، ۱۵۴
	نِربِسی، ۱۰۱	مُؤسلی، ۲۸۶
	نرنسب <i>ی</i> ، ۶۴	موفه، ۱۷۱
	نِکاچونی، ۲۹۱	موکره، ۱۵۴
	نکدبابوی، ۱۵۹	مُولَسَرى، ۲۸۶
	نل، ۲۴۰	مولسری (بنگالی)، ۹۰
	نِم (سندی)، ۳۵	مولی، ۲۲۳
	ننهىمائين، ۴۰	مون، ۲۸۵
	نیلوپهل، ۲۹۲	مونَّذَى، ۲۸۶
	وائی، ۱۳۰	مونک، ۲۷۵
	وانسه، ۴۶	مهار، ۱۷۶

## ۵ - نامهای سریانی

حمصليثا، ١٢٠	پلپلی، ۲۲۷	املک، ۶۲	آسا، ۳۱، ۳۵
حمصی، ۱۲۴	تحلی، ۱۱۵	انباتَنورا، ۶۵	آسای، ۳۱، ۳۵
حمصی دبرا، ۱۲۴	ترمسا، ۹۳	اندراسيون، ۷۴	ابروتا، ۱۹۳
حمصىليتا، ١٧٩	تریامان، ۵۴	انزروتا، ۶۶	اتبلیس، ۲۲۵
حملایا، ۲۷۵	تمرا، ۹۴	انقث الا، ٢٥١	ادم، ۱۸۰
حموعياثا، ١٢٢	تملمح، ۱۵۳	انکزانا اوکاما، ۶۵	اَذارَقی، ۴۲
حوحانیثا، ۴۱	توما، ۹۸	اوثرمسوا، ۹۳	اذوس، ۲۹۷
حوربخانا، ۱۳۰	تین، ۹۶	اوکا، ۷۱	ارانثموس، ۷۰
حوکا، ۷۱	ثوماديرا، ٩٨	اوكاماثا، ۲۲۷	ارزا، ۱۹۶
حولانا، ۷۶	جاساآکاما، ۴۱	ايليقس، ۱۲۶	ارزمی، ۲۶۰
حياثوا، ۲۶۴	جَدُوار، ۱۴۴	أكليل الجيل، ٥٩	ارزند، ۱۹۶
خردلا، ۱۳۰	جطرغ، ۱۹۳	أيلاقديشا، ۴۱	ارعاحوّرا، ۴۱
خريعا، ۲۳۶	جغثاريحثانا، ۲۷۷	بابلاياثا، ١١٥	اَرْمال، ۴۵
خطری دَغیا، ۲۱۰	حاحیاکامی، ۴۱	بابلس، ۳۳	ارمالی، ۴۵
خُفْت، ۱۶۷	حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	باقری <i>قی خ</i> نجر، ۲۱۰	ازروی، ۶۶
خفجروميثا، ۲۳۷	حبلبلی، ۲۶۶	بانورس، ۷۵	ازمایلوس، ۸۸
خمریمرجا، ۲۴۹	حُجثًا، ۱۳۲	بَرْبَخينا، ٨٢	اَسارون، ۴۶
خمساطرفی، ۴۱	حدب <i>ی</i> ، ۲۹۷	برشيقا، ١٠٧	اسخرون، ۹۶
خُنثی، ۱۳۸	حرمل، ۸۵، ۱۱۶	بروثا، ۳۹	اسطركايبشا، ۵۳
دبوقا، ۱۴۳	حُزمَل، ۱۱۶	بَرورا، ۱۰۰	اسفليغين، ۱۵۳
دتبلیغ، ۱۷۹	حروبی، ۱۳۲	بزوثا، ۳۹	اسقال، ۴۹
دُعْتا، ٨١	حزا اوکامی، ۱۸۰	بزوسیاء، ۳۹	اسکیغیلای، ۲۴۶
دعتادشغاری، ۸۱	حزازیثا دخیفا، ۱۰۷	بسباسا، ۱۱۶	اسمرنا، ۲۷۸
دعثادقرط <i>ی</i> ، ۸۲	حزوزی، ۹۴	بستقی، ۲۲۵	اصطفیلن، ۱۰۳
دعثاقورينثا، ١٢١	حشرما، ۲۹۰	بصلا، ۸۰	اصوفُورون، ۲۷۱
دعثالغنا، ۱۱۴	حصّ، ۲۹۵	بطباط، ۲۱۰	اطروغا، ۳۹
دقتا، ۲۶۴	حطارا، ۲۵۲	بَطباط، ۲۱۰	اطروکا، ۳۹
دقنادعزی، ۲۶۷	حطری راعیا، ۲۱۰	بطما، ۸۱	اغفت، ۵۴
دهنون دوذی، ۲۵۰	حلادقاصری، ۵۲	بطمتا، ۸۱	افصی، ۲۱۱
دینار، ۲۵۸	حلبادشغفينون، ١٧٣	بلابس، ۸۵	اقنتولوقاقيثادشتا، ٧١
ذرعا، ۲۶۱	حلبانيثا، ۲۴۶	بلوط ارعا، ۲۶۰	اقونطياون، ١٣٠
ذفارا، ۱۰۰	حلتيتا، ١٢١	بلوطاملكا، ۸۷	اکتر، ۹۶
رُزَا، ۴۴	حلمثا، ۱۳۶	بلوطي صقلا، ۹۴	الَّتينيا، ٢۶٢
رعاويلا، ۱۵۶	حمرادحزّوری، ۹۴	بنات مريرا، ۱۲۶	السرى، ۲۶۴
رعنادملا، ۲۲۸	حمرما، ۲۶۴	بوسینی، ۲۲۳	الفشرا، ۲۹۷
رعياديلا، ۱۵۶	حمری مرکی، ۱۲۹	بوفسافسوس، ۶۱	الميس، ۲۹۰
	- <del></del> -		<b>5</b> -

فاشار، ۲۲۲	صامریوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱،	سَقى رَغْلا، ٧٩	رَغْياذْيلا، ۱۵۶
فاشر، ۷۸	۱۵۷	سقيلا، ۴۹	رغبا، ۲۵۸
فاشرا، ۱۵۴، ۲۹۷	صامَريوما، ۱۹۴	سكفينه، ۱۷۳	رقبه، ۲۶۸
فاشَرا، ۲۲۲	صعاری، ۱۸۷	سکی رغلا، ۷۹	رقوثا، ۲۹۰
فاشِرِسْتِين، ۲۲۲	صَنْدَل، ۱۹۶	سلطاری، ۱۲۶	رُمَانا، ۱۵۷
فاشِرَسْتَين، ۲۲۲	ضروا، ۱۹۸	سلقا، ۱۷۴	رمانادبرا، ۱۰۴
فاشرستين، ۲۲۲	طبقشير، ١٩٩	سماقیل، ۱۷۵	رمانامصرینا، ۱۰۴
فاشرستين، ۲۹۷	طربد، ۹۳	شمّاقیل، ۱۷۵	رودیون، ۱۴۵
فاشرشتین، ۹۰، ۲۲۲	طربید، ۹۳	سمرنابيوطيقا، ٢٧٨	روزی، ۴۴
فرابيون، ۵۷	طريفلن، ٢٠٣	سنّتذيبي، ۵۰	رومانی دبرقویا، ۲۸۲
فرما، ۲۹۸	طماخثا، ۱۵۳	سنگبادکوکافیلون، ۴۱	ریسنا، ۱۵۳
فستقی، ۱۱۱	طمری، ۱۳۳	سورمور، ۵۵	زرع آدم، ۱۱۲
فشا، ۵۷	طواخشير، ١٩٩	سوسانی، ۱۸۰	زرع بشاشا، ۱۱۶
فشرا، ۲۵۸	طوذریک، ۹۶	سوسرخون، ۶۵	زرع بطراسلینون، ۲۲۷
فشقل، ۱۵۳	طوررا، ۱۵۱	شاباهی، ۱۸۵	زرعشامر، ۶۷
فطرياثا، ۲۲۶	ظُفْرقَطُورا، ۲۰۵	شَبطباط، ۲۱۰	زرع شخرونیا، ۸۸
فعالاً، ۲۲۳	عاقرشمعا، ٣٩	شبعاالعين، ٢۶٩	زرع کرفساد طورا، ۲۲۷
فقوشا، ۱۳۰	عرا، ۲۰۲	شبوبانا، ۱۹۲	زرقوتبا، ۱۵۳
فلنلمنكا، ٢٢٥	عربثا، ۲۲۰	شررفیون، ۲۳۲	زریات، ۱۳۲
فندقا، ۸۸	عربروس، ۷۸	شطبانی فلوعرین، ۲۱۰	زَریر، ۱۶۲
فوثا، ۲۳۰	عرزادمغوشی، ۲۹۹	شطرکا، ۵۳	زریرا، ۸۲ ۱۶۲
فوغلي، ۲۲۳	عرطنیثا، ۳۴، ۲۵۸، ۲۸۶	شعیعادیما، ۴۴	زنکبیل، ۱۶۴
فوفلا، ۲۳۰	عرطینثا، ۱۸۶، ۲۲۱	شغدی مریری، ۲۷۱	زوفارطیبا، ۱۶۵
فونياثا، ٢٢٩	عرطینیثا، ۳۵	شكوثا، ۲۵۸	زوفايبشا، ۱۶۵
فَيْجَل، ۱۶۷	عزرو، ۶۶	شنّاذیبا، ۸۴	زوفرا، ۱۱۵
فیزیدجاغی، ۱۳۲	عصارمرارت برا، ۱۲۶	شنبلیذ، ۱۷۹	زیتاارعا، ۲۷۵
فیشوثا، ۳۳	عُصَية، ١٨٥	شنکوسا، ۱۵۳	زیزوفی، ۲۱۳
فیغنا، ۱۶۷	عُقارادبشكرا، ۵۴	شواصر، ۷۷	سابا حورارا، ۷۱
فیلا، ۲۲۹	عقارادشوشنا، ۷۰	شواصرا، ۱۹۰، ۲۸۱	ساناحور، ۷۱
قاروصبثو، ۶۵	عقاراسوسابی، ۷۰	شَوَاصَرا، ۱۹۰	سحیلس، ۴۳
قبار، ۲۵۰	عقاراعرطینیثا، ۳۵	شواصره، ۱۹۰	سَخي رَغلا، ٧٩
قرا، ۲۳۷	عقارسوصیائی، ۷۰	شوشما، ۲۳۲	سروبياجبلا، ۲۰۸
قرأ، ۲۳۷	عقارشوشا، ۱۸۰	شوشمانيا، ۲۹۶	سطرکا، ۱۷۱
قردی، ۱۳۳	عکارشا، ۱۵۳	شوشینا، ۱۸۰	سعدی، ۱۷۱
قرشادوقاتا، ۱۲۶	علفوط، ۸۰	شیلوم، ۱۷۴	سغبين، ۱۷۳
قَرْصَعْنَّة، ۱۵۲	عَلَكْلَک، ۱۲۹	شیلوما، ۱۷۴	سفاری، ۸۱
قَرْصَعْنَة، ۱۹۱، ۲۳۶	عَلَوا، ۱۹۵	صاتری، ۱۹۵	سفركلا، ۱۷۲
قِرْصَعْنَة، ٢٢٩	عینی ثورا، ۹۰	صارُه، ۲۷۳	سفلولا، ۱۶۰

قرِصعنة، ۲۵۲	كراثادبرا، ۲۵۲	گرگیری، ۱۰۲	نيروفَل، ۲۹۲
قرطبی، ۱۱۸	کراعی قمصی، ۱۵۳	گنده انگژد، ۱۷۳	نيل فلفل، ١١٣
قرطف، ۲۴۱	کرانب <b>ی، ۲۵</b> ۵	لحكا، ٢۶٩	نیلن، ۱۱۳
قرطمان، ۱۲۶	کراوی سریانی، ۲۵۶	لحية التيس، ١٥١	نیلی پشا، ۲۴۸
قرطم هندی، ۱۱۳	كرفسادطورا، ۲۵۳	لشانامرا، ۲۶۹	نینیا، ۲۸۹
قساریسما، ۲۴۰	كرفسادميا، ٢٥٣	لشان ثورا، ۲۶۸	وردا، ۲۹۳
قشنا، ۲۳۹	کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	لشان صفرا، ۲۶۹	وردادرمانا، ۱۰۴
قطبا، ۲۴۱	كرقشا، ٢٣٥	لوزدمريرا، ۲۷۱	ورداد صیادی، ۱۴۶
قطبی حمارا، ۲۳۳	کرکاش، ۵۷	لوفاعسقيا، ٢٣٠	وردادصیاری، ۲۹۴
قطفا، ۱۷۰	کرکرینا، ۱۲۵	لوكا، ٧١	ورشا، ۲۹۵
قطیا، ۲۳۳	کرکم، ۱۶۳	ليانوون، ۲۶۳	وَضْ، ۲۹۳
قفطا، ۲۴۱	کُزکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵	مامیران، ۲۷۶	وکونیکرانیس، ۷۳
قلتا، ۱۱۲	کرکما، ۱۶۳	مرادکبار، ۲۷۷	ونا، ۲۵۸
قلفوح، ۱۵۳	کرکون، ۲۵۵	مرارت فیلا، ۱۲۰	هرقلو، ۳۹
قلفوط، ۸۰	کرکیش، ۵۷	مرّافروط، ۲۷۸	هطاطی، ۲۱۷
قلقاسی، ۲۴۳	كرلنفسابه، ۳۱، ۳۵	مُرْدايانَج، ٣۶	هطی، ۲۱۷
قلومامش، ۴۶	کرنبا، ۲۵۵	مرسلون، ۱۴۱	هلابوروس، ۱۳۰
قلیا، ۲۴۴	كرنب الماء، ٢٩٢	مریث، ۸۰	هلیل <i>قی</i> ، ۶۸
قمحادرزی، ۱۹۹	کزبرناء، ۲۵۶	مشحاديرسا، ۱۸۰	هیزارنا، ۲۲۹
قنا، ۲۴۰	کسبرتا، ۲۵۷	مشحونا، ۱۷۹	هیقلوس، ۳۹
قنبيرا، ۲۴۵	کشنی، ۲۳۶، ۲۵۳	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	هیوازما، ۲۹۰
قنديز، ۲۹۵	کشوش، ۱۰۰	مشكطرامشيع، ١١٣، ٢٩٩	يبروح <i>ي،</i> ۳۰۰
قواباوس، ۷۳	کِلْخ، ۲۵۹	مقلا، ۲۸۲	يبلا، ۴۴
قوتری، ۲۵۰	کلیل ملکا، ۵۹	مقلیاتا، ۱۱۵، ۲۸۴	يَعْميصا، ١٥٩
قورنیثادطوری، ۲۲۹	كمون، ۲۶۲	مقلیانا، ۱۱۵	
قوشنا، ۲۳۹	كموتا، ٢۶٢	مَقْليثا، ١١٥	
قومايس، ۶۷	كمونادبرًا، ۲۶۲	ملافطون، ۱۲۶	
قيرف، ٢٨٣	كموناهندو، ۲۶۲	ملوخيا، ۲۸۴	
قیسادافورسما، ۸۶	کوزی بویا، ۱۰۷	منشحيا، ٨٩	
قیس دافورسما، ۸۶	کوزی دبسما، ۱۰۷	منشخا، ۸۹	
قيموليا، ۴۱	کوز <i>ی ده</i> فاختا، ۱۰۸	میثوبا، ۷۰	
كباعربايا، ٧١	کومنون اغریون، ۲۶۲	میشی، ۲۱۱	
كبيشاحمرا، ٢٥٥	کهبانا، ۲۲۳	ناردین دبرًا، ۴۶	
کَبیکج، ۲۵۰	کهبنا، ۲۲۳	نبات نورا، ۲۵۵	
کتبنا، ۲۲۲	کَهْنابا، ۲۲۳	نشرا، ۱۶۹	
کحلا، ۳۹	کهیانا، ۲۲۳	نطفثا، ۱۳۶	
کحیلا، ۳۹	کیا، ۲۸۲	ننعا، ۲۹۰	
کراثا، ۲۵۲	گدلنفسی، ۳۱، ۳۵	ننوا، ۲۸۹	

## 7 - نامهای بربری و نبطی

تاغَنْدَسْت، ۲۰۵	أُشتيوان، ٧٩	اطماط، ۸۸	اَأُكْثار، ۳۷
تاغندَست، ۲۰۵	أَعَصَاب، ١٩٣	اطموط، ۸۸	آأمليس، ٣٧
تاغیشت، ۱۵۸	أَفار، ٩٩	افًار، ٩٩	اً تفاح، ۹۴
تاغیغشت، ۱۷۱، ۲۰۷	أَقْمام، ٣۶	اَفَلْدان، ۷۵	آذان الشاة، ٣٣
تافرزیرت، ۱۲۶	أقنقنٰ، ٩٠	افلسطين، ٨١	آذان الغزال، ۳۳
تافسیا، ۹۷، ۱۶۷	أكُفِيل، ۴۹	اقروم، ۱۰۴	آرغيس، ٣٥، ٤١
تافیفرا، ۲۵۹	أمصوخ، ٤٢	اقطَّفیٰت، ۸۸	آزَرْغنت، ۶۱
تافیقرا، ۱۷۲	أملال، ٩٠	اکثار، ۱۰۷	آست، ۲۶۶
تاكسوت، ۲۲۴	أَمَلُال، ٩١	اكرميوسنه، ٢١٩	آشک بردین، ۶۱
تاکوت، ۵۵، ۲۲۴	أَمَلَال، ۲۱۷	الازاز، ۲۷۷	آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵
تاكُوْت، ٩٣	أوَطمو، ۲۹۵	الوني، ۲۷۳	آطریلان (فاس)، ۱۵۵
تاڭوت، ۱۶۳	بادُرِّج، ۷۱	امشخسر، ۲۹۲	آیَوْنی، ۲۷۳
تامرت، ۲۶۷	بادروج (نبط <i>ی</i> )، ۷۱	آمْسوخ، ۶۲	ابراز، ۶۱
تامسورت، ۹۳	بانفیب، ۲۱۰	اناکیر (نبطی)، ۶۳	ابزیر، ۲۰۵
تاممشت، ۲۰۲	برهلیا، ۱۵۲	انتلی، ۱۴۹	اتسویک، ۱۰۷
تانقیت، ۹۳	بسّليت، ۱۴۹	انثار، ۲۰۴	اَدَار، ۷۵
تخصيص، ۲۵۳	بكسيتلان ازمور، ۲۱۴	انلی، ۱۵۰	ادریاس، ۶۵
تراست، ۸۰	بلاسفین، ۱۱۵	اورباس، ۹۷	اذمام، ۲۹۴
ترفاس، ۲۶۰	بوخَنُو، ۱۰۶	ایرن، ۲۷۳	ارجالون، ۲۲۲
ترفس، ۲۶۰	تازیل، ۲۷۰	ایغرتی، ۳۷	ارماس، ۲۴۲ .
ترمشیر(نبطی)، ۲۸۱	تازَرت، ۹۶	ايفغسه، ٩٣	ازاز، ۲۷۷
تَرَنج، ۴۰	تازُرت، ۲۲۲	أافشرو، ۳۶	ازاليم، ٨٠
تَرنج، ۴۰	تازْغَلَلْت (بربری - مصر)،	أداد، ۵۱	ازبوج، ۲۵۱
تَرْهَلا، ۷۷	۲۵۰	أدرياس، ٩٧	ازدری، ۱۴۱
ترهلا، ۲۱۹	تازلّفت، ۵۵	أدرييس، ٩٧	ازرود، ۴۵
ترهلّان، ۱۹۹	تازلفت الينو، ٥٥	أذنه، ۵۹	ازقُون، ۱۴۷
ترهلان، ۱۹۹	تاسکرا، ۲۲۵	أرجان، ۴۴	اساسنوا، ۱۰۶
ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹	تاسُّلت، ۱۵۹	أرْغيس (اندلس)، ١٢٠	اساسنه، ۱۲۵
ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸	تاسَلْغا، ۲۱۸	أزرغن، ۶۱	اسغارن امُشاتن، ۳۳
ترهیلیه (نبطی)، ۱۴۸	تاسلقا، ۱۷۰	اُزرود، ۴۵	اسغارن یزان، ۳۳
تِغيغشت (فاس)، ۲۶۳	تاسَمْت، ۱۲۲	أزَمّور، ۱۶۶	اسقّون، ۱۲۶
تفاف، ۳۸ ۴۸ ۹۴، ۹۶۲	تاسَمُمْت، ۱۲۲	أزورى، ۱۴۱	اسقيراسن، ٨٨
تفسیا، ۱۶۷	تاشمصت، ۱۲۲	أزير، ۵۹	اسکروان(نبطی)، ۲۶۹
تكُوت (مغرب)، ۲۲۴	تاصالیمت، ۸۰	أسرغنت، ۱۷۰	اشلابوس، ۱۴۱
	تاغفیت (آفریقا و تـونس)،	أسَليلي، ۱۸۴	اَصّاص، ۲۷۷
تیزمارت، ۷۰		Malais ON	اطريلال، ١٥٥

تبطمست، ۴۳

تىغْلَل، ١٢۶

تیکظا، ۱۳۲

تيمرساط، ٢٢٩

تيمزين، ۱۲۶

ثابقا، ۲۱۳

تيمشطان، ١۴٩

ثاروبيا، ٢٣٠

ثافيقرا، ۱۴۶

حرفی، ۲۲۸

حسومی، ۲۸۹

حندقوق، ۱۲۵

حندقوقي، ٩٢

درغل، ۲۰۴ رته (نبطی)، ۸۸

روبیه منور، ۲۳۰

زان، ۱۶۰، ۱۶۳

زنبوج، ۲۵۱

سرغنت، ۱۷۰

سَلغوا، ۱۳۲

سمون، ۲۲۲

ژوز، ۴۴

تيفرست، ۲۶۱

مَيمون، ٢٢٢ سوارون، ۱۲۹ نَهُما(نبطي)، ۲۹۲ سیسدار (نبطی)، ۱۴۴ طاکًا، ۲۰۸ وازنیر، ۱۴۷ واوزاق، ۱۴۷ طرفاء البستاني، ۴۰ تيفست ازوزغار، ۲۵۱ وتوركت، ۴۶ طرميطس، ۲۶۵ عَروسه، ۲۷۰ ورحالور، ۲۲۲ عشبة قبرى، ۲۹۶ وَنْقارْف، ۴۱ هاسيمونا (نبطي)، ۲۹۶ عَصّاب، ۱۹۳ هرفلوس، ۲۹۶ عضات، ۱۹۳ هَرْقَلُوس، ۲۹۶ عَكْنَه، ٢١٢ هرقيلوس، ۲۹۶ فاتره (نبطی)، ۲۵۷ همون، ۲۲۲ فارنیا (نبطی)، ۵۹ حَرْشُف (نبطي)، ١١۴ هیطومون (نبطی)، ۱۳۰ فلشراش، ۱۱۸ حُزف (نبطی)، ۱۱۵ يَخْصِص، ۲۵۴ فلغيدس (نبطي)، ۱۲۶ حُرْف (نبطى)، ١١٥ فنا (نبطی)، ۲۴۹ قارنیا(نبطی)، ۵۹ قاقلی (نبطی)، ۲۸۴ حَطب السودان، ٣٣ قرنبا (نبطی)، ۲۸۴ حَلْبوب (نبطی)، ۱۲۱ حَماما (نبطی)، ۱۲۴ قرنه، ۴۶ قنّابری (نبطی)، ۲۴۵ كَرْكَرْهَن، ٢٥٥ كُسَيْلا (نبطى)، ۲۵۷ حَنْدُقوقيٰ (نبطي)، ١٢٥ کسیلی (نبطی)، ۲۵۷ خَمان (نبطی)، ۱۳۸ کوری زوله، ۲۱۰ دِبیداریا (نبطی)، ۱۴۳ لاقلیشت، ۳۷ لِحية امسون، ٥٥ رستنی نودیه، ۲۱۰ لصيفي، ٣٣ مازر (نبطی)، ۲۷۵ مامیثا، ۶۷ مامیثا (نبطی)، ۲۷۶ مَرَسَطُس نبطى، ٢٧٩ مرو، ۱۲۷، ۱۴۲ سعسع (عبری)، ۱۴۷ مزابله، ۲۱۴ مَسْمَقار، ۱۶۰ سعیع (نبطی)، ۱۴۷ سَلْدانيون (نبطي)، ۱۷۴ مَسْمَقُران، ۱۶۱ مسمقورة، ۱۶۰ مِشْكِرامَشِيع (نبطى)، ۲۸۱ سملایا(نبطی)، ۸۱

مشكطرامشير (نبطي)، ۲۸۱

#### ۷ - نامهای ترکی

قراطاط، ٢٣٥ ابم کماجی، ۱۲۹ اردک، ۲۸۲ قوش اوزی، ۲۱۴ کجنیب، ۶۵ ارزوج، ۳۹ کرچک، ۱۳۳ اَنْذَر، ۱۵۳ اوزم، ۲۱۴ کلکله، ۱۹۵ مااستواچچکی، ۲۵۰ ایکده، ۲۱۹ ماقوق، ۲۴۲ اینبروئی، ۱۴۶ مرداراغاجي، ٢١٥ باغ پر باغ، ۲۶۹ واشوه، ۱۲۹ بالدرغان، ۶۵ هوم، ۲۹۹ بكوزتيكان، ٢١٣ يتلاققرقرون، ۱۷۱ بولچاق، ۱۲۴ یمیشاز، ۱۶۲ بينوق، ۲۴۲ يونجه، ١٥٥ پیلانافردی، ۹۹ توبالاغ، ١٧١ جيكَلَك، ١٠٩ حیوا، ۱۷۲ خاس، ۱۳۳ داغ سوغائي، ۸۵ دویتکانی، ۱۱۰ سعادی(ترکیه)، ۱۷۱ سقز، ۸۱ شيرينبان، ۱۸۰ شيودان، ١٢٩ صفراادوی، ۹۹ طبرقاق (تركيه)، ۱۷۱ عَنْطوز، ۱۵۳ غازایاغی، ۲۶ غازیاغی، ۱۵۵ غرغات، ۱۳۹ فجی، ۱۳۰ قابیش، ۲۴۰ قارچ، ۲۶۰ قارنیباروق، ۷۸ قا*سى*، ۷۲

> قباق، ۲۳۷ قجی، ۲۶۶

# 🙏 - نامهای متفرقه

اسلیح، ۲۷۴	ارکه، ۱۲۶	ابوعيس، ۱۴۰	آبيل، ٣٣
اسمادوسفرم، ۳۶	ارمارینون، ۱۲۴	بر یا ت ابی دالس، ۲۴۸	ن آچين، ۳۳
اسمار، ۳۱، ۳۵	أزمالك، ۴۵	ابیغل، ۳۹	۰۰۰ آدریس، ۳۳
اسماروزند، ۳۱، ۳۶	ارمالک، ۴۵	۰۰ ا ابیلانس، ۱۰۵	آذریون، ۳۴ آذریون، ۲۴
اسملیس، ۲۸۰	ارموش، ۱۷۰	بی اپراچنا، ۱۱۳	آذریونه، ۳۵
اسمورنین، ۲۵۳	ارمیس، ۴۵	اثامنطیقون، ۲۸۷	ریو آزرود، ۲۹۱
استولوس، ۵۰	ارنتاله، ۱۰۵	اثرا، ۳۸	آطرس، ۱۶۰
اسواس، ۲۰۳	ارتوله، ۱۴۵	اثقلیا، ۳۸	آله، ۱۵۳
اشبتبّه، ۲۰۰	اروس بلغار، ۲۶۴	اجطالُه، ۱۲۲	آله قَبْرونه، ۶۵
اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴	ارید برید، ۴۵	احنينه، ۲۶۶	آلة دبقتر، ۱۵۷
اشبطاله، ۱۲۶	اریدبرید، ۴۵	اخرادس، ۲۶۱	آلیلی، ۱۴۵
اشتِبُه، ۵۵	اریقنه، ۱۳۳	اخراطن، ۸۴	آمارقون، ۵۸
اشترینه میاطش، ۱۱۶، ۱۱۸	ازرار، ۲۹۱	اخروطن، ۸۴	آمزقور، ۱۵۰
اشتنکه، ۱۳۵	ازلاف، ۱۴۸	ادریس، ۳۳	ابارتل، ۲۵۱
اشقیطله، ۶۱	ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵	ادریفن، ۲۷۳	اباسياً، ۵۰
اشقیل، ۸۰	ازیریا، ۱۰۶	اَراقُق، ۴۳	اباقی، ۱۰۴
اشموسا، ۵۲	اسپاراغوس، ۲۹۷	اراقوا، ۴۳	أبالش، ۲۴۹
اشود، ۱۸۴	استر (اندلس)، ۲۷۴	اراه، ۲۸۲	ابجه، ۳۷
اصبالاثوس، ۱۴۱	استرمونیه، ۱۰۹	ارباقه، ۱۵۹	ابجّه، ۲۵۲
اصطرک، ۲۰۶	اسراش، ۱۳۸	اربلیش، ۱۰۴	ابراوی، ۱۰۰
اصلالتهل، ۱۶۹	اسطاقندمااغريا، ١١١	اربیان، ۵۸	ابربیون، ۵۵، ۲۲۴
اطرایلس، ۹۴	اسطراطيقوس، ١٠٥	ارتارون، ۲۶۹	ابرفیون، ۵۵
اَطَرْماله، ۵۴	اسطورا، ۱۱۵	ارتکا، ۲۰۴	ابرقان، ۸۱
اطّه، ۱۸۲	اسطوماخوس، ۴۸	ارجقیل، ۲۵۷	ابرقطس، ۱۲۳
اطيوس، ۲۳۱ َ	اسفارج الصيني، ۲۵۶	ارجمونيه، ٢٨٥	ابرقلیون، ۱۰۰
اغافت، ۹۴	اسفاناج، ۴۸	ارجيوليه، ١٥٥	ابرقینون، ۱۰۰
اغرقنتية، ۲۷۳	اِسفاناخ، ۴۸	اردم، ۳۴	ابرنان (اندلس)، ۴۹
اغروغن، ۱۲۶	اسفلیطس، ۲۰۳	اردمیردا، ۲۸۰	ابروخیون، ۸۴
اغریذی، ۲۵۶	اسفندشغان، ۱۱۵	اُرْز، ۴۴	ابرُوِلَيه، ۱۲۲
افادملس، ۱۲۴	اسفیدارا راغیا، ۲۸۰	اَرْزَة، ۴۴	اَبْرُوْلْیُه (ثغری)، ۷۵
افرسیر، ۱۵۷	اسفی دیون، ۱۸۹	ارسطيون، ۱۵۳	ابريجون، ۱۵۸
افرقه دلف، 46	اسقال، ۴۹	اَرْغامونی، ۴۴	اَبْزار، ۳۸
اَفْلَنْجَه، ۵۶	اسقولس، ۸۸	ارغیلم (عبرانی)، ۸۳	ابزراله، ۲۲۲
افیلون، ۱۹۳	اسكتو، ۴۹	ارقطون، ۴۵	ابق، ۲۴۵
اقرنون، ۲۲۳، ۲۳۵	اسکرسول، ۱۶۲	اَرْقَطيون، ۴۵	ابلر، ۱۶۳
اقرنونش، ۱۲۳	إشكنج، ٥٠	ارقلیا، ۱۱۹	ابمیلُس، ۲۸۰

ايو سقوامس، ۸۸	انطبذه، ۲۴۸	اليش، ٩٨	اقریوش، ۲۵۴
أبجاله، ۶۷	انطوليا (شام)، ۲۹۷	إلىشكە، ۱۴۰	اقط، ۱۸۲
أبجّه(اندلس)، ۱۳۸	انفیطینا، ۱۹۱	اليلاون، ۲۸۳	اقط (یمن)، ۵۸
أدٌ يرزا، ۴۲	انکولس، ۱۲۲	اليون، ١٠٣	اقلّولش، ۱۲۹
أذريون، ٣٥	آنگيز، ۶۷	اماراقوا، ۵۸	اقلیشا، ۱۰۳
أرتدبريد، ۴۵	انلی، ۸۸	امارنطون، ۵۸	اقليولش، ٤٧
أرتقى (اندلس)، ۱۱۰	آنُليه كمبيانه، ١٥٣	امّاری، ۱۳۳	اقند، ۱۵۳
أُرْجِنقة، ۴۴	انوثیرا، ۱۴۱	اماریقون، ۵۸	اقین، ۷۲
أُرْجيقن، ۴۴	انیراتا، ۶۷	امامانیطس، ۲۹۸	اقینی، ۱۰۴
أرماک، ۴۵	انیلس، ۱۶۵	اماموس مانيوس، ٢٨٩	اکُت مکت، ۵۹
أسطنكه (فرنجي)، ۶۱	اُنْیَه دی غاتُه، ۲۰۵	امّباشا، ۱۱۱	اَكِتْمَكِت، ٥٩
أسفراغس، ۲۹۷	اوبلس وفلوطين، ١٢٠	أمبروسيا، ٤١	اکرفس، ۲۵۳
أسكاطامن، ۶۶	أُوبَة قَنينَة، ٢۴٩	امرباطون، ۱۱۸	اکروفس، ۱۰۸
أسليح، ٨٧	اودومالی، ۶۸	امْرو، ۲۶۱	اکسوفیلن، ۲۰۳
أسيدار، ۵۰	اورابالاوسطون، ۱۰۴	امغیلان، ۲۰۳	اكسيوس، ٥٩
أشبرتالُه، ٥٠	اوراهیاسلیون، ۲۵۳	اموره، ۲۷۵	الالسفاقن، ۶۰
أَشْرُه، ۴۶	اورمینون، ۲۲۴	امیرون، ۳۰۰	الالط، ۱۸۲
أشقيطله، ٤١	اوفال، ۲۵۹	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	الباشه، ۱۳۰
أشقيل، ٢١٥	اوقانتوس، ۶۱	امیره، ۲۶۹	الباين، ۱۵۱
أشكوذ، ٤١	اوقینه، ۵۹	امیریا، ۲۶۹	البوقاله، ۱۵۷
أصطرى، ۲۸۶	اولایی بوشاشا، ۱۱۶	انبجّه، ۲۸۰	التوبل، ۲۴۸
أغالوجن، ٥۴	اولیذا، ۱۴۷	انبرسول، ۲۸۱	ٱلْتَيَه، ١٢٩
أغروم <i>ى</i> ، ۲۸۹	اوليه، ۲۵۲	أَنْتُلُه (عجمي اندلس)، ۶۴	الراسن، ۸۰
أغليس، ٩٨	اوليه دِلْيِبْر، ۲۶۹	انجاص، ۴۱	الؤزّ، ۴۴
أِقجالُة (اندلس)، ۲۴۷	اومادا، ۲۳۳	انجدان رومی، ۲۴۸	السفاقن، ۶۰
أقسيا، ٥١	اونودیا، ۲۲۳	انجرک، ۲۷۹	السمته، ۲۸۰
أَقْطِن (يمن)، ٥٨	ایدع، ۶۹	اَنْجَرَک، ۲۷۹	الطانه، ۲۰۴
أكرار، ٥٩	ايردوبساناس، ۶۹	انجره، ۲۵۵	الطردونه، ۱۰۶
أكموبزّان، ۶۰	ايردوسياناس، ۶۹	انجیله، ۷۸	الطورنُه شول، ۲۰۳
ألباينه، ۶۰	ایرنجی، ۱۰۵	اندرساخس، ۶۹	الفليس، ١٢٢
أماسيرنيون، ١٥١	ايعاسوفسين، ١٠٥	اندرسافس، ۶۹	القسيني، ٨٣
أميرون، ۲۹۸	ايقذ، ۱۱۴	اندروساماس، ۶۹	القون، ۲۹۵
أناطيا (قبطي)، ٤٣	ایل، ۷۰، ۲۳۲	اندروسامن، ۲۹۸	الكيا، ٢٨٢
أنجوك، ۶۶	ایلانجی، ۲۳۲	ٱنْدَروطون، ۶۶	اللقامن، ۲۰۴
أنطوبيا، ۶۶	ايليقطران، ۲۶۴	اندموليا، ۱۰۶	النينا، ۲۷۴
أنقرديا، ٤٧	اینارهر، ۱۳۸	اندُمیان، ۲۵۶	الوبياس، ٩٣
أوثنًا، ٤٧	اینه، ۱۲۶	اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲	الوخن، ۲۸۳
أوثنا، ۶۸	ايورش، ۲۸۳	انطاین، ۱۴۵	الياله، ۱۰۳

بشعيرا، ۱۶۹	برقا مصر، ۷۶	بجُبلين، ۱۱۶	أوروبنخي، ۶۸
بشكرانية، ۱۱۴	برقوقوية، ٢٨٢	۱۴۷، ۱۴۷	أوشيرس، ۶۸
بشلشة، ۱۰۶	برکشان، ۲۵۷	بُخترنة، ۶۰	أهلال قسطا، ۶۸
بشنه، ۸۰	برکینه، ۱۵۴	بُخْشش، ۲۹۰	أيهقان، ٧٠
بَشْنین، ۸۰	بَرْم، ۷۷	بدشکان، ۲۵۹	بابلص، ۷۰
بشوش، ۸۰	برمس، ۷۷	بدليون، ٧٥	بابُلُن، ۱۴۵
بطالش، ۱۱۸	برنفیس، ۲۲۵	بذلوزن، ۱۰۶	باجروجی، ۷۰
بَطْراسالينون (مصر)، ۲۵۴	بَرنوف، ۷۷	بذلیره، ۱۰۳	باخاريون، ۱۴۶
بطرقیره، ۱۱۹، ۱۵۹	بَرْنوف، ۷۷	براجیل، ۲۵۳	باخيون، ٧٣
بطرمیقی تاغیغشت، ۲۶۳	برنوف، ۱۸۳	براخشنه، ۱۴۴	باد دقلنبه، ۱۲۴
بطره، ۸۱	برنیس، ۷۷	براذج، ۱۶۱	بادَدِلْبرينه، ۲۶۵
بطريره، 119، 109	برنیکان، ۸۴	براسن، ۸۰	بادَ دِلْبَه، ۲۵۸
بطورنه ماطرِش، ۹۹	بَرْوانی، ۷۸	براکیس پری، ۷۶	بادَلُبينَه، ۲۵۸
بطیقی، ۲۹۶	بروانیا، ۷۸	برانیا، ۶۷	باذاینگان، ۷۲
بَعْصران، ۲۰۴	برورا، ۱۰۰	براوانیا، ۲۲۲	باذبلین، ۱۱۶
بقثلمن، ٩٠	بُروله، ۲۸۰	برباریس، ۶۱	باذی بلاله، ۱۲۳
بْقْش، ۸۲	برون، ۲۴۹	بربطور (اندلس)، ۲۷۴	باربه دِلابر، ۱۰۳
بقم، ۸۴	بريدفوقه (اندلس)، ۲۰۵	بربله، ۲۶۳	باربه قُنْلية، ١٠٣
بکًا، ۸۵	بزربلاستيس، ١١٥	بربناقة، ٧٥	بارزد، ۲۹۱
بکسیس، ۸۲	بسیاس، ۲۱۱	بربنًاقة، ۱۲۲	بارشطوان، ۱۲۴
بکم، ۸۴	بسباس حبشی، ۷۸	بربوث، ۵۲	بارليوس، ٣٠٠
ېل، ۸۵	بسباس نبطی، ۷۸	بربوذا، ۵۲	بارنج، ۱۰۹
بُلّ، ۸۵	بستناج، ۸۱	برتقش، ۴۶	بارون، ۲۰۵
یل، ۱۳۸	بسطيقون، ١٠٣	برتلاقش، ۴۶	بارونوخيا، ٢٣١
بلابقس، ۲۶۹	بسطيقيا، ١٠٥	برثماز، ۱۱۳	بارویشا، ۲۳۱
بلاثه (اندلس)، ۲۲۹	بَسْفایج، ۷۹	برجارش، ۱۱۳	باریلوماین (اندلس)، ۷۳
بلارجه، ۱۲۹	بسقما، ۱۸۳	بردبلاسقيس، ١١٥	باسلی <i>قی</i> ، ۱۱۳
بلاطر، ۲۹۲	بسقواس (اندلس)، ۲۶۷	برس، ۲۴۲	باشان، ۷۳
بلاقه، ۱۰۹	بَسْماط، ۱۳۰	بُرُسْتُم (آفریقا)، ۱۶۱	باشيون، ٧٣
بِلُان، ۸۵	بَسْناج، ۱۴۸	برسیا، ۷۶، ۸۸	باطرنی <i>قی</i> ، ۷۵، ۸۷
بُلاية (اندلس)، ۲۲۹	بُسَيْبِسة، ٩٣	برسیانا، ۷۶	بالقس، ۳۸
بُلَبراله، ۲۴۸	بسیله، ۹۳	برسیاندارو، ۷۶	باله، ۷۴
بلبوس، ۸۱	بسيلة، ٧٩	برسیون، ۷۶	بِبْرَه، ۱۱۴
بلحشکوک، ۳۰۱	بُشْبُش، ۱۲۶	برشاد، ۱۸۹	ببسطین، ۲۷۵
بِلُرْياله، ٩٨	بِشْت، ۱۰۵	برشک، ۲۲۵	بېلجش، ۱۵۷
بلس، ۸۶	بشتر، ۲۶۶	برشيًاوشان، ۲۵۷	بُبُلیُه، ۵۸
بَلَسان، ۸۶	بشتناقه، ۱۰۳	پرطره، ۲۰۵	بُبُلييره، ۵۸
بلطالة، ۸۷	بشطانيقا، ۸۴	برغشت، ۲۴۵	بَبِيتُه، ۷۴

تهلول، ۷۶	بیلیطش، ۸۷	بوست، ۱۲۴	بُلْقيره، ۱۱۸
تهاوی، ۱۰۰ تیاج، ۱۵۲	بینیطس، ۱۹۰۰ پرپهن، ۸۳	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴ بوسیر، ۸۸	بلغیره، ۱۱۸ بَلنتاین، ۲۶۹
تیبی ان و امان، ۱۲۹	پرپهر، ۰۰۰ پیپل، ۲۲۸	بوشیر، ۹۰ بوش، ۹۰	بندین ۲۹۶ بلورا، ۲۹۶
تیب <i>ی ان و اعال</i> ۱۳۲۰ تیسو، ۸۵	پیپن، ۱۲۰۰ پی زَمی، ۲۶۰	بوس، ۱۰ بوش دربن <i>دی،</i> ۹۰	بلور، ۱۰۲ با بلوسیطون، ۱۹۲، ۱۹۱
تیشو، ۱۵۰۰ تیشرت، ۹۸	پی رسی، ۲۳۰ پیل گوشک، ۲۳۰	بوس دربندی، ۱۰ بوشیاد، ۹۰	بَلُوط، ۸۶ مُرَّاد ۱۱۱ میراند بُلُوط، ۸۶
تیسترک، ۱۲۹ تیلت اینرفط، ۱۱۹	پین توسع، ۱۴۰ تارتقة، ۱۴۷	بوسیاد، ۱۰ بوصیر، ۹۰، ۲۷۷	بلوط، ۱۸۰ بَلَه بانتُه، ۲۴۸
نینت ایترفطه ۱۲۱۰ تیمجًا (مراکش)، ۲۲۹	تارُه قبرونه، ۶۵	بوطاماخیطس، ۹۰	
تیواج، ۹۷	تازرت، ۹۲ تازرت، ۹۲	بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲	بلیار، ۱۰۸ بُلیار، ۲۴۹
ئيورج. ۲۰ ئاليطرن، ۹۷	تافندوت، ۱۰۹	بوطانیه راهدسی، ۲۸۲ بوطل، ۲۵۴، ۲۵۹	بنیار، ۱۱۲ بلیطس (اندلس)، ۸۴
تامرا، ۲۷۱ ثامرا، ۲۷۱	تافیزان، ۱۰۳	بوطن، ۲۵۴ بوطولون، ۲۵۴	بلیطش (اندلس)، ۸۲ بلیطش، ۸۴
فریا، ۹۲۷	تاکوب، ۲۲۴	بوطولون، ۱۵۰ بُوقاذانُس، ۷۴	بلیطن، ۸۴ ۸۷
ا تریا(اندلس)، ۷۰	تايس، ۱۵۵	بوقدانس، ۲۰ بوقی، ۲۹۲	بناطش ابذا، ۱۵۳
تومارس، ۱۰۶	ترانشول (اندلس)، ۱۹۴	بوقی، ۱۲۰ بو قیصا، ۱۴۴	بنترقة، ۱۶۰
تومون، ۹۹ ثومون، ۹۹	ترتُلی، ۲۰۴	بولوغالی، ۱۰۴ بولوغالی، ۱۰۴	بسرف، ۱۰۰۰ بُنْتُونْقَة، ۸۷
جاجر، ۱۰۴ جاجر، ۱۰۴	ترتیق، ۲۰۴	بولو <i>ت ی</i> . ۱۰۳ بولیون، ۱۰۳	بشرقة، ۸۷ بنتقة، ۸۷
جارکون، ۱۰۷ جارکون، ۱۰۷	ترخر، ۱۴۸	بویون. بونق، ۷۷	ېنتوشة (اندلس)، ۱۷۱
جاسوس، ۱۰۰ جاسوس، ۱۰۰	ترمانان، ۵۴	ب <i>ونی.</i> ۲۰ بهار، ۵۷، ۸۰	بنتومة، ۵۲ ۱۵۷
جاشوش، ۱۰۰ جاشوش، ۱۰۰	ترنجاش، ۱۱۳	بهار، ۱۳۰۰ بهاسلواواکرا، ۲۹۶	بنجاين، ۱۴۳
جامالا، ۲۷۷	ترنجان، ۷۱	به سواره تربه . بهرامه، ۲۱۰	بنقّه، ۸۹
جامسیه (مصر)، ۷۳	تریامان، ۹۴	بهران، ۱۶۴ بهران، ۱۶۴	بنک، ۸۸
جاوردشیر، ۱۰۰	تریکان ۸۸ تسکرت، ۹۸	بهراة، ۱۹۳ بِهَراة، ۱۹۳	بنک، ۸۹
جاوشیر، ۱۰۰ جاوشیر، ۱۰۰	تقده، ۲۵۷	بِعَرِينَ ١٩٠ بَهش، ٩١	بنک، ۱۴۳
بەرسىر. جاھىنىك، ٧۴	تِقِرْد، ۲۵۶	بهس. بهفانج، ۹۱	بنک مُخَیّر، ۸۹
جبراهنگ، ۱۰۱	تقزيين، ۱۱۳	بهنک، ۱۰۳	بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶
جبرش، ۲۵۰ جبرش، ۲۵۰	تلسی جنگلی، ۷۱	بيخين، ۷۳	بنور، ۱۵۳ بنور، ۱۵۳
ببر ل جبل اهنق، ۱۰۱	تلغوطة، ٣٧	.يــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	. رو بنوش، ۱۳۹
جبلهنج، ۱۰۱	ر تلکنت، ۶۷	ند ر بیرور، ۸۰	بنیشه، ۱۵۰
جبلهنک، ۹۳ جبلهنک، ۹۳	تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴	.یروم بیروم، ۴۳	 بودی، ۲۷۵
جبلهنگ، ۱۰۱	- ن تِليوت، ۲۵۰	بیزه، ۹۲، ۲۸۷	.ر ک بوذریج، ۸۹
جبُلَة، ۸۰ جبُلَة، ۸۰	تمک، ۱۱۴	بیستی کوسک، ۷۳	بورشاد، ۱۸۹
جحفیل، ۴۷	تنالیش، ۱۱۵	بیسِم، ۹۲	بورفیا، ۴۳
جَخِجْن (اهل هری)، ۹۴	۔ ص تنطریه، ۲۹۲	بیش، ۲۰۴	بود بورقداس، ۱۲۲
جدوار اندلسی، ۶۴	تَنْعيمه، ٩٥	بیش موش بیشا، ۹۲	بورنسون، ۲۵۸
جراشيا، ۲۳۴	تنوب، ۱۹۶	بَيْضَمُون، ۸۸	بورٌه، ۸۰
جرامغه، ۱۴۸	تنیفن، ۱۰۴	بَيْقور، ۲۹۲	بوريحا، ١١٣
جرامقه، ۱۴۹	تومالی، ۲۷۵	۹۲، هقیب	بوریداس، ۱۲۲
جَزْبنه، ۱۴۸	تومرنا، ۲۰۱	بیقیه، ۹۲، ۹۲	بوزیدان، ۵۴
جُربونه، ۲۵۳	تَوَن تَرُه، ١١٥	بيلَمون، ۸۲	بُوزيدان، ٨٩

خُرَّم، ۴۸ خرّم، ۵۴		جنجل، ۱۰۶	مرجس، ۱۶۶
خرم ۵۴	خَرَم ، ۱۷۶		
m. 42		جنجيديون، ۱۰۶	جرجمه، ۱۳۷
خرمدانق، ۲۵۵	حسک کوهی، ۱۱۸	جنسسفوح، ۲۴۲	برد. جرذیونة، ۱۰۸
خرنوبنبطی، ۳۰۱	حَسَل، ۱۱۸	جنشاله، ۱۵۲	جرمامه، ۲۶۵
خروسوقولی، ۷۰	حسم عوسج، ۲۱۷	جنطیان، ۱۰۶	چرموز، ۸۴
خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲	حِشْرِق، ۱۳۹	جنکهارمول، ۱۱۸	جَرْمِيلَک، ۱۰۳
خروسوموغالی، ۱۳۳	حشفَنيفل، ۱۸۸	جنگلا، ۱۱۲	جرنوب، ۱۰۳ جرنوب، ۱۰۳
خروهک، ۷۹	حشيشة القَمل، ١٢٠	جَني، ۱۰۶	جريال بقم، ۱۰۳ جريال بقم، ۱۰۳
خَزامی، ۱۳۳	حضض هندی، ۲۳۰	جُوانْ سَپَرَم، ۱۰۶	جساد، ۱۶۳
خسکدانه، ۲۶۶	حقوق، ۸۳	جوج، ۴۳ ً	جَعْده، ۱۲۰
خُشَبْرُم، ۲۸۰	حِلِبْلاب، ۱۲۱	جوجهرج، ۱۴۵	جعدة بحرى، ١٠٣
خشب سومر، ۱۸۱	حلبيثا، ١٢١	جوری، ۳۰۰	جعفیل، ۱۱۸
خشقاقل، ۱۸۸	حليمو، ١٢٢	جوز أرمانيوس، ١٠٧	جغزبه، ۱۷۹
خَشْل، ۲۸۳	حماروحوش، ۹۵	جوزناق، ۹۰	جقلاًل، ۲۶۶
خلجا، ۲۵۷	حندقوقا، ۲۹۱	جولق (اندلس)، ۱۰۹	جَلْبَهْنَک، ۱۰۱
خلجلا، ۲۵۷	حنزاب، ۵۰	جهنک، ۱۰۳	جلجمانا، ۲۳۴
خلوق، ۱۶۳	حوسالي (اهالي جزيره)،	جیرش، ۱۰۹	جلغوزه، ۱۱۲
خنجر، ۱۱۴	1.9	جيلغوز، ١٠٥	جلغوزه مصری، ۱۰۵
خندروس، ۱۲۶	حيصل، ٧٢	چا، ۹۹	جلمات، ۲۳۴
خوردېيلان، ۱۸۰	حیلت، ۲۵۳	چاکشو، ۹۴	جلنجمون، ۱۰۵
خوز، ۶۷	خاروه، ۲۹۸	چراسیا (صقلب)، ۲۳۴	جلنجويه، ١٠٥
خَوْشَان، ۱۳۹	خالادل، ۵۱	چغرب، ۱۸۰	جلوکا، ۱۰۰
خوشک امحری، ۹۳	خالاون، ۱۳۹	چغزب، ۱۸۰	جُلهم، ١٠٥
خوفان، ۲۰۲	خامالاتس، ۵۷	چَلاپا، ۱۰۴	جلهنک، ۱۰۱
خولاذوليون، ١٣٣	خامانیل، ۷۰	چلغوزه، ۱۹۶	جماهو سليمان، ١٠٥، ١٤٠
خَولِنْجان، ۱۳۹	خاوانی (صقالبه)، ۶۷	چمکدلا، ۲۴۳	جم جم، ۱۰۵
خومان، ۲۰۲	خِتْرِف، ۱۳۰	حاراسوافی، ۹۳	جمسفرم، ۱۰۵
خومر، ۹۵	خراما، ۲۸۰	حارکو، ۱۴۴	جَمشک، ۹۴
خومه، ۹۹	خَرامقان، ۱۳۰	حالەغورە، ۶۲	جُملج، ۱۷۰
خياط، ١٢٥	خراة، ١١٧	حاماسوقی، ۱۱۱	جملج (اندلس)، ۲۱۹
خیر بوا، ۲۹۶	خُوپَوَسته، ۲۹۲	حاوزوان، ۲۵۲	جَمِّيز، ۱۰۵
خيرخير، ١٧١	خرزون، ۱۴۵	حباقا، ۱۲۵	جُمَيْز، ۱۲۳
خیروج، ۱۲۹	خرسيطس، ١٠٢	حباقی، ۱۲۵	جنبيد، ١٩٥
خَيسَفوج، ۲۴۲	خرطال، ۱۳۱	حب جنکلا، ۱۱۱	جنْت قابطة، ١٠٥
خيوخير، ۱۷۱	خرغول، ۷۸	حدق، ۷۲	جَنْجِبانْسَة، ۱۰۶
داذاروان، ۴۴	خَرْقطان، ۱۳۱	حدمانه، ۲۸۰	جنجبانسة، ١٣٩
داذی، ۱۴۱	خرقع، ۱۷۳	حر، ۱۶۴	جنجبنيه، ١٢٢
دارارون، ۴۴	خرکوش، ۱۳۱	حرحم، ۲۹۳	جنجقش، ۸۳

دارم، ۱۴۲	دُوَدِم، ۱۴۷	رواس، ۱۵۹	زیا، ۱۹۴
دارَمًا، ۲۸۰	دوراًو، ۱۱۷	رواش، ۲۵۴	زیزفون، ۲۱۹
دارمک، ۱۴۲	دوزځولِی، ۱۴۶	روبادوج، ۲۴۹	زيغس، ۱۸۲
دارهَلْد، ۱۴۲	دورحولی، ۱۸۱	روذ دقنی، ۱۴۵	زَيْلَعِيّ، ٢٣٩
دافنطس (اسكندريه)، ۱۷۴	دور حولی، ۲۵۷	روشکه، ۵۵	ساذج، ۱۶۶
دانک، ۱۴۲	دورقنی، ۱۴۷	روفس، ۱۱۰	ساراقیاس، ۱۳۶
دانک افرونک، ۱۴۲	دوقص، ۸۰	رهلیا، ۶۷	ساساليوس، ۱۶۷
دباب، ۱۸۲	دهاک، ۸۵	ريشه والا، ۱۷۷	ساسليوس، ۶۵، ۲۵۳
دبقست، ۱۴۲	دهاهاهیج، ۱۴۸	ریمُنْده (اندلس)، ۲۱۹	ساسليوس، ۱۶۷
دبیراز، ۱۴۳	دهمست، ۱۵۹	ريولة (اندلس)، ۲۲۶	ساصلی، ۱۹۴
دخسیسا، ۱۴۳	دیاکلمن، ۱۴۱	ريون، ۱۵۴	ساطريون، ۱۶۷
دراجن، ۱۳۹	دیشار، ۲۸۱	ریهقان، ۱۶۳	سافاريعون، ١٣٠
دراشتا، ۲۶۱	دينارويه، ۱۴۸	زابر، ۱۶۱	ساكركهوله (سانسكرت)،
دراقیل، ۱۴۳	ديواسپست، ١٢٥	زاثا، ۵۲	٥٩
دربرق، ۲۱۴	ديوفونيطس، ٢٧٣	زجمول، ۲۵۸	سالم (عبری)، ۱۴۷
درجکان، ۱۳۹	ذربون، ۱۸۸	زحموک، ۲۵۸	سالی، ۱۶۷
دَرْداب، ۱۴۴	ذرفی، ۱۵۰	زردلان، ۱۶۱	سالين، ۲۵۴
دردریة (بکر)، ۲۷۸	ذرقونن، ۱۳۹	زرقفت، ۱۶۱	سامان، ۱۴۸، ۱۶۷
درق، ۱۲۵	ذفكر، ۲۲۶	زرقوری، ۱۵۵	سایس، ۲۱۸
درنک، ۳۸	ذیره، ۱۲۳	زرنبوذی، ۸۴	سبسرین، ۱۱۵
دَرْوازَذْ، ۱۹۸	رابج، ۱۱۲	زرنبوری، ۱۶۲	سپندانک، ۱۱۵
دُرْيان، ۱۴۵	رابستياج، ۱۹۳	زفيزف ونبق، ۲۱۴	سجا، ۱۶۷
دسنطو، ۸۵	راز <b>قی،</b> ۱۵۲	زُقُشته، ۱۶۳	سِجبِستان، ۱۶۷
دعقیلا، ۱۱۸	راسَن(اندلس)، ۱۵۳	زمّان شرار، ۷۶	سجس افراغيه (اندلس)،
دفقینی، ۱۰۳	رامک، ۱۵۴	زنابير، ۹۶	744
دِقان، ۱۳۶	رانج، ۱۰۹	زِنْباره، ۹۶	سجلات، ۲۹۹
دُقْتُرانْثَش، ۱۴۵	رائج، ۲۸۷	زُنبوره، ۹۶	سجيوس، ۴۳
دقتوریه، ۹۹	راون، ۱۵۴	زنبوش، ۹۰	سحر، ۲۶۰
دقليوس، ۶۷	ربَنالَه، ۲۷۴	زنبوقه، ۱۲۲	سحسونه، ۱۶۷
دلوباخوسطس، ۲۳۰	ربودی، ۸۴	زِنبيره، ۹۶	سَخار، ۱۶۷
دَلیک، ۱۴۶	رجنه، ۱۳۳	زنجبیل شامی، ۱۵۳	سخيونس اليا، ١۴٨
دَمادم، ۱۴۷	رُسمارينا، ۸۷	زنج <i>ی</i> ، ۱۶۷	سدر، ۱۱۸
دَمْدام، ۱۴۷	رسون هندی، ۱۹۹	زنغباری، ۱۶۴	شدوس، ۲۱۱
دندان ساوکف، ۸۳	رشَّاله، ۴۶	زُوبَری، ۱۲۶	سدوس، ۲۹۲
دنقه، ۱۴۷	رغیدا، ۴۴	زوذوذا، ۱۴۵	سراش، ۱۳۸
دوادم، ۱۴۷	رَکْل، ۲۵۲	زوفس، ۱۰۳	سرالية، ٢٩٨
دويژ (مصر)، ۲۷۳	رمرام، ۱۵۸	زول زده، ۲۵۱	سَرَزک، ۱۶۲
دَوْدر، ۱۴۵	رَمْرام، ۱۵۸	زهرور، ۲۸۹	سرشاد، ۱۷۰

شناقه، ۹۹	شبطباط، ۱۸۵	سنانی، ۱۵۶	سرقسانة، ۱۷۰
شنبدله، ۹۶	شبطه وقرولن، ۷۸	سُنْبِراس، ۱۷۷	سرقسطه بلطاله مركلينه،
شنبر، ۱۱۳	شبناله، ۱۲۳	سنجاب (هری)، ۸۳	799
شنبليذ، ۵۳	شبوق، ۸۵	سنجسفويه، ۱۷۷	سرما، ۱۷۰
شنبنش، ۲۵۶	شبوقه، ۱۱۰	سندروس، ۱۷۸	سرمج اطرافاكسيس، ١٧٠
شنترن، ۱۰۴	شَبیبی، ۱۹۱	سَنْدروس، ۱۷۸	سرمس، ۱۷۰
شنتله، ۱۵۷	شبیطه، ۲۶۹	سندوقس، ۵۸	سروی، ۳۰۰
شِنْتلَّة، ٤٣	شتین، ۱۴۷	سندهان، ۱۷۹	سریش، ۱۳۸
شنثمن، ۱۵۳	شث، ۱۸۵	سندیان، ۱۷۹	سريقون ارمني، ١٩٣
شندله، ۹۶	شخماله، ۲۶۶	سنفالة، ١٤٨	سسطيعون، ١۶۵
شَنْدَلَة، ١٩٠	شحميلَّة، ١۴٨	سَنْقِنْرُه، ۱۳۹	سطافانن، ۱۵۹
شُنْذَلُّه (اندلس)، ۹۶	شُحَيمالُه، ۲۵۸	سِن نودُه، ۱۵۵	سطراطيوس، ١٧١
شنشنطوره، ۱۰۳	شربش (ثغری)، ۱۶۲	سوراج، ۲۴۹	سطراک، ۱۶۱
شنفیل، ۲۵۴	شربليون، ۲۷۳	سور آهند، ۲۵۷	سطرکا، ۵۳
شَنْقِنيره، ۱۵۳	شربین، ۱۸۷	سوربارو، ۲۸۸	سطوبی، ۱۷۱
شنکی، ۲۶۷	شرخره، ۱۱۳	سوفال، ۱۸۱	سطيوس، ۱۰۴
شورش لاطة، ١٢٣	شِيرْس، ۱۸۷	سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	سفانی، ۱۵۶
شوشمشير، ٧٠	شرغلی، ۸۰	سوفطيون، ۱۶۷	سفتک، ۲۹۲
شوشمير، ۲۳۲	ششترة، ۱۸۷	سوفی، ۹۳، ۱۵۷	سفندوليون، ۱۷۲
شوطی، ۸۰	ششقاقل، ۱۸۸	سوقاسنيس، ١٠٥	سفودالس، ۱۹۵
شوکران، ۸۸	شَفِذ، ۱۸۴	سوقطيون، ١٣٥	سقربیون، ۲۰۴
شـولة دى راى (انـدلس)،	شفلیش، ۲۱۴	سیدیریطس، ۲۵۷	سَقْمونيا، ۱۷۲
10.	شفیقل، ۱۸۸	سیسبر، ۱۸۲	سقندوقس، ۵۸
شومر، ۱۹۲	شقایق، ۱۸۸	سيسبرونه، ۱۲۲	سقونیوس، ۲۰۱
شَوَنْدَر، ۱۹۲	شقرديون، ۱۸۹	سِيَسْنُبَر، ۱۸۲	سَكَرْجَه، ۱۷۳
شیان، ۱۹۲	شقوديون، ۱۸۹	سیسنه، ۱۱۳	سكنبويه، ۱۷۳
شیرق، ۱۹۸	شکاعی، ۷۵	سیسون، ۷۹	سَليخَه، ۱۷۴
شیشاصینی، ۱۳۳	شَكَرقند، ۱۸۹	سيصامويداس، ١٣٠	سلیس، ۲۱۸
شیشم، ۱۳۳	شلّ، ۸۵	سيطوس، ١٩١	سمرنیون، ۱۷۶
شیشتبر، ۱۱۳	شلار، ۸۰	سيقريقرا، ١٢۶	سمريا، ۲۵۴
شیلم، ۱۱۸، ۱۶۴	شلبش، ۲۵۲	سیلونس، ۱۱۴	سمسخون، ۱۱۳
شینر، ۱۹۲	شلوبینی، ۸۰	سیناپهل، ۱۸۷	سمسقون، ۱۱۳
صاصل، ۱۹۴	شَليل، ١٩٠	سيوس، ۱۶۵	سمشير، ۳۴
صاصّلی، ۱۹۴	" شمسير، ۲۳۲	شاامی، ۱۶۱	سمفوطُن، ۲۶۹
صَدَح (اهالی سواد)، ۸۴	شمشرا، ۲۷۹	شامبه، ۴۸	سمقشمحون، ۳۴
صریرا، ۷۱	شمشیر، ۲۳۲	شانسیه، ۲۶۶	سمورنيون، ۱۷۶
صغابیس، ۱۹۸	شموسا، ۲۸۰	شِبْرِق، ۱۸۴	سمونيون، ۱۷۶
صمغ طرتوث، ۵۱	شمین، ۲۹۶	شبریله، ۲۸۰	سناتیا، ۲۴۸

غراله، ٩٩	طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲	طرذيلون، ۱۶۷	صندل، ۱۵۹
غرناطُش، ۱۵۷	طيلافيون، ۲۸۰	طرسه(اندلس)، ۲۴۳	صوصلا، ۱۹۴
غرنوقی، ۱۲۹	طیلاله، ۹۰	طرشقوق، ۲۹۸	صومر، ۷۱
غريطيره، ۲۷۳	طیلسات، ۲۹۲	طرغاین، ۲۰۱	ضدخ، ۸۴
غساقالس، ۲۴۲	عاقرشمعا، ۳۸	طرقنتيه، ۲۷۳	ضدغ، ۸۴
غلوکش، ۱۰۴	عالية و برشقى، ۱۵۳	طرقنتية، ۲۷۳	ضومر، ۷۱
غمار، ۳۱، ۳۶	عبب، ۲۰۶	طرمش، ۱۲۶	طاحسک، ۳۵
غوتاغبنا، ۲۶۲	عَبْس، ۱۸۲	طرنج، ۴۰	طارطقه، ۱۱۳
غوديوله، ۲۵۲	عبهر، ۹۰	طرنشول، ۵۹	طالیسفر، ۱۴۲، ۱۹۹
غوذيوله، ۸۷	عَبْهَر، ۲۰۶	طُزنُشول (اندلس)، ۱۹۴	طاموغیطن، ۱۱۰
غُوشِنَه، ۲۲۱	عُبَيْثُران، ۲۰۶	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	طبرش، ۲۶۰
غوشنة جنسى، ٢٢١	عُترب، ۱۷۵	طُرنَه ماطر (ثغری)، ۱۳۰	طخش، ۱۳۹، ۲۰۰
غوشه، ۲۲۱	عربرب، ۱۷۵	طرنة، ۲۰۳	طخشيقون، ۲۰۰
غویشه، ۲۲۱	عرطنیثا، ۲۰۷	طرنية (اندلس)، ۲۴۳	طَخْشيقون، ٢٠٠
فابّه بورکه، ۹۳	عرطنیفه، ۳۴	طَزیْطُر (مایرقا)، ۲۴۶	طَراشَنَه، ۲۰۱
فابّه دِبورْکه، ۱۵۷	عُرْقُصان، ۱۵۰	طشور، ۲۰۴	طَراغُثون، ۲۰۱
فارغه، ۲۲۲	عرقصاء(سجزی)، ۱۲۵	طشیر، ۲۰.۴	طَراغین، ۲۰۱
فاس، ۶۶	عروس، ۲۹۲	طغارنه، ۲۴۸	طرامشیع، ۲۸۱
فاسی، ۲۲۲	عَروسالَّة، ۲۷۰	طغاره، ۲۴۸	طرامه، ۲۰۲
فاشَرْشين (اندلسي)، ۲۲۲	عصب، ۲۶۳	طفشيقون، ۲۰۰	طرامیش، ۲۰۱
فاط، ۲۲۲	عقاودم، ۲۸۳	طلخشقوق، ۲۹۸	طرباج، ۱۴۸
فاطن، ۷۳	عَكْر، ۱۱۴	طلق، ۲۶۴	طربشکه، ۲۷۵، ۲۷۷
فافبوس، ۵۷	علسی، ۱۹۵	طلیطلی، ۱۸۹	طربه لُبه، ۷۵
فافل، ۲۲۸	عِلک، ۲۴۴	طمرشکه، ۲۰۲	طربه لُبّه، ۸۷
فافيوس الحدقي، ٥٧	عُليبق، ٢١٣	طمرة، ۱۳۳	طربه لبه، ۱۵۱
فالبرس، ۲۲۳	علیجان، ۲۱۳	طِنْيَة، ۵۵	طرتوشا، ۵۱
فالِبَرْنُس، ٢٢٣	عمار، ۳۶	طوبه، ۲۰۴	طرجال، ۱۲۶
فالسيسبانة، ٣٥	عمرو، ۲۵۳	طورنه شول، ۲۰۴	طرحشقوق، ۲۹۷
فال <i>ی</i> بورس، ۲۲۳	عمول، ۷۶	طورنه ليته، ۲۰۴	طــرخشــقون، ۱۴۷، ۲۹۸،
فانیرستینست، ۲۲۲	عنقيل، ١٨٩	طورنّه مَريطش، ۲۰۵	٣٠١
فجلن، ۹۰	عَنَم، ٢١٥	طورنه مَريطه، ۲۰۴	طرخشوق، ۳۰۰
فدلقم، ۲۵۲	عوقيا، ١١٩	طَوَره، ۲۰۴	طرِدجَ، ۱۲۳
فراخشنه، ۲۶۹	عیبادیوس، ۱۵۵	طوريذخ، ۲۲۴	طردج، ۱۵۸
فَراسِيون، ۲۲۴	غالا لوطا، ٧٣	طوطاق اغريون، ١٢٢	طَزدِجَ، ۲۵۸
فراسيون، ۲۵۲	غالبون، ۲۵۰	طوليدون، ۲۱۴	طردجه، ۱۲۳
فراشنه، ۱۴۴	غاله جيقه، ١١٨	طَهطف، ۲۰۳	طردجُه، ۱۲۳
فربوله، ۲۶۶	غاليبوس، ۱۷۰	طیثومالس، ۲۰۴	طردقیره منتیره، ۱۴۷
فربيون، ۵۵	غبانستر، ۲۸۲	طَيْرانَه، ۲۰۴	طردیلن، ۲۵۳

فَرْخار، ۲۲۵	فلنجة، ٢٥٠	قاباش قبطی، ۷۳	قرثمن، ۲۳۵
فرسانا، ۷۶	فُلُور اورو، ۸۰	قاب طیره، ۱۱۹	قرداسات الذوائب، ۱۲۱
فِرْسِک، ۱۳۹	فلوقاریش، ۲۸۰	قابی طیّاره، ۱۵۷	قردمانا، ۲۶۱
فرفجين، ٨٢	فلوماين، ۲۰۵	قارجی، ۷۵	قرذيوله، ۷۲
فرفه، ۸۳	فلومس اذاؤش، ۱۵۳	قاروذیا، ۱۰۷	قرز، ۱۲۱
فرقین، ۸۳	فليطش، ۸۷	قاع قُلًا، ۲۳۲	قرسطاريون، ١٧١
فرليون، ١٠٣	فلیفله، ۲۲۸	قاقاليا، ۲۳۲	قرشبیون، ۱۰۳
فرنت، ۱۸۳	فليُفلة، ٢٢٨	قاقل، ۵۲، ۲۳۲	قُرش قَبلّه، ۲۵۷
فرودوهامان، ۲۲۵	فم، ۲۲۹	قاقلا، ۲۴۳	قرشيقا، ۱۰۶
فروقوديلاون، ۲۲۵	فنال، ۱۴۸	قاقله صغير، ٢٣٢	قرصعنة، ۱۴۳
فریثا، ۲۲۹	فنجريون، ٢٢٨	قاقِلى (قبطى)، ٢٣٢	قِرْقِمان، ۲۳۸
فریقان، ۲۳۵	فَنْجِيون، ٢٢٨	قاقیا، ۲۳۳	قرمد، ۲۵۵
فریقه، ۱۲۰	فنطُّسى، ۱۲۴	قالامغرسطس، ٩٩	قرمقام، ۲۵۶
فسوليدس، ۲۴۹	فنقين، ١٠٣	قاليورس، ۶۱	قرنبا، ۱۲۲
فسوليدوس، ۲۴۹	فنلیه، ۷۸	قامارون، ۱۰۶	قرنباذ، ۲۵۶
فُشَاغ، ۲۲۶	فورس، ۲۵۸	قاوند، ۲۳۳	قرنبيط، ۲۵۶
فشاله، ۲۰۱	فورش ابجی، ۲۷۵	قبتورية، ۲۵۴، ۲۵۸	قرنفار، ۲۵۶
فَشَغ، ۲۲۶	فوروفش، ۱۵۵	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳	قرنقار، ۲۵۶
فصون، ۲۷۱	فوشنه، ۲۲۶	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳	قرنوله دِكائبة، ٥٩
فطراسليون، ۲۲۶	فوعين، ۲۳۰	قبسطون، ۲۷۷	قرنوه، ۲۹۶
فقیل، ۲۲۶	فوفارون، ۱۲۵	قبلعی(مشرق)، ۲۰۷	قَرَنْوَة، ۲۳۸
فل، ۱۳۸	فُوقِش، ۲۷۵	قبلوط، ۲۵۲	قَرنة، ١٢٩
فَلَّ، ۲۲۷	فوكرم، ۱۱۸	قَبِلُّه موره، ۲۵۷	قرنیثا، ۲۲۹
فلاخان، ۱۸۳	فوليون، ١٠٣، ٢٣٠	قَجنار، ۸۴	قروسوقيون، ۴۵
فلایُّه، ۱۰۵	فوهل، ۷۶، ۲۴۵	قحوان، ۵۷	قروطن(قبرس)، ۱۳۳
فلجون، ۱۵۷	فياس، ۶۶	قُدلُبَه، ۱۵۱	قريوله، ۲۶۶
فلجه، ۱۵۷	فياقه، ٩٣	قَذْروس، ۲۳۴	قريون، ۲۵۴
فلجيون، ١٥٧	فیطل، ۲۰۴	قذلبه(اندلس)، ۱۵۱	قُزَحى، ٨۴
فلحون، ۱۶۹	فَيطل، ۲۰۴	قرادامنی، ۱۸۲	قزقحير، ٨٣
فلفلمون، ۲۲۸	فيفايفا (عبراني)، ۵۷	قرادسینی، ۱۱۶	قسس، ۲۶۶
فلفلموی، ۲۲۸	فیقوس، ۱۰۵	قراضيا، ۲۳۴	قُسْطانيقَى، ٨٤
فلفل مُويَه، ۲۲۸	فيقومورا، ١٠٥	قراطاأغونن، ۲۳۵	قُسْطانیقَی(اهالی سواد)، ۸۴
فلفل مویه، ۲۲۸	فیقُه، ۹۶	قَراطارِغُون، ۲۳۵	قَسْطَرون، ۲۳۹
فُلْفُلْموية، ٢٢٨	فیقه منتیره، ۱۰۵	قراطاوًس، ۱۴۷	قسطوليدون، ۲۴۹
فلفمون، ۲۲۹	فیلاطاریون، ۶۸ ۷۱، ۱۵۵	قراطيارغيون، ٢٣٥	قسطیدس، ۲۰۱
فلمویه، ۲۲۸	فیلون، ۲۳۱	قراقيا، ۱۵۷	قسطیس، ۲۰۱
د. فلنجوس، ۲۷۳	فیلیطس، ۲۳۱	قرالنا، ۲۳۵	قسعر، ۲۳۳
فلنجه، ۵۶	فینقس، ۹۲	قرانیا، ۱۶۰، ۲۳۵	قسماط، ۱۳۰
- -		-	

کاوی، ۴۵، ۲۴۸	قوفا، ۲۴۴	قُلُنْبِره، ۲۰۴	قسّوس، ۱۲۱
کاهوجرنه، ۳۸	قوقابس، ۱۴۸	قُلُنْبُه قُولُة، ٣٤	قسیناد، ۲۶۶
کباس، ۱۲۴	قوقو، ۱۶۳	قلنبيل، ۱۴۱	قشطننيولا، ٨٠
كَبْسون، ۲۵۰	قولار، ۲۵۶	قُلُنْبينُه، ١٥٠	قَشْطَنُولَه، ۱۴۵
کبلاس، ۱۲۴	قولالة، ٢۶٣	قلنسد ناردین، ۱۴۱	قشقابن فلسديار، ۱۴۱
کبیکج، ۲۵۴	قولانی، ۲۴۷	قلوس، ۲۷۷	قشلومن، ۱۱۴
کتائی بزرگ، ۷۸	قولجياله، ۲۵۶	قلوین، ۱۰۳	قَصْبور، ۲۵۷
كُتَيلَه، ۲۵۱	قولِلْيُه، ۲۵۶	قليجوله، ۱۶۱	قصفا، ۱۳۳
كُتَيْنية، ۲۵۱	قولوقيمن، ۱۵۳	قليقل، ۲۷۴	قطبا، ۱۱۸
کحدان، ۲۱۸	قولوكنتش، ۱۲۶	قليماطُيطُس، ١۶١	قطریل، ۱۶۸
کحلا، ۲۱۸	قوله د قَبَاله، ۱۵۱	قليماطيطس، ١٤١	قطلم، ۱۶۶
کحلوان، ۷۸	قولی، ۲۵۶	قليمونه، ٩٠	قطلونيه، ٨٠
کدر، ۲۴۸	قومارقوس، ۱۰۶	قُلْيون، ۱۳۶	قَعْبَل، ۲۲۶
کربز، ۲۵۳	قومن، ۲۴۷	قليون دِغاته (ثغري)، ١٣٥	قعیلاس، ۳۴
کردیلن، ۲۵۳	قهلمان، ۲۸۰	قليونش دِغاته، ۱۵۰	قفالوط، ۲۵۲
کرساخسن، ۱۷۰	قیرون، ۲۳۸	قمسیل، ۱۴۸	قفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲
کُرْشُف، ۲۴۲	قیسارون، ۲۰۱	قُمِنْش، ۲۶۲	قفورا، ۱۴۳
کرسنه، ۱۰۴	قيستوس، ۲۶۵	قمنصانا، ٥٩	قلاقل، ۲۴۴
کرشاد، ۱۰۶	قیطاقون، ۹۳	قنابری، ۷۶	قلامُغْرسطس، ۱۴۸
کرکر، ۱۹۶	قیطس، ۳۱، ۳۵	قنار، ۱۱۴	قلامنتی، ۲۲۹
کرکرامحری، ۹۳	قَيْقَب، ۲۹۰	قنالُه، ۲۶۹	قلانتره، ۲۵۷
کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱	قیقیدیس، ۲۱۱	قنا هندي (خوازنه)، ۸۵	قلانتره كمبائه، ۲۵۷
کرک <i>ی</i> ، ۲۵۵	قیلورا، ۱۴۴	قُنباله، ۲۵۱	قُلانُش، ٢۴٣
کرکیشه، ۱۵۹	قيمص، ۲۴۷	قُنَّبيط، ٢٢٥	قُلْب، ۲۴۳
کرنباد، ۲۵۶	قيموليا، ۲۶۴	قَنبيط، ۲۵۶	قُلِيرَله، ۲۷۳
کرنج (توران <i>ی</i> )، ۴۴	قینا، ۲۴۷	قنتوله، ۲۷۵	قلجونة، ۲۴۳
كرنجونة، ۲۴۳	قيوند، ۲۳۳	قنجوله، ۱۲۲	قلخيغن، ۱۰۸
کرنونش(فاس)، ۲۲۳	کابور (ترمذ)، ۷۵	قنطا، ۶۹	قلس، ۱۸۲
کرنیبا، ۱۰۶	کات، ۲۴۸	قنلیه، ۱۵۵	قلشتر، ۱۸۹
کروفس، ۱۲۷	کاربا، ۲۶۴	قنول، ۱۴۱	قلطانه، ۲۵۰
کرویانه، ۲۵۵	کاشوش، ۱۰۰	قَنٰی، ۲۴۴	قلفورا، ۱۴۳
کَریلا، ۲۵۶	کافوربویه، ۲۴۹	قَنيره، ۲۸۰	قلفون، ۸۱
کریله، ۲۵۶	کافوری نر، ۵۷	قوتارشوق، ۱۵۲	قلفونيا، ۱۵۲
کزر، ۲۶۳	کافوریه، ۵۷	قوث، ۲۹۳	قلقاس، ۱۸۱
كَزمازَج، ۵۷	كافيشه، ۲۱۰	قوریون، ۲۹۸	قُلْقُل، ۲۴۴
كَزمازق، ۵۷	كالسّندروس، ۲۶۴	قوسی، ۲۰۱	قِلْقِل، ۲۴۴
کَزوان، ۲۵۷	کامن قزبان، ۲۵۷	قوشيا، ٢٣٩	قَلقلان، ۲۴۴
کست، ۲۳۹	کاول، ۲۵۲	قوطاما، ۲۴۷	قلقونيا، ۲۴۴

مابرونه، ۱۶۴	گردهیار، ۱۰۳	کمْینش، ۲۶۲	کستج، ۸۴
مادله، ۹۹	گریال، ۱۰۳	کناروس، ۱۱۴	کَسْتُج (اهالی سواد)، ۸۴
ماديون، ۲۸۷	گياكو، ۱۷۸	کناوس، ۲۶۲	کَسْموقا، ۲۵۷
ماراقونا، ۱۵۷	لاعون، ۲۶۵	کَنِب، ۲۶۲	كسمويا، ۲۵۷
مارّش، ۱۰۳	لاقئون، ۲۵۸	کنباث، ۲۶۲	کسنتیون، ۲۵۸
مارکیا، ۲۹۷	لاقوره، ۱۴۰	کنجر، ۱۱۴	کُشول، ۲۵۷
ماركيوا، ۲۸۸	لَبْرال، ۲۶۶	کنجروس، ۱۰۰	کشبه، ۴۱
مارون، ۲۷۵	لبوكا، ٢٧٥	کندر، ۲۷۴	کُشت، ۲۳۹
ماسفرم، ۲۷۵	لَتْكُو، ۲۶۷	کُنْدُری، ۲۶۳	کُشتج، ۲۵۸
ماسقدون، ۲۷۵	لِحياني، ۲۶۷	کندریاث، ۲۷۴	کشرثا، ۲۶۱
ماسقود، ۲۷۵	لختيره، ١٥٥	کندش، ۲۱۶	كَشْط، ٢٣٩
ماطرشِلْبَة، ۱۶۰	لذار، ۲۶۶	کنده بهروزه، ۷۲	کشمخه، ۱۲۳
مَالْبَه، ١٢٩	لسباراغوس، ۲۹۷	کندیتر، ۱۹۹	کشملخ، ۱۲۳
مالْبَه اوراطه، ۱۲۹	لطرنه، ۲۵۱	کوتاکبنا، ۲۶۲	كُشْمُلْخ، ۲۴۳
مالْبَه بَسْكَه، ۱۲۹	لما، ۲۱۴	کورش، ۱۳۹	كَشْنَج، ۲۵۸
مالْبَه مِلوخه، ۱۲۹	لَم لَم (برنیق)، ۲۷۱	کورو، ۱۳۲	کشوٹ زَنْجی، ۵۶
ماليا، ۱۴۴	لِنْقُودِبُوى، ٢٥٢	کوزا، ۲۸۳	کصنتیون، ۲۵۸
مالِيا، ۲۷۶	لوبيانية (اشبيل)، ۴۶	کُوسک (بستی)، ۷۳	کفسون، ۲۵۰
ماما، ۲۷۵	لوسطيون، ۱۵۸	كوشكروا، ۱۱۸	کفلیون، ۱۰۳
ماماقولا، ۱۰۶	لوعَجِيدِيطوس، ٢٧٣	کوکروا، ۱۱۸	کلاکون، ۹۲
مامیران، ۲۰۸، ۲۱۶	لوفا، ۲۷۴	کولرپر، ۱۲۱	کُلْت، ۲۵۹
مامیر (قبطی)، ۲۷۱	لوفای کبیر، ۲۴۶	گُولَم، ۲۲۷	کُل داودی، ۲۵۹
ما هوبداته، ۲۷۶	لوقابا، ۱۴۰	کومرثل، ۲۶۴	کُلکان، ۲۵۲
مرا، ۲۷۸	لوقابس، ۱۴۰	كوم (ماوراءالنهر)، ٩٩	کلموج، ۱۵۳
مراتيا، ٢٩٩	لوقاس، ۲۷۴	کوهج، ۱۶۲	کلنبار، ۲۵۰
مراطولس، ۲۴۹	لوقاقائثا، ۲۷۴	کوهیان، ۲۵۲	کلنج، ۲۶۰
مرانيه، ٢٩٩	لوقاين، ۲۷۴	کهکب، ۷۲	کلنگار، ۲۵۰
مِرتُش، ۳۶	لوقيدس، ۱۵۵	کهکم، ۷۲	کلنکرد، ۲۶۰
مِوْتيه، ۳۶	لوقيموس، ۵۸	کهورات، ۲۶۴	كِلْنَكَك (بستى)، ٨٣
مرخ، ۲۱۱	لِهولوقوغَزاتيس، ۲۷۴	کهیرک، ۷۲	کلوقورون، ۱۸۰
مرداودوش، ۱۱۳	ليتوقش، ١٣٣	كيسرگونه، ۱۰۳	کلیکان، ۲۶۰
مرددوش، ۱۱۳	ليتوقه كنبيانه، ١٣٣	کیسومر، ۱۰۳	کماذریوس، ۸۶ ۲۵۹
مردقوش، ۲۷۹	ليثانوس، ۲۷۴	کیکج، ۱۸۶	كماليون، ۵۱ ۲۶۱
مرّذکی، ۲۷۸	ليرون، ۵۰	کَیْکواشه، ۲۶۴	کمثری چینی، ۲۶۱
مرز، ۲۴۷	ليَلَنْج، ٢٩٢	کیلکان، ۲۶۴	كَمَرْزَهْرَه، ٢٤١
مرس، ۲۷۹	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	کیموس، ۱۰۰	کَمْرَک، ۲۶۱
مرسيفا، ۷۶	لينوسنطو، ٨٥	کِیَّة، ۲۸۲	کم کام، ۱۹۸
مرسینوس، ۴۶	لينوفر، ۲۹۲	گاودر، ۲۹۸	کموتان، ۱۰۳

نمشک، ۲۹۰	مهرمان، ۵۷	مطرقان، ۹۸	مرطنه، ۹۹
نمیسقن، ۲۵۳	ميبربان، ۳۶	مطرونیه، ۱۰۶	مَرْطنه، ۱۴۸
نواصیر، ۳۰۰	میبه، ۲۸۶	مَعْقلاوس، ۲۷۲	مرطولست، ۲۷۹
نوجَی، ۱۰۷	میدیغی، ۱۵۳	مَقْدونس، ۲۵۳	مرماحور، ۹۱
نوفَر، ۲۹۲	میرادون، ۲۸۰	مقدونيس، ۲۵۳	مَرْماحور، ۲۷۹
نوکان <i>ی</i> ، ۱۲۱	میس، ۲۷۲	مقر، ۱۹۵	مرماحوز، ۲۷۹
نهشک، ۲۹۰	میشبهار، ۳۷	مقشلان، ۸۰	مرماخور، ۲۷۵
نیاشبرش، ۲۸۲	میشنای، ۲۸۶	مقلونيا، ٢٨٥	مَرمازاد، ۲۷۹
نیشق، ۴۱	میشو، ۴۱	مقلیاثا، ۱۱۵	مرماطوس، ۲۸۰
نیشوف، ۵۱	میشهار، ۵۷	مكوجوا (زنج)، ۹۵	مرماهوس، ۲۸۰
نیشوق، ۴۱	میکلس، ۲۸۷	ملّاجه بطره، ۱۴۳	مِزملاط، ۲۷۹
نیطافَلی، ۲۹۲	ميواقنثوس، ٢٨٧	مَلْبالُه (ثغری)، ۱۳۰	مُرناغر، ۱۰۲
وارونه، ۱۰۹	میودیون، ۲۸۷	ملجاله، ۹۸	مرناغَر، ۲۸۰
وَخشيزق، ٢٩٣	مَيوره، ۱۱۳	ملمندر، ۸۸	مروریه، ۲۸۰
وربوعن، ۲۴۹	میوس، ۱۰۳	مِلْمَنْدَر، ۸۸	مرورية، ۲۸۰
ورد وفرا، ۱۸۸	میوش اوطا، ۸۳	ملوغه، ۱۲۹	مروليه، ۱۳۳
ورس، ۲۵۵	مِؤْش اوطيش، ١١٩	مُلون، ۸۱	مُرَيْش، ۱۴۰
وَرْس، ۲۹۵	نارتکس، ۲۵۹	ملونيا، ٢٨٥	مزوبه، ۲۳۷
ۇزس غُنْدە، ٣٩	ناركيو، ۲۸۸	مليونا، ٨١	مستسقاقل، ۱۴۸
ورشن، ۲۶۳	نارِکَیْوَا، ۲۸۸	ممونون، ۲۸۰	مس غات، ۲۸۱
ورطوری، ۲۹۵	نارماسیس، ۲۸۸	منتجوشة، ۱۷۸	مسک طرامسیع، ۲۲۹
وريزه، ۹۹	نارین بری، ۲۲۸	مَنْتجوشة، ۱۷۸	مسمقوره (عجمي اندلس)،
وسيح، ٢٩٥	ناغبشت، ۲۸۸	منتوله ميورة، ۲۷۵	15.
وَشْيَج، ۲۹۵	ناغیشت، ۲۸۹	منداغورس، ۳۰۰	مسیخا، ۱۸۱
ونجهک، ۲۹۶	نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	مندغورة، ٣٠٠	مشا، ۲۸۱
هازان، ۱۱۳	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	مَنْده، ۱۱۳	مشتجی، ۲۸۲
هازوما، ۱۱۳	نَبَسيْروله، ۱۵۳	مَنْسانَة، ۹۴	مُشَتَلَيش، ۲۸۲
هال، ۲۹۶	نبقیرس، ۸۰	مو، ۲۸۵	مشک، ۱۸۰
هال بوا، ۷۰، ۲۹۶	نبنیا، ۲۶۲	مواغُرُن، ۲۸۵	مشكطرامشيع، ٢٢٩
هاهیرون، ۹۵	نجاله، ۲۹۰	موران، ۲۸۷	مشمش، ۳۰۰
هراس، ۵۹	نَرْتيقُس، ۲۹۰	مورانه، ۲۸۷	مشیشترو (فاس)، ۲۲۹
هرانیه، ۲۹۶	نرثقس، ۲۵۹	مورجُون، ۱۵۷	مصطنجی، ۲۸۲
هرتما، ۱۱۳	نزار، ۳۸	مورقا(اندلس)، ۲۸۵	مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶
هرطمان، ۲۶۳	نعاقلیس، ۲۱۱	موریون، ۳۰۰	مطردیه (عجمیت اندلس)،
هرقلوه، ۲۹۶	نغرون، ۱۲۶	موز، ۲۰۳	747
هرقليون، ۱۸۲	نغزک (توران <i>ی</i> )، ۶۳	موزق، ۲۸۰	مطرقال، ۹۸، ۲۶۶
هرقوليون، ۱۸۲	نقخارس، ۱۶۵	مولی، ۲۸۶	مَطْرَقال (اندلس)، ۹۸
هَرْنُونْد، ۲۹۷	نلک، ۱۶۲	مونْج، ۲۸۶	مطرقال (اندلس)، ۱۸۹

ه، ۲۹۶ يرامع	يرامع، ۲۹۷
	يَرْبَطُور (مغرب)، ۷۴
ة، ٢٣٨ يربط	يربطوره، ۲۶۲
، ۲۸۶ يربط	یربطورة (اندلس)، ۲۰۸
<i>ن</i> آقه، ۲۱۰	يِرْبَطه، ۱۰۶
ی توم، ۲۱۰ یربوز	یربوز، ۱۶۲
ئْفَر، ۲۱۰ يربور	يربوع، ۴۹
ار، ۱۱۳ پِرْبَه	یِرْبَه اشبیلی، ۲۰۴
	يربه اوناله، ۸۰
، ۱۷۴ پرېه	يِرْبَه اوناله، ۱۴۵
	یِربّه بانکه، ۲۵۷
يربّه ۹۲ ، ر	يِربَه بُذلييره، ١٢٠
سه، ۱۸۳ يَرْبَه	يَرْبَه بَطْره، ۲۵۳
-	یِربه بطره، ۲۹۱
ن، ۱۹۸ پِرْبَه	پِرْبَه دی فُوِقُه، ۲۶۶
نا، ۲۷۶ پِرْبَه	يِّرْبَه غَلَيشكه، ۱۴۴
نی، ۸۱ يَرْبَه	يَرْبَه فَشوشْکه، ۴۷
سطیداس، ۲۹۹ یربه	یربه قرشته، ۱۰۳
الهرايده، ۲۹۹ يُرْبَه	يُزبَه مولُه (اندلس)، ۱۵۶
_	یستهارمک، ۱۷۹
باره، ۱۱۳ يشَ	یشکشکه (اندلس)، ۱۰۶
بوا، ۲۹۶ يعض	يعضيد، ١٣٩
رم، ۴۳ يَعْفُر	يَعْفُر، ۲۰۴
رما، ۲۹۰ يلنج	يلنجوح، ۱۷۹
سمان، ۲۲۳ يمرو	یمرو، ۳۰۰
، ۷۰ يناث	يناشته دِبْوِركه، ۱۵۴
بوا، ۷۰ يَنْبوا	یَنْبوت، ۳۰۱
ررش، ۱۳۰ ينتوا	ينتون، ٩٧
وهال، ۲۹۶ ينشن	ينشتاله، ۱۵۴
قسطیداس، ۲۹۹ ینشا	ينشنتاله، ۱۵۱
	يوساقطى، ١١٠
مین، ۱۰۶، ۱۶۴ یوس	يوسيمون، ١١٣
مین، ۲۹۹	•
حی دشینا، ۷۲	
ية، ٣٠٠	

يخصص، ۲۵۳

َیدُختن، ۱۵۷ یِذْرہ، ۱۱۳



# ضمیمه (۳)

## فهرست نامهای علمی و انگلیسی

۱ - فهرست نام های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا ۲ - فهرست نام های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

#### **فهرست نام های علمی و نام های انگلیسی**

نام ها در غالب کتب و منابع موجود گیاهان داروئی، دارای برخی اشتباهات املائی یا چاپی هستند که متاسفانه در کتاب های دیگر نیز به همان صورت تکرار شده اند. همچنین برخی از نام های موجود در منابع، اکنون نام های مترادف محسوب می شوند. نام درست و اصلی گیاهان با حروف راست سیاه (غیر ایتالیک) در مقابل نام مترادف آن ها ( با حروف ایتالیک ) در جدول مشخص شده است.

نام عمومی یا معادل انگلیسی (COMMON NAME ) گیاهان داروئی در ستون مقابل نام های علمی آن ها قرار دارد.

در یافتن نام های اصلی برای تدوین جدول ، از منابع جدید گیاه شناختی و از اطلاعات اینترنتی نیز استفاده شده است.

بدیهی است برخی از نام های جدول -- که غالبا مربوط به گیاهان خارج از فلات ایسران هستند - در منابع گیـاه شـناختی و اینـترنتی یافت نشد و چون در کتب گیاهان داروئی مکررا آمده اند به همان صورت در جدول باقی مانده اند.

املاء نام های آمده در منابع به طور دقیق بررسی و اصلاح شده است. ا

#### جدول نام های علمی کیاهان داروئی

### ۱ – نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Abelmoschus esculentus (L.) Moench = Hibiscus esculentus L.	**	Malvaceae	Akar; Gumbo	V £
Acacia arabica Willd .= Acacia nilotica Del.	*	Mimosaceae	Babulacacia	1911 . 172. 1711 . 371 . 1710 1771 . 173. 177
Acacia ehrenbergiana Hayne.	*	Mimosaceae		175
Acacia flava Forsk.		Mimosaceae		175
Acacia mellifera Boiss.		Mimosaceae		) V T
Acacia nilotica Del.		Mimosaceae	Gum arabic tree	191
Acacia oerfota (Forsk.) Sch.	+	Mimosaceae		TAT . T.A
Acacia senegal Willd.		Mimosaceae		rrr
Acacia senegalensis		Mimosaceae		rrr
Acacia spirocarpa Hook.		Mimosaceae		1 1 7
Acacia vera Willd.		Mimosaceae		TTV.191
Acanthus mollis L.	**	Acanthaceae	Bear's breach soft acanthus	rrv
Aceras anthropophora Steud. = Orchis anthropophora (L.) Allioni		Orchidaceae	Man Orchid	110
Achillea ageratum L.		Compositae		ro00
Achillea fragrantissima Sch.		Compositae		rev, rrv

ا پران کیاهان داروئی بومی ایران

<sup>(\*\*)</sup> گیاهان دارونی کاشته شده

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Achillea millefolium L.	*	Compositae	Common yarrow	101, 171, 171, 107
Achillea ptarmica L.		Compositae	Sneezewoort	777,717,777
Achillea pubescens L.		Compositae		VV
Achillea sp.		Compositae		759
Achillea tomentosa L.		Compositae		TE9. 1719. 171. 171. 1871
Achillea viscosa Lam.		Compositae		ro.
Achium diffusam L.		Boraginaceae		TEA
Aconitum anthora L.		Ranunculaeae	Pyrenees monkshood	7.5.75
Aconitum erectum L.		Ranunculaeae		171.54
Aconitum ferox Wall.		Ranunculaeae		97
Aconitum luridum Hook.		Ranunculaeae		17
Aconitum lycoctonum L.		Ranunculacae	Wolfsbane monkshood	ror.179
Aconitum napellus L.	**	Ranunculaeae	Aconite monkshood	ror .rr . 119
Aconitum sp.		Ranunculaeae	Monkshood	97.75
Acorus aromaticus Gilib.		Araceae		797.781
Acorus calamus L.	*	Acoraceae	Drug sweet flag; Calamus	۱۳۰۹ ، ۲۹۳ ، ۲۶۱ ، ۲۶۰ ، ۲۹۳ ، ۲۹۳ ، ۳۲۶ . ۲۰۳
Acrostichum dichototum Forsk.		Adiantaceae	Maidenhair fern	. 747
Actaea sp.	•	Ranunculaeae	Baneberry	154
Adiantum capillus-veneris L.	•	Adiantaceae	South maidenhair; Venus's-hair	700 : 1AV : VT
Adonsonia sp.		Bombacaceae		170
Aegiceras sp.		Myrsinaceae		rr
Aegilops ovata L.	*	Gramineae		700,18V
Aegle marmelo Cor.	*	Rutacea	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	01.71.19
Aeluropus littoralis Ga.	*	Gramineae		YIY
Aesculus hippocastanum L.		Hippocastanaceae	Common horse chestnus	AV
Aethusa cynapium L.		Umbelliferae	Fool's-parsley aethusa	191
Agallochum sp . = Aquilaria agallicha		Thymelaeacae	Aloes wood, Eagle	0 {
Agaricus sp.		Agaricaceae – (Mushroom)	Fool's-parsley agric	719
Agrimonia eupatoria L.	L	Rosaceae	Agrimony	20, 39, 917, 917, 077, 937
Agrimonia sp.		Rosaceae		719
Agropyrum repens Beauv.		Gramineae	Couch-grass ;Quakgrass	759,717,99
Agrostemma githago L.		Caryophyllaceae  Caryophyllaceae	Common corn cockle	VY, PF(, YP(, KFY, T3T
Agrostemma sp.			corn cockle	۲۳۱، ۱۲۸
Ahyrium filix-mas L.		Dryopteridaceae		IVI
Ajuga chamaepitys L.		Labiatae	Ground pine	75Y . 717 . 717 . 7. Y
Ajuga chamaepitys Sch.		Labiatae		777
Ajuga iva L.		Labiatae		771.17
Ajuga sp.		Labiatae	Bugle	7.1

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Alangium lamrckii Th.		Alangiaceae	Ankola (Sanskrit)	17
Alangium salviifolium (L.F.) Wan.		Alangiaceae	Sage Leaves	71/
Albersia blitum Kunth .= Amaranthus blitum subsp. blitum		Amaranthaceae		Λ£
Albizzia lebbek Bth.	*	Mimosacae	Lebbek tree ; Siris tree	773.77
Alcea rosea L.	**	Malvaceae		ויייין
Alhagi camelorum Fisch.		Papilionaceae	Camel's-thorn	וייי
Alhagi mannifera Desv.	1	Papilionaceae		r.7.11.
Alhagi maurorum Tourn. = Alhagi pseudalhagi (M.B.)Desf.		Papilionaceae		7.7.11.
Alisma plantaga L.		Alismataceae	American water plantain	TEV. 1711. YAI
Alisma sp.		Alismataceae	Water plantain	7.11
Alkanna orientalis (L.)Boiss.	*	Boraginaceae	Yellow bugloss	777
Alkanna sp.	1	Boraginaceae	Alkanet	172
Alkanna tinctoria Tausch.	+	Boraginaceae	Dyer's alkanet	٨٣، ٣٩، ٨٤٣
Alliaria officinalis L .= Alliaria petiolata (M.B.) Cav.&Grand.	*	Cruciferae	Garicmustard ; Hedge ; Garrlic	9.4
Allium ampeloprasum L.	•	Liliaceae	Great round; Headed garlic	rr, rit , tor, tor
Allium ascalonicum L.	•	Liliaceae	Shallot	rrr . 40r . 40r . 42r
Allium carinatum L.		Liliaceae	Keeled onion	11
Allium cepa L.	•	Liliaceae	Garden onion	۱۸، ۲۵۲، ۳۳۳
Allium descendens L.		Liliaceae		rrr
Allium dioscoridis Sibth.		Liliaceae		rra
Allium magicium L.		Liliaceae		7.7
Allium moly L.	**	Liliaceae	Lily leek	77.317.877
Allium porrum L.	$\top$	Liliaceae	Leek	777.70T
Allium roseum L.		Liliaceae		ror
Allium sativum L.	•	Liliaceae	Garlic	77 . 9A
Allium scorodoprasum L.	<del>                                     </del>	Liliaceae		19. 19. 101. 111. 777
Allium silvestrum	+-	Liliaceae		٨٩، ٩٩، ٩٨١
Allium subhirsutum L.		Liliaceae		rrr
Allium ursinum L.		Liliaceae	Ramsons ; Bear's-	ror
Allium vineale L.		Liliaceae	Field garlic	707
Allium xiphopetalum Ait.	*	Liliaceae		121 662 641
Aloe aloexylon		Liliaceae		7)
Aloe scotrina		Liliaceae	Socotrine aloe	7 )
Aloe vera L.	•	Liliaceae	True aloe	۱۲، ۱۹۰۵ تا ۲۳۰ ۲۳۳
Aloe vulgaris Lam.		Liliaceae	Mediterranean aloe	rrv
Aloexylon agallocha Roxb.		Papilionaceae	Aloe Wood	717
Aloexylon agallochum Lou.		Papilionaceae	Aloe Wood	770
Alpinia galanga (L.) Will.		Zingiberaceae	Great	1 79

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Alpinia khulanjan (L.) Will.		Zingiberaceae		179
Alpinia officinarum Hance	**	Zingiberaceae	Galangal	179
Alpinia sp.		Zingiberaceae		179
Althaea cannabina L.	*	Malvaceae		711, 117, 737
Althaea ficifolia R.Br.		Malvaceae		זיין ו
Althaea officinalis L.	•	Malvaceae	Hollyhock	727. 71V. 79V. 177
Althaea rosea Cavan.		Malvaceae		757.717.790.177
Althaea sp.		Malvaceae	Althaea	179
Alyssum campestre L .= Ayseum minus (L.)Rothu.	*	Cruciferae		47
Alyssum clypeatum L.		Cruciferae		727
Alyssum saxatile L.	*	Cruciferae	Golden tuft; Golden-tuft alyssum	757.710.73
Alyssum sp.		Cruciferae	Alyssum	7.
Amaracus dictamnus Ben .= Origanum dictamnus L.		Labiatae	Cretan Dittany	YAI
Amaranthus blitum L .= Amaranthus graecizans L. Var. sylvestris (Vil.)Asch.		Amaranthaceae	Prostrate amaranth	٤٨، ٢١١، ٢٣٠
Amaranthus cruentus L.	•	Amaranthaceae	Grain Amaranth	V9
Amaranthus gangeticus L.		Amaranthaceae	Tumbelweed amaranth	1 5 9"
Amaranthus graecizas L. var.	*	Amaranthaceae		AE
sylvestris (Vil.) Asch.	-			
Amaranthus paniculatus L.	1	Amaranthaceae	Scarlet amaranth	157
Amaranthus tricolor L.		Amaranthaceae	Love-lies-bleeding	155.44.73
Ambrosia maritima L.		Compositae		۱۲، ۷۷، ۲۱۳، ۶۶۳
Ammi copticum Boiss.		Umbelliferae		719
Ammi visnaga (L.) Lam.	*	Umbelliferae	Bishop's Flower; Visnaga	TE. 1719
Amomum cardamomum L = Amomum compactum Sol. ex Maton = Elettaria cardamomum (L.) Maton		Zingiberaceae	Tooth pick ammi; Bishop's-weed	172
Amomum granum-paradisi L. = Aframomum granum-paradisi K. Schum		Zingiberaceae		٨٠١، ٢٣٢، ٢٩٦
Amomum racemosum L.		Zingiberaceae		178
Amomum racemosum Lam.		Zingiberaceae		TY
Amomum repens Son.	$oxed{L}$	Zingiberaceae		777
Amomum sp.		Zingiberaceae		797. 777
Amomum zerumbet L .=  Zingiber zerumbet (L.) Smith =  Zingiber officinale Roscoe		Zingiberaceae		17)
Amomun melegueta Ros .= Aframomum melegueta K. Schum.		Zingiberaceae		777, 777, 787
Amygdalus amara Hayne		Rosaceae		rvr
Amygdalus communis L.	*	Rosaceae	Almond	777, 777
Amygdalus dulcis Mill.		Rosaceae		rvr

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Amygdalus persica L.		Rosaceae	Peach tree	179
Amyris elemifera L.		Rutaceae	Galangal; Java galangal; Galingale	Y17
Amyris gileadensis L.		Rutaceae		
Amyris kataf Forsk.		Rutaceae		PTO .1VA
Amyris myrrh Hafal.		Rutaceae		rro
Amyris opobalsamum		Rutaceae		710
Amyris sp.		Rutaceae	Torchwood; Balsam shrub	rro
Anacyclus pyrethrun DC.		Compositae		751,007,017,137
Anacyclus radiatus L.		Compositae		91
Anacyclus valentine		Compositae		41
Anagallis arvensis L.	*	Primulaceae	Scarlet runner bean	۲۳۰، ۱۳، ۳۲۰
Anagallis coerulea Schreb.		Primulaceae	Blue pimpernel	770,77
Anagyris foetida L.	•	Papilionaceae	Mediterranean stinkbush	ידי ידי נייה גוה. דצי
Anagyris sp.		Papilionaceae		٣.1
Anamirta paniculata Colebr .= Cocculus indicus Royle		Menispermaceae	Indicus Cocculus	rvv .
Anastatica hierochuntica L.	*	Cruciferae	Jericho resurrection mustard	7 1 1 1 1 7 1 7 1 7 1 7 1 7 1 7 1 7 1 7
Anchusa hybrida Ten.		Boraginaceae	Carly bugloss	٨٢٦
Anchusa italica Retz.		Boraginaceae	Italian bugloss	177, 177
Anchusa officinalis L.		Boraginaceae	Common buckwheat	Y7A
Anchusa paniculata Ait.		Boraginaceae		ros
Anchusa tinctoria L.		Boraginaceae		178,79
Andropogon jawarancusa Jo.		Boraginaceae		٤٣
Andropogon lanigera Desf.		Gramineae		٤٣
Andropogon nardus L.		Gramineae		117
Andropogon schoenanthus L.		Gramineae		778.7.9.57
Andropogon sorghum Brot. = Sorghum vulgare Pers.	*	Gramineae	Sorghum	٣٢٩، ١٥٠، ٢٤٣
Andropogona martini Roxb.		Gramineae		721
Androsace lactea L.		Primulaceae		750,717,757
Androsace sp.	•	Primulaceae		757:1.5
Anemone coronaria L.		Ranunculaceae	Poppy anemone	۸۸۱، ۱۲، ۳۳۰
Anemone hortensis L.	1	Ranunculaceae		۸۸۱، ۳۳۵
Anemone pulsatilla L.	1	Ranunculaceae	Yellow Anemone	144
Anemone sp.	•	Ranunculaceae	Anemone	111. 111
Anethum graveolens L.	1.	Umbelliferae	Dill	75. 111.311.317.47
Angelica sylvestris L.		Umbelliferae	Angelika, Echte Brustwurzel	T£.
Anisum stellatum L.		Umbelliferae		Y
Anisum vulgare Gaertn.		Umbelliferae		71
Antennaria sp.		Compositae	dillweed, dillseed, dill	γ

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Anthemis arvensis L.		Compositae	Field camomile	767, 790, 71V, 91, 00
Anthemis chia L.		Compositae		750
Anthemis nobilis L.		Compositae	Roman chamomile; English camomile	TEO : TIV : TTO : V . : TE : OA
Anthemis pyrethrum L.		Compositae		Y17.Y.7
Anthemis rosea Sibth.		Compositae		<b>7</b> £7
Anthemis sp.		Compositae	Comomile	01
Anthemis tinctoria L.		Compositae	Golden Marguerite	TE7 (9) (0)
Anthemis valentina L.		Compositae		757
Anthericum graecum L.		Scrophulariaceae		rer
Anthericum ramosum L.		Scrophulariaceae		777
Antirrhinum asarina L.		Scrophulariaceae		174
Antirrhinum majus L.	*	Scrophulariaceae	Common snapdragon	rov.rr7v
Apargia sp .= Leontodon sp.		Compositae		mmy
Apera spica-venti L.		Gramineae	Wind bent grass; Wind grass; Corn grass	rfi
Apium Gr.		Umbelliferae	Celery	Yos
Apium graveolens L.	*	Umbelliferae	Wihd celery	781,708
Apium petroselinum L .= Petroselinum sativum Hoffm.		Umbelliferae	Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	708
Apium vulgare L.		Umbelliferae		708
Apocynum erectum Vell.		Apocynaceae		707.77777.57
Apocynum sp.		Apocynaceae	Dogbane	174
Aquilaria malaccesssis Lam.		Thymelaeaceae	Agarwood	717
Arbutus andrachne		Ericaceae		FYA
Arbutus sp.		Ericaceae		757,777
Arbutus unedo L.	*	Ericaceae	Strawberry saxifrage; Aron's- beard	TTA . TET . TTI . TI 1 . 1 . 1
Arctium bardana Willd.		Compositae		20
Arctium lappa L.	$\perp$	Compositae	Great burdock	TO 2 . TY 20
Arctium tomentosum Shkuhr.		Compositae	Cotton burdock	ro£.rr£0
Arctostaphylos uva-ursi Spreng.		Ericaceae	Bearberry	710
Areca catechu L.		Araceae	Betel-nut palm ; betel palm	Tr. ,0 £
Areca catechu Willd.		Araceae	Areca Nut	17.
Areca faufel Gaertn.		Araceae		77.
Argemone sp.		Papaveraceae	Prickly poppy	£ £
Aristolochia boetica		Aristolochiaceae		rri
Aristolochia longa L.		Aristolochiaceae	Long-rooted Birthwort	171
Aristolochia pallids Round = Aristolochia pallida Willd. Aristolochia rotunda L.		Aristolochiaceae	Wild Ginger	rro
Total County L.	1 1	Aristolochiaceae	snakeroot	171

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Aristolochia sempervirens L.		Aristolochiaceae	Birthwort	٣٣٦
Aristolochia sp.		Aristolochiaceae	Dutchman's-pipe- birthwort	۱۲۱ ، ۱۳۰ ، ۳۳۰
Armeniaca vulgaris Lam .= Prunus armeniaca L.		Rosaceae	Common apricot ; Apricot	rar
Arnopogon picroides Willd .= Tragopogon capensis Jacq. = Tragopogon picroides L. = Urospermum capense (Jacq.) Spreng. = Urospermum picroides (L.) Scop. ex Schmidt		Compositae	prickly goldenfleece, urospermum	٣٤٠
Artemisia abrotanum L.		Compositae	Old-man wormwood ; Southern wood	7 EV 219 + 2 V V
Artemisia absinthium L.	*	Compositae	Common worm ; Absinthium	rrv.r1r.1r. 201
Artemisia arborescens L.		Compositae	Sagewort worm wood ; Field wormwood	ree.19r
Artemisia campestris L.	1	Compositae	Tarragon	ree
Artemisia dracunculus L.	*	Compositae	Maritime wormwood	r. r
Artemisia judaica L.		Compositae	Wormwood	۲۰۲،۱۹۳
Artemisia maritima L.		Compositae	Sea Wormwood	777.197.VV.07
Artemisia palmate Lam.		Compositae		rrv
Artemisia pontica L.		Compositae	Roman wormwood	777,197
Artemisia santonica Lam.	•	Compositae		195
Artemisia siversiana Ehrh. & Willd.		Compositae		70
Artemisia sp.		Compositae	Wormwood; Sagebrush	198644
Artemisia vulgaris L.	•	Compositae	Douglas Mugwort	722.717.72V.19VV
Arum arisarum L.		Araceae		۳۲۶، ۲۱۳، ۴۳۳
Arum colocasia L.		Araceae		755, 177, 337
Arum dioscoridis L.		Araceae		rre
Arum dracunculus L.		Araceae	Common stink dragon	"""
Arum esculenta L.		Araceae		YEE
Arum italicum L.		Araceae	Italian arum	TVT.101 ET
Arum maculatum		Araceae	Lords-and-lodies; Cuckoopint	777.377
Arum sp.		Araceae	Arum	rri
Arum vulgare L.		Araceae		۳۳۶،۲۱۳، ۳۳۶
Arundinaria sp.	•	Gramineae		rir
Arundo bambos L.		Gramineae		199
Arundo donax L.	*	Gramineae	Giant reed	777.72.
Arundo phragmites L.		Gramineae		75.
Asarum europaeum L.		Aristolchiaceae	European wild ginger	TY
Asclepias cynanchoides Humb.		Aslepiadiaceae		Y • 9

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Asclepias gigantea R.Br.		Aslepiadiaceae		Y • 9
Asclepias vincetoxicum L.		Aslepiadiaceae		TEY: 10: YE0
Ashbia gossypii = Eremothecium gossypii (Fungi)			Strain Number	74.
Asparagus acutifolius L.		Asparaginaceae	Sharp-leaved asparagus	۹۸۲، ۱۳۳
Asparagus adscendens Roub.		Asparaginaceae		rav
Asparagus officinalis L.		Asparaginaceae	Common asparagus	NP1 . FT1 . TTY . TAT . 19A
Asparagus sp.		Asparaginaceae	Asparagus	rgv
Asperugo procumbens L.	*	Boraginaceae	Grman madwort; madwort	V1 .TE
Asphodelus damascenus Boiss.		Liliaceae		01
Asphodelus microcarpus (L.) Swartz		Liliaceae		1 5%
Asphodelus ramosus L.		Liliaceae		۲۳۶،۱۳۸
Asphodelus sp.		Liliaceae		154
Aspidium aculeatum Smit .= Polystichum aculeatum		Polypodiaceae	Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	rov
Aspidium lonchitis L.		Polypodiaceae		757 . TIV . TYI . 10Y . 115 . 117
Asplenium adianthum-nigrum L.		Aspleniaceae	Black spleenwort	119,25 rov
Asplenium ruta muraria L.		Aspleniaceae	Wall rue	171
Asplenium trichomanes L.		Aspleniaceae	Maidenhair spleenwort	700 ,1AY ,179
Aster alpinus L.	•	Compositae	Alpine aster	1 977
Aster amellus L.		Compositae	Italian aster	TOE . 05 . EA
Aster atticus Pall.		Compositae		0£ (£A (£Y
Aster tripolium L.	*	Compositae	Tripoli aster; Sea	Y.T.9T.EA
Astragalus annulairis FORSSK.	•	Papilionaceae	astei	115
Astragalus aristatus L.		Papilionaceae		rrv
Astragalus arnacantha M.		Papilionaceae		797.777
Astragalus boeticus L.	*	Papilionaceae	Swedish coffe	roi
Astragalus creticus Lam.		Papilionaceae		רדד
Astragalus fasciculaefolius	•	Papilionaceae		77
Boiss.				, ,
Astragalus glaux L.		Papilionaceae	Tragacanth milk vetch	700
Astragalus gummifera Lab.		Papilionaceae		۲۰۱، ۲۳۲، ۸۰
Astragalus hamosus L.		Papilionaceae		01
Astragalus poterium L.		Papilionaceae		ששאי שושי דשש
Astragalus sarcocolla Dym.		Papilionaceae		77
Astragalus sarcocolla L.		Papilionaceae		٥١٦، ٣٤٢
Astragalus sesameus L.		Papilionaceae		EATLEV
Astragalus sp.		Papilionaceae		700 , 701 , 719
Astragalus tragcantha L.		Papilionaceae		777, 107, 717, 777

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Astrattikos tripolium L . = Aster tripolium L.ssp. tripolium		Compositae		rov
Athamanta cretensis L.		Umbeliferae		1811111111
Athamanta macedonica L.		Umbeliferae		771
Athamanta oreoselinum L.		Umbeliferae		702
Athamanta sp.		Umbeliferae		7(5)
Atractylis gummifera L.Q.		Compositae		۱۵، ۹۷، ۳۳۱
Atriplex halimus L.	**	Chenopodiaceae	Shrubby arach	737, 327, 9.7, 777
Atriplex hastata L.	*	Chenopodiaceae	Halberd-leaved Arrach	YEY
Atriplex hortensis L.		Chenopodiaceae	Garden orach	۱۷۰، ۱۲۱، ۱۶۱، ۳۳۱، ۲۳۳
Atriplex rosea L.		Chenopodiaceae	Tumbling orach	۱۲۰، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۳
Atriplex sp.		Chenopodiaceae		781.14.
Atropa mandragora L.		Solanaceae		۳۵۲،۳۰۰
Aucklandia costus Fal. = Aucklandia lappa (Decne.) = Saussurea costus (Falc.) = Saussurea lappa (Decne.)		Compositae		rra
Avena elatior L.		Gramineae		157
Avena fatua L.	•	Gramineae	Wild oat	ro rrv . 91
Avena sativa L.	*	Gramineae	Common oat	371, 777, 777, 007
Avena sp.		Gramineae	Oat	171
Avicennia officinalis L.	•	Avicenniaceae		rra
Azadirachta indica Juss .= Melia Azadirachta L.	**	Meliaceae	Margosa; Neem	ro
Baccharis sp.		Compositae	Baccharis	٤١٣، ٣٣٩
Balanites aegyptiaca L.		Balanitaceae	Higleeg	177
Balaustion sp.		Myrtacea		101
Ballota nigra L.	•	Labiateae	Black balllota ; Blak horehound	757,717,179,47,775
Ballota pseudodictamnus Benth.		Labiateae	Ballota	rra
Balsamina hortensis L.		Balsaminaceae		711
Balsamodendron africanum Arn.		Burseraceaea	African Bdellium	YAE
Balsamodendron DC.		Burseraceaea		A7
Balsamodendron kataf = Commiphora kataf		Burseraceaea		757
Balsamodendron mukul Hook.		Burseraceaea	Bdellium Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	YA
Balsamodendron myrrha Nees.		Burseraceaea	Gum myrrh tree	74.647
Bambusa arundinacea Willd. = Arundo bambos L. = Bambusa bambos (L.) Voss		Gramineae	Reed bamboo, Spiny bamboo , Thorny bamboo, Indian bamboo.	Y 1 £ .
Bambusa sp.		Gramineae	Bamboo	12.
Barbarea vulgaris R.Br.		Cruciferae	Bitter winter cress	1.7

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Barjonia racemosa Decne.	1	Asclepiadaceae		· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
Baswellia Roxb.		Burseraceae		rro. rv
Bdellium Engl.		Burseraceae	aromatic gum resin obtained from trees of the genus Commiphora	7.4
Bdellium indicum		Burseraceae		YA
Berberis asiatia Roxb.	*	Berberidaceae	Asiatic barberry	7
Berberis lycium Roy.	**	Berberidaceae		1 7
Berberis vulgaris L.	*	Berberidaceae	European barberry	
Beta vulgaris L.	*	Chenopodiaceae	Common beet	rri .19V .197 .1Y
Betonica alopecuros L.		Labiateae		Τε
Betonica officinalis L.		Labiateae	Common betony	
Bistorta officinalis Rafin. = Polygonum bistorta L.		Polygonaceae	Common betony	7,7
Blepharis persica	•	Acantaceae		7
Blitum virgatum L .= Chenopodium foliosum (Moench) Asch.		Chenopodiaceae	Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	
Bonaveria securidaca Desv .= Coronilla securidaca L. = Securigera coronilla DC. = Securigera securidaca (L.)Degen & Doerfler		Papilionaceae		7
Borago officinalis L.	**	Boraginaceae	Common borrago	Y7.
Boswellia carterii Bird		Burseraceae	Bible frankincense	777770
Boswellia serrata Roxb.		Burseraceae	Indian frankincense; Salai tree	77
Boswellia sp.		Burseraceae	Frankincense; Incense tree	77
Bovista plumbea Pers. = Lycoperdon plumbeum		Lycoperdaceae – Macrofungi	Lead-grey Bovist.	` ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' ' '
Brassica alba L.		Cruciferae	White mustard	۱۱، ۳۳۳
Brassica bunias DC.		Cruciferae		pmpm
Brassica campestris L.	•	Cruciferae	Bird rape	19
Brassica campestris L. var. napus Bal.		Cruciferae		11
Brassica capitata Hort.		Cruciferae		ro
Brassica caulorapa Pasq.		Cruciferae		70
Brassica cretica L.		Cruciferae		The state of the s
Brassica erucastrum L.		Cruciferae		) • 1
Brassica incana L.		Cruciferae		۲۳۱ ،۲۵
Brassica napus L.		Cruciferae	Winter rape	TT- (19)
Brassica nigra Koch.		Cruciferae	Black mustard	17
Brassica oleracea L.	•	Cruciferae	Wild cabbage	,, TT1 . 10°
Brassica oleracea var. botrytis	•	Cruciferae	Cauliflower	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
Brassica rapa L.		Cruciferae	Turnip	
Brassica sinapistrum Boiss.		Cruciferae	<del> </del>	17

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Bryonia alba L.		Cucurbitaceae	White bryony	797.777
Bryonia dioica Jacq.	•	Cucurbitaceae	Red-berry bryony	797.777
Bryonia sp.		Cucurbitaceae	Bryony	rrr
Bulbocodium vernum L.		Liliaceae	Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	ידו
Bunias erucago L.		Cruciferae		rr.
Bunium bulbocastanum L.		Umbeliferae		1.1
Buphthalmum speciosissimum		Umbeliferae		790
Ard.				
Bupleurum fruticosum L.		Umbeliferae	Shrub thoroughwax	72 121. 141
Bupleurum rotundifolium Schou.	•	Umbeliferae	Round-leaved thoroughwax; Round-leave hare's- ear	171
Bupleurum sp.		Umbeliferae	Oxyeye	171
Buxus dioica For.		Buxaceae		701
Buxus sempervirens L.		Buxaceae	Common box	T. Y . A T
Cacalia sp.	1	Compositae		777.777
Cacalia verbascifolia Sib.	1	Compositae		YTT
Caccinia glauca Savi .= Cacalia macranthera Var. crassifolia (Vent.)Brand	•	Boraginaceae		YIA
Cachrys libnotis L.		Umbeliferae		٥١٣، ٤١
Cadaba farinosa Forsk.	<b>†</b>	Capparidaceae	<del>-  </del>	179.57
Cadaba sp.	1	Capparidaceae		179
Caesalpinia bonducella Fl.= Caesalpinia bonduc Roxb.	•	Caesalpinaceae	Nicker-nut caesalpina	٤٥، ٨٨، ٥٥١
Caesalpinia echinata L.	1	Caesalpinaceae	Prickly brazilwood	710
Caesalpinia sappan L.	1	Caesalpinaceae	Sappan caesalpinia	Ao
Caesalpinia sp.		Caesalpinaceae	Brasiletto	T10
Cakile maritima Sco.		Cruciferae	GULF SEAROCKET	757.777
Calamintha acinos Man.		Labiatae	Spring savory	770
Calamintha graveolens Benh.		Labiatae		770
Calamintha incana Boiss. & Held.		Labiatae		107
Calamus aromaticus = Acorus aromaticus Lam.		Araceae	Sweet flag	۲۹۳،۲٤۰
Calamus asiaticus		Araceae		797
Calamus draco Willd . = Daemonoropos draco BLUME		Araceae		127
Calendula arvensis L.		Compositae	Pot marigold	ro
Calendula officinalis L.	•	Compositae		rov. ro
Calligonum comosum L.	•	Polygonaceae		££
Calligonum sp.		Polygonaceae	Calligonum	££
Callitris quadrivalvis Vent.		Cupressaceae	Arar tree	144
Callitris sp.		Cupressaceae	Cypress pine	114

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Calotropis procera R.B.	•	Asclepiadaceae	French cotton	7.9
Calotropis sp.		Asclepiadaceae	Calotrope	7.9
Calycotom spinosa Lk .= Calycotome spinosa (L.) Link.		Papilionaceae	ginestra spinosa	۳۲٤،۱٤۱
Camelina sativa Crant.		Cruciferae	Big-seeded false flax	ros
Campanula lacinata L.		Campanulacae		rea
Campanula ramosissima Sibth.		Campanulacae		£Y
Camphorosma glabrum L.		Chenopodiaceae		759
Camphorosma sp.	*	Chenopodiaceae	Camphorfume	17.
Canna sp.		Cannaceae	Canna	750
Cannabis indica L.		Cannabaceae		117
Cannabis sativa L.		Cannabaceae	Hemp	727,720,117,90
Cannabis sativa L. var. indica		Cannabaceae		757.71V.11Y
Cannabis sylvestris		Cannabaceae		750
Camparis sp.	<u> </u>	Capparidaceae	Caper-caperbush	Yo.
Capparis spinosa L.	*	Capparidaceae	Common capers	۳۳٤، ۲۱۲، ۲۵۰
Capsicum frutescens L.		Solanaceae	Spanish pepper; Bush red pepper	731, 277
Capsicum minimum Rox.		Solanaceae		rgv
Capsicum sp.		Solanaceae	Red pepper	771
Cardamine amara L.		Cruciferae		777
Cardamomum sp .= Elettaria cardamomum (L.) Maton = American cardamomera L.		Zingiberaceae	cardamom	۲۰۹،۲۳۲
Cardopatium corymbosum pers.		Compositae		777,01,EV
Carduus benedictus Auct.		Compositae		VI
Carduus pycnocephalus L.	•	Compositae		דדיז
Carthamus lanatus L.	•	Compositae	Woolly safflower	rev. vrv. v 1 ev
Carthamus sp.		Compositae	Safflower; False saffron	YFA
Carthamus tinctorius L.	*	Compositae	Safflower	777.71.25
Carum ammioides Benth.		Umbeliferae		100
Carum ammioides Benth.		Umbeliferae		1"7
Carum bulbocastanum Koch.		Umbeliferae		777
Carum carvi L.		Umbeliferae	Caraway	re ri : . r . r . r . r . r . r . r . r
Carum copticum Ben .= Trachypermum copticum (L.)Link		Umbeliferae	Ajowan caraway	75. 27.19 2777
Carum petroselinum Benth. & Hook.		Umbeliferae		751, 777, 017, 137
Carya sp.		Jugiandaceae	Hickory	rrr
Caryophyllus aromaticus L.		Caryophyllaeae		782
Cassia absus L.		Caesalpinaceae		9 £
Cassia acutifolia Deli.		Caesalpinaceae	Alexandria senna	IVV
Cassia angustifolia Vahl.		Caesalpinaceae	Congo senna	111
		Caesalpinaceae	Golden-shower	

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			senna; purging cassia	
Cassia lanceolata Forsk.		Caesalpinaceae		144
Cassia obeovata Coll.		Caesalpinaceae		71.
Cassia sophera L.		Caesalpinaceae		۲1.
Cassia tora L.		Caesalpinaceae		YEE . Y 1 10A
Castanea sativa Mill.		Fagaceae	European chesthut; Spanish chesthut	AY
Castanea vesca Gaertn.		Fagaceae		AY
Castanea vulgaris Lam.		Fagaceae		AY
Caucalis maritima L.		Umbeliferae		777.714
Caucalis orientalis (L.) RE .= Astrodaucus orintalis(L.)Drude		Umbeliferae		19
Cedrus deodara Loud.	**	Pinaceae	Deodar cedar	159
Cedrus libani Barrel.	**	Pinaceae	Cedar Lebanon	777.7.9.772.22
Cedrus libani Loud.	**	Pinaceae		189
Celosia argentea L.	**	Amarantaceae	Feather cockscomb	V9
Celtis australis L.	•	Ulmaceae	European hackberry	۲۷۲ ، ۲۷۲
Celtis sp.	1	Ulmaceae	Haircap moss	7.17
Cenchrus frutescens Sieber		Gramineae		777
Centaurea aegpitiaca Del.		Compositae		TYA
Centaurea alexandrina D.		Compositae		TYA
Centaurea behen L.	*	Compositae	White behen	9)
Centaurea benedicta L.		Compositae		11.
Centaurea calcitrapa L.		Compositae	Star thistle	TYA
Centaurea centaurium L.		Compositae		777,717,
Centaurea cyanus L.	•	Compositae	Corn flower; Bachlor's button; Bluebottle	Y £ 7 21 · A
Centaurea minus Moen.		Compositae		727
Centaurea officinale		Compositae	<u> </u>	727
Centaurea pallescens Del.		Compositae		KYY
Centaurea sp.		Compositae		787
Centaurea stellata	<u> </u>	Compositae		<i>KY1</i>
Cephalaria pilosa Schr .= Dipsacus pilosus L.	•	Dipsaceae		۲1.
Cerastium aquaticum $L$ =	•	Caryophyllaceae		T£9
Myosoton aquaticum (L.)Monch.	<del> </del>			
Cerasus avium L.	*	Rosaceae	Mazzard cherry; Gean; Sweet cherry	YME
Cerasus mahaleb Mill.	*	Rosaceae	Mahhlab	iir
Ceratonia siliqua L.	•	Caesalpinaceae	Carob	777.1.1.177
Cercis siliquastrum L.	*	Caesalpinaceae	Judas tree	181.88
Cercis sp.	•	Caesalpinaceae	Cercis; Redbud	11
Cerinthe minor L.		Boraginaceae	Lesser honeywort	rro
Ceterach officinarum L.		Boraginaceae	Miltwaste	119.59
Ceterach sp.		Boraginaceae		roy

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cetraria islandica (L.) Ach. (moss)		Aspleniaceae		1,1
Chaerophyllum sp.		Umbeliferae	Chervill	Yr
Chamacyparis sp.		Cupressaceae	False cypress	14'
Chamaeleo vulgaris = Chamaeleo chamaeleon (Parasite)		Chamaeleonidae	Common or European or Mediterranean Chameleon	£1
Chamaepeuce diacantha DC.		Compositae		17/
Cheiranthus cheiri L.	**	Crucifrae	Common wallflower	7.0 .1V · .1 £ .
Cheiranthus flava L.		Crucifrae		77.5.2
Cheiranthus incanus L.		Crucifrae		179
Cheiranthus sp.		Crucifrae	Wallflower	YA0.15.
Cheiranthus tricuspidatus L.		Crucifrae		T : 2
Chelidonium carniculatum L.	1 1	Papaveraceae		722
Chelidonium dodecandrum Forsk.		Papaveraceae		171
Chelidonium majus L.	*	Papaveraceae	Greater celandine	TTO .TIT .TY7 .T.9 .1TV
Chenopodium ambrosioides L.	*	Chenopodiaceae	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	19٧٧
Chenopodium botrys L.	*	Chenopodiaceae	Jerusalem-oak goosefoot; Jerusalem oak	788.717.19.2VV
Chenopodium capitatum L.		Chenopodiaceae	Blire goosefoot ; Straw berry blite	AT
Chenopodium murale L.	*	Chenopodiaceae	Nettle-leaf goosefoot	109
Chondrilla juncea L.		Compositae	Rush skeleton weed; Gun succory	פידו גפיז, ו.יי, וויי, יויי
Chondrilla ramosissima Sibth.		Compositae		
Chondrilla sp.		Compositae	Sierra juniper	1179
Chrysanthemum coronarium L.		Compositae	Crowndaisy; Crown-daisy chrysanthemum	ro91
Chrysanthemum parthenium	•	Compositae	Feverfew;	TET . TIY . 1AA . OA
Pers. = Tanacetum parthenium (L.)Shuitz-Bip.			Feverfew chrysanthemum	
Chrysanthemum segetum L.		Compositae	Corn chrysanthemum; Corn marigold	11
Chrysocoma linosyris L.		Compositae		٣٥.
Chrysocoma sp.	1	Compositae		ro. 119 101.
Cicer arietinum L.		Papilionaceae	Chick-pea; Gram chick-pea	۳۳۰،۱۲۶
Cichorium endivia L.		Compositae		rr1, 177
Cichorium intybus L.		Compositae	Common chicory	791. 191
Cicuta virosa L . = Selinum  pirosum (L.) E.H.L. Krause		Umbelliferae	European water hemlock; Wasserschierling, Borstenkraut	111
Cincus acarna = Picnomon		Compositae		٨٥

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
acarna (L.) Cass.				
Cincus sp.		Compositae		rov
Cinnamomum camphora Nees.		Lauraceae	Camphor tree	YEA
Cinnamomum cassia Boiss.		Lauraceae	Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	TYE . T. 9 . TA9 . TT9 . 1 YO . 1 E 1
Cinnamomum citriadorum Th.		Lauraceae		TYE LITY
Cinnamomum iners Reinw.		Lauraceae		TYE : 1 YO
Cinnamomum malabathrum		Lauraceae		)7V
Burm.				
Cinnamomum obtusifolium Nees.		Lauraceae		140
Cinnamomum tamala Nees.		Lauraceae		177
Cinnamomum zeilanicum Nees.	**	Lauraceae	Ceylon cinnamon	TYE . T. 9 . YT9 . YTA . 1 € 1
Cinnnamomum sp.		Lauraceae	Cinnamon	1£1
Circaea lutetiana L.	•	Onagraceae	Paris circaea	Y1.
Circaea sp.		Onagraceae	Enchanter's nightshade	ree .r17 .r1.
Cirsium diacantha DC.		Compositae	ingitishade	174
Cirsium rhizocephalum	•	Compositae		101
C.A.Mey.		-		, , ,
Cirsium stellatum L.		Compositae		rov. r9
Cirsium tenuiflorum Boiss.		Compositae		rot
Cirsium tuberosum All.		Compositae		rrv
Cissus sp.		Vitaceae	Treebine	114
Cissus vitiginea L.		Vitaceae		TYE () YE
Cistus creticus L.		Cistaceae	Wrinkle leaf rockrose	777,770
Cistus hypocistis L.		Cistaceae		rrv.ri.
Cistus ladanifolius L.		Cistaceae	Gum rockrose	777,077,0779
Cistus salviaefolius Boiss.		Cistaceae		rrv
Cistus sp.		Cistaceae	Rockrose	770
Cistus villosus L.	**	Cistaceae	Rock rose	777.770
Citrullus colocynthis Schrad	*	Cucurbitaceae		YTV.1 YV
Citrus amara Link.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	TAT
Citrus aurantifolia Sw .= Citrus aurantium L.	*	Rutaceae		YVE . E .
Citrus aurantium Lou.& Auc.	•	Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	TAT
Citrus bigaradia Lois .= Citrus aurantium L.	•	Rutaceae		729
Citrus limonum Risso		Rutaceae	Lemon	YV£ . £ .
Citrus medica L.	*	Rutaceae	Cloza	YVE . E .
Citrus medica Risso	•	Rutaceae		TYE
Citrus medica Risso var. cerata		Rutaceae		۳۲۸،۳۱۰،٤۰
Citrus sp.	<b>_</b>	Rutaceae	Citrus	YV£
Citrus vulgaris Riss.		Rutaceae	Sour orange; Seville orange	7.49

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cladrastis sp. = Cladrastis lutea = Cladrastis kentukea		Papilionaceae	Yellowwood	117
Clematis cirhosa L.		Ranunculaceae	Vernal clematis	rot
Clematis ochroleuca Poir.		Ranunculaceae		7.0
Clinopodium montanum (L.)		Labiatae		757
Kuntz.				,,,,
Clinopodium vulgare L.	*	Labiatae	Wild basil savory	٥١٦، ٢٤٢
Clitoria ternatea L.		Papilionaceae	Butterfly Pea	TVO
Cnicus acarna L.		Compositae		۱۷، ۱۳۲
Cnicus tuberosus L.		Compositae		rrv
Cochlearia armoracia L.		Cruciferae		778
Cochlearia coronopus L.		Cruciferae		117,57
Cocos nucifera L.	**	Palmaeae	Coconut palm	717,719
Cola acuminata Sch .= Sterculia acuminata		Sterculiaceae	Sudan colanut	177
Colacasia antiquorum Sch.		Araceae		755
Colacasia esculenta L .= Colocasia antiquorum var esculenta		Araceae	papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	766
Colchicum automnale L.		Cholchicaceae		۲۵۲،۳۲۰،۲۳۲
Colchicum autumnale L.		Cholchicaceae	Common autumn crocus ; Meadow saffron	14.
Colchicum montanum L. = Cholchicum szovitsii Fisch&C.A.Mey.	•	Cholchicaceae	Samon	717
Colchicum parnassicum Sart.		Cholchicaceae		ror
Colchicum persicum Bak.		Cholchicaceae		14.
Colchicum sp.		Cholchicaceae	Autumn crocus	11.
Colchicum speciosum Ste.		Cholchicaceae		14.
Colchicum variegatum L.		Cholchicaceae		14.
Collinsonia canadensis L.		Labiatae	Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	AY
Colocasia antiquorum Shott .= Arum esculentum L., Caladium esculentum (L.) Vent.,		Araceae	taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	rri
Commiphora abyssinica Engl.		Burseraceae	Abyssinian myrrh tree	TYA
Commiphora africanum Engl.		Burseraceae		TAE
Commiphora kataf Engl.		Burseraceae		757
Commiphora mukul Engl .= Balsamodendrum mukul Hook.		Burseraceae		317,017
Commiphora mulomol Engel.	]	Burseraceae		YAE
Commiphora myrrha Engl.	1	Burseraceae	Common myrrh tree	770,771
Commiphora opobalsamum Engl.	1	Burseraceae	Mecca myrrh tree	A7

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Conandron sp.		Gesneriaceae	Iwa-tabako	7 2 1
Conium masculatum L.	*	Umbeliferae	Poison hemlock	ror.rrr.1.19
Convallaria polygonatum L.		Liliaceae		T' E /
Convallaria rusticellata L.		Liliaceae		ro1
Convolvulus arvensis L.	•	Convolvulaceae	European glovybind	TEA : YTY
Convolvulus farinosus L.	<u> </u>	Convolvulaceae		ro
Convolvulus hystirix Vahl.	1	Convolvulaceae		19/
Convolvulus scammonia L.		Convolvulaceae	Scammony glorybind	ro7 .1VI
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Heath rush	YA 9
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Glorybind	T00: TEA
Convolvulus sp.		Convolvulaceae	,	777
Convolvulus syriacus	$\dagger - \dagger$	Convolvulaceae		177
Convolvulus turpethum L.	1-1	Convolvulaceae		95
Conyza candida L.	1	Compositae		ros
Conyza squarrosa L.		Compositae		rra
Coptis teeta Wall.		Ranunculaceae		rvi
Corallina officinalis L.	$\vdash$	Corallinaceae		ror, r. 1
Corallium rubraum L.(Red			Potato bean	Y9
Corchorus olitorius L.	•	Liliaceae		TAE
Cordia myxa L.	1.	Boraginaceae		177,157
Cordia sebestena L.	-	Boraginaceae		177
Coriandrum sativum L.	1 - 1	Umbeliferae	Coriader	۳٤٠،۲٥٧
Coriandrum sp.	-	Umbeliferae	Coriader	707
Cornus mas L.	*	Cornaceae	Cornelian cherry; Cornelian cherry	۳۲۸،۲۳۰
Cornus mascula L.		Cornaceae	Contenan cherry	771, TYA
Cornus sanguinea L.	•	Cornaceae	Red dog wood	770
Cornus sp.		Cornaceae	Campion	rro
Croton tinctorium L .= Chrozophora tinctoria (L.) A. Juss.		Euphorbiaceae	Croton; Maurelle(F)	rov
Corydalis claviculata (L.) DC.		Fumariaceae		rov
Corylus avellana L.	*	Corylaceae		TY9 .1.0 .AA
Costus albus A.Chev		Zingiberaceae		
Costus amarus Rad.		Zingiberaceae		<u> </u>
Costus arabicus L.		Zingiberaceae		779
Costus speciosus Sm.		Zingiberaceae	Crape Ginger	TY
Cotoneaster nigra Wahl.		Rosaceae		197
Cotoneaster nummularia Fich & Mey.		Rosaceae		117
Cotoneaster spp.	1 - 1	Rosaceae	Cotoneaster	Λο
Cotoneaster vulgaris L .= Cotoneaster integerrima Medicus	•	Rosaceae		197
Cotyledon lusitanicus Lam.		Crassulaceae		ror .rrrev

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cotyledon serrata L.		Crassulaceae		ro
Cotyledon umbilicus L.		Crassulaceae		ror.ivr
Crambe maritima L.		Cruciferae	Common colewort	Yo
Crataegus azarolus L.	*	Rosaceae	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۹۲، ۲۳۸
Crataegus lagenaria Fisch.		Rosaceae		17
Crataegus melanocarpa Bory &	•	Rosaceae		17
Chu.				, ,
Crataegus monogyna Jacq .= Crataegus microphylla C.koch.	*	Rosaceae	Single-seed hawthorn	, 7
Crataegus orientalis Bieb.	*	Rosaceae	Silver hawthorn	17
Crataegus oxyacantha L.	*	Rosaceae	English hawthorn; European hawthorn	٠٥، ١٢١، ١٦، ٢٢٦
Crataegus pentaggyna (St	*	Rosaceae		171
Hil.) Eng .= Crataegus melanocarpa M.B.				
Crataegus pyracantha Medic.		Rosaceae		77:
Crataegus sinaica Boiss.		Rosaceae		92
Crataegus sp.		Rosaceae	Hawthorn	, 7,
Cressa cretica L.		Convolvulaceae		750,170,72
Crinum sp.		Amarantaceae	Crinum	151
Crithmum maritimum L.		Umbelliferae	Samphire	٥٥١، ١١٦، ٣٣١
Crocus sativus L.	*	Iridaceae	Saffron crocus	770,7.9,177
Crocus sp.		Iridaceae	Crocus	177
Crotalaria juncea L.Q		Papilionaceae	Sunn crotalaria; Sunn hemp	111
Crotalaria retusa L.	**	Papilionaceae		Y £ £ , 1 0 A
Croton tiglium L.		Euphorbiaceae	Purging coroton	777.157.117
Croton tinctorium L.		Euphorbiaceae		90
Cucumis asininus Willd.		Cucurbitaceae		777
Cucumis colocynthis L.		Cucurbitaceae		707.77V
Cucumis flexuosus L.		Cucurbitaceae	Snake melon	Yrr
Cucumis melo L.	•	Cucurbitaceae	Muskmelon	۲۳۲ ، ۱۹۰ ، ۸۱
Cucumis pepo Dum.		Cucurbitaceae	Pumpkin	rrr
Cucumis sativus L.	•	Cucurbitaceae	Cucumber	TTY . YYY . YTE . YTT . 1 P 9
Cucumis vulgaris		Cucurbitaceae		
Cucurbita citrullus L.		Cucurbitaceae		۱۸، ۱۲ ۸۲
Cucurbita lagenaria L.		Cucurbitaceae		777, 777
Cucurbita maxima Duch.		Cucurbitaceae	Winter squash	7777
Cucurbita pepo L.	•	Cucurbitaceae	1	777.15Y
Cucurbita sp.	$\vdash$	Cucurbitaceae	Gourd; squash	YTY .1 £ Y
Cuminum cyminum L.		Umbliferae	Cumin Cumin	۲۲۷، ۱۳۶۰ ۳۶۰
Cupressus horizontalis Mill.		Cupressaceae		
Cupressus sempervirens L.		Cupressaceae	Italian cypress	F70 F 4 11 F4
Cupressus sp.		Cupressaceae	Cypress	۳۲۰،۳۰۹،۱۷۰،۳۹
Curcuma aromatica Salisb.		Zingiberaceae	Curcuma; Status(es) (compiled from	17.

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Curcuma caesia Roxb.		Zingiberaceae		700,1.7
Curcuma domestica Valet.		Zingiberaceae		٥٣
Curcuma longa Ra.	**	Zingiberaceae	Common turmeric	777,700,711.00
Curcuma sp.		Zingiberaceae	Turmeric	700
Curcuma tinctoria Gui.	1	Zingiberaceae		TV7.0T
Curcuma zedoaria Rosc.		Zingiberaceae		700 (171 (1.7 (07
Cuscuta epithymum Mur.		Cuscutaceae	Common dodder	00, 10, 711, 107, 107
Cuscuta europaea L.	*	Cuscutaceae	Greater dodder	۳۳۲،۲٥٨،۵٥
Cuscuta hyalina Roth.		Cuscutaceae		YOA
Cuscuta monogyna Vahl.	*	Cuscutaceae		YOA
Cuscuta planifolia Ten.	*	Cuscutaceae		701
Cuscuta sp.		Cuscutaceae		r7.
Cyclamen europaeum L.		Primulaceae	European cyclamen	77.07.711.117.70.77
Cyclamen graecum L.		Primulaceae		rrr
Cyclamen hederaefolium Ait.		Primulaceae		TTE (170
Cyclamen sp.		Primulaceae	Cyclamen	r.1.15. 40.50
Cydonia indica Spach	*	Rosaceae		119
Cydonia oblonga Mill.	•	Rosaceae	Apple quince	IVY
Cydonia semina = Pyrus		Rosaceae		IVT
cydonia L.				
Cydonia vulgaris Delarbre = Cydonia Oblonga		Rosaceae	(Kwee)	177
Cydonia vulgaris Pers.		Rosaceae	Common quince	۳۲۸،۳۱۰
Cymbopogon schoenanthus Spreng.		Gramineae	Halfa bar	۳۲٤،٤٣
Cynanchum erectum L.		Asclepiadaceae		<i>ror . £ r</i>
Cynanchum nigrum Pers.		Asclepiadaceae		TE E
Cynanchum pyrotechnicum L.		Asclepiadaceae		rva
Cynanchum vincetoxicum Pers.		Asclepiadaceae	White swallowwort	rer
Cynara cardunculus L.		Compositae	Cardoon	799,110,115
Cynara scolymus L.		Compositae	Artichoke; Globe artichoke	311,011,777,777
Cynara sp.		Compositae		799.110
Cynara syriacus Gaer.		Compositae		799.799
Cynips gallaeturcieae Hart.		Cynipidae	Gall wasps	rir
Cynodon dactylon Pers.		Gramineae		۲۲، ۲۰۰، ۲۳۶
Cynoglossum officinale L.		Boraginaceae	Common hound's- tongue	roe . tv.
Cynoglossum sp.		Boraginaceae	Hound's-tongue	YY.
Cynomorium coccineum L.		Cynomoriaceae		7.1
Cynosurus eagyptiaca L.		Gramineae	Hedgehog dog's-tall	T£9
Cyperus esculentus L.		Cyperaceae	Chufa flat sedge; chufa; Earth almond	177:111:111:29
Cyperus longus L.	•	Сурегасеае	Galingale flat sedge ;Long cyperus	۹ . ۳۰ ۲۲ ۲۷۲ ۱۷۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cyperus papyrus L.		Cyperaceae	Payrus	Yo
Cyperus papyrus Trin.		Cyperaceae		۹ ۰ ۳ ۰ ۲ ۳۲۲
Cyperus rotundus L.	*	Cyperaceae	Nut grass flat sedge	177
Cyperus sp.		Cyperaceae	Flat sedge cypress grass	IVY
Cytisus hypocistis L.		Papilionaceae		799,777,797
Cytisus lanigerus DC.		Papilionaceae		rr £
Cytisus scoparius Br.		Papilionaceae	Scotch cotton thistle	108
Cytisus spinosus Lam.		Papilionaceae		1 2 1
Dactylis repens L.		Gramineae		TE 9
Dactylon officinale Villars .= Cynodon dactylon (L.) Persoon		Gramineae	bermuda-grass	99
Daemia cordata R.Br.		Asclepiadaceae		YYI
Daemonorops draco Blume = Calamus draco Willd.		Arecaceae	dragon's blood	157
Dalbergia lanceolaria L.		Papilionaceae		V £
Datbergia melanoxylon G.D.R.		Papilionaceae	African blackwood	rr
Dalbergia volubilis Roxb.		Papilionaceae		V£ , TV
Danthonia sp.		Gramineae	Danthonia	177
Daphne angustifolium C.Koch  = Daphne mucronta Royle	*	Thymelaceae		rvo
Daphne cnidium L.		Thymelaceae	Rose daphne	rov. tvv
Daphne gnidium L.		Thymelaceae		777,700
Daphne mezereum L.	*	Thymelaceae	February daphne	700,770,771
Daphne oleoides Schr.	•	Thymelaceae		770,177
Daphne tartonrarira L.		Thymelaceae		Y. 9
Datura fastuosa L.		Solanaceae		AA
Datura metel L .= Datura innoxia Miller	*	Solanaceae	Hindu datura	710.1.9
Datura stramonium L.	*	Solanaceae	Jimso-weed datura	ror .1.9
Daucus carota L.	*	Umbeliferae	Wild carrot	TE. 1181.1.T. 0T
Daucus gingidium L.		Umbeliferae		۳۰۲،۳۱۱،۱۰۳
Daucus guttatus Sib. & Sm.		Umbeliferae		re.
Delphinium consolida L .= Consolida regalis S.F.Gray		Ranunculaceae	Branchin larkspur	r'E1
Delphinium peregrinum L.		Ranunculaceae		721
Delphinium semibarbatum Bie.	*	Ranunculaceae		. 177
Delphinium zalil Ait.		Ranunculaceae		177
Delphinum staphisagria L.		Ranunculaceae		100:419
Dianthus caryophillus L.		Caryophyllaceae	Pink-carnation	777
Dianthus sp.		Caryophyllaceae		777
Digitalis aegyptiaca		Solanaceae		T£9
Digitaria stolonifera Schrad.		Graminae		19
Diospyros ebenum Kon.		Ebenaceae	Ebony persimmon	rr
Diospyros melanoxylon Roub.		Ebenaceae		rrv
Dipsacus fullonum L.		Dipsacaceae	Wild teasel	۲۳۶،۲۱۳،۱۵۰

Dipsacus sylvestris Mill .=	IRAN		COMMON NAME	PAGE NUMBER
Dipsacus fullonum ssp. sylvestris		Dipsacaceae	Teasel, Common or Wild	דיין
Docynia sp.		Rosaceae		119
Dolichos biflorus L.		Papilionaceae		709.111
Dolichos lablab L.		Papilionaceae	Hyacinth dolchos	777
Dolichos lubia Forsk		Papilionaceae		۱۷۲، ۲۱۳، ۳۳۳
Dolichos sp.		Papilionaceae	Dolichos	111
Dolichos uniflorus L.		Papilionaceae		117
Dorema ammoniacum Don.	*	Umbeliferae	Bombay sumbul	TEY . 170 . 190 . 04
Dorema ammoniacum Don.		Umbelliferae	Gummi-resina ammoniacum	or
Dorema spp.		Umbeliferae	Sumbul	07
Doronicum cordatum C.Koch  =Doronicum wulfenianum  Poir. = Doronicum columnae  Ten.		Compositae		179
Doronicum hookeri Hook.		Compositae		150
Doronicum pardalianches L.		Compositae		707,150,150,179
Doronicum roylei DC.		Compositae		150
Doronicum scorpioides Lam . = Doronicum viscosum Nym. = Doronicum grandiflorum Lam.		Compositae		150,150
Dorycnium L.		Papilionaceae		1 £ £ ٣0 ٢ . ٣19 .
Dracaena cinnabari Balf.		Agavaceae		184.79
Dracocephalum kotschyi Boiss.	*	Labiatae		A£
Dracocephalum moldavica L.	•	Labiatae	Moldvian dragon head	VI
Dracontium sp.		Araceae		147
Dracunculus vulgaris Schot .= Arum Dracunculus		Araceae		rvm.15r
Dryopteris aculeata (L.) Kuntze		Aspidiaceae		111
Dryopteris filix max L.	*	Aspidiaceae	Male fern	rov.179
Dryopteris robertiana (Hof.) C.Chr		Aspidiaceae		179
Ebenoxylon verum Lour		Papilionaceae		rrv
Ebenus cretica L.		Papilionaceae		7 £
Ebenus L.		Papilionaceae		דדי. ודי. ידי
Ebonytree $(E)$ = Dalbergia sp.		Papilionaceae		rr
Ecballium elaterium Rich.		Cucurbitaceae	Squirting cucmber	YTE . 19E
Echinophora tenuifolia L .= Echinophora sibthorpiana Guss.	*	Umbeliferae		rerrq .170.11V
Echinops sphaerocephalus		Compositae	Common globe thistle	re1 .rr7
Echium amoenum Fisch.& Mey.	*	Boraginaceae		777
Echium creticum L.	1	Boraginaceae		rea
Echium diffusam L.	1	Boraginaceae		٣٨
Echium italicum L.	1.	Boraginaceae		TE9 , TA
Echium rubrum L.	<b>†•</b>	Boraginaceae		729, 719, 27

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Echium sericeum Vahl.		Boraginaceae		1
Echium sp.	1	Boraginaceae	Viper's bugloss	
Echium vulgare L.		Boraginaceae	Common viper's bugloss	,
Elaeagnus angustifolius L.	*	Elaeagnaceae	Russian olive	719.
Elaeagnus hortensis Boiss.		Elaeagnaceae		,,,,,,
Elacagnus sp.		Elacagnaceae	Eleagnus	
Elaterium agreste		Cucurbitaceae	<del>                                     </del>	
Elaterium officinale		Cucurbitaceae		
Elcaya jemenensis Forsk.				107.
Eletteria cardamomum White & Maton	**	Zingiberaceae	Cardamon	797. 777.1
Eletteria sp.		Zingiberaceae		,
Eleusine coracana Gaer.		Gramineae	Ragi millet; raggee; tocusso	,
Embelica officinalis Ga.		Euphorbiaceae	Embelic myrobalan Indian gooseberry	
Ephedra distachya Bort.	*	Ephedraceae	Joint-fir ephedra; sea grape	ro. 179 19
Ephedra vulgaris Rich.		Ephedraceae		1
Epimedium alpinum L.		Podophyllaceae	Alpine willoweed	TEA .
Equisetum arvense L.	*	Equisetaceae	Field horsetail	، ۱۵۱، ۱۱۱، ۲۲۲، ۳۵۰
Equisetum fluviatile L.		Equisetaceae		r
Equisetum hyemale L.		Equisetaceae	Scouring rush	777.1
Equisetum limosum L .= Equisetum Avistile L.	*	Equisetaceae	Swamphorse tail	. r
Equisetum pallidum L.		Equisetaceae		7. Y. Y
Equisetum ramosissimum Desf.	*	Equisetaceae		Y £ 7 .
Equisetum sylvaticum L.		Equisetaceae		9"
Eramothecium ashybi Filamentous (Fungi)			Routien	7
Erianthus ravennas Beauv.		Gramineae	Sacchrum ravennae	*
Erica arborea L.		Ericacae		TYT . T. 9 . 1 TV .
Erica cinerea L.		Ericacae	Twisted heath	,
Erica sp.		Ericacae	Heath	,
Erigeron sp.		Compositae	Fleabane; Cutleaf Daisy	,
Erodium malachoides Willd.		Geraniaceae	-	r
Eruca sativa Lam.		Cruciferae	Rocket salad	,
Eruca sativa Mill.		Cruciferae		<u> </u>
Ervum ervillia L.		Papilionaceae		rr. 105.1.
Ervum lens L. = Lens culinaris Medik. subsp. Culinaris		Papilionaceae	Lentil; Cultivated lentil	r
Eryngium campestre L.		Umbeliferae	Snakeroot eryngo	777 717,197,11A, 197,AE,
Eryngium coeruleum?		Umbeliferae		Υ
Eryngium creticum L.		Umbeliferae		777 . 71 197 . A £
Cryngium maritimum L.	_	Umbeliferae	Sea-holly eryngo	Y.
ryngium planum L.		Umbeliferae	7 7 3	7")

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Erysimum barbarea L.		Cruciferae		15.
Erysimum cheiranthoides L.		Cruciferae	Treacle erysimum	17.
Erysimum officinale L . = Sisymbrium officinale(L.) Scop.	*	Cruciferae	Hedg mustard	97
Erysimum repandum L.	•	Cruciferae	Spreading erysimum	179
Erythraea centaurium Pers .= Centaurium erythraea= Centaurium umbellatum		Gentianaceae	Drug cenaurium	777 ,757
Eugenia aromatica Baill.		Myrtaceae		777
Eugenia caryophillata Thunb.	**	Myrtaceae	Clover tree	777
Eupatorium cannibinum L.	*	Compositae	Hemp eupatorium	759, YTA 195
Euphorbia aculenta Forsk.		Euphorbiaceae		ror
Euphorbia aleppica L.	*	Euphorbiaceae		501
Euphorbia apios L.		Euphorbiaceae		707.0V
Euphorbia chamaesyce L.		Euphorbiaceae		ITV
Euphorbia characias L.		Euphorbiaceae		707
Euphorbia curcas		Euphorbiaceae		1.1
Euphorbia dendroides L.		Euphorbiaceae		707,171
Euphorbia esula L .= Euphorbia boissieriana (Woron.)prokh.	*	Euphorbiaceae	Leafy euphorbia	710
Euphorbia falcata L.	•	Euphorbiaceae	Sickle-grass	707
Euphorbia helioscopia L.	*	Euphorbiaceae	Sun euphorbia	ro7, r, rro
Euphorbia lathyris L.		Euphorbiaceae	Caper euphorbia	707,777,772
Euphorbia myrsinites	*	Euphorbiaceae		707 cr
Euphorbia officinarum L.		Euphorbiaceae		rro
Euphorbia paralias L.		Euphorbiaceae	Sea staff-sea wand	ro1.r
Euphorbia pilosa L.		Euphorbiaceae		roz
Euphorbia pilulifera L.		Euphorbiaceae		70
Euphorbia pithyusa L.		Euphorbiaceae		770,118
Euphorbia pythuse Friw.		Euphorbiaceae		110
Euphorbia resinifera Berg.		Euphorbiaceae		770
Euphorbia sibthorpii Boiss.		Euphorbiaceae		٣٠.
Euphorbia sp.		Euphorbiaceae	Ebebright	۳٤٢، ۳۱٥، ۳٠٠، ۲۲٤، ٥٥
Euphorbia spinosa L.	*	Euphorbiaceae		rov. rq
Euphorbia triaculeata For.		Euphorbiaceae		770
Evernia prunastri (L.) Ach. (Lichen)			Staghorn	or
Evonymus europeus L.	**	Celasteraceae	Prickwood	AT
Evonymus latifolia L.	•	Celasteraceae	Broad-leowed evonymus	AY
Evonymus velutina L.	•	Celasteraceae	Prickwood	
Evonymus verrucosa L.	•	Celasteraceae	Warty-barked	AY
Faba vulgaris Monch.		Papilionaceae	Broad bean	vr
Fagara sp.	<b> </b>	Rutaceae		rrr
Fagonia cretica L.		Zygophyllaceae		<i>Y</i> 1

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Farsetia clypeata R.Br.		Cruciferae		7.
Feniculum sp.		Umbelliferae	Fennel	107
Ferula assafoetida L.		Umbelifetae	Asafetida giant fennel	757.171,70.01
Ferula communis L.		Umbelifetae	Common giant fernel	74, 037, P07, 137
Ferula ferulago L.		Umbelifetae		TEY. VY
Ferula galbaniflua Boiss. &	*	Umbelifetae		757.757.1.1.77
Bus .= Ferula gumosa Boiss.				
Ferula gumosa Boiss.	*	Umbelifetae	Galbanum plant	727
Ferula marmarica		Umbelifetae		or
Ferula narthex Boiss.		Umbelifetae		10
Ferula nodiflora L.		Umbelifetae		710
Ferula nodosa Benth & Hook.		Umbelifetae		rra
Ferula opopanax Spreng.		Umbelifetae		779
Ferula orientalis L.	*	Umbelifetae		T
Ferula persica Willd.	*	Umbelifetae	Persian asafetida	TET .1 VT
Ferula rubricaulis Boiss.	•	Umbelifetae		727 . 77
Ferula saapenum Polack		Umbelifetae		IYT
Ferula scordosma Benth & Hook		Umbelifetae		171
Ferula scowitziana D.C.		Umbelifetae		787.177
Ferula sumbul Hook.		Umbelifetae		705
Ferula tingitana L.		Umbelifetae		rer
Festuca altissima Boiss.	•	Gramineae		TIT
Festuca sp.		Gramineae	Fescue	rir
Ficus carica L.	*	Moraceae	Common fig	779,97,97
Ficus laccifera Roxb.	**	Moraceae		771
Ficus palmata Forsk.	•	Moraceae		97
Ficus sp.		Moraceae	Fig	97
Ficus sycomorus L.		Moraceae	Sycomore	779.711.1.0.77
Filipendula ulmaria Maxim.		Rosaceae	European meadowsweet	774
Flacourita cataphracta Willd.		Flacourtiaceae	Paniala; coffee plum;paniala; puneala; Chinese plum	1996)71
Flemmigia rhodocarpo Bak.		Papilionaceae		110
Flores tussilaginis = Flores Farfarae, Flores Tussilaginis, Flos Farfarae = Farfarae flos		Compositae		Vr
Foeniculum vulgare Mill.	+	Umbeliferae	Common fennel	TE1 .10T .YA
Fragra avicennae Lam.	+			777
Fraxinus excelsior L.	1 —	Oleaceae	European ash	P
Fraxinus sp.	+	Oleaceae	Ash	777777111
Fritillaria imperialis L.	$\dagger$	Liliaceae		09
Fucus sp.	+	Fucacea	Rock weed-sea oak	194

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Fumaria offichnalis L.		Fumariaceae		117
Fumaria parviflora Lam.		Fumariaceae		147
Fumaria sp.		Fumariaceae	Fumitory	14"
Fungi sp.				<i>"01'.111</i>
Galium aparin L.	*	Rubiaceae	Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers	rey (r10 (yy, 00)
Galium sp.		Rubiaceae	Bedstraw	riq
Galium verrucosum Spr.		Rubiaceae		rer
Galium verum L.	*	Rubiaceae	Yellow bedstraw	۱۹، ۲۲۰، ۳۵۳
Garicina mangostana L.		Guttiferae	Mangosteen	1.1
Genista acathoclada DC.	,	Papilionaceae		rre
Gentiana lutea L.		Gentianaceae		۲۰۱، ۱۰۲ و ۳۳۰
Geranium arabicum Forsk.		Geraniaceae		771
Geranium columbinum L.		Geraniaceae	Long-stalked geranium	rv
Geranium rotundifolium L.		Geraniaceae	Round-leaved fluellen; Cancerwort	ree . ri t
Geranium sp.		Geraniaceae	Geranium; Crowfoot	711 ATV
Geranium tuberosum L.	•	Geraniaceae	Tuberous-rooted crane's bill	766
Gladiolus communis L.	**	Iridaceae	Common ginger	751,100,111,157,60
Gladiolus segetum Ke.	•	Iridaceae	Corn flag gladiolus	10
Gladiolus sp.		Iridaceae	Gladiolus ;Corn flag	1 £ 7
Glaucium corniculatum Curt.	*	Papaveraceae	Black-spot horn poppy;red celandine	701, 777, 737, 107
Glaucium flavum Crantz.	•	Papaveraceae	Yellow horn poppy ; sea celandine	170
Glaucium luteum Scop.		Papaveraceae		701
Glaucium sp.		Papaveraceae	Horn poppy	777
Globularia sp.		Globulariaceae	Globe daisy	712
Glossostemon bruguieri DC.		Papilionaceae	Sahlab	rar
Glossostemon sp.		Papilionaceae		rar
Gloxinia sp.		Gesneriaceae	Gloxinia	771
Glycryrrhiza glabra L.	*	Papilionaceae	Japan clover common lespedeza	
Gnaphalium dioicum L.		Compositae		דיי
Gnaphalium leontopodium L.  = Leontopodium alpinum Cass.		Compositae	Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	TOT: 1. 1. 1 EV
Gnaphalium sanguineum Spr.		Compositae		TT9.1EV
Gnaphalum L.		Compositae	Cudweed	، ۱۱، ۲۲۱ ع۲۲
Gossypium herbaceum L.		Malvaceae	Levant cotton	757
Gossypium sp.		Malvaceae	Cotton	757
Gratiola officinalis L.		Scrophulariaceae	Drug hedge hyssop	1
Grewia bicolor Just.		Tiliaceae	White Raisin	71.

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Grewia populifolia L.	<b>†</b>	Tiliaceae		7.4
Guilandina boneculla Flem.		Papilionaceae		10
Gundelia tournefortii L.	+	Compositae		11
Gymnogramma ceterach (L.)	1	Polypodiaceae		71:
Spre.				120
Gypsophila sp.		Caryophillaceae	Gypsophila; chalk plant	71
Gypsophila struthium L.		Caryophillaceae		77.1V
Hedera helix L.	*	Araliaceae	English ivy	770,777,72
Hedera sp.		Araliaceae	Ivy	۲۱۰،۱۱۱
Hedysarum sp.		Papilionaceae	Sweet vetch-frenh honesuckle	reo. riv. r. v. 73
Helichrysum sanguineum Cost.		Compositae		159
Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.		Compositae		ro.
Helichrysum sp.		Compositae	Eveylasting	۲٥٠، ۳۱۹
Helichrysum stoenchas DC.	1 - 1	Compositae	<del>                                     </del>	7.7.7.7
Heliconia sp.	† – †	Heliconiaceae	Heliopsis	794
Helicteris isora L.	*	Sterculiaceae	Indian screw tree; Isora	You
Heliothrips haemorrhoidalis		Boraginaceae	15014	101
Bouc.				, - ,
Heliotropium europaeum L.		Boraginaceae	Common helitrope	٥٣، ١٥١، ١٩٤، ١٩١، ٢٥٧
Heliotropium villosum Pers.	**	Boraginaceae		rov
Helleborus alba L.		Ranunculaceae		17.
Helleborus cyclophyllus Boiss.		Ranunculaceae		700
Helleborus niger L.		Ranunculaceae	Christmas rose	17.
Helleborus officinalis Salisb.		Ranunculaceae		roo
Helleborus sp.		Ranunculaceae	Hellebor	17.
Helminthia echiodes Gaertn .= Helmnthothecea echioides (L.)Wolud		Compositae	Bugloss	יייי
Helvella phalloides		Helvellaceae		~~~
Hemerocallis flava L.		Liliaceae	Lemon daylily	777 371, 11, 171, 337
Hemionitis L.		Hemionitidaceae		T50, T1V
Heracleum spondylium L.		Umbeliferae	Hogweed cow parsnip	TE1 . 10 . 107 . 177
Hermodactylus tuberosis Salisb.		Iridaceae	Snake's-head iris	rv.
Herniaria tourneforti		Caryopillaceae		77"
Hetrocarpus santalinus L.		Pandalidae		11
Hibiscus esculentus L.		Malvaceae	Okra-gubo	A£ .V£
Hibiscus mutabilis L.		Malvaceae	Cotton-rose- changeable rose	VE
Hibiscus rosa-sinensis L.	'	Malvaceae	Chinese hibiscus	1.1
libiscus tortuosus Roub.		Malvaceae		V £
lippomane manchinella L.		Euphorbiaceae	manchineel	198
lippomarathrum libanotis	1	Umbeliferae		751, 10, 107

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Koch.				
Hippophae rhamnoides L.	*	Elaeagnaceae	Common sea buckthorn	707,79
Hippuris vulgaris	*	Hippuridaceae	Mare's-tail	rev
Holcus dochna Forscal		Gramineae		15"
Holcus sorghum L.		Gramineae	Sudan grass	101
Holosteum sp.		Caryophillaceae	Mouse-ear	rea
Holosteum umbellatum L.	•	Caryophillaceae	Jagged chickweed	۱۰۱، ۱۰۱ ، ۱۳۱۸
Hordeum morinum L.	*	Gramineae	Mouse barley	<b>r</b> o.
Hordeum sp.		Gramineae	Barley	779.127
Hordeum vulgare L.		Gramineae	Berley	111 111
Horminum pyrenaicum L.		Labiatae		£0
Hyacinthus comosus	<b></b>	Liliaceae		rre
Hyacinthus orientalis	**	Liliaceae	Common hyacinth	701,119
Hyoscyamus albus L.		Solanaceae		۲۸، ۱۳۵۱
Hyoscyamus aureus L.		Solanaceae		701
Hyoscyamus niger L.	*	Solanaceae	Black henbane sticking-roger	٨٨، ١٩١، ١٥٣
Hyoscyamus reticulatus L.	*	Solanaceae		AA
Hyoscyamus Sp.		Solanaceae		701,119
Hypecoum procumbens L.	**	Papaveraceae		07
Hypericum barbatum L.		Hypericaceae		757, 117, 137
Hypericum ciliatum L.		Hypericaceae		AF1, AP7, Y37
Hypericum coris L.		Hypericaceae		757,791
Hypericum hircinum L.	•	Hypericaceae		٢٨١، ١٠١، ٢٨٢، ٥٥٦
Hypericum perforatum L.	•	Hypericaceae	John's wort	۱۱۱، ۱، ۳۰۷، ۳۶۷
Hypericum procumbens L.		Hypericaceae		701
Hypericum quadrangulum L.		Hypericaceae	Square-stalked s.t- john's-wort.	07
Hypericum sp.		Hypericaceae	Stjohn's-wort	۳۰۱،۱٤۱
Hyphaene thebaica (L.) Mart.  = Corypha thebaica L. =  Hyphaene guineense		Arecaceae	Egyptian doum palm	347, 077
Hyssopus officinalis L.	•	Labiateae	Hyssop	۱۲۰ ، ۱۳۰ ، ۲۳۷
Ilex aquifolium L.	+	Aquifoliaceae	English holly	7 7
Illecebrum paronychia L. = Paronychia verticillata Lam.		Illecebraceae	coral necklace	ro.
Illicium anisatum L.	$\dashv$	Illiciaceae	anise tree	Y
Illicium verum Hooker fil		Illiciaceae	star anise	V1
Impatiens balsamina L.	•	Balsaminaceae		711
Indigofera sp.		Papilionaceae	Indigo	791
Indigofera tinctoria L.	**	Papilionaceae	True lavender	797.71
Inula britannica L.	•	Compositae	British inula	re.
Inula candida Cass.		Compositae		70.
Inula conyzoides DC.		Compositae	Cinnamonroot inula	۷، ۲۰۰۰ ۱۳۱۶ کا۳
Inula conyzoides L.		Compositae		14

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Inula helenium L.		Compositae	Elecampane inula	770, 7. 9. 1.52. 107
Inula saxatilis Lam.		Compositae		٣٤٤
Inula viscosa Ait.		Compositae		7.1.7.
Ipomea hederacea Jack.		Convolvulaceae		797.117
Ipomea turpethum R.Br.		Convolvulaceae		97
Iris ensata Thund.	1 **	Iridaceae		γ.
Iris florentina L.		Iridaceae	Florentine iris	TY : . T . 9 . 1 . 1 . V .
Iris foeditissima L.	+	Iridaceae		rea
<del></del>	+	Iridaceae	German iris	)7£ ¿V.
Iris germanica L.		Iridaceae		V9
Iris nobilis Pall.	+	Iridaceae	Yellow flag iris	<i>"Y£.Y9"</i>
Iris pseudacorus L.		Iridaceae	Iris	121,17
Iris sp.		Cruciferae	1118	
Isatis lusitanica Brot.		Cruciferae	1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	
Isatis sp.			Woad	711
Isatis titictoria L.		Cruciferae	Dyer's woad	יוו, ווי, וסי, יויי, יויי, סייי
Jasminum gradiflorum L.	**	Oleaceae	Catalonian jasmine- spanish jasmine	711
Jasminum officinale L.	**	Oleaceae	Common jasmine	799
Jasminum sambac (L.) Ait.	**	Oleaceae	Arabian jasmine	799.777
Jasminum sp.		Oleaceae	Jasmine	799
Jatropha curcas L.		Euphorbiaceae	Barbados nut; physic nut	1.1
Jatropha gossipifolia L.		Euphorbiaceae		rrv
Juglans regia L.	•	Juglandaceae	Persian walnut; Royal walant tree	779.1.V
Juncus acutus L.		Juncaceae		ro. 1140 .0.
Juncus arabicus Post.		Juncaceae		ro., rr., 110,00.
Juncus maritimus Lam.	*	Juncaceae	Sea rush	110
Juneus soinosus For.		Juncaceae		110
Juneus sp.		Juncaceae	Rush	140.0.
Juniperus communis L.	•	Cupressaceae	Common juniper	۳۲۰، ۲۰۸ ، ۳۹
Juniperus oxycedrus L.	*	Cupressaceae	Prickly juniper; Red berried juniper	٨٠٢، ٤٣٢
Juniperus sabina L.		Cupressaceae	Sarin juniper	rro.rq
Juniperus sp.		Cupressaceae	Juniper	7.1
Juniperus vulgaris	_	Cupressaceae		Y.A
Kandelia rheedii W. & A.		Rhizophoraceae	Mangrove	1 47
Laburnum vulgare Bercht. &		Papilionaceae		rot
Prsl.				
Lactuca sativa L.	**	Compositae	Garden lettuce	۳۳۱، ۶۳۱، ۲۳۳
Lactuca scariola L .= Lactuca serriola L.	*	Compositae	Prickly lettuce	rrr
Lactuca sp.		Compositae	Lettuce	1 777
Lagenaria vulgaris Ser.	**	Cucurbitaceae	Calabash gourd; Bottle gourd	157
Lagoecia cuminoides L.		Umbelliferae		۲۲۲، ۶۳۲
Lallemantia iberica F.&M	*	Labiatae		Vr

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lallemantia royleana Benth.	*	Labiatae		VT
Lamium album L.	•	Labiatae	White durra	719,110
Lamium maculatum L.	-	Labiatae	Spotted dead nettle	۳۶۳،۲۷۶،۱۳۳
Lamium purpureum L.	*	Labiatae	Purple dead nettie	ror
Lamium striatum Sibth.	**	Labiatae		٣٤٣
Lapathum aquaticum Scop.		Polygonaceae		1 7 9
Lappa major Gaertn. = L. officinalis All. = Arctium lappa L.		Compositae	Great burdock	ro£ .rr£0
Laserpitium silver L.		Umbelliferae		170,117
Lathyrus aphaca Tourn. & L.	*	Papilionaceae	Yellow vethling; Tare	rrr
Lathyrus sativus L.	*	Papilionaceae	Grass pea vin	1.5.177
Lathyrus sp.		Papilionaceae	Pea vine	177,1.5
Laurus camphora L.		Lauraceae		YEA . 11.
Laurus nobilis L.	**	Lauraceae	Grecian laurel; True	N31, P31, P01, N17, 077
Lavandula dentata L.		Labiatae	Fringed Lavender, French Lavender	. £Y
Lavandula sp.		Labiatae	Lavender	1 ==
Lavandula spica Cav.		Labiatae		۳۳ ا
Lavandula stoechas L.	**	Labiatae	French Lavendar	777.717.EV
Lavandula vera DC.	•	Labiatae	True lavender	سوسو ا
Lawsonia alba Lam.		Lythraceae		777.170
Lawsonia inermis L.	*	Lythraceae	Henna	110
Lawsonia sp.		Lythraceae	Henna bush	110
Lecanara circummunita Nyl.		Lecanoraceae	Lichen	111
Lecanora affini Ev.		Lecanoraceae	Lichen	1.4
Lecanora esculenta Ev.		Lecanoraceae	Lichen	1.4
Lemna minor L.	•	Lemnaceae	Common duckweed	ror . r . 1
Lemna sp.		Lemnaceae	Duckweed	roritiv
Lens culinaris Medic .= Lens esculenta Monch.	•	Papilionaceae	Common lentil	r.v
Lens esculenta Monch.	1	Papilionaceae		rrr.v
Leontice chrysogonum L.		Podophyllaceae		rer
Leontice leontopetalum L.	*	Podophyllaceae	Leon's leaf	٣٥٠، ٣٤٢، ٣١٥، ٢٥
Leontodon sp.		Compositae	Hawkbit	7.1
Leontodon taraxacum L.		Compositae		Y
Leontopodium de Dioscoride		Compositae		rov.1v
Lepidium campestre L.	*	Cruciferae		117.110.11.7
Lepidium campestris R.Br.		Cruciferae	Field pepper weed	اس ا ، سسس
Lepidium draba L .= Cardaria draba (L.)Des.		Cruciferae	Pepper weed white top	TTT.T17.710.117
Lepidium iberis L.		Cruciferae		198
Lepidium latifolium L.	*	Cruciferae	Eropean papperwort	rre.198
Lepidium sativum L.	•	Cruciferae	Garden-cress; Peppergrass	rre.rrr.r11.198.110

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lepidium sp.		Cruciferae	Pepperweed; Peppergrass	7.1.1.17
Leptochloa bipinnata (L.) Hochst.		Gramineae	- opporgrass	177.17
Leucojum sp.	*	Amaryllidaceae	Snowflake	7.
Levisticum officinale Koch.	•	Umbelliferae	Garden lovage	TE . 1712 1702 17EA 111
Lichen				0
Ligusticum levisticum L .= Levisticum officinale		Umbelliferae	Lovage	757 437
Lilium candidum L.		Liliaceae	Madonna lily	TET (1A
Lilium chalcedonicum L.		Liliaceae	Chalcedonian lily	re:
Lilium sp.		Liliaceae	Lily	1/1 (17
Linaria elatine Mill.		Scrophulariaceae	Sharp pointed fluellin	7£9,719,771
Linaria spuria Mill.		Scrophulariaceae		re.
Linaria vulgaris Mill.	*	Scrophulariaceae	Butter and eggs	YVI
Linum sp.		Linaceae	Flax	Yo
Linum usitatissimum L.	*	Linaceae	Fiber flax; Common flax	T79.70
Liquidambar orientalis L.	1.	Hamameliaceae	Sweet gum	ra ·
Liquidambar orientalis Mill.		Hamameliaceae		01
Liquidambar sp.		Hamameliaceae		Y71
Liserpitium siler L.		Umbelliferae		<b>7</b>
Lithospermum purpurea- coeruleum Defs. & DC.	•	Boraginaceae	Creeping gromwell	rra
Lithospermum fruticosum L.		Boraginaceae		7/
Lithospermum officinale L.		Boraginaceae	Common gromweel	٨٤، ٣٤٢، ٩٥٢، ٢٩٦، ٧١٣، ٢٤٣،
Lithospermum tinctorium L.		Boraginaceae		19.
Lodoicea sechellarum Lab.		Arecaceae	Coco maledivicus ; Nux media	YAI
Lolium perenne L.	*	Gramineae	Perennial rye grass	9)
Lolium sp.		Gramineae	Rye grass	172
Lolium temulentum L.	*	Gramineae	Darnel rye grass	779,198,178
Lonicera caprifolium L.	**	Caprifoliaceae	Sweet honeysuckle	۲۳٤ ، ١٩٥ ، ٢٣٤
Lonicera periclymenon L.		Caprifoliaceae		TEA . TIA . TEE . 1 A O
Lonicera sp.		Caprifoliaceae	Honeysucle	190
Lophotenia aurea L.		Gramineae		147
Loranthus curopeus Jack.		Loranthaceae		717
Loranthus europaeus L.	•	Loranthaceae	Continental mistletoe	177.15 ". 1.1
Loranthus globiferus A.Rich.		Loranthaceae		171
Loranthus sp.		Loranthaceae	Loranth	717
Lotus ornithopodioides L.		Papilionaceae		717
Lotus sp.		Papilionaceae	Deervetch; Bird's- foot trefoil	ros.rrrvr
Luffa aegyptiaca Mill.		Cucurbitaceae		rvr
Luffa cylindrica M.Roe.	**	Cucurbitaceae	Suakwa-vegetable	rvr

SCIENTIFIC NAME	IN IRA		COMMON NAME	PAGE NUMBER
7.00			spone	
Luffa sp.	ľ	Cucurbitaceae	Towel ground;	
Lupinus albus L.		Papilionaceae	Dishcloth gournd White lupine	·
Lupinus angustifolius L		Papilionaceae	Blue lupine	
Lupinus pilosus Murr.		Papilionaceae	Dide lupille	rr
Lupinus sp.		Papilionaceae	Lucia	
Lupinus termis Forsk.		Papilionaceae	Lupine	
Lychnis chalcedonica L.		Caryphyllaceae	Maltese cross	، ۱۱۳۰ ، ۳۳۰
			campion	7:
Lychnis coronaria Desf.		Caryphyllaceae	Rose campion	۲۲، ۱۳، ۱۳۶۳
Lychnis githago L.		Caryphyllaceae		17
Lychnis sp.		Caryphyllaceae		
Lycium afrum L.		Solanaceae		77 777.781 F10
Lycium europaeum L .=		Solanaceae		7, 11, 117, 177, 177
Lycium edgeworthii Dun.				71
Lycium sp.		Solanaceae	Wolfberry; desert	717.17
Lycoperdon sp .(Fungi)			thorn Puffbal	
Lysimachia vulgaris L.	+	Primulaceae	Golden loosestrife	77
Lythrum salicaria L.	1.	Lythraceae	Purple lythrum	<i>" EV . " I A . Y Y Y . I Y</i>
Maerua crassifolia Forsk.	+	Capparidaceæ		7781
Majorana hortensis Moench.	-	Labiatae	Sunduhi, Hasu (Ou)	<b>"</b>
Majorana sp.	╅	Labiatae	Sweet marjoram	TYA
Malabaila pumila Rois.	++	Umbelliferae	Marjoram	YYX
Malabaila secacul Russ.	+++	Umbelliferae		144
Mallotus philippinensis Mull.	+	Euphorbiaceae	<del>                    -  </del>	111
Mallotus sp.		Euphorbiaceae	Red kamala	790,755
Malus orientalis Ugli.		Rosaceae		788
Malva alcea L.		Maivaceae		9 £
Malva parviflora L.	+	Malvaceae	Hollyhock mallow	TE7
Malva rotundifolia Diss.		Malvaceae		179
Malva sp.		Malvaceae		٥٨، ٢١١ ، ١٢٤ ، ٢٨٠
Malva sylvestris L.		Malvaceae		179
	] ],	Atatyaceae	High mallow; Wild mallow	٢٣٠ ، ١٨٤ ، ١٢٩
Mandragora officinarum L.	5	Solanaceae	Illatiow	TAY WY
Mandragora sp.	S	olanaceae	Mandrake	ror .rrrrv117
Mandrgora offiicinarum L.	** S	olanaceae	-	
Mangifera indica L.	** A	nacardiaceae	Common	189
farrubium pseudodictamnus L.	<del>                                     </del>	abiatae	marchantia	718.78
farrubium sp.		abiatae abiatae		rra
farrubium vulgare L.	<del></del>		Hoarhound	77778
Iarsednia erecta L.		abiatae	Common horehound	reritte
latricaria aurea Sch.	A	sclepiadaceae	Marsdenia	٤٢
latricaria chamomilla L.		ompositae		0)
		ompositae	German comomile	YTO . 114 . 01

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Matricaria parthenium L.		Compositae	Feverfew	01
Matthiola incana R.Br.		Cruciferae	Common stock	750,179,79
Matthiola livida DC.		Cruciferae		710,171
Medicago arborea Mill.		Papilionaceae	Tree medic; Tree alfalfa	72.
Medicago ciliaris Hook.	**	Papilionaceae		Y91
Medicago hispida Gaertn.		Papilionaceae	Califonia bur clover	Y91
Medicago intertexta L.	*	Papilionaceae	Horns and hedgehog	79)
Medicago littoralis Rhod.		Papilionaceae		r41
Medicago sativa L.	*	Papilionaceae	Alfalfa	777, 777, 797
Medicago sp.		Papilionaceae	Medic	7:1
Melastoma sp.		Melastomaceae	Melastoma family	177
Melia azadarach L.	+	Meliaceae	Margosa	ro
Melilotus officinalis Lam.	+	Papilionaceae	Yellow sweet clover	٣٣٩ ، ٢١٤ ، ٥٩ ، ٣٩
Melilotus parviflora	+	Papilionaceae		7777
Melilotus sp.		Papilionaceae	Sweet clover melilot	177
Melissa calamintha L . = Calamintha officinalis Moench		Labiatae	Calamint savory	,,,,
Melissa clinopodium Benth.		Labiatae		rer
Melissa officinalis L.	*	Labiatae	Common balm	757, 717, 770, VI
Memecylon edule Rox.		Melastomataceae	Iron wood tree	710
Memecylon tinctoria Wil.		Melastomataceae		790
Memecylon tinctorium L.	1	Melastomataceae		or
Menispermum cocculus L.		Menispermaceae		TYY
Mentha aquatica L.	1 •	Labiatae	Water mint	<u> </u>
Mentha arvensis L.	1 *	Labiatae	Field mint	rer
Mentha officinalis Hull.	1 - 1	Labiatae		779
Mentha piperita Smith.	1:	Labiatae	Peppermint	PYY, 197, NTT
Mentha pulegium L.	*	Labiatae	Pennyroyal	٣٢٨، ٥٠١، ١٩١، ١٢٢، ٩٢٢، ٨٣٣
Mentha pulegium var. erecta	1 1	Labiatae		rra
Mentha sativa L.		Labiatae		PTA . 791
Mentha sp.		Labiatae	Mint	79)
Mentha sylvestris L.		Labiatae		٠٠٠، ٢٢٩ ، ٢٦٩
Mercurialis annua L.	*	Euphorbiaceae	Herb mercury	70V. 755.171
Mercurialis sp.		Euphorbiaceae		171
Merendera persica Boiss. = Colchicum robustum (Bge)Stefan	•	Colchicaceae		14.
Mespilus pycnoloba C.Koch.		Rosaceae		Y19
Mesua ferrea L.		Guttiferae	Iron wood	TAA
Meum athamanticum Jack		Umbelliferae		778.7.9 TAO.
Mezereum officinal C.A.Mey.		Thymelaeaceae		TVO
Micromeria juliana Benth.		Labiatae		rra
Micropus erectus L.		Compositae		700
Milium indicum		Gramineae		1

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Milium nigricans Ruis.		Gramineae		Y • £
Mimosa arabica Lam.		Mimosaceae		rrv
Mimosa nilotica L.		Mimosaceae		YTV.YTV.191
Mimosa oerfota Fork.		Mimosaceae		۲٠٨
Mimusops schimperi Hochst.= Mimusops laurifolia (Forssk.) I.Friis		Sapotaceae		771. 777. 777
Mogorium sambac Lam. = Jasminum L.		Oleacea		**************************************
Momordica elaterium L. = Ecballium elaterium (L.) A. Reich		Cucurbitaceae	squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	700 crr£
Morchella esculenta Pers. (Mushrooms)		Morchellaceae	Pancita, morilla, mazorquita, , elotito mazorca, elote, huecasy colmena.	771
Moringa aptera Gaertn.		Moringaceae		,,,
Moringa arabica Pers.		Moringaceae		110
Moringa pterygosperma Gaertn.		Moringaceae		111
Morus acedosa Cr.		Могасеае		97
Morus alba L.	•	Moraceae	White mustard	09.79.117.97
Morus indica L.		Moraceae		17
Morus nigra L.	•	Moraceae	Black mixed	779.97.90
Morus sp.		Moraceae	Mulberry	90
Moschosma sp.	1	Labiatae		194
(Moss)				7
Musa paradisiaca L.	•	Musaceae		710.7.5
Musa sepientum L.	*	Musaceae	Banana tree	710.7.7
Musa sp.		Musaceae	Banana	710
Muscari comosum Mill.	*	Liliaceae	Feathered grape hyacinth	TTE .A7
Muscari sp.		Liliaceae	Grape hyacinth	A1
Muscus arboreus		(Moss)		or
Muscus sp.		(Moss)	,	or
(Mushroom )	<u> </u>			777
Myosotis alpestris Schm.		Boraginaceae	Alpine forget-me- not	re
Myosotis arvensis L.	<u> </u>	Boraginaceae	Field forget-me-not	٣٤
Myosotis palustris Lam.	•	Boraginaceae	True forget-me-not	٣٣٥، ١١٦، ١١٦، ٢١٨
Myosotis sp.		Boraginaceae	Forget-me-not	٣٤
Myosotis stricta Roem & Schut.	*	Boraginaceae		٣٤
Myrica sapida Wall .= Myrica nagi Thunb		Myricaceae	Box myrtle	1£1
Myriophyllum sp.		Haloragaceae	Water milfoil parrot feather	7.4.
Myriophyllum spicatum L.	•	Haloragaceae	Spiked milfoil	۲۰۱، ۲۰۳۰ ۲۰۳
Myristica aromatica Lam.		Myristcaceae		1.4

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Myristica fragrans Houtt.		Myristcaceae	Common nutmeg	777.7 157.1.7.77
Myrobalanus bellerica Gaertn.		Combretaceae		79
Myrobalanus chebulae		Combretaceae		79
Gaertn.= Terminalia chebula				
Myrobalanus citrinae Gaertn.		Combretaceae		79
Myrobalanus nigrae		Combretaceae		79
Myrrhis odorata Scop .= Scandix odorata		Umbelliferae	Sweet cicely	۲۵۶،۳۶۰،۳۲٦
Myrtus communis L.	*	Myrtaceae	Turemyrtle	۲۲۸ ، ۲۲
Myrtus sp.		Myrtaceae	Mangel	777
Narcissus jonquilla L.		Amarillidaceae	Jonquil	79.
Narcissus poeticus L.		Amarillidaceae		ro1, r9. , r. 7
Narcissus sp.		Amarillidaceae	Poet's narcissus	Y9.
Narcissus tazzetta L.	•	Amarillidaceae		79 7. 7
Nardostachys jatamansi DC.	*	Valerianaceae		TYE . T. 9 . YAA . 1 YA . 1 YY
Nardostachys sampharitke?		Valerianaceae		rra
Nardus indica L.		Gramineae		114
Narthecium ossifragum Huds.		Liliaceae		700
Narthecium sp.		Liliaceae	Bog asphodel	700
Nasturtium officinale R.Br.		Cruiferae		716,770,776,110
Nasturtium officinalis L.	•	Cruiferae	Water cress	٣٣١ ، ١٦٦
Nauclea sp.		Rubiaceae		rr.
Nelmbium nuciferum Gaer.	*	Nymphaceae	Hindu lotus	7.4
Nelmbium speciosum L .= Nelmmbium nuciferum Gaertn.	**	Nymphaceae	Chinese water lily	7.4
Nelumbium speciosum Willd.	1	Nymphaceae		rr.
Nemastopora corylii (Fungi)	1			Y £ •
Nepeta micrantha Bu.		Labiatae		170
Nepeta mispahanica Bo.		Labiatae		170
Nerium oleander L.	•	Apocynaceae		707.77.198.150
Nerium sp.		Apocynaceae	Common oleander	150
Neurada procumbens L.	•	Rosaceae	Garden fennelflower; Black cumin	177
Nigella sativa L.	*	Ranunculaceae	Nutmeg flower	197,98,78
Nigella sp.		Ranunculaceae	Fennelflower	197
Nuphar alba L.	*	Nymphaceae		Y97
Nuphar luteum L.	*	Nymphaceae	European cow lily	750.797
Nymphaea alba L.	*	Nymphaceae	White water lily	reo .riv . rgr . A.
Nymphaea coerulea L.		Nymphaceae	Yellow mexican water lily	795
Nymphaea flava Leitner	$\perp \Box$	Nymphaceae	-	rer
Nymphaea indica?		Nymphaceae		797.77
Nymphaea lotus L.		Nymphaceae	White Egyptian lotus	70E . 797 . 7A7 . 7VY .A.
Nymphaea lutea L.	*	Nymphaceae		797

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Nymphaea nelumbo L.		Nymphaceae	European cow lily	rrvr
Nymphaea sp.		Nymphaceae	Water lily	rar
Nymphaea stellata Willd.		Nymphaceae		701
Ochna sp.		Ochnaceae	Ochna	111
Ocimum album L.		Labiatae		VI
Ocimum basilicum L.	*	Labiatae	Sweet basil; hoary basil	۱۷، ۱۲۱، ۲۱، ۱۸، ۱۸۱، ۲۲۰، ۱۱۳، ۲۳۳
Ocimum filamentosum Forsk.		Labiatae		171.0
Ocimum gratissimum L.		Labiatae		17.,1.0
Ocimum minimum L.		Labiatae		191.115
Ocimum pilosum Willd.		Labiatae		771,311,077,677
Oenothera biennis L.		Onagraceae	evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	<b>70</b> £
Olea europaea L.	*	Oleaceae	Common olive	777
Olea oleaster L.		Oleaceae		דדו, די, איץ
Onobrychis viciaefolia Scop .= Onobrychis altissima Grossh.		Papilionaceae	Common sainfoin	۱۳۱۸ ع۳۳
Ononis antiquorum L. = Ononis spinosa subsp. Antiquorum		Papilionaceae	Balomaga	דרי <i>י</i> דוד
Ononis antiquorum L.		Papilionaceae		TTV . 1 9.1 . 1.1.8
Onopordon acanthium L.	*	Compositae	Cotton thistle	۸۰، ۷۱، ۹۸۱، ۲۰۲، ۲۳۳
Onopordon arabicum L.		Compositae		۹۸۱، ۲۳۷
Onopordon illiricum L.		Compositae		rrv
Onosma echinoides L.	**	Boraginaceae		750 (TIV 171 EF
Onosma sp.	<u> </u>	Boraginaceae	Old- field toadflax	٣٤٥،١٩٠،١٢٥،٣٨
Onosma tinctoria Bieb.		Boraginaceae		ror
Ophioxylon serpentium L.		Orchidaceae		717
Ophrys apifera Huds.	•	Orchidaceae	Bee orchid	750
Ophrys sp.		Orchidaceae		750
Opopanax chironium Koch.		Umbelliferae		۰۱۰، ۳۲۹
Opopanax hispidus Griseb.		Umbelliferae		rra
Opuntia hircina?		Cactaceae		1.
Opuntia sp.		Cactaceae	Prickly pear	190
Orchis anthropophora L.		Orchidaceae		750,170
Orchis hircina Griseb.		Orchidaceae		177,170,9.
Orchis morio L.		Orchidaceae		755 717, 937
Orchis rubra Jacq.		Orchidaceae		788
Orchis sp.		Orchidaceae	Orchid; Orchis	10.9.11
Orchis undulatifolia L.		Orchidaceae		T£0, T17
Origanum aegyptiacum L.		Labiatae		170
Origanum amaracus Gledi.		Labiatae		٨٧٢، ٩٧٢
Origanum creticum L.		Labiatae		YAI
Origanum dictamnus L.		Labiatae		۳۳۸ ۵۳۱٤ ۵۲۸۱ ۵۲۳۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Origanum hirtum L.		Labiatae		YAI
Origanum lirium		Labiatae		rrv
Origanum majorana L.		Labiatae	Sweet majoran	۸۷۲، ۲۳۹
Origanum maru L.		Labiatae		177, 777
Origanum marum L.		Labiatae		7779
Origanum onitis L.		Labiatae		TTA
Origanum sipyleum L.		Labiatae		rrv
Origanum sp.		Labiatae	Origanum	091, 791, 777
Origanum vulgare L.	•	Labiatae	Common origanum; Wild marjoram	771.47° .197
Origanum vulgare var. megastachyum		Labiatae		rrx
Ornithogalum sp.		Liliaceae	Star-of-bethlehem	192:01
Ornithogalum stachyoides Host.		Liliaceae		mre . 1 m
Ornithogalum umbellatum L.	*	Liliaceae	Common star-of- bethlehem	rrr. 01
Orobanche aegyptiaca Pers.	*	Orobanchaceae		7.1
Orobanche caryophyllacea SM.  = Orobanch vulgaris Poir.	•	Orobanchaceae	Clove-scented broomrape	777.711.701
Orobanche sp.		Orobanchaceae	Broomrape	7A , EV
Orseille tinctoria = Roccella	†		Dyer's Weed ;	174
tinctoria DC. (Lichen)			Orchella Weed ; Lichen Roccella	
Oryza sativa L.	*	Graminae	Rice	٤٤، ١١٦، ٢٢٩
Osmunda cinnamomea L.		Osmundaceae		179
Osmunda regalis L.		Osmundaceae	Royal fern	179
Osyris alba L.		Santalaceae		roo
Oxalis acetosella L.	*	Oxalidaceae	Wood-sorrel; oxalis	AT
Oxalis corniculata L.	*	Oxalidaceae	Creeping oxalis	110
Oxalis sp.		Oxalidaceae	Oxalis ; Wood sorrel	117
Paeonia corallina L.		Paeoniaceae	Coral peony	727.777
Paeonia corallina Ret.		Paeoniaceae		790
Paeonia officinalis L.		Paeoniaceae	Common peony	790
Paeonia officinalis Retz.		Paeoniaceae		757.77
Paeonia wittmanniana Hart.	*	Paeoniaceae		790
Paliurus aculeatus Lam.		Rhamnaceae		777. P. 777
Paliurus sp.		Rhamnaceae	Paliurus	110
Pancratium maritimum L.		Amaryllidaceae	sea daffodil	727,777
Pandanus sp.		Pandanaceae	Screw pine pandnus	781.50
Panicum dactylon L.		Geramineae		19
Panicum italicum L.		Geramineae		157
Panicum milliaceum L.	•	Geramineae	Proso-broomcorn;	TY9 (1 ET c)
Pannkratium maritimum L.		Amaryllidaceae		۲۳۲، ۳۱۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papaver argemone L.	*	Papaveraceae	Fall daffodil	£ £
Papaver rhoeas L.	•	Papaveraceae	Corn poppy ; Field poppy	371. 19. 144. 107
Papaver somniferum L.	•	Papaveraceae	Opium poppy	371,071,101,107
Papaver sp.		Papaveraceae	Poppy	178
Papyrus antiquorum Willd .= Cyperus Papyrus		Cyperaceae	Papyrus	777.Vo
Papyrus domesticus Poir.		Cyperaceae		V1
Parietaria cretica L.		Urticaceae		۲٥٣،۱۱۹،۳٤
Parietaria diffusa L.		Urticaceae		119
Parietaria officinalis L.		Urticaceae	Wall pellitory	72
Parietaria sp.	1 1	Urticaceae	Pellitory	ror
Paris incompleta Bieb.		Trilliaceae	Jorusalem thorn; hore-bean	710
Parkinsonia aculeata L.	*	Aesalpinaceae		Vo
Parkinsonia sp.		Aesalpinaceae		Yo
Parnassia palustris L.		Saxifragaceae	Wide-world parnassia	729
Paronichia sp.		Caryophyllaceae	Nailwort; Whitlwort	111
Paronychia serpyllifolia DC.		Caryophyllaceae		۱۳۰، ۱۹، ۲۳۱
Passeina hirsuta L.		Umbelliferae		rev
Pastinaca graeca?		Umbelliferae		TE1
Pastinaca sativa L.		Umbelliferae	Garden parsnip	۳۰، ۱۵۱، ۱۵۱، ۱۵۱، ۲۳۰
Pastinaca schekakul Russ.		Umbelliferae		144
Pastinaca secacul Russ .= Malabaila secacul (Miller)Boiss. Susp. Secacul		Umbelliferae		1.5
Pedicularis tuberosa Vill.		Scrophulariaceae		ree
Peganum harmala L.	•	Zygophyllaceae	Harmel peganum African rue	۲۱۱، ۱۳۶۶ ۲۳۹
Penaea mucronata L.		Penaeaceae		77
Penaea sp.		Penaeaceae		TEY
Pennisetum sp.		Gramineae	Pennisetum	97
Peperomia sp.		Piperaceae	Peperomia	771
Pergularia tomentosa L.	*	Ascleopiadaceae		771
Periploca sp.		Periplocaceae	Silk vine	A7
Persica vulgaris Mill.	*	Rosaceae	Peach	179
Petroselinum oreoselinum L. = Peucadanum oreoslinum (L.) Moe.		Umbelliferae		708
Petroselinum sativum Hoffm.	+•	Umbelliferae	Common garden parsly	Y0£
Peucedanum ammoniacum?	1	Umbelliferae	pusty	<b>r</b>
Peucedanum cervaria L.	1	Umbelliferae	Much-good	TE1
Peucedanum officinale L.	1.	Umbelliferae	Common hog's- fenel	T£1, T10, V£
Peucedanum oreoseinum Moench.		Umbelliferae	Mountain parsley	، ۲۱۱ ۲۳، ۲۱۰ ۳۱۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Peucedanum sativum Benth.		Umbelliferae		141
Phalangium ramosum Lam.	<b>T</b>	Phalangida		757,717,777
Phalaris canariensis Nutt.	**	Gramineae	Canary grass	<b>727</b>
Phalaris tuberosa L.		Gramineae		757.717.777
Phaseolus communis Paritz.		Papilionaceae		TVI
Phaseolus max L.		Papilionaceae		YVI
Phaseolus mrabiatus L.		Papilionaceae		YYT
Phaseolus mungo L.		Papilionaceae	Mungo bean; Black gram	TVO
Phaseolus radiatus L.	**	Papilionaceae		TYO
Phaseolus vulgaris L.	*	Papilionaceae	Kidney bean	YVI
Phelypaea coccinea Poir. = Anoplon coccineum (M.B.) H.Riedl		Orobanchaceae		· YVI
Phelypaea egyptiaca Walp.		Orobanchaceae		7.1
Philadelphus sp.		Saxifragaceae	Mock orange	171
Phillyrea latifolia L.		Oleaceae	Tree phillyrea	711. 771. 7.7. 117. 117
Phoenix dactylifera L.	*	Palmaceae	Date; Plum persimmon	TTA . T1 . 490
Phragmites communis Trin		Gramineae	Common reed	TY7.7£.
Phyllanthus emblica I = Emblica officinalis		Euphorbiaceae	Emblic leaf flower	77"
Phyllitis scolopendrium L.	*	Aspleniaceae	Hart's-tongue;	۹ ۲ ۱ ، ۲ ۱ ۳ ، ۳ ؛ ۳
Physalis alkekengi L.	•	Solanaceae	Strawberry; Alkekengi	707.759.710
Physalis somnifera L.		Solanaceae		ror
Picea excelsa Link.		Pinaceae	Norway spruce	Tro. r. 9.19V. £ £
Picnomon acarna (L.) Cass.	*	Compositae	Yellow plume thiste	VY
Picnomon acarna Coss.		Compositae		יין, דיי
Pimpinella anisum L.		Umbelliferae	Anise	75.315.95.77
Pimpinella dioica L.		Umbelliferae		ros
Pimpinella dissecta Polli. = Pimpinellarhodantha Boiss.	•	Umbelliferae		T0 £
Pimpinella trgium Vill.		Umbelliferae		r.r
Pinites stroboides (Conw.) Sch.		Cecidomyiinae		Y7 <i>£</i>
Pinites succinifer Goppert & Bernedt		Cecidomyiinae	Amber	Y7 <i>£</i>
Pinus cembera L.		Pinaceae	Swiss stone pine	197
Pinus eldarica Medew.		Pinaceae		197
Pinus halepensis Mill.	*	Pinaceae	Aleppo pine	707.19V.EE
Pinus maritima Lam.		Pinaceae		197
Pinus nigra L.	**	Pinaceae	Austrian pine	197
Pinus orientalis Link.		Pinaceae		197
Pinus pinea L.	•	Pinaceae	Italian stone pine	rro.r.9.19v
Pinus sp.		Pinaceae	Pine	197
Pinus sylvestris L.		Pinaceae	Scotch pine	197

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Piper aromaticum Lam.		Piperaceae		
Piper betle L.		Piperaceae	Betel pepper	ני אזוי צאי אודי חחת
Piper cubeba L.		Piperaceae	Deter pepper	و، ١٨٤، ٣٠٠
Piper longum L.		Piperaceae		Y £ 9 .0
Piper nigrum L.	**	Piperaceae	Diesla	771.15
Piper sp.		Piperaceae	Black pepper	777,779,127,2
Pistacia chia DC.		Anacardiaceae	Pepper	
Pistacia khinjuk Stoc.	1.	Anacardiaceae		
Pistacia lentiscus L.		Anacardiaceae	Lentisk pistache;	۱۱۱،۸ ۱۹،۲۸۲، ۲۸۲، ۳۲۹
Pistacia terebinthus L.		Anacardiaceae	Mastic tree Terebinth pistache	
Pistacia vera L.	+	Anacardiaceae		۱، ۱۱۱، ۱۹۸، ۲۲۵
Pistia stratiotes L.		Anacardiaceae	Common pistache	rr9.r11.rr
Pisum sativum L.	+++	Papilionaceae		٣٥٣ ، ٢٢٠ ، ١٧١ ، ٢٠
Plantago coronopus L.	<del></del>		Garden pea	184:1.8:4
Plantago major L.		Plantaginaceae Plantaginaceae	Crowfoot; Buckhorn plantain	ווי, ודי
			Ripple-seed plantain-great plantain	771
Plantago psyllium L.		Plantaginaceae	Flaxseed plantain; Psyllium seed	ro1 , r19 , vA
Platanus orientalis L.		Platanaceae	Oriental plant tree	٢٢٦، ٣٠٩، ٢٢٦
Platanus sp.		Platanaceae	Plant tree sycamore	717,157
Plumbago europaea L.	I	Plumbaginaceae		750,7.7
Plumbago rosea L.	I	Plumbaginaceae		
Plumbago zeylanica L.	F	Plumbaginaceae		198
Poa cynosuroides Retz.		Gramineae		195
Poa multiflora Forsk.	1	ramineae	<del> </del>	ırr
Podospermum jacquinianum  Koch .= Scorzonera cana (C.A.  Meyer) O. Hoffm	C	Compositae		777
Polemonium coeruleum L.	P	olemoniaceae	Greek-valerian	
Polemonium Sp.	<del></del>		polemonium	TEA . TIA
		olemoniaceae	Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	9.
Polygonatum officinale L.		sparaginaceae	Drug solomon's- seal	TEA . TIA . Y 1 1
Polygonum amphibium L.	P0	lygonaceae		77.
Polygonum aviculare L.		lygonaceae		٠٢٠٣ ٣٤٧ ،٣١٨ ،٢١١ ،٢٢٠
Polygonum bistorta L.		lygonaceae	European bistort	
Polygonum equiestiforme Sibth. = Polygonum equisetiformis Sibth.	Po	lygonaceae		75
Polygonum hydropiper L.	Pol	ygonaceae	Marsh-pepper smartweed	TTE . TTT . T.1 Y . Y Y A . 1 7 E
Polygonum sp.	Pol	ygonaceae	Knotweed	
Polygonum tinctorium Hort.	Poly	gonaceae		711
olygonum viviparum L.	Poly	/gonaceae	Vivingrous history	1/10
Polygonum viviparum L.		/	Viviparous bistort	1/0

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Polypodium vulgare L.	*	Polypodiaceae	Common polypody; Wall fern	rov.rri.A.
Polyporus officinalis Fr .(Fungi)			Purging agaric	rro. 171. 111
Poppia fabiana Koch .= Luffa cylindrica (L.) Roem.		Cucurbitaceae		rvr
Populus alba L.	*	Salicaceae	White poplar	#77.17V
Populus euphratica L.	•	Salicaceae	Willows	rr.
Populus nigra L.	*	Salicaceae	Black poplar	٨٠١، ١٢٤، ٢٢٦
Populus sp.		Salicaceae	Poplar	) TV
Portulaca oleracea L.	*	Portulacaceae	Common pursiane	۳۲۱ ، ۲۳۱
Portulaca sativa Ha.		Portulacaceae		Ar
Potamogeton natans L.		Potamogetonaceae		ror.rr49
Potentilla reptans L.	*	Rosaceae	Creeping cinquefoil	۹۸، ۹۳
Poterium sanguisorba L .= Sanguisorba minor Scop.	*	Rosaceae	Small bureat	٨٧١، ٧٥٧، ٩٤٣،
Poterium sp.		Rosaceae	Burnet	781
Poterium spinosum L.		Rosaceae		TEA
Prangos ferulacea L.	•	Umbelliferae		721
Prangos pabularia L.	•	Umbelliferae	Hay plant	Y01.YY
Premna latifolia Roxb.		Verbenaceae		vr
Prenanthes purpurea L.		Compositae		TE1
Protea sp.		Proteaceae	Purple rattlesnake root	rri
Prunus amygdalus communis L.		Rosaceae	Protea	rvr
Prunus amygdalus Stokes .= Amygdalus communis L.	•	Rosaceae		777, 117, 777
Prunus amygdalus var. amara Focke		Rosaceae		777, 117, 777
Prunus armeniaca L.		Rosaceae	Common apricot	۲۲۸ ، ۲۱۰ ، ۲۸۲
Prunus avium L .= Cerasus avium (L.)Monch	•	Rosaceae	Mazzard cherry	770
Prunus cerasia Br.		Rosaceae	Sour chery	TYA : T1 .
Prunus cerasifera Ehrh.		Rosaceae	Myrobalan plum	770
Prunus divaricata Led.	•	Rosaceae	Wild myrobalan plum	791 681
Prunus domestica L.	•	Rosaceae	Gardan plum	TYA 1771 171V 11 E. 177 12Y 121
Prunus mahaleb L .= Cerasus mahaleb (L.)Mill.	*	Rosaceae	Mahaleb cherry; St.lucy cherry	117
Prunus persica Sieb .= Persica vulgaris Mill.	•	Rosaceae	Peach	۳۲۸ ۵۳۱۰
Prunus spinosa L.	•	Rosaceae	Sole-blackthorn	٤١
Psidium guajava L.	**	Myrtaceae	Common guava	77
Psoralea bituminosa L.	$\prod$	Paoilionaceae		۳٤٣،٢٠٣
Psylla sp.		Psyllidae	psylla	148
Pteris aquilina L.		Pteridaceae	Western bracken	rov
Pteris radiofa Mett.		Pteridaceae		7.47
Pterocarpus santalinus L.		Papilionaceae	Sandlwood padauk; Lal - Chandan	197

SCIENTIFIC NAME	IN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ptychotis verticellata Duby		Umbelliferae		
Pulicaria crispa Cass .= Francoeuria undulate (L.)Loc.	•	Compositae		1.
Pulicaria odora Reichb.		Compositae		
Pulmonaria officinalis L.	1	Boraginaceae	Common lungwort	11
Punica granatum L.		Punicaceae	Pomegranate	۲7 
Pyrethrum parthenium Sm .= Tanacetum parthenium (L.)Sch.	•	Compositae	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	#£1.1A
Pyrus amygdaliformis L.		Rosaceae	Almond pear	
Pyrus communis L.	•	Rosaceae	Common pear	<i>""</i>
Pyrus communis var. akhras		Rosaceae	- conjunction pour	3, 40, 177, 477
Pyrus cydonia L.		Rosaceae	Cydonia oblonga	۱۳، ۲۲۸ ۱۷
Pyrus germanica Hook.	1	Rosaceae		
Pyrus germanica L.		Rosaceae		17
Pyrus malus L .= Malus orientalis Ugl.	*	Rosaceae	Appel	71. 177 12. 172 177
Pyrus sorbus Gaertn.	1	Rosaceae	<u> </u>	
Quercus aegilops L.	1	Fagaceae	Valonia oak	777 777
Quercus aesculus Boiss.	1.	Fagaceae	V alonia oak	٣٢١
Quercus coccifera L.	┼─┼	Fagaceae	Kermes oak	
Quercus ilex L.	╁	Fagaceae		۲۵۰ ،۲۲۷ ،۸۲
Quercus infectpria Olivier	╅	Fagaceae	Holly oak	707,717,107
Quercus lusitanica Lam.	+	Fagaceae	Aleppo oak	<u> </u>
Quercus lustanica var. tauricola	+-+	Fagaceae	+	777.711
Quercus persica Jaub. & Sp .= Quercus brantii Lindl.	•	Fagaceae	Oak ; Manna tree	
Quercus robur L.	*	Fagaceae		
Quercus sp.		Fagaceae	Oak	A7
Randia dumetorum L.		Rubiaceae	Malabar randia	717,179
Randia sp.		Rubiaceae	Turion Turion	1.9
Ranunculus acris L.		Ranunculaceae	Tall buttercup	108
Ranunculus aquatitis L.		Ranunculaceae	Water crowfoot	TT &
Ranunculus arvensis L.		Ranunculaceae	Corn buttercup	<i>۳۳0, 40.</i>
Ranunculus asiaticus L.		Ranunculaceae	Persian buttercup	709
Ranunculus ficaria L.		Ranunculaceae	Figroot buttercup	٩٨١، ٠٥٢، ٢٦٢، ٤٩٢، ٤٣٣
Ranunculus lanuginosus L.		Ranunculaceae	Buttercup ficaria	rro
Ranunculus muricatus L.		Ranunculaceae	-according	rro. ro.
Ranunculus muricolus L.		Ranunculaceae	<del>                                     </del>	rro
Ranunculus repens L.		Ranunculaceae		70.
Ranunculus sp.		Ranunculaceae	Buttercup; Crowfoot	7E1
Raphanus niger Mill.	(	Cruciferae	Clowloot	11 × 1
Raphanus raphanistrum L.	• (	Cruciferae	Wild radish	778
Raphanus sativus L.	** (	ruciferae	Garden radish	77 77 <i>£</i>
Raphanus sp.	-	ruciferae	Radish	۲۲۶ ، ۱۱۳۰ ، ۲۲۶
Reseda alba L.	*   R	esedacae	White mignonette	775

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Reseda canescens L.		Resedacae		700
Reseda luteola L.	*	Resedacae	Weld mignonette	790
Resin				101
Retama sp.		Papilionaceae	Retama	100
Rhamnus alatemus L.	**	Rhamnaceae	Common alaternus	rv
Rhamnus cathartica	•	Rhamnaceae	Common buckthorn	riv
Rhamnus infectoria L.		Rhamnaceae	Persian berry buckthorn	וד. יזו יוזי וחזיאח
Rhamnus tinctoria Waldst.		Rhamnaceae		197
Rhamnus zizyphus L.		Rhamnaceae		Y1 £
Rheum officinale Baill.		Polygonaceae	Medicinal rhubarb	108
Rheum palmatum L.		Polygonaceae	Sorrel rhubarb	105
Rheum rhaponticum L. (Rhubarbes)		Polygonaceae	Garden rhubarb	108
Rheum ribes L.	*	Polygonaceae	Cuvrant-fruited; Rhubarb	109
Rheum sp.		Polygonaceae	Rhubarb	109
Rhubarbes officinale Baillon.		Polygonaceae		108
Rhubarbes ribes?		Polygonaceae		108
Rhus coriaria L.	*	Anacardiaceae	Sicilian sumac	TTV:T1.:140
Rhus cotinus L.	•	Anacardiaceae	Common smok tree; Aaron's	170
Rhus glabra L.		Anacardiaceae	Smooth sumac	110
Rhus sp.		Anacardiaceae	Sumae	110
Rhus vermicifera DC.		Anacardiaceae	Japanese lacquer tree	174
Ricinus communis L.	*	Euphorbiaceae	Castor bean	۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۳
Roccella tinctoria DC .(Lichen)		Roccellaceae	Litmus roccella	111
Romeria dodecandra Stapl .= Romeria hybrida (L.)DC.	•	Papaveraceae	Violt horned poppy	171
Rosa alba L.		Rosaceae	Cottage rose	Y9£
Rosa anserinaefolia Boiss .= Rosa beggeriana Schrnk	*	Rosaceae	Begger rose	1 £ 7
Rosa canina L.	•	Rosaceae	Dog-rose	777.79£.79.
Rosa centifolia L.	**	Rosaceae	Cabbage rose	792.127
Rosa cinensis Jac.	1	Rosaceae		Y9£
Rosa damascena Mill.	•	Rosaceae	Domask rose	798.187
Rosa gallica L.	**	Rosaceae	French rose	798.187
Rosa indica L.	<del> </del>	Rosaceae	Chines rose	Y9 £
Rosa lutea Bort. = Rosa foetida Herrm	1.	Rosaceae	Austrian briar rose	rrv
Rosa maialis Desf.	1	Rosaceae		749
Rosa moschata Herrn.	+	Rosaceae	Musk rose	79.
Rosa sempervirens L.	<del>                                     </del>	Rosaceae	Evergreen rose	777
Rosa sp.	1	Rosaceae	Rose	777.71715
Rosmarinus officinalis L.	**	Labiatac	Rosemary	7.
	+-	Euphorbiaceae	Common madder;	790,Y££
Rottlera tinctoria Roxb .=			Common madder,	1106188

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Croton philippensis Lam.  Mallotus reticulatus Dunn =  Mallotus philippensis (Lam.)  Muell. Arg.			kemala tree	
Rubia cordiifolia L.		Rubiaceae		rr.
Rubia tinctorium L.	•	Rubiaceae		۳٤٦،۲۳۰
Rubus fruticosus L.		Rosaceae	European blckberry	TV9.717
Rubus idaeus L.		Rosaceae	Red raspberry	r : 9 . r i r
Rubus sanctus Schreb.		Rosaceae	European raspberry	rir
Rubus sp.		Rosaceae	Raspberry blackberry	riv.rir
Rubus ulmifolius Schott .= Rubus anatolicus (Focke)Fock&Wauss.	•	Rosaceae	Elm-leaved blackberry	req
Rumex acutus L.		Polygonaceae		m r 1 r r
Rumex aquaticus L.		Polygonaceae		y"y".
Rumex brettanica L.		Polygonaceae		rev. r11. v7
Rumex conglomeratus L.	•	Polygonaceae	Clustered	175
Rumex elbursensis Boiss.	•	Polygonaceae		178.178.178
Rumex hydrolapathum L.		Polygonaceae	Water dock	TT 1 V £ . 1 Y Y
Rumex lacerus Balb.		Polygonaceae		178
Rumex obtusifolius L.	<del>  • •  </del>	Polygonaceae	Bitter dock	175,177
Rumex patientia L.	•	Polygonaceae	Potenc dock	۲۲۰،۱۲۳،۱۲۲
Rumex scutatus L.	•	Polygonaceae	French sorrel	177
Rumex vesicarius L.	•	Polygonaceae	Bladder dock; Bladder sorrel	175
Ruscus aculeatus L.		Liliaceae	Butcher's-broom	700,77
Ruscus hypoglossum		Liliaceae		700
Ruscus hypophyllum	1	Liliaceae		rov. roo
Ruscus racemosus L.	1	Liliaceae		rov
Ruta graveolens L.		Rutaceae	Common rue-herb of grace	FF1.17A
Ruta hortensis Mill.		Rutaceae		171
Ruta montana L.		Rutaceae		٠٥١، ١٦٨، ١٦٢، ٢٣٩
Ruta sp.	$oxed{oxed}$	Rutaceae	Rue	171
Ruta tuberculata Fisch .= Haplophyllum versicolor Fisch&C.AMey.	•	Rutaceae		17.4
Saccharum officinarum L.	**	Gramineae	Sugar cane	(TEI 1VF
Saelanthus quadragonum Forsk.		Vitidaceae		11/5
Salicornia fruticosa L.	•	Chenopodiaceae		or
Salicornia herbacea L .= Salicornia europaea L.	*	Chenopodiaceae	Marsh samphire	755,07
Salicomia sp.		Chenopodiaceae	Glasswort	or
Salix acmophylla Boiss.		Salicaceae		ITY
Salix aegyptiaca Forsk.	•	Salicaceae	Egyptian willon	177.11.
Salix alba L.	•	Salicaceae	White willow	ITV
Salix australior Forbes = Salix excelsa S.G.GM.	•	Salicaceae		150

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Salix babylonica L.	*	Salicaceae	Babylon weping willow	TTV.TTITV
Salix balchia		Salicaceae		150
Salix caprea L.		Salicaceae	Good willow	1 "
Salix fragilis L.		Salicaceae	Brittle willow	ITV
Salix rosmarinifolia L.	<b>†</b>	Salicaceae		ITV
Salix safsaf Forsk		Salicaceae		150
Salix sp.	† —	Salicaceae	Willow-osier	77., 777
Salsola kali L.	*	Chenopodiaceae	Common russian thistle	or
Salsola soda L.	*	Chenopodiaceae	Soda plant; bakilla- plant	or
Salsola tragus $L = .$ Salsola kali Subsp. Tragus	*	Chenopodiaceae		or
Salvadora indica Royle		Salvadoraceae	Niepa bark tree	٤٣
Salvadora persica Gaer.	*	Salvadoraceae	Kikuel oil plant; Mustard- seed	70.658
Salvia aethiopis L.		Labiatae	Ethiopian sage- woolly clay	rof
Salvia cyanescens Boiss.		Labiatae		rra
Salvia horminum L .= Salvia viridis L.	*	Labiatae		TE0 , T1 V. E0
Salvia officinalis L.	**	Labiatae	Garden sage	771. 171. 101. 177. LYN
Sambucus ebulus	•	Caprifoliaceae	Mediterranean herb elder; danwort	707
Sambucus nigra L.	*	Caprifoliaceae	European elder	TOY .1 TA
Sanguisorba officinalis	*	Rosaceae	Garden carrot	T £ 9
Sanguisorba sp.		Rosaceae	Bloodroot	req
Santalum album L.		Santalaceae		117
Santalum sp.		Santalaceae	Sandalwood	197
Santolina maritima Smith.	1	Compositae		T
Saponaria officinalis L.	1.	Caryophyllaceae	Bouncing bet	۱۲۱، ۳۳۳
Sarcostemma viminale R.Br .= Euphorbia viminale		Asclepiadaceae	Rapunzel Plant, Somabutta	111
Satureia hortensis L.		Labiatae	Summer savory	rr9 (190
Satureia thymbra L.	† †	Labiatae		190
Saussurea lappa Clarke	1	Compositae	Saussura	779
Scandix pecten veneris L.	*	Umbelliferae	Shepherd's-needle- lady's-comb; Venus's-comb	וויז. זייז
Schaenus sp.		Cyperaceae	Bog rush	riv
Schoenocaulon officinale A.Gray = Veratrum officinale Schl. & Cham = Veratrum sabadilla Retz		Liliaceae	Drug sabadilla ; sabadilla	F71
Scilla bifolia L .= Scilla autumnalis L.	•	Liliaceae	Twin-leaved squill	roi
Scilla maritima L.	† †	Liliaceae		772,717,59
Scilla pancratiuon Nym.	† – †	Liliaceae		
Scilla sp.	1	Liliaceae	Squill	Y10
Scolopendrium hemionitis L.		Polypodiaceae	<del>                                     </del>	750

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Scolopendrium vulgare Sw .= Scolopendrium officinale Swartz = Phyllitis scolopendrium (L.) Newman		Polypodiaceae	Hart's-tongue	750 657
Scolymus hispanicus L .= Scolymus grandiflorus auct.	*	Compositae	Spanis; golden thistle	זוו אודי דדד
Scorpiurus sp.		Papilionaceae	Scorpoin's-tail; Caterpillar plant	101
Scorzonera elongata L.		Compositae		re.
Scrophularia aquatica L.= Scrophularia umbebrosa Dumort.	*	Scrophulariaceae	Water-betony	177
Scrophularia chrysanthemifolia L.		Scrophulariaceae		TE9. IVA
Scrophularia lucida L.		Scrophulariaceae		<b>7</b> £9
Scrophularia peregrina L.		Scrophulariaceae		ror
Secale cereale L.	•	Gramineae	Rye; Rie	198
Secale corutom		Gramineae		157
Securigera coronilla DC .= Securigera securidaca (L.) DE. & DO.	•	Papilionaceae	Hatchet vetch	r 20 . V .
Securigera securidaca (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae		T£0.V.
Sedom anopetalum DC.		Crassulaceae	Goldmoss; stonecrop goldmoss	707
Sedum acre L.		Crassulaceae		۲۳، ۳۵۳
Sedum cepaea L.		Crassulaceae		757 . TIA . 1 • A
Sedum ochroleucum Vill.		Crassulaceae		ror
Sedum roseum Scop.		Crassulaceae	Rose-root stonecrop	ro.
Sedum sp.		Crassulaceae	Stonecrop	ra .
Sedum stellatum L.		Crassulaceae		ror
Sedum telephium L.		Crassulaceae	Live-forever	777.77
Sedum telephullon L.		Crassulaceae		ror
Selinum galbanum	1	Umbelliferae		rer
Selinum officinal		Umbelliferae		Y £
Semecarpus anacardium L.		Anacardiaceae	Marking Nut	٥٨، ٢٨
Sempervivum arboreum L.		Crassulaceae		۲۵، ۱۲، ۳۵۳
Sempervivum sp.		Crassulaceae	Houseleek	ra l
Sempervivum tectorum L.		Crassulaceae	Hen-and-chickens; Roof houseleek	۲۸
Senebiera coronopus (L.) Poir.  = Coronopus squamatus (Forssk.) Ascherson		Cruciferae	Coronopus; Greater swinecress	
Senecio coronopifolius Defs .= Senecio glaucus L.	•	Compositae		.1.٢
Senecio vulgaris L. = Common groundesel	•	Compositae		ror
Serapias lingua L.		Orchidaceae		T£7 , YV1
Serratula chamepeuce L.		Compositae		711
Sesamum indicum L.	•	Pedaliaceae	Oriental sesme	779,711,177

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Sesamum oleiferum Moench		Pedaliaceae		177
Sesamum orientale L .= Sesamum indicum L.	*	Pedaliaceae		177
Sesbania aegyptiaca Poir.		Papilionaceae	Peabush	147
Sesbania sp.		Papilionaceae	Sesbania	147
Seseli ammoides L.		Umbeliferae	Seseli; Meadow	TE1
Seseli tortuosum L.		Umbeliferae		TE • 1712 1751 1117 117V
Setaria italicum Beauv.	*	Gramineae	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	779
Sideritis remota Urv.		Labiatae	Ironwort	789
Silene cucubalus Will.		Caryophyllaceae	Bladder silene	1
Silene gallica L.		Caryophyllaceae	French silene	r £ 9
Silene infelata Sm.		Caryophyllaceae		۳۰۱،۱۳۲،۱۰۰
Silene sp.		Caryophyllaceae	Catchfly; Campion	700
Silybum marianum Gaer.	*	Compositae	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	roo.rir.110.vi
Silybum syriacum		Compositae		rrv
Sinapis alba L.	*	Cruciferae	White mustard	171,110
Sinapis arvensis L.	*	Cruciferae	Charlock	ا ۱ ا ، ۳۰۰
Sinapis nigra L.		Cruciferae		. 171
Sinapis sp.		Cruciferae	Mustard	171
Sison ammi Jac .= Trachyspermum copticum (L.)Lin.	*	Umbelliferae		YA9
Sison amomum L.		Umbelliferae		۳٤٠، ۳۱٤، ۲۲۰
Sisymbrium alliaria Scop.		Cruciferae		9.9
Sisymbrium irio L.	*	Cruciferae	London pride	179
Sisymbrium nasturtium Muhl.		Cruciferae		۳۳۱
Sisymbrium officinale L.	*	Cruciferae	Hedg mustard	97
Sisymbrium officinale Scop.		Cruciferae		777.179
Sisymbrium polyceratium		Cruciferae		777.179
Sisymbrium sophia L .= Descurainia sophia (L.)Sct.	*	Cruciferae		15.
Sisymbrium sp.		Cruciferae	Sisymberium	97
Sium latifolium L.	1	Umbelliferae		דיו. דאו. פידי פידי וויי ויי
Sium nodiflorum L. Sium sisarum L.	<del>  •  </del>	Umbelliferae Umbelliferae	Skirret water	۳۳۱ ۱۸۱، ۱۲، ۳۳۰
Smilax aspera L.	+	Asparaginaceae	parsnip Rough bindweed	
Smilax aspera L.  Smilax glabra Roxb.	1	Asparaginaceae	Rough bindweed	777, 927, 777, 007
Smilax L.	+	Asparaginaceae	Greenbrier	1.7
Smilax sarsaparilla L.	+	Asparaginaceae	OTCOMUNICA	777.1.7
Smyrnium dioscoridis Spreng.	+	Umbelliferae		Y. 9
Smyrnium olusatrum L.	+	Umbelliferae		me1
Smyrnium perfoliatum L.	+	Umbelliferae		751, 017, 137
Smyrnium sp.	<u> </u>	Umbelliferae	Alexanders	TE1.708
omjimum sp.	<u>.                                    </u>		Vicyalidel2	. 177

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Solanum indicum L.= Solanum indicanum L.	•	Solanaceae		YA
Solanum melongena L.	*	Solanaceae	Garden agg plant	7AT . V F
Solanum nigrum L.	•	Solanaceae	Black nightshade	701,011,105
Solanum sodomum L.		Solanaceae		γ.
Solanum tuberosum L.	*	Solanaceae	Potato	ror
Sonchus arvensis L.		Compositae	Field sow thistle	۳۳۱
Sonchus ciliatus L.		Compositae		A£ 10.
Sonchus oleraceus L.	•	Compositae	Common sow thistle	۵۰ عکم، ۱۹۲۱ دات، اتت
Sophora mollis Gr.	*	Papilionaceae	Himalayan laburnum	ff
Sophora sp.		Papilionaceae	Pagoda tree	197
Sorbus aucuparia L. = Sorbus boissieri Sch.	•	Rosaceae		77.
Sorbus boissieri Schn.	*	Rosaceae		77.
Sorbus domestica L.		Rosaceae	Serviceberry; Juneberry	773.47°
Sorbus Pyrus Crantz		Rosaceae		۲۲۰
Sorbus sp.		Rosaceae	Mounthain ash	۲۲۰
Sorbus torminalis (L.) Crantz	**	Rosaceae	Checker-tree mountain ash	<i>7.</i> 77
Sorghum vulgare L.	<b>.</b>	Gramineae	Sorghum; Broom corn	10.12
Sparganium ramosum Huds.		Sparganiaceae		ا ۱۸۱، ۱۹ ا۳، ۱۸۶۳
Spartium junceum L.		Papilionaceae	Weaver's-broom; Spanish broom	.Vo
Spartium spinosum L.		Papilionaceae		1 £ 1
Spermophthora gossypii (Fungi)	**	Metschnikowiaceae		Y £ •
Spinacia oleracea L.		Chenopodiaceae	Spinach; Prickly- seeded spinach	£A
Spiraea filipendula L.		Rosaceae		T £ £
Sqtaria italica Beauv	ļ	Graminae	Millet, foxtail; Italian millet	150
Stachys betonica Benth.	<u> </u>	Labiatae		<i>"٤٧.</i> ٢ <i>"</i> 9
Stachys germanica L.		Labiatae	Mouse-earbetony	757.717.790.171
Stachys hirta L.		Labiatae		171
Stachys lavandulaefolia Vahl.	_	Labiatae	- i	777
Stachys palaestina L.		Labiatae		٣٤٣
Stachys recta L.		Labiatae	_	٠٨١، ٢٤٩
Stachys sp.		Labiatae	Betony-woundwort	140.171
Statice limoniuum L .= Limonium vulgare Miller		Plumboginaceae		۱۹، ۱۱۳، ۸۶۳
Sterculia acuminata Beauv.		Sterculiaceae		1.1
Stipa sp.		Gramineae	Needdlegrass; Feather grass	177
Stratiotes aloides L.		Hydrocharitaceae	Water-soldier	ror . 1 V 1
Streptosolen sp.		Solanaceae		Y. V
Strychnos nux-vomica L.		Loganiaceae	Poison Nut; Semen	171.1.1.25

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			strychnos	
Styrax officinale L.		Styracaceae	Drug snowbell	770,719,779,777,077
Swertia chirata Ham.		Gentianaceae		TE1
Symphytum bulbosum Schimp.		Boraginaceae		TEA IVI
Symphytum officinale L.		Boraginaceae	Common comfrey; Woundwort	177.55
Symphytum petraeum?		Boraginaceae		TEA . TIA . 1 V7
Symphytum sp.		Boraginaceae	Comfrey	TEA . IVI
Syringa sp.		Oleaceae	Lilac	YTY
Syzygium aromaticus (L.) Merr. = Eugenia caryophyllata Thunb = E. aromatica Kuntze. = Caryophyllus aromaticus Linn.		Myrtaceae	Clove tree	YFA
Tagetes erecta L .= Tagetes mayor		Compositae	Aztec marigold	757.7.1
Tamarindus indica L.		Caesalpiniaceae	Tamarind	178,90
Tamarix articulata Vahl.= Tamarix aphylla(L.)Kay.	**	Tamaricaceae		٠ ٣٢٦ ، ٢٠٢ ، ٢٥٧ ، ٤٠
Tamarix gallica L.	*	Tamaricaceae	French tamarsk	777.7.7.6.
Tamarix gallica L. var. mann?		Tamaricaceae		٤٠
Tamarix niloticaa Ehr & Bung.		Tamaricaceae		٤٠
Tamarix orientalis Forsk.		Tamaricaceae		٤٠
Tamarix pentandra Pall.=	•	Tamaricaceae	Five-stamen	7.7
Tamarix ramosissina Led.			tamarisk	
Tamarix sp.		Tamaricaceae	Tamarisk	7.7.2.
Tamarix tetrandra Guebh.	*	Tamaricaceae	Four stamen tamarisk	r. r
Tamus communis L.		Dioscoraceae		707, 707, 777
Tamus dioica	·	Dioscoraceae	Adder's meat	rrr
Tamus sp.		Dioscoraceae	Black bryony	79V.777
Tanacetum annum L.		Compositae		7)
Tanacetum umbeliferum Boiss.		Compositae		A9
Tanacetum vulgare L.		Compositae	Common tansy	. 111
Taraxacum dens-leonis DC.		Compositae		7
Taraxacum officinale Will.		Compositae	Common dandelion	371, 7, 797, 497
Taraxacum vulgare Shramk = Taraxacum vagum V.S.	*	Compositae		۲
Taxus baccata L.	*	Taxaceae	English yew	ror . 199 . 19 . 171 . 100
Tectonia grandis L.		Verbenaceae	Teca	,77
Tectonia sp.		Verbenaceae	Teak	777
Telekia speciosissimum DC .= Buphthalmum speciosissimum L.		Compositae		110
Telephium imperati L.	*	Caryophyllaceae	Tree orpine	17.,70
Terfezia claveriji (Fungi)		·		77.
Terminalia bellerica Roxb.	•	Combretaceae	Myrobalan tree	AY:T9
Terminalia chebula Ret.		Combretaceae	Hebula terminalia	71.71
Terminalia citrina Roxb.		Combretaceae		79

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Terminalia horride Stend.		Combretaceae		79
Teucrium chamaedrys L.		Labiatae	Chamaedoreas germander	7£7.710.771.4XV
Teucrium flavum L.		Labiatae	Cat thyme	757,710
Teucrium marum L.		Labiatae		71 740
Teucrium polium L.		Labiatae		٤٠١، ١٦، ٣٤٣
Teucrium sapinum L.		Labiatae		771
Teucrium scordium L.		Labiatae	Water germander	۳٤٣،٣١٦،٩٨، و التي ٣٤٣
Teucrium sp.		Labiatae	Germander	Y+£
Thalictrum aquilegifolium L.		Ranunculaceae	Columbne meadow rue	17
Thalictrum flavum L.		Ranunculaceae	Yellow meadow rue	۳۵۳،۳۲۰
Thalictrum minus L.		Ranunculaceae		ror
Thapsia garganica L.		Umbelliferae		700,171,150,9Y
Thea sinensis L.		Theaceae	Common tea; chinese tea	11
Thelygonum cynocrambe L.		Thelygonaceae		rov
Thlaspi bursa-pastoris L.		Cruciferae		rrr
Thlaspi campestre L.		Cruciferae		۱۳۱،۱۰۲
Thrincia tuberosa DC.		Compositae		rrr
Thus oxycantha = Crataegus laevigata (Poiret) De Candolle=Crataegus oxycantha L.		Rosaceae	Hawthorn, English hawthorn, haw, May flower, whitethorn, quickthorn	YVI
Thuya articulata Vahl.		Cupressaceae	Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	179
Thuya orientalis L.		Cupressaceae		717
Thymbra spicata Stric. & Hort.	*	Labiatae	Spiked thymbra	rrv
Thymelaea hirsuta Endl.		Thymeliaceae		YYY
Thymelaea mezereum Scop.		Thymeliaceae		TYO
Thymelaea tartonraira Endl.		Thymeliaceae		7.1
Thymus barrelieri Spreng.		Labiatae		r12,779
Thymus calamintha Scop.		Labiatae		۹۲۲، ۱۲، ۱۳، ۲۳۸
Thymus capitatus L.		Labiatac		٤١٦، ٢٦٤
Thymus capitatus Lk. & Hoffm.		Labiatae		99.11.
Thymus glaber Mill.		Labiatae		۲۸۱، ۱۹۲، ۱۳۹
Thymus graveolens Bieb.		Labiatae		rra
Thymus kotchyanus Boiss.		Labiatae		197
Thymus nepeta Sm.		Labiatae		۳۱٤،۲۲۹
Thymus nummularius Benth.		Labiatae		141
Thymus serpyllum Frie.		Labiatae	Mother-of- thyme	147
Thymus serpyllum L.		Labiatae	Serpolet; Wild Thyme	791.110
Thymus sibthorpii Benth.		Labiatae		rra
Thymus vulgaris L.		Labiatae	Common thyme	rr9.197.11.
Tilia rubra De. & T.		Tiliaceae		177

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Tilia silvestris Desf.	•	Tiliaceae	Little-leaf-linden	177
Tilia sp.		Tiliaceae	Lindelofia	,77
Tithymalus cotinifolius Haw .= Euphorbia cotinifolia L.		Euphorbiaceae	Red spurge	145
Tordilium officinale L.		Umbelliferae		۲۲۱، ۱۲۲، ۱۲۲
Torilis leptophylla Reichb.		Umbelliferae		19
Trachyspermum copticum Link. = Trachyspermum ammi (L.) Sprague		Umbelliferae		7/19
Tragium columnae Spreng.		Umbelliferae		70.,719,7.1
Tragopogon orientalis L.		Compositae		۲ ۱۳، ۲۳۳
Tragopogon pratensis L.		Compositae	Meadow salsify	101, 157
Tragopogon sp.		Compositae	Salsify; Goastsbeard	77.4
Tragopogon villosum L.		Compositae		777
Trapa natans L.		Trapaceae	Water chestnut	111
Tribulus terrestris L.		Zygophyllaceae	Puncture rine	TEA . T19 . 11A
Trichera arvensis Schrad. = Knautia arvensis (L.) Coulter = Scabiosa arvensis L.		Dipsacaceae	Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	171
Trichhodesma indicum DC.		Boraginaceae		771
Trichhodesma molle DC.		Boraginaceae		771
Trichhodesma zeylanicum R.Br.		Boraginaceae		77.4
Trichilia emetica Wahl.		Meliaceae		107.11.11.1
Trifolium alexandrinum L.		Papilionaceae		. 777 . 107
Trifolium arvense L.		Papilionaceae	Rabbit-foot clover; Hare's-foot	٥٢٢، ٨٤٣
Trifolium fragiferum L.		Papilionaceae	Strawberry clover	r1
Trifolium italicum Boiss.		Papilionaceae		rr1
Trifolium melilotus-indica L.		Papilionaceae		791
Trifolium officinalis Willd.		Papilionaceae		rr9
Trifolium pratense L.		Papilionaceae	Red clover	107
Trifolium sipyleum		Papilionaceae		rrq
Trifolium sp.		Papilionaceae	Clover	711.7.5
Trigonella coerulea Ser.		Papilionaceae	Blue-white trigonella	דאן , דאר
Trigonella corniculata L.		Papilionaceae		10.
Trigonella elatior Sybth.		Papilionaceae		7.47
Trigonella foenum-graecum L.		Papilionaceae	Fenugreek trigonella; Fenugreek	rrairi
Trigonella graeca Boiss.		Papilionaceae		rr9
Trigonella grandiflora Bunge.		Papilionaceae		171:09
Trigonella hamosa L.		Papilionaceae		177.177.79
Trigonella laciniata L.		Papilionaceae		10.
Trigonella sp.		Papilionaceae	Trigonella	171

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Tripteris vaillantii L.		Papilionaceae		rya
Triticum dicoccum Schr.		Graminae	Emmer; Dinkel wheat	דוץ. דוץ
Triticum monococcum L.		Graminae	Einkorn; One- grained wheat	#Y4. Y17. Y1#. Y1#
Triticum ovatum L.		Graminae		157
Triticum repens L.		Graminae		11
Triticum romanum L.		Gramineae		rr9.1r9
Triticum spelta L.		Graminae	Splet	775.175179.
Triticum vulgare Vill.		Graminae	Wheat	, , , ,
Triticum zea Host.	1	Graminae		775
Trodylium ackakul		Umbelliferae		. 144
Tropaelum majus L.		Tropaeolaceae	Tropae	770
Tuber album Sow .(Fungi)				77. 2777
Tuber brumale Vittad. (Fungi)				rri
Tuber cibarium (Fungi)				۱۳۲،۲۵۸
Tuber magnatum (Fungi)				77.
Tuber melanosporum Vitt. (Fungi)			Perigord truffle	٨٥٢، ٢٢
Tuber michell (Fungi)				777.77
Tulipa gesneriana L.		Liliaceae		170
Tussilago farfara L.	*	Compositae	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۲، ۱۱۱، ۱۷۲، ۱۳۶
Tussilago vulgaris L.		Compositae		٣٤٤
Typha angustata $L$ . = Typha australis Sch.&Th.	*	Typhaceae	Narrow-leaved cattail	٣٤٤
Typha latifolia L.	*	Typhaceae	Common cattail	۲۶۶ ۲۱۳ تا ۲۰۶
Ulmus campestris L.	•	Ulmaceae	English elm	331, 171, 177
Ulmus effusa Sibth.		Ulmaceae	Spreading	110.155
Ulmus glabra L.	•	Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	1.47
Ulmus minor Mill.		Ulmaceae		rar
Ulmus montana With.		Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	110.115
Ulmus sp.		Ulmaceae		110 (155
Ulva lactuca (Green algae)			Common sea lettue; green laver	ror
Uncaria gambier Ungula caballina		Rubiaceae	Bengal gambir plant	rr.
—	+-	Compositae Liliaceae	Shore sea onion	
Urginea maritima Bak.		Urticaceae		£1
Urtica dioica L.			Big-sting nettle; Sting nettle	70
Urtica pilulifera L.	•	Urticaceae	Roman nettle	707,717,70
Urtica sp.		Urticaceae	Nettle family	۲۳٤، ۲۳۶
Urtica urens L.	•	Urticaceae	Dog nettle	707,700,70
Usenea articulata (L.) Hoffm. (Lichen)				or
Usenea barbata Ach .(Lichen)			Bearded bell flower	772.197.117.07
Usenea barbata var. florida (Lichen)				ro.

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Usenea sp. (Lichen)			Usenea	778,07
Uvularia amplexifolia L.		Uvulariaceae		70.178
Valeriana celtica L.		Valerianaceae		TYE: YAA: 17A: 17Y
Valeriana dioscorides Sibth.		Valerianaceae		TTE: TAA: TT9: 17A
Valeriana hardwickii Wal.		Valerianaceae		<i>£</i> 7
Valeriana jatamansi DC.		Valerianaceae		711
Valeriana jatamansi Jone.	<del>                                     </del>	Valerianaceae	Nard	IVV
Valeriana montana L.		Valerianaceae	Mountain valerian	TAA
Valeriana officinalis L.	<u> </u>	Valerianaceae	Common valerian	711. 141. 141. 147
Valeriana phu L.		Valerianaceae		977, 117
Valeriana sp.		Valerianaceae	Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	TAA 4779 417V
Valeriana spica Vahl.		Valerianaceae		TAA
Valeriana tubereuse Sprun.		Valerianaceae		TTE . I YY
Valeriana wallichii DC.		Valerianaceae	Indian Valerian	TAA
Veratrum album L.		Liliaceae	White Hellebore	۲٥٥،۲٦٣،١٣٠
Veratrum nigrum L.		Liliaceae	Black false hellebore	15.
Verbascum nigrum L.		Scrophulariaceae	Black mullein	9.,02
Verbascum plicatum Sibth.		Scrophulariaceae		ros
Verbascum sinuatum Desc.	•	Scrophulariaceae	Mediterranean hrb elder; Danewort	708
Verbascum sp.		Scrophulariaceae	Mullein	ro£ . 9 .
Verbascum thapsus L.	*	Scrophulariaceae	Flannet mullen; Great mullein	70£.770.977
Verbena officinalis L.		Verbenaceae	Eurpean verbena	٣٥١، ١٥٦، ٧٣
Verbena sapina L.		Verbenaceae		ro1:19
Verbena sp.		Verbenaceae	Vervain	701,107
Veronica officinalis L.	*	Scrophulariaceae	Drug speedwell	YIY
Veronica teucrium L.		Scrophulariaceae		rer
Vesicaria gnaphaloides Boiss.  = Veronica viscose Boiss.	*	Scrophulariaceae		12.
Vicia cracca L.	*	Papilionaceae	Brid vetch; Cow vetch	rr, qr
Vicia ervillia Willd.	*	Papilionaceae	Bitter vetch	۳۳۰،۲۷۶،۲۵٤،۲۵۳
Vicia faba L.	*	Papilionaceae	Broad bean	۳۳۰،۷۳
Vicia onobrachioides L.		Papilionaceae		rev
Vicia sativa L.	*	Papilionaceae	Common vetch	777.97.97
Vigna catjang Walp		Papilionaceae	Catjang cowpea	YYI
Vigna sinensis Endl.		Papilionaceae	Common cowpea	777
Vinca minor L.	**	Apocynaceae	Periwinkle	TEA . YE1
Vincetoxicum officinale Monch.		Asclepiadaceae	White swallowwort	777
Viola cinerea Boiss = Viola	*	Violaceae		19
behboudiana Rech.F.&Esfa  Viola odorata L.	1.	Violaceae	Violet / court	
v ioia odorata L.		· IOIUCCAC	Violet; sweet	708,19

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Violet	
Viola serpens Wa.		Violaceae		A9
Viola sp.		Violaceae	Violet	19
Viola tricolor L.	• •.	Violaceae	Wild pansy	19
Virgilia sp.		Papilionaceae	Ax plant	177
Viscum album L.	*	Loranthaceae	European mistletoe	727 c 7 1 7 c 1 2 7
Vitex agnus-castus L .= Vitex Pseudo-negundo (Haus.)Hand-Mzt.	•	Verbenaceae	Lilac chaste; Agnus castus	1797, 179, 170, 170, 1707, 1871.
Vitis repanda Wight		Vitaceae		172
Vitis vinifera L.	*	Vitaceae	Eropean grape; Vine grape	700,715
Withania coagulans Dunal	*	Solanaceae	Cheese-maker; Puneer cardaoms	759
Withania somnifera Dunal.	*	Solanaceae	Clustered winter cherry	A9
Xanthium strumarium L.	*	Compositae	Lesser burdock	
Xanthoxylon avicenne DC.= Zanthoxylum piperitum DC.		Rutaceae	Aniseseed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	YYP
Zea mays L.	*	Gramineae	Maize; Indian corn	10.,1
Zelkova crenata Spac.= Zelkova carpinifolia	*	Ulmaceae	Zelkova elm of Siberia	ro
Zingiber officinale Rosc.		Zingiberaceae	Common ginger	777.17 <i>8</i>
Zingiber sp.		Zingiberaceae	Ginger	172
Zingiber zerumbet Rosc.		Zingiberaceae		171
Zizyphora capitata L.	**	Labiatae		rer
Zizyphus jujuba Lam.		Rhamnaceae		Y1 £
Zizyphus lotus Lam.	*	Rhamnaceae	African lotus	17.4
Zizyphus sativa G.		Rhamnaceae		Y1£
Zizyphus spina-christi Willd	•	Rhamnaceae	Christ's thorn; Nubk tree	174
Zizyphus vulgaris L.		Rhamnaceae		777.715

## ۲ - جدول نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Ulva lactuca (Green algae)		Common sea lettue; green laver	ro
	Corallium rubraum L .(Red Coral)		Potato bean	Y
Lycoperdaceae	Bovista plumbea Pers. = Lycoperdon plumbeum (Macrofungi)		Lead-grey Bovist.	**
	Ashbia gossypii = Eremothecium gossypii (Fungi)		Strain Number	75.
	Eramothecium ashybi (Fungi)		Routien	72.
	Fungi sp.			TOY . TY
	Lycoperdon sp .(Fungi)		Puffbal	771
Morchellaceae	Morchella esculenta Pers. (Mushrooms)		Pancita, morilla, mazorquita, elotito, mazorca, elote, huecasy colmena.	771
	(Mushroom)			777
	Nemastopora corylii (Fungi)			78.
Marshall	Polyporus officinalis Fr .(Fungi)		Purging agaric	۲۲۰، ۲۲۰، ۲۲۰
Metschnikowiaceae	Spermophthora gossypii (Fungi)			75.
	Terfezia claveriji (Fungi)			
	Tuber album Sow .(Fungi)			77. 4777
	Tuber brumale Vittad .(Fungi)			777
	Tuber cibarium (Fungi)			۸۵۲، ۳۳۲
	Tuber magnatum (Fungi)			71.
	Tuber melanosporum Vitt. (Fungi)		Perigord truffle	77 701
	Tuber michell (Fungi)			rr, 11.
-	Evernia prunastri (L.) Ach. (Lichen)		Staghorn	or
Lecanoraceae	Lecanara circummunita Nyl. (Lichen)			111
Lecanoraceae	Lecanora affini Ev .(Lichen)			1.7
Lecanoraceae	Lecanora esculenta Ev .(Lichen)			1.7
Roccellaceae	Roccella tinctoria DC .(Lichen)	$\neg \uparrow$	Litmus roccella	111
	Usenea articulata (L.) Hoffm. (Lichen)			or
	Usenea barbata Ach .(Lichen)		Bearded bell flower	TYE . 197 . 11V . 07
	Usenea barbata var. florida (Lichen)			ro.
	Usenea sp. (Lichen)		Usenea	TY
Agaricaceae	Agaricus sp .(Mushroom)		Fool's-parsley agric	Y19
Andrei	(Moss)			Y
Aspleniaceae	Cetraria islandica (L.) Ach. (moss)			117

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Muscus arboreus (Moss)	1		0
	Muscus sp. (Moss)			0
Acantaceae	Blepharis persica	1.		
Acanthaceae	Acanthus mollis L.	**	Bear's breach soft	
Acoraceae	Acorus calamus L.	*	Drug sweet flag; Calamus	٥١، ١٥، ١٥٠، ١٤٠، ١٩٣، ٩٠٣،
Adiantaceae	Acrostichum dichototum Forsk.	1	Maidenhair fern	
Adiantaceae	Adiantum capillus-veneris L.	•	South maidenhair; Venus's-hair	700 ,1AV ,V
Aesalpinaceae	Parkinsonia aculeata L.	•	venus s-nair	
Aesalpinaceae		$\vdash$		V
Agavaceae	Parkinsonia sp.	<b> </b>		
Alangiaceae	Dracaena cinnabari Balf.			158.7
Alangiaceae	Alangium lamrckii Th.		Ankola (Sanskrit)	77
	Alangium salviifolium (L.F.) Wan.		Sage Leaves	71
Alismataceae	Alisma plantaga L.		American water plantain	TEV . TIA . YA 1
Alismataceae	Alisma sp.		Water plantain	741
Amarantaceae	Celosia argentea L.	**	Feather cockscomb	
Amarantaceae	Crinum sp.		Crinum	
Amaranthaceae	Albersia blitum Kunth .= Amaranthus blitum subsp. Blitum		Cimun	1 21
Amaranthaceae	Amaranthus blitum L .= Amaranthus graecizans L. Var. sylvestris (Vil.)Asch.		Prostrate amaranth	٤٨، ١١٦، ٢٣٠
Amaranthaceae	Amaranthus cruentus L.	•	Grain Amaranth	
Amaranthaceae	Amaranthus gangeticus L.		Tumbelweed amaranth	157
Amaranthaceae	Amaranthus graecizas L. var. sylvestris (Vil.) Asch.	•	anaanii	Λέ
Amaranthaceae				
Amaranthaceae	Amaranthus paniculatus L.		Scarlet amaranth	127
Amarillidaceae	Amaranthus tricolor L.		Love-lies-bleeding	157, 79, 77
Amarillidaceae	Narcissus jonquilla L.		Jonquil	71.
	Narcissus poeticus L.			۲۰۱، ۲۹۰، ۲۰۳
Amarillidaceae	Narcissus sp.		Poet's narcissus	Y4.
Amarillidaceae	Narcissus tazzetta L.	•		79.7.7
Amaryllidaceae	Leucojum sp.	•	Snowflake	
Amaryllidaceae	Pancratium maritimum L.		sea daffodil	7.7
Amaryllidaceae			See dallouli	121 2111
Anacardiaceae	Pannkratium maritimum L.  Mangifera indica L.		Common	۳۳٤،۳۱۲ 712:317
Anacardiaceae	Piotogia akia DC	1	marchantia	
Anacardiaceae	Pistacia chia DC.			rar
nacardiaceae	Pistacia khinjuk Stoc.	*		111:41
Anacardiaceae	Pistacia lentiscus L.	1	Lentisk pistache; Mastic tree	NP11 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1
	Pistacia terebinthus L.	[7	Terebinth pistache	١٨، ١١١، ١٩١، ١٩٥

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Anacardiaceae	Pistacia vera L.	*	Common pistache	774,111,177
Anacardiaceae	Pistia stratiotes L.	<b>-</b>		. ۱۷۱، ۲۰۳، ۲۰۳
Anacardiaceae	Rhus coriaria L.	1.	Sicilian sumac	TTV. T1 1 V
Anacardiaceae	Rhus cotinus L.	*	Common smok tree; Aaron's	170
Anacardiaceae	Rhus glabra L.		Smooth sumac	114
Anacardiaceae	Rhus sp.		Sumae	174
Anacardiaceae	Rhus vermicifera DC.		Japanese lacquer tree	11/
Anacardiaceae	Semecarpus anacardium L.		Marking Nut	17.11
Apocynaceae	Apocynum erectum Vell.			۲۵۲،۳۲۰،۲۳۲، ٤١
Apocynaceae	Apocynum sp.		Dogbane	17/
Apocynaceae	Nerium oleander L.	+		۳۵۲،۳۲۰،۲۹٤،۱٤٥
Apocynaceae	Nerium sp.		Common oleander	154
Apocynaceae	Vinca minor L.	**	Periwinkle	TEA .YE
Aquifoliaceae	Ilex aquifolium L.	++	English holly	7:7:12
Araceae	Acorus aromaticus Gilib.	+-	Zinginon nony	797.75
Araceae	Areca catechu L.		Betel-nut palm; betel palm	Yr. 102
Araceae	Areca catechu Willd.	1	Areca Nut	77.
Araceae	Areca faufel Gaertn.	<del>                                     </del>		77.
Araceae	Arum arisarum L.	<del>  </del>		۲۳٤، ۲۱۲، ۲۷۱
Araceae	Arum colocasia L.	+-+		7 5 5 7 7 1 7 7
Araceae	Arum dioscoridis L.	+-+		722111717
Araceae	Arum dracunculus L.	-	Common stink dragon	772
Araceae	Arum esculenta L.		uragon	755
Araceae	Arum italicum L.	$\dagger$	Italian arum	TYT:10::151
Araceae	Arum maculatum		Lords-and-lodies; Cuckoopint	TTE .YVI
Araceae	Arum sp.		Arum	77")
Araceae	Arum vulgare L.	1 1		۳۳٤ ، ۳۱ ۲، ۲۷۲
Araceae	Calamus aromaticus = Acorus aromaticus Lam.		Sweet flag	Y97°. Y£.
Araceae	Calamus asiaticus	1		rar
Araceae	Calamus draco Willd . = Daemonoropos draco BLUME			124
Araceae	Colacasia antiquorum Sch.	1 1		755
Araceae	Colacasia esculenta L .= Colocasia antiquorum var esculenta		papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	766
Araceae	Colocasia antiquorum Shott .= Arum esculentum L., Caladium esculentum (L.) Vent.,		taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	ויוז
Araceae	Dracontium sp.			147
Araceae	Dracunculus vulgaris Schot .= Arum Dracunculus			rvrijer
Araliaceae	Hedera helix L.	•	English ivy	rro , r 7 v , r £ .

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Araliaceae	Hedera sp.		Ivy	۲۱۰،۱۱۳
Arecaceae	Daemonorops draco Blume = Calamus draco Willd.		dragon's blood	157
Arecaceae	Hyphaene thebaica (L.) Mart.  = Corypha thebaica L. = Hyphaene guineense		Egyptian doum palm	۲۲۵ ، ۲۸٤
Arecaceae	Lodoicea sechellarum Lab.		Coco maledivicus ; Nux media	TAV
Aristolchiaceae	Asarum europaeum L.		European wild ginger	73. 97. 9 . 77
Aristolochiaceae	Aristolochia boetica	1	<u> </u>	777
Aristolochiaceae	Aristolochia longa L.		Long-rooted Birthwort	. , , , , , , , , , , , , , , , , , , ,
Aristolochiaceae	Aristolochia pallids Round = Aristolochia pallida Willd.		Wild Ginger	770
Aristolochiaceae	Aristolochia rotunda L.		Snakeroot	171
Aristolochiaceae	Aristolochia sempervirens L.		Birthwort	rri
Aristolochiaceae	Aristolochia sp.		Dutchman's-pipe- birthwort	۱۲۱، ۱۳، ۳۳۰، ۳۳۰
Ascleopiadaceae	Pergularia tomentosa L.	*		771
Asclepiadaceae	Barjonia racemosa Decne.			EY
Asclepiadaceae	Calotropis procera R.B.	•	French cotton	Y • 9
Asclepiadaceae	Calotropis sp.	<b>†</b>	Calotrope	Y • 9
Asclepiadaceae	Cynanchum erectum L.	<del> </del>	•	ror . £ r
Asclepiadaceae	Cynanchum nigrum Pers.	<del></del>		722
Asclepiadaceae	Cynanchum pyrotechnicum L.	<del> </del>		rya
Asclepiadaceae	Cynanchum vincetoxicum Pers.	1	White swallowwort	rer
Asclepiadaceae	Daemia cordata R.Br.	+		rri
Asclepiadaceae	Marsednia erecta L.	<del>  • •</del>	Marsdenia	εΥ
Asclepiadaceae	Sarcostemma viminale R.Br .= Euphorbia viminale		Rapunzel Plant, Somabutta	IIV
Asclepiadaceae	Vincetoxicum officinale  Monch.		White swallowwort	777
Aslepiadiaceae	<del>                                     </del>	<del> </del>		Y.9
Aslepiadiaceae	Asclepias cynanchoides Humb.  Asclepias gigantea R.Br.	-		7.4
Aslepiadiaceae	Asclepias gigantea R.Br.  Asclepias vincetoxicum L.	+		757, T10, T50
Asparaginaceae	Asparagus acutifolius L.		Sharp-leaved	FT1 . TA9
Asparaginaceae	Asparagus adscendens Roub.	+	asparagus	rgv
Asparaginaceae	Asparagus officinalis L.	+	Common asparagus	<u> </u>
Asparaginaceae	Asparagus officinaris L.  Asparagus sp.	+	Asparagus	Y9V
Asparaginaceae	Polygonatum officinale L.	+	Drug solomon's-	#EA :#11 A 111
Asparaginaceae	Smilax aspera L.	•	Rough bindweed	777, 977, 777, 007
Asparaginaceae	Smilax glabra Roxb.	1-		1.7
Asparaginaceae	Smilax L.	<b>†</b>	Greenbrier	777.1.7
Asparaginaceae	Smilax sarsaparilla L.	1		- Y.1
Aspidiaceae	Dryopteris aculeata (L.) Kuntze	+		171

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Aspidiaceae	Dryopteris filix max L.	*	Male fern	rov.179
Aspidiaceae	Dryopteris robertiana (Hof.) C.Chr		·	179
Aspleniaceae	Asplenium adianthum-nigrum L.		Black spleenwort	179 itt rov
Aspleniaceae	Asplenium ruta muraria L.		Wall rue	171
Aspleniaceae	Asplenium trichomanes L.		Maidenhair spleenwort	700 . IAY . 179
Aspleniaceae	Phyllitis scolopendrium L.	•	Hart's-tongue;	۹۲۱، ۲۱۳، ۳۶۳
Avicenniaceae	Avicennia officinalis L.	•		777
Balanitaceae	Balanites aegyptiaca L.		Higleeg	175
Balsaminaceae	Balsamina hortensis L.			711
Balsaminaceae	Impatiens balsamina L.	•		711
Berberidaceae	Berberis asiatia Roxb.	1 •	Asiatic barberry	7.1
Berberidaceae	Berberis lycium Roy.	**		17.
Berberidaceae	Berberis vulgaris L.	1.	European barberry	71
Bombacaceae	Adonsonia sp.	<del> </del>		170
Boraginaceae	Achium diffusam L.			TEA
Boraginaceae	Alkanna orientalis (L.)Boiss.	†•	Yellow bugloss	775
Boraginaceae	Alkanna sp.	1	Alkanet	175
Boraginaceae	Alkanna tinctoria Tausch.	+ +	Dyer's alkanet	٣٤٨ ، ٣٩ ، ٨٤٣
Boraginaceae	Anchusa hybrida Ten.	1 1	Carly bugloss	774
Boraginaceae	Anchusa italica Retz.	┼	Italian bugloss	\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\\
Boraginaceae	Anchusa officinalis L.		Common buckwheat	717.13
Boraginaceae	Anchusa paniculata Ait.		Duckwiicat	<b>70</b> £
Boraginaceae	Anchusa tinctoria L.	$\vdash$		178,79
Boraginaceae	Andropogon jawarancusa Jo.	T		59"
Boraginaceae	Asperugo procumbens L.	•	Grman madwort ;	V) 175
Boraginaceae	Borago officinalis L.	**	Common borrago	774
Boraginaceae	Caccinia glauca Savi .= Cacalia macranthera Var. crassifolia (Vent.)Brand	•		77.4
Boraginaceae	Cerinthe minor L.		Lesser honeywort	rro
Boraginaceae	Ceterach officinarum L.		Miltwaste	111, 29
Boraginaceae	Ceterach sp.			rov
Boraginaceae	Cordia myxa L.	•		177.15
Boraginaceae	Cordia sebestena L.			177
Boraginaceae	Cynoglossum officinale L.		Common hound's-tongue	ro£. rv.
Boraginaceae	Cynoglossum sp.		Hound's-tongue	77.
Boraginaceae	Echium amoenum Fisch.& Mey.	•		777
Boraginaceae	Echium creticum L.			TEA
Boraginaceae	Echium diffusam L.			<i>FA</i>
Boraginaceae	Echium italicum L.	1 • -		re9 .ra

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Boraginaceae	Echium rubrum L.	*		759,719,837
Boraginaceae	Echium sericeum Vahl.			771
Boraginaceae	Echium sp.		Viper's bugloss	EY
Boraginaceae	Echium vulgare L.		Common viper's bugloss	r*£9
Boraginaceae	Heliothrips haemorrhoidalis Bouc.			107
Boraginaceae	Heliotropium europaeum L.		Common helitrope	٥٣، ١٥١، ١٩٤، ١٦٣، ٣٥٧
Boraginaceae	Heliotropium villosum Pers.	**		rov
Boraginaceae	Lithospermum purpurea- coeruleum Defs. & DC.	*	Creeping gromwell	770
Boraginaceae	Lithospermum fruticosum L.	1		<i>17.</i> 1
Boraginaceae	Lithospermum officinale L.		Common gromweel	13, 737, POY, TPY, VIT, T3T, 13T
Boraginaceae	Lithospermum tinctorium L.			19.
Boraginaceae	Myosotis alpestris Schm.		Alpine forget-me- not	rs
Boraginaceae	Myosotis arvensis L.		Field forget-me-not	T E
Boraginaceae	Myosotis palustris Lam.	•	True forget-me-not	٤٣٠ ١٨ ٢٠ ٣١٣ ، ٣٣٥
Boraginaceae	Myosotis sp.	<del> </del>	Forget-me-not	٣٤
Boraginaceae	Myosotis stricta Roem & Schut.	•		T E
Boraginaceae	Onosma echinoides L.	**		750 . TIV . 7A . ET
Boraginaceae	Onosma sp.		Old- field toadflax	۲٤٥، ١٩٠، ١٢٥، ٣٨
Boraginaceae	Onosma tinctoria Bieb.			ror
Boraginaceae	Pulmonaria officinalis L.		Common lungwort	777
Boraginaceae	Symphytum bulbosum Schimp.			TEA . I VI
Boraginaceae	Symphytum officinale L.		Common comfrey; Woundwort	177.58
Boraginaceae	Symphytum petraeum?			۲۷۱، ۱۷۱۸ ۱۷۲۸
Boraginaceae	Symphytum sp.		Comfrey	TEA.IVI
Boraginaceae	Trichhodesma indicum DC.			77.7
Boraginaceae	Trichhodesma molle DC.			777
Boraginaceae	Trichhodesma zeylanicum R.Br.			774
Burseraceae	Baswellia Roxb.			TT0 . TV £
Burseraceae	Bdellium Engl.		aromatic gum resin obtained from trees of the genus Commiphora	YAE
Burseraceae	Bdellium indicum		- Vinnipiloto	YAE
Burseraceae	Boswellia carterii Bird	1	Bible frankincense	777770 .
Burseraceae	Boswellia serrata Roxb.		Indian frankincense; Salai tree	777
Burseraceae	Boswellia sp.		Frankincense ; Incense tree	rti
Burseraceae	Commiphora abyssinica Engl.		Abyssinian myrrh tree	YYA
Burseraceae	Commiphora africanum Engl.	1		YAE

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Burseraceae	Commiphora kataf Engl.	1		75
Burseraceae	Commiphora mukul Engl .=  Balsamodendrum mukul Hook			770 .77
Burseraceae	Commiphora mulomol Engel.	<b>†</b>		<u> </u>
Burseraceae	Commiphora myrrha Engl.	+	Common myrrh tree	770,779,77
Burseraceae	Commiphora opobalsamum		Mecca myrrh tree	, , , , , , , , , , , , , , , , , , ,
Burseraceaea	Engl.			
	Balsamodendron africanum Ar.		African Bdellium	YA.
Burseraceaea	Balsamodendron DC.			٨
Burseraceaea	Balsamodendron kataf = Commiphora kataf			78
Burseraceaea	Balsamodendron mukul Hook.		Bdellium Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	YA E 4 Y T.
Burseraceaea	Balsamodendron myrrha Nees.		Gum myrrh tree	YYA (A
Buxaceae	Buxus dioica For.			· Yo
Buxaceae	Buxus sempervirens L.	† – †	Common box	Y. Y. A
Cactaceae	Opuntia hircina?	t - t		1.
Cactaceae	Opuntia sp.		Prickly pear	194
Caesalpinaceae	Caesalpinia bonducella Fl.= Caesalpinia bonduc Roxb.	*	Nicker-nut caesalpina	100,44,001
Caesalpinaceae	Caesalpinia echinata L.	<del>                                     </del>	Prickly brazilwood	<b>*</b> * * * * * * * * * * * * * * * * * *
Caesalpinaceae	Caesalpinia sappan L.		Sappan caesalpinia	
Caesalpinaceae	Caesalpinia sp.		Brasiletto	710
Caesalpinaceae	Cassia absus L.			12
Caesalpinaceae	Cassia acutifolia Deli.	$\vdash$	Alexandria senna	17
Caesalpinaceae	Cassia angustifolia Vahl.		Congo senna	1 / /
Caesalpinaceae	Cassia fistula L.		Golden-shower senna; purging cassia	15.
Caesalpinaceae	Cassia lanceolata Forsk.		<u> </u>	177
Caesalpinaceae	Cassia obeovata Coll.			71.
Caesalpinaceae	Cassia sophera L.			71.
Caesalpinaceae	Cassia tora L.			755.71.100
Caesalpinaceae	Ceratonia siliqua L.	•	Carob	771.1.171
Caesalpinaceae	Cercis siliquastrum L.	*	Judas tree	1 2 1 4 2 2
Caesalpinaceae	Cercis sp.	*	Cercis; Redbud	££
Caesalpiniaceae	Tamarindus indica L.		Tamarind	175,90
Campanulacae	Campanula lacinata L.			TEA
Campanulacae	Campanula ramosissima Sibth.			EY
Cannabaceae	Cannabis indica L.			117
Cannabaceae	Cannabis sativa L.	-+	Hemp	757,750,117,90
Cannabaceae	Cannabis sativa L. var. indica	$\dashv$	· ·	7212122777278 727.77V2177
annabaceae	Cannabis sylvestris			72121172117
annaceae	Canna sp.		Canna	750
apparidaceae	Cadaba farinosa Forsk.			179.77

	IRAN	·	PAGE NUMBER
Cadaba sp.			.179
<del> </del>	<del> </del>	Caper-caperbush	ro.
† <del></del>	*	Common capers	TTE .T17 . 70.
<del></del>	<del>                                     </del>		
<del> </del>	**		TTE :190 :VO
			٥٨١، ١٤٤، ١٨٥، ١٤٤
Lonicera sp.		Honeysucle	190
Sambucus ebulus	•	Mediterranean herb elder; danwort	roi
Sambucus nigra L.	•	European elder	TOV.17A
Gypsophila sp.		Gypsophila; chalk plant	דזד
Gypsophila struthium L.			777.171
Holosteum sp.		Mouse-ear	rea
Holosteum umbellatum L.	•	Jagged chickweed	TEA . TIA . 1 . 1
Agrostemma githago L.		Common corn	727.771.197.119 .YV
Agrostemma sp.		corn cockle	171.15
Cerastium aquaticum L.=	•		r : 1
		Pink-carnation	٢٣٨
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·			rra
Paronichia sp.		Nailwort; Whitlwort	114
Paronychia serpyllifolia DC.			۱۳۱، ۱۹، ۲۳۱
Saponaria officinalis L.	*	- I	rrraivi
Silene cucubalus Will.		Bladder silene	1
Silene gallica L.	$\lfloor .                  $	French silene	721
Silene infelata Sm.			۰۰ ( ۱۳۲ د ۱۳۵ د ۲۰۰
Silene sp.		Catchfly; Campion	700
Telephium imperati L.	*	Tree orpine	1440
Caryophyllus aromaticus L.		······································	rra
Herniaria tourneforti			77"
Lychnis chalcedonica L.		Maltese cross campion	77.7
Lychnis coronaria Desf.		Rose campion	757° 112° 131
Lychnis githago L.			179
Lychnis sp.			771
Pinites stroboides (Conw.) Sch.			YTE
Pinites succinifer Goppert & Bernedt		Amber	YTE
Evonymus europeus L.	**	Prickwood	AY
Evonymus latifolia L.	•	Broad-leowed evonymus	AY
	•	Prickwood	
	•		AY
Chamaeleo chamaeleon		European or	€V
	Sambucus nigra L.  Gypsophila sp.  Gypsophila struthium L.  Holosteum sp.  Holosteum umbellatum L.  Agrostemma githago L.  Agrostemma sp.  Cerastium aquaticum L.=  Myosoton aquaticum (L.)Monch.  Dianthus caryophillus L.  Dianthus sp.  Paronichia sp.  Paronychia serpyllifolia DC.  Saponaria officinalis L.  Silene cucubalus Will.  Silene gallica L.  Silene infelata Sm.  Silene sp.  Telephium imperati L.  Caryophyllus aromaticus L.  Herniaria tourneforti  Lychnis chalcedonica L.  Lychnis coronaria Desf.  Lychnis githago L.  Lychnis sp.  Pinites stroboides (Conw.) Sch.  Pinites succinifer Goppert & Bernedt  Evonymus latifolia L.  Evonymus verrucosa L.  Chamaeleo vulgaris =	Capparis spinosa L.  Maerua crassifolia Forsk.  Lonicera caprifolium L.  Lonicera periclymenon L.  Lonicera sp.  Sambucus ebulus  Sambucus nigra L.  Gypsophila struthium L.  Holosteum sp.  Holosteum umbellatum L.  Agrostemma githago L.  Agrostemma sp.  Cerastium aquaticum L.=  Myosoton aquaticum (L.)Monch.  Dianthus caryophillus L.  Dianthus sp.  Paronichia sp.  Paronychia serpyllifolia DC.  Saponaria officinalis L.  Silene cucubalus Will.  Silene gallica L.  Silene sp.  Telephium imperati L.  Caryophyllus aromaticus L.  Herniaria tourneforti  Lychnis chalcedonica L.  Lychnis coronaria Desf.  Lychnis githago L.  Lychnis sp.  Pinites stroboides (Conw.) Sch.  Pinites succinifer Goppert & Bernedt  Evonymus europeus L.  Evonymus verrucosa L.  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo chamaeleon	Capparis spinosa L.  Maerua crassifolia Forsk.  Lonicera caprifolium L.  Lonicera periclymenon L.  Lonicera sp.  Sambucus ebulus  Sambucus nigra L.  Gypsophila sp.  Gypsophila struthium L.  Holosteum umbellatum L.  Agrostemma githago L.  Cerastium aquaticum L.  Dianthus sp.  Paronichia sp.  Paronychia serpyllifolia DC.  Saponaria officinalis L.  Silene gallica L.  Silene gallica L.  Silene sp.  Catchfly; Campion  Telephium imperati L.  Caryophyllus aromaticus L.  Lychnis chalcedonica L.  Lychnis chalcedonica L.  Evonymus europeus L.  Evonymus velruicas L.  Pinckwood  Amber  Prickwood  Prickwood  Amber  Prickwood  Prickwood  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Chamaeleo vulgaris =  Common capres  Sunduhi, Hasu (Ou)  Sunduhi, Hasu (Ou)  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Sunduhi, Hasu (Ou)  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Mediterranean herb elder; danwort  Paropysucle  Sweet honeysuckle  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Levenyesuckle  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Levenyesucle  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Levenyesuckle  Levenyesuckle  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Sunduhi, Hasu (Ou)  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Sunduhi, Hasu (Ou)  Mediterranean herb elder; danwort  Sweet honeysuckle  Levenyesuckle  Swenty hards  Sunduhi, Hasu (Ou)  Mediterranean herb elder; danwort  Swertyespanler  Swenty hards  Sunduhit Hasu (Ou)  Mediterranean herb elder; danwort  Swenty hards  Sunduhit Plex velacing herb elder; danwort  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swentyespan elder  Swent

FAMILY	SCIENTIFIC NAME		COMMON NAME	PAGE NUMBER
Chancadia			Chameleon	
Chenopodiaceae	Atriplex halimus L.	**	Shrubby arach	37, 387, 9.7, 777
Chenopodiaceae	Atriplex hastata L.	*	Halberd-leaved Arrach	7 £
Chenopodiaceae	Atriplex hortensis L.	•	Garden orach	۷۱، ۱۲۱، ۱۶۱، ۱۳۳۱ ۲۶۲
Chenopodiaceae	Atriplex rosea L.		Tumbling orach	۲۲، ۲۶۲،۱۷۰ ا۳۳
Chenopodiaceae	Atriplex sp.	1		761.17
Chenopodiaceae	Beta vulgaris L.	<b>├</b> -	Common beet	TT1 .19V .19Y .1Y
Chenopodiaceae	Blitum virgatum L .= Chenopodium foliosum (Moench) Asch.		Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	A
Chenopodiaceae	Camphorosma glabrum L.			75
Chenopodiaceae	Camphorosma sp.	1 .	Camphorfume	17
Chenopodiaceae	Chenopodium ambrosioides L.	•	Wormseed goose; Wormseed tea; Mexican tea	19.44
Chenopodiaceae	Chenopodium botrys L.	*	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	TEE 1717 119 . 1V
Chenopodiaceae Chenopodiaceae	Chenopodium capitatum L.		Blire goosefoot; Straw berry blite	A
Chenopodiaceae	Chenopodium murale L.	*	Nettle-leaf goosefoot	10
	Salicornia fruticosa L.	*		01
Chenopodiaceae	Salicornia herbacea L .= Salicornia europaea L.	*	Marsh samphire	Y £ £ .01
Chenopodiaceae	Salicornia sp.		Glasswort	01
Chenopodiaceae	Salsola kali L.	*	Common russian thistle	0)
Chenopodiaceae	Salsola soda L.	•	Soda plant; bakilla- plant	01
Chenopodiaceae	Salsola tragus L = .Salsola kali Subsp. Tragus	*		0)
Chenopodiaceae	Spinacia oleracea L.	**	Spinach; Prickly- seeded spinach	£/
Cholchicaceae	Colchicum automnale L.			۳۵۲،۳۲۰،۲۳۱
Cholchicaceae	Colchicum autumnale L.		Common autumn crocus ; Meadow saffron	14.
Cholchicaceae	Colchicum montanum L. = Cholchicum szovitsii Fisch&C.A.Mey.	•		rir
Cholchicaceae	Colchicum parnassicum Sart.			ror
Cholchicaceae	Colchicum persicum Bak.			14.
Cholchicaceae	Colchicum sp.		Autumn crocus	14.
Cholchicaceae	Colchicum speciosum Ste.			14.
Cholchicaceae	Colchicum variegatum L.			14.
Cistaceae	Cistus creticus L.		Wrinkle leaf rockrose	77.
Cistaceae	Cistus hypocistis L.			TTV. T1.
Cistaceae	Cistus ladanifolius L.		Gum rockrose	#TY . 770 . YF9

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cistaceae	Cistus salviaefolius Boiss.			rrv
Cistaceae	Cistus sp.		Rockrose	770
Cistaceae	Cistus villosus L.	**	Rock rose	777,770
Colchicaceae	Merendera persica Boiss. = Colchicum robustum (Bge)Stefan	•		1.4.
Combretaceae	Myrobalanus bellerica Gaertn.			7.4
Combretaceae	Myrobalanus chebulae			7.4
	Gaertn.= Terminalia chebula			
Combretaceae	Myrobalanus citrinae Gaertn.			79
Combretaceae	Myrobalanus nigrae			7 9
Combretaceae	Terminalia bellerica Roxb.	•	Myrobalan tree	AY.79
Combretaceae	Terminalia chebula Ret.		Hebula terminalia	AT. PT
Combretaceae	Terminalia citrina Roxb.			7.9
Combretaceae	Terminalia horride Stend.			7.9
Compositae	Achillea ageratum L.	<b> </b>		ro. ,00
Compositae	Achillea fragrantissima Sch.	<b>—</b>		rev, rrv
Compositae		+-	Common yarrow	101, 111, 111, 107
Compositae	Achillea millefolium L.		Sneezewoort	777 77 777
Compositae	Achillea ptarmica L.		5	VV
	Achillea pubescens L.	+		r: 9
Compositae	Achillea sp.	4.—		751, NVI, .77, VOY, PIT, P37
Compositae Compositae	Achillea tomentosa L.	+		70.
·	Achillea viscosa Lam.			TEE (T17 (VV (T)
Compositae	Ambrosia maritima L.			751,0700,700,7.7
Compositae	Anacyclus pyrethrun DC.			11
Compositae	Anacyclus radiatus L.			11
Compositae	Anacyclus valentine		191 1 191-14	7.0
Compositae	Antennaria sp.		dillweed, dillseed,	No. 19, 117, 097, 737
Compositae	Anthemis arvensis L.		Field camomile	
Compositae	Anthemis chia L.			750
Compositae	Anthemis nobilis L.		Roman chamomile; English camomile	760, 27, 077, V, 077, VIT, 037
Compositae	Anthemis pyrethrum L.			717,717
Compositae	Anthemis rosea Sibth.			ret
Compositae	Anthemis sp.		Comomile	0.1
Compositae	Anthemis tinctoria L.		Golden Marguerite	٨٥، ٩١، ٢٤٦
Compositae	Anthemis valentina L.			T67
Compositae	Apargia sp .= Leontodon sp.	1		FFY
Compositae	Arctium bardana Willd.			.50
Compositae	Arctium lappa L.	1.	Great burdock	ro : . rr : 0
Compositae	Arctium tomentosum Shkuhr.		Cotton burdock	705.77.50
Compositae	Arnopogon picroides Willd .= Tragopogon capensis Jacq. = Tragopogon picroides L. = Urospermum capense (Jacq.) Spreng. = Urospermum picroides		prickly goldenfleece, urospermum	re.

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Artemisia abrotanum L.		Old-man wormwood;	YEV .19V
Compositae	Artemisia absinthium L.	•	Southern wood Common worm;	ه، ۱۳۰، ۱۳۰ ، ۳۳۷
Compositae	Artemisia arborescens L.		Absinthium Sagewort worm wood; Field	ree.11
Compositae	Artemisia campestris L.	+	wormwood Tarragon	
Compositae	Artemisia dracunculus L.	+	Maritime	Γε. Υ•
Compositae	Artemisia judaica L.	+	wormwood Wormwood	
Compositae	Artemisia maritima L.	+	Sea Wormwood	Y • 7 • 19
Compositae		<del>  </del>	Sea Worliwood	٥، ٢٧، ١٩٢، ٢٣٣
Compositae	Artemisia palmate Lam.	+	Dominion 1	
Compositae	Artemisia pontica L.	-	Roman wormwood	rrv.141
Compositae	Artemisia santonica Lam. Artemisia siversiana Ehrh. &	+		191
	Willd.			0
Compositae	Artemisia sp.		Wormwood; Sagebrush	197.11
Compositae	Artemisia vulgaris L.	1	Douglas Mugwort	TEE . TIT . YEV . 19 VI
Compositae	Aster alpinus L.	•	Alpine aster	1 7"1
Compositae	Aster amellus L.		Italian aster	TOE .05 . £A
Compositae	Aster atticus Pall.			0 £ 1 £ \$ 1 £ \$
Compositae	Aster tripolium L.	*	Tripoli aster; Sea aster	Y. T. 9T. EA
Compositae	Astrattikos tripolium L . = Aster tripolium L.ssp. tripolium		astoi	rov
Compositae	Atractylis gummifera L.Q.	+		
Compositae	Aucklandia costus Fal. = Aucklandia lappa (Decne.) = Saussurea costus (Falc.) = Saussurea lappa (Decne.)			771 .4V .01 779
Compositae	Baccharis sp.	<del>                                     </del>	Baccharis	
Compositae	Cacalia sp.	$\vdash$		۳۳۹، ۳۳۹ الله الله الله الله الله الله الله الل
Compositae	Cacalia verbascifolia Sib.			· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
Compositae	Calendula arvensis L.	<del>                                     </del>	Pot marigold	
Compositae	Calendula arvensis L.  Calendula officinalis L.	•	1 or marikola	ro
Compositae		-		rov.ro
Compositae	Cardopatium corymbosum pers.	-+		TT7 .01 .EV
Compositae	Carduus benedictus Auct.	•		VI
Compositae	Carduus pycnocephalus L.		W- all and	דדז
Compositae	Carthamus lanatus L.		Woolly safflower	727.777.771 . 257
Compositae	Carthamus sp.		Safflower; False saffron	Yra
Compositae	Carthamus tinctorius L.		Safflower	777.71.657
Compositae	Centaurea aegpitiaca Del.			TYA
Compositae	Centaurea alexandrina D.			KYX
Compositae	Centaurea behen L.	•	White behen	11
ompositate	Centaurea benedicta L.			11.

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Céntaurea calcitrapa L.	1	Star thistle	77
Compositae	Centaurea centaurium L.			۲۳۶ ، ۱۳۰۳ ، ۲۳۳
Compositae	Centaurea cyanus L.	*	Corn flower; Bachlor's button; Bluebottle	Y £ 7 . 1 . ,
Compositae	Centaurea minus Moen.			Y£
Compositae	Centaurea officinale			Y£
Compositae	Centaurea pallescens Del.			rv.
Compositae	Centaurea sp.			75
Compositae	Centaurea stellata	1-1		YY.
Compositae	Chamaepeuce diacantha DC.			17.
Compositae	Chondrilla juncea L.		Rush skeleton weed ; Gun succory	מו גרוז וישי וושי דדש
Compositae	Chondrilla ramosissima Sibth.		, our succery	
Compositae	Chondrilla sp.		Sierra juniper	) pr
Compositae	Chrysanthemum coronarium L.		Crowndaisy; Crown-daisy chrysanthemum	ro.,q
Compositae	Chrysanthemum parthenium  Pers. = Tanacetum parthenium (L.)Shuitz-Bip.	•	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	TÉT (TIV (11A (0)
Compositae	Chrysanthemum segetum L.		Corn chrysanthemum; Corn marigold	9
Compositae	Chrysocoma linosyris L.		Com mangolu	ro.
Compositae	Chrysocoma sp.			۲٥٠ ، ۲۱۹ ۱۵۱
Compositae	Cichorium endivia L.	**		
Compositae	Cichorium intybus L.	•	Common chicory	771, 777
Compositae	Cincus acarna = Picnomon	<del>                                     </del>	Common cincory	197, 197 
	acarna (L.) Cass.			0/
Compositae	Cincus sp.	$\vdash$		70
Compositae	Cirsium diacantha DC.	<del>  </del>		17/
Compositae	Cirsium rhizocephalum	1		10
Compositae	C.A.Mey.	1		
Compositae	Cirsium stellatum L.	$\perp$		rovir
Compositae	Cirsium tenuiflorum Boiss.			ro
Compositae	Cirsium tuberosum All.			rr
	Cnicus acarna L.			۷، ۲۳۲
Compositae	Cnicus tuberosus L.			المالية
Compositae	Conyza candida L.			ro
Compositae	Conyza squarrosa L.			rr
Compositae	Cynara cardunculus L.	$\Box$	Cardoon	799,110,111
Compositae	Cynara scolymus L.		Artichoke ; Globe artichoke	TTV . 777 . 110 . 111
Compositae	Cynara sp.			Y99.11
Compositae	Cynara syriacus Gaer.	† †		799,79
Compositae	Doronicum cordatum C.Koch =Doronicum wulfenianum Poir.= Doronicum columnae			179

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Ten.			
Compositae	Doronicum hookeri Hook.			1 &
Compositae	Doronicum pardalianches L.			707,150,150,17
Compositae	Doronicum roylei DC.			184
Compositae	Doronicum scorpioides Lam . = Doronicum viscosum Nym. = Doronicum grandiflorum Lam.			150,150
Compositae	Echinops sphaerocephalus		Common globe thistle	۳۶۱،۳۳
Compositae	Erigeron sp.		Fleabane; Cutleaf Daisy	191
Compositae	Eupatorium cannibinum L.	•	Hemp eupatorium	789, YTA ,92
Compositae	Flores tussilaginis = Flores Farfarae, Flores Tussilaginis, Flos Farfarae = Farfarae flos			VI
Compositae	Gnaphalium dioicum L.			77:
Compositae	Gnaphalium leontopodium L.  = Leontopodium alpinum Cass.		Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	ror . r 1 £ v
Compositae	Gnaphalium sanguineum Spr.			TT9.15V
Compositae	Gnaphalum L.		Cudweed	، ۱۲۲ ۲۲۲ ۳۶۶
Compositae	Gundelia tournefortii L.			110
Compositae	Helichrysum sanguineum Cost.	1		157
Compositae	Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.		,	ro.
Compositae	Helichrysum sp.		Eveylasting	70.,719
Compositae	Helichrysum stoenchas DC.			71
Compositae	Helminthia echiodes Gaertn .= Helmnthothecea echioides (L.)Wolud		Bugloss	י, י
Compositae	Inula britannica L.	*	British inula	711
Compositae	Inula candida Cass.			ros
Compositae	Inula conyzoides DC.		Cinnamonroot inula	722 . T 1 7 . Y VY
Compositae	Inula conyzoides L.			125
Compositae	Inula helenium L.		Elecampane inula	
Compositae	Inula saxatilis Lam.		Diceampane mula	770,7.9,108,107
Compositae	Inula viscosa Ait.			722
Compositae	<del></del>	••	Condon letters	٣٠١،٢٠٠
Compositae	Lactuca sativa L.	•	Garden lettuce	۳۳۲، ۱۳۶ ا، ۲۳۲
·	Lactuca scariola L .= Lactuca serriola L.		Prickly lettuce	
Compositae	Lactuca sp.		Lettuce	1 ""
Compositae	Lappa major Gaertn. = L. officinalis All. = Arctium lappa L.		Great burdock	ro£ .rr £0
Compositae	Leontodon sp.		Hawkbit	r.1
Compositae	Leontodon taraxacum L.			7
Compositae	Leontopodium de Dioscoride	$\dashv$		70V.TV
Compositae	Matricaria aurea Sch.	•		101,17

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Matricaria chamomilla L.	1	German comomile	750,117,0
Compositae	Matricaria parthenium L.	1	Feverfew	
Compositae	Micropus erectus L.	+		
Compositae	Onopordon acanthium L.	•	Cotton thistle	ه، ۲۱، ۱۸۹، ۲۰۶، ۲۳۳
Compositae	Onopordon arabicum L.		Cotton unsite	77 (11 · 2 · 174 · 171 · 20
Compositae	Onopordon illiricum L.	+		rr
Compositae	Picnomon acarna (L.) Cass.	+	Yellow plume thiste	
Compositae	Picnomon acarna Coss.	-	Tonow prame unste	
Compositae	Podospermum jacquinianum	+-		۷، ۲۳۲
	Koch .= Scorzonera cana (C.A. Meyer) O. Hoffm			Y 1.
Compositae	Prenanthes purpurea L.	1		T'E
Compositae	Pulicaria crispa Cass .= Francoeuria undulate (L.)Loc.	•		1.
Compositae	Pulicaria odora Reichb.	†		14
Compositae	Pyrethrum parthenium Sm .= Tanacetum parthenium (L.)Sch.	+	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	727 .1A
Compositae	Santolina maritima Smith.	$\dagger$		755.44
Compositae	Saussurea lappa Clarke	+-+	Saussura	
Compositae	Scolymus hispanicus L .= Scolymus grandiflorus auct.	1.	Spanis; golden thistle	<u> </u>
Compositae	Scorzonera elongata L.	1 - 1		72
Compositae	Senecio coronopifolius Defs .= Senecio glaucus L.	1.		1 - 1
Compositae	Senecio vulgaris L. = Common groundesel	1.		701
Compositae	Serratula chamepeuce L.			712
Compositae	Silybum marianum Gaer.		Blessed milk Thistle; St.mary thistle	700 (YIT', 110 (Y)
Compositae	Silybum syriacum	+-+	unsuc	
Compositae	Sonchus arvensis L.	1 1	Field sow thistle	
Compositae	Sonchus ciliatus L.	$\vdash$		A£ 10.
Compositae	Sonchus oleraceus L.		Common sow	TT1 .T11 : 197 : 1.6 : 0 .
Compositae	Tagetes erecta L .= Tagetes mayor		Aztec marigold	787.7.1
Compositae	Tanacetum annum L.			71
Compositae	Tanacetum umbeliferum Boiss.			19
Compositae	Tanacetum vulgare L.		Common tansy	119
Compositae	Taraxacum dens-leonis DC.			Y
Compositae	Taraxacum officinale Will.	<del>    </del> ,	Common dandelion	¥91,, 797, Y, 178
Compositae	Taraxacum vulgare Shramk = Taraxacum vagum V.S.			7
Compositae	Telekia speciosissimum DC .= Buphthalmum speciosissimum L.			710
ompositae	Thrincia tuberosa DC.			rrr
ompositae	Tragopogon orientalis L.			דודו, דדד
Compositae	Tragopogon pratensis L.	1	Meadow salsify	171, 101

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Tragopogon sp.		Salsify; Goastsbeard	777
Compositae	Tragopogon villosum L.			rrr
Compositae	Tussilago farfara L.	•	Horse-hoof; Common colt's foot	TTE . 1 V T . 1 1 9 . V T
Compositae	Tussilago vulgaris L.			ree
Compositae	Ungula caballina			Vr
Compositae	Xanthium strumarium L.	•	Lesser burdock	700
Convolvulaceae	Convolvulus arvensis L.	*	European glovybind	751. K37
Convolvulaceae	Convolvulus farinosus L.			<b>707</b>
Convolvulaceae	Convolvulus hystirix Vahl.			194
Convolvulaceae	Convolvulus scammonia L.		Scammony glorybind	707.177
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Heath rush	719
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Glorybind	۲۵۰، ۳۵۸
Convolvulaceae	Convolvulus sp.			riv
Convolvulaceae	Convolvulus syriacus			IVT
Convolvulaceae	Convolvulus turpethum L.			9 £
Convolvulaceae	Cressa cretica L.			750,170,75
Convolvulaceae	Ipomea hederacea Jack.			797.117
Convolvulaceae	Ipomea turpethum R.Br.			97
Corallinaceae	Corallina officinalis L.	<del>                                     </del>		ror.r.1
Cornaceae	Cornus mas L.	*	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	771,077,177
Cornaceae	Cornus mascula L.			771. 777
Cornaceae	Cornus sanguinea L.	1.	Red dog wood	rro
Cornaceae	Cornus sp.		Campion	750
Corylaceae	Corylus avellana L.	•		TT9 (1.0 (AA
Crassulaceae	Cotyledon lusitanicus Lam.	<del>                                     </del>		ror.rrrev
Crassulaceae	Cotyledon serrata L.	<del></del>		ror
Crassulaceae	Cotyledon umbilicus L.			707.1V., TE
Crassulaceae	Sedom anopetalum DC.		Goldmoss; stonecrop goldmoss	707
Crassulaceae	Sedum acre L.		stoneerop gordinoss	707.7A
Crassulaceae	Sedum cepaea L.			TE7 . TIA . 1 . A
Crassulaceae	Sedum ochroleucum Vill.			ror
Crassulaceae	Sedum roseum Scop.	+	Rose-root stonecrop	ro.
Crassulaceae	Sedum sp.		Stonecrop	
Crassulaceae	Sedum stellatum L.	+	<b>F</b>	ror
Crassulaceae	Sedum stellephium L.	+-	Live-forever	**************************************
Crassulaceae	Sedum telephullon L.	+		ror
Crassulaceae	Sempervivum arboreum L.	<del> </del>		٣٥٣، ٤٤، ٣٥٣
Crassulaceae	<u> </u>	+	Houseleek	TA TA
Crassulaceae	Sempervivum sp.	+	Hen-and-chickens;	TA TA
Cruciferae	Sempervivum tectorum L.  Alliaria officinalis L .= Alliaria	•	Roof houseleek Garicmustard;	14
	petiolata (M.B.) Cav.&Grand.	<u> </u>	Hedge; Garrlic	1/4

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	Alyssum campestre L .= Ayssum minus (L.)Rothu.	•		9
Cruciferae	Alyssum clypeatum L.			r e
Cruciferae	Alyssum saxatile L.	•	Golden tuft; Golden-tuft alyssum	۲، ۱۳۵۰ ۲۲
Cruciferae	Alyssum sp.		Alyssum	7
Cruciferae	Anastatica hierochuntica L.	1.	Jericho resurrection mustard	19.11
Cruciferae	Barbarea vulgaris R.Br.		Bitter winter cress	1.
Cruciferae	Brassica alba L.		White mustard	rr.11
Cruciferae	Brassica bunias DC.	$\dashv$		
Cruciferae	Brassica campestris L.	•	Bird rape	<u> </u>
Cruciferae	Brassica campestris L. var. napus Bal.		Did tape	19
Cruciferae				
Cruciferae	Brassica capitata Hort.			Yo
Cruciferae	Brassica caulorapa Pasq.			Yo
Cruciferae	Brassica cretica L.	$\perp \perp \downarrow$		77
Cruciferae	Brassica erucastrum L.	+		1.1
Cruciferae	Brassica incana L.	4		۲۵۱، ۳۳۱
Списібетяе	Brassica napus L.		Winter rape	٣٢٠، ١٩٠
Cruciferae	Brassica nigra Koch.		Black mustard	171
Cruciferae	Brassica oleracea L.	•	Wild cabbage	٢٠١، ٢٠١
Cruciferae	Brassica oleracea var. botrytis	*	Cauliflower	756
Cruciferae	Brassica rapa L.	4	Turnip	m
Cruciferae	Brassica sinapistrum Boiss.	4_4		177
Cruciferae	Bunias erucago L.			rr.
Cruciferae	Cakile maritima Sco.		GULF SEAROCKET	727.777
Cruciferae	Camelina sativa Crant.		Big-seeded false flax	roj
Pruciferae Pruciferae	Cardamine amara L.			777
	Cochlearia armoracia L.			TTE
Cruciferae	Cochlearia coronopus L.			117,77
Cruciferae	Crambe maritima L.		Common colewort	707
Cruciferae	Eruca sativa Lam.	T	Rocket salad	1.1
Cruciferae	Eruca sativa Mill.			F"F"
Cruciferae	Erysimum barbarea L.	1 1		15.
Cruciferae	Erysimum cheiranthoides L.	<del>                                     </del>	Treacle erysimum	17.
Cruciferae	Erysimum officinale L . = Sisymbrium officinale(L.) Scop.	1.	Hedg mustard	47
Cruciferae	Erysimum repandum L.	•	Spreading erysimum	179
Cruciferae	Farsetia clypeata R.Br.			7.
Cruciferae	Isatis lusitanica Brot.	1		mr
Cruciferae	Isatis sp.		Woad	711
Cruciferae Cruciferae	Isatis titictoria L.		Dyer's woad	۱۱۱، ۱۱۱، ۱۰۱، ۲۹۲، ۱۳۱، ۳۳۰
- I GOLDEL BE	Lepidium campestre L.	•		117.110.11.

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	Lepidium campestris R.Br.		Field pepper weed	("" ( ) """
Cruciferae	Lepidium draba L .= Cardaria draba (L.)Des.		Pepper weed white top	777,717,750,117
Cruciferae	Lepidium iberis L.			198
Cruciferae	Lepidium latifolium L.	*	Eropean papperwort	TTE 119E
Cruciferae	Lepidium sativum L.	•	Garden-cress; Peppergrass	۱۱۰ ع۱۱، ۱۲ س ۳۳۳، ع۳۳
Cruciferae	Lepidium sp.		Pepperweed; Peppergrass	721.197
Cruciferae	Matthiola incana R.Br.		Common stock	TEO .179 .V9
Cruciferae	Matthiola livida DC.			٢٨٥،١٣٨
Cruciferae	Raphanus niger Mill.			TTE
Cruciferae	Raphanus raphanistrum L.	*	Wild radish	۲۳۰،۲۲٤
Cruciferae	Raphanus sativus L.	**	Garden radish	۳۳۰،۳۱۱،۲۲٤
Cruciferae	Raphanus sp.		Radish	775
Cruciferae	Senebiera coronopus (L.) Poir.  = Coronopus squamatus (Forssk.) Ascherson		coronopus; Greater swinecress	117
Cruciferae	Sinapis alba L.	•	White mustard	171,110
Cruciferae	Sinapis arvensis L.	*	Charlock	اس، ۱۳۱
Cruciferae	Sinapis nigra L.			171
Cruciferae	Sinapis sp.		Mustard	177
Cruciferae	Sisymbrium alliaria Scop.			99
Cruciferae	Sisymbrium irio L.	*	London pride	119
Craciferae	Sisymbrium nasturtium Muhl.			rri
Cruciferae	Sisymbrium officinale L.	*	Hedg mustard	97
Cruciferae	Sisymbrium officinale Scop.	1		rrr.119
Cruciferae	Sisymbrium polyceratium			rrr.119
Cruciferae	Sisymbrium sophia L .= Descurainia sophia (L.)Sct.	*		15.
Cruciferae	Sisymbrium sp.		Sisymberium	97
Cruciferae	Thlaspi bursa-pastoris L.			ryry
Cruciferae	Thlaspi campestre L.			171.1.7
Crucifrae	Cheiranthus cheiri L.	**	Common wallflower	YA0 .14 · .15 ·
Crucifrae	Cheiranthus flava L.			T
Crucifrae	Cheiranthus incanus L.			179
Crucifrae	Cheiranthus sp.		Wallflower	YA0.18.
Crucifrae	Cheiranthus tricuspidatus L.			TE £
Cruiferae	Nasturtium officinale R.Br.			٥١١، ١٢٤، ٥٣٥، ١٨٤
Cruiferae	Nasturtium officinalis L.	•	Water cress	דוו, וחד
Cucurbitaceae	Bryonia alba L.		White bryony	797.777
Cucurbitaceae	Bryonia dioica Jacq.	•	Red-berry bryony	797.777
Cucurbitaceae	Bryonia sp.	1 1	Bryony	rrr
Cucurbitaceae	Citrullus colocynthis Schrad	*		777,177
Cucurbitaceae	Cucumis asininus Willd.			rrr

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cucurbitaceae	Cucumis colocynthis L.	+	<del>                                     </del>	707.77
Cucurbitaceae	Cucumis flexuosus L.	_	Snake melon	
Cucurbitaceae	Cucumis melo L.	1.	Muskmelon	YY
Cucurbitaceae	Cucumis pepo Dum.	+-	Pumpkin	۲۳۲،19۰،۸
Cucurbitaceae	Cucumis sativus L.	+	Cucumber	rr
Cucurbitaceae	Cucumis sanvus L.  Cucumis vulgaris	<u> </u>	Cucumber	דו. דדר. זדר. ידר זידר
Cucurbitaceae	Cucurbita citrullus L.	-		17.1
Cucurbitaceae		┼		λ
Cucurbitaceae	Cucurbita lagenaria L.			77.77
Cucurbitaceae	Cucurbita maxima Duch.		Winter squash	rr.
Cucurbitaceae	Cucurbita pepo L.			rrv.18
_	Cucurbita sp.		Gourd; squash	YTV . 1 £
Cucurbitaceae	Ecballium elaterium Rich.		Squirting cuember	YTE . 19.
Cucurbitaceae	Elaterium agreste			Yr
Cucurbitaceae Cucurbitaceae	Elaterium officinale			Y
Cucurbitaceae	Lagenaria vulgaris Ser.	**	Calabash gourd; Bottle gourd	1 £
	Luffa aegyptiaca Mill.			rv:
Cucurbitaceae  Cucurbitaceae	Luffa cylindrica M.Roe.	**	Suakwa-vegetable spone	rvi
Cucurbitaceae	Luffa sp.		Towel ground; Dishcloth gournd	TVI
Cucurbitaceae	Momordica elaterium L. = Ecballium elaterium (L.) A. Reich		squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do	roo . rr :
Cucurbitaceae	Poppia fabiana Koch .= Luffa cylindrica (L.) Roem.		Diabo, elaterio	rvi
Cupressaceae	Callitris quadrivalvis Vent.	-+	Arar tree	
Cupressaceae	Callitris sp.	<del>                                     </del>	Cypress pine	17/
Cupressaceae	Chamacyparis sp.		False cypress	17/
Cupressaceae			1 aisc cypiess	141
Cupressaceae	Cupressus horizontalis Mill.	••		r4
upressaceae	Cupressus sempervirens L.		Italian cypress	۳۲۰،۳۰۹،۱۷۰،۳۹
upressaceae	Cupressus sp.		Cypress	11.
Cupressaceae	Juniperus communis L.		Common juniper	۲۰، ۲۰۸، ۲۹
Cupressaceae	Juniperus oxycedrus L.		Prickly juniper; Red berried juniper	YFE . Y . A
	Juniperus sabina L.		Sarin juniper	770,79
upressaceae	Juniperus sp.		Juniper	7.1
upressaceae	Juniperus vulgaris			۲۰۸
upressaceae upressaceae	Thuya articulata Vahl.		Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	179
	Thuya orientalis L.			717
uscutaceae	Cuscuta epithymum Mur.		Common dodder	00, 10, 711, 107, 107
uscutaceae	Cuscuta europaea L.	*	Greater dodder	٥٥، ١٥٨، ٢٣٢
uscutaceae	Cuscuta hyalina Roth.	_		rox
uscutaceae	Cuscuta monogyna Vahl.	•		<del></del>
uscutaceae	Cuscuta planifolia Ten.	•		701
	, p till.	1	1	701

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cynipidae	Cynips gallaeturcieae Hart.		Gall wasps	rir
Cynomoriaceae	Cynomorium coccineum L.			7.1
Cyperaceae	Cyperus esculentus L.		Chufa flat sedge; chufa; Earth almond	177,111,111,29
Cyperaceae	Cyperus longus L.	*	Galingale flat sedge ; Long cyperus	.177 775.7.9
Cyperaceae	Cyperus papyrus L.		Payrus	Vo
Cyperaceae	Cyperus papyrus Trin.			rr7 ,r. 9
Cyperaceae	Cyperus rotundus L.	*	Nut grass flat sedge	177
Cyperaceae	Cyperus sp.		Flat sedge cypress grass	IVY
Cyperaceae	Papyrus antiquorum Willd .= Cyperus Papyrus		Papyrus	777,70
Cyperaceae	Papyrus domesticus Poir.			V7
Cyperaceae	Schaenus sp.		Bog rush	riv
Dioscoraceae	Tamus communis L.			707, 707, 777
Dioscoraceae	Tamus dioica	1 •	Adder's meat	777
Dioscoraceae	Tamus sp.		Black bryony	rav.rrr
Dipsacaceae	Dipsacus fullonum L.		Wild teasel	rr7 ,r17,10.
Dipsacaceae	Dipsacus sylvestris Mill .= Dipsacus fullonum ssp. sylvestris		Teasel, Common or Wild	rri
Dipsacaceae	Trichera arvensis Schrad. = Knautia arvensis (L.) Coulter = Scabiosa arvensis L.		Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	171
Dipsaceae	Cephalaria pilosa Schr .= Dipsacus pilosus L.	*		۲1.
Dryopteridaceae	Ahyrium filix-mas L.			171
Ebenaceae	Diospyros ebenum Kon.		Ebony persimmon	J"J"
Ebenaceae	Diospyros melanoxylon Roub.			TTY
Elaeagnaceae	Elaeagnus angustifolius L.	1 •	Russian olive	719.17
Elacagnaceae	Elaeagnus hortensis Boiss.	<del>                                     </del>		r19
Elaeagnaceae	Elacagnus sp.		Eleagnus	177
Elaeagnaceae	Hippophae rhamnoides L.	*	Common sea buckthorn	ro1, r9
Ephedraceae	Ephedra distachya Bort.	•	Joint-fir ephedra; sea grape	rorrq .r.1
Ephedraceae	Ephedra vulgaris Rich.		ou grupe	Y 9 9
Equisetaceae	Equisetum arvense L.	•	Field horsetail	ro. 1777,711,101,00.
Equisetaceae	Equisetum fluviatile L.			ro.
Equisetaceae	Equisetum hyemale L.	<del>                                     </del>	Scouring rush	Y77 (10)
Equisetaceae	Equisetum limosum L .= Equisetum fluiatile L.	*	Swamphorse tail	٣٥٠
Equisetaceae	Equisetum pallidum L.			TEV. Y1.
Equisetaceae	Equisetum ramosissimum Desf.	+		757.0.
Equisetaceae	Equisetum sylvaticum L.			<i>ro.</i>
Ericacae	Erica arborea L.	$\vdash$		777.7.9.177.57
Ericacae	Erica cinerea L.		Twisted heath	(   1   4   7   4   1   1   4   4   4

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ericacae	Erica sp.		Heath	ITV
Ericaceae	Arbutus andrachne			rya
Ericaceae	Arbutus sp.			۲۲،۲۳۱
Ericaceae	Arbutus unedo L.	•	Strawberry saxifrage; Aron's- beard	71.111.171.771.677
Ericaceae	Arctostaphylos uva-ursi Spreng.		Bearberry	710
Euphorbiaceae	Croton tiglium L.		Purging coroton	TYV .1 EV .1 1 T
Euphorbiaceae	Croton tinctorium L.			90
Euphorbiaceae	Croton tinctorium L .= Chrozophora tinctoria (L.) A. Juss.		Croton; Maurelle(F)	rov
Euphorbiaceae	Embelica officinalis Ga.		Embelic myrobalan Indian gooseberry	7 9"
Euphorbiaceae	Euphorbia aculenta Forsk.		M	ror
Euphorbiaceae	Euphorbia aleppica L.	•		r01
Euphorbiaceae	Euphorbia apios L.	7		707 (OV
Euphorbiaceae	Euphorbia chamaesyce L.			irv
Euphorbiaceae	Euphorbia characias L.			r07
Euphorbiaceae	Euphorbia curcas	+		1.4
Euphorbiaceae	Euphorbia dendroides L.			171,171
Euphorbiaceae	Euphorbia esula L .= Euphorbia boissieriana (Woron.)prokh.	•	Leafy euphorbia	770
Euphorbiaceae	Euphorbia falcata L.	•	Sickle-grass	rot
Euphorbiaceae	Euphorbia helioscopia L.	1	Sun euphorbia	ro7.rrro
Euphorbiaceae	Euphorbia lathyris L.		Caper euphorbia	707.777.77£
Euphorbiaceae	Euphorbia myrsinites	<del>  •  </del>		707.7
Euphorbiaceae	Euphorbia officinarum L.	1		770
Euphorbiaceae	Euphorbia paralias L.	11	Sea staff-sea wand	ro7.r
Euphorbiaceae	Euphorbia pilosa L.			707
Euphorbiaceae	Euphorbia pilulifera L.			70
Euphorbiaceae	Euphorbia pithyusa L.	-		770,112
Euphorbiaceae	Euphorbia pythuse Friw.			170
Euphorbiaceae	Euphorbia resinifera Berg.			770
Euphorbiaceae	Euphorbia sibthorpii Boiss.			<u> </u>
Euphorbiaceae	Euphorbia sp.		Ebebright	TET : 110 : 17
Euphorbiaceae	Euphorbia spinosa L.	1.		rov.r9
Euphorbiaceae	Euphorbia triaculeata For.	+		770
Euphorbiaceae	Hippomane manchinella L.	-	manchineel	
Euphorbiaceae	Jatropha curcas L.		Barbados nut;	111
Euphorbiaceae	Jatropha gossipifolia L.	+	physic nut	YYV
Euphorbiaceae	Mallotus philippinensis Mull.	+	Red kamala	Y90,Y££
Euphorbiaceae	Mallotus sp.	+	Mailain	
Euphorbiaceae			Herb mercury	Y £ £
	Mercurialis annua L.		TICTO INCICURY	TOV. TEE. 171

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Euphorbiaceae	Mercurialis sp.			171
Euphorbiaceae	Phyllanthus emblica L . = Emblica officinalis		Emblic leaf flower	7 7
Euphorbiaceae	Ricinus communis L.	*	Castor bean	۳۵۲،۲۰۳،۱۳۳
Euphorbiaceae	Rottlera tinctoria Roxb .= Croton philippensis Lam. Mallotus reticulatus Dunn = Mallotus philippensis (Lam.) Muell. Arg.		Common madder; kemala tree	790,755
Euphorbiaceae	Tithymalus cotinifolius Haw .= Euphorbia cotinifolia L.		Red spurge	115
Fagaceae	Castanea sativa Mill.		European chesthut ; Spanish chesthut	AV
Fagaceae	Castanea vesca Gaertn.			AY
Fagaceae	Castanea vulgaris Lam.			AY
Fagaceae	Quercus aegilops L.		Valonia oak	TTV
Fagaceae	Quercus aesculus Boiss.	*		rrv
Fagaceae	Quercus coccifera L.		Kermes oak	ro. 1777 177
Fagaceae	Quercus ilex L.		Holly oak	707,717,77
Fagaceae	Quercus infectpria Olivier	*	Aleppo oak	717
Fagaceae	Quercus lusitanica Lam.			rrv.r1r
Fagaceae	Quercus lustanica var. tauricola			rir
Fagaceae	Quercus persica Jaub. & Sp .= Quercus brantii Lindl.	*	Oak ; Manna tree	17
Fagaceae	Quercus robur L.	*		47
Fagaceae	Quercus sp.		Oak	717.179
Flacourtiaceae	Flacourita cataphracta Willd.		Paniala; coffee plum;paniala; puneala; Chinese plum	199.17)
Fucacea	Fucus sp.		Rock weed-sea oak	191
Fumariaceae	Corydalis claviculata (L.) DC.			rov
Fumariaceae	Fumaria offichnalis L.	1		117
Fumariaceae	Fumaria parviflora Lam.			145
Fumariaceae	Fumaria sp.		Fumitory	111
Gentianaceae	Erythraea centaurium Pers .= Centaurium erythraea= Centaurium umbellatum		Drug cenaurium	۲۳۱،۲۶۱
Gentianaceae	Gentiana lutea L.			۲۰۱، ۱۰۳، ۳۳۰
Gentianaceae	Swertia chirata Ham.	1		781
Geramineae	Panicum dactylon L.	1 1		99
Geramineae	Panicum italicum L.			157
Geramineae	Panicum milliaceum L.	*	Proso-broomcorn;	779 a1 ET a1 + +
Geraniaceae	Erodium malachoides Willd.			٣٤٤
Geraniaceae	Geranium arabicum Forsk.			771
Geraniaceae	Geranium columbinum L.		Long-stalked geranium	rv
Geraniaceae	Geranium rotundifolium L.		Round-leaved	788.717

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			fluellen; Cancerwort	
Geraniaceae	Geranium sp.		Geranium; Crowfoot	۲۱۸، ۲۷
Geraniaceae	Geranium tuberosum L.	•	Tuberous-rooted crane's bill	٣٤٤
Gesneriaceae	Conandron sp.		Iwa-tabako	rer
Gesneriaceae	Gloxinia sp.		Gloxinia	771
Globulariaceae	Globularia sp.		Globe daisy	711
Graminae	Digitaria stolonifera Schrad.			99
Graminae	Oryza sativa L.	*	Rice	٤٤، ١١٦، ٢٢٩
Graminae	Sqtaria italica Beauv		millet, foxtail; Italian millet	157
Graminae	Triticum dicoccum Schr.		Emmer; Dinkel wheat	יוץ. יוץ
Graminae	Triticum monococcum L.		Einkorn; One- grained wheat	717.777.377.777
Graminae	Triticum ovatum L.			1 £ V
Graminae	Triticum repens L.			11
Graminae	Triticum spelta L.		Splet	Y7£.1V£179.
Graminae	Triticum vulgare Vill.		Wheat	177
Graminae	Triticum zea Host.			Y7 <i>£</i>
Gramineae	Aegilops ovata L.	1 •		700,1EV
Gramineae	Aeluropus littoralis Ga.	•		717
Gramineae	Agropyrum repens Beauv.	•	Couch-grass ;Quakgrass	759,717,937
Gramineae	Andropogon lanigera Desf.		, <u>, , , , , , , , , , , , , , , , , , </u>	٤٣
Gramineae	Andropogon nardus L.	1		117
Gramineae	Andropogon schoenanthus L.			778, 7.9, 57
Gramineae	Andropogon sorghum Brot. = Sorghum vulgare Pers.	*	Sorghum	779.10.11EF
Gramineae	Andropogona martini Roxb.			751
Gramineae	Apera spica-venti L.		Wind bent grass; Wind grass; Corn grass	797
Gramineae	Arundinaria sp.	*	5.455	717
Gramineae	Arundo bambos L.	1-		199
Gramineae	Arundo donax L.	<b>│•</b>	Giant reed	TY7 .Y£.
Gramineae	Arundo phragmites L.	_		Y £ •
Gramineae	Avena elatior L.	+		157
Gramineae	Avena fatua L.	1.	Wild oat	ro rrv . 91
Gramineae	Avena sativa L.	•	Common oat	700, 797, 777, 175
Gramineae	Avena sp.		Oat	177
Gramineae	Bambusa arundinacea Willd. = Arundo bambos L. = Bambusa bambos (L.) Voss		Reed bamboo, Spiny bamboo , Thorny bamboo, Indian bamboo.	Y 1 £ .
Gramineae	Bambusa sp.		Bamboo	12.
Gramineae	Cenchrus frutescens Sieber			דיד
Gramineae	Cymbopogon schoenanthus		Haifa bar	۳۲٤،٤٣

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Spreng.			
Gramineae	Cynodon dactylon Pers.			۹۹، ۲۰۰، ۲۳۳
Gramineae	Cynosurus eagyptiaca L.		Hedgehog dog's-tall	TE 9
Gramineae	Dactylis repens L.			T
Gramineae	Dactylon officinale Villars .= Cynodon dactylon (L.) Persoon		bermuda-grass	11
Gramineae	Danthonia sp.		Danthonia	177
Gramineae	Eleusine coracana Gaer.		Ragi millet; raggee; tocusso	rar
Gramineae	Erianthus ravennas Beauv.		Sacchrum ravennae	777
Gramineae	Festuca altissima Boiss.	•		717
Gramineae	Festuca sp.		Fescue	717
Gramineae	Holcus dochna Forscal			157
Gramineae	Holcus sorghum L.		Sudan grass	101
Gramineae	Hordeum morinum L.	*	Mouse barley	ro.
Gramineae	Hordeum sp.		Barley	rr9.11
Gramineae	Hordeum vulgare L.		Berley	144 (144
Gramineae	Leptochloa bipinnata (L.) Hochst.			177.177
Gramineae	Lolium perenne L.	•	Perennial rye grass	41
Gramineae	Lolium sp.		Rye grass	175
Gramineae	Lolium temulentum L.	•	Darnel rye grass	771,391,172
Gramineae	Lophotenia aurea L.			141
Gramineae	Milium indicum	1-1		1
Gramineae	Milium nigricans Ruis.			Y • £
Gramineae	Nardus indica L.	+		144
Gramineae	Pennisetum sp.	1	Pennisetum	97
Gramineae	Phalaris canariensis Nutt.	**	Canary grass	r:7
Gramineae	Phalaris tuberosa L.	++		757,717,777
Gramineae	Phragmites communis Trin	+	Common reed	TY7 475.
Gramineae	Poa cynosuroides Retz.			177
Gramineae	Poa multiflora Forsk.			177
Gramineae	Saccharum officinarum L.	**	Sugar cane	, Y E 1 1 V T
Gramineae	Secale cereale L.	+	Rye; Rie	115
Gramineae	Secale corutom			157
Gramineae	Setaria italicum Beauv.	•	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	rr1
Gramineae	Sorghum vulgare L.	**	Sorghum; Broom corn	10.112
Gramineae	Stipa sp.		Needdlegrass; Feather grass	177
Gramineae	Triticum romanum L.			779.179
Gramineae Guttiferae	Zea mays L.	•	Maize; Indian corn	101
	Garicina mangostana L.		Mangosteen	1.7
Guttiferae	Mesua ferrea L.		Iron wood	YAA
Haloragaceae	Myriophyllum sp.		Water milfoil parrot feather	7.

um spicatum L.  ar orientalis L.  ar orientalis Mill.  ar sp.  p.  alloides  L.  ppocastanum L.  lgaris  oides L.	IRAN	Spiked milfoil Sweet gum  Heliopsis  Common horse	707 . TY . 119 YA' 01 Y11 Y4- YY: TEO . TI1
ur orientalis L. ur orientalis Mill. ur sp. p. alloides L. ppocastanum L. lgaris oides L.	•	Sweet gum  Heliopsis	7A. 01 770 790 77
ur orientalis Mill. ur sp. p. alloides L. ppocastanum L. lgaris oides L.		Heliopsis	20 F7 F9 F7
nr sp. p. alloides L. ppocastanum L. lgaris oides L.			Y1- Y1- YY
p. alloides L. ppocastanum L. lgaris oides L.			Y 9 .
alloides L. ppocastanum L. Igaris oides L.			77
L. ppocastanum L. Igaris oides L.		Common horse	
ppocastanum L. Igaris oides L.		Common horse	7 • = • 7 7
oides L.		chestnus	A
	•	Mare's-tail	751
		Water-soldier	ror.1v
barbatum L.			7EV. 717. 197
ciliatum L.			75V. 791. 77
coris L.			TEV. 791
hircinum L.	*		۲۵۰،۲۸۲،۲۰۱،۱۸۱
perforatum L.	+	John's wort	7EV . T • 1 . 1 E 1
procumbens L.	+		ros
quadrangulum L.		Square-stalked s.t- john's-wort.	07
sp.	1 1	Stjohn's-wort	۳۰۱، ۱۶۱
paronychia L. = verticillata Lam.	1-1	coral necklace	ro.
atum L.		anise tree	V1
ım Hooker fil		star anise	
us L.	•	Saffron crocus	171, 9.7, 077
		Crocus	171
ommunis L.	**	Common ginger	751, 111, 001, 137
getum Ke.	*	Corn flag gladiolus	10
).	$\top$	Gladiolus ;Corn flag	1 5
lus tuberosis		Snake's-head iris	rv.
hund.	**		γ.
ia L.	+	Florentine iris	TTE . T. 9 . 1 . 1 . V.
sima L.	+•		T 5 A
ca L.	++-	German iris	175.4.
Pall.	+-+	Octimati ins	
orus L.	++	Yellow flag iris	V4
orus L.	+	Iris	778.791
	+-+	Hickory	17. 17.1
a L.	*	Persian walnut;	<u> </u>
ıs L.	+•	Noyai waiaiit tree	ro. ,140 ,0.
	+		ro rr 1 vo . o.
	+	Sea rush	170.211.2170.20.
sene For	+	Duch	170.00
	a L. is L. cus Post. imus Lam. ssus For.	is L.  cus Post.  imus Lam.	A L. Persian walnut; Royal walant tree  is L.  cus Post. imus Lam. Sea rush

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Ajuga chamaepitys L.		Ground pine	<i>"٤٧. "١٨. ٢٦١ . ٢٠١</i>
Labiatac	Ajuga chamaepitys Sch.	†		Y7
Labiatae	Ajuga iva L.	+-		771.1.
Labiatae	Ajuga sp.	<del> </del>	Bugle	Y.1
Labiatae	Amaracus dictamnus Ben .= Origanum dictamnus L.	1	Cretan Dittany	7.
Labiatae	Calamintha acinos Man.		Spring savory	774
Labiatae	Calamintha graveolens Benh.	1-		774
Labiatae	Calamintha incana Boiss. & Held.			101
Labiatae	Clinopodium montanum (L.) Kuntz.			***
Labiatae	Clinopodium vulgare L.	*	Wild basil savory	727.712
Labiatae	Collinsonia canadensis L.		Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	Al
Labiatae	Dracocephalum kotschyi Boiss.	•	Horsevallii	As
Labiatae	Dracocephalum moldavica L.	*	Moldvian dragon	V)
Labiatae	Horminum pyrenaicum L.	1	nead	£0
Labiatae	Lallemantia iberica F.&M	1 •		VI
Labiatae	Lallemantia royleana Benth.	*		VI
Labiatae	Lamium album L.	*	White durra	719,110
Labiatae	Lamium maculatum L.	*	Spotted dead nettle	<i>٣٤٣. ٢٧٤. ١٣٢</i>
L <del>a</del> biatae	Lamium purpureum L.	•	Purple dead nettle	ror
Labiatae	Lamium striatum Sibth.	**		757
Labiatae	Lavandula dentata L.		Fringed Lavender, French Lavender	٤٧
Labiatae	Lavandula sp.		Lavender	177
Labiatae	Lavandula spica Cav.			1 77
Labiatae	Lavandula stoechas L.	**	French Lavendar	TTV . T 1 T . E Y
Labiatae	Lavandula vera DC.	•	True lavender	1 ==
Labiatae	Majorana hortensis Moench.		Sweet marjoram	TYA
Labiatae	Majorana sp.		Marjoram	rva
Labiatae	Marrubium pseudodictamnus L.			rra
Labiatae	Marrubium sp.		Hoarhound	Yr YY£
Labiatae	Marrubium vulgare L.	*	Common horehound	757,775
Labiatae	Melissa calamintha L . = Calamintha officinalis Moench		Calamint savory	177
Labiatae	Melissa clinopodium Benth.			757
Labiatae	Melissa officinalis L.	•	Common balm	7£7,717,770,VI
Labiatae	Mentha aquatica L.	•	Water mint	191. P77. 747. 1 P7. KTT
Labiatae	Mentha arvensis L.	*	Field mint	rer
abiatae	Mentha officinalis Hull.			779

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Mentha piperita Smith.	•	Peppermint	۲۲۱، ۱۶۲، ۲۳۸
Labiatae	Mentha pulegium L.	*	Pennyroyal	٣٣٨، ٢٢٩، ٢٢١، ١٩٦، ٢٣٨
Labiatae	Mentha pulegium var. erecta			rra
Labiatae	Mentha sativa L.		(	1973 279
Labiatae	Mentha sp.		Mint	79)
Labiatae	Mentha sylvestris L.			777.779.7.0
Labiatae	Micromeria juliana Benth.			779
Labiatae	Moschosma sp.	<b>-</b>		194
Labiatae	Nepeta micrantha Bu.			170
Labiatae	Nepeta mispahanica Bo.			170
Labiatae	Ocimum album L.			V1
Labiatae	Ocimum basilicum L.	•	Sweet basil; hoary basil	(7) 77 () • 7 () • 3 () • 0 77 () (17) (17)
Labiatae	Ocimum filamentosum Forsk.			171.0
Labiatae	Ocimum gratissimum L.			171.0
Labiatae	Ocimum minimum L.			191111
Labiatae	Ocimum pilosum Willd.			771,311,077,977
Labiatae	Origanum aegyptiacum L.			170
Labiatae	Origanum amaracus Gledi.	<b></b>		7V9 , TVA
Labiatae	Origanum creticum L.	+		TAI
Labiatae	Origanum dictamnus L.			TTA (T) E (TA) (TT)
Labiatae	Origanum hirtum L.	-		TAI
Labiatae	Origanum lirium			rrv
Labiatae	Origanum majorana L.		Sweet majoran	779. YVA
Labiatae	Origanum maru L.	<b>-</b>		777, 777
Labiatae	Origanum marum L.			779
Labiatae	Origanum onitis L.			rra
Labiatae	Origanum sipyleum L.			rrv
Labiatae	Origanum sp.	+	Origanum	۱۹۰۵ تا ۱۹۰۳ تا ۲۳۸
Labiatae	Origanum vulgare L.	+	Common origanum; Wild marjoram	PPA . YP • . 197
Labiatae	Origanum vulgare var. megastachyum			TTA
Labiatae	Rosmarinus officinalis L.	**	Rosemary	7.
Labiatae	Salvia aethiopis L.		Ethiopian sage- woolly clay	ros
Labiatae	Salvia cyanescens Boiss.			rra
Labiatae	Salvia horminum L .= Salvia viridis L.	,		TEO . TIV. EO
Labiatae	Salvia officinalis L.	**	Garden sage	٨٤، ١٠، ١٥١، ١٢١، ١٣٨
Labiatae	Satureia hortensis L.		Summer savory	779.190
Labiatae	Satureia thymbra L.			190
Labiatae	Sideritis remota Urv.		Ironwort	T£9
Labiatae	Stachys betonica Benth.			<i>۳٤٧.</i> <b>٢٣</b>
Labiatae	Stachys germanica L.		Mouse-earbetony	rer.r17.r90.1V1

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Stachys hirta L.			11
Labiatae	Stachys lavandulaefolia Vahl.	1		77
Labiatae	Stachys palaestina L.	_		
Labiatae	Stachys recta L.	<del>                                     </del>		TE
Labiatae	Stachys sp.	<del></del>	Betony-woundwort	re9.11
Labiatae	Teucrium chamaedrys L.	<del>                                     </del>	Chamaedoreas	790,17 1,017,017,737
Labiatae	Teucrium flavum L.	+	germander Cat thyme	
Labiatae	Teucrium marum L.	+	out myric	ا۳، ۴۲ ا
Labiatae	Teucrium polium L.	+		TA TY
Labiatae	Teucrium sapinum L.	+		۰۱، ۱۲ تا ۲۲ تا ۲۲ تا
Labiatae	Teucrium scordium L.	┼	317	77
Labiatae		ļ	Water germander	שו גרי דודי ששי
Labiatae	Teucrium sp.		Germander	r.
Labiatae	Thymbra spicata Stric. & Hort.	*	spiked thymbra	الموسو
Labiatae	Thymus barrelieri Spreng.			715.77
	Thymus calamintha Scop.			۳۳۸، ۱۳۱۶، ۲۳۷
Labiatae	Thymus capitatus L.			ه ۱ ۳ ، ۳ ۳ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲
Labiatae	Thymus capitatus Lk. & Hoffm.			19,11.
Labiatae	Thymus glaber Mill.			779, 191, 177
Labiatae	Thymus graveolens Bieb.			
Labiatae	Thymus kotchyanus Boiss.			
Labiatae	Thymus nepeta Sm.	<del>                                     </del>		197
Labiatae	Thymus nummularius Benth.			۲۱۶،۲۲۹
Labiatae	Thymus serpyllum Frie.	$\vdash$	Mother-of- thyme	147
Labiatae	Thymus serpyllum L.		Serpolet; Wild	۲۸۱ ۱۸۲۰ (۲۹۲
Labiatae	Thymus sibthorpii Benth.	$\vdash$	Thyme	
Labiatae	Thymus vulgaris L.		Comment	
Labiatae	Zizyphora capitata L.	**	Common thyme	rrq . 197 . 11.
Labiateae	Ballota nigra L.	-	D) 11 111	rer
Labiateae	Ballota pseudodictamnus		Black balllota; Blak horehound	777.71. 17. 17. 77.
	Benth.		Ballota	rra
Labiateae	Betonica alopecuros L.			
Labiateae	Betonica officinalis L.		Common betony	rev
Labiateae	Hyssopus officinalis L.	<del></del> -	Hyssop	rra
Lauraceae	Cinnamomum camphora Nees.			۱۲۰ ،۳۱۳، ۲۳
Lauraceae	Cinnamomum cassia Boiss.	-	Camphor tree Cassia bark tree;	YEA
Lauraceae	Cinnamomum citriadorum Th.	-+'	Chinese cinnamon	
Lauraceae	Cinnamomum iners Reinw.			TYE . 17V
Lauraceae	Cinnamomum malabathrum			TTE :140
	Burm.		ļ	177
Lauraceae	Cinnamomum obtusifolium Nees.	_		110
Lauraceae	Cinnamomum tamala Nees.			

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lauraceae	Cinnamomum zeilanicum Nees.	**	Ceylon cinnamon	٤١، ٨٣٢، ٩٣٧، ٩٠٣١
Lauraceae	Cinnnamomum sp.	<u> </u>	Cinnamon	1 £
Lauraceae	Laurus camphora L.	<del>                                     </del>		YEA (11
Lauraceae	Laurus nobilis L.	**	Grecian laurel; True	31, 931, 901, 117, 077
7	Danies Hooms E.		bay	
Lemnaceae	Lemna minor L.	•	Common duckweed	ror.r.
Lemnaceae	Lemna sp.		Duckweed	ror.r.
Lichen	Lichen			0
Lichen	Orseille tinctoria = Roccella tinctoria DC.		Dyer's Weed; Orchella Weed; Lichen Roccella	17.
Liliaceae	Allium ampeloprasum L.	•	Great round ; Headed garlic	סץ, ייסין, דויי, ייייי
Liliaceae	Allium ascalonicum L.	•	Shallot	777, 707, 707, 777
Liliaceae	Allium carinatum L.		Keeled onion	9,
Liliaceae	Allium cepa L.	•	Garden onion	rrr. 707.A
Liliaceae	Allium descendens L.			
Liliaceae	Allium dioscoridis Sibth.	t		
Liliaceae	Allium magicium L.	1 - 1		
Liliaceae	Allium moly L.	**	Lily leek	779, 715, A
Liliaceae	Allium porrum L.		Leek	
Liliaceae	Allium roseum L.	-	Dock	**************************************
Liliaceae	Allium sativum L.	•	Garlic	701
Liliaceae			Carric	rr, 9)
Liliaceae	Allium scorodoprasum L. Allium silvestrum			رو، ۹۹، ۲۵۲، ۲۱۳، ۳۳۳
Liliaceae	Allium subhirsutum L.			120, 66, 671
Liliaceae	Allium ursinum L.		Ramsons; Bear's-	۳۳۱
	Amum ursinum L.		garlic	ros
Liliaceae	Allium vineale L.		Field garlic	ros
Liliaceae	Allium xiphopetalum Ait.	•		11,9,99,91
Liliaceae	Aloe aloexylon			7 1
Liliaceae	Aloe scotrina		Socotrine aloe	7 )
Liliaceae	Aloe vera L.	•	True aloe	۱۲، ۱۹۰ ، ۱۳۰ ، ۲۳۷
Liliaceae	Aloe vulgaris Lam.		Mediterranean aloe	rri
Liliaceae	Asphodelus damascenus Boiss.			01
Liliaceae	Asphodelus microcarpus (L.) Swartz			174
Liliaceae	Asphodelus ramosus L.			۳۳٤،۱۳۸
iliaceae	Asphodelus sp.	$\neg +$		15%
iliaceae	Bulbocodium vernum L.		Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	111
iliaceae	Convallaria polygonatum L.		Julia VII	TEA
Liliaceae	Convallaria rusticellata L.			ror
iliaceae	Corchorus olitorius L.	•		YAE
iliaceae	Fritillaria imperialis L.	$\neg +$		04
iliaceae	Hemerocallis flava L.	-+	Lemon daylily	755 (T17 21A) (175

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Liliaceae	Hyacinthus comosus			rre
Liliaceae	Hyacinthus orientalis	**	Common hyacinth	701,119
Liliaceae	Lilium candidum L.		Madonna lily	۱۸۱، ۳۶۳
Liliaceae	Lilium chalcedonicum L.		Chalcedonian lily	ree
Liliaceae	Lilium sp.		Lily	1112112
Liliaceae	Muscari comosum Mill.	*	Feathered grape hyacinth	۲۲۵ نام
Liliaceae	Muscari sp.		Grape hyacinth	17
Liliaceae	Narthecium ossifragum Huds.			700
Liliaceae	Narthecium sp.		Bog asphodel	Yoo
Liliaceae	Ornithogalum sp.	<b>-</b>	Star-of-bethlehem	192:01
Liliaceae	Ornithogalum stachyoides Host.			rrealra
Liliaceae	Ornithogalum umbellatum L.	•	Common star-of- bethlehem	rrr.01
Liliaceae	Ruscus aculeatus L.		Butcher's-broom	700,77
Liliaceae	Ruscus hypoglossum	<u> </u>		roo
Liliaceae	Ruscus hypophyllum			rov. roo
Liliaceae	Ruscus racemosus L.			rov
Liliaceae	Schoenocaulon officinale A.Gray = Veratrum officinale Schl. & Cham = Veratrum sabadilla Retz		Drug sabadilla ; sabadilla	YTI
Liliaceae	Scilla bifolia L .= Scilla	*	Twin-leaved squill	roj
Liliaceae	Scilla maritima L.			775 (T17 (£9
Liliaceae	Scilla pancratiuon Nym.	+		
Liliaceae	Scilla sp.	<b>-</b>	Squill	710
Liliaceae	Tulipa gesneriana L.		•	110
Liliaceae	Urginea maritima Bak.	1.	Shore sea onion	£9
Liliaceae	Veratrum album L.	+	White Hellebore	۳۵۵،۲۲۳،۱۳۰
Liliaceae	Veratrum nigrum L.		Black false hellebore	ır.
Linaceae	Linum sp.		Flax	701
Linaceae	Linum usitatissimum L.	*	Fiber flax ; Common flax	779.701
Loganiaceae	Strychnos nux-vomica L.		Poison Nut; Semen strychnos	171.1.1.25
Loranthaceae	Loranthus curopeus Jack.			717
Loranthaceae	Loranthus europaeus L.	*	Continental mistletoe	177.128.11
Loranthaceae	Loranthus globiferus A.Rich.			171
Loranthaceae	Loranthus sp.		Loranth	717
Loranthaceae	Viscum album L.	*	European mistletoe	751, 717, 737
Lythraceae	Lawsonia alba Lam.			۲۲۰، ۲۲۳
Lythraceae	Lawsonia inermis L.	*	Henna	110
Lythraceae	Lawsonia sp.		Henna bush	110
Lythraceae	Lythrum salicaria L.	++-	Purple lythrum	rev
Malvaceae	Abelmoschus esculentus (L.)	**	Akar; Gumbo	V £

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Moench = Hibiscus esculentus L.			
Malvaceae	Alcea rosea L.	**		7"7"
Malvaceae	Althaea cannabina L.	+		۱۱، ۱۸ ت ۲۶۳
Malvaceae	Althaea ficifolia R.Br.	+-		17
Malvaceae	Althaea officinalis L.	+-	Hollyhock	#£7. #1V. Y9V.17
Malvaceae	Althaea rosea Cavan.	+	Hollyhoek	
Malvaceae	Althaea sp.	┼	Althaea	767, 717, 737
Malvaceae		<del> </del>		. 17
Malvaceae	Gossypium herbaceum L.		Levant cotton	Y£
Malvaceae	Gossypium sp. Hibiscus esculentus L.	**	Cotton	Y £
Malvaceae		**	Okra-gubo	AER
	Hibiscus mutabilis L.		Cotton-rose- changeable rose	V
Malvaceae	Hibiscus rosa-sinensis L.	**	Chinese hibiscus	1.
Maivaceae	Hibiscus tortuosus Roub.			
Malvaceae	Malva alcea L.	$\vdash$	Hollyhock mallow	T'é
Malvaceae	Malva parviflora L.	1	,	17
Malvaceae	Malva rotundifolia Diss.	+		
Malvaceae	Malva sp.			٠٨، ٢١١ ، ١٢٩ ، ٢٣٠
Malvaceae			High mall W/11	
	Malva sylvestris L.		High mallow; Wild mallow	TT. 1718 117
Melastomaceae	Melastoma sp.		Melastoma family	171
Melastomataceae	Memecylon edule Rox.		Iron wood tree	794
Melastomataceae	Memecylon tinctoria Wil.			794
Melastomataceae	Memecylon tinctorium L.			01
Meliaceae	Azadirachta indica Juss .= Melia Azadirachta L.	**	Margosa; Neem	re
Meliaceae	Melia azadarach L.	•	Margosa	
Meliaceae	Trichilia emetica Wahl.			1000
Menispermaceae	Anamirta paniculata Colebr .= Cocculus indicus Royle		Indicus Cocculus	101.11.11.
Menispermaceae	Menispermum cocculus L.			
Mimosacae	Albizzia lebbek Bth.	•	Lebbek tree; Siris	YVV
Mimosaceae			tree	777.77
.v.iiiiosaccae	Acacia arabica Willd .= Acacia	•	Babulacacia	1911144117141111111
Mimosaceae	nilotica Del.  Acacia ehrenbergiana Hayne.	+		TTV.T1TT9
Mimosaceae	Acacia flava Forsk.	<del>-</del>		178
Mimosaceae	Acacia nava Forsk.  Acacia mellifera Boiss.			178
Mimosaceae	Acacia nilotica Del.		Gum ambia t	177
Mimosaceae	Acacia oerfota (Forsk.) Sch.	•	Gum arabic tree	111
Mimosaceae	Acacia senegal Willd.			717.7.1
Mimosaceae	Acacia senegalensis	$\dashv$		rrr
Mimosaceae	Acacia spirocarpa Hook.			
Mimosaceae	Acacia vera Willd.			177
Mimosaceae	Mimosa arabica Lam.	-+		777.191
Mimosaceae	Mimosa nilotica L.			Yrv
Mimosaceae				777.777.191
	Mimosa oerfota Fork.			7.1

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Moraceae	Ficus carica L.	•	Common fig	779.97.97
Moraceae	Ficus laccifera Roxb.	**		TVI
Moraceae	Ficus palmata Forsk.	*		97
Moraceae	Ficus sp.		Fig	17
Moraceae	Ficus sycomorus L.		Sycomore	779,711,1.0,77
Moraceae	Morus acedosa Cr.	1		97
Moraceae	Morus alba L.	1.	White mustard	09, 79, (17, 977
Moraceae	Morus indica I			97
Moraceae	Morus nigra L.	+	Black mixed	779,97,90
Moraceae	Morus sp.	<del> </del>	Mulberry	90
Moringaceae	Moringa aptera Gaertn.	+		111
Moringaceae	Moringa arabica Pers.	<del> </del>		110
Moringaceae		+		111
Musaceae	Moringa pterygosperma Gaertn.	1.		
Musaceae	Musa paradisiaca L.	+	Banana tree	7.7.0.7.
Musaceae	Musa sepientum L.	-	Banana	7.7.0.7.
Myricaceae	Musa sp.	4		710
,	Myrica sapida Wall .= Myrica nagi Thunb		Box myrtle	1£1
Myristcaceae	Myristica aromatica Lam.			1.1
Myristcaceae	Myristica fragrans Houtt.		Common nutmeg	TT7 . T   ET .   . V . YA
Myrsinaceae	Aegiceras sp.			rr
Myrtacea	Balaustion sp.			101
Myrtaceae	Eugenia aromatica Baill.			rra
Myrtaceae	Eugenia caryophillata Thunb.	**	Clover tree	rra
Myrtaceae	Myrtus communis L.	*	Turemyrtle	۲۲، ۲۲
Myrtaceae	Myrtus sp.	٠.	Mangel	77
Myrtaceae	Psidium guajava L.	**	Common guava	77
Myrtaceae	Syzygium aromaticus (L.) Merr. = Eugenia caryophyllata Thunb = E. aromatica Kuntze. = Caryophyllus aromaticus Linn.		Clove tree	Y 17.7
Nymphaceae	Nelmbium nuciferum Gaer.	*	Hindu lotus	7.4
Nymphaceae	Nelmbium speciosum L .= Nelmmbium nuciferum Gaertn.	**	Chinese water lily	7.4
Nymphaceae	Nelumbium speciosum Willd.			٣٣.
Nymphaceae	Nuphar alba L.	+		797
Nymphaceae	Nuphar luteum L.	1.	European cow lily	750,797
Nymphaceae	Nymphaea alba L.	•	White water lily	TEO : TIV : Y9T : A.
Nymphaceae	Nymphaea coerulea L.		Yellow mexican water lily	rar
Nymphaceae	Nymphaea flava Leitner	†		797
Nymphaceae	Nymphaea indica?			797.71
Nymphaceae	Nymphaea lotus L.		White Egyptian lotus	70£ . 497 . 477 . 447 . A.
Nymphaceae	Nymphaea lutea L.	•		rar
Nymphaceae	Nymphaea nelumbo L.		European cow lily	rrvr

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Nymphaceae	Nymphaea sp.		Water lily	79
Nymphaceae	Nymphaea stellata Willd.			ro
Ochnaceae	Ochna sp.	1	Ochna	11
Oleacea	Mogorium sambac Lam. = Jasminum L.			rr
Oleaceae	Fraxinus excelsior L.	+-	European ash	TT1, KY1, FT7
Oleaceae	Fraxinus sp.	<del>                                     </del>	Ash	TV.
Oleaceae	Jasminum gradiflorum L.	**	Catalonian jasmine- spanish jasmine	r9-
Oleaceae	Jasminum officinale L.	**	Common jasmine	79
Oleaceae	Jasminum sambac (L.) Ait.	**	Arabian jasmine	799,771
Oleaceae	Jasminum sp.	_	Jasmine	74
Oleaceae	Olea europaea L.	1.	Common olive	17
Oleaceae	Olea oleaster L.	1		**************************************
Oleaceae	Phillyrea latifolia L.		Tree phillyrea	######################################
Oleaceae	Syringa sp.		Lilac	741
Onagraceae	Circaea lutetiana L.	+	Paris circaea	71.
Onagraceae	Circaea sp.	+	Enchanter's	TEE (TIT (T).
Onagraceae	<u> </u>		nightshade	1224111411.
Orchidaceae	Oenothera biennis L.		evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	ros
Orchidaceae	Aceras anthropophora Steud. = Orchis anthropophora (L.) Allioni		Man Orchid	110
Orchidaceae	Ophioxylon serpentium L.	$\vdash$		r)7
Orchidaceae	Ophrys apifera Huds.	•	Bee orchid	771
Orchidaceae	Ophrys sp.			720
Orchidaceae	Orchis anthropophora L.	$\vdash$		750,170
Orchidaceae	Orchis hircina Griseb.			177:170:9.
Orchidaceae	Orchis morio L.			
Orchidaceae	Orchis rubra Jacq.			788 1717 19 1 1A
Orchidaceae	Orchis sp.		Orchid; Orchis	170,19.41
Orchidaceae	Orchis undulatifolia L.			·
Orchidaceae	Serapias lingua L.	$\vdash$		<u> </u>
Orobanchaceae	Orobanche aegyptiaca Pers.	•		72 ( 177 )
Orobanchaceae	Orobanche caryophyllacea SM.  Orobanch vulgaris Poir.	•	Clove-scented broomrape	ر. ز.ب. رات، ۲۳۲
Orobanchaceae	Orobanche sp.	1	Broomrape	91.21
Orobanchaceae	Phelypaea coccinea Poir. = Anoplon coccineum (M.B.) H.Riedl			7.A : EV
Orobanchaceae	Phelypaea egyptiaca Walp.	<del>                                     </del>		7.1
Osmundaceae	Osmunda cinnamomea L.	<del>                                     </del>		179
Osmundaceae	Osmunda regalis L.	<b>├</b>	Royal fern	

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Oxalidaceae	Oxalis acetosella L.	*	Wood-sorrel; oxalis	15
Oxalidaceae	Oxalis corniculata L.	•	Creeping oxalis	170
Oxalidaceae	Oxalis sp.		Oxalis; Wood sorrel	) Y J"
Paeoniaceae	Paeonia corallina L.		Coral peony	777, 777
Paeoniaceae	Paeonia corallina Ret.			790
Paeoniaceae	Paeonia officinalis L.		Common peony	190
Paeoniaceae	Paeonia officinalis Retz.			777,777
Paeoniaceae	Paeonia wittmanniana Hart.			790
Palmaceae	Phoenix dactylifera L.	*	Date; Plum persimmon	771.171
Palmaeae	Cocos nucifera L.	**	Coconut palm	747.749
Pandalidae	Hetrocarpus santalinus L.			
Pandanaceae	Pandanus sp.		Screw pine pandnus	YEA . EO
Paoilionaceae	Psoralea bituminosa L.			۳٤٣،٢٠٣
Papaveraceae	Argemone sp.		Prickly poppy	EE
Papaveraceae	Chelidonium carniculatum L.			rvi
Papaveraceae	Chelidonium dodecandrum Forsk.			171
Papaveraceae	Chelidonium majus L.	*	Greater celandine	770,717,777,7.9,177
Papaveraceae	Glaucium corniculatum Curt.	*	Black-spot horn poppy;red celandine	701.747.747.175
Papaveraceae	Glaucium flavum Crantz.	*	Yellow horn poppy ; sea celandine	110
Papaveraceae	Glaucium luteum Scop.			701
Papaveraceae	Glaucium sp.		Horn poppy	rvī
Papaveraceae	Hypecoum procumbens L.	**	· ·	07
Papaveraceae	Papaver argemone L.	*	Fall daffodil	ÉÉ
Papaveraceae	Papaver rhoeas L.	•	Corn poppy ; Field poppy	3712 . 912 . 1.172 . 107
Papaveraceae	Papaver somniferum L.	*	Opium poppy	۱۳۱، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۳
Papaveraceae	Papaver sp.		Рорру	172
Papaveraceae	Romeria dodecandra Stapl .= Romeria hybrida (L.)DC.	•	Violt horned poppy	,7,
Papilionaceae	Alhagi camelorum Fisch.		Camel's-thorn	ודדו
Papilionaceae	Alhagi mannifera Desv.			7.7.11.
Papilionaceae	Alhagi maurorum Tourn. = Alhagi pseudalhagi (M.B.)Desf.			r.7.11.
Papilionaceae	Aloexylon agallocha Roxb.	1	Aloe Wood	717
Papilionaceae	Aloexylon agallochum Lou.		Aloe Wood	rro
Papilionaceae	Anagyris foetida L.	*	Mediterranean stinkbush	757 271 1 27 27 27
Papilionaceae	Anagyris sp.			r.1
Papilionaceae	Astragalus annulairis FORSSK.	*		118
Papilionaceae	Astragalus aristatus L.			rrv
Papilionaceae	Astragalus arnacantha M.			797.777
Papilionaceae	Astragalus boeticus L.	•	Swedish coffe	roi

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	Astragalus creticus Lam.			- marin
Papilionaceae	Astragalus fasciculaefolius	•		7
	Boiss.			·
Papilionaceae	Astragalus glaux L.		Tragacanth milk vetch	roc
Papilionaceae	Astragalus gummifera Lab.			٢٥١ ، ٢٣٣ ، ٨٥
Papilionaceae	Astragalus hamosus L.	*		. 0
Papilionaceae	Astragalus poterium L.			ודי, דוד, דדד
Papilionaceae	Astragalus sarcocolla Dym.			. 7
Papilionaceae	Astragalus sarcocolla L.			rer. r1.
Papilionaceae	Astragalus sesameus L.	•	*	£AT (£)
Papilionaceae	Astragalus sp.	+		۳۵۰ ، ۳۵۱ ، ۳۱۰
Papilionaceae	Astragalus tragcantha L.	+-+		۳۳۷،۳۱۳،۲۵۱،۲۳۱
Papilionaceae	Bonaveria securidaca Desv .=	<del>  </del>		
	Coronilla securidaca L. = Securigera coronilla DC. = Securigera securidaca (L.)Degen & Doerfler			, 74
Papilionaceae	Calycotom spinosa Lk .= Calycotome spinosa (L.) Link.		ginestra spinosa	mre 11 8
Papilionaceae	Cicer arietinum L.	•	Chick-pea; Gram chick-pea	۲۲۰،۱۲
Papilionaceae	Cladrastis sp. = Cladrastis lutea = Cladrastis kentukea		Yellowwood	17
Papilionaceae	Clitoria ternatea L.		Butterfly Pea	YY
Papilionaceae	Crotalaria juncea L.Q		Sunn crotalaria; Sunn hemp	IVI
Papilionaceae	Crotalaria retusa L.	**	•	722.101
Papilionaceae	Cytisus hypocistis L.			799,777,777
Papilionaceae	Cytisus lanigerus DC.			772
Papilionaceae	Cytisus scoparius Br.		Scotch cotton thistle	102
Papilionaceae	Cytisus spinosus Lam.			1£1
Papilionaceae	Dalbergia lanceolaria L.			
Papitionaceae	Dalbergia melanoxylon G.D.R.	╁─┼	African blackwood	
Papilionaceae	Dalbergia volubilis Roxb.	├──┼	1 Inform blackwood	**************************************
Papilionaceae	Dolichos biflorus L.	$\vdash$		VE . TV
Papilionaceae	<u> </u>	<del></del>	Uroninsh dalahar	709.111
Papilionaceae	Dolichos lablab L.  Dolichos lubia Forsk		Hyacinth dolchos	Y71
Papilionaceae	Dolichos sp.	<del>                                     </del>	Dolichos	۱۷۲، ۲ ۱۳، ۳۳۳
Papilionaceae	Dolichos uniflorus L.		Doneilos	111
Papilionaceae	<del></del>	-+		111
Papilionaceae	Dorycnium L.  Ebenoxylon verum Lour	$\vdash$		122 707 , 719,
Papilionaceae	Ebenus cretica L.			771
Papilionaceae				78
Papilionaceae	Ebenus L.			ויי. ויי. איי
Papilionaceae	Ebonytree (E) = Dalbergia sp.	$\vdash$	<u> </u>	)"t
Papilionaceae	Ervum ervillia L.  Ervum lens L. = Lens culinaris		Lentil; Cultivated	۳۳۰، ۲۰۶، ۲۰۳ ۳۳۰
	Medik. subsp. Culinaris		lentil	

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	Faba vulgaris Monch.		Broad bean	vr
Papilionaceae	Flemmigia rhodocarpo Bak.			190
Papilionaceae	Genista acathoclada DC.	1		TTE
Papilionaceae	Glossostemon bruguieri DC.		Sahlab	YAT
Papilionaceae	Glossostemon sp.			YAT
Papilionaceae	Glycryrrhiza glabra L.	•	Japan clover common lespedeza	۱۸۰، ۱۳، ۳۳۱
Papilionaceae	Guilandina boneculla Flem.			100
Papilionaceae	Hedysarum sp.		Sweet vetch-frenh honesuckle	750,717, 7.7,77
Papilionaceae	Indigofera sp.		Indigo	797
Papilionaceae	Indigofera tinctoria L.	**	True lavender	797.711
Papilionaceae	Laburnum vulgare Bercht. & Prsl.			T0 £
Papilionaceae	Lathyrus aphaca Tourn. & L.	•	Yellow vethling; Tare	rrr
Papilionaceae	Lathyrus sativus L.	1	Grass pea vin	1.8.177
Papilionaceae	Lathyrus sp.		Pea vine	177.1.5
Papilionaceae	Lens culinaris Medic .= Lens esculenta Monch.	•	Common lentil	r.v
Papilionaceae	Lens esculenta Monch.	•		۳۳۰،۲۰۷
Papilionaceae	Lotus ornithopodioides L.	$\dagger$		717
Papilionaceae	Lotus sp.		Deervetch; Bird's- foot trefoil	<i>"01."""</i>
Papilionaceae	Lupinus albus L.		White lupine	97
Papilionaceae	Lupinus angustifolius L	1	Blue lupine	٣٣٠ ، ٩٣
Papilionaceae	Lupinus pilosus Murr.	<del>                                     </del>	-	7"7"•
Papilionaceae	Lupinus sp.		Lupine	97
Papilionaceae	Lupinus termis Forsk.	+		۳۳۰ ۱ ۳۳۰ ۳۳۱
Papilionaceae	Medicago arborea Mill.		Tree medic; Tree alfalfa	Y£.
Papilionaceae	Medicago ciliaris Hook.	**	WALLE	71)
Papilionaceae	Medicago hispida Gaertn.	1	Califonia bur clover	791
Papilionaceae	Medicago intertexta L.	1	Horns and hedgehog	71)
Papilionaceae	Medicago littoralis Rhod.			Y4)
Papilionaceae	Medicago sativa L.	1.	Alfalfa	777,717,791,107
Papilionaceae	Medicago sp.		Medic	YEI
Papilionaceae	Melilotus officinalis Lam.	1	Yellow sweet clover	٣٣٩ ، ٣١٤ ، ٥٩ ، ٣٩
Papilionaceae	Melilotus parviflora	1 1		777
Papilionaceae	Melilotus sp.		Sweet clover melilot	177
Papilionaceae	Onobrychis viciaefolia Scop .= Onobrychis altissima Grossh.		Common sainfoin	٨١٣٠ ٤٣٣
Papilionaceae	Ononis antiquorum L.			TTV . 1 9A . 1A E
Papilionaceae	Ononis antiquorum L. = Ononis spinosa subsp. Antiquorum		Balomaga	דורי. דורי

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	Phaseolus communis Paritz.			ry
Papilionaceae	Phaseolus max L.	+		rv
Papilionaceae	Phaseolus mrabiatus L.	+		77
Papilionaceae	Phaseolus mungo L.	+	Mungo bean; Black	77
	Thaseorus mungo L.		gram	17
Papilionaceae	Phaseolus radiatus L.	**		TV
Papilionaceae	Phaseolus vulgaris L.	*	Kidney bean	TY
Papilionaceae	Pisum sativum L.	•	Garden pea	177.1.2.4
Papilionaceae	Pterocarpus santalinus L.		Sandlwood padauk; Lal - Chandan	19
Papilionaceae	Retama sp.		Retama	10
Papilionaceae	Scorpiurus sp.		Scorpoin's-tail; Caterpillar plant	10
Papilionaceae	Securigera coronilla DC .= Securigera securidaca (L.) DE. & DO.	*	Hatchet vetch	7.0°4.
Papilionaceae	Securigera securidaca (L.) DE. & DO.	1		T£0.V
Papilionaceae	Sesbania aegyptiaca Poir.	†	Peabush	14
Papilionaceae	Sesbania sp.	1-1	Sesbania	14
Papilionaceae	Sophora mollis Gr.	•	Himalayan laburnum	
Papilionaceae	Sophora sp.	† †	Pagoda tree	19
Papilionaceae	Spartium junceum L.		Weaver's-broom; Spanish broom	700,1
Papilionaceae	Spartium spinosum L.	1	Spainsii biooni	18
Papilionaceae	Trifolium alexandrinum L.			777,10
Papilionaceae	Trifolium arvense L.		Rabbit-foot clover; Hare's-foot	TEA . 177
Papilionaceae	Trifolium fragiferum L.		Strawberry clover	
Papilionaceae	Trifolium italicum Boiss.			<u> </u>
Papilionaceae	Trifolium melilotus-indica L.			79
Papilionaceae	Trifolium officinalis Willd.	<del>                                     </del>		
Papilionaceae	Trifolium pratense L.	1	Red clover	10
Papilionaceae	Trifolium sipyleum	<del>                                     </del>		سوسو
Papilionaceae	Trifolium sp.		Clover	791.Y+1
Papilionaceae	Trigonella coerulea Ser.		Blue-white trigonella	7A7.17
Papilionaceae	Trigonella corniculata L.			10
Papilionaceae	Trigonella elatior Sybth.			7.4
Papilionaceae	Trigonella foenum-graecum L.		Fenugreek trigonella; Fenugreek	rra.ir
Papilionaceae	Trigonella graeca Boiss.			mp.
Papilionaceae	Trigonella grandiflora Bunge.			171:00
Papilionaceae	Trigonella hamosa L.	f		177, 177, 27
Papilionaceae	Trigonella laciniata L.			10.
Papilionaceae	Trigonella sp.	<del>                                     </del>	Trigonella	17

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	Tripteris vaillantii L.			
Papilionaceae	Vicia cracca L.	*	Brid vetch; Cow	rrr.a
Papilionaceae	Vicia ervillia Willd.	•	Bitter vetch	TT. : 777 : 70£ : 70
Papilionaceae	Vicia faba L.	•	Broad bean	rr. ,v
Papilionaceae	Vicia onobrachioides L.			T £
Papilionaceae	Vicia sativa L.	*	Common vetch	777.97.9
Papilionaceae	Vigna catjang Walp		Catjang cowpea	TY
Papilionaceae	Vigna sinensis Endl.		Common cowpea	TV
Papilionaceae	Virgilia sp.	_	Ax plant	15
Pedaliaceae	Sesamum indicum L.	•	Oriental sesme	٣٢٩ ، ١١٦ ، ١٧
Pedaliaceae	Sesamum oleiferum Moench			- IV
Pedaliaceae	Sesamum orientale L .= Sesamum indicum L.	*		17
Penaeaceae	Penaea mucronata L.			7
Penaeaceae	Penaea sp.			J# 5 1
Periplocaceae	Periploca sp.	1	Silk vine	
Phalangida	Phalangium ramosum Lam.			757,717,77
Pinaceae	Cedrus deodara Loud.	**	Deodar cedar	151
Pinaceae	Cedrus libani Barrel.	**	Cedar Lebanon	777 . T. 9 . TTE . E E
Pinaceae	Cedrus libani Loud.	1 **		129
Pinaceae	Picea excelsa Link.	+-+	Norway spruce	770, 7.9, 197, 22
Pinaceae	Pinus cembera L.	+	Swiss stone pine	
Pinaceae	Pinus eldarica Medew.	+-+	5 Wise stone pine	199
Pinaceae	Pinus halepensis Mill.	+•-	Aleppo pine	197
Pinaceae	Pinus maritima Lam.	+	7 noppo pine	707.197.55
Pinaceae	Pinus nigra L.	**	Austrian pine	191
Pinaceae	Pinus orientalis Link.	++	Austrian pine	. 197
Pinaceae	Pinus pinea L.	+++	Italian stone pine	197
Pinaceae	Pinus sp.	+-+	Pine Pine	770,7.9.197
Pinaceae		++		197
Piperaceae	Pinus sylvestris L.	-	Scotch pine	111
Piperaceae	Peperomia sp.	+	Peperomia	771
Piperaceae	Piper aromaticum Lam.	+		73, 731, 277, 717, 777
Piperaceae	Piper betle L.	+	Betel pepper	۲۳۰ ، ۱۸٤ ، ۹۳
Piperaceae	Piper cubeba L.	+		7 69 .07
Piperaceae	Piper longum L.	**	Dist	777.127
Piperaceae	Piper nigrum L. Piper sp.		Black pepper	777, 779, 127, 277
Plantaginaceae	Plantago coronopus L.		Pepper Crowfoot;	771
	1 minago coronopus L.		Buckhorn plantain	וודי ודד
Plantaginaceae	Plantago major L.	•	Ripple-seed plantain-great plantain	Y79
Plantaginaceae	Plantago psyllium L.	•	Flaxseed plantain; Psyllium seed	ro1, r19, va
Platanaceae	Platanus orientalis L.		Oriental plant tree	777.7.9.157

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Platanaceae	Platanus sp.	+	Plant tree sycamore	Y1V.15
Plumbaginaceae	Plumbago europaea L.	+	·	760.7.
Plumbaginaceae	Plumbago rosea L.	+-		19
Plumbaginaceae	Plumbago zeylanica L.	<del> </del>		19
Plumboginaceae	Statice limoniuum L .= Limonium vulgare Miller			PEA . PT 17 . A 3 T
Podophyllaceae	Epimedium alpinum L.	+	Alpine willoweed	TEA 60
Podophyllaceae	Leontice chrysogonum L.	+	pine wittowood	
Podophyllaceae	Leontice leontopetalum L.	+-	Leon's leaf	<b>"</b> !
Polemoniaceae	Polemonium coeruleum L.		Greek-valerian polemonium	70 . 271. 1710 . TEA . TI.
Polemoniaceae	Polemonium Sp.		Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	1
Polygonaceae	Bistorta officinalis Rafin. = Polygonum bistorta L.		Common betony	7 :
Polygonaceae	Calligonum comosum L.	1 • 1	<del></del>	£
Polygonaceae	Calligonum sp.	++	Calligonum	
Polygonaceae	Lapathum aquaticum Scop.	+-+	- mangantani	
Polygonaceae	Polygonum amphibium L.	+++		171
Polygonaceae	Polygonum aviculare L.	+		YY.
Polygonaceae	Polygonum bistorta L.	╂╼╌┼	European bistort	. ۲۰ ۳ ۳ ٤٧ . ٣١٨ . ٢١١ . ٢٢٠
Polygonaceae	Polygonum equiestiforme Sibth.  = Polygonum equisetiformis Sibth.		European distort	711
Polygonaceae	Polygonum hydropiper L.		Marsh-pepper smartweed	371. 177. 717. 777. 377
Polygonaceae	Polygonum sp.		Knotweed	
Polygonaceae	Polygonum tinctorium Hort.			
Polygonaceae	Polygonum viviparum L.		Viviparous bistort	1/0
Polygonaceae	Rheum officinale Baill.		Medicinal rhubarb	70
Polygonaceae	Rheum palmatum L.		Sorrel rhubarb	108
Polygonaceae	Rheum rhaponticum L. (Rhubarbes)		Garden rhubarb	105
Polygonaceae	Rheum ribes L.	•	Cuvrant-fruited;	101
Polygonaceae	Rheum sp.		Rhubarb	109
Polygonaceae	Rhubarbes officinale Baillon.			108
Polygonaceae	Rhubarbes ribes?			108
Polygonaceae	Rumex acutus L.			75
Polygonaceae	Rumex aquaticus L.			
Polygonaceae	Rumex brettanica L.			<i>"EV : "IX : VI</i>
Polygonaceae	Rumex conglomeratus L.	* (	Clustered	
Polygonaceae	Rumex elbursensis Boiss.	•		177
Polygonaceae	Rumex hydrolapathum L.	<del>- ,</del>	Water dock	178,177,177
Polygonaceae Polygonaceae	Rumex lacerus Balb.			TT- :172:177 172
v. J Bonaccac	Rumex obtusifolius L.	* E	Bitter dock	178.17

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Polygonaceae	Rumex patientia L.	•	Potenc dock	۲۳۰،۱۲۳،۱۲
Polygonaceae	Rumex scutatus L.	•	French sorrel	17
Polygonaceae	Rumex vesicarius L.	•	Bladder dock; Bladder sorrel	17
Polypodiaceae	Aspidium aculeatum Smit .= Polystichum aculeatum		Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	ro.
Polypodiaceae	Aspidium lonchitis L.			TET . TIV . TV1 . 10V . 11E . 11
Polypodiaceae	Gymnogramma ceterach (L.) Spre.			75
Polypodiaceae	Polypodium vulgare L.	•	Common polypody; Wall fern	rov.rri.A.
Polypodiaceae	Scolopendrium hemionitis L.	† <u> </u>	VV 4611 10111	756
Polypodiaceae	Scolopendrium vulgare Sw .= Scolopendrium officinale Swartz = Phyllitis scolopendrium (L.) Newman		Hart's-tongue	T 60 . 61
Portulacaceae	Portulaca oleracea L.	•	Common pursiane	الم، اس
Portulacaceae	Portulaca sativa Ha.	$\vdash$	-	AT
Potamogetonaceae	Potamogeton natans L.			**************************************
Primulaceae	Anagallis arvensis L.	*	Scarlet runner bean	٢٣٥، ٦٢، ٢٥٥
Primulaceae	Anagallis coerulea Schreb.		Blue pimpernel	770,77
Primulaceae	Androsace lactea L.			TEO , TIY , YET
Primulaceae	Androsace sp.	*		YET:1.2
Primulaceae	Cyclamen europaeum L.		European cyclamen	۲۲، ۱۶۱ ۲۲، ۲۵، ۱۸۱، ۲۱۳، ۳۳۳
Primulaceae	Cyclamen graecum L.			
Primulaceae	Cyclamen hederaefolium Ait.			TTE () 70
Primulaceae	Cyclamen sp.		Cyclamen	۲۰۸،۱۳۰،۷۰۰ ۲۰۸،۱۳۰،۷۰۰
Primulaceae	Lysimachia vulgaris L.		Golden loosestrife	TEV. TIA. TVT. IVI
Proteaceae	Protea sp.		Purple rattlesnake root	72727727772777
Psyllidae	Psylla sp.		psylla	178
Pteridaceae	Pteris aquilina L.		Western bracken	rov
Pteridaceae	Pteris radiofa Mett.			747
Punicaceae	Punica granatum L.		Pomegranate	3.1.747, 747
Ranunculaceae	Anemone coronaria L.		Poppy anemone	٣٣٥، ٢١٦، ١٨٨
Ranunculaceae	Anemone hortensis L.			۸۸۱، ۳۳۰
Ranunculaceae	Anemone pulsatilla L.		Yellow Anemone	144
Ranunculaceae	Anemone sp.	_ +	Anemone	1111 1115
Ranunculaceae	Clematis cirhosa L.		Vernal clematis	707
Ranunculaceae	Clematis ochroleuca Poir.			7.0
Ranunculaceae	Coptis teeta Wall.			rvi
Ranunculaceae	Delphinium consolida L .= Consolida regalis S.F.Gray		Branchin larkspur	۳٤١
Ranunculaceae	Delphinium peregrinum L.			rei
Ranunculaceae	Delphinium semibarbatum Bie.	•		177

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ranunculaceae	Delphinium zalil Ait.	1		17
Ranunculaceae	Delphinum staphisagria L.	+		T00 : YA
Ranunculaceae	Helleborus alba L.	+		11
Ranunculaceae	Helleborus cyclophyllus Boiss.			To To
Ranunculaceae	Helleborus niger L.	<del> </del>	Christmas rose	
Ranunculaceae	Helleborus officinalis Salisb.	<del>                                     </del>	Cirristinas rosc	11
Ranunculaceae	Helleborus sp.	+	Hellebor	<b>"</b> 0
Ranunculaceae	Nigella sativa L.	+-	Nutmeg flower	11
Ranunculaceae		<del> </del>	Fennelflower	198,781
Ranunculaceae	Nigella sp.	+		19
Ranunculaceae	Ranunculus acris L.	ļ	Tall buttercup	
Ranunculaceae	Ranunculus aquatitis L.	<b> </b>	Water crowfoot	۳۳٥،۲٥
Ranunculaceae	Ranunculus arvensis L.		Corn buttercup	ro
Ranunculaceae	Ranunculus asiaticus L.		Persian buttercup	٨١، ٠٥٠، ٢٦٦، ١٩٤، ٤٣٣
Ranunculaceae	Ranunculus ficaria L.		Figroot buttercup	rr
	Ranunculus lanuginosus L.		Buttercup ficaria	ه، ۲۰۰
Ranunculaceae	Ranunculus muricatus L.	*		rr
Ranunculaceae	Ranunculus muricolus L.			ro
Ranunculaceae	Ranunculus repens L.			T E
Ranunculaceae	Ranunculus sp.		Buttercup; Crowfoot	17
Ranunculaceae	Thalictrum aquilegifolium L.		Columbne meadow rue	4
Ranunculaceae	Thalictrum flavum L.		Yellow meadow rue	70° (T)
Ranunculaceae	Thalictrum minus L.			ro
Ranunculacae	Aconitum anthora L.		Pyrenees monkshood	Y • £ 67.
Ranunculaeae	Aconitum erectum L.		monkshood	171.5
Ranunculaeae	Aconitum ferox Wall.			9
Ranunculaeae	Aconitum luridum Hook.			9
Ranunculaeae	Aconitum lycoctonum L.		Wolfsbane monkshood	ror.11°
Ranunculaeae	Aconitum napellus L.	**	Aconite monkshood	FAY PU 10
Ranunculaeae	Aconitum sp.	$\vdash$	Monkshood	۳۵۲، ۳۲۰، ۱۲۰
Ranunculaeae	Actaea sp.	•	Baneberry	97,73
Resedacae	Reseda alba L.	•	White mignonette	117
Resedacae	Reseda canescens L.		mgnoneuc	J• )
Resedacae	Reseda luteola L.	•	Weld mignonette	700
Rhamnaceae	T		weid mignonette	796
Chamnaceae	Paliurus aculeatus Lam.		Doliumus	777.7.9.177
Rhamnaceae	Paliurus sp.		Paliurus	1/4
Rhamnaceae	Rhamnus alatemus L. Rhamnus cathartica		Common alaternus	. 170
Rhamnaceae	Rhamnus infectoria L.	-+	Common buckthorn Persian berry	۲۱۷ (ד. ۲۱۰۷) ۲۱۷ (۳۲۷)
Rhamnaceae	Rhamnus tinctoria Waldst.		buckthorn	197
Rhamnaceae	Rhamnus zizyphus L.			Y12
Chamnaceae	Zizyphus jujuba Lam.			112

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rhamnaceae	Zizyphus lotus Lam.	*	African lotus	17
Rhamnaceae	Zizyphus sativa G.			71
Rhamnaceae	Zizyphus spina-christi Willd	•	Christ's thorn; Nubk tree	17.
Rhamnaceae	Zizyphus vulgaris L.	1	. vaon de	17, 777
Rhizophoraceae	Kandelia rheedii W. & A.		Mangrove	17
Rosaceae	Agrimonia eupatoria L.	†•	Agrimony	0, 39, 917, 917, 077, 937
Rosaceae	Agrimonia sp.	+		71
Rosaceae	Amygdalus amara Hayne	+		77
Rosaceae	Amygdalus communis L.	•	Almond	
Rosaceae	Amygdalus dulcis Mill.	<u> </u>		ry
Rosaceae	Amygdalus persica L.		Peach tree	1,7
Rosaceae	Armeniaca vulgaris Lam .=	<del>                                     </del>	Common apricot;	
	Prunus armeniaca L.		Apricot	<i>YA</i>
Rosaceae	Cerasus avium L.	+	Mazzard cherry;	77
Rosaceae		-	Gean; Sweet cherry	
Rosaceae	Cerasus mahaleb Mill.		Mahhlab	"
Rosaceae	Cotoneaster nigra Wahl.			19
Rosaceae	Cotoneaster nummularia Fich &			14
Rosaceae	Mey.		0.1	
Rosaceae	Cotoneaster spp.	-	Cotoneaster	Λ.
	Cotoneaster vulgaris L .= Cotoneaster integerrima Medicus			111
Rosaceae	Crataegus azarolus L.	*	Azarole hawthorn	, ۱۲۲ ، ۱۹۲ ، ۸۲۳ <i>و ۱۳۲۸</i>
Rosaceae	Crataegus lagenaria Fisch.			) 7 (
Rosaceae	Crataegus melanocarpa Bory & Chu.	•		17
Rosaceae	Crataegus monogyna Jacq .= Crataegus microphylla C.koch.	*	Single-seed hawthorn	, 71
Rosaceae	Crataegus orientalis Bieb.	•	Silver hawthorn	171
Rosaceae	Crataegus oxyacantha L.	•	English hawthorn; European hawthorn	777.771.177
Rosaceae	Crataegus pentaggyna (St Hil.) Eng .= Crataegus melanocarpa M.B.	*		171
Rosaceae	Crataegus pyracantha Medic.			771
Rosaceae	Crataegus sinaica Boiss.			9 2
Rosaceae	Crataegus sp.		Hawthorn	177
Rosaceae	Cydonia indica Spach	*		1/19
Rosaceae	Cydonia oblonga Mill.	•	Apple quince	177
Rosaceae	Cydonia semina = Pyrus			177
Rosaceae	cydonia L.  Cydonia vulgaris Delarbre = Cydonia Oblonga		(Kwee)	171
Rosaceae	Cydonia vulgaris Pers.		Common quince	۳۲۸،۳۱۰
Rosaceae	Docynia sp.			
Rosaceae	Filipendula ulmaria Maxim.		European meadowsweet	177
Rosaceae	Malus orientalis Ugli.	•	III-auowsweet	16

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	Mespilus pycnoloba C.Koch.			719
Rosaceae	Neurada procumbens L.	•	Garden fennelflower; Black cumin	JVT
Rosaceae	Persica vulgaris Mill.	•	Peach	174
Rosaceae	Potentilla reptans L.	*	Creeping cinquefoil	۹۸، ۹۶۳
Rosaceae	Poterium sanguisorba L .= Sanguisorba minor Scop.	*	Small bureat	٨٧١، ٧٥٧، ٩٤٣،
Rosaceae	Poterium sp.		Burnet	721
Rosaceae	Poterium spinosum L.			rea
Rosaceae	Prunus amygdalus communis L.		Protea	rvr
Rosaceae	Prunus amygdalus Stokes .= Amygdalus communis L.	*		אין, וויז, פייי
Rosaceae	Prunus amygdalus var. amara Focke			דרץ, ווד, דרץ
Rosaceae	Prunus armeniaca L.		Common apricot	777171
Rosaceae	Prunus avium L .= Cerasus avium (L.)Monch	*	Mazzard cherry	110
Rosaceae	Prunus cerasia Br.		Sour chery	۳۲۸،۳۱۰
Rosaceae	Prunus cerasifera Ehrh.		Myrobalan plum	750
Rosaceae	Prunus divaricata Led.	•	Wild myrobalan plum	711.21
Rosaceae	Prunus domestica L.	*	Gardan plum	TYA . Y71 . Y   Y   1   E + . Y   . E Y . E
Rosaceae	Prunus mahaleb L .= Cerasus mahaleb (L.)Mill.	•	Mahaleb cherry; St.lucy cherry	117
Rosaceae	Prunus persica Sieb .= Persica vulgaris Mill.	•	Peach	۳۲۸٬۳۱۰
Rosaceae	Prunus spinosa L.	•	Sole-blackthorn	٤١
Rosaceae	Pyrus amygdaliformis L.		Almond pear	rra
Rosaceae	Pyrus communis L.	•	Common pear	771 : VO: 1771 : OV: £1
Rosaceae	Pyrus communis var. akhras		-	۱ ۱۳۱ ، ۲۲۸
Rosaceae	Pyrus cydonia L.		Cydonia oblonga	IVY
Rosaceae	Pyrus germanica Hook.			177
Rosaceae	Pyrus germanica L.		·	771.177
Rosaceae	Pyrus malus L .= Malus orientalis Ugl.	*	Appel	39, 17, 27
Rosaceae	Pyrus sorbus Gaertn.		***************************************	TYA TY.
Rosaceae	Rosa alba L.		Cottage rose	Y12
Rosaceae	Rosa anserinaefolia Boiss .= Rosa beggeriana Schrnk	•	Begger rose	157
Rosaceae	Rosa canina L.	•	Dog-rose	777,798,79.
Rosaceae	Rosa centifolia L.	**	Cabbage rose	795.157
Rosaceae	Rosa cinensis Jac.	$\vdash$	-	Y9£
Rosaceae	Rosa damascena Mill.	•	Domask rose	798.187
Rosaceae	Rosa gallica L.	**	French rose	798.187
Rosaceae	Rosa indica L.		Chines rose	Y1£
Rosaceae	Rosa lutea Bort. = Rosa foetida Herrm	•	Austrian briar rose	rrv

FAMILY SCIENTIFIC NAME ΪN COMMON NAME PAGE NUMBER IRAN Rosaceae Rosa maialis Desf. Y19 Rosaceae Rosa moschata Herrn. Musk rose 79. Rosaceae Rosa sempervirens L. Evergreen rose 777 Rosaceae Rosa sp. Rose TTY (T1. (795 Rosaceae Rubus fruticosus L. European blckberry TV9 . TIT Rosaceae Rubus idaeus I... Red raspberry TE9 LYIT Rosaceae Rubus sanctus Schreb. European raspberry 717 Rosaceae Rubus sp. Raspberry TIVATIF blackberry Rosaceae Elm-leaved Rubus ulmifolius Schott .= 729 Rubus anatolicus blackberry (Focke)Fock&Wauss. Rosaceae Sanguisorba officinalis Garden carrot 729 Rosaceae Bloodroot Sanguisorba sp. 729 Rosaceae Sorbus aucuparia L. =Sorbus 77. boissieri Sch. Rosaceae Sorbus boissieri Schn. 77. Rosaceae Sorbus domestica L. Serviceberry; TYA .YY. Juneberry Rosaceae Sorbus Pyrus Crantz 77. Rosaceae Sorbus sp. Mounthain ash 77. Rosaceae Sorbus torminalis (L.) Crantz Checker-tree 717 mountain ash Rosaceae Spiraea filipendula L. 728 Rosaceae Thus oxycantha = Crataegus Hawthorn; English 771 laevigata (Poiret) De Candolle= hawthorn; May Crataegus oxycantha L. flower; whitethorn: haw; quickthorn Rubiaceae Galium aparin L. Catchweed: TEY . TIO . TY. . 00 Catchweed bedstraw ;cleavers Rubiaceae Galium sp. Bedstraw 719 Rubiaceae Galium verrucosum Spr. TEY Rubiaceae Galium verum L. Yellow bedstraw TOT. TT. 119 Rubiaceae Nauclea sp. 77. Rubiaceae Randia dumetorum L. Malabar randia 1.9 Rubiaceae Randia sp. 108 Rubiaceae Rubia cordiifolia L. 77. Rubiaceae Rubia tinctorium L. retitr. Rubiaceae Uncaria gambier Bengal gambir plant 77. Rutacea Aegle marmelo Cor. Bael fruit; Bel 177.19.10 golden apple Bengal Rutaceae Amyris elemifera L. Galangal ; Java 777 galangal: Galingale Rutaceae Amyris gileadensis L. 17 Rutaceae Amyris kataf Forsk. 240.144 Rutaceae Amyris myrrh Hafal. 270 Rutaceae Amyris opobalsamum 710

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rutaceae	Amyris sp.	<b>†</b>	Torchwood; Balsam shrub	<b>PY</b>
Rutaceae	Citrus amara Link.		Sour orange; Seville orange	ra
Rutaceae	Citrus aurantifolia Sw .= Citrus	•	Scyline triange	YY£ 6£
Rutaceae	Citrus aurantium Lou.& Auc.	•	Sour orange;	YA
Rutaceae	Citrus bigaradia Lois .= Citrus	•	Seville orange	YA.
Rutaceae	Citrus limonum Risso		Lemon	
Rutaceae	Citrus medica L.	•	Cloza	TVE iE
Rutaceae	Citrus medica Risso		Cloza	TVE .E.
Rutaceae	Citrus medica Risso var. cerata			TV:
Rutaceae			C	۳۲۸ ، ۳۱۰ ، ۶۱
Rutaceae	Citrus sp.		Citrus	TV
Rutaceae	Citrus vulgaris Riss.		Sour orange; Seville orange	YAS
	Fagara sp.			771
Rutaceae	Ruta graveolens L.		Common rue-herb of grace	779.177
Rutaceae	Ruta hortensis Mill.			174
Rutaceae	Ruta montana L.			. ۱۵، ۱۲۸، ۱۳۶۶ ۳۳۹
Rutaceae	Ruta sp.		Rue	
Rutaceae	Ruta tuberculata Fisch .= Haplophyllum versicolor Fisch&C.AMey.	*		17.7
Rutaceae	Xanthoxylon avicenne DC. = Zanthoxylum piperitum DC.		Aniseseed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	rrr
Salicaceae	Populus alba L.	*	White poplar	777,177
Salicaceae	Populus euphratica L.	•	Willows	YY.
Salicaceae	Populus nigra L.	•	Black poplar	
Salicaceae	Populus sp.		Poplar Poplar	٨٠١، ١٢٢، ٢٢٦
Salicaceae			1 ohiat	) YV
Salicaceae	Salix acmophylla Boiss.	•		ITV
Salicaceae	Salix aegyptiaca Forsk.		Egyptian willon	177.11.
Salicaceae	Salix alba L.		White willow	ITV
Salicaceae	Salix australior Forbes = Salix excelsa S.G.GM.			Irv
	Salix babylonica L.	•	Babylon weping willow	rrv. rr 1 mv
Salicaceae	Salix balchia			150
Salicaceae	Salix caprea L.		Good willow	) rv
Salicaceae	Salix fragilis L.		Brittle willow	Irv
Salicaceae	Salix rosmarinifolia L.			
Salicaceae	Salix safsaf Forsk	-+		177
alicaceae	Salix sp.		Willow-osier	177
alvadoraceae	Salvadora indica Royle		Niepa bark tree	YY. 4TYV
alvadoraceae		•	Kikuel oil plant; Mustard- seed	ξr τοεr

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Santalaceae	Osyris alba L.	1		
Santalaceae	Santalum album L.	+		
Santalaceae	Santalum sp.	+	Sandalwood	
Sapotaceae	Mimusops schimperi Hochst.= Mimusops laurifolia (Forssk.) I.Friis		Sandawood	79 . 777 . P
Saxifragaceae	Parnassia palustris L.		Wide-world parnassia	re
Saxifragaceae	Philadelphus sp.		Mock orange	11
Scrophulariaceae	Anthericum graecum L.			re
Scrophulariaceae	Anthericum ramosum L.	+		
Scrophulariaceae	Antirrhinum asarina L.	†		
Scrophulariaceae	Antirrhinum majus L.	*	Common snapdragon	rov.rr7
Scrophulariaceae	Gratiola officinalis L.		Drug hedge hyssop	1.
Scrophulariaceae	Linaria elatine Mill.		Sharp pointed fluellin	759,719,77
Scrophulariaceae	Linaria spuria Mill.			. re
Scrophulariaceae	Linaria vulgaris Mill.	1	Butter and eggs	77
Scrophulariaceae	Pedicularis tuberosa Vill.	+	~	7.5
Scrophulariaceae	Scrophularia aquatica L.= Scrophularia umbebrosa Dumort.	•	Water-betony	17
Scrophulariaceae	Scrophularia chrysanthemifolia L.			r:9.1v
Scrophulariaceae	Scrophularia lucida L.	<del>                                     </del>		
Scrophulariaceae	Scrophularia peregrina L.	$\vdash$		<u> </u>
Scrophulariaceae	Verbascum nigrum L.	<del>                                     </del>	Black mullein	ro
Scrophulariaceae	Verbascum plicatum Sibth.	<del>                                     </del>	Didox Mariem	9.,00
Scrophulariaceae	Verbascum sinuatum Desc.	-	Mediterranean hrb	ro
Scrophulariaceae	Verbascum sp.		elder; Danewort Mullein	
Scrophulariaceae	Verbascum thapsus L.	•	Flannet mullen;	70£,4Y0,49.4Y
Scrophulariaceae	Veronica officinalis L.		Great mullein Drug speedwell	N. M.
Scrophulariaceae	Veronica teucrium L.	$\vdash$		771
Scrophulariaceae	Vesicaria gnaphaloides Boiss.  = Veronica viscose Boiss.	•		15
Solanaceae	Atropa mandragora L.			
Solanaceae	Capsicum frutescens L.		Spanish pepper;	ror .r rra .1 £1
olanaceae	Capsicum minimum Rox.		Bush red pepper	A. A.
olanaceae	Capsicum sp.		Red pepper	791
olanaceae	Datura fastuosa L.		popper	777
olanaceae	Datura metel L .= Datura innoxia Miller	•	Hindu datura	۲۸۰،۱۰۹
olanaceae	Datura stramonium L.	•	Jimso-weed datura	Au
olanaceae	Digitalis aegyptiaca			roy .1.9
olanaceae	Hyoscyamus albus L.			۳٤٩ ۸۸، ۲۰۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Solanaceae	Hyoscyamus aureus L.	1		
Solanaceae	Hyoscyamus niger L.	•	Black henbane sticking-roger	ro1 .191 .A.
Solanaceae	Hyoscyamus reticulatus L.	+	bucking roger	
Solanaceae	Hyoscyamus Sp.	+-		اس، اهم
Solanaceae	Lycium afrum L.	+		, -, 1, , , , , , , , , , , , , , , , ,
Solanaceae	Lycium europaeum L .=	+		<u> </u>
	Lycium edgeworthii Dun.			,
Solanaceae	Lycium sp.		Wolfberry; desert	717.17
Solanaceae	Mandragora officinarum L.			ror .rrrrv17
Solanaceae	Mandragora sp.		Mandrake	rv
Solanaceae	Mandrgora offiicinarum L.	**		15
Solanaceae	Physalis alkekengi L.	*	Strawberry; Alkekengi	ror . r £ 9 . r 1.
Solanaceae	Physalis somnifera L.	1	7 HRCRCHIGH	ro
Solanaceae	Solanum indicum L.= Solanum indicanum L.	*		ν,
Solanaceae	Solanum melongena L.	1.	Garden agg plant	YATAY
Solanaceae	Solanum nigrum L.	+.	Black nightshade	
Solanaceae	Solanum sodomum L.	+	Diack inglishade	707,710,10.
Solanaceae		+.	D	<u> </u>
Solanaceae	Solanum tuberosum L.		Potato	ro
Solanaceae	Streptosolen sp.			r.1
Solanaceae	Withania coagulans Dunal	*	Cheese-maker; Puneer cardaoms	75
	Withania somnifera Dunal.	*	Clustered winter cherry	1.
Sparganiaceae	Sparganium ramosum Huds.			TEA . TI 9 . 1A
Sterculiaceae	Cola acuminata Sch .= Sterculia acuminata		Sudan colanut	17"
Sterculiaceae	Helicteris isora L.	*	Indian screw tree; Isora	701
Sterculiaceae	Sterculia acuminata Beauv.		10014	1./
Styracaceae	Styrax officinale L.	tt	Drug snowbell	770, 777, 777, 777, 7.077
Tamaricaceae	Tamarix articulata Vahl.= Tamarix aphylla(L.)Kay.	**		. TY7 . Y . Y . OV . E .
l'amaricaceae	Tamarix gallica L.	1	French tamarsk	777.7.7.E.
l'amaricaceae	Tamarix gallica L. var. mann?			·· <u>···································</u>
Tamaricaceae	Tamarix niloticaa Ehr & Bung.	<del>                                     </del>		<u> </u>
Tamaricaceae	Tamarix orientalis Forsk.	$\vdash \rightarrow$		٤٠
amaricaceae		-	Five-stamen	٤٠
	Tamarix pentandra Pall.= Tamarix ramosissina Led.		tamarisk	7.7
amaricaceae	Tamarix sp.		Tamarisk	Y. Y. E.
amaricaceae	Tamarix tetrandra Guebh.	•	Four stamen tamarisk	Y.Y
axaceae	Taxus baccata L.	_	English yew	ror (199 (19 ( 171 (100
heaceae	Thea sinensis L.	$\neg \uparrow$	Common tea; chinese tea	19
helygonaceae	Thelygonum cynocrambe L.		cimicse ica	<u> </u>

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Thymelaceae	Daphne angustifolium C.Koch = Daphne mucronta Royle	1		YV.
Thymelaceae	Daphne cnidium L.		Rose daphne	rovirv
Thymelaceae	Daphne gnidium L.			TYV . 700
Thymelaceae	Daphne mezereum L.	•	February daphne	700,770,77
Thymelaceae	Daphne oleoides Schr.	*		770,17
Thymelaceae	Daphne tartonrarira L.			7.4
Thymelaeacae	Agallochum sp . = Aquilaria agallicha		Aloes wood, Eagle	0;
Thymelaeaceae	Aquilaria malaccesssis Lam.		Agarwood	717
Thymelaeaceae	Mezereum officinal C.A.Mey.			TVC
Thymeliaceae	Thymelaea hirsuta Endl.			TYV
Thymeliaceae	Thymelaea mezereum Scop.			YYO
Thymeliaceae	Thymelaea tartonraira Endl.			7.4
Tiliaceae	Grewia bicolor Just.		White Raisin	Y9.
Tiliaceae	Grewia populifolia L.			7/19
Tiliaceae	Tilia rubra De. & T.			177
Tiliaceae	Tilia silvestris Desf.	+	Little-leaf-linden	177
Tiliaceae	Tilia sp.	1	Lindelofia	177
Trapaceae	Trapa natans L.	1	Water chestnut	114
Trilliaceae	Paris incompleta Bieb.		Jorusalem thorn;	710
Tropaeolaceae	Tropaelum majus L.		Tropae	770
Typhaceae	Typha angustata L. = Typha australis Sch.&Th.	*	Narrow-leaved cattail	788
Typhaceae	Typha latifolia L.	•	Common cattail	755.717.7.5
Ulmaceae	Celtis australis L.	•	European hackberry	777.777
Ulmaceae	Celtis sp.		Haircap moss	747
Ulmaceae	Ulmus campestris L.	•	English elm	777.127.15
Ulmaceae	Ulmus effusa Sibth.		Spreading	140,155
Ulmaceae	Ulmus glabra L.	•	Scoth elm; wych elm	1.41
Ulmaceae	Ulmus minor Mill.	*		797
Ulmaceae	Ulmus montana With.		Scoth elm; wych elm	140,188
Ulmaceae	Ulmus sp.			110.155
Ulmaceae	Zelkova crenata Spac.= Zelkova carpinifolia	*	Zelkova elm of Siberia	ro
Umbeliferae	Athamanta cretensis L.			151.111.1.7
Umbeliferae	Athamanta macedonica L.			771
Jmbeliferae	Athamanta oreoselinum L.			708
Jmbeliferae	Athamanta sp.			TE1
Jmbeliferae	Bunium bulbocastanum L.			1.1
Jmbeliferae	Buphthalmum speciosissimum Ard.			710
Jmbeliferae	Bupleurum fruticosum L.	$\vdash$	Shrub thoroughwax	78. 111 111

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbeliferae	Bupleurum rotundifolium Scho.	1	Round-leaved th Round-leave hare's-	,
Umbeliferae	Bupleurum sp.	+	ear; thoroughwax Oxyeye	
Umbeliferae	Cachrys libnotis L.	┼	Oxycyc	) 1
Umbeliferae	Carum ammioides Benth.	ļ		اس، اعت
Umbeliferae	Carum ammioides Benth.	╂		14
Umbeliferae	Carum bulbocastanum Koch.	<del>├</del>		,
Umbeliferae	Carum carvi L.		Co	γ.
Umbeliferae		<u> </u>	Caraway	ه، ۲۲۲، ۱۳۱۶، ۳۶۰
	Carum copticum Ben .= Trachypermum copticum (L.)Link		Ajowan caraway	WE+ 1719 177
Umbeliferae	Carum petroselinum Benth. & Hook.			ه، ۲۲۲، ۱۵، ۱۶۳
Umbeliferae	Caucalis maritima L.			
Umbeliferae	Caucalis orientalis (L.) RE .= Astrodaucus orintalis(L.)Drude			777, T1
Umbeliferae	Chaerophyllum sp.		Chervill	
Umbeliferae	Conium masculatum L.	•	Poison hemlock	
Umbeliferae	Coriandrum sativum L.	•	Coriader	۲۰۱، ۲۰۱، ۲۰۱، ۳۵۲
Umbeliferae	Coriandrum sp.		Coriader	TE 70
Umbeliferae	Daucus carota L.	<del>-</del> -	Wild carrot	70
Umbeliferae	Daucus gingidium L.		wild carrot	TE. 1181.1.7.01
Umbeliferae				rr 211 21.1
Umbeliferae	Daucus guttatus Sib. & Sm.	-		TE.
Umbeliferae	Dorema ammoniacum Don.  Dorema spp.		Bombay sumbul	10,017,017,737
Umbeliferae	Echinophora tenuifolia L .= Echinophora sibthorpiana Guss.	•	Sumbul	۱۰ ۱۱۱، ۱۲۰، ۳۳۹، ۳٤۰
Umbeliferae	Eryngium campestre L.	-+	Snakeroot eryngo	
Umbeliferae	Eryngium coeruleum?	+	Shakeroot eryngo	TTV TIT . 197 . 111 . 97 . 15 . 0 .
Umbeliferae	Eryngium creticum L.			Y1.
Umbeliferae	Eryngium maritimum L.		C 1 - 11	٠٥، ١٤٤، ١٩٢، ١٢٠، ٢٣٦
Umbeliferae	Eryngium planum L.		Sea-holly eryngo	Y7 £
Umbeliferae	Foeniculum vulgare Mill.		<u></u>	rrv
Umbeliferae	Heracleum spondylium L.	7	Common fennel Hogweed cow	۸۷، ۱۵۳ ، ۱۶۳ ۱۷۱، ۲۰۹، ۱۶۳
Umbeliferae	Hippomarathrum libanotis Koch.	_ _	parsnip	781,710,107
Umbeliferae	Seseli ammoides L.	+ 5	Seseli; Meadow	
U <b>mbeliferae</b>	Seseli tortuosum L.	<del>-   `</del>	,	#£1"
Umbelifetae	Ferula assafoetida L.	-+,	Asafetida giant	re. rie crea ciar city
Umbelifetae	Ferula communis L.	- f	ennel Common giant	TEY (17) (70 , 0)
Umbelifetae	Ferula ferulago L.	-   f	ernel	
Jmbelifetae	Ferula galbaniflua Boiss. &			TEY avy
<del></del>	Bus .= Ferula gumosa Boiss.			727.727.1.1.VY
Jmbelifetae	Ferula gumosa Boiss.	+ 6	albanum plant	
			prant	r

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelifetae	Ferula marmarica	+-		
Umbelifetae	Ferula narthex Boiss.	1		7
Umbelifetae	Ferula nodiflora L.			<u> </u>
Umbelifetae	Ferula nodosa Benth & Hook.			
Umbelifetae	Ferula opopanax Spreng.	<del></del>		****
Umbelifetae	Ferula orientalis L.	-		<u> </u>
Umbelifetae		<del>  •</del>	De la Cala	T' {
Umbelifetae	Ferula persica Willd.	+.	Persian asafetida	TET . 1 V
Umbelifetae	Ferula rubricaulis Boiss.			YET LY
Umbelifetae	Ferula saapenum Polack Ferula scordosma Benth &	-		17
	Hook			17
Umbelifetae	Ferula scowitziana D.C.	1		rer ilv
Umbelifetae	Ferula sumbul Hook.	-		
Umbelifetae	Ferula tingitana L.	+		70.
Umbelliferae			F12	Τε
	Aethusa cynapium L.		Fool's-parsley aethusa	19
Umbelliferae	Ammi copticum Boiss.	1	demasa	YA
Umbelliferae	Ammi visnaga (L.) Lam.	1.	Bishop's Flower;	
11 1 11 11 11 11 11 11 11 11 11 11 11 1	· Zamii vishaga (E.) Edili.		Visnaga	re ra
Umbelliferae	Anethum graveolens L.	•	Dill	75. 4715.116.114.91
Umbelliferae	Angelica sylvestris L.		Angelika, Echte Brustwurzel	78
Umbelliferae	Anisum stellatum L.			
Umbelliferae	Anisum vulgare Gaertn.	1		71
Umbelliferae	Apium Gr.	$\dagger$	Celery	702
Umbelliferae	Apium graveolens L.	1 - 1	Wihd celery	
Umbelliferae	Apium petroselinum L .= Petroselinum sativum Hoffm.		Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc	761, 102 702
Umbelliferae	Apium vulgare L.	┼┼	Parsley	
Umbelliferae	Cicuta virosa L . = Selinum virosum (L.) E.H.L. Krause		European water hemlock; Wasserschierling, Borstenkraut	19)
Umbelliferae	Crithmum maritimum L.		Samphire	
Umbelliferae	Dorema ammoniacum Don.		Gummi-resina	۵۰۱، ۲۱۱، ۳۳۱ ۲۵
Umbelliferae	Feniculum sp.		ammoniacum Fennel	
Umbelliferae	Lagoecia cuminoides L.	<del>                                     </del>		107
Umbelliferae	Laserpitium silver L.	$\vdash$		۲۲۰،۲۲۲
Umbelliferae	T	<del>  •  </del>	Gordon Io	170,117
Umbelliferae	Levisticum officinale Koch.  Ligusticum levisticum L .=  Levisticum officinale		Garden lovage Lovage	711, 127, 307, 317, .37 05, 127
Umbelliferae	Liserpitium siler L.			
Umbelliferae				TE.
Umbelliferae	Malabaila pumila Rois.	-		144
Umbelliferae	Malabaila secacul Russ.  Meum athamanticum Jack			111
Umbelliferae	†			275,200
	Myrrhis odorata Scop .=		Sweet cicely	٣٥٤ ، ٣٤٠ ، ٣٢٦

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelliferae	Scandix odorata			
	Opopanax chironium Koch.			rrq.1.
Umbelliferae	Opopanax hispidus Griseb.			rr
Umbelliferae	Passeina hirsuta L.			7" 5
Umbelliferae	Pastinaca graeca?			75
Umbelliferae	Pastinaca sativa L.	1	Garden parsnip	٠١، ١٥٦، ١٥٩، ١٨١، ٣٣٠
Umbelliferae	Pastinaca schekakul Russ.	+		
Umbelliferae	Pastinaca secacul Russ .= Malabaila secacul (Miller)Boiss. Susp. Secacul			1.
Umbelliferae	Petroselinum oreoselinum L. = Peucadanum oreoslinum (L.) Moe.			ro
Umbelliferae	Petroselinum sativum Hoffm.	1.	Common garden parsly	Yo
Umbelliferae	Peucedanum ammoniacum?	† †	parsiy	r.
Umbelliferae	Peucedanum cervaria L.	+	Much-good	
Umbelliferae	Peucedanum officinale L.	+ +	Common hog's-fenel	۳٤ . ۳٤٠ . ۳٤١ ۲٤١ ، ۳٤١ . ۳٤١ . ۳٤١ . ۳٤١
Umbelliferae	Peucedanum oreoseinum Moench.		Mountain parsley	اع ۲۱ تا ۱۵ تا
Umbelliferae	Peucedanum sativum Benth.	+-+		
Umbelliferae		++	Anise	1.8
Umbelliferae	Pimpinella anisum L.	+	Allise	75.39,317,.77
Umbelliferae	Pimpinella dioica L.  Pimpinella dissecta Polli. =  Pimpinellarhodantha Boiss.	-		ros
Umbelliferae		<del>                                     </del>		
Umbelliferae	Pimpinella trgium Vill.	-		ޕ1
Umbelliferae	Prangos ferulacea L.			TE1
Umbelliferae	Prangos pabularia L. Ptychotis verticellata Duby	<u> </u>	Hay plant	Y05.Y1
Umbelliferae	Scandix pecten veneris L.		Shepherd's-needle- lady's-comb;	ויז ו,ויז, זייד
Umbelliferae	Selinum galbanum		Venus's-comb	
Umbelliferae	Selinum officinal			
Umbelliferae	Sison ammi Jac .= Trachyspermum copticum (L.)Lin.	•		
Jmbelliferae	Sison amomum L.			۳٤٠، ۳۱٤، ۲۲۰
Jmbelliferae	Sium latifolium L.			۲۰۱، ۱۸۲، ۲۵۲، ۲۵۲، ۱۱۳، ۱۳۳
Umbelliferae	Sium nodiflorum L.			Tr.
Jmbelliferae	Sium sisarum L.		Skirret water parsnip	FF. (F11 (1A)
Jmbelliferae	Smyrnium dioscoridis Spreng.			TE1
Jmbelliferae	Smyrnium olusatrum L.			T£1 . T10 . Y0£
Jmbelliferae	Smyrnium perfoliatum L.			TE1. 40 £
Jmbelliferae	Smyrnium sp.		Alexanders	· _ · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
Jmbelliferae	Thapsia garganica L.			
Jmbelliferae	Tordilium officinale L.			700 11 AT 1:007

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelliferae	Torilis leptophylla Reichb.	1		
Umbelliferae	Trachyspermum copticum Link. = Trachyspermum ammi (L.) Sprague			7
Umbelliferae	Tragium columnae Spreng.	<del> </del>		
Umbelliferae	Trodylium ackakul	<del>                                     </del>		۲۰، ۱۹،۲۰
Umbliferae	Cuminum cyminum L.	•	Cumin	1A 77, 0710, 77
Urticaceae	Parietaria cretica L.	<del>                                     </del>		ror.119.r
Urticaceae	Parietaria diffusa L.	$\vdash$		
Urticaceae	Parietaria officinalis L.		Wall pellitory	1)
Urticaceae	Parietaria sp.	<del>                                     </del>	Pellitory	, r
Urticaceae	Urtica dioica L.		Big-sting nettle; Sting nettle	7
Urticaceae	Urtica pilulifera L.	•	Roman nettle	707,717,7
Urticaceae	Urtica sp.		Nettle family	7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7 7
Urticaceae	Urtica urens L.	•	Dog nettle	7,007,707
Uvulariaceae	Uvularia amplexifolia L.	1	-0	
Valerianaceae	Nardostachys jatamansi DC.	*		70 - 67 11 : AVI : AA7 : P - 71 : 377
Valerianaceae	Nardostachys sampharitke?			
Valerianaceae	Valeriana celtica L.			Y 17,
Valerianaceae	Valeriana dioscorides Sibth.			الان ملان ممان عام
Valerianaceae	Valeriana hardwickii Wal.			(VI. PYY. KKY. 377
Valerianaceae	Valeriana jatamansi DC.			£ :
Valerianaceae	Valeriana jatamansi Jone.	$\dashv$	Nard	
Valerianaceae	Valeriana montana L.		Mountain valerian	111
Valerianaceae	Valeriana officinalis L.		Common valerian	****
Valerianaceae	Valeriana phu L.	<del>-  </del>	Common valerian	7AA . 779 . 1 VA . 1 VV
Valerianaceae	Valeriana sp.	ı	Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	7AA . 174 VVI. 177. AA7
Valerianaceae	Valeriana spica Vahl.			YAA
Valerianaceae	Valeriana tubereuse Sprun.			772 . 1 YY
Valerianaceae	Valeriana wallichii DC.	-	Indian Valerian	YAA
Verbenaceae	Premna latifolia Roxb.	$\neg \uparrow$		
Verbenaceae	Tectonia grandis L.		Teca	
Verbenaceae	Tectonia sp.	+	Teak	177
Verbenaceae	Verbena officinalis L.		Eurpean verbena	711 77, 701, 107, VT
Verbenaceae	Verbena sapina L.	$\neg +$		ro1:19
Verbenaceae	Verbena sp.		Vervain	701,107
Verbenaceae	Vitex agnus-castus L .= Vitex Pseudo-negundo (Haus.)Hand- Mzt.	• 1	Lilac chaste; Agnus castus	(197:109:100:17. 107:2) TYY:T1.
Violaceae	Viola cinerea Boiss = Viola behboudiana Rech.F.&Esfa	•		AT
Violaceae	Viola odorata L.	_   \	/iolet; sweet	70£. 19

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Violaceae	Viola serpens Wa.			<u> </u>
Violaceae	Viola sp.	+	Violet	
Violaceae	Viola sp.  Viola tricolor L.		Wild pansy	<u> </u>
Vitaceae	Cissus sp.	+-	Treebine	
Vitaceae			riccome	17
Vitaceae	Cissus vitiginea L. Vitis repanda Wight			rre.11
Vitaceae	Vitis vinifera L.	+	Eropean grape;	17
	Vitis viillera L.		Vine grape	17,001
Vitidaceae	Saelanthus quadragonum Forsk.			17
Zingiberaceae	Alpinia galanga (L.) Will.		Great	11
Zingiberaceae	Alpinia khulanjan (L.) Will.			7 7
Zingiberaceae	Alpinia officinarum Hance	**	Galangal	1,90
Zingiberaceae	Alpinia sp.			17
Zingiberaceae	Amomum cardamomum L =	$\top$	Tooth pick ammi;	17.
	Amomum compactum Sol. ex Maton = Elettaria cardamomum		Bishop's-weed	
	(L.) Maton			
Zingiberaceae	Amomum granum-paradisi L. = Aframomum granum-paradisi K. Schum			797.777.1.,
Zingiberaceae	Amomum racemosum L.	1 1		17
Zingiberaceae	Amomum racemosum Lam.			۳۲۶،۳۰
Zingiberaceae	Amomum repens Son.	$\vdash$		· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
Zingiberaceae	Amomum sp.	$\vdash$		Yrı
Zingiberaceae		<del></del>		797.77
	Amomum zerumbet L .=  Zingiber zerumbet (L.) Smith =  Zingiber officinale Roscoe			, , ,
Zingiberaceae	Amomun melegueta Ros .= Aframomum melegueta K. Schum.		·	יין, דיין, דרי
Zingiberaceae	Cardamomum sp .= Elettaria cardamomum (L.) Maton = Amomum cardamomum L.		cardamom	r. 9 . rr
Zingiberaceae	Costus albus A.Chev			779
Zingiberaceae	Costus amarus Rad.			Yma
Zingiberaceae	Costus arabicus L.			779
Zingiberaceae	Costus speciosus Sm.	$\vdash$	Crape Ginger	77 £ 17 · 9 · 779
Zingiberaceae	Curcuma aromatica Salisb.		Curcuma; Status(es) (compiled from below	707
Zingiberaceae	Curcuma caesia Roxb.	$\vdash$		W.A. A. A.
Zingiberaceae	Curcuma domestica Valet.		<del></del>	700,1.1
Zingiberaceae		**	Common turmeric	
Zingiberaceae	Curcuma longa Ra.			777, 700, 717
Zingiberaceae	Curcuma sp.		Turmeric	700
Zingiberaceae	Curcuma tinctoria Gui.			TV1.01
Zingiberaceae	Curcuma zedoaria Rosc.  Eletteria cardamomum White &	**	Cardamon	700,171,1.7,07 777,777,777
Zingiberaceae	Maton			
	Eletteria sp.			r.

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Zingiberaceae	Zingiber officinale Rosc.		Common ginger	mm : 178
Zingiberaceae	Zingiber sp.		Ginger	175
Zingiberaceae	Zingiber zerumbet Rosc.			171
Zygophyllaceae	Fagonia cretica L.			VI VI
Zygophyllaceae	Peganum harmala L.	•	Harmel peganum African rue	779.715.117
Zygophyllaceae	Tribulus terrestris L.		Puncture rine	TEA . TI 9 . 1 1A

## كتابنامه:

## فارسى:

ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. قانون در طب، ترجمه عبدالرحمــن شــرفکندی، چــاب چــهارم ، انتشارات سروش ۱۳۹۸ (هـ – ش).

ابن سينا، ابو على الحسين بن على. طبيعت، نشر دانش.

اژدری، اسماعیل . مجموعه طب سنتی، (۱۳۷۰ ه - ش) ، انتشارات باربد مشهد.

افشار، ایرج. پزشکی سنتی مردم ایران، (۱۳۷۰ ه - ش).

امیری، منوچهر . فرهنگ داروها و واژه های دشوار تحقیق در باره کتاب الابنیه عن حقایق الادویه، (۱۳۵۳ م - ش) ، انتشارات بنیاد فرهنگ.

امین، غلامرضا . گیاهان داروئی سنتی ایران ، (۱۳۷۰ ه - ش)، موسسه پژوهشهای گیاهان داروئی ایران دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.

انصاری، علی بن حسین معروف به حاج زین الدین عطار. اختیارات بدیعی، (۱۰۲۳ ه – ق)، آستان قدس رضوی شماره ۱۳۱۰۵.

بهرامی، حسینعلی. فرهنگ گیاهی ، (۱۳۲۹ه - ش).

پارسا، احمد . دارونامه ، از نشریات موزه علوم طبیعی ، چاپخانه دانش.

تاج بخش، حسن . تاریخ دامپزشکی ایران، (۱۳۷۵ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.

جرجانی، اسماعیل. خفی علائی ، (۵۰۱ ه – ق)، به کوشش علی اکبر ولایتی ، محمود نجم آبتدی انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ ه – ش.

جرجانی، اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی ، (۵۰۶ ه - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

حویزی، عبداللطیف. بیماری ها و درمان گیاهی، (۱۳۷۰ ه - ش) ، انتشارات کتاب آفرین.

خسروی، سید مهدی . گیاهان داروئی و نحوه کاربرد آن برای بیماری های مختلف در طب سنتی، ۱۳۷٤ ه - ش) ، نشر محمد.

خلخالى، كاظم. ترجمه طب الرضا عليه السلام و طبب الصادق عليه السلام، علامه عسكرى، انتشارات رئوف.

دهخدا، على اكبر. فرهنگ دهخدا، (١٢٥٨ ه - ش)، موسسه لغت نامه دهخدا.

رجب نیا، مسعود. (ترجمه کتاب ) تاریح طب اسلامی ، ادوارد بسروان (۱۳۷۱ ه - ش)، انتشارات علمی فرهنگی.

رنگجی، غلامحسین. گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، (۱۳۷۳ ه - ش)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زاهدی، اسماعیل. واژه نامه گیاهی، (۱۳۳۷ ه - ش) ، انتشارات دانشگاه تهران.

زرگری، علی. گیاهان داروئی، جلد ۱ تا ۵، ( ۱۳۶۲ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.

زمانی، ساعد. ترجمه گیاهان داروئی ، ژان ولاگ ، (۱۳۷۹ ه - ش)، انتشارات ققنوس.

سزگین، فواد. تاریخ نگارش های عربی، جلد ۳ و ٤، (۱۳۸۰ ه - ش)، سازمان چاپ و انتشارات و زارت فرهنگ و ارشاد.

شمالی، مهرداد. واژه نامه گیاهی، (۱۳۲۹ ه - ش)، انتشارات عمید.

صفى پور، عبدالرحمن بن عبدالكريم . منتهى الارب ، (١٣٧٧ ه - ق)، تهران.

عطار یزدی، میر حسین. نسخه حکیم طب قدیم، (۱۳۲۹ ه - ش) ، انتشارات جاوید.

عقیلی علوی، محمد حسین. قرابادین کبیر، (۱۱۸۹ ه - ش)، انتشارات کتابفروشی محمودی.

فهرست نسخ خطى كتابخانه آستان قدس رضوى.

فهرست نسخ خطى كتابخانه مجلس شوراي اسلامي.

فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

کریمی، هادی. اسامی گیاهان ایران ، (۱۳۷۶ ه - ش) ، مرکز نشر دانشگاهی.

مصطفوی، حسن. مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین، انتشارات دانشگاه تهران.

مظفریان، ولی الله. فرهنگ نام های گیاهان ایران، (۱۳۷۵ ه – ش) ، انتشارات فرهنگ معاصر.

معين، محمد. برهان قاطع ، (١٣٦٢ ه - ش) ، انتشارات امير كبير.

مومن دیلمی تنکابنی، محمد. تحفه ، با مقدمه محمود نجم آبادی، (۱۳۳۰ ه - ش)، کتابخانه مصطفوی.

میر حیدر، حسین.. گنجینه اسرار گیاهی، جلد ۱ تا ۳، (۱۳۶۳ ه - ش)، انتشارات وحید.

میر حیدر، حسین . معارف گیاهی، جلد ۱ تا ۸، (۱۳۷۳ ه - ش)، نشر فرهنگ اسلامی.

نجم آبادی، محمود. تاریخ طب در ایران، ج ۱ و ۲، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.

نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا). **پزشکی نامه،** (۱۳۱۷ هـ - ق)، خط عبد الله قزوینی، تهران.

هروی، قاسم بن یوسف ابو نصر. ارشاد الزراعه، به اهتمام محمد مشیری ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱ ه - ش.

هروى، موفق الدين على . **الابنيه عن حقايق الادويه**، (٣٥٠ ه - ق) به تصحيح احمد بهمنيار ، انتشارات دانشگاه تهران ١٣٧١.

يوسفى، غلامحسين. ترجمه تقويم الصحه ابن بطلان بغدادى، (اوايل قرن ششم) ، انتشارات علمى و فرهنگى.

## منابع غير فارسى:

### ١-عربي:

ابن مراد ، ابراهيم.. المصطلح الاعجمى، ج ١ و ٢ ، (١٩٨٥ م)، دار الغرب الاسلامى.

اخوینی البخاری، ابو بکر ربیع بن احمد . هدایه المتعلمین، به اهتمام جلال متینی، انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۷۱ ه - ش.

ابن بيطار المالقي، ابي محمد عبد الله احمد بن محمد . الجامع، (٦٤٦ ه - ق).

ابن بيطار المالقى، ابى محمد عبد الله احمد بن محمد. تنقيح الجامع ، (٦٤٦ ه – ق)، دارا لغرب الاسلامي.

ابن بيطار المالقى، ابى محمد عبد الله احمد بن محمد .تفسير كتاب دياســـقوريدوس ، (٦٤٦ ه - ق )، تحقيق ابراهيم بن مراد، دار الغرب الاسلامى ، ١٩٨٩ م.

ابن جزله بغدادی، یحیی بن عیسی . منهاج البیان فی مستعملات انسان ، (۱۱۰۹ ه - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۳۹۹.

ابن جوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی. الطب النبوی صلوات الله علیه و اله، (۷۵۱ ه -ق)، دار الفکر.

ابن سينا، ابو على الحسين بن على . قانون في الطب، جلد ١ الى الرابع، (٤٢٨ ه – ق) ، موسسه عـز الدين ١٤١٣ هجري.

ابن قريب الاصمعى، ابو سعيد عبد الملك. النبات ، (١٢٨ ه - ق) ، با تحقيق عبدالله يوسف الغتيم، مكتبه المبتنى شارع الجمهوريه القاهره - ١٩٧٢ م.

ابن مراد، ابراهیم . بحوث فی تاریخ الطب و الصیدله عند العرب ، (۱۹۹۱ م)، دار الغرب الاسلامی. ابن منظور، الافریقی . لسان العرب، (۷۱۱ه – ق)، اعداد و تصنیف یوسف الخیاط، بیروت.

الاشبیلی، ابی الخیر. عمده الطبیب فی معرفه النبات ، (قرن ششم هجری)، دار الغرب الاسلامی. ابن محمود، احمد.. مجموعه، (۱۲۷٤ ه – ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۹۸۶.

ابن سليمان، اسحاق . الاغذيه و الادويه، (٣٢٠ه - ق) ، موسسه عز الدين تحقيق دكتور محمد الصباح.

اسرائيلي قرطبي، ابو عمران موسى بن عبيد الله . شرح اسماء العقار، باهتمام ماكي ميرهوف، قاهره اسرائيلي قرطبي، ابو عمران موسى بن عبيد الله . شرح اسماء العقار، باهتمام ماكي ميرهوف، قاهره اسرائيلي

انطاکی، شیخ داوود . **تذکره،** (۹۵۰ ه – ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۷۱۰.

انيس، ابراهيم .المعجم الوسيط، (١٩٧٢ م)، مجمع اللغه العربيه بالقاهره.

بیرونی، ابو ریحان . صیدنه ، (٤٤٠ ه - ق)، با تصحیح عباس زریاب ۱۳۷۰.

جزايرى، عبدالرزاق محمد بن حمدوش. كشف الرموز في شرح العقاقير و الاعشاب، (١١٦٣ ه - ق) ، دار الكتب العلميه بيروت.

حايك، ميساك. موسوعه النبات الطبيه المعجم ، الاول الى الرابع، (١٩٩٢ م)، مكتبه اللبنان .

خراساني، سيد حسن . طب الامام الرضا عليه السلام، (١٣٨٥ ه - ق)، منشورات الكليم الحيدريم و مطبعه النجف.

خليلى، محمد. طب الامام الصادق عليه السلام، (١٣٨٩ ه – ق)، منشورات الكليه الحيدريه و مطبعه النجف. خوئى، شافعى يوسف بن اسماعيل. ما لايسع الطبيب جهله ، (١٠٦٧ ه – ق) ، كتابخانه آستان قــدس، شماره ٢١٦٥.

دينه ورى، ابو حنيفه احمد داود بن ونند . النبات، ( ٢٨٢ ه - ق)، المعهد العلمى الفرنسي لآثار الشرقيه بالقاهره.

رازی، محمد بن زکریا. اسرار و سر الاسرار با تجارب شهریاری، ( ۲۵۱ ه – ق) ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه ۱۳٤۳ ه –ش.

رازی، محمد بن زکریا. الحاوی، ج ۱ و ۲۲، ( ۲۵۱ ه - ق) ، باهتمام شرکت داروسازی الحاوی ۱۳۷۲ ه -ش.

رازی، محمد بن زکریا. خواص الخاص، نسخه خطی آستان قدس، شماره ۱۰۳.

رفعت، محمد. الموسوعه الصحيه العلاج بلاعشاب، (١٩٩٥ م)، موسسه عزالدين.

رواجبه، عايده احمد. اسرار الطب العربي و الحديث، (١٤١٦ه – ق)، دار ابن زيدون.

سنكرى، محمد نذير. ابحاث الموتمر السنوى الاولى لتاريخ العلوم عند العرب، (١٩٧٧ م) ، معهد التراث العربي جامعه حلب.

سنكرى، محمد نذير. ابحاث الموتمر السنوى الثالث لتاريخ العلوم عند العرب، (١٩٨٠ م) ، معهد التراث العربي جامعه حلب.

سنكرى، محمد نذير. ابحاث الموتمر السنوى الثانى لتاريخ العلوم عند العرب، (١٩٧٩ م) ، معهد التراث العربى جامعه حلب.

شبر، عبدالله . طب الائمه ، (١١٨٨ ه - ق) ، الارشاد لطباعه و النشر بيروت – لندن.

شيرازي، قطب الدين. قوانين الطب، كتابخانه آستان قدس رضوي، شماره ١٣١٥.

عبد الرحيم، محمد. الاعشاب و النباتات الطبيه و الاغذيه فسى تفسير الاحسلام، دارالفكر بـيروت ، (١٤١٧ هـ – ق).

غالب، ادوار. الموسوعه في علوم الطبيعه، ج ١ تا ٣، (١٩٦٥ ميلادي)، مطبعه الكاتوليكيه بيروت.

غساني، ابوالقاسم بن محمد بن ابراهيم معروف به وزير. حديقه الازهار ماهيـــه العشــب و اللعقــار ،

(٨٩٨ ه - ق) تحقيق محمد العربي الخطابي ، دار الغرب الاسلامي.

قبینسی، احسان . الطب العربی المعروف تذکره السویدی ، شرح و تعلیق محسن عقیل ، دار المجتبی بیروت، ۱۹۹۵ م.

کرمانی، حاج محمد کریم . حقایق الطب، (۱۲۹۵ ه – ق)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۱۷۳ ه.

مرعشلی، ندیم و مرعشلی، اسامه. الصحاح فی اللغه و العلسوم، ج ۱ و ۲ ، ( ۱۹۷۶ م)، دار الحضاره العربیه - بیروت.

ابن منصور، مهران. الحشایش ، (شرح کتاب دیسقوریدوس)، (قرن ششم هجری)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.

میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد. السامی فی الاسامی ، (۲۰۱ ه – ق)، انتشارات بنیساد فرهنگ ایسران ۱۳٤۵ ه – ش.

هروی، محمد بن یوسف. بحرالجواهر، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥٠٥٠.

هروی، محمد بن يوسف. **جواهر اللغه** (۱۲٤٥ ه – ق)، كتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٧١ .

هروى، محمد بن يوسف و ابن علينقى، شريف محمد جامع الفوائد ، فوائد الاخبار، زاد المسافرين

(۱۲۵۸ ه – ق)، نسخ خطی آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۳۱۱.

ياقوت حموى، شهاب الدين. معجم البلدان، مصر، ١٣٣٤ هـ - ق .

# ٢ - لاتيني:

CHENALLIER A. 1996. ENCYCLOPEDIA OF MEDICINAL PLANT ,DORLING KINDERSEY.

CHIEJ ROBERTO. 1982. LES PLANTES MEDICINALES, GIUSEPPE MAZZA.
FORSKAL PETRUS. 1775. FLORA EGYPTIACO – ARABICA, HAUNIE.
GHAREMAN A. 1999. BIODIVERSTYS OF PLANT SPECIES IN IRAN, TEHRAN
UNIVERSITY PUBLICATION.

GHOPRA R.N.& NAYAR S.L.& CHOPRA I.C. 1956. GLOSSARY OF INDIAN MEDICINALPLANTS, COUNCIL OF SCIENTIFIC.

GUEST E. 1966. FLORA OF IRAQ, PUBLISED BY THE MINSTRY OF AGRICULTURE OF THE REPUBLIC OF IRAQ.

HASAN KAMAL. 1975. ENSYCLOPAEDIA OF ISLAMIC MEDICINAL, GENERA EGYPTYIAN BOOK ORGANIZATION.

HOOKER & JAKSON. 1895. INDEX KEW ENSIS VOLOM 1 & 2, OXFORD.

LAUFER BERTNOLD. 1873. SINO-IRANICA, FIELD MUSEUM OF NATURE

MACURA P. 1979. ELSIVER'S DICTIONARY OF BOTANY I. PLANT NAMES, ELSIVER SCIENTIFIC PUBLISHING COMPANY, AMSTERDAM-OXFORD-NEW

MAHDIHASSAN S. 1984. BAZAR DRUGS AND FOLK MEDICINE IN PAKISTAN , HAMDARD FOUNDATION PRESS.

MIKI, HOND, USMNGHANI. 1986. HERB DRUGS AND HERBALIST, INSTITUTE FOR THE STUDY OF LANGUAGES AND CULTURES OF ASIA AND AFRICA. PANGLOX D. 1987. MEDICINAL PLANT BANGKOK & THAILAND, EXHIBITION COMMITTE.

PARSA A. 1960. FLORA DE L'IRANS, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION. RECHINGER K. 1976. FLORA OF IRAN.

ROBERT T. 1934. THE GREEK HERBAL OF DIOSCORIDES, OXFORD. TAHMIJAH H. 1983. WILD PLANTS OF QATAR, ARAB ORGANIZATIN FOR AGRICULTURAL DEVELOPMENT.

# Matching The Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology

## Vol 1

- A History of Medicinal Plants
- The Methodology For Using Ancient Medicinal Plant Texts And Sources
- The Old Medicinal Plant Names
- The Terminology And Old Names in The Identification of Scientific Names For Plants

## by Ahmad Ghahreman

Professor of Botany Faculty of Science Tehran University

#### Ahmad Reza Okhovvat

Academic Member of Biology Group Faculty of Science Tehran University